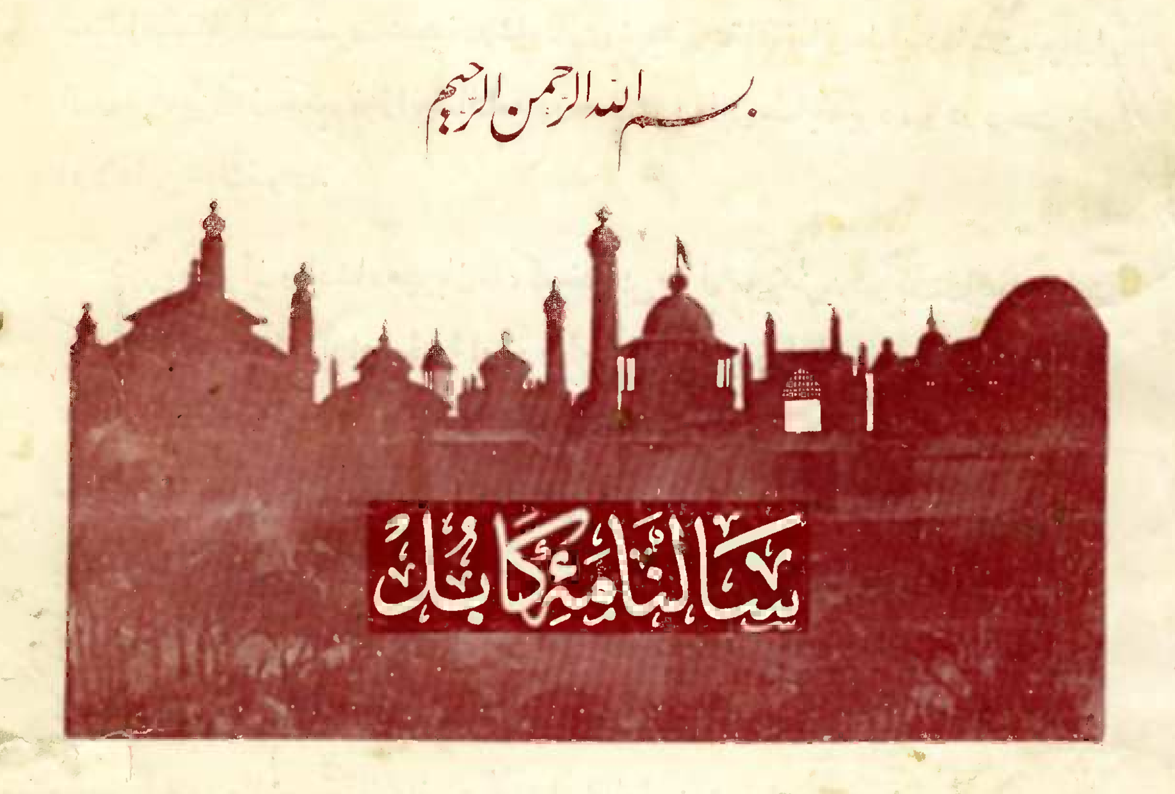
بسم الله الرحمن الرحیم



مقدمه

بعون و عنایت ایزد متعال و بمساعدت و توجهات عرفان پرور حکومت معظم مهربان که مخصوصاً در این عصر درخشنده وطن عزیز ما درهر رشته نایل ترقیات و واجد انواع خوشبختی و بهبودی میشود، به نشر چهارمین سالنامهٔ کابل توفیق می یابیم.

نشر سالنامه های کابل که از آغاز سال ۱۳۱۲ الی حال بحمد الله در کشور ما مفید واقع شده اینخطهٔ پاک از آن خیلی استفاده کرده اند، باید اذعان نمود که اجرا و بنای این از توجهات وطن خواهانه و افکار حکیمانهٔ شهریار فقید و پادشاه دانای

سعید افغانستان اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی شهید رحمة الله تعالی علیه بوده است. چه قبل از عهد همایون آن حکیم فرزانه سالنامه در کشور ما بی سابقه بوده و در دست رس اولاد این خاک نبود.

شهریار جوان و پادشاه مهربان ما، که خدایش طول عمر ومزید شوکت و اقبال عنایت کند، طوریکه دراجراو ادارهٔ همهٔ امور وطن تأسی بوالد بزرگوار خود میفرمایند، امور عرفانی اینخطه را نیز پرورش داده و با توجهات مخصوصی در ترقی و اعتلای هر شعبه بذل مساعی میفرمایند، که امور راجعه بانجمن ادبی کابل و این همه توفیقاتیکه خدام این انجمن راجع به پیشرفت کار خود حاصل کرده، مرهون و مدیون همین توجهات و عواطف پدرانهٔ تاجدار جوان خود میباشد. درقبال مراحم و مساعدت حکومت مهربان خود انجمن ادبی که خود را مستغنی از هر زحمت و مانعی میدانست لهذا تغیر موقع انتشار سالنامهٔ کابل را در نظر گرفته و مناسب چنان دانست که آنرا سالنامهٔ سنوی قرار داده در برج حمل هر سال نشر نماید. اینست که بتوفیقات کاملهٔ ایزدی، درین سنه مطابق مقصود به نشر آن اقدام ورزیده و بعد ازین سالنامهٔ ما در جملهٔ نشرات انجمن ادبی نسخهٔ مستقلی بشمار خواهد بود.

ضمناً از فضلا و محترمینیکه سالنامهٔ ۱۳۱۳ ما را تقدیر نموده و آن ذوات عزیزیکه بما کمک قلمی فرموده اند متشکر و ممنون بوده سعادت و موفقیت شان را از خدای متعال رجا می نمائیم. (انجمن)



١٣١٢.

ومحترم خود از هر جهت بدرستی اداره فرموده کمال فعالیت وقابلیت ذات ملوکانهٔ خویش را بمنصهٔ شهود رسانیدند.

ودر غیبت وزیر معارف افغانستان ذات شاهانه ازطرف اعلیحضرت شهید نیزبوکالت وزارت معارف تعیین شده وامور وزارت موصوفه را ترتیب وانتظام خوبی بخشیدند.

اعلیحضرت محمدظاهر شاه باوجود سن جوان یك ذات فعال، عفیف، متدین وطن دوست ومتواضع، حلیم، متحمل بوده دارای ذکاوت وهوش سرشاری میباشند وبه تمام صفاتیکه ما بوجود مبارك این شهریارجوان خودسراغ داریم یگانه فرزند پیرو وخلف الصدق پدر بزرگ خود بوده ودرتمام ایام شهزادگی از حسن اخلاق وگذاره وسلوك خیلی شریفانهٔ خود نسبت به مادونین وسائرافراد ملت تجارب شیرین وخوشگواری داده ودر امور ادارهٔ این دو وزارتخانهٔ مهم ودوزهٔ تحصیلات ذات همایونی خویش بدرستی ونهایت خوبی از عهده برآمده اند وامروزکه خداوند متعال زمام ادارهٔ این کشور را بکف باکفایت شان سپرده است، باماموریِن لایق عهد پدرشهید خود بامراعات خیلی شریفانه پیش آمده وتماماً روش نیکو وخصائل برجسته ومعقول اعلیحضرت پدرشهید خود شان را پیروی مینمایند.



تعهد نامهٔ

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

بمجلس شورای ملی

امروز که اینخادم اسلام به فضل خدای قادرمتعال و اتفاق ملت عزیزم به پادشاهی افغانستان انتخاب وسلطنت ما ازطرف جمهورطبقات ملت تائید شده براساس مادهٔ (٦) اصولنامهٔ اساسی مملکت حاضر شده ایم عهدنامهٔ راکه قبول وتعهد آن بماتوجه میشود بمحضر شما نمایندگان ملت قرائت کرده وصورت کتبیآنرا بنام سعادت مملکت امضانمائیم :

به خدای عظیم وقرآن کریم عهدمی کنیم که دراعمال وافعال خود، خداوند جل شانه را حاضر وناظر دانسته بحظاظت دین مبین اسلام واستقلال افغانستان وحفظ حقوق ملت وحراست وترقی وسعادت وطن به اساس شرع متین محمدی (ص) ومقررات اصول اساسی مملکت سلطنت نمایم، وبه برکت روحانیت مقدس اولیای کرام رضیالله تعالی عنهم برای خود استمداد مینمایم .



بیعتنامهٔ وکلای دارالشورای ملی

بحضور اعلیحضرت همایونی

بسم الله الرحمن الرحیم

به پاس خدمات و فدا کاریهای اعلیحضرت سعید شهید محمد نادر شاه غازی طاب‌الله ثراه وجعل‌الجنة مثواه که این مرد بزرگ برای استقلال و نجات وطن و همچنان ازآغاز جلوس و زمامداری سعادت مندانهٔ خویش تا دقیقهٔ آخرین حیات شرافت مندانه اش در راهٔ حصول سعادت دینیه و دنیویه و حفظ شئونات ملیه وآسایش عمومیهٔ ملت افغانستان ابراز و حیات قیمتدار بزرگوارانهٔ خود را برای استحصال این مقاصد عالیه فدا نموده، هیئت شورای ملی اصالتاً و از طرف مؤکلین خود ها که عبارت ازافراد طبقات ملت افغانستان است وکالتاً به اساس دینی و اسلامی که تعیین اولی الامر فرض ذمهٔ ملت است و بموجب اصل (٥) اصول اساسی مملکت اعلیحضرت عزیز ملت محمد ظاهر خان خلف ارشدصالح وسعادتمند ومحبوب اعلیحضرت امیر شهید محمد نادرشاه را لیاقتاً واستحقاقاً بحیث اولی الامر به امارت سلطنت جلیلهٔ افغانستان قبول و بحضور شاهانهٔ شان طوعاً وصمیماً بیعت مینماید، و قراریکه اعلیحضرت محمد ظاهر خان بمواجهه هیئت شورای ملی و اشراف واعزه و اکابر ملت این ودیعهٔ شریفهٔ امارت را قبول و تعمیل مفاد اصل (٦) اصول اساسی را تعهد فرموده اند ملت افغانستان امیدوار و مترصد است که اعلیحضرت موصوف امور سلطنت مفوضهٔ خویش را مطابق احکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی رحمت‌الله علیه واصول اساسی مملکت اجرا نموده استقلال وطن وحقوق ملت را محافظه فرمایند، ازخالق متعال برای اعلیحضرت محمد ظاهر خان درانجام این مقاصد خطیر و مهم استعانت و توفیقات مزیده را مسئلت مینمائیم.

۳۵۷۲ ع
۱۱٤۸٤

۲۷ عقرب ۱۳۱۲
۳۰ رجب المرجب ۳۵۲

فرمان پادشاهی راجع به برقراری

ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب

ج ، ع ، ج عم محترم سردار محمد هاشم خان صدراعظم !

خدمات برجسته وجان نثاریهای قابل قدریکه شما درراهٔ سعادت و نجات وطن وادارهٔ امور آن در ادوار گذشته وهنگام انقلاب مخصوصاً ایام عهده داری تان به صدارت عظمی به اثبات رسانیده اید یك بیك باعث آبادی واعتلای این وطن تسلیم گردیده وطوریکه معلوم است خیراندیشی وکاردانی تان ذریعهٔ خوشبختی افغانستان وبرای مقدرات این مملکت عامل مؤثری شمرده میشود، لهذا شمارا که درنظرملت قدردان مابخداشناسی ووطن خواهی معروف وهم مورد اعتماد عامه میباشید مجدداً برتبهٔ رفیعهٔ صدارت عظمای افغانستان مقررومنظور نموده امرواراده میفرمائیم که خودرا صدراعظم سلطنت ماشناخته کابینهٔ خود را بحضور ما معرفی وبعون الله تعالی اجراآت مملکت داری را مطابق اصول موضوعه الآن کما کان اشغال نمائید.

نومره $\frac{۲۹۰۱}{۱۳۸۹۲}$ ۳۰ عقرب ۱۳۱۲

معرفی کابینهٔ دولت

بحضور اعلیحضرت همایونی

بحضور مبارك اعلیحضرت شهریاری!

اززیارت فرمان مبارك همایونی نمبر ($\frac{۳۵۷۲}{۱۱۴۸۴}$) تاریخی ۲۷ عقرب که نظر بحسن ظن ذات شاهانهٔ شان خدمات ناچیزانهٔ زمان انقلاب ودورهٔ حکومت **اعلیحضرت شاه شهید سعید** فدائی را تقدیر وبه رتبهٔ رفیعهٔ صدارت عظمای افغانستان منظور و **بمعرفی اعضای کابینه** ماموره فرموده اند شرف افتخار حاصل داشته کابینه ام را ذیلاً بحضور مبارك ملوکانه معرفی مینمایم:

ع، ج، ا، ا شاه محمود خان : وزیر حربیه.

» » فیض محمد خان : » امور خارجیه.

» » ا، ا محمد گل خان : » داخلیه.

» » فضل احمد خان سابق معین عدلیه: » عدلیه.

» » احمد علی خان : » معارف.

» » میرزا محمد خان : » تجارت ووکیل وزارت مالیه.

» » الله نواز خان : » فوائد عامه.

ج محمد اکبر خان : مدیر مستقل طبیه.

» رحیم الله خان : » » پست، تلگراف، و تیلفون.

اعضای کابینه ذواتی اند که درفوق معرفی شد، خود نداتی و عموم اعضای کابینه عهد مینمائیم که وظائف انفرادی و مجموعی خودها را بکمال صداقت وجان نثاری مطابق اصول مرضوعه وخط مشی ملوکانهٔ اعلیحضرت ایفا نموده ازخداوند توفیق کامله را درحسن اجرای وظائف خود خواهانیم.

خط مشي حکومت اعلیحضرت

محمد ظاهر شاه

ج ، ع ، ج عم محترم محمد هاشم خان صدر اعظم !

خط مشی حکومت جدیدهٔ ما بر طبق مقررات شرع مطهر و ترویج او امر دین مبین محمدی صلی الله علیه و سلم بر وفق خط مشی اعلیحضرت شهید و الد مرحوم ما ست که به عون الله تعالی در مملکت عزیز اسلامی ما بهمان اساس همه امور جریان پذیر میگردد ـ و هکذا سیاست امور خارجهٔ این مملکت بر طبق معاهدات دورهٔ سلطنت اعلیحضرت شهید موصوف با دول متعاهده کما کان ادامه خواهد داشت.

خط مشی حکومت اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید

اول — حکومت موجوده موافق باحکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی امور مملکت را اداره و اجرا خواهد کرد و برای اینکه شریعت غرای محمدی (ص) در امور مملکتی قائم و دائم باشد ریاست شورای ملی و وزارت عدلیه مسئول میباشند و شعبهٔ احتساب از امور لازمی این حکومت است، بیك صورت منظم این شعبه دائر خواهد شد، موافق باحکام دین الهی افغانستان بدون امتیاز قومیت ونژاد باهم برادر و در حقوق مساوی یکدیگر شناخته می شوند، حجاب در افغانستان موافق بدین و شریعت محمدی صلی الله علیه و سلم قائم خواهد بود.

دوم — منع رشوت وشراب نوشی ـ درحال ما مورین حکومت از هر مدار جیکه باشند در وزارت عدلیه به قران عظیم الشان عهد خواهند نمود که هیچگاه رشوت و هدیه از اهالی نمی گیرند و بپاك نفسی وپاك دامنی خدمت خلق الله را اجرا می کنند وبدولت متبوعه

خویش ازامروزببعد خیانت مالی یاعملی نمی نمایند وصادقانه بوظیفهٔ خویش می پردازند جزای شراب نوشی موافق به شریعت محمدی (ص) داده خواهد شد فروش ظاهر وخفیهٔ شراب درتمام افغانستان ممنوع است اهالی بساختن شراب مجاز نیست در خانهٔ که شراب ساخته شود یا دکانیکه شراب بفروشد دولت چون تحقیق کرد وبه ثبوت رسید ضبط می شود واشخاص جزای شرعی خواهند دید اگر به مامورین حکومت ثابت شد که شراب می نوشد علاوه ازجزای شرعی از ماموریت طرد می شود، تبعهٔ خارجه ازین حکم مستثنی است.

سوم — امورحربیهٔ افغانستان برای حفظ استقلال ونگهداشت امنیت مملکت: — حکومت موجوده میخواهد یك قشون منظم با اسلحهٔ ساخت جدید تشکیل کند ونهایت توجه باین مسئله که حیات وممات افغانستان وابستهٔ اوست صرف می نماید و برای اینکه صاحبمنصبان نظامی ما تعلیم یافته شوند واز علوم وفنون حربی دنیای متمدن واستعمال آلات وادوات حرب بدانند مکتب حربیه زود اززود تشکیل وترتیب میگردد، مسئلهٔ گرفتن عسکر صورت قومی وخوش برضا جاری می شود.

چهارم — ادامه وبرقراری واستحکام مناسبات افغانستان بادول خارجه:— مثل زمان امان‌الله خان مناسبات افغانستان بادول خارجه که جریان داشت جریان خواهد کرد وحکومت موجوده دوستی وسلوك مرغوب دول متحابه‌را نسبت به افغانستان آرزو وخواهش دارد وهم حکومت موجوده باتمام موجودیت خود برای حفظ واستقلال افغانستان وارائه کردن نظر دوستانه وخیر خواهانهٔ خویش بادول معاهدین حاضر وآماده است.

پنجم — امورداخله :— وزارت داخله درتعین حکام ومامورین ولایات وحکومتی‌های اعلی وکلان وباقی حکام اهتمام وتوجهٔ تام خواهد کرد که کار به اهل کار داده شود وفهرست مامورین خویش را به مجلس انتخاب خواهد داد تاغور وتحقیق کرده شود وهم برای ترمیم وتعمیم تیلفون وتلگراف سعی وکوشش خواهد نمود وانتظام پوسته را بصورت خوبترین وآسانترین تامین خواهد نمود برای ترمیم راه های عبورومرورموتر، گادی زود اززود توجه خواهد نمود.

ششم ـ مالیات را وزارت مالیه بصورت خوب اداره خواهد کرد وکوشش خواهد نمود که تمام ولایات اقساط مالیه را مثل سابق به خزینهٔ دولت تادیه کنند، محصولات گمرکی هم در گمرك جاهای ولایات مثل سابق گرفته میشود، باقیاتیکه در ملك مانده باشد بطریق مراعات جمع می‌شود اما تسهیلات داده خواهد شد تا اشخاص باقی ده خوار و پریشان نشوند و هم دولت دچار زحمت نگردد، آنچه حکومت های سابق نسبت به باقیات حکم معافی دراعلانها نموده‌اند منظور است.

هفتم — تجارت و زراعت: ـ افغانستان امروز از پیشتر بیشتر باین شعبه کار احتیاج دارد و میخواهد بادول ایران ایطالیا، فرانسه، بریطانیا، اتحاد جماهیر اشتراکیه، امریکا، بلجیم، جرمنی، جاپان وغیره دولیکه آرزو داشته باشند مناسبات تجارتی خودرا باز کنند وازدول متمدن درین راه استفاده نماید وراهٔ آهن را زود از زود آغاز کند و معادن افغانستان را بکار بیندازد، نهرهای آب برای زراعت تعمیر نماید حکومت موجوده میخواهد وسایل زراعتی دنیای متمدن را تااندازهٔ امکان درزراعت افغانستان تطبیق نماید.

هشتم — علم وفن برای ترقیات دینی و دنیوی افغانستان از اهم ضروریات شمرده میشود وحکومت حاضره اینمسئله را خیلی اهم میداند، هر وقتیکه شورای ملی تشکیل ووکلای ملی جمع شوند امیداست راهٔ خوبتری نسبت باینمسئله یافته شود که تاملت خودرا برای حفاظت خویش علماً مستعد ساخته بتواند.

نهم — شورای ملت: ـ وکلای ملت ازتمام اهالی بمرکز میرسند، صورت انتخاب بطورسابق بوده وکلارا اهالی ازدانشمندان وعلما وصادقان وبهی خواهان که ملت برآنها اعتماد کلی داشته باشد انتخاب خواهند کرد ووزرای دولت وحکام، مسئول وکلای ملت خواهند بود ریاست شورا حق تفتیش خواهدداشت، ورئیس شورای ملت ازطرف وکلای ملت انتخاب میشود.

دهم — صدر اعظم بانتخاب ومنظوری شاهانه تعین میشود، وصدراعظم کابینهٔ وزرا را تشکیل کرده بحضور شاهانه معرفی می نماید ومنظوری حاصل می کند.

تعزیت و تهنیت کور دیپلوماتیک

بحضور اعلیحضرت همایونی

بیانیهٔ ع، ج شیخ السفرا

اعلیحضرتا،

ازطرف همقطاران محترم وازجانب خودم، افتخاردارم باعلیحضرت شما عمیق ترین احساسات همدردی ومراتب تسلیات مانرا درسوگواری عظمی‌اعنی فقدان وضیاع اعلیحضرت پادشاه محمد نادرشاه که اعلیحضرت شما وافغانستان را متالم گردانیده است، تقدیم داریم.

امیدواریم که تمام این همه مظاهرات همدردانهٔ که با اعلیحضرت شما ازهمه اطراف میرسد الم واندوهٔ شمارا تااندازهٔ تسکین وبارطاقت وتوان فرسائی‌راکه بااعلیحضرت شمانسبت باین سانحه تحمیل میشود، تخفیف نماید، اعلیحضرت شمارا درین موقع جلوس تان به تخت افغانستان سلام نموده آرزوهای دوستانهٔ مانرا که برای ترقی وپیشرفت کامل تمام امور وکارروائیهائیکه بمقصد تحکیم دولت افغانیه واستقلال آن و سعادت ملت افغان دارند، ابرازواظهار میداریم.

نطق اعلیحضرت بجواب شیخ السفرا

جناب شیخ السفرا؛

ازاحساسات همدردی شما وهمقطاران محترم تان که درین موقع غم انگیز سانحهٔ شهادت پدرمعظم مانسبت بما ابرازفرمودید کمال تشکرداریم.

فی الحقیقت این صدمهٔ جانکاه برای ما ومملکت مااسباب آنچنان کدورت وتاثیراتی است که فراموش نخواهدشد، اماخیلی خوش وقتیم که معاضدت و وفاداری بسیارصادقانهٔ ملت ما وهم مظاهرات پرلطف دول دوست ومتعاهد افغانستان، موجب تخفیف این صدمهٔ ناگوار واقع وتاحدی باعث تسلی ماشده است.

ضمناً ازاظهارات دوستانه ونیات خیرخواهانهٔ تان نسبت بجلوس ما به تخت شاهی افغانستان اظهار قدردانی وامتنان نموده ازاینکه باتائیدات الهی که آرزوی یگانهٔ ما تشئید وتائید مناسبات صمیمانهٔ افغانستان مستقل بادول دوست اوست، بشما اطمینان داده خواهشهای نیک خودمانرا برای سعادت ملل وممالك شما اظهار میداریم.

واقعهٔ شهادت اعلیحضرت

شاه شهید محمد نادر شاه غازی

پادشاه فقید افغانستان

پادشاه نجات بخشا ، شهریار ترقیخواه ، محصل یگانهٔ استقلال وطن ، احیا کنندهٔ شئون ومفاخر تاریخی افغانستان ، تاجدار علم و ادب پرور ، مربی ومروج تمدن صحیح عصر ، خادم ودوستدار شریعت اسلام ، فرزند فوق العادهٔ افغانستان « اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی » وآن وجود شریف وگرامیکه تمام آرزوها وآمال مقدس ملی ما را گنجینهٔ بی پایان وبحر بی کرانی بود (شهید راهٔ محبت و خدمت وطن گردید) انا لله وانا الیه راجعون .

اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی را دست غدر و خیانت یکنفر غداری شهید کرده دوازده ملیون نفوس بیچارهٔ این کشوررا تعزیه دار گردانید ! همان شهریاریکه وطن پرور ، ملت نواز ، ترقیخواه ، دوستدار علم و ادب بوده تمام مدت حیات شریف وراحت و آسایش خود و خانوادهٔ نجیب خود را فدای خدمت و آسایش این ملت کرده بود !

اعلیحضرت محمد نادرشاه مدت سی سال تمام ازعهد اولین مرحلهٔ رشد وجوانی تارمق آخرین حیات مثل یك عاشق شیدا بوطن و ملت خود علاقه مندی داشته ، و پروانه وار بحول شمع وطن میگردید ، گاهی داخل صنف عسکر شده بنام کندکمشری ، غندمشری ، جنرالی ، نایب سالاری ، سپه سالاری برای بلندی شان و عظمت ملت و مملکت خدمت میکرد ، هنگامی بنام رئیس تنظیمهٔ مشرقی وخان آباد و غیره گرد مذلت و بدبختی را از چهرهٔ اهالی وطن شسته راحت و سعادت آنها را تأمین میفرمود ،



شهریار فقید افغانستان اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی آن شاه مظلوم وآن فرزند دلسوز و عاشق وطن بدرجهٔ شهادت فایض گردید، همان پادشاهیکه در راهٔ تحصیل استقلال افغانستان یك قائد نیرومند و برای نجات افغانستان ازآتش بیداد نفاق و شورش خانمانسوز گذشته جان عزیز خود و برادران و یك جمع کبار و صغار خانوادهٔ نجیب خودش را درمعرض تهلکه انداخته، جان، ناموس، سعادت و شرافت این ملك و ملت را تأمین کرده بود.

همان شهریار بزرگ و نیرومندی که بپاداش آن خدمات برجسته و بزرگ، بتقدیر و حق شناسی این ملت به اریکهٔ شاهی جلوس فرموده خزاین خالی مملکت را مملو ازسیم و زر، سامان و اسباب تاراج شدهٔ دولت را چند مراتبه زایدتر تکمیل و امنیت را در سرتاسر کشور قایم و اشرار را بکلی قمع کرده وتشکیلات عسکری، پولیس، معارف، مطبوعات انجمن های علمی، ادبی، دارالفنون، عمرانات، عمارات عالیه، شوسه‌ها، مخابرات، نقلیات، شفاخانه های حربی، دارالایتام، درالمجانین و بالآخره تمام لوازم مملکت وحوائج مهمه وضروریهٔ که یك ملت بآن محتاج است همه را بعملیات خارقه نمائی درظرف چهارسال و چند ماه مدت زمامداری خود تکمیل و مورداستفاده قرار داده بود، همان شهریار لایق ماراباالآخره درمحفلی که بروزچهارشنبه ۱۶ عقرب ساعت (۳) بعدازظهر به تقریب تقسیم انعامات برای طلاب افغانی درچمن مقابل قصر دلکشاه ترتیب داده شده بود و این شهریارمعارف پرور مطابق مرسوم همه ساله برای طلاب مکاتب شهر محض تشویق به علم و عرفان بدست حق پرست خود انعام داده ودست با عاطفهٔ پدری را بسر وروی هر کدام نوازش میداد، درچنین محفل شریف درچنین مجمع متبرك، در جائیکه ملایك آسمان بعلم دوستی و شفقت پدرانهٔ این شهریار نسبت باولاد افغانستان احسنت ورحمت میفرستاد! دفعتاً یك شخص ناپاکی موسوم بعبدالخالق تفنگچهٔ ازآستین غدروخیانت برآورده و سه زخم التیام ناپذیری بقلب وسینهٔ آنوجود مقدسیکه کعبهٔ آمال تمام ملت افغانستان بود وارد نمود.

اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی شهید و خانوادهٔ نجیب شان ازلحاظ شرافت برجسته گی اخلاق، خدمات مهمه وانواع فداکاری ها وجان بازی هائیکه بملت و کشور افغانستان نموده اندمحبوب خاص وعام این ملت بوده عساکر، مامورین، طلاب مدارس

وسایر طبقات هر کدام شان را چون جان عزیز خود دوست داشته و ابداً مایل نبوده و نیستند که اقلاً خاری بپای شان آذیت نماید، ولی بد بختانه برخلاف توقع وانتظار عموم اینچنین شخص نابکاری ارتکاب رذیلانه کرده و جلب بغض و نفرت عموم را نسبت بخود نمود. مراتب قدر شناسی و وفاداری این ملت حق شناس را خوانندگان عزیز درسطور آتی یعنی آغاز جلوس شهریار موجوده فرزند صالح و نجیب اعلیحضرت محمد نادر شاه فقید بخوبی میدانند.

پس ازان بروز دوم واقعهٔ شهادت مراسم تشییع جنازه و تدفین آن شهید راهٔ سعادت مملکت افغانستان که درروز پنجشنبه ۱۷ عقرب گرفته شده بود، درروز مذکوربدون آنکه از طرف دوائر رسمیه اعلا می شده باشد عموم طبقات فوج فوج و گروه گروه چون سیلاب مواجی در اطراف سرك سمت مشرقی ارگ وطول جادهٔ استقلال ووزارت حربیه و مسجد عیدگاه ــ با یك عالم تأثر واندوه دیده میشدند که ازتقدیم بیعت با علیحضرت محمد ظاهر خان درسلام خانه فراغت یافته وبطرف مسجد عیدگاه برای ادای نماز جنازهٔ آن شهید سعید راهٔ خدمت وطن می شتافتند، از جلو دروازهٔ شرقی ارگ الی مسجد عیدگاه و تپهٔ مرنجان افراد قطعات عسکری و صنوف متعددهٔ اهالی درحالیکه تماماً غوطه خوارامواج حزن واندوه والم فوق العاده بودند دیده می شدند. عساکر با فاصلهٔ مختصری از هم ایستاده و تفنگ های خودرا به علامت تعزیت معکوساً بدوش افگنده بودند - ومقرر گردیده بود که جنازهٔ آن پادشاه معظم و شهید راهٔ وطن به حمل موتر به مسجد عیدگاه (جهت ادای نماز جنازه) و ازآنجا بعد فن آبائی شاه شهید به تپهٔ مرنجان نقل داده شود، همان است که درساعت ۱۱ روز جنازهٔ آن شهید سعید به حمل موتریکه به اقسام گل ها تزئین شده ووقار وعظمت مخصوصی بخود گرفته بود، از ارگ خارج ودرحالیکه درجلو آن قطعات عسکری باعلم های شریف وبه عقب آن وزرا، معین ها، رؤسا واعضای مجلس اعیان وشورا، جمعیت العلما ومشائخ وصاحبمنصبان بزرگ نظامی وملکی با یك عالم اندوه وتأثر وآه وفغان آنرا مشایعت میکردند. به تأنی طرف مسجد عیدگاه بحرکت افتاد و درعرض راه برجنازهٔ مبارك شاه شهید ازهرطرف گلها نثار وغلغله های تکبیر وتهلیل آمیخته با غریو وفغان شنیده میشد، وبهمین ترتیب به ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه به دروازهٔ مسجد عیدگاه واصل ودرین موقع ازطرف قطعات عسکری بانوای

موزیکه و آداب عسکری ادای سلام و احترام گردیده و موتر حامل جنازهٔ آن شهید سعید جنت مکان درمیان غریو و فریاد و فغان عموم طبقات داخل محوطهٔ مسجد عیدگاه (که سرتاسر آن از منتظرین صلوة جنازهٔ شاهانه مملو بود) گردیده وبدوش صاحبمنصبان بزرگ نظامی و علمای محترم به محل ادای نماز جنازه نقل داده شد و نماز جنازهٔ آن شاه شهید سعید به جمعیت کثیری (که نظیر آن تاکنون درآنجا دیده نشده وگویا که ملائك از آسمان جهت اشتراك در نماز جنازهٔ ایشان نازل شده بود) به بهترین طرزی ادا گردید، درخاتمهٔ نماز جنازه و تلاوت ادعیهٔ طولانی کثیره برروح آن شاه سعید و ذکر آن محاسن ومزایای تاریخی واسلامی و خدا شناسی وملت پروری ووطن دوستی وخدمات عالی ذات شهریاری که درطول حیات درخشان شان برای ملك وملت افغانستان انجام داده اند واینکه آن جنت مکین طوریکه درین دنیای‌فانی پادشاه معزز و معظم بودنددر عقبی نیز درزمرهٔ سلاطین شهدا شامل شدند ولی افغانستان ازین ناحیه بواسطهٔ اقدام يك شقی سیه روزگار خسارهٔ زیادی کشید که تلافی آن بجز از ینکه مادست بیعت را بفر زندارشد این شاه شهید اعلیحضرت محمد ظاهر خان داده و بخاندان شریف ونجیب شان يك اخلاص واعتماد کاملی بدل می پرورانیم، بدیگر صورت ممکن نیست؛ از زبان حقائق ترجمان جناب مستطاب نورالمشائخ صاحب به لهجه وآهنگ مخصوص رقت آوری که عموم حضاررا به گریه درآورده بود؛ بیانات مهیج و مؤثر دیگری نیز ایراد گردید و عموم علما، فضلا، امنا، و معاریف ملکی و نظامی حتی عموم طبقات ملت مناقب و مزایای عالیهٔ اخلاقی ومراتب خدمتگذاری وجان نثاری ودیانت پروری وترقی خواهی آن شاه سعید و شهید را تذکرنمودند، بعد از ادعیهٔ کثیره بر روح مبارك آن شاه شهیدجنت مکان وبقای‌عمرو اقبال اعلیحضرت محمد ظاهر خان تاجدارجدید افغانستان بهمان تجلیل و احترامات فوق‌العاده جنازهٔ آن شاه شهید راهٔ سعادت و مفخرت مملکت افغانستان رابه موتر حمل و بطرف تپهٔ مرنجان با يك آداب و احترامات مجللی نقل دادند ـ لدی‌الوصول به دروازهٔ مسجد عیدگاه مجدداً قطعات عسکری مراسم سلام و احترامات شایانی راایفا کردند و موتر جنازه با تجلیل و وقارمخصوصی بحرکت

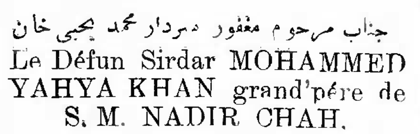
افتاد. برای اجرای مراسم تدفین آن تاجدار با فضل و تاریخی افغانستان، جمعیت کثیری ازطبقات مختلفه در تپهٔ مرنجان و اطراف آن مشاهده میشد، عندالورود به حدود مدفن جنازهٔ آن شهیدسعید به دوش علمای محترم و صاحب منصبان عسکری و معاریف ملی که هرکدام ازیکدیگر برای تشرف جستن بآن پیشی می گرفتند، به مدفن نقل و برطبق مقررات اسلامی، آن فخر تاجداران افغانی را که طول حیاتش را یك سلسلهٔ مجاهدات و خدمات تاریخی در راهٔ حصول سعادت خاك افغانستان تشکیل میداد و اخیراً در راه خدمت همین خاك جان عزیز خود را فدا ساخت بظهر پنجشنبه بخاك سپردند.

بعد ازختم فاتحهٔ چهل ذات همایونش درخواست مجازات قاتل ازطرف ملت شده وپس ازینکه قاتل نابکار و معاونین قتل محمود، عبدالله، اسحق خود شان درمحکمهٔ عدلیه بافعال شنیعهٔ خود اعتراف کردند عبدالخالق قاتل و محمود اعدام و عبدالله و اسحق محکوم بحبس دوام گردیدند.



جناب مرحوم مغفور سردار محمد آصف خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED ASSEF KHAN oncle de S. M. NADIR CHAH.





جناب مرحوم مغفور سردار محمد یحیی خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED YAHYA KHAN grand'pére de S. M. NADIR CHAH.



جناب مرحوم مغفور سردار محمد یوسف خان
Le Défun Sirdar MOHAMMED YOUSSOF KHAN pére de S. M. NADIR CHAH.

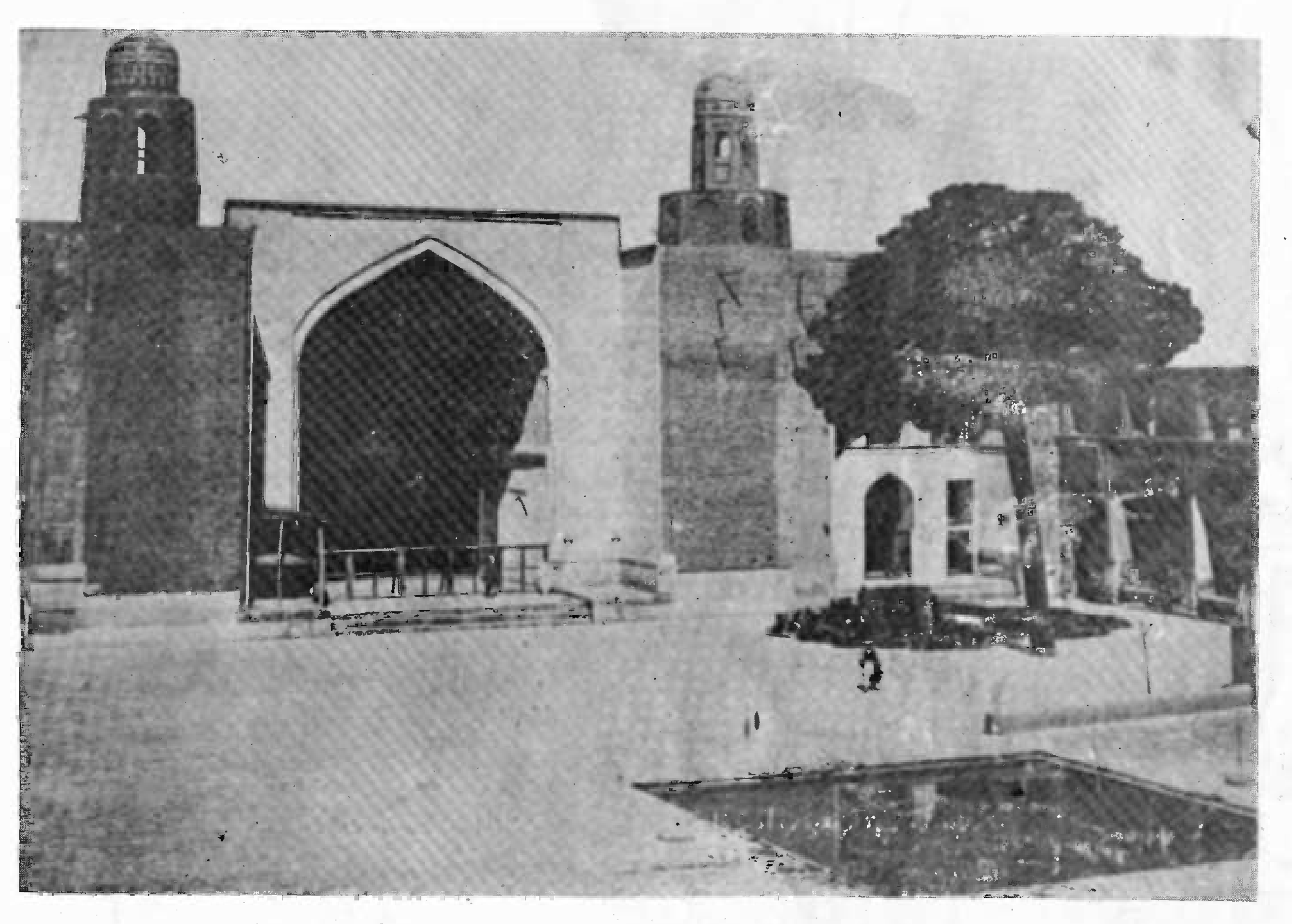
يك فوتوى تاريخى كه بعد از حصول استقلال در وزارت حربيه گرفته شده



اعليحضرت غازى محمد نادر شاه شهيد و والا حضرتين سردار شاه وليخان غازى وزيرمختار
و سردار شاه محمود خان غازى سپه سالار و وزير حربيه

Photographie prise aprés la victoire de la Gueure de l'Indépendance au Ministére de la Gueure.

De gauche à droite : S. M. Nadir Chah, S. A. R. Sirdar Chah Vali Khan Ministre **Afghan** à Paris, S. A. R. Sirdar Chah Mahmoud Khan Ministre de la Gueure.



جامع شریف هرات
La Grande Mosquée de HÉRAT



شرافت مآب جناب حضرت صاحب نورالمشائخ

شرافت مآب جناب نقیب صاحب



تتبعات تاریخی :
بقلم آقای محمد یعقوبخان

نژاد افغانیان

سهل ترین موضوع از لحاظ وضاحت مباحث تاریخی و موجود بودن آثار و شواهد مستند کنونی یا مشکلترین مسئله از جهت عدم توجهٔ مورخین وطنی و درهم ساختن حقایق تاریخی موضوع نژاد اهالی عزیز افغانستان است ، چه در صورتیکه اقوام مهاجر آریائی که ازین سر زمین عزیز یعنی مهد پرورش و گهوارهٔ قدیمهٔ نژاد آریائی در ممالك و امصار بعیده رفته و توطن گزیده اند امروز میتوانند با جرئت اثبات نژاد کرده و تاریخی برای خود تدوین نمایند آیا قوم قویم و ملت تاریخی این سرزمین که میتوان آنرا ابوالآبای آریه نامید نمیشود تاریخ روشنی در موضوع نژاد خود داشته باشند ؟

پس باید اذعان نمود که ذوق شخصی مورخین گذشتهٔ وطن مقتضی همین مسئله بوده که خواهی نخواهی نژاد اهالی را منسوب باقوامی نمایند که نزد آنها موقعیتی داشته است همچنان اسناد خود قول اشخاصی را قرار میدادند که آنها بدون زحمت تحقیق و تتبع یکی بعد دیگر متوسل بروایت تخمینی یك مورخی شده اند امثال مورخ فرشته ، تاریخ سلطانی ، خانجهان لودی خورشید جهان و امثالهم .

انجمن ادبی کابل که از آغاز تاسیس تا کنون بهمچه مطالب مهمهٔ ملی یعنی احیای ادبیات ، تاریخ ومشاهیر وباقی شئون قدیمهٔ ملیه پرداخته است ازانجمله موضوع تاریخ قدیم وطن یعنی دورهٔ قبل الاسلام و تاریخ ادبیات ، نژاد و غیره را از لحاظ تحقیقات و نگارش دیگران در نظر داشتهٔ است : جناب یعقوب حسن خان که در همین موضوع ذوقی دارند مدت چندی بود که بکتب مختلفهٔ موثوق خارجی و داخلی رجوع فرموده و تحقیقاتی نسبت بنژاد ، خصوصیات تاریخی ملت نجیب افغانستان می نمود. و آخراً بترتیب و تدوین یکمده نوت های مهمی موفق شده و در نظر دارد که آنرا بعنوان تاریخچهٔ قدیم افغانستان یعنی ادوار قبل الاسلام طبع نماید . عجالتاً جناب معزی الیه از جملهٔ آن یاد داشت های سودمند خود عدهٔ را به مقصد اخذ مطالب نژاد اهالی این سرزمین برای سالنامهٔ کابل اهدا نموده است که بنده بترتیب و تسوید آن پرداخته اینك بنظر قارئین محترم میرسانم .

(غلام جیلانی اعظمی)
معاون انجمن

آریه ها

مؤلف درمقدمهٔ کتاب تاریخ قدیم افغانستان که دردست دارد بحث مفصل از مسکن اصلی آریه ها کرده و توضیحاتی (۱) داده است پس اگراین موضوع را درین مختصر که مقصد ما از توضیح نژاد افغانیان است تکرار کنیم مسئله بطول انجامد ، لهذ اعجالتاً از تکرار موضوع صرف نظر کرده ومقصد را بطور آتی مینگاریم .

---

۱ ـ مردم آریه ویا هند واروپائی درین ایام (هندوستان شمالی ، افغانستان ، تاجکستان ، ایران آرمنیه ، قفقاز ، کل یورپ « ماسوای هنگری لیپ لند » روس جنوبی و فن لیند « سکونت دارند ومردمانیکه از یوروپ به امریکه ، و افریقهٔ جنوبی ، استریلیا ونیوزیلیند رفته متوطن شده اند هم از نژاد هند و اروپائی میباشند اهالی هنگری ، لیپ لیند ، روس جنوبی و فنلیند زرد پوست میباشند .

اهمیت الواح وعتایق قدیم در تاریخ:

عتیقه شناسان و محققین تاریخی اروپا پس از اینکه مصر در سالهای ۹۹ - ۱۷۹۸ میلادی بدست ناپلیون معروف مفتوح گردید، مصروف و متوجه به تحقیقات تاریخ و تمدن قدیم سرزمین شرق و تهذیب و تمدن ملل مذکوره گردیدند.

گرچه قبل ازین هم مورخین اروپائی از قبیل یونانیها ورومیها خدمتی بتوضیح تاریخ ملل وممالك مشرق کرده بودند ولی این تحقیقات مابعد در مصر مباحث تاریخ گذشته را غالباً مستند ساخته وکشفیات جدیدی را بران افزود، مخصوصاً کتیبه هائیکه از سرزمین های قدیم وتاریخی بدست آمد بیشتر برای حل غوامض تاریخی کمك کرده و اسناد مهمی بدست محققین داد.

مثلاً موقعیکه نظامیان فرانسوی درقلعه « سینت جولیان » مصروف کار وعملیات بودند اتفاقاً سنگی معروف به « روزیت » بدست آنها آمد که تحریرات منقوره اش به سه رسم الخط وبسه زبان بوده و ناپلیون بزرگ آنها را بمقصد ترجمه و تحقیق بفرانسه فرستاد و متخصصین این فن دران شروع به تحقیق نمودند (*) - و پس از استفاده ازینگونه آثار تاریخی ذوق و شغفی به مورخین و متتبعین اروپائی پیدا شده بحفریات و وکاوشهای دیگری پرداختند که امروز حیات یافتن تاریخ ادوار زندگانی بشر قدیم مرهون همین کیفیت است یعنی آثار مکتشفه از امصار و بلاد قدیمه، کتیبه ها والواح منقوشه بخطوط وعلامه های بشر گذشته بهترین ترجمان حالات وحیات شان بوده وخود بخود آنها از چگونگی حیات وکیفیت تمدن و تهذیب ملل مذکوره اظهار و نمایندگی می نمایند مثلاً سوماریها، عیلامیها وآثوریها وغیره شرح بعضی وقایع را بالواح گلی بی ریگ وشیمه دار تحریر کرده وآنها را مثل خشت وظرف گلی پخته میکردند، مصریها بسنگها و پوست بوته پاپی روس (لفظ انگلیسی پیپر بمعنی کاغذ ازان اشتقاق یافته) می نگاشتند، بالاخره ازین الواح مدفونه - تمدن قدیم و درخشان شرق بدست آمده و مبرهن گردید که سرزمین باعظمت شرق مهد پرورش و ولادت انبیای اولی العزم (علیهم السلام) و ایشیائیها معلم و مربی اخلاق، مؤسس تمدن واصول اجتماع وبانی حکومات واهل تدین بوده و بباقی دنیای بشریت ازین صفات ومحاسن ومکارم اخلاق ممتازه خود سرمشق ها داده اند.

موقعیت اراضی برای سکونت انسانهای قدیم:

واضح است که برای تهیه لوازم زندگانی بشر منطقه معتدله مساعد ترین حصهٔ زمین میباشد بنابران برای زندگی و رهایش انسانهای قدیم مورخین ممالك عراق، مصر، شامات و غیره را از لحاظ آب و هوا، سرسبزی و شادابی اراضی موزون دانسته وبرای سکونت اجتماعات انسانی و طی کردن مراحل ترقی مساعد پنداشته اند همچنان از کتب قدیمه (وید) و(آویستا) معلوم میشود که قطعات اراضی (سغد) ماوراء النهر و(آریانه) هرات، (باختر) بلخ نسبت به امروز بیشتر سرسبز وشاداب ودارای جلگه های وسیع ومرغزار های لطیف وکوه های سرسبز ومملو از اشجاری بوده از حیث علف، نباتات هرقسم، طیور، مواشی وغیره وسایل تغذیه انسانی وحیوانی خوبتر برای گذاره وسکونت مساعد بوده. لهذا اگر مهد پرورش وگهوارهٔ تربیت نخستین بشریت را مورخین از لحاظ استعداد خاك و مواد ضروریه طبیعی به اراضی مسکونهٔ فعلی نسل سامی منسوب نموده باشند باهمین دلایل نمیتوان ولایات شمالی افغانستان وماوراء النهر را ازین استعداد بی بهره دانسته ویاآنرا محل سکونت بشرقدیم نتوان شمرد، علاوتاً چین و افغانستان در منطقه معتدلهٔ شمالی واقع شده برای سکونت انسانها مساعد وموزون میباشد.

گرچه تا هنوز درین ولایات اصولاً حفریاتی شروع نشده تااز خرابه زار وآثاریکه شواهد قدامت این شهرها بشمار است اسباب و اسناد لازمه کشف شود ولی بااین هم تاجائیکه علمای حفریات مخصوصاً هیئت های علمی فرانسه بقدریکه در خرابه زار بلخ تدقیقاتی کرده ونظریاتی اظهار نموده اند معلوم میشود که این سرزمین در یك

* نخستین کسیکه این کتیبه ها را خوانده و موفق بفهمیدن شد شامپلیان فرانسوی است.

زمانهٔ خیلی قدیمی مهد زندگانی انسانهای بوده که هنوز از تمدن کلده وآثور خبری نبود ـ ویقین است اگر حفریات اصولی درولایات مذکوره اجراء شود آثار وشواهدمهمهٔ دیگری بدست خواهدآمد که تمدن اقوام آریائی اینخاك را نسبت به آثور وکلده نیز قدیمتر ثابت کند ـ

پس تاسی باقوال علمای تاریخ کرده میگوئیم : که مرکز زندگانی اولیه و مهد پرورش نخستین اقوام آریائی شمال مملکت عزیز ماافغانستان بوده ودر ادوار مختلفی قسمت های عمدهٔ ازینخاك نظر بکثرت وتزاید نفوس خود ویادیگر حوادثیکه درمر ورحیات انسانی طبعاً واقع میشود مجبور به مهاجرت هاشده ودرجلگه های وسیعه هند وفارس وممالك غربی رفته وقسمتی توطن بهمین خاك های پدری و سرزمین تاریخی خوداختیارکرده ودرعین حال از کوهستانات وجلگه های مساعد وشاداب وطن استفاده نموده اند که اقوام موجودهٔ افغانستان باختلاط جزئی از خونهای بعضی همسایه های مشرقی مثل مغل ها وکمی هم از سامی های عهد اسلام باقی همه از بقایای همان آریه های قدیم واخلاف صحیح پدران تاریخی خود میباشند

شهر های قدیمه افغانستان مثل بلخ، آریانه، کابل وبست بارعایت اسلوب مدنی درتاریخ های قدیمه معمور ومحل سکونت اجتماعات بزرگی ازاهالی خود این سرزمین بوده که هنوز سکندرمقدونی وکوشانی ها درین خاك دست نیافته وقبل از تسلط این حکومات مهاجرت وباهجوم اقوام سامی درافغانستان مطلق واقع نشده بود پس ازین تشریح مختصر بمرام اصلی خود رجوع مینمائیم .

لغات وزبان که یکی از مهمترین وسایل قرابت انتساب انسال واقوام جهان است درینجا بیشتر جلب توجه ما راکرده ولازم افتاد مختصراً ازانتساب زبانهای افغانستانی بادیگر السنه آریائی بحثی نمائیم لهذا میتوان فهمید که عموم لغاتیکه اقوام آریائی مثل اروپائیها امریکائی ها (که ازیوروپ به امریکه توطن گرفته اند)، هندی ها، افغانستانی هاوایرانی ها وغیرهم بدان متکلم اند شاخه های یك اصل یعنی زبان آریه تاریخی وبادخالت جزئی ویابیشتری (امابعد از هجومات مغل ها وسامی های اهل اسلام) که بمرور دهور رلغات سامی ها ومغل ها دران تاثیر نموده امروز مورد محاوره وتکلم اقوام مذکوره میباشد ـ اسلاف ومتکلمین السنهٔ موجودهٔ آریه ویاهندواروپائی چندین قرن قبل از ولادت مسیح علیه السلام ازبحراطلس الی رودگنگا ودریای طارم ترکستان مشرقی سکونت داشتند .

علمای السنه زبانهای آریائیرا دریازده شعبه ( ) قرارگردنچایلد Gordon Childe تقسیم کرده که منجمله آن ما فقط سه شعبه را که موضوع بحث بوده ودرآسیا تعلق مخصوصی دارند بیان مینمائیم .

۱ — زبانهای متفرقه فارسی است یعنی زبانهائیکه درکتیبه های قدیمهٔ شاهان هخامنشی ودرگاته ها (سرود ها) وکتب دینی مؤخرتر پارسی «ژند» (*) درقید تحریرآمده، وعدهٔ دیگری اززبانهائیکه از ترکستان مشرقی الی قفقاز ویوروپ منتشر بود .

۲ — شعبهٔ دومین مشتمل است بهزبانهای هندی که بدواً سنسکرت وباز پراکریت های قدیمی وبالاخره زبانهای عصری مروجهٔ هندوستان شمالی مشتق ازآن شده .

* میگویند درعهد ویشتاسب شاه بلخ [فردوسی درشاهنامه این بادشاه را گشتاسب نامیده است] که ازملکه او «حوتاوس» نام میبرند زردشت بیکی از زبان های علمی ودرباری کتابی را تدوین نموده نام آن را «ژند» نهاد ـ «ژند» جزو چقماق را گویند که شعله آتش میدهد ـ ژند بسیارمشکل بودلهذا شرح آنتحریرونامآن «پاژند» نهاده شد ـ پاژندحصه دیگر چقماق رامیگویند ـ یعنی وقتیکه «ژند» با «پاژند» تصادم خورد جلوه بنظر بیاید ـ لیکن این شرح از متن هم مشکل تربوده شرح مزید لاحق آن گردید چنانچه نام شرح دومین اوستا گذاشته شده (سخندان فارس)

این کتابیکه پارسی ها آنرا مقدس میشمارند درزبانی نوشته شده که آنرا عموماً آویستائی میگویند، واین زبان از زبان کتیبه های شاهان هخامنشی دارای اختلاف است ـ آتش پرستان عقیده دارند که کتاب دارای ۲۱ جلد بود وبحروف طلائی بردوازده هزار پوست گاو نوشته شده بود ـ و میگویند که بعد از زوال سلطنت هخامنشی برباد شد وجزء کیکه بدست آمد بگفتهٔ سکندر یونانی درزبان یونانی ترجمه گردید ـ بعدازان یکی از پادشاهان پارته که در حدود نصف قرن اول میلادی سلطنت میکرد کار جمع آوری آویستا را شروع کرده بود، اما اردشیر بانی خاندان ساسانی جامع آویستا گفته میشود واز روی نوشته جاتیکه موجود بود وعبارات آویستائی که مردم یاد داشتند آئین دین زردشتی منضبط شد —

۳ــ طایفه سومین عبارت است از السنه طخاری که درین زمانه مرده وبکلی ازمیان رفته و فقط از کتیبه های (*) قدیمی که درین نزدیکی ها از شهر مدفون وادی طارم بدست آمده کشف شده است که غالباً تاریخ آن در نصف آخر هزارم سال میلادی میباشد .

یك نکته مهم وقابل توجه اینست که سنسکرت « رگ وید » وفارسی کتیبه های داریوش وگاته های زردشت اینقدر باهم شبیه میباشند که این سه زبان را میتوان لهجه های مختلف یکزبان واحد شمرد ـ مزید به مطلب فوق ملل بزرگ هند وایران تواماً خودرا بیك نام مشترك (ایریه وآریه) (**) میخوانند ودریکی از زمانه قدیم دستهٔ مشترك دریا ها را میدانستند مثلاً (سرسوتی) و (هراوواتش (***) ـ کذا معبودان آنها دارای اسم واحدی بودند مثلاً مترا ، آریتان ، ناستیه وغیره ـ همچنان سرود های دینی آنها یك وزن دارند وطرز قربانی های شان یکنوع بودند ویك نوع شربتی که آن را متبرك ومقدس می شمردند بیك اسم بسیار شبیه (یمه ویا یمه (****) شروع کرده می نوشیدند ـ

بنابران از یك آهنگی و وحدت مراسم وغیره میتوانیم استنباط نمائیم که هندی ها وایرانیها بلا شبه دوفرع از اصل یك نژاد آریه بوده وقبل از تفرق اوطان تا از منه درازی یکجا بود وباش واقامت داشتند ـ

گرچه علمای السنه ، زبانهای فارسی ، هندی و طخاری راسه شعبه زبانهای آریائی قرارداده اند ولی فی الحقیقت این سه خانواده زبانها از زبان باختری (بلخ) منشعب شده اند ، بدلائلیکه (۱) مردم آریه از مرکز باختر بطرف مغرب وجنوب مشرق ومشرق مهاجرت نموده و باوطان مختلف سکونت پذیر گردیده اند ـ (۲) زردشت بلخی « ژند » را تدوین نموده زبان مروجه آنزمان را برای ما نشانداده است (۳) نفوس متزایده آریه از بلخ به هند مهاجرت کرده وبدریای اندس رسیده رگ وید را تصنیف کردند وزبان سنسکرات سنه ۱۹۰۰ ق ، م برایما معلوم شد ـ (٤) شعبه آرین های فارسی از نواحی مروباختر داخل ایران مشرق شده ولایت کرمان را عبوروبسرزمین فارس موجوده اقامت گزین گردیدند وبواسطهٔ اقامت به همین سرزمین فارس قومیت وزبان شان بفارسی شهرت یافت ـ کتیبه هائیکه ازقدمای آن ملت مثل داریوش (*****) وغیره اخیراً بدست آمده زبان مروجه قرن ششم قبل المیلادی علاقه فارس را بما نشان میدهد .

---

*) کتیبه طخاری به الف بای خروشطهی نوشته شده واین ابجد خروشطهی Khroshthi در ترکستان مشرق در زمان سلطنت کوشانی به قرن سوم میلادی رسیده بود ـ خروشطهی از خط آرامی [خط سامی ها] مشتق شده ودرهندوستان به قرن ششم ق م د زمانیکه علاقه شمال مغربی هندوستان تحت سلطنت ایران بود وارد شده بود کتیبه آرامی که جوهن مارشل در تکسیلا یافته است ثابت میکند که زبان و ابجد آرامی به گندهارا داخل شده بود ، گویا محل خروشطهی هندوستان شمال مغربی بود واگر کدام جای دیگر یافت شود البته منبع ومرکز آن همین علاقه است ـ خروشطهی علامات صریح مبدای سامی را نشان میدهد مثلاً از طرف راست به جانب چپ نوشته میشود و حروف علت پوره اظهار نمیشود ، درقرن سوم میلادی این ابجد خروشطهی درترکستان چینی رواج وعروج یافته بود ، بعد ازان الف بای برهمی جای آنرا گرفت ـ البته بعد از ظهور وغلبه اسلام درین دیار رسم خط عربی ویا فارسی رواج یافت ـ **) آریه تلفظ ژندی و آریه تلفظ سنسکریت میباشد ـ ***) نام قدیم دریای هلمند و علاقه قندهار سرسوتی به فتح سین و را و سکون سین و فتح واو ـ هراوواتش به فتح ه و ر و ضم و الف و سکون واو وکسرت سکون سین ****) یمه تلفظ آویستائی و یمه تلفظ سنسکرتی است ـ ابتداءً یمه یکی از نامهای آفتاب غروب شونده بود بعد بخدا کدام پهلوانی تبدیل شد ، و عقیده داشتند که (یمه چندین نفر را راه نشان میدهد » و اولین کسی است که در « اطاقهای وسیع رگ » داخل میشود ـ دوسگ داشت که رگ آنها نخودی ، پوز آنها پهن و چهار چشم را دارا بودند ـ وظیفه این سگها این بود که مرده ها را بوئی ومعلوم کرده بحضور پادشاه خود یعنی یمه بیارند) بنابران میتوانیم از روی رواج زردشتی موسوم به سگدید یادگار این سگهارا سراغ نمائیم ـ آویسته تجویز میکند که « در وقت نزع یك آدم باید سگ زرد دارای چهار چشم ویا سگ سفید دارای گوشهای نخود رنگ نزدیك مرده آورده شود تا دیو در نعش داخل شده نتواند » ـ درین ایام پارسی ها یعنی گبرهائیکه از رسم قدیم واقف نیستند بر سینه مرده تکه نان میمانند ، اگر سگ نان را خورد آدم یقیناً مرده است، پس او را به دخمه می برند ـ

*****) قسمتی از آریه های بلخ افغانستان که در فارسی مهاجرت کرده واقامت گزین گردیدند منجمله آنها سه قبیله یعنی پسارگادی Pasargadae ومارافیان Maraphian وماسپیان Maspian معززگردیدند که سپس صفحا منشی های خاندان شاهی از قبیلهٔ پسارگادی بوجود آمدند .











مجسمه های کوچك صنعت گریکوبودیك که در اثر حفریات هیئت حفاری وزارت معارف درتپهٔ خزانه ، عقب چنداول، کشف شده است
Statuettes d'Art Greco - Bouddhique découvertes au cours des fouilles entreprises par le Ministére de l'Instruction Public à TAPPA - É - KHAZANAH aux environs de Kaboul.



مجسمه های سنگ مرمر که در کوتل خیرخانه بشمال کابل کشف شده (موزهٔ کابل)

Statues en marbre découvertes à COTALÉ-KHAIR KHANAH, à quelques kilométres au nord de Kaboul (Musée de Kaboul).

چنانکه پیشتر گفتیم که این سه‌زبان یعنی سنسکرت ، وفارسی کتیبه های داریوش وگاته های زردشت بقدری باهم قریب ومتشابه است که لهجه های مختلفهٔ یك‌زبان واحد معلوم میشوند ، بناءً علیه این زبان مشترك بمرکز باختر یعنی گهوارهٔ معروف پرورش آریه ها منسوب است وبعد ازین باید آنرا زبان باختری نامید چنانچه‌این زبان درزمانه‌های ماقبل هم به باختری شهرت داشته وبمرور زمان بطوریکه درعوام امم مرسوم است در نتیجه‌تاثیر اقلیم وماحول از جهت سهولت تخفیف وتسهیلی درتلفظ واقع میکنند لهذالفظ(باختری) را باختی‌وپسانها (پختو) (پشتو) (پشه‌ای)تلفظ کرده اند - وآن لغاتیکه بین‌آریه های مسکونهٔ خود باختر وآریانه متداول‌بود چون زبان ملی وبومی نزد باشندگان شناخته میشد ازان جهت اسم معروفی جز آریائی که هنوز ماهیت اصلی آن معلوم نیست نداشت - ولی اقوام مهاجر آریه که ازمرکز وطن دور افتاده ودرمملکت فارس موجوده زندگی میکردند نزد بیگانگان زبان شان باسم فارسی مثل‌قومیت شان بفارسی شهرت پیدا کرده وبعد ازتسلط وغلبهٔ هخامنشی های (فارس) این اسم « فارسی » بافغانستان هم انعکاس کرده واین شعبهٔ زبان باختری وطن مخصوصاً درقسمت های غربی وشمال مغربی بفارسی شهرت یافت .

بالاخره زبانهای سکزی (سیستانی افغانستان) ، سغدی ، ارمنی، وپهلوی ، وفارسی ، ارمری ، وپشتو وزبانهای غلچه ازان مشتق شده ودرعلاقه های متفرق طرف محاوره واقع گردید .

ازین بالاتر رفته می‌بینیم که لاتینی ، یونانی وایرانی‌قدیم وسنسکرت باهم شباهت ومماثلت تامه دارند .

درینجا مناسب آمدکه‌راجع به‌ارتباط ونزدیکی لغات زبانهای مختلف آریه یکعده‌لغات‌را مختصراً بطورنمونهٔ مثال بقارئین عرض وارائه بدهیم :

عدد

سنسکرت	پشتو	فارسی	هندی	تخاری	نورستانی	انگلیسی	آلمانی	فرانسوی	یونانی	لاتینی
ایکه	یوه	یك	اك ایك	شوم (واومجول)	ایو	ون	آینس	ان	ایس	اونوس
دوه	دوه	دو	دو	–	دیو	تو	سوای	دو	دوو	دوا
ترایه	دری	سه	تری	تری	تره	تری	دری	تروه	تریس	تریس
کتواره	سلور	چهار	چار	ستویر	اشتوا	فور	فیر	کتر	تساریس	کواتواور
پانچه	پنزه	پنج	پنج پانج	پس	پوچ	فائیو	فنف	سنك	نپنی	کوانك
شات	شپگ	شش	چهه	سکس	شو	سکس	زکس	سیس	سکس	سیکس
سپتا	اوه	هفت	ست سات	شکت	سدسوت	سیون	زیبن	ست	سپتا	سپتم
اشتئو	اته	هشت	آتهه	اوکت	وشت	ایت	اخت	ویت	اوکتو	اوکتو
ناوه	نه	نه	نو	نو	نو	نائین	نوئین	نف	ایویا	نووم
داسه	لس	ده	دس	سك	دوته	تین	تسین	دیس	دیکه	دیسم
ستام	سل	صد	سو	کنتی	–	هندرد	هندرت	سان	سیکاتون	سنتم

فعل حال بودن

سنسکرت	پشتو	فارسی	هندی	انگلیسی	فرانسوی
آسمی	یم	ام . هستم ، استم	هون، آن	ایم	ژو سوی
آسی	ی	ای ، هستی، استی	این ، هی	آرت	تو ای
آستی	دی	است ، هست	ای ، هی	از	ایل ای

بعض اسما

پشتو	فارسی	نورستانی	هندی	انگلیسی	آلمانی	فرانسوی
وروړ	برادر	برا	بهائی ـ بهرا	بردر	برودر	فرید
لور	دختر	جوك	بهین ـ دهی	داتر	تختر	فی
مور	مادر	نو	مان	مدر	متر	
ستوری	ستاره	شنا	تاره	ستار	شترین	ایتول
غوا ـ غوی	گاو	گا	گان ـ گای	کاو	کوه	بف ـ تغو
(ماده)(نر)			(ماده)			(نر) (نر)
آس	اسپ	وشوب	ـ	هارس	پفیرو	شرول
آگی	ـ		ایگ			

تلفظ نی قریباً در کل زبانهای آریائی یکی است : مثلاً

انگلیسی	پشتو	فارسی	هندی	رومی	جرمنی	فرانسوی	نورستانی
نو	نه	نی	نهین	نیت	نائین	نون	نی

از ارائه دادن توافق لغات فوق اگر خوانندگان محترم را بدرستی‌قانع نساخته باشیم ؛ چون این موضوع محتاج به اطلاعات وسیعتری بوده ونمیشود درین مختصر ازین موضوع بحث مفصلی ایراد نمود پس اهل ذوق میتوانند بکتب السنه وعلم الاصوات مراجعه فرمایند ودرین مختصر صرف مقصد ما از نشان دادن نمونهٔ از ارتباط باهمی السنهٔ آریائی است که وبهمرفته لغات این طوایف اگر درصد پانزده هم قرابت صوت ونزدیکی حروف داشته باشند ولی با لغات سامی و تورانی هیچ قرابت ندارند ـ مثل طاغ ـ قارداش در (ترکی) جبل ـ اخ در (عربی) ـ آنه در ترکی ام درعربی مادر درفارسی وقس علی هذا

گهوارهٔ آریه ها برخی از محققین آسیای وسطی یعنی علاقه جات بین و نواح دریای جیحون و سیحون را مسکن و ماوای ابتدائی آریه ها قرار داده بودند ، غالباً معلومات آنها بعد ازتاسیس رایل ایشیا تك سوسایتی لندن (مجلس شاهی ایشیائی) (Royal Asiatic Society) و ایشیا تك سوسائتی بنگال ، بر ویدهای هندی و آویستای باختری منحصر بوده ولی دیده می شود که مردم آریه نژاد در قطعات بعیده ووسیع تری متفرق وپراگنده میباشند ودرین قطعات تا اندازهٔ که حفریات شده واشیائیکه مثل ظروف گلی واسلحهٔ سنگی وغیره ازان حفریات بدست آمده شبیه یکدیگر میباشند لهذا علمای تاریخ مجبوراً در تعیین وتخصیص مسکن ابتدائی مردم آریه مترددو مذبذب گردیدند وچون برای تعیین محل حقیقی آنها بجز کتب وید وآویسته دیگر سندی بدست نیست لهذا از روی قیاس وتخمین محققین درینموضوع بدودسته منقسم شده اند که ماآنها را بعنوان حزب شرق وحزب غربی مینامیم ،

حزب شرق : دلایلی ذکر کرده وآسیای وسطی را مامن ابتدائی آریه‌ها قرارمیدهند .

حزب غربی : یوروپ وبعضی نقاط غربی مشرق را مسکن ابتدائی آریه ها قیاس میکنند ، لیکن در یوروپ یك موضع را مبدأی آریه ها قرارداده نتوانسته اند یعنی روس جنوبی ، آرمینیا ، اناطولیه ، وادی دریای دینیوب ، لیتواینه وپاسکندی نیویارا گهوارهٔ آریه ها خیال میکننددرحالیکه درشرق آسیای وسطی‌را بالاتفاق منبع آریه ها قرار داده اند ،

مورخین ومحققین یکی از جملهٔ دلایل برای تعیین مهد اولی آریه‌ها مساعدت مواقع جغرافیائی وخوبی آب وهوا وکثرت اشجار ونباتات ممالك را طرف توجه قرار داده اند ، باوجود آن مجبوراند که نامهای اشجار وحیوانات اهلی ووحشی را که درویدها ذکر شده در نظر گرفته بحث کنند که اینگونه حیوانات

واشجار درکدام خطه یافت میشوند - چنانچه پی گائیلز (*) پروفیسر دارالعلوم کیمبرج تنها جلگهٔ هنگری و وادی دینیوب را مسکن ابتدائی آریه ها قیاس میکند- ولی گوردن چایلد درکتاب مؤلفهٔ خود « دی ایرنیز» یعنی آریه ها جملهٔ مواضع مذکور فوق را مسکن اولی آریه ها فرض کرده بحث عالمانه نموده جمله نظریات را رد میکند مگر رجحان او زیادتر طرف نظریه آسیای وسطی میباشد - بهر حال اگر چه بین علمای این فن اختلاف نظر است اما اکثر دانشمندان عقیده دارند که مامن ابتدائی آریه ها اراضی واقعه بین آمو دریا ودریای سیحون وباختر (بلخ) بوده است - برای اثبات این عقیده دلایل وتوضیحات آتی را باید درنظر گرفت :

درمقدمهٔ همین بحث گفتیم که باکتریانه (میمنه و مزار) و سغد (بخارا و سمرقند) در زمان قدیم مثل عراق عرب ومصر نسبت به امروز آباد تر و شاداب تر بود و کیفیت سطحی این خطه ایجاب مینماید که جمیع ضروریات و لوازمات انسانی مثل علوفه ، شکار حیوانات وحشی ، زراعت ، تربیهٔ حیوانات اهلی را تهیه وآ ماده سازد و شکی نیست که انسان هم فطرتاً اینگونه نقاط را بیشتر برای سکونت واسرار حیات خود می پسندد

علاوةً بر خلاف جمیع نقاطیکه بطورفرض وتخمینی برای سکونت اولیهٔ آرین ها فکر میشود درین سرزمین که مورد بحث ما است اسمای صحیح آریائی را میتوان یافت مثلاً هرات یا آریانه ، بلخ ویا باکتریه ، بخارا ویا سغدیانه ، قندهار ویا اراکوشیه و امثالها - کذا از زبان قدیم آریایه‌ها استنباط میشود که آنها مردمان جلگه نشین بوده فقط دو یا سه موسم را میدانستند واینطور مواسم تنها در اقلیم بری (**) وجود دارد .

از کتیبه های وادی طارم وهم بطوریکه مورخین چینی تقریباً از صد سال قبل المیلاد از مردمانی در شرق ترکستان بحث میکنند نتائجی بدست میآید که باید آن مردمان همین طوایف آریائی متوطنین سغد وشرق ترکستان بوده باشند یعنی میگویند مردمانی را در سرزمین مذکور ملاقات کردیم که چشمهای نیلگون داشتند - پس معلوم میشود که آریه ها قبل از میلادالی دریای طارم رسیده بودند ونیز سکندر مقدونی وقتیکه به بخارا حمله آور شده بود با مردمانی مصادف گشت که آنها بزبان آریه تکلم میکردند (۳۲۹ ق ، م) وسکندر ورفقایش از چادر نشینان مغلی آنجا اثری ندیده بودند -

ولی امروز درین قطعات یعنی سغد وشرق ترکستان که کمتر زبان وشکل وصورت آریه دیده میشود سبب آن اینست که تقریباً از (۸۰۰) سال قبل المیلاد ویا چیزی بیشتر ازان مردم زرد پوست از مشرق اقصی آمده وباین مردم آریه نژاد مخلوط شده رفتند حتی عدهٔ کمی نژادآریائی درکوه های صعب المرور برآمده سکونت اختیار کردند چنانچه دادیك ها (***) (تاجیك ها) و متکلمین (****) زبانهای غلچه یادگار وباز ماندگان همین آریه های کوه نشین میباشند ،

---

* P. Giles بعنوان « آریه ها » [برای آریه ها لفظ ویروها را تراشیده] « در کیمبرج هستری آف اندیا » مقالهٔ نوشته که آریه ها از دینیوب خروج کرده از راهٔ آرمینیه و یا آبنای باسفورس در ایشیا رسیدند .

** اقلیم بری آب و هوای غیر معتدل و دور از بحر را گویند - چون بحر نزدیک نمیباشد لهذا آب و هوای اینگونه خطه در زمستان بسیار سرد ودر تابستان بسیار گرم میشود .

*** هیرودوتس مورخ یونانی داد یك نامیده است .

**** زبانهای غلچه که باسم زبانهای پامیر معروف است در واخان و حصهٔ مشرقی بدخشان افغانستان گفته می شود ، جمله زبانهای این شعبه باستثنای یکی آن بشمال هندوکوه گفته میشود - زبانهای مذکور عبارت است از شغنی ، سرکولی ، یغنوبی [که در علاقه روسیه گفته میشود] - و چهار دیگر یعنی واخی ، اشکاشمی ، سنگلیچی و منجانی (در حدود افغانستان گفته میشوند) - جمله این زبانها با یگدیگر قریب و مشابه بوده ووضاحتاً از فروعات شرق فارسی شناخته میشوند - و هم از روی بعضی لغات با زبان پشتو مشابهت دارند - کذا زبان واخی در واخان ، اشکاشمی در گذرگاه پائین دریای پنج ، سنگلیچی در وادی یالائی و روج [که بطرف چترال میرود) و منجانی در وادی بالائی آب جرم گفته میشود - انسایکلو پیدیای اسلام

هیرودوتس (*) سیت ها ویا اسکائی ها را مغل میخواند، گوردن چایلد باین قول مورخ مذکور موافقت میکند وتقریباً این عقیده مسلم تر هم بنظر میرسد - اگرچه بعضی محققین اسکایها (**) ویا سیت هارا نژاد آریائی گفته اند ولی چون مهاجرت سیت ها از شرق زمین ابتدائی بوده وآنها بتعداد قلیل آمده بودند چنانچه این اسکائیهای زرد پوست نظر به خلط وتحلیل شدن با جمعیت های غفیر آریه ها آخراً وضعیت واخلاق آریه ها را پیدا کرده وباتفاق آنها یعنی آریه های اقارب خود بطرف مغرب حرکت کرده به دولت های آثوری وبابلی تاخت وتاز نمودند وشاهان آثوری دختر های خودرا بامرای اسکائی تزویج نمودند وبخت نصر کبیر (***) (یا بنوخذ) شاه بابل دختر کائی آکسار یز پادشاه بزرگ مادیهارا درحباله نکاح خود درآورد - ویك حصهٔ همین مردم یعنی اسکائی ها در افغانستان ما هم داخل شده بودند - ولی بعد از اسکائیها زرد پوستان مثل یوئیچی ها وهونها، قوم واحفاد چنگیز خان بتعداد زیادی خروج کرده بغالب ممالك شرق استیلا نمودند وآریه های ساکنین این دیار مقابل این سیلابهای مغلیت خیلی خسته شده نه تنها حاکمیت خاکهای خود را باختند بلکه صفوت خون آنها نیز در تاثیر آمیزش وهجوم مغولها قدری مغشوش ومختلط گردیده ومخصوصاً آریه های آنطرف رود آموواز وادی طارم الی قفقاز وماسکو بیشتر دچار این مرض نسلی یعنی اختلاط خون نژاد اصفر گردیدند - واین احوال درغالب ممالك مشرقی ومسکن آریه های متوطن شرق دست داد چنانچه وقتاً ما از آنطرف جبال هندوکش بخصص شمال ومملکت ماورای آموسفر کنیم می بینیم بعضی اقوام بیشتر شباهتی بمغول دارند مثل ترکستان مشرق وروسیه- کذاهزارهجات داخلی وطن خود ما بیشتر به مغلها شباهت دارد واین مطلب مبرهن میدارد که درهرقومی از اقوام آریائی که بیشتر آمیزش و اختلاط مغل ها شده آنها بهمان اندازه از خون مغل زیاده تر متأثر گردیده اند - واقعاً این امر تاثیرات مهمه در غالب اقوام آریائی نموده است حتی بعضی اقوام آریائی ساکنین غرب مثل روسی ها و غیره نیز ازین مسئله تخلیص گریبان نتوانسته اند - واین مسئله آمیزش و تحولات خونخیلی دراقوام موثر واقع شده است چنانچه اهالی فنلیند وهنگری که اصلاً ازنژاد مغل هستند ولی بواسطهٔ اختلاط با اقوام کثیرهٔ آریائی نژاد امروز چهره وسیمای آریائی ها را قبول کرده اند. کذا طبقات ممتازهٔ تورکان قسطنطنیه بواسطهٔ آمیزش با یونانی ها ودیگر اقوام آریائی آنجا امروز تغیر سیمای اجدادی نموده وشبیه اروپائیها شده اند، کذا عربهای عهد فتوحات اسلام درچین که امروز دارای خط وخال وسیمای چینی ها شده اند. واینست حال اکثر نژادهای مختصری که دربین توده های بزرگ نژاد متقابل داخل شده وطبعاً بواسطهٔ غلبهٔ طرف مقابل قبول سیما وعادات آنها رامی نمایند، پس اسکائیهای زرد پوست هم بعقیده ماهمینحالت را بین آریائی ها حاصل نموده اند.

باید دانست که تا سال (۲۰۰۰) ق،م از ظهور آریه ها بسرحدات عراق عرب آرمینیا وغیره جاهائیکه سومیریها و علامیها وسامی ها سلطنت هائی تاسیس کرده بودند اثری معلوم نمیشود، کاسی ها درحدود (۱۷۶۰) ق،م دربابل بحکمرانی رسیده بودند بعد ازین تاریخ ظهور وهجوم حمله آوران آریه ها از طرف مشرق وشمال مشرق دران سرزمین ها مشاهده میشود - این فشار وهجوم آریه ها اقوام کاسی را که درمشرق کوهٔ زاگروس سکونت داشتند بطرف مغرب براند حتی درسال سنه ۱۴۰۰ ق م خاندانهای حکمران آریه درفرات علیا به تشکیل حکوماتی پرداختند - لهذا ازین قصه میتوانیم استدلال نمائیم که برخلاف نظریات بعض مورخین آریه ها از سمت مشرق بطرف غرب رفته اند نه از غرب بشرق،

مردمان قدیم آریه درجنگلها زندگانی میکردند، نقلیات شان گاو گادیها بود، ثروت مهم شان عبارت از مواشی ومالداری خصوصاً گاو بود وهنوز اسپ را اهلی نساخته بودند - وقتیکه هونها باآریه ها اختلاط وآمیزش نمودند اسپ را اهلی کرده وآریه ها از انها طریق اهلی کردن اسپ وصورت استعمال آنرا فهمیدند

* - مورخ قدیم یونانی ۴۸۴ - ۴۲۵ قبل المیلاد ** - ایرانی ها اسکائی ها وهیرودوتس آنهارا عموماً سیت ها نامیده
*** پادشاه کلدانی بابل ۶۰۴ - ۵۶۱ قبل المیلاد - ۴ - گوردن چایلد.






مجسمه های صنعت گریکو بودیك که در تپهٔ مرنجان کشف شده (موزهٔ کابل)

Statues d'Art Greco - Bouddhique découvertes à TAPPA-É-MARANDJAN, Kaboul (Musée de Kaboul).





منظرۀ استوپهای عصر گریکو بودیك که درتپۀ مرنجان کشف شده .

Vues des Stupas Greco-Bouddhiques découverts à TAPPA-É-MARANDJAN (Kaboul).

وآنرا تیز رفتار نامیده درعرابه های خود می‌بستند ودرممالك غرب نیز آنرا رواج دادند (*)

تدوین (ویدها) درحدود (۱۴۰۰ ـ ۱۹۰۰ ق ، م) (**) و(آویستـه) درحدود ۵۸۳ ق ، م بمنصهٔ وجود آمد کذاذکر نام مشترك آریه دلیل برآنست که باختر ونواح آن مسکن اولی آریه‌ها بوده ـ

حرکت آریه ها ازبلخ

بطوریکه گفتیم آریه‌ها درآسیای مرکزی تجمع داشته و سپس بواسطهٔ کثرت نفوس وارد بلخ گردیدند واین نقطه را مسکن خود قرارداده به زراعت ومالداری مشغول گردیدند ولی آخراً این سرزمین هم برای شان تنگی کرده وآنها مجبور به نقل مکان و پراگندگی شدند ـ بعد ازین پراگندگی آریه‌ها اساساً بدو شعبهٔ مهم منقسم وموسوم میشوند، یکی شعبهٔ هندی ودیگری شعبهٔ ایرانی ـ گرچه از روی صحت نمیتوان ایام یکجا بودن وجدا شدن این دو شعبه‌را معلوم کرد ولی روی‌همرفته چیزیکه ازکتب مذهبی این دو قوم بدست می‌آید قراردیل تخمین میشود : زمان تدوین سرودهای (ویدها) را سال ۱۴۰۰ ق ، م تخمین واین وقتی است که آریه ها بطرف جنوب مشرق روان شده بکنار دریای اندس رسیده بودند و (ژند) درخود باختر درحدود قرن ششم قبل المیلاد بمعرض وجود آمدکه ایرانی ها آنرا مقتدا بهای خود قراردادند اگردرین ادوار آریه ها دریکجا میزیستند لازم می‌آمد که کتابهای مذکور خصوصاً کتاب اولی به‌زبان مشترك میبود ، پس برای تخمین زمانهٔ وحدت هندیها وایرانی ها یك هزارسال ویا چیزی بالاتری را تخمین می شود چنانچه محققین هم زمانه وحدت آنها را تابه (۲۸۰۰) ق ، م تخمین نموده اند ویك مورخ دیگر (دومارگن) de Morgan ۲۰۰۰ ق ، م را قرار میدهد ـ پس از روی این تخمین میتوانیم بگوئیم که هندیها وایرانی ها از مرکز ابتدائی خود یعنی باختر (بلخ) در زمانه های (۲۰۰۰ — ۲۸۰۰ ق) ، م از هم جدا شده وبطرف مشرق وجنوب مشرق وبسوی مغرب حرکت کرده اند ـ وتخمین میکنند که نژاد آریائی در حدود (۸۰۰۰) سال قبل از میلاد بیك زبان مشترك تکلم می کردند ـ

آویسته سبب مهاجرت آریه ها را چنین بیان میکند : آریه ها ملك خوش هوائی داشته دارای آب های فراوان وزمین‌های حاصلخیزی بودند ـ ولی دفعتاً ارواح بد بآنها استیلا نموده زمین را یخ بست وخراب ساخت ملك گنجایش نفوس متزایده را نداشته بهجرت شروع کردند ـ « کذا آوسته وطن اصلی آریه‌ها را (آرین واج) یعنی جای آریه‌ها مینامد ومیگوید که « آخر ازین سرزمین بهشتی بواسطهٔ برودت بمهاجرت مجبور شدند وآنها به سغد ومورو (نام کلاسیك این دومقام سوغدیانه ومرجیانه ونام امروزی آنها بخارا ومرومیباشد) مسافرت کردند ، ولی قبایل دشمن وملخ آنهارا از سغد هم کشید وبالاخره آنها به بخدی (مملکت بیرقهای بلند) یعنی بلخ امروزی اقامت گزیدند ـ سپس جمعی بطرف نیسایه (که بعضی آن را مقصد از نیشاپور حالیه میدانند وبعضی به‌علاقه جنوبی عشق آباد تطبیق میدهند) ـ رفتند بالاخره آنها هرویو یعنی هرات امروزی ووایکرت (کابل امروزی) را منازل خود قراردادند ـ بعدازان مهاجرین واردهٔ این‌منازل بدوقسمت تقسیم شدند : ۱ ـ ارهوه‌یتی (اراکوشیه یاقندهار) ، هیتومنت (یعنی وادی هلمند) هبته هندو (پنجاب) جانب مشرق یعنی درافغانستان امروزی و ۲ ـ اروه (طوس) وهرکان (گرگان) ، رگ (ری) ، ورن (گیلان) جانب مغرب یعنی درخاکهای ایران فعلی ـ »

پس از تفصیلاتی که در باب چگونگی حیات ومهاجرت آریه ها آویسته میدهد صریحاً معلوم میشود که آریه ها بواسطهٔ کدام حادثهٔ طبیعی از آسیای وسطی در بخارا ومرو واز آنجا بعلت دیگر حوادث در بلخ موجوده اقامت گزین شده آخراً بواسطه کثرت اجتماع وعدم کفایت آذوقه وضروریات عموماً سه قسمت

---

* تاریخ مختصر عالم مصنفه ایچ ـ جی ولز امریکائی H. G. Wells ** تدوین ویدها در سنه ۱۴۰۹ ق ، م مرجح وزردشت درسال ٦٦٠ ق ، م پیداشده ودرسال ۵۸۳ وفات کرد ـ اگرچه بعض مورخین تولد او را سال ۱۰۰۰ تعیین کرده اند مگر [٦٦٠ ـ ۵۸۲ ق م] مرجح است ـ وقتیکه تورانی‌ها از ماورای جیحون به‌بلخ حمله آوردند زردشت کشته‌شد .

شده اند که قسمتی در علاقه های متذکرهٔ ایران رفته و قسمتی در شهر های معروفه ومعمورهٔ افغانستان مثل بلخ ، هرات ، کابل ، پشت رود ، قندهار ، اطراف حاصلخیز رود خانهٔ هلمند ، اوریشا ویا بلوچستان ، قطغن و بدخشان ، بولورستان (نورستان چترال ، کنر ، باجور ، دیر و سوات غیره ، گندهارا ، جلال آباد و پشاور الی را ولپندی) پاکتیا (سمت جنوبی) اقامت گزین شده وقسمت سوم از کوه های شرق و جنوبی افغانستان آنطرف تجاوز کرده در جلگه های سرسبز و معمور پنجاب و سند وکشمیر وغیره رفته بو میان آن دیار رامغلوب نموده به زندگانی پرداخته اند ـ چنانچه از سرودهای اولیهٔ ویدها اسمای بعض جایهای افغانستان معلوم میشود مثلاً کوبها (کابل) کرومو (کرم) گومتی (گومل) سوواستو ـ ومساکن سوات را به کلمهٔ « خانه های خوب ونفیس » یادکرده ـ وازروی سرودهای متاخر معلوم میشود وکه آریه ها دران زمان الی گنگا رسیده بودند ـ

این قوم قوی ، تنومند ، سلحشور و اسپ سوار بوده بر تمامی افغانستان استیلا نموده و درقبیله های متعددی منقسم شدند ، نام کلاسیك علاقه شمال مغربی اندس و افغانستان آریه ورته (اقامتگاه آریه یعنی مردم اعلی وشریف) ونام دیگر این مملکت که در ادبیات وکتیبه هاخامایان است (اترا پاته) یعنی راهٔ شمالی میباشد ـ ممکن است آریه نام کدام قبیله باشد امابعد مفهوم آن شریف وعالی نسب گرفته شد .

والحاصل آریه ها هر قدریکه از جهات شمال بیشتر به افغانستان داخل شده وبجمیعت شان می افزود وازلحاظ ضیق خاك بهمان درجه نفوس زایده بطرف جنوب مشرق حرکت کرده میرفتند ونفوس متناسبی درین مملکت بطوردایمی اقامت گزین گردیدند ـ این مهاجرتها عموماً تدریجی و بطورقبیله وی بوده بااموال ومواشی و عایله صورت میگرفت .

طوریکه درویدها اسمای بعضی مقامات افغانی وهندی گرفته شده همچنان راجع به بعضی قبایل هم ذکری شده است چنانچه مشهورترین ومهمترین جنگ تاریخی ازمنهٔ ویدی جنگ بزرگ ده پادشاه است که درکنار دریای راوی پنجاب بوقوع پیوست وده قبیله بسرکردگی رؤسا ویا پادشاهان خود درآن شرکت ورزیدند علت این محاربه غالباً کوششی بود برای تفوق وکسب برتری بهمدیگر — اسمای قبایل ده گانهٔ مذکور قرار ذیل است .

١ — الینه ها (٭)	غالباً اهالی شمال مشرق نورستان بودند
٢ — پکته ها	که مراد از پختون ها ویاپشتونهای امروزی میباشد
٣ — بهالاناس ها	که شاید ساکنین دره بولان چمن قندهار باشند
٤ — شیوا ها	باشندگان دریای اندس ـ ولی فعلاً هم اسم موضع معروفی درقرب جلال آباد به « شیوه وشگی » معروف است
٥ — ویشانن ها	....
٦ — آنو ها	ساکنین کناردریای پروشتی (راوی امروزه)
٧ — دروهیوسها	باآنوها قرابت داشتند
٨ — ٩ — تروشاها ـ ویدوها	دوقبیلهٔ متحده
١٠ — پورو ها	که درکنار مشرق دریای سرسوتی سکونت داشتند

در (ویدها) (١٤٠٠ ق م) ذکر قبایل وعلاقه های فوق شده مگر درقدیمترین ادبیات آریه راجع به مساکن ابتدائی آنها تذکاری دیده نمشود ، ازین رومیتوانم استنباط نمائم که مهاجرتهای مذکور بسیار

(٭) از کیمبرج هسٹری اف انڈیا

در زمان «رگ وید» مردم آریه در پنج قبیله بزرگ تقسیم بودند و هرقبیله شعب متعددی داشت گرچه از زراعت واقف بودند مگر ثروت مهم آنها رمه ها و گله ها شمرده میشد خصوصاً گاو چنانچه ازلفظ گاوشتی (یعنی محاربه برای گاو) اهمیت آن کشف میشود . دران آوان آریه ها زندگانی قبیله وی داشتند و استعمال آهن را نمی‌شناختند ، البته بعد از زمان رگ وید استعمال آهن را آموختند و تهذیب وتمدن خودرا ترقی دادند .

خلاصه مردم بواسطهٔ این حرکت از مرکز باختردر آریانه (هرات) ، غور ، اراکوشیه (قندها رو هلمند) بلوچستان ، تخارستان (قطغن وبدخشان تا به دریای طارم) ، بلورستان (نورستان و چترال و سوات وغیره) پاکتیا (علاقه جات پشتونهای امروزی) تا پنجاب و کشمیر وغیره پراگنده وتقسیم گردیده سکونت پذیرفتند .

راجع به دین این مردم تاحال اسناد صحیحی بدست نیست مگر از روی «رگ وید» (قدیمترین چهاروید) میتوان حدس زد که قبل از زمان رگ وید آنها نیز بمثل سایرین عناصر پرست بودند یعنی ازعناصرمضرو مخرب خوف نموده به آنها نذرونیاز میدادند تا از شر آنها ایمن و مصئون باشند و نیز به عناصر مفید مثل آفتاب و ماهتاب وغیره صمیمیت قلبی داشته آنهارا می پرستیدند ،

آریه های آنروزی را بطوریکه رگ وید می ستاید ، اکثر مردمان بلندقامت و متناسب اندام ، دارای چهره های خوشنما ، موهای انبوه ، بینی های باریک وکشیده و متناسب بوده ، چنانچه خطوط وجهیه آنهادرین ایام به‌تمام مناسبت بجز بعضی اقوام مخلوط افغانستان باقی بالعموم ساکنین سمت جنوبی وسمت مشرقی وکلا فغانان سرحد آزاد وکشمیر و پنجاب و راجپوتانه مطابق آریه های دیگر ممالک دیده میشود .

پشتون ها یاپختون ها

چنانکه درسطور گذشته گفته آمد که اهالی افغانستان عموماً از نژاد آریه و در زمانه های قدیم قبایل مختلف چندی از مردمان این نژاد در خاک های موجوده آمده و سکونت پذیر شده وآخراً اجتماعی بهم رسانیده اند ؛ لهذا اهالی پشتوزبان افغانستان که اسم قبیلوی شان معروف بدرانی وغلجائی وغیره است و این طوایف بین دیگر برادران آریائی خود یعنی باقی متوطنین اینخاک بشجاعت ووطن پرستی وصحت و تنومندی ممتاز ترند نیز از جملهٔ همان قبایل آریائیهای قدیم اینخاک بوده وباختلاف ضرورت واحتیاج هر قبیله نقطهٔ را برای سکونت و معاشرت خود پذیرفته اند .

در مقدمهٔ کتابیکه راجع باینموضوع مؤلف در دست دارد اشاره نموده است که بشر بعد از طی ادوار سنگی وفلزی باجتماعات مهمه و تشکیل سلطنت ها پرداخته وآهسته آهسته بتهذیب و تمدن قدم گذاشته‌وترقی کرده رفته اند . وسپس بواسطهٔ بهبودی وسایل حمل و نقل وضروریات تجارتی اختلاط باهمی بین خود ها پیدا کردند ، اقوام چادرنشین و شهر نشین‌ها برای غلبه وتفوق جستن نسبت بیکدیگر اختلاف نظر پیدا کرده بمقاتلات و محارباتی آغاز نمودند واز پیش آمد این حادثات بالضرور اختلاطی در نژاد وانسال آنها واقع گردید ، پس از روی این قاعده که امروز در تمام بشریت جاری ونسل خالص را بمشکل در دنیای امروزه میتوان پیدا نمود نمیتوانیم ادعا کنم که رویهمرفته عموم ملت افغانستان امروزی ما هم از همان نسل خالص قدیمه آریه بوده و تا امروز مستقلاً خون شان بهمان ماهیت اصلی دوام کرده باشد .

بطوریکه انسال دیگر دنیا بواسطهٔ محاربات ومهاجمات اقوام بیگانه غالباً اختلاطی بهم رسانیده درافغانستان ما نیز چند مرتبه هجوم مغولها وفتوحات اقوام زردپوست که برعلاوهٔ خاک مادربسی ممالک دیگر حتی درمغرب بخاک فرانسه امتزاج خون نموده است ، لهذا گفته می شود که اهالی این خطه نیز ازین گونه امتزاج جزئی خون برکنار نمانده اند .

مخصوصاً هجوم مغلهای چنگیزی تاثیر مدهشی درخون اهالی مرکزی این کشور یعنی هزاره‌جات

موجوده واقع نموده که امروز می بینیم یکعده برادران تاریخی ما هزاره ها در چهره با افغانها بیشتر تفاوتی دارند در صورتیکه هزاره ها جز سهم مختصری از خون منول دیگر نه اصلاً مغل هستند و نه از مهاجرین مغل ،

هم چنان ممکن است بعد ظهور اسلام درینخاك مقدار مختصری از خون عرب در اهالی این خطه امتزاج یافته باشد ولی بهیچ وجه نمی شود که ما امروز یك قوم یا یك عدهٔ کثیری را درین کشور از نسل مستقیم عرب یا سامی بشناسیم .

اگر سلطنت بنی امیه چندی دیگری هم دوام کرده ، وبعد از امحای خلافت آنها شش صد هزار عرب مقیم ایران، خراسان و یك قسمت افغانستان بقتل نمیرسیدند ممکن بودکه اختلاط عربها نسبتاً زیادتر میبود، یونانیان نیز قبل از اسلام در سالهای ۳۲۷ ـ ۳۲۹ ق ، م داخل افغانستان گشته وآنها بالتدریج با بومیان آریه نژاد افغانستان مخلوط گردیدند .

ولی ما سوای اختلاط فوق نژاد زرد پوستان قبل و بعد از اسلام و امتزاج عرب های سامی نژاد بعد از اسلام قوم دیگری با بومیان افغانستان مخلوط نشده است ، زیرا که حدود سلطنت های سامی آشوری وکلدانی (چنانکه در مقدمه کتاب خود مؤلف استکه در سال ۵۳۸ ق . م از دست کوروش خاتمه یافته بود) درعین عروج وکمال خود رسیده و در مشرق تا به کوه های زاگروس رسیده بود ، از جهت اینکه درمشرق چادرنشینان قوی آریائی واقع بودند وآشوری ها وکلدانی ها در مغرب همیشه بادولت قوی مصر می جنگیدند بناءً علیه آنها طرف مشرق متوجه شده نمیتوانستند ، ونفی یهودیها که اولاً درعهد سارگون دوم در سال ۷۲۱ ق ، م و ثانیاً در عصر بخت نصر کبیر پادشاه کلده در ۵۸۶ ق، م بوقوع پیوسته علی الترتیب درعلاقه میدیا ودر شهر بابل صورت گرفته بود یهودیهای خارج البلد میدیا در ملل همجوار کاملاً منحل گردیده و یهودیهای بابل بعد از دونسل درعهد کوروش کبیر موسس سلطنت هخامنشی واپس بوطن خود یعنی فلسطین عودت نموده و مساکن ومعابد خراب شدهٔ خود را آباد کردند وبعضی از قبائل یهودیها به مصر و مدینهٔ منوره پناه گزین شدند .

پشتون و افغان ۱ — پشتون : باید دانست که استعمال و شیوع لفظ پتهان بدواً در هندوستان شروع شده وغالباً هندیها لفظ پشتانه ویا پختانه (جمع پشتون قرار قاعده زبان پشتو و یا پختو) را محرف نموده پتهان می خوانند — وچون خود افغانها وغیر هندیهای دیگر تلفظ حرف (ته) را ادا کرده نمیتوانستند پتهان تلفظ هندی را پتان خواندند ، شکی نیست که هندیها لفظ پشتانه وپختانه (جمع پشتون ویا پختون) را محرف نموده به تلفظ ولهجه خود موزون ساخته ودر مملکت خود رواج دادند ـ مثلاً در زبان فارسی ت ،د ، نیست بنا براں متکلمین فارسی هرجائیکه حروف مذکور بیاید به ت ، د ، معروف فارسی تلفظ خواهند کرد ـ یعنی موتر را موتر ، ررول (بمعنی آوردن) را راول ودیر (بمعنی بسیار) را دیر خواهند خواند ، انگلیسها ت را تلفظ کرده نمیتوانند پس طبعاً تو را تو تلفظ میکنند ، بعض اشخاص بالعموم ف را پ میخوانند و یك هندی ف را بعوض (پ) پهه تلفظ خواهد کرد وقس علی هذا .

این کلمه پتهان بدواً درتحریرات قرن شانزدهم بنظر میرسد و (نعمت الله) یك اشتقاق فرضی و اخراج موهومی این کلمه را باین قصه موضوعی خود قرار میدهد که حضرت رسول کریم صلی الله علیه وسلم قیس را بنام پتان یاد فرموده واورا عبدالرشید نامیدند ، مورخ مذکور معنی این لفظ را حصه تحتانی جهاز فرض میکنند لیکن تصریح نمی نماید که این اسم درکدام زبان است وما یقین داریم که لفظ مذکور بهیچ قاعدهٔ سماعی و قیاسی عربی نیست ـ چنانکه درفوق ذکر شده پتهان فی الحقیقت تحریف (پختانه) میباشد .

کلمهٔ پکتها را اولین دفعه در سرود های « رگ وید » مشاهده میکنیم گویا درحدود ۱۹۰۰ و یا ۱۴۰۰ ق ، م قبیلهٔ ازآریائی‌ها درکوهسار باجور، مهمند ، افریدی،سمت جنوبی الی قندهارسکونت داشته در محاربهٔ ده پادشاه (*) شمولیت جستند ـ چون هیرو دوتس (**) تلفظ ته را ادا کرده نمیتوانست لهذا این قبیله شجاع آریائی را پکتین ها ویا پاکتین ها ویا سر زمین پاکتی ایکی میخواند .

بعضی (***) از محققین الفاظ فارسی پشت ، پشته (یعنی کوه بچه وغیره) و لفظ هـای پکتها و پاکتیای هیرودوتس را تطبیق میدهند واین تطبیق غالباً معقول تراست ، (دارمیستتر) Darmesteter تلفظ پاکتیارا قریب باصطلاح ابتدائی (که یقیناً به تلفظ پکتها نزدیکتر است) شمرده وخیال میکند که پاکتیای هیرودوتس مترادف کدام لفظ مثل پارش‌تائی ها Parshthyes خواهد بود ، ودرین موقع باید درنظر داشت که شکل (ش) درزبان امروزی نسبت به شکل (خ) قدیمتر است ، بنابران میتوان قرار قاعده شکل مثل پاکتیاها (که صرف از منابع یونانی میدانیم) به تلفظ امروزی پشت ویاپخت تبدیل شده باشد .

حروف مخلوط rs و 'rs که درآویستا وسنسکرت استعمال شده درزبانهای موجودهٔ فارسی وپشتو اکثراً به (ش) تبدیل میشود ، بنابران لفظ فارسی (پشت) ولفظهـای پشتو وپشتی معادل لفظ آویستائی (پرشتی) لفظ مساوی‌سنسکرت پرشتهاPrshtha میباشد،همچنان لفظ پشتو کشل مساوی لفظ آویستائی کیریز Kerès وپشتو پشتیدل که درفارسی پرسیدن است مساوی لفظ آویستائی پیریس Perès وغیره میباشد ، پس لفظ پرشتائی را میتوانیم به پشت ، پخت اظهـار وتبدیل نمائیم وبعلاوه یك روایت وطنی نیز این اسم را از پشته یعنی کوه بچه مشتق میدانند ، بناءً علیه احتمال میرود این اصطلاح دربارهٔ مردمانی استعمال شده باشد که درکوه وجبال سکونت وگشت وگذار داشتند از تشریح فوق واضح گردید که لفظ دوم آریائی برای ساکنین کوه وجبال افغانستان قرار تلفظ هندی « پکتهائی » میباشد وهیرودوتس قرار تلفظ خود آن را پاکتیاها ویاپاکتین‌ها میخواند ـ متکلمین زبان پشتو بمرور زمان آن را پختانه ویاپشتانه خواندند که تابه‌امروز مروج و معمول است وهندیها آنرا به تلفظ ولهجهٔ خود موزون ساخته پتهان میخوانند ـ

۲ — افغان : انسائیکلوپیدیای اسلام می‌نگارد که « استعمال ورواج این لفظ بسیار قدیم است یعنی مؤرخین قرن پنجم الی دهم هجری (معادل یازدهم الی پانزدهم میلادی) کلمهٔ مزبور را استعمال کرده اند ولی مبدأ تسلی بخش برای لفظ مذکور تاحال معلوم نشده ـ نام « افغان » اولین دفعه درتاریخ « العتبی » بنظرمیرسد ، اما اشخاص معاصر همین عهد یعنی البیرونی والادریسی درتشریح احوال کابل و قندهار (آخر قرن یازدهم وآغاز قرن دوازدهم میلادی) ذکری ازانها نکرده اند ـ العتبی بیان میکند که (سبکتگین افغانهـارا درفوج خود داخل نمود ومحمود بوقت حملهٔ تخارستان فوجی داشت که عبارت بود از هندیها خلج ها ، (یعنی غلجایها) افغانها و غزنویها ـ تاریخ بیهقی که زمان چندی متأخر است واقعهٔ مذکوررا تصدیق مینماید و حملهٔ مزبور به سال ۴۱۱ هجری (۱۰۲۵ ـ ۱۰۲۱ میلادی) بوقوع پیوست ـ البیرونی صرف یك مرتبه ذکری از افغانها نموده است(یعنی درکوه های مغربی هندوستان چندی قبایل افغانی تابه وادی سند سکونت دارند)بعد ازین ادوار اصطلاح افغان ، را وقتاً فوقتاً تا به ترفیع وفوز افغانها به پادشاهی هندوستان وغوررسیدن شان میشنویم ـ بالاخره میرویس وبعد احمد شاه ابدالی تمام افغانیان جنگجو ودلاور را در دنیا روشن وبلند ساختند »

---

[*] فصل آریه ها ملاحظه شود .

(**) بعض هندیهاسرحدات شهرکامپا تیروس Compathyrose و درمملکت پاکتی ایکی بشمال‌هندیهای دیگرسکونت دارند، طریق رهایش آنها تقریباً با باکتریها مشابهت دارد اینها جنگجوترین طایفهٔ هندیهامیباشند لباس‌آنها در وقت حمله خشیارپاشا Xerxes پوستین بود و آنها کانهای بزرگ و پیش قبض‌های وطنی داشتند .

سکائی لاکس Skylax را دارای‌کبیر مقرر نمود که گذرگاه دریای اندس را کشف نماید، لهذا شخص‌مذکور از زمین‌پاکتی ایکی‌ها روان شده سفاین خود را از طول دریای هندس گذشتانده به بحر رسید ـ صفحه ۲۶۰ و ۳۰۸ جلد اول صفحه ۱۵۷ و ۱۶۱ جلد دوم تاریخ هیرودوتس مترجمه جی ، سی مکّلی انگلیس نیزدر حدود قرن‌ششم و پنجم قبل‌المیلاد علاقه مشرق هندوکوه را هندوستان میگفتند

(***) انسائیکلوپیدیای اسلام .

قرار نظریهٔ انسائیکلوپیدیای اسلام ، نام« افغان» پیش از عهد سبکتگین درکتابی برده نشده ولی آنچه محقق است که چون این کلمه « افغان» برای ساکنین جبال و کوهسار افغانستان معمول و مروج بود لهذا این اصطلاح در قید تحریر آمده بناءً علیه که کلمهٔ « افغان » بسیار قدیمی است چنانچه شمس‌الدین سامی بی مصنف قاموس الاعلام مینویسد» که قوم افغان قوی است نهایت قدیمی و به لسان پشتو تکلم میکنند که از زمرهٔ السنهٔ آریه منسوب است و بالسانهای فارسی و سانسکرت بسیار مناسبت و مشابهت دارد ـ اسم افغان از طرف ایرانیها برای ایشان خطاب کرده شده و حکم اسم عموی را گرفته است و یك اسم محدث وجدیدی نیست وابوالمورخین هیرودوتس در جینیکه از اهالی هندوکوه بحث کرده است نقلاً از سکائی لاکس Skylax اسم افغان را باجزئی تحریفی ذکر میکند » ـ نظریهٔ قاموس الاعلام بصحت قریب تر بنظر میرسد .

قوم پشتون درکوها و جبال افغانستان سکونت داشته وباآزادی واستقلال وطن خود یك شغف ومحبت فوق العاده دارند وگاهی مغلوب نشده اند بنابران ایرانیها این مردم کوهسار وآزاد را بنام « افغان» موسوم کرده اند چنانچه سکائی لاکس مامور دارای کبیر نیز این مردم را افغان ویکتی ایکی‌ها گفته است .

مزید بران (*) در سنسکرت آسواغان ویاآسواگان یعنی مملکت سواران ودرلغت برهمی اپ گائین یعنی قومیکه موسیقی نداشته باشد مذکور آمده ، درزبان ارمنی اوغان ویااغوان یعنی ساکنین کوهستان استعمال میشود واگوان لفظ یونانی نیز همین معنی را دربر میگیرد وبنابران لفظ افغان کمی تحریف نموده به هرمعنی که استعمال کنیم بقوم پشتون ویاافغان صادق می‌آید .

چنانکه بیشتر گفته شد که مردم آریه اسپ سوار بوده اسپ را تیزرفتار نامیده بودند ، واولین استعمال اسپ درنواح جیحون وباختر ازطرف اینها شروع شده وبعد بمرورزمان وقتیکه قبیلهٔ آریائی پکتها ویاپشتون درنواح جلال آباد الی قندهار رسیدند اسپ مهمترین وسیلهٔ حمل ونقل وسواری آنها بوده چنانچه فردوسی درشاه نامه شهسواری افغانهارا تمجید مینماید .

بالآخره پشتون دراصل نام قبیلهٔ شجاع وجنگجوی آریائی افغانستان و کلمهٔ «افغان» یك اصطلاح ادبی میباشد .

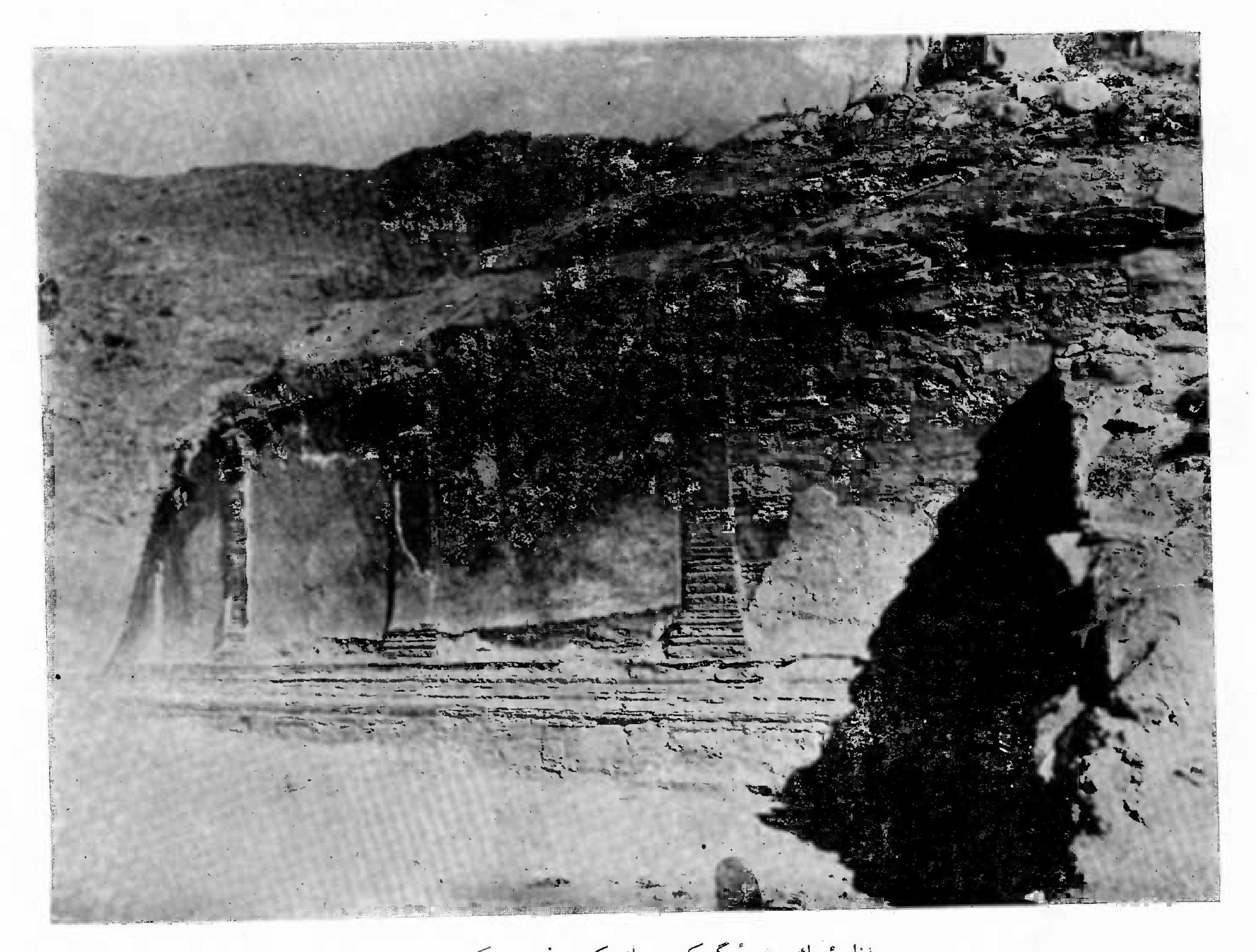
رویهم رفته طایفهٔ که در افغانستان امرار حیات می نمایند منشعب از یك شاخهٔ اقوام آریائی قدیم افغانستان و من حیث مجموع تمام طبقاتی که درافغانستان امروزی اقامت داشته وموسوم و مشهور بقبایل وقومیت های مختلفی میباشد عموماً باجزئی آمیزش خون های بیگانه از یك نژاد واحد وبرادران تاریخی همدیگر خود میباشند . (انتها)

*] از یادداشتهای فاضل محترم آقای فیض محمد خان وزیر امور خارجه .



نمونهٔ رسامی قربانعلی خان صنف رشدی مدرسهٔ صنائع نفیسهٔ کابل
(نقل نقاشی یکی از طاقهای عصر بودائی بامیان)

Reproduction d'un des Ornements des Grottes de BAMYAN par un des élèves des Classes Secondaires de l'Ecole des Beaux Arts de Kaboul.



منظرهٔ یك ستوپهٔ گریكوبودیك كه درنجراب كشف شده

Vue d'un Stupa Greco-Bouddhique découvert à NÉDJRAO (Au nord de Kaboul).



مجسمهٔ سنگی که از تگاب بدست آمده

Statue en pierre trouvée à TAGAO (Au nord de Kaboul).





عتایق عصر گریکوبودیك کهدر نجراب کشف شده است

Antiquités Greco-Boddhiques trouvées à NEDJRAO (Au nord de Kaboul).

نگارش جناب غلام جیلانی خان
جلالی عضو انجمن ادبی کابل


آقای غلام جیلانی خان «جلالی»

جغرافیای طبیعی

افغانستان

افغانستان و ساختمان قدرتی آن:

منظرهٔ مجمل افغانستان مملکتی است در مرکز آسیای جنوبی که جغرافیای طبیعی و نژادی قدیم آن باسم باختر، خراسان، وغیره شامل ممالك افغانستان حالیه، بخارا، سمرقند، خوارزم، خراسان فعلی، کرمان، کلسیستان، بلوچستان، سنده، پنجاب، کشمیر است ولی در زمان حاضر مملکتیست در شرق ایران و شمال مغرب هند که از حیث موقعیت جغرافیائی بعد از تبت از بلند ترین ممالك مشرق زمین بوده در بر اعظم آسیا جا دارد، جبال فلك سای این کشور تاریخی قسمت اعظم خاك این مملکت را در برگرفته در غرب آن ایران و بحصهٔ شمالی انخفاض آسیای وسطی، از سمت جنوب بسلاسل جبال بلوچستان اتکاء نموده در قسمت شرق خود یك سر نشیبی غیرتدریجی را بطرف وادی هندس (سنده) نشان میدهد.

از روی طبقات الارضی در حصص شمال شرق آن که فعلاً همان انخفاض سالف الذکر (یعنی انخفاض آسیای وسطی) وقوع دارد گوشهٔ بحر عظیمی بوده و بحیرهٔ خضررا بامیدان شمالی هند الحاق میداد در حال حاضر بقسمت شمال مملکت مذکور کوهستانات مهم و عظیم الجثهٔ کائن است که از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ متر بلندی دارد، این جبال اکثراً از شرق بجانب غرب صف کشیده علاقجات ماورای خود یعنی (باکتریای قدیم) را از کابل، قندهار، هرات که (کندهارا، آریانا، اراکوشیای) قدیم باشد منفصل میسازد و بسمت انتهای جنوب این کشور دیگر کوهائیکه تا ۲۰۰۰ متر قدمی کشد موجود است، این دو سلسله جبال بوسیلهٔ دشتهای کم زراعت و سبعی که ارتفاع وسطی آن به ۶۰۰ متر میرسد از هم سوا شده تماماً منطقه از کوهستانات پی هم و نقاط پست و بلند مربوط است، سلسلهٔ اساسی جبال شمال بسمت شرق در جائیکه از حدود چین منفصل میشود بداخل پامیرات قد علم نموده به هندوکش موسوم میشود، این برجستگی عظیم و عجیب ترین نمونهٔ قدرت میادین هموار باکتریا را بسمت شمال و اراضی کابل، جلال آباد، قندهار، سطح بلند غلزائی را بطرف جنوب خود گذاشته تمام اودیهٔ راست و چپ، خود را بوسیلهٔ فلات و دره جات و جداول نقره فام خود شبکه کاری و آبیاری مینماید، کوه بابا، کوه سفید غربی، کوه سیاه که اخیرالذکر در حدود هرات معروف بپوك است در قسمت وسطی و غربی با هندوکش همراهی نموده دوش بدوش تا مغرب افغانستان روانست سرزمینیکه بطرف جنوب این سلسله یعنی بین هندوکش و کوه بابا بشمال و وادی هلمند بطرف غرب و جنوب موجودیت دارد (بوادی غور) موسوم و از خود دیگر جبال پست و بلندی دارد که بعضاً شرقاً و غرباً و برخی شمالاً و جنوباً ممتد است، این سلسلهٔ جبال وادی غور یا حصهٔ جنوب سلاسل قسمت شمالی افغانستان، از شدت سرما و برف باری باستثنای چراگاههای معروف از جنگلات مهم برهنه و در هزاره جات مرکزی یك مثلث غیر موزونی را تشکیل میدهد که راس الزاویه آن کوهای جنوب قندهار و هردو ضلع راست و چپ آن را تا جبال کابل و هرات ممتد باید دانست، قاعده اش جبال شمالی، اوسط ارتفاع این کوه ها تا ۳۰۰۰ متر بوده قلل

بلند آن بیش از ۴۰۰۰ متر نیست ، شعبیکه از همین جبال در اودیهٔ قندهار پیش رفته دریای هلمند ، ترنک ارغنداب ارغستان را از هم سوا میگرداند نیز بطرف جنوب مشرق تا حدود بلوچ میدود .

درهجات واقعهٔ متنجبال هزاره بیشتر سنگزار و اراضی موجوده نسبت باموز زراعتی برای مال داری خوبتر مساعد است ، درین محاذ بدون حصص شمالی (ماورای هندوکش) سطوح هموار بندرت دیده میشود .

امادر قسمت جنوب غربی باز هم جبال فوق الذکر وادیهای ولایت هرات ، قندهار را از مفاصل طبیعی خود بانسان نشان میدهد چنانچه درگوشهٔ از همین میادین یك هموارى باو سعتی موسوم بدشت بکوا وجود دارد که سطح آن بیشتر از (۱۵۰) کیلومتر مربع بوده ساختمان طبقات الارضی آن باسنگ محلول ودریای هلمند را از عرض خود عبور میدهد .

ماورای دریای هلمند بسمت انتهای جنوب آن ریگستان معروف افغانی کاین است و از باعث وجود شن زار وسیع باران کمتر میبارد جبالیکه بجنوب هندوکش مشرق ممتد است براودیهٔ دریای کابل ، کرم ، گومل ، مشرف بوده به جانب شرق جنوب کابل وسمت جنوبی ومشرق را در برمیگیرد (هیئت واویلوف) غالب طبقات ساختمانی این سرزمین را بشمولیت غزنی . قندهار سبزوار . ریگ آمیز وسنگستانی نام برده است (*) سلسلهٔ کوه سلیمان که تخت سلیمان (ع) بارتفاع ۴۶۰ متر برقلهٔ ازان وقوع دارد از غرب جنوب کوهات وپشین شروع شده تانهر صوات میرسد ، این سلسله به سه حصه مقسوم است که قسمت اول از غرب جنوبی بشرق شمالی ممتد است وحصه دوم خود کوه سلیمان میباشد ، قسمت سوم این سلسله جبال تیر است که درهٔ معروف خیبر نیز درین حصه وگوشهٔ از سلاسل کوه ـ آتی الذکر (سپین غر) وقوع دارد ، کوه سلیمان باموقعیت فوق الذکر بغتتاً ز بلندی بوادی سند سرنشیب شده درحصهٔ مشرق خود را بشکل قلات انتها میدهد .

درین وادی کابل وکرم (سپین غر) سد می کشدکه از حیث ارتفاع بعد از هندوکش وکوه بابا درجهٔ اول را درافغانستان مالك است .

سطح بلند پامیرات که بنام بام دنیا شهرت دارد در ناحیهٔ شمال مشرق افغانستان افتاده اوسط ارتفاع آن از ۴۲۶۰ تا ۵۰۰۰ متر میرسد . این سرزمین عجیب وغریب از بلندترین مقامات جغرافیائی افغانستان بوده سرنشیبی خاك این مملکت ازین موضع بجانب شمال غربی وجنوب غربی آغاز میشود .

بحیث عموم باید نوشت که بدون اراضی منخفضه مقامات سیستان ، سطح آمو ، جلال آباد که از (۳۳۰ تا ۶۳۰) متر بلندی دارد ، بیشتر سطوح این مملکت بقدر (۱۳۰۰ متر) از سطح آب برجسته است که درقسمت آب وهوا خوبتر تشریح خواهد شد .

آبها : آبهای افغانستان قدرةً بسه قسمت مهم وبسه سمت مختلف (شمال ـ شرق جنوب ـ غرب جنوب درجریان است از آنجمله آبهای هندوکش غالباً بدو حصهٔ معین یعنی بسمت شمال وشرق جنوب بمجاری متعدد طبیعی سرازیر گردیده درهجات ووادیهای فراخی را سیراب وسر سبز میکند ، آبهایکه

(*) هیئت واویلوف روسی طبقات زمین [کابل] قندهار ، غزنی ، سطح بلند غلزائی را باسنگ آمیخته تصور نموده و اراضی « قلات » فراه سبز وار ، چخانسور ، جنوبی را ریگ زار و سنگچه نوشته است « این هیئت تنها زمین جلگهٔ هرات و ولایات شمالی افغانستان را از حیث استعداد زراعتی تعریف میکند » لهذا برای رفع اشتباه کسانیکه این مقامات را سیاحت نکرده اند چیزی باید نوشت : بدون زمینهای دامنهٔ جبال کابل کوهستان غزنی ، حصص ریگستان قندهار ، برخی قسمتهای جنوبی افغانستان دیگر اراضی این مواقع از نقطهٔ نظر استعداد کشتمندی حاصل خیز ترین زمینهای زراعتی افغانستان است زیرا در حال حاضر که هنوز طرز زراعت اکثراً باصول معمولی است صادرات زراعتی لوگر وجلگه کابل، کوهدامن ، متن غزنی ، شلگر ، قندهار ، هوتکی « سوری » شلجوی قلات ، متن فراه ، چخانسور خوست از صرفیات داخله زائد وتابازارهای هندوغیره حمل و نقل میشود ـ این معلومات مارا ـ وسیو « ریموند فورن » فرانسوی که بافغانستان سیاحت نموده نیز درجغرافیای خود موسوم به « هندوکش وکابلستان » خوبتر تائیدمیکند .

بجانب شمال اینکوه منشعب میشود بنامهای دریای آمو، دریای کوکچه، دریای قندوز، دریای خان آباد، دریای خلم دریای بلخ، دریای مرغاب وغیره موسوم بوده بعد از آبیاری دره‌ها واودیهٔ وسیع ولایات شمالی افغانستان بعضاً صرف وجذب زراعت و ریگستانها وبرخی هم باوکسوس قدیم رودبار (آمو) وصل میگردد، ساختمان اراضی که این آبشارهای قدرتی هندوکش ازان عبور مینماید بدون استعمال قوای مصنوعی ازقبیل اقسام کودها استعداد درجهٔ اول زراعتی را داراست.

حقیقةً زمینهای این مناطق بهترین نمونهٔ قطعات زراعتی ونباتی افغانستان بوده قوای نامیه قدرتاً باندازهٔ درزمین مربوط است که درزیر برف نباتات را میرویاند.

آبهائیکه بسمت شرق جنوب این کوه جاریست همچنان طوریکه درفوق ذکرشد قبل از توصل بمجری نهائی خود (دریای کابل) ازقبیل دریای غوربند، دریای جبل السراج، دریای پنجشیر، دریای نجراب دریای تکاب، لهوگرد، الیشنگ، النگار، دریای کنر، سپس ازآبیاری وشادابی دره‌ها واودیهٔ حاصل خیز سواحل، مجاری ابتدائی خود را تبدیل داده بدون دریای لهوگرد تماماً ازجناح چپ برود کابل میریزد که بعد ازان بیك سرنشیبی تدریجی بانخفاض شرق سرازیر گردیده درنهایه بنام ـ لندی سین قسمت عمدهٔ اباسین را تشکیل میدهد ـ وازجناح راست بآن وصل میشود.

آبهائیکه ازجبال مذکور سرچشمه گرفته ازقبیل هلمند، خاش رود هریرود، بالامرغاب فراروذ، دریای‌هاروت بالاخر دریای غزنی وغیره، ازکوه بابا وکوه یغمان وکوهای سیاه وسفید برخاسته باخم وپیچ حیرت آوری بطرف غرب جنوب درجریان است.

این رودها نیز قبل ازینکه در انخفاض سیستان وریگستان ترکمان منتهی شود وادی غور را عبور نموده بعد از تشامل معاونین بسیار مانند ارغنداب، ترنگ، جلدك، دریای لورا وغیره وادیهای وسیع گرشك، فراه، قندهار، سطح بلند غلزائی، جلگهٔ هرات، غزنی را سرسبز ساخته در هامون سیستان و ریگستان ترکمان ناپدید میشود.

علاوه برین یکقسمت آبهای دیگر نیز وجود دارد از قبیل دریای کومل، دریای شمل دریای کرم وغیره که از منابع کوه سلیمان و کوه خدی جدران، سپین غر، منبع شده و دریای گومل وکرم سرحدات کوه سلیمان را شگافته بسند می ریزد. و دریای شمل بعد از طی دره جات جنوبی و شرق کوهستان جدران از حدود المره شروع بآبیاری نموده وادی جنوبی و مرکزی خوست الی متون و گوشهٔ شمالی گربز را سرسبز میسازد، ولی این دریا از سرحد نمیگذرد وبکشتمندی صرف میگردد.

آب و هوا در قسمت طبیعی جغرافیا دریافت کیفیت آب و هوا خیلی اهمیت دارد زیرا این جنس طاقتور لازم وملزوم حیات بشر وحیوان ونبات بوده از هویت آن ساختمان های نژادی و زراعتی مناطق وغیره هم بدرستی اندازه کرده میشود لهذا درین مورد نظر باهمیت موضوع قبل ازانکه چگونگی آب وهوا را محل بمحل درحصص آینده شرح کنم اجمالاً هم ذکری ازان باید کرد.

افغانستان چون درمنطقهٔ معتدلهٔ شمالی مابین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۵ دقیقه عرض البلد شمالی واقعست از بحر تقریباً ۵۵۰ کیلو متر برکنار بوده آب و هوای آن بری است یعنی عموماً تابستان گرم و زمستان سرد میباشد، درقلات غلزائی، کتواز، مقر، غزنی علاقهٔ هزاره در مواسم دی برف زیاد می بارد چنانچه درمناطق اول الذکر بعضاً از یك متر تادومتر و درهزاره جات از دوتادونیم متر ضخامت برف اندازه شده علاوتاً بنا بر اکثر با برف باری بادهای پرشور ـ معروف بباد (دورك) نیز توام است، از شدت سرما آبهای سیال بر سطح خود تا اندازهٔ یخ ـ می بندد که بعضی اوقات اشترهرای باربالای آن میگذرد خلاصه اراضی که از سطح بحر (۲۴۰۰ متر تا ۲۰۴۵) متر بلندی دارد زمستان آن تادیری طول میکشد، درین حصهٔ مرتفع بدخشانها وهزارجات شامل است.

زمینهائیکه ازسطح بحربا ندازهٔ (۱۴۰۰ تا ۱۳۰۰) متر وازه۱۷۶۲تا ۲۲۰۰ مترمرتفع است آب وهوای آن معتدل وخوشگوار میباشد اگرچه درماه‌حمل درین‌جاها گاه‌گاهی برف‌می‌بارد ولی دوام نمیکند، دره های کابل، چهاریکار، پنجشیر، نجراب ، علاقه جات غزنی، گردیز ، زرمت ، رود احمد زائی درهٔ میلن ، زائو ، درین قسمت شرکت دارد.

اراضی که از سطح آب بقدر ۶۰۰ متر بلند است مانند حصص قطغن ، مزار ، میمنه آب و هوای متفاوت دارند ، یعنی تابستان گرم و زمستان سرد متلونی دارد . این اراضی بااینکه ازکوه های مهم فارغ است اما بر خلاف مامول برف گیر ودرجه حرارت درزمستان بعضها تحت صفر می‌رود . کم ارتفاع ترین مواضع جلال آباد است که بنا بر او سط ۶۰۰ متر بلندی دارد .

این سرزمین دارای آب و هوای تابستان گرم و زمستان نسبتهً نرم را داراست .برفباری درین منطقه شاذ اتفاق می افتد . بصورت عموم آب و هوای افغانستان نظر بارتفاعات، دومنطقهٔ عمده دارد که حصهٔ معتدل وبرخی ازروی (شب سرد واز طرف روز گرم یاتابستان گرم وزمستان سرد و خشك می باشد).

این وضعیت متضاد درآب و هوا ، باکوه های برهنه ، دشتها ، پشته ها یعنی(مواضعیکه دارای‌گیاهای منجمد می باشد) مقابل است .

اول : آب وهوای مناطق کوهستان . از ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ متر ارتفاع تماماً معین است ، مناطق کوهستانی کابل ۱۷۶۲ مترجلگهٔ غزنی ۲۲۰۰ متربامیان ۲۰۴۵ متر درمرکز ویك حصهٔ شمال شرق بدخشان درهمین قسمت شامل است .

این مناطق غالباً درتابستان گرم ودرجهٔ حرارت از ۴۰ درجه تجاوز میکند امادرزمستان بعضاً باندازه سرد میگردد که باجود کثرت برفباری درجهٔ حرارت از ۲۰ درجه سانتیگراد پائین تر می‌رود - موسم برفباری بسیار اینجاها جدی ودلو ، وموسم‌باران حوت وحمل است مجموع اختلافات جوی بندرت درسالی از ۵۰۵ ملیمتر تجاوز میکند که ازآنجمله ۳۵۰ آن ازجدی تا حمل تعلق دارد . بلندتر از ارتفاعات فوق الذکر (۲۵۰۰ متر) زمستان ها بیشتر سرد وزندگی ضدچادرنشینی رامشکل می سازد امابااین غلات تاارتفاع ۳۰۰۰ متر پخته میشود .

بادهای‌که برآب وهوا حاکمیت دارد درزمستان ازشمال ودرتابستان ازجنوب بغرب می وزد .

آب وهوای نقاط مقابل کوهستانی از (۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متر) برای نشوونموی نباتات و اجتماعات بشری فوق العاده مناسب است .

دوم : آب وهوای مناطق پست‌که ارتفاع آن تا هزار متر باشد قرار ذیل است . در شمال باکتریای قدیم (۳۰۰تا۴۰۰متر) بجنوب فلات‌مرتفع خشك، بشرق‌جلال‌آباد۶۰۰ متر بغرب هرات (۸۰۰متر) جلگهٔ بادغز (۶۰۰ متر) تماماً آب وهوای‌گرم وخشك وتر دارد درین مناطق بیش از سه ماه زیاده از ۴۵ درجه حرارت موجود میباشد ولی بااینهم درزمستان آب و هوای آن بسیارشدید نیست ، بعضی باراتها می بارد ، اما آب آن دریك باران از ۶ ملیمتر تجاوز نمیکند ، از روی جغرافیای طبیعی همه این مناطق دشت گفته میشود - باد های گرم دایماً ریگ را باطراف (واح) های سرسبزیکه دران درختان انار، خرما ، نیشکر پرورده می شود پراگنده می کند - بهر حال آب و هوای علاقه جات غرب و شرق جنوب افغانستان بطورعموم نسبت بآب و هوای ولایات شمالی افغانستان خوشگوارتر وصحت‌بخش‌تر است امراض بسیارکم دیده می شودزیرا طبعاً این آب و هوای خشك بغرض دفع جراسیم و امراض مهلك مفیدتر بوده اهالی این سامان تماماً قوی طاقتور، دلیر میباشند .

اقسام میوه ها از قبیل انواع انگور ، توت ، سیب ، ناك ، آلو ، شفتالو ، خربوزه ، و غیره در همین حصص نیز خوبتر پرورده میشود .

منطقهٔ وقوع ورقبه: افغانستان در مابین ۲۹ درجه و ۳۰ دقیقه و ۳۸ درجه و ۳۵ دقیقه عرض البلد شمالی و ۶۰ درجه و ۵۰ دقیقه و ۷۴ درجه و ۵۰ دقیقه ـ طول البلد شرقی نصف النهار (گرینویچ) واقع است طول آن از شرق تا غرب (۱۰۰۰ کیلو متر) وعرضش شمالاً وجنوباً (۸۸۰ کیلومتر) رقبهٔ مساوی است بر ۷۰۰ هزار کیلو متر مربع که از خاك فرانسه ۱۵۰ هزار کیلو متر زاید است .

حدود وشکل وقوع: افغانستان کنونی باداشتن برجستگیها وفرورفتگیها تقریباً بشکل مثلث مفتاوت الاضلاع واقع است که راس الزاویه آن بشرق وهردو ضلع راست وچپش شمالاً بسرحد ترکستان شوروی (بخارا خیوا) وجنوباً هند انگلیسی و بلوچستان برقاعدهٔ افقی سرحد کشور ایران تکیه میکند اما ضلع سرحد شوروی کوتاه واز هندوستان و بلوچ قدری دراز تر است .

سرحد کنونی مملکت افغانستان بعد از جنگهای متعددی باخارجی ها از سال ۱۸۸٤ مسیحی تا ۱۹۰۵ معین گردیده وشکل ذیل را اختیار نموده است :

از غرب شمال افغانستان خط سرحدی از ذوالفقار بجانب شرق متوازی جبال هندوکش امتداد یافته ۶۱ ونیم کیلومتر تقریباً بجانب شمال علاقهٔ جمشیدی هرات رود کشك را در چهل دختران (آخرین ایستگاه ترین روسیه) عبور میکند وبعد هابطرف شمال مشرق سیر کرده رود مرغاب را درحد مروچاق افغانی تقاطع میکند ، وکوه های چل را باریگستان های علیلی ترکانها گذشته برودبار آمون توصل مینماید (سرحدات مذکوره توسط منارها وتقسیمات طبیعی آبها واراضی مشخص میشود) از نقطهٔ اتصال خط سرحدی بارودبار آمو (خم آب) تاگوشهٔ شرق عذیر ویکتوریا (درپامیر) رود بار آمو فاصل طبیعی خاك روس وافغانستان است ، از کول ویکتوریا خط سرحد ، پامیر راقسمتاً بافغانستان گذاشته مابقی را جزوحدود روس مینماید (مطابق فیصلهٔ هیئتهای حدبخشی ۱۸۹۵) بعدها خط سرحد از سلاسل ـ صعب المرور جبال گذشته بکوهای برفدار دائمی چین (سرکول) منتهی میگردد .

واز ذوالفقار تاسرکول طول خط سرحدی افغانستان تقریباً ۱۳۲۰ کیلومتر ست از سرکول خط سرحد افغانی بجانب غرب دورکرده ودر یك خط متوازی جبال هندوکش می گذرد عرض افغانستان درین حصهٔ باریك بیشتر از ۱۷ ونیم تا۲۶ کیلومتر نبوده وقسمی ازین زمین باریك وبلند رو بجانب شرق شمال (موسوم بواخان) تا پامیر ممتد میشود که درآنجا فاصل حدود انگلیسی وروس بوده وخاك افغانستان را : درشرق شمال بسرحدچین میرساند ، ارتفاع این خطهٔ عجیب ومهیب دایم البرف از (۶ هزار متر تا ۸ هزار متر است) ازینجا خط سرحد بهمرای سلسلهٔ کوهای بلند چترال بطرف نورستان میرود . ودرنزدیك کوتل دورا (بارتفاع ٤۸۰۰ متر) ولایت چترال را از رود بار دلیخه جدامیکند .

سرحد افغانی وچترال ازین حصه تادره ارنوای عبارت از یك کوه برف داربوده ودرجنوب چترال متصل دره مذکور خط سرحد بارودچترال مقاربت مینمایدو وادیهای چترال وباسکول افغانی باهم ملاقی میشوند ـ بعدازین خط سرحدی از پهلوی شهر قدیم پشت گذشته در وادی کنر میدرآید . وازآنجا در یك خط معوج بجنوب امتداد یافته علاقهٔ مهمند را عبور میکند ، ودر حد پلوشی رود کابل راقطع نموده مستقیماً بجانب جنوب سیر وتا تورخم میرسد از سرکول تاتورخم واز تورخم تاکوه ملك سیاه درمنتهای جنوب غربی افغانستان باسرحد افغانی ولایاتی تماس میکند که در جمله سرحدات میباشند .

ازتورخم خط سرحدی بطرف سپین غر (سفید کوه) که سرکوب علاقهٔ آزاد تیراست رفته وازآنجاوادی کرم (مرکزطوائف توری پشتانه (رادوره نموده ازکوتل پیوار (سرحدجاجی) میگذرد بعد ازان برفتار خود دوام نموده از (کتو) سرحد شمال (توچی) گوشهٔ غربی وزیرستان راتماس میکندو بمقام (دوماندی) رودگومل را تقاطع نموده درجنوب رود گومل بخطوط منکسر باسرحد بلوچستان تماس میکند، ازین جاخط سرحد بطرف جنوب غربی

روان شده وباز بجنوب شوراوك ونوشکی میدود ومتصل نوشکی ریگستان جنوب هلمند را عبور نموده تقریباً دریك خط مستقیم از بین ریگستان سیستان بجانب غرب تاسرحد فارس ممتد میشود ودر کوه ملك سیاه وجنوب سیستان باسرحد فارس تلاقی میکند، ازینجا تا ذوالفقار خط سرحدی افغان وفارس دریك خط تقریباً مستقیم امتداد پیدا میکند (این همان خط سرحدی است که درسال ۵ ـ ۱۹۰٤ معین شده) .

جغرافیای تاریخی افغانستان : افغانستان نظر بمعلومات صحیح درهردورهٔ ازقرون واعصارماضی دارای جغرافیای متمایزی بوده قدرت این مملکت بلند کوهستانی را دارای استحکامات طبیعی ومحل حوادث تاریخی وجغرافیائی‌خلق نموده مولفات هرودوت (Herodote) سترابون (Strabon) دسثارك(Disearque) مسافرت اسکندراکبر نگارشات (اراتستنEratasthene) هیپارك (Hiparque)منجم معروف یونانی سیاحت نامهٔ (هوانگ تسان) زوار چینی و دیگر سیاحین صدر اسلام شاهد این مدعاست .

درقرون اخیره که اروپائیان نیز بنوبهٔ خود اهمیت جغرافیائی این کشورتاریخی را فهمیدند وضعیت تاریخی وجغرافیائی افغانستان باردیگر ازطرف هیئتهای اروپائی مورد بازدید وتحقیقات طبقات الارضی‌متخصصین مذکور واقع گردیده اینها نیز هرکدام بنوبهٔ خود ازقبیل همتن‌ها. الفنتسها، شارت‌هنریها، داکتربیلو، فریر موسیوگودار، مادام گودار، موسیو هاکن، جون مارشل، هئیت واویلوف، بارتولد، موسیو ریموند فورن وغیره راجع بمعلومات جغرافیائی افغانستان شرح مبسوطی داده اند که مادرین مورد بسبب طوالت از تمام همان معلومات صرف نظر نموده تشکیلات حجری افغانستان را مختصراً متذکر میشویم :

تشکیلات حجری افغانستان :

جاهائیکه ازجانب علمای طبقات الارضی درافغانستان دیده شده ونسبت بآن تحقیقات علمی بعمل آورده شده ذیلاً تحریرمیشود :

هندوکش وسلاسل اطراف آن کابلستان (کوه دامن، چهاردهی، جلگهٔ کابل) تشکیلات عهد اول (✻) .

درحصص بامیان درمیان احجار آهکی طبقاتی دیده میشود که اکثریهٔ آن بعهد اول واحجار کاربونیفر سفلی ومتوسط منسوب است وبوسیلهٔ مطالعهٔ حیوانات ونباتات حجری، این قسمت بوجودتجاوز تعاقبی سنگهای (اورالی) درافغانستان شناخته میشود واز مشاهدهٔ این احجاربا خود فیصله میتوان کرد که تقسیمات (انتراکولتیك) دردودسته سوا میشود :

اول : اورا لوپرمی شن (احجاراورالی کوه روسیه)

دوم : کاربونیفر سفلی و متوسط .

از مطالعهٔ حیوانات و نباتات حصص اورا لوپرمی شن وجود مشترك نیوسو (سوما ترینا) آنرا ـ فوشواژیرینا، کرانیکو لیفورا ـ را باید فهمید اما به تقسیمات ثانوی (پرمی شن) هندوکش اجازه نمیدهد یعنی فهمیده نمیشود . بالاخر وجود احجاردورالیوثین و انتراکولتیك درهٔ پنجشیر شناخته میشود .

«✻» علمای طبقات الارضی تصور میمایند که قشر اولیهٔ زمین صورت‌اصلی خود را نتوانسته حفظ کند از طرفی دریا ها واقیانوسها وجریانات در سواحل ومجاری خود تغیراتی داده اراضی نوی باسم اراضی رسوبی تشکیل داد واز طرف دیگر عوامل مرکزی ارقسم آتشفشانها، زلزله ها وغیره بطریق دیگری شکل سطح زمین را تبدیل نمود چنانچه در نتیجه عوامل مذکور، سطح زمین دایما درحال تغیر شکل بوده و میباشد نهایت الامر تاریخ تغیرات محسوس بچهار دورهٔ اول ودوم، سوم و چهارم قسمت شده که هرکدام بعقیدهٔ علمای طبقات الارضی بدوره های هزاران هزار سال‌بوجود آمده است

برعلاوه به عقیدهٔ آنها یك دورهٔ دیگری هم باد وار فوق‌الذکر مقدم میباشد که آنرا در فرانسه عهد ازوئیك Acoïque یا فاقد نباتات می نامند .

عهد دوم دردرهٔ سرخ آب طبقات احجار عهد دوم موجود است وکذا بمقام دوآب میخ زرین همچنان رابطهٔ این احجار همراه طبقات مرسوبی و آتش فشانی کشف گردیده و از روی احجار آهکی پیرا دانسته میشود که در عهد ایتین بحران آتش فشانی این علاقه خاموش گردیده است .

عهدسوم درقسمت مرسوبات عهد سوم افغانستان از روی استخوانهای (فوسیلی) خیلی فقرات دوعلاقهٔ ذیل واضحاً از احجار غیر منطبق کشف شده که آنهم عبارة از اجتماع احجار پلیزانسئن درهٔ غوربند و دیگر احجار اهکی دور نئوژین سفلی و نومولتیك درهٔ کهمرد میباشد .
یعنی بواسطهٔ همین عدم انطباق (احجار منطبق که بدرستی رویهم قرار نگرفته باشد) تشکیلات دورهٔ نئوژین افغانستان را معلوم میتوان نمود .

عهد چهارم : بحدود کابل در سیاسنگ بقایای احجار اهکی جبه‌زار نمای قبل از عهد یخچالها معلوم میشود (*)

از روی نقشه طبیعی : ۱ـ دامنهٔ جنوبی هندوکش تا بامیان وپنجشیر احجار عهد اول
۲ ـ حصص بادغیس هرات و جنوب هرات و اطراف قندهار و جنوب مزار وشمال هندوکش تابدخشان و از طرف غرب تا شمال فیروز کوه یعنی انتهائی تیربند ترکستان عهد دوم .
۳ درجنوب قندهار، ریگستان ، سیستان تاحدود سرحد، عهد سوم و چهارم .

کوه‌ها و موقعیت جغرافیائی آن

ا : کوه هندوکش : سلسلهٔ جبال همالیهٔ هند که از سطح پامیر داخل افغانستان میگردد بهندوکش موسوم و تامعبر درهٔ بامیان ممتد است، هندوکش مابین ۳۴ و ۳۷ درجهٔ عرض البلد شمالی و ۶۸ تا ۷۵ درجه طول البلد مشرقی واقع است .

این کوه بسمت شمال شرق یاشرق افغانستان در انتهای پامیر باکوه همالیه اتصال می‌یابد درآغاز خود از یك طرف تااندازهٔ خط فاصل هند شمالی و افغانستان میباشد و ازجانب دیگر بدخشان را از میدان جنوب سوا می‌سازد ارتفاع این سلسلهٔ کوهستانی زاید از ۶۶۵۰ متر است وقلهٔ معروف آن موسوم به تیراج میر (Tiragmir) که بجانب شرق درهٔ نکسان Nuksan و شمال غرب چترال کا این است از سطح آب ۸۳۰۰ متر بلند می باشد ، بعض حصص این سلسلهٔ کوهی دایما درزیر برف مستور بوده از گیاه و علف محروم است ، دربرخی جاهای این کوه برف کوچ های موسمی نیز بوقوع می آید چنانچه دراوائل بهار یعض معابر قابل مرور هندوکش از خطرات برف کوچ خالی نیست ، درهٔ کوشان یکی از دره های این کوه زاید از (۵۰۰۰ متر) ارتفاع دارد ، هندوکش اکثر مخزن برفهای دایمی بوده دریاهای مهم افغانستان بجانب شرق و غرب وشمال و جنوب ازان منشعب میگردد ، این کوه مانند تالاب های قدرتی تمام سال متدرجاً بدریاهای متعلقه آب میدهد ، برخی از دریاهای این سلسله در ایام زمستان وکذا بعض معابر آن از کثرت برف باری وغیره عوارض جوی قابل عبور و مرور نیست ، دره های عمدهٔ این سلسلهٔ جبال تمابین قندوز و بدخشان وبلخ بطرف شمال عباره است . از دره های واخان ، شغنان انجمن ، منجان ، جرم ، درایم کشم .ارسج، فرخار، ، درهٔ اشکمش، نهرین، خوست ، فرنگ ،سمندان اندراب ، خنجان ، دوآب ، سرخاب ، وغیره ازطرف جنوب درهٔ پیچ درهٔ نور، درهٔ کنم ، دره، پشال، باندول ، اشپی، اسکین، پنجدرهٔ نجراب، درهٔ هزاره ، بازارك، یاران‌ده شتل ، سالنگ ، النگ ، اشاوه، شکاری ، کچاق ، چهارده، بامیان، سیغان، کهمرد .

(*) تمام این لغاتیکه درعهد های چهار گانه فوق طبقات حجری مذکور شد اسامی احجار وطبقات زمینی میباشد که در فارسی معنی صحیح ندارد بلکه درعلم طبقات تقریباً بهمه زبانها یکسان بوده قسم اصطلاحات علمی است که ترجمه نمیشود رجوع شود بعلم طبقات زمین.

معابر معروف هندوکش .

انجمن ، خاواک ، پاران ده ، شتل ، سالنگ ، کوشان چهاردر ، اق رباط ، وپیلو ، دندان شکن .
از درهٔ پنجشیر بهچهار راه میتوان هندوکش را عبور نمود ؛ باین طریق :

پاران ده پیل حصار ، خاواك ، بسندان - انجمن ، بکران ومنجان . تاجایکه دیده شده بهترین این چهار معبر راه پاران ده است اما مسافت آن خیلی بعید بوده اهمیت آن نسبت بخاواك که در وسط معابر پاران ده وانجمن واقع است از حیث عبور ومرور کمتر است .

طول هندوکش از سرحد پامیر تا درهٔ بامیان (٦٠٠) کیلو متر است .

این منطقه بزرگ مرتفع که در خاك وطن عزیز ما کوتل خاواك (٣٦٠٠ متر) کوتل بازارك بیش از (٥٠٠٠ متر) ، کوتل نکسان ٥٠٥٠ متر ، کوتل کاتچین . (٦٩٠٠) متر کوتل سر اشتراك (٥٧٦٠) متر بلندی دارد در حصص شرق شمالی هند با جثهٔ جسیم همالیه آمیخته باهمان قد واندام غریب ترین نمونهٔ صنع قدرة سلسلهٔ ازاد خود را در تمایلات حیرت آوری بجانب شمال غربی عرض وجود میدهد اما وقتاً که فاصلهٔ مهمی را می پیماید بسر زمین پامیر استقامت مذکور خود را بطرف جنوب غربی تغیرداده این تمایل دومینش هندوکش حقیقی و ازنقطهٔ نظر طبیعی دارای آب وهوای سرد واکثر قلل آن درقسمت مهم سال زیر برف مستورا ست چشمه ها ، نهرها ، آبشارهای جوشانی بهر دو سمت راست وچپش سرازیر شده باعث شادابی چندین دره ها وصحرا های وسیع مملکت میگردد .

طبقات مختلفهٔ این کوه درنقاط متعددی که درقسمت ثروتهای طبیعی ذکر خواهد شد مرکب و دارای هر نوع معادن بیش بها وفلزات قیمت دار است از قبیل لاجورد ، طلا ، نقره ، ابرك ، کبریت ، آهن ، ذغال ، نمك وغیره. نباتات : درفلات منخفضهٔ آن بانواعیکه در بوتانیك (علم گیا شناسی) مذکور است گزشته بران حیوانات اهلی و وحشی از قسم خفك ، روبا ، پلنك ، اهو ، نخچیر ، گوزن ، غشگاو ، اسپ اعلی ، گوسفند باقسام کدك ترکی ، قرقلی ، غلزائی هزاره گی ، سیابندی ، گوسفند بور شکل نورستانی در دامنه ها ودره جات آن بکثرت زندگی میکنند .

این کوه بشمولیت فلات منشعبهٔ آن اقسام طیور وحشرات رادار است ، ساکنین دور وپیشش نظر به تحقیقات علماتنوگرافی ، تنومند وقوی حتی افغانان جسور وغیور رامرزه نمونهٔ از تربیت شده گان این آب وهوا باید شمرد میگویند همالیه پدر کوهاست اما هندوکش نیزچندین فرزندان کوه پارهٔ دیگر را درافغانستان بعنوان کوه بابا ، جبال سیاه وسفید از خود منشعب ساخته درخط مستقیم از شمال بطرف غرب روان است هندوکش درافغانستان بدوحصهٔ شرقی وغربی متمایز میشود ازآنجمله درقسمت غربی خود بطور عمومی شکل یك بادام را دارا است - که نوك های آن بنقاط ذیل منتهی میشود :

بغرب تاانتهای بامیان وکوتلهای آق رباط .

بشرق بکوتل خاواك وسلسه بلند جنوبی .

طول هندوکش غربی ٢٣٠ کیلومتر است عرض آن بشمال وشمال غربی کابل ١٠٠ کیلومتر ، درقسمت بامیان ٤٠ کیلومتر درکوتل خاواك ٢٥ کیلومتر اندازه شده .

قلل بلند : اوسط بلندی قلل این کوه (٤٥٠٠) متر است .

قلل مهم آن : ازشرق بغرب بقرارذیلست : والیان ٥٠٧٠ متر ، خاواك ٤٨٠٠ متر شپتل ، ٤٨٧٠ متر وغیره ، ساختمان این کوتلها تماماً ازسنگ گرانیت ست .

کوتل ها : بعضی کوتلهای که ازان عبورکردن ممکن است ازشرق بغرب وقوع دارد : — وتل خاواك

(۳۶۰۰) متر، کوتل سالنگ (۴۳۰۰) متر، کوتل آق رباط (۳۶۰۰ متر) کوتل کوشان (۴۳۰۰ متر) کوتل چهاردر (۴۲۳۶ متر) کوتل پیلو (۳۶۰۰ متر) کوتل دندان شکن (۲۷۰۰ متر) بعضی کوتلهای هندوکش غربی مانند سالنگ فقط درموسم تابستان قابل عبور ومرور است یعنی (ازسرطان تاعقرب)

هندوکش غربی که بکلی وحشی و بعضی جاهای آن از نباتات مهم عاری است دیوار مضبوطی را تشکیل میدهد که مزارو بدخشانرا (بشمال) از هزاجات وکابلستان و نورستان (بجنوب) سوامی سازد.

دره ها: کرهٔ کوهستانی هندوکش غربی با پنجدره ذیل که هر کدام مشتمل بچند چند دره خورد خورد میباشد بکلی محاط است:

بشمال شرق درهٔ اندراب، بشمال غرب درهٔ سرخ آب بجنوب شرق درهٔ پنجشیر و سالنك بجنوب غرب دره غوربند.

هندوکش شرقی که از بلند ترین سلسله ها وقلل آزاد ترکیب می‌یابد غالباً عرض آن از (۱۰۰) کیلومتر متجاوز است دره جات شمال شرقی وجنوب شرقی آن حسب ذیل مقابله باید نمود:

بشمال‌شرق درهٔ خوست وفرنگ بجنوب‌شرق درهٔ سفیدشیر، بشمال شرق درهٔ ارسج وفرخار، بجنوب‌درهٔ کلان پنجشیر، بشمال شرق درهٔ باندول، بجنوب درهٔ کشم وردایم، جرم، کران منجان، بشمال، شرق درهٔ شغنان بجنوب شرق درهٔ نور، بشمال شرق، درهٔ واخان بجنوب درهٔ پیچ اسمار.

علاوةً اکثر حصص هندوکش شرقی را عجالةً طوریکه‌شاید و باید شرح داده نمیتوانیم ولی تاجائیکه بعضی شعب آن دیده شده ذیلاً از آنها نام برده میشود:

یك شعبهٔ کوه سلسلهٔ هندوکش از جانب جنوب شرقی کوتل انجمن رخ بجنوب منشعب گردیده درهٔ هزاره را از درهٔ جات نورستان سوا می‌سازد ولی این شعبه درراس درهٔ غوث نجراب دو شعبه می شود، شعبهٔ بطرف جنوب غرب دور نموده کوتل شب میانهٔ آن‌مابین ابتدای درهٔ هزاره ودرهٔ فراج بشمال ودرهٔ کلان ودرهٔ فرخ شاه نجرابرا بجنوب تشکیل میدهد، ازانجا گذشته حصهٔ بسر درهٔ سنجن استقامت خود را بطرف غرب گرفته تاسر کهنه ده گلبهار بدریای پنجشیر منتهی میشود وقسمتی جبال جنوب شرق بلوت زار بلاغین، درنامه وکیاوه را سلسله بسته بوادی سولانك و پشته احمد بیگ سرنشیب میگردد، کوتل شب‌میانه بارتفاع (۴۰۰۰ متر) تقریباً که موقعیت وسطی این شعبه را تشکیل میدهد در انتهای بلندی خودهمواری دارد و بسر آن تالابی موجود است که‌عرض وطول آن ۴۰۰ متردر ۶۰۰ متر تخمین میشود، آب این تالاب عمیق ظاهراً سرریزه نمیکند اما بطرف دره غسك جانب جنوب و بطرف دره کلان بسمت شمال در بیخ وکمر کوه بقدر ۶-۶ آسیاوار آب ازان سرچشمه گرفته به تیزی تمام بطرف دریای نجراب و پنجشیر سر از یر میگردد. شعبهٔ جنوب شرق این کوه از سمت چپ درهٔ غوث عبور نموده درهٔ‌پته دره پچه غان درهٔ اشپی واسکین تکاب را از درجات نورستان وپراش غان سوا میگرداند این شعبه باختلاط شعب دیگر وقتاً که بجانب شرق جنوب استقامت می گیرد هردو نورستان را که درقدیم به سیاه پوش‌وسفید پوش موسوم بود تاوادی جنوب شرق احاطه نموده کوتلهای صعب المروریرا در بین نورستان وبدخشان تشکیل میدهد از آنجمله کوتل (پارون) بقرار معلومات صحیح ٤هزار متر بلند است، حصهٔ دیگر این شعب از حدود انتهای اسکین درم درم، را عبور نموده درارض راه شیطان کمان لغمان ختم میشود - اکثر این شعبات کوهستانی بلوت، جلغوزه، ارچه، خنجك وغیره درختان ونباتات کوهی بکثرت دارد - بلکه دربعضی حصص صفحهٔ کوه ازجنگل بکلی مستور است.

مقابله مقامات راست وچپ هندوکش شرقی وغربی را ازحیث ارتفاع ذیلاً مطالعه مینمائیم.

ازوادی چترال: بروغیل، اشتراك، اکرام، سنگان (۴۰۰۰ متر)
« خرتاز، دورا (۵۸۰۰ متر)
« پنجشیر انجمن: خاواك، تال، زاریا، یتیمك، امراز، شوا، بازارك، شیتال (۵۳۰۰ متر)
« جبل السراج: باجگا، سرالانگ (۴۰۰۰ متر)

از وادی غوربند: کولیان، کوشان، گواز یار، چهاردره، کالالاج، فربخل، شبر، (۵۰۰۰ متر) ارتفاع دارد.

منظرهٔ زمستانی خاواک

معبر خاواک که نقطهٔ فاصل هندوکش غربی و شرق ویکی از معابر تاریخی و اقتصادی هندوکش است درهٔ دور ودراز پنجشیر را با درهٔ سمندان اندراب اتصال میدهد این معبر از حیث موقعیت جغرافیائی وعبور ومرور دایمی نهایت مهم است.

خاواک با اینکه لیل ونهاری در دنیای حوادث سپری نموده ونظر بمعلومات تاریخی نام آوران بزرگ وفاتحان مقتدر دنیای ماضی را از خود عبور داده باز هم بحسب خاریت محل خطرناک وغبار آلود است.

عابرین بعد از طی تقریباً ۱۴۰ کیلومتر مسافه از کابل ازان می گذرند مقیاس الهوا (هواسنج) درین جا به نسبت وادی کوهدامن باندازه (۱۳) انچ پائین میرود در برج دلو اواسط زمستان اکثر وضعیت طبیعی این معبر باینطور ملاحظه میشود: در اول روز فضا صاف وخاموش میباشد بساعت ٦ و ٤٥ دقیقه صبح آفتاب از افق انجمن طلوع میکند هر چند ضیاء مهر میخواهد اطراف فضا وشعب هندوکش را منور نماید اما بغتتاً وزش هوا که از سمت مقابل باهتزاز می آید شروع میشود درین حال طبعاً هوای مقابل بکحصه آیکه از رود بار حصص شمالی دزدیده بحکم خاصیت محل بصورت غبار تکاثف یافته صفحهٔ خورشید را غبار آلود میسازد ولی تا جائیکه کثافت ابر باندازهٔ نهائی خود نرسیده باشد اشعهٔ مهر از پردهٔ سفید غبار بخطوط شکسته بر صفحات از برف مستور خاواک می تابد، قدری بیشتر تیزی هوا بر شدت وپردهٔ ابر بغلاظت خود افزوده از طلوع به سه ساعت انسان تا وسط خاواک میرسد درفرق کوتل وسعت نظر کمتر وقافیهٔ فضا تنگترشده میرود کائنات جوی درخروش وحرارت ازین منطقه دفعةً ناپدید میگردد بلکه از صفر ۲۱ درجه پائین میرود.

درعوام مشهوراست:

در اثنای عبور از خاواک چیزی باخود باید داشت وباید خوردو واقعاً درینجا تاثیرتند محیط دماغ را چنان متأثر میگرداند که انسان خود را بی حس تصور میکند لهذا برای ادارهٔ قوای فعالهٔ وجود ومقابلهٔ حوادث وعوارض جوی چه چیز لازم است؟ همانا محرکیکه اتومات بدن را بکار انداخته دست پا، الاشه سرد نشود ودوران عاطل نگردد.

درینجا عجیب وغریب یك منظرهٔ درنظر انسان تجسم میکند: فضا سفید، غبار سفید وسعت نظر محدود خط مشی راه روهم سفید است، در وسط خاواک ابادی، وحوش، طیور، نیست وبنظر نمی آید زمانیکه مسافر از خاواک فرود می آید شب در سمندان میماند درینجا بکنار راست دره کمی از آبادی دورتر چشمهٔ آب گرمی وجود دارد که بقدر نیم ثانیه دران دست گرفته نمیشود وتخم مرغ را بظرف پنج دقیقه نیم بند میسازد. قدری پایانتر درمجری آب این چشمه اهالی بوی تالاب سنگی ساخته اند که دران تااندازه (۳۰) نفر یك دفعه حمام کرده میتوانند.

چون آب چشمه از منبع تاسطح تالاب قدری فاصله دارد بناءً بسبب تاثیر برودت هوا از حرارت فاحش خود می شکند ومعتدل میشود، این چشمه از سرخاواک در کنار راست دره سمندان بفاصله تقریباً ۱۸ کیلومتر واقع است تصور میشود که درمحل مذکور معدن کبریت یاآتش فشانی وجوددارد، زیرادرحالیکه بزمستان درجه حرارت بعضاً از ۲۰ درجه بیشتر تحت صفر پائین میرود اینطور چشمه داغ وجودداشته باشد

باشد درینصورت عروق زمین تقریباً ۱۰۰ درجه حرارت بکاردارد تا آب آن باین حرارت از سنکلاخ بیرون شود .

ازینجا بطرف اندراب از راه درهٔ سنکستانی دشت شیربده صلاح باید منزل نمود که تارباط مذکور ۴۵ کیلومتر سرپائی کوتل خاواك است .

وازین به بعد دامنهٔ کوتل مرغ وتنگی نهرین و وادی قطغن شروع میشود .

دریا های هندوکش

رود ها : رود های عمدهٔ دایمی که از هندوکش می بر آید از سیلابهای موقتی استعانت نموده بمجاری انتهائی خود رودبار اموودریای کابل میریزد ، در ذیل جغرافیه حصه بامیانرا بطور مختصر مطالعه میکنیم :-

درهٔ غوربند : دریای غوربند که هندوکش را بجنوب غرب احاطه میکند منبعش بشرق ازکوتل شبر است بقدر (۳۲۰۰ متر)

دریای غور بند از غرب بشمال مشرق مسافهٔ ۸۰ کیلومتر ما بین هندوکش و حواشی کوه یغمان را طی میکند بعد بواسطهٔ (گذرگاه) درهٔ کوشان داخل جلکهٔ کوهدامن میشود دریجا بطرف جنوب شرق میلی نموده درزیر قلعهٔ بلند چاریکار بحد (عبدالله برج) بدریای پنجشیر می ریزد .

معاونین دریای غوربند از هندوکش سرچشمه میشود وتنها پنج یا شش آن دایمی است که مهم ترین آنها همان است که از جانب سالنگ آمده واز جناح راست قلعهٔ جبل السراج می گذرد .

از ساحل راست ، دریائی غوربند چند معاون خورد خورد را ازحواشی کوه یغمان با خود میگیرد دریای غوربند قریه های ذیل را آبیاری مینماید :-

نوی ، فرنجل ، قلعهٔ دوآب ، چهارده غوربند (۱۹۷۰ متر) سیا گرد ، میر علم ، برج گلجان ، کره تاز

ب : حصه بامیان بغرب کوتل شبر (۳۲۰۰ متر) بواسطهٔ بعضی کوتلها ، انتهای غربی هندوکش معلوم می شود که آهسته آهسته پست شده می رود درین حصه هندوکش بیش از ۴۰ کیلومتر عرض ندارد وعبور ازان بواسطه سه کوتل پی هم ممکن است .

پیلو ، آق رباط (۳۶۰۰ متر) دندان شکن (۲۷۰۰ متر)

بجنوب دریای شبر از شرق بغرب جریان دارد وبا دریای بامیان که از سمت غرب می آید ملاق میشود . آبیکه از اجتماع این دودریا بوجود می آید رخ بشمال طرف سرخ آب می رود .

ج : درهٔ سرخ آب : دریای سرخ آب از غرب بشمال شرق جریان دارد وهندوکش را ازفلوات مرتفع شمال جدا میسازد .

این دره درابتدا تنگ است . اما وقتا که از کهمرد ، باجگاه ، دوآب میخ زرین می گذرد قدری فراخ گردیده درنزدیکی برفک (۱۱۵۰ متر) باتلاق تشکیل میدهد - وبمقام دوشی (۸۱۵ متر) بامعاون ، دریای اندراب یکجا گردیده از مناطق دوشی عبور مینماید .

بساحل راست دریای سرخ آب . معاون بزرگ آن که موسوم بدریای (سیغان است) وبواسطهٔ الحاق دریای بامیان بزرگتر می شود داخل میگردد .

د : درهٔ انداب : درهٔ اندراب :- دریای اندراب هندوکش‌را ازولایت بدخشان جدا می سازد -

این‌دریا ازارتفاع (۳۶۰۰متر) کوتل خاواك منبع گرفته درهٔ بلند آن تامقام سمندان یك گذرگاه سیلابی‌تنگی‌است‌این دریا کم کم عریض شده‌درحالیکه از شرق‌بغرب جریان دارد قریه های ده صلاح اندرابسنگ بران ، بنو،دشت امرد ، باجگاه ،خنجان وگازان‌را سیراب می‌نماید درحد بنو آب آرزو وبنو را که ازسرحد هندوکش بشمال‌صرازیر

میشودباخود گرفته در دوشی (۸۱۵ متر) این دریا با دریای سرخ آب یکجا می‌شود ، وبنام دریای غوری ازپلخمری که یادگارعالمگیر اورنگ زیب است گذشته ازوسط بغلان ودرهٔ جلوگیر وعلی آباد بعنوان دریای قندوز قسمت شرق چهاردره را عبور نموده بادریای خان آباد یکجا بسمت شمال درجناح راستقلعهٔ زال از ساحل چپ داخل اموميگردد .

ه : درهٔ پنجشیر : از کوتل خاواك وانجمن شروع گردیده جنوباً تاگلبهار کوهدامن امتداد داردو هندوکش غربی را ازجبال کوهستان ونورستان علیحده میگرداند .

دریای پنجشیر به همه جادرتنگی سنگستانی عبور نموده درحدود دوآب ، آب درهٔ هزاره،دربازارك آب باراندە ودرحدرخه آب شب میانه ودرزیراناوه آب درهٔ فراج ودر حد پلگلبهار آب دریای شپتل بآن داخل می‌شود ، دریای پنجشیر درخود درهٔ مذکور بدون چند قریه ذیل بدیگر جا آبیاری نمیکند . سفید چال، دوآب ، بازارك (۱۹٦٥ متر) اناراباغ ، گلباغ ، این دریا وقتاکه بحد گلباغ میرسد مجری خود را که بجنوب عزب مایل است دفعتهً بطرف‌جنوب تبدیل داده از دالان سنگ بپایان درمابین یك تنگی خیلی عمیق به گلبهار می‌برآید دربنجا در تحت پل نیل آب دریای شپتل به جانب راست از سمت وسط بازار گلبهار بآن وصل میگردد ودرحد ودشیر خانخیل نهر رزاق بحوضهٔ دریاحفرشده مابعدازان این دریا کوه‌دامن را ازریزه کوهستان جدا ساخته قدری پایان تر درحدود دهباباعلی ومحمود عراق بادریای غوربند یك‌جاشده رخ بجنوب شرق از شوخی بنام دریای جاله میگذرد ودرتحت تپهٔ احمدبیک بحد تنگی سربولی آب دریای پنجدرهٔ نجراب را که ازشب‌میانه وخواجه غاریچه غان منبع می‌شود بآن می‌ریزد ودر دولت زائی خارج درەهای تکاب دریای تکاب را باخود گرفته در جلگهٔ سروبی ازجناح چپ بدریای کابل می‌افتد .

و :درهٔ علیشنگ : رود علیشنگ والنگار نیز از شعب جنوب شرقی هندوکش منبع گرفته اول‌الذکر متوازی دریای تکاب بطرف‌جنوب‌جریان دارد وغرب‌نورستان را آبیاری‌مینمایداخیرالاسم که‌بطرف جنوب دهات سرسبزی را برکنار داشته ازبین کوه‌ها عبور میکند متعاقباً بادریای علیشنگ یکجا شده ازطرف چپ‌بدریای کابل می‌ریزد .

ز : دریای کنر : از پشتهٔ خونی قلعهٔ بلوراغ یابنداب پامیر برامده بنام قاشقارشهرت دارد و بمسافهٔ ۱۰ نیم کیلومتر درجنوب جلال آباد متصل مقام کامه در ثمر خیل بارودکابل ملحق میگردد ، ازین جهت این دریا بعضاً رودکامه‌نیز نامیده شده و بجانب شمال این‌را دریای‌کاشغر وبیلام مینامند .

این دریا در طول مجری خود وادی سرحد آزاد ـ چترال ـ باجور ـ کنر ـ کامه را سیراب ساخته موجب شادابی این علاقه جات میگردد ، و ٤٧٥ کیلومتر درازی دارد .

آب و هوای هندوکش :ـ

آب و هوای هندوکش عموماً مانند دیگر نقاط کوهستانی افغانستان است ، یعنی زمستان آن خیلی شدید است مخصوصاً در سر نشیبی شمالی که باد های منجمد ترکستان شدیداً بآن می‌وزد .

تابستان تا ارتفاع (۳۰۰۰ متر) خوب است چنانچه در چنین ارتفاعات بماه اسد حرارت در سایه تا اندازهٔ (٤۰) درجه دیده شده ولی در بین هوای شب و روز تفاوت زیاد موجود است چنانچه درکوتلهای آق رباط و بیلو (۳٦۰۰ متر) بتاریخ ۲ و ۳ سنبله سنه ۱۳۰٤ حرارت بعد از ظهر ۲۸ درجه و بهشت بجهٔ صبح ٦ درجه مشاهده شده است .

در ماه عقرب تا (حوت و حمل) مرکز کوهستانی مذکوربکلی درزیر برف میباشد بعد ازان باثر بارانها و حرارت های فوری بهار برف ها بآب شدن آغاز میکند ولی باابن‌قلل بلند دایما در زیر برف پوشیده است .

کوه بابا :

کوه بابا مابین هندوکش و فیروزکوه واقع و بطرف غرب تا مسافهٔ (۲۰۰ کیلومتر) امتداد دارد اوسط ارتفاع این کوه از (۴۰۰۰ ـ ۵۱۴۰ متر) میرسد، معروف ترین قلهٔ کوه بابا موسوم به (شاه فولادی) تقریباً (۵۶۰۰ متر) بلندی دارد این کوه را از سلسلهٔ هندوکش درهٔ بامیان جدا می سازد عموماً ارتفاع این کوه نسبت به بلندی هندوکش خیلی کم است کوه بابا بطرف غرب باکوه های سفید و سیاه که متوازیاً اول الذکر در شمال و ثانی در جنوب هری رود امتداد پیدا میکند ملحق میگردد ـ دریای بلخ ازسمت شمال این کوه سرچشمه میشود برخی شاخه های این کوه رخ بجنوب غرب منشعب گردیده بشمولیت شعب کوه یغمان تاقندهار پیش میرود بعضی قلل این شاخه ها از (۸۰۰ـ۱۰۰۰ متر) از سطح آب بلند است .

کوه سفید :

سفیدکوه کوهیست متوازی بند ترکستان این کوه کمتر بجنوب مایل بوده شامل سلاسل جنوبی میگردد، سفیدکوه از مقام چهل برج شروع شده تا گوشهٔ شمال غربی هرات بارود هریرود شرقاً و غرباً متوازی افتاده طول این کوه از (۳۵۲ کیلومتر) زاید است رود مرغاب (مرکس) وبرخی معاونین هری رود از دامنه های این کوه منبع میشود . حصهٔ غربی این کوه را سرابند (Saraband) مینامند این کوه درجغرافیای افغانستان بنام سفید کوه ذکر است، حال اینکه بنام فیروزکوه هم یاد شده بلند ترین قلهٔ این کوه (۳۱۶۰ متر) است .

کوه سیاه :

از گوشهٔ غربی کوه بابا شروع شده تا جنوب غرب هرات امتداد دارد منابع دریای خاش رود و خورد رود در همین کوه واقع است، طول این کوه تا ۶۲۸ کیلومتر و اوسط بلندی آن از ۲۰۰۰ متر تا ۲۳۰۰ متر اندازه شده .

تیربند ترکستان از کوه بابا بجانب شمال واقع و تابالا مرغاب امتداد دارد .

طول این کوه (۲۰۰ کیلومتر) مرتفع ترین قلعهٔ آن موسوم بجنگلك (۳۸۹۵ متر) بلند است، قلهٔ معروف این کوه که نزدیك سرحد ایران واقع است (بقره جنگل مشهور و (۲۹۸۵ متر) ارتفاع دارد .

دریاهای که از جبال فوق سرچشمه میشوند : ـ

ا خاشرود : ازنشیب سمت جنوب کوه سیاه برآمده بطرف جنوب جریان دارد آب این دریاغالباً بآبیاری صرف میگردد، خاش رود آب بسیار قلیلی را تامرداب مراد میرسانند، اسم این دریا از نام یك ده آن علاقه ماخوذ است درتابستان عبورازان سهل میباشد ولی در حین طغیان دریاخیلی تکالیف پیش میکند حتی اکثر چنین اتفاق می‌افتد که کاروانهای تجارتی بساحل آن تاچند روز به اتراق مجبورمیگردد عرض این دریادرفراه ۱۰۸ متر وعمقش بالغ بریك متراست

ب هری رود : منابع این دریامتعدد ومعاونین بسیاردارد از آنجمله دودریاکه موجودیت هری رود ازان هاصورت میگیرد موسوم بجنگل آب وتنکل آب است، اول الذکر از گوشهٔ شرق کوه سفید متصل مقام چهل برج منبع گرفته بخط مستقیم جریان دارد . دوم آن از درهٔ چلاب می برآید، این دودریاتافاصلهٔ ۱۷۶ کیلومتر باهم متوازی جانب غرب برفتار خود دوام ورزیده بمقام دولت یاربا هم الحاق مینماید، ازینجابه بعد این دریا هریرود خوانده میشود، مسافهٔ طول جریان این دریااز شرق بغرب بر (۸۵۰ کیلو متر) بالغ است، جلگهٔ هرات را بارتفاع (۹۲۰ متر) آبیاری نموده از جنوب

شهرهرات بفاصلهٔ ٥ کیلو و ٢٨٠ متر عبور میکند ، شوسهٔ هرات و قندهار نیز درین نقطه بالای دریای مذکور می‌گذرد پلی را که بران ساخته اند ٢٦ طاق دارد ، درین حصه ١٥ جوی ازان جدا شده ، بقدر چند کیلو متر پایان تر از هرات مجری خود را بسمت شمال غرب تبدیل داده جنگل های دشوارگذاری را عبور مینماید که خانهٔ حیوانات وحشی است، هری رود بعد از طی (١٢٣ کیلومتر) فاصله بطرف غرب هرات بکاشان توصل نموده بعدازان رخ بشمال منیماید ، متعاقباً بمقام ذوالفقار خاك افغان راگذاشته بسرحد روس داخل ود ر(واح) (تجن) یاریکستان ترکمان جذب میشود .

اراضی که ازهری رود سیراب میگردد خیلی حاصل خیز وشاداب است، درختان باثمر ازقبیل توت ، ناك ، انگور بهانواع بسیار ، آلوبالو ، گلاب دشتی فراوان دارد . بیشتر حصه آبیای این دریا نظر بمساعدت اراضی جانب جنوب است . عرض این دریا از (٣٣) تا (٤٣) مترمیباشد درهنگام ذوب برفها ازجهت آب خیزی عبورومروراز ان مشکل است درشمال هرات درمقام سیاه بیگ کشتی کلانی دران حرکت میکند لاکن در زمان کم آبی عمق آن تا ٤ فت میرسد ازین روکاریزها وانهار بسیاری را ازان کشیده اند وتمام اراضی گرد ونواح آن مانند بهشتی بنظر می آید .

هریرود نه تنها باعث شادابی جلگهٔ هرات است بلکه در قسمت شمال زمین های سرخس وتجن نیز ازان استفاده میکند ـ طول با اهمیت این دریا (٨٥٠ کیلومتر است) .

ج : رود مرغاب — این دریا که معاون مهم آن دریای کاشان است از نقطهٔ اتصال کوه سفید وتیربند ترکستان سرچشمه می شود وبطرف غرب در وادی با وسعتی جریان دارد . رود بالا مرغاب بعد ازتشامل معاونین چند بقرب قلعهٔ افغانی موسوم ببالا مرغاب وقراول خانه رخ بجانب شمال غرب می‌گند ودرینجا رود قیصار نیز بآن می ریزد بعد ازان از مروچاق که بکنار راست دریا کاین است گذشته قدری پایانتر با رود کاشان ملحق میگردد .

علاقه پنجده وآق تپه راکه بکنار چپ آن واقع است عبور نموده ازآق تپه رودکشك را باخودمی گیر دبعداً ازان رخ بشمال برفتار خود دوام نموده از مقام یولاتو پایانتر بمرو میرسد متعاقباً بعد از طی تقریباً (٩٩٠) کیلومتر درریگستان قراقم ناپدید میشود ـ سرزمینی راکه هریرود ومرغاب دربین گرفته بیاد غیز موسوم است .

د : دریای بلخ — ازجانب غرب کوه بابا برآمده اولاً بطرف غرب وبعدازان بشمال جریان دارد ، بند بربر ازمربوطات دریای بلخ وهژده نهر ازین دریا کشیده شده که باعث سیرابی ٤٠٠ ده می‌شده وادی فراخ وحاصل خیز بلخ بسبب کثرت آبها واشجار دارای آب وهوای نسبتاً خوب است ، شهر تاریخی بلخ از برکت همین انهار مرکز جمعیت بسیاری بوده حالا نیز قطعات مذکور منبت اشجار واثمار زیاد است ، آب بلخ بدریای آمو نرسیده بلکه درآخر بشعب متعدد تقسیم گردیده در زمین جذب می شود

هـ : دریای سنگلاخ — از تیربند ترکستان برخواسته ازسرپل ومیمنه گذشته شبرغان واندخوی را سیرب میکند. اخیرا درصحرا ناپدید میگردد آب این دریا خوش مزه نیست .

کوه پغمان : — کوه پغمان درذات خود شعبهٔ از هندوکش است که بجنوب کوه بابا واقع بوده با کوه بابا متوازی گفته می‌شود ، شاخی ازین کوه دره های سرخ وپارسا وشیخ علی را ازحصص شمالی بهسود هزاره جداساخته بطرف شرق دربین هزارهٔ پارسا وجلگهٔ کوهدامن فاصل قدرتی واقع میگردد .

این شعبه ازدره استالف گذشته بجانب غرب گل دره وشکردره برفتارخود دوام میکند ازین موضع یك شعبهٔ این کوه بجانب شرق جدا شده کوتل خیرخانه رابشمال شهر کابل تشکیل میدهد وازانجا گذشته باپستی وبلندی مختانی کوه ده سبز بجبال صافی که جلگهٔ سروبی راازکوهدامن سوامی‌سازد بوجود می‌آورد . ولی قسمت نخستین از سرحد شکردره سلسله خود را بطرف شمال میل میدهد بعدازان درحد حوض خاص پغمان

رجوع بجنوب نموده تلل بلند وپربرف را در بین شرق بهسود وجانب غرب پغمان تشکیل میدهد سلسلهٔ این کوه وقتیکه ازبیگتوت میگذرد ارغنده را بطرف جنوب شرق گذاشته دوباره استقامت خودرا بغرب میگیرد درحدود کوتل سرچشمه یك پیچ دیگر بجانب جنوب خورده دوباره بطرف غرب رجوع مینماید ، کوتل تخت کوه للندر نیز ازمربوطات اینحصه است ، کوه پغمان درین حصه کهنه خمار و جلریزرا ازسرنشیبی قاش وفرزند از منابع (هلمند) جداکرده دراطراف (صدمرده) دوحصه میشود ، قسمتی بطرف شرق وجنوب درانی وبادام داعبور نموده بمجری دریای خوات منتهی میگردد وقسمتی بجانب بیك سمند ودیمیرداد رادربرگرفته تاسرآب غزنی میدود گردن مسجد یکی ازکوتلهای مهم این کوه است که دربین سرآب ومیدان بطرف غرب وردك بقدر (۴۲۰۰) متربلند است هوای تندیکه ازبلندی این کوتل برمیخیزد بسمت جنوب شرق وزیده باعث سرمای شدید غزنی وغالب قسمت سطح مرتفع غلزائی میگردد ، ترنك هم تحت تاثیرهمین شمال سردی دارد درعلاقهٔ جنوب غربی غزنی کوه شاید شاکی ونی قلعهٔ قرباغ را تشکیل داده دامنهٔ گل کوه را تقاطع میکند ، درحصص جاغوری جبال متفرقهٔ انجا ودایه راتشکیل داده بعدازان ازجنوب ارزگان گذشته بشمال وغرب قندهار تابالا مرغاب امتداد دارد دره جاتیکه بغرب وشمال وشرق وجنوب کوه پغمان افتاده حسب آتی است :ـ

بغرب و شمال : سرخ ، پارسا ، دره جات بهسود ، سوخته ، وادی سرسبز ناهور ، مالستان ، دایه فولاد ، ارزگان ، غاب ، دی کندی ، ایماقستان .

شرق وجنوب : استالف : گل دره ، شکر دره ، پغمان ، جلگهٔ میدان ، جلریز ، بیك سمند ، دی میرداد ، خوات ، تورمی ، قیاق ، گل بوری ، تورکان ، ککرك ، شاکی ، قورسنگ ، قرباغ ، زردالو ، تمک ، رسنهٔ مقر ، سنگ ماشه ، دی چوپان ، خاك افغان ، وادی ، ارغنداب ، گزاب .

ازحصص کوه پغمان قسمتیکه ارزگان وگزاب راباهم اتصال میدهد موسوم است (بهسیرو) قلهٔ این کوه بقدر (۴۳۰۰) مترتقریباً بلندی دارد ودایما درزیربرف مستوراست برفهای دامنه هاوپشته های آن که درماه جوزا وسرطان متدرجاً ذوب میشود ایلاق معروف مردمان کوچی مالدارقندهاری است دامنه های آن ازحیث چراگاه مال باوجودسردی مفرط خود اهمیت مخصوصی دارد — (سیرو) برتمام جبال قسمت جنوب هزاره جات حاکمیت دارد ازقلل بلند این کوه جبال حصص هزاره جات (وادی غور) مانندخطوط مستقیم وشکسته بنظرمی آید ـ تنها افق را کوه بابا میتواند ازدیده بپوشاند .

بسمت جنوب شرق این کوه وادی مستطیل (دوزی) واقع است ، این دشت نظربوسعت خودلم یزرع وزمینهای آن باسنگ ریزه وآهك آمیخته سطح سفیدی را تشکیل میدهد مردمان مهاجر کاکری وناقل وخواجك بفاصله های دوردورد رآن آبادند ـ درتابستان سکونت گاه ایلاق کوچی های مال دارقندهاری است .

دریا ها :

دریاهای مهم دائمی که بسمت شرق وجنوب یاجانب غرب کوه پغمان وشعب آن درجریان است وازحصص این کوه سرچشمه می شود ذیلاً مطالعه مینمائیم :

اول : دریا های که بشرق وجنوب کوه پغمان درجریان است :

دریای کابل : دریای کابل یگانه دریای افغانستان است که به بحری ریزد این دریا در قدیم بنام کوفیس معروف واز درهٔ اونی مربوط کوه پغمان ازبلندی (۲۷۵۰ متر) که غرباً بفاصلهٔ یکصد کیلو متر ازشهر کابل واقع است سرچشمه میشود ، جریان وسطی این دریا درجلگهٔ کابل آغازمیکیرد .

دریای کابل جلگهٔ میدان راآبیاری نموده در حدیل میدان (سرك قندهار) مجری جنوب شرق خودرا بسمت شمال شرق اندکی تغیر داده به تنگی للندر که سمت جنوب کوه قرغ واقع است داخل میشود ، بعدازان تنگی مذکورراعبورنموده بتنگی سیدان وگل باغ بجلگهٔ معروف چهاردهی توصل مینماید .

درین حصه جوهای متعددی ازان جدا گردیده سرزمین چهاردهی را که ازآباد و سرسبز ترین حصص کابل است شاداب میگردانند ، حوضهٔ دریا از وسط این علاقه عبور نموده ازگوشهٔ جنوب غربی شهر درمابین دوکوه استحکام دار شیردروازه وآسمائی گذشته داخل شهر میگردد . وآنرا بدوحصهٔ متمایز سوا میکند ، دریای کابل ازبین تپهٔ مرنجان و تپهٔ بی بی مهرو ازشهر خارج گردیده جلگهٔ شرق آنراآبیاری و بفاصلهٔ چندکیلومتر ازکابل رود لوگرد از سمت راست بآن وصل میشود . چندکی پیشتر بسمت جنوب ده سبز بوسیلهٔ دهنه تنگی غارو وارد جلگهٔ سروبی میشود و معاون مهم آن دریای پنجشیر که از تشامل چند دریا تشکیل میشود و درقسمت دریاهای جنوب هندوکش معرفی شده از جناح چپ درموضع که آنرا دوآبه میگویند بآن میریزد ، دریای کابل بعدازبرداشتن آب دریای پنجشیر وعلیشنگ باخود تنگی (دارکائی) جلگهٔ لغمان ، تنگی های درونته را عبور نموده بجلگهٔ جلال آباد (۶۲۱ متر) داخل میشود . جریان سرنشیبی دریای کابل از جلال آباد آغاز شده بموضع اجتماع بادریای سند انجام میشود .

دریای کنر که جغرافیای آن قبلاً درقسمت هندوکش تحریر شد درجنوب شرق شهرجلال آباد بمقام کامه بدریای کابل میریزد . دریای کابل درجلال آباد بقرب تنگی های لعلپوره (۴۳۰ متر) دشتی را عبور مینماید که سواحل آن از گل وگل بته هامستور است ، تنگیهای لعلپوره رودکابل را سرحد هندوافغان رهبری نموده بجانب شرق ازباسول ودکه داخل علاقهٔ آزاد افاغنهٔ مهمند میگردد .

این دریا وقتاکه داخل وادی پشاورمیشود ازساحل راست (رودباره) وازجانب چپ رود سوات باآن یکجا شده درجلگهٔ پشاور پیچها ودورها خورده اخیراً از نوشهر میگذرد وبارتفاع (۲۷۱) متر برودباراتك (سند) میریزد .

طول دریای کابل تاسند (۴۶۰ کیلومتر) ودرمجری بالائی خودکم آب است ، بلکه درتابستان تماماً بجلگهٔ کابل وچهاردهی صرف آبیاری میشود امادرحدود مجری وسطی وآخری خود ازتشامل معاونهایش بسیارآب پیدا میکند . درموسم ذوب برفهای کوهستانات کابل وهندوکش (حوت ، حمل ، ثور) آب دریای کابل سیلابی میباشد . ولی این وضعیت طغیانی دریای کابل دوام ندارد وبزودی قطع میشود .

این دریا اگرچه درجلگهٔ جلال آباد حایز وسعت وعمق کافی میباشد امابسبب تندی آب وجریان آن درعلاقهٔ کوهستانی قابل جهاز رانی نیست ، وعبور ومروروازان بوسیلهٔ مشك وکشتیهای شراعی خورد ممکن است علاوةً درحدود درونته بالای آن یك پل پخته باصول عصری ساخته شده که خط شوسهٔ لغمان وجلال آباد بالای پل مذکور میگذرد .

دریای لوگرد : دریای لوگرد ازدامنهٔ (گردن مسجد) ودیگر دامنه وبلندی جانب جنوب درهٔ خوات وردك منبع میشود ، بعدازان رخ بشمال سواحل خودرا درخوات آبیاری نموده ازبهبائی وردك بطرف مشرق سرازیر میگردد . وقتاکه ازتنگی مابین فلات پست شیخ آباد بجلگهٔ شیخ آباد میبراید ، حصهٔ ازان صرف آبیاری وقسمت مهمش بتنگی وردك جریان مییابد درحدود دوآب تنگی بارود کوچك سیدآباد که ازدرهٔ شنز میآید یکجا گردیده تنگی راسیراب وبه لهوگرد داخل میشود درطول جلگهٔ لهوگرد ازسمت شرق دفعتاً رخ بشمال میکند دراینجا زمینهای زرخیز راشاداب ساخته ازتنگی واغجان بشرق محمدآغه ازدهنهٔ (کوتی خیل) بجلگهٔ چهاراسیا میگذرد ، بعد ازان ازبینی حصار کابل علاقه جات شیوه کی راآب داده بجلگهٔ بین بتخاك وکابل ازپل بگرامی بشمال بدریای کابل وصل میشود طول این دریا تامحل تقاطع دریای کابل زیاده از (۱۰۸) کیلومتر اندازه نمیگردد .

دریای غزنی : دریای غزنی ازسرچشمه سرآب بطرف شرق سرازیرگردیده ازتنگی بیدمشك بحوضهٔ بند (سلطان محمود زابلی) که حالا موسوم به بند سراج است میگذرد ، بعد ازان جلگهٔ توری راآبیاری نمود مواصل جلگهٔ غزنی میشود دریای غزنی این سرزمین را سیراب ساخته بجانب غرب دروازهٔ کنك شهر باشوسهٔ قندهار متوازی

بسمت جنوب رخ بجانب آب ایستاده مقر مانده از عرض شلگر میگذرد و در موضع گیرو با دریای سرده که از منابع رود احمدزائی ازجلگهٔ زرمت عبور میکند و تااینجا میرسد مخلوط گردیده بجانب شرق مقر بآب ایستاده می ریزد .

دریای غزنی سه معاون خورد خورد هم دارد که موسوم بدریای گل بوری تالاب حسینی ، دریای قره باغ است ولی معاونهای آن مانند خودش در تابستان صرف آبیاری میگردد .

دریای غزنی با تشامل دریای سرده علاقهٔ طولانی کته واز را از علاقه‌جات اندری و مقر جدا ساخته کول مقر را تشکیل میدهد .

دریای ترنك : دریای ترنك ازدامنهٔ شرق کوه تکی و از وادی وسط مقر برخواسته بطرف غرب جانب چپ شوسهٔ قندهار در علاقهٔ گیلان و آغوجان میگذرد بعد ازان بکند معروف (پش) که حد فاصل ولایت کابل و قندهار است نیز علاقه جات مسکونهٔ دو شاخ بزرگ غلزائی : (ابراهیم و توران) را از هم جدا میکند، میرسد ، ترنگ درینجا آب درهٔ رسنه را با خود گرفته در علاقهٔ توخی بشاه جوی قلات سرنشیب می شود ، طول این جلکه یعنی دشت وسیع توخی را آبیاری نموده در حد شهر قلات بین (خالا) مرکز حاکم نشین و قلعهٔ نظامی قلات رخ بجنوب میکند ، ترنگ در حالیکه باین منطقه سواحل جنگلدار کم عرض (چوب گز) را تشکیل میدهد بمحاذ علاقهٔ جلدك دریای جلدك از جناح راست بآن میریزد بعد ازان سواحل کم عرض خود را در بین قلات و قندهار آبیاری نموده در وادی مهمند بقدر (۱۰ کیلومتر) از مجری ارغنداب بآبیاری صرف میشود .

این دریا بقدر (۳۵۲ کیلو متر) در سطح مرتفع غلزائی پیش می رود و با دریای ارغنداب متوازی است این دو دریا یعنی ارغنداب از سمت شمال غربی و ترنك از جانب جنوب غربی بیشتر حصهٔ سطح بلند مذکور را احاطه میکند اگرچه آب ترنگ نسبت بارغنداب کمتر است اما نسبت بطول و عرض خود در شادابی اراضی تماماً خود را می بازد .

دوم دریاهائیکه بسمت غرب کوه پغمان جریان دارد :

دریای هلمند : دریای هلمند از سنگلاخ قریب سرچشمهٔ دریای کابل از نشیب غربی کوه پغمان برخواسته منابع آن به قاش و قرنداز ـ موسوم است .

این دریا بزرگترین دریائی است در بین رودبار دجله واتك سابق بنام (ایتی مندر) یاد می شد ، هلمند از شمال شرق بجنوب غرب کوهستانات هزاره را عبور نموده درگرشك (۸۳۵ متر) داخل دشتهای وسیع جنوبی می شود .

طول این دریا تا کول سیستان به (۱۰۰۰ کیلومتر) بالغ است ولی چون شامل ۶۲ درجه عرض البلد شمالی است اولاً بجانب شمال جریان‌دارد ودر مسافهٔ نهائی خود ۱۲۳ تا ۱۳۶ ونیم کیلومتر بسمت جنوب برمیگردد و نشیب میشود از منابع این دریا تا فاصلهٔ ۷۸ کیلومتر یعنی الی مقام گردن دیوار معلومات کافی داده نمی توانم — درین حدود استقامت جریان هلمند بجانب حصهٔ شمالی سطح بلند ارت Urt که بارتفاع(۳۵۰۰ متر) واقع است بوده عرضش (۱۲ متر) عمقش از سی سانتی کمتر است ولی رفتار آن بسبب سطح ناهموار کوهستانی نهایت سریع وتند است معاون اول خود را که از درهٔ حاجی خاك می‌خیزد موسوم بآب سیاه ازهمین نقطه باخود می گیرد بعد ازان از یك وادی عمیق بجانب جنوب تامقام غوج قول که از کوه بابا بفاصلهٔ ۶۱ ونیم کیلو متر دورافتاده می گذرد— درینجا سواحل هلمند را تماماً نباتات متنوعه وکلهای متلون پوشانده ملی هم بران ساخته اند — بعد ازان دو معاون دیگر از سمت راست وچپ موسوم بآب دلاوریان

می ریزد ، از مصب این معاونها تادیوال قول باندازهٔ ٤٤ کیلو متر مسافه ، هلمند بطرف شمال غرب جاریست ولی تا فاصلهٔ چند کیلو متر که ازین موضع به پیش میرود سمت جریان آن پوره بغرب استقامت گرفته تامقام چك ملك چك بقدر ۱۳٦ ونیم کیلومتر دیگر میدود درین موضع پل دیگر بالای آن ساخته شده که غرباً بطرف هرات می گذرد. متعاقباً از جانب شمال چند معاون دیگر باخود گرفته بقدر (۲۱۱ کیلو متر) تاموضع ساخیر بسمت جنوب غربی جاری میگردد - این نقطه محل اتصال سه راه از قبیل راه بامیان ، راه میدان ، راه گرشك ، است از مقام ساخیر تاگرشك که ۲٤٦ کیلو متر مسافهٔ دربین است سمت حرکت هلمند غالباً بجنوب است ولی بقدر ٤٤ کیلو متر نازلتر از ساخیر رود تیزین بآن ملحق میشود — وبگرمابه که ۸۸ کیلومتر ازموضع اتصال دریای تیزین پایان تر است ، دریای خوردرود بآن میریزد وبقدر ۵۲ ونیم کیلو متر از گرشك بالاتر رود ارغنداب کلانترین معاون هلمند بآن مزج میگردد در قرب گرشك عرض هلمند (۱۰٦٤ متر) میباشد ساحل راست آن ریگستانی وکنارچپش کوهستانی است لاکن بعضی اوقات که آب هلمند کمتر میشود عرض آن به (۳۲۰ متر) نیز تنزل میکند ، باین سبب در بعضی اوقات عبور ومرور از هلمند دشوارتر است وگاهی آسان ! اما بقدر (۵ ونیم کیلو متر) نازلتر ازین موضع درجائیکه هلمند گذر میدهد بیش از (یکنیم متر) عمق ندارد وعرض شاخهای آن نیز از (۷۵ تا ۱٦۰ متر) اندازه شده ، بحدود قلعه (بست) یعنی (۷۹ کیلو متر) از مقام گرشك پایانتر هلمند بدو قسمت سوا شده یك جزیرهٔ را درین تشکیل واز چهار طرف احاطه مینماید.

از موضع مذکور تا بنادر کلان باندازهٔ (۱۲۳ کیلو متر) دیگر باز بطرف جنوب روان است وسپس تا ۲۲۹ کیلومتر رخ بطرف غرب بوده بمقام پل الك ۱۷٦ کیلو متر پایان تر عرض هلمند (٤۲۵ ونیم) متر وعمق آن ٤ متر می باشد هلمند از حدود مذکور بهمین عمق وعرض تامقام تراکو پیش رفته بعدازان بسبب وجود کوههای ریگ وسعت آن کمتر می شود متعاقباً سمت رفتار خودرا بجانب شمال غرب تبدیل داده تافاصلهٔ ۷۹ کیلومتر دیگر در سمت حرکت آن فرق مشاهده نمیگردد اما وقتاکه هلمند بسبب آمیزش رود دور بزرگ میگردد وبه مصب خود نزدیك می شود - بسه قسمت سوا گردیده بنام رود سیستان ، رودپورین رود نادعلی بشکل دال یونانی (۷) درآخر انخفاض سیستان یك باتلاق موسوم - بهامون هلمند (۵۱۰ متر) می ریزد.

سواحل راست وچپ هلمند که درمحل خود گفته خواهد شد تاارتفاع (٦۳۰) متر خیلی سرسبز ومزروع است که این شادابی اراضی درگرشك تالندی محمدامین امتداد دارد.
اما بعدازان عرض جاهٔ مزروع هلمند عموماً درسواحل آن از ۲ تا ۳ نیم کیلومتراست.

رودهلمند ازدریاهای است که دایماً بمجری خود جریان دارد ودرهیچ وقت سال خشك نمی شود ، (*) دریای هلمند چون از سرزمین کوهستانی سرازیر میشود وجریان آن تند است بناءً برای جهاز رانی مساعد نیست.

دریای ارغنداب :

این دریا از حدود شش بر دامنهٔ گل کوه ودرهٔ لومان سرچشمه گرفته بجانب جنوب سطح مرتفع هزاره جات بطرف غرب جریان دارد

در حد سنگ ماشه مرکز حکومت جاغوری را بساحل راست خود عبور نموده بالای آن پل سوشهٔ ارزگان می گذرد بعد ازان مستقیماً بطرف پل جنکلی درما بین درهٔ کم عرضی برفتارخود دوام میکند در اطراف درهٔ مذکور انگور کوهی یافت میشود اما وقتاکه ازپل جنکلی می گذرد مجری خود را بجانب جنوب غربی تبدیل میدهد سپس درین علاقهٔ دے جه بان بیشتر رفته داخل درهٔ ارغنداب میشود ، این دره که در قسمت فوقانی کم عرض است

* اندازهٔ جریان دریا :
وقتاکه رفتار هلمند کمتر باشد مقدار جریان آن در یك ثانیه عبارت است از ۲۰۰۰ مکعب فت
« « « وضعیت معمولی « « « « ۵۰۰۰۰ تا ٦۰۰۰۰ «
« « « تیز « « « « ٦۰۰۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰۰ «

اما بطرف پایان آهسته آهسته وسعت میگیرد، دریای ارغنداب ازهمین حصه بآب یاری خود شروع نموده مولد حبوبات و انواع باغات و میوه ها میگردد، این دریا اگرچه درحصص بالائی نیزباعث شادابی وسرسبزی اراضی واقع گردیده اما سواحل مجری جنوبی آمن نهایت حاصل خیز است، بیشتر حصص پر اشجار و اثمار سواحل این دریا بسمت غرب باولی و قسمت محله جات قندهار است، این دریا بحدی مورد استفاده واقع گردیده که در تابستان عموماً صرف آبیاری میگردد، ارغنداب بسبب سرنشیبی مجری و تندی رفتارش در مواضعیکه عمق آن ازیك تایك متر و ۱۶ سانتی بیشتر نیست باز هم اکثراً گذر نمیدهد آبش قدری شوری دارد طول این دریا زیاده از ۴۱۳ نیم کلومتر اندازه شده و بفاصلهٔ ۷۹ کیلومتر بگرشك نارسیده برود بارهلمند می ریزد.

سفید کوه :

سفید کوه (یاسپین غر) طول این کوه را موسیو (ریموند) (۱۵۰ کیلومتر) نوشته است حال آنکه طول بعضی‌شعب آن از ۲۵۰ تا ۳۰۰ کیلومتر زاید است این کوه به شرق افغانستان تقریباً بمسافت ۳۱ و نیم کیلومتر ازغرب شهر پشاورآغاز گردیده بسمت جنوب، وادی جلال آباد را از وادی کرم منفصل می سازد، شاخهای این کوه بسیار و در وادیهای جنوب شرق درهٔ کابل وقوع دارد قلل بلند سپین غر از (۴۵۰۰ متر) تجاوز مینماید از انجمله سیکارام (۴۷۳۲ متر) مرتفع است چون قلل این کوه همیشه از برف مستوراست افغانها آنرا، سپین غر مینامند ـ یعنی کوه سفید، سپین غر از حیث ارتفاع بعد از هندوکش وکوه بابا در جبال افغانستان حایز نومرهٔ اول است، این کوه بجانب جنوب کوهای سلیمان را در سرحد کرم تقاطع نموده آهسته آهسته ارتفاعش بطرف غرب کمتر شده میرود، شاخ مهمش که قدری بطرف غرب پیش میخزددوباره بطرف جنوب استقامت میگیرد ـ این حصه منابع دریای کرم را از وادی لهوگرد سوا میکند اما وقتاً که از مقام (ازره)میگذرد کوتل معروف خوشی وجاجی موسوم بشتر گردن را تشکیل میدهد، که بلندی آن (۴۰۰۰ متر) اندازه شده متعاقباً از خوشی بسمت جنوب برفتارخود دوام نموده از آب چکان بکوتل تیرهٔ گردیز عبور مینماید درینجا بعد ازان که جبال خروار وزنه خان غزنی را ازخود منشعب میگرداند ـ شعبهٔ ازآن بطرف غرب، چرخ برکی راجان، سجاوند را احاطه میکند که بعد بسمت شرق تکیه، هفت آسیاء ،لوره، شش گاو، گذشته بدهنهٔ شیر روضهٔ سلطان محمود زابلی دو حصه میشود قسمتی از بند زنه خان موسوم بکاویان به پجك، تاسن، رامك، تادولت خان زرمت وبند سرده وکیچهٔ مرچل علاقهٔ تاجکیه واندری غزنی را ازجانب شمال وشرق احاطه میکند ـ سمت شرق این شعبه را کوه سکو میگویند که اخیراً بشکل فلات پست میگردد، وحصهٔ دیگرش هم به پشتهٔ بهلول و نهر بقبقی انجام میشود.

بعضی شاخهای سپین غر از کابل بفاصلهٔ چند میل واقعست که جبال پست وبلند مابین کابل و لهوگرد و خریان و میدان وتنگی وردك باین سلسله منسوب شناخته میشود. قسمت عمدهٔ سپین غر جنگلات قدرتی بسیار دارد که در محلش ذکر خواهد شد. دره هائیکه بشمال و جنوب این کوه واقع گردیده ازینقرار است :

بسمت شمال : درهٔ خیبر نازیان‌شنوار، اچین، ده بالا، پچیر واگام، وزیری خوگیانی،کجه، ماماخیل، مرکی خیل، نکر خیل‌تتو واشپان، حصارك غلزائی، تیزین وسروبی، بتخاك، شیوکی؛ چهار آسیاء، موسئی، سرخاب، التمور، چرخ، تنگی وردك، شنز، ناوه گی، جلگهٔ غزنی، شلگر، آب بند، دله، واز خواه

بسمت جنوب : تیرا، کرم، جاجی، رقیان، حسن خیل، مچل غو، رود احمد زائی، زرمت، طوطاخیل، میدان خوله دره میلن، شمل، نکه، گیان، مست توی، بیرکوتی.

آب وهوای سپین غر تاجایکه بمناطق ولایت کابل داخل میشود مانند آب وهوای هندوکش است، درخصص کابل نظر بانخفاض تدریجی کوه بحیث عموم معتدل است.

ادریای کرم : دریای کرم از حصص جنوبی سپین غر منبع گرفته وادی کرم را شاداب ساخته منبت اشجار متنوعه ومرغزار های نسر سبزمیگردد این دریامستقیماً درعلاقهٔ

کرم بسواحل خود آب داده بعد از طی ۳۵۲ کیلومتر مسافه بقرب مقام عیسی خیل بدریای سندی ریزد .
دریای چمکنی از کوتل شتر گردن وفلات (از ره) برخواسته طول تنگی رقیات
دریای چمکنی : را بسمت شرق عبور میکند درحدود رقیان آب جویباریکه از سمت شمال می‌آید
با خود گرفته درزیر قشلهٔ جاجی با آب گل غندی یك جا رخ بطرف جنوب میماند .
وقتا که بدرهٔ احمد خیل می برآید آب جویبار میر زکه دران می‌ریزد بعد ازان دوباره بسمت شرق میل نموده بعلاقه چمکنی داخل می شود . این دریا درعلاقهٔ چمکنی اراضی بسیاری را آبیاری نموده به تنگی چیری از خاك افغانی خارج وبعد ازان بکرم می‌ریزد ، دریای چمکنی در تابستان کاملاً چه بدره جات جاجی واحمد خیل وچه درجلگهٔ چمکنی صرف آبیاری میشود به احمد خیل وچمکنی علاوه برشادابی زراعت موجب سرسبزی باغها واشجار مثمره انگور وچهار مغز وغیره نیز میگردد ـ طول این دریا در خاك افغانی بیش از ۳۵ کیلو متر نیست .

سطح بلند پامیر :

پامیر سطح مرتفع ودر عالم بعد از تبت از نقطهٔ نظر بلندی حایز نومرهٔ اول است این سرزمین در جغرافیا بیام دنیا شهرت دارد ، سطح بلند پامیر نقطهٔ اتصال کوه قراقرم ، همالیه ، هندوکش . کیون لن ، تیون شان میباشد ، قسمت اعظم آب رودبار (آمو) که از کول وکتوریا می گذرد از یمن برفهای همین سطح مرتفع است ، بلندترین قلهٔ ماؤنت کوف مین (Maunt Kaufmain) بجانب شمال ۵۰۰۰ متر بلندی دارد بصورت مجموع بلندی این سطح مرتفع از ۴۳۰۰-۵۰۰۰ متر اندازه شده ، سرزمین واخان مربوط باین سطح بلند ودارای حیوانات عجیب الخلقه از قسم غژگاو ، روبای دراز شکن ، گرگهای بور که موهای بلند دارد میباشد ، عموم گوسفندهایکه درواخان تربیه میشود در جسم خود از دیگر گوسفند ها خورد ویکلا تر وکم دمبه بوده موسوم باصطلاح بومیها به گدك است .

دریای آمویا (اوکزوس) قدیم سرحد شمال مشرق افغانستان را تا فاصلهٔ ۸۰۰ کیلومتر در
دریای آمو : برگرفته از سطح مرتفع پامیر بشمال غرب درجریان است منابع این دریا در پامیر از بلندی ۴۰۰۰ متر شروع میگردد دریای آمو درآغاز از شمال شرق بجنوب غرب نظر بسر نشیبی غیر تدریجی سطح بلند بنام پنج یا آب پنجه که علت آن بیان خواهد شد خیلی پرشور وبشدت رفتار دارد ، درحدود شمال شرق بدخشان بانتهای دشت ایش آمو نسبةً چرخ مهمی زده تقریباً یك مثلث متفاوت الاضلاع را تشکیل میدهد ودر جبال مسلسل درواز چنان تنگی های عمیق وچقری را عبور میکند که گذشتن بجانب (خواهان) علاقه درواز ودرهٔ کلان درواز در بغلهای دیوار مانند ودشوارگذار کوهستانی اتفاق افتاده رفت و آمد مردم بومی درین حدود بوسیلهٔ زینه های سنگی وچوبی ومیخ کوب ها است که درقات سنگهای صخره کوفته شده اینگونه معابر را (سولان) می نامند ـ درموسم بهار که زمان ذوب برفهای جبال هندوکش است رفتار این دریا بسیار شدید ولی باز هموزون گفته می شود ـ درین حصص درواز دریای آمو خصوصاً سلسلهٔ معادن لعل بدخشان را از هم سوا میکند که حصهٔ بطرف خاك روسی وقسمتی را بافغانستان می بخشد . آمو یکی از معروف‌ترین و مشهورترین دریا های تاریخی آسیا است که پس از طی (۱۴۰۰ کیلومتر) بدریاچهٔ ارال میریزد اراضی که از جویبارهای این دریا چه در افغانستان و چه در خارج آن آبیاری میشود (۸۰۴ ر ۳۰۸) مربع کیلومتر رقبه دارد ، آمو بعد ازانکه خاك افغانستان را وداع میکند یك چرخ کلانی زده یك زاویهٔ بزرگی را تشکیل میدهد که بعد ازان رخ بشمال غرب میکند و تا فاصلهٔ (۳۵۲ کیلومتر) در خاك بخارا و سپس ازان بطول ۱۷۶ کیلومتر سرحد فاصل صوبهٔ سر دریا وایالت خیوا بوده از طول مجری وادی قراقم به ارال می ریزد .
امو درخاك افغانستان باهندوکش متوازی ودر بین این دوفاصل یعنی (هندوکش وامو) سرزمینی کاین است

موسوم به بدخشان وقطغن و باکتریای قدیم که ازشمال شرق بطرف غرب امتداد دارد بجنوب باکتریا اراضی غیر مسکون و از شن و ریگ پوشیده است درین حصص قریه ها کمیاب وآب وهوا شدید است .

رود های معروف ومتعددیکه از جانب غربی جنوب اموسر چشمه گرفته وبسمت‌آن جریان دارد موسوم به بلخاب وسفید آب وآب قیصاراست ولی « بد شت بلخ قدیم » ودودریای دیگرآن درحدود اندخوی موجودیت خود را میبازند دریای خلم از شمال بامیان از دوآب شا پسند بر خواسته متوازی سرك مزار روان است ولی بعوض اینکه با مو بریزد درحدود تاشقرغان و غیره بآبیاری صرف میشود ، دو دریای مهم دیگر که آخیراً مجاری خود را بطرف دریای امو تبدیل میدهدموسوم بهریرود ودریای مرغاب میباشدوقبلاً ذکرشده اما اینها نیز مانند سه دریای مافوق الذکر بدریای امو رسیده نتوانسته هریرود در سرزمین مرو بریگستان ترکمان ودریای مرغاب دروادی قراقم جذب میگردد

معاونین شمال وجنوب شرق آمو :از شمال وجنوب شرق معاون بزرگ امو رود پامیر وپنجه است که اخیر الذکر ذاتاً به‌آمو موسوم است زیرا پنجه از پنج دریای (پنجه ، پامیر ، اقسو ، شیخ ، غند) تشکیل می شود که هرگدام ازهمین پنج دریا نیز بنام شهرت اقوام مسکونه سواحل‌زاید ازدو دو نام دارد ، کروهی برین است که این لفظ ازدوقریه (پنجه وقریه بارپنجا) که بسواحل پنجه واقع گردیده اند مشتق شده بهر حال درینمورد مقصد از تشریح وضعیت جغرافیائی پنجه است ، پنجه در حدود قلعه دامار نهر اقسورا با خود می بردارد ، اقسو وپامیر اگر چه از جهیل وکتوریا که آنرا وود درسال ۱۸۳۸ کشف نمود وازجهیل چك ساکتن می گذرد اماً آنرا منابع اوگفته نمیتوانیم .

دریای پامیر در سطح بلند پامیر جریان دارد وبمقام لنگر کشت بادریای آمو ملحق میگردد جهیل چك ساکتن بارتفاع (۹۰) متر از جهیل وکتور یادرپامیر کاین است وجهیل وکتوریا از سطح مجری پامیر بارتفاع ٤٤٠ متر وقوع دارد دریای پنجه از درهٔ واخ جیر می برآید واز تشامل همان پنج دریایکه مذکور شد صورت می گیرد گویا دریای آمو تامقام کمتر بنام پنجه یاد می شود وبعد ازان موسوم بامو است .

رفتار ابتدائی پنجه خیلی سریع است چنانچه از منبع تا سرحد بعرض (۷۵ کیلو متر) (۱۲٤۷ متر) درسطح مجری پنجه تفاوت پستی بهم‌میرسد ، وقتاکه بگنبد بوزئی متصل وادی واخان میرسد سرعت حرکت پنجه کمتر می‌شود امابعد ازعبور سواحل زیباك واشکاشم باردیگر به‌تندی خود آغاز نموده باشکل مهیبی درجریان است .

مجری دریای پامیر ازجهیل وکتوریا بامزار تپ درنقاط متصل وادی واخان یعنی درموضع مصب دریای خرگوش بفاصلهٔ ٤٠ کیلومتر ۲۸۵ مترپست میشود واز مزارمذکورتالنگر کشت که‌باآب پنجه می‌ریزد درعرض ٦٠ کیلومتر (۸۳۱ متر) می‌فراید .

تیزی پنجه تامقام سیموت بهمان شدتیکه ذکرشد باقی می‌ماند ولی درین حدازتندی خود باز مانده اشیای سنگین ووزنیکه ازبالا باخود می‌آورد درابنجابکنار های خود پرتاب می کند ، پنجه درین حد بسواحل خود چنان تپه‌های را تشکیل میدهد که ازترا کم ـ ریك وسنگهای خورد وبزرگ مانند یك صحرای مخروب غیرقابل گذاره بنظرمی‌آید آثارسبزه وگیاه درهیچ قسمت اینحدود دیده نمی شود ـ حتی درموسم تابستان که آب دریا کمترمیشود ریگهای مذکور باثروزش بادهای تند بهرطرف روان‌میگردد .

زمانیکه بوادی فراخ ووسیع میرسد درمقام زنگ دریای پنجه بچند قسمت جدا می‌شود ، این دریا باوجود خوردی خود دلدل بسیاردارد وآب آن ازیك قسم گل سیاه ممزوج است که در زمان طغیان اراضی همجوار را ازهمین گل سیاه مالامال ساخته باعث رونق زراعت آن حدود میگردد ، دریای پامیر نیز دربعض جاهاهمچه تقسیمات قدرتی را نشان میدهد ولی‌حصص‌آن نه‌دلدل‌دارد ونه گل سیاه! وسواحل پنجه دربین‌لنگرگشت

وپتوك سرسبزی وشادابی خوبی دارد وهردو جناح آن ازعلف و درختان بید ، چنارسفید ، درختهای خاردار ودیگر جنگلات معمور است اما بعد از پتوك این وضعیت پنجه بکلی تغیر قیافه نموده ودرمقام سموت وشتار کنارهای آن سراسر خشك وآثار ریگستانی دارد وگل سیاهیکه با خود داشت درینجا ختم می شود .

کوهای لنگرکشت و زنك که درآغاز ازهم منفصل بودند ومجری آموازان میگذشت درغرب کاله دوباره باهم نزدیك شده تا حدیکه بصد مشکل پنجه ازان عبور میکند ، سپس ازان دریای پنجه بار دیگر بر وسعت خود افزوده سطح آن بچند کیلومتر میرسد درینجا پنجه ـ بشاخهای متعددی تقسیم گردیده مجموع الجزایر کوچکی را تشکیل میدهد که از بوته های خاردار مملو است . این دریا بعد از ده شتار تمام شاخهای خود را باهم یکجا ساخته وسعت زیادی را حایز میگردد اما ازمقام ورسی تا ، نت رفته رفته دوباره عرض آن کم شده می رود درینجا رفتار پنجه آنقدر تند و تیزاست که از اصطکاك کوه ها وسنگلاخهای همجوار آواز ها و گرماسهای مهیبی بوجود آورده فضای وادی را پرخروش و پر شورمیسازد بفاصلهٔ پنج و یك ثلث کیلومتر از سی خانه بعد ازانکه آبشارهای چندیرا تشکیل میدهد . باردیگر از مقام نت تا سمچان درایالت اشکاشم بر عرض خود افزوده کنارهای آن سرسبز و علف زار است ، و حوش و طیور از هر قسم اخصاً مرغ دشتی بسیار دارد ، چند کیلومترپایانتر ازسمچان باردیگرسطح پنجه تنگ میگردد زیرا ازهردوطرف جبال بلند پیش آمده وپنجه رادربر میگیرد ـ بسرحدغازان و اشکاشم بمقام‌دربندچندآبشار مهم‌دیگری را نیز تشکیل میدهدکه دارای گردابهای متعدد است بعد ازان بمقام چراك رود ارغنداب بآن وصل می‌شود ، اکثر معاونینیکه‌در بین لنگرکشت و نامه کوت بآن می‌ریزد ـ بدون ازبعضی آنها تمام این‌معاونهای پنجه سیلابی وآب آن ـ منحصر باب برف است ، این معاونهای موقتی فقط درزمان ذوب برفهای شمال بدخشان و سطوح‌جنوب بمجری پنجه آب میرسانند ـ ازان جمله مهمترین معاون پنجه درحدود روشان جنوب‌بدخشان روداقسو است‌که تمام سال جریان‌دارد ودرهیچ وقت سال‌خشك نمیشود ـ درمقام سرن بولاك رود شیخ دریا وبعدازان دریای سوجان بآن می‌ریزد پنجه از حدود شمالی شهر بزرگ بسرزمین ینگی قلعه میرسد وتقریباً بدو شاخ مهم قسمت میشود که‌حصهٔ بوضعیت آرام درمجری طبیعی خود جریان دارد وقسمت کمترش بطرف ینگی‌قلعه ودشت قلعه بیشتر می‌آید وپایانتر ازان دوباره باهم یکجامیشود جزیرهٔ معروف درقدرا نیزدرهمین حصه تشکیل میدهد که سکونتگاه زمستانی افاغنه مالدارقندهاری است ـ درین حصص پنجه بسواحل خود جنگلهای غلوئی می‌رویاند وحوش وطیوربکثرت وجوددارد وسرزمین درقد نهایت حاصل خیز ولی طوریکه شایدازجمعیت نفوس خالی است . از ینجاقدری پایانتر دریای کوکچه که ازهندوکش‌وبغتل منبع‌گرفته از طول بدخشان ، کشم ودرایم ، خواجه غارگذشته‌بدخشان را ازقطغن‌سوامیکند باتیزی‌تمامی سرازیر میگردد و بدشت‌قلعه بدریای پنجه یعنی‌اموی‌ریزد ـ این‌معاون دریای آمو تاجائیکه دیده‌شده خیلی مهم ودرزمان طغیان عبورومروراز آن بوسیلهٔ مشك وجاله است ، سهٔ پل معروف ولی بطرز قدیم نیز بالای این دریابسته اند ، از قبیل‌پل خشتی فیض آباد ، پل مشهد . پل شیمه ، علاوةً هردو راهیکه ازقطغن به بدخشان میرود ، بالای همین دریا میگذرد .

دریای آمو بعد ازان که داخل علاقهٔ آرهنگ یاحضرت امام میگردد وادی‌سمت جنوب خود راآبیاری نموده مولد نباتات وباغات سرسبز میگردد. نازلتر ازان بجانب شمال غرب شهر حضرت امام یك شعبه آمو بازدرخاك افغانی پیش آمده یك کولی رابقدرده کیلومتر مربع تشکیل میدهد وسپس بزاویهٔ منفرجه دوباره باموصل میگردد ـ پایانتر ازین وادیکه مجری آمو درآن واقع شده بسیارتنگ وبکنارهای خودآب نمیدهد اماوقتاکه ازکلوخ تپه وقلعه زال معاون مهم خود دریای قندوز وخان آباد راباخود می‌گیرد ودرحدود خلم (تاشقرغان) داخل میشود سواحل آن سرسبز وشاداب بوده دارای آب وهوای گرم است که برای

زراعت نهایت مفید ثابت میشود درینجا تاك ، انگور دشتی، انار سرخ ، سیب، تاك، توت، اقسام سبزیجات بکثرت کاشته میشود.
درموضعیکه دریای آمو ایالت کولاب بخارا را از اضلاع قطغن سوا میکند ازسلاسل کوها نجات یافته چند معاون دیگر : ازقبیل دریای کافرنهان سرخان ،درین، ازسمت شمال بآن میریزد.
امو بمقام تیك نیك (ایالت خیوا) بقدر(٤٠٠٠ مربع میل) اراضی راآبیاری میکند ودرآخر کارآبش گل مخلوط گردیده درمصب خود بشکل دلتای دربحیرهٔ ارال ابداً آرام میگیرد .

کوه سلیمان :

کوه سلیمان عبارت از یك سلسله جبالیست که در اهمیت خود از سلسلهٔ جبال هندوکش کمتر دیده نمیشود ودر منظرهٔ مجمل هم ذکر شده ، سلسلهای این کوه از غرب جنوب کوات وپشین آغاز گردیده شمالاً و جنوباً تا نهر صوات میرسد کوه سلیمان‌و دامنه های مهیب آن مقر و مامن، اقاغنه سلحشور و غیور است این‌کوه بحساب اینکه جبال تیراهم دران محسوب شود مرکب‌از سه سلسله مترادف است ، حصهٔ اول که سرحد مشرق آریانه را تشکیل میدهد و از غرب جنوب بشرق شمال امتداد دارد موسوم بسلیمان مغربی میباشد ، تخت سلیمان(ع) بارتفاع ٩٤٠ متر بران وقوع داردقلهٔ دیگرش‌موسوم به(کسرغر)٣٧٦٠مترازسطح‌آب بلنداست .
قسمت دوم این کوه عبارة است از قسمت عمدهٔ خودکوه سلیمان که گوشهٔ شمالی آن به سفید کوه (سپین‌غر) توصل میکند اکثر جبال حصص جنوبی و وزیرستان و مسعودستان قسمت شمالی اینکوه را تشکیل میدهد شعب داخلی این کوه که از گوشهٔ شمال پیوار تا انتهای علاقهٔ وزیری ومسعودی امتداد دارد.
منبت جنگلات سرسبز وانبوهی است که اقسام اشجار کوهی ازقسم ، نشتر، بلوت ، ارچه ، سرو، صنوبر ، کاج ، خنجك ، بادام تلخ شجرالحیاة ، اقسام گلهای کوهی ، نباتات مفیده را دارا ست ، طول این جنگلات تنها در خاك افغانستان تخمیناً ١٠٠ کیلومتر وعرض آن‌بطور اوسط از ١٥ تا ٢٠ کیلومتر زاید است سرنشیبی کوه سلیمان ازسرحدافغانی بجانب دریای اتك بصورت قلات خاتمه‌می‌یابددر زمستان‌اگرچه اکثر حصص آن برف گیر است امادرهیچ نقطه برفهای آن تاموسم باریدن دیگربرف باقی نمانده .
حصه سوم : این‌کوه عبات ازکوهای تیراست که بجانب غربی حصص شمال هند قدعلم نموده وسکونت گاه افاغنه آزاد افریدی است

در یاهائیکه‌ازکوه سلیمان منبع میشود :

دریای کومل : دریای کومل ازکوه سلیمان برخواسته بطرف جنوب شرق جریان دارد طول این دریا ٣٥٢ کیلومتر و بادریای کرم مساوی است لاکن با تشامل معاونهایش رقبهٔ وسیعتر براسیراب مینماید ، دریای کومل بعد ازآنکه تپه های سرحد راعبورمینماید معاون مهمش دریای ژوب بهانقدرطول وعرض ازگند وجبه برآمده بآن وصل میشود ، این دریا ازدیره جات گذشته بعضاً بدریای سند می پیوندد وگاهی درعرض راه خشك میگردد .

دریای لورا : دریای لورا ازحدود قلعه های گند وجبه مربوط شعب کوه سلیمان منبع گردیده وبسمت شرق درجریان است این دریانظر به تمام دریاهای افغانستان بیشتر به سمت جنوب واقع بوده اگرچه بارودهلمند متصل روان است اماآبش بهلمند نمیرسد
این دریا ازوادی پشین میگذرد، اماچون سطح آن از اراضی متصله پایانتر وقوع داردبناءً برای آبیاری مفیدتر ثابت نشده طول این دریا : ٣٥٢ کیلومتر وعرضش هم کافی است درزمان سیلابها وذوب برف عبور ازان دشوارتر است. دریای لورا در طول البلد (٦٥ ـ ٦٦) بعلاقهٔ شوراوك باعث سرسبزی اراضی آنجا واقع گردیده اخیراً درکول سیستان میریزد .

دریای هاروت : این دریا ازجبال جنوب غرب هرات برآمده بجانب جنوب‌غرب روان است ، ازین دریا جرهای متعددی را منشعب ساخته باعث سیرابی سواحل و اطراف سبزوار

وانار دره میگردد دریای مذکور بدهنهٔ خود دلتای را تشکیل داده که به ۱۵ شعبه قسمت میشود ، اراضی واقعهٔ دلتای مذکور حاصل خیز واشجار متنوعه خصوصاً ، بید ، گز ، چنار بسیار دارد ، این دریا بعد ازطی ۴۳۱ کیلو متر دربند آب سیستان می ریزد .

کوه قره باتور :

کوه قره باتور بغرب قندوز ازفلات قلعهٔ زال آغاز گردیده کوتل دشت آبدان میرعلم موسوم به ایرگنک را که معبر شوسهٔ بین خان آباد و مزار است درحصهٔ شمالی اینکوه واقع است قره باتور بسمت غرب چهار دره قندوز دفعتاً قد برافراشته بجنوب ممتد میشود اوسط بلندی این کوه از (۲۵۰۰ ــ ۲۷۰۰ متر) اندازه میشود این کوه وقتا که بسر بند علی آباد میرسد بطول دریای قندوز وتنگی گردابی چرخ زده بکوتل بغلان دوحصه میشود حصه ازان بطرف شرق شوراب وهزارقاق دور نموده تانهرین واشکمش پیش میرود ودرسمت شمال نهرین بار دیگر بجانب جنوب پل «علم گیر» پیش رفته از سمت شرق بجبال دوشی متصل میگردد بعدازان بطرف جنوب غرب شروع بامتدادکرده طول دریای اندراب وسرخاب آنرا ازکوه کیان ونیك پی سوا میکند ، حصه دوم این کوه از کوتل گردابی رخ بشمال گذاشته دشت آبدان میرعلم وسرحد تاشقرغان را تماس میکند بعدها بطرف جنوب غربی دور زده رفته رفته به تنگی رباطك آیبك ختم میشود ـ گویا کوتل تنگی رباطك قره باتور را از کوه دهنهٔ غوری که یکی از شعبات هندوکش است جدا میسازد .

این کوه باتشامل کوهای کیله گی ونیك پی درختهای پسته زیاد دارد که اهالی چهاراطراف پسته وبزغنج آنرا برای تجارت حاضر مینمایند .

دوم عنبرکوه :

کوه عنبرکوه بجانب شمال شرقی خان آباد درمابین تالقان وحضرت امام واقع است وادیهای فراخ دشت ارچی وخواجه غار وجاگهٔ خان آباد وتالقان ودریای بنگی از چهارطرف اینکوه را احاطه کرده درخت پسته بکثرت دارد وایلاق مردم اوزبکیه است بالای اینکوه هموار ودراطراف وحصص آن گله های بزکوهی بسیار چرا میکند ـ عنبرکوه نیز (از ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متر) بلند است دربغل های آن المی میکارند ، حاصل خیز ومثبت نباتات است علاوتاً باستثنای جبال مذکور بعضی کوهای دیگر نیزازقبیل کوه بنگی اشکمش ، کوه ممئی درهٔ صوف وغیره درحصص شمالی افغانستان وجود دارد که ازحیث موقعیت مستقل بوده باهندوکش رابطه مستقیمی ندارد والبته نظربداشتن ثروتهای طبیعی ازقسم اشجارومعادن نیزاهمیت خوبی دارد .

کوه سرده :

کوه سرده یك سلسله کوهی است که بشرق جنوب غزنی ازبند سرده شروع گردیده بارتفاع ۳۰۰۰ــ۳۵۰۰ متر بطرف جنوب امتداد دارد ، این کوه درمابین شلگر وکتواز قد برافراشته بشرق آب استاده غزنی بطرف وازخواه دور خورده بسلسلهٔ کوه سلیمان منتهی میشود حصهٔ وسطی این کوه بقسم فلات تشکیل یافته قلل آب بند مقراز شعب آنست برجسته گیهای کوه سرده ازدرختهای مهم عاری دردامنه های آن ترخ بکثرت میروید که هیزم زمستانی اهالی گرد ونواح میباشد .

وادی (دله) مقرکه سکونتگاه تابستانی قبائل ناصری وغیره است دردامنهٔ انتهای این کوه واقع گردیده است . از طرف دیگر اگر هموارئ بند سرده فاصل گفته نشود این کوه نیز از شعب ـ سپین غر بحساب میرود .

گل کوه :

گل کوه یکی ازجبال بااهمیت غزنی وبطرف غرب جنوب غزنی واقع است ، این کوه بدشت هموار وبلند ناهور که ایلاق مردم مالدار غلزائی میباشدمشرف بوده یکذاویهٔ قائمه سلسلهٔ کوه پغمان را تقاطع میکند ، قلهٔ گل کوه

بار تفاع ۴۵۰۰ متر دائماً از برف پوشیده است آب نی قلعه ودریای خوردترك قرباغ ازدامنهٔ آن سرچشمه میشود بند آب نور دردامنه این کوه کاین است گل کوه طوریکه نامش معرفی میکند باوجود آب وهوای سرد و شدید منبت گل و انواع نباتات است یك نوع بوته درآن میروید که به کیمیا بوته شهرت دارد اهالی انجا عقیده دارند که این بوته خاصیت گوناگونی دارد درموسم بهار بکثرت اتفاق می افتد که دامنهای کوه را گلهای سرخ وابلق چهار برگه ملون گردانیده شکل زمین را لاله گون می سازد، درشعب گل کوه برف وصحنه گلزار چندان بعدی بهم داشته نمیباشد قسمت شمال غربی آن اوج گرفته بکوه مالستان پیوست میشود، که بعدازان اولاً بجانب شمال و ثانیاً درحدود بهسود بطرف غرب برگشته تا دایزنگی به تشامل جبال دیگر ممتد میگردد ایلاقهای این کوه بقیمت خرید فروش میشود از قبیل پیل تندی وغیره :

مختصری ارجبال هزاره :

هزارهجات مرکزکوهستان وسیعیست کهجغرافیایطبیعی آنرا درین سلسله نمیتوانیم پوره عرض کنیم زیرا نظر به تسلسل جبال پی هم ووقوع قلل وسلاسل متشابه انسان نمیتواند بیك نظر وضعیت آنرا کماهی رسم کند ـ درین مورد اینقدر باید گفت که حصص شرقی وجنوبی این ایالت کوهستانی را سلسله کوه پغمان دربرگرفته وحصص شمالی وغربی آنرا جبال هندوکش وکوهبابا وکوهای سیاه وسفیداحاطه میکند درمابین این دوسلسله محالات بهسود یکاولنگ، غاب، ایماقستان،دیزنگی، دیکندی، مالستان، جاغوری، دی چوپان، اجرستان ، ارزگان، گزاب افتاده که چهارقسمت خیرالذکرآن را غالباً حالا اقوام مهاجر وناقل افاغنه تشکیل میدهدمحالات مذکور هر کدام ازخود جغرافیای متمایزی دارد که نه تنها ازحیث آب وهوابام متفاوتند بلکه ازنقطهٔ نظر طبقات وکوائف ووقوع نیز فرق نمایانی نشان میدهد، مثلاً بهسود گرم آب های طبیعی وعلامات آتش فشانی داردوبجبال بلندی محاط است. ناهور که بعرض ۳۰ کیلومتر وطول ۶۰ کیلومتر بسمت جنوب شرق بهسود وقوع دارد تماماًجبه زار واز شرق جبال سرآب غزنی بشمال بهسود بجنوب گل کوه بغرب کوه مالستان احاطه اش مینمایداین حصه یك سطح بلند بس هموار میباشد که هرگز آثار سنگ وکوه درتمام عرض وطول نسبتاً وسیع آن دیده نمیشود، دروسط آن تالاب کلانیکه دارای انواع مرغهای آبی است نیزوجود دارد مالستان بزاویای حاده ازجبال بلند محفوظاست که این کوهها بجانب غرب وجنوب (مرادینه) بصورت تلات پستمیشود .براست وچپ متنعلاقه مذکور سرچشمه مالستان خوردك قایمه وغیره واقع استکه زمین زراعتی کمتر داردبشرق وغرب جنوب، دایه وفولاد سرزمین حاصل خیز ومنبت غلات وبقول ، است ، دی چوپان جاغوری ازکوهای نسبتاً پست احاطه شده بدون خاك افغان که کم آب است دوعلاقه دیگریکهزمین کم وآب وافر دارد، غاب، اشکارآباد، خوردك تخته وباقیحصص دایزنگی دیکندی بعضاً دارای زمینهای مزروعیو برخی سنگزار وکوهستانی است ، عموماً این علاقه برای تربیه حیوانات اهلی مساعد وچمنزارهای سرسبز وشادابی دارد جبال این حصه علف مقوی (کمای) بکثرت می رویاند ، یکاولنگ بامیان درسلسلهٔجبال شمالی واقع است، درینجا اراضی قابل زراعت کمتر دیده میشود وتربیه حیوانات بیشتر .

کوتل های معروف هزاره :

سراب ، لومان ، مالستان ، کوتل خون، جوقول، شاه طوس ، وغیره است .

جبال مشهور ، سیرو، کوه مالستان ، لعل ، کرمان ، جبال دایزنگی شاهطوس است که ازموخرالذکر گاهگاهی اوازهای عجیب ومهیبی شنیده میشود . قلل هزاره جات غالباًبیش از ۴۳۰۰ متر بلندی ندارد

آب وهوا سطح بلند هزاره جات بدون حصص غربی وجنوبی بحیث عموم سرد است لاکن هوای مالستان وحصص بامیان خنك تر واز دایزنگی نظر باین دوعلاقه هم شدید تر است .

کوهای پاروپامیز :

(Paropamisases) غربیترین جبال افغانستان کوهای پاروپامیزاستکه مابین فیروزکوه وزاویهٔ که بواسطه سرحد روس وایران بشمالمغرب افغانستان تشکیل شدهموقع دارد ارتفاع قلهٔبلنداین سلسلهجبال از ۲۵۰۰ مترمتجاوز نیست .

کوهای جنوبی چاکائی:

این سلسله سرحد افغانستان و بلوچستان را درطول ۱۵۰ کیلومتر تشکیل میدهد و عرض اوسط آن نهایت الامر بالغ بر۲۰ کیلومتر است . قلهٔ معروف او که بر ملك تیزنان حاکمیت دارد ۲۳۰۰ متر بلندی دارد .

میرجاوه :

چیزی بیشتر بطرف غرب جبال میرجاوه سرمد،۰ که حصهٔ ازان درخاك ایران واقعست ، این کوه درارتفاع بجبال چاکائی مساوی است علاوهٔ کوه حاجی گك کوه خورد یست درمابین ، کوه یغمان و کوه بابا که بسلسلهٔ هندوکش شاملست.

کارا کوه ؛ بشمال کوه بابا کوه کوچکیست، کوه والا کوه خورد یست بجنوب مشرق هزاره جات متصل کوه سفید غربی گذشته بران درحصص مختلفهٔ افغانستان جبال خورد خورد دیگرنیز وقوع دارد .

جنگلات طبیعی افغانستان

جنگلات طبیعی تقریباً در اکثر حصص کوهستانی افغانستان وجود دارد تنها نقاطیکه از جنگلات وسیع و مهم عاریست کوهای جانب غربی افغانستان است . کوهای سمت مشرق و هندوکش شرقی وجبال سمت جنوبی و غالب قسمتهای جبال بدخشان وقطغن وکنارامو وغیره بطوری جنگلات مهم و انبوهی را تشکیل میدهد که در بعض حصص صفحات و بغلهای جبال و پشتها از اتصال جنگلات و اشجار خود رو تماماً پوشیده شده واین جنگلات اساساً بدو حصه مهم سوا میشود ثمر دار وغیر ثمردار مثلاً کوه قره باتر ، کوهای نهرین ، دوشی کیله گی ، غوری ، تاله برفك ، نیك پی عنبر کوه خان آباد ، درهٔ اشکمش ، کوه ممئی ، تالقان در قطغن وجبال کشم ، درایم ، چاآب حصص جرم وغیره در بدخشان علاوه بر دیگر اشجار کوهی پسته فراوان دارد که از حاصلات پسته و بزغنج آن اهالی استفاده خوبی مینمایند .

کذا جنگل پسته مهمی در حصهٔ شمال مغرب خاك وطن به علاقهٔ قلعهٔ نوهرات موجوده است که در اهمیت و وسعت خود نظیر جنگل پسته ولایت خان آباد میباشد .

جبال پنجشیر ، نجراب ، تگاب ، نورستان ، کنرها ، سپین غر ، جبال جاجی چمکنی ، منگل ، مچلغو ، طوطاخیل ، جدران ، ارگون ، تنی ، درگی ، زمبر ، لندر ، کربز وغیره نیز دارای هرنوع درخت ها است که جلغوزه ، املوك ، جوز، بادام ، انگور ، سیب وغیره ازقسم ثمردار ، نشتر ، ارچه بلوط ، سرو ، کاج ، وغیره از نوع بی ثمر درانجاها بکثرت وجود دارند اشجار این حصص البته اشجار غیر مثمره وچوبهای عمارتی غالبیت دارند ولی چون اندازه ومقدار جنگلات وطن عزیزما تاحال باصول فنی پیمایش نشده ازان روراجع بکمیت تمام جنگلات مذکور عجالتاً معلومات کافی داده نمیتوانیم تنها ازانجمله جنگلات همان مواضیکه تحت اندازهٔ مهندسی آمده ذیلاً ازان ذکری مینمائیم :

تمام جنگلاتیکه قابل استفاده است و بدامنهٔ هندوکش از (۲۰۰۰ — ۲۳۰۰) متر ارتفاع واقع شده در مقابل آن جنگلات سمت جنوبی از ۶۰۰ تا ۲۳۰۰ متر وجود دارد ، جنگلات نقاط پست سمت مشرق نظر بارتفاع جنگلات سمت جنوبی باندازهٔ ۳۰۰ متر پایان تر است جنگلات جنوبی اشجار برگ دارکه در تحت آن جنگل خار دار وجود دارد عبارت است از درخت بلوط سنگی ، چهارمغز ، انار ، سیب خود رو ـ وائیدن (قسم بید کوهی) بادام ـ انگور جنگلی ـ توت کوهی ـ اهورن : (نوعی از چوب است مابین چهارمغز و بلوط) نشتر ، زردالو ـ سرو ـ شنی بال ، جلغوزه ـ چنار ـ عناب ـ انجیر وغیره .

اکثر جنگلاتیکه در نورستان وکنر موجود می شود درختهای آتی است :

ارچه ۵۵ فی صد — نشتر ۲۰ فی صد — گز همالیه ۲۰ فیصد — کرپ همالیه ۲۰ فیصد — جلغوزه ۵ فیصد

تمام اقسام اشجار مذکور درجبال نورستان وکنر ازیکساله تا ۴۰۰ ساله وجود دارد قطرآنها مختلف واز ۲۰ تا ۴۰ متر قددارد وسعت جنگلاتیکه تحت پیمایش آمده و ما آنرا (۱۰) فیصد تمام جنگلات افغانستان تخمین میکنیم اینست :

علاقهٔ کنر		۱۸۰۰۰	هکتار	==	۱۸۰	مربع کیلومتر
»	جنوب بارگندی	۱۲۰۰۰	»	»	۱۲۰	» »
»	شمال بارگندی	۱۱۰۰۰	»	»	۱۱۰	» »
»	گرسالك	۳۹۰۰۰	»	»	۳۹۰	» »
»	پارون	۴۹۰۰۰	»	»	۴۹۰	» »
»	کامدیش	۱۸۰۰۰	»	»	۱۸۰	» »
»	علاقهٔ باشگل	۱۴۰۰۰	»	»	۱۴۰	» »
»	هشم بری کوت	۱۰۰۰۰	»	»	۱۰۰	» »
»	اسمار	۲۳۰۰۰	»	»	۲۳۰	» »
	مجموع	۱۹۴۰۰۰	»	»	۱۹۴۰	» »

بطور اوسط از قرار نقشه و اندازهٔ، جنگلات این نقاط درفی هکتار از ۴۰۰ تا ۸۷۰ مکعب مترچوب را دارا است که باین حساب مقداری چوبهای علاقه جات مذکور قرارارقام ذیل حاصل دارد :

علاقهٔ کنر		۱۰۳۶۸۰۰۰	مکعب فوت	-	۲۸۸۰۰۰۰	مکعب متر
»	جنوب بارگندی	۶۹۱۲۰۰۰۰	»	»	۱۹۲۰۰۰۰	»
»	شمال بارگندی	۷۹۲۰۰۰۰۰	»	»	۲۲۰۰۰۰۰	»
»	گرم سالك	۲۸۰۸۰۰۰۰۰	»	»	۷۸۰۰۰۰۰	»
»	پارون	۲۸۲۲۴۰۰۰	»	»	۷۸۴۰۰۰۰	»
»	کامدیش	۷۷۷۶۰۰۰۰	»	»	۲۱۶۰۰۰۰	»
»	باشگل	۶۰۴۸۰۰۰۰	»	»	۱۶۸۰۰۰۰	»
»	بری کوت	۵۷۶۰۰۶۰۰	»	»	۱۶۰۰۰۰۰	»
»	اسمار	۱۳۲۴۸۰۰۰۰	»	»	۳۶۸۰۰۰۰	»
	مجموع	۱ر۱۴۳ر۳۶۰ر۰۰۰	»	»	۳۱ر۷۶۰ر۰۰۰	»

جنگلات سمت جنوبی بشرح اشجاریکه فوقاً ذکر شد از کوه جاجی تاحدود مرغه وبرمل وسرحد وزیرستان بطول ۱۰۰ کیلومتر وعرض اوسط ۱۵ تا ۲۰ کیلو متر اشجار ثمردار وچوب مهم عمارتی دارد که ازانجمله تنها منطقهٔ جاجی بقرار اندازهٔ صحیح بقدر ۰۰۰ ر ۳۱۲ ر ۱۸ مکعب متر یا ۰۰۰ ر۶۷ ۰ ر ۶۴۷ مکعب فوت دارای چوب میباشد که متباقی حصص سمت جنوبی ودیگر جنگلات افغانستان تاکنون تحت مساحت واندازه نه آمده درینجاتنها ازان ها فقط نام برده شد.

علاوه برجنگلات مذکور نیستانها وچوب کز وبید خود رود در قندوز وکنار دریای امو وجزیرهٔ درقد وکنار هلمند، ترنك، دریای اندراب بفاصله های معین درهرهر موضع وجود دارد که طبعاً اهمیت آن به نسبت جنگلات حصص کوهی کمتر ومحل بود وباش حیوانات وحشی ازقسم شیر، گراز وغیره وطیور، دشتی وجنگلی میباشد ازین نوع جنگلات عجالتاً اهالی برای سوخت وکپه بافی وغیره استفاده مینمایند.

بندها و تالابهای طبیعی افغانستان

بندها و تالابهای طبیعی در هرحصهٔ افغانستان وجود دارد که بعضاً مخزن آبهای دریاها و برخی متردایٔی آنها واقع گردیده مثلاً تالابهای هندوکش که موضع بموضع دیده می شود محل نبعان دریاها و آبهای کم و بیش قرار گرفته هرگاه سرچشمهٔ یك دریا ازرودهای مربوط هندوکش را انسان تعقیب میکند اخیراً بیکی ازهمین تالابهای طبیعی منتهی میگردد اما چون مبنی بحث ما بر اختصار است درینمورد اگرچه ناقص هم باشد ما از بند آبهای قسم دوم آن در ذیل نام می بریم :

آب ایستادهٔ غزنی : این تالاب چنانچه ذکر شد مقر آبهای دریای غزنی و دریای زرمت و آب های سیلابی کتواز بوده بر سطح بلند غلزائی بفاصلهٔ تقریباً ۱۳۰ کیلومتر جنوباً از غزنی و بارتفاع ۲۳۰۰ متر بجنوب شرق مقر وقوع دارد محیط این تالاب زیاده از ۷۰ کیلو متر و عمق آن ٤ متر است ، دروسط خود یك جزیرهٔ خوردی تشکیل میدهد که محل لانهای طیور آبی میباشد آب این تالاپ شور و اراضی اطراف آن شوره زار و غیر مزروع است در موسم زمستان که آب آن یخ بسته میکند اهالی اطراف بالای یخ گذشته از خشکهٔ وسطی و برخی مواضع تنك آب آن اقسام مرغها را شکار می نمایند .

تالاب نور : تالاب نور بفاصلهٔ ٦۰ کیلومتر از غزنی در غرب قره باغ و بجنوب نی قلعه بدامنهٔ گل کوه واقع است ، در موسم بهار تالاب مذکور موضع شکار پرندگان بوده بدورادور آن سبزه های زیاد می روید محیط این تالاب بیش از ۱۰ کیلومتر و عمق آن به ۳ متر اندازه می شود .

هامون زره : هامون زره درجنوب مغرب افغانستان و بشمال غرب چخانسور کائن است سطح آن تقریباً به ۱۷٦ کیلومتر میرسد و در موسم سیلاب دریا ها باندازه توسیع می یابد که با هامون سوران یکی می شود .

هامون سواران : هامون سواران بشرق جنوب هامون زره وقوع دارد آبهای خاش رود ، فرارود ودریای هاروت دران می ریزد سطح و محیطهامون سواران بعد از قطع سیلابهای موسمی تقریباً به ثلث هامون زره می رسد .

بنداب سیستان : بنداب سیستان درموسم قطع سیلابها بطول ۱۰۵ کیلومتر و عرض ٤۹ کیلومتر تقریباً مقر آبهای دریای هلمند است ، دوبنداب اول الذکر نیزگاه گاهی بسبب تجمع آبهای سیلابهای موسمی توسیع یافته به این بنداب شامل میگردد درقدیم بنداب مذکور بر تمام سیستان حاوی بوده حالافقط بیشتر حصهٔ آب آنرا دریای هلمند تهیه مینماید عمق آن با اینکه دریای هلمند در قسمت شمال این بنداب گل وریك فراهم میکند از میدانهای اطراف بقدر ۱۳۰ متر است .

تالاب ناهور : این تالاب بقسمت شمالی دشت همواز ناهور بفاصله ٤٥ کیلومتر تقریباً درغرب غزنی وقوع دارد طول آن ۱۰ کیلومتر و عرض آن از ۲ تا ۳ کیلو متر است عمق تالاب ناهور متفاوت چنانچه بقرب کنارها یکمتر و در وسط وقسمت شمال خود به ۳ متر میرسد .

این تالاب را چمن سرسبز ناهور از هرطرف دربرگرفته ودراطراف آن سبزه تایکمتر قد می کشد آب این تالاب سیاه رنگ یعنی بالوش مخلوط است ، در موسم بهار تالاب ناهور محل شناوری اقسام مرغهای آبی از قبیل ، قو ، قاز ، کلنگ ، مرغابی ودیگر جانوران میباشد طبوریکه از تالاب مقر (آب استاده) و تالاب نور پرواز می کنند درین تالاب می نشینند حتی درکنار آن نظر بهمواری دشت از دور اقسام مرغهای بنظر می آید .

کول شیوه : کول شیوه تقریباً ۸۸ کیلومتر بجانب شمال زیباك و ۳۵ کیلو متر طرف جنوب درواز درجایکه دریای پنجه بطرف شرق جنوب چرخ زده و یك مثلث حادالزاویه را تشکیل میدهد واقع است طول این تالاب تقریباً ۲۱ کیلو متر وعرض آن از ۱٤ تا ۱۷ کیلو متر اندازه می شودعمق این تالاب ازیك تا ۳ متر متفاوت بوده رنگ آن نیلگون وخوش مزه است، آب آن از تمام جوانب بچمنهای سرسبز و خرم احاطه شده در اطراف آن علف تایکمتر بلندی شود دورادور این تالاب ایلاقهای تابستانی مردمان مالدار قندهاری وقطغنی بوده، این تالاب بشمولیت وادی سرسبز آن چون درجوار سطح بلند پامیر واقع است شدیداً سرد وبیش از سه و نیم ماه قابل ستقامت مردم مال دار ایلاق نیست تالاب شیوه دارای اقسام مرغهای آبی بوده بهترین شکارگاه تابستانی ولایت بدخشان شمرده‌می شود.

تالاب قندوز: تالاب قندوز قبل‌ازتعمیرخان‌آباد‌دخیلی‌وسیع‌و از جنگلهای انبوهی‌احاطه شده اطراف‌آن‌تماماً قرارگاه حیوانات وحشی ازقبیل شیر، کراز، سیاه گوش، قره قلاق بود طول آن ٤٥ کیلومتر متوازی دریای‌خان آباد وعرض آن از ۵ تا ۷ کیلومتر ازچوغه‌اغاز وغرباً تا شورتپه زیر قندوز امتداد داشت در زمان حاضر بسبب کثرت نفوس در قطع جنگلات وخشکانیدن آب این برگه وسایل لازمه استعمال شده فعلاً اگر چه طول آن به ۲۰ وعرضش از ۲ تا ۳ کیلومتر میرسد اما زارعین وطنی از عرض آن جوهای متعددی بطرف حوضهٔ دریای خان آباد که در جناح شمال‌آن جریان‌دارد کشیده اند بنابران درمواضع متعدد عرض آن را ازهم منفصل ساخته عبور ومرور ازان ممکن است ولی باوجود آن دراکثرجاها عمق آن از ۳ متر زاید است.

تالاب بغلان : این تالاب بفاصلهٔ ۹۰ کیلومتر در غرب جنوب قندوز واقع ومحیط آن از ۸ کیلومتر زاید است عمق آب این کول از ۲ تا ۳ متر وتماماً محل شناوری مرغهای آبی میباشد آب آن زرد رنگ وخوش مزه ودورادور آن نیزار وچمن است.

تالاب اشکمش : تالاب اشکمش بفاصلهٔ ٦۰ کیلومتر در جنوب خان آباد مرکز نایب‌الحکومگی قطغن شرقاً وغرباًطولانی‌وقوع‌دارد عمق‌آب آن از یك تا ۳ متر ومحیط آن بر ۱۵ کیلومتر بالغ میباشد، این تاب نیز مانند دیگر تالابهای افغانستان اقسام مرغهای آبی دارد و دراطراف آن چنان چمن های سر سبز بعمل می آید که درطول سال گله های اسپ ودیگر مواشی دران می چرد.

تالاب غوری : این تالاب از بغلان بفاصله ۳۰ کیلو متر غرباً بساحل چپ دریای غوری از جنوب بشمال ممتد است عرض آن از یکنیم تا ۲ کیلومتر وطول آن تقریباً به ۷ کیلومتر می رسد در قسمت شمال این‌کول جنگل غلوی وجود دارد که محل اقسام طیور آبی ودشتی وگراز های وحشی می باشد عمق آب این تالاب درحصص وسطی تاسه‌متر میرسدودرکنارهای‌آن‌به‌اسپ‌گشتن ممکن است ـ تالاب غوری بهترین شکارگاه‌ولایت قطغن بوده درهر موسم سال باین‌موضع میله های شکارمرغ منعقد می گردد وطرز شکار اینطورمعمول است که از یکطرف جنگل راآتش می زنند بنابران حیوانات ومرغهای دشتی گله گله ازجنگل خارج گردیده سواران وصیادان درچمنهای اطراف وشالی پایه ها راه گریز آنها را بسته بوسیله نیزه و تفنگ حیوانات وطیورمذکوررا شکارمی کنند.

کول پامیر : کول پامیر در دهنه وتنگنای پامیر خورد یاپامیر شور واقع است مجری آب دریای پامیر از جناح شمال آن می گذرد، این کول تقریباً بشکل مستطیل افتاده عرض آن تقریباً ۹ کیلو متر وطول‌آن‌به ۱۸ کیلو متر بالغ است، ولی چون این تالاب درانتهای بلندی سطح مرتفع پامیر واقع می‌باشد‌آب آن در غالب قسمت سال منجمد می‌باشد ودراطراف آن بسبب

شدت سرما نباتات نمی روید .

تالاب غور : تالاب غور بفاصلهٔ تقریباً ٦ کیلومتر در شرق مجری ابتدائی دریای خاش رود وقوع دارد. عرض این تالاب ٥ کیلومتر وطول آن ٧ کیلومتر محیط آن بر ٢٤ کیلومتر بالغ است ،

اطراف این تالاب چمن سر سبز وآب آن محل شناوری مرغهای آبی است .

کول جنگ هرات : این تالاب بفاصله ١٢ میل بطرف جنوب شهر هرات واقع وطول آن ١٤ کیلومتر عرض اعظم آن از ٣ ونیم الی ٤ کیلومتر واکثر عمق آن بچهار متر میرسد .

دراطراف خود سبزها ونی زار ها تشکیل داده اقسام مرغان آبی دارد .

گذشته بر تالاب های فوق الذکر بطوریکه مذکور شد در هرحصه افغانستان تالابهای خورد خورددیگر هم وجود دارد که محیط بعضی از آنها بطوراوسط الی ١٠ کیلومتر میرسد ازانجمله باتلاقهای تالقان ، بندآبهای دوشی کیله گی ، اشکارآباد وباتلاقهای رباط غوریان هرات ، شهرك ، جوین هرات دیزنگی باتلاقهای وزیرآباد ، بگرامی ، سیاسنگ ، عقب بالاحصار کابل ، حوض خاص یغمان ، باتلاق چهار آسیانیز قابل ذکر است .

بند های طبیعی : بند های طبیعی در افغانستان زیاد اند که مروفترین آنها بند امیر هزاره جات است و چندین رودخانهٔ داخلی مانند هجده نهر بلخ از آب های ذخیرهٔ این بند جریان می یابد .

آبشار ها

آبشارهای طبیعی نظر موجود مناطق کوهستانی وپستی ها وبلندی های متناسب وغیر تدریجی درافغانستان زیاد است که از جملهٔ آبشار های طبیعی معروف آن آبشار تنگ غارو وآبشارهای پنجشیر وآبشارانتهای چوغه ومابین خان آباد وقطغن وآبشار خواجه غار بچه غان وآبشار های اندراب وآبشار درهٔ غوث نجراب که از تالاب شب میانه سرچشمه میشود وآبشار فرزهٔ کوهدامن وآبشارهای نقاط متعدد هزاره جات ونورستان یفتل وبدخشان می باشد





نمونهٔ از قشون ملی افغان در قرن نزدهم
Type de Guerrier Afghan du 19 êm Siécle

معادن افغانستان



آقای محمد احسان خان

بقلم آقای محمد احسانخان معدن شناس

ظاهر است که ترقیات یك مملکت و تأمین ثروت ملی آن وابسته با قتصادیات و گرفتن منافع از امور زراعتی و فلاحتی و بکارانداختن ثروت های کانی همان مملکت بوده بهمین لحاظ اکثر از ممالك دنیا باین مسئله اهمیت زیاد داده و بالآخره در سایهٔ کوشش و زحمات اجتماعی بدرجهٔ اعتلا و ترقیات محیرالعقول نایل شدند .

حکومت متبوع و مقدس ما نیز در همچو مسایل توجهٔ مخصوص فرموده و در ضمن پروگرام وسیعیکه در تمام شعبات فنی و بکار انداختن قوای اقتصادی وطن عزیز ما در نظر گرفته است ، راجع به معاینهٔ فنی معادن مکشوفهٔ سابقه و انکشاف معدنیات تازه و استحصال شان بذریعهٔ ماشین های جدیده بذل مجاهدت میورزد .

باثر همین توجه و تشویق حکومت ، ارباب حساس این کار در تجسس امور کشفیهٔ معادن برآمده یك عدهٔ معتنابهٔ معدنیات را از مواضع مختلف کشف و حسن خدمت ملی خودها را ثابت ساخته و روز بروز حسیات وطن پرورانهٔ شان بر عدهٔ معادن مکشوفه میافزاید.

در نتیجهٔ تحقیقات و کشفیات به تجربه رسیده که وطن عزیز ما از حیث داشتن ثروتهای طبیعی و منابع کانی حایز درجهٔ بلندی میباشد و از مواد کانی و فلزی کمتر چیزی خواهد بود که در خاك وطن مقدس ما یافت نشود .

معدنیاتیکه در اثر اتفاقات کشف یا در این سالها اصولا از طرف وزارت تجارت مکشوف گردیده و نمونه های هریك به مدیریت عمومی معادن رسیده است جمعاً (۵۷۱) معدن میباشد که در نتیجهٔ علم آوری و تحلیل و تجزیهٔ متخصصین فنی (۲۹۹) معدن آن کارآمد و قابل استفاده میباشد و باقی آن در نتیجهٔ معاینه و عملیات فنی عقیم و غیر مفید ثابت شده است .

اینجانب فهرست معادن مکشوفهٔ مفیده و مشهورافغانستان را با تشریحات لازمهٔ آنها بترتیب در ذیل متذکر میشوم .

شمارهٔ عمومی معادن ازینقرار است :

نقره ۲ معدن		آهن ۷۲		مس ۱۰۳		سرب ۱۶		جست، قلعی، سرمه ۱۰		ذغال سنگ ۳۳		گرافیت ۱۱	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۲	۰	٤٦	۲٦	٦۳	٤۰	۱۰	٦	۱۰	۰	۲٤	۹	۸	۳

نفت ۱		بیتومن ٤		گوگرد ۲۲		ابرك ۲۵		سنگ ریشه ۲۱		سنگ شاه‌مقصود ۵		سنگ مرمر ۱۹	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۱	۰	۳	۱	۱٦	٦	۱۲	۱۳	۱۵	٦	٤	۱	۹	۱۰

رخام ۳		چونه ۱۵		گچ ٦		نمك ۱۱		نیل‌طوطیا ۲		زاك ۷		نوشادر ۳	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۳	۰	۱۰	۵	٦	۰	۸	۳	۲	۰	٦	۱	۳	۰

ترکیبات المونیوم ۲		نیکل ۲		منگانیز ۲		یاقوت و امیتست ۱۰		یشم ۱		لاجورد ۱		کوارتز ورنگهای معدنی بیرل‌وغیره ۱٦۰	
مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید	مفید	غیرمفید
۱	۱	۱	۱	۲	۰	٤	٦	۱	۰	۱	۰	۲٦	۱۳٤

نقره : (Silver)

نقره از فلزات ذیقیمت بوده و از قدیم الایام شناخته شده ودر دوره های تاریخی برای ضرب سکه بکارمیرفته است ، وروز بروز قیمت آن نسبت به طلا تنزل میکند .

درحالت طبیعی طورخالص بصورت گرد یا قطعات خیلی بزرگ که گاهی صدها کیلوگرام وزن دارد یافت میشود ترکیبات کانی نقره عبارت است ازکیلورایدهای نقره و مهم تر از همه سلفایدها (Sulphides) نقره که ندرتاً خالص وغالباً به نسبت های مختلفه با گوگرد ، سرمه ، آرسنك (سم الفار) آهن ، مس وغیره مخلوط میباشد ، بعضی از ترکیبات معدنی سرب ومس نیز بمقدار کمی نقره دارند .

یکی از ترکیبات معدنی مهم نقره آرجنتیت (Argentite) میباشد بفرمول (Ag_2S) که دارای رنگ سربی سیاه مایل وتا (۸۷) فیصد نقره دران شامل است .

معادن نقره :

یك معدن مهم نقره درسطح مرتفع شیوه علاقهٔ بدخشان میباشد ، درازمنهٔ قدیمه نقره را ازسر وادی پنجشیر استخراج میگردند ، ترکیبات معدنی نقره دار درموضع غوربند بسیار پیدا میشود ، دربعضی حصه های هندوکش ومخصوصاً درعلاقه هزاره جات معادن مهم نقره وجود دارد

آهن : (Iron)

آهن از نقطهٔ نظر اهمیت درتمدن امروزی بشر درجه اول را حائز است ، وانسانها آنرا در ده قرن قبل از میلاد حضرت مسیح ع میشناخته اند ، کشف واستعمال آن درصنعت علت اصلی ترقی بشر گردیده ونیز دورهٔ آهن شامل حیات تاریخی بشر بوده وتا امروز دوام حاصل کرده است .

آهن درطبیعت بمقدارزیاد موجود است ولی بطورخالص یافت نمیشود ، معمولاً آهن بااجزای خارجی ترکیب شده احجاری میسازد که آنرا سنگ معدنی مینامند وازهمین سنگها آهن استخراج کرده میشود ، مهمترین دستهٔ ، ترکیبات معدنی آهن اوکسایدها (Oxides) وکاربنات های آهن (Carbonates) میباشد ازنقرارست:ـ

۱ — آیرن اوکساید مقناطیسی یاباصطلاح علم معدن شناسی مگنیتیت (Magnetite) بفرمول (Fe_3O_4) که مقدارآهن آن ازکلیه ترکیبات طبیعی بیشترو (۷۲) درصدمیباشد .

۲ — آیرن اوکساید بفرمول (Fe_2O_3) که بزبان علم معدن شناسی آیرن گلنس (Iron glance) وهمیتیت (Hamatite) نامیده میشود وبه الوان مختلف سرخ ، زرد ، قهوهٔ وغیره موجوداست .

۳ — آیرن کاربنات یاسدرت (Siderite) بفرمول ($FeCO_3$) که ازبهترین ترکیبات معدنی آهن است .

معادن آهن :

۱ — معدن آهن قسم مگنیتیت (یعنی آهن مقناطیس) بسمت غربی دامنهٔ کوه یغمان دربالائی حصهٔ کوتی سهیل که یکی از بهترین معادن آهن افغانستان و ۷۲ فیصد آهن خالص دارد .

۲ — معدن آهن (قسم ریدآیرن اور) درکوه غارموضع جبل السراج که از فابریك برق تقریباً ۲ کیلومتر فاصله دارد ومقدار آهن در ان از ۵۰ تا ۷۰ فیصد است .

۳ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوه خاك لبه موضع ده سبز که دارای (۷۲) فیصد آهن میباشد علاوتاً آیرن پیریت نیز درکوه خاك لبه طرف مشرق حوض خاص وجود دارد .

٤ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوتل خاواك پنجشیر معدن مفیدی دارد .

٥ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درقول منار چکری بطرف جنوب قلعهٔ آخند زاده محمد عثمان خان که (۷۲) درصد آهن دارد .

٦ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوه قلعهٔ خواجه صاحب ، علاقهٔ کمری که دارای اهمیت زیاد میباشد

۷ — معدن آهن ، درکوه شاخ برنتی که معدن مفیدی دارد .

۸ — معدن آهن (قسم آیرن سلفاید) درکوه یخدره که نمونهٔ آن مفید و کارآمد است .

۹ — معدن آهن ، در موضع لولنج غوربند و دارای اهمیت است .

۱۰ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درارغنده علیا جانب غرب کافر قلعه که نمونهٔ آن مفید ثابت شده است .

۱۱ — معدن آهن ، دریخدره بطرف جنوب یك حوض و هم بدرهٔ میاداد میباشد که نمونهٔ های آن در نتیجهٔ علم آوری مفید ثابت شده

۱۲ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوه خورد کابل بطرف شمال قلعهٔ شهنواز که نمونهٔ مفیدی دارد و نیز معدن آن درسر کوه تغر بفاصلهٔ ٦ کیلومترجانب مشرق منار چکری یافت شده است .

۱۳ — معدن آهن (قسم همیتت) درموضع رخهٔ پنجشیر و معدن مفیدی دارد .

۱٤ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) در موضع کوه دشتك موسهی لهوگر که دارای (۷۰ فیصد) آهن میباشد .

۱٥ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوه قیچین باف کوت عشرو ، علاقهٔ میدان .

۱٦ — معدن آهن (قسم آیرن پیریت) درکوه شاه بالای آستانه موضع پنجشیر و آهن (قسم ریدآیرن اور) بدهن درهٔ پنجشیر بمقدار وافر بنظر می آید .

۱۷ — معدن آهن ، درکوه اله بله موضع غازهٔ کوهدامن واز ۳۰ تا ٤۰ فیصد آهن دارد .

۱۸ — معدن آهن ، درکوه پارانده موضع بازارك پنجشیر که مرکب با مس وتقریباً تا ۸ فیصدمس دارد.

۱۹ — معدن آهن ، درکرم جدران بجانب غرب علاقهٔ وزگی و نمونهٔ آن فایده آور است .

۲۰ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوه شاقول شیرداغ و دارای فلزمس و نمونهٔ آن خیلی مفید ثابت شده است .

۲۱ — معدن آهن ، درسرخ کوتل بطرف شمال قریهٔ ده سرخ هرات و (۷۰) فیصد آهن دارد .

۲۲ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس وهمیتت) درمیان سیاه تپه و فراخلوم ، علاقهٔ بهسود ، معدن عمده دارد که دارای (٥۰) فیصد آهن میباشد .

۲۳ — معدن آهن (قسم آهن مقناطیس) درکوه سنگ زرد علاقهٔ شنوار سمت مشرق و تا (۷۰) فیصد آهن دارد .
۲۴ — معدن آهن ، درکوه شاه مسعود بطرف جنوب لاش مرغان ولایت قندهار که معدن مفیدی دارد.
۲۵ — معدن آهن ، در شیلهٔ کوه بچهٔ کرخ ولایت هرات که فلز سرب نیز دران شامل است .
۲۶ — معدن آهن ، در سیاه کوه سمت مشرق و رگ آن از حدود کشکك تاپل درو نته امتداد دارد .
۲۷ — معدن آهن ، درموضع علاقه داری گلستان وکوهستان مربوط حکومت اعلی فراه .
۲۸ — معدن آهن ، بفاصلهٔ ۵ کیلومتر بجانب شمال مشرق بهارك (علاقه بدخشان) واقع است .

علاوتاً موضع چهارده معصوم ، وتنگی للندر ، وکوه ده مزنگ کابل ، وکوه سالاب لغمان ، وبامیان ، وارزگان وکالو ، ودرهٔ صوف (مزار شریف) ، وده دادی ومقر وموضع خاك ریز قندهار ، ومواضع قطغن ، وغیره علاقه های افغانستان نیز دارای معادن مهم آهن میباشد .

مس : (Copper)

صنعت استخراج مس درغالب نقاط عالم درترق است ، مواد کانی مس درطبیعت فراوانند وبهترین آنها عبارت است ازکاپر اوکساید یا کوپرت Cuprite بفرمول Cu_2O وکویلن Covelline بفرمول CuS وملاچت وآزورت $\frac{\text{ملاچت: } (Cu\,0H)_2\,C0_3}{\text{آزورت: } (Cu\,0H)_2\,CuC_2 0_6}$ ولی ترکیب معدنی مهم مس عبارت است ازکاپرگلنس Copper glance بفرمول Cu_2S که گاهی تقریباً خالص وتا (۸۰) درصد مس دارد ودیگر از ترکیبات مهمهٔ این فلز پیریت های مس دار میباشند از قبیل کاپرپیرت (Copper pyrites) پیکاك کاپر (Peacock copper) وبورنت (Bornite) وغیره که ترکیبی هستند از کاپر سلفاید وآیرن سلفاید واکثریه فلزات دیگر نیز به نسبت های کم از قبیل جست، نقره ، آرسنك وغیره در آنها یافت میشود، کاپرپیرت بفرمول ($CuFeS_2$) نسبت بدیگر ترکیبات کانی مس بمقدار زیاد یافت میشود بهمین جهت برای استخراج مس دارای اهمیت زیاد میباشد.

معادن مس :

معادن مس درافغانستان بکثرت یافت میشود ، مواضع آن ازینقرار است :

۱ — معدن مس درکوه چرغانی کهنه خارمیدان معدن مهم وذخیرهٔ بزرگ مس موجود است که یك معدن قدیمه ودارای اهمیت معدنی بوده تقریباً همه اقسام ترکیبات کانی مس دران یافت میشود .
۲ — معدن مس ، درکو تل خاواك پنجشیر ، معدن عمده دارد .
۳ — معدن مس (قسم کاپر پیرت) درفرنجل غوربند معدن مهم دارد که نقره نیزازان حاصل میشود .
٤ — معدن مس (قسم کاپر پیرت وغیره) درکوه کمری وکوه سیاه بینی وکوه سرخ منارشیوه کی وکوه یخدره وکوه منارچکری وقول مشنگی (زیر منارچکری) وکوه یخك وزیرکوه حسین خیل علاقهٔ خورد کابل پیدایش دارد که نمونه های هریك درموزیم خانهٔ معدنی برای نمایش گذاشته شده است .
۵ — معدن مس (قسم کاپرپیریت) در موسهی لوگر سرکوه گلدره که تقریباً (۱۵) فیصد مس دارد .
٦ — معدن مس (قسم کاپرپیریت) درموضع جبر علی پنجشیر وهم درموضع تاواخ پنجشیر یافت شده است .
۷ — معدن مس (قسم کاپر پیر ت) درموضع چهارآسیا وقسم (کاپراور) درموضع چهل ستون وکوه خیرآباد وجود دارد .
۸ — معدن مس (قسم کاپری پیرت وملاچت) درکوه واصل آباد موجود ودارای اجزای آهن نیز میباشد ، درکوه قرغ وتنگی للندر نیز معادن مس یافت شده است .

۹ — معدن مس (قسم کاپراوکساید) درکوه گل درهٔ کوهدامن یافت میشود .

۱۰ — معدن مس (قسم کاپراوکساید) درکوتل قلیچ علاقهٔ کهمرد وهم نمونهٔ مس (قسم کاپرییرت) از موضع بامیان بدست آمده است .

۱۱ — معدن مس ، در موضع علاقه داری ارغنداب توخی ولایت قندهار.

علاوتاً معادن مهم مس در علاقه های مختلف افغانستان مخصوصاً بدرهٔ صوف وموضع سفید آب ارزگان وقندهار ومقر وکوهستان جنوبی هرات ونهرین وجلال آباد بکثرت وجود دارد.

سرب : (Lead)

سرب در طبیعت بصورت پلمبوم سلفاید یا گلینت (Galenite) بفرمول PbS و پلمبوم کاربنات یا ـ سیروزت (Cerussite) بفرمول $PbCO_3$ و غیره یافت می‌شود .

معادن سرب :

سرب درافغانستان معادن مهم دارد ، یك معدن مهم وبزرگ سرب درفرنجل غوربند میباشدکه یك معدن قدیمه وچندین مرتبه بکارافتیده است واز ۵۰ تا ۶۰ فیصد سرب دارد.

ذخیرهٔ بزرگ سرب درمرك بهسود ورگ‌های آن بسطح زمین ظاهر است تا ۷۵ فیصد سرب دارد بعلاوه درکوه میان شان ارزگان وموضع مومن قول شیرداغ وکوه غندك وکوه چهل آبخورك علاقهٔ کهمرد ونهرین وجرم وعلاقه‌جات قطغن ودرهٔ صوف وموضع قلعهٔ بی‌بی گوهر (خاك ریز قندهار) و در موضع سیاه درهٔ یکاولنگ وعلاقهٔ میدان ونواحی هرات و موضع تنگ کران ونزدیك اسکادر (علاقهٔ بدخشان) معادن مهم سرب موجود است ، نمونهٔ فلز سرب بسیاراعلی که درنتیجهٔ تحلیل اجزای نقره دران شامل است از موضع زیارتگاه حضرت سید شاه ناصر (علاقهٔ بدخشان) دستیاب شده .

جست ، قلعی ، سرمه: (Zinc, Tin, Antimony)

ترکیبات معدنی جست عبارت است از سفالیرت (Sphalerite) بفرمول Zn S وکالامین (Calamine) بفرمول Zn CO_3 وزنکت (Zincite) بفرمول ZnO وزنك سلیکات وغیره .

معادن جست :

ترکیبات معدنی جست درفرنجل غوربند ، وموضع بلخاب وهزاره جات ، وبامیان ، یافت میشود ، علاوتاً خاك جست از علاقهٔ ژوب استخراج ودرصیقل گری بکارمیرود .

ترکیب معدنی قلعی قسم کیستریت (Cassiterite) درمرتفع ترین نقاط کوهها بین صوفیان وشیرگران علاقهٔ بدخشان یافت شده است .

معادن سرمه :

سرمه نزدیك ارغنداب بشمال مغرب کلات غلزائی ، ودرتپه های وردك بشمال غزنی ، ودر وادی غوربند ، وعلاقهٔ یکاولنگ ، ودرعلاقه جات آفریدی ، و غیره علاقه های مختلف افغانستان یافت‌میشود ، معدن مهم آن درچهل تن نزدیك زیباك وجود دارد .

ذغال سنگ : (Coal)

ذغال سنگ مهمترین ثروت ممالك معدنی است بعد از اواسط قرن نوزدهم اهمیت پیدا نموده ودر اواخر این قرن ریشه واساس اصلی صنعت گردید .

در طبیعت بمقدار خیلی زیاد یافت میشود وتقریباً از ۷۵ تا ۸۰ درصد کاربون دارد، تحقیقات مهمهٔ معرفت الارضی نشان میدهد که ذغال سنگ وذغال های طبیعی دیگر در نتیجه فساد وتجزیهٔ نباتی تولید شده بدینطریق که دراعصار قدیمه نباتات مذکور در تحت اثر سیلاب ها یادرنتیجهٔ تغیر قشر زمین زیر طبقات خاك وریگ وغیره مستورشده وپس از مدت زیاد مادهٔ آلیهٔ نباتی تجزیه شده کاربون آزاد مانده است .

ازمهمترین دلایلیکه فرض مذکوره ثابت میسازد وجود آثار نباتی وبرگ ها درروی بسیاری از قطعات ذغال است .

ذغال سنگ بر سه قسم است :

(۱) انتراسیت (۲) لینت (۳) تورب .

۱ — انتراسیت (Anthracite) دارای رنگ خیلی سیاه است وذغالیست که ۹۵ درصد کاربون دارد باشعلهٔ کم وحرارت زیاد میسوزد بهمین جهت در ماشینهای لکوموتیو استعمال میشود .

۲ — لینت (Lignite) ذغالیست متراکم که از ۵۵ تا ۷۵ درصدکاربون دارد ونسج آن مانند الیاف وشبیه به ذغال چوب است ، حرارت آن چندان زیاد نیست ودرموقع احتراق بادود سیاهٔ غلیظ وتعفن زیاد میسوزد، رنگ آن سیاه مائل بقهوه وآثارنباتی دراغلب نمونه های لینت مشاهده میشود، قسمتیاز این ذغال موجود است که سخت وسیاه رنگ میباشد .

۳ — تورب (Tourbe) از ۵۰ تا ۶۰ فیصد کاربون دارد، رنگ آن سیاهٔ دودهٔ ودرموقع سوختن بوی امونیاکی متعفن ازان متصاعد میشود ، تورب از تجزیهٔ بعضی خزه ها ونباتات دیگر در تحت اثرتراکم ومحفوظ ماندن از هوا محجر شده چنانچه در سطح معادن تورب خزه وشکل نباتی دیده میشود .

معادن ذغال سنگ :

درعلاقه های مختلف افغانستان ذغالسنگ بمقدارروافریافت میشود، چندمعدن مشهورآن از ینقرار است :

۱ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع کوتل خاکی علاقهٔ برفك که دارای معدن بزرگ ورگ های متعدد میباشد جنس ذغال آن نهایت اعلی وبرای استخراج ذغال اهمیت زیاد دارد ، رگهای این معدن از موضع نلك وشورستان نیز دیده میشود .

۲ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع ایش پشته که، معدن مهم وذخیرهٔ بزرگ ذغال درانجا بوده ذغال آن بسیاراعلی وتقریباً تا (۷۰۰۰) کیلوری قوهٔ حرارت دارد ، برای استخراج ذغال نهایت مفید است ، ودروقت ضرورت مقدار ذغال کارآمد مرکز از این معدن تهیه وذریعهٔ موتر های لاری بمرکز حمل ونقل داده میشود .

۳ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع فرح گرد غوربند که رگ های متعدد داشته وآثار همین رگها تا حدود گاوپران (علاقهٔ سرخ وپارسا) دید میشود ، از مدت دو نیم سال استکه بکاراقتیده وفعلاً ذغال آن برای مصارف سوخت رولهای بند قرغه وداشهای خشت پزی ومحروقات زمستانی بخاری های دوایر خدمت میکند .

٤ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع نهرین (علاقهٔ قطغن) که جنس ذغال آن بسیار اعلی و قوهٔ حرارت آن تخمیناً (۷۰۰۰) کیلوری است ودرجنسیت باذغال هند هیچ تفاوت ندارد.

٥ — معدن ذغال سنگ ـ در کوه تیره متصل قریهٔ بخری جدران معدن آن موجود وهم درکوه برکوتی نزدیک اسپین تخت وکوه تیره شاهی‌کوت ذغال (زمانهٔ سوم) Tertiair یافت شده است که تقریباً (٤٠٠٠) کیلوری قوهٔ حرارت دارد.

٦ — معدن ذغال سنگ ـ درکوه گرماك علاقهٔ چهل دختران درهٔ صوف یافت شده‌که تخمیناً (٥٠٠٠) کیلوری قوهٔ حرارت دارد.

۷ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع گرلهٔ بدری علاقهٔ کشنده مابین خط فاصل درهٔ صوف وبلخاب معدن بزرگ ومفیدی دارد.

۸ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع انزری شهیدان حدود لاغرجوی درهٔ کوت، معدن بااهمیت دارد.

۹ — معدن ذغال سنگ ـ در موضع سنجور علاقهٔ کرخ هرات که جنس ذغال آن بسیاراعلی وتقریباً (۷٥٠٠) کیلوری قوهٔ حرارت دارد.

۱۰ — معدن ذغال سنگ ـ درموضع قریهٔ کندلان وحدود چقماق ملاخیل (ارزگان) معدن بزرگ دارد که دارای مادهٔ گرافیت هم میباشد.

۱۱ — معدن ذغال ـ در موضع کرمان جنگلك علاقهٔ دایزنگی که جنس ذغال آن‌مثل ذغال معدن‌فرح گرد غوربند است.

علاوتاًمعدن ذغال درمواضع ذیل مخصوصاً در حدود بالاگا گره (علاقه ده بالای شنوار) وکهی شنوار، واز نمله ئلاقه جلال آباد، واز نوجوی علاقه شیوه، وتاشقرغان، وخوست، ومیمنه، وغوری وموضع قلعهٔ بیگ هزاره جات، ودرواز (علاقهٔ بدخشان) وذغال قسم باقیمانده نباتات در (موضع کارندهٔ سرای خواجه، وقریهٔ دانشمند وتیزین، وتنگی ترکی، وغزگی علاقهٔ خورد کابل،) وغیره علاقه جات افغانستان وجود دارد که دربرخی جاها مکمل ودربعضی مواضع خام است.

گرافیت : (Graphite)

متقدمین گرافیت‌را سهواً سرب می دانستند بعد معلوم باشد که یك جنس کاربون (Carbon) است که درخشندگی شبیهٔ سرب میباشد.

این جنس کاربون بشکل الیاف دراحجار قدیمه مانند سنگ خارا وگنس یافت می شود، دارای رنگ فولادی ودرخشندگی فلزی بوده وبرای ساخت پنسل وخمیر کتالی ها وغیره چیزهای مفید مورد استعمال مهم دارد، جوهر باروت را نیز از گرافیت بدست می آورند.

معادن گرافیت :

گرافیت درافغانستان بمقدار زیاد پیدایش دارد، مخصوصاً در استالف، چهاریکار، کوه جو اترد قصاب (قرغ) شاه کابل خورد (علاقهٔ میدان)، کوه سرخی غازه (علاقهٔ کوهدامن) کوه قرغه، جدران، بهسود، ارزگان، نهرین، شنوار، وغیره علاقه های وطن عزیزما معادن عمدهٔ آن کشف شده است.

نفت (تیل خاک) و بیتومن : (Mineral Oil, Bitumen)

نفت را انسانها از قدیم‌الایام شناخته ولی تا نیمهٔ دوم قرن نوزده‌هم نتوانسته بودند که از ان طوریکه باید استفاده کنند.

نفت روغن معدنی قابل احتراق است که بحالت طبیعی در بعضی حفرات طبیعی تحت‌الارضی وجود دارد وغالباً درمجاورت چین خوردگیهای قدیمی زمین مشاهده میشود.

نفت طبیعی را که از اراضی نفت خیز یا چشمه های نفت استخراج میکنند مایعی است غلیظ که وزن مخصوص آن بین ۷۸ ، و ۹۲ ، می باشد وبصورت طبیعی هرگز استعمال نمیشود ، بلکه بوسیلهٔ عمل تقطیر تدریجی مواد مختلفه ازان استخراج می کنند..

روغن پترول : (نفت سیاه) عبارت از نفتی است مخلوط باقیر وجسمیست مایع وقابل اشتعال که بطور چشمه از زمین ویاازمابین بعضی شیست ها (Chistes) که موسوم به سنگ بیتومن (Bitumen) است خارج میگردد.

بیتومن: ازاحجاریست خاکی یاخاکستری رنگ که بسهولت ورقه ورقه شده ودارای مواد قیری میباشد که ازان نفت وقیر استخراج میشود ، این سنگ درمجاورت اثر شعله سوخته بوی قیر ازان استشام میگردد، وبوسیلهٔ عمل تقطیر (Distillation) از ۲۰ تا ۲۵ فیصد تیل ازان بدست میآید.

معادن نفت و بیتومن :

چشمه های نفت در تیرپل هرات کشف شده ، که نمونهٔ آن درموزیم خانهٔ معدنی وزارت تجارت موجود است ، وضعیت اراضی سمت جنوبی و مقر نیز برای پیدایش نفت مستعد دیده می شود وجود آن در موضع لیکان سرای خواجه ، نیز امکان دارد.

بیتومن: که شیست های روغن پترول دارا است ، معدن عمدهٔ آن درسر پل مزارشریف یافت شده است که بوسیلهٔ عملیات عرق کشی از ۱۰۰۰ کیلوگرام بیتومن ۲۰۰ کیلوگرام اسفالت آیل (Asphalte- Oil) گرفته می شود که چیز قیمت داری بوده برای استخراج تیل نفت و تیل موتر بکار میرود.

علاوتاً معادن بیتومن در تاشقرغان ، وقطغن ، وعلاقهٔ مشرق ، نیز موجود است.

گوگرد (Sulphur)

انسانها گوگرد را از قدیم شناخته اند ، در حالت طبیعی بمقدار زیاد بصورت خالص وترکیب یافت میشود چنانچه در مجاورت اکثر کوه های آتش فشان (Volkan) بطور آزاد وهم مخلوط باخاک وجود دارد ، بعلاوه ترکیبات گوگرد در اغلب نقاط دنیا یافت شده ومهمترین آنها عبارت اند از سلفاید های فلزی (Sulphides of Metal) ازقبیل پیریت وغیره وهم سولفاتها (Sulphates) از قبیل کلسیوم سلفات یعنی سنگ گچ وغیره.

گوگرد در آبهای معدنی نیز محلول است.

معادن گوگرد :

معادن گوگرد در افغانستان فراوان است ، درچین‌زائی علاقهٔ نرخ میدان ، وغوربند ، وسیغان ، وبهسود ، وتاله وبرفک ، ودرهٔ صوف ، وکوه سالاب ، وکوه گندگل (علاقهٔ لغمان) ، وکوه پشتهٔ کوه سیاه (علاقهٔ تخدره) ، وتهرین ، ودرسنگلیج بدخشان ، وکوه زیارت میرسید مراد (علاقهٔ بلخاب) ، وکوه بوکن (علاقهٔ شیرین تگاب میمنه)

وقندهار معادن عمدهٔ گوگرد یافت شده است ، در هرات تکه های خورد آنرا از زمین میکنند ، ذخیره های بزرگ آن در سیستان وهرارهجات میباشد .

معدن سم الفار : (یعنی مرکب سنکیا وگوگرد) در قنات سفید خاك علاقهٔ خاك ریز قندهار ، وباقی مواضع ولایت قندهار ، بمقدار زیاد یافت شده است که برای استخراج سنکیا مفید ودر صنعت کیمیاوی وغیره بکار میرود .

ابرك : (Mica)

چون ابرك در صنایع شمولیت فوق العاده داشته اهمیت ومنافع تجارتی را حایز می باشد لازم است که تشریحات زیاد تری دراین باب داده شود ، زیرا بعضی از هموطنان که به خاصیت مهم و قیمت تجارتی آن علم ندارند تخته های بزرگ آنرا از معدن استخراج نموده میده میکنند وباگل مخلوط کرده برای جلایش دیوارهای خانه ها مصرف مینمایند .

ابرك دارای اقسام متعدد بوده و بطورکلی یکی از صفات متمایزهٔ آن این است که بورقه های نازك جدا شده وهر ورق قابلیت انحنا دارد ، ابرك برنگها وصفات مختلفه یافت می شود که همهٔ آنها از هم متفاوت بوده هریك از اقسام آن نسبت به بزرگئی تخته ورنگ ونفاست خود مورد استفادهٔ قرار داده می شود .

یکی ازاقسام آن مسکوویت (Muscovite) یاابرك پتاش نامیده میشود بفرمول $KH_2 AL_3 Si_3 O_{12}$ که جنساً بی رنگ ولی مایل بزردی است و بواسطهٔ اختلاط باموادخارجی گاهی برنگ سبز و سرخ نیز یافت می شود همه اقسام ابرك از ترکیبات سیلیکات (Silicate) بوده مخصوصاً عنصر پتاس وآلومینیوم وبالعموم کلسیوم ومگنیشیوم دران شامل می باشد واگر عنصر سودیوم جانشین پتاس گردد آن را پاراگونت (Paragonite) یا ابرك ناترون میگویند که برنگهای مختلف ، سفید وصدفی وسبز وبعضی اوقات خیره رنگ یافت شده است .

قسم دیگر ابرك را لیپیدولت (Lepedolith) یا ابرك لیتون میگویند که از ۵۰ تا ۸۰ فیصد سیلیسیوم دای اوکساید ($Si\ O_2$) دران شامل است ومانند مسکوویت بصورت ورقه ها بوده عموماً برنگ های سفید وصدفی وگلابی وندرتاً برنگ سبز وخاکستری دستیاب می شود .

بایوتت : « BIOTITE » یا ابرك آهن ومگنیز یاقسمی است از ابرك مانند مسکوویت بصورت تخته ها بوده و برنگ سیاه ونصواری و تیره وگاهی برنگ سبز و نصواری روشن یافت می شود ، این ابرك ذاتاً شفاف وبعضی اوقات از باعث وجود آهن غیر شفاف است وتحت تاثیرات طبیعی یعنی دراثر باران وبرف ورطوبت بزودی خراب می شود ، وعموماً بطور مخلوط درسنگ های آتش فشانی قدیمه از قبیل گرانت (Granite) وسیهنت (Syenite) ودیوریت (Diorite) وغیره وجود دارد .

در مسکوویت ترکیبات آهن خیلی کم است وغیر موصل حرارت وبرق می باشد از این جهت درعالم تخنیك اهمیت زیاد داشته ومیتوان گفت که درآینده یکی از مواد مهمهٔ صنایع عالیه را تشکیل خواهد داد .

ابرك در ساختن جهازات جنگی وتجارتی وتیلگراف بی سیم بکار میرود ، ودر صنایع دیگر نیز مقام مهمی دارد مخصوصاً درآلات برق از قبیل چای جوش ودیگدان وبخاری های برق وغیره استعمال میشود واگر احیاناً ابرك وجود نمی داشت صنایع مذکوره اکمال نمی یافت ، علاوتاً در صنعت گراموفون و درعملیات تجزیه خانه ها (Laboratory) مورد استعمال مهم دارد .

چون از ابرك درصنایع استفاده های زیاد میشود بهمین جهت ممالك متمدنه بخریداری ابرك احتیاج داشته میخواهند از مملکتی که معادن ابرك دران بکثرت وجود داشته باشد آنرا خریداری نموده وباین وسیله صنعت وتجارت خود هارا ترقی دهند .

تخته های بزرگ ابرك نسبت به پارچه های خورد آن به قیمت زیادتر فروخته می شود وقیمت آن مربوط به صفائی ودرخشندگی وشفافیت ورنگ آن می باشد یعنی هرا نقدر بی رنگ وشفاف ودرخشنده وبدون جنز باشد قیمت آن زیاد تراست ، ابرك های سیاه رنگ بقیمت اوسط وابرك لکه دار بقیمت کمتر بفروش میرسد، اگر چه نرخ امروزهٔ آن پوره معلوم نیست ولی چندسال قبل يك کیلو گرام آن از ۲ شلنگ تا ۳ پوند فروخته شده است . واحد قیاس وزن ابرك پوند انگریزی است وبه معیار وزن پوند بفروش میرسد .

ابرك در کانادا و سیلون وهندوستان وافریقا و برازیل به پیانهٔ وسیع تجارت خارجی دارد ومعادن فعلی آن که در دنیا موجود است غیر کافی دیده می شود .

خوشبختانه مملکت عزیز ما (افغانستان) از حیث داشتن معادن ابرك مقام بلندی دارد .

معادن ابرك افغانستان غالباً قسم مسکوویت و در بین رگ سنگهای کوارتز ویا رگ سنگهای پگمتیت (Pegmatite) بصورت توده ها وانبار ها وجود دارد وغالباً مقدار ابرك در يك تن سنگ تقریباً از ۵۰ تا ۶۰ کیلوگرام است .

معادن مشهور ابرك افغانستان که در نقاط مختلف کشف گردیده از اینقرار است :

۱ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع درهٔ پلوس علاقهٔ تتنگ نواب جبار خان سرخ رود (جلال آباد) معدن خوب وبا اهمیت دارد که تخته های بزرگ ابرك ازان استخراج میشود .

۲ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع تمبنهٔ درهٔ شصت پنجشیر وهم درکوه نروچ موضع مذکور معدن عمده دارد .

۳ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع قریهٔ گلین درهٔ پتهٔ نجراب .

٤ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) درکوه تسوبی علاقهٔ جگدلك .

۵ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع عمر خیل میدان معدن وسیع دارد .

۶ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع اسکینی درهٔ پچه غان نجراب .

۷ — معدن ابرك (قسم مسکوویت) در موضع جاغین تکانهٔ سفلی .

۸ — معدن ابرك (قسم بایوتت) درکوه بابا سنگوی ولی نجراب .

علاوتاً معادن ابرك دردیگر نقاط افغانستان مخصوصاً درکوتل خیر خانه ، وتنگی هارون خیل ، وبرج گلجان غوربند ، وموضع تنگی وزیر ، وکاشمنه واسلام درهٔ لغمان . وکوه مرکی خیل خوگیانی ، ونهرین ، وارزگان ، وموضع خاك ریز ولاش مرغان قندهار ، وکوه های سمت مشرق ، وشمالی ، وهزاره جات ، یافت شده است .

سنگ ریشه : (Asbestos)

سنگ ریشه یا ابریشم معدنی، سنگی است که از زمان قدیم شناخته شده ودر صنعت بافت وصنایع دیگر مورد احتیاج اکثر ممالك دنیا واقع گردیده است ، بهمین جهت اهمیت صنعتی ومنافع تجارتی دارد .

این سنگ مثل پیلهٔ ابریشم از تارهاي نازك تشکیل شده وجمیع خواص ابریشمی را از تاب خوری و نازکی وناشکنی داراست ویکی از صفات متمایزهٔ آن این است که در آتش نمیسوزد، رنگش سفید و خاکستری ونباتی و سبز است آنرا بزبان علم معادن (اسبستاس) میگویند ، مورد استعمال زیاد دارد، درممالك متمدنه ازسنگ ریشه برای عملهٔ اطفائیه بالا پوش ودریشی ودستکش وکلاه وغیره میسازند که دروقت حریق میان آتش رفته اموال واطفال را بیرون می آورند ، دستمالهائیکه ازان ساخته می شود بوقت چرك شدن در آتش انداخته می شود تاچرك کش سوخته وخودش پاك وصاف گردد وهم ازان

کاغذ میسازند و سندات مهمه را با سیاهی مخصوص که نمیسوزد دران می نویسند که از سوختن محفوظ باشد علاوتاً درساختن کوره های گداز و پیوند کردن نل هـای بخار و صاف کردن بوره و عملیات کیمیا خانه ها و بسا چیز های دیگر بکار میرود .

معادن سنگ ریشه :

سنگ ریشه درافغانستان فراوان است ، معادن آن درالمرهٔ جدران ، وکوه باکوان علاقهٔ توخی قلات و بطرف شرقی کوه هاشم خیل علاقهٔ خوگیانی ، ودرکوه غوچ قول علاقهٔ شیرداغ جاغوری ، وعلاقه های شنوار ، وکوه ازرجاجی ، وعلاقهٔ اسمار ، ونورستان ، ودرکوه دهله موضع پل کلان قندهار ، وغزنی و نهرین . ودرواز ، وموضع یخدره ، وبالاخر زیر کاسه برج (کوه شیردروازهٔ کابل) ، وغیره مواضع مختلف افغانستان یافت شده است .

سنگ شاه‌مقصود و معادن آن : (Serpentine)

سنگ شاه‌مقصود برنگ‌های مختلف زرد ، فستقی ، سبز ، کهربائی و تیره رنگ یافت می شود ، ازات دانهٔ تسبیح وظروف وسنگهای سرمیزی و پایهٔ چیرکت وسنگهای آرایش درست میکنند .

معدن عمدهٔ آن درکوه شاه مسعود قندهار و معدن شاه‌مقصود سیاه‌درقریهٔ مغل خیل سمت جنوبی ، و شاه مقصود زرد در موضع تنگ غار و وغوربند ، و شاه‌مقصود سبز درموضع ارزگان یافت شده ، بدیگر حصه های افغانستان نیز وجود دارد .

سنگ مرمر ، آهك ، گچ ، سنگ صابون و معادن آنها :

سنگ مرمر ـ ازاحجار آهکی است که غالباً سفید وگاهی بواسطهٔ مخلوطات دیگر ملون بنظری آید چون قیمت مرمر زیاداست نادراً در استخوان بندی ابنیه بکار برده میشود بلکه بیشتر آنرادر تزئین‌عمارات استعمال میکنند ، غالباً تمام حجم سنگ مرمر پارگهائیکه ازان عبورمیکنند رنگین هستند واین مسئله برقیمت آن میافزاید ، ولی مرمر های دیگر نیز بواسطهٔ منتهادرجه سفیدی پرقیمت اند بهمین جهت مرمرهـای سفید را مجسمه سازان خیلی طالب اند .

مرمر سفید آهکی ـ درساختمان ظروف ودرصنعت مجسمه سازی بکار میرود .

معادن عمدهٔ سنگ مرمر ـ درعلاقهٔ میدان ، وهزارهٔ بغل ، موضع ده کیك ، وکوه تنگی تجراب ، و کوه بسراق موضع کوتل سفید خاك ، وکوه قرغ ، وکوه خوگیانی ، ومرمر سبزی دار در زیرکاسه برج موضع خواجه بغرا ، ومرمر بلوردار که چتکه های یاقوت دارد درجگدلك ، وسنگ رخام در موضع قلعهٔ المارمینه ، وهزاره جات ، وقندهار وجود دارد .

سنگ آهك (چونه) ـ این دسته احجار در طبیعت بمقداروافر وجود دارد وغالباً در احجـار مذکور صدفهای کوچك دیده میشود موسوم به (سریت) که بشکل مار پیچ است واین صدفها علامت ممیزه این نوع حجر آهکی است ، این سنگها درتحت اثر حرارت زیاد تجزیه شده تولید آهك خالص یاکلسیوم اوکساید مینماید که در بنائی استعمال میشود .

معدن چونه درسردرهٔ میاداد ، ودامنهٔ کوه ده سبز پشت حوض خاص ، وکوه روح علاقهٔ لهوگرد

وکوه قوغ بطرف غرب دارالفنون ، ودر نزدیکی قرغه ، ودر حدود بند خورد کابل ، ودرموضع عیسی‌خیل علاقهٔ غازهٔ کوهدامن و علاقهٔ شنوار ، وهزاره جات ، وغیره علاقه های افغانستان بمقدار وافر یافت شده است .

سنگ گچ : «GYPSUM» که بزبان کیمیاوی کلسیوم سولفات آبدار نامیده میشود، درحال طبیعی فراوان وبصورت منشوری شکل وشفاف پیدامیشودکه در ۱۲۰ درجه حرارت آب آن خارج شده ودراین حال دربنائی استعمال شده میتوانند وچون باآب ترکیب شود فوراً می‌بندد بهمین جهت برای قالب گیری فوق العاده مفید است که ازان قالب برای ساختن مجسمه ها وغیره تیار کرده میشود .

معدن گچ - درسمت غربی چهارآسیاه ، وبشمال مشرق قریهٔ ملنگان ، وموضع شهرآراء کابل ، و تنگ وزیر علاقهٔ تگاو ، وحدود شهر سراج جلال آباد ، وعلاقه جات هزاره وغیره جا های افغانستان پیداشده است .

سنگ صابون که آنرا بزبان علمی تلک یاستیتت (Talk, or Steatite) میگویند رنگ سفید زردی مایل وخاکستری دارد ، وچون بانگشتان مالیده شود ازان لشمی احساس میگردد ، در ساخت ظروف وروغن دادن ماشینها وغیره بکار میرود .

معدن آن درکوه تنگی تجراب ، وکوه سالنگ ، وموضع گیاوهٔ نجراب ، وکوه شاخ برنتی ، غزنی ، هزاره جات ، وجلال آباد وغیره علاقه جات افغانستان دستیاب شده است .

کوارتز ، امیتست ، یشم ، فیلت سپاد :

کوارتز «QUARTZ» که آنرا بفارسی بلورشیشهٔ یایخك می‌نامند از سیلیس متبلوره تشکیل شده که ازطبیعت فراوان وبشکل منشورهای شش سطحی که بدو هرم شش‌سطح ختم‌شده است بنظر می‌آید ، کوارتز بیرنگ وشفاف راهیالن (Hyalin) نامند که قیمت تجارتی نداشته وبعضی اشخاص ناواقف درنتیجهٔ عدم معلومات تو ته های آنرا الماس تصور میکنند .

واگر کوارتز بواسطهٔ منگانیزدای اوکساید بنفش رنگ شده باشد موسوم به امیتست (Amethyst) واز احجار کریمه (جواهرات) است که حایز قیمت واهمیت تجارتی بوده وعلاوه برشفافیت عموماً برنگ های مختلف ، بنفش ونیلگون وارغوانی روشن یافت میشود .

در ممالك یورپ از سنگ امی تست (یاقوت کبود یایاقوت رمانی) برحسب درجات واهمیت آن غالباً نگین های انگشترو گردن بند های نفیس وگوشواره های ذیقیمت وغیره میسازند ، علاوتاً سامان تجملی قیمتدار دیگری نیز ازان ساخته می‌شود .

یشم «AGATE» از قسم کوارتز بی شکل واز احجار قیمتی است که دارای الوان وخطوط مختلف وغالباً بشکل قوس قزح بوده ازان ظروف واسباب سنگی قشنگی میسازند .

فیلت سپاد «FELDSPATH» ازاحجارآتش فشانی است واز تجزیهٔ آن گردسفیدی باقی می ماند عبارت از کاؤلن (Kaolin) یاخاك چینی که برای ساخت ظروف چینی بکارمیرود .

معادن کوارتز ـ درکوه آغا علی شمس ، وکوه یخدره ، ولولنج غوربند ، وجلریز ، وغزنی ، وکوه المرهٔ جدران ، وکوه قوچ قول شیرداغ ، وارزگان ، وکوه شاه‌مسعود قندهار ، وعلاقهٔ کرخ هرات ، ودرهٔ نازیان شنوار ، وبدخشان ، وباقی علاقه های افغانستان یافت شده است ، کوارتز دودی رنگ به درهٔ پاروت نورستان وجود دارد .

معدن مهم امیتست : (یاقوت کبود) بفاصلهٔ ٦٦ کیلومتر شمال شهر قندهار درسنه ۱۳۱۱ کشف و یك مقدارزیاد نمونهٔ آنرا به مرکز آوردندکه درفابریکهٔ سنگ تراشی اسباب زینتی قشنگ ساخته و بقیمت‌های گزافی فروخته شد .

امیتست درموضع ارزگان نیز میباشد .

معدن یشم : درموضع شیر دوش درکوه شور آبك یکه اولنگ ، وجود دارد که اهالی آنجا اسباب سنگی قشنگی از قبیل دانه های تسبیح و غیره ازان میسازند ، در موضع سرخ آباد بهسود نیز ممکن است یافت بشود .

معدن فیلت سپاد : درعلاقهٔ خوگیانی پیدا شده است وهم معدن فلت سپار مخلوط باپتاسیوم وزاج سفید وبلور سیاه درموضع کوه بچه غازه وجود دارد .

نمك ، نیل طوطیا ، زاك ، نوشادر و غیره :

نمك که آن باصطلاح کیمیاوی سودیوم کلوراید (Na Cl) نامیده می شود بدو قسم بدست میاید معدنی و دریائی :

نمك درحال خلوص بیرنگ و شفاف بوده وبلورهای آن مکعب و منشوری می باشد ، ولی نمك معدنی از باعث اختلاط باموادخارجی برنگ سفید وسرخ وزرد وآبی دستیاب می شود ، معدن آن درجرارهای خاك رس محتوی است ، زیراکه بدون این حالت درتحت تاثیر نفوذ آب حل می شود .

در وطن عزیز ما بصورت معدنی درعلاقه جات شمالی وباقی حصه های افغانستان بمقدار وافر استخراج می شود که بمصارف روزانهٔ ما خدمت می کند معادن آن بطور ترتیب از اینقرار است :-

۱ — معدن نمك - درموضع نمك آب علاقه تالقان موجود است که دارای معدن بزرگ و نمك خوب بوده وبرای استخراج نمك اهمیت خاص دارد .

۲ — معدن نمك - در موضع چال علاقه اشکمش که نمك آن نسبتاً مخلوط با مواد خارجی و غالباً برنگ سرخ استخراج می گردد .

۳ — معدن نمك — درموضع کلفگان در علاقهٔ تالقان]
۴ — معدن نمك — درموضع قرلق علاقه رستاق] هر دو معدن مذکور برای استخراج نمك شهرت زیاددارد .

۵ — معدن نمك - درموضع اندخوی علاقهٔ میمنه ، معدن وسیع و مهمی دارد که از چشمه های نمکی بدست آورده می شود .

علاوةً معدن نمك درموضع نهرین ، وقسم شیشه نمك در موضع قندهار ، یافت شده ممکن است درموضع شاه توت تنگی سیدان ، وکوه زرلج علاقهٔ یکه‌اولنگ وموضع شور تپهٔ مزارشریف و نورستان وغیره علاقه ها نیز معدن نمك یافت بشود .

چشمهٔ های نمك دار در موضع درهٔ نمك آب علاقهٔ شنواری غوربند موجود است که فعلاً درتحت کار واستفاده واقع بوده عمله جات نمك را بذریهٔ عملیات تبخیر (Evaporation) ازان استخراج می‌نمایند.

نیل طوطیا : که یکی از املاح کیمیاوی و موسوم به کامپر سولفات (Cu S O4) می باشد ، معدن مهم آن در موضع غارشفا بجنوب زیارت میر سید مراد علیه الرحمه (علاقه بلخاب) وکوه جوانمرد قصاب (علاقهٔ میدان) موجود است .

زاك : که در رنگ ریزی برای استحکام و ثابت ساختن رنگ ها و غیره بکار میرود ، یك معدن عمدهٔ آن درموضع آهنگران بامیان وجود دارد که فعلاً فابریکهٔ بوت دوزی و چرمگری و رنگ ریزی وغیره بیك پیمانهٔ زیاد ازان کار میگیرند .

علاوةً معدن زاك در موضع لولنج غوربند، وموضع غارشفا کوه زیارت میر سید مراد ، ودرهٔ زولج یکه اولنگ ، ومیمنه وموضع پنجشیر ، ودیگر علاقه های افغانستان پیدا شده است .

نوشادر : نیز یکی از املاح معدنی ودرموضع غوربند ، و میمنه ، و سرحد سیستان و مضافات آن یافت میشود .

شوره : درغالب نقاط افغانستان مخصوصاً درجنوب مغرب ، بمقدار زیاد پیدایش دارد ودر آبکارنیرها سرایت میکند .

نمك مگنیشیا : از غوربند دستیاب میشود ، دیگر املاح کیمیاوی و مواد معدنی را میتوان از اکثر نقاط افغانستان بدست آورد .

رنگهای معدنی :

رنگ های معدنی درهمه علاقه جات افغانستان فراوان است .

١ — رنگ سرخ معدنی : از کوه قرغ ، وکوه سرخی غازه ، وعلاقه خورد کابل ، وپنجشیر وموضع سرخی غوربند ، وکوه گوهرگین فیروزبهار ، وعلاقه جات مزارشریف ، وغزنی ، وبالاخر معدن عمده وقسم بهترین آن از بامیان بمقدار وافردستیاب میشود .

٢ — رنگ زرد معدنی ـ درموضع غوربند، وکوه قول‌سرخی‌غازه ، وکوه قرغ ، وغزنی ، وکوه کوهرگین فیروز بهار ، وبدهن کاریزخواجه طواف ، وبالاخر معدن عمدهٔ آن دربامیان ، موجود است .

٣ — رنگ نصواری درکوه سرخی غازه علاقهٔ کوهدامن ، ورنگ سفید درموضع کلنگا رلهوگر ، ورنگ‌سیاه درکوه‌قرغ قریب دارالفنون‌ودیگر اقسام رنگهای متنوعهٔ معدنی درموضع مختلف افغانستان یافت شده است .

معادن مختلفه :

١ — ترکیبات الومی‌نیوم (ALUMINIUM) درموضع تنگی واغوجان لهوگر ، وچهار آسیاب، یافت شده است.

٢ — نمونهٔ نکل (NICKEL) از موضع جدران، دستیاب شده وآهن نکل دارممکن است درکوه سرخی‌غازه یافت بشود .

٣ — منگانیز (MANGANESE) یعنی‌رنك کاسه که درصنعت کیمیاوی وشیشه سازی وصنعت گل کاری شیشه وغیره استعمال میشود معدن آن درموضع غازهٔ کوهدامن ، یافت شده ونمونهٔ فلزآهن منگا نیز دار از زیرء یك لاغوکوه چهاردهٔ معصوم بدست آمده است .

٤ — باریوم سولفات بفرمول (Ba S O4) درموضع فرنجل غوربند پیدا شده وبرای رنگ‌سازی وتندسازی وغیره بکارمیرود .

٥ — سنگ بلوردرموضع لولنج غوربند ، وبعضی‌نقاط دیگرافغانستان یافت شده است .

٦ — سنگ سلیت ازهزاره جات وعلاقه جات مشرقی وباقی نقاط افغانستان بدست می آید

٧ — سنگ آسیادربسیاری علاقه جات افغانستان یافت میشود مخصوصاً درچهل ستون ولهوگر ، وآغا سرای وکوه گوهرگین فیروز بهار، وغیره جاها .



نمونهٔ از لباس و طرز معاشرت فامیلی قرن نزدهم افغانستان

Costume et Scène de la vie Familiale des Afghans du 19 ê siècle.

احجار کریمه : Precious - stones

بدخشان از حیث پیدایش جواهر قیمت بها درجهٔ اول دارد ، در علاقه جات مشرق و کابل و قندهار نیز معادن جواهر یافت میشود .

معدن لاجورد : موضع (درغاران) علاقهٔ بدخشان یك معدن قدیمه است که برای استخراج لاجورد اهمیت خاص را دارا بوده و فایده های زیادی ازان گرفته شده است ، سابقاً کار این معدن بوسیلهٔ دست اجرا می شد بهمین جهت در نتیجهٔ حفریات بی اصول و عدم مهارت کاریگران رگهای اصلی معدن را گذاشته در نقاط غیر مفید کار حفریات را پیش برده اند ، بعد ها رگهای تازهٔ دیگری کشف گردید .
در سابق لعل نیز از بدخشان استخراج میگردید ، بهمین جهت لعل بدخشان شهرهٔ آفاق است .

معدن یاقوت جگدلك : نیز شهرت زیاد دارد و در سابق بیك پیمانهٔ وسیع یاقوت ازان استخراج میکردند تقریباً در بیست موضع این معدن کار انداخته شده و کاریگران آن در نتیجهٔ حفریات غیر فنی رگ های فایده آور را که در عمق معدن است گذاشته اند ، بعضی آثار یاقوت در بین رگ های مرمر سفید ازحدکان پری دره که ابتدای شروع رگ است تا کان خلوت که انتهای رگ میباشد نمایان است .

رگ اصلی در اعماق معدن وجود دارد علاوتاً یاقوت درکوه شاه کابل خورد (علاقهٔ میدان) وکوه های چپر ، وموضع لیچه لارم نورستان ، وکوه مرکی خیل خوگیانی ، ومقر ، وکوه غازهٔ کوهدامن ، یافت می شود ریگ های یاقوتی که در صیقل گری استعمال می گردد از موضع باد پش ، و حدود مرگاه (گیاوهٔ نجراب) وغالب نقاط افغانستان دستیاب میشود .

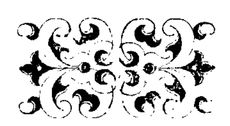
بیرل : «BERYL» یا ترشیش درکوه مرگی خیل خوکیانی وموضع نورستان یافت شده است .

زمرد : «EMERALD» به وایگل دره پیچ ممکن وجود داشته باشد ، تورملین (Tourmaline) از موضع قلعهٔ گل نورستان دستیاب می شود .

معدن سنگ سلیمانی : درموضع درعلی یکاولنگ موجود است .

امیتست : (یاقوت رمانی) از موضع قندهار وارزگان بدست می آید .

مواد معدنی وجواهرات قیمتدار دیگری نیزدرگرد ونواح مملکت بکثرت وجوددارد که یوماً فیوماً برای کشف آن اقدامات بعمل می آید ودر جمله معادن وطن نمره می افزاید . (*)



(*) برای نمایش نمونه های معدنیات افغانستان یك موزیم معدنی باصول عصری تاسیس یافته است .

مختصر حالات جغرافیائي

و طبقات الارضی حدود سلسلهٔ هندوکش


آقای سید عبدالاحد خان

بقلم آقای سید عبدالاحدخان
دپلوم انجنیر

خوشنودم که حکومت اعلیحضرت همایونی بما و امثال ما موقع داده تا معلوماتی که در امور مختلفه کسب نموده ایم برای اطلاع هموطنان عزیز در منصهٔ اشاعه گذاریم . و باز هم لازم است مکرر حکومت متبوعه را ستود که برای نشر افکار ما که وسیلهٔ منحصر به تعمیم معرفت و دانش بین هموطنان است تسهیلاتی فراهم نموده که بنده وسایر افراد این خاك را برای افاده و استفاده تشویق مینماید . لهذا این است که در اثر تشویقات و فراهمی وسایل مذکوره خودم بقدر توان خود میخواهم شرحی راجع به حالات جغرافیائی و طبقات الارضی افغانستان بنویسم تا شاید مورد استفادهٔ هموطنان عزیز واقع شود .

سلسلهٔ کوه هندوکش

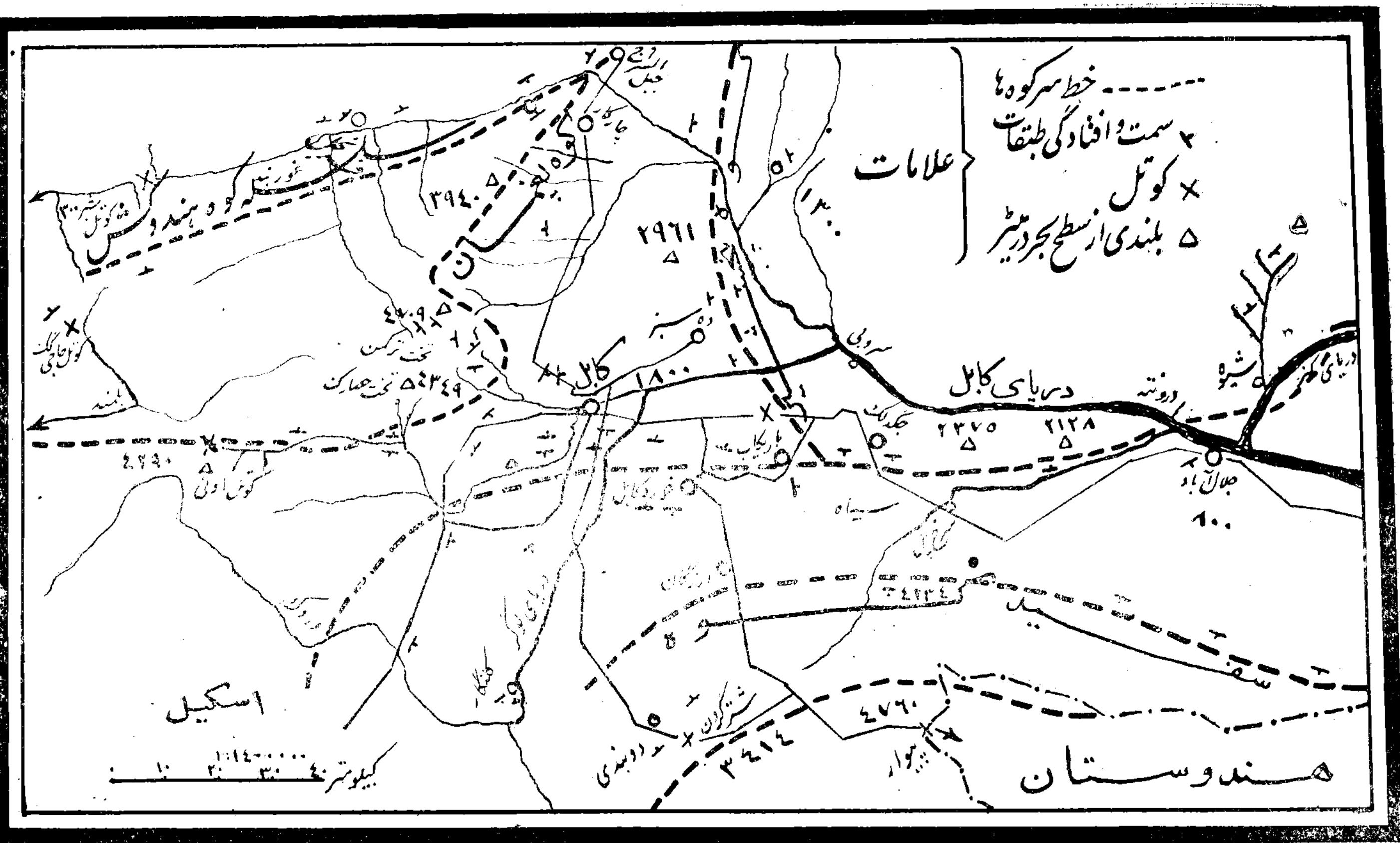
مهمترین و بزرگترین شاخ هندوکش ازحد پامیر شروع شده به سلسله های غلو در فلات افغانستان و ایران انجام میيابد . بطرف شمال حصهٔ این کوه بعضی میدان ها و کوه های کوچك تقریباً متوازی سلسلهٔ کوه مذکور واقع بوده ولیکن بطرف جنوب هندوکش کوه های مختلف بسیار قدیم که اکثر از یك دیگر بسیار دور وبالعموم به هندوکش عموداً واقع بوده یك سلسلهٔ بزرگ را برای خود تشکیل داده ، در بعضی جاها باز متوازی با سلسلهٔ بزرگ هندوکش شده دور ومتواتراً بحدود سیستان علامات خود را نشان میدهند چنانچه از کارته ذیل خط امتداد و علامات سلسله های فوق بخوبی واضح میگردد .

باساس نقشه های تکتونك Tektonic (طرز ساخت) که از کارته مذکور معلوم می شود ، شکستگی ها وسمت های سلسلهٔ شاخهای هندوکش خصوصاً درحدود کابل چندان مشکل وپوشیده نه بوده واضح است که در ینجا از حالات طبقات الارضی و جغرافیائی کوه های ذیل که در افغانستان واقع اند ذکر می شود .

۱ — سلسله کوه پغمان ، ۲ — سلسلهٔ کوهٔ پنجشیر ، ۳ — کوه های کابل با سلسلهٔ سیاه کوه وسلسله کوه کنر ٤ — سپین غر با سلسلهٔ آن .

نقشهٔ طبقات الارضی یکحصهٔ افغانستان

Carte Gelogique d'une partie
de l'Afghanistan.



(متعلق صفحهٔ - ۷۶)

سلسلهٔ کوه پغمان

پنجشیر و وادیغوربند مابین شمال مشرق ـ جنوب مغربی سمت هندوکش واقع بوده و بطرف جنوب آن که بعضی کوه بچها واقع اند یك سرحد ضخیم را تشکیل میدهد در پنجشیر سلیت میتا موروفیك (Metamorophic Slate) وگرافیت (Graphite پنسل) ورگ هماتیت (یکقسم ترکیب معدنی آهن است Hämatite) عموداً بر خلاف کوهای بلند هندوکش واقع بوده واز حدود جبل السراج ووادی غوربند شروع شده بطرف درهٔ کالو وکوتل حاجی گك امتداد یافته که درآنجا یعنی به کوتل حاجی گك همین رگ ها ترکیب معدنی آهن جبل السراج همراه سنگ چونه دیون (Devonlimestone) (*) وفاسل های (بعضی جانور های سنگ شده) شپیریفر (Spirifer) ورینشو نیلا (Rhynchonella) که شاهد زمانهٔ دیون (Devon) میباشد جمع شده است. دروادی غوربند میان پل متك وبرج گلجان درطی طبقه افتاده ورگ آهن مذکور یك سلسله گرافیت (Graphite) ظهور یافته وبسیار دوردرفرنجل درطی طبقه بالائی آهن مذکور چونهٔ کاربون (Karbonaceous Limestone) (کاربون نام یکی از زمانه طبقات الارضی است) ظاهر از رگهای سرپنتین (Serpentine) سنگ شاه مقصود) بریده شده است. درینجا تمامی طرز طبقات هندوکش که بسمت شمال مشرق ـ جنوب مغربی امتداد یافته است از سبب شورش های زیاد زمین شکسته وخراب شده چنانچه مرسوبات ترتسیر (Tertiar) (ترتسیر یا عهد سوم نام یکی از زمانه های طبقات الارضی است) که بالای این شکستگی های وادی غوربندواقع است شاهد این شکستگی ها وشورش های قدیم است.

درحدود چاریکار معلوم می شود که رگ طبقه افتاده سلسله دیون (Devon Series) آهسته آهسته بطرف جنوب دور خورده کوهای پغمان را تشکیل میدهد که طول آن تقریباً ۶۰ کیلومتر ویك بلندی سلسله قله های ۴۰۰۰ متر مرتفع از سطح بحر ساخته شده است.

معلوماتیکه «گریس بخ» (Griessbach) و «هائیدن» (Hayden) متخصصین فن طبقات الارضی که درخصوص سنگهای گرانیت مخلوط باهورن بلندی (Hornblendegranite) وطبقات حصه شمالی این کوه داده اند کافی نه بوده تاحال حالات طبقات الارضی علاقه پغمان مستور مانده بود. اما بعد ها آنچه درینباب تحقیقات بعمل آمده این است که بکنار مشرق کوه مذکور بطرف کابل رگ های بزرگ گنایز Gneis وپیگماتیت (Pegmatite) وسنگ سلیت گرانات ارکدار (Granatic Mica Slate) (رقم سنگ خشت چهلستون) بطرف مشرق شمال مشرق امتداد یافته ودرحصه بالائی این کوه باموادسنگ گرانیت (Granite) وسلیت کوارتسیت (Quartz Slate) ومیگنتیت (Magnetite) (یکقسم مواد ترکیبی آهن است) پیوسته شده رگهای بزرگی را تشکیل میدهند.

میگنتیت (Magnetite) پغمان یکی از بهترین آهن های دنیا شمرده می شود که از قرار تجزیه تقریباً ۷۲ فیصد دران آهن موجود است. چون اجزای گوگرد وآرسنك (سم الفار) وفاسفورکه یکی از اجزای اسفل برای تحصیل آهن خام است نیز درمیگنتیت (Magnetite) مذکور وجود ندارد، زیرا که وجود گوگرد وآرسنك وفاسفورآهن را زود شکن میسازد، ومهندسین ریخته گری همیشه کوشش دارند که این هرسه اجزاء را اگر دریك مواد ترکیب معدنی آهن موجود باشد حتی المقدورباصول کیمیاوی فنی جدا نمایند، بر طبق اصول فن ریخته گری برای حصول یك تن آهن خام مقداریك تن کوکس (یعنی ذغال خالص که بعد از عرق کشی ذغال سنگ حاصل می شود) لازم است.

* دیون نام یکی از زمانه های طبقات الارضی است، برای کسب معلومات بیشتر درین باره بجدول علیحده که دوره های طبقات الارضی به حروف لاتین و فارسی در آن نگاشته شده رجوع نمایند.

بحصهٔ بالائی کوه پغمان بسمت شمال مشرق رگ های عمودی کوارتسیت Quarzite وسنگهای سلیت خاکی Clayey Slate نیز کشف شده بود که از آنها به بلندی ۳۰۰۰ متر (از سطح بحر) قبل از آنکه بتخت ترکمن برسد خط سیر خود را تبدیل نموده بسمت شمال، شمال مشرق امتداد یافته است. به بلندی ۴۰۰۰ متر (از سطح بحر) سنگ سلیت ابرک دار (Mica Slate) که در ملایمی خاصیت ابریشم را دارد بیک زاویه ۳۰ درجه افتاده و بسمت شمال مغربی دور خورده حتی به بلندی ۴۷۰۰ متر (از سطح بحر) که بلند ترین قله های کوه پغمان است نیز خط سیر خود را تبدیل نه نموده اند. بهمین ارتفاع ۴۷۰۰ متر طبقات بزرگ سنگ گرانیت (Granite) ظهور نموده درجاها وحصه های مختلف رنگ سرخ گنبز دار ظاهر شده سنگهای گرانیت (Granite) درین موقع بسرعت پوده شده به شکل ریگ در آمده اند وآب برف و باران وهوای تند ریگ های مذکور را دور نموده وبعد از مرور چندین صد سال بعضی میدان ها وکاسه گی ها وحوض ها تشکیل داده است. چنانچه به وجود آمدن حوض خاص پغمان نیز از اثرات فوق است، که شاید اضافه ازین موضوع قابل تشریح نباشد وهر کس بداند مثلاً حوض خاص وامثال آن در تحت چه عوامل بوجود آمده.

بدامنهٔ این کوه بطرف علاقهٔ میدان رگ های عمودی چونه و ترکیب معدنی مس (Copperore) وسلیت امفی بول (Amphibol Slate) وابرک (Mica) ظاهر شده است و رگهای گرانیت (Granite) درهر موضع حایل ورگهای مذکور را در مواضع مختلفه قطع نموده است.

عمر سلسله کوه پغمان از قراریکه رگ طبقه افتادهٔ هیماتیت (Hämatite) غور بند معاینه شد باید که کوه پغمان در زمانهٔ دیون Devon تولید شده باشد واین هم امکان دارد که عمر کوه مذکور از زمانهٔ دیون اول Unter Devon باشد لیکن بهرصورت سلسلهٔ کوه پغمان نسبت به کوهای کابل جوانتر است.

۲ ـ سلسلهٔ کوه پنجشیر:

کوه های پنجشیر از حیث طبقات الارضی شاید بسیار دلچسپ نبوده در حدود پنجشیر علیا از کوه هندوکش جدا شده و بعد از آن بحصهٔ سفلای پنجشیر بسمت جنوب شمالی یعنی عموداً بکوه هندوکش واقع بوده الی کابل امتداد یافته است.

ماهیت این کوها این است که طبقه های کوهای حصهٔ مشرق چاریکار از حیث تکتونك (Tectonic) فن ساختمان) معلوم شدکه بزاویهٔ ۴۵ درجه بطرف مشرق افتاده وسنگ گنیزدار مخلوط با چونه وفاسل (Fossil) (حیوان و یا نباتات سنگ شده) نامعلوم را دارا بوده بعداً زآن به علاقهٔ نجراب یك سلسله سنگهای سلیت ابرك دار (Mica Slate) وگنایز پگماتیتی (Pegmatitischer Gneis) تبدیل می شود. یك قدری دور تر بحصهٔ جنوبی بعلاقهٔ ده سبز چونه ومیرگل (Mergel) (یکقسم گل است) که در آن میگنتت (Magnetite) نیز موجود است یافت شده است. چون درین سنگها فاسل میکوسیراس (Mecoceras Sp.) کشف شده لهذا باید این کوه ها در زمانهٔ ترياس (Trias) تولید شده باشد. مابین ده سبز و دریای کابل بازیك طرز طبقات کرستالین (Kristallin) وچونه بنظر می‌خورد که بطرف حصهٔ بالائی دریای کابل امتداد یافته است درین علاقه یعنی درچونه خورد کابل ولوگر علاوه از فاسل (شیریفر و پرودکتس Spiriefer & Productus) که آقایان گریس بخ و هائیدن یافته بودند بنده نیز فاسل های (اوفی سیرس ومیکوسیراس وپزویدومونوتس (Ophiceres Sp. & Mecoceras Sp. & Pseudomonotis) کشف نموده ام که شاهد زمانه فوق ترياس استند. بحصهٔ پایان تنگی دریای کابل درحدود سروبی نیز یك ذخیرهٔ چونه یافت شده است ودر آن ازباعث وجود فاسل (میگالیدون ودسسیرو کاردیوم (Megaledon &

Discerocardium) گفته میتوانیم که علاقه مذکور بزمانه ترپاس Trias تکوین شده است .

بعضی رگها و طبقات چونه فوق الذکر که درلته بند نیز مشاهده شده آنهم از زمانهٔ ترپاس (Trias) گفته می شوند .

۳ ـ کوه‌های کابل و سیاه کوه و کوه های کنر:

کوهای کابل کو های متعدده که به‌قرب وجوار شهر کابل واقع اند عموداً به شاخهای دوکوه مذکوردرفوق یعنی کوه پغمان و پنجشیر اتصال یافته است . این کو ها از سبب اروزیون (Erosioonسائیدن) دریای کابل ولوگر فواصل مختلفه تشکیل داده است که کو های قروغ و کوه آسمائی و کوه شیر دروازه از مقطعات یا تشکیلات مذکوره است . درین‌کوه ها اکثر سنگهای میتامورف(Metamoroph) که در سنگ مذکورسنگ‌گنایز (Gneis) مخلوط بارگهای‌کوارتس (Quartz- بلورمعدنی) و امفی بولیت(Amphibolite) وسلیت ابرك دار (Mica Slate) زیاد تر حصه گرفته اند . و دربسیاری نقاط دیده شده است که در میان سنگ سلیت ابرك‌دار مواد چونهٔ قلمدار و عدسیه های بلور معدنی جا گرفته اند .

در وادی‌کابل‌صرف‌چند طبقه‌بخوبی شناخته میشوندکه‌یکی‌بسمت‌مشرق‌وشمال‌مشرق‌ودوم آن بسمت‌مغرب، جنوب مغربی امتداد یافته است . تقریباً ۷ کیلومتر بطرف جنوب کابل یك سلسله سنگهای گنایز (Gneis) ظهور یافته که در منطقهٔ گرانات گلمر شیفر (Granat Mica Slate ؛ سنگ خشتی چهل ستون) با سنگ دیورت (Dioritو سنگ‌میلافیرMelaphyr) یك جا میشوند . این سنگهای سلسلهٔ گرانات گلمر شیفر به فاصلهٔ ۵۰ کیلومیتر امتداد یافته است یعنی رگ مذکور از کوه قورغ شرع شده و بعد از کوه چهل ستون گذشته تا حصهٔ زیرین وادی لوگر امتداد یافته است .

درکوه های قورغ ولوگر یك طبقه ویارگ ضخیم چونهٔ قلمداربا گرافیت (Graphite) بسمت مشرق مغربی امتداد یافته و با منطقهٔ سنگ گرانات گلمر شیفر وصل شده است .

از رگ ها وخطوط سنگهای آتشفشانی (Erptive Stones) معلوم میشود که سنگهای مذکور نقل مکان نموده اند، زیرا سنگ گنایز زمانهٔ قدیم از سنگهای کوه قورغ که از حیث مقابله جوانتر استند انحصار شده است . چنانچه در وادی لوگر درحصهٔ کمری ظاهر شدن مواد ترکیبی معدن مس و آهن اثبات انتقال سنگهای مذکوره را مینماید . اکثر کوه های نزدیك کابل بمعاینه رسیده و معلوم می‌شود که از حصهٔ مغربی کوه قورغ بسمت جنوب مغربی بطرف علاقهٔ وردك دور خورده و از طرف دیگر (یعنی حصهٔ مشرق) از حدود حصهٔ زیرین وادی لوگر و از حصهٔ مشرق کوتل لته بند گذشته و بعد از آن بسمت شمال مشرق بطرف سیاه کوه و نورستان امتدا دیافته به کوه هندوکش وصل شده است . چونه ترپاس (Trias) کابل اثبات میدارد که سنگهای این علاقه بسیار قدیم بوده چنانچه سنگهای که نزدیك شهر کابل وجود دارند بدون شبهه در زمانهٔ آرشی اکم (Archäikum) و سنگهای مذکور باستثنای سنگهای که نقل مکان نموده اند در زمانهٔ پالیوسوئیکم (Paläozoikum) تولید شده اند و سنگ گرافیت کوه قورغ در زمانهٔ قدیم دیون (Devon) بوجود آمده است .

سیاه کوه همین کوهیکه از خورد کابل شروع‌شده وبعد از حدود جگدلك عبور نموده به پل درونته امتداد می یابد سیاه کوه نامیده‌میشود.این‌سلسله کوه‌ازمواد‌مختلفه‌یعنی‌گنایز (Gneis) وسنگ‌سلیت مخلوط‌باهورن بلندی (Hornblende schiefer) وفیلیت (Ppyllite) وچونهٔ قلمدار ساخته شده است . از جملهٔ مواد مذکور درفوق مفید ترین آنها چونه قلمدار است که دارای یاقوت

وشپنیل (یکقسم جواهر زمرد نما است) وگرانات (Granat) (یکقسم جواهر یاقوت نما است ورقم سوخته آن درکابل مشهور به ریگ یاقوتی است) بوده ورگ چونه مذکور تقریباً عمودی افتاده بطرف وادی سرخ رود (مشرق) امتداد می‌یابد بلند ترین قله های این کوه به ۲۱۲۸ متر (از سطح بحر) میرسد. بحدود تتنگ رگ ها وطبقه های این کوه بشکل افقی تبدیل شده ودر جاهای مختلفه از مواد سنگ چونه وسنگ سلیت ترکیب یافته است .تکوین این علاقه از زمانه کاربون (Carbon) خیال میشود ، زیراکه چونه کرینوئید (Krinoidenlime Ston) شاهد زمانه کاربون (Carbon) است . به عقب سیاه کوه بموضع تتنگ سنگهای گرانیتی (Granite) که دیده میشوند نقل مکان نموده اند ، زیراکه گرانیت مذکور سلسلهٔ چونهٔ پالیو سوئیکم (Paläozoikum) را از چونهٔ قلمدار قدیم تر جدا نموده است . در تنگی درته دریای کابل سنگهای گنایز (Gneis) را به دوحصه تقسیم نموده که در آنها ترکیب معدنی مس بمقدارقلیل یافت شده وبیك زاویه ۵۰ درجه بطرف شمال مغربی افتاده است .

بجنوب جلال آباد از میان منطقه الو ویون (Aluviun) (جواتترین زمانه طبقات الارضی است) چند کوه های تپه نماه که ازسنگهای گرانیت (Granite) وگنایز (Gneis) وچونه قلمدار ساخته شده‌اند بیك زاویه ۵۰ درجه بطرف جنوب مغربی افتاده که فرع غربی آن به سیاه کوه وصل شده است .

ازمعلومات فوق‌ظاهر میشود که جمیع طبقات سلسلهٔ سیاه‌کوه ازحدود کابل شروع شده تاسلسله‌کوه های کنر امتداد یافته وازآنجا بعد به سلسله کوه هندوکش وصل میشود وحصهٔ مغربی این کوه بدون شك وشبه باوادی لوگر تعلقات زیاد دارد .

کوه های کنر

کو هائیکه بجوارجلال آباد بذریعهٔ دریای کنر تشکیل شده است اکثر ازمواد معدنی سنگ سلیت (Slate) وگنایز (Gneis) وسنگ چونه ترکیب یافته . بحصه شمالی شیوه که بلند ترین قله های کوه کنر گفته میشود ارتفاع آن به ٤٠٠٠ متر (از سطح بحر) رسیده ، باطبقات عمودی بسمت شمال مشرق امتداد یافته از مواد مختلفه سنگهای گنایز (Gneis) وفیلت (Ppyllite) وپیگماتیت ابرك دار (Mica pegmatite) وسلیت امفی بول (Amphibol Slate) ساخته شده است.

بحصه بالای دریای کنر دربعضی جاها سنگهای آن علاقهٔ سنگهای کوه کابل وسیاه کوه ازحیث که نقل مکان نموده اند یك مناسبت خاص دارد .

سپین غر

سفید کوه از حدود راولپندی به دوشاخ بزرگ ومتوازی شروع شده شرقاً غرباً بسمت افغانستان امتداد یافته وبلند ترین قلهٔ خودرا به سیکارام که ارتفاع آن به ٤٩٦٠ متر (از سطح بحر) میرسد تشکیل داده است . تا بحدود شنوار معلوم شده که سفید کوه از مواد مختلفه سنگهای گرانات (Granat) وگنایز (Gneis) وپیگماتیت (Pegmatite) وسلیت امفی بول (Amphibol Slate) وفیلیت (Phyllite) وکوارتسیت (Quarzite) وچونه وسنگهای ارگس (Erguss) (بوقت سردشدن زمین اولین موادیکه بصورت جامد ته نشین شده است سنگهای ارگس نامیده میشوند) ترکیب یافته است .

طرز طبقات سفید کوه چنانچه در فوق ذکر شد شرقاً غرباً امتداد یافته ولیکن در حدود خورد کابل وحصر آهسته بطرف لوکر خط سیر خود را تبدیل نموده است .

بحصه مغربی قله سیکارام کورال (Korall) زمانه ترپاس (Trias) یافت شده اند ونیز یك سلسله چونه بسمت جنوب مغربی دور خورده که بایك سلسله زمانه میسو سوئیکم (Mesozoikum) شترگردن وصل میشود ، کارته‌های توپوگرافی قدیم نیز حد سیکارام را بحیث یك گره ویامرکز نشان میدهند که ازآنجا بسمت های مختلف شاخهای سفید کوه خصوصاً به سرحد افغانستان و هندوستان انگلیسی امتداد پیدا میکند طریق ساخت مذکور را واضح میسازد

بحد دو بندی معدنیات ترکیب معدنی مس و سرپنتین (سنگ شاه مقصود) و سنگ میلافیر (Melaphyr) ظاهر شده و عموداً بسمت مغرب شمال مغربی افتاده و بعضی رگهای باریك زغال نیز درآن یافت شده است. کوهای خروار عموماً از سنگهای میتامورف (Metamorphe) و حصهٔ شمالی شهر غزنی از سنگهای گنایز (Gneis) وگرانیت (Granite) و فیلیت (Phyllite) ساخته شده اند.

درمنطقه تپه سارهای غزنی سلسله کوه هندوکش باختتام رسیده و بطرف جنوب شهر مذکور یك فضای فراخ و مرتفع « آب استاده » ودریای ترنك باکوه بچهای خورد بنظر میخورد درین علاقه فراخ و مرتفع زمانهٔ قدیم مسوسوئیکم (Mesosoïkum) وکرستالین (Kristallin) بنظر نخورده بلکه یك زمانه جوانتر دیگر مشاهده شده‌که بسیار بسهولت‌تفریق حصهٔ شمالی ازحصهٔ جنوبی میشود.

بطرف مغربی مقر سنگهای یافت شده اند که درآن بعضی طبقات ذغال سنگ که مخلوط باگل است بسمت شمال مشرق امتداد یافته است. درعلاقه مقر علاوه از ذغال سنگ وگرانیت (Granite) که‌در کانتکت (Kontakt) آن‌مواد معدنی‌میگنتت (Megnetete) وهیماتیت (Hämatite) ومس پیدامیشود. ودرین علاقه احتمال وجود طلا نیز میرود، درسطح هموار و مرتفع آب استاده بعضی طبقات هموار و افقی چونه و سنگهای ارگس (Erguss) جوان که بطرف شمال افتاده اند بنظر خورده ودرمنطقه تپه سارها یك پروفیل (Prophile) رنگ آمیز گنیزدار سرخ وزرد وهمچنان سلیت‌تون (Ton Slate) بنفش وسبز وسیاه وخاکستری رنگ توجه را جلب نموده بسمت مغربی یعنی بطرف ترنك ودریای ارغنداب وکوه های هزاره امتداد یافته است. درمیان سلیت تون خاکستری رنگ اکثر رگهای کوارتس (Quartz) پیدا شده که‌درآنها سلفید آهن ومس یافت میشود.

درحصهٔ قندهار همین منطقه ویا گروپ رنگ آمیزفوق با کرایدی کلك (چونه‌تباشیری کرایدی ویاچاك یکی از زمانه های قرن وسطی طبقات الارضی است Kreidekalk) پیوست شده است وهمین چونه مذکور از مشرق قلات که‌درآن سنگ سرپنتین (سنگ شاه‌مقصود) وسنگ ریشه، ودرارغنداب که آن در سنگ بازالت (Basalt ـ یکقسم سنگ سیاه رنگ سخت است که درممالك خارج برای فرش سرك ها استعمال میکنند) یافت میشود شروع شده نزدیك قندهار درمنطقه کانتکت چونه مذکور رگ های طلا باخود دارد.

جمیع طرز طبقات مابین غزنی وقندهار که بسمت مشرق مغربی ویامغرب جنوب مغربی امتداد یافته است حصهٔ ارغنداب بطرف ریگستان سیستان د ورخورده ودرآنجا آخرین نقطه منطقهٔ چونهٔ مذکور ختم میشود.



دوره های عمدهٔ طبقات الارضی

برای مزید استفادهٔ خوانندگان مقالهٔ «مختصر حالات جغرافیائی و طبقات الارضی هندوکش»

Principales Formations Géologiques

V.	Quaternaire.		(۲) دور رابع (۱) « ثالث	۵) ادوار جدید
IV.	Cénozoïque ou Terciaire.	Éliogène. Écocène.	(۳) طبقات تباشیری علیا سفلی (۲) « جوراسی علیا وسطی سفلی (۱) « تریاسی علیا وسطی سفلی	۴) دور ثانی
III.	Mésozoïque ou Secondaire.	Crétacé. Jurassique.	(۵) « پرسیانی علیا سفلی (۴) « کاربونی (فحم) علیا سفلی (۳) « دیونیانی علیا وسطی سفلی (۲) « سیلوریانی علیا سفلی (۱) « کمبریانی علیا وسطی سفلی	۳) دور اول
II.	Paléozoïque. ou Primaire.	Permien. Carboniférien. Dévonien. Silurien. Cambrien.		۲) دور ماقبل کمبریانی یا قدیم
I.	Archéozoïque.			۱) دور قدیم

باید دانست که دوره های طبقات الارض یعنی تشکیلات زمین بقسمیکه درفوق مشاهده میشود ، از پائین بیالا میباشد.





جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم

والاحضرت ممدوح نظر بسوابق وخدمات برگزیده دراعصار سابق نسبت بخاک پاک وطن، درآغاز حکومت معظم نادرشاهی از حضور شهریار غازی شهید بصدارهٔ جلیلهٔ افغانستان تعیین ودرتمام آن دورهٔ درخشان مصدر خدمات برجسته وکارنامهای قابل قدری گردیده درپیشرفت امور وترقیات آن دوره تجربه؛ کفایت، وحسن خدمات خود را بمنصهٔ شهود گذاردند.

درعهد منور زمام داری تاجدار جوان اعلیحضرت (محمد ظاهر شاه) مجدداً ذات والاحضرت شان بریاست وتشکیل کابینهٔ دولت مامور شده واینک از بدو تجدید تصدی امور صدارت عظمی الی حال مثل زمان پرافتخار نادرشاهی بانهایت جدیت ومساعی مصروف فراهم آوردن وسائل ترقی وبهبود مملکت بوده، حسن انتظامیکه بحمدالله تعالی درتمام شعب اداری ومجاری امور مملکت دیده می شود نتیجهٔ زحمات خستگی ناپذیر ولیاقت ذاتی این مرد بزرگوار وخیر اندیش حقیقی وطن میباشد.

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

صدر اعظم	:	جناب عالیقدر جلالتمآب والاحضرت سردار محمدهاشم خان.
مشاور اول	:	ع، ص. ذوالفقار خان
« دوم	:	« « سید احمد خان .
رئیس ضبط احوالات	:	« « محمدشاه خان .
مدیر شعبهٔ اول	:	« خلیل الله خان .
« « دوم	:	« عبدالله خان .
« « سوم	:	« محمدحسن خان .
« « اوراق	:	« محمداسمعیل خان.
« « عرایض	:	ص میر عبدالله خان .
سرکاتب قلم مخصوص	:	« محمدنعیم خان .
« محاسبه	:	« خواجه ذکرالله خان .


ع، ص ذوالفقار خان مشاور اول


ع، ص محمد شاه خان رئیس ضبط احوالات


ع، ص سید احمد خان مشاور دوم




ع ، خلیل‌الله خان مدیر شعبهٔ اول

ع ، عبدالله خان مدیر شعبهٔ دوم



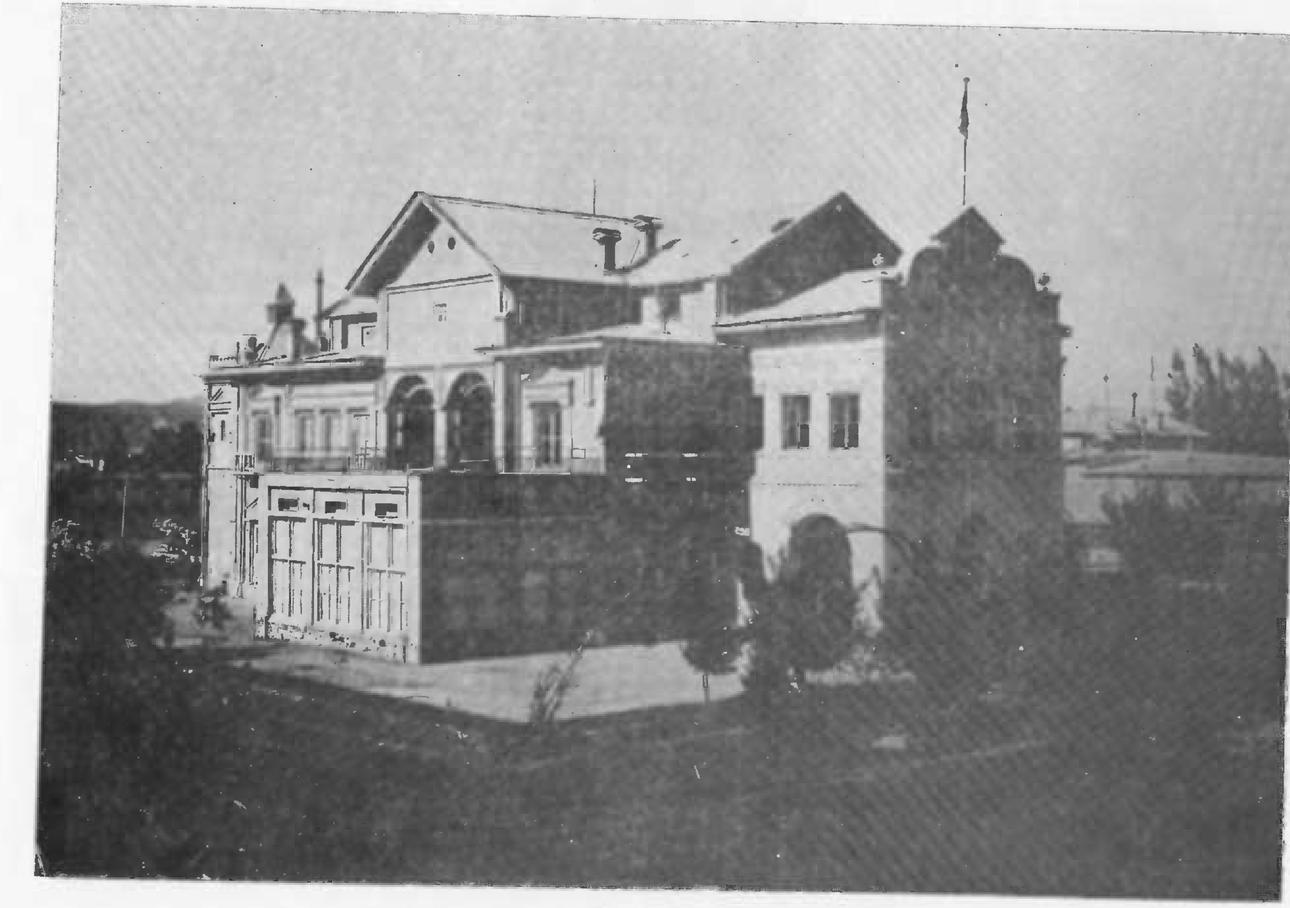
ع ، محمد حسن خان مدیر شعبهٔ سوم



ع ، محمد اسمعیل خان مدیر اوراق



ص، میرعبدالله خان مدیر شعبهٔ عرائض



قصر صدارت عظمی

Palais de la Présidence du Conseil.



عالیقدر جلالتمآب المراعلی نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار

و وزیر حربیه که همواره درراه حفظ سعادت و امنیت عمومیهٔ وطن جانبازیهای مردانه و مجهودات وطن پرورانه ابراز فرموده مخصوصاً درعهد پر افتخار نادر شاهی درهر گوشه و نواح وطن که آثار بقایای شورش خانمان سوز گذشته مانده حوادث ناخوب رخ میداد همه بحسن تدبیر ونیروی بازوی این فرزند دلاور افغانستان منطق وخاموش گردیده است .

آخراً از قیمتدار ترین خدمات این مرد دلاور حق شناس مساعی ومجهوداتی بود که درآغاز سلطنت شهریار جوان ما اعلیحضرت (محمدظاهر شاه) خلد الله ملکه در راه حفظ امنیت عمومیهٔ مملکت و تأمین راحت وسعادت ملت خود فرموده اند .

امروز ترقیات و شوکت اردوي افغانستان وبهبود امور حربی مملکت مرهون خدمات وحسن کفایت ولیاقت ذات والا حضرت ممدوح بوده ووجود محترم شان خیلی برای وطن مفید وقیمتدار میباشد .

وزارت حربیه

وزیر حربیه : ع ، ج ، ا ، انشان والا حضرت سپه سالار غازی سردار شاه محمود خان

یاور وزیر حربیه : ح ، غلام سعید خان غند مشر ثانی .

مدیر تحریرات : ش ، محمد قاسم خان کندکمشر .

مدیر قلم مخصوص : « ، محمد یوسف خان کندکمشر .

دائرهٔ استخبارات

مدیر : ش ، محمد عمر خان کندکمشر .

آمر شعبهٔ الف : . . . .

« « ب : ش ، محمد ایاز خان کندکمشر .

« « ج : « ، عبد الله خان کندکمشر .

دائرهٔ ارکان حربیهٔ عمومیه



ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حربیه

رئیس ارکان : ع ، ش ، محمد عمر خان فرقه مشر ثانی .

معاون رئیس : ح ، مصطفی خان غند مشر اول .

دائرهٔ عمومی حرکات

مدیر : ح ، سراج الدین خان غند مشر ثانی

آمر شعبه ۲ : ش ، محمد امین خان کندکمشر .

« « ۳ : . . . .

دائرهٔ تعلیم و تربیهٔ عمومیه

مدیر عمومی : ح، سید محمد اکبر خان غندمشر ثانی.

آمر شعبهٔ پیاده و سوار: ش، آقا محمد خان کندک مشر.

« « هوا بازی : . . . . . .

« « ترجمه : . . . .

مدیر خریطه : ش، میر عبدالسلام خان کندک مشر.

ریاست اردو

رئیس اردو : ع، ش س، ع احمد علیخان فرقه مشر اول.

مدیر عمومی مأمورین: ح، عبدالخالق خان غند مشر ثانی.

مدیر اخذ عسکر : ح، حبیب الله خان غند مشر اول.

مدیریت صحیه و بیطاریه

مدیر : ش، عبدالباقیخان کندک مشر.

سر طبیب : عزتمند، انظار الاسلام قریشی.

سر بیطار : .

مدیر انشاآت : ح، میر اعظم شاه خان غندمشر ثانی.

ع، ش سردار عالی احمد علی خان رئیس اردو

مدیریت عمومی نقلیه

مدیر عمومی : ح، محمد یعقوبخان غند مشر اول.

مدیر میخانیکی : ش، زکریا خان کندک مشر.

مدیر حیوانات : ش، محمد حسن خان کندک مشر.

ریاست حربیه

وکیل رئیس : ع، ش سیدحسن خان فرقه مشر ثانی.



ع، ش سیدحسن خان وکیل رئیس حربیه

آمر شعبهٔ هیئت معاینه وتدقیق: ح، محمد اکرم خان غندمشر ثانی.

« « اسلحه : ش، سربلند خان کندکمشر

« « جباخانه : ح، میر محمدسعیدخان غندمشر ثانی.

« « آلات وادوات فنیه: ح، محمداسلم خان غندمشر ثانی.

اسلحه دار : ح، عبدالرشیدخان غندمشر ثانی.

جبادار : ح، محمدعثمان خان غندمشر اول.

ریاست لوازم



ع، ع، ش شیراحمدخان نائب سالار رئیس لوازم

رئیس : ع،ع، ش شیراحمد خان نائب سالار.

معاون : ح، حسین علی خان غند مشر ثانی.

مدیر محاسبه : ش، خواجه عبدالقیوم خان کندکمشر

مدیر لوازم : « حبیب الله خان کندکمشر

ریاست قبایل

رئیس : ح، سید محمدحسین خان غندمشر ثانی

معاون : ح، شیرباز خان غند مشر ثانی.

ریاست محاکمات



ع ، ش محمد عمر خان رئیس انجمن اصلاح و ترقی

رئیس	:	ح ، سیدعلی خان غند مشر اول.
معاون	:	ش ، گل علی خان کندکمشر .
رئیس انجمن اصلاح و ترق	:	ع ، ش محمدعمر خان فرقه مشر اول.
مدیر عمومی اوراق	:	ش ، عبدالشکور خان کندکمشر .
مدیر کلوپ	:	ش ، ظهور الدینخان کندکمشر .

شفاخانهٔ عسکری

سر طبیب	:	عزتمنددا کترسیدعبدالغنی شاه خان
سر جراح	:	« « نور محمد خان .
معاون	:	« «سیدمحمدصالح خان هاشمی
»	:	« « میر عبدالحق خان .

قوماندانی طیاره



ح ، محمد احسان خان قوماندان طیاره

قوماندان	:	ح ، محمداحسان خان غند مشر اول.
مدیر لوازم	:	ش ، غلام بهاؤالدین خان کندکمشر .
مدیر دسته	:	ح ، غلام دستگیر خان غندمشر ثانی .

قوماندانی مکتب حربیه


ع ، ش سردارعلیشاه خان فرقه مشر اول.

قوماندان : ع،ش سردارعلیشاه خان فرقه مشر اول.

معاون : . . . .

مدیرداخله : ح ، عبدالله خان غند مشر ثانی .

معلم صنف پیاده : « لطیف احمد خان غندمشر ثانی.

« « توپچی : . . . .

« « استحکام : . . . .

« « توپچی : ش علی احمد خان کند کمشر .

سر معلم استحکام : عزت مند ، مکی احمد بیگ افندی .

« توپچی : « ظفر حسن خان

معلم اسپورت : . . .

« لسان روسی : عزتمند موسیو عبدالرحمن .

« جوجیدس : « « تاکاکی .

مدیر مکتب رشدیه : ش ، احمد شیرخان کند کمشر .

نگران مکتب احضاریه : ع ، ش محمد ابراهیم خان فرقه مشر .

مدیر تعلیمگاه پیاده : ح محمد عمر خان غند مشر ثانی .

مدیر « سوار : « ، سلطان احمد خان غند مشر ثانی

مدیر « توپچی : « ، عبدالغفور خان غند مشر ثانی .

مدیر « خوردضابطان : « ، سید صالح محمد خان غند مشر اول .

ریاست فابریکه های حربی



ع ، ع ، ش سید عبدالله خان نبس فاریکات حربی

رئیس : ع ، ع ، ش سید عبدالله خان.

معاون : . . . .

مدیر تحریرات و اوراق: ش محمد کاظم خان.

» براورد و محاسبه: » محمد جعفر خان.

» خریداری : » محمد هاشمخان.

فابریکهٔ آلات حربی

منتظم : ح ، نور محمد خان غند مشراول.

مدیر محاسبه : ش ، ابوترابخان کندکمشر.

فابریکهٔ نساجی

منتظم : ح ، میر صاحبخان غند مشراول.

مدیر محاسبه : ش ، یعقوب علیخان کندکمشر.

فابریکهٔ بوت دوزی

منتظم : ش ، میر عبدالرحیم خان کندکمشر.

مدیر محاسبه : » محمد طاهر خان کندکمشر.

قوماندان های عسکری مرکز

فرقهٔ شاهی

قوماندان : ع ش سردار اسدالله خان فرقه مشر اول.

معاون قوماندان : « « عبدالغنی خان فرقه مشر ثانی.



ع، ش سردار اسدالله خان قوماندان فرقهٔ شاهی

قول اردوی مرکزی

قوماندان قول اردو : ع، ع، ش، س، ا محمد غوث خان نائب سالار.

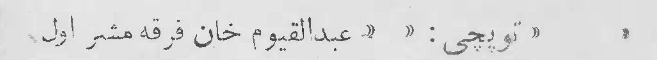
« فرقهٔ اول « : ع، ش غلام محمد خان فرقه مشر ثانی .

« « دوم « : « « عبدالغنی خان فرقه مشر اول .

« « سوم « : « « نور محمد خان فرقه مشر اول .



ع ،ع، ش س، محمد غوث خان قوماندان قول اردو



« « توپچی : « « عبدالقیوم خان فرقه مشر اول.



ع ، ش عبد القیوم خان قوماندان فرقهٔ توپچی

قوماندانهای عسکری اطراف

قوماندان عسکری غزنی	:	ع، ش خان زمان خان فرقه مشر ثانی .
» » قندهار	:	» » عبدالاحد خان فرقه مشر ثانی .
» » فراه وچخانسور	:	ع، ع، ش محمد انورخان نائب سالار .
» » هرات	:	ع، ش محمد شعیب خان فرقه مشر ثانی .
» » مزار ومیمنه	:	» » عبدالغفورخان فرقه مشر ثانی .
وکیل قوماندان عسکری قطغن وبدخشان	:	ح، محمد دلم خان غند مشر اول .
قوماندان عسکری مشرقی	:	ع، ش سردار محمد داؤد خان فرقه مشر ثانی .
» قول اردوی جنوبی	:	» » س، ع محمد افضل خان فرقه مشر اول .
» فرقهٔ اول قول اردوی جنوبی	:	» » پیر محمد خان فرقه مشر ثانی .
» » دوم » »	:	» » عبدالرؤف خان فرقه مشر ثانی .





ع، ش غلام محمد خان قوماندان فرقهٔ اول مرکز



ع، ش عبدالغنی خان قوماندان فرقهٔ دوم مرکز



ع ، ش نورمحمد خان قوماندان فرقهٔ سوم مرکز



ع ، ش خان زمان خان قوماندان عسکری غزنی



ع، ش عبدالاحد خان قوماندان عسکری قندهار



ع ، ش محمد شعیب خان قوماندان عسکری هرات

قوماندانهای نظامی



ع ، ش عبدالغفور خان قوماندان عسکری
مزار و میمنه



ع ، ش پیر محمد خان فرقهٔ مشر عسکری
فرقهٔ اول قول اردوی سمت جنوبی

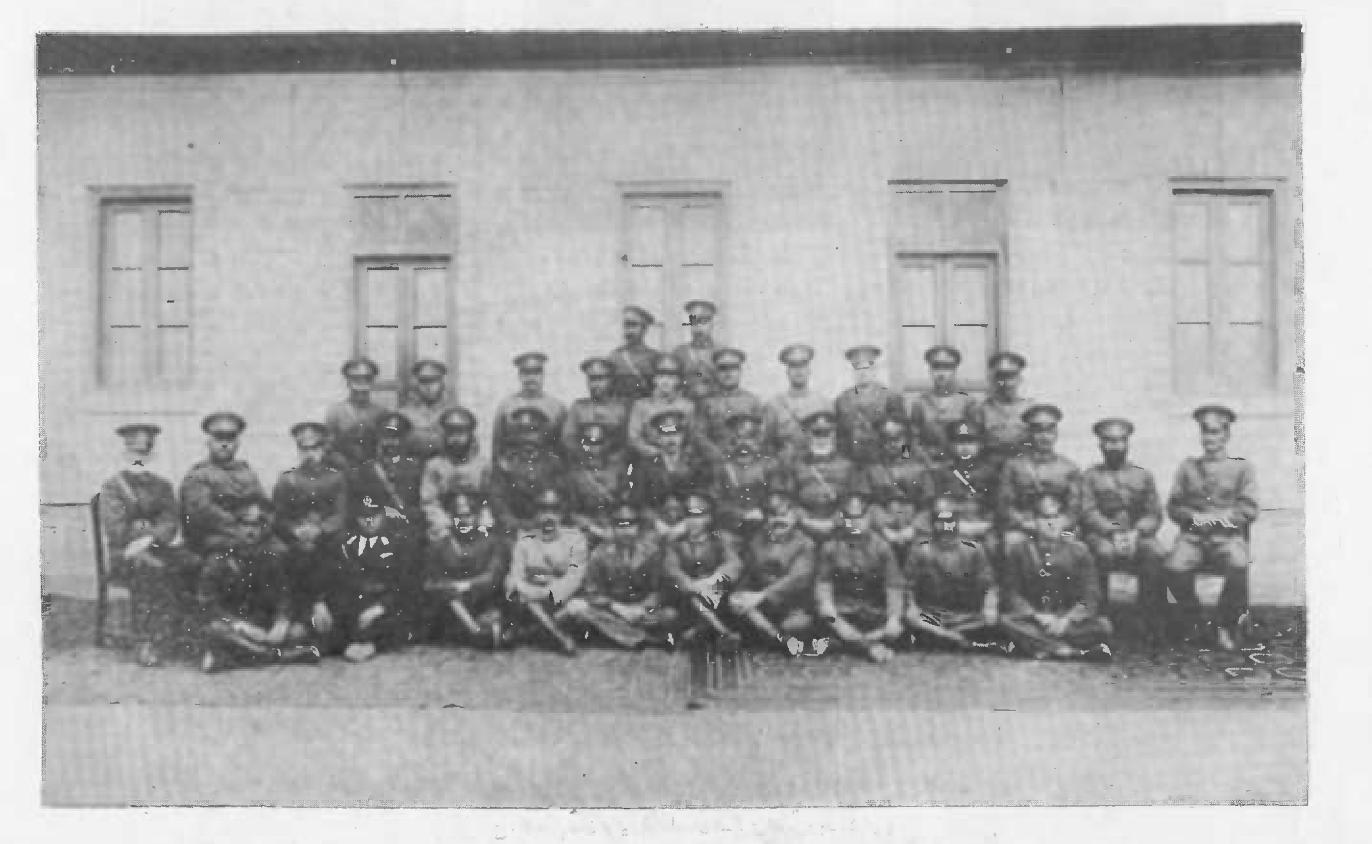


ع ، ش عبد الله خان فرقه مشر تعلیمگاه
خورد ضابطان قول اردو



ح، محمد علم خان وکیل قوماندان عسکری قطغن و بدخشان

Les Commandants Militaires.



صاحب منصبان محترم وزارت حربیه الی درجه فرقه مشرثانی وغند مشرکه ذات والاحضرت وزیرصاحب حربیه نیز در وسط صف تشریف دارند

Les Officiers du Ministére de la Gueure, en dessus du Colonel (Assis aux centre S. A. R. le Ministre de la Gueure).

صف اول نشسته

۱ — سرکی خان فرقه مشر احمدزائی
۲ — سعادت خان فرقه مشر احمد زائی
۳ — اصیل خان فرقه مشر منگلی
٤ — سردارعلی شاه خان فرقه‌مشر قوماندان مکتب حربیه
۵ — سر بلند خان نائب سالار جاجی
٦ — غلام نبی خان نائب سالار ناصری
۷ — محمدغوث خان (سردار اعلی) نائب سالار قوماندان قول اردوی مرکزی بارکزائی
۸ — والا حضرت وزیر صاحب حربیه
۹ — محمدنعیم خان نائب سالار بدخشی
۱۰ — زلمی خان نائب سالار منگلی
۱۱ — زرخان نائب سالار وزیری
۱۲ — مهردل خان نائب سالار بارکزائی
۱۳ — سردار اسدالله خان فرقه مشر قوماندان فرقهٔ شاهی
۱٤ — عبدالقیوم خان فرقه مشر توپچی ابراهیم خیل
۱۵ — عبدالله خان فرقه مشر وردکی

صف ۲ نشسته

۱ — مصطفی خان غندمشر معاون ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه
۲ — امین الله خان لوا مشر هراتی
۳ — محمدهاشم خان فرقه مشر
٤ — محمدعمر خان فرقه مشر ناصری
۵ — احمدعلیخان (سردار عالی) فرقه مشر رئیس اردولودین
٦ — سیدعبدالله خان شاجی نائب سالار رئیس فابریکات حربی
۷ — غلام محمدخان فرقه مشر تگابی
۸ — فضل احمدخان فرقه مشر فوفلزائی
۹ — محمداحسان خان غندمشر قوماندان طیاره
۱۰ — محمدقاسم خان غندمشر رئیس ارکان فرقهٔ شاهی

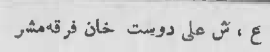
صف اول ایستاده

۱ — اعظم گل خان فرقه مشر طوطاخیل
۲ — اصیل خان فرقه مشر وزیری
۳ — سید حسن خان فرقه مشر کنری
٤ — محمد شاه خان فرقه مشر تره خیلی
۵ — محمد هاشم خان فرقه مشر لهوگری
٦ — عبدالغنی حان فرقه مشر قلعه بیگی گردیزی
۷ — عبدالله‌خان فرقه مشر طوطا خیل
۸ — امیر خان فرقه مشر مسعودی
۹ — غلام نبی خان فرقه مشر هزارهٔ درهٔ صوف
۱۰ — عبدالغنی خان فرقه مشر احمد زائی

صف ۲ ایستاده

۱ — نور احمد حان فرقه مشر هراتی
۲ — داؤد شاه خان فرقه مشر تره خیلی





ع ، ش علی دوست خان فرقه‌مشر



ح ، عبدالرشید خان غند مشر میگزین



ح ، غلام سعید خان یاور ع ، ج وزیر
صاحب حربیه



ش ، محمد قاسم خان مدیر تحریرات



ش ، محمد یوسف خان مدیر مخصوص



ش ، محمد عمر خان مدیر استخبارات



ش ، محمد ایاز خان آمر شعبهٔ ب مدیریت
استخبارات



ش ، عبدالله خان آمر شعبهٔ ج مدیریت
استخبارات



ح ، مصطفی خان معاون ریاست ارکان
حربیهٔ عمومیه



ح ، سراج الدینخان مدیر عمومی حرکات
ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه



ش ، محمد امین خان آمر شعبهٔ ۲ تشکیلات
دایرهٔ عمومی حرکات



ج ، سیدمحمد اکبرخان مدیر عمومی تعلیم و تربیه



ش ، آقا محمد خان آمر شعبهٔ پیاده وسواری



ش ، میرعبدالسلام خان مدیرخریطه



ج ، عبدالخالق خان مدیرمامورین



ش ، حبیب‌الله خان مدیر اخذ عسکر



ش ، عبدالباقی خان مدیر صحیه



ج ، میراعظم شاه خان مدیر تعمیرات



ج ، محمد یعقوبخان مدیر عمومی نقلیه



ش، زکریاء خان مدیر شعبهٔ میخانیکی مدیریت عمومی نقلیه



ش ، محمدحسن خان‌مدیر شعبهٔ حیوانات
مدیریت عمومی نقلیه



ح ، محمد اکرم خان آمرشعبهٔ معاینه
وتدقیق ریاست حربی



ش ، سربلند خان آمر شعبهٔ اسلحة
ریاست حربی



ح ، میر محمد سعید خان آمر شعبهٔ
جبا خانهٔ ریاست حربی



ح ، محمد اسلم خان آمر شعبهٔ
آلات وادوات‌فنیه



ح ، محمد عثمان خان غند مشرجباخانه



ح ، حسین علیخان معاون
ریاست لوازم



ش ، خواجه عبدالقیوم خان مدیر
محاسبهٔ ریاست لوازم



ش ، حبیب الله خان مدیرلوازم
ریاست لوازم



ح،سید محمد حسین خان رئیس قبائل



ح ، سید علیخان رئیس محاکمات



ش ، گل علیخان معاون ریاست محاکمات



ش ، عبدالشکور خان مدیرعمومی اوراق



ش ، ظهورالدین خان مدیرکلوب



ح ، غلام دستگیر خان مدیر دستهٔ قوماندانی طیاره



ح ، محمدعمر خان مدیر تعلیمگاه پیاده



ح ، سلطان احمد خان مدیر تعلیمگاه سواری



ح ، عبدالغفورخان مدیرتعلیمگاه توپچی

وزارت خارجیه

وزیرامورخارجیه: ع ، ج فیض محمد خان .

معین اول : ع ، ص غلام یحیی خان .

« دوم : « « محمد عثمان خان .

ع ، ج فیض محمد خان وزیر امورخارجیه

الف ـ مدیت عمومی سیاسی

۱ مدیرعمومی سیاسی : ع ، سید عبدالله خان .

۲ مدیرشعبهٔ شرق : ص ، محمد شفیع خان .

۳ مدیر شعبهٔ غرب : ص ، عبدالحکیم خان کفیل مدیر

٤ « « مطبوعات: « ، عبدالرؤف خان .

ع، ص غلام یحیی خان معین اول وزارت خارجیه

ب ـ مدیریت عمومی تشریفات

۱ مدیرعمومی تشریفات: ع ، عبدالصمد خان .

۲ « شعبهٔ معاهدات: ص محمد حیدر خان .

۳ « « لوازم: . . . . . .

ج ـ مدیریت عمومی اداری

۱ مدیرعمومی اداری: ع محمد یونس خان .



ع ، ص محمد عثمان خان معین دوم وزارت خارجیه

۲مدیرمامورین: ص محمدکریم خان .

۳ « شعبهٔویزه ، تبعه : « میرمحمدصدیق خان کفیل مدیر .
و تابعیت و قونسلگری

٤ مدیرشعبهٔ محاسبه: « حفیظ الله خان.

د ـ مدیرعمومی اوراق : ع عبدالغفار خان .

هـ ـ مدیر شعبهٔ شفر: ص محمد ابراهیم خان .

و ـ دفتر دارخصوصی: « نور محمد خان .
وزیر خارجه





ع، سید عبدالله خان مدیر عمومی سیاسی



ص، محمد شفیع خان مدیر شعبهٔ شرق



ص، عبدالحکیم خان کفیل مدیریت شعبهٔ غرب

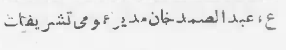




ص، عبدالروف خان امدیر مطبوعات







ع، عبدالصمد خان مدیر عمومی تشریفات



ص، محمد حیدر خان مدیر معاهدات



ع ، محمد یونس خان مدیر عمومی اداری



ص ، محمد کریم خان مدیر مامورین



ص ، میر محمد صدیق خان کفیل مدیریت ویزه



ص ، حفیظ‌الله خان مدیر محاسبه



ع ، عبدالغفار خان مدیر عمومی اوراق



ص ، محمد ابراهیم خان مدیر شفر



عالیقدر جلالتمآب المراعلی نشان والاحضرت سردار شاه ولیخان غازی فاتح کابل وزیر مختار اعلیحضرت در پاریس که والا حضرت ایشان بعلاوهٔ دیگر خدمات ذیقیمت و شاندار قشونی و کشوری وجهاد استقلال؛ در موقعیکه مملکت آخرین مراحل بدبختی خودش را می پیمود با سه یگانه فرزند حق شناس ومحصل افتخارات وطن اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی شهید خلد آشیان قائد قوای ملی و بفتح کابل موفق گردیدند وذات گرامی شانرا عموم طبقات ملت افغانستان به نظر یك قائد بزرگ و خیر خواه حقیقی خویش دیده ایثارات مردانه و خدمات قابل قدر حضرت معظم له را که در راه حفظ شئونات وطن و ملت خویش ابراز داده اند همیشه قدر و احترام مینمایند.

از آغاز اعزام شدن ذات والاحضرت ممدوح بسمت وزارت مختاری اعلیحضرت تا امروز در امور سیاسیهٔ وطن با نهایت فعالیت و صمیمیت مصروف بوده و درین مسلك نیز مورد بسی افادات مهمه بکشور و مملکت خود شده اند.



ع ، ج سلطان احمد خان سفیر کبیر افغانی در انقره.

ع ، ج سردار شیر احمدخان سفیر کبیر افغانی در طهران.



ع ، ج عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانی در مسکو

سفرا و نمایندگان افغانستان

در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره

سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمد خان.

کاتب : ص ، فیض محمد خان.

« : « ، عبدالوهاب خان :

سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران

سفیر کبیر : ع ، ج سردار شیر احمد خان.

سر کاتب : ص ، محمد اکرم خان.

کاتب : « فضل احمد خان.

سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو

سفیر کبیر : ع ، ج عبدالحسین خان.

سر کاتب : ص ، عبدالحمید خان.

کاتب : « سید محمد عثمانخان.

« : « محمد یونس خان.

ترجمان : « حبیب الله خان.

« : « غلام حسین خان.

وزارت مختاری اعلیحضرت درپاریس

وزیر مختار : ع، ج، ا، انشان والاحضرت سردار شاه ولیخان.

مستشار : ع، ص، س، ع اسلام بیگ خان.

کاتب : ص، سلطان عزیز خان.

« : « محمد شعیب خان.

وزارت مختاری اعلیحضرت درلندن

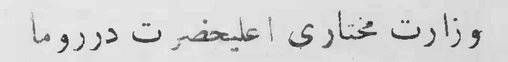
وزیر مختار : ع، ج علی محمد خان.

سرکاتب : ص، جمعه خان.

کاتب : « محمد سرور خان.



ع، ج علی محمد خان وزیر مختار افغانی درلندن



وزارت مختاری اعلیحضرت درروما

وزیر مختار : ع، ج محمد قاسم خان.

سرکاتب : ص، احمد علیخان.



ع، ج محمد قاسم خان وزیرمختار افغانی در روما

وزارت مختاری اعلیحضرت در برلین

سرکاتب : ص، محمد اسمعیل خان.



ع، ج حبیب‌الله خان وزیر مختار افغانی در جاپان

وزارت مختاری اعلیحضرت در جاپان

وزیر مختار : ع، ج حبیب‌الله خان.

سرکاتب : ص، عبد الرؤف خان.



ع، ج محمد صادق خان مجددی وزیر مختار افغانی در مصر

وزارت مختاری اعلیحضرت درمصر

وزیر مختار : ع، ج محمد صادق خان مجددی.

کاتب : ص، عبدالرحمن خان.

جنرال قونسلگری اعلیحضرت درهند

جنرال قونسل : ع، ص صلاح الدینخان.

سرکاتب : ص، محمد ابراهیم خان.

کاتب : « صالح محمد خان

« : « محمد اسمعیل خان.

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در تاشکند

جنرال قونسل	:	ع ، ص باز محمد خان .
سرکاتب	:	ص ، علی محمد خان .

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در مشهد

جنرال قونسل	:	ع ، ص محمد صدیق خان .
سرکاتب	:	ص ، محمد اختر خان .
کاتب	:	« محمد عمر خان .
«	:	« محمد شریف خان.
وکیل الدعوی	:	« رضاخان هروی .

قونسلگری اعلیحضرت دربمبئی

قونسل	:	ع ، سید عبدالحمید خان .
سرکاتب	:	ص، محمدآصف خان.
کاتب	:	« ، محمد یعقوب خان .

قونسلگری اعلیحضرت درکراچی

قونسل	:	ع ، یار محمد خان.

سرکاتب : ص، محمدامین خان .

کاتب : « ، محمداحمد خان .

قونسلگری اعلیحضرت درسیستان

قونسل : ع ، گل محمد خان .

سرکاتب : ص، تاج محمد خان .

قونسلگری اعلیحضرت درمرو

قونسل : ص ، عبدالودود خان .

سرکاتب : . . . .

ماموریت ویزهٔ افغانی درپشاور

مامور : ص ، عبدالغفور خان .

سرکاتب : « ، دوست محمد خان .

کاتب : « ، محمد عظیم خان .

ماموریت ویزهٔ افغانی درکویته

مامور : ص ، محمدرحیم خان .

کاتب : « ، الله داد خان.



ع ، ج سردار محمد نعیم خان سابق وزیر مختار افغانستان در روما



ع ، ص صلاح الدین خان سلجوقی
جنرال قونسل افغانستان در دهلی



ع ، ص باز محمد خان جنرال قونسل افغانستان
در تاشکند



ع ، ص محمد صدیق خان جنرال قونسل
افغانستان در مشهد





ع ، عبدالودود خان قونسل افغانی
درمرو

ص ، عبدالرسول خان وکیل التجار
افغانی در پشاور

محصلین افغانی که در سال ۱۳۱۲ ازمدارس خارجه شهادتنامه حاصل و به وطن مراجعت نموده اند



جناب انورعلیخان دیپلوم انجنیر و دکتور
انجنیر کیمیا تعلیم یافتهٔ المان



جناب عبدالغفورخان انجنیر تعمیرات
تعلیم یافتهٔ المان



جناب عبدالنبی خان متخصص ضرابخانه
تعلیم یافتهٔ المان



جناب میر محمد یوسف خان متخصص زراعت
تعلیم یافتهٔ فرانسه



جناب عبدالله خان متخصص دندان
تعلیم یافتهٔ المان



غ ، محمدعلیخان تولیمشر تعلیم
یافتهٔ ترکیه

Étudiants Afghans nouvellement diplômés des Écoles de l'Étranger.



ع ، عبدالحکیم خان مدیر عمومی پولیس

ع ، عبدالرحیم خان مدیر عمومی احصائیه

ص ، عبدالودود خان مدیر مامورین



ص ، بدرالدین خان مدیر محاسبه



ص ، غلام نقشبند خان مامور اوراق

ص ، محمد حسن خان مامور تحریرات

مدیران دوائر ریاست تنظیمیهٔ ولایات شمالی



ش، نور احمد خان مدیر دائرهٔ اول



ص، غلام حسن خان مدیر دائرهٔ دوم



ص، عبدالمقیم خان مدیر دائرهٔ چهارم

ص، عبدالله خان مدیر دائرهٔ پنجم


ع ، ج ، ا ، ا نشان محمد گل خان وزیرداخله

وزارت داخلیه

وزیر داخله : ع ، ج ا ، ا نشان محمد گل‌خان .

معین اول : ع ، ص عبدالرشید خان .

« سوم : « « نیک محمد خان .


ع ، ص عبدالرشید خان معین اول وزارت داخله

مدیرعمومی پولیس : ع ، عبد الحکیم خان .

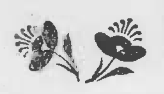
« «احصائیهٔ نفوس: « عبد الرحیم خان .

« مامورین : ص ، عبدالودود خان .

« محاسبه : « بدر الدین خان .

مامور اوراق : « غلام نقشبند خان .

مامور تحریرات : « محمد حسن خان .




ع ، ص نیک محمد خان معین سوم وزارت داخله


ع ، ج فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه

وزارت عدلیه

وزیر عدلیه : ع ، ج فضل احمد خان .

رئیس تمیز : ج ، ف عبدالرب خان .

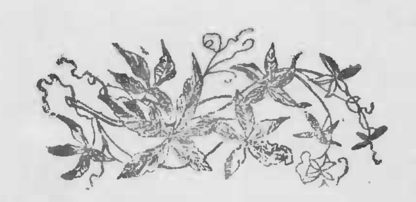
کفیل رئیس جمعیة العلماء : « « ملا بزرگ صاحب .

رئیس اصلاحیه : ع ، ص امین الله خان .

مدیر تحریرات : ص ، عبد السلام خان .

مدیر مامورین : « محمد میر خان .

مامور محاسبه : « محمد ناصر خان .





ج ، ف عبدالرب خان رئیس تمیز



ع ، ص امین‌الله خان رئیس اصلاحیه



ص ، عبدالسلام خان مدیر تحریرات



ص ، محمد میر خان مدیر ماٌورین



ص ، محمد ناصر خان ماٌمور محاسبه



ع ، سید محمد ایشان خان معاون اول



ع ، ص عبدالحمید خان رئیس مطابع



ع ، سید محمد رسول خان معاون دوم



ص ، نوری افندی مدیر زینکوگرافی



ص ، سید محمد داؤد خان خطاط



ص ، عبدالغفور خان «برشنا» رسام انجمن



ص ، میر حسام الدین خان مدیر محاسبه



ص ، محمد سرور خان خزانه دار

وزارت مالیه

وکیل وزارت مالیه: ع، ج، میرزا محمد خان.

ریاست محاسبات



ع، ص محمد حسین خان معین اول وزارت مالیه

معین اول، رئیس : ع، ص، محمد حسین خان.

مدیرعمومی : ع، محمد اسلم خان.
معاشات و مصارفات کل

مدیر واردات : ص، غلام حسن خان.

« خزائن : « عبدالحق خان.

« تحصیلی بقایا : « محمد حسن خان.

ریاست اداری



ع، ص غلام مجتبی خان معین دوم وزارت مالیه

معین دوم، رئیس : ع، ص، غلام مجتبی خان.

مدیر بودجهٔ عمومیه : ع، محمد انور خان.

« مامورین : ص، محمد افضل خان.

« معاش و مصرف : « محمد هاشم خان.
مرکزی

« تحریرات : « محمد رضا خان.

« اوراق : « محمد حسین خان.

مامور تصفیهٔ ولایات : « عبدالرحیم خان.

« « مرکزی : « محمد عثمان خان.

مشاور مالی : عزتمند، موسیو منچولی.

ترجمان : ص، محمد عثمان خان.

ریاست ضراب خانه

رئیس	:	ع، ص، غلام قادر خان .
معاون	:	ص ، غلام رسول خان
مدیر محاسبه	:	« محمد سرور خان .
ماذون	:	« عبدالنبی خان .
مامور تحلیل	:	« عبدالوهاب خان .
« «	:	« نور الحق خان.

ریاست عمومی مطابع

رئیس	:	ع ، ص ، عبدالحمید خان .
معاون اول	:	ع ، سید محمد ایشان خان .
« دوم	:	« سید محمد رسول خان .
مدیر زنکوگرافی	:	ص، محمد نوری خان .
خطاط و رسام	:	« سیدمحمد داؤد خان .
رسام	:	« عبدالغفور خان .
متخصص	:	عزتمند اتوموزر .
مدیر محاسبه	:	ص میرحسام الدین خان.



ع، محمد اسلم خان مدیر معاشات ومصارفات

ص، غلام حسن خان مدیر واردات

ص، عبدالحق خان مدیر خزائن

ص، محمد حسن خان مدیر تحصیلی بقایا

ع، محمد انور خان مدیر عمومی بودجه

ص، محمد افضل خان مدیر مامورین


ع ، غلام رسول خان معاون ضرابخانه


ع ، ص غلام قادر خان رئیس ضرابخانه


ص ، محمد سرور خان مدیر محاسبه ضرابخانه


ص ، محمد هاشم خان مدیر معاش‌مصرف‌مرکزی


ص ، محمد رضا خان مدیر تحریرات


ص ، محمد حسین خان مدیر اوراق

وزارت معارف



ع، ج سردار احمدعلیخان وزیر معارف

وزیر معارف : ع، ج سردار احمدعلیخان .

معین : ع، ص عبدالجبار خان .

معاون ریاست تعلیم و تربیه : « « ، هاشمخان شایق .

عضو تعلیم و تربیه : عزتمند ، امین عالی بیگ .

« « « : « ، جمال الدینخان .

« « « : ص ، شیخ محمد رضاء خان .

مدیر تفتیش و مامورین : « ، عزیزالرحمن خان .



ع ، ص عبدالجبار خان معین وزارت معارف

مفتش : ص ، عبدالغفار خان .

« : « ، محمد آصف خان .

مدیر تحریرات : « ، محمد قاسمخان .

« تنظیمات : « ، عبدالله خان .

مامور محاسبه : « ، محمد یونس خان .

مامور اوراق : « ، عبدالله خان .

سکرتر و معلم سکوت : « ، محمد یعقوبخان .

شعبات مربوطهٔ مرکز

رئیس فاکولتهٔ طبی : عزتمند ، حسن رشاد بیگ .

رئیس دارالعلوم عربیه : ع ، ص ، قاری عبدالرسول خان .

وکیل مدیریت مکتب حبیبیه	:	ص ، محمد نبی خان .
مدیر مکتب استقلال	:	عزتمند موسیو بوانی .
« « نجات	:	عزتمند ، داکتر ایون ،
« « صنایع	:	ص ،، غلام محمد خان .
« « دارالمعلمین	:	« ، سید محمد فاروق خان .
وکیل مدیریت مکتب غازی	:	« ، عبدالغفار خان .
« « زراعت	:	« ، محمد زمان خان .
مدیر موزه	:	« ، غلام محی الدین خان .
سر معلم مکتب اول شهر	:	« ، قربان علیخان .
« « دوم شهر	:	« ، محمد کبیر خان .
« « بی بی ماهرو	:	« ، غلام حسن خان .
« « شیوکی	:	« ، آقا محمد خان .
« مکاتب چهار دهی	:	« ، عبدالغفور خان .





ع ، ص هاشم خان شایق معاون ریاست
تعلیم و تربیه



ص ، شیخ محمد رضا خان عضو ریاست
تعلیم و تربیه



ص ، عزیزالرحمن خان مدیر تفتیش
ومامورین



ص ، محمد آصف خان مفتش



ص ، محمد قاسم خان مدیر تحریرات



ص ، عبدالله خان مدیر تنظیمات



ص، محمد یونس خان مامور محاسبه



ص، عبدالله خان مامور اوراق



ص محمد یعقوب خان سکرتر انجمن کشافان



ع ، ص قاری عبدالرسول خان رئیس
دارالعلوم عربیه



ص ، محمد نبی خان وکیل مدیریت
مکتب حبیبیه



ص ، پروفیسر غلام محمد خان مدیر
مکتب صنائع نفیسه



ص ، سید محمد فاروق خان مدیر
مکتب دارالمعلمین



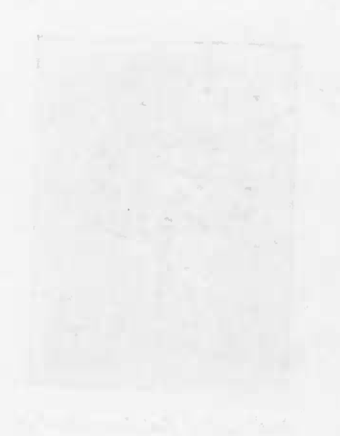
ص ، عبدالغفار خان مفتش وکیل
مدیریت مکتب غازی



ص ، محمد زمان خان وکیل مدیریت
مکتب زراعت



ص ، غلام محی‌الدینخان مدیر موزه





ع ، عبدالقیوم‌خان‌مدیر عمومی گمرکات



ع ، محمدکریم خان مدیر عمومی تجارت



ص، محمدزمان خان مدیر مجلهٔ اقتصاد



ص، سید محمد سرور خان مدیر مامورین



ص ، محمد عنایت‌الله خان مدیر محاسبه



ص، میر محمد ضیاءالدین خان مدیر تحریرات



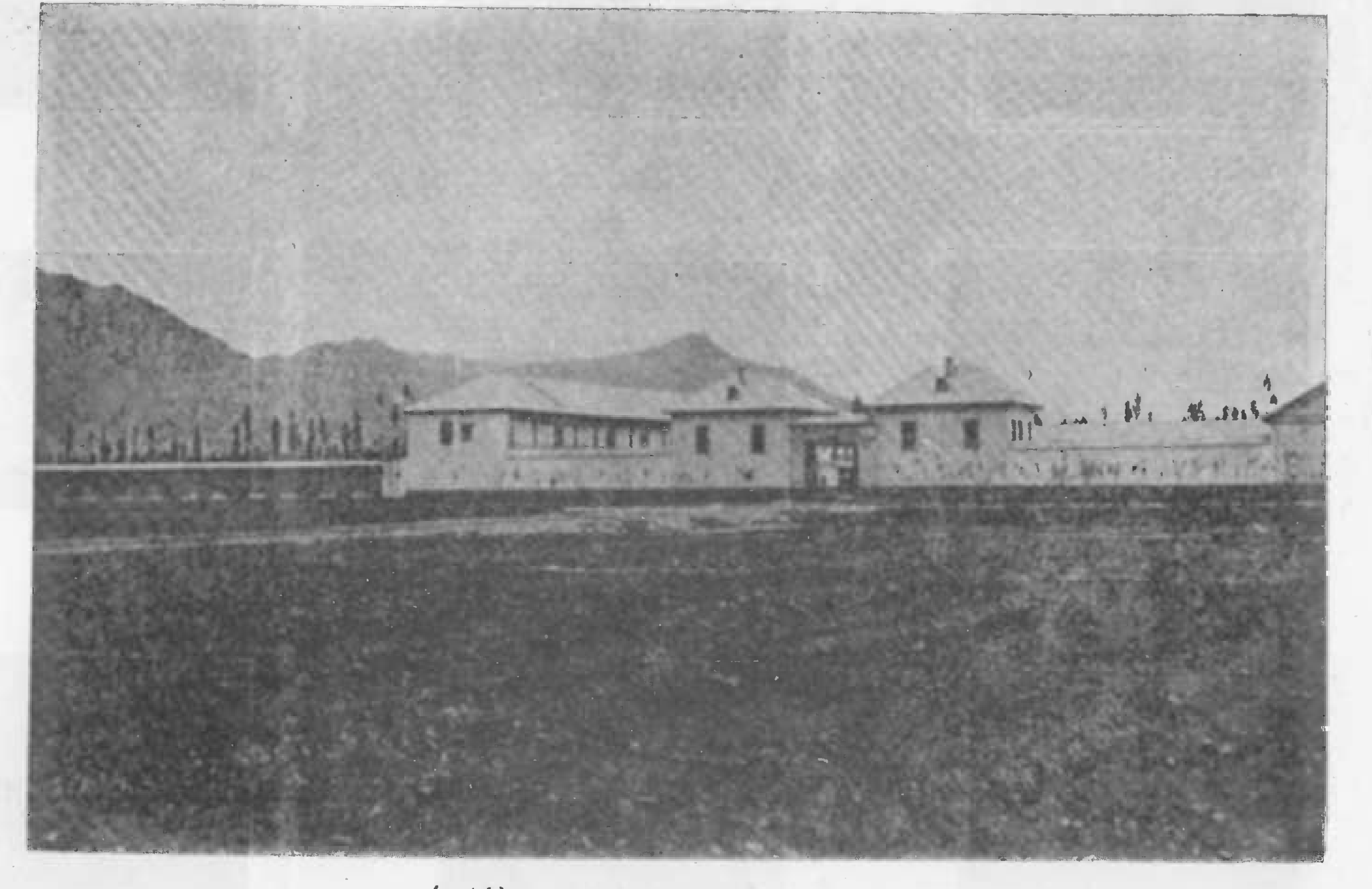
ص، عبدالودود خان مدیر اوراق



ع ، ص غلام حیدر خان رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی



ص ، محمود خان مدیر حمل و نقل



عمارت جدید تربیهٔ حیوانات واقع ده بوری (کابل)
Nouveaux Établissements d'Élevage à Kaboul.

وزارت تجارت

وزیر تجارت : ع ، ج میرزا محمد خان .

معین اول : ع ، ص محمد حسین خان .

« دوم : « « غلام غوث خان .

مدیر عمومی گمرکات : ع ، عبدالقیوم خان .

« « تجارت : ع ، سردار محمد کریم خان

« « ترجمانی : ص، عبدالمجید خان.



ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت

مدیر مجله اقتصاد: ص محمد زمانخان ترکی

« زراعت : . . . . .

« مامورین : ص، سید محمد سرورخان.

« محاسبه : « محمد عنایت الله خان .

« تحریرات : « میر محمد ضیاء الدینخان.

« اوراق : « عبدالودود خان .

سرکاتب اداره : « عبدالحسین خان .
محاسبهٔ شرکتها

رئیس فیصلهٔ : ع ، ص غلام حیدرخان .
منازعات تجاریه

مدیر حمل و نقل : ص ، محمود خان .



ع، ص محمد حسین‌خان معین اول وزارت تجارت



ع ، ص غلام غوث خان معین دوم وزارت تجارت

وزارت فوائد عامه

وزیر : ع ، ج الله نوازخان .

معین ع ، ص نصرالله خان .



ع ، ج الله نواز خان وزیر فوائد عامه

مدیریت عمومی فابریکات

مدیر عمومی : ع ، سردار غلام محمد خان .

مدیر فابریکهٔ : . . . .
گوگرد سازی

منتظم و متخصص: ص ، مقبول الحق خان
گوگرد سازی

مامور فابریکهٔ نجاری : . . . .

متخصص رنگمالی : عزتمند کتنتر المانی .

« دکمه سازی : « سرمانیزت المانی .

مامور فابریکهٔ نساجی : ص عبدالغفور خان .
مرکز

مامور نختابی جبل السراج: « امیر محمد خان .

متخصص « « : عزتمند مستر مانیکهٔ المانی .



ع، ص نصرالله خان معین وزارت فوائد عامه

مدیریت عمومی معابر

مدیر عمومی : ع ، سعدالدینخان .

مهندس : عزتمند ، مستر تسیمهٔ آلمانی .

اورسیر : « ، جعفر علیخان .

مدیریت عمومی تعمیرات

مدیر : ع ، عبدالغیاث خان .

مامور محاسبه : ص ، محمد موسی خان .

متخصص : « عبدالغفور خان .

مدیریت محاسبه

مدیر محاسبه : ص ، عبدالکریم خان .

مامور محاسبه : « عبدالاحد خان .

مدیریت جشن

مدیر : ص ، غلام محی الدینخان .

معاون : « نور احمد خان .

مدیریت مهندسی

مدیر : ص ، نظر محمد خان .

مهندس : « اورنگ زیب خان .

مدیریت برق

مدیر : ص ، عبدالعلیخان .

انجنیر سب استیشن : « غلام محمد خان .

« برق قندهار : « امیر الدینخان .

مدیر مامورین : « عبدالحسین خان .

مدیر تحریرات	:	ص ، محمد علیخان .
« اوراق	:	« حبیب الله خان .
مامور خزانه	:	« قیام الدین خان .
معاون مامور خزانه	:	« سید امیر خان .
ترجمان لسان انگلیسی	:	« محمد افضل خان.

ماموریت پشمینه بافی قندهار

مامور	:	ص ، نظام الدین خان ،
متخصص	:	عزتمند مستر کمپیر المانی .
مامور نجاری دارالفنون	:	ص ، نور احمد خان .

مدیریت تعمیر سرك مشرقی

مدیر	:	ص ، شیخ عبدالله خان .
مامور محاسبه	:	« عبدالحنان خان .
کندکشر انشاآت	:	ش ، محمد افضل خان .


ع، غلام محمدخان مدیر عمومی فابریکات


ع ، سعدالدین خان مدیر عمومی معابر


ع ، عبدالغیاث خان مدیر عمومی تعمیرات


ص ، عبدالکریم خان مدیر محاسبه


ص ، نوراحمدخان معاون مدیریت جشن


ص ، نظر محمد خان مدیر مهندسی


ص، عبدالعلی خان مدیربرق


ص، غلام محمد خان دیپلوم انجنیرالکتریک


ص، امیرالدینخان دیپلوم انجنیرالکتریک قندهار



ع ، عبدالله خان رئیس شرکت‌تنویرات



ص، محمد عمرخان مدیرمحاسبه شرکت تنویرات



ص، محمد نعیم خان دیپلوم انجنیرالکتریک



ص ، عبد الحسین خان مدیر مامورین



ص ، محمد علیخان مدیر تحریرات



ص ، حبیب‌الله خان مدیراوراق



ص ، شیخ عبدالله خان مدیرمعابر سرك مشرق


ج ، محمد اکبرخان رئیس صحیه

ریاست صحیه

رئیس صحیه : ج ، محمد اکبر خان .

شعبهٔ اداری

مدیر مجموعهٔ صحیه : ص ، عبدالرشید خان .

مامور محاسبه : « محمد محسن خان .

سرکاتب تحریر : « محمد عمر خان .

« اوراق : « سید عبدالرؤف خان.

سرکاتب مامورین : ص محمد ابراهیم خان .

ترجمان المانی : « عبدالرشید خان .

« انکلیسی : « عبدالرشید خان .

« ترکی : « محمد ناصر خان .

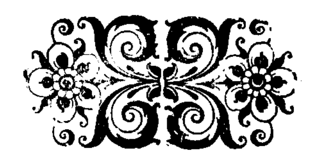
مدیریت شفاخانهٔ ملکی

مدیر : ص ، عبدالغفار خان

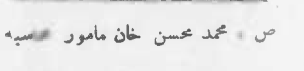
منتظم مکتب طبی : « غلام سرور خان..

شعبهٔ فنی

مشاور	:	عزتمند جناب داکتر رفقی کامل بیگ .
سرطبیب	:	« فؤاد بیگ .
داکتر	:	« ربیع حکمت بیگ .
»	:	« ولی الدین فرحان
»	:	« رشیدالدین خان .
»	:	« عبدالعزیز خان .
»	:	« کرم الهی خان .
»	:	« میر عبیدالله خان .
»	:	« حمیدالله خان .
»	:	« محمد موسی خان .
»	:	« سیدگل خان .
»	:	« عنایت‌الله خان .



ص، عبدالرشید خان لطیفی مدیر مجلهٔ
مجمعیه



ص ، محمد محسن خان مامور [illegible]سبه



ص ، سید عبدالرؤف خان سرکاتب
اوراق



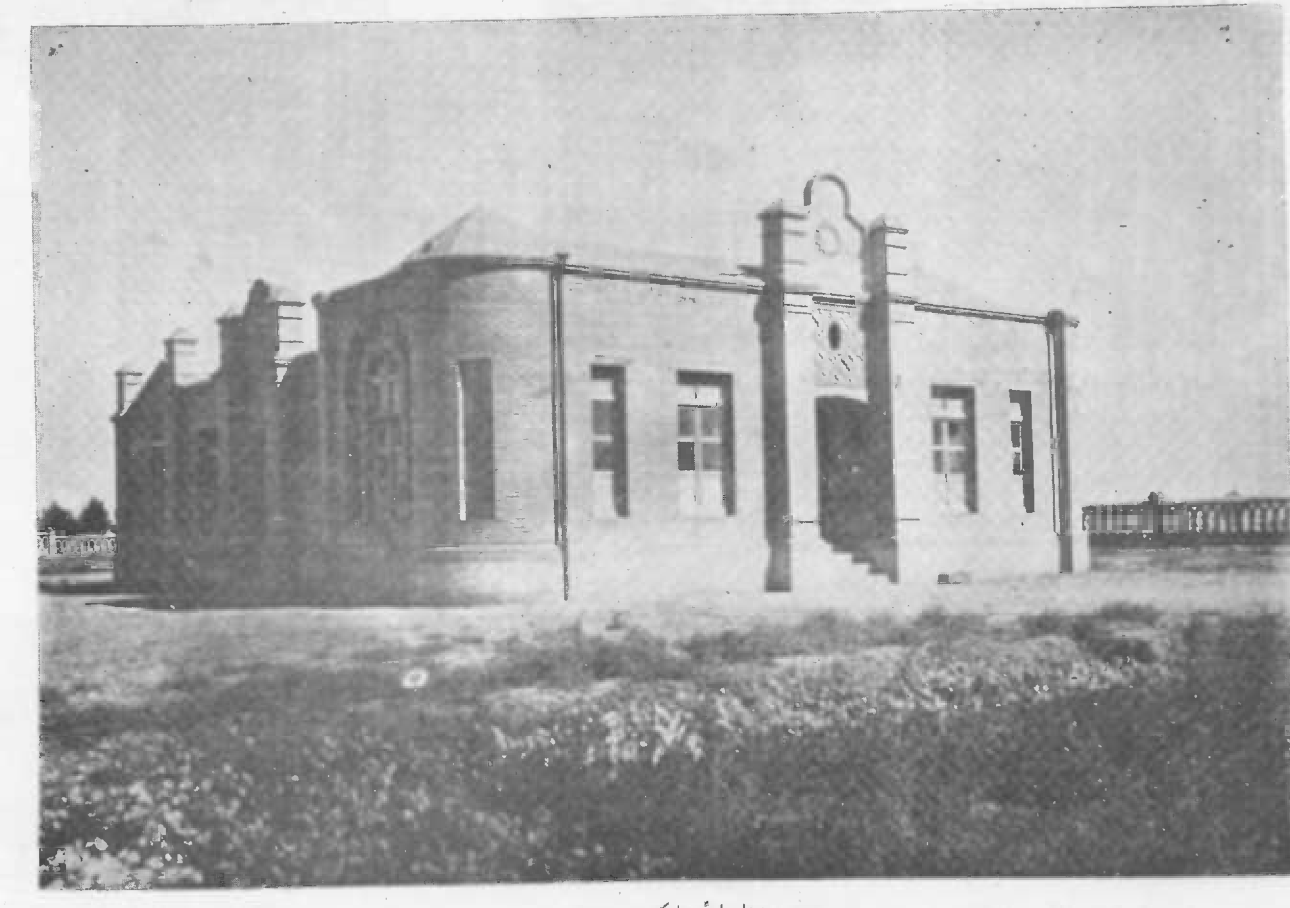
ص، محمد ابراهیم خان سرکاتب مامورین



ص عبدالغفار خان مدیر شفاخانهٔ ملکی



ص، غلام سرور خان منتظم مکتب طبی



شفاخانهٔ ملکی هرات

Hôpital Civil de HÉRAT.

عزتمند رفقی کامل بیگ مشاور فنی ریاست صحیه وباقی داکتران شفاخانه های ملکی کابل


جناب، دکتور رفقی کامل مشاور


عزتمند، دکتور فؤاد بیگ


عزتمند دکتور ربیع حکمت بیگ


عزتمند دکتور ولی الدین خان فرحان


عزتمند، جلال فایق بیگ داکتر دندان


عزتمند، داکتر رشیدالدین خان


عزتمند داکتر عبدالعزیز خان


عزتمند داکتر کرم آلهی


عزتمند داکتر عبدالله خان

Les Docteurs des Hopitaux Civils de Kaboul.



منظرهٔ خارجی عمارت جدید وزارت معارف

Nouveau Bâtiment du Ministére de l'Instruction Publique.



ص ، غلام احمد خان مامور محاسبه




ص ، محمد سعیدخان مامور محاسبات خارجه



ص ، عبدالمجید خان سرکاتب پست



ص ، عبدالفتاح خان سرکاتب شعبهٔ تلگراف وتیلفون




ص ، عبدالخالق خان سرکاتب شعبهٔ ارتباط خارجی



ص ، غلام غوث خان وکیل شعبهٔ مامورین وتحریرات

ص ، پاینده محمد خان سرکاتب اوراق



ص ، محمد حسین خان انجنیر رادیو الکتریك




ص ، عبدالمجید خان متخصص تیلفون



ص ، غلام جیلانی خان مامور حمل ونقل



ص ، محمد امان خان منتظم تلگراف سپهدار

ریاست پوست، تلگراف و تیلفون



ج، رحیم‌الله خان رئیس پوست، وتلگراف وتیلفون

رئیس : ج، رحیم‌الله خان.

مامور محاسبه : ص، غلام احمد خان.

« محاسبات خارجه : « محمد سعید خان.

سرکاتب شعبهٔ پوست : « عبدالمجید خان.

سرکاتب شعبهٔ تلگراف وتیلفون : ص عبد الفتاح خان.

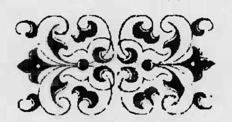
« « ارتباط خارجی : « عبدالخالق خان.

« « مامورین وتحریرات : « غلام غوث خان.

« « اوراق : « پاینده محمد خان.

متخصص : « محمد حسین خان.

ترجمان : « غلام فاروق خان.



تشکیلات ولایات وحکومتی های اعلی

وحکومتی های کلان

ولایت کابل

والی :	و، ج محمدعمرخان .
مستوفی :	ع، ص سیدحبیب خان .
قاضی مرافعه :	ف، مولوی صالح محمدخان .
قوماندان کوتوالی :	ح، طره بازخان .
رئیس خزانه عمومی :	ع، ص نظر محمدخان .
مدیر گمرك :	. . . .
قاضی ابتدائیه :	ف، ملا احمدخان .



و، ج محمدعمرخان والی ولایت کابل

مدیر تحریرات :	ص، عبدالوحدخان .
وکیل مدیر پست و تیلفون و تلگراف :	« غلام صفدرخان .
مامور معابر :	« جلال الدین خان .



ع، ص سید حبیب خان مستوفی ولایت کابل



ح، طره بازخان قوماندان کوتوالی کابل



ع ، ص نظر محمد خان رئیس خزانه

ص، عطاءالله خان وکیل مدیریت گمرک کابل

ص، عبدالواحد خان مدیر تحریرات ولایت کابل



ص، غلام صفدر خان وکیل مدیریت مخابرات



ص، محمد اسمعیل خان مدیر محاسبهٔ خزانه

ص، خیر محمد خان مدیر شعبهٔ پاسپورت
و تحریرات قوماندانیت کوتوالی



ح ، محمد اکبر خان قوماندان کوتوالی



ص ، خواجه مهتاب الدین خان
مدیر گمرک



ص ، میرغلام فاروق خان مدیر
خارجه



ص ، حبیب‌الرحمن خان مدیر تحریرات



ص ، احمد شاه خان مدیر مخابرات



ص ، میر محمد ولی خان مدیر
شفاخانه



ص ، سیف‌الله خان مدیر خزانه



ص ، صالح محمد خان مدیر معارف

ولایت قندهار

وکیل نائب الحکومه: و، ج، س، ا غلام فاروق خان.

مستوفی : ع، ص عبدالله خان.

وکیل قاضی مرافعه: ف، ملاجمعه خان.

قوماندان کوتوالی : ح، محمد اکبر خان.

مدیر گمرک : ص، مهتاب الدینخان.

و، ج س، ا غلام فاروق خان وکیل نائب الحکومه ولایت قندهار

قاضی ابتدائیه : ف، اختر محمد خان.

مدیر خارجه : ص، میر غلام فاروق خان.

« تحریرات : ص حبیب الرحمن خان

« مخابرات : « احمد شاه خان.

« شفاخانه : « میر محمد ولیخان.

« خزانه : « سیف الله خان.

« معارف : « صالح محمد خان.

رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه : ع، ص سید محمد اکرم خان.

مامور زراعت : ص، عزیزالله خان.

« معابر : « محمد عمر خان.

« برق : « فضل احمد خان.

« فابریکهٔ نساجی : « نظام الدینخان.

ولایت هرات


و ، ج عبدالرحیم خان نائب‌الحکومهٔ

نائب الحکومه	:	و، ج عبدالرحیم خان نائب‌سالار ـ
مستوفی	:	ع، ص عبدالوهاب خان .
قاضی مرافعه	:	ف، ملا احمد علی خان .
قوماندان کوتوالی	:	ح ، حاجی محمد عظیم خان
مدیر گمرک	:	ص ، غلام حیدر خان .
قاضی ابتدائیه	:	ف، ملاعبدالباقی خان .
مدیر خارجه	:	ص عبدالعزیز خان .
مدیر تحریرات	:	» امیر محمد خان .
» مخابرات	:	» پاینده محمد خان .
» شفاخانه ملکی	:	» عبدالرحمن خان .
مامور زراعت	:	» عبدالرؤف خان .
» خزانه	:	» عبدالوهابخان .
» معارف	:	» سعدالدینخان .
منتظم تلگراف	:	» عبدالاحدخان .
رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی	:	ع ، ص غلام نبی خان .
نگران معابر	:	» ، نوروزعلیخان



ع ، ص عبدالوهاب خان مستوفی



ح حاجی محمد عظیم خان قوماندان کوتوالی



ص غلام حیدر خان مدیر گمرك



ص ، عبدالعزیز خان مدیر خارجه



ص امیرمحمد خان مدیر تحریرات



ص ، پاینده محمد خان مدیر مخابرات



ص، عبدالرؤف خان مامور زراعت



ص ، غلام نبی خان رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی



ع ، ص عزیزالله خان مستوفی



ح ، عبدالرحیم خان وکیل قوماندان
کوتوالی



ص ، محمد قاسم خان وکیل
مدیریت گمرکات



ص ، سید محمد مومن خان مدیر
خارجه



ص ، عبدالغفور خان وکیل مدیریت
تحریرات



ص ، محمد امان‌خان مدیر مخابرات



ص ، رحمت‌الله خان وکیل
مدیریت زراعت



ص ، محمدزمان خان مدیر مدافعه‌ملخ

ولایت مزارشریف



و ، ج عبد الجمیل خان وکیل نائب الحکومه

وکیل نائب الحکومه:	و، ج عبدالجمیل خان .
مستوفی :	ع ، ص عزیزالله خان .
قاضی مرافعه :	ف ، ملامیر محمود خان .
وکیل قوماندان کوتوالی:	ح ، عبدالرحیم خان .
« مدیریت گمرك :	ص ، محمد قاسم خان .
قاضی ابتدائیه :	ف ، ملارجب خان
مدیر خارجه :	ص ، سید مؤمن خان .
مدیر تحریرات :	« ، عبدالغفور خان .
« مخابرات :	« ، محمد امانخان .
وکیل مدیر شفاخانه :	« ، محمد رحیم خان .
مدیر دفع ملخ :	« ، محمد زمانخان .
مامور خزانه :	« ، میر سکندرشاه خان .
« معارف :	« ، عبدالسلام خان .
منتظم تلگراف :	« ، غلام سرور خان .
رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی :	ع ، ص محمد شاه خان .
مامور موزیم :	« ، حاجی سلیم خان .

ولایت قطغن و بدخشان


و ، ج شیر محمد خان وکیل نائب الحکومه

وکیل نائب الحکومه	:	و ، ج شیر محمد خان .
مستوفی	:	ع ، ص محمدسرور خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا احمد خان .
قوماندان کوتوالی	:	ح ، فقیر شاه خان .
مدیر گمرک	:	ص ، محمد انور خان .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، گلدست خان .

وکیل مامور خارجیه	:	ص ، میر امان الله خان .
مدیر تحریرات	:	« شاه عبدالله خان .
« مخابرات	:	« میرزا نیک محمد خان .
« مدافعۀ ملخ	:	« خلیل الرحمن خان .
مامور طبیه	:	« سلطان محمد خان .
« زراعت	:	« سخیداد خان .
« خزانه	:	« عبدالرشید خان .
« معارف	:	« فدائی احمد خان .
رئیس فیصلۀ منازعات تجارتی	:	ع ، ص میان فضل احمد خان .



ع ، ص ، محمد سرور خان مستوفی

ح ، فقیر شاه خان قوماندان کوتوالی

ص ، محمد انور خان مدیر گمرک



ص ، شاه عبدالله خان مدیر تحریرات





ص ، خلیل الرحمن خان مدیر مدافعهٔ ملخ



ص ، سخیداد خان مامور زراعت



ص ، شیر احمد خان سررشته دار اعلی



ف . ملافیض محمد خان قاضی مرافعه



ح ، سیدمحمدامیرخان‌قوماندان کوتوالی



ص ، عبدالکریم خان مامور گمرک



ص ، محمد اسمعیل خان مدیر خارجه



ص ، فضل محمد خان مامور تحریرات



ص ، محمدیوسف خان وکیل‌مدیریت شفاخانه



ص ، محمد اصغر خان مدیر حصهٔ اول نهرسراج



ص ، عبدالاحد خان مامور معارف

حکومت اعلای مشرقی



ع ، ش سردار محمد داؤد خان حاکم اعلی و قوماندان عسکری مشرقی

حاکم اعلی وقوماندان: ع ، ش سردار محمد داؤد خان
عسکری

سررشته دار : ص ، شیر احمد خان .

قاضی مرافعه : ف ، ملا فیض محمد خان .

قوماندان کوتوالی : ح ، سید محمد امیر خان .

مامور گمرك : ص ، عبدالکریم خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا محمد اسحق خان .

مدیر خارجیه : ص ، محمد اسمعیل خان .

مامور تحریرات : « فضل محمد خان .

مدیر شفاخانه : « ضیاء الحق خان .

« نهر سراج : « محمد اصغر خان .

مامور زراعت : « پاینده محمد خان

مامور خزانه : « محمد جانخان .

مامور معارف : « عبدالاحمد خان .

منتظم پسته، تیلفون وتلگراف : « محمد علم خان .

سرکاتب استخبارات : « عبدالشکور خان .

مامور معابر : « عبدالوکیل خان .

حکومت اعلای سمت جنوبی

حاکم اعلی وقوماندان : ع، ش، س، ع محمد افضل خان ـ
عسکری

سر رشته دار : ص. عصمت الله خان

قاضی مرافعه : ف. ملاعبدالجلیل خان.

قوماندان کوتوالی : ش، مدد خان.

قاضی ابتدائیه : ف. سید کاظم خان.

ع، ش، س، ع محمد افضل خان حاکم اعلی

مدیر خارجه : ص، محمد امین خان.

« معارف :

« طبیه : ص نیاز محمد خان.

« معابر : « مدد خان.

مامور تحریرات : « غلام حیدر خان

« گمرك : « عبد المجید خان.

« زراعت : « عبد الکریم خان.

« خزانه : « جمال الدین خان.

منتظم تیلگراف : . . . . .

مامور پسته : ص، غلام علی خان.



ص ، عصمت‌الله خان‌سر رشته دار
اعلای جنوبی



ف ،ملا عبد الجلیل‌خان قاضی مرافعهٔ
سمت‌جنوبی



ش ، مدد خان قوماندان کوتوالی
سمت‌جنوبی



ف ، ملاسیدکاظم خان‌قاضی ابتدائیهٔ گردیز



ص ،محمدامین‌خان مدیرخارجهٔ‌سمت‌جنوبی



ط ، نیاز محمدخان مدیر شفاخا نهٔ گردیز



ص ، غلام حیدرخان مامور تحریرات
حکومتی‌اعلای‌جنوبی



ص، عبدالمجیدخان‌مامور گمرگ مرکزی
گردیز



تعمیر جدید بالاحصار گردیز که در سال ۱۳۱۲ تکمیل یافته

Nouvelle Construction de BALA-HISSAR de GARDEZ (Forteresse Militaire dans la Province du Sud).

حکومت اعلای میمنه



ع ، ع ، ص عبدالرزاق خان وکیل حاکم اعلای میمنه

وکیل حاکم اعلی : ع ، ع ، ص عبدالرزاق خان .

سرشته دار : ص ، محمد اسلم خان .

قاضی مرافعه : ف ، ملا محمد یوسف خان

وکیل قوماندان کوتوالی : ش ، محمد سرور خان .

مدیر گمرک : ص ، فخرالدینخان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملاعبدالرؤف خان .

مدیر خارجه : ص ، عبدالشکور خان .

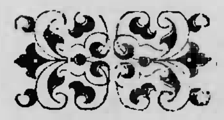
مامور تحریرات : « ، محمد کریم خان .

« طبیه : « ، محمد جانخان .

کفیل مامور زراعت : « ، آقا رحیم خان .

مامور خزانه : « ، عبدالحمید خان .

وکیل مامور معارف : « ، عبدالستار خان .



حکومت اعلای فراه وچخانسور

وکیل حاکم اعلی و قوماندان عسکری	:	ع،ع،ش محمد انور خان نائب سالار.
سرشته دار	:	ص، نور محمد خان.
قاضی مرافعه	:	ف، عبداللطیف خان.
قوماندان کوتوالی	:	ش، غلام حیدر خان.
مامور گمرك	:	ص، محمد حسن خان.

ع ، ع ، ش محمد انور خان وکیل حاکم اعلی و قوماندان عسکری فراه و چخانسور

قاضی ابتدائیه	:	ف، حاجی ملا احمد خان.
مدیر تعمیرات	:	ص، میر بهاؤالدین خان.
مامور تحریرات	:	ص، غلام محمد خان.
« مخابرات	:	« محمد نبی خان.
« طبیه	:	« محمد ابراهیم خان.
« زراعت	:	« سید محمد شفیع خان.
« خزانه	:	« محمد امین خان.
« معارف	:	« گلبدن خان.
منتظم تلگراف	:	« عبدالاحد خان.

حکومت کلان شمالی

حاکم کلان : ع ع خواجه محمد خان .

مدیر مالیه : ص ، عبدالرؤف خان .

قاضی ابتدائیه : ف ملا عبدالجلیل خان .

قوماندان کوتوالی : ش ، شیر احمدخان کندکمشر .

مامور گمرک : ص ، علی محمد خان .

حکومت کلان غزنی

حاکم کلان : ع ، ع آدم خان .

مدیر مالیه : ص ، محمد ناصر خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا صاحبجان خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، عین‌الدین خان تولیمشر .

مامور گمرک : ص ، محمد عمر خان .

حکومت کلان دایزنگی

حاکم کلان : ع ، ع محمد اکبر خان .

مدیر مالیه : ص ، محمد سعید خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملا جلال‌الدین خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، محمد نبی خان تولیمشر .

ماموور گمرک : ص ، محمد علیخان .

حکومت کلان لوگر

حاکم کلان : ع ، ع ، حاجی ملك خان .

مدیر مالیه : ص ، محمد رفیق خان .

قاضی ابتدائیه : ف ، ملاصالح محمد خان .

وکیل قوماندان کوتوالی: ب ، محمد حسن خان بلوکمشر

مامور گمرك : ص ، نور الحق خان .

حکومت کلان گرشك

حاکم کلان : ع ، ع دوست محمد خان .

مدیر مالیه : ص ، میا جان خان .

قاضی ابتدائیه : ف ملانورالحق خان .

قوماندان کوتوالی : غ ، عبدالاحد خان

مامور گمرك : . . . .

حکومت کلان قلات

حاکم کلان : ع ، ع محمد رفیق خان .

مدیرمالیه : ص ، محمد یعقوب خان .

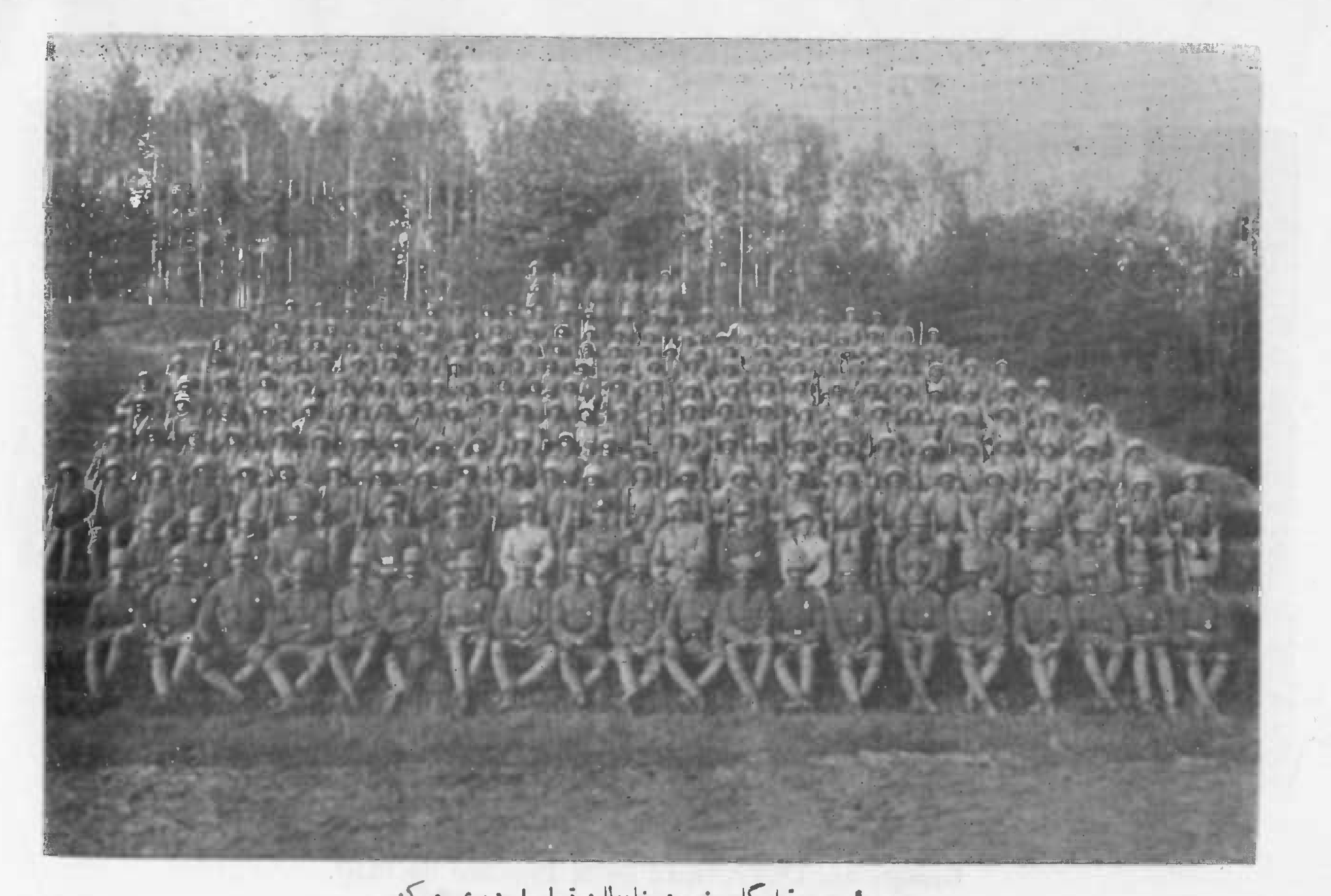
قاضی ابتدائیه ف ، ملاسید خان .

قوماندان کوتوالی : . . . .

مامور گمرك : ص ، سید احمد خان



گروپ منصبدارهای سمت جنوبی
Groupe des OFFICIERS de la Province du SUD.

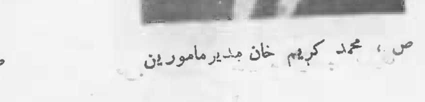


دورهٔ دوم تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردوی مرکز
Les Éléves du 2é Cours de Perfetionnement Militaire des Sous Officiers
du Corps d'Armée de Kaboul.



ع ، محمد یونس خان مدیر عمومی اداری

ص ، محمد کریم خان مدیر مامورین





ص، میر محمد صدیق خان کفیل مدیریت ویزه



ص، حفیظ الله خان مدیر محاسبه



ع، عبدالغفار خان مدیر عمومی اوراق



ص ، محمد ابراهیم خان مدیر شفر



م، سید عبدالله خان مدیر عمومی سیاسی

ص، محمد شفیع خان مدیر شعبهٔ شرق

ص، عبدالحکیم خان کفیل مدیریت شعبهٔ غرب

ص، عبدالرؤف خان مدیر مطبوعات

ع، عبدالصمد خان مدیر عمومی تشریفات

ص، محمد حیدر خان مدیر معاهدات



ع ، ع خواجه محمد خان حاکم کلان شمالی



ع ، ع آدم خان حاکم کلان غزنی



ع ، ع محمد اکبر خان حاکم کلان دایزنگی



ع ، ع حاجی ملك خان حاکم کلان لوگرد



ع ، ع دوست محمد خان حاکم کلان گرشك



ع ، ع سید آقا خان حاکم کلان شبرغان



ع ، ع محمد عزیز خان حاکم کلان بدخشان



ع ، ع محمد هاشم خان حاکم کلان اسمار





ص ، عبدالله خان منتظم تلگراف
سیمدار قندهار



ص ، عبدالاحد خان منتظم تلگراف
هرات



ص ، غلام سرورخان منتظم تلگراف
بی‌سیم مزارشریف



ص، محمد عالم خان مدیر مخابرات مشرقی



ص ، عبدالوکیل خان مامور مخابره مشرق

حکومت کلان ارزگان

وکیل حاکم کلان : ع ، ع شاه بزرگ خان .
مدیر مالیه : ص ، نظام الدین خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملاعبدالحلیم خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، عیدی احمد خان تولیمشر .
مامور گمرك : ص ، شرف الدین خان .

حکومت کلان شبرغان

وکیل حاکم کلان : ع ، ع سید آقا خان .
مدیر مالیه : . . . .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا محمد امین خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، محمد اکرم‌خان تولیمشر .
مامور گمرك : . . . .

حکومت کلان بدخشان

حاکم کلان : ع ، ع محمد عزیز خان .
مدیر مالیه : ص ، عبدالمجید خان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملامحمد غوث خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، محمد رفیق خان‌تولیمشر .
مامور گمرك : ص ، فخرالدین خان .

حکومت کلان اسمار و کنرها

حاکم کلان : ع ، ع محمد هاشم خان
مدیر مالیه : ص ، بابه جانخان .
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا عبدالغفور خان .
قوماندان کوتوالی : غ ، شیرمحمد خان تولیمشر .
مامور گمرك : . . . .

دورهٔ دوم شورای ملی افغانستان

شورای ملی افغانستان که از برجسته ترین خدمات و کارنامه های درخشندهٔ عهد پر افتخار نادر شاهی است دورهٔ اول آن با نتایج سود مندی باختتام رسیده و نماینده های آن دوره صادقانه ابراز تکالیف ماموریت نموده مرخص گردیدند.

اینک دورهٔ دومین آن که مجدداً انتخابات نماینده گان بامر شهریار جوانبخت افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله تعالی ملکه صورت گرفته و وکلای ملی بمرکز حاضر شده بودند بروز پنجشنبه ۳۱ جوزا بصالون بزرگ دارالشورای ملی کابل درصورتیکه مامورین دوایر، اعضای مجلس محترم اعیان، جمعیت العلما ودیگر معززین ملی حضور بهمرسانیده بودند، ذات ملوکانه درساعت (۱۰) قبل از ظهر تشریف آورده و بنطق ذیل مجلس را افتتاح فرمودند:

سواد نطق ملوکانه

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند متعال دورهٔ دوم تقنینیهٔ شورای ملی را افتتاح مینمائیم واز روحانیت پاک صاحب اولاک مستدعی هستیم که شورای ملی بطوریکه آرزوی ما وتمام بهیخواهان مملکت است دراوضاع اجتماعی افغانستان ترقی محسوسی را مؤسس گشته دولت وملت از آن مستفید شوند شورای ملی از اساسات ضروری نظام اجتماعی وموافق باوامر شرع مطهر اسلام است اعلیحضرت شهید سعید که عشق مفرطی بسعادت ابنای این خاک داشتند برای اینکه ترقیات مملکت را باجریان اجتماعی وفق داده اساس متینی را درجهانبانی افغانستان یادگار بگذارند شورای ملی را تشکیل و تأسیس فرمودند.

چنانچه دیدیم دورهٔ اول تقنینیهٔ شورای ملی نتائج خاطر خواهی بخشید.

نهایت خوشوقتیم که دردورهٔ حکمرانی خود بروفق آمال ونظریات وطنخواهانهٔ آنشاه مبرور شورای ملی را درمملکت عزیز خود تثبیت وبرقرار کرده اینک پس از حضور وکلای ملت درمرکز بکمال میل ومسرت دورهٔ دوم تقنینیهٔ شورای ملی را افتتاح مینمائیم امید واثق داریم که وکلای این دوره وظائف خود را بکمال درستی ووطنخواهی وبی آلایشی انجام داده دورهٔ وکالت شان منتج اثرات نیک وخشگواری گردد.

درینجا لازم میدانیم بوکلای محترم اظهار نمائیم که مقصد اساسی از تشکیل شورای ملی تأمین اساس وحدت واتفاق ملی است، مادامیکه جمعیت ها وافراد یک ملت بهمه معنی وصورت باهم متفق واز نقطهٔ نظر واحدی بمنافع ملیهٔ خود متوجه نشوند جریان پیشرفت وآسایش درآن مختل ومعطل میماند وآن ملت قامت شهامترا راست نتوانسته وازهمهٔ ملل عقب افتاده قادر بحل مشکلات شباروزی که ازوفور احتیاجات بشری تولید میشود نخواهندشد شورای ملی اساس حاکمیت ملیه است ومقصود ازتشکیل شورای ملی آن است که حاکمیت ملیه را بواسطهٔ اصول وقوانین متین بردوام داشته ملت وحکومت را برای پیشرفت وتعالی بیک نقطهٔ نظر متحد ومتفق سازد بعضی اشخاص ازبیعلمی تصور میکنند ملت چیز دیگر وحکومت چیزی دیگریست حالانکه حکومت وملت ازهم جدا نیستند حکومت ازملت وبرای حل مشکلات وپیشرفت آمال ملت است پادشاه وکابینه وشورای ملی متفقاً برای پیشرفت مقاصد ملت وترقی وتعالی مملکت کارمیکنند ومشکلات شباروز مملکت را حل وفصل مینمایند. شورای ملی نقشه های صحیحی برای پیشرفت وترقی وامور مدنی وعمرانی مملکت طرح وبغرض ترقی زراعت، تجارت، معارف، امور عمرانی مملکت ورفع احتیاجات ملت ومملکت اساسات نافع وسود مندی وضع مینماید.

ما بخدای قادرتوانا خیلی شکر گذاریم که از بدو تأسیس شورای ملی تاکنون وکلای محترم شورای ملی افغانستان خدمات برگزیده انجام داده وبرای سعادت حقیقی ملت ومملکت بدرجهٔ اعلی سعی وکوشش نموده اند

وشکر لله ملك و ملت نتائج خوب مساعی کابینهٔ دولت شورای ملی را دیده و می بینند. حکومت حاضرهٔ ما عیناً باساس راه و روش حکومت اعلیحضرت شهید سعید تشکیل یافته ومنظور یگانهٔ ما اعتلای دین و استحکام شریعت نبوی بوده وهست از خداوند جل شانه میخواهیم: اخلاق حمیدهٔ اسلام درملت نجیب افغانستان همیشه برقرار واستوار ماند.

جای بسیار شکر است که به همان اساس متینی که اعلیحضرت شهید سعید رحمة الله علیه در امور اداری واجتماعی مملکت وضع فرموده اند مملکت دارای قشون منظم بوده امور تجارت، وزراعت، معارف، عمران، صحیات وتمام اموریکه مربوط بوظائف دولت است بروفق آرزوو مرام انجام گرفته ودرهمه شعب مدنی پیشرفت نمایانی حاصل گشته.

جناب والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدر اعظم با کابینهٔ محترم شان و مامورین کشوری و لشکری خدمات و تکالیف خودها را بکمال صداقت و پاك نفسی انجام داده و میدهند والحمدالله درسرتاسر مملکت امنیت تامه موجود و وسائل عمرانی زیادی بوجود آمده است.

شرکتهای اقتصادی و صنعتی واحداث طرق و شوسه ها،حفر انهار، بند ها، تعمیر پل ها، اصلاحات بلدی که قسمت عمدهٔ امور مدنی مملکت را تشکیل میدهد دائما درپیشرفت بوده و هست و می توان امید وارشد که افغانستان عزیز در زودترین موقعی مراحل ترقی خودرا پیموده و خود را ازتمام احتیاجات عصری مستغنی گرداند.

همچنین سیاست امور خارجی مملکت بر همان اساس زمام داری پدر بزرگوارم اعلیحضرت شهید سعید با همه دولت های دوست ومعاهد دوستانه دوام دارد.

درخاتمه از خدای قدیر نیاز می کنم که به ملت و مملکت عزیز ما مواقع درخشان تری نصیب فرماید و به من وشما و سائر رجال مملکت توفیق خدمت گذاری را کرامت و ارزانی دارد.

❀ ❀ ❀

پس از نطق ذات ملوکانه ع،ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی بوکالت عموم وکلا نطق آتی را بحضور شاهانه عرض و قرائت نمود:

سواد نطق رئیس شورای ملی

اعلیحضرت شهریار محبوب ما! بمناسبت افتتاح دورهٔ دوم مجلس شورای ملی بحضور پادشاه عزیز و قائد اعظم خود تبریکات صمیمانه را عرض و تقدیم نموده عافیت و سلامتی ذات همایونی و سعادت ملت ومملکت افغانستان را از خدای حی توانا آرزو واستدعا می نمائیم!

اعلیحضرتا! ما ماموریت داریم احساسات بی آلایش واحترامات قلبیه و تعهد فدویت ووفاداری عامهٔ ملت را بحضور مبارك عرض واطمینان بدهیم که ملت افغانستان در سایهٔ تدابیر نیکوی اعلیحضرت غازی شهید رحمةالله علیه وبعد ها دورهٔ مسعود زمام داری شما ازهر جهت مامون وآرام بوده دقایق مسعودانه وآسوده بسر می برند اگرچه جراحات مفارقت و فقدان اعلیحضرت شهید سعید از قلوب ملت التیام ناشدنی است ولی خدای پاك را هزاران شکر و سپاس میگوئیم که با این ضیاع بزرگ جبران ناپذیر افغانستان بی سرپرست نمانده وبد خواهان وطن عزیز ما که خیال تباهی ما را درسر داشتند بمقاصد شوم خود کامیاب نشده ووجود مقدس همچو شما را بادارهٔ مملکت و تأمین آمال وتمنیات ملت تائید وزمام ادارهٔ کشور بکف کفایت شما تفویض شده و بسایهٔ دانش ولیاقت خداداد اعلیحضرت همایونی ومساعی جمیلهٔ اعمام بزرگوار تان وسایل خوشبختی ملت موجود وفراهم است. نصایح حکیمانه و فرمایشهای سودمندی را که درین موقع ایراد فرموده اید امیدواریم: بر طبق آن خدمات صمیمانهٔ خود را طوری انجام دهیم تا رضائیت کاملهٔ خداوند تعالی جل شانه و خورسندی اعلیحضرت همایونی را حاصل داشته بیشتر مصدر اعتماد و اطمینان ملت واقع شویم ضمناً بحضور مبارك یقین و اطمینان می دهیم که با اعلیحضرت شما همیشه وفادار بوده و اعلیحضرت شما را در تمام اعمال جلیل تان تائید و پیروی خواهیم نمود. درخاتمه بروح آن شهید راه سعادت وطن که بانی ومؤسس شورای ملی در افغانستان شده ودرین مورد مثل سایر موارد احسان بزرگی بقوم و ملت فرموده اند تحیات فرستاده از خداوند تعالی سلامتی وکامیابی اعلیحضرت شما و نهضت و ترقی مملکت افغانستان را آرزو و نیاز می نمائیم.

بعد ازان ج، ع، ج والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظم صاحب نطق آتیرا بحضور ملوکانه وعموم وکلای ملی ایراد نمودند:

سواد نطق والاحضرت صدر اعظم صاحب

اعلیحضرتا! نسبت بآن حصهٔ فرمایش همایونی که درین نطق غرای خویش راجع بخدمات هیئت حکومت خویش اظهار فرمودید من از طرف خود و کابینهٔ وزراء بحضورتان عرض می کنم: چون افغانستان عزیز یك خطهٔ اسلامیه و مدفن آباء واجداد و نیاکان ما ومحل امیدواری تمام عالم اسلام است برما خدام خود حقوق زیادی دارد لهذا خدماتی را که من وکابینهٔ وزرأ درراه فراهم آوری اسباب سعادت وارتقای افغانستان حسب نظریات اعلیحضرت شما که عیناً بر طبق خط مشی اعلیحضرت شهید نورالله مرقده می باشد انجام داده وی دهیم بیش از ایفای یك وظیفهٔ ایمانی ووجدانی که فرض ذمت هر فرد افغانی است نمیباشد.

اعلیحضرتا! من وکابینهٔ وزراء وعموم مامورین ملکی ونظامی وبالاخره تمام ملت دیانت طویت افغانستان که وطن عزیز خود را فوق العاده دوست داریم واز دل و جان برای سعادت و اعتلای ملت و مملکت خود بذل مقدرت می ورزیم امروز بکمال عجز ونیاز بدرگاه خالق بی نیاز شکرگذاریم که از لطف وکرم خود مانند شمایك شاه جوان جوان بخت جامع الاوصاف متوکل علی الله خلف رشید آنشاه شهید را که عمر گرانمایهٔ خود را درراه حصول مفاخر تاریخی وحفظ شرف و شئونات ملی افغانستان نثارکرده اند بر اریکهٔ سلطنت خود مشاهده می کنیم و تماماً آرزوداریم تا جان ومال واولاد خودها را در امتثال اوامر همچو شمایك پادشاه دیانت اکتناهی نثار کنیم که تمام فضایل دینی و اخلاق ومحسنات جهانبانی را از پدر نامدارتان اکتساب کرده اید.

در خاتمه ترفیع درجات اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید را خواستاریم که نگران حسن اوضاع افغانستانند ویقیناً امروز روح پاك شان ازین افتتاح دومین دورهٔ دارالشورای ملی که ازجملهٔ مؤسسات قیمتدار شان است خیلی شادمان میباشد ومزید موفقیت وکامیابی اعلیحضرت شما را که تحت ظل تان امروز وطن عزیزما از هر حیث وهرجهت مأمون ومصئون و قرین افتخار است از درگاه رب العزت مسئلت نموده می گوئیم که خداوند شما را بلندتر از پدرنامورتان درقلوب عامهٔ ملت افغانستان وعالم اسلام محبوب وهردلعزیز بسازدو بما توفیق را رفیق گرداند تاحسب میل وارادهٔ شما خدمت ملك و ملت خود را انجام دهیم و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد.

ریاست عالی مجلس شورای ملی



ع، ج عبدالاحد خان رئیس شورای ملی

هیئت رئیسه:

رئیس شورای ملی	:	ع، ج عبدالاحد خان.
معین	:	....
منشی	:	ص، عبداللطیف خان.
معاون منشی	:	« عبدالباقی خان.
سرکاتب مجلس	:	« عطا محمد خان.
« محاسبه	:	« فیض محمد خان.
« اوراق	:	« عبدالودود خان.

وکلاء :

وکیل شهر کابل	:	ع ، ج عبدالاحد خان .	مربوط ولایت کابل
» »	:	ص غلام محی الدین خان .	» »
» شش کروهی	:	« سید محمد خان .	» »
» پغمان	:	« عبدالظاهر خان .	» »
» لوگر	:	« سید عباس خان .	» »
» وردك	:	« عبدالقیوم خان .	» »
» میدان	:	« مولوی عبدالقدوس خان .	» »
» سیغان و کهمرد	:	« احمد جان خان .	» »
» بامیان	:	« سلطان علیخان .	» »
» چاریکار	:	« عبدالستار خان .	» »
» تگاب	:	« سید اکبر خان .	» »
» نجراب	:	« احمد علی خان .	» »
» ریزه کوهستان	:	« عبدالقدوس خان .	» »
» پنجشیر	:	« ولی محمد خان .	» »
» سرخ وپارسا	:	« عبدالعلی خان .	» »
» غوربند	:	« فقیر محمد خان .	» »
» جبل السراج	:	« سرفراز خان .	» »
» کوهدامن	:	« سید احمد خان .	» »
» غزنی	:	« شهاب الدین خان .	» »
» مقر	:	« حاجی عبدالقیوم خان .	» »
» جاغوری	:	« نادر علی خان .	» »
» کتواز	:	« محمد قجیر خان .	» »
» دایزنگی ودایکندی	:	« سید غلام رضاء خان .	» »
» بهسود	:	« میر محمد علی خان .	» »
» یکاولنگ	:	« میر حبیب‌الله خان .	» »
» سروبی	:	« محمود خان .	» »

وکیل کوچی دامانی کتواز	:	ص عبدالرحیم خان .	مربوط ولایت کابل
« شهر قندهار	:	« عبدالقیوم خان .	« ولایت قندهار
« حکومت دند	:	« گل بدین خان .	» »
« قلات	:	« محمد فضل خان .	» »
« کدنی	:	« شیر علیخان .	» »
« دهراهود	:	« غلام دستگیر خان .	» »
« تیرین	:	« فیض الله خان .	» »
« دهله	:	« حاجی گل محمد خان .	» »
« جلدك	:	« عبدالعزیز خان .	» »
« ارغستان	:	« عبدالصمد خان .	» »
« حکومت گرشك	:	« محمد موسی خان .	» »
« پشت رود	:	« عبدالرزاق خان .	» »
« ارزگان	:	« محمد شاه خان .	» »
« اجرستان	:	« میر افضل خان .	» »
« کوچی پشت رود	:	« دوست محمد خان .	» »
« شهر هرات	:	« محمد شریف خان .	« ولایت هرات
« بلوکات و علاقه داریهای مرکز:		« ملا فضل حق خان .	» »
« غور	:	« میر محمد محسن خان .	» »
« سبزوار	:	« محمد سرور خان .	» »
« غوریان	:	« محمد عزیز خان .	» »
« کشك و گلران	:	« محمد یعقوب خان .	» »
« قلعهٔ نو	:	« سلطان محمد خان .	» »
« بالا مرغاب	:	« ملا عبدالباقی خان .	» »
« اوبه	:	« حاجی سید محمد عمر خان .	» »
« تولك	:	« دوست محمد خان .	» »
« شهرك	:	« ملا رحمت الله خان .	» »
« چقچران	:	« عبدالعزیز خان .	» »

وکلای دورهٔ دوم شورای ملی افغانستان

Les Députés de la Deuxiéme Législature d'Afghanistan.



وکلای ولایت کابل

Les Députés de la Province de KABOUL.



وکلای ولایت قندهار
Les Députés de la Province de KANDAHAR.



وکلای ولایت هرات

Les Députés de la Province de HÉRAT.

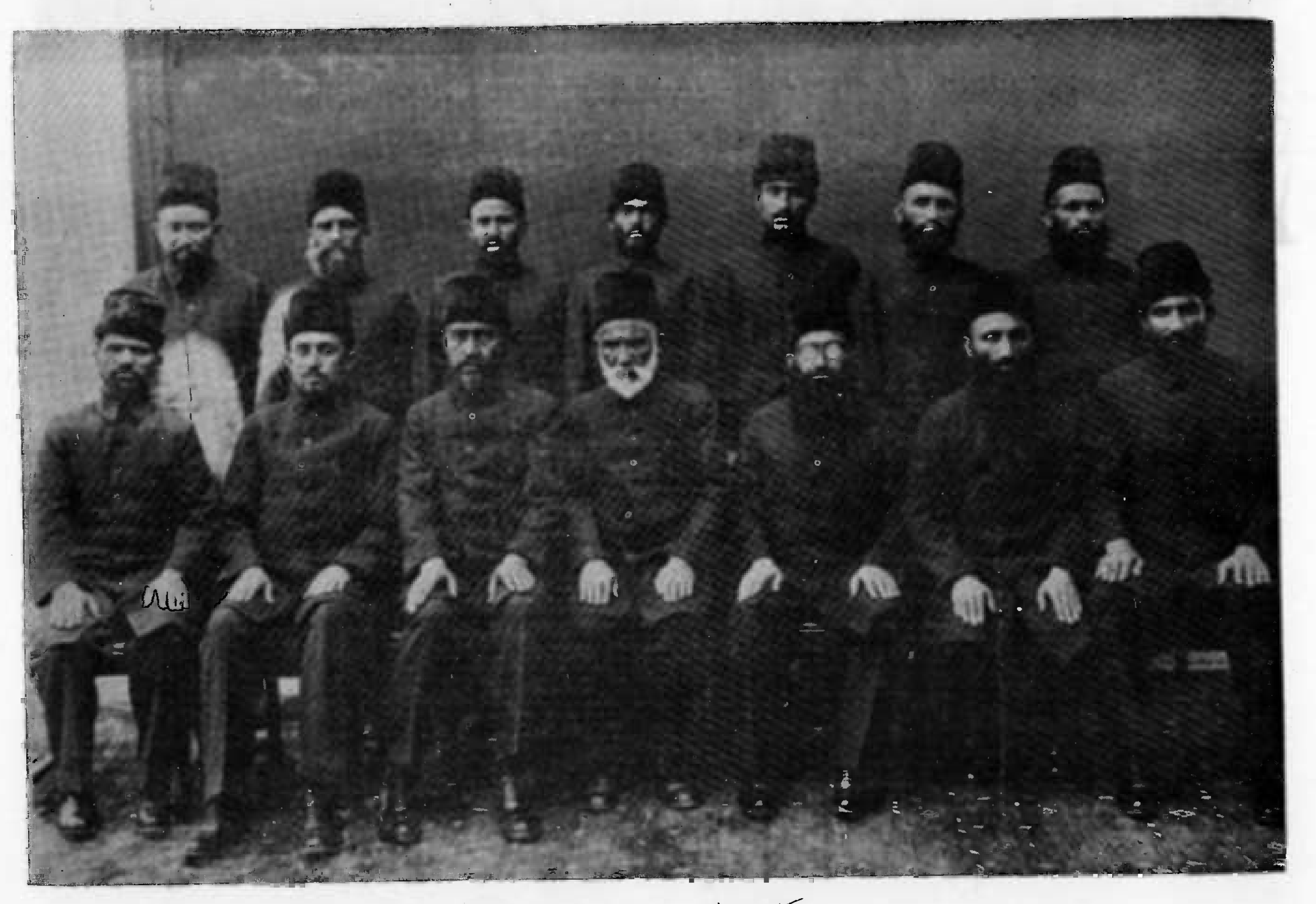


وکلای ولایت مزارشریف

Les Députés de la Province de MAZAR-I-CHÉRIF.



وکلای حکومت اعلای سمت مشرق
Les Députés de la Province l'EST.



وکلای ولایت قطغن و بدخشان
Les Députés de la Province de KATAGHAN-BADAKHCHAN.



وکلای حکومتی اعلای سمت جنوبی
Les Députés de la Province du SUD.



وکلای حکومتی اعلای سمت جنوبی
Les Députés de la Province du SUD.

وکیل شهر مزارشریف	:	ص عبدالکریم خان .	مربوط ولایت مزارشریف
» علاقه‌داریهای مربوطهٔ مرکز (حکومت نهر شاهی)	:	» رجب علیخان .	» »
» سنگ چارك	:	» ملا نورالدین خان .	» »
» تاشقرغان	:	» حاجی محمد ناصر خان .	» »
» آیبك	:	» میرزا کلان خان .	» »
» سرپل	:	» قاری محمد عظیم خان .	» »
» آقچه	:	» محمد شریف خان .	» »
» بلخ	:	» شیر زمان خان .	» »
» دولت آباد	:	» ملانورالله خان .	» »
» درهٔ صوف	:	» طوره بیگ خان .	» »
» شبرغان	:	» میر محمد اسلم خان .	» »
» شهر خان آباد	:	» غلام حیدر خان .	» ولایت قطغن و بدخشان
» قندوز	:	» عبدالغیور خان .	» »
» نهرین	:	» سید محمد خان .	» »
» حضرت امام	:	» ملا صاحب نور خان .	» »
» اندراب	:	» ملا بابه خان .	» »
» غوری	:	» نائب خوشوقت خان .	» »
» تالقان	:	» ملا محمد اکرم خان .	» »
» مرکز بدخشان	:	» محمد ذاکر خان .	» »
» رستاق	:	» برهان الدینخان .	» »
» درواز	:	» ملا واکی خان .	» »
» کشم	:	» ملا حسین خان .	» »
» جرم	:	» غلام نبی خان .	» »
» چال واشکمش	:	» میر فضلی احمد خان .	» »
» ینگی قلعه	:	» بابه جان خان .	» »
» شهر جلال آباد	:	» محمد انور خان .	» حکومت اعلای مشرق
» سرخ رود	:	» سید محمد صادق خان .	» »

وکیل مهمندره	:	ص عبدالله خان .	مربوط حکومتی اعلای مشرق .
« شنوار	:	« محمد ظفر خان .	» »
« کامه	:	« میان عبدالغفور خان .	» »
« لغمان	:	« حاجی عبدالقادر خان .	» »
« نورستان	:	« مشك عالم خان .	» »
« کجهٔ خوگیانی	:	« شیر علی خان .	» »
« حصارك غلجائی	:	« ملا محمد امیر خان .	» »
« حکومت کلان کنرها	:	« ملا مجاهدین خان .	» »
« برکنر (درهٔ سین)	:	« محمد امین خان .	» »
« درهٔ پیچ	:	« محمد حسن خان .	» »
« رودات	:	« میا جانخان .	» »
« کنر خاص و کوزکنر	:	« سید جانخان .	» »
« کوچی ننگنهاری	:	« محمد هاشم خان .	» »
« گردیز	:	« شهنواز خان .	« حکومتی اعلای جنوبی .
« زرمت	:	« محمد نعیم خان .	» »
« ارگون	:	« سید حبیب شاه خان .	» »
« خوست	:	« صاحب جانخان .	» »
« »	:	« میرزا محمد خان .	» »
« جدران	:	« نیك محمد خان .	» »
« منگل	:	« یدك خان .	» »
« مرکز و علاقه‌داریهابیرون‌سونه	:	« ابوالقاسم خان .	« حکومتی اعلای میمنه .
« تگاب شیرین	:	« سید ابولخیر خان .	» »
« اند خوی	:	« ملا چهاریار قل خان .	» »
« قیصار	:	« ملا عبدالرحمن خان .	» »
« درزاب و گرزیوان	:	« عبدالرحمن خان .	» »
« مرکز فراه	:	« سلطان محمد خان .	« حکومتی اعلای فراه .
« بکواه و خاشرود	:	« غلام سرور خان .	» »
« چخانسور	:	« یار محمد خان .	» »

ریاست مجلس عالی اعیان



ع ، ج میرعطا محمدخان رئیس مجلس عالی اعیان

رئیس	:	ع ، ج میر عطاء محمد خان .
معاون اول	:	ع ، ص حاجی محمد اکبرخان .
« ثانی	:	« « عبدالرحیم خان .
رئیس تمیز	:	ف ، ملاعبدالله خان .
اعضای مجلس	:	ص ، سردار گل محمد خان .
« «	:	« حافظ عبدالغفارخان .
« «	:	« حاجی خیر محمد خان .
اعضای مجلس	:	ص ، حاجی عطامحمد خان .
« «	:	« عبدالحکیم خان .
« «	:	« سردار محمد سرور خان .
« «	:	« معاذالله خان .
« «	:	« شرف الدینخان .
« «	:	« جان محمد خان .
« «	:	« سید یاقوت شاه خان .
« «	:	« ملك رحمدل خان .
« «	:	« ایشان امام الدینخان .
« «	:	« شاه محمود خان .



ع . ص حاجی محمد اکبر خان معاون اول مجلس اعیان

اعضای مجلس : ص حاجی عبدالرحیم خان .



ع ، ص عبدالرحیم خان معاون دوم مجلس اعیان

» » : » غلام معروف خان .

» » : » عبدالحمید خان .

» » : » خان آقا خان .

» » : » محمدرسول خان .

» » : » عبدالصمد خان .

» » : » عبدالغفور خان .

» » : » حاجی عبدالحکیم خان .

» » : » سید فیض الله خان .

» » : » حاجی میرزا محمود خان .

» » : » عبداللطیف خان .

» » : » امین الله خان .

» » : » محمدعمر خان .

» » : » عبدالستار خان .

» » : » میر محمد علی خان آزاد .

» » : » سید احمد خان .

» » : » علی احمد خان .

» » : » عبدالرحمن خان .



حضراتیکه جدید بعضویت مجلس اعیان عز تقرر حاصل نموده اند:
از راست به چپ: ۱ ـ محمدحسن خان مهمند ۲ ـ خداداد خان ۳ ـ جلال الدینخان وردک ۴ ـ سردار محمد سرورخان
۵ ـ سید احمدخان ۶ ـ نظر محمدخان زرمتی.
Les Nouveaux Membres du ; énat.



ص، عبداللطیف خان منشی ریاست
شورای ملی



ع ، ص محمد یوسف خان رئیس دائرهٔ نسلگیری
و تربیهٔ حیوانات



ص ، سید محمد خان منشی ریاست مجلس
اعیان



ع ، عبدالغفار خان سرحد دار دکه



ص ، محمد موسی خان مدیر محاسبهٔ ریاست
تربیهٔ حیوآنات



ص ، میرعلی احمد خان مدیر هوتل کابل



غ ، عبدالغفورخان وکیل سر مامور
پولیس کابل



ش ، سید کمال خان مدیر محبس ده مزنگ



ص ، غلام رضا خان مدیر محاسبهٔ
قوماندانی کوتوالی کابل

اعضای مجلس	:	ص محمد حسن خان .
» »	:	» خدا داد خان .
» »	:	» نظر محمد خان .
» »	:	» ملك محمد اصغر خان .
» »	:	» جلال الدین خان .
» »	:	» دیوان حکم چند .
منشی »	:	» سید محمد خان .
سرکاتب تحریرات مجلس	:	» محمود خان .
» انجمن تحقیقیه	:	» محمد انور خان .
» » تدوین اصول	:	» سید محبوب خان .
» محکمهٔ تمیز	:	» نظام الدین خان .
» محاسبه	:	» محمد یوسف خان .
» اوراق	:	» محمد اکبر خان .





و ، ج گل احمد خان رئیس بلدیه

ریاست بلدیهٔ کابل

رئیس	و ، ج گل احمد خان .
معاون رئیس	ص ، سید جلال الدین خان .
ترجمان	« کمال الدین خان .
مدیر تحریرات	« عبدالله خان .
« محاسبه	« محمد ابراهیم خان .

مامور خزانه	:	ص ، محمد عثمانخان .
« تحصیلی	:	« تاج محمدخان .
مامور نمبر موتر وکادی	:	« بابه جانخان .
نگران	:	« عبدالحنان خان .
مهندس	:	عزتمند مستر ژه ساهلو .
«	:	ص ، تاج الدین خان .
پیمایشی	:	« محمدحسین خان .
«	:	« غلام غوث خان .



ع ، سید جلال الدین خان معاون



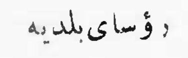
ص ، عبدالله خان مدیر تحریرات



ص ، محمد ابراهیم خان مدیر محاسبه



ص ، محمد عثمان خان مامور خزانه



رؤسای بلدیه



ع ، غلام یحیی خان رئیس بلدیهٔ هرات



ع، میر عبدالسلام خان رئیس بلدیهٔ خان آباد



ع، سلطان احمد خان رئیس بلدیهٔ جلال آباد



ع ، غلام حیدر خان رئیس بلدیهٔ گردیز

Les Chefs des Municipalité

نقشه کش	:	ص، عبدالمجید خان .
« «	:	« رمضان علی خان .
مفتی کار ممیزی	:	« ملا فتح محمد خان .
معمار باشی مهندسی	:	« محمد نعیم خان .
« ممیزی	:	« حبشو خان .
نجار باشی «	:	« محمد زمان خان .
مامور تفتیش وسنجش	:	« محمد نعیم خان .
« اوراق	:	« عبد الواحد خان .

رؤسای بلدیهٔ مراکز ولایات وحکومتی های اعلی وکلان

قندهار	:	ع، سید محمد اکرم خان .
هرات	:	« غلام یحیی خان .
مزار شریف	:	« عبد الجبار خان .
خان آباد	:	« میرعبدالسلام خان.
جلال آباد	:	« سید محب علی شاه خان .
گردیز	:	« غلام حیدر خان .
میمنه	:	« صالح محمد خان .
فراه	:	« محمد حسین خان .
غزنی	:	. . . .
چهاریکار	:	. . . .

تشکیلات دوائر حضور

وزارت دربار



ع، ج سردار احمد شاه خان وزیر دربار

وزیر دربار : ع،ج والاحضرت سردار احمدشاه خان.

معین : ع،ص محمد حیدر خان.

مدیر تنظیمات : ص عبدالرحیم خان.

« محاسبه : « محمد علیخان.

« نقلیه : « میر اکبر خان.

خزانه دار : ص، سراج الدینخان.

ناظر کارخانهٔ طباخی: « حاجی نظر محمد خان.

وکیل فراش باشی: « عبدالرشیدخان.

موتران باشی : « خواجه محمد خان.



ع، ص محمد حیدر خان معین دربار



ص عبدالرحیم خان مدیر تشریفات و تنظیمات

ص محمد علیخان مدیر محاسبه

ص میر اکبر خان مدیر نقلیه



ص سراج الدین خان مدیر خزانه




ص عبد الرشید خان وکیل فراشباشی

ص خواجه محمدخان موتر ران باشی عمومی



ع ، حافظ نور محمد خان مدیر شعبهٔ اول



ع ، عبدالاحد خان مدیر شعبهٔ دوم



ع ، سراج الدین خان مدیر شعبهٔ سوم



ع ، غلام قادر خان وکیل مدیر شعبهٔ چهارم



غ ، ص خواجه جانگل خان رئیس دائرهٔ خصوصی حضور



جناب فاضل آقای سید مبشر خان طرازی مترجم زبان عربی و تورکی



ص، عبدالرشید خان مترجم زبان انگلیسی



ص ، محمد حیدر خان مترجم زبان فرانسوی



ص، محمد حسن خان مترجم زبان انگلیسی

دارالتحریر شاهی



ع، ج محمد نوروز خان سرمنشی حضورملوکانه
ورئیس محترم انجمن ادبی

سرمنشی حضورملوکانه: ع، ج محمدنوروزخان.

مدیر شعبهٔ اول : ع، حافظ نورمحمد خان.

« « دوم . « عبدالاحمد خان .

« « سوم : « سراج الدینخان .

کفیل « چهارم : « غلام قادر خان .

مترجم عربی و ترکی : ص، سید مبشر خان طرازی .

« انگلیسی و اردو : « عبدالرشید خان .

« « « : « محمد یعقوبخان .

« فرانسه : « محمد حیدر خان .



سریاوریت حربی حضور همایون

سریاور حربی حضور : ع، ش سید محمد شریف خان فرقه مشر اول

معاون سریاور : « « محمد لطیف خان « « ثانی .

یاور حربی حضور : « « فیض محمد خان « « ثانی .

« « « : ح ، محمد صفر خان غند مشر اول .

« « « : « شیر محمد خان غند مشر اول



ع ، ش سید محمد شریف خان سریاور حربی حضور

یاور حربی حضور : ح ، عبدالغنی خان غندمشر ثانی .

« « « : ش ، عبدالله خان کندکمشر .

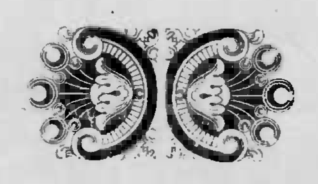
« « « : « ، محمد حسین خان « .

« « « : غ ، عبدالله خان تولی مشر .

« « « : « ، محمد افضل خان « .

« « « : « ، غلام محمد خان « .

سر کاتب تحریرات : ص ، پاینده محمد خان .



مصاحبین حضور ذات ملوکانه



ع، ص حاجی محمد نواب خان



ع، ص محمد سرور خان



ع، ص صالح محمد خان



ع، ص سلطان احمد خان

یاور های حربی حضور ذات شاهانه



ع ، ش محمد لطیف خان فرقه مشر
معاون یاور حربی حضور



ع ، ش فیض محمد خان فرقه مشر یاور حربی حضور



ح ، محمد صفر خان غند مشر اول
یاور حربی حضور



ح ، شیر محمد خان غندمشر یاور حربی حضور



ح ، عبدالغنی خان غند مشر یاورحربی حضور



ح ،عبدالله خان غندمشر یاور حربی حضور



ش ، محمد حسین خان کندکشر یاور
حربی حضور

Les Aides de Camps de Sa Majesté.



یك منظرهٔ قصر دلكشا

Une Vue du Palais de DÉLKOUCHA (Palais Royal à Kaboul)

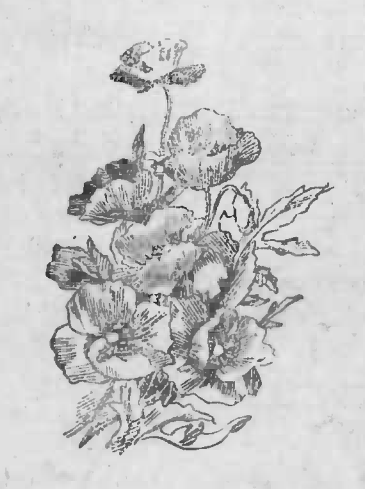


دور نمای برج شمالی و یك قسمت از ارگ شاهی
Une Partie du Forteresse de l'ARG (Citadelle Royale à Kaboul).

دائرهٔ قلعه بیگیت ارگ شاهی


ع ، ش عبدالغنی خان قلعه بیگی ارگ

قلعه بیگی	:	ع ، ش عبدالغنی خان فرقه مشر.
سرکاتب محاسبه	:	ص ، غلام علی خان .
کاتب تحریرات	:	« محمد عمر خان .
گدامدار	:	« خرم‌دل خان .
مامور توقیفخانه	:	« سراج‌الدینخان .



اجراآت دوائر مملکتی

امور حربیه

دراثر توجهات دولت ومجهودات خستگی ناپذیر والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار ووزیر حربیه ؛ امور حربیهٔ افغانستان روز مره ترق و پیشرفت مینماید .

این ترقیات امورعسکری افغانستان منحصر بخود مرکز نبوده بلکه در تمام نقاط مملکت مشاهده میشود چه نظر بتوجه ومساعدت وزارت جلیلهٔ حربیه ، قوماندانها وصاحبمنصبان محترم عسکری ولایات واطراف مجهودات ومساعی درین باره بکار برده عیناً پیرو افکار و نظریات قائد محترم خود میباشند .

اردوی امروزهٔ افغانستان با خوب ترین اسلحه و تجهیزات حربیهٔ عصری مجهز بوده مالك تعلیم و تربیهٔ صحیح ودارای روح اطاعت وسلحشوری بوده تحت دسپلین (انضباط) میباشد .

قشله های قشونی درمرکز کاملاً تعمیر شده ودرولایات بلافاصله تعمیر می پذیرد تعمیر این قشله ها عموماً از نقطهٔ نظر صحیه بوده برای اقامت عسکر ها از هرجهتی خوش آیند است .

از تعلیم گاهای عسکری کابل ومکتب حربیه وقتاً فوقتاً ضابطان و صاحبمنصبان کامیاب خارج می شود چنانچه از نفری صاحبمنصبان موصوف تا حال عدهٔ زیادی درصنوف مختلفهٔ اردوهای مرکز وولایات داخل شده اند .

در سال ۱۳۱۲ تعلیم گاهای پیاده ، توپچی ، سوار ، دوره های دوم خود را اکمال کرده و بدورهٔ سوم آغاز نمودند ، صاحب منصبانیکه درین سنه کامیاب برآمدند هرکدام مورد الطاف و انعام حکومت متبوع واقع گردیدند .

کذا تعلیمگاه خورد ضابطان فرقهٔ شاهی وقول اردوی کابل درین سال بکمال موفقیت بوده ، خورد ضابطان کامیاب آن مورد نوازش ومکافات دولت واقع شده ودر قطعات عسکری شامل گردیدند .

مدیران این تعلیم گاها مورد تفقد ودرازای خدمات لایق خود نشان خدمت گرفتند .

درین سنه بهمکتب حربیهٔ کابل واصول تعلیم وتربیهٔ طلاب آن ازقسم ورزش وعملیات واقسام سپورتها توجهٔ زیادی مبذول شده ویکعده ازطلاب مکتب حربیه که دورهٔ تحصیلات خودرا باکمال رسانیده بعد از اخذ شهادت نامه علی الاصول بقطعات مؤظف گردیده اند .



نمایش سکاوت در جشن استقلال ۱۳۱۲ که از طرف والاحضرت وزیر صاحب حربیه ملاحظه می‌شود
Manoeuvre des Boy-Scots pendant les Fêtes de l'Indépendance (Kaboul-1312).



نمایش سکوت در جشن استقلال ۱۳۱۲ بعد از ادای سلامی بیرق ملی
Mandeuvre des Boy-Scots Pendant les Pètes de l'IndéPendance KABOUL 1312

نظر به خدمات وحسن وفا داری که عموم عساکر افغانستان نسبت به دولت و مملکت خود ظاهر ساختند در ۲۹ عقرب ۱۳۱۲ به معاش عموم افراد و خورد ضابطان تزئید و برعلاوه به تمام افراد و خورد ضابطان و عموم صاحب منصبان یك یك نشان صداقت اعطا شده .

برای اینکه عموم افراد عسکر در حال صحت و سلامت بدن باقی مانده بامراض مبتلا نشوند از دوائر صحیهٔ قشونی (انجکسیون) امراض مختلفه شده اند .

اجمال اجراآت وکارروائیهای امور حربیهٔ مملکتی در سال ۱۳۱۲ قرارآتی است :

۱ : ترتیب پروژه های اردو وتطبیقات آن نتایج خیلی صحیح داده است . هیچیك مسئلهٔ سوقیات وحرکات عسکریه نبوده که نتیجهٔ موفقانه نداده باشد .

۲ : تقسیمات وضع الجیش :

قبلاً تقسیمات عسکریه بدون از نقطهٔ نظر وضع الجیش و اکثریاً بدون یك مقصد بوده بصورت پراگنده که قطعه بهرجا وضع شده بحال خود مانده بود . اخیراً این تقسیمات بصورت اساسیه گردیده طوریکه وضع الجیش یك قطعه نظر بایجابات عمومیهٔ وضع الجیش تقاضا میکرد احضار کرده شده است که فی الحال وضع الجیش اکثر قطعات اردو بصورت اساسیه ترتیب واجرا شده ومتباقی آن نیزدرتحت غور و تدقیق میباشد .

۳ : تقرر دودسته کمیساریت یکی بحدود شمالی افغانستان ویکی در حدود غربی مملکت لزوم دیده شد که اکنون کمیساری های مذکور بهنقاط لازمه توظیف گردیده ، علاوه ، ازاینکه بانتظام وتسهیلات امور سرحدیه مکلفند ، حل وفصل بعضی معاملاتیکه در سرحدات دول همسایه وافغانستان ظهور کند نیز توسط کمیساری های مذکور کرده میشود .

٤ : یکی از تهانه جات هرات (دهنهٔ ذوالفقار) که موقعیت مناسبی برای سرحدداری داشت لزوم تقرر یکنفر سرحددار دیده شده وعنقریب یکنفر سرحدداراز مرکز مقرر واعزام خواهد شد . تابرای اشخاصیکه از (هرات بممالك همجوار عبور ویا از آنجاها به هرات ورود میکنند) پاسپورت وغیرهٔ شان را ملاحظه نموده دریخصوصات ، تسهیلات پیش کند .

٥ : به نسبت رفع بعضی تکالیف اشخاصیکه از بندر (بروغیل) بد خشان بخارج ویا داخل افغانستان مروروعبور میکردند لزوم یك سرحدداری درمنطقهٔ مذکوره که (قبلاً عبارت از یك تهانه بود) نیز دیده شده واکنون یکنفر سرحددار برای اجرای امور سرحدداری مذکورمؤظف شده است .

٦ : لایحهٔ وظایف سرحدداری ؛ تدوین وترتیب گردیده وجهت غور وتدقیق بهمجلس عالی شورافرستاده شده است که بعد از تدقیق ومنظوری وصحهٔ مقامات عالیه ، امورسرحدداری نظر به لایحهٔ مذکوره درمحل اجرا گذاشته میشود .

۷ : راجع به اموال گریزی که (از طرف عساکر موظفهٔ سرحدات دستیاب میشود یك لایحهٔ موقتی الی زمانیکه لایحهٔ اساسیهٔ آن از طبع برآمده توزیع شود تعیین وترتیب گردیده به قوماندانان قطعات حدود ، فرستاده شد که نظربآن اجراآت نمایند .

۸ : به نسبت تقسیمات وتعیین قطعات ولوایح حرکات وغیره امور عسکریه به خریطهٔ طوبوغرافی احتیاجات زیاد دیده میشد ، برای اجرای این مقصد ، یك مدیریت خریطه ، دردوائر ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه جدیداً تشکیل گردیده است .

۹ : برای اینکه افراد اردو بصورت عصری دارای تعلیم و تربیه شوند مکتب خوردضابطان تاسیس واز تمام ولایات افغانستان یك تعداد مکفی نفری لایق اخذ گردیده است ، واز طرف معلمین باکفایت تحت تعلیم صحیح واساسی گرفته شده اند . طلاب این مکتب بعد از فراغ تعلیم و تربیهٔ معینهٔ عسکریه خارج گردیده به حیث خورد ضابط به قطعات عسکریه موظف میگردند .

۱۰ : برای اینکه طلاب یك معلومات عمومیه استحصال نموده مستعد برای شمول مکتب حربیه شده بتوانند لازم دیده شد تامکتب احضاری تاسیس گردد ؛ درمکتب مذکور از اولادهای معززین افغانستان شمولیت ورزیده تعلیمات دروس اینها هم بعد از تعمق و مداقهٔ زیادی درتحت یك پروگرام منتظم ترتیب گردیده است و تلامیذ مربوطهٔ این مکتب هم بعد از تکمیل دروس معینهٔ پروگرام به مکتب حربیه و شعبات مختلفه داخل میگردند .

۱۱ : در فرقه ها وقول اردو ها یك عده از اشخاص برگزیدهٔ افراد سائر انتخاب و تحت پروگرام جداگانهٔ که از طرف این دائره ترتیب وتصدیق شده است تحت تعلیم و تربیهٔ عصری تری آمده و نتائج خوبی گرفته شده .

۱۲ : چون موزیك در روح عساکر تاثیرات زیادی داشته واز جملهٔ عوامل تشجیع عسکری بشمار میرود ، لهذا یك تعلیمگاه جدید تاسیس گردیده است و پروگرام این تعلیمگاه هم بروفق کورس های موزیقی دول مترقیه ترتیب و در تحت تعلیم معلم عصری موزیك مصروف تکمیل دروس تعلیمات مرجوعهٔ خود هستند .

۱۳ : چون اردو بداشتن انجنیران طوپهای جدید احتیاج شدیدی دارد لهذا یك کورس انجنیری در شرف افتتاح است وطلاب آن هم تکلیف کرده شده است تا ازین رهگذر ، اردودارای انجنیران لایقی گردد.

۱٤ : درعموم پروگرام های اردو مداقه و سنجش بعمل آمده بعد از اصلاحات زیادی بهر صنف عسکری جدا جدا توزیع و درمعرض تطبیق گذاشته شده است .

۱۵ : درجملهٔ بست صاحبمنصبانیکه جهت اخذ تعلیم و تربیه به تعلیمگاهای صنوف مختلفه شامل میگردند امسال افزود کرده شده است .

۱٦ : تالیف و ترجمهٔ تعلیمنامه ها وکتاب های مفید و نوت های تدریسی مکاتب و تعلیمگاهای عسکری قسماً طبع و قسماً تحت طبع و بعضاً تحت غور و مداقه میباشد .

۱۷ : تزئید صحایف مجموعهٔ اردو و تکثیر مندرجات وموضوعات مفیده برعلاوهٔ مقالات مسلکی از قبیل روحیات عسکری و اختراعات موضوعات تاریخی وغیره .

۱۸ : تبدیل فورم البسهٔ صاحبمنصبان وکتاب منسوبین قطعات اردو بطور مناسب ساخته شده تاساختمان البسهٔ عسکری مختلف نبوده به یك رنگ و یك نسق باشد . ضمناً تعمیم و ترویج قماش های وطنی و ترتیب اصولنامهٔ البسه تهیه کرده شده .

۱۹ : تالیف و ترتیب اصولنامه ها و لوائح و تعلیمنامه ها : ۱ ـ جلد اول تعلیم نامهٔ پیاده . ۲ ـ جلد ۲ تعلیمنامهٔ پیاده . ۳ـ جلد اول تعبیهٔ پیاده . ٤ـ جلد پنجم تعبیهٔ هوا بازی . ۵ـ تعلیمنامهٔ سواری . ٦ـ وضع اسامی پرزه های تخنیکی طیاره . ۷ ـ وضع اسامی پرزه های ماشیندار گولت . ۸ ـ تالیف کتاب های تعبیهٔ اسامی صنف توپچی . ۹ ـ اصولنامهٔ مبارزهٔ برچه . ۱۰ ـ اصولنامهٔ خدمات داخلیه . ۱۱ ـ اصولنامهٔ خدمات داخلیهٔ مکتب حربیه . ۱۲ـ : غور وتعدیل وظائف قرار گاه قول اردو ودوائر وزارت حربیه . ۱۳ ـ اصولنامهٔ وظایف عسکری سرحدداری . ۱٤ ـ اصولنامهٔ مراسم

جنازهٔ عسکری وتجهیز وتکفین، اسقاط وخیرات نفریعسکری (طبع و توزیع گردیده است). ۱۵ـ اصولنامهٔ مکافات ونشانها . ۱۶ـ اصولنامهٔ تقاعد. ۱۷ـ لایحهٔ خریداری واستعمال ماشیندارهای سیستم جدید. ۱۸ـ لایحه برای جمیع طیارات افغانی نظر بطیران ووظائف شان که اسامی طبور گذاشته (ولایحهٔ مصوبهٔ آن بقومانданی طیاره فرستاده شده). ۱۹ـ تعیین درجات کتب عسکری که اولتر کدام وپس ازان کدام کتابها از زبانهای خارجه نظر باحتیاج وضرورت اردوها ترجمه گردیده بقطعات توزیع شود. ۲۰ـ لایحه در خصوص صورت تراجم و تعیین حق‌الزحمهٔ مترجمین نظر به لسانهای مختلفه اجنبی. ۲۱ـ پیشنهاد تشکیلات ژاندرمه. ۲۲ - لایحه درباب اینکه برای اردوهای محتشم افغانی کدام نوع اصول تعلیم وتربیه اتخاذ شود. ۲۳ ـ لایحه درخصوص وسائط تطبیق تعلیم وتربیه. ۲۴ ـ لایحهٔ مکاتب خورد ضابطان ولواحق آن. ۲۵ـ لایحهٔ پذیرائی. ۲۶ـ لایحه در باب رخصتی وغیر حاضری مستخدمین مکتب حربیه. ۲۷ـ لایحهٔ خدمات تعلیمگاها. ۲۸ـ تعیین هیئت مصححین جهت تصحیح تراجم لسانهای اجنبی.

۲۰ : فابریکات حربی البسهٔ عموم افراد عسکری را تهیه، وبر علاوه تسرهای سفید ساخت وطن را که در فابریکه های نساجی وطنی برای البسهٔ عسکری ساخته شده رنگ آمیزی نموده و نظر به سالهای گذشته قماش بهتر و بقیمت مناسب برای وزارت حربیه تمام شده.

۲۱ : تاسیس یك خیاط خانهٔ عمومی دروزارت حربیه که درهرسال البسهٔ عموم قشون مملکت را ساخته میتواند.

۲۲ : خریداری وتدارك موترها برای حمل ونقل قشونی اطراف.

۲۳ : تنظیم عموم شفاخانه های عسکری درمرکز وولایات.

۲۴ : تعمیرات عسکری:

۱ـ تعمیر مکتب حربیه در بالاحصار کابل بصورت عصری که طبقه اول آن درشرف اختتام است و تسطیح و نهال شانی باغ آن تکمیل شده.

۲ـ تعمیر عمارت عصری جهت ادارهٔ فرقهٔ شاهی.

۳ـ اکمال و توسیع عمارت کلوب عسکری درمتصل میدان طیاره.

۴ـ تعمیر عمارت عصری جهت نشیمن طلاب مکتب احضاریهٔ حربیه در موضع باغ شهرآرا معهٔ تمام لوازم آن از قبیل مطبخ، تحویل خانه، وپهره دارخانه وغیره.

۵ـ تعمیر دیوار احاطهٔ باغ مکتب احضاریه.

۶ـ تعمیر عمارت در موضع باغ چرمگر جهت نشیمن معلم تعلیمگاه پیاده.

۷ـ تعمیر چهاونی برای نفری حاضر باشها معهٔ عمارت عصری برای نشیمن نفری افسران.

۸ـ تعمیر یك بارك جدید برای افراد در فابریکهٔ حربی.

۹ـ تعمیر منزل دوم سر دروازهٔ تعلیمگاه پیاده و توپچی.

۱۰ـ تعمیر پهره دارخانه ها و تحویل خانه های مکمل جدید در تعلیمگاه توپچی.

۱۱ـ تعمیر پهره‌دارخانه ها و اسطبل در تعلیمگاه پیاده.

۱۲ـ تعمیر موترخانهٔ مکمل برای موترهای نقلیه در موضع شیرپور.

۱۳ـ تعمیر اسطبل وگدام‌کاه جهت حیوانات فرقهٔشاهی در شیرپور.

۱۴ـ تعمیر اسطبل جدید جهت‌حیوانات قول اردوی مرکزی.

۱۵- تعمیر گدام و پهره دارخانه هامعهٔ حوض آب برای حیوانات نقلیه در تعلیمگاه سواری .
۱۶- تعمیر جباخانه در بالاحصار غزنی .
۱۷- تعمیر بارکهای دومنزله و یك منزله برای افراد نظامی در غزنی .
۱۸- تعمیر چهاونی منظم وگدام جهت آذوقه در فراه .
۱۹- تعمیر شفاخانه بطور عصری در فراه .
۲۰- تعمیر جبخانه درفراه .
۲۱- تعمیر تهانه جات متعدد سرحدات در فراه .
۲۲- تعمیر تهانهٔ جدید در ماروچاق هرات .
۲۳- تعمیر قشلهٔ عسکری در میمنه .
۲٤- تعمیر یك چهاونی جدید در جلال آباد که باکمال رسیده وعسکر ها دران رهایش میکنند .
۲۵- تعمیر چهاونی کمکی خیبر که یك قسمت آن تعمیر شده مابقی آن در تحت تعمیر است .
۲٦- چهاونی کامه که کار تعمیر آن جاری و در سال آتی اکمال خواهد گردید .
۲۷- تعمیر پوستهٔ جدید عسکری واقع چغسرای که کار آن جاری و قریب اختتام است .
۲۸- تهانهٔ جات سرحدی .
الف : تهانهٔ اول ، دوم ، سوم سرکانی تعمیر و اکمال گردیده .
ب : تهانه های تورخم ، پاینده خاك ، هفت چاه ، کنگر غندی تعمیر و اکمال شده .
۲۹- تعمیر چاونی جدید اسمار شروع و کار آن جاری است .
۳۰- تعمیر چهاونی جدید در وزیری ، قرارگاه فرقه و باغ عمومی ساخته شده و چهاونی عسکری آن تحت تعمیر است .
۳۱- تعمیر عمارت سرحد داری دکه .
۳۲- تعمیر یك قشلهٔ عسکری در بالاحصار گردیز که گنجایش یك فرقه را دارد .
۳۳- تعمیر یك قرارگاه جهت نشیمن قوماندانی فرقه در بالاحصار گردیز .
۳٤- تعمیر یك مسجد بزرگ درخارج بالاحصار .
۳۵- تعمیر قشلهٔ عسکری (برای یك فرقه) درخوست ، تحت تعمیر .
۳٦- تعمیر چهاونی عسکری درالمرهٔ جدران .
۳۷- تعمیر چهاونی عسکری (برای یك کندك) در تپهٔ باد آسیای گردیز .
۳۸- تعمیر چهاونی عسکری (برای یك کندك) در تپهٔ ریگی گردیز .
۳۹- تعمیر دو تهانه به کوتل تیره .



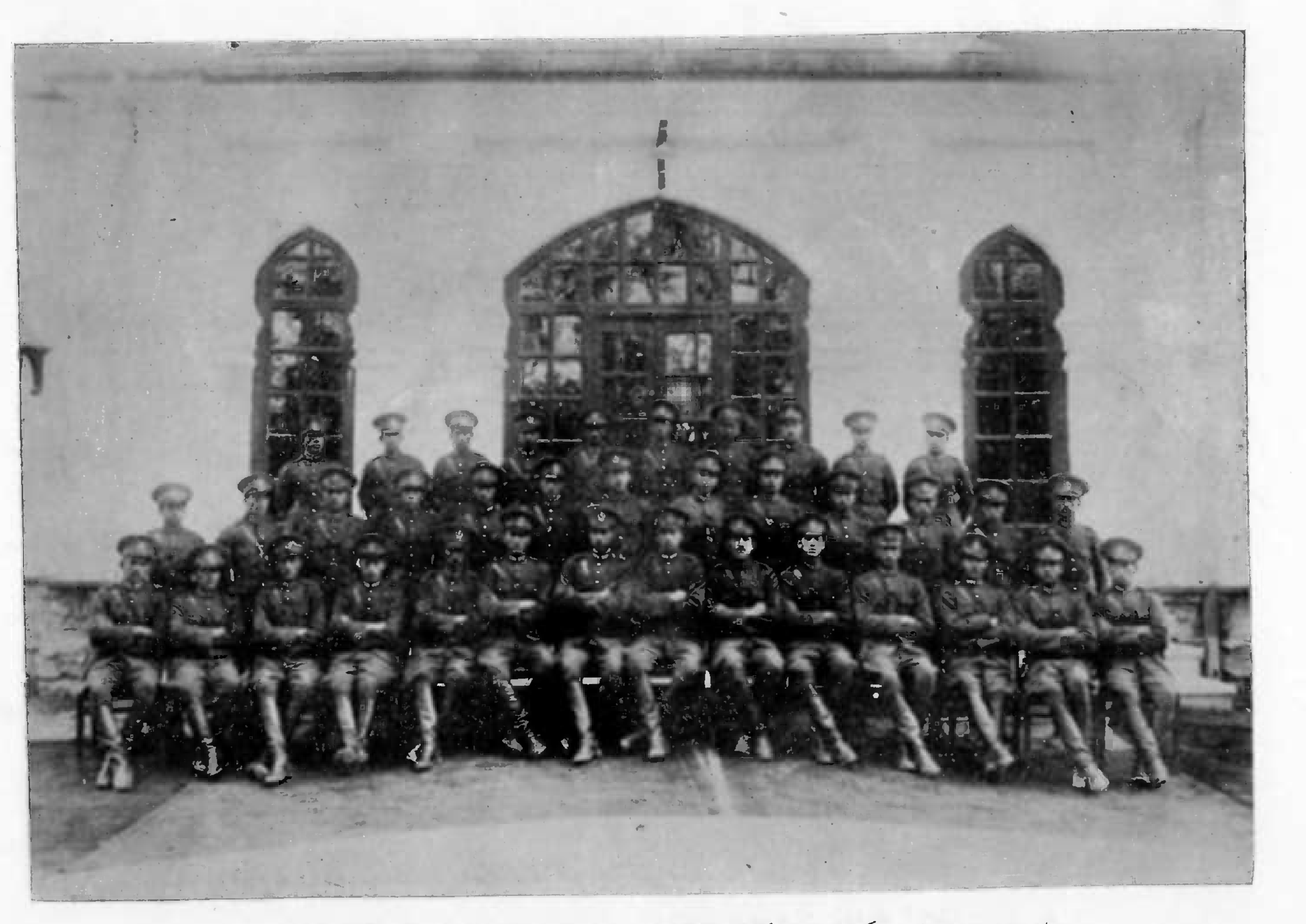


معاینه انداخت تعلیمگاه خورد ضابطان قول اردو بحضور والاحضرت وزیر صاحب حربیه که بعضی از دیگر وزرای محترم هم حضور دارند

. A. R. le Ministre de la Gueure et de nombreux Personnages Civils et Militaires assistent à l'Examen de tire du Cours de Perfectionnement Militaire du Corps d'Armée de Kaboul.



يك قطعه پيادهٔ فرقهٔ شاهى
Un Groupe de l'Infanterie de l'Armée Royale

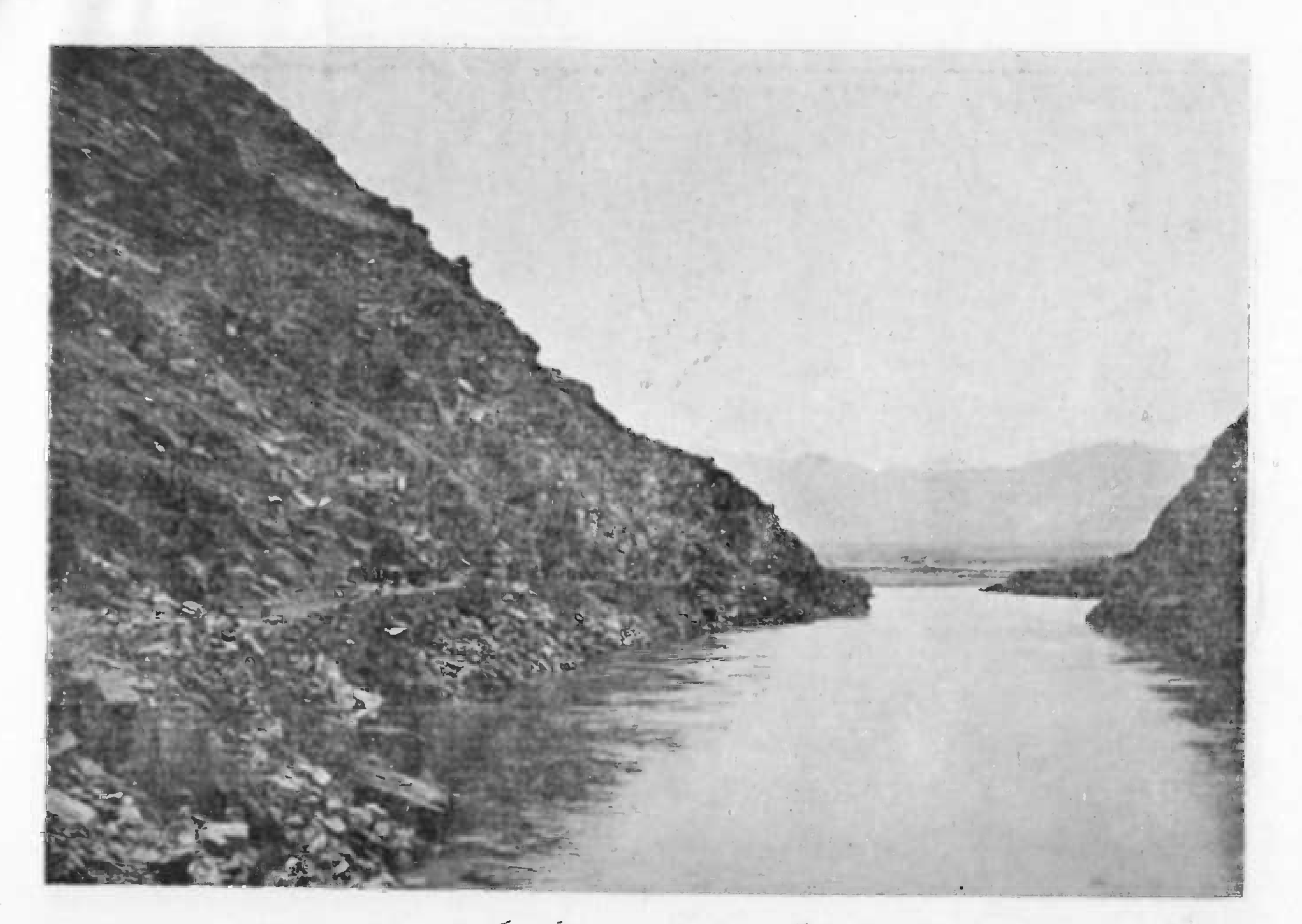


يك قسمت از طلاب مكتب حربيه كه در سال ۱۳۱۲ كامياب برآمده و شهادتنامه حاصل كرده اند
Les Officiers nouvellement promus de l'École Suppérieure de Gueure.



ع ، ش سردار علیشاه خان قوماندان مکتب حربیه با معلمین و یک قسمت از طلاب مکتب موصوف

Général ALI CHAH KHAN Commandant de l'École Suppérieure de Gueure avec les Professeurs et une partie des Éléves de cette École.



سرک سمت مشرق ـ که کار آن درین سنه جاری و فعلاً بحد کوه قریب درونته رسیده است
Une Vue des Travaux de la Nouvelle Route KABOUL-INDES (Prés du Mont de DAROUNTA au bord du Fleuve Kaboul).

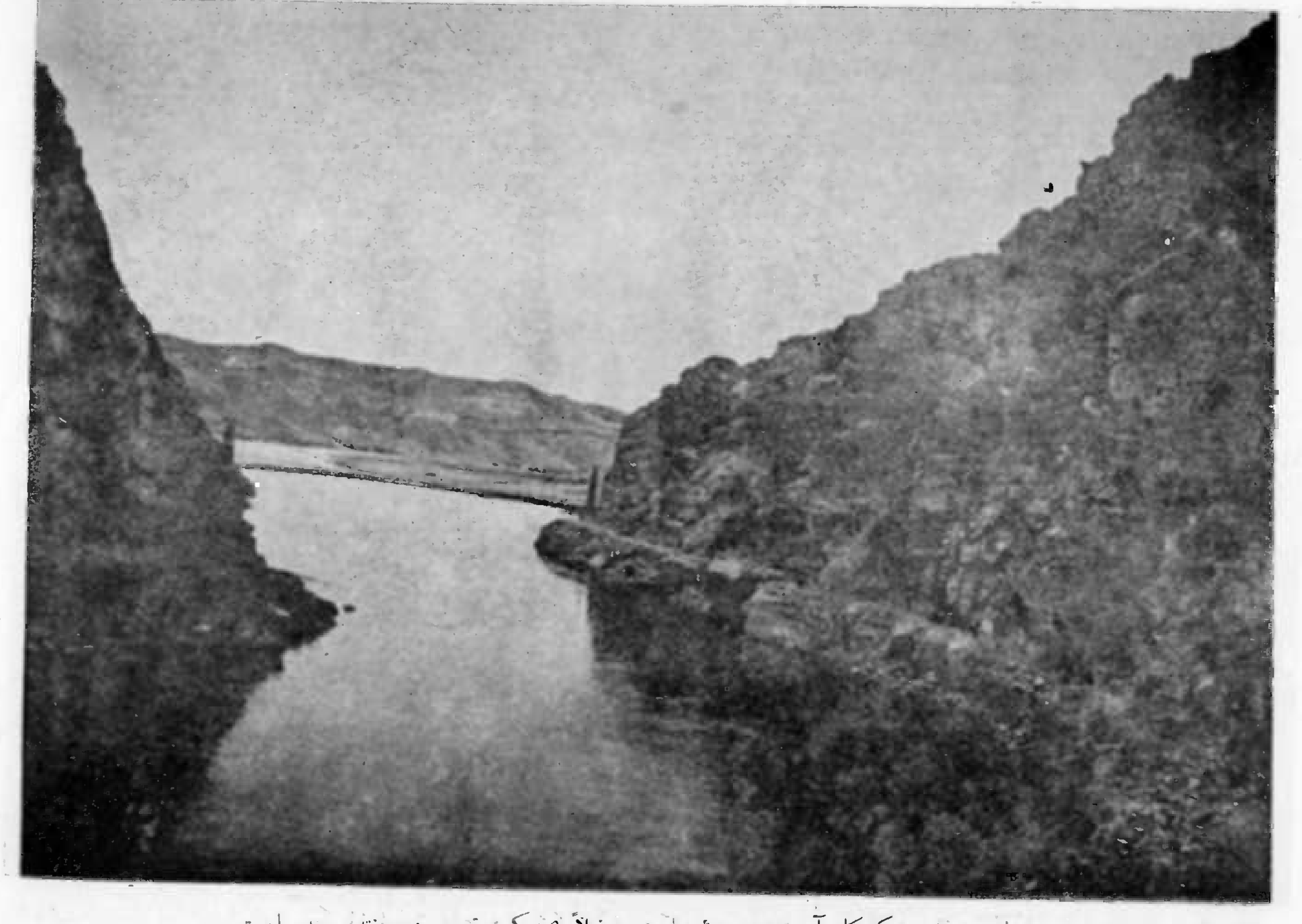


از تنظیمات سال ۱۳۱۲ قشون مشرقی یکفده از صنف پیادهٔ جلال آباد
Un Groupe de l'Infanterie de l'Armée de DJELALABAD (Prov. de l'Est).

از عمرانات سال ۱۳۱۲ مشرقی



یکی از اطاق های دایرهٔ فرقه مشر عسکری در علاقه وزیری جلال آباد
Un des Bâtiments, Construits en 1312, pour les Offic er; de la Province de l' Est
à VAZIRI (Djelalabad).



سرك درونته ـ كه كارآن درين سنه جاری .و فعلاً بحد كوه قريب درونته رسيده است

Une Vue des Travaux de la Notuvelle Route KABOUL-PESHAWAR (Près du Mont de DAROUNTA au bord du Fleuve Kaboul).



یك قطعه از عساکر گردیز در قشلهٔ عسکری

Un Groupe des Soldats de la Division de GARDEZ devant leurs campements (Prov. du Sud).



بالا حصار گردیز

که کار تعمیر آن در ۱۳۱۲ باتمام رسیده

Nouvelle construction de BALA HISSAR de GARDEZ (Forteresse Militaire dans la Province du Sud).

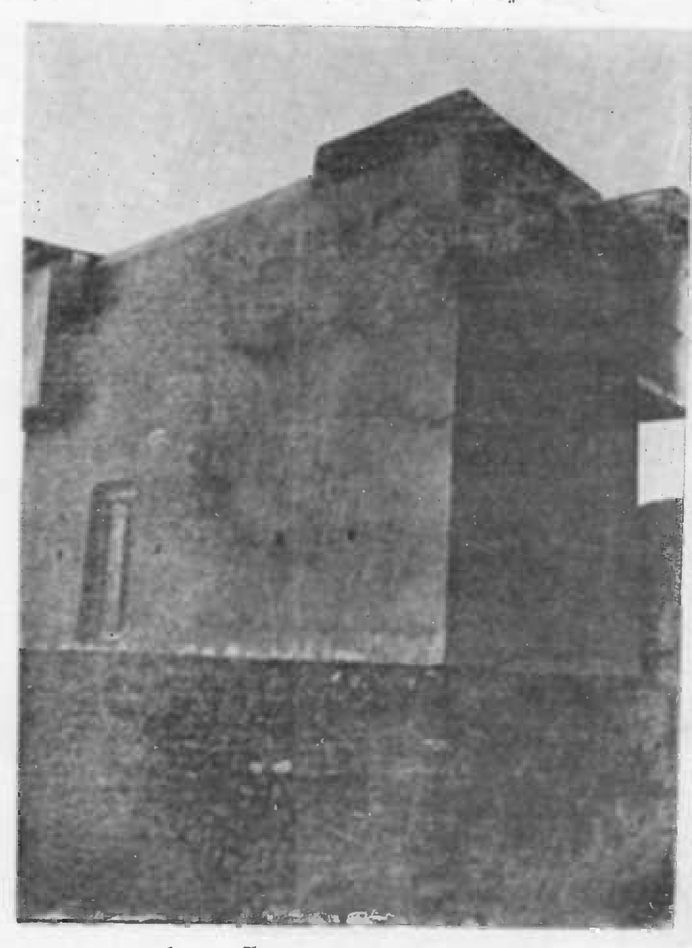
از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ مشرقی



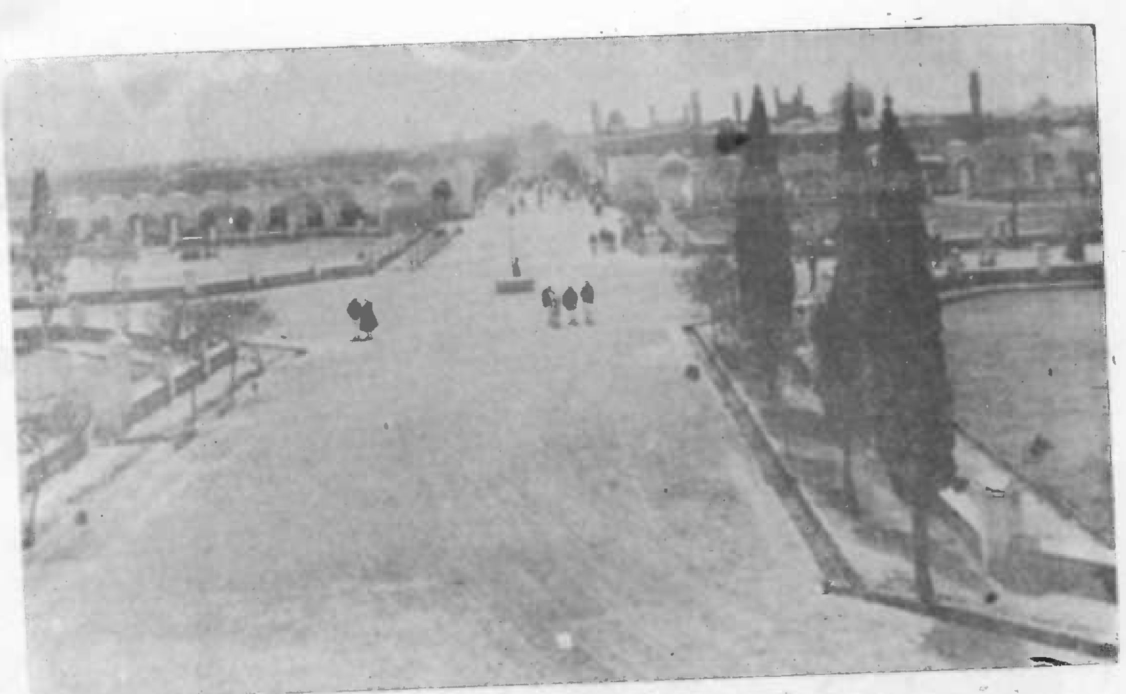
تهانهٔ جدید محافظین راه جلال آباد و دکه

Modèle des Postes Militaires, nouvellement cônstruis
à la Frontière INDO-AFGHANE

از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ مشرقی



تهانهٔ جدید محافظین راه جلال آباد ودکه
Modèle des Postes Militaires nouvellement construits
à la frontière INDO- AFGHANE



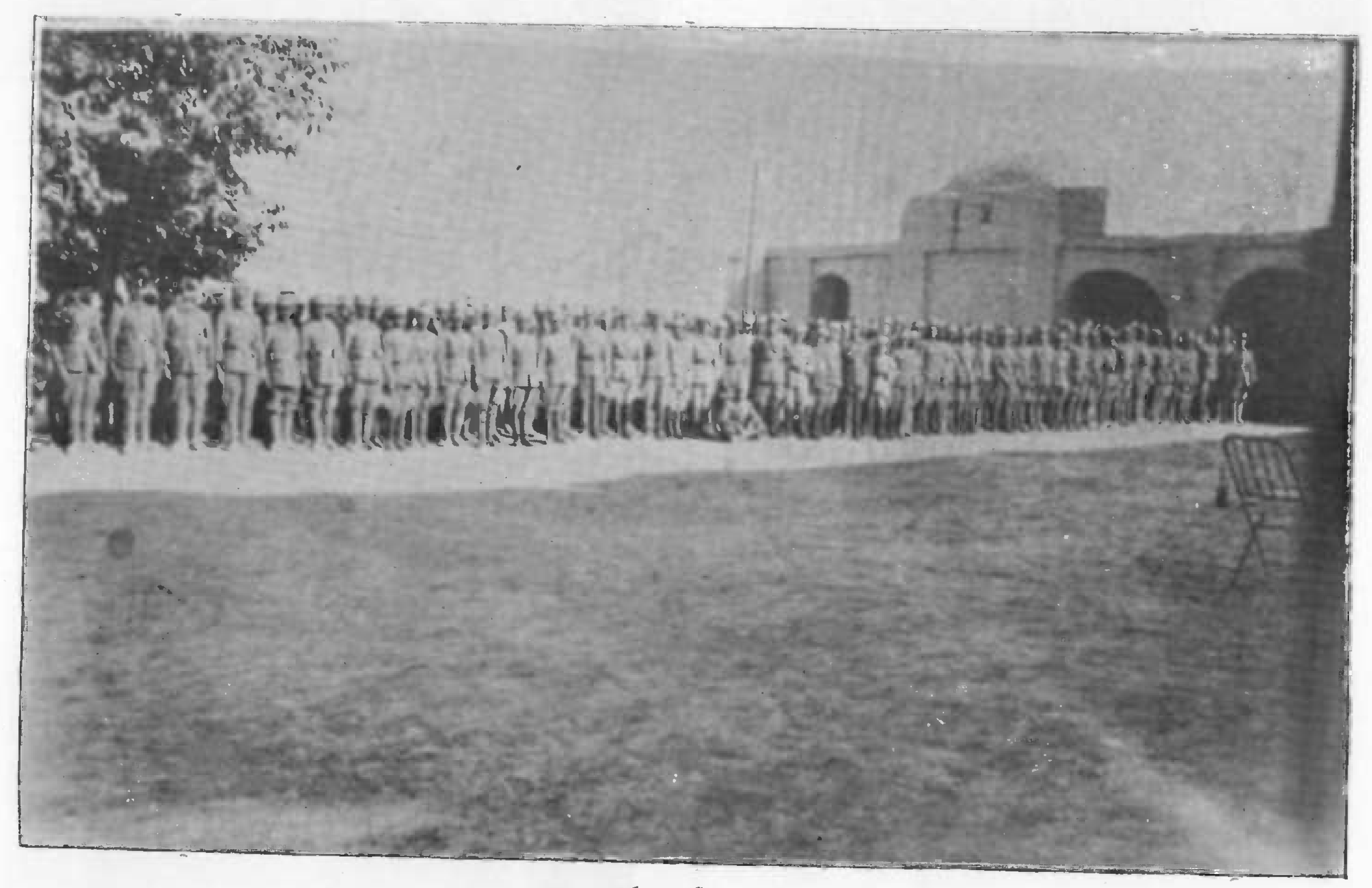
میدان ارگ قندهار که مغازه‌ها ودیوار های چهار چمن آن جدید تعمیر شده

La Place de l'ARG et le nouveau jardin public à Kandahar



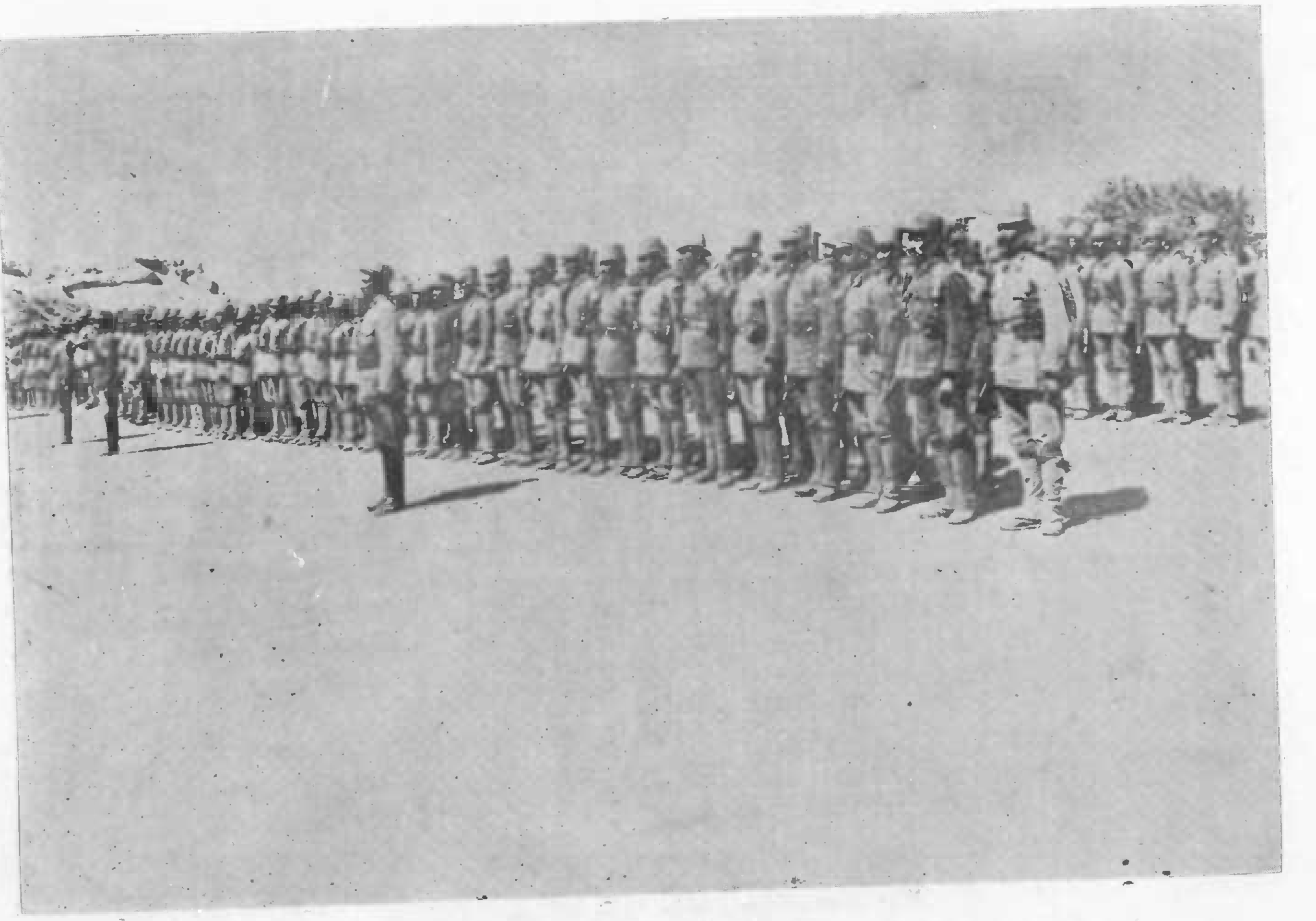
صاحب منصبان فرقهٔ عسکری فراه

Les Officiers du de la Division de FARRAH.



مداومین تعلیمگاه عسکری فراه

Les élèves du Cours de Perfectionnement Militaire de Farah.



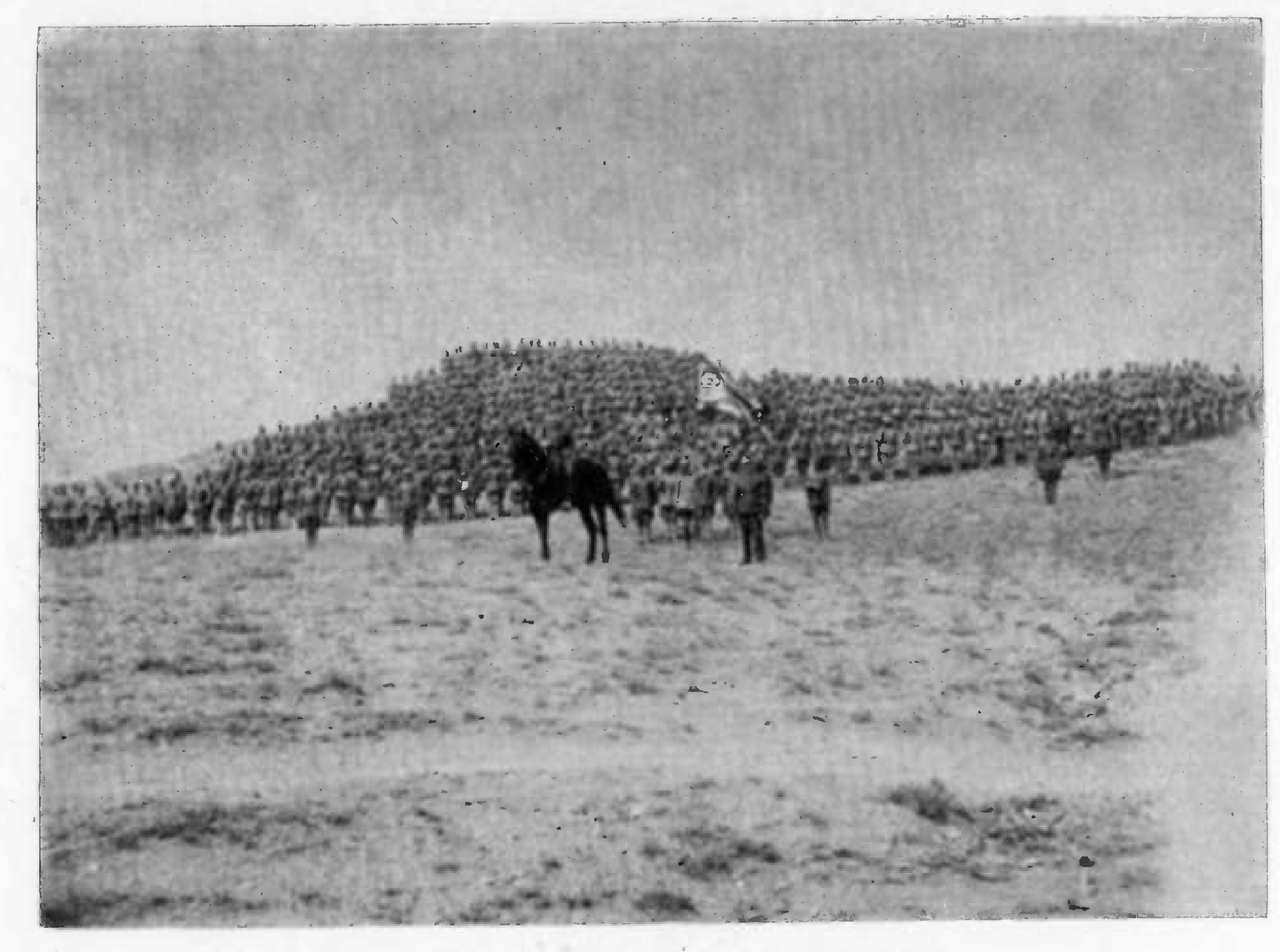
یك قطعه از عسکر پیادهٔ هرات

Un Groupe de l'Infanterie de la Division de Hérat.



دورهٔ اول تعلیم گاه خورد ضابطان قول اردوی مرکز

Les Élèves du Premier Cours de Perfectionnement Militaire des Sous Officiers du Corps d'Armée de Kaboul



يك قطعه از عساكر اركون

Un groupe des Soldats de la Province du Sud (Orgoun).

امور خارجیه

امور خارجیه مطابق خط مشی اعلیحضرت فقیدشهید به بهترین‌صورتی جریان داشته و مناسبات صحیحهٔسیاسیه با دول متحابه قائم و برقرار است.

یکعده از جملهٔ اجرآت امورخارجیه درذیل ذکر می شود:

۱ : برقراری روابط سیاسی باجاپان وتقرر عالیقدرجلالتمآب حبیب الله خان بحیث وزیر مختار در دربار توکیو.

۲ : امضای قرارداد تعریف تجاوز از طرف ع، ج علی‌محمدخان وزیر مختار اعلیحضرت در لندن، با حکومات شوروی، استونیا، لتونی، ایران، پولیند، رومانیا وترکیه.

۳ : ارسال نماینده بکنفرانس اقتصادی درلندن.

٤ : مقرر نمودن نمایندهٔ جدید افغانستان درکنفرانس خلع سلاح.

٥ : تعین قونسل در جده.

٦ : تغیر و تبدیل بعضی از سفرا و نمایندگان افغانی در خارج.

۷ : تعاطی معاهدهٔ مودت بین دولتین علیتین افغانستان وحکومت سعودیه. (حجاز)

۸ : ابتیاع یك عمارت قشنگ ومناسب برای حجاج افغانی در مکهٔ معظمه توسط ع، ج، والاحضرت سردار احمد شاه خان وزیردربار شاهی افغانستان ووقف نمودن آن بصورت مجانی برای اقامهٔ حجاج افغانی.

۹ : امضای قرارداد تعین خط سرحدی حدود غیر معینه بین‌دولتین افغانستان وایران بتاریخ ۱۷ حوت سنه ۱۳۱۲ دروزارهٔ خارجهٔ کابل بتوسط اختیارداران مملکتین علیتین که ازطرف حکومت افغانستان ع، ج فیض محمد خان وزیر امورخارجه، وازطرف حکومت ایران ع، ج محمد تقی خان اسفند یاری سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران درکابل برای عقد آن تعین شده بودند.



امور داخلیه

امور داخلیه علاوه بر انتظام و رونق یافتن دیگر کارهای داخلی و اداری در شعبهٔ پولیس خیلی ترقی نموده و در تعلیم و تربیهٔ افراد آن سعی بلیغی بکار برده شده است ، درین سال بتوسط پولیس سارقین دستگیر و اموال مسروقه پیدا و بصاحبان آن مسترد شده ، امنیت عمومیه در تمام ولایات قائم و برقرار است و درین سنه یکعده سوار ژاندارمه و یکعده پولیس بایسکل سوار جدیداً در قوای امنیهٔ کابل تشکیل و نفری کمبود قطعات تکمیل شده و نسبت به تهیه و تدارك اسلحه وتجهیزات و لوازمات پولیس وکوتوالی اقدامات لازمه اتخاذ گردیده است ، علاوه بران بوسیلهٔ وزارت داخلیه در حکومتی ها وعلاقه داری ها عنداللزوم تغییر وتبدیلی بعمل آمده ودرباب حکومتی ها وعلاقه داریهای جدیدالتاسیس برای رفاه اهالی غور ودقت بکار برده شده ، چون احصائیهٔ نفوس قبلاً ترتیب نگردیده بود درسال حاضرمدیریت عمومی نفوس دروزارت داخله جدیداً منظور و به ترتیب احصائیهٔ نفوس بصورت صحیح شروع نموده است ویك حصهٔ زیاد احصائیه مکمل و بصورتنفوسی اخذ عسکر اجرا گردیده ، ع، ج، ا ، ا نشان محمد گل خان وزیر داخله رئیس تنظیمیهٔ ولایات شمالی درسال ۱۳۱۲ با اختیارات مفصلی به ولایات شمالی اعزام گردید ، ع ، ش محمد افضل خان فرقه مشر قوماندان قول اردو وحاکم اعلای سمت جنوبی و ع ، ش سردار محمد داؤدخان فرقه مشر قوماندان عسکری وحاکم اعلای سمت مشرق مقرر شدند .

در بعضی مناطق حکومتی ها و علاقه داری های افغانستان عمارات جدید برای نشیمن حکام و علاقه داران وهمچنان در سرحدات افغانستان تهانه های جدیدی ساخته شده .

کذا از ولایات وحکومات یك عدهٔ پولیس برای اخذ تعلیم درکابل احضار و درتحت تعلیم وتربیه گرفته شده اند که بعد اخذ تعلیم بمحل ماموریت خود مراجعت نمایند . علاوتاً دیگر اقداماتی که درامور داخلیه شده مختصر آن قرار آتیست :

۱ : توسیع تشکیل قوماندانی کوتوالی مرکز کابل .

۲ : وضع لوائح تحقیقات ابتدائیهٔ مجرمین .

۳ : محابس که سابقاً بصورت عصری نبوده فعلاً در ولایت کابل و بعضی دیگر ولایات بصورت منتظم وعصری اصلاح گردیده است ، در مرکز کابل یك محبس عمومی بصورت عصری با تمام ملحقات آن تعمیر و باکمال رسیده .

٤ : نسبت به تعیین و تفریق درجات پاسپورت وسایر اجراآت مسائل متعلقهٔ آن اقدامات درستی اتخاذ شده است .

٥ : حکومات وعلاقه داریهائیکه جدید تاسیس یا تغییر وتبدیل یافته :

۱ ـ محیط شش کروهی کابل که سابقاً ذریعهٔ چهار علاقه داری مستقیماً از طرف ولایت کابل اداره میشد ، حصهٔ چهاردهی بحکومت درجه ۲ ، و علاقه داری چهارآسیاب مربوط آن ، و حصهٔ اول بتخاك بحکومت درجه ۳ بگرامی ، و حصه ۲ بتخاك بحکومت درجه ۳ ده سبز تبدیل وتشکیل گردیده .

۲ ـ حکومت کلان لهوگرد که سابقاً حکومت مذکور بحیثیت درجه اول بود لهذا عنداللزوم بحکومت کلان تشکیل یافته وحکومات درجهٔ دوم میدان و وردك از مربوطات آن قرار داده شده .

۳ ـ علاقه داری کلنگار بحکومت درجه ۲ تحویل یافته علاقه داریهای ازرو محمد آغه مربوط آن قرار گرفت .

۴ ـ درخوشی لهوگر یك علاقه داری جدید تشکیل و مربوط حکومت کلان آن جا قرار داده شد .

۵ ـ علاقه داری قره باغ به اسم حصه ۲ اندر تبدیل شده .

۶ ـ توحید ادارهٔ حکومتی های آقچه ، و شبرغان ، سرپل ولایت مزارشریف چون لازم بود بنابران از اینها یك حکومت کلان تشکیل گردیده مرکز آن شهر شبرغان انتخاب شده ، قرقین و خمیاب که سابقاً یك علاقه داری و مربوط حکومتی آقچه بود و تقریباً ۴۰ میل از آقچه دور و بکنار دریای جیحون واقع است ازحیث وسعت و کثرت نفوس و دیگر خصوصیات لزوماً از حکومتی آقچه مجزا و بحکومت درجه ۲ تبدیل و مستقیماً بحکومت کلان شبرغان مربوط و مرکز حکومتی درقرقین مقرر گردیده ؛ و در خمیاب یك علاقه داری تشکیل و مربوط حکومتی قرقین گردیده است . کذا درآقچه نیز سه علاقه داری یکی در خانقاه ، یکی در منگه جك ، یکی در مردیان تجویز و تشکیل شده .

۷ ـ علاقه داری نهر شاهی بنابر کثرت نفوس و وسعت محیط به حکومتی درجه اول تبدیل و دردهدادی علاقه داری جدیدی مقرر و مربوط حکومتی مذکور گردیده ، کذا علاقه داری چهارکند نیز که سابقا مستقیماً از طرف نائب الحکومگی اداره میشد بهمین مناسبت به حکومت مذکور مربوط گردید .

۸ ـ کشنده و بوینقره که از مرکز خیلی دور بود وهر کدام ازین دو علاقه از طرف یکنفر علاقه دار اداره میشد و مستقیماً مربوط نائب الحکومگی بودند ازحیث بعد مسافه و کثرت نفوس و وسعت محیط و سأیر ملاحظات ، کشنده بحکومتی درجه ۳ تبدیل و علاقه داری بوینقره بر آن مربوط گردید .

۹ ـ حکومتی درجه ۲ بلخ لزوماً بحکومت درجه اول تبدیل و حدود آن با حکومتی های دولت آباد و نهر شاهی سرازنو تعیین و تحدید گردیده است .

۱۰ـ درکلدار که بساحل نهر جیحون واقع است لزوماً از حیث بعد مسافه و کثرت نفوس و وسعت محیط آن در آنجا یك علاقه داری جدید تشکیل گردیده و مربوط حکومت تاشقرغان شده .

۱۱ـ حکومتی درجه سوم قندوز ولایت قطغن و بدخشان بحکومت درجه دوم تبدیل و قلعهٔ زال مربوط حکومت مذکور ، یك علاقه داری تشکیل و بآن مربوط گردیده است .

۱۲ـ تشکیل حکومت درجه سوم : برای سه ماه در طول سال بمنطقهٔ دشت ایش و شیوه مربوط حکومت کلان بدخشان از حیث اینکه محل مذکور در وقت بهار جای اجتماع طوائف مالدار است .

۱۳ـ یك علاقه داری نظر بموقعیت آن بمربوطهٔ حکومت خوگیانی سمت مشرق به اسم ماما خیل تشکیل گردیده .

۱۴ـ علاقه داری موزائی به حصهٔ اول ، وعلاقه داری سرکی بحصهٔ دوم و علاقه داری متاخان سمت جنوبی به حصهٔ سوم زرمت مسمی گردید .

۱۵ـ علاقه داری شرن باسم یوسف خیل و علاقه داری برلك باسم سلطان خیل تبدیل شده .

۱۶ـ علاقه داری شیرین تگاب میمنه نیز بنابر وسعت اراضی و کثرت نفوس و غیره ملاحظات لزوماً بحکومتی درجه دوم تبدیل و در دولت آباد علاقهٔ مذکور یك علاقه داری تجویز و بآن مربوط گردیده است .

۱۷ـ علاقه داری بیرون سونهٔ میمنه بحکومت درجه اول (پشتون کوت) تعدیل و علاقه داریهای المار و کوهستان بآن مربوط گردیده است .

۱۸ـ علاقه داری قیصار بحکومت درجه سوم تبدیل گردیده .

۱۹ـ درانده خوی سه علاقه داری یکی در قرم قول، یکی درقورغان ، یکی درخان چهار باغ تجویز و تشکیل شده .

۲۰ـ درولایت مزار و حکومتی اعلای میمنه دیگر تعدیلات هم کرده شده و اجرای آن نظریات و تشکیلات بسال ۱۳۱۳ زیر نظر گرفته شده ودر بودجهٔ سنهٔ مذکور تکلیف گردیده است .

۶ : تعمیر منازل برای بعضی حکومتی ها وعلاقه داریهائی که سابقا محل ادارهٔ درستی نداشتند :

۱ ـ تعمیر حکومت کلان شمالی اکمال یافته .

۲ ـ « حکومت کلان لوگر اکمال یافته .

۳ ـ « حکومت وردك اکمال یافته .

٤ ـ درنقطهٔ پنج آب جهت اداره ونشیمن مامورین منسوبهٔ حکومتی کلان دایزنگی عمارت موزونی تعمیر یافته ویکرسته بازارجدیدی در مرکز حکومتی کلان دایزنگی ساخته شده .

۵ ـ برای نشیمن ومحل ادارهٔ حکومتی محال بهسود درحد راقول عمارت تعمیر وتکمیل گردیده است .

٦ ـ برای نشیمن مامورین حکومتی دایکندی درموضع خدر عمارت تعمیر و تکمیل گردیده است .

۷ ـ برای حکومت یکاولنگ تعمیر محل ادارهٔ حکومتی شروع گردیده که درهذه السنه مکمل خواهد شد .

۸ ـ تعمیرمنزل دوم حکومتی کلان قلات .

۹ ـ « منزل دوم قوماندانی کوتوالی حکومتی کلان قلات .

۱۰ـ « محبس حکومتی کلان قلات ،

۱۱ـ « عمارت جدید عصری برای حکومتی مرغاب هرات اکمال یافته .

۱۲ـ « عمارت ها ومقامات برای نشیمن دوائر رسمی و حکومات مربوطهٔ ولایت قطغن و بدخشان .

الف ـ تمعیر حکومتی رستاق اکمال شده است .

ب ـ « حکومتی کشم اکمال یافته .

ج ـ « حکومتی جرم اکمال شده است .

۱۳ـ تعمیر حکومت محلی سرخ رود اکمال یافته .

١٤ـ « حکومتی کلان کنرها جاری والی اخیر سال باختتام میرسد .

۱۵ـ « حکومت محلی شنوار اکمال گردیده .

۱٦ـ « علاقه داری علی شنگ تحت تعمیر .

۱۷ـ « علاقه داری علی نگار تحت تعمیر .

۱۸ـ « یك عمارت جهة نشیمن حکومتی لغمان و ادارهٔ خزانه وکوتوالی آنجا و ترمیم سرای حکومتی لغمان بانضمام جای سابقهٔ حکومتی واطاقهای متعلقه وهمچنین ترمیم مساجد، وتعمیر جاهای موزون برای ادارهٔ تیلفون وپسته ودکاکین برای رفاهیت اهل کسبه .

۱۹ـ تعمیر عمارت مکمل جهت حکومتی اعلای فراه وچخانسور .

۲۰ـ « عمارت برای قوماندانی کوتوالی ومحبس و توقیف خانه درفراه .

۲۱- تعمیر عمارت عصری جهت مامورین حکومتی بکواه .
۲۲- « عمارت موزون درمنطقهٔ گلستان برای ادارهٔ علاقه داری گلستان وکوهستان .
۲۳- « علاقه داری لاش وجوین وتمدید یك رسته بازارجدید درانجا .

۷ : تعمیرات عمومیه .

۱ - تعمیر مسجد خرقهٔ نبوی (ص) واقع شهر فیض آباد بدخشان که بمرورزمان خراب شده بود .
۲ - « وترمیم بعضی مقامات تاریخی درولایت قندهار: ۱ تعمیرمنار یادگار جهاد میوند ومقابر شهدا ، ۲ مقبرهٔ مدافع مشهو روطن جناب میر ویس بابا ، ۳ ترمیم‌مقبرهٔ اعلیحضرت احمدشاه بابا .
۳ - تعمیرات مختلفه در ولایت قندهار: ۱ عمارت متصل پل ارغستان ، ۲ عمارت بزرگ کوهکران ، ۳ ترمیم سلاخانه‌و دیگرمواضع درداخل ارگ قندهار، ٤ تعمیرتهانه‌های داخل شهر قندهار.
٤ - تعمیر یك عمارت عصری برای هوتل درارگ قندهار.
۵ - « دکانهای عصری درسمت جنوبی میدان ارگ قندهار.
٦ - میدان ارگ قندهارکه سابقاً یك میدان عادی بوده ، درین‌اواخر میدان مذکوررا یك‌باغ‌عصری ساخته ودراحاطهٔ آن دیوار تعمیر شده و برای اهالی تفریحگاه موزونی گشته است .
۷ - تعمیر دکانهای جدید وعصری به‌دوطرفهٔ دروازهٔ بازارکابل قندهار .
۸ - « دکانهای موزون‌وجدید به سمت شمالی دروازهٔ هرات قندهار.
۹ - « یك عمارت درباغ سردهٔ قندهار .
۱۰- اصلاحات بلدی در شهر قدیم وجدید هرات .
۱۱- تعمیر وتاسیس هوتل جدید در هرات .
۱۲- احداث باغ درمرغاب هرات .
۱۳- ساختن دکانها درکشك هرات .
۱٤- احداث باغ عمومی در شهر خان آباد دریك موضعی که دارای موقعیت خوب و برای آن (۲٤٤٤٤) متر مربع زمین اختصاص داده شده؛ وتورید یکدسته سامان موزیك .
۱۵- تهیهٔ دوعددکشتی جهة حمل ونقل موترها وغیره اشیای مال‌التجاره به دریای قندوز، درولایت‌قطغن .
۱٦- تعمیر و ترمیم و تجدید عمارات ونهال شانی باغات دولتی در سمت مشرق که دران سمت نسبت بواقعهٔ انقلاب بکلی خراب و برهم شده بود .
۱۷- تکمیل سامان ولوازم دولتی وادارات و عمارات سمت مشرق که دراثر انقلاب بتاراج رسیده بود .
۱۸- کارتهانه های راه جلال آباد ودکه شروع وازان جمله تهانه های اول، دوم وسوم چوره‌گلی وتهانهٔ باریکاب باختتام رسیده .
۱۹- اصلاحات امور بلدی شهر میمنه.
۲۰- تاسیس شهر جدید و تمدید بازارها و عمارات انفرادی در مرکز حکومتی اعلای فراه .
۲۱- تعمیر یك باب هوتل جهت رفاهیت مترددین بطور عصری در فراه.
۲۲- « یك عمارت عصری برای کلوپ که دارای باغ و میدانها برای اقسام ورزش ساخته شده .
۲۳- « هوتل درمحل‌دل آرام‌فراه جهت رفاهیت مترددین .
۲٤- « یك رسته بازارجدید درفراه ،

۸ : نائب الحکومه ها وحکام اعلی وسایرحکام در تمدید وترمیم جاده ها ، شوسه ها وپلها مساعی زیادی نموده‌اند که تفصیل آن جداگانه تذکار گردیده .

اجراآت ریاست تنظیمیهٔ ولایات شمالی

۱ : در میمنه برای رهایش عساکر چهاونی جدید تجویز وقسمت ابتدائی آن ساخته شده وکار باقیماندهٔ آن جاری است .

۲ : تشکیل قطعهٔ پولیس درشهر مزار شریف وغیره انتظامات .

۳ : برای اسکان کوچی ها اقدامات لازمه بعمل آمده وتقریباً برای (۲۶۹) خانه کوچی اراضی تدارک شده ودرآنجا آباد گردیده .

٤ : در آیبك وتاشقرغان برای‌مسافرین جای تدارك ودرمزاروآقچه هوتل‌ساخته شده وسامان آن تهیه‌گردیده ودرمیمنه نیز یك هوتل تعمیر گردیده .

٥ : تاسیس بلدیه ها وتعمیر شهر ها .

الف : آیبك که یکدرهٔ سبز وخرم بوده وهوای‌خوب دارد درنقاط عرض‌راه کابل منزلگاه وموضع‌قیمتداری است ، ودرآنجا یك بازارخورد ومتصل آن‌چند خانه هم موجوداست ریاست تنظیمیه‌لازم دانسته تا به آبادی موضع مذکور وسعت داده شود ودرآنجاقصبهٔ مناسبی بصورت عصری ساخته شود . لهذا مقدمتر از شروع بکار، تشکیل یك ماموریت بلدیه را لازم دیده وتشکیل نموده .

ب : بلخ که شهر مهم وبزرگ تاریخی وطن ومحل رهایش اولیه ومهد پرورش ملت ما بلکه غالب نژاد آرین ها بوده عظمت وافتخارات تاریخی آن در ادوار قبل الاسلام وبعد الاسلام یعنی اعصار (٦) و(۷) هجری در تاریخ های مختلفهٔ دنیامسطور ومعروف است وپس ازاینکه در عهد چنگیز این شهر وبنای تاریخی وطن‌خراب واحراق گردید ، دوباره عمران‌نپذیرفته وتاحال بهمان‌وضع ویرانی وخرابی افتاده بود ، چون ازحیث‌اهمیت تاریخی وجغرافیائی بلخ مستلزم عطف توجه بود بنابران‌ریاست تنظیمیه لازم دانست تا این‌شهر تاریخی را سرازنو بیك نقشهٔ عصری آباد کند چنانچه نقشهٔ عمومی‌آن ودیگرعمارات ازطرف دائرهٔ مهندسی باصول درست‌ساخته شده وکار بنا وتعمیرآن شروع‌گردیده است ، وبه این مناسبت لزوماً در بلخ جدید بلدیه ودائرهٔ تعمیرات تشکیل‌شده است تا برای سال ۱۳۱۳ تدارکات نماید .

ج : درآقچه سابقاً قصبهٔ کوچی آباد بود ولی در اثر انقلاب خراب وخاکدان شده است گرچه درین اواخر بازارآن‌ترقی ووسعت پیدا کرده ولی درداخل شهر ازصد الی صدوپنجاه خانه بیش خانه واری‌نبوده اکثر دکانداران وکسبه دردهات جوارآن سکونت‌داشتند ، ریاست تنظیمیه آبادی آن را موافق بیك نقشهٔ عصری زیر نظر گرفته مطابق به نقشهٔ که ازطرف ریاست تنظیمیه ترتیب داده شده به آبادی‌آن اقدام‌نموده است، چنانچه درسال جاری قسمتی ازسرکهای شهر وبازار آن



پل گل باغ تعمیر سال ۱۳۱۲

Le Nouveau pont de Gol-Bagh (KABOUL)

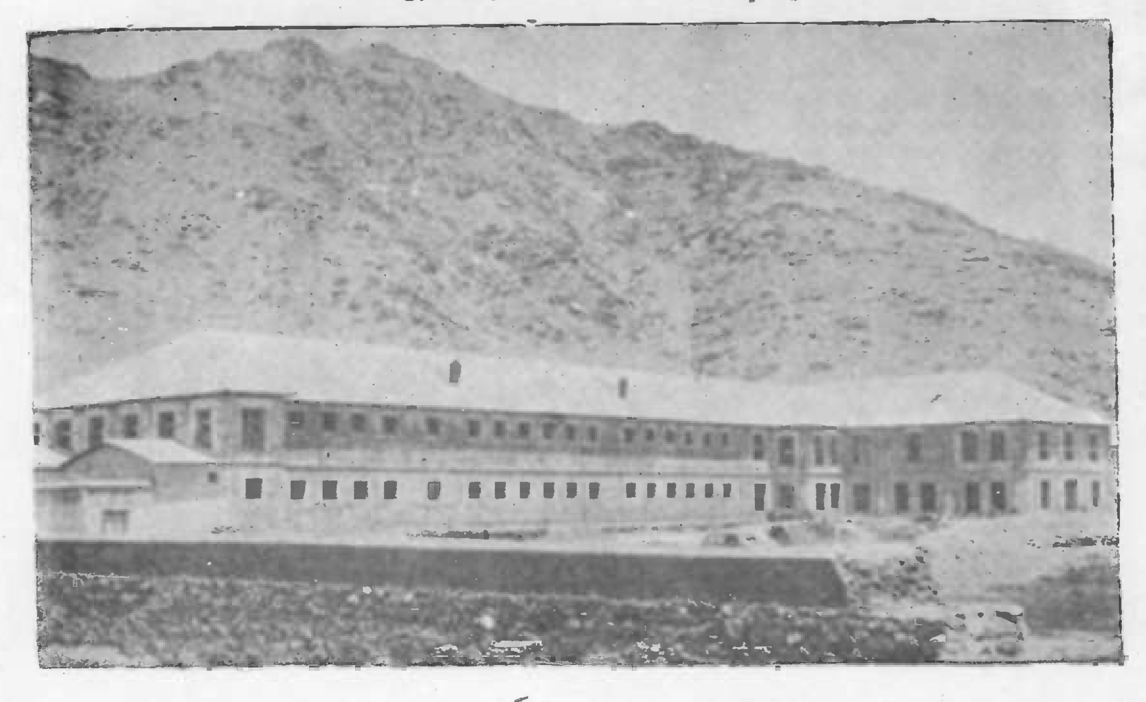


از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ ولایت خان آباد
پل جدیدیکه در فرخار ساخته شده و موسوم به پل ملاقربان میباشد
Le Nouveau Pont de Mola-korban è Khanabad.

Nouveau bâtiment de la Poste Centrale à Kaboul



تعمیرجدید عمارت پوسته خانهٔ مرکزی کابل



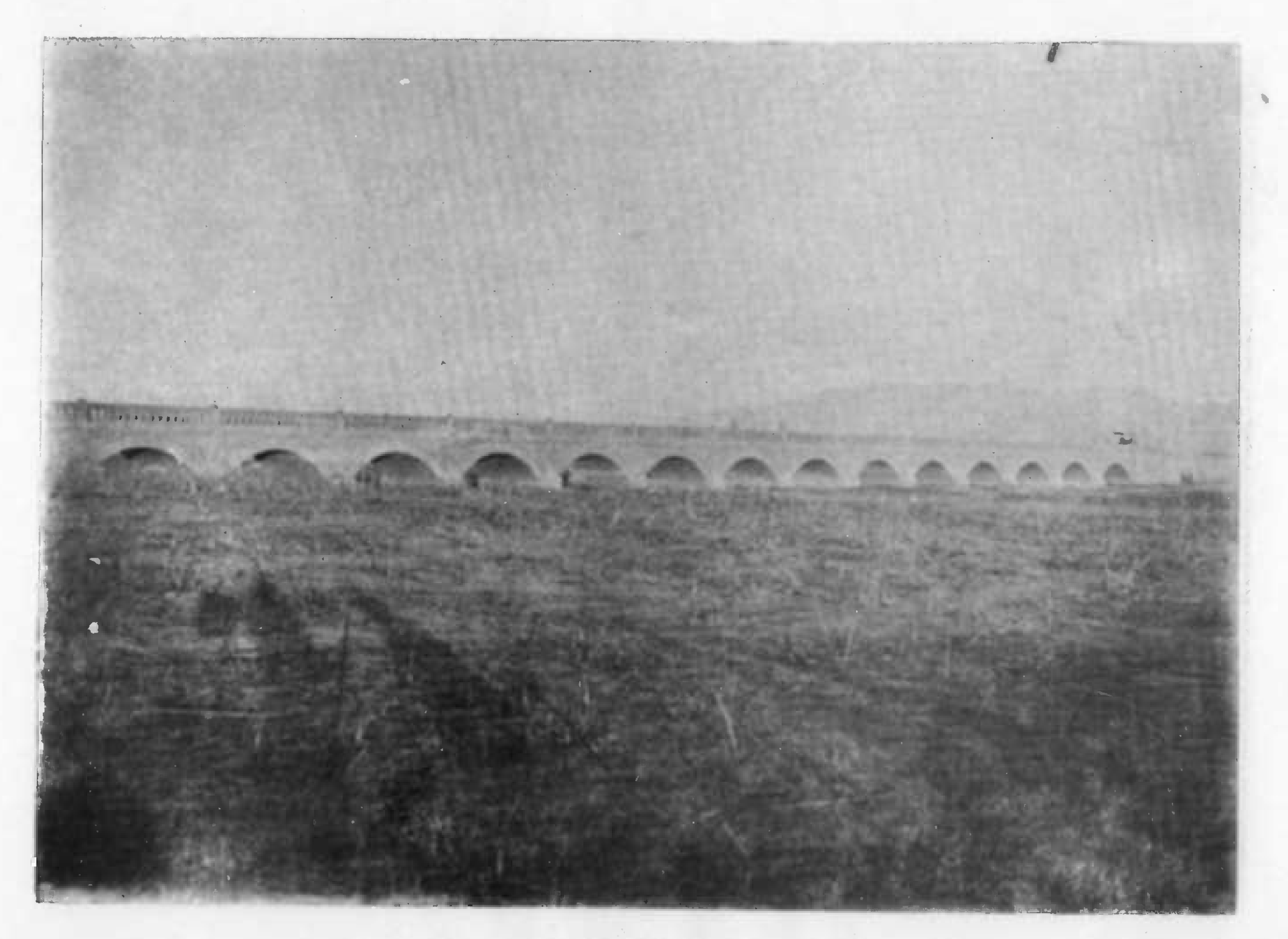
محبس ده مزنگ

که تعمیرآن درسال۱۳۱۲تکمیل شده وتماماً مطابق قواعد عصریه میباشد.

Nouvelle Prison à Kaboul, organisée suivant les méthodes modernes.

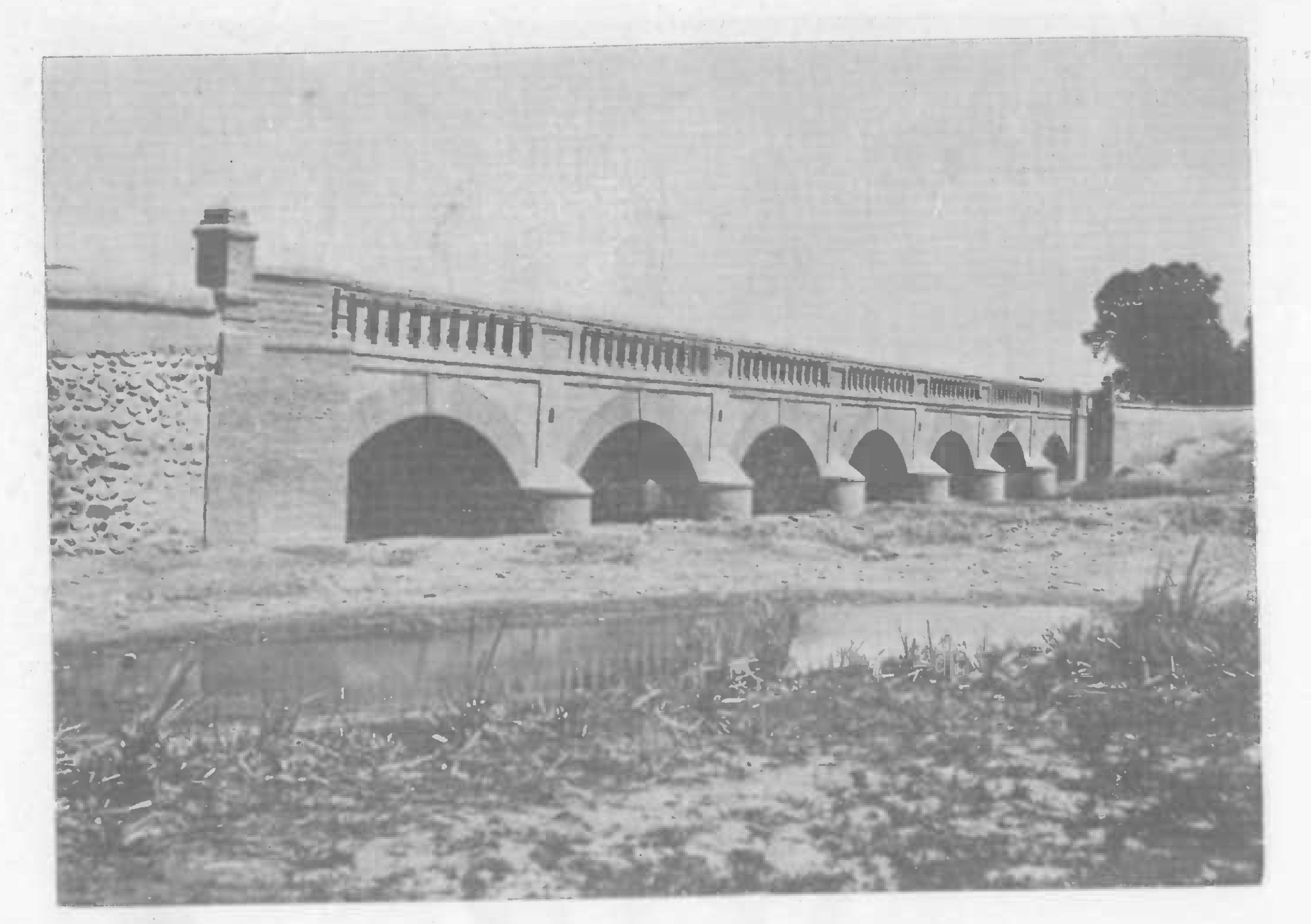


عمارت ریاست نسل گیری وتربیه حیوانات واقع علی آباد (کابل)
Nouveaux Établissements de Zootechnie et de Sélection à Kaboul.

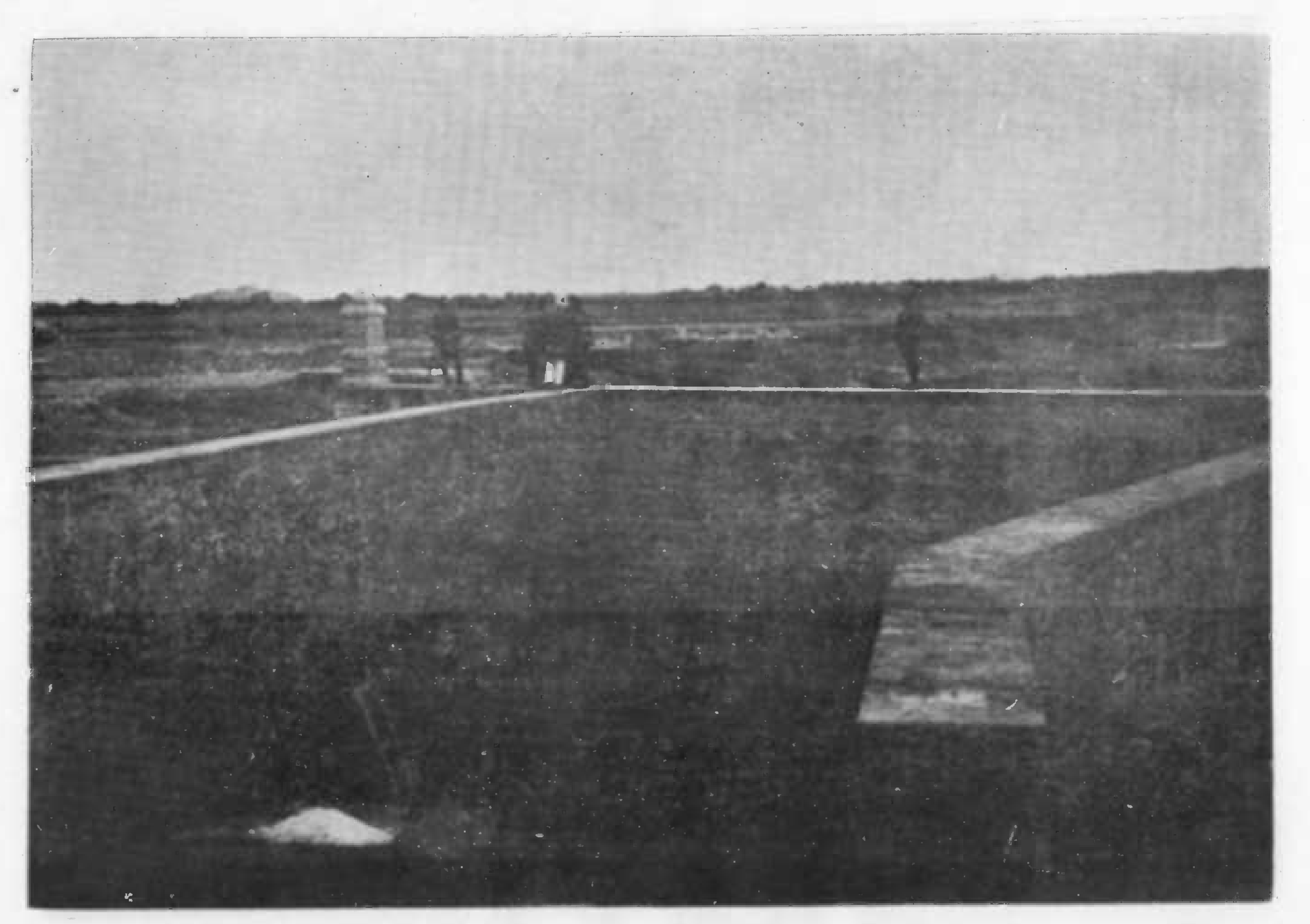


پل سراچهٔ علیخان

Un des Nouveaux Ponts sur la Route KABOUL-INDES (Le pont de SÉRATCHAI- ALI KHAN).

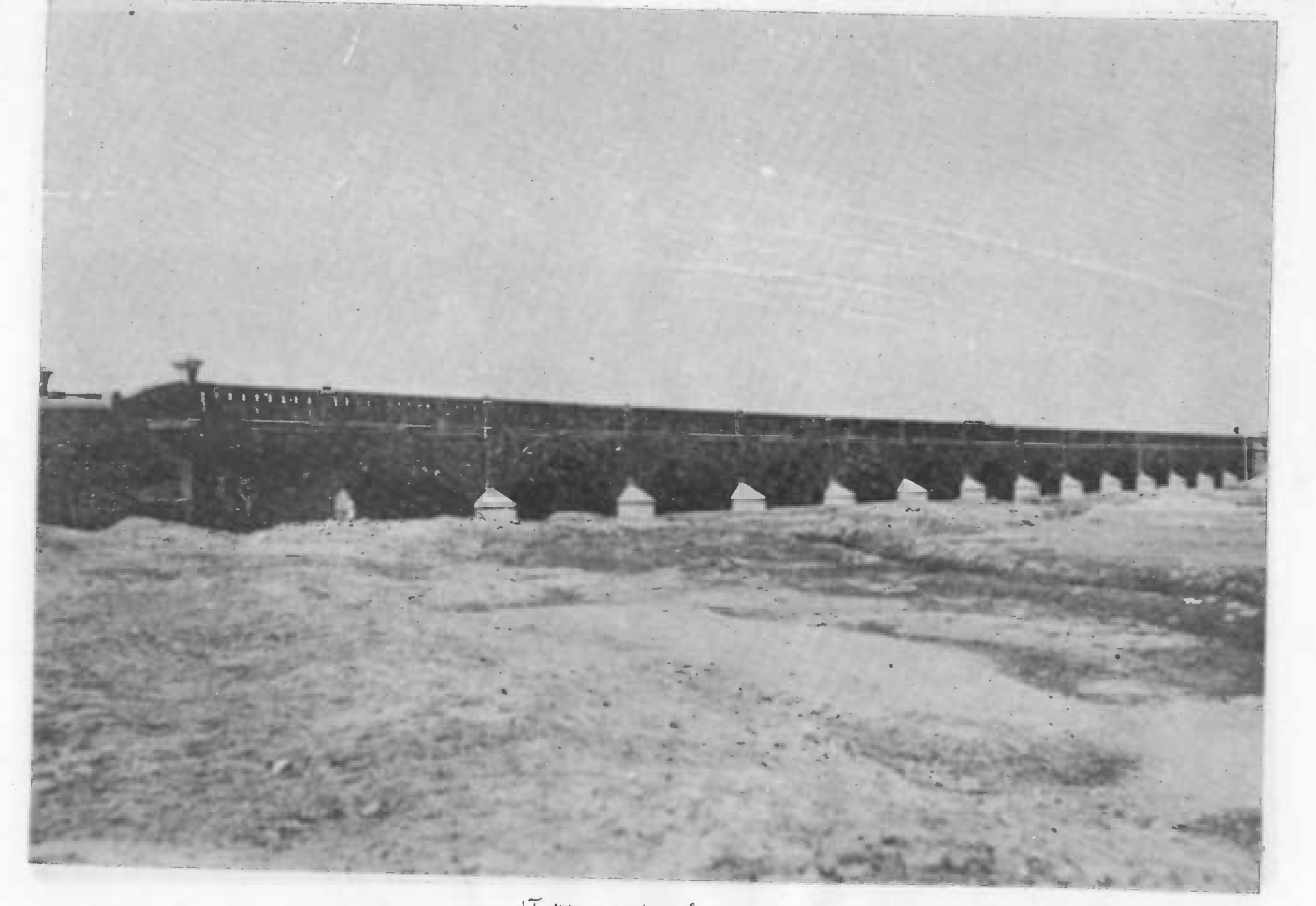


از تعمیرات جدید سال ۱۳۱۲ مشرق پل شیلهٔ ناق جلال آباد
Le Nouveau Pont de CHÉLÉ-I-NAKI, sur la Route KABOUL-PECHAWAR (Prov. de l'Est.)



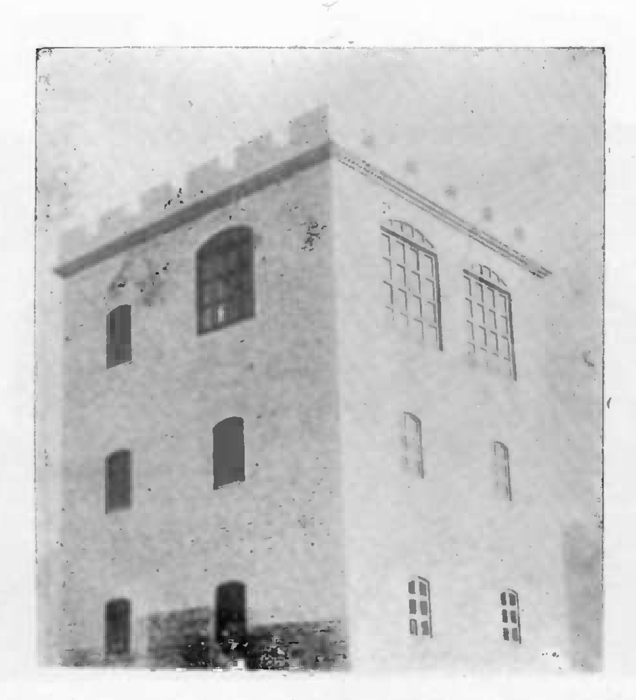
کاسه بند نهر سراج جلال آباد که درین سنه کارمذکور باتمام رسیده وآب دریا به نهر مذکور جاری گردیده .
Barrage de NAHRÉ- SÉRADJ, dont les travaux se sont achevés depuis peu (Prov. de l' Est.)

ازتعمیرات سال ۱۳۱۲ مشرقی



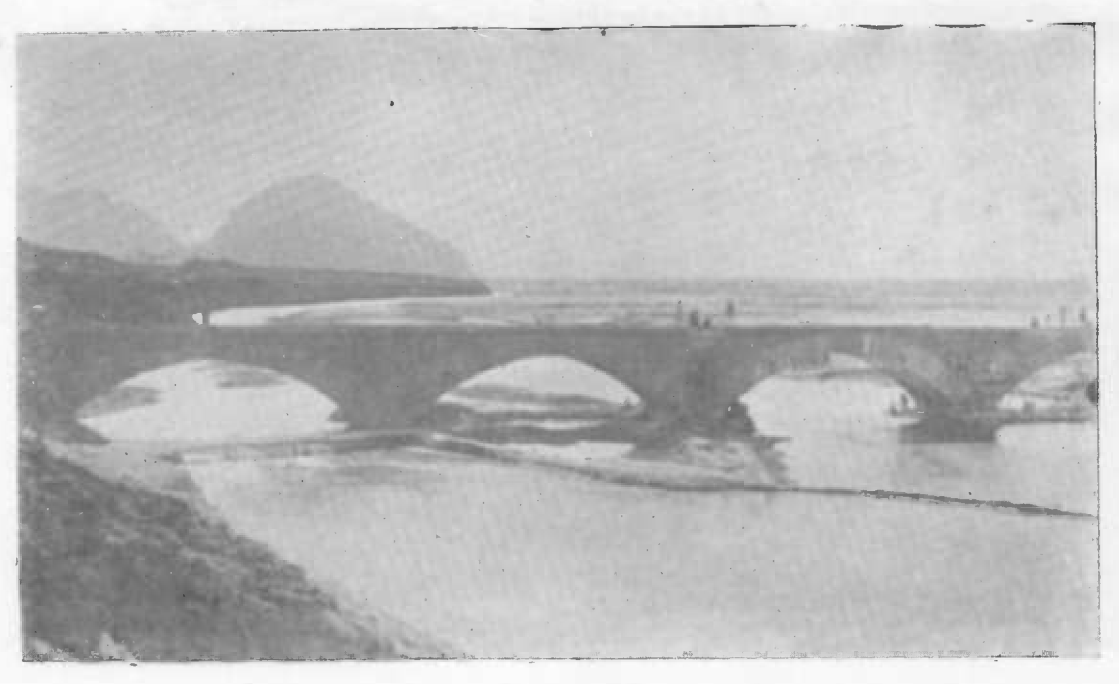
پل سراچهٔ علیخان در جلال آباد

Nouveau Pont de SÉRATCHAI ALI KHAN à DJELALABAD (Sur la Route Kaboul- Peshawar).



عمارت باغ سرده (قندهار) که جدیداً از طرف بلدیه تعمیر شده

Nouveau petit Villa dans le jardin de SARDEH à Kandahar.



عمارت پل کلان ارغنداب قندهار که جدیداً تعمیر شده و در شرف تکمیل است

Le Nouveau Pont d'ARGHANDAB sur la Route Kandahar-Hérat.



عمارت جدید مطبعهٔ عمومی در کابل
Nouveaux Batiment de l'Imprimerie Générale à Kaboul



تعمیر هوتل جدید در قندهار که در شرف تکمیل است



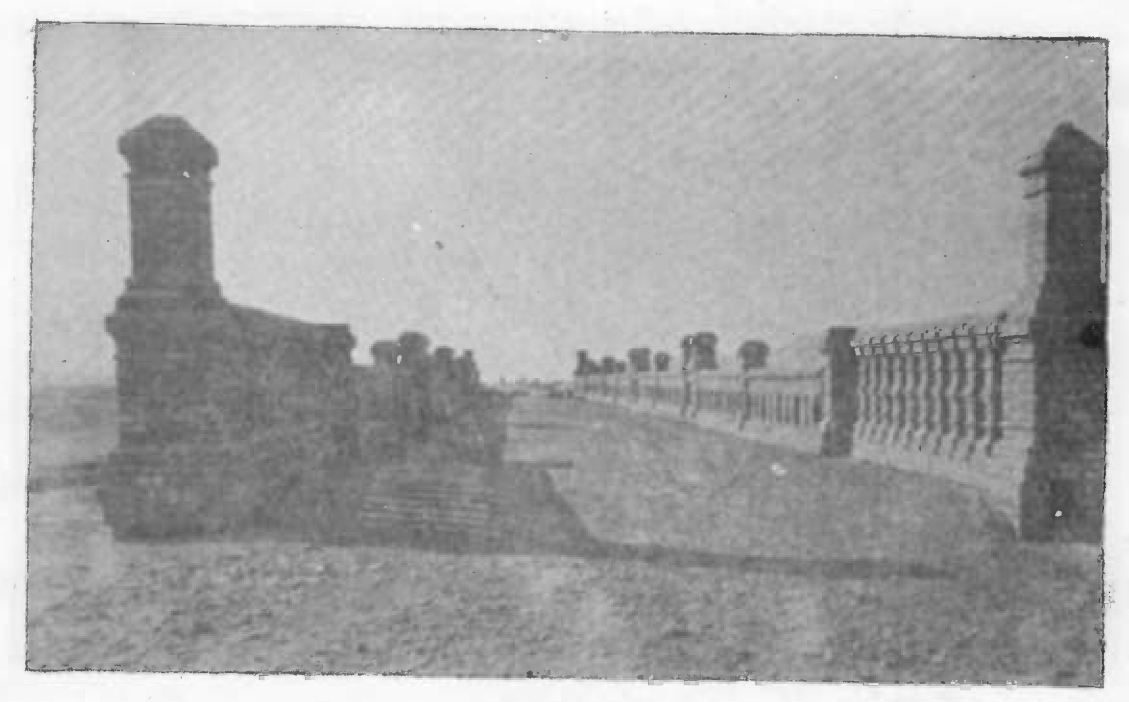
Type des nouveaux postes de Police à Kandahar.



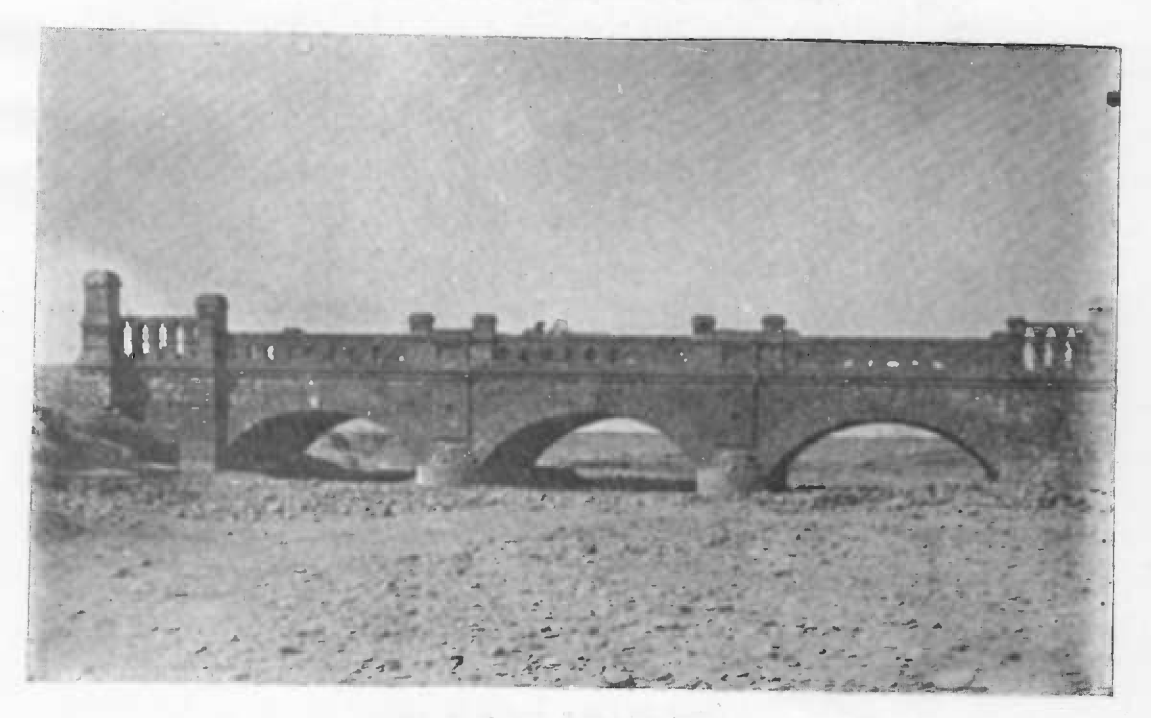
تعمیر جدید تهانهٔ پولیس در قندهار

Nouveau poste douanier entre Kandahar-Tchaman

Nouveau Grand Pont d'ARGHASSAN à Kandahar (sur la Route Kandahar-Tchamam).



پل کلان که در ارغسان قندهار جدید تعمیر شده



پل خورد که در ارغسان قندهار جدید تعمیر شده

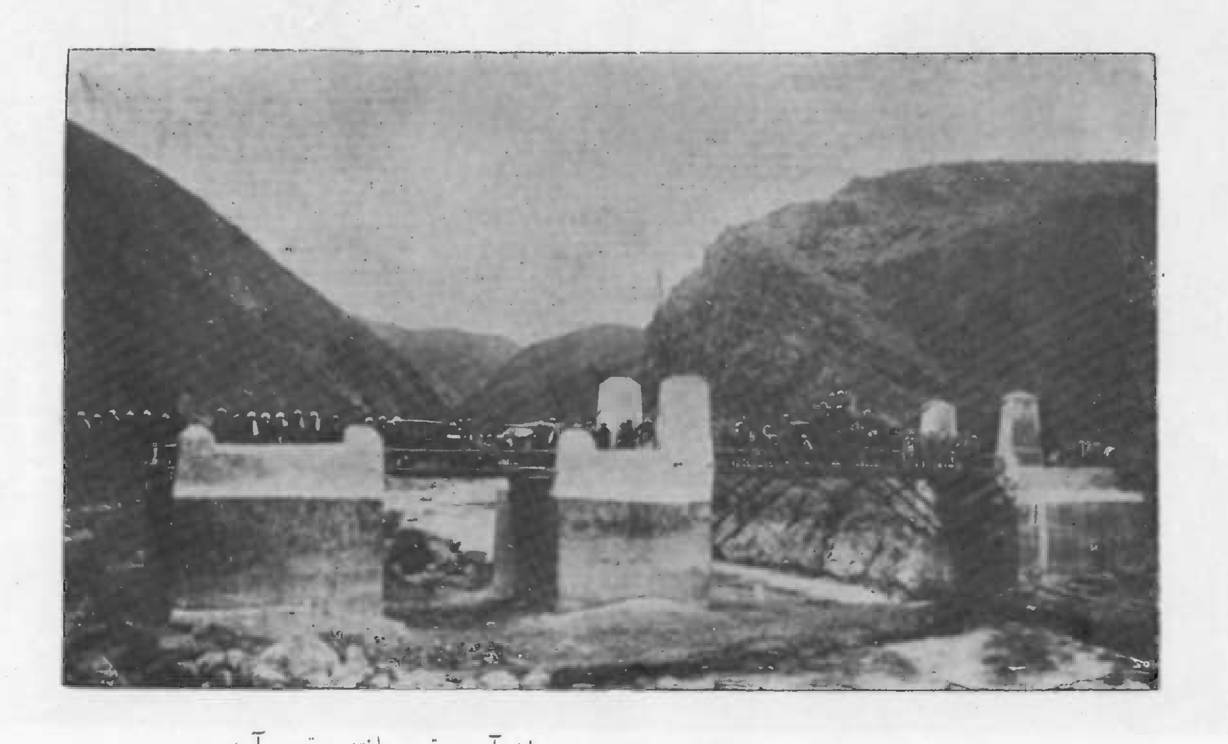
Nouveau Petit pont d'ARGHASSAN à Kandahar (sur la Route Kandahar-Tchamam).



پل جدیدیکه در حدود چشت تعمیر شده

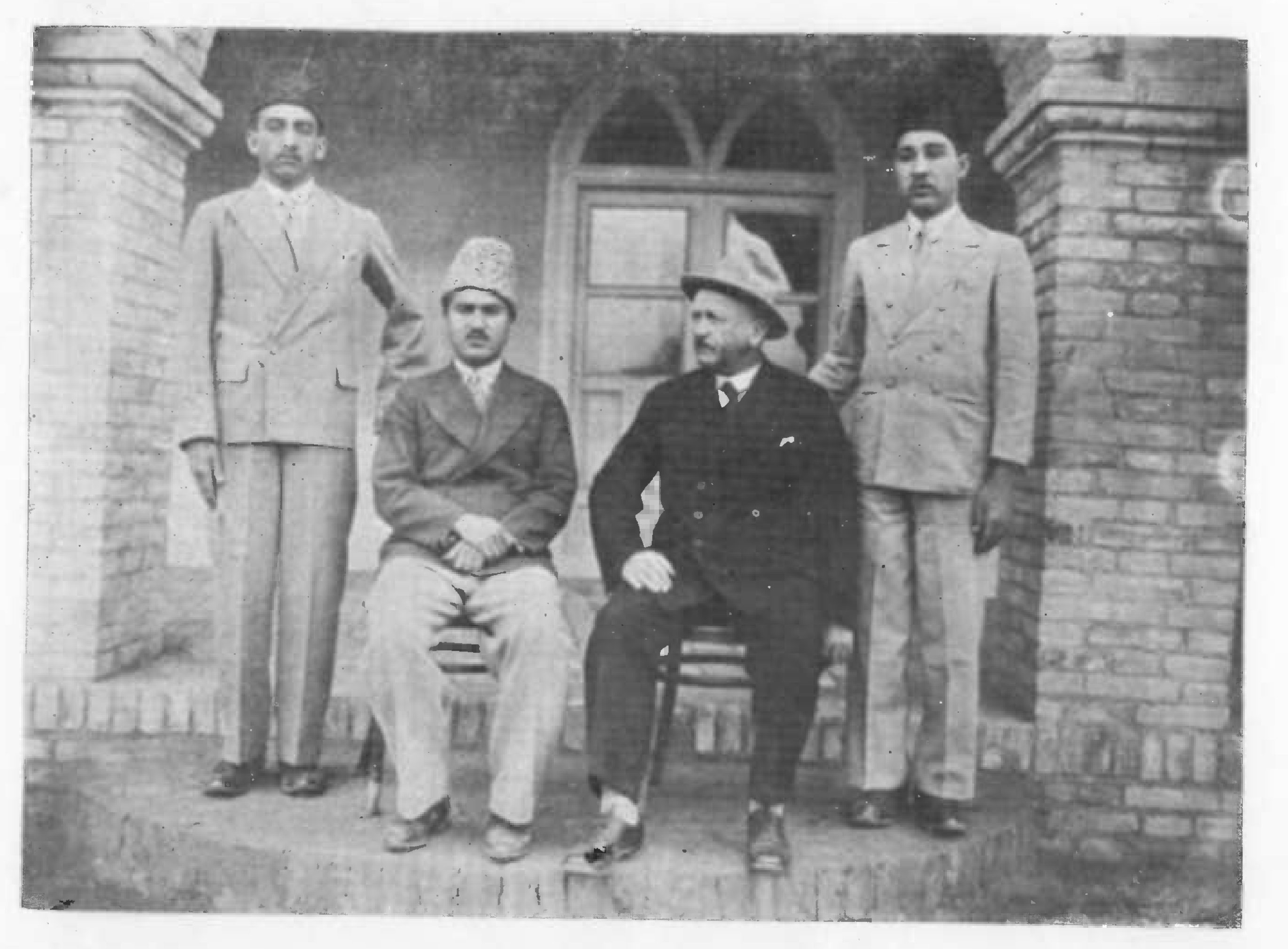
Pont en fer nouvellement construit à TCHECHT (Hérat).

(Vue d'ensemble)



این پل در حدود چشت بروی رود هریرود از آهن تعمیر یافته و تعمیر آن
درعقرب ۱۳۱۲ باتمام رسیده است .

Pont en fer nouvellement construit à TCHECHT (Hérat).
(Vue de prés)



دائرۀ مهندسی ریاست تنظیمیۀ مزار و میمنه

از طرف چپ به راست : (۱) فتح محمد خان نقشه کش، (۲) محمد حسین خان مهندس افغانی تعلیم یافته جرمنی، (۳) هرکش مهندس آوستریائی سر مهندس دائرۀ مهندسی، (٤) ولی محمد خان نقشه‌کش.

Les Membres du Bureau d'Architécture des Provinces du Nord.



هوتل جدید در مزار شریف

Hotél en constructions à Mazar-I-Chérif.

ساخته شده است ، که عکس شهر مذکورقبل از آبادی وعکس یك بازار جدید آن نیز برداشته شده .

د : شبرغان هم مثل آقچه استکه آبادی آن زیر نظرگرفته شده و برای تدارکات و اجراآت لازمه درآنجا نیز یكماموریتبلدیه تشکیل شده‌است .

ه : در شهر تاشقرغان نیز درهذهٔالسنه بلدیه تشکیل شده و به اینصورت امور بلدیآنجا تحت مراقبتو انتظام و انضباط آورده شده .

و : درسرپل مثل تاشقرغان بلدیه تشکیل و امور بلدی آنجا تحت ادارهٔ درست گرفته شده .

ز : بلدیهٔ که در اندخویاز طرفحکومتی اعلایمیمنه‌تجویز گردیده بود،ازطرف ریاست تنظیمیه‌منظور گردیده است .

٦ : دراثر ممانعت بازارهای سیار وتشویق آبادی در حکومتی های قرقین ودولت آباد وکشنده ، شورتپه بازار ها ودکان های جدید ساخته شده‌وکذا دراثر تشکیل علاقه داری درقلعهٔ زال درآنجا نیز بازار ساخته شده .

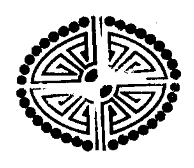
۷ : روضهٔ حضرت سید ناعلی کرم الله‌وجهه ترمیم گردیده و جاده های جدید وسیع باطراف آن کشیده شده و این موضع متبرك مرکز شهر قرار داده شده، سه جادهٔ وسیع بطرف شرق، شمال، جنوب کشیده کار، جادهٔ غربی آن جاری وعنقریب تمام می شود .

۸ :در شهر مزارشریف به تاسیس یك موزیم خانه اقدامکرده شده وآثار قیمتدار تاریخی در آن جمع گردیده است .

۹ :یك مکتب قالین بافی تاسیس گردیده شاگردان در ان به آموختن صنعت قالین بافی بطرزیکه درولایت مزارمعمول است مصروف اند .

۱۰ :برای انتظام و ترقی امورتجارت هم اقدامات لازمه کرده شده و از آنجمله بتاسیس شرکتها کوشش شده و تاحال ۳ شرکت درمزار، ۲ درآقچه ، ٤ در اند خوی ، ویك در میمنه تاسیسگردیده است .

۱۱ : درخصوص‌امنیت ولایات شمالیه‌هم اقدامات لازمه بعمل آمده است ودران جمله اتم بیگ شریر مشهورکه یگانه مخل امنیت آنولایت شناخته میشد به اثر اقدامات ریاست تنظیمیه در ولایت مزار درقریهٔ کاریز با رفقای خود ازطرف مامورین وقراولان حکومت مقتول گردیده اند .



امور عدلیه

در امورعدلیه بتاسی و تعقیب افکار شریعت پرورانهٔ حکومت عادله انتظام صحیحی پیداشده ودر ترویج وتعمیم مقررات شرع شریف مساعی بکار رفته‌قضاة ومفتیان‌ومامورین‌پاك نفس‌انتخاب و مقرر گردیده ومیگردد‌چنانچه ازآغاز دورهٔ فرخندهٔ نادرشاهی تاحال‌مامورین عدلیه مطابق خیالات شریعت پرورانهٔ آن پادشاه شهید بصیر ودانا و شهریاردیندادحاضر مرفتار نموده وبنهایت صداقت وامانت ایفای وظیفه مینمایند .

علاوتاً وزارت عدلیه درباب تدقیق وغوررسی عرائض اهالی هدایات لازمه بمحاکم شرعیه‌صادر وبوارسی عرائض عارضین وغوررسی وتدقیق‌فقرات حقوقیه وجزائیه وغیره مشغول بوده اصولنامه و لوائحی که ربطی بامور وزارت عدلیه داشته بترتیب وتنظیم آن پرداخته است .

اینك تعداد فیصله‌جات صادره را واصولنامه هائیرا که‌درورزارت موصوف توجه نموده شده مختصراً درذیل ذکرمینمائیم :

۱ : اصولنامهٔ نکاح ، عروسی ، ختنه سوری .

۲ : اصولنامهٔ تعزیه داری .

۳ : تعداد فیصله جات صادرهٔ ریاست اصلاحیه	۱٤۰	فقره
٤ : تعداد فیصله جات صادرهٔ تمام محاکم شرعیه	٥٦١٩	»
٥ : تعداد وثائق شرعیه صادرهٔ محاکم مرافعه وابتدائیه	۷۳۰۸٤	»



امور مالیه

درین سنه بوسیلهٔ وزارت مالیه بودجهٔ مملکتی به پیمانهٔ وسیع و اصول صحیح و منتظمی تدوین و بعقامات مربوطه برای غور و تدقیق سپرده شد که هیچگونه مشکلاتی از رهگذر بودجه واقع نگردیده است.

باوجودیکه هیچیك مالیاتی که بعلت تحمیل آن تکلیف شاقه بوده باشد جدید مقرر و وضع نشده اما از باعث بکار انداختن بعضی منابع جدیده و توسعه و تکثیر امور واردات از قبیل آبادی وعمران اراضی زراعتی وغیره ۹فیصد در عموم عایدات امساله نسبت بسال گذشته اضافه گردیده است.

محاسبات ماضیه وحالیه چه در مرکز وچه در ولایات، بحسن صورت تصفیه وهکذا برای تحصیل باقیات سنوات ماضیه چون در سابق اساسنامهٔ مکفی وجود نداشت لایحهٔ مناسبی وضع و تدوین شده است تا بباقیدهان اذیتی نرسد باساس لائحهٔ مذکور اشخاص نادار اصولاً معاف و بباقی اشخاص مراعتاً تحدید قسط شده وازین رو یکمقدار پول زیاد بخزاین دولت تحویل وهم اشخاص باقی ده از تکالیف فارغ گردیده اند.

مالیات باقساط مقرره ومواعد معینه بصورت مرغوبی که نه باهالی ونه بحکومت تکلیفی عاید گردیده جمع و تحویل داده شده؛ کذا برای بدست آوردن ثروت و بکار انداختن منابع عایدات مساعی لازمه بعمل آمده که درین راه امور مالی مملکت قدمهای وسیع می بردارد تا ثروت وطن ترقی یافته و دولت بتواند باجرای پلان‌های بزرگی که از جملهٔ آرزوهای ترقیخواهانهٔ اوست اقدام ورزد. علاوه از تشکیلات موجودهٔ وزارت مالیه یك مشاور مالی از خارج نیز استخدام گردیده است.

برای توسعه و ترقی امور مطبع عمومی از قبیل حروف، کاغذ، رنگ وغیره لوازم و اسباب ماشین و آلات طباعتی بتوسط ریاست مطابع و برای توسعه و پیشرفت امور ضرابخانه تماماً لوازم و ادوات کیمیاوی و سامان لازمه که عوامل مهم آنست تهیه شده و نسبت بگذشته از توسعهٔ تشکیلات و غیره اجراآت وسعت لازمه بعمل آمده است.



امور معارف

امور معارف در اثر توجهات معارف پرورانهٔ اعلیحضرت همایونی نظر به توسیع مکاتب و تعمیم و تربیهٔ اطفال چه در ولایات و چه در مرکز رونق و انتظام خوبی یافته و تمام نواقصیکه در اصول تعلیم مکاتب بود رفع شده است، صورت امتحانات مدارس باصول خیلی صحیح بعمل آمده و طلاب بوجه احسن توانستند در نتیجهٔ امتحانات کامیاب شوند، درین سال یکعدهٔ کافی طلاب از مکاتب عمومی و دارالعلوم عربیه و دارالحفاظ فارغ التحصیل و یك عده از طلبه که از مکاتب عالی فارغ التحصیل گردیده بفاکولتهٔ طبی شامل شده اند. کذا عدهٔ از فارغ التحصیلات معارف بمقصد کسب تخصص بدارالفنونهای امریکا و اروپا اعزام گردیده اند.

بودجهٔ معارف نسبت به سال گذشته تزئید یافته، سامان و لوازم تکمیل و انواع سپورت در مدارس عملی و مقامات مخصوص برای اینکار تخصیص داده شده، مکاتب متعدد خانگی در اطراف مملکت و مکاتب ابتدائی در مرکز تاسیس و یکعده اطفال مملکت تازه داخل این مکاتب جدید گردیده اند، برای اینکه تمام وسائل تعلیمیه در وزارت معارف موجود باشد کتب کلامی و تعلیمی زیاد تالیف و تهیه شده است.

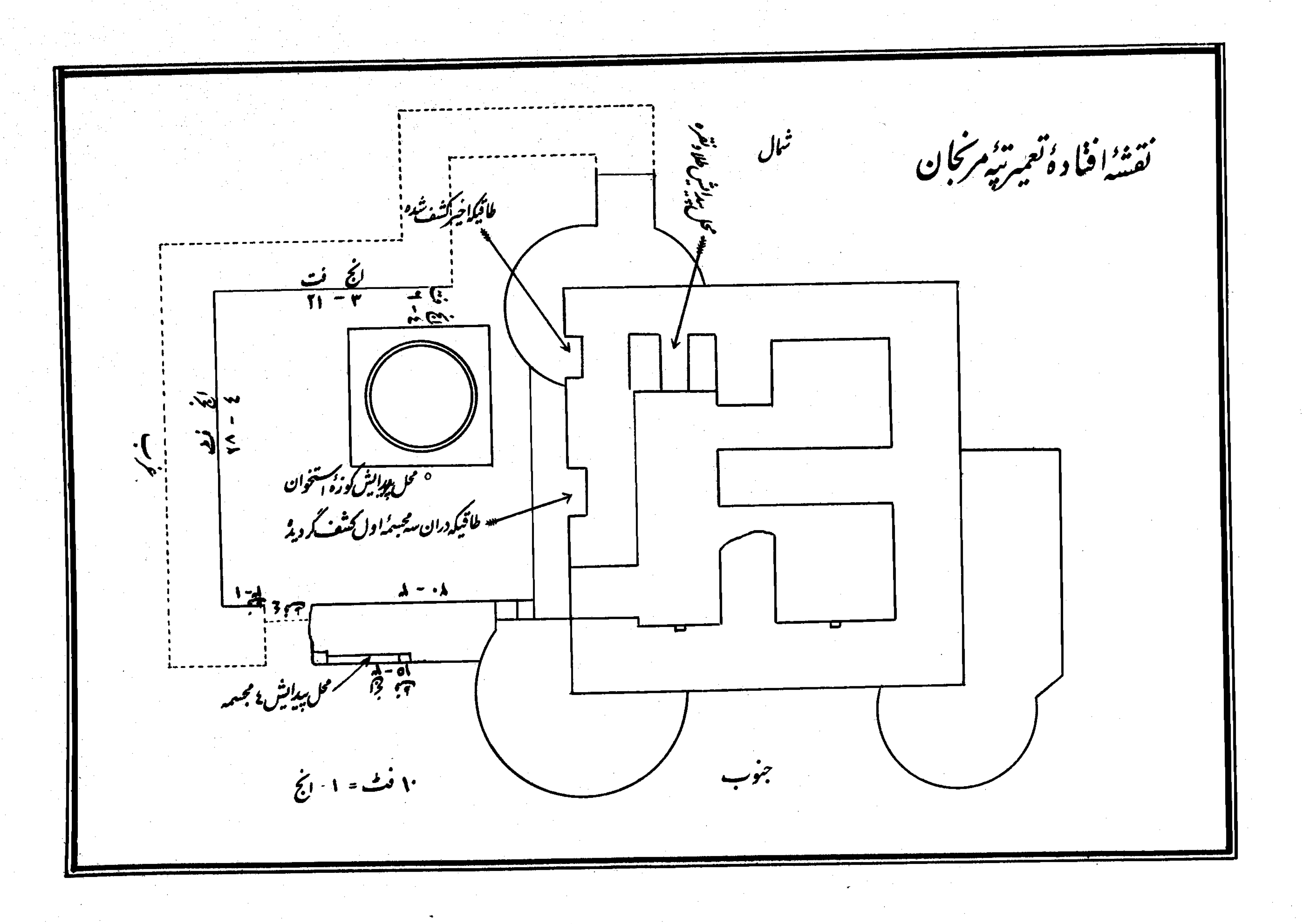
در سنهٔ گذشته فاکولتهٔ طبی درخود مرکز تشکیل و تاسیس شده وعدهٔ از کامیابان‌دیگر مکاتب در آن بدورهٔ دوم قدم نهاده ازمکتب طبی که سه‌سال قبل تاسیس شده بود عدهٔ کامیاب آمده‌ودرشفاخانهای مرکز مصروف عملیات میباشند.

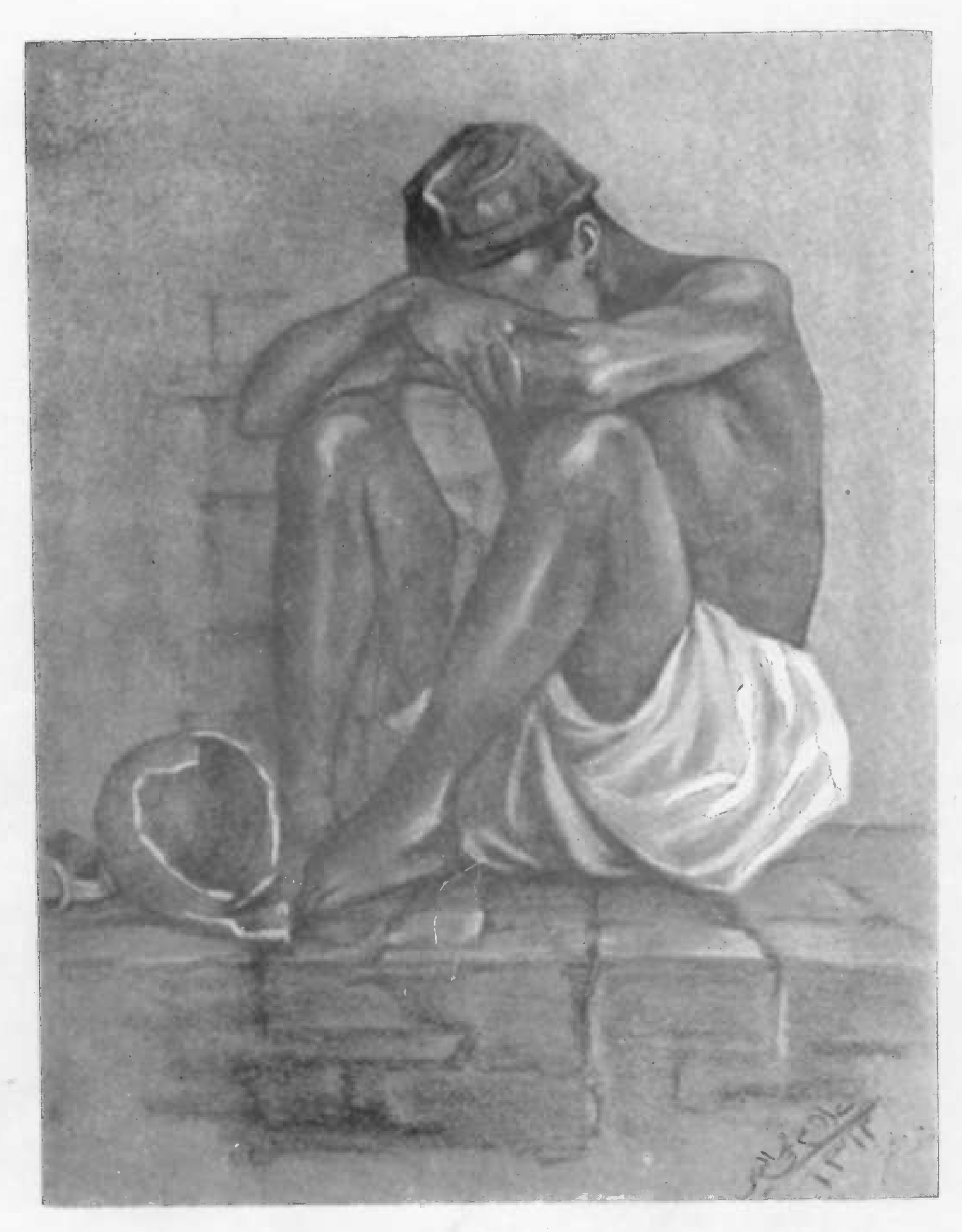
علاوتاً وزارت جلیلهٔ معارف درجمع‌آوری آثار عتیقه سعی بلیغی نموده‌که فعلاً موزهٔ کابل‌ترقی شایانی‌کرده است، درتپهٔ مرنجان و نجراب و قلعهٔ هزارهای چنداول حفریات اجرا گردیده‌و نتیجهٔ خوبی بدست آمده‌است، کذا ازحفریات «میدان» مربوطهٔ ولایت کابل یکمقدار مسکوك طلائی شاهان غور و غیره بدست آمده. برینوجه در قسمت مسکوکات موزهٔ کابل خیلی چیز های نفیس علاوه شده.

رخصتی موسمی طلاب مدارس درین سنه از لحاظ برفباری و شدت سرمای کابل از موسم‌تموز بزمستان تبدیل داده شده و برای اینکه در ساعات تعلیم شان نقصی وارد نشود برای طلاب مدارس عالیه نان چاشت نیز از بودجهٔ معارف تعیین گردیده است، در وزارت معارف عمارت بزرگی برای دوائر وزارت تعمیر، محل نشیمن سابق دوائر وزارت برای کلوب معارف تخصیص داده شده، برای مکتب صنائع نفیسه عمارت موزونی تعمیر و قریب‌الاختتام است، درعمارت مکتب استقلال و حبیبیه توسعه داده شده و برای مستخدمین وزارت معارف اپارتمان تعمیر و کارآن با تمام رسیده. درحکومتی اعلای فراه درین سنه مساعی زیادی نسبت بترقیات امور عرفانی بعمل آمده مخصوصاً تعمیر یك منزل عالی‌که دارای باغ وهمه‌گونه لوازم است بناشده. وبرای مکتب آنجا تخصیص داده شده است.

وزیر جدید معارف‌که شخصاً از اولاد های فارغ‌التحصیل خود مکاتب افغانستان ودرجات‌عالیهٔ تعلیمات‌را در مرکز وممالك خارجه در یافت نموده اند باکمال جدیت و فعالیت مشغول گذاشتن اساس صحیح ومعقول ومطابق احتیاجات و روحیات ملت درمعارف بوده و امید است در مدت قلیلی وزارت معارف‌بتواندآرزو های حکومت معارف پرور خود را که نسبت به ترقی و تعالی این وطن دارند، برآورده سازد.




نقشهٔ افتادهٔ تعمیر تپهٔ مرنجان
شمال
محل پیدایش طلا و نقره
طاقچهٔ اخیر کشف شده
انچ فت
۲۱ - ۳
محل پیدایش کوزهٔ استخوان
طاقچه که در آن سه مجسمهٔ اول کشف گردید
۸ - ۰۸
محل پیدایش ۴ مجسمه
غرب
جنوب
۱۰ فت = ۱ انچ



نمونهٔ رسامی یکی از طلبهٔ مدرسهٔ صنائع نفیسهٔ کابل

Spécimen du dessin d'un des élèves de l'Ecole des Beaux Art de Kaboul

امور تجارت و زراعت

امور تجارت، زراعت، درین سال پیشرفت شایانی نموده شرکتهای تازهٔ تاسیس شده دوائر اقتصادی منظم و تزئید و تکثیر در محصولات گمرکی بعمل آمده، توسعه وحفظ جنگلات و احداث جنگلات جدیده در تمام ولایات وحکومات اعلی اهتمام و رونق خوبی یافته است، حتی تخم های اشجاریکه در افغانستان نبوده ودر خارج موجود وقابل پرورش بآب وهوای افغانستان است از خارج جلب ودر نظر گرفته شده که جبال بی اشجار سرسبز ومشجر شود.

کذا از سال های متمادی چندین رقم اشیائیکه هیچ مفید احوال اهالی نبوده واز جملهٔ چیز های تجملی بی فائده بشمار می آید به افغانستان وارد میگردید ویکمقدار زیاد پول افغانستان بآنواسطه به ممالك خارجه صادر میشد ونیز بعضی سامان درخود وطن تهیه و ساخته میشود که نسبت باجناس خارج بمراتب بهتر و نظیف تراست ورود آنچنان چیزهای تجملی واینگونه اجناس بافغانستان ممنوع قرار داده شده که بملت فائدهٔ خوبی ازین اقدام عاید میگردد.

همچنین درتمام شعبات تجارتی اجراآت مفید ومعقولی بعمل آمده که هرکدام آن اهمیت ومقام مخصوصی را در تجارت واقتصادیات مملکت ماما لك میباشد. ذیلاً یکعده اجراآت وکارهائیکه درامور تجارت وزراعت شده اجمالاً بصورت مختصر ذکر میشود:

۱ : در اطراف ونواحی کابل جنگلات توسعه داده شده ویکمقدار نهال زیاد درجنگل کته پلوان غرس شده است.

۲ : یك حصه زمین کافی در بینی حصار برای قوریهٔ هر قسم نهال اشجار و بته تخصیص یافته است، کذا در جنگل بابرشاه چنار های رقم نیله باصول فن زراعت تربیه شده که استفادهٔ خوبی ازان بعمل خواهد آمد.

۳ : یکهزار جریب زمین برای اشجار عرعر وریه و سفیدار تعین شده که در هر جریب چهار لك قلمه نهال غرس شود.

٤ : بموجب هدایات دولت تمام ولایات و حکومات اعلی به تکثیر جنگلات اقدام نموده و راپور نهال شانی را بوزارت مربوطهٔ خود داده اند.

٥ : قبلاً نگهبانی جنگلات پسته بصورت اساسی ودرست نمی شد بولایات هدایات صادر شده است که عوض درختهای پسته که خشك شده باشند نهال جدید بنشانند واهالی را نگذارند که بقطع آن اقدام نمایند در ولایات بموجب هدایت عمل و در سال حاضر امورجنگلات پسته منتظم گردیده.

٦ : در باب شیرخشت نیز مانند پسته اقدامات بعمل آمده و از چهاریکهٔ شیرخشت نیز مبلغی حاصل و عاید دولت شده است.

۷ : برای اینکه در ایورها فنی بوده میخانیك نیز باشند بغرض رفاه اهالی و تجار مکتبی بنام مکتب در ایوری ومیخانیکی تاسیس شده که متعلمین این مکتب کنون مشغول تعلیم نظری وعملی میباشند ومعلمین قابل برای آن انتخاب شده.

۸ : اسباب و وسائل کارآمد دوائر مالیه، فوائد عامه، داخله و پوسته و تلگراف، مطبعهٔ عمومی بذریعهٔ وزارت تجارت از خارج تهیه و آماده شده است.

۹ : شرکت (پشتون) قندهار از مؤسسات خیلی نافع سال مذکور است چه تجار آنجا اخیراً ضرر تجارت انفرادی را دانسته و بموجب رهنمائی دولت بتاسیس آن شرکت اقدام واز خساره هائیکه به تجارت میوهٔ قندهار واقع میشد فعلاً جلوگیری می نمایند ، وصادرات میوهٔ خشك وتازه مخصوصاً از ولایت قندهار در خارج توسیع یافته است .

۱۰ : از جملهٔ شرکت های جدید التاسیس یکی شرکت امید کابل است که البسهٔ عساکر مملکت را از منسوجات وطنی تهیه میکند چنانچه در سال مذکور علاوه بتدارك البسهٔ عسکری یکمقدار کافی از اقسام کشمیره ها برای فروش عمومی هم حاضر کرده توانست .

۱۱ : دیگر از شرکت های مهمه شرکت پطرول کابل از حیث انتظام واردات نفتی خیلی مفید میباشد .

۱۲ : اصولنامهٔ گمرگی سابقاً دارای موادی بود که قسماً در پیشرفت امور تجارت موانعی می نمود لهذا درین سال با نهایت دقت وحسن توجه تعدیلات کاملی در آن بعمل آمده .

۱۳ : همچنان چهار یکهٔ کشتم که از عایدات ترانزیتی ، دولت استفاده می نمود درین سنه کاملاً برای تجار واگذار گردید ونیز محصول صرفیات داخلی بقصد مرفه الحالی اهالی وتجار کاملاً معفو گردید .

۱٤ : یك شعبهٔ نسلگیری (بر علاوهٔ دائرهٔ نسلگیری علی آباد) درقریهٔ خواجه ملای کابل تاسیس شده که دران حیوانات تربیه می شود .

۱٥ : بعلاوه بندهائیکه از آغاز سال دوم جلوس اعلیحضرت شهید در نقاط لازمهٔ مملکت تعمیر گردیده درین سنه بند مچلغو در سمت جنوبی تحت تعمیر است که این بند خیلی مفید بحال زراعت آنحصهٔ مملکت واقع میشود .

۱٦ : تفصیل تزائد عایدات گمرکی وزراعتی امور تجارت وزارعت مملکتی وتعمیراتیکه درخود مرکز درین سنه بعمل آمده قرار آتیست .

الف تزاید عایدات :

۱ : شعبهٔ گمرکات : واردات وصادرات سال ۱۳۱۱ نسبت به سال ۱۳۱۰ درواردات ۳۰ فیصد ودر صادرات ۱۰ فیصد زیاد شده است .

۲ : عایدات گمرکی سنه ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱۱ ده فیصد زیاد شده است .

۳ : شعبهٔ محاسبه : عایدات عمومی وزارت تجارت سالتمام ۱۳۱۲ نسبت به سال ۱۳۱۱ بیست فی صد اضافه شده است .

ب تعمیرات :

۱ : تعمیر گمرك قلعهٔ محمود خان : این عمارت بصورت اساسی بوده وبرای گمرك نهایت موزون است زیرا تمام لوازم ادارهٔ گمرکی درآن موجود واز هرحیث مکمل است .

۲ : تعمیر دکانهای چمن حضوری : رستهٔ دکانهای مذکور بصورت عصری بوده وبرای مفاد عمومیه ساخته شده است .

۳ : تعمیر دوا خانه عمومی : دواخانهٔ مذکور برای حفظ اساسی ادویه جات وتقرر بعضی معالجه خانه ها از قبیل دندان سازی وغیره ساخته شده واز هرجهت مکمل وعصری است .

٤ : تعمیر سرای عبدالرحمن خان : در سرای مذکور گاراج های منظم با اطاقهای متعدد ساخته شده ومدیریت حمل ونقل وبعضی شرکت ها ودوائر دیگر نیز دران اقامت دارند .

۵ : تعمیراپارتمان : عمارت مذکور برای رهایش مستخدمین خارجی متعلقهٔ وزارت تجارت تخصیص داده شده .

۶ : تعمیر فابریکهٔ سنگ تراشی .

۷ : تعمیر ماشین خانه چهاراره .

۸ : تعمیر عمارت رنگریزی .

۹ : تعمیر عمارت مکتب زراعت و پیله خانه ، عمارت مذکور بصورت عصری بوده و برای مکتب زراعت و پیله کشی نهایت موزون است .

۱۰ : تعمیر عمارت تربیهٔ حیوانات .

۱۱ : ترمیمات باغ بابرشاه : باغ بابر شاه که سابقاً یك باغ عالی ودر اثر مرورزمان وعدم پرداخت نهایت برهم و خراب شده بود از طرف حکومت متبوعه بآن توجه شده ترمیمات زیادی در عمارات ومقبرهٔ بابر شاه و دیگر خاندان بابری که درآنجا مدفون اند و مسجد سنگی و باغچه های آن نموده وعلاوةً حوض های موزون جدید درحصص لازمه آن ساخته و در احاطهٔ آن دیوار بزرگی آباد کرده و باغ مذکور را به نسبت سابق دو چند بهتر و موزونتر ساخته است .

۱۲ : تعمیرات داخلی وزارتها : تعمیر منزل دوم وزارت تجارت وتخصیص آن برای کلوپ وبعضی دوائر دیگر وهمچنین تعمیر منزل دوم وزارت مالیه و ترمیم داخلی وزارت خانه‌ها از قبیل رنگمالی وغیره .

۱۳ : تعمیر گمرك ارغنده : عمارت مذکور برای ادارهٔ گمرکی ارغنده تعمیر واز مدتی است که مامورین گمرکی درآن اقامت دارند .

۱۴ : ترمیم بند خورد کابل .

۱۵ : ترمیم دکانهای متعدد مربوط وزارت تجارت .

۱۶ : فروش املاك : ازطرف دولت مقررشده تایك اندازه املاك مزروعی بفروش رسانیده شود تاکسانیکه بی بضاعت هستند مالك املاك گردیده ومرفه الحال زندگانی نمایند ویکمقدار زمین مزروعی وباغی جهت آسایش مهاجرین داده شده که صورت آن قرار ذیل است :

۱ : بفروش رسانیده شده : املاك باغی ۱۴۱۰۸ اصله . املاك مزروعی ۸۰۶۴ جریب .

۲ : برای مهاجرین داده شده . باغی ۱۴۲ اصله . مزروعی ۳۲۰ جریب .

۱۷ : مدافعهٔ ملخ : ملخ که یکی از حشرات موذیه واضرارآن بهمه معلوم بوده وهیچ مملکتی نیست که دچار مضرات فلاحتی این پرندهٔ موذی نشده باشد .

این پروانهٔ مضر دربعضی حصص شمالی افغانستان از سالهای درازی موجود بوده وبه کشت وزراعت ضرر میرسانید واهالی تااندازهٔ مقدور بمدافعهٔ آن می پرداختند اما ایام انقلاب فرصت خوبی باین پروانه مضر بخشیده ومردم کمتر متوجهٔ دفع آن شده توانستند وباین واسطه در حصص شمالی مخصوصاً ولایت مزارشریف وقطغن وبدخشان بیشتر مشغول گذاشتن تخم وقایم نمودن مچك خود گردیده وتوانستند تایك اندازه بمزارع نقصانات وارد نمایند ، حکومت که برای رفع واصلاح تمامی نقصانات ملی متوجه است این مسئله را نیز مورد دقت و توجه قرار داده وچارهٔ اساسی برای دفع آن سنجیده متخصصین ماهر دفع ملخ استخدام وهیئت های مدافعهٔ ملخ که مرکب از مدیریت ها و ماموریت ها است بایك بودجهٔ وسیعی منظور نموده است .

این هیئت ها اقدمات اساسی راجع بدفاع نموده وحصهٔ زیاد آن را معدوم ساخته است . اگرچه ملخ بکلی تباه نشده واثرات آن کم کم دربعضی مزارع یافت میشود ولی چون برای دفاع آن به نهایت جدیت و فعالیت مشغول اجراآت اند امید است که به بسیار زودی زراعت آن سرزمین از اضرارآن خلاصی یافته و اهالی از

مضراتش مصئون گردند . اینك مختصر اجراآت هیئت های مدافع ملخ در مزار شریف و قطغن را با صورت تشکیلات آن و مواضعیکه مورد حملۀ ملخ واقع شده در ذیل تصریح میداریم :

۱ : هیئت مربوطۀ ولایت مزار شریف :

هیئت مربوطۀ مزار شریف باشتراك یکدستۀ شش نفری از متخصصین شروع به عملیات و مواضع زای ملخ را کشف نموده در اوائل برج حمل سال ۱۳۱۲ بوسائل نشر ادویه و غیره امور فنی اقدام به مبارزه نمودند درین اقدام اهالی مزار شریف هم از عملیات وطنی دست نکشیده بوسائل مختلفۀ وطنی از قبیل کشیدن تخم ملخ و حریق آن در موقع پرواز ، حفر جرها ، و افگندن ملخ در بین آن ، و از طرف شبها به اتلاف آن از معاونت باهیئت متخصصین فروگذاری ننموده حتی المقدور در مقابل این آفت تشریك مساعی و استقامت بخرچ داده و نگذاشتند که ضرر آن مدهش و قطعی شود .

۲ : هیئت مربوط ولایت قطغن و بدخشان .

هیئت مربوط ولایت قطغن و بدخشان به کمك اهالی در کشیدن زای مذکوره تاحد امکان کوشیده و هم حکومت برای اینچنین اشخاص (آنهائی که تخم ملخ را جمع آوری میکردند) جوائز و انعامات مقرر داشته بود تا اهالی بصورت رضاء و اختیار خود بجمع آوری تخم این آفت تباه کن اقدام کنند و در نتیجه همین عملیات هر روزه چندین خروار تخم ملخ در مناطق مختلفه جمع آوری گردیده و عمال آن انعام خود را دریافت می نمودند که مقداری جمع شده تخم ملخ از طرف هیئت مقرره سوختانده می شد باین ترتیب امور مربوطه به کشفیات سپری شد ، اما بعضی مناطق بازهم در قطغن موجود بود که لازم می نمود تحت تحقیقات و نظرفنی قرار داده شود تامجدداً ظهور حشرۀ مذکور مورث زیان و خسران نگردد لهذا مناطق مشبوهه از آغاز سال جاری طرف توجه قرار داده شد و عملیات ممکنه درآنباره اجرا گردید .

اسامی مواضع و اراضی که مورد حملۀ ملخ قرارگرفته و عملیات درآن اجرا شده بر حسب ذیل است :

الف : ولایت مزار شریف : ۱ : آقچه . ۲ : دولت آباد . ۳ : تاشقرغان . ٤ : شبرغان .
۵ : بلخ . ٦ : مرکز مزارشریف و توابع آن . ۷ : خرم وسارباغ ، روئی ودوآب . ۸ : درۀ صوف .
۹ : سنگ چهارك . (۱۱۸۸۳۰ جریب عملیات شده) .

ب : ولایت قطغن و بدخشان . ۱ : خان آباد . ۲ : تالقان . ۳ : حضرت امام صاحب . ٤ : قندوز .
۵ : غوری . ٦ : بغلان . ۷ : اشکمش . ۸ : اندراب . ۹ : خنجان . ۱۰ : تاله و برفك .
۱۱ : نهرین . ۱۲ : کشم . ۱۳ : رستاق . ۱٤ : ینگی قلعه . (۹۲۸۲۰ جریب زمین عملیات شده) .

ج : ولایت کابل : ۱ : بامیان باتمام توابع آن . ۲ : سیغان وکهمرد . (۹۹۳ جریب زمین عملیات شده) .

صورت تشکیل هیئت مدافعۀ ملخ

۱ : شعبۀ مرکزی در وزارت تجارت .
۲ : مدیریت در مزارشریف باسه ماموریت .
۳ : مدیریت در ولایت قطغن و بدخشان با چهار ماموریت .
٤ : ماموریت های ملی که مقامات آت آن ذیلاً توضیح میشود .

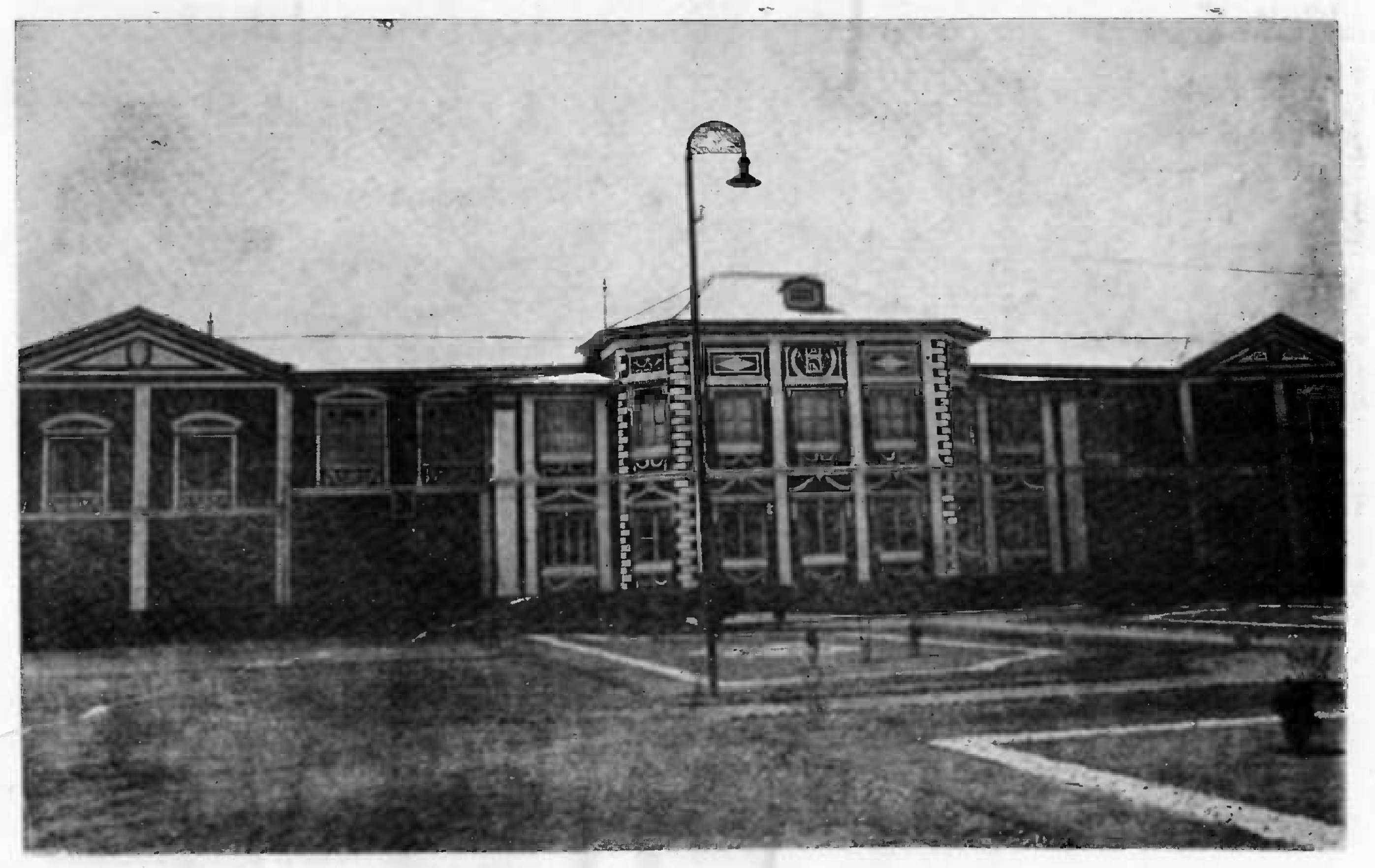
الف : بامیان . ب : سیغان وکهمرد . ج : تاله و برفك . د : غوری : ه : بغلان . و : خرم و سارباغ ، وروئی و دوآب . ز : درۀ صوف . ح : سنگ چهارك .

متخصصین

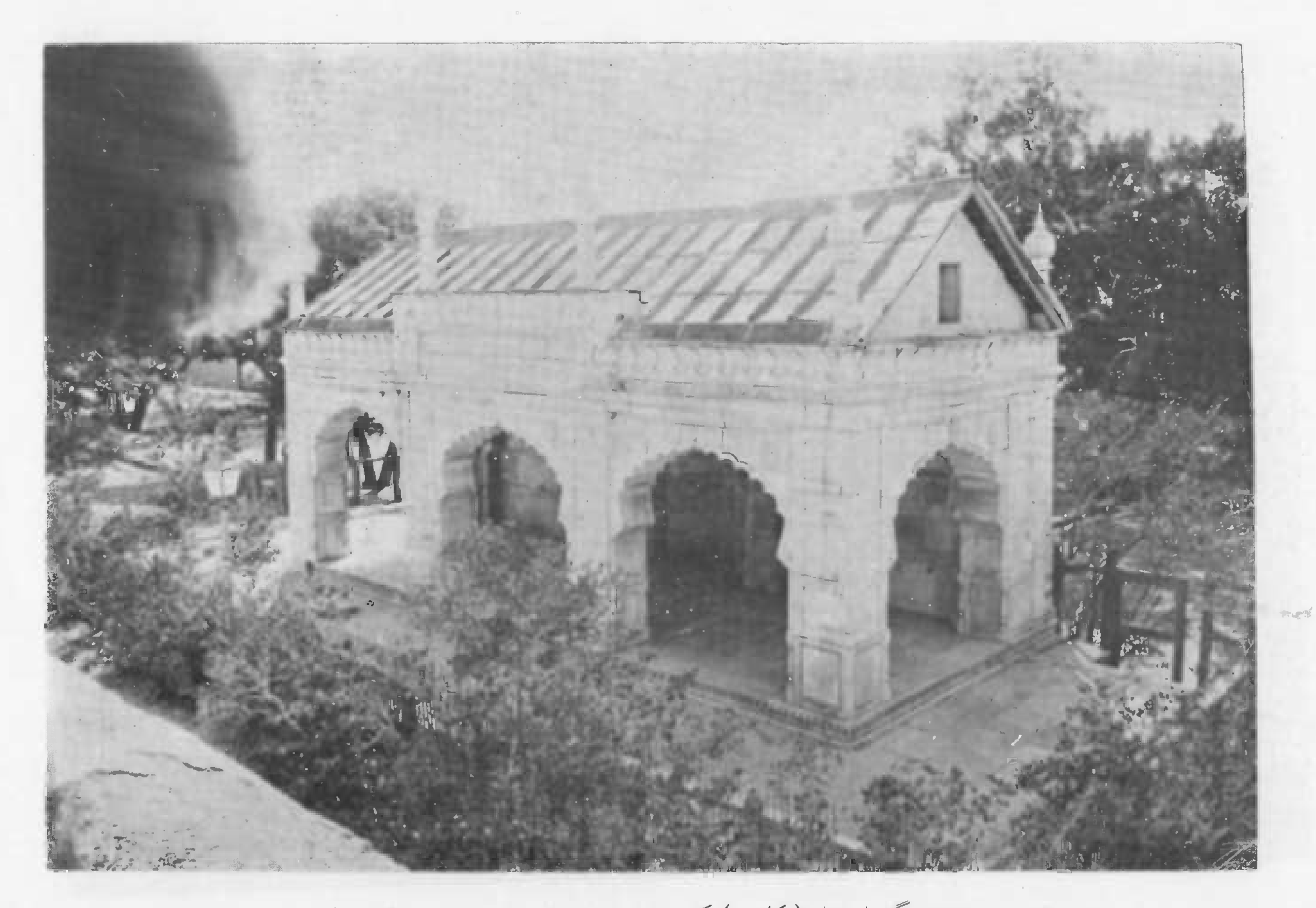
رئیس ومدیر تخنیکی . متخصص مبارزه . حشره شناس . دیده‌بانی پرواز .



قسمتی از منزل ع، ج ۱۰۱ نشان والا حضرت سپه سالار غازی وزیر صاحب حربیه



قسمتی از منزل ع، ج، ا، ا نشان والاحضرت سپه سالار غازی وزیر صاحب حربیه



مسجد سنگی بابرشاه (کابل) که در عصر اعلیحضرت شهید سعید ترمیم یافته

La Mosquée en marbre de BABOUR CHAH à Kadoul, restaurée sous le règne de S. M. NADIR CHAH.



عمارت دواخانه وحفظ ادویهٔ کیمیاوی طبی که درعصر نادرشاهی تعمیر و درهمین اوقات نزدیك تکمیل شده است .

Nouvel Entrepôt des Matiéres Chimiques et Médicinales à Kaboul.



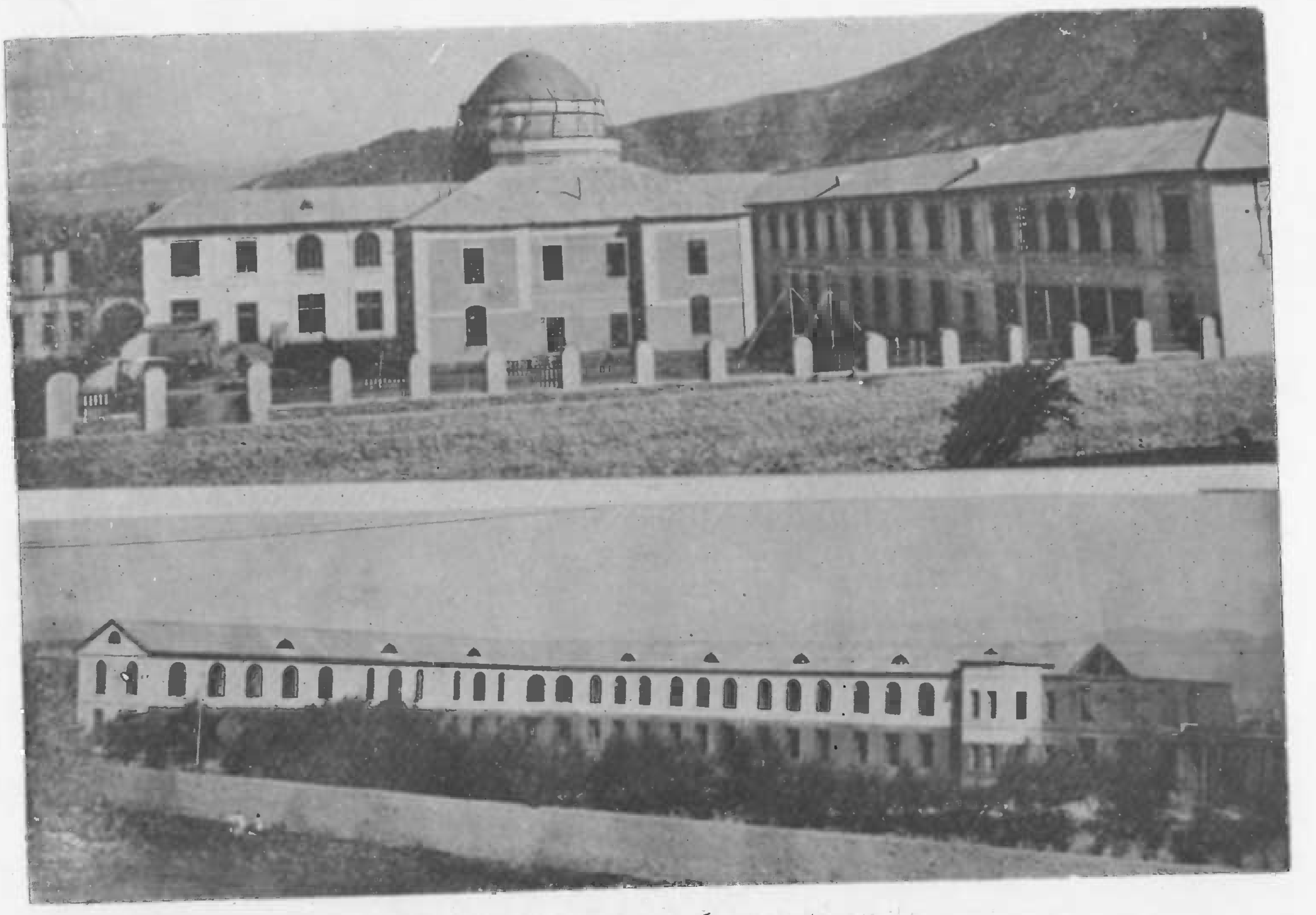
جادۀ بازار شاهی
Une Vue de BAZAR-I-CHAHI (Kaboul).

از تعمیرات سال ۱۳۱۲ ولایت کابل



فابریکهٔ نجاری مرکز

Nouvelles Fabriques de Meuble et de Menuiserie Générale à Kaboul.



عمارت جدید مکتب صنائع نفیسه در کابل

Nouveaux Bâtiments de l'École des Beaux Arts à Kaboul.



از عمرانات جدید: گمرک مرکز کابل واقع قلعهٔ محمود خان

Nouveau Bâtiment de la Douane Centrale à Kaboul.

امور فوائد عامه

از چندی بود که حکومت متبوعهٔ ما در اثر نیات نیك و نظریات پسندیدهٔ که نسبت به ترقیات مملکت خود داشته و همیشه مشغول فراهم آوری اسباب ارتقا و آرامی ورفاهیت ملت عزیز خویش میباشد و برای ادارهٔ امور رفاهٔ عامه که بوزارت ودوائر مختلفه امور آن اجرا می شد، وجود و تاسیس یك وزارت را که در آن بالنسبهٔ فوائد عامه اجراآت و اقدامات شود در نظر داشت چنانچه بماه جوزای سال ۱۳۱۲ ؛ موفق به تاسیس آن گردید، اگرچه این وزارت هنوز جوان ومرحلهٔ اولین خود را می پیماید ولی باوجود آنهم متوجه منابع مفید گردیده است .

هیئت اداری این وزارت از اشخاص لایق و اهلیت دار انتخاب گردیده بدواً چون این وزارت عمارت مناسبی نداشت لهذا درحصهٔ شرق شهر یك عمارت بصورت عصری برای آن تعمیر شده وهمه گونه لوازم واسباب اداری آن تکمیل گردید .

اکنون این وزارت از بدو تاسیس وتشکیل خود بامور نافعه پرداخته درکشیدن جاده ها و تعمیر مقامات لازمه وغیره اقدامات می نماید .

امید است درآتیهٔ قریبی این وزارت خیلی ترقی کرده مصدراستفاده عموم واقع شود. سامان کارآمد خود را این وزارت از قبیل تراکتورهای برف پاکی ولوازم سرك سازی واسباب تعمیر وغیره بلا فاصله از خارجه و داخله اکمال می نماید .

ازجمله اجراآتیکه بوسیله وزارت فوائد عامه درین سنه عملی شده مطالب آتی است :

۱ : تعمیر و ترمیم پل های اطراف وبعض حصص مرکزکابل .

۲ : احداث وترمیم شوسه های مرکز ونواحی کابل ومربوطات آن .

۳ : مزارمتبرك حضرت تمیم انصار رضی الله عنه بصورت خیلی منظم تعمیرو بنا شده است چه این روضهٔ مبارکه ازسالیان درازی بودکه از طرف‌حکومات سابقه تعمیر نشده بود لهذا ضرورت تعمیر آن را شهریاردین‌دار شهید اعلیحضرت محمد نادرشاه مغفوراحساس فرموده وامربا عمارآن‌صادرکردند، اینك کار تعمیر روضهٔ مبارکه موصوف باتمام رسیده است .

٤ : تعمیر مینار یادگار خدمت و شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم .

۵ : تنظیم وترتیب جشن های استقلال ونجات وتکمیل سامان ولوازم آن .

٦ : فابریکهٔ گوگرد سازی : حاصلات ساخت گوگرد فابریکهٔ مذکورنسبت بحاصل سنوات گذشته در سال ۱۳۱۱ خیلی زیاد بوده و از سبب حریق فابریکهٔ مذکور به اکثریه ماشینها نقصانات تولید گردیده ودراواخر سال۱۳۱۲ اصلاحات پرزه ها وغیرهٔ آن شروع گردیده وچند پایه ماشین اصلاح گردیده امید است که بطور اساسی تماماً نواقص فابریکهٔ مذکور رفع و حاصلات گوگرد روز افزون گردد .

۷ : فابریکه نجاری مرکز : این فابریکه بهبود وترقی‌نموده هرنوع‌مو بل‌از قبیل میز های‌کار و میزهای‌چای خوری ومیوه خوری وچوکی های بازودار وبی بازووکوچ وسیت ها والماری وغیره یومیه بتعداد

لازمه تکمیل مینماید و ازینرو تماماً حوائج دوائر تکمیل گردیده وعلاوتاً برای فرمایش شائقین حاضر بوده و از هر نوع موبل فرمایشی را بصورت مرغوب تکمیل مینماید .

۸ : فابریکهٔ سنگتراشی : این بریکه نیز ترقی‌یافته ازاقسام سنگهای معدنی مملکت ماظروف و سامان نفیسه از قبیل میوه دانی و خاکستر دانی سگریت وسنگ های‌سر میزی و پایه‌های چراغ برق وغیره بصورت بسیار قشنگی‌درین فابریکه‌ساخته می‌شود . علاوتاً کارسنگی‌تعمیرات دوائر رسمی ازقبیل پیزاره‌و سنگ فرش‌داخل‌اطاق و زینه وغیره‌تماماً ذریعهٔ فابریکهٔ مذکوراجرا می‌شود ، وهم درفابریکهٔ مذکور یك شعبهٔ حکاکی دائر است که نگین های لاکت وانگشتر وغیره زیورات ودکمه را از سنگ امی تست ولاجورد وغیره سنگهای معدنی میسازد .

۹ : فابریکهٔ رنگ مالی : فابریکهٔ مذکور تحت نگرانی متخصص الپانی دائر است که نفری کاریگر ها تماماً تعلیم یافته و بکار های مالش کاری‌که طرز جدید رنگمالی است خیلی ماهرگردیده اند هر نوع موبل و چوب کاریهای اطاق وغیره‌رابقرار اصول‌صحیح رنگ‌مالی‌می‌نمایند وکار شان خیلی‌جالب توجه‌و قشنگ‌می‌باشد .

۱۰ : فابریکهٔ دکمه سازی : بزیر اثر یك نفر متخصص الپانی دائر ونفری کارگران آن تعلیمیافته و ماهر گردیده اند . هر رقم‌دکمه‌های اعلای بالاپوشی‌مردانه وزنانه، وپیرهنی‌و دریشی‌وازهررقم شاخی واستخوانی ومصاله ئی ساخته میشود قیمت آن خیلی مساعد است .

۱۱ : کارخانه بیت بافی و چوکی دوزی : این کارخانه ترقیات‌خوبی نموده سیت های اعلی هررقم بیت بافی وبرکاری‌میشود و یومیه بتعدادلازمه فرمایشات تکمیل میگردد .

۱۲ : فابریکهٔ نساجی : فابریکهٔ مذکور بهبود حاصل‌کرده حوائج البسه‌های‌بهاری‌عسکری رارفع نموده و ضمناً اقسام کشمیره های‌نخی نفیس وگا مسکوت های نخی درین‌فابریکه بافته می شود که قیمت آنهم خیلی مساعداست .

۱۳ : فابریکهٔ بنیان وجراب بافی : بنیان های پشمی ونخی و سندی نفیس هر رقم مردانه وزنانه وجراب های پشمی ونخی خیلی اعلی دران بافته می شود قیمت اشیای مذکورخیلی‌مساعد است .

۱٤ : فابریکهٔ نجاری دارالفنون : فابریکهٔ مذکورتکمیل گردیده، دروازه وکلکین های هررقم تعمیرات حکومتی را باصول عصری خیلی به سرعت تکمیل مینماید فهرست تعمیراتی‌که دروازه وکلکین های آن بانصب‌آهنجامه به اصول درست درسال۱۳۱۲ ذریعهٔ این فابریکه تکمیل گردیده بقرار ذیل است .

اول ـ تعمیر شرکت تنویرات ۲ ـ تعمیر وزارت تجارت ۳ ـ تربیه حیوانات واقع ده بوری ٤ ـ تعمیر گاراژ های ترمیم موتر ها ۵ ـ تعمیر گاراژ های وزارت تجارت و معارف ٦ ـ تعمیر اطاق چای خوری وزارت تجارت ۷ ـ دکانهای اندرابی ۸ ـ دوائرصدارت عظمی ۹ ـ دکانهای چمن حضوری ۱۰ ـ تعمیر باغچهٔ ارگ شاهی ۱۱ ـ فابریکهٔ نختابی جبل السراج .

۱۵ : فابریکهٔ نختابی جبل السراج : فابریکهٔ مذکور در شرف تاسیس است . تعمیر آن قریب به اکمال رسیده ویك تعداد لازمه ماشین ها بسته گردیده .

۱٦ : فابریکه پشمینه بافی درقندهار : فابریکهٔ مذکور در وسط سال ۱۳۱۲ تاسیس یافته واکثریه ماشین های مذکور بسته گردیده .

۱۷ : فابریکه های که تعمیر وجریان آن را وزارت فواید عامه تصمیم نموده .

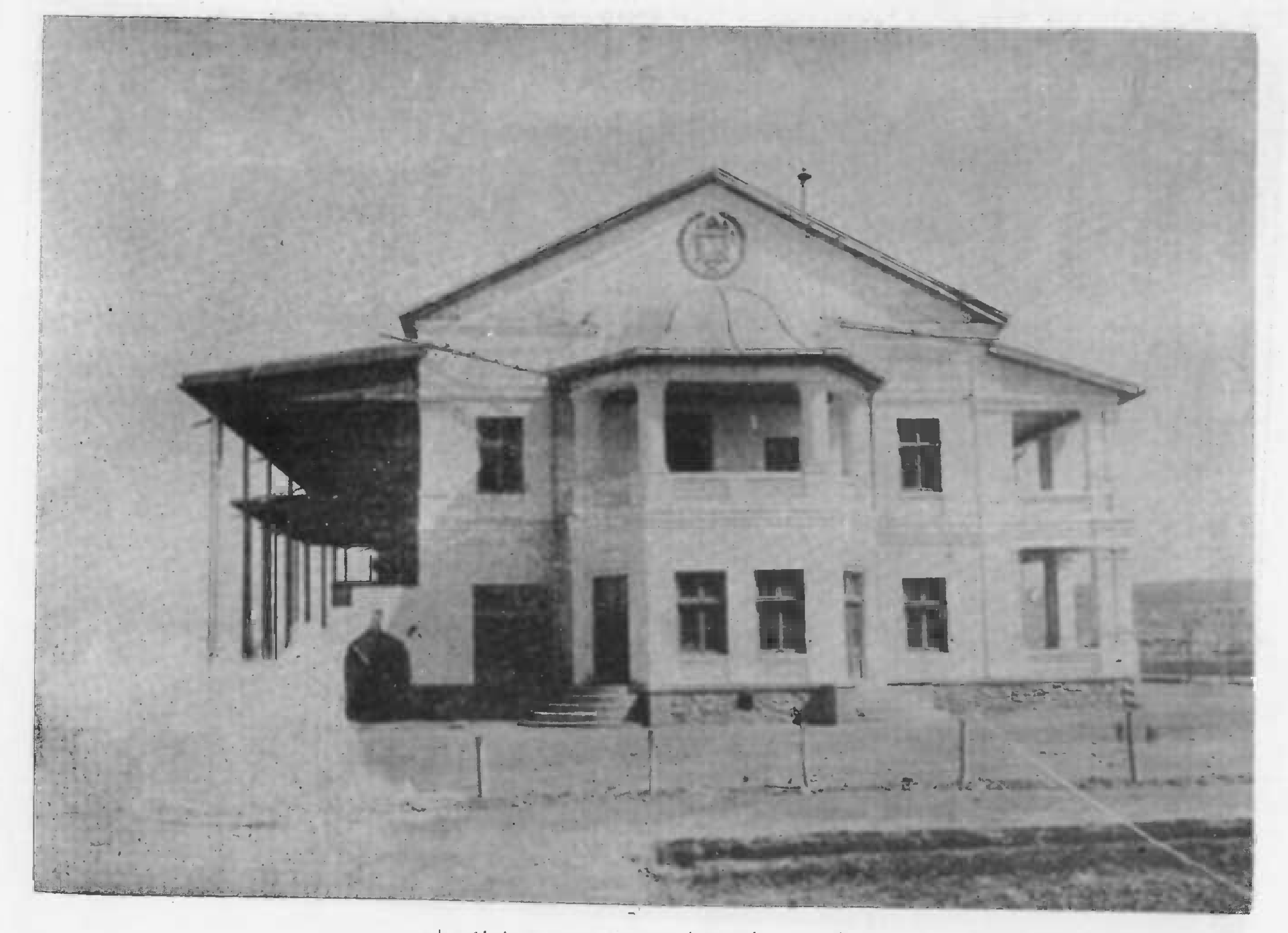
۱ : فابریکهٔ سنگ لاجورد : تماماً ماشین های لازمه سنگ لاجورد وارد گردیده ، عنقریب ماشینها نصب وشروع بکار مینماید .

۲ : فابریکه کاغذ سازی : چون فابریك عمده و دارای ماشینهای متعدد میباشد نصب آن در نظر است

۳ : فابریکهٔ قند سازی : از جرمنی خریداری‌شده که قریباً بمرکز وارد وبکار انداخته خواهد شد .



روی کار تعمیر وزارت فوائد عامه طرف جنوبی
Nouveaux Bâtiments du Ministère des Traveaux Publics.



منظرهٔ سمت غربی عمارت جدید وزارت فوائد عامه

Nouveau Bâtiment du Ministére des Travaux Publics (Vue de côté).

امور طبیه

بامور طبیه درین سال ترقی شایانی داده شده شفاخانه ها چه درولایات وچه درمرکز توسیع یافته داکترهای ماهر ولائق بمقصد معالجه وتداوی افراد مریض اشغال کرده شده چنانچه راپور تعداد نفری که در شفاخانه ها معالجه وصحت یاب شده اند دائماً در مجلهٔ صحیه ودیگر جرائد وطن نشر گردیده است.

حکومت متبوعهٔ ما همه وقت نگران اوضاع صحی ملت عزیز خود بوده وآرزو دارد که تمام ذرائع ووسائل معالجه در وطن عزیز ترویج داشته باشد، دراثر اوامر وهدایاتیکه بریاست صحیه داده شده است بتأسی آن در همه نقاط مملکت معاینه خانه ها ودواخانه های متعدد دائر وبذرائع گوناگون به تداوی ومعالجه اهالی پرداخته شده است چنانچه دراکثر قریه جات نزدیک شهر معاینه خانه ها برای آن چنان اشخاص مریضیکه تاشهر رسیده نمیتوانند تاسیس یافته است که دکتورها دران جاها مریضان را معاینه نموده علاج صحیح مینمایند.

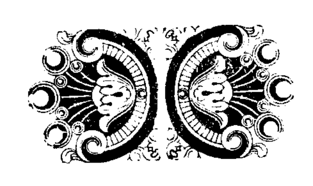
برای اینکه ادویهٔ تازه همیشه بمرکز برسد درریاست مستقلهٔ صحیه ترتیبات خوب اتخاذ شده است.

مکتب طبی که از ابتدای ۱۳۱۰ آغاز وتأسیس شده تاحال عدهٔ محصلین آن دورهٔ تعلیم علمی را طی نموده وکنون به تجربیات عملی درتحت نظر دوکتوران صحیح مصروف تحصیل میباشند.

موسسهٔ فن قابله گی روی کار است ویکعده محصلات شامل ومشغول تحصیل اند که نتیجهٔ کامیابی اوشان به مساعیات لازمه تحت نظر است، ونیز در باب مکتب کمپوندری ودوکتوری وپرستاری توجه مخصوص بکار میرود.

رفقی سناتوریم که یکی از موسسات مهمهٔ شهریارملت پرور شهید است بتاریخ برج اسد ۱۳۱۲ بدست حق پرست اعلیحضرتش افتتاح شده مریض ها دران داخل گردیده وفعلاً امور مذکور خیلی به انتظام جریان داشته مریضها بدرستی پرستاری وپذیرائی میشوند.

علاوه به امور متذکره که حکومت متبوع ووالا حضرت صدراعظم صاحب بمقصد تامین صحت عمومی درنظر داشته وبمنصهٔ عمل رسانیده، یک باب شفاخانهٔ جدید درعلی آباد ویک باب شفاخانهٔ دیگر درحصه جات دارالفنون به اسم شفاخانه سناتوریم انائیه تاسیس شده.



امور پست، تیلفون، تلگراف

امور پست و تیلفون و تلگراف درین سال از هر جهة ترقیات فوق العاده نموده چه برای تسریع وصول پسته تجاویز نافعه اتخاذ وپسته نسبت به سابق زود تر بمراجع خود مواصلت مینماید، پسته خانه های دیگر درمواضع ومقامات لازمه باز و به تشکیلات خود افزوده است. عمارات ناموزون و کوچك پسته خانه های سابقه به عمارات عصری قشنگ تبدیل یافته است و نیز در شعبهٔ تلگراف توجه لازمه مبذول شده و بتاسیس تلگراف خانه های جدید پرداخته آمده و امور تلگرافی رونق خوبی یافته است. وهمچنین سلسهٔ تمدید لین تیلفون به یك پیمانهٔ وسیع بمقامات لازمهٔ مملکت جاری گردیده وعلاوتاً حصهٔ زیاد تیلفونهای مرکز کابل به سنترال بتری تبدیل ولین‌های آن درزیر زمین تمدید و بعد ازین در نظر است که تمام لین های تیلفون به سیستم اتوماتیك وبطور عصری تبدیل یابد.

در سال حاضر محصول پستهٔ هوائی نیز تعیین گردیده که جداول آن از مطالعه قارئین محترم سالنامه می گذرد.

از مهم ترین ترقیات امور مخابراتی امتداد لین تیلفونست که از مرکز به قندهار و از آنجا بحکومتی اعلای فراه واز فراه بهرات واز آنجا به میمنه و از میمنه بمزارشریف وسپس بولایت قطغن و بدخشان مواصلت نموده واز مرکز هر ولایت و محال شعبه از آن به سرحدات و حکومتی های مربوطهٔ آن کشیده شده، بالاخره از مرکز مزار لین مذکور از طریق درهٔ شکاری دوباره بکابل اتصال مینماید که باین حساب تمام ولایات وحکومات اعلی وکلان و حکومتی‌های درجه اول و بعضی علاقه داری‌ها بواسطهٔ تیلفون بخود مرکز کابل مستقیماً ارتباط مخابراتی را مالك شده است.

درنظر گرفته شده که بین کابل ومزار، بین کابل وقندهار حمل پوسته بذریعهٔ موترهای پوستی دولتی بعمل آید، واین موترهای دولتی برای مسافرین نیز تسهیلاتی فراهم مینماید. موترها بروزهای معین حرکت کرده وبرای حمل ونقل مسافرین کمك بزرگی میرساند.

امور پوسته اصولنامهٔ معین که مدار و مقیاس عموی پوست شناخته شود نداشت دستورالعمل پوستی از طرف ریاست پست وتلگراف و تیلفون ترتیب وپس از تصویب مقامات لازمه در معرض اجرا گذاشته شده.

هکذا نرخ محصولات تلگرافی داخله قبل ازین انتظام صحیح نداشت اکنون قواعد مفصل برای آن وضع گردیده است.

برای اجرای محاسبات معاملات بین المللی وتصفیهٔ محاسبات پستی وتلگرافی خارجی دایرهٔ محاسبات (چك آفس) ودایرهٔ مامورین جدید، مطابق دیگر وزارات در ریاست پوست وتلگراف وتیلفون تشکیل گردیده است.

دستگاهٔ تلگرام بی سیم کابل وهرات که از کار افتیده و کهنه گردیده بود بعوض آن دو دستگاهٔ دیگر بسیار جدید وعصری خریداری شده وبرای ولایات دیگر نیز در نظر گرفته شده که دستگاه های جدیدی خریداری ودر آنجاها نصب گردد.

جدول محصولات — پستهٔ هوائی

ممالک مرجع	گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول	
		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی
ایران جسک لنگاه و بوشهر	١٤	٥٠	١	٢٨	٤٥	٢	٤٢	١٥	٣	٥٦	٦٠	٤
عراق	//	٥٠	١	//	٧٠	٢	//	٤٠	٤	//	١٥	٥
فلسطین	//	١٥	٢	//	٦٠	٣	//	٥٥	٥	//	٥٥	٦
مصر	//	٥٠	١	//	٩٥	٢	//	٩٠	٤	//	٩٠	٥
ممالک اروپائی بدون برطانیهٔ کبیر و آئرلند و ممالک مستقلا آئریش	//	٤٠	٢	//	١٠	٤	//	١٥	٦	//	٥	٨

ممالک مرجع	گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول	
		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی
ایران جسک لنگاه و بوشهر	٧٠	٥٥	٥	٨٤	٥٥	٦	٩٨	٢٠	٨	١١٢	١٥	٩
عراق	//	٨٥	٦	//	٥	٨	//	٣٠	٩	//	٥٠	١٠
فلسطین	//	٥٠	٨	//	٩٥	٩	//	٩٥	١١	//	٤٠	١٣
مصر	//	٨٥	٧	//	٣٠	٩	//	٨٠	١٠	//	٢٥	١٢
ممالک اروپائی بدون برطانیهٔ کبیر و آئرلند و ممالک مستقلا آئریش	//	٥٠	١٠	//	٤٥	١٢	//	٤٥	١٤	//	٤٠	١٦

ممالک مرجع	گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول	
		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی
ایران جسک لنگاه و بوشهر	١٢٦	٦٠	١٠	١٤٠	٢٠	١١	١٥٤	٦٥	١٢	١٦٨	٩٠	١٣
عراق	//	٢٠	١٢	//	٩٠	١٢	//	٦٥	١٤	//	٨٥	١٥
فلسطین	//	٣٥	١٥	//	٣٥	١٦	//	٨٠	١٧	//	٢٥	١٩
مصر	//	٢٠	١٤	//	٢٠	١٥	//	١٥	١٧	//	٦٠	١٨
ممالک اروپائی بدون برطانیهٔ کبیر و آئرلند و ممالک مستقلا آئریش	//	٨٥	١٨	//	٣٥	٢٠	//	٨٠	٢٢	//	٧٥	٢٤

ممالک مرجع	گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول		گرام	محصول		ملاحظات
		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی		پول	افغانی	
ایران جسک لنگاه و بوشهر	١٨٢	٥	١٥	١٩٦	٥٥	١٥	٢١٠	٩٠	١٦	٢٢٤	٩٥	١٧	
عراق	//	٥٥	١٧	//	٤٠	١٨	//	٠	٢٠	//	٢٠	٢١	
فلسطین	//	٢٠	٢١	//	٢٠	٢٢	//	٣٥	٢٤	//	٦٠	٢٥	
مصر	//	٥٥	٢٠	//	٥٥	٢١	//	٥٠	٢٣	//	٩٥	٢٤	
ممالک اروپائی بدون برطانیهٔ کبیر و آئرلند و ممالک مستقلا آئریش	//	٢٠	٢٧	//	٧٠	٢٨	//	٤٠	٣٠	//	٤٠	٣٢	



یک منظرهٔ بازار جدید اندراب (کابل)

Une Vue du Nouveau Quai d'INDARABI (Kaboul).



قسمت الحاقیهٔ عمارت وزارت خارجیه که در سال ۱۳۱۲ تعمیر و تکمیل شده
Annexe du palais du Ministére des Affaires Étrangères à Kaboul.



جادهٔ بازار شاهی محاذ پل باغ عمومی کابل
وتانك جدید پطرول

Une Vue de BAZARI CHAHI et le nouveau Relai d'Essence (Kaboul).



حمام جدید بلدیه

Nouveaux Etablissements des Bains à Kaboul.

ممالک مرجع		برطانیهٔ کبیر و آیرلند وممالک مستقلهٔ آیریش	افریقا گیناء، اوگندا، تنگانیکا و ترتیوریوم	رودزیا	افریقای جنوبی	آستریا
جدول محصولات	محرم	۱۴	//	//	//	//
	محصول پول	۱۵	۶۵	۶۵	۱۵	۴۰
	محصول افغانی	۲	۲	۳	۴	۱
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۶۰
	محصول افغانی	۴	۵	۷	۸	۲
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۵۵	۱۰	۵	۵۵	۳۰
	محصول افغانی	۶	۸	۱۱	۱۲	۴
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۵	۵	۵	۵	۵
	محصول افغانی	۸	۱۰	۱۴	۱۶	۵
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۵۰	۰	۰	۵۰	۷۵
	محصول افغانی	۱۰	۱۳	۱۸	۲۰	۶
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۴۵	۴۵	۴۵	۴۵	۹۵
	محصول افغانی	۱۲	۱۵	۲۱	۲۴	۷
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۴۵	۹۰	۹۵	۴۵	۲۰
	محصول افغانی	۱۴	۱۷	۲۴	۲۸	۹
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۴۰	۹۵	۴۰	۴۰	۴۰
	محصول افغانی	۱۶	۱۹	۲۸	۳۲	۱۰
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۸۵	۹۰	۳۵	۸۵	۱۰
	محصول افغانی	۱۸	۲۲	۳۲	۳۶	۱۲
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۳۵	۸۵	۲۵	۵۰	۸۵
	محصول افغانی	۲۰	۲۴	۳۵	۴۰	۱۲
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۶۰	۳۵	۳۰	۶۵	۵۵
	محصول افغانی	۲۲	۲۷	۳۹	۴۳	۱۴
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۵۵	۸۰	۴۵	۴۵	۷۵
	محصول افغانی	۲۴	۲۹	۴۲	۴۷	۱۵
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۰	۱۵	۷۰	۹۰	۴۵
	محصول افغانی	۲۷	۳۳	۴۶	۵۱	۱۷
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۵۰	۶۰	۶۵	۴۰	۲۰
	محصول افغانی	۲۸	۳۵	۴۹	۵۵	۱۸
پستهٔ هوائی	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۹۵	۱۰	۶۵	۸۵	۹۰
	محصول افغانی	۳۰	۳۸	۵۳	۵۹	۱۹
	محرم	//	//	//	//	//
	محصول پول	۹۰	۰	۱۰	۸۰	۱۰
	محصول افغانی	۳۲	۴۱	۵۷	۶۳	۲۰
ملاحظات						

۹ : تعمیر جادهٔ اندرابی وپخته کاری آن وساختمان دکان های جادهٔ مذکورکه تاماً به اصول فنی وعصری بنا واکمال گردیده .

امور بلدی ولایات واطراف

بطوریکه درین سنه درامور بلدی خود مرکز اصلاحات مهمی شده اموربلدی ولایات واطراف نیز داخل مراحل خوبتری گردیده واصلاحات درامور شهری نموده است .

تعمیر جاده های داخل شهرها وتعمیر رسته های دکاکین وکشیدن آبروهاوترمیم مقامات تاریخی ومساجد ومقابر متبرکه واحداث بعضی باغ های عمومی وتعمیر پل هـای متعلق خود شهروتواحی شهروغیره امور راجعه بارزاق واقدامات درخصوص تنظیفات شهری ازجملهٔ کارهای سال ۱۳۱۲ بلدیه های ولایات واطراف شمرده می شود .



مطبوعات وطن

مطبوعات فعلی وطن عبارت ازجرائد و مجلات آتی است :

۱ : جریدهٔ اتحاد مشرقی مؤسسهٔ سال ۱۲۹۸ شمسی درتحت ادارهٔ جناب شمس الدین خان قلعتکی.

۲ : جریدهٔ اتفاق اسلام هرات مؤسسهٔ سال ۱۲۹۹ شمسی درتحت ادارهٔ جناب میر محمد عثمانخان.

۳ : جریدهٔ بیدارمزارشریف مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالصمدخان جاهد.

٤ : جریدهٔ اتحاد خان آباد مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب شاه عبدالله خان بدخشی.

٥ : جریدهٔ طلوع افغان قندهار مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالحی خان حبیبی.

٦ : جریدهٔ انیس کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰٦ شمسی درتحت ادارهٔ جناب محمدامین خان خوگیانی.

۷ : جریدهٔ اصلاح کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۸ درتحت ادارهٔ جناب برهان الدین خان کشککی.

۸ : مجلهٔ اردوی افغان مؤسسهٔ سال ۱۳۰۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب سید محمداکبرخان.

۹ : مجلهٔ آئینهٔ عرفان کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۳ شمسی درتحت ادارهٔ جناب هاشم خان شایق.

۱۰ : مجلهٔ صحیهٔ کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰٦ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالرشید خان لطیفی.

۱۱ : مجلهٔ حی علی الفلاح کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۰۹ شمسی درتحت ادارهٔ جناب میرزا میرغلام خان.

۱۲ : مجلهٔ اقتصاد کابل مؤسسهٔ سال ۱۳۱۰ شمسی درتحت ادارهٔ جناب محمد زمان خان تره‌کی.

۱۳ : مجلهٔ ادبی هرات مؤسسهٔ سال ۱۳۱۱ شمسی تحت نظر انجمن ادبی هرات.

۱٤ : مجلهٔ پشتوی قندهار مؤسسهٔ سال ۱۳۱۱ شمسی درتحت نظرانجمن ادبی قندهار.

۱٥ : مجلهٔ بلدیهٔ هرات مؤسسهٔ سال ۱۳۱۱ شمسی درتحت ادارهٔ جناب عبدالله خان احراری.

این جرائد شریفه و مجلات نفیسه ازآغاز ادوار انتشار هرکدام به مساعی و مجاهدات خسته گی ناپذیر مدیران وکارکنان لائق و فاضل خود تاامروز مصدر خیلی خدمات باقیمت و سودمندی برای وطن خود شده و افادات خوبی باهالی کشور نموده اند.

سالنامهٔ کابل مراحل جدید عموم این مطبوعات وطن را به کارکنان محترم شان تبریك گفته ازخدای متعال بقای آنها را خواستارو توفیقات مزیدهٔ کارکنان محترم شانرا طالب است.



جناب برهان‌الدین خان کشککی مدیر
روز نامهٔ شریفهٔ اصلاح



جناب محمد امین خان خوگیانی مدیر
جریدهٔ شریفهٔ انیس



جناب میر غلام خان مدیر مجلهٔ شریفهٔ
حی علی الفلاح



جناب محمد عثمان خان رئیس انجمن
ادبی قندهار



جناب عبدالحی‌خان حبیبی‌مدیرجریدهٔ
شریفهٔ طلوع افغان



جناب میر محمد عثمان خان‌مدیر جریدهٔ
شریفهٔ اتفاق اسلام



جناب میرعبدالعلی خان مدیرانجمن
ادبی هرات



جناب عبد الصمد خان مدیر جریدهٔ
شریفهٔ بیدار مزار شریف



جناب میرزا سیدمحمد خان مدیر جریدهٔ
شریفهٔ اتحاد خان آباد



جناب شمس الدین خان قلعتکی مدیر
جریدهٔشریفهٔ اتحاد مشرق

امور مطابع

اگر چه در وطن عزیز ما از مدتی مطابع موجود و امور طباعتی در جریان بود ولی در ادوار سابق بقدریکه لازم بود عطف نظری در موضوع این امر مهم نشده ، گاهی بصورت جزء جزء تحت ادارهٔ دوائر و زمانی درفابریك بزرگ ماشینخانه ملحق گردیده یك اساس مستقلی بخود نداشت .

گویا موافق بمقتضیات عصر در انشاء وتوسعهٔ این عنصر مهم تعالی مطبوعات مملکت که یگانه وسیلهٔ نشر علوم ومعارف ، و تعمیم وتکمیل آن از ضروریات مملکتی بشمار میرود هیچگونه مجاهدتی بعمل نیامده ومطبعهٔ محدودی که از حیث سامان ولوازم طباعتی بکلی ناقص و هنوز مراحل ابتدائی خود را پوره نه پیموده بود ، موجود و حوائج طباعتی مملکت را بخوبی رفع کرده نمی توانست .

تا آنکه یگانه راد مرد بصیر ، شهریار معارف پرور اینخاك پاك اعلیحضرت شهید سعید، پس ازآنکه وطن را به نیروی همت و مردانگی خویش از ورطهٔ هلاك نجات بخشیدند ، نسبت به عشق و علاقه مندی فطری که بمطبوعات وطن عزیز داشتند توجه عمیقی درقسمت مطابع مملکت مبذول فرموده ، دائرهٔ علیحدهٔ بنام (ریاست عمومی مطابع و صکوکات) تشکیل و ضمناً چون محل مناسبی هم برای مرکز مطبعه موجود نبود امر بتعمیر یك عمارت بزرگ عصری (که از هر حیث گنجائش آلات وادوات فنی مطبعوی را داشته باشد) صادر فرمودند .

بعد ازانکه تعمیر اساسی این بناء باتمام رسید ، چون مطبعه فاقد همه گونه وسائل و آلات طباعتی بود ، شهریار علم دوست فقید اولاً تورید یکدستگاه ماشینهای اتوماتیك (آف زیت) را که از تازه ترین سیستم های عصری ودارای ماشینهای متعدد ، دستگاهای عکاسی و دیگر آلات جدیده است باصرف مبالغ هنگفتی منظوری اعطاء فرمودند . ماشین ها و دستگاه مذکور متصل وارد وذریعهٔ متخصصین ماهر رکز و بکار انداخته شده یکعده از نفری کارگران مطبعه هم برای آموختن زینکوگرافی و طبع رنگه بزیر دست متخصصین مذکور داده شد که نفری مذکور هم بمدت کمی باخذ شهادتنامه نائل گردیدند .

سپس که کارگرهای وطنی موفق به اجرای زینکوگرافی و طبع رنگه گردیده وامور مطبوعات و جرائد ومجلات و کارهای دوائر دولتی را مستعد بطبع شدند اعلیحضرت شریعت پرور رحمة‌الله تعالی‌علیه که آرزوی یگانهٔ از سالیان درازی نسبت بطبع قرآن عظیم الشان بدل میپروراندند این ارادهٔ شریفه را بصحنهٔ عمل آورده امر فرمودند تا بزودی هرچه تمامتر آلات و وسایل کارآمد طبع قرآن مجید را بهر مبلغی که انجام شود تدارك نموده و قرآن مقدس را بطبع برسانند .

همان بود که ریاست عمومی مطابع در سال ۱۳۱۲ بتأسی خیالات شریعت خواهانهٔ اعلیحضرت شهید سعید در صدد آن برآمده حروف عربی ، کاغذ ، قلم و دیگر اسباب و مالزمهٔ طبع فرقان حمید را به بهترین صورتی از استانبول و دیگر نقاط جلب نموده در اوائل سرطان سال مذکور (۱۳۱۲) بطبع قران کریم آغاز نمود که اکنون طبع قرآن عظیم در مطبعهٔ کابل جاری وباین صحت و زیبائی سابقهٔ در وطن عزیز ندارد .

در پایان سال گذشته باساس همان نظریات ترقیخواهانهٔ ذات شهریار فقید سعید ریاست مطبعه از حضور ج‌ع‌ ج والا حضرت صدر اعظم صاحب منظوری تورید چند دستگاه دیگر ماشین های اتوماتیك را که از تازه ترین سیستم های عصری است و تسهیلات زیادی بامور مطابع میرساند حاصل نموده ، خصوصاً

دستگاه حروف ریزی که مقدمتر از همه طرف احتیاج مطبعه بوده و همه ساله تورید حروف از خارج مبالغ مهمهٔ را ایجاب میکرد .

برای دستگاه های مذکور که قریباً بمرکز رسیده و بکار انداخته می شود جای مناسبی درمطبعه تعمیر و تکمیل شده .

ماشینهای که جدید خواسته شده ازین قرار است :

اول : یکدستگاه بزرگ اتوماتیك (تفتروك) که این دستگاه برای طبع آثار مهمه از قبیل چکها ، بانکنوتها ، نوت و ثایق، فوتوها ومیناتورهای رنگین و یکرنگ و امثال آن وعبارت از ۱۰ الی ۱۲ پایهٔ ماشین (اتوماتیك) است .

دوم : دستگاه حروف ریزی (اتوماتیك) که آنهم دارای چندین پایه ماشین بوده روزانه (٦٦) پوند و زن حروف از حروف ١٦ بنت بذریعهٔ آن ساخته می شود .

سوم : ـ دستگاه بزرگ دیگر اتوماتیکی (اشترو توف) که این دستگاه از حروفیکه برای طبع آماده شده میباشد قالب گرفته فوراً حروف را دوباره میدهد تا بدیگر احتیاج صرف شود . طبع این دستگاه نیز خیلی نفیس و ماشین های متعددی دارد .

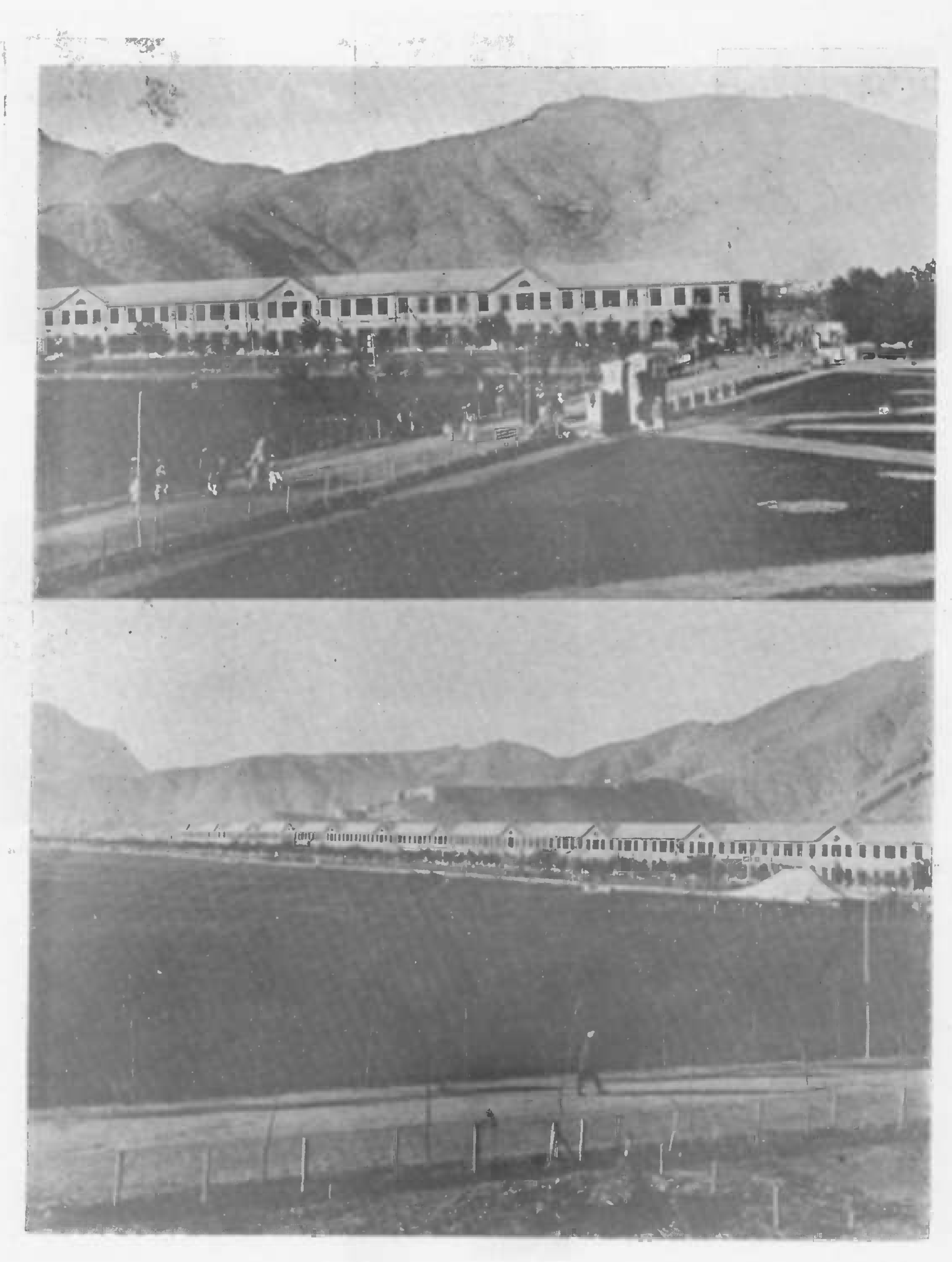
چهارم : ـ ماشین اتوماتیك برای صحافی که کتاب را وقایه میکند و فورمه هائی را که از طبع خارج شده باشد جمع کرده سیم دوزی میکند .

پنجم : ـ ماشین کاغذ قاقی اتوماتیك که فورمه های طبع شده را قات و ترتیب میکند .

یکعده ازاجراآت امور طباعتی را که درسال ۱۳۱۲ ریاست مطابع نموده ذیلاً باطلاع قارئین محترم میرسانیم :

۱ : حروف چینی روزنامهٔ شریفهٔ اصلاح ؛		۲٤۰۰	صفحه
۲ : « « قرآن‌مجید، کتب ، مجلات ، اوراق وصحائف متفرقه:		۱۰۳۱۲	»
۳ : خطاطی کتب و دفاتر حسابیه وغیره	:	۳۰۰۰	»
٤ : صحافی، دوخت ، وقایه و شبکه	:	۱۸۰۰٤۰	جلد
٥ : ترتیب و کاغذ قاقی	:	۱۸۰۰٤۰	»
٦ : کلیشه‌های ساده ورنگین ومهرها وعناوین وغیره	:	۱۸۰۰	صفحه
۷ : پاکتهای کیره‌دار وبدون کیره به سایزهای متنوعه	:	۵۰۰۰۰	قطعه
۸ : طبع صکوك ، کتب ، اوراق، دفاتر وغیره	:	٤٥٤٨٦۰۰۰	صفحه





دکانهای جدید چمن حضوری کابل
Nouveau Quartier de TCHAMAN-I-HOUZOURI à Kaboul.



ع ، دوست محمد خان ایماق معاون



ع ، ص عبدالمجید خان رئیس شرکت اسهامی



ع ، خیر محمد خان مدیر عمومی محاسبه



ع ، محمد عمر خان مدیر عمومی شرکت
در هند



ع ، سید کریم خان نمایندهٔ شرکت
در قندهار



ع ، ص غلام حیدر خان رئیس شرکت
پطرول



ص، حبیب‌الله خان نمایندهٔ شعبهٔ شهری
شرکت اسهامی.

شرکت اسهامی ملی افغان

یکی از مؤسسات نافعهٔ ملی که برای حفظ و انتظام امور اقتصادیات ملی و رونق مالی مملکتی تاسیس شده شرکت اسهامی کابل است .

در تاریخ سه سال قبل از لحاظ فتوریکه بامور مالی مملکت واقع شده و پول افغانی و تجارت افغانی نواقص مهمی را دچار گردیده بود، شهریار دانا اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید لزوم تاسیس این شرکت را احساس فرموده و به تشکیل و تاسیس آن بمقام صدارت عظما ارادهٔ سنیه را امر رسمی اصدار فرمودند . پس از ان مقام صدارت عظما وسیلهٔ وزارت تجارت بتدوین سرمایه و تشکیل اعضا و وضع پروگرام واساس نامهٔ شرکت و تعمیر بنای شرکت متوجه گردیده در سال ۱۳۰۹ شرکت موصوف اصولاً آغاز بکار نموده بود اینک درین سنه شرکت اسهامی توسیع و انتظام زائد او صفی ارحاصل نموده است که ما درین مختصر جای ازان بحث می نمائیم :

شرکت اسهامی اولاً بتاریخ ٤ دلو ۱۳۰۹ با سرمایهٔ ٥ مليون افغانی تاسیس یافته منجملهٔ آن چهار و نیم مليون را حکومت و ٥ لك متباقی را بعضی از تاجران سهیم گردیده وابتداءً اجرای معمولات آن درتحت ادارهٔ وزارت جلیلهٔ تجارت منحصر بوده الی ابتدای سنه ۱۳۱۱ از سرمایهٔ حقیقی آن یك مليون جمع و فروش و باقی اسهام آن ملتوی و معطل مانده شعب اجرائیهٔ آن بدو حصه که مرکز آن در کابل و یك شعبهٔ آن در پشاور تمرکز داشت منقسم و درماه سنبله ۱۳۱۰ از آنجا که توجهات حسنه و ارادات سنیهٔ اعلیحضرت شهید سعید سراپا در راه ترقی و تعالی امور مادی و معنوی این مملکت مبذول بود پس از غور و تدقیقات مدققانه صورت تشکیل اداری و عملیات شرکت مذکور بملاحظهٔ اینکه سرمایهٔ آن وسیع و مانند یك انستوت تجارتی دنیا اعتباراتی را حائز و در راه اقتصادیات مملکت خدمتی نموده بتواند بتصویب مجلس عالی وزرا از تاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۱۱ باسم شرکت اسهامی ملی افغان مامور و موسوم و عدهٔ از تاجران مملکت باخذ سهمیه ها درین شرکت شامل شده ادارهٔ شرکت موصوفه مستقلاً در دست تجار داخله واگذار و سرمایهٔ ابتدائی آن ۳۵ مليون تعین کرده شد که ازآنجمله ۱۰ مليون سهم آن در آخر سال ۱۳۱۱ فروش و منجمله سی فی صد آنرا حکومت متبوع مان سهیم گردیده متباقی اسهام آن برای سه سال آینده موکول و شرکت اسهامی ملی افغان از ۹ ثور ۱۳۱۲ باساس تشکیلات جدیده باجرای امور موظفهٔ خود اقدام کرده درتصدیر اشیای پیداوار افغانستان بخارج و تورید اشیای ما یحتاج افغانستان که درذیل انحصار اوست بنرخ مناسب ودرست اول از خارج صرف مساعی ابراز داده جداول واردات وصادرات نقدی و جنسی ، وروابط بانکی خارجه و صورت تشکیلات اداری وبودجهٔ معاش و مصرف شرکت موصوفه را بمطالعهٔ هموطنان محترم خود گذاشته علاوةً بعضی امتیازاتی را که حکومت متبوع مان برای توسعه عملیات شرکت اسهامی ملی افغان اعطا فرموده است متذیلاً تذکار میدهد :

۱ : امتیاز خرید و فروش مسکوك داخله وخارجه وصرافی ، تهیه سکه خارجه ونقره وطلای کارآمد حکومت ، خریداری مایحتاج ومایلزمه جنسی دوائر حکومت که تعلق میگیرد بواردات از خارج ، فروش مواد معدنی وتجارتی افغانستان درخارج حقوق تبادله خزائن داخله باساس مصوبه جلسه تاریخی ۲۸ سنبله ۱۳۱۱ مجلس عالی وزرا درذیل ۱٥ مواد .

۲ : امتیاز انحصار واردات قند و شکر ازخارج بافغانستان بتصویب مجلس عالی شورا و مجلس عالی وزرا وصحه سنیهٔ پادشاهی ازتاریخ اول سنبله ۱۳۱۲ الی مدت ۷ سال درذیل ۱٦ مواد .

۳ : امتیاز انحصار واردات موتر وسامان کارآمد موتر از خارج بافغانستان بتصویب مجلس عالی وزرا و منظوری حضور مبارک شاهانه .
٤ : امتیاز سهم ۳۰۰۰۰۰ جلد پوست قهره قلی باساس تقسیمات ردیف (ب) مادهٔ اول لایحه انحصار تجارت پوست قره قلی وتصویب مقامات صلاحیت دار .
۵ : اشتراك سهم ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ـ افغانی از جملهٔ اسهام شرکت انحصار پطرول .

۱ عمارت شرکت اسهامی نیز در تحت تعمیر است که منزل اول آن درسال ۱۳۱۳ بسر میرسد، این عمارت یکی از عمارات معظم وعالی پای تخت خواهد بود مصارف اولیه آن تا اندازهٔ یك ملیون افغانی درنظر گرفته شده .

تشکیل هیئت شرکت اسهامی

هیئت مدیرهٔ شرکت اسهامی :

رئیس افتخاری ع ، ج میرزا محمد خان وزیر تجارت :

ع ، عبدالمجید خان .
« ، دوست محمد خان ایماق .
« ، غلام حیدر خان مختار زاده .
« ، محمد عمر خان .
« ، سید کریم خان .
« ، عبدالخالق خان .

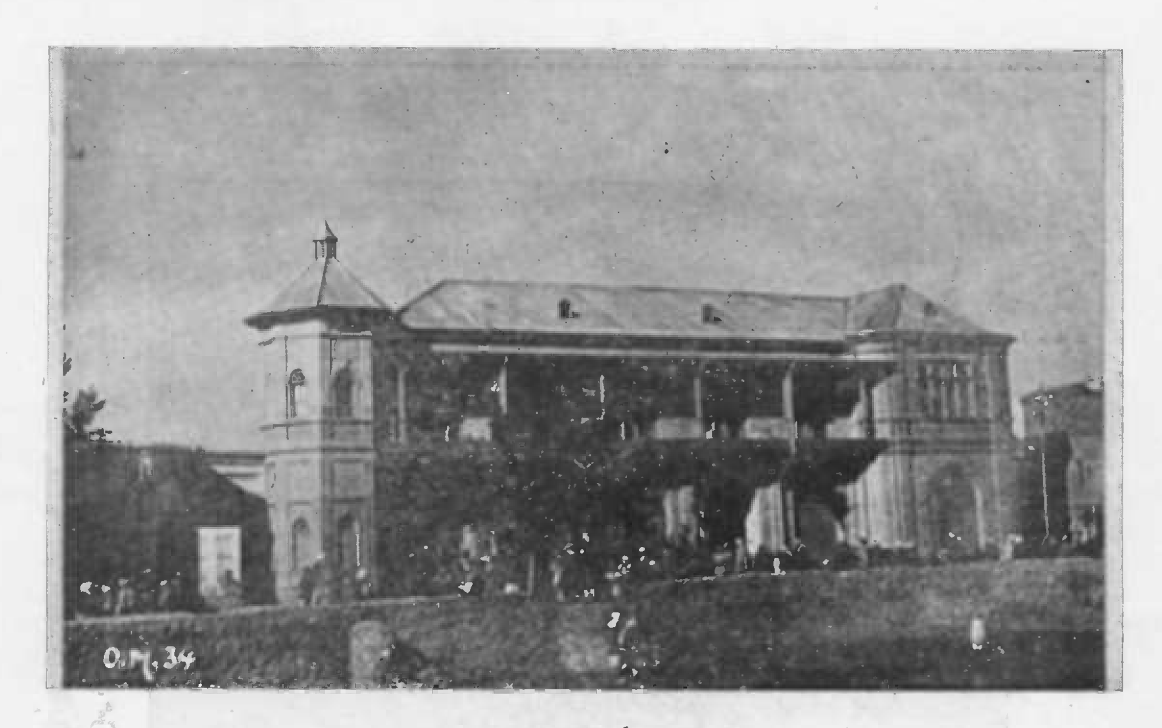
مامورین مرکزی

رئیس شرکت : ع ، ص عبدالمجید خان .
معاون عمومی : ع ، دوست محمد خان .
مدیر عمومی محاسبه : « میرزا خیر محمد خان .
کفیل مدیر اجرائیه : ص ، محمدامین خان .
نمایندهٔ شعبه شهری : « حبیب‌الله خان .
سرکاتب تحریرات واوراق : « غلام علیخان .
« شعبهٔ انحصار موتر : . . . .
« « حمل و نقل : . . . .

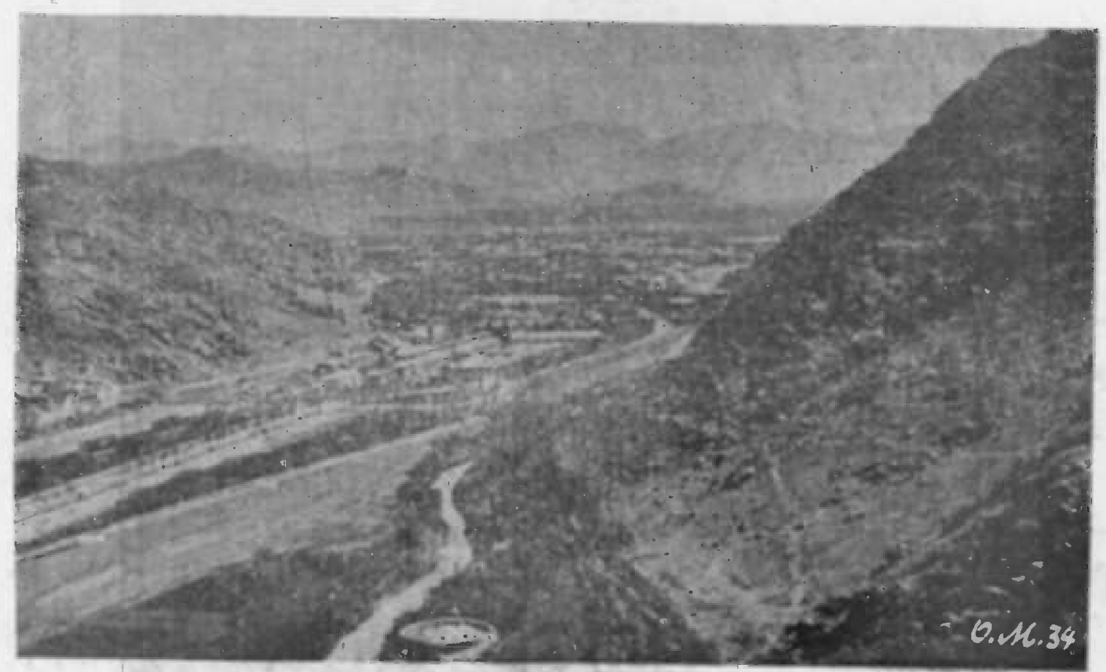


گروپ عمومی هیئت مدیرهٔ شرکت اسهامی

Conseil Général des Fonctionnaires de la Banque Nationale Afghane.



شرکت اسهامی
CHÉRKATÉ ASHAMI (Banque Nationale Afghane)



منظر پل هارتن وهوتل گذرگا
برلب دریای کابل از طرف کوه آسمائی عکس گرفته شده.
Une partie du la ville de Kaboul (Vue prise aux environs du pont de Harton
.et l'Hotèl de Gouzarga)

نمایندگان شرکت در داخلهٔ افغانستان :

۱ :	نمایندهٔ غزنی	ص ، محمد عثمانخان .
۲ :	« قندهار	ع ، سید کریم خان .
۳ :	« فراه	« رحمن خان .
٤ :	« هرات	« عبدالخالق خان .
٥ :	« میمنه	ص ، حاجی محمد ابراهیم خان .
٦ :	« اندخوی	« میرزا شاه محمد خان .
۷ :	« مزار شریف	ع ، سید محسن خان .
۸ :	« قلعهٔ جدید	ص ، میرزا محمد شفیع خان .
۹ :	« کلات	. . .
۱۰ :	« دکه	ص ، عبدالرؤف خان .
۱۱ :	« مشرق	« عطا محمد خان .

نمایندگان شرکت درخارج :

۱ :	نماینده و مدیر عمومی هند	ع ، محمد عمر خان .
۲ :	« پشاور	ص ، میرزا خان محمد خان .
۳ :	کفیل نمایندگی کراچی .	« محمدیعقوبخان.
٤ :	« « چمن	« میرزا عبدالرؤف خان .
٥ :	« « لندن	« عبدالقادرخان .
٦ :	نمایندهٔ برلن	« عبدالرؤف خان .

وارده و صادرهٔ عمومی شرکت اسهامی الی اخیر برج حوت ۱۳۱۲ :

وارده ۸۱۲٤۰۵۵۰ـ ٤۱ پول افغانی .

صادره ۲٦۳۸۳۲۷۱ـ ۷٤ « «

خریداری اموال جهة حکومت الی اخیر

برج حوت ۱۳۱۲ : ۱۱۵۸٤۹٦۳ـ ۱٤ « «

بودجهٔ عمومی شرکت اسهامی درسنه ۱۳۱۱ : ۲۷۹٦۹ـ ۸۲ « «

« « « « « « ۱۳۱۲ : ۳۷۰۸۵۹ـ « ٤۹۰۹۰ کلدار، ۷۳۱٦ پوند.

صورت مخابرات مکتوبی دوائر مرکزی کابل شرکت اسهام الی اخیر حوت ۱۳۱۲

نومرهٔ مکاتیب دوایر مرکزی شرکت اسهام : (۱۳۸۵۰)

فروش صادراتی مملکت توسط شرکت اسهام : ۲٦۲٤۰۹٤ـ افغانی .

ارتباط شرکت با بانکهای خارجه :

۱ : ایمپریل بانك هند .

۲ : کنتوارنت سیونال دسکونت دی پاریس شعبهٔ بمبائی .

۳ : « « « « « پاریس

٤ : دویچ بانک دس کنتوگزل شافت برلین « برلین

٥ : ویست منستر بانك لمیتد لندن

٦ : « « « « پاریس

خریداری قند و شکر شرکت اسهامی : خرید ۸۷۳٦۲۵ افغانی ، فروش ٥۰ پول ـ ٦۲۷٦۲٦ افغانی .

شرکت تنویرات

این شرکت روز بروز ترقی کرده رفع احتیاج عمومی مینماید . نواقص لین ها و ماشین و آلات رفع گردیده هیچگونه سکته گی در تنویرات منازل و غیره واقع نمیگردد ، محاسبات این شرکت باصول بهترین ترتیب و تنظیم یافته شرکاء کمال رضائیت از مامورین اداری داشته ، هر وقت می توانند ، بدفتر محاسبات رجوع نموده ومعلومات حاصل دارند .

جاده‌های عمومی وبعضی جاده های داخلی شهر تنویریافته وتسهیلات خوبی برای عابرین پیش کرده‌است .

بعضی اجراآت شرکت تنویرات درذیل ذکر میشود :

۱ : درحصهٔ نوآباد ، دامنهٔ کوه آسمائی لین جدید تمدید گردیده .

۲ : درحصهٔ بالا قلعه ، حدود عاشقان و عارفان لین جدید برده شده .

۳ : در شهرآرا لین جدید امتداد یافته .

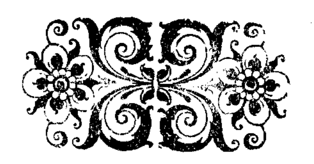
٤ : دردکانهای جدید چمن حضوری جدید لین برده شده .

٥ : عمارت شرکت خیلی مقبول و عصری تعمیر ومکمل گردیده .

٦ : درده افغانان برج جدید تعمیر گردیده .

۷ : از پول عایدات شرکت ، شرکت یك مقدار منافع را بشرکاء تقسیم نموده است .

برای رفاه اهالی از طرف دولت کمك ومعاونت معتنائی بعمل میآید یعنی از فابریکهٔ الکتریك دولتی قوهٔ مکفی به قیمت خیلی نازل باین شرکت داده میشود .



دایرهٔ زراعت ونسلگیری

وتربیهٔ حیوانات

یکی ازموسسات مفیدیکه مملکت ما قبلاً فاقدآن بود ودرعهد حکومت اعلیحضرت نادرشاه شهید دارای آن گردیده دائرهٔ زراعت ونسلگیری وتربیهٔ حیوانات است .

این دایره دردوسال قبل ازطرف شهریار شهید اراده شده ودر قریهٔ علی آباد عمارات وجاهای لازمهٔ تربیهٔ حیوانات وطیوربالای املاك شخصی شهریارممدوح تعمیریافته واقسام حیوانات وطیورقابل نسلگیری وحبوبات ونهال ازممالك خارجه جلب وبوسیلهٔ متخصین ماهرشروع بکار شده است .

اکنون این موسسه دارای بهبودی ورونق درستی شده وبودجهٔ مناسب وموزونی دارد یکمقدار طیور وحیوانات مفید درین موسسه تاحالاتربیه ونسلگیری‌شده ودرامور زراعت تجربه های نافعی بعمل آورده‌است .

قرار پروگرامیکه این دایره دارد پس ازموفقیت کامله در مرکز شعبات آن دردیگر نقاط مملکت هم تاسیس خواهد شد .

دایرهٔ نسلگیری و زراعت علاوه ازان اقدامات که راجع به تربیه و پرورش حیوانات مختلفه وقتاً فوقتاً بعمل آورده ودامنهٔ عملیات آن تدریجاً در تحت توجهات حکومت وسیعتر شده است جدیداً به تاسیس یك شفاخانه برای معالجه امراض مختلفهٔ حیوانات نیز پرداخته وداکتر لایق وادویهٔ لازمه وسامان مکفی برای شفاخانه مذکورتهیه دیده‌است . حیوانات به هرگونه امراضیکه مبتلا شوند به شفاخانهٔ مذکور معالجه میشود ، این شفاخانه به حیوانات اهلی خیلی مفید واقع شده است .



اصولنامه ها و لوائحی که درسال ۱۳۱۲ تصویب شده

۱ : « اصولنامهٔ وظایف مدیریت های تحریرات .
۲ : « « « « ماموړین .
۳ : « « « « اوراق .
٤ : « « استعفای ماموړین ملکی وعسکری .
۵ : « « بلدیه .
٦ : « « تشکیلات اساسی .
۷ : « « ویزه و اقامت اتباع خارجه درافغانستان .
۸ : « « توقیف خانه و حبس خانه ها .
۹ : « « مراسم تعزیه داری .
۱۰: « « « نکاح، عروسی و ختنه سوری .
۱۱: « « فروش اموال تحویلخانه های دولتی .
۱۲. « لایحهٔ ورد و نمایش مال التجاره خارجه در افغانستان .
۱۳: « « انحصار قند و شکر .
۱٤: « « « تیل پطرول وغیره تیلهای کارآمد موتر .
۱۵: « « شرکت پشتون قندهار در موضوع فروش میوه‌تر و خشك قند هار در خارج .
۱٦: « « اخراجات پوست واستعمال پول مستحصله فروش آن .
۱۷: « ماده واحده راجع به اخذ محصول تفنگ های شکاری .
۱۸: « ضمیمهٔ اصولنامهٔ حاضری ورخصتی ماموړین
۱۹: « « اصولنامه حاضری و رخصتی ماموړین راجع برخصتی مستخدمین وعمله فابریکات و دوایر و افراد عسکری و پولیس .
۲۰ : ضمیمهٔ تعدیل اصل ۱۵ اصول اساسی .
۲۱ : ٦ فقره تصاویب متعلق بامور خارجه (تفصیلات آن دراجراآت امور خارجه تذکار یافته).
۲۲ : راجع به تحقیق نشانهای حکومت سابقه .
۲۳ : « به تعین هیئت تدقیق بودجه سال ۱۳۱۳ مملکت ازجملهٔ اعضای مجلس شورا .
۲٤ : « به الغای محصول صرفیات داخله، فرق فیات . چهاریکه کشتم، سبز مندئی و بارانه که در ریاست های بلدیه اخذ می شد .

اعطاي نشان

ذواتیکه از حضور اعلیحضرت شهید و اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه نائل به نشان گردیده اند :

سردار اعلی	:	ع ، ج دوکتر هربرت شوربل وزیر مختار دولت آلمان در کابل .
» »	:	» « ون چن روکلانتی وزیر مختار دولت بهیهٔ ایطالیا در کابل .
» »	:	» « موسیو البرت بودار وزیر مختار دولت بهیهٔ فرانسه درکابل .
» »	؛	ع ، ص اسلام بیگ مستشار وزارت مختاری افغانی در پاریس در اثر حسن صداقت و خدمت او .
» »	:	ع ، ش سردار علی شاه خان فرقه مشر اول قوماندان مکتب حربیه « « » » و خدمت او .
استور درجه اول	:	پروفیسر ژوزف هاکن مدیر موزه لیمه معلم مکتب لورور ئیس حفریات فرانسه در افغانستان .
» » »	:	ص حاجی محمد سعید خان سابق مدیر گمرك هرات در اثر حسن خدمت و صداقت او .
» » »	:	محمد عتیق خان طالب العلم افغانی در برلین. » » » »
» » دوم	:	مستر تاکاکی جاپانی معلم جوجیدسو مستخدم وزارت حربیه .
نشان صداقت	:	عموم صاحبمنصبان وافراد عسکری که به مملکت خود ابراز صداقت کرده اند .
نشان خدمت	:	ع ، ج عبدالاحد خان رئیس و ع ، ص عبد الحق خان معین و ص عبداللطیف خان منشی و یکصد و دوازده نفر وکلای دورهٔ اول شورای ملی .
» »		ح محمد قاسمخان غندمشر رئیس ارکان حربیهٔ فرقه شاهی که در تعلیم و تربیهٔ نفری تعلیمگاهٔ خورد ضابطان فرقهٔ شاهی زحمت کشیده .
» »		ع ش عبدالله خان فرقه مشر که در تعلیم و تربیهٔ نفری تعلیمگاهٔ خورد ضابطان قول اردوی مرکزی ابراز همت نموده .
» »		یکنفر پرکمشر و پنج نفر افراد اسپورشاهی که در آوان انقلاب خدمت گرده اند .
» »		عموم صاحبمنصبان و افراد عسکری که در قضیهٔ تجاوز اشرار وزیری خاك خارجه خدمت کرده اند .



افتتاح رفقی سناتوریم

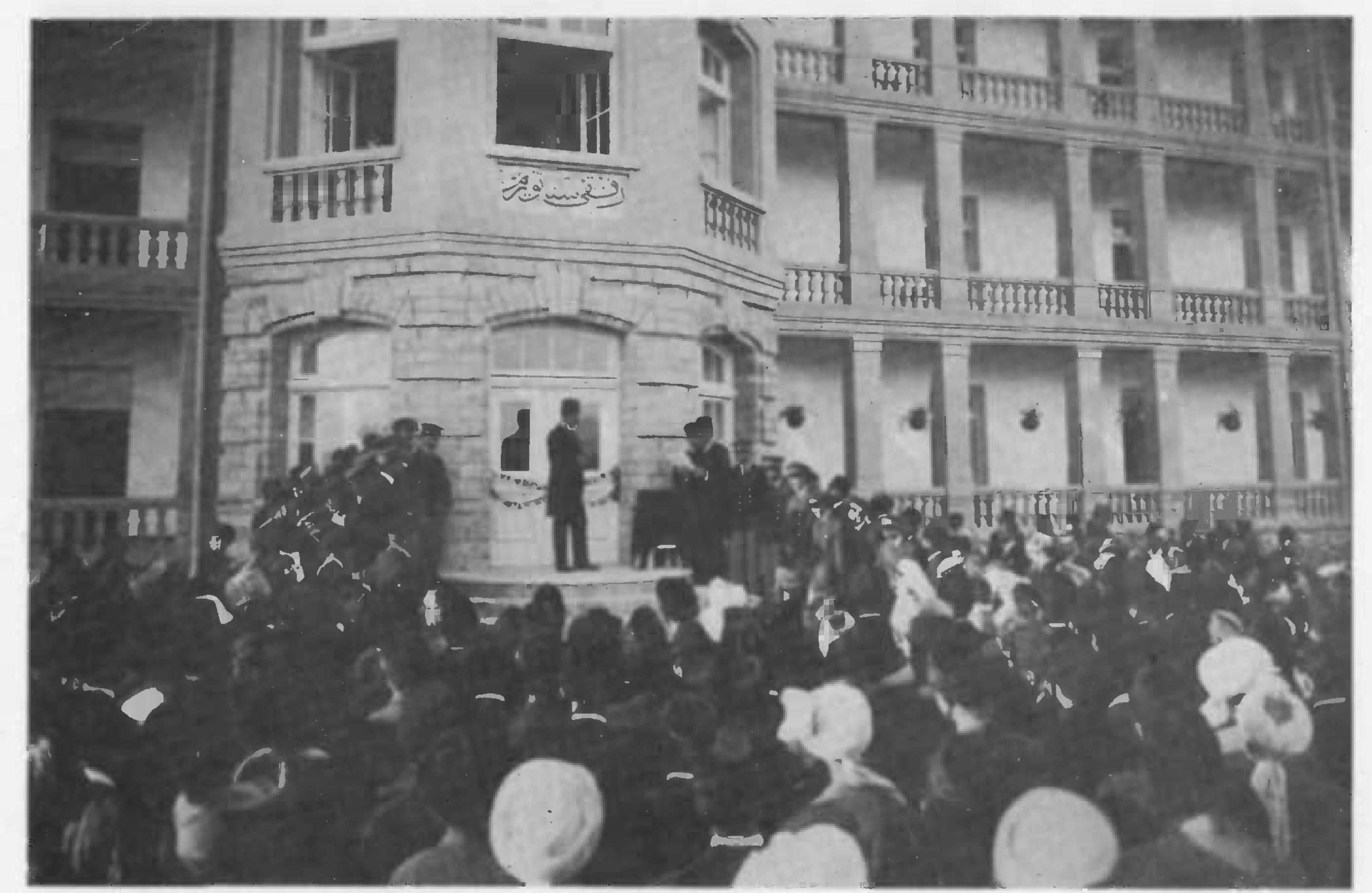
در دورهٔ **اعلیحضرت** نادر شاه شهید، افغانستان رو به ترقی نهاده و نهضت مخصوصی در تمام رشته **های وطن نمایان** گردید قشون تنظیم، امنیت در وطن تامین، معارف تعمیم یافت **مؤسسات عام المنفعه** افتتاح و تاسیس شد. که ازان جمله یکی رفقی سناتوریم بوده و قبل از **زمان افتتاحش** مختصر ذکری ازان در سالنامهٔ گذشته کرده بودیم اکنون در سال **۱۳۱۲ بتاریخ** چهارشنبه (۱٤) سنبله رفقی سناتوریم بحضور رجال بزرگ دولتی، **اعزه**، معاریف داخلی و نمایندگان محترم خارجی بدست حق پرست اعلیحضرت شاه شهید **افتتاح** یافت که درین جا ازلحاظ اهمیت بنا و موضع آن معلومات مختصری ذکر میگردد.

رفقی **سناتوریم** در دامنهٔ سلسله جبال (کافرکوه) که غرب کابل را احاطه کرده و از طرف دیگر **این دامنه** بوادی سرسبز و شاداب چهاردهی منتهی میشود واقع و مساحهٔ سطحیهٔ **که برای آن** تخصیص داده شده بالغ بر (۹۷،۵۰٤ متر و ۲۹ سانتی) مربع میشود ازان جمله **۲۷٤** متر و ۶۹ سانتی مربع برای عمارت سناتوریم و (۹٤۲۷۹ متر و ۶۰ سانتی) مربع جهت **باغ** که این بنا در وسط تعبیه گردیده تعیین یافته است.

این سناتوریم بر یك سطح مائل واقع وازنقطهٔ نظر ژؤلوژی کوهی که درعقب آن وقوعیت **دارد** از اراضی ولکانیك وسنگ های آن ازگرانیك متشکل است. سلسلهٔ کوهای عقب **سناتوریم ازشرق** جنوبی بشمال غربی ممتدومتوجه ودردامنهٔ طرف غربی جبال مذکور بمرورزمان **بعضی** برآمدگیهاوفرورفته گیها احداث شده که سناتوریم علی آباد در وسط یکی از فرورفته گیهای **مذکور** وقوع یافته واین ترتیب دراهمیت صحی آن مدخلیت تامی دارد.

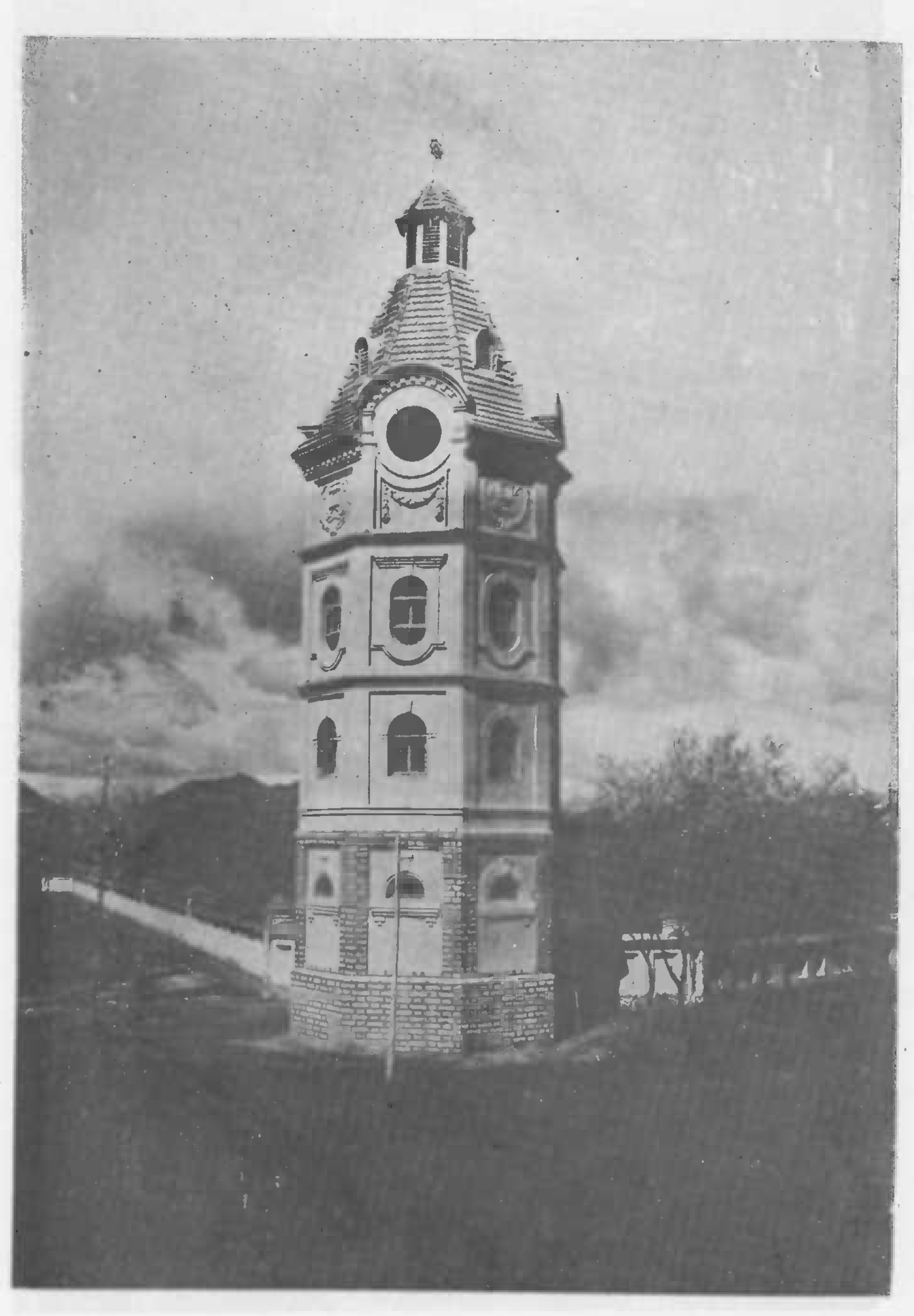
زمین سناتوریم ازطبقات ریگ دارتشکیل یافته وطبقهٔ غیر قابل نفوذ این اراضی از سطح زمین **به عمق** زیادی واقع بناءً علیه ازنقطهٔ نظرمایل بودن زمین وخاصیت طبقهٔ ریگزار اراضی **تماماً خشك** وعاری ازرطوبت بوده آب هائی راکه به زمین جذب می شود به زودی دفع میناید **واین** خصوصیات درسناتوریم خیلی حائزاهمیت است.

اعليحضرت شهريار شهيد بروزافتتاح رفقى سناتوريم



درموقع افتتاح رفقى سناتوريم لايحهٔ ازطرف رفقى بيگ عرض وقرائت ى‌شود

S. M. la Roi Martyr, le jour d'Inauguration de RIFKI SANATORIUM, (Vue prise au moment où le Dr. RIFKI BEY lit son discours).



منارهٔ ساعت وزارت حربیه که درسال ۱۳۱۲ تعمیر وبنایافته بود
Un coin nonvellement construit du Ministère de la Gueure

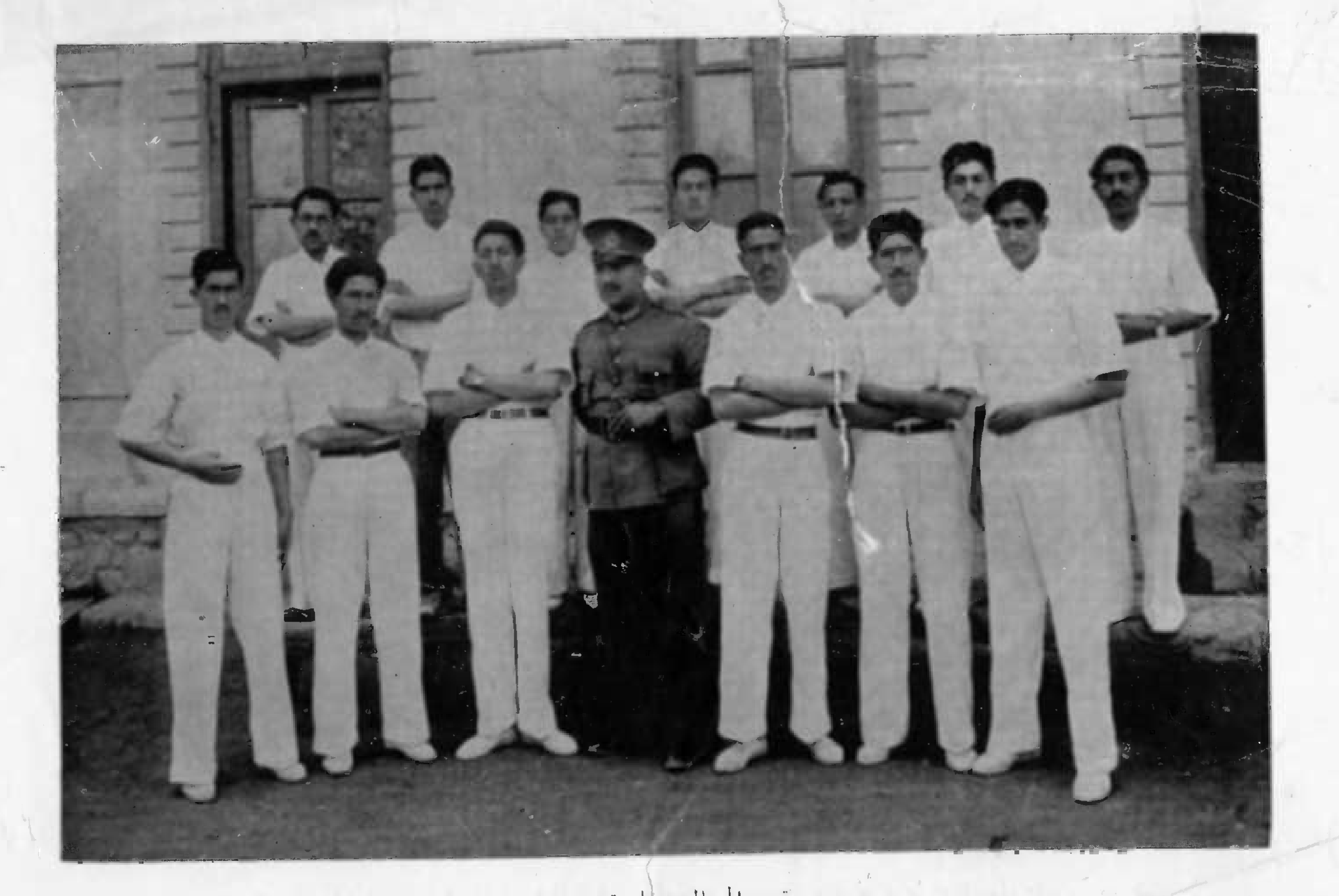
یکی از اوصاف دیگر این سناتوریم وقوعیت آن درمدخل فرورفته گی کوه است و کوهایکه عقب انرا احاطه کرده اند سناتوریم راتماماً ازباد شمالی محفوظ داشته است. محفوظ بودن سناتوریم ازباد شمالی که اززروهای سلسله ، هندوکش بوزیدن آغاز کرده و تاحدودیکه می رسد هوای سرد منتشر و موجب تحولات هوائیه میگردد یك امر معتنابها میبا شد وقوعیت سناتوریم علی آباد درفرورفته گی کوه آنرا ازخطر تحولات آتیه هوائیه مصئون کرده است. سناتوریم بطوری انشا و تعبیه شده که دربین آن وکوه یك فاصله وجود دارد ودرین فاصله انواع اشجار وگلها غرس وکاشته شده. مقصد اساسی وصحی در غرس این اشجار تخفیف حرارت منتشرهٔ سنگهای کوه است که به سبب تابش آفتاب کسب میکنند. فاصله دربین بنای سناتوریم وکوه وغرس اشجاردرآن ، ازیکطرف برای تخفیف حرارت سنگ ها در روز وسیلهٔ خوبی بوده و از جانب دیگر طبقات هوائیهٔ آن مانع رسیدن حرارت به بنای سناتوریم میشود حرارت که ازطرف شب ازسنگها نشر میشود آنهم برای گرم نگهداشتن هوای سناتوریم و عدم ظهور تحولات هوائیه خدمت میکند وهوای شب وروز سناتوریم را بحالت اعتدال محافظه میماید که این موضوع ازنقطهٔ نظر صحی اهمیت زیادی را حائز است. وگذشته ازین فاصلهٔ بین بنای سناتویم وکوه وغرس اشجار دران حرارت را که سنگها درموسم تابستان انتشار میمایند نیز ازالهٔ وبرطرف میماید. خصوصیت دیگری که موجب مزیت سناتوریم شده این است که جهت آن بطرف جنوب متوجه است وازین لحاظ ازبدوطلوع الی وقت غروب معروض به تابش آفتاب واثرات اشعه شمسیهٔ میماند. سناتویم در وادی سرسبز وزمرد فام چهاردهی منظرهٔ دلربا وفرحت افزائی را حائز است واین وقوعیت کیف ومعانی آن را دوبالا کرده مزیت مخصوصی بآن بخشیده است وادی سرسبز چهاردهی هوائی را که به سناتوریم میرسد کاملاً تصفیه کرده ازهرنوع گردوغبارپاك وباطراوت مخصوصی می رساند تقرب آن به شهر کابل هم ازنقطهٔ نظر تامین هرگونه مایحتاج ومایلزم سناتوریم شایستهٔ تذکر وصفت است که درصف دیگر محاسن آن قراریافته.

سناتوریم دروسط باغ بزرگی که مملو ازهرنوع اشجار ، بته ها ، گلها پارکها وبکمال اهتمام تنظیم شده قراریافته ، ترتیب این باغ به کیف صحی وطراوت هوای آن خیلی افزوده

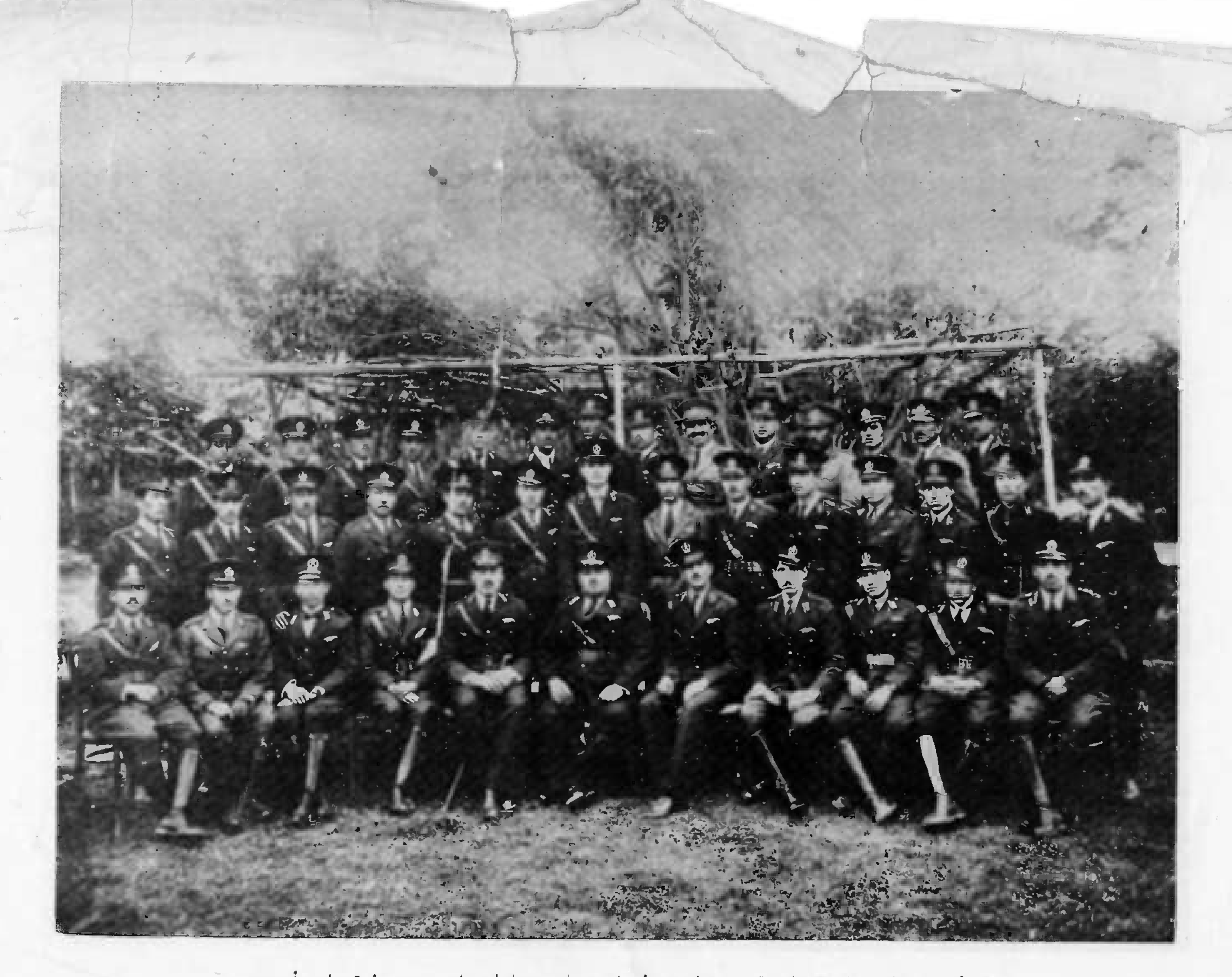
است. درسناتوریم وباغ آن ازدومنبع آب آورده شده که برای نوشیدن واستعمال آب یاری بصرف میرسد ۱ : آب چشمه باعتبار صفائی ، خاصیت کیمیویه باکتورلوژویه این آب ازتمام آب های موجوده شهرکابل ونواحی آن جمع است . واین آب بواسطهٔ ماشین (ها یکی بذریعهٔ آب و دیگری بواسطهٔ الکتریك بکار انداخته شده) در حوض های که بدامنهٔ کوه و بیك نقطهٔ مرتفع تعبیه میشود وآبهای ذخیره شده بعدازرسیدن بماشین فلتر بغرض نوشیدن واستعمال بمقامات لازمه توزیع میگردد .

۲ : این هم بدو واسطه (ماشین الکتریك وآبی) ایصال میگردد ودرحوض جداگانه که بدامنهٔ کوه برای آن ساخته شده واصل و بمصرف میرسد و یك قسمت آن بحوض ها ئیکه جهته اطفای حریق وغیره بقسم احتیاطی در هر چهار گوشهٔ سناتوریم ترتیب گردیده ذخیره میشود . تمام اقسام شفاخانه به سستم جدید تعمیرگردیده وترتیبات تسخین مرکزی والکتریکی را حائز میباشد . تسخین مرکزی مخصوصاً ایام زمستان وشدت سرمابوده بحداصغر (۲۵) سانتی گراد حرارت انتشار میکنند وتمام خدمات داخلی سناتوریم ازقبیل توزیع اطعمه ودعوت خدمتگاران وغیره بذریعه تاسیس الکتریکی انجام می یابد . بنای سناتوریم یك بنای مرکزی و درعقب آن بفاصلهٔ محدودی دیسپانسر ، اپارتمان نرس (محل نشیمن سرپرستار) آشپز خانه ودو بی‌خانه وتحویلخانه اوتوخانه ، بیت الخدمه هاودوائر مربوطه واقع گردیده است .





تیم والی بال وزارت حربیه
Groupe de Wali-ball du Ministère de la Gueure

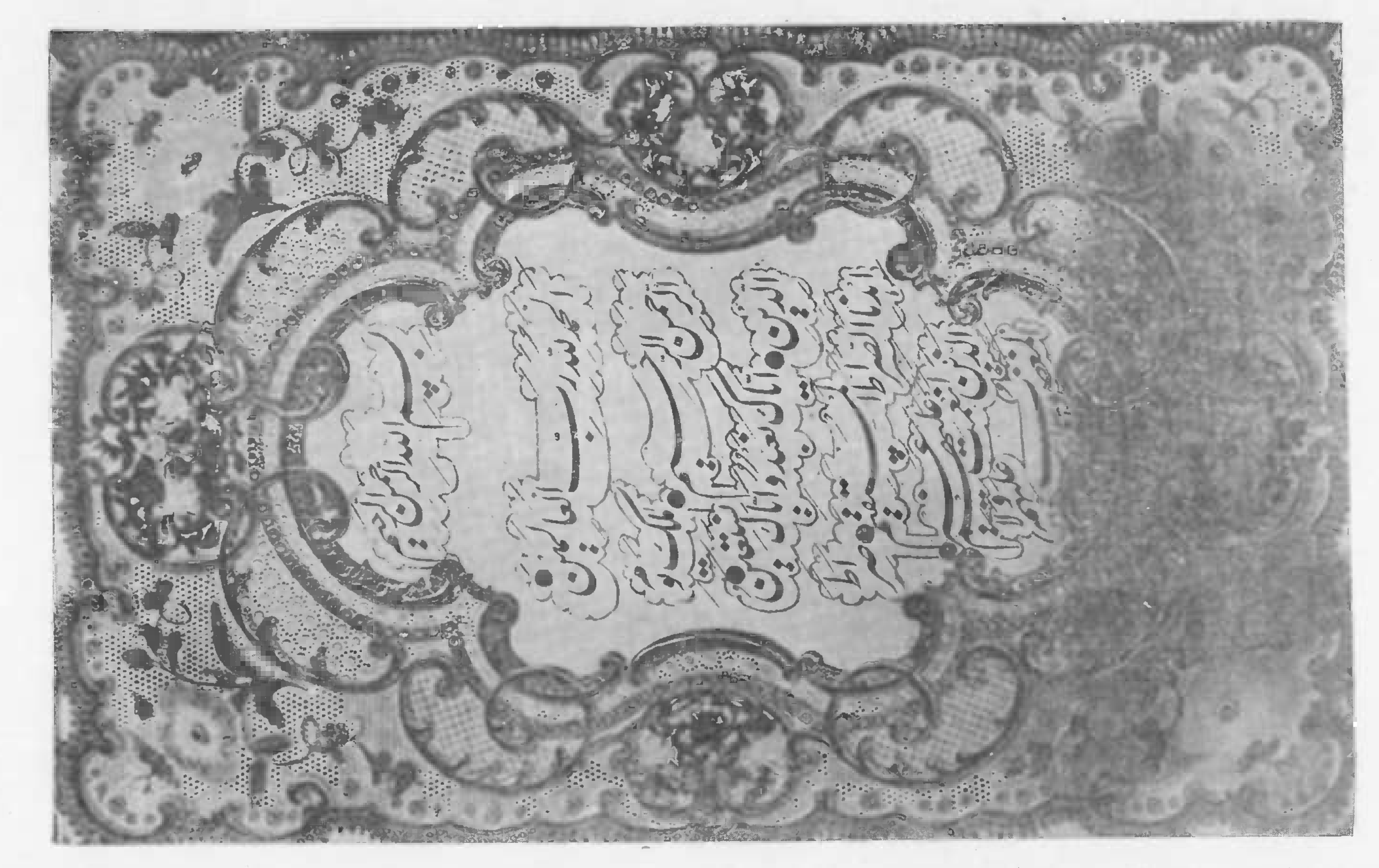


ج ، محمد احسان خان قوماندان هوابازی با پیلوت‌ها و میخانیک های مربوط قوماندانی مزبور
Colonel MOHD EHSAN KHAN Commandant de l'Aviation avec les Pilotes et les Mécaniciens du Département de l'Aéronautique.

نمونهٔ خطاطی قدیم افغانستان
(که در کلکسیون جناب قاری صاحب عضو انجمن ادبی موجوداست)

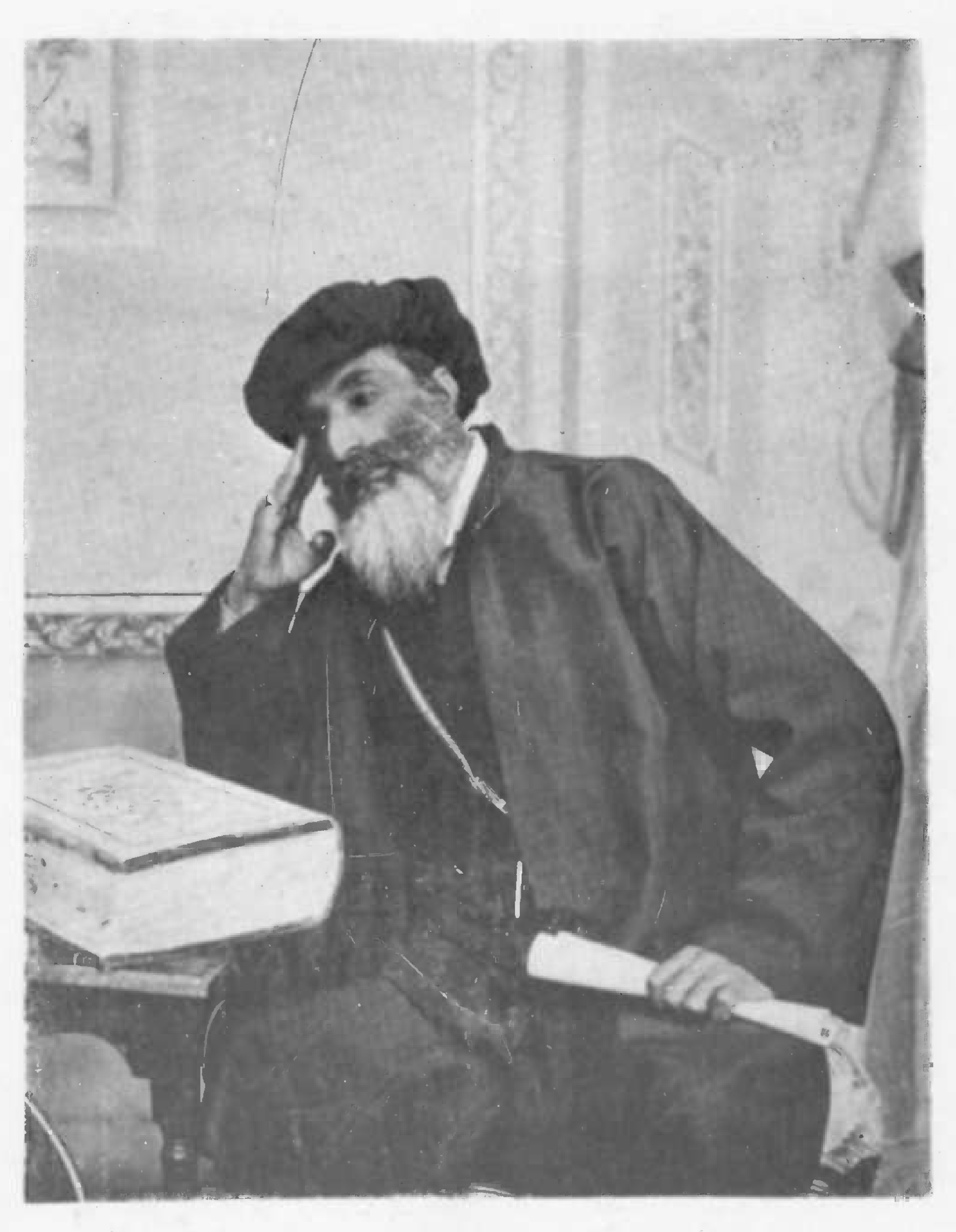


Spécimen d'Ancienne Cælligraphie d'Afghanistan.



نمونه ایست از خط نستعلیق فاضلهٔ محترمه خانم مرحوم سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدولهٔ افغانستان (متوفا در سال ۱۳۰۶)
که این مخدرهٔ فاضلهٔ افغانی با هرگونه اوصاف و کمالات قابل وصف تاهنوز در کابل امرار حیات مینمایند

Spécimen d'Écriture d'Une Femme Contemporaine de Kaboul.



جناب مرحوم سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدولهٔ سابق که از خدام صادق و فعال وطن بوده
در سال ۱۳۰۶ در کابل وفات کردند

افتتاح جادهٔ درهٔ شکاری

بطوریکه افغانستان همیشه مورد پرورش و اصلاحات وطن پرورانهٔ شهریار فقید اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی وخاندان نجیب شان واقع شده ودر ادوار خد متگذاری این فرزندان نجیب خود مصدر خیلی خوشبختی ها گردیده است عمران جادهٔ درهٔ شکاری نیز ازهمین قبیل کار نامه های درخشنده واقدامات بزرگ این فرزندان نامی افغانستان بشمار می رود .

جاده ها که بمنزلهٔ عروق دربدن یك مملکتی بوده ، امور امنیت واقتصادیات ، روابط حسنه اجتماعی . اتحاد ملی همه وابسته بان است متاسفانه در سالیان متمادی وطن ما ازداشتن اینگونه جاده های مهمه محروم مانده بود ، مخصوصاً دو ولایت عمده وچندین حکومتی های صفحات شمالی وطن بکلی از مرکز وحصص جنوبی خاك ماجدا ودر حال دوری مانده از فوایدیکه مذکور آمد بی بهره بوند اینك خوشبختانه می بینیم که درعصر تاجدار شهید بتوجه ومساعدت صدر اعظم دانای وطن والاحضرت سردار محمدهاشمخان سرك درهٔ شکاری که نسبت بوضع کوهستانی این حصه وپهناوری وسختی جبال هندوکش که هرکس مشکلات آنرا میداند سرك مذکورا عمار پذیرفته وحصه شمالی ومرکزو حصه جنوبی (بلکه تماماً قطعات خاك وطن) را بهمدیگر وصل می نماید .

اهمیت سرك شکاری از نقطهٔ نظر تجارت :

راهیکه قبلاً از کابل بسوی ولایات شمالی ویا ازآنجا بکابل پیموده می شد از کابل تاآغه رباط سرك واز آنجا مسافرین مجبور بودند کوتل های صعب العبور آغه رباط ، دندان شکن ، چمبرك ها ، قره کوتل را عبور نمایند . مخصوصاً مال التجاره درایام تابستان ذریعهٔ حیوانات در ۲۵ روز ودرزمستان اگربرف کم میبود باز حمات تحمل فرسائی درمدت یکماه وارد منزل مقصود میکردید ، واگر احیاناً بارندگی تواتر داشته وانقلابی دراوضاع جوی رونما می شد عبور ازین کوتل ها خارج ازحد امکان بوده ومال التجاره بواسطه بندش راه مدتها معطل وضربهای شدیدی به تجارت مملکت وارد می نمود ، امارا ه شکاری که ازدرهٔ شکاری عبور کرده باوسایل نقیسهٔ عصری مثل موتر های لاری بزرگ راه ۳۰ روزه را (علاوه از رفع خساراتیکه ازین باعث بقافله ها وارباب سرمایه وارد می شد) بسه روز قطع مینماید مسلم است که اینگونه تسهیلات ترقیات شایانی را درامور اقتصادی مملکت واقع می نماید .

تسهیلات درروابط عمومی مملکت :

ولایات (مزار ، قطغن) که ذریعه جادهٔ شکاری بکابل وصل میشود وغیر ازاهمیت تجارتی ازنقطه نظر امور زراعتی وفلاحتی آن هم قابل استفاده میباشد ، مثلاً بعضی سال ها که سرما شدت می نمود وراه عبور ومرور مسدود می شد ، بجز طبقات متمول که تحمل بحران های سنگین ارزاق را می توانند ، طبقات کم بضاعت که قوهٔ استطاعت آن ها ضعیف است تقریباً از حیث تنگی ارزاق د چار عسرت می شدند ودرهمین سال ها که اهالی مرکز به اینگونه بحران ها دست وگریبان بودند اهالی مزار وقطغن ازوسعت ارزاق محیط خودها همیشه ازانبارهای غله وگله های گوسفند مستغنی بوده ضمناً ازنبودن خریدار شکایت می کردند ، زیرا وسیلهٔ عمدهٔ تجارت آنها مواد حیوانی وغله بوده وبواسطه صعوبت ومشکلات راه کابل نمی توانستند ازین تجارت چیزی استفاده کنند کذا در موسم سرما برای بکاربردن از محروقات همیشه

اهالی شهر کابل ذغال جلغوزه بلوط حتی ارچه را از اشخاصی ابتیاع می کنند که آنها جنگلهای کوهی طبعی نواحی قریهٔ کابل را بدون رعایت کدام اصول فنی قطع نموده به بازار عرضه میدارند.

سرك درهٔ شکاری می تواند مواد غذائی مزار و قطغن و ذغال سنگ علاقه جات تاله و برفك را بکابل نقل داده و تدریجاً این نواقص و مشکلات تجارتی داخله را رفع نماید. هم چنان در سالهایکه خدا نخواسته آفات ارضی یاسمائی بزراعات ولایات شمالی صدمهٔ برساند اهالی آنجا میتوانند از ارزاق و غله ولایت کابل استفاده نمایند.

اهمیت اجتماعی :

یکی از عوامل بزرگی که در ایجاد اتحاد در تجانس اخلاق و عادات طبقات مختلفهٔ یك مملکت موثر است، همانا اختلاط و امتزاجی است که بین افراد بوسیلهٔ تجارت و دادوستد و آمیزش و رفت و آمد تولید میشود، پس در محیط هائیکه عوائق طبعی از قبیل جبال رفیع و دره های پرخم و پیچ و غیره وجود دارد طبعاً در اختلاط اقوام بهمدیگر موانعی تولید میکند، که از همه اولتر برداشتن موانع و عوائق مذکوره یکی ازاهم ترین اصلاحات اجتماعی شمرده میشود. گویا تصطیح سرك درهٔ شکاری و رفع زحمات و تکالیف که در راههای سابق بمسافرین دست میداد این نقیصه را هم ازبین برداشت، واکنون در مدت سه روز بدون احساس زحمت افراد کابل می تواند بولایات شمالی رفته با برادران متوطن مزار و قطغن خود و از آنجا بکابل آمده از اخلاق و عادات و طرز معیشت و آداب معاشرت همدیگر استفاده نمایند.

این است از فوائد اقتصادی اجتماعی جاده شکاری که فوقاً بدان اشاره شد. اصول اقدامات و ترتیب ساختمان این شوسه را هم در سطور آتی به نظری قارئین میرسانیم :

اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید و جناب عالیقدر جلالتمآب صدر اعظم صاحب بمقصد ارتباط ولایات مملکت و تنظیم امور اقتصادی وطن در سال ۱۳۰۹ احداث سرك مذکور را اراده فرموده و پروژهٔ ساختمان آن بوسیلهٔ وزارت تجارت مرتب شده بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۱۰ آغاز بکار و هیئت منتخبهٔ کار بموضع مذکور اعزام گردیده و مطابق پلان مرکز آغاز بکار شده لاینقطع کارجاری بود و بتاریخ ۱۰ اسد ۱۳۱۰ عالیقدر جلالتمآب میرزا محمد خان وزیر تجارت برای اخذ اطلاعات دقیقه واعطای دساتیر جدیده ووارسی بجزئیات امور بایك هیئت از حضور والا حضرت صدر اعظم صاحب ازمرکز عازم درهٔ شکاری شدند و عملهٔ کاریگر و ترتیب جریان کار را قرار آتی تعیین فرمودند :

کاریگران از اهالی قریه آنجا :			برای	۹۷٦۵	متر	مسافه	۵۰۰	نفر فعله هر روزه
»	»	سرخ و پارسا	»	۸۳۷۱	»	»	۵۰۰	» »
»	»	بامیان	»	۹۷٦۵	»	»	۵۰۰	» »
»	»	سیغان و کهمرد	»	۲۰۹۹	»	»	۲۰۰	» »
»	»	تاله و برفك	»	۱۸۰۰۰	»	»	۳۰۰	» »
			»	٤۸۰۰۰	»	»	۲۰۰۰	

غیر از نفری فوق برای امور مشکله مثال سرنگ پرانی وغیره به تعداد ۲۹۰۸ نفر تقریباً عملهٔ انشاآت نیز هرساله در امور سرك مشغول کار بوده اند ذرقراردادی که اهالی مذکور راجع بختم کار راه سازی باحکومت کرده بود چنین قید شده بود که مسئول قلت وکثرت عمله خود شان بوده ولی حکومت لوازم کار را از طرف خود آماده می نماید. حکومت ذزاین ترتیب را تصویب نموده به ادخال فعلهٔ اطراف و جوانب عملیات راه سازی را سریع تر نمود.

ما چیزیکه درحین اجرای کارقدری تکالیف واردمی کردآذوقه رسانی ومایحتاج نفری عمله کار بود ، درحالیکه نواحی قریهٔ درهٔ شکاری غیرمسکون بوده ولوازم مذکوره از نقاط بعید حمل می شد ، ولی باآنهم حکومت متبوعه بجدیت تمام کافهٔ حوایج عمله را از قبیل خوراك و پوشاك ، محروقات وغیره بخوب ترین شکلی تامین نمود که عمله وتمام مامورین تسطیح راه درهٔ شکاری از هر جهت مطمئن وآسوده بودند . وبالاخره بعدازمرور سه سال یعنی ازاسد ۱۳۱۲ کارسرك شکاری از دهنه شکاری تادهنه غوری اختتام یافت ، اولین ابلاغیهٔ که راجع بختم کارسرك شکاری درمطبوعات دیده شد بتاریخ ۱۸ اسد ۱۳۱۲ بودکه مجله اقتصاد باتکامل اطلاع متخذهٔ خودفوق العادهٔ نشر نمود .

(اهالی وطن از تصمیم حکومت راجع بساختمان شوسه شکاری مسبوق ومنتظر نتیجه بودند . اینك باکمال مسرت مژده میدهیم کهشوسهٔ مذکوربتاریخ ۲۱ اسد تسطیح و انجام پذیرفته بتاریخ ۱۹ اسد اولین موتر از سرخك بینی به مزارشریف حرکت نمود ویك موتر از مزار شریف که حاوی خربوزهٔ غوری بود بتاریخ ۲۱ اسد ازدره کاروان عبور نموده ، بتاریخ ۲۲ اسدوارد کابل شد) گویا موتر حامل خربوزه اولین موتری بود که محصولات ولایات شمالی مملکت رابه عبوراز سرکیکه دردوران حکومت نادرشاهی تسطیح شده ویکی از یادگارهای بزرگ عهد مصلح نادرشاهی بحساب میرود بکابل حمل نمود . متعاقب آن بتاریخ ۷ عقرب جناب عالیقدرجلالتمآب والاحضرت صدراعظم صاحب اراده فرمودند تا سرك درهٔ شکاری رابطور رسمی شخصاً افتتاح نمایند، لهذا ، ع ، ج عبدالاحدخان رئیس شورای ملی وع ، ج فیض محمدخان وزیرامورخارجه وع ، ج میرزا محمدخان وزیر تجارت وسایر رجالیکه شرف معیت والاحضرت ممدوح را حائز بودند بساعت ٦ صبح روز مذکور ازمرکز عازم درهٔ شکاری شدند : عندالورود باشرحیکه از نظر خوانندگان میگذرد راه را افتتاح فرمودند .

سواد نطق والاحضرت صدراعظم صاحب

بروز افتتاح سرك درهٔ شکاری

حضار محترم ! خدای متعال را شکر گذارم که امروز درسایهٔ شهریار وطن پرور افغانستان اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی امور مملکت عزیز بلافاصله تنظیم شده ومدارج بلند ترقی را می پیماید .

درین دورهٔ درخشنده نظر بحسن نیات وعشق وعلاقهٔ مخصوصیکه ذات شاهانه برای پیشرفت امور وسعادت ملك وملت خود دارند خوش بختانه می بینیم که کارهای سود مند ومطالب خیلی نافع که تماماً مقرون بصرفه وصلاح مملکت است از حضور ملوکانه امر واراده وبوسیلهٔ هیئت دولت ایجاد وتاسیس میشود .

بنده خیلی خورسندی وافتخارداشته وایزد متعال را مجدداً حمدو سپاس میگویم که درعصرچنین پادشاه ترقیخواهٔ دانا شرف خدمتگذاری افغانستان وطن عزیز خودرا دارا بوده ومورد نوازش پادشاهٔ محبوب نسبت بایفای اینگونه خدمات نافعهٔ ملی بنده وهیئت کابینهٔ من واقع میشود !

احراز موقعیت ها وماموریت ها البته دریك کشور برای افراد خیلی حظ وافتخارات دارد ، ولی اگر مامورین وعهده داران امور درحدود وظیفه وفرایض خدمتگذاری خود بی اعتنا بوده وقلباً علاقهٔ نداشته باشند البته مسئولیت آنها بنزد خدا وجامعهٔ ملی خیلی سنگین است ، پس من از سایر مامورین محترم افغانستان تشکر میکنم که آنها درراه ایفای وظیفه وحسن تطبیق اوامر وارادات اعلیحضرت همایونی درهیئت واجزای کابینهٔ این خادم وطن مجاهدانه کوشیده ووسائل خورسندی خاطر مارا همیشه فراهم نموده اند .

یکی از نمونه‌های قابل قدرنتایج خدمتگذاری خدام افغانستان مخصوصاً وزیرصاحب تجارت، تعمیر این جادهٔ درهٔ شکاری است که جناب شان از آغاز کار وصدورامر ملوکانه مطابق هدایات و نظریات ما متوالیاً باخبری از کار وتهیهٔ وسائل وعمله کاریگر وغیره امورمتعلق براه سازی را نموده واینك موافق آرزوی ما جادهٔ شکاری تعمیر شده است برای تسطیح این طرق مهم درین موضع که بکوهای بلند محاط است تهیه نفر کاریگریك امرمهم وبازتهیه مواد خورا که برای یك جمعیت کثیرورساندن اسباب وآلات راه سازی از آن مهم‌تر بود صرف مساعی وکوشش وزیر صاحب تجارت قابل تقدیر وتحسین است که به مدت کم وبصورتیکه آرزوی‌حکومت بوده کار این جاده بزرگ باختتام رسید، همچنان ازتمام مامورین که وظایف مفوضهٔ خود را بدرستی انجام داده واز تمام افراد کاریگر وازجمیع خوانین وکلان شوندگان واهالی اطراف که باقوام خود درین خدمت اشتراك نموده اند اظهار خورسندی ورضایت نموده اوشان را سعادت مند میدانم که درین خدمت‌بزرگ مملکت خود اشتراك نموده هریك بقدرسهم خود حصه گرفتند.

گرچه درین‌شوسه‌صرف‌زحمت مأمورین وپول حکومت شده واهالی صادق اینحدود مساعی و مجهوداتیکه فراموش‌ناشدنی‌است ابراز نموده اند ولی بایددانست‌کەدرنتیجه وطن عزیزما دارای یك طریق مهم حیاتی شده واین شوسه تمام قطعات مهمهٔ خاك مملکت را بهمدیگر وصل مینماید؛ چەدرسالیان درازی بواسطهٔ این سلسله کوهای عریض وطویل هندوکش ولایات شمالی وحصه هـای جنوبی ومرکز ازهم جدا واز مواد اقتصادی منافع‌اجتماعی واتحاد معنوی وروابط ملی اهالی این دوحصه نسبت بهمدیگرخود محروم وبیگانه مانده بودند.

بخاطردارم سالهائی را که درکابل قحطی غله ومایلزم خوراکه واقع شده واهالی خیلی دچار عسرت گردیده بودند ولی عیناً درهمان سالها درولایات شمالی انبارهای غله بواسطهٔ کثرت مقدار وقلت خریدار خراب وبرهم شده خسارات هنگفتی را برای اهالی ایجاد میکرد وهمچنان درسالهائیکه آفات درمزروعات ولایات‌شمالی واقع میگردید اهالی آن نمیتوانستند ازغله وآذوقهٔ ولایت کابل استفاده نمایند.

کذا بواسطهٔ نبودن طریق سهل مسافرت اهالی این‌دوخطه‌نمیتوانستند بدون کدام امرمهم ضروری زحمات‌مسافرت یکماهه‌این راهٔ صعب‌ومشکل رامتحمل شوند، لهذا بکلی ازعادات ومراسم طرززندگی ووحدت اخلاق‌خودهابیگانه بوده اهالی ولایات شمالی اهالی کابل را واهالی کابل اهالی آنولایات رابا‌وجود وحدت مذهبی ونژادی غریب وبیگانه می پنداشتند.

پس خیلی امروز جای خورسندیست که درعهد همایون اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی اینطریق مهم ساخته شده‌واهالی این دوخطه‌میتوانند درمرور دوسه روزی باوسایل نقلیات عصری وبکمال سهولت‌وآسانی باهمدیگر خودرفت آمد داشته ازمواد تجارتی خاك های همدیگر خود استفاده نمایند.

درنتیجه امید وارم این‌طریق مهم که ما سرك درهٔ شکاری اش مینامیم فی الحقیقت درآیندهٔ قریبی برای تأمین روابط اخوتانه وترقی اقتصادیات اهالی مملکت ماطریق سعادتی بشمار خواهد آمد.

درخاتمه سعادت وترقیات روزافزون وطن عزیزوحصول‌سعادت ملت افغانستان را از خدای متعال استدعانموده بنام خدای‌پاك وبافتخاراعلیحضرت محمد نادرشاه بزرگ این‌شوسه را افتتاح مینمائیم.

سپس ع، ج میرزامحمد خان وزیرتجارت نطق آتی را بحضورمبارك والاحضرت صدر اعظم جواباً عرض وقرائت نمود.

سواد نطق ع، ج وزیر صاحب تجارت

والا حضرت معظماً! افتخار دارم که امروز در محضر این حضرات که به افتخار تشریف آوری ذات والای شما برای افتتاح شوسهٔ شکاری درین موضع حضور بهم رسانیدهٔ اند بگویم :

این پروژهٔ بزرگ را که تا کنون در افغانستان سابقه ندارد ودرخور پروگرام های دول بزرگ امروزهٔ دنیاست مطابق اوامر وارشادات ذات ملوکانه ووالاحضرت صدر اعظم صاحب بدستیاری رؤسا وفعلهٔ اقوام اطراف وجوانب این موضع ما صاحب منصبان وعملهٔ انشاآت وسایر مامورین دولت حسب مطلوب بسر رسانیده ایم . بلی دروقتیکه اجرای کار جاده شکاری روی دست گرفته شد از منابع مخصوصی که شاید فقدان فضائل روحانی غالب تر از اغراض ایشان بود پیهم این جمله که « چنین کار بزرگ که حکومات قبلرا حتی بردن نام آن بوحشت می انداخت نه امکان بسر رسیدن دارد ونه افغانستان به این قبیل امور سابقه دارد » استماع میگردید، ولی ما طوریکه در کار های خارقه نمای مرد جلیلی مانند اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی ووالا حضرت شما اطلاع داشتیم وسوابق زحمت کشی وخدمت گذاری بی آلایش تان بما واضح بود . اتکاً به تائید خداوندی واطاعت اوامر شما نموده بدون اینکه این پروپاگندهای مغرضانه که فضائل معنوی را متزلزل میساخت درما ادنی تاثیری تولید کند شروع بکار نموده تا حدیکه اقتدار شخصی اجازه میداد اوامر وهدایاتی را که بما اعطا میفرمودید بموضع عمل گذاشتیم تا اینکه لله الحمد تعالی به الطاف خداوندی وقوه تدبیر وحکمت عملی حکومت مصلح موفق گردیده بطلان عقاید مغرضین را امروز اثبات میکنم .

کار ساختمان سرك از اوایل آغاز تا کنون بطور طبعی جریان داشته، تمام سهم داران اجرت پیشه و مامورین و مهندسین در تطبیق نظریات و آمال حکومت مطبوعه که در مواقع مقتضیه کتباً از وزارت تجارت بایشان تبلیغ میشد ویا در مواقع ورود خودم در اینجا به ایشان ایراد میگردید کما حقه سعی کردند و عملی نمودند وهمان بود که بعد از معاودت هر بار از سرك شکاری اوضاع ساختمان را با تمام کوائف همیشه بحضور عرض کرده ام .

طوریکه اجمالاً والاحضرت فرمودند این جاده یکطرف صفحهٔ دیگری در تاریخ اصلاحات دورهٔ مصلح نادرشاهی باز میکند و از طرف دیگر امید است مصدر خدمت مهمی در امور اقتصادی و معنوی ملت افغانستان گردد .

چون والاحضرت در ضمن فرمایشات خود الطافاً از خدمات ناچیزانهٔ بنده اظهار رضائیت فرمودند، لهذا عرض میکنم من بشخصی مصدر خدمت بلندتری طوریکه آرزو داشتم نشده ام وچیزی که توانستم و حقیقةً باعث افتخار من است تنها تطبیق آمال اعلیحضرت غازی ووالاحضرت شما است که عهدهٔ مربوطهٔ خودرا بزعم خودم بصداقت انجام دادم، درخاتمه افتتاح این شوسه را به اعلیحضرت غازی ووالاحضرت وسائر ملت افغانستان تبریك گفته از خدای مهربان التماس دارم که حکومت متبوعهٔ مارا زیادازین درتحت هدایات شهریار فهیم وکار آگاه آن بموفقیات بزرگتری نائل گرداند .

باالجمله طوریکه تذکار رفت شوسهٔ شکاری که یکی ازمفید ترین ومهم ترین کارهای که تا کنون در تاریخ افغانستان عملی شده افتتاح و محل استفادهٔ عامه قرار یافت .

جادهٔ شکاری مزایای زیادی دارد که ما تنها بذکر مختصرآن قناعت نمودیم امید است کافهٔ ملت نجیب افغانستان قدر وقیمت همچه امور را که دردوران حکومت فعلی عملی میشود دانسته وقیمت خدمات این حکومت شریف خود را بیش از بیش بدانند .

افتتاح نهر سراج مشرقی

نهر سراج سمت مشرقی همان نهریست که درسال ۱۲۹۰ شمسی حفر آنرا اعلیحضرت امیرحبیب الله خان اراده کرده بود. شروع خط سیر این نهر ازبرابر پل درونته اتخاذ شده وتایك حدی بکنار سرك لغمان ممتد وباستقامت قلعهٔ بختان ازدریای سرخ رود عبور وبرشیله ناقی وقلعهٔ شاهمرد خان ودشت شاه مردان وکاریز میر، گذر کرده وتقریباً چهارده هزار جریب زمین لامزروع وخارهٔ سمت مشرقی را مشروب وقابل زرع می نماید.

در زمان اعلیحضرت سراج الملته والدین کار حفاری نهر مذکور جاری ولی بواسطهٔ شهادت اعلیحضرت موصوف ازسنهٔ ۱۲۹۷ تا سنهٔ ۱۳۰۲ شمسی کار آن کاملاً بحال تعویق وعدم پرداخت مانده بود. درسنهٔ ۱۳۰۳ عصر امانیه دوباره بکار نهر مذکور اقدام ویك مبلغ کافی برای آن دربودجه منظوری داده شد، اما متاسفانه باوجود مصرف زیاد بازهم کارهای باقیماندهٔ آن به تکمیل نرسیده وبحال خراب ماند.

درسنه ۱۳۱۱ عصر شهریار وطن پرور ترقی خواه اعلیحضرت محمدنادرشاه شهید که تمام منابع وقسمتهای مهمهٔ اقتصادی وعمرانی وطن تحت توجهٔ شاهانهٔ شان قراریافته وبه‌تعمیربندها وحفرانهارامر وارادهٔ خویش را صادر فرمودند، آبادی وتکمیل نهرسراج را نیز حکم فرموده وپول مکفی جهة انجام کار مذکور در بودجهٔ وزارت تجارت وزراعت منظوری دادند وازهمان سنه بامراقبت مخصوص ع، ش جناب سردار محمد داؤد خان فرقه مشر قوماندان عسکری وحاکم اعلای سمت مشرقی کار نهرسراج جاری شده بود اینك بتاریخ روز دوشنبه دهم ثور ۱۳۱۳ شمسی کار نهر مذکور تماماً به تکمیل رسیده ورسماً ازطرف قوماندان موصوف درحضور جم غفیری ازمشاهیر واهالی آنجا افتتاح ونطق های متعددی درین تعاطی شد وبالاخره بکمال موفقیت آب رودخانه درنهر مذکور جاری گردید حقیقتاً اقداماتیکه در اکمال حفر وآبادی این نهر ازطرف شهریار شهید گردیده واختتام آن درعهد درخشندهٔ اعلیحضرت محمدظاهرشاه نجیب می‌شود خیلی قابل امیدواری وخورسندی است چه وجود این نهر میتواند عمرانات ومزروعات جلال آباد رادوچند ساخته ویك باب تازهٔ در ترقیات زراعت وفلاحت وطن عزیز ایجاد نماید. ضمناً سالنامهٔ کابل ازمساعی ومجهوداتیکه قوماندان صاحب موصوف درین مسئله ابراز فرموده اند تشکرات صمیمانه نموده به جناب شان عرض تبریك می نماید.

انجمن کشافان

در تربیهٔ کشافان درین سنه سعی مخصوص بعمل آمده ، وبعوض ع ، ج علی محمد خان قوماندان کشافان ع ، ج سردار احمد علی خان وزیر معارف تعیین و در نفری شیر بچه ها دوازده نفر افزود گردیده است .

در جشن استقلال طلاب اسکوت در رسم گذشت اشتراك ورزیده و بحضور ج ، ع ، ج والاحضرت صدر اعظم صاحب در حالیکه عموم وزرا و کور دیپلو ماتیك تشریف داشتند نمایش خوبی نشاندادند .

طلاب اسکوت در سال ۱۳۱۲ بمعهٔبلوك مشران و معلمین خود ها برای کمپ تعلیمی به دوده مست پغمان ، بیکتوت ، چهار منار ، دارالفنون ، رفته و از طرف اعلیحضرت فقید شهید عرفان پرور ، کمپ های ایشان ملاحظه و ازطعامیکه طبخ نموده بودند تناول‌فرموده و طلاب مذکوررا مورد نوازش و تلطیف مخصوص خویش قرار دادند .

اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه درآنموقع که سرپرست طلاب اسکوت بودند نیز کمپ های سکوت را ملاحظه فرموده وایشانرا نسبت بجدیت و انتظام آنها تمجید و نایل به تحسین فرمودند.

ادارهٔ کشافی نسبت بروابطیکه با انجمن کشافان عالم دارد درسال ۱۳۱۲ باانجمن کشافان ٤٨ ممالك دنیا مکاتبه نموده است .



تمدید سرکهای جدید

چون حکومت متبوعهٔ ما مشغول فراهم آوری تمام وسائل راحت و آرامی و رفاهیت ملت و ترقی و تعالی مملکت بوده و آرزو دارد وطن عزیز از هر جنبه ترقی و پیشرفت نماید، به وارسی همه امور مخصوصاً به تنظیم و تسطیح خطوط مواصلت به اطراف و نواحی مملکت نهایت توجه و مساعدت نموده تمام سرکهای سابقه که قابل ترمیمات لازمه بوده ترمیم و علاوتاً جاده های نافع متعددی در تمام نقاط لازمه تمدید و تسطیح کرده است که اینك از تذکار سرکهائیکه ترمیم گردیده از حیث طوالت مضمون صرف نظر نموده و تنها سرکهائی را که تازه تمدید گردیده ذیلاً بمطالعهٔ هموطنان عزیز میرسانیم :

		متر	کیلو متر
۱ :	تمدید سرك از حد چهار راهی عقب فرقهٔ شاهی الی قشلهٔ عسکری شیرپور	۵۰۰	۱
۲ :	« « « سرك دروازهٔ لاوری به بالاحصار و از بالاحصار بطرف شهدای صالحین الی زیارت جبیر و تمیم انصار رضی الله تعالی عنهم	۵۰۰	۱
۳ :	تمدید سرك از حد مینار یادگار شهادت عبدالوکیل خان نائب سالار مرحوم تا سرك قلعهٔ هاشم خان	۸۰۰	۲
٤ :	تمدید سرك جدید رفقی سناتوریم و اتصال آن به سرك دار الفنون و پخته کاری آن		٤
۵ :	« « از ریش خور الی چهار آسیاب و اتصال آن به سرك لوگر	۸۱۵	٤
٦ :	« « « پل قندهاری محمداغه تا سرك لوگر	۱۹۸	۱۲
۷ :	« « « پادخاب روغنی از طریق ده دوشنبه و بخش آباد و اتصال آن به سرك گردیز	۱٤۸	۹
۸ ،	تمدید سرك از پل علم الی قریهٔ خوشی لوگر	۱۹۸	۱۳
۹ :	« « « پورك الی قریهٔ دادوخیل وزرغون شهر و اتصال آن بسرك سرخ آب لوگر	۲٤۸٫۵	۱۵
۱۰:	تمدید سرك از کلنگار الی کوتل دیوان گی	۳۹٦	۲٦
۱۱:	« « « سرك قندهار تا کتواز	۵۹٤	۳٦
۱۲:	« « « مرکز کتواز براه محمود خیل الی موش خیل و خود خیل	۳۳٦	۸۲
۱۳:	« « « از قریهٔ سرکی خیل جانمراد به سمت کتواز الی بدی	٤٤۵	۲۷
۱٤:	« « « حد قلعهٔ نظرخان تا حد شهیدان حصهٔ اول اندر	۳٤٦	۱۱
۱۵:	« « « مقر بعلاقه داری ناوه و اتصال آن به کتواز	۸۹۰	٦۷
۱٦:	« « « بهسود به سمت جاغوری الی کوتل لومان.	٦٤۳	۳۹
۱۷:	« « « کوتل لومان الی سنگ ماشه	٤٤۵	۲۷
۱۸:	« « « کوتل لومان تا سرك قیسار به حد قره باغ غزنی .	۵۹٤	۳٦
۱۹:	« « « بامیان به دایزنگی و اتصال آن به دولت یار مربوط ولایت هرات	۲٤۸	۲۳۳

ولایت قندهار:

		متر	کیلو متر
۱ :	تمدید سرك از تخته پل الی مانده	—	۸
۲ :	« « ارزگان از پل ارغنداب الی حکومتی دهله	۹۹۰	٦۰
۳ :	« « از حکومتی کلان قلات تا حکومتی هوتکی	٤۸٥	۹۱
٤ :	« « از قلات الی شنکی	٥٤٤	۳۳
٥ :	« « از شنکی تا حوت قول جاغوری	۲٤۸	۱٥
٦ :	« « از مرکز پشت رود تا ناوه		
۷ :	« « از حکومتی کلان پشت رود تا حکومتی گرم سیر	۸۹۰	٦۷
۸ :	« « از حکومتی کلان پشت رود الی موسی قلعه زمین داور	۹۹۰	٦۰

ولایت هرات:

۱ :	تمدید سرك از اوبه الی علاقه داری دولت یار و اتصال آن به دایزنگی	۷۹٥	٤٥۷
۲ :	« « بین گلران و هرات		

ولایت مزار شریف :

۱ : تمدید سرکهای عریض و مستقیم در شهر مزار شریف.
۲ : « سرك از شهر مزار شریف به دهدادی .
۳ : « سرکهای جدید در آقچه .
٤ : « سرك در علاقه داری شور تپه .

ولایت قطغن و بدخشان :

		متر	کیلو متر
۱ :	تمدید سرك از سرك درهٔ شکاری از راه غوری به خان آباد	٥٦۰	۱٥٤
۲ :	« « از خان آباد به تالقان و از آنجا به علاقه داری خواجه غار و از انجا به حکومتی حضرت امام صاحب :	۹۰۰	۱٤٤
۳ :	تمدید سرك از خان آباد به گردابی		
٤ :	« « از خان آباد به قندوز و از آنجا الی باش آبدان	٥۲۰	٥۱
٥ :	« « از خان آباد تا حکومتی اشکمش	۸٤۰	۷۰
٦ :	« « از خان آباد تا مرکز نهرین	٥۰۰	۸۰
۷ :	« « از خان آباد الی فرخار	٦٤۰	۳۸
۸ :	تمدید سرك از فیض آباد الی ارگو و درائم و تشگان و حکومتی کشم تا کلفکان	٤۸٥	۹۱
۹ :	« « از فیض آباد تا حکومتی جرم	۹۹۱	٥٤
۱۰ :	« « از فیض آباد الی علاقه داری شهر بزرگ	۱۸۸	۷۳
۱۱ :	« « از کنبد کشم براه پل بیگم بطرف رستاق	۳۹٦	۲٤
۱۲ :	« « از روستاق تا علاقه داری چاه آب	٤۹٥	۳۰
۱۳ :	« « از رستاق تا پل شیمه	٥۹٤	۳٦
۱٤ :	« « از رستاق تا ینگی قلعه	۹۹۱	٥٤

حکومتی اعلای مشرقی :

	کیلومتر	متر
الف : بذریعهٔ مدیریت تعمیر سرک مشرقی :		
۱ : تمدید سرک جدید مشرقی از بتخاک الی سموچ های ملا عمر	۱۷	۰
۲ : « « جدید مشرقی از طرف میان سروبی وکته سنگ	٦	۰
۳ : « « از کمکی خیبر تادکه	٤	۵۰۰
ب : بذریعهٔ مأموریت معابر حکومتی اعلای مشرقی :		
۱ : تمدید سرک از لغمان به سمت اسمار تاچغه سرای	۱۰۹	۷۸۲
۲ : « « بهر دو طرف شهر جلال آباد از دورائی درونته و کابل الی پل سراچه علیخان	۱۷	۵٦۷
۳ : سرنگ پرانی در تنگی درونته و دیوار لب دریای کابل .		

حکومتی اعلای جنوبی :

	کیلومتر	متر
۱ : تمدید سرک از گردیز تا غزنی	۷۳	۱۸۸
۲ : « « از گردیز تا میرزکه	۳۹	٦٤۳
۳ : « « ارسر روضه بطرف ارگون		
٤ . « « از ارگون الی اورجانه زیروك	۱۸	۲۹۸
۵ : « « از ارگون الی سروبی	۱۸	۲۹۸
٦ : « « از سر روضه الی شرن کتواز	۱۵	۲٤۸
۷ : « « از لك دیوار زرمت بطرف کتواز		
۸ : « « از حدود دم غندی منگل الی کوتل سروتی		
۹ : « « از مرکز خوست الی صبری	۲۷	٤٤۵
۱۰ : « « از مرکز خوست تا سید خیل جدران	٤۵	۷٤۲
۱۱ : « « از حد سرحد کرم براه لکن و هارون خیل وطورا بوی سرحد	۳۳	۵٤٤
۱۲ : « « از مرکز خوست الی تنی خوست	۲۷	٤٤۵
۱۳ : « « از مرکز خوست تا جاجی میدان	۳۳	۵٤٤

حکومتی اعلای فراه و چخانسور :

۱ : تمدید سرک بین اناردره وفراه

۲ : « « از مرکز چخانسور به علاقه داری نهرشاهی و نادعلی و از آنجا به علاقه داری چهار برجك و از مرکز بکوا به سمت علاقه داری گلستان وکوهستان .

۳ : تمدید سرک از مرکز حکومتی اعلی به علاقه داری بالا بلوك .

٤ : « « درعلاقه داری های لاش‌جوین وچای گوته وچای برك وچشمهٔ توکل .



تعمیر پلها

ولایت کابل :

۱ : تعمیر پل دریای چمچه مست که سرك رفقی سناتوریم ودارالفنون را اتصال میدهد
۲ : تعمیر پل گلباغ .
۳ : تعمیر پل در سرك پل چرخی .
٤ . ترمیم پل متصل بندغازی .
٥ : ترمیم پل چمچه مست وکنارهای آن .
٦ : تعمیر پل تنگی وردك که کارآن جاریست .
۷ : تعمیر پل رنگای غوربند

ولایت قندهار :

۱ : تعمیرهجده پل به سرك ارزگان که بطرف حکومت دهله تمدید شده .
۲ : تعمیر پل ارغنداب .
۳ : « « ارغسان (اراکوسیا) .
٤ : تعمیر پل دیگر درارغسان .
٥ : تعمیر پل شاه جوی .
٦ : « چهل دوپل درشیله های معابر ارغسان .
۷ : « دوپل درحکومتی پشت رود .
۸ : دوپل بین مقر وقلات درحد شاه جوی .
۹ : معبر شیله دب ومعبر جدید ترنك .

ولایت هرات :

۱ : تعمیر پل درموضع شیرخاش هرات .
۲ : ترمیم پل مالان .
۳ : تعمیر پل درخواجه چشت .

ولایت قطغن و بدخشان :

۱ : تعمیر پل دریای بنگی .
۲ : تعمیر پل درفرخار .
۳ : تعمیر پل درقندز .

مدیریت تعمیر سرك مشرقی :

الف : درحصهٔ ولایت کابل .

۱ : تعمیر شش پل ودومعبر ازبتخاك الی سمچ های ملاعمر .

۲ : تعمیر سه پل درحصهٔ رود چناری (کار آن جاری است) .

ب : درحصهٔ حکومتی اعلای سمت مشرقی .

۱ : تعمیر پل سرخ آب (کار آن جاری است) .

۲ : تعمیر پل نظر آباد .

۳ : تعمیر پل کمبو .

٤ : تعمیر پل شیلهٔ ناقی .

٥ : « سه پل درجلال آباد .

٦ : « سه پل در سراچه علیخان جلال آباد .

۷ : « پل درحدود دشت چوره گلی .

۸ : « ده پل در دکه .



از تعمیرات سال ۱۳۱۲ مشرق



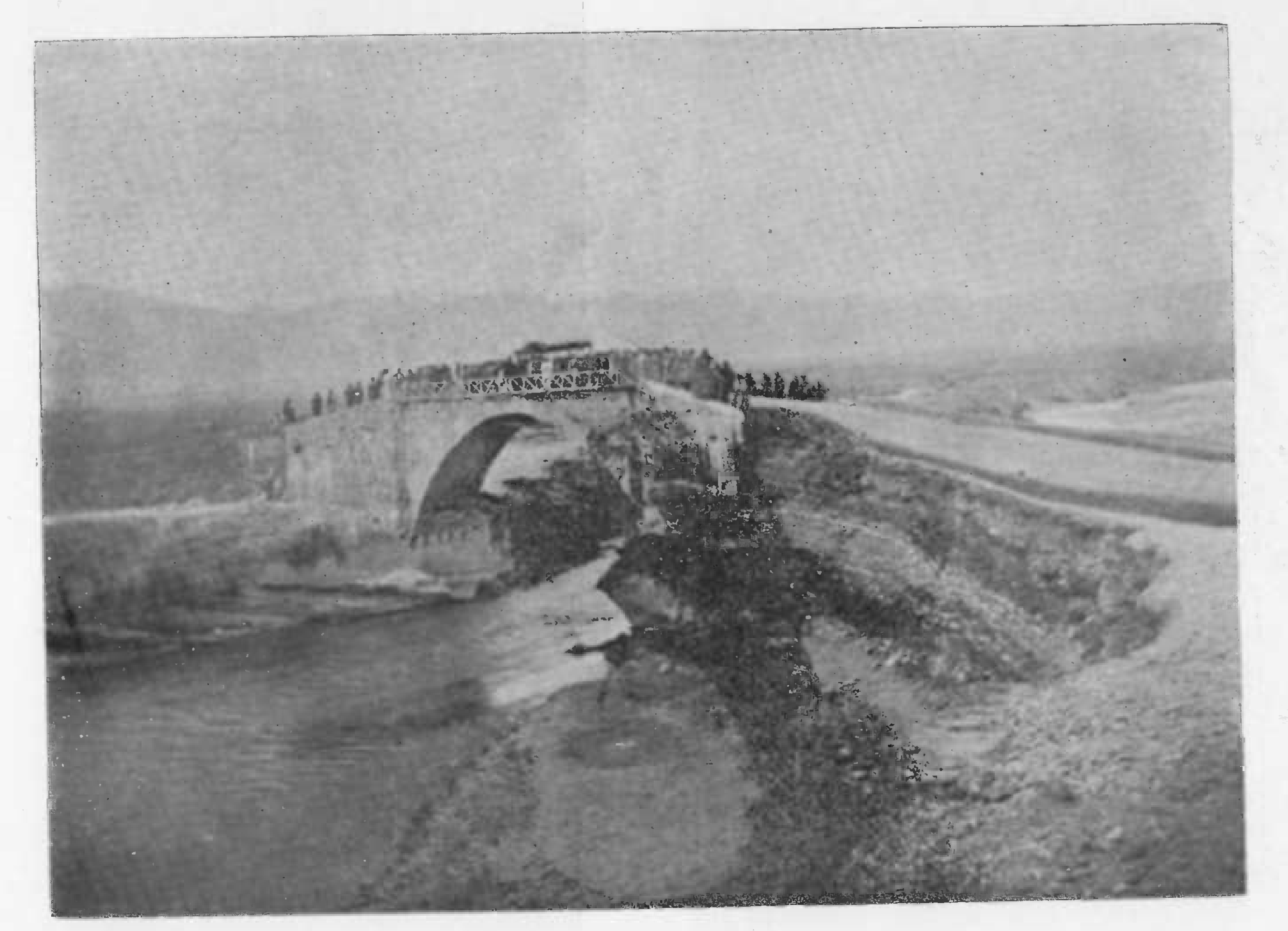
پل چوره گلی سمت مشرق

Le Pont de TCHORA-GALI sur la Route Kaboul-Indes.



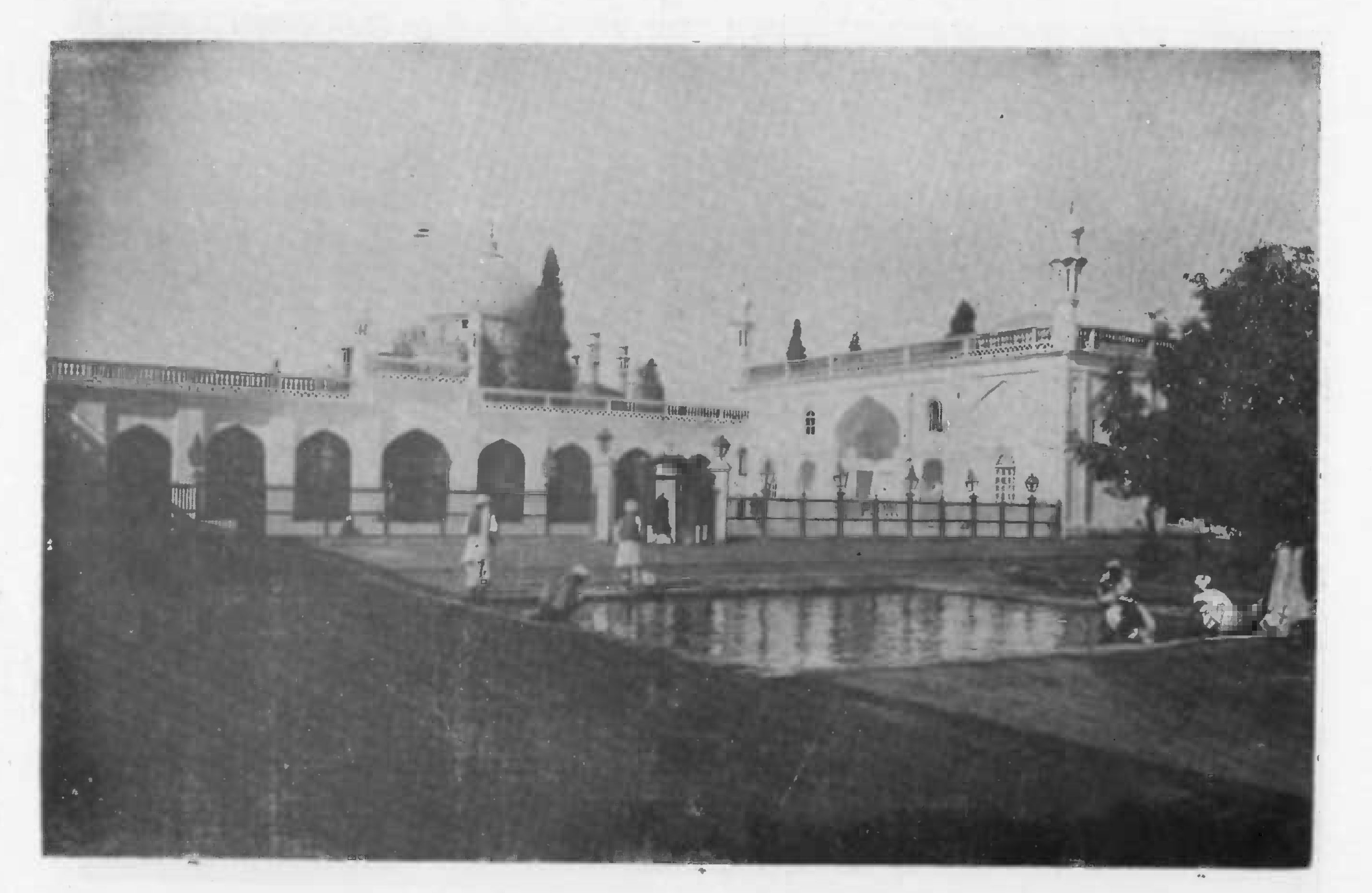
پل واقع نظر آباد که داخل خط سرک جدید مشرق است

Un des nouveaux Ponts sur la nouvelle Route KABOUL-INDES. (Nazar Abad Prov. de l'Est).



پل دریای بنگی (خان آباد) که ترمیم یافته

Le pont de la rivière de Bangui restauré en 1312 (Khanabad).



مسجد و جایگاه مبارک خرقهٔ مطهر حضرت نبوی (صلعم) در قندهار

Bâtiment et Mosquée de KHÉRQA-I-CHÉRIF (Menteau du Prophète) à Kandahar



منار یادگار شهداء میوند که دردورهٔ نادر شاهی نسبت
بقدر شناسی از فدائیان وطن و احیای نام ایشان در سال ۱۳۱۲ بنا وتعمیر یافته
Monument Commémoratif des Martyrs de la Gueure de MAY-OUAND
construit sous le Régne de S. M. NADIR CHAH (Kandahar).

غور

قلب مملکت با افتخار تاریخی ما ، یا مرکز صدور اوامر جهان مطاع شاهان نامدار غوری سرزمین رفیعهٔ غورات امروزه بود . این سرزمین عزیز درقرن پنج وشش اسلام باملحقات شرقی وشمالی اش که مقصد از تولك ، فرمی ، شهرك ، چغچران ، جوند ، هزاره جات حالیه باشد بنام غرجستان معروف بوده باعمرانات وترقیات مخصوصی در قلب مملکت افغانستان جاداشت .

درعهد غزنویان که غزنه پایتخت بود ، غورجستان بصورت یك ایالتی اداره میشد ، ولی درعهد شهنشاه بزرگ سلطان غیاث الدین غوری فیروزکوه که مسقط الراس این خانواده ودرعهد پدر وعم بزرگوارش اعمار وترقی پذیرفته بود رسماً پایتخت سلطنت قرار گرفته غزنی صورت ایالت نشینی را اختیار کرد .

تمدن غرجستان مخصوصاً درعهد غوریان به اوج ترقی رسیده مهد بسی فضلا ونام آوران اینخاك بشمار رفته وباترقیات بلخ همسری مینمود . خرابه زار امروزه : تیوره ، شهرك ، فیروزکوه وغیره نقاط عظمت گذشتهٔ این سرزمین را بخوبی نمایندگی مینماید وجمعیت اینخاك دران عهد ثلث جمعیت تمام مملکت را از حیث خوبی آب وهوا وترقیات مدنی تشکیل میداد ، ولی متاسفانه درفتنهٔ مغل بعد از خرابی واحراق بلخ اهالی این خطهٔ نامی بامغل وحشی فوق العاده مبارزه ومقاومت کرده آن گروه خون ریز تمام نفوس را قتل عام وهمه عمرانات آنرا بلافاصله خراب واحراق نمودند . غورات ازان زمانهٔ اسف آورالی حال بهمان وضع ویرانی مانده اخیراً قلعهٔ تیوره جدید ، پرچمن ، پسابند که فعلاً به اسم غور معروف است تاسال ۱۳۱۲ به عنوان یك حکومت درجه اول ازطرف ولایت هرات اداره میشد ودیگر ملحقات قدیمهٔ آن ازقبیل : تولك ، شهرك ، چغچران بحکومتی های مختلف تقسیم وازوی مجزا شده مستقیماً از مرکز هرات اداره میگردیدند . ولی درین عصر فرخنده که شهرهای تاریخی وطن مورد توجه قرار گرفته خوشبختانه غوردرین سنه بحکومت کلان تبدیل یافت که صورت تشکیل جدید غورات وتشکیل حکومت کلان بادغیس که نیز بحکومت کلان تبدیل یافته قرار آتی است .

الف : حکومت کلان غورات :

۱ : مرکز نفس غور ـ ۲ علاقه داری پسابند ـ ۳ علاقه داری پرچمن ـ ٤ حکومت تولك ـ ٥ علاقه داری فرمی ـ ٦ حکومت شهرك ـ ۷ علاقه داری فراه رود ـ ۸ حکومت چغچران .

ب : حکومت کلان بادغیسات .

۱ : مرکز حکومتی قلعهٔ مرغاب ـ ۲ علاقه داری جوند ـ ۳ حکومت قلعهٔ نو ـ ٤ علاقه داری قادس ـ ٥ حکومت کشك ـ ٦ علاقه داری گلران.

بطوریکه این خطهٔ مهم تاریخی جلب توجه حکومت ترقیخواه خود را نموده ودرتشکیلات اداری ترقی کرده است امیدواریم درسایهٔ اینحکومت غمخوار بزودی غورات تاریخی احراز موقعیت عالی مدنی خود را نیز بتواند .

نظریات علمای روسیهٔ شوروی

نسبت به صنائع تاریخی افغانستان

از قلم پروفیسور دینکه عضو انجمن
علمی شرق شناسی کل روسیه

صنائع افغانستان هنوز آنقدر کم درتحت تدقیق ومطالعه آمده که برای جوینده ، مملکت پراسرار ومخفی را جلوه میدهد . اثرهای مخصوصی درباب صنائع نفیسهٔ تاریخی درافغانستان اشاعه نیافته است وفقط نظریهٔ مختصر نگارشات سیاحین وآنهم که بصورت عمومیه رقمطرازی نموده اند اگردقت شود خیلی پر معنی ودرمحتویات خود شعب مختلفه را داراست .

تمثالهای صنائع افغانستان بچندین عوالم مدنی ذیمدخلی است . اولی به عالم مدنیت بودا ودومی درمحیط صنائع اسلام . علاوه بر آن مکشوف گردیده که آثارباختری های قدیم که بامدنیت ایران قدیم ارتباط دارد موجوداست . درباب آثار معماری مدنیت های متنوعهٔ هردورهٔ ازتصنیف قابل تقدیر اکادیمیك بارتولد (اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳) معلومات گرفته میتوانتیم وهمچنین بعضی معلومات متممه در (مجلهٔ شرق جدید) که درسنه ۱۹۱۷ بطبع رسیده ودرخصوص نتائج علمی هیئت اعزامیه (ایکسپدیسیون) که ازطرف المانها دراوال جنگ عالمگیر وارد افغانستان شده بودندوتوضیحات بسیطی میدهد دیده میشود . چون مقصود اساسی ایکسپدیسیون مذکور ایفای وظایف حربی وسیاسی بود بناءً علیه درمسائل علمی رول ضمنی بازی کردنه ونسبت به صنائع تاریخی وآثارعتیقه بعضی مشاهدات بعمل آورده وعکسهای برداشتند .

ازآثارصنائع بودا درافغانستان بت های عظیم الجثه وسموچهای که دارای تزئینات برجسته ومنقش ومصوری باشد دربامیان موجود است . (درین باب دوکتور

ولیچسیلاو) در نطق خود که بحضور مجلس کمیسیون افغانی درانجمن علمی شرق شناسی کل روسیه درسنه ۱۹۲۲ ایراد نموده است متذکر میشود ملاحظه کنید و درخصوص عمارت نوبهار که ازعمرانات ادوار قبل از اسلام و در بلخ وجود دارد بارتولد توضیح میکند (صحیفهٔ ۹ ـ ۱۰) که این عمارت در عصر دهم در حالت ویرانه دیده شده است. جغرافیادان ایرانی آنرا عمارت پادشاهان قدیم ایران مینامد ولی بحقیقت قریب تر عقیدهٔ بارتولد است مبنی به توضیح جغرافیا دانان عرب که میگویند. نوبهار معبد آن دینی است که شهنشاهان چینی و شاهان کابل معتقد آن بودند، یعنی بودایان شرح ساختمان معبد مذکور را در قرن نهم ابن الفقیه میدهد وازاو پیشتر در قرن هفتم ازطرف زائربودائی سوآن تسان نیز تشریح گردیده که در معبدمزبور چندین مقدسات بودائی مدفون و بطرف شمالی زمینهٔ پله ها راه داشت و در وقتیکه سوان تسان حضور داشت تاصد عدد صومعهٔ بودائی دربلخ موجود بود چقدر حفریات این موضع پر ثمر خواهد بود و چقدر چیز های جدیدی درفن صنائع قدیمه ما را خواهد آموخت! حفریات این موضع قراریکه مجلهٔ فرانسوی در سنه ۱۹۲۲ اطلاع میدهد ازطرف موسیوفوشه دربلخ آغاز گردیده است و در آنجا اکتشافات جدیده را انتظار میکشد و برای مطالعات صنائع یونان، بودا، مساعدت خوبی خواهد نمود که خط مشی اساسی مقاصد علمی خود را تعقیب کند.

سلطنت یونان و باختریان که عظمت و جلال آن نصیب قرن دوم قبل المیلاد است میبایستی آثار عتیقهٔ آن در ناحیهٔ هندوکش وهمچنین اراخوسی (ناحیهٔ علیای دریای هلمند با پا یتخت قندهار) مانده باشد. در این مواضع ممکن است که آثار صنائع حقیقی باختر ها ظاهر شده رهم در تمثالهای قدیمه صنائع چین تاثیر آن امکان مکشوفیت دارد.

قرن دوم قبل ازمیلاد دراین خصوص هیرت نیز تصدیق ولی شاوان تکذیب میکنند.

درقسمت غربی باختریان قدیم از خرابه های شهرباختری قدیم نیملك (اسم سابق آن یوکراتیه یا) سیاحین ذکر میکنند هکذا احتمال دارد آثار آرتا کوانهٔ قدیم در موضع بالا حصار هرات چنانچه توماشك (۱) حدس میزنند پیدا شود. ندرمایر (رئیس و فدالمانی) بسمت شرق

(۱) بارتولد «اجمال جغرافیای تاریخی ایران سنه ۱۹۰۳ صحیفهٔ ٤ ـ ۲۵»

جنوب بلخ قدیم از ابنیهٔ خیلی قدیم که بکلی ویران گردیده اند متذکر میشود و این آثار قدیم که عبارت از مینار های بزرگی است و از خشت پخته آباد شده بود به عصر روزآسترا (زردشت) تعلق دارد و از باختریها بحیث قدیمترین مرکز تمدن آریانی که بما معلوم است حکایت میکنند . حصار های گلی که تا بیست متر عرض دارد در شمال آن آباد شده باید تعلق باین عصر داشته باشد . این حصاریا دیوار بزرگ در غرب تاقی که مردم بومی آنجا شهر قدیمی آنرا می خوانند ختم میشود .

شکل ساختمان حصار مذکور منکسر و بطول ۸۰۰ متر و عرض ۶۰۰ متر میباشد . وعموم شاختمان ابنیه عبارت از ارتفاع (۱۰ متر) است که در روی میدان چمن زار آباد و با دیوار های مرتفع از گل و خندقهای عریض محصور میباشد . در قسمت انتهائی سمت جنوبی آن بالاحصارش واقع است .

در عرض راه تاشقرغان وایبك ابنیهٔ قدیمی موجود و غالباً از دورهٔ زورآسترا خواهد بود . بفاصلهٔ چند ساعت راه در دشت بطرف شمال شرقی تاشقرغان قصبهٔ واقع است که بلاشك از اهل باختریان میباشد .

مادامیکه بصنائع اسلامی افغانستان غور شود ما همچنین می بینم که خیلی کم اکتشافات بعمل آمده است . صنائع اسلام در حدود افغانستان اهمیت زیادی که دارد برای فهمیدن صنائع قرون وسطی آریانی میباشد که قسماً در شعبهٔ مدنیت افغانستان موجوده کاملاً آنرا تمثیل میکند . وآن برکهم در مقالهٔ خویش راجع به معماری اسلام در ایران نیز نسبت به نشریات زارهٔ (یادگار های معماری ایران) خاطر نشان میکند که برای توسعهٔ صنعت معماری ایرانی در اکثر شعب آن تا هنوز تحقیقاتی بعمل نیامده است ، و مشارالیه مینویسد که یادگار های عربستان ، فارس کرمان ، خراسان وغیره نظر بیاد داشتهای مسافرین و اطلاعات عمومیه برایما پر اسرار معلوم می شود .

اما ضمناً در افغانستان باید بعضی مسائل تاریخ این صنائع معماری صورت حل و فصل را بخود حاصل کند . بعقیدهٔ (وان برکهم) لازم است که دورهٔ ترقی نقاشی های مدارس درهرات جستجو بشود ولی درآنجا آثار تاریخی بسرعت مخروب میگردد وراهنمای صحیح و تالیفاتی دراین خصوص موجود نیست . خانیقوف که مدت پنج ماه درهرات توقف نمود درباب

آثار تاریخی آن هیچگونه معلوماتی نمیدهد. در تصنیف سالاوین که درسنه ۱۹۰۷ در زیر عنوان (یادگارهای صنائع مستظرفهٔ اسلام) اشاعه یافته در قسمت اولین آن فقط درباب مینار های غزنی افغانستان ذکر میکندکه آنهم قبلاً از طرف فرگیوسون (تاریخ صنعت و معماری هندو شرق، بزبان انگلیسی) نشر شده است. در باب آثار معماری اسلام در افغانستان که چقدر و بچه حالت در حال حاضر میباشد مثلاً بارتولد و ندرمایر در تصنیفات فوق الذکر خویش معلومات میدهند و چنانچه ایت هم در باب سه دانه طاق بزرگ نزدیك دروازهٔ غربی بلخ شرح میدهد که بقرارگفته ساکنین آنجا از آثار مسجد جامع، چهارسوق، مسجد سبز است و نیز خرابه های مدرسه ایست که سبحان قلی خان زمامدار نصف دوم قرن ۱۷ عیسوی آن بلاد عمران نموده است. هکذا خرابهای دیگر است که از طرف چنگیز خان مخروب گردیده، واحتمال دارد که تخریب آن به دورهٔ تعلق داشته باشد که چنگیز خان شهر بلخ را خراب نمود. در مزار شریف مقبرهٔ خلیفه علی (کرم الله وجهه) که درسنهٔ ۱۴۸۱ عیسوی سلطان حسین تیموری آباد کرده بود، موجود است. نظر بمشاهدات هیئت اعزامیهٔ المان که فقط داخل مقبرهٔ شکل قدیمی آنرا نشان میدهد اما از طرف خارج مقبره بواسطهٔ الحاقات بی مذاق تماماً تبدل یافته است و همچنین خرابهای قرون ۱۳ ــ ۱۴ عمارت اسلام گمان میرود که موجود باشد.

حال نظری بطرف هرات می اندازیم. درآنجا فخرالدین کرد بالاحصاری درسنه (۱۲۵۸ـ۱۳۰۷ عیسوی) آباد کرده است که حال هم وجود دارد. بارتولد فقط درباب عالیترین ابنیه داخل شهر که عبارت از مسجد جامع باشد و درسنه ۱۲۰۱ عیسوی از طرف غیاث الدین سلطان کرد عمران و درقرون ۱۳ـ۱۴ بازترمیم گردیده متذکر میشود. نظر به مشاهدات هیئت اعزامیه المانی گویا مسجد مذکور در ازمنهٔ مختلفه ترمیم و تعمیر گردیده و درحال حاضر هم دراثر توجهٔ امیر بصورت مرغوبی صیانت میشود و در اعصار خیلی مابعد از آن (نسبت بزمان انشاء آن) دیوار های حیاط جامع مذکور باخشت های منقش مزین و بروی آن بطرز عمارات خراسان از کاشی کار شده است و بطرف شمالی مسجد حجرهٔ کوچکی بشکل مربع ساخته شده که دروازهٔ درآمدن آن خیلی منقش و رخ آن بطرف شرق است. عمارت مذکور بشکل و نقش خود، مسجد سرخ خراسان را بیاد میدهد در

اطراف شهر هرات مصلای خیلی قشنگ واقع است. مصلای هرات از سه عمارت مدرسه مرکب بود و مادام کدایت دیده بود دو طاق با چهار مینار آن که ابنیهٔ گنبد مانندی را تشکیل میداد با مقبره های بعض اهل تیمور و معبد بزرگی که دومین مسجد جامع هرات محسوب میشد باقیمانده بود بقرار گفتهٔ اسفزاری این عمارت در اواسط قرن پانزدهم عمران شده بود.

بارتولد خاطر شان میکند که نظر بمعلومات هولدیچ (همسایهٔ هند سنه ۱۹۰۱ صحیفه ۱۴۲_۱۴۳) این عمارات در حال حاضر وجود ندارند، زیرا امیر افغانستان عبدالرحمن خان در سنه ۱۸۸۵عیسوی در اثر اصرار مهندسین انگلیسی که در آن زمان محاصرهٔ هرات را از طرف روسها انتظار میبردند امر به تخریب آن داد.

تخریب آن معلوم است که کامل بوقوع نپیوست، زیرا هیئت اعزامیهٔ المانی معلومات میدهد که در مصلی حاضراً ۹ دانه مینار باقی مانده که از آنجمله چهار مینار در ابتدا تعلق بیك عمارت داشته و همچنین در ابنیهٔ کوچك گنبدی، عکس ابنیه مخروبه تا جائیکه مامعلومات داریم وجود ندارد این مثال روشن و ثابت میسازد چقدر لازم است که برای تحقیقات و عکس برداشتن آثار تاریخی افغانستان و بطبع و نشر آن عجله باید کرد. در قرب هرات زیارتگاه شیخ عبدالله انصاری (رح) درقرن پانزدهم عمران گردیده موجود است. احاطهٔ وسیع آن شصت متر درچهل متر است که درآن لوح سنگهای کوچك قبر ها خیلی زیاد میباشد دیوارهای حیاط قسماً کاشی کاریست. بطرف جنوب شهر پلی واقع است (مقصد مؤلف از پل مشهور مالان است که بالای دریای هیرمند آباد گردیده) درعصرشاه عباس غالباً عمران گردیده است.

از غزنی قدیم که درقرن دهم پایتخت سلطنت وسیعی بود یکی از مراکز علم و هنر بشمار میرفت خرابه هائی (در ۲۵ کیلومتری غزنی موجوده) تاحال باقی مانده است شهر غزنی را در قرن ۱۲ _ ۱۴ چندین مراتبه خراب کردند بقرار گفتهٔ سالاوین غزنی در اواسط قرن ۱۲ در مرحلهٔ اولین قتل عام خراب شد در وقتیکه علاوالدین حسین به استثنای مقبرهٔ سلطان محمود ودو مینار (که یکی آنرا بعدهٔ فرگیوسون ترمیم کرد) جمیع آثار تاریخی را منهدم نمود. محمود مسجد خیلی قشنگ از سنگ مرمر و گرانیت آباد کرد که

شرح حصار هرات و بالاحصار آن با فوتوها در کتاب هملتن (افغانستان سنه ۱۹۰۵ صحیفهٔ ۱۵۷ _ ۱۵۸_۱۶۱)

در شاهنامه از آن تعریف و توصیف شده است . اگر در غزنی حفریات شود خیلی عجیب خواهد بود که از طرز ساختمان عمرانات آثار جوان معماری اسلام در افغانستان واضح شود .

در قندهار آثار معماری اسلام به اعصار خیلی قریب تعلق دارد . بعضی یادگار های عجیب در کابل هم واقع است . از آنجمله بیشتر قابل توجه مقبرهٔ تیمور (آخر قرن ۱۷) که عبارت از عمارت گنبدی به شکل هشت زاویه ایست که از خشت پخته ساخته شده . دوم مسجد عیدگاه است که بطرز هندی آباد گردیده بالای سلسله کوه های غربی استحکامات عصر نادرشاه (۱۷٤۷) موجود است این تفصیلات مختصر از یادگارهای اعصار مختلفهٔ صنائع معماری اسلام در افغانستان که گمان میرود هنوز جامع نیست نشان میدهد که قطعاً ازحیث تاریخ صنائع مستظرفه مطالعات و تدقیقات بعمل نیامده لازم است که سنجش معماری یادگارهای تاریخی بعمل بیاید و فوتوهای اعلی از هریك یادگار با توضیحات لازمهٔ آن برداشته شود بعد از آن هم ازحیث طرز معماری و هم از نقطهٔ نظر نقاشی مطالعات و تدقیقات بعمل آید و با معلومات متوصلهٔ ماقبل تطبیقات بشود و خصائص طبعی معماری اسلامی افغانستان و اهمیت آن در تکامل صنعت معماری ایران و همچنین واضح شود که معماری سمت جنوبی و جنوب شرقی افغانستان با صنائع اسلامی هند تا چه پایه ارتباط دارد .

سائر شعب صنائع اسلام در افغانستان و همچنین تقریباً در تحت مطالعه و مداقه نیامده است بیشتر از همه آغاز صنعت نقاشی و مصوری خورده (میناتور) «افغانستانی» (اگر باین معنی امکان داشته باشد که اظهار عقیده بشود) واضح گردیده است که دران شاخی از میناتور ایرانی که اول از هرات (که مکتب میناتور هرات نامیده میشد) اقتباس شده است . درعصر تیموری‌ها هرات یکی از عمده ترین مراکز مدنیت نقاشی آن عصر محسوب می‌شد و در زمان شاهرخ (۱٤۰۵ـ۱٤٤۷) بهمت و کوشش شهزاده بایسونغور (۱٤۳۳) که حامی و مدار علم و معرفت بود انجمن علمی (اکادمی) صنعت کتب تاسیس گردید (۱) که برای ترقی میناتور (نقاشی و مصوری کوچك) بطرز ملی آن خیلی اهمیت داشت . این انجمن علمی برای ترقی خطاطی، نقاشی و مجسمه سازی به‌اساس دستورات جدیده نیز استفاده میشد و آخرین دورهٔ درخشان خود را در عصر سلطان حسین بایقارهٔ (۱٤٦۹ـ۱۵۰٤)

(۱) کتاب کیونیل میناتوری مشرق اسلامی . منطبعهٔ برلین سنه ۱۹۲۲ . صحفه ۲۵ـ۲٦ .

گذشتاند و در سنه ۱۵۰۷ هنگامیکه هرات دستخوش یغما گردید انجمن علمی هم بحیات خویش خاتمه داد ، در کارهای مکتب هرات اگرچه تغیرات زیادی بطرز ایرانیت بعمل آمده بود اما بازهم نفوذ صنعت چین مشاهده میشود ودراینکه مناسبات مستقیمه باچین درآنوقت موجود بود تصاویر دست حیات الدین قلیله که درسنه ۱۴۱۹ به پیکن درجملهٔ اعضای سفارتی که بانجا اعزام شده بود رفته وفقط پس ازسه سال اقامت مراجعت نمود وکیدونیل (درصحفه (۲۶ تصور میکند که آیا او در تابلوی طرزچین جمعیت (خسرو ، شیرین موسیقی چیان) راکه درروی قماش ابریشمی شاخهٔ باپرنده گک که بلاشك بقلم رسام چینی کشیده شده است رسم کرده ؟ در تابلوی مذکور بزبان فارسی عبارت ذیل نوشته شدهٔ « درهرات از طرف یکنفرچینی رسم شده » دربین نوشتهای قلمی که درهرات نوشته شده کتاب « مواجنامه » قلمی خیلی عالی ۱۴۳۶ را مخصوصاً متذکر میشویم که درکتبخانهٔ ملی پاریس موجواست .

بهزاد رسام هم بمکتب هرات تعلق داشت بهزاد یکی ازرسامان نادری است که مورخین ایران درخصوص او توضیحات جزئی میدهند که ما بهتر نسبت به او ازایشان معلومات داریم بهزاد درحدود سنه ۱۴۴۰ تولد وازصغارت درهرات بدربار سلطان حسین میرزاآغاز بخدمت نمود مورخین استاداوپیر سید احمد تبریزی را می فرمایدوحامی مخصوص بهزاد میرعلی شیر نوائی شاعر ووزیر بود ازسنه ۱۴۶۸ الی ۱۵۰۶ بهزاد بریاست انجمن علمی هرات مؤظف شده و پس ازآن در تبریز زندگانی و خدمت میکرد و تاسنه ۱۵۱۴ حیات داشت . با ذکر این اجمال ما می بینیم که بهزاد قسمت زیاد عمر خود را درهرات صرف کرد ودر آنجا بین افکارعالی شهر مجلل ومنورآن دورهٔ استعداد طبیعی او بمنصهٔ ظهور برآمده وکامل شد . حقیقةً هرات چنین شهری مترقی بود چنانچه درضمن تعریف وتوصیفیکه بابرمیرزا ، ازهرات مینماید نسبت به باغ های خیلی قشنگ وبناهای منقش ازگچ وچونه که درزیر درختان واشجارقوی هیکل آباد بود حکایه میکند ومارتین در کتاب بزرگ خود راجع به نقاشی (۱) استعداد وقابلیت رسام مذکوررا درنقش مناظر طبیعی ومصوری ذیروح که او مشغول آن بود تشریحات قابل تقدیری میدهد . ضمیمهٔ کتاب « سفر نامه » که درسنه ۱۴۶۷ ازقلم او برآمده است صورت کامل تصنیفات رسام مذکوررا درجمیع یادگارهای تاریخی که از

(۱) مارتین رسامی میناتور ونقاشی ایران هند وترکیه سنه ۱۹۱۲ .

خاتمه اش بمنصهٔ ظهور پیوست و تحقیقات آخرین بما نشان میدهد تشخیش و تعین کردا ، گر کار مکتب هرات و مخصوصاً از بهزاد در خود هرات و همچنین در سائر شهرهای افغانستان جستجو شود خیلی مفید ثابت خواهد شد وباین ذریعه ممکن خواهد شد که کتب قلمی از منه مابعدهم پیدا بشود ، زیرا حیات ادبی ونقاشی هرات اگرچه ضعیف شد ولی تا اواخر قرن شانزدهم قطع نگر دید و در ینخصوص تشریحا تیکه میللر و در باب رسم ها دادیم باشیای نفیسه میناتوریکه درکتب خانهٔ اسلامی مرکزی قازان موجود است (حمزه امیر خسرو دهلوی سنه ١٥٨٤) که در هرات بزیور قلم آراسته شده است (١) شهادت میدهد .
نسبت به صنعت نقاشی کوچك (میناتور) صنعت خامك و زر دوزی افغانستان اسلامی کمتر تحت مطالعه آمده است . آثار قلیلی که معلوم شده است خیلی دلچسپ است . چنانکه ظاهر است بدوخت قماشها ئیکه مخصوصاً در دورهٔ مغلیها کهبازر و سیم و رسمها رنگارنگ دوخته میشد شهرت مخصوصی را حائز بود (٢) منبت کاری حصص غربی افغانستان در روی برنج خیلی معروف است . ودیگ معروف هرات ساخت ١١٦٢ ، آنرا خوب تمثیل میکندکه درباب آن واسیلوفکی (معلومات راجعه بعلوم عتیقه روسیه درصحفهٔ ٣٣ دیگ برنجی هرات سنه ١٩١٠ هجری) معلومات میدهد. از اسلحهٔ منقش طرزمخصوص خنجر های دودمهٔ افغانی است که باسلحهٔ هنداسلامی مشابهت دارد . درکتلاك نمایشگاه صنائع اسلامی مونشین سنهٔ ٥٥٩ یك سلسله عکسهای اسلحهٔ منقش ومزین اعصار ١٣٠٠ تا ١٥٠٠ عیسوی ساخت هرات چهاپ شده است (کتلاك ونومره ٢٤٣ ، ٢٣٧ ، ٢٣٩) ندرمایر متذکر میشود که درکاروانسرایها و خانهای قدیمهٔ افغانستان خاتمکاریهای خیلی قشنگ در چوب وارسی های خیلی عالی چوبی دیده میشود . درین هیچ شبهه نیست که صنائع افغانستان چه در ادوار قبل از اسلام وچه بعدازآغازآن (حتی فقط نظر به بعضی آثار تاریخی خیلی قلیلیکه تحت مطالعه آمده) بذات خود مستقلاً و اختلاطیکه با سائر مدنیت ها نموده خیلی عجیب است درباب آن لازم است که مطالعات و تدقیقات وسیع وتعمق کرده شود. برای اجرای این مقصود اول به اول باید هیئت های علمی مهمی درافغانستان عملیات بکند بعد ازآن بصورت مرتب معلومات و اکتشافات مستحصلهٔ تاریخی وادبی تحت مطالعات دقیقه آورده شود .

(١) مجلهٔ موزیم ویستنگ قازات درسنه ١٩٢١ نومره ١ — ٢ میلر درباب یك کتاب قلمی ایرانی و پرفیسوردینکه تذکاراست صنائع مشرق . (٢) بارتولد صحیفهٔ ٣٥ .

کور دیپلوماتیک مقیم دربار کابل

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه :

سفیر کبیر	:	ع ، ج لیوند ستارك .
مستشار	:	جناب ریکس .
آتشهٔ نظامی	:	« الکسندر بیند یکتو .
سرکاتب دوم	:	آقای مارتونی .

سفارت کبرای دولت شاهی ایران :

سفیر کبیر	:	ع ، ج میرزا محمد تقی خان اسفندیاری .
مستشار	:	جناب عبدالحسین خان صدیق اسفندیاری .
آتشه	:	آقای احمد قدیمی .
دکتور	:	« دکتور سیف .

سفارت کبرای دولت جمهوری ترکیه :

سفیر کبیر	:	ع ، ج ممدوح شوکت بیگ .
مستشار	:	جناب وهبی لبیب بیگ .
سرکاتب	:	« سعدالله فرید بیگ .
دکتور	:	آقای دکتور فواد بیگ .

سفرائی که در سال ۱۳۱۲ به دربار کابل وارد شده اند



ع ، ج ممدوح شوکت بیگ سفیر کبیر ترکیه



ع ، ج دکتور کورت تسمیکی وزیر مختار آلمان



عالیقدر جلالتمآب « کوم فرانسسکو مریانو » وزیر مختار فقید دولت بهیهٔ ایطالیا مقیم کابل که جناب معزی‌الیه در سنهٔ جاریه تازه برسم ایلچی گری دولت متبوع خود وارد کابل شده و هنوز اعتماد نامهٔ خود را بحضور ملوکانه تقدیم نداشته بود که متاسفانه بروز دو شنبه ۲۱ ثور ساعت ده ونیم شب دفعتاً بمرض سکته پدرود حیات نمود .

میت معزی الیه از طرف رجال دولت ما و هیئت کور دیپلو ماتیک نهایت محترمانه در تپهٔ شیر پور مشایعت و دفن گردید .

سالنامهٔ کابل بنوبهٔ خود اظهار تاسف از وفات وزیر مختار موصوف نموده بباز ماندگان شان عرض تسلیت مینماید .

Ambassadeur et Ministres nouvellement arrivés à Kaboul.

وزارت مختاری دولت برطانیه :

وزیر مختار	:	ع ، ج سرریچارد میکانیکی .
مستشار	:	جناب کپتن راین .
آتشهٔ نظامی	:	« لیوتننت کالونل آر ، ام ، لوکارت .
دکتور	:	آقای میجراچ ، اچ ، ایلیوت .
سکرتر	:	« کپتن ، ای ، دبلیو فیجر .
« مشرقی	:	« خان بهادر سکندر خان .

وزارت مختاری دولت جمهوری فرانسه :

وزیر مختار	:	ع ، ج البر بودار .
سرکاتب	:	جناب شارل گیر .

وزارت مختاری دولت جمهوری المان :

وزیر مختار	:	ع ، ج دکتورکورت تسمیکی .
آتشه	:	آقای اولهر .

وزارت مختاری دولت شاهی ایطالیا :

وزیر مختار	:	ع ، ج کوم فرانسسکومریانو .
پیش نماز	:	آقای پادر گاسپانی .
ترجمان	:	« پنا کیو .





ص ، آقای احمد علی خان

وقایع مهمهٔ جهان

در سال ۱۳۱۲

بقلم آقای احمد علی خان

طبیعی است که در دورهٔ یکسال در زمینه های مختلف حیاتی ساکنین جهان وافعات متعددی کسب وجود میکند که هر کدام بجای خود حایز اهمیت مخصوصه میباشند اما بدیهی است که تعداد ومعیار اهمیت وقایع حادثه هرسال فرقی دارد وبهمین اساس درسال ۱۳۱۲ نسبت به سال گذشته بسا واقعات مهمی بوجود آمده است که تاثیرات مهمی دراوضاع حیاتی عالم وارد نموده است.

فضای یورپ درپایان سال ۱۳۱۲ کمافی السابق تاریك وا [illegible] ی اعتمادی وبحران اقتصادی وسیاسی درآن چرخ میزند. اقدامات سیاسیون مغرب [illegible] بهبود وضعیت مالی واستقرار اعتبار وامنیت، ناکام برامده است. کنفرانس معروف خلع سلاح درشدت بحران دست وپا میزند. کنفرانس اقتصادیات جهان دراثر سیاست داخلی امریکا ناکام قطعی بر آمد. جاپان ازمجمع اتفاق ملل خارج میشود. الهان انجمن اقوام وکنفرانس خلع سلاح هردو راوداع میگوید. ایطالیا بغرض تجدید نظر در معاهدات بمنظور سقوط مجمع اتفاق ملل نقشه معاهدهٔ چهارگانه واخیراً تغیر هویت مجمع ملل را پیشنها میکند — هتلریزم المان را سراسر فرا گرفته به اطریش و هنگری وسائر ممالك دانیوب سرایت میکند. هتلر، یهودی ها را ازالمان تبعید میکند ودراثر مراجعت آنها بفلطسین تصادمات خونینی بین اعراب ویهودی ها بعمل می آید. الهان درراه الحاق اطریش بخاك خود اقدامات میکند. موسیو هریو صدراعظم سابق فرانسه و وزیر فضائی آن مملکت به روسیه مسافرت میکند ودرنتیجهٔ قرابتی درر ویهٔ سیاست آن دومملکت بعمل می آیددر شبهه جزیره بالقان

یکطرف ائتلاف صغیر منتهای فعالیت درعالم سیاست بخرج میدهد وطرف دیگر سائر ممالك بالقان خصومت های دیرینه را فراموش نموده در راه اتحاد بالقان صرف مساعی میکنند در شرق نزدیك ، عراق ملك فیصل پاشاه وزعیم ملی خود را ازدست میدهد و به اساس نقشهٔ پان عربیزم منازعاتی بین ابن سعود و امام یحیی بوقوع می پیوندد . افغانستان شهریار محبوب وبزرگترین قائد تاریخی خویش رافاقد میشود ــ در ترکستان چین مملکت جدید اسلامی تشکیل میگردد ــ دراثر شناختن امریکا روسیه راصحنهٔ سیاست شرق اقصی صورت دیگرمیگیرد رقابت جاپان وامریکا درموضوع حاکمیت محیط کبیر وانبساط قوای بحری بمنتهای شدت میرسددرامریکای جنوبی منازعاتی که از دوسال باینطرف در اثر اختلافات سرحدی بین جمهوریت های آن قطعه بوقوع پیوسته است جریان دارد خلاصه سال۱۳۱۲ مملو ازیکسلسلهٔ وقایع بارزی است که ما قرارآتی به شرح مهمترین آن میپردازیم :

کنفرانس خلع سلاح :

در سالنامهٔ سال گذشته تحت عنوان کنفرانس خلع سلاح معلوماتی درج نموده بودیم ؛ چون امورکنفرانس اختتام نیافته و بواسطهٔ بعضی پیش آمد ها ونظریات دول تاکنون نتیجه مثبت ظاهر نشده گذارشات مابعدکنفرانس خلع سلاح را ازبدو سال ۱۳۱۲ تا اخیر سال مزبور ذیلاً در برابر انظار قارئین کرام میگذاریم :

قبل از حلول سال ۱۳۱۲ درکمیسیون عمومی وکمیسیون سیاسی کنفرانس مذاکرات در اطراف پلان فرانسه جاری بود ، چون فرانسه ها همیشه قرارداد های امنیت را بر خلع سلاح ترجیح میدهند ، درین پلان شان هم پروژه تعهدات امنیت زیاد بود . به همه صورت پیشنهاد ها تحت مذاکرهٔ کمیسیون سیاسی قرارگرفت وکمیسیون مزبور بعد از مذاکرات زیاد و ترمیمات وتعدیلاتیکه ازطرف دول دیگر پیشنهاد شد ، مواد پروژهٔ معاهدات ذیل برای تدقیق و ترتیب به کومیتهٔ مخصوص که رئیس آن موسیو (پولتیس) نمایندهٔ یونان و نائب رئیس کمیسیون عمومی و سیاسی بوده سپرده شد ؛ تابعد از غور و تدقیق واپس بکمیسیون عمومی تقدیم دارند :

۱ ــ عدم توسل بقوت در مخالفت های بین المللی : (پیشنهادی فرانسه و انگلیس) که انگلیس ها میخواستند صورت معاهدهٔ آن مخصوص ممالك اروپا بوده خاصهٔ عمومیت را به تمام ممالك دنیا نداشته باشند چون این معاهده باساس معاهدهٔ تحریم جنگ (میثاق پاریس یامیثاق بریان کیلوگ) که خاصهٔ عمومیت را بر تمام دنیا داراست ترتیب شده بود ، ازهمان اول پیشنهاد از طرف دولت علیهٔ ایران ، افغانستان و ترکیه تحت تنقید واقع شده خاصهٔ عمومیت را بر تمام دنیا خواستگار شدند .

چنانچه وقتیکه مسائل مذکوردوباره دراثنای مذاکرات بأثر پروژهٔ معاهدهٔ تحدید وتقلیل سلاح که ازطرف مکدونالد رئیس الوزرای انگلستان تقدیم شده ، جاری بوده وبعد از تدقیق کومیته مذکورتحت مذاکره آمده نظر باصرار حکومت افغانی ، ایران و ترکیه اکثرهیئت های دول دراثنای تقریر خود صورت عمومیت داشتن (عدم توسل بقوه را در مخالفت های بین المللی) تائید نمودند ، چنانچه هیئت اتازونی واتحاد جماهیر شوروی هم دران شامل بودند ، وهمان روز اکثر روز نامه های اروپا به کامیابی دول ثلاثهٔ شرق (افغانستان ، ایران و ترکیه) تقریظی نوشتند .

۲ — تعریف تعرض پیشنهاد هیئت اتحاد جماهیر شوروی : تعریف تعرض را هم بعضی از ممالك اوروپائی مخصوص اروپاخواستگار بودند ، مگر این مسئله هم نظر باصرار هیئت ثلاثه مشرق و اتحاد جماهیرشوروی و اکثر دول دیگردر مذاکرات آتیهٔ پروژهٔ معاهدهٔ تقدیمی انگلستان صورت عمومیت را اختیارکرد . اگرچه فیصله درین باره بداخل کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح داده نشد مگر درنتیجهٔ همین مذاکرات قرارداد تعریف تعرض در اثنای کنفرانس اقتصادی درلندن بتاریخ ۳ ماه جولائی در بین ممالك ذیل بامضاء رسید :

اول : بین اتحاد جماهیر اشتراکی شوروی وافغانستان ، استونیا ، لتوف ، ایران ، پولیند ، رومانیا و ترکیه .

دوم بین ترکیه ودول اتحاد صغیر اروپائی : (رومانیا ، یوگوسلاویا و چکوسلواکیا)

قرارداد تعریف تجاوز را پولیند به ۱۵ ستامبر امضا کرد .

تصویب قرارداد تعریف تجاوز ازطرف لاتویا بتاریخ ۱٤ نومبر .

تسلیم دادن تصویب نامهٔ قرارداد تعریف تجاوز ازطرف افغانستان بحکومت شوروی ـ ۲۰ اکتوبر امضای قرارداد تعریف تجاوز بین اتحاد جماهیر شورائیه و لتوانیا ـ ٥ جولائی .

حکومت فنیلند قرارداد تعریف تعرض‌را تصویب‌نموده بتاریخ۳۱ جنوری۱۹۳٤ بحکومت‌شوروی تسلیم داد .

۳ : تشخیص متعرض : پیشنهاد هیئت بلژیك که درمذاکرات آتیه در اثنای مباحثات دراطراف پروژهٔ تقدیمی انگلستان نظر به تصویب کومیهٔ مخصوص صورت اختیاری را اختیار نمود که هریك از دول درین معاهده داخل شود یا نه شود اختیار دارد . فیصلهٔ قطعی درین باب از طرف کمیسیون اجرا شد .

٤ : تعاون باهمی (پیشنهاد فرانسه) : صورت معاهدهٔ تعاون باهمی بعد از اجرای فصل تعرض و تشخیص آن مخصوص ممالك براعظم اروپا پیشنهاد شده بود ، که حکومت انگلستان خارج ازان است ، درین مسئله چون بعضی ممالك اروپائی طرفدار شده نمیتوانست ، اگرچه فیصله دران خصوص بعمل نیامد مگر اکثر هیئت های دول از صورت اختیاری بودن آن درکومیتهٔ مخصوص آن بحث راندند . بتاریخ ۱۹ مارچ ۱۹۳۳ مطابق ۲٥ حوت ۱۳۱۱ دروقتیکه باساس پروژهٔ فرانسه نا موافقتهای زیاد حاصل شده بود و قریب بود کنفرانس دراثر بعضی مخالفت های دول بزرگ اروپائی انحلال یابد ، رئیس الوزرای حکومت انگلیس پروژهٔ معاهدهٔ مشهور خودرا که تمام دنیا بروز نامه‌های خود ازان بحث راندند ، بکمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح تقدیم نمود .

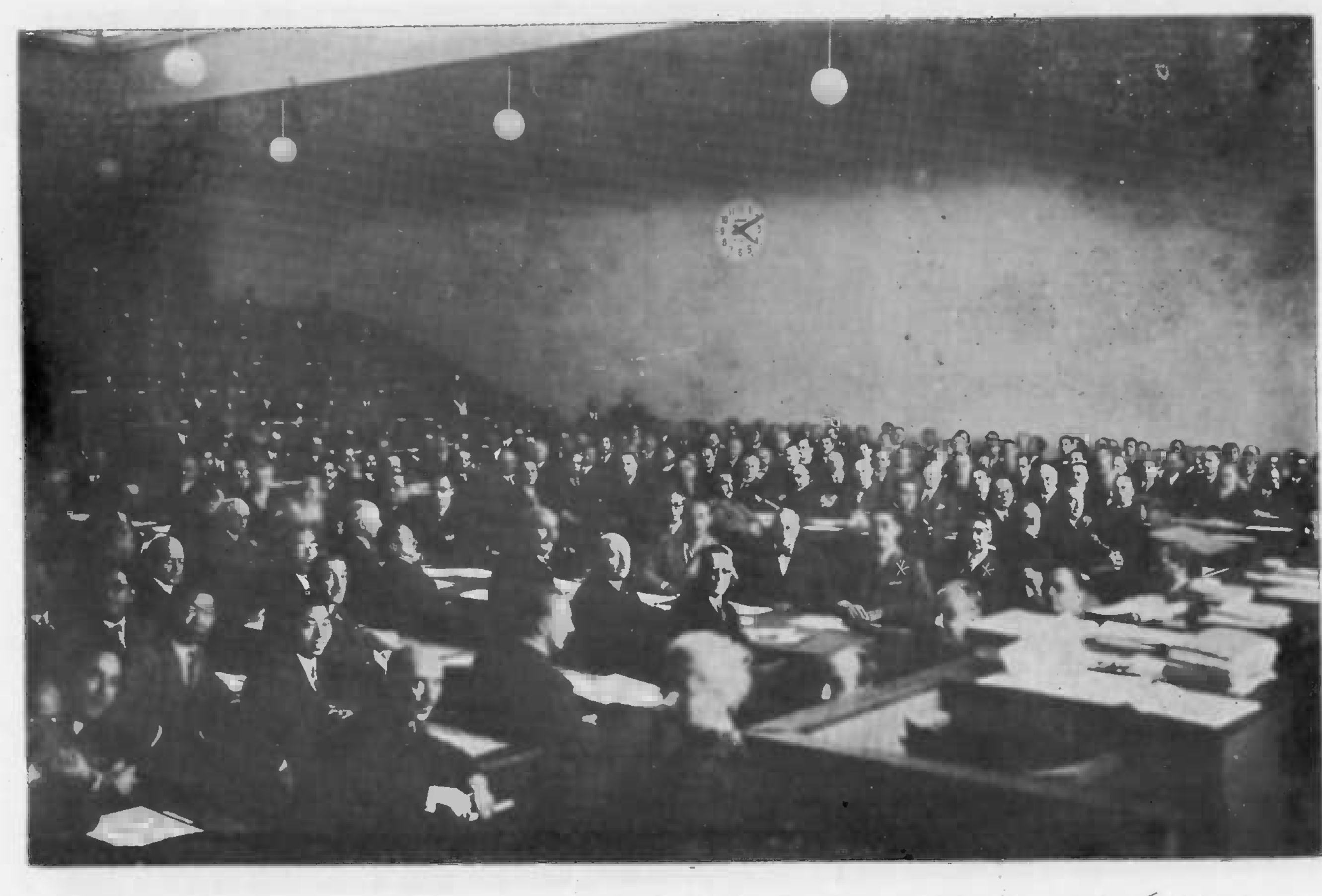
این پروژه نسبت به پروژه های دیگر مکمل او باساس اکثریت بعضی موافقت های عمومی ترتیب یافته است ؛ باین سبب از طرف جمیع نمایندگان دول که درکنفرانس خلع سلاح اشتراك داشتند بحسن صورت تلقی شد ، و اولاً اساس مذاکرات آینده و بعد از مذاکرات مفصل اساس معاهدهٔ آینده تقلیل و تحدید سلاح قرار گرفت . پروژهٔ معاهدهٔ تقدیمی انگلستان دارای قسمت ها و فصول متعدد می باشد ، تمام قسمت ها وفصول آن ماده بمادهٔ تحت مذاکرهٔ کمیسیون عمومی کنفرانس‌قرارگرفت ، درقسمت اول آن که عبارت از مواد تعهدات امنیت بود اگرچه فیصلهٔ قطعی ازکمیسیون عمومی داده نشد ، بازهم صورت تعهدات بقسم پروژهٔ که درفوق تحت بحث پلان فرانسه تحریر شده قرار گرفت .

درقسمت دوم که عبارت ازخلع سلاح است مباحثات زیادی‌بروی‌کارآمد ، درمسئله تعداد عسکر تحت السلاح و دورهٔ خدمت عسکری ولغویت عسکردائمی برای ممالك براعظم اروپا (انگلستان خارج) مخالفت های زیادی بین هیئت المان که خواهان حق مساوی درتسلیحات است وهیئت فرانسه بروی کارآمد ، اگرچه بشرایط مخصوصه بعضی موافقت های جزوی حاصل شد ، مگرفیصلهٔ درین خصوص بعمل نیامد .

دراثنائیکه مذاکرات تعداد قوای عسکری درکمیسیون عمومی زیر بحث بود، بکومیته مخصوص (افکنو) دربارهٔ قوای عسکری وتشکیلاتیکه باساس عسکری مثلا پولیس ژاندارمه وغیره موجودباشد ، ازتمام دول تحت مذاکر



هیئت کانفرانس تقلیل اسلحه در جینوا که نماینده های افغانی هم دران شاملیت دارند .
(۱) ع ، ج عبدالحسین خان سفیر کبیر افغانستان مقیم مسکو . (۲) ع ، ش محمد عمر خان رئیس ارکان حربیهٔ عمومیه



از جلسات اخیر کنفرانس معروف تقلیل اسلحه درجینوا ، که نمایندگان افغانی نیز دران شمولیت دارند: در وسط که نشانی شده به طرف راست : ع ؛ ج علی محمد خان وزیر مختار افغانی درلندن (رئیس نمایندگی افغانستان) بهلوی شان ع ، ش محمد عمرخان رئیس ارکان حربیه عمومیه نمایندهٔ حربی افغان درکنفرانس مذکور.

قرار گرفت که کدام قسم این قوه‌ها که دارای کدام خواص باشد بحساب تعداد قوای عسکری گرفته شود تشکیلات پولیس مملکت ما که از طرف نمایندگی افغانی بکومیته مذکور داده شده بود به حضور نمایندهٔ افغانی تدقیق وانصافاً خارج از تشکیل عسکری وحربی شناخته شد.

در فصل تحدید آلات حرب هم اگرچه فیصلهٔ قطعی آن بقرائت دوم پروژه محول مانده است بازهم تایك اندازهٔ که موافقت ها حاصل شده عبارت از مواد ذیل است:

۱ — قطر توپ های سیار سنگین در آینده از ۱۱۵ ملی متر تجاوز ننمایند و تازمانیکه توپ های (۱۱۵) ملیمتره جای تمام توپ های سنگین دیگر را بگیرد، استعمال توپ های سیار (۱۱۵) میلیمتره هم مجاز خواهد بود و بالاتر از اندازهٔ مذکور تماماً لغو قرار داده شود.

۲ — در مسئلهٔ تانگهای موجوده اکثریت طرفدار لغویت تمام تانگها می باشد و یك جنبه طرفدار آن است که تانگها بلندتر از وزن ۱۶ تن لغو گردد، و هر مملکت از یك تعداد معین زیاده نداشته باشد.

۳ — در مسئلهٔ قوای هوائی دو جنبه موجود است اول جنبهٔ که لغویت طیاره رانی عسکری را تماماً خواهانند امابشرطیکه طیاره رانی ملکی زیر اثر بین المللی اجرا یابد و دیگر جنبه که برای هر مملکت یك تعداد طیاره معین را منظور می کند اما بمباردمان هوائی را موقوف داشته طیاره رانی ملکی را بین المللی می خواهد.

هیئت افغانی هم در موادفوق ترمیمات لازمه را نظر به پروژهٔ تقدیمی انگلستان مانند سایر دول پیشنهاد نموده طرفدار باکثریت بوده است ودر مسئلهٔ بمباردمان هوائی که پروژهٔ مذکور بمباردمانرا در مناطق دور دست مملکت برای احتیاجات پولیس اجازه میداد، هیئت افغانی برای مفاد بشریت لغویت بمباردمان هوائی‌را بصورت قطعی کاملاً وبدون استثنا پیشنهاد کرده وتقویت اکثر هیئت های دول راحائز گردیده است.

قسمت های دیگر پروژه هاهم که عبارت ازقسمت های کنترول وغیره میباشد ماده بماده تحت مطالعه قرار گرفت برهر قسمت وماده ترمیمات تمام دول افزوده شده فقط فیصله قطعی دربارهٔ هیچکدام از مواد بعمل نیامده مقرر گردیدتادر مطالعهٔ آینده دوباره بهر ماده مذاکره شده فیصله ورای قطعی دربارهٔ آن داده شود.

قرائت اول پروژهٔ معاهدهٔ تحدید وتقلیل سلاح وقتی باختتام رسید که تعطیل تابستانی کنفرانس شروع گردید باثر توصیهٔ مستر هندرسن رئیس کنفرانس چنان قرار داده شد که هیئت های ممالك ذی دخل درمسائلیکه موفقیت بین آنها موجود نیست در تماس بوده ذریعهٔ مذاکرات خصوصیه راه حلی را جستجو نمایند، تادر قرائت دوم پروژه مخالفتی موجود نبوده، امور کنفرانس که تمام عالم بشریت انتظار نتیجهٔ آن را دارند، بسرعت کامیاب گردد چنانچه به اثر آن وبقرارخواهش کنفرانس، هندرسن بپای تخت های ممالك بزرگ اروپا مسافرت کرده وبا رؤسای دول مذاکره ومفاهمه نموده وهم اجتماعات خصوصیه هیئت های بعضی ممالك اروپائی وامریکائی درپاریس وگاهی درجینوا تشکیل یافت، در نتیجه قبل ازآنکه کنفرانس بکارآغاز کند پروژهٔ کنترول ومدت امتحان که فرانسه وانگلستان وبعد ازآن امریکا وایتالیا بران موافقت حاصل کردند ظهور نموده ودوروز پیش از اجتماع کمیسیون عمومی خلع سلاح ازطرف (سرجان سایمن) وزیر خارجه برطانیا به بیروی دفتر کنفرانس قرائت وتقدیم شد. وهمان روز حکومت المان که همیشه خواهان تساوی حقوق درتسلیحات است وپروژهٔ مذکور را منافی حق وخواهشات خود میدانست. انفکاك هیئت خودرا ازکنفرانس خلع سلاح وجمعیت اقوام ذریعه تلگرام برئیس کنفرنس ومنشی عمومی مجلس اقوام اعلان کرد، ازان روزبه بعد یعنی بعد از انفکاك المان ازکنفرانس خلع سلاح که مهم ترین اعضای آن بشمارمیرفت‌کنفرانس وتمام امور آن به بحران دچار شده تاحال که چندین ماه از آن میگذرد، اجتماع دیگر هیئت های دول برای مقصد خلع سلاح درجینوا صورت نگرفت اگرچه دراثنای تعطیل کنفرانس مذاکرات سیاسی بطریق دیپلوماتیك درمیان دول ذی علاقه برای واپس داخل شدن المان به کنفرانس خلع سلاح جریان دارد مگر نتیجهٔ مثبتی تاحال بظهور نه پیوسته است.

نهضت ترکستان چین — اعلان مملکت مستقل اسلامی


خواجه نیاز حاجیم رئیس جمهور ترکستان چینی

یکی از وقایع مهمیکه در اوائل بهار سال ۱۳۱۲ در وسط قارهٔ آسیا کسب وجود نمود مسئلهٔ نهضت ترکستان چین و اقدامات ۱۳ ملیون نفوس اسلامی برای استحصال آزادی و تشکیل حکومت مستقل ملی است. تذکر گذارشات این نهضت اگرچه از نقطهٔ نظر واقعات بین المللی هم خالی از اهمیت نیست ولی ما به لحاظ همجواری و همکیشی بمراتب بلند تری بدان اهمیت دادم و آنرا در جملهٔ بزرگترین واقعات سال ۱۳۱۲ عالم اسلام و مشرق حساب میکنیم

ترکستان چینی منطقهٔ ایست عموماً دشتی که از سه طرف شمال و غرب و جنوب محصور به رشتهٔ کوهستانی « تیانشان » و « التائی » و « پامیر » و « قراقرم » و از طرف شرق جانب صحرای اعظم گوبی باز است.

این منطقه همانطوریکه در مرکز حایز جلگها و دشتهای وسیعی میباشد در قسمت کوهستانی که اصلاً سرحدات طبیعی غیر قابل عبوری برای آن مملکت تشکیل داده است حایز دره های هولناك و صعب العبوری است که رودخانه های خروشان « میرآقسو » ـ « کاشغر » ـ « یارکند » از آنها عبور نموده رود خانهٔ معروف « قارم » را تشکیل و به دریاچه های لب نور میریزد.

وسعت خاك این مملکت تقریباً ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. ساکنین آن اکثراً ترك ـ قرغیز ـ تنگ ها و ازبکها و غیره وعدهٔ ایشان تقریباً به ۱۳ ملیون بالغ میگردد و مذهب عموم ایشان دیانت مقدس اسلام است زبان اهالی عموماً ترکی و تنگانی ها که در شهرهای شمال بود و باش دارند و عدهٔ شان بچند هزار میرسد چینائی تکلم میکنند. رویهمرفته ساکنین این منطقه در البسه و صورت ساختمان منازل با ساکنین مناطق پامیر و نورستان افغانستان شباهت تام دارند. مرکز این مملکت تا این اواخر (اورمچی) و بلاد معروف آن (آق سو) (امی) (کاشغر) (ختن) یارکند) و غیره است.

منطقهٔ بین تیان شان ـ التائی ـ پامیر، که از نیم قرن باینطرف معمولاً باسم ترکستان چین یا ترکستان شرق یاد می شود در ازمنهٔ قبل الاسلام یعنی زمانیکه در صحنهٔ اسیا دو مملکت بزرگ ترکی یکی باسم ترکان شرق (مرکب از چین و منگولیای امروزه) و دیگری بعنوان ترکان غربی تشکیل شده بود جزء قلمرو ترکان غربی بود. بعد از شیوع اسلام و بعد از خروج چنگیز و تهاجمات مغول اقتدار دول مجاور ضعیف گردیده مدتی مغول ها دران تاخت و تاز نمودند سپس حکومت ملی به دفعات تاسیس وریاست ان ازقومی به قومی تحویل یافت چنانچهٔ اخرین سلطنت ملی آن سلطنت یعقوب خان است که از ترکستان روس آمده بکمك زعمای ملی حکومت مستقلی در کاشغر تاسیس نمود.

از نیم قرن باینطرف مهاجرین چینائی از صحراهای بی آب و علف چین به مناطق نسبتاً شاداب این ممالك سرکشیده چون دست شان قوی گردید حکومت چین از ضعف و نقاهت زعمای ملی استفاده نموده آن علاقه را بتصرف خویش درآورد واهالی را به زیر سخت ترین پنجهٔ فشار واستبداد حکمرانان خویش گرفت ـ اقوام این سرزمین چون اصلاً جنگجو وحریت پسند می باشند به دفعات برعلیه چینائی ها قیام نموده اند چنانچه مهمترین جنبش های ایشان واقعهٔ « اوشطوخان » و جنبش (غوجالر) و همراهان او می باشد.

علل قیام ترکستان چین را طوریکه جراید مینگارند آنی و فوری نیست بلکه از نیم قرن باینطرف یك سلسله جورها، ستم ها، تجاوزات و مظالم مختلف الشکل حکمرانان چینی موجبات رنجش فوق العادهٔ اهالی را فراهم آورده اخیراً رواج بدعت ها و مظالم دیگری موجب انفلاق مواد متراکمه گردید.

جرائد ترکی علت قیام ترکستانی ها را کثرت مهاجرت چینائی ها به ترکستان دانسته می نویسند بعد از سقوط خاقانهائی که چین اصلی را به منچوریا و مغلستان و ترکستان وصل نمودند سیل مهاجرت چینائی ها به اراضی سبز و زرخیز منچوری، مغلستان و ترکستان شروع شد و چون حکمرانان این مناطق همه چینائی بودند به تدریج اراضی حاصل خیز را از دست ترك ها گرفته و به هموطنان خویش تفویض نمودند و بیچاره ترك ها را به اراضی بائر و سنگلاخ راندند.

ولی موجبات عمده قیام ترکستانی ها اصلاً سوء اداره و مظالم بی پایان چینائی ها است که به اداره مملکت خود موفق شده نمیتوانند تا چه رسد به سرپرستی خاك دیگران. حکمرانان چینی درین منطقه حکومت مطلقه مستبدانه را جاری نموده از هر رهگذر بر اهالی جبر و ستم و از هیچگونه تجاوزات بحقوق مسلمهٔ آنها خودداری نه نموده اند. این حکمرانان خود مختار عسکری که مقر ایشان (ارومچی) بود آنی بفکر اداره و رفاه اهالی نبوده. بحیل مختلف اموال اهالی را ضبط و ذخیره پولی برای خویش تهیه میکردند. علاوه براینکه اراضی صاحبان املاك را برای هموطنان خویش میگرفتند درین اواخر چنین اعلان نموده بودند که هیچ زمین داری راساً نمیتوانند از اراضی خویش استفاده کنند بلکه تمام اراضی متعلق بحکومت است و عایدات آن تماماً بحکومت تعلق میگیرد ساکنان بومی در احراز و اشغال مقامات اداری و رسمی حقی نداشتند و حکمرانان برای جلب ثروت تجارت و فروش مقامات اداری را شروع نموده هر رتبه را بمقدار پولی میفروختند و ابداً بفکر راحت اهالی و آبادی ممالك نبودند همین بود که ترکستان عوض اینکه پیشرفت و ترقی کند



لیدرهای حکومت جدید اسلامی سنکیانگ (ترکستان چینی): نشسته شخص چهارم تیمور شاه و شخص پنجم زنجو سرکردگان بزرگ میباشند

بمراتب عقب رفته تعلیم وتعلم یکقلم نابود . صنعت بکلی سقوط ، مراکز علمی نابود وطلاب ومنورین آن بحربهٔ وحشت آنها مقتول گردید . خلاصه پس ازینکه حکومت چین به تورکستان دست یافت پنجال خویش را به حلقوم اهالی مظلوم فرو برده اساس سلطنت وامنیت، وظلم واستبداد را قرارداد چنانچه مورخین در طی ۶۰ سال زائد از ۵۰ قتل عام را معترف هستند .

آنچه که درین اواخر بیشتر اهالی را به غلیان آورد دو مسئلهٔ عمده بود یکی اینکه چینائی ها علاوه بر مظالم اداری اهانت به دین را شروع نموده مسلمانان را به دین بودائی دعوت می نمودند و دیگر اینکه حکمران چینی به زور میخاست باد ختر یکی از نجبای شهر ختن ازدواج کند . این دو مسئله تجاوز به دین وبه ناموس اثرات سؤ شدیدی بد و اَدر شهر ختن و بالاخره در سراسر مملکت تولید نمود تا اینکه تمام شهرهای ترکستان شرقی کومل کاشغر - امی - آق سو یکی بعد دیگری برعلیه حکومت چین قیام نموده زعمای ملی از قبیل لجنیب بیگ لیدر قوم قرغز وخواجه نیاز محمد لیدر ترك وغیره اقوام وبستگان خویش را به اقدامات ضد حکومت تشویق نمودند . در نتیجه تمام عمارات حکومتی را آتش زده حکمرانان شهرها بعضی مقتول وبعضی فرار نمود وچون قوای عسکری چین درین وقت مصروف محاربات شرق اقصی بود باینطرف رسیده نتوانسته وبالاخره قوا و سلطه چینی کاملاً مضمحل گردید بتاریخ ۱۲ ثور انقلابیون به شهر قدیم کاشغر شبخون برده بعد از محاربهٔ شدیدی که در آن عدهٔ زیاد چینی ها مقتول و دارائی انها تاراج گردید شهر را متصرف شدند . تنها شهر جدید کاشغر در مقابل تعرض مسلمین کمی مقاومت نشان داد زیرا حکومت چین دسته فوجی برای کمك قوای خویش فرستاده بود . اما این دسته فوج هم عاجز آمده وبتاریخ ۲۷ ثور انقلابیون شهر جدید کاشغر را نیز متصرف شدند . بعد ازین چینی ها بکلی در سراسر مملکت نفوذ وقوای خویش را از دست داده انقلابیون به تمام ترکستان شرقی دست حاکمیت یافتند .

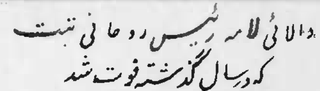
ترکستانی ها درنظر دارند حکومت جمهوریت مستقل اسلامی تاسیس وتشکیل نمایند . وسعت خاك این حکومت جدید التاسیس اسلامی تقریبا یك ملیون وشش صد هزار کیلومتر مربع . جمعیت ان تقریباً ۱۳ ملیون ومرکزان شهر (آقسو) خواهد بود .

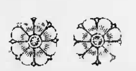
از اطلاعات اخیر معلوم میشود که در بین اقوام داخلی مملکت جدید ترکستان چینی نفاق واقع خواهد بود باهمدیگر در زدو خورد میباشند وافق سیاست آنجا تاریك وتاحال روشن نشده است .

نهضت آزادی خواهی در تبت :

در طول سال ۱۳۱۲ نهضت آزادی خواهی در تبت هم پیدا شده ونفوذ حکومت چین تقریباً از تمام صفحهٔ جنوب غربی آن مملکت قطع گردید وآلائی لامه پشیوای مذهبی تبت در ماه دلو وفات کرده تعین جانشین او ازمیان اطفال (بقرار رسم مذهبی) بعمل می آید . تاکنون هرج مرج و بی انتظامی در تبت حکمفرماست .




دالائی لامه رئیس روحانی تبت
که درسال گذشته فوت شد



سقوط اعتبار مجمع اتفاق ملل ـ برامدن جاپان و المان:

طبیعی است که بعد از اختتام جنگ های بزرگ عالم بشریت قهراً بطرف ایدآل صلح و امنیت شتافته همیشه در صدد تشکیل وضعیت جدیدی بوده است که بتواند اسباب امنیت و سعادت بشر را تأمین کند. صفحات تاریخ بخاطر دارد که بارها ساکنین جهان بعد از تلفات سنگین خو ستگار امنیت شده، و موضوع صلح و صلاحیت دنیا را در هر موقع سیاسیون و علما از قبیل (سن اگوستن) (دانت) پاپ گره گوار ٥ و ٧ هر کدام به نحوی تجویز و پیشنهاد نموده و «ژورژ پودی براو» پادشاه بوهم چنین تصور میکرد که اختلافات و محاربات بین المللی در اثر انعقاد کنفرانس سیاسی مذهبی تصفیه خواهد شد. بعد از جنگ های ۳۰ ساله و جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های انقلابی اشخاص متنفذ، مخصوصاً طبقهٔ روحانیون از درمصالحت پیش آمده میخواستند شیرازهٔ عالم بشریت را جمع و امنیت بادوامی را در ان استقرار بخشند.

همین طور بعد از ینکه جهان در طی ٤ سال جنگ عمومی چه درمیادین جنگ و چه در شهرها مدحش ترین تلفات را متحمل شد، غرش لاینقطع ٤ سالهٔ طوپ هرکس و هرملتی را به داد و فریاد آورده از هر زبانی آوازهٔ صلح و صلاح و استقرار امنیت عمومی و تشکیل مؤسسه هائیکه بتواند امنیت آتیه جهان را ضمانت کند استماع میشد وطوریکه یکی از فلاسفهٔ اروپا میگوید «برای صلح عمومی جنگ عمومی لازم است» حقیقتاً جنگ عمومی مستلزم آن شد که مسئله امنیت عمومی عالم بیش از بیش مورد بحث قرار گیرد درمیان افکاری که سیاسیون بعد از جنگ درین موضوع اظهار نموده اند مهمترین آن نظریهٔ: «گلادستون» است که میگوید در روابط ملل حقوق بایدقائم مقام قوه گردد.

بالاخره موسیو (ولسن) رئیس جمهور امریکا این افکار و نظریات پریش راجمع نموده بتاریخ ۲۷ می ۱۹۱٦ اساس تشکیل مجمع اتفاق ملل را پیشنهاد نمود و پارلمان فرانسه هم بتاریخ ٥ ژون همان سال اساس تشکیل انجمن اقوام را تصویب کرد. بتاریخ ۱۱ اوریل ۱۹۱۹ مرامنامهٔ مجمع اتفاق ملل که عبارت از ۲٦ ماده میباشد وقسمت اولی معاهدهٔ صلح ورسای را تشکیل میدهد تنظیم وتصویب وبتاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ مرعی الاجرا گردید.

عدهٔ عمومی دول عضوجامعه ملل (٥٦) است که از آنجمله ۲۹ دول آن عضو اصلی و باقی اعضائی اند که بعد از تصویب مرامنامه رکنیت مجمع اتفاق ملل راحاصل نموده اند.

بعد از تشکیل مجمع اتفاق ملل چند مملکت بتواریخ مختلف از عضویت آن خارج شده اند، از آنجمله است: جمهوریت کوستاریکا در ۲٤ سپتامبر ۱۹۲٤، اسپانیادرماه می ۱۹۲۸، برازیل در سپتامبر ۱۹۲۸.

حالا که ازعلت بمیان آمدن مجمع اتفاق ملل وصورت تشکیل آن دانسته شدیم بایستی متذکر شویم که اگرچه صورت تاسیس انجمن اقوام را مسترولسن رئیس جمهور عصر جنگ عمومی امریکا پیشنهاد نموده و دراثر اجتهاد دول فاتح بمیان آمد ولی ناگفته نماند که درمیان دول فاتح هم فرانسه و انگلیس به آن علاقهٔ تام دارند ومخصوصاً فرانسه آنرا بهترین وسیلهٔ پیشبرد مرام سیاسی خویش میداند. چون در مجمع اتفاق ملل دست انگلیس و فرانسه بیشتر نفوذ دارد واکثر مواد مرامنامه آن بمنافع سیاسی این دو مملکت وضع شده است ودرجلسات آن همیشه ریاست بدست سیاسیون و نمایندگان این دومملکت میباشد به منظوری که عبارت ازعدالت بین المللی و تامین صلح جهان وتصفیهٔ مناقشات ملل بصورت منصفانه باشد اجراآت کرده نتوانست واین عدم کفایت مجمع ملل درین دوسال اخیر درموقع محاربات شرق اقصی وجنگ های ممالك امریکای جنوبی عملاً بمشاهده رسیده ثابت شد که آواز مجمع ملل را درهیچ مورد حتی کوچکترین مملکتی هم نمیشنود.

سقوط اعتبار مجمع اتفاق ملل ـ برامدن جاپان و المان:

طبیعی است که بعد از اختتام جنگ های بزرگ عالم بشریت قهراً بطرف ایدآل صلح و امنیت شتافته همیشه در صدد تشکیل و ضعیت جدیدی بوده است که بتواند اسباب امنیت و سعادت بشر را تأمین کند. صفحات تاریخ بخاطر دارد که بار ها ساکنین جهان بعد از تلفات سنگین خو ستگار امنیت شده، و موضوع صلح و صلاحیت دنیا را در هر موقع سیاسیون و علما از قبیل (سن اگوستن) (دانت) پاپ گره گوار ۵ و ۷ هر کدام به نحوی تجویز و پیشنهاد نموده و «ژورژ پودی براو» پادشاه بوهم چنین تصور میکرد که اختلافات و محاربات بین المللی در اثر انعقاد کنفرانس سیاسی مذهبی تصفیه خواهد شد. بعد از جنگ های ۳۰ ساله و جنگ های مذهبی صلیبی و جنگ های انقلابی اشخاص متنفذ، مخصوصاً طبقهٔ روحانیون از درمصالحت پیش آمده میخواستند شیرازهٔ عالم بشریت را جمع و امنیت بادوامی را در ان استقرار بخشند.

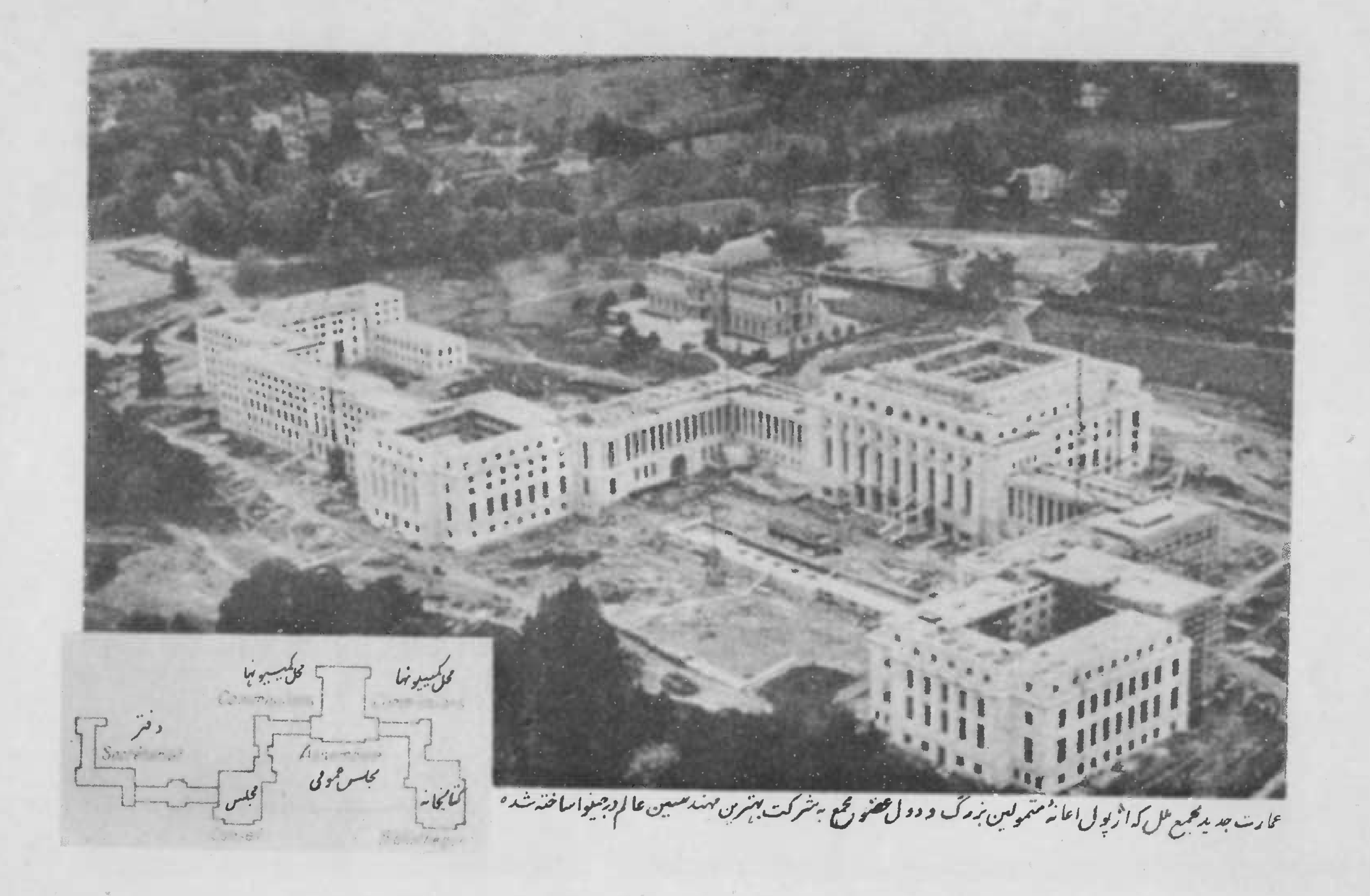
همین طور بعد از ینکه جهان در طی ٤ سال جنگ عمومی چه درمیادین جنگ وچه در شهر ها مدحش ترین تلفات را متحمل شد، غرش لا ینقطع ٤ سالهٔ طوپ هر کس و هر ملتی را به داد و فریاد آورده از هر زبانی آوازهٔ صلح و صلاح و استقرار امنیت عمومی و تشکیل مؤسسه هائی که بتواند امنیت آتیه جهان را ضمانت کند استماع میشد وطوریکه یکی از فلاسفهٔ اروپا میگوید «برای صلح عمومی جنگ عمومی لازم است «حقیقتهً جنگ عمومی مستلزم آن شد که مسئله امنیت عمومی عالم بیش از بیش مورد بحث قرارگیرد درمیان افکاری که سیاسیون بعد از جنگ درین موضوع اظهار نموده اند مهمترین آن نظریهٔ: «کلا دستون» است که میگوید در روابط ملل حقوق بایدقائم مقام قوه گردد.

بالاخره موسیو (ولسن) رئیس جمهور امریکا این افکار و نظریات پریش راجمع نموده بتاریخ ۲۷ می ۱۹۱٦ اساس تشکیل مجمع اتفاق ملل را پیشنهاد نمود و پارلمان فرانسه هم بتاریخ ٥ ژون همان سال اساس تشکیل انجمن اقوام را تصویب کرد. بتاریخ ۱۱ اوریل ۱۹۱۹ مرامنامهٔ مجمع اتفاق ملل که عبارت از ۲٦ ماده میباشد وقسمت اولی معاهدهٔ صلح ورسای را تشکیل میدهد تنظیم وتصویب وبتاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ مرعی الاجرا گردید.

عدهٔ عمومی دول عضوجامعه ملل (٥٦) است که از آنجمله ۲۹ دول آن عضو اصلی و باقی اعضائی اند که بعد از تصویب مرامنامه رکنیت مجمع اتفاق ملل راحاصل نموده اند.

بعد از تشکیل مجمع اتفاق ملل چند مملکت بتواریخ مختلف از عضویت آن خارج شده اند، از آنجمله است: جمهوریت کوستاریکا در ۲٤ سپتامبر ۱۹۲٤، اسپانیادرماه می ۱۹۲۸، برازیل در سپتامبر ۱۹۲۸.

حالا که ازعلت بمیان آمدن مجمع اتفاق ملل وصورت تشکیل آن دانسته شدیم بایستی متذکر شویم که اگرچه صورت تاسیس انجمن اقوام را مستر ولسن رئیس جمهور عصر جنگ عمومی امریکا پیشنهاد نموده ودراثر اجتهاد دول فاتح بمیان آمد ولی ناگفته نماند که درمیان دول فاتح هم فرانسه و انگلیس به آن علاقهٔ تام دارند ومخصوصاً فرانسه آنرا بهترین وسیلهٔ پیشبرد مرام سیاسی خویش میداند. چون درمجمع اتفاق ملل دست انگلیس و فرانسه بیشتر نفوذ دارد واکثر مواد مرامنامه آن بمنافع سیاسی این دومملکت وضع شده است ودرجلسات آن همیشه ریاست بدست سیاسیون و نمایندگان این دومملکت میباشد به منظوری که عبارت ازعدالت بین المللی و تامین صلح جهان وتصفیهٔ مناقشات ملل بصورت منصفانه باشد اجرا آت کرده نتوانست واین عدم کفایت مجمع ملل درین دوسال اخیر درموقع محاربات شرق اقصی وجنگ های ممالك امریکای جنوبی عملاً بمشاهده رسیده ثابت شد که آواز مجمع ملل را درهیچ مورد حتی کوچکترین مملکتی هم نمیشنود.



عمارت جدید مجمع ملل که از پول اعانهٔ متمولین بزرگ و دول عضو مجمع به شرکت بهترین مهندسین عالم در جنیوا ساخته شده



از جلسات مجمع ملل که در آن نمایندگان اکثر ممالک شرکت دارند و آونول منشی عمومی عمارت جدید را افتتاح میکند

ایران :

منازعه شرکت نفط ایران وانگلستان که بأثر الغای امتیاز وارسی تولید شده بود بشورای انجمن اقوام در جینوا بین مملکتین معاهده موقتی امضا شده وسپس بتاریخ ۱۰ ثور درطهران بین حکومت ایران وشرکت نفط انگلستان معاهدهٔ جدید امضا شد وقرار این معاهدهٔ نزاع نفط به منفعت طرفین خاتمه یافت .

درین سال بعضی اشخاص از قبیل تیمورتاش وزیر دربار واسعد وزیر جنگ بجرم مفسدت وخیانت از طرف حکومت ایران گرفتار ومحاکمه شدند ایران درسال ۱۳۱۲ اقدامات مؤثری دربهبود اوضاع اقتصادی خود مبذول داشته وتمدید خطوط آهن را طرف توجه مخصوص قرارداده ، اختلافی که بأثر جزیرهٔ باسعید وبین مملکتین ایران وانگلستان تولید شده بود به منفعت ایران خاتمه یافت .



قره خان قائم مقام کمیسار ملی امورخارجه اتحاد شوروی دروسط سال به طهران مسافرت رسمی نموده با اولیای امور دولت ایران ملاقات کرد .

درین مسافرت قره خان وبعدازان بعضی مسائل اقتصادی ازقبیل اصول فیصله حسابات صادرات برنج ازایران وواردات قند از شوروی مابین مملکتین فیصله یافته است ومسائل دیگری مانند موضوع حق ترانزیت ازخاك شوروی وغیره هنوز تحت مذاکره میباشد .

اعلیحضرت رضا شاه پادشاه ایران چندین دفعه درین سال بشمال وجنوب مملکت ایران مسافرت کردند .

بتوجهات اعلیحضرت پادشاه ایران درین سال دولت ایران مراحل مهمهٔ اقتصادی را طی کرد درتورید وبکارانداختن فابریکهای نساجی وقندسازی وسمت سازی وغیره توجه کاملی مبذول گردید روی هم رفته مملکت دوست وهم جوارما ایران درین سال به طی مراحل عمدهٔ ترقی وتعالی نائل گردید .



کابینهٔ جدید ایران

کنفرانس اقتصادي جهان :

برای رفع و چاره سنجی بحران اقتصادی که اکناف دنیا را فراگرفته بود بسال گذشته انعقاد یك کنفرانس اقتصادی در نظر گرفته شده بود چنانچه در اثر آن شصت و شش ممالك دنیا به شمولیت درکنفرانس مزبوردعوت و افغانستان هم مدعو بوده و شامل شده بود. قبل از انعقاد کنفرانس کمیسونیکه برای تهیهٔ زمینهٔ کنفرانس معین شده بود مسایل قابل بحث درکنفرانس را تعیین و علاوتاً پیشنهاد کرده بود که ممالك دنیا الی نتیجهٔ کنفرانس یعنی در اوقات جریان محافل کنفرانس یك متارکهٔ گمرکی را اختیارکنند، یعنی در اوقات جریان کنفرانس هیچ یك مملکت از منع ادخالات و یا ازادت محصولات اقدامانی ننماید، ممالك دنیا در بدو کنفرانس بابعضی عبارات شرطیه به متارکه موصوفه موافقت نمودند، ولی طوریکه کنون از جراید معلوم میشود، چون کنفرانس اقتصادی به نتیجه نرسیده رسماً ملتوی شده، لهذا ممالك دنیا نوتهای تعقیبیه بدفتر کنفرانس فرستاده و ازمسئلهٔ متارکه گمرکی صرف نظر نموده اند، بهر صورت کنفرانس اقتصادی بتاریخ ۲۲ جوزای ۱۳۱۲ درعمارت تازه ساخت (موزیم) درلندن منعقد و بنابر اهمیت فوق العادهٔ که داشت خود شاه انگلستان آنرا افتتاح ونطق افتتاحیه را بالسنهٔ انگلیسی و فرانسه ایراد نمود، بعدها مذاکرات کنفرانس بصورت جلسهٔ عمومی جاری و نمایندهگان ممالك افکار حکومات خودها را در ضمن نطق‌خود بیان نمودند‌چنانچه هیئت افغانستان هم پیشنهادات خود را بموقعش بکنفرانس مزبور تقدیم نموده است، بعد اختتام حفلهٔ عمومی و نطق های نمایندگان کنفرانس مذکور به دو کمیسیون اقتصادی منقسم‌گردید یکی کمیسیون‌که دران مسائل‌تجارتی وگمرکات وانحصارات وغیره بحث می‌شد ودیگری کمیسیون مسکوکاتی که دران مسائل بانکهای مرکزی و اساس سکه ونرخ معین مسکوکات دنیا وغیره تحت مداقه گرفته شده بود، چون عموماً اساس تجارت و اقتصادیات وجریان بانك ها تعیین اساس سکه و نرخ معین مسکوکات است، لهذا کمیسیون مسکوکاتی به معین نمودن اساس سکه که آیا طلا باشد یا نقره و استقرار نرخ مسکوکات صرف مقدرت نمود و هم مسئله اساس ذخیرهٔ بانك های دنیا که فیصد چند کفایت میکند تحت بحث گرفته شد طوریکه معلوم است عموماً اساس ذخیرهٔ بانك الی انعقاد کنفرانس اقتصادی فیصد ۳۲ معین بود، ولی هنگام جریان کنفرانس درکمیسیون مسکوکاتی پیشنهاد شد که اساس ذخیره فیصد ۲۵ کفایت خواهد کرد در مسئلهٔ اتخاذ اساس سکه چون همهٔ ممالك بریك نهج نبوده، ممالکیکه ذخیرهٔ طلا بسیار دارند از قبیل فرانسه رسویس بتعین اساس سکه بر طلا مقر بودند و بعضی ممالك دارای نقره از قبیل چین و مکزیك وغیره بتاسیس اساس سکه بر نقره اصرارداشتند، همچنان نسبت به استقرار نرخ مسکوکات چون عموماً تنزل پول یك مملکت برای واکسپورت یعنی اخراجات آن مفید ثابت می‌شود، لهذا بعضی ممالك ازباعث عدم توازن‌تجارت شان نمی خواستند قوانین نرخ مسکوکات مستقرشود، بدینهیست چون مسایل مسکوکاتی اساس همه اقدامات کنفرانس مذکور بود درصورتیکه به مسایل مسکوکاتی و تعین قیمت اشیا موفقیتی حاصل شده نتوانست، کنفرانس روی بسقوط نهاد چنانچه جلسات عمومی وکمیسیون های کنفرانس موصوف بتاریخ ۱۵ اسد ۱۳۱۲ معطل گردیده صرف دفتر کنفرانس ودارالکتاب آن برای مساعد ساختن زمینه به کارمداومت دارند و نمایندگان دنیا بممالك خودها عودت نموده اند.





شاه انگلستان کنفرانس اقتصادی جهان را در لندن افتتاح میکند (جوزا - ۱۳۱۲)



کنفرانس ملل طلا که در خلال اوقات انعقاد کنفرانس اقتصادی لندن در پاریس منعقد شد (جوزا - ۱۳۱۲ شمسی)

قرارداد چهارگانه :

مفکورهٔ عقد قرارداد دول کبیرهٔ اروپائی مبنی بر تمرکز دادن رویهٔ سیاست متقابله خویش نسبت به مسایل بین المللی یکی از افکار قدیمه ایست که بعد از ۱۹۱۳ حینیکه دول از محاربات بالقان خلاص میشدند در کنفرانس‌ها استماع می شد .



هرفون ا سل سفیر کبیر آلمان



سررونالد گراهام سفیر کبیر برطانیه

بعد از جنگ عمومی سیاسیون غالباً باین امر اشاره نموده میخواستند بین دول معظمه عضو دائمی مجمع اتفاق ملل قرارداد وائتلاف بعمل آید اما بمناسبت عدم موافقت دول صغیره این نظریه متروك گردید .

در ماه ژویه ۱۹۳۱ برای اولین دفعه فکرهٔ متراکمهٔ ده ساله سیاسی بین المان و فرانسه بروز نمود ـ حین مسافرت «برونیگ» وداکتر کورتیوس در پاریس فرمول های زیادی برای عملی ساختن این نظریه سنجیده شد اما هیچ کدام نتیجه نداد ـ سپس حین مسافرت « موسیو لاوال » و « بریان » صدر اعظم و وزیر امور خارجه فرانسه به برلین و بعد از آن در کنفرانس لوزان بین « فن پاپن » و « موسیو هریو » دوباره این مسائل مورد بحث قرار گرفته صدر اعظم المان اشتراك مساعی و فکرهٔ اتحاد دول کبیرهٔ اروپائی را پیشنهاد نمود . اگرچه درین وقت بمناسبت اینکه به امتیاز مجمع اتفاق ملل رخنه وارد نشود پیشنهاد او مسکوت عنه گذاشته شد معذالك تا اندازهٔ درداخل نظریات او قرارداد « مشورهٔ مشترکه » بین انگلستان و فرانسه بتاریخ ۱۳ ژویه ۱۹۳۲ عقد گردید .

آنکه حقیقةً طرفدار و رویکار آورندهٔ « قرارداد دول چهارگانه » است موسیولینی میباشد ، مشار الیه اولین دفعه بمقام « تورن » در نطق ۲۳ اکتوبر ۱۹۳۲ لزوم اشتراك مساعی دول بزرگ اروپائی را پیشنهاد و بتاریخ ۱۸ مارس سال حاضر عملاً پروژهٔ درین زمینه ترتیب و صدراعظم و وزیر امور خارجه بریطانیا را برای مطالعهٔ آن بروما دعوت نمود .

موسیولینی درخلال این پروژه میخواست برخلاف ماده ۱۹ قرارداد مجمع اتفاق ملل راهی برای تجدید نظر معاهدات بکشاید ، همین نکته فرانسه ولهستان ، ممالك ائتلاف صغیر را وادار نموده که دران تعدیلاتی بعمل آرند .


موسیو دوژوونل سفیر کبیر فرانسه

همین طور صدر اعظم بریطانیا اگرچه اصلاً و اساساً با موسیولینی موافقت نظر داشت اما برای اینکه کنفرانس خلع سلاح را از مشکلات بیرون و دول صغیره را از هیجان بدر کند قرارداد چهارگانه را بیشتر به اساس اتحاد کوالگ وعدم صرف قوه نزدیك ساخت . بالاخره فرانسه برای تامین مقام و امتیاز مجمع اتفاق ملل این نکته را اضافه نمود که چون قرارداد بین چهار مملکت عضو دائمی انجمن اقوام انعقاد میشود بایست در حوضهٔ آن مؤسسه و به احترام شئونات و مواد قرارداد آن بعمل آید .

خلاصه در مدت ٤ ماه که از ۱۸ مارس یعنی تاریخ ترتیب پروژهٔ اولیهٔ موسیولینی تا ۸ ژون تاریخ امضای آن میگذرد تعدیلات زیادی در نظریات موسیولینی بعمل آمده و متن آخرین پروژه که با روحیات مجمع اتفاق ملل مطابق و بتاریخ ۱۸ ژون در قصر « وینز » بین موسیولینی و سفرای کبار انگلستان، فرانسه و المان به امضا رسیده است قرارآتی است :

ماده اول : متعاهدین راجع به تمام مسائل مربوطه خود شان اتحاد عمل را مراعات نموده متعهد میشوند در حوضهٔ مجمع اتفاق ملل در تعمیل و به سیاستی اجتهاد ورزند که بین تمام دول صلح را ضمانت و محافظه نماید .


سنیور موسولینی رئیس الوزرای ایطالیا

مادهٔ دوم : آنچه که مربوط به قرارداد مجمع اتفاق ملل ومخصوصاً مادهای ۱۰، ۱٦، ۱۹، (*) باشد متعاهدین مصمم میشوند که در اطراف آن بین خود سنجش و رسیدگی نمایند و تصمیم قطعی در اطراف آن وظیفهٔ خود مجمع اتفاق ملل است .

مادهٔ سوم : متعاهدین تماماً متعهد میشوند که برای تامین کامیابی کنفرانس خلع سلاح منتهای کوشش بخرچ دهند و اگر بعد از ختم کنفرانس مخصوصاً مسئلهٔ درین زمینه بین خود آنها عرض وجود کند بمطالعهٔ آن پرداخته قرار انتصاب این قرار داد حل آنرا از مجرای صلاحیت فیصله نمایند .

مادهٔ چهارم : ـ متعاهدین راجع به تمام مسائل اقتصادی که پهلوی مفاد مشترك که برای اروپا داشته باشد و مخصوصاً برای استقرار وضعیت اقتصادی در دایرهٔ هدایات مجمع اتفاق ملل بین خود تبادله نظر خواهند نمود .

ناگفته نماند که احترام قرارداد مجمع اتفاق ملل ، معاهدهٔ « لوکارنو » معاهده تحریم جنگ « بریان کولگ » و معاهده عدم صرف قوه که پروژهٔ آن به ۱۱ دسامبر ۱۹۳۲ در ژنو ترتیب و نمایندگان کنفرانس خلع سلاح بتاریخ ۲ مارس ۱۹۳۳ آنرا پذیرفته اند جزو اعظم قرارداد دول چهارگانه و تمهید متن آنرا تشکیل میدهد .

(*) این سه ماده برای احترام استقلال ملل و عدم تجدید نظر معاهدات وضع شده .

قرارداد چهارگانه بعداز همه تعدیلاتی که درمدت ٤ ماه در ان بعمل آمده است مستقلاً چیز جداگانه وجدیدی نیست وچون منظور مرتبین اولیهٔ آن یعنی تجدید نظر معاهدات واقداماتی که منجر به سقوط امتیاز انجمن اقوام میشد ازان کاست گردید درقطار سائر معاهدات صلح به اسم ورسم دیگر و به تغییر جزئی معاهدهٔ دیگری علاوه گردید که بین حصار آهنین معاهدهٔ صلح ورسای ، قرارداد مجمع اتفاق ملل و سائر معاهدات لوکارنو، کولگ که بعد از جنگ در راه تامین صلح عقد شده اند محصور میبا شد .

وضعیت آیرلیند :

دی ولیرا ومطالبات او ازحکومت انگلستان :

معمولاً کلمهٔ آیرلیند به جزیرهٔ اطلاق میشود که بطرف غرب جزیرهٔ انگلستان واقع واز جانب شمال ـ شرق وجنوب مشرق محدود به کنال شمال وکنال سن ژورژ وباقی اطراف آنرا او قیانوس اطلس محصور نموده است .

آیرلیندابتدا منقسم به ٥ ولایت ورئیس حربی، آنهارا اداره می نمود واز قرن ٥ تا ٩ کانون بزرگ علمی ومذهبی تمام اروپای غربی بشمار میرفت . انگلستان درقرن ١٢ ازنفاق ومخالفت های رؤسای بومی استفاده نموده در خاك جزیرهٔ آیرلیند تجاوزات نمود وهانری دوم پادشاه آن مملکت در ١١٧٢ شخصاً در آنجا مسافرت نموده آیرلیند را مطیع ومستعمرهٔ انگلستان ساخت ودر قرن ١٧ « کرامول » دیکتاتور انگلستان آنرا « دومین » انگلیس قرارداد . چون آیرلندی ها اصلاً از نژاد « سلتی » ومذهب آنها بطور عمومی کاتولیك می باشد طبعاً بعلت اختلاف نژاد ومذهب یکسلسله مخالفت ها حتی مجادله درطی قرون بعد بین آیرلیند وانگلستان بوقوع پیوسته است . چون خاك آیرلند استعداد زراعتی ندارد عدهٔ زیاد ساکنین آن به امریکا مهاجرت نموده اند وبدین اساس از ١٨٥٠ تا امروز ساکنین آن تقریباً از ٩ ملیون به چهار ونیم ملیون رسیده یعنی نصف شده است .

در ١٨٤٨ آیرلندی ها به اشارهٔ ملیون های مهاجرین خویش به امریکا پروژهٔ یکنوع آزادی داخلی (هوم رل Home Rule) ها به پارلمان انگلستان پیش نموده وبعد از جر وبحث طولانی وتعدیلات حزب ملی موسوم به (سن ـ فنر Suine Feines) دراثر کمك های مالی مهاجرین خویش مقیم اتازونی انقلاب نموده تمنیات خود را حاصل نمودند . حینیکه انگلستان مصروف جنگ عمومی شد آیرلندی ها از پارهٔ قیوداتی که (هوم رل) بر آنها تحمیل نموده بود کناره جوئی نموده بنای شورش را گذاشتند وبروز دوشنبه عید پاك ١٩١٦ تصادمات خونینی در(دوبلن) مرکز مملکت برپا وآتش مخالفت دیرینهٔ بین انگلستان وآیرلندی را تازه گردانید ، در ٢٤ دسامبر ١٩١٧ «لاید جارج » کنفرانسی در دوبلن دایر نموده وپروژهٔ آزادی وسیعتری برای آیرلند ترتیب نمود، بتاریخ ٢١ ژانویه ١٩١٩ پارلمان باکثریت تمام استقلال آیرلیندرا اعلان نموده ونمایندگان مملکت عوض اینکه به لندن بروند دردوبلن مجتمع شدند . حکومت جدید فوراً باب مخالفت های جدی را با انگلستان کشوده تا اینکه درنتیجه بعد از دوسال بتاریخ ٦ دسامبر ١٩٢١ متارکه بعمل آمده حکومت انگلستان رسماً آزادی آیرلند راشناخت اما در عوض سیاسیون انگلیس ازاختلاف مذهبی ساکنین جزیره استفاده نموده صورت وحدت ایرلند را شکستند قسمی که ولایت (ایولستر Ulster) را که بجانب شمال جزیره واقع وپنج یك خاك آیرلند راتشکیل میدهد ومذهب آنها پروتستانی میباشد کما فی السابق دومین انگلستان باقی گذاشته تنها به آیرلند جنوبی کاتولیك مذهب آزادی دادند .

برای اینکه وضعیت امروزهٔ ایرلند وموضوع اقدامات دی ولیرا بخوبی فهمیده شود باید به این مسئله دقت نمود که آیا آزادی که انگلستان در ١٩٢١ برای آیرلند جنوب قائل شده است چطور وبچه اساس است ووسعت آن تاکجا است ؟ بدیهی است که این آزادی ، ازادی واستقلال مطلقه نیست وقیوداتی که ١٨ مادهٔ معاهدهٔ آزادی ١٩٢١ به آیرلند تحمیل نموده است قرار ذیل است :


دی ولیرا قائد ملی و رئیس حکومت آیرلند

آیرلند مانند کانادا واسترالیا وزیلاند جدید وغیره به پایهٔ مساوی مربوط امپراطوری انگلستان است حکمران عمومی که نمایندهٔ امپراطور انگلستان میباشد بمشورهٔ وزرای آیرلند ازطرف شاه انگلستان انتخاب میشود ـ اعضای پارلمان حکومت ازاد آیرلند حینی که انتخاب میشوند سوگند وفاداری به شاه انگلستان میخورند ـ انگلستان حق مراقبت ومحافظهٔ سواحل آیرلند را دارد ـ آیرلند به تناسب جمعیت قشونی متعددتر از انگلستان نگاه کرده نمیتوانند ـ آیرلند سه ملیون پوند بعنوان مالیات اراضی سالانه به انگلستان میپردازد ولایت « اویولستر » حصهٔ ازآیرلند شمالی کما فی السابق دومینین انگلستان است .

با این قیودات آیرلند دردایرهٔ اتحادیهٔ ملل بریطانیا حکومت آزادی است که اصول دموکراتی درآن تقویت گرفته وبه‌اساس آن « دیل » شورای ملی دراثر آرای عمومی انتخاب میشود ـ قوای قانونی بدست دو محفل سنا ومبعوثان است انتخاب نمایندگان بصورت مستقیم بعمل می آید ومردوزن که از ٤١ سال بالا باشند در انتخابات شامل شده میتوانند (عمر منتخبین برای محفل سنا ٣٥ سال قید شده است) شخص شاه را نائب السلطنه نمایش میدهد که فقط دراثر رضائیت وزرای آیرلند انتخاب میشود. قوهٔ اجرائیه بدست محفل اجرائیه است که مرکب از ٧ عضو ویك رئیس میباشد واین رئیس را پارلمان آیرلند انتخاب می نماید . آیرلند مانندسایر ملل بحقوق مساوی عضو مجمع اتفاق ملل است و سفرا به ممالك خارجی ارسال کرده میتواند .

حالا که ازچگونه گی وضعیت قدیم آیرلند و اوضاع آن مملکت درتحت رژیم نیمه مستقل ١٢ ساله اخیر مطلع شدیم به شرح منظور اساسی خویش می پردازیم که آیا موسیو « دی ولیرا » کیست، رکنیت وپروگرام او عبارت ازچیست ؟

موسیو « کالون دی ولیرا » اصلاً منصوب بیك خانوادهٔ قدیم اسپانیولی است که بجنوب جبال « پیرنه » درعلاقهٔ « بشك سکونت » اقامت داشته وبعدها به آیرلند سکونت اختیار نموده است . مشارالیه درسال ١٨٨١ متولد وبعد از تکمیل تحصیلات خویش در دارالعلوم دوبلن بسن ٢٤ سالگی بحیث پروفیسر هندسه شهرت یافت . بعد از ١٩١٠ دراثر ذوقی که بکارنامه های اشخاص معروف یورپ داشت داخل سیاسیات شده آنی ازمظاهرات وطن پرستی خودداری ننمود وبهمین واسطه باعدهٔ از مظاهرین وانقلابیون محبوس گردید ١٩١٧ از محبس رها ودر ٢٥ اکتوبر سال مذکور نمایندگان شورای ملی اورا بحیث رئیس انتخاب نموده وازین تاریخ باینطرف اولین قائد ملی ایرلند بشمار میرود . دی ولیرا چندین مرتبه محبوس وبعد از هرخلاصی مسافرتی به امریکا نموده است ودرهیچ جا چه درسفر وچه درحضر لمحهٔ از اقدامات استقلال خواهی خودداری ننموده است تااینکه بشرحی که متذکر شدیم انگلستان بتاریخ ٦ دیسامبر ١٩٢١ حقوق آزادی آیرلند راشناخت .

فتح حزب جمهوریت پسندان درانتخابات ١٦ فوریه ١٩٣٢ آیرلند منتج برین شد که درپارلمان جدید حزب کارگر وجمهوریت پسند همدست شده بتاریخ ٩ مارس سال مزبور به اکثریت ٨١ رای درمقابل ٦٨ « دی ولیرا » را به ریاست حکومت آزاد آیرلند انتخاب نمودند وازین تاریخ حایز اکثریت پارلمانی گردید .



دی ولیرا در نظر دارد که آخرین رشتهٔ رابطهٔ بین آیرلند و انگلستان را گسیخته حکومت جمهوریت آزادی روی کار آرد و مواد عمدهٔ پروگرامی که از دو سال باینطرف تعقیب میکند و اساس مطالبات او را از حکومت انگلستان تشکیل میدهد یکی الغاء پرداخت سه ملیون پوندی است که سالانه انگلستان بعنوان مالیات اراضی دریافت میدارد. اساس وضع این مالیات این است که حکومت انگلستان از سال ۱۸۷۰ الی ۱۹۰۹ برای دهاقین آیرلند مبالغی برای خریداری اراضی از صاحبان املاک پرداخته بود. حکومت انگلستان این مبالغ را قروض شخصی تصور میکند و آنرا به وضع و دریافت سه ملیون پوند مالیات سالانه میخواهد جبران نماید اما دی ولیرا مبالغی را که انگلستان پرداخته جزو قروض عمومی حساب میکند و چون بعد از ینکه آیرلند از بعضی مطالبات خویش در آیرلند شمالی دست کشید با انگلستان چنین قرار گذاشته شده بود که تمام قروض عمومی بین مملکتین لغو شود، دی ولیرا از روز یکه ریاست حکومت را عهده دار شده است به الغاء پرداخت مالیات مذکور میکوشد.

مسئلهٔ دومی که دی ولیرا الغاء آنرا از حکومت بریطانیا مطالبه میکند مادهٔ چهارم معاهدهٔ ۱۹۲۱ است که قرار آن اعضای پارلمان آیرلند بایست نسبت به شاه انگلستان سوگند وفاداری بخورند.

کوششاتی که از طرف دی ولیرا رئیس اجرائیهٔ حکومت آزاد آیرلند برای الغاء این دو مسئلهٔ بعمل آمده است تا حال نتایج مثبته نداده و قرار معلوم حکومت انگلستان از تغییردادن معاهدهٔ فوق الذکر جداً احتراز میکند. دی ولیرا از همان اوائل ایام حکومت خویش استقرار جمهوریت آزاد آیرلند تعمیل سائر مواد پروگرام خویش را در نظر دارد اما وضعیت داخلی بشرحیکه ذکر میکنیم اورا مصروف ومنتظر موقع مساعد نموده است.

علاوه برحزب جمهوریت خواهان و حزب اعتدالیون «گوسگراو» که بعد از اقتدار یافتن حزب اول الذکر پس یاشد اخیراً جرایدِ وجود حزب فاشیستی «پیراهن نیلی ها» را به سرکردگی ژنرال **(Oduffy)** در آیرلند خاطر نشان میکنند. در حقیقت وجود این احزاب چیزی تازهٔ نیست بلکه دو سه سال قبل هم وجود داشت و دی ولیرا بکمال بصارت این موضوع را از اول فهمیده و طوریکه متذکر شدیم چون اکثریت پارلمانی را بکمک احزاب کوچك کارگر وغیره حاصل نموده بود یعنی بزبان دیگر حکومت و حزب او بصورت اطمینان بخش حایز اقتدار نبود به اصلاح وضعیت داخلی پرداخته در اوائل سال جاری پارلمان را منحل و تجدید انتخابات را شروع نمود و در نتیجه قبل از ینکه سائر احزاب صورت رسمی پیدا کنند در مقابل تمام احزاب دیگر اکثریت مطلقهٔ ۱۵۲ کرسی را در مقابل ۷۹ حاصل نمود و بدین منوال تا امروز توانست از تهاجمات و مظاهرات احزاب جلوگیری نموده آزادانه به تعمیل پروگرام آزادی خویش بپردازد.

انگلستان مطالبات آزادی خواهانهٔ آیرلند را به قیودات گمرکی پاسخ داده وازین راه به اقتصادیات آیرلند صدمات سختی وارد میکند و تا حال برای تغیر دادن قیودات معاهده ۱۹۲۱ صورت مسالمت نشان نداده است.

ممکن آیرلند به الغاء سوگند وفاداری و پرداخت مالیات و تشکیل حکومت جمهوریت آزاد در آیرلند جنوبی موفق شود اما الحاق آیرلند شمالی پروتستان به آیرلند جنوب تا حدی امکان پذیر نیست. اینها یکسلسله سؤالاتی است که آینده جواب قطعی آنهارا خواهد داد.

بغاوت آثوریهای عراق:

در ماه سرطان واسد ۱۳۱۲ در ولایت موصل بین بغاوت کننده گان آثوری واعراب عراق تصادمات خونینی بوقوع پیوسته است. آثوریهای بین النهرین علیا اصلاً احفاد مسیحیونی اند که در اوائل



قشون عراق پس از سرکوبی آثوریها فاتحانه به بغداد مراجعت میکنند - در بالا طرف راست خلیفه آثوریها

قرن ۵ مسیحی در بیزانس اقامت داشتند تا امروز در مناطق کوهستانی شمالی موصل امرار حیات مینمایند. عدهٔ آثوری ها ۷۰۰۰۰ ودر تمام ادوار تاریخی ترك ها واعراب بمناسبت مخالفت مذهبی آنها را زجر وتوبیخ نموده اند. پس ازینکه عراق در ۱۹۳۲ مستقل می‌شود آثوریها برای ادای عرضحال خود بحکومت، بغوغا درآمده مظاهرات را شروع نمودند. رئیس ایشان «مارشیمون» یکشخص جوان عالمی است که تحصیلات خویش را در انگلستان نموده ودرمیان اقوام خویش مقام بزرگ روحانی را اشغال نموده است وقتیکه مشارالیه برای افتتاح مذاکرات باحکومت عراق به بغداد می‌آید حکومت اورا بجرم تخلف از انقیاد مرکز محبوس میکند ودرنتیجه اغتشاش خون‌انگیزی بین آثوری ها واعراب واقع می‌شود. صورت حادثه‌را عراقی ها چنین تفسیر می‌کنند که یك عده انقلابیون (۱۵۰۰ نفر) که درشامات پناه‌گزین بودند با اسلحه وارد عراق شده‌اند وآثوری ها ادعا دارند که تقریباً ۷۰۰ نفر شان درنتیجه حملات کرد ها بقتل رسیده است. خلاصه آنچه که حقیقت دارد این است که بعد از حبس «مارشیمون» تصادم مدهشی بین آثوری ها واقوام عراق بعمل آمده ودرنتیجه رئیس انقلابیون تبعید وبه جزیره قبرص پناه‌گزین شده است.

سلسلهٔ منازعات امریکای جنوبی :

امریکای جنوبی از دوسال باینطرف صحنهٔ یکسلسلهٔ منازعاتی است که فضای آن قطعه را تیره نموده و اکثر آن باوجود مداخلت مجمع اتفاق ملل تا امروز فیصله‌نشده است. امریکای جنوبی تقریباً مرکب از ۲۰ جمهوریت کوچك و بزرگی است که از حیات آنها چندان زیاد نمیگذرد و درین اواخر در اثر منازعات سرحدی وظهور احزاب مخالف حکومت های محلی و پروپاگند های مضره یکی بادیگر دست و گریبان‌شده و بهم درآویخته‌اند، ماگذارشات این صحنه را به منتهای اختصار چنین شرح میدهیم :



ارکان ریاست فوق العادهٔ قوهٔ اجرائیهٔ کیوبا (در وسط سن مارتن رئیس جمهور موقتی)

قبل ازهمه جمهوریت « بولیوی » و « پاراگی » داخل منازعه شده اند وعلت مناقشهٔ ایشان این است که بولیوی بواسطهٔ وجود همسایه خویش شیلی دست به اوقیانوس‌کبیر ندارد و برای اینکه دستی به اوقیانوس اطلس پیدا کند علاقه « شاکو Chaco » را مطالبه میکند . پاراگی درحین دو معاهدهٔ متعاقب ۱۸۷٤ و ۱۸۸۲ به آن علاقه حاکمیت داشت آنرا خاك لایتجزای خویش میداند . بعدازوقوع محاربات مجمع اتفاق ملل وکمیتهٔ ممالك مجاور دراثر پیشنهاد و تقسیم منطقهٔ متنازع فیه طرفین را بصورت موقت آشتی داده اند .

هنوز محاربهٔ این دو مملکت جریان داشت که دوجمهوریت دیگر « کولومبی » و « پیرو » داخل نبرد گردیدند . علت تنازع این دو مملکت نتیجهٔ حملاتی است که بتاریخ ۳۱ اگست ۱۹۳۲ در علاقهٔ سرحدی (لیتسیا Leticia) بوقوع پیوسته است . حکومتین فوق الذکر هر کدام تعرض دسته قشون طرف مقابل را در علاقهٔ فوق الذکر خاطر نشان نموده مسئولیت را بگردن یکدیگر می اندازند، مجمع اتفاق ملل حکومت کولومبی را ذیحق دانسته تخلیهٔ ناحیهٔ مذکوررا به مملکت مخالف امر داده است .

« کیوبا » در دورهٔ سال ۱۳۱۲ دچار انقلاب داخلی مدهشی گردید که آتش آن از طرف حزب مخالف حکومت افروخته شده بود درنتیجه حزب مخالف فایق آمده ورئیس جمهور (ماشادو Machado) ذریعهٔ طیاره به جزیرهٔ « ماهابا » فرارنمود . وزیر حربیه و وزیر خارجه و چندنفر صاحب منصبان دیگر که طرف دار رئیس جمهورموصوف بودند همه فراراختیار نمودند منازعات دوحزب وآتش انقلاب مدت



یک دسته از توپخانهٔ ثقیل پاراگی که بمقابل بولیویا بجنگ میرود

مدیدی در بندر « بهاوان » وسائر نقاط مملکت اشتعال داشت . اتازونی برای حمایهٔ تبعهٔ خویش چند سفینهٔ جنگی را به بندر « هاوان » فرستاد. رئیس جمهور جدید موسیو (سسپید Cespeds) هنوز کاملاً از ایذاء حزب رژیم قدیم مطمئن نشده وطرف سوئی قصد بی نتیجه واقع شده بود.

خلاصه، طوریکه متذکر شدیم درطی سال ۱۳۱۲ فضای قطعهٔ امریکای جنوبی سراسر تاریك ودرهر مملکتی به علل مختلف محاربات سرحدی، انقلابات داخلی، منازعات احزاب ، اضطراب سیاسی کسب وجود نموده است . درماه می در (پیرو) دراثر سوئی قصد رئیس جمهور بقتل میرسد . در (برازیل) و (ایوراگی) احزاب سیاسی اغتشاشات برپامیکنند ارژان تین، محصور میشود . در « شیلی » رئیس جمهور « الکساندری » از کنگوره اقتدار مطلقه مطالبه میکند در (کیوبا) و (اکواتور) آتش انقلاب داخلی مشتعل میشود واثرات آن در (مکزیك) سرایت میکند . بعضی ازین منازعات هنوز خاموش نشده وبرخی پس از تسکین موقتی مجدداً وخامت پیدا نموده قسمی که هنوز فضای امریکای جنوبی تیره وتار است.




اعلیحضرت امیر فیصل شاه فقید عراق

وفات اعلیحضرت ملك فیصل شاه عراق:

قارئین محترم از وقوع حادثهٔ ناگوار وفات اعلیحضرت ملك فیصل و منتخب شدن پسرش امیر غازی بشاهی عراق مطلع اند چون فقید مزبور یکی از زعمای ملی کارآگاه عرب و اولین پادشاه عراق مستقل و یکی از قائدین بزرگ نهضت عربیه بشمار میرود و در اثر خدماتیکه در دورهٔ زمامداری خود بملت عراق نموده در شرق مقام بزرگی را احراز نموده است شرح مختصر سوانح حیاتی او پرداخته اخیراً بصورت ایجاز ذکری از پسرش شاه حاضرهٔ عراق مینمائیم :

اعلیحضر ملك فیصل سومین پسر شریف حسین شریف حجاز بتاریخ ۱۸۸۵ در طایف متولد شده و ایام صباوترا تا سن ۷ سالگی در دامان تربیهٔ والدین و در قبیلهٔ بنی عبیده بسر برده است. در ۱۸۹۳ حینیکه شریف حسین به استامبول مسافرت می نمود فیصل نیز با او همراه شده و تا ۱۹۰۸ در آنجا به تحصیلات خصوصی مشغول بود و در ۱۹۰۵ با دختر عموی خویش ازدواج نمود.


اعلیحضرت امیر غازی شاه جدید عراق

چون پدرش بسمت شریف مکه انتخاب گردید با وی به مکه مراجعت نموده و یکسال بعد از طرف اهالی جده بصفت نماینده به پارلمان ترکیه اعزام گردید.

حینیکه قضایای جنگ عمومی در میادین اروپا دوام داشت و اعراب موقع نهضت را غنیمت شمرده سر مخالفت و منازعه را با ترک ها گرفته بودند شریف مکه فیصل را به قیادت قوای مناطق شمال برگزید در نتیجه بعد از چند مقابله با قوای ترك موفقیت حاصل نموده در ۳۰ دسامبر ۱۹۸۱ فاتحانه داخل دمشق شد و با تجلیلات استقبال گردید.

پس از استقرار صلح در ۱۸ نوامبر ۱۹۱۸ از طرف پدر خویش شریف مکه به کنفرانس صلح پاریس اعزام شده و از طرف فرانسوی ها در پاریس به احترام زیاد استقبال شد. یکسال بعد در اوایل ۱۹۱۹ پس به سوریا مراجعت نمود سپس بقصد سیاحت اروپا عازم لندن شد و تا ۸ ماه مارس ۱۹۲۰ در آنجا اقامت داشت حین مراجعت معظم له از طرف کنگرهٔ سوریه به پادشاهی شام انتخاب گردید. چون درین وقت رقابت انگلیس و فرانسه و آمال استعمار جویانه آن دو مملکت در شرق قریب بمنتهای شدت رسیده بود و انگلیس با اعراب وعده هائی نموده بود که بمفاد فرانسه موافقت نمیکرد اقدامات ملك فیصل منافی

نظریات فرانسه بود از طرف حکومت فرانسه ژنرال گورو، یادداشتی مشتمل بر چند ماده به ملك فیصل فرستاد. اگر چه شاه سوریا با بعضی مطالبات حکومت فرانسه صورت موافقت هم نشان داد اما ژنرال موصوف بتاریخ ۱٤ ژویه ۱۹۲۰ بصرف قوه داخل سوریا شده دمشق را فتح و اعلیحضرت فیصل را مجبور بمسافرت لندن نمود و بدین منوال حکومت جدید التاسیس سوریا به قیادت امیر فیصل منقرض گردید.

چون حین اقامت امیر فیصل در لندن وضعیت داخلی عراق که ازطرف انجمن اقوام تحت قیمومیت انگلیس قرار داده شده بود مغشوش بود انگلیس ها برای رفع اغتشاشات و هنگامهٔ داخلی امارت عراق را بوی تفویض نمودند: ملك فیصل این تکلیف را بهدو شرط قبول نمود یکی انگلستان حکومت عراق را برسمیت بشناسد و ثانیاً درموقع متقاضی بوی استقلال عطاکند. انگلستان باین دو پیشنهاد موافقت نموده و فیصل بعراق عزیمت نمود ودر بغداد شورای ملی عراق بتاریخ ۲۳ اوت ۱۹۲۱ تاج عراق را بوی تفویض نمود.

اوائل سلطنت ملك فیصل درعراق مصادف به مشکلات گردیده از یکطرف وهابیها که حجاز را متصرف و اعلیحضرت علی برادر بزرگ فیصل را خلع نموده بودند شرق اردن (امیر آن عبدالله برادر دیگر ملك فیصل میباشد) وعراق را تهدید می‌نمودند وازطرف دیگر مسائل سرحدی عراق و ترك و اصرار مملکت اخیر الذکر بانفصال موصل موجبات نگرانی حکومت عراقی را تولید نموده بود.

دراکتوبر ۱۹۲۲ حکومت مشروطه درعراق قائم گردید و برطبق معاهدهٔ در ۱۹۳۰ انگلستان استقلال آنرا شناخت دوسال بعد درماه اکتوبر ۱۹۳۲ عراق عضو مجمع اتفاق ملل شناخته شده وبدین منوال یکی از آمال دیرینه ملیون عراق عملی گردید.

در ۱۵ ژون ۱۹۳۳ ملك فیصل بصورت رسمی مسافرتی بانگلستان نموده ازطرف شاه انگلستان شخصاً درلندن باحترام زیاد استقبال‌شد وازانجا پس ازچندی بغرض علاج خویش عازم برن پایتخت سویس‌گردید. چندی نگذشته بود که تصادم‌آثوریها باعراق شعله ورگردید و امیرفیصل بتاریخ ۲ اگست ذریعهٔ طیاره برای وارسی امور ببغداد مراجعت نمودچون شورش مذکور فرو نشست بتاریخ ۱۵ دسامبر مجدداً ذریعهٔ طیاره برای ادامهٔ معالجهٔ خویش به برن عازم گردید. اعلیحضرت فیصل چند روز در پایتخت سویس اقامت نموده و بتاریخ ۷ سپتامبر (۱۵ سنبله) دفعةً در اثر سکتهٔ قلب وفات نمود. بعضی ها ادعا دارند که معظم له را زهر داده اند و برخی برآنند که خود کشی نموده است اما دراثر تفحصات دکتوری تمام این حدسیات بی اساس ثابت شده است و صورت اصلی و واقعهٔ این است که اعلیحضرت فیصل از مدتی بمرض ضعف قلب دچار بود و بهمین علت برای معالجه خویش در سویس عزیمت نموده بود ودرین حال بی احتیاطی بزرگی نموده بقسم گردش فراز کوهی بالا شده بود چون قلبش طبعاً ضعیف و مریض بود مقاومت نتوانسته چند ساعت بعد معظم له دفعتاً وفات نمود.

جسد اعلیحضرت فیصل را تا مقام (Brindisi برندیسی) بااحترامات شایانی بطریق زمین اورده سپس (Despatch رسیچ) سفینه بریطانوی جسد فقید عرب را تا قالیفه براه بحر آورد از آنجا ذریعهٔ طیاره بتاریخ ۱۵ سپتامبر وارد بغدادگردید. بعد از آدای نماز وتعمیل مراسم مذهبی و ملی به احترامات شایانی‌دفن گردید.

وفات اعلیحضرت ملك فیصل برای ملت عراق وهوا خواهان نهضت عرب وعالم شرق فقدان بزرگی است.

• دراثر وفات معظم له شورای ملی عراق بتاریخ ۱۱ سپتامبر جلسهٔ فوق العاده تشکیل نموده مطابق قانون اساسی ۱۹۲٤ پسرش امیر غازی ولیعهد عراق را به پادشاهی برگزیدند. امیر غازی درمکه معظمه متولد شده و اوان صباوت را دردامان جد خویش شریف حسین بسر برده است در ۱۹۲۲ باپدر خویش به‌عراق آمده وقرارقانون اساسی ۱۹۲٤ که سلطنت را درخانواده ملك فیصل ارثی قرار میدهد ولیعهد برگزیده شده است تعلیمات ابتدائی را بصورت خصوصی نزد معلم انگلیسی درخود مملکت فراگرفته وباقی دورهٔ تحصیلات خویش را درمکاتب لندن گذرانیده است معظم له حین مسافرت اخیر پدرخویش به اروپا وسویس به مسافرت های داخلی وامور مملکت داری صرف مساعی نموده است. قرار کفایتی که بخرج میدهد امید است عراق مستقل به قیادت او به تمام امال ترقی خواهٔ خود کامیاب آید.

امریکا رسماً حکومت شوروی را میشناسد:

بعد از ینکه در اثر انقلاب ۱۹۱۷ امپراطوری (تزاری) لغو وحکومت جماهیر اشتراکیهٔ شوروی کسب وجود نمود تا مدتی دول معظمهٔ اروپائی بعلت تغییر رژیم حکومت روسیه از شناختن رسمی حکومت جماهیر اشتراکیهٔ شوراوی‌ابا ورزیدند.



فرانکلن روزولت رئیس جمهور اتازونی

در کنفرانس «کن» Canne که تمهید کنفرانس ژنو ۱۹۲۲ میباشد ممالك متحدین اعلان نمودند: که اگر حکومت جماهیر شوروی میخواهد از طرف دول معظمه شناخته شود باید فقرات آتی را مراعات کند: «حمایهٔ اموال شخصی، تادیهٔ قروض، اجرای کنتراتها، الغای پروپاگند مخرب، عقد معاهدات عدم تعرض با همسایگان».

نظریات حکومت اتازونی درین وقت نسبت بروسیه با نظریات دول اروپائی فرق نداشت و نوتهٔ که به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۲۳ (مستر لولج) رئیس جمهور آنوقتهٔ امریکا بحکومت روسیه فرستاده است چنین است: «حکومت امریکا ابداً مایل نیست که باروسیه قطع روابط کند اما این را نیز میگوید که با مملکتی که وظایف بین‌المللی را احترام نکند داخل مناسبات شده نمیتواند اگر روسیه متعهد تادیهٔ قروض مملکت و رفع خسارات هموطنان ما بشود بشناختن او حاضریم».

حکومت روسیه درین وقت تمام پیشنهادات امریکا را قبول نموده خواستگار شد تا برای حل قروض و سائر مسائل لا ینفق علیها کنفرانسی تشکیل دهند اما حکومت امریکا ازین امر استنکاف ورزیده ومسئلهٔ شناختن رسمی روسیه ذریعهٔ امریکا تاامروز باقی ماند.

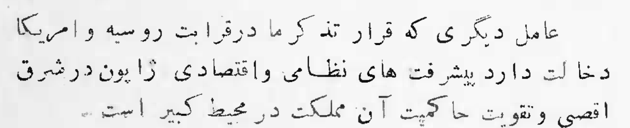
روی همرفته موجبات قرابت روسیه وامریکا از ۲ سال باینطرف عرض اندام نموده وآنچه که امریکا را وادار به شناختن روسیه نموده است دوعلت عمده است که تمام موجبات کوچك را دربر میگیرد: یکی چاره جوئی آلام بحران اقتصادی وفکریهٔ بهبودی اوضاع مالی امریکا ودیگر انبساط اقتدار و حاکمیت ژاپون درشرق اقصی ومحیط کبیر که بمنافع دو مملکت بزرگ عالم روسیه وامریکا تصادم میکند.

طوریکه در تمهید مقاله متذکر شدیم دول معظمهٔ اروپائی ابتدا تاچند سالی از شناختن رسمی روسیه ابا ورزیدند (انگلستان و فرانسه اورا در ۱۹۲٤ شناختند) اما چون قطع روابط بایك مملکت بزرگی چون روسیه که دامنهٔ خاکش در آسیا واروپا امتداد دارد امکان نداشت و روسیه هم تا اندازهٔ به مطالبات ایشان صورت موافقت نشان داد یکی بعد دیگری اورا شناختند. پس از تشکیل رژیم «هتلریزم» و مخالفتی که با کمونستها نشان داد روابط روسیه باهمسایگان چه بلکه بابعضی ممالك مثل لهستان ورومانی (بمناسبت مسئله لا ینحل بسارابی) که امکان بهبودی نداشت بیش از پیش به اساس مناسبات دوستانه محکم گردیده و یکسلسله معاهدات عدم تعرض نه فقط با همسایگان مستقیم خویش بلکه با فرانسه و اکثر ممالك بالقان عقد نمود. اخیراً بعد از مسافرت موسیو «هریو» صدراعظم سابق فرانسه وموسیو «کوت» وزیر فضائی آن مملکت تغیرات عمیقی در رویهٔ مناسبات سیاسی روسیه وفرانسه بعمل آمد خلاصه روسیه بیش از پیش در قطار دول معظمه اخذ مقام نموده واعتبارات بین‌المللی را احراز نمود وتنها چیزیکه برای تکمیل اعتبار و مقام

دنیائی او باقی مانده بود شناختن امریکا بود و بس - اگرچه ممالک متحده امریکا بصورت غیر مستقیم داد و ستد تجارتی با روسیه داشت اما تا امروز جزء حریفان او بشمار میرفت .

بعد اینکه سال گذشته « مستر هوور » رئیس جمهور حزب جمهوریت طلبان برطرف و مستر روزولت حزب دموکرات رئیس جمهور انتخاب گردید. امریکا از نقطهٔ نظر وضعیت مالی خیلی ناتوان وامریکائی ها نسبت به فلاح اقتصادی خویش چشم امیدی به « روز ولت » داشتند اما متاسفانه درطی سال جاری بملاحظه رسید که برعکس اوضاع مالی واقتصادی امریکا بدترشده است وکنفرانس اقتصادی «واشینگتن » وبالاخره کنفرانس اقتصادی جهان درلندن هیچکدام به علاج آلام اقتصادی امریکا موفق نشد همین بود که باوجودیکه مسئلهٔ قروض ممالک متحده ورفع خسارات شخصی امریکا را روس ها مسکوت عنه گذاشته بودند دفعةً مستر روزولت تلگرامی به عنوان کالینن بتاریخ ۱۰ اکتوبر کشیده ورسماً حکومت جماهیر اشتراکیه شوروی را شناخت .


لیتوینوف کمیسر ملی امور خارجهٔ اتحاد شوروی


عامل دیگری که قرار تذکرما درقرابت روسیه وامریکا دخالت دارد پیشرفت های نظامی واقتصادی ژاپون درشرق اقصی وتقویت حاکمیت آن مملکت در محیط کبیر است .

اشغال « منچوریا » و « وجیهول » وتشکیل حکومت جدید منچوکو بصورت صریح منظور اساسی محرک واقعاتی را که ازدوسال باینطرف بعدازمناقشهٔ مقدن بوقوع پیوسته است تشریح میدهد وبه اثبات میرساند که قوائی درشرق اقصی بوجود آمده واین قوا میان بی بضاعتی قوای چین ، نقاهت استحکامات عسکری روسیه ، دوری امریکا به توسعه وانبساط خویش سرگرم است .

مناسبات روسیه وجاپان درین اواخر درشرق اقصی صورت دیگری بخود گرفته بعداز تشکیل مملکت منچوکو جاپان برای انهدام نطقهٔ نفوذ روس درشرق اقصی بزبان ارباب امور این مملکت مسئله فروش راه آهن شرق چین را روی کارآورده وبمبلغ ۵۰ ملیون ین خریدار شده است لذا جاپان واضحاً درصدد است تادست نفوذ روسیه را بهر قیمتی که تمام شود از شرق اقصی و محیط کبیر کوتاه نماید .

امریکا اگرچه ۶۰۰۰ میل بحری از چین دورافتاده وبظاهر مفاد و دلبستگی او باین مملکت بزرگ معلوم نمیشود اما در حقیقت نسبت به روسیه امریکا بیشتر به مفاد تجارتی خویش درچین و مجمع الجزائر شرق الهند وقع میدهد و بالاخره برای حفاظهٔ مستملکات خویش جزائر فیلیپین دلچسپی زیادی به حاکمیت محیط کبیر دارد .

روسیه وامریکا هردو به اساس مفاد تجارتی وبه منظور پارهٔ مسائل دیگر شدیداً آرزومند اند که چین هرطوری باشد حیات خارجی داشته باشد . اگرچه روسیه ابتدا پیشرفت های نظامی جاپان را درچین بنظر بیطرفی نگاه میکرد اما اخیراً چون اقدامات کمونیزم درچین ناکام برآمد وراه آهن شرق چین بمعرض فروش افتاد تغیر نظریه داده است . اتازونی برای فروش مال التجارهٔ خود چین را بهترین بازاردنیا تصور میکند وبهیچ صورت فروگذار شده نمیتواند که ۴۰۰ ملیون مشتری از دستش برود. اتازونی ازجهت اقدامات عسکری جاپان آیندهٔ تجارت خویش را در شرق اقصی درخطر می بیند ورقابت در ازدیاد قوای بحری بین جاپان

و امریکا بکمال فعالیت رسیده و اتازونی بهیچ صورت چه از نقطهٔ نظر حفظ مستملکات و چه از نقطهٔ نظر تامین بازار تجارتی حاکمیت دیگران را بمحیط کبیر متحمل شده نمیتواند حالا از مفاد چند سطر فوق بوضاحت معلوم میشود که زمینهٔ برای مقارنت روسیه و امریکا به تدریج مساعد گردیده و روسیه که از سالها منتظر بود تا از طرف امریکا رسماً شناخته شود بمرام خویش نائل گردید .

چون مستر روزولت در تلگرامیکه بعنوان « کالینین » فرستاده بود خواستگار شده بود تا نمایندهٔ برای مذاکرات به امریکا اعزام نمایند حکومت روسیه موسیو لیوتونف کمیسر دولت در وزارت خارجه را برای این امر به امریکا فرستاد در نتیجه بتاریخ ۱۷ نوامبر (۱۵ عقرب) حکومت امریکا رسماً حکومت شوروی را شناخته و روابط سیاسی عادی به ارسال سفرا به مملکت یکی دیگر بین ایشان قائم گردید .

اصلاً شناختن امریکا روسیه را چندان اهمیت بزرگی نداشت اما آنچه که اهمیت این واقعه را دوبالا نمود این است که حرکت امریکا در موقع باریکی بعمل آمد که مناسبات روسیه و جاپان تیره شده بود .

ارباب سیاست مسکو معتقد اند که استقرار روابط دپلوماسی با واشینگتن وضعیت ایشان را در شرق اقصی بهتر خواهد ساخت زیرا روسیه امکان تهاجم ژاپون را در سائبیریا فراموش نمیکند . بعضی مولفین روسیه ادعا دارند که چین بزرگترین فروشگاه مال التجاره امریکا است و نمیتواند این بازار را رایگان به جاپانی ها بگذارد و بهمین اساس در آتیه قریب امریکا و ژاپون در محیط کبیر دست و گریبان خواهند شد و آنوقت دوستی روسیه چیز قیمتداری خواهد بود .

خلاصه روسها ازین امر نهایت اظهار مسرت می کنند و آنرا بزرگترین فتح دپلوماسی خویش تصور می نمایند .

فعالیت سیاسی ممالک بالقان :

شبه جزیرهٔ بالقان که از قرن ۱۴ الی قرن ۱۹ جزء امپراطوری ترک بود بعد از جنگ روس و ترک صورت دیگری بخود گرفت و اقوام مختلف یونانی ، سربی ، سلاو ، بلغاری ، ترکی ، البانی ، هر کدام در اثر جان بازی های منورین و ملیون خود در قرن ۱۹ استقلال خویش را حاصل نموده رفتند چنانچه در ۱۸۲۹ یونان مستقل و سربی و رومانی صاحب استقلال داخلی شد ، در ۱۸۵۹ رومانی استقلال کامله را حاصل نمود . در ۱۸۷۸ سربی و مونته نگرو حایز استقلال و بلغاری صاحب استقلال داخلی گردید بالاخره در ۱۸۸۵ رومانی به بلغاری ملحق شده و دست سلطهٔ ترک ازین ممالک بکلی کوتاه گردید . در ۱۹۱۲ ممالک مسیحی بالقان به استثنای

امضای قرارداد بالقان [illegible] گان از چپ براست یفتیچ ، تیتولسکو ، مکسیموس ، توفیق رشدی بیگ
وزرای خارجهٔ یوگوسلاویا ، رومانیه ، یونان ، ترکیه

رومانی برعلیه ترک ها متحد شدند سپس چون بلغاریا تفوق مطلقه را دعوی میکرد برعلیه او قیام نموده بعد از شکست او در ۱۹۱۳ اراضی آن مملکت را تا حدی بین خود تقسیم نمودند. درین وقت چون آتش جنگ عمومی شعله ور شد ممالك بالقان به دو دسته تقسیم گردید. ترکیه و بلغار طرفدار المان وسربی ویونان و رومانی به طرفداری متحدین قیام نمودند چون در نتیجه سه مملکت اخیرالذکر فاتح برامد باز اراضی وسیعی را بین خود تقسیم نمودند.



نزدیکی ایطالیا و مجارستان: ملاقات سوبیچ معاون وزارت خارجهٔ ایطالیا با کمبوس رئیس الوزرای بلغار (در صوفیه)

بهمین اساس بعد از جنگ عمومی تا این اواخر وضعیت ممالك بالقان بنابر مخاصمت های دیرینه خیلی تیره وتار و اعادهٔ روح مسالمت واتحاد دران شبهه جزیره ازمشکلات بود. اما درین اواخر و علی الخصوص درسال ۱۳۱۲ فضا روشن شده رفته فرمان روایان ورجال سیاسی هر مملکتی ازدر مسالمت و صلح پیش آمدند. چنانچه ملاقات ها و مسافرت های رسمی شاهان. عقد معاهدات مودت وعدم تعرض، ملاقات های رجال سیاسی، تشکیل کنفرانس ها برای رفع مشکلات هر کدام قدم های بزرگی است که در راه وحدت آمال و اتحاد بالقان برداشته شده میرود.

ملاقات های رسمی :

(۱) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول شاه یوگوسلاوی و اعلیحضرت شارل دوم رومانی بتاریخ ۲۳ ژانویه در « سنیایا ».

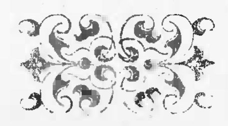
(۲) مسافرت شاه و ملکهٔ یوگوسلاوی در ترکیه بتاریخ ۳ ستامبر.

(۳) ملاقات اعلیحضرت شارل دوم رومانی و اعلیحضرت بوریس بتاریخ ۳۰ اکتوبر.

(٤) ملاقات اعلیحضرت الکساندر اول یوگوسلاوی و اعلیحضرت بوریس.

(٥) مسافرت رسمی شاه و ملکهٔ بلغاری در رومانی (دسامبر).

(٦) مسافرت رسمی شاه و ملکهٔ بلغاری در یوگوسلاوی (ماه اکتوبر).



عقد معاهدات :

(۱) معاهدهٔ دوستی و بی طرفی که در ۱۹۲۹ بین ترکیه و بلغاری منعقد شده بود در اثر مسافرت صدراعظم و وزیرخارجهٔ ترکیه در صوفیا بتاریخ ۳۰ سنبله برای ۵ سال دیگر ادامه یافت.

(۲) عقد معاهدهٔ مودت و عدم تعرض ترك و یونان بتاریخ ۱٤ ستامبر در انقره.

(۳) « « « « « و یوگوسلاوی بتاریخ ۲۷ نوامبر در بلگراد.

قارئین محترم در طی سال ۱۳۱۲ حتماً در موارد مختلف مقاله های مبسوطی در اطراف وضعیت سیاسی بالقان و ائتلاف صغیر ملاحظه فرموده اند، ما درین مختصر همین قدر تذکار میدهیم که ائتلاف سه مملکت رومانی، یوگوسلاوی و چکوسلوواکی یعنی سه مملکتی که بعد از جنگ بمیان آمده اند در اثر کوشش سیاسی فرانسه بعمل آمده وامروز در صحنهٔ سیاست بین المللی رول مهمی را بازی می کند.

سایر ممالك بالقان که مدت مدید در موارد مختلف بهم دست وگریبان بودند امروز آهسته آهسته بهم نزدیك شده میروند، ترکیه که مدت ۵ قرن در تمام این شبه جزیره تسلط داشت امروز رویهٔ خیلی مسالمت کارانه را پیش گرفته و رول مصالحت دهنده را بازی می کند.

در میان ممالك بالقان آنکه از همه بیشتر چه قبل از جنگ (در ۱۹۱۳) وچه بعد از جنگ صدمه دیده و بیشتر خاك خود را باخته است بلغاریا است نارضائی وعدم مصالحت این مملکت با سائرین، علی الخصوص بایوگوسلاویا و یونان مشکلترین سدی در راه انجام اتحاد بالقان بشمار میرود معذالك قراریکه متذکر شدیم بعد از یك سلسله مسافرت های رسمی شاهان و رجال سیاسی و بعد از عقد معاهدات دوجانبه بین ترکیه، یونان یوگوسلاوی، رومانی بالاخره زمینهٔ مساعدی فراهم شده معاهدهٔ اتحاد بالقان یابه تعبیر اروپا معاهدهٔ لوکارنو بالقان بتاریخ ۲۱ دلو درشهر آتن در حالیکه زنگهای کلیساها و ترانه های ملی ملل بالقان نواخته می شد امضا گردید. انتظار میرود بلغاری و البانی نیز در آتی شامل آن شوند.

هتلر و یهود :

مهاجرت یهودیان به فلسطین وتصادم ایشان بااعراب:

یکی از بزرگترین حوادث اجتماعی که بعد از انتصاب هتلر به صدارت آلمان بوقوع پیوسته است مسئله تبعید یهودیها از آلمان وتصادماتی است که دراثر مهاجرت آنها به فلسطین بین ایشان واعراب بوقوع پیوسته است.

هتلر موسوم به «دشمن یهود» و هتلریزم ضدیت یهود را جزء اصول اساسی خود قرار داده است چنانچه در کتابی که هتلر خودش تالیف و به «جنگ من» موسوم میباشد موجبات تنفر و ضدیت خود رابایهود سراسر اظهار نموده است. ازین جهت هندن برگ قبل از ینکه مقام صدارت مملکت را به هتلر تفویض کند از مخالفت یهود او را باز میداشت. اما چون یهودیها بواسطهٔ ثروت ودارائی خوددر آلمان نفوذ زیاد پیدا نموده حتی در پارلمان آن مملکت کرسی های زیاد احراز نموده بودند. چنانچه در میان ۵۰۸ نفر نمایندگان ریشتاغ ۱۰۸ نفر کمونیست و ۱۲۱ نفر سوسیالیست بود وروی هم رفته دست یهودیها قوی شده بود وعلاوه برین چون از لحاظ



فون هندنبورگ رئیس جمهور و هر هتلر رئیس الوزرای آلمان در یک نمایش حزب نازی

تمول وثروت خود به آلمانی ها صورت تکبر ونخوت نشان میدادند وعلمای ایشان پروپاگندوانتشارات مضره برعلیه حکومت آلمان می نمودند هتلر که از طفلی با آنها مخالفت داشت از ترس اینکه مبادا انقلابی درمملکت تولیدشود علانیه بمخالفت یهودیها برامد وحینکه به اقتدار رسید عزم نمود تاعناصر آلمانی نما را از بین بردارد. اگرچه این اقدام او تااندازهٔ شدید است اما دراطراف حسن وقبح آن آراء مختلف است.



یک منظره از زد وخوردهای اعراب ویهود در بیت المقدس

اما از نقطهٔ نظر وطن دوستی، علی الخصوص درصورتی که حقیقةً یهودی ها اقتدار فوق العاده در شئونات اداری وسیاسی مملکت یافته وذریعهٔ سرمایه آلمان را تسخیر نموده باشند وپروپاگندهای برعلیه آن مملکت نموده باشند مقبول است. خلاصه بعدازینکه هتلر وحزب او مقتدر میشوند دست یهودی هارا چه از پارلمان چه از بانک ها وچه از ادارات دولتی وتمام مؤسسات به انواع مظاهرات کوتاه نموده آنهارا از آلمان تبعید نمودند.

درین وقت اگرچه فرانسه صورت استقبال کارانهٔ به یهودی ها نشان داده کمیتهٔ برای جلب مهاجرین آنها واعزام ایشان به شام تشکیل میدهد اما یهودی ها به فلسطین سرزمینیکه سه هزارسال قبل اجداد آنها دران اقامت داشت مراجعت میکنند وازاینجا سلسلهٔ مصادمات ایشان بااعراب شروع میشود.

یهود کهن ترین خانوادهٔ بشری ازهزارات سال باینطرف سرگردان بنقاط مختلف عالم دورزده ازخود وطن وکانون ملي ندارند. مهاجرت یهود به فلسطین امر تازهٔ نیست تاریخ نظیر چنین مهاجرت شانرا بکرات نشان میدهد. در ۸۵۸ ق م سیروس شاه ایران چون مناطق شام وفلسطین را فتح میکند فرمانی صادر وبه یهودیان اجازه میدهد تابه فلسطین مراجعت نموده به آبادی معابد خویش مشغول شوند. این واقعهٔ کهن تاریخی که در ۸۵۸ ق م ذریعهٔ فرمان داریوش بوقوع پیوسته فردای جنگ عمومی در ۱۹۱۸ در اثر اعلان (بالفور) انگلیس دوباره عیناً تکرار می شود وبه تمام یهودیان عالم اطلاع داده میشود که برای آنها کانون ملی درفلسطین زیرنفوذ مجمع ملل وتحت الحمایگی انگلیس تشکیل شده است. وباوجودیکه از ترس احتمال بحران وازلحاظ اینکه اراضی اعراب ازدست شان نرود تعداد مهاجرین را محدود نموده بودند

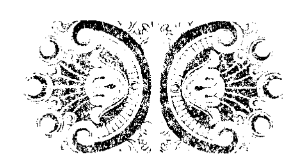
باز هم (۲۵۰۰۰۰) نفر در فلسطین منقسم گردید . در شهر بیت المقدس که نقریباً ۱۰۰۰۰۰ جمعیت دارد (۵۵۰۰۰) یهود و در بندر قایفه که حایز (۶۰۰۰۰) جمعیت می باشد ۳۵۰۰۰۰ یهود جاگزین گردیده . خلاصه بعد از جنگ عمومی و بعد ازینکه فلسطین تحت الحمایه انگلستان قرار گرفت در اثر دعوت یهود یهها اقلیت های آنها در فلسطین تقویت گرفته و تعداد آنها در تمام شهرها و نقاط مملکت بمراتب بلند گردید .

مسئلهٔ اعراب :

طوریکه متذکر شدیم بعد از تشتت و پراگندگی که از هزاران سال در یهود تولید گردیده مدتی است که ایشان رجوع بفلسطین نموده اند و مفتی بزرگ فلسطین سیدمحمد امین هتلر را دشمن اعراب تصور نموده میگوید در اثر مظالم او یهود به فلسطین مراجعت کرده و ازکثرت آنها ترس آن میرود که مملکت یهودی بمیان آمده اعراب آسیا از اعراب افریقه جدا گردند . ازین هم بیم دارند که مبادا مثل شام شمالی و جنوبی فلسطین هم بدو حصه منقسم نشود . یهودی‌ها فیصلهٔ مجمع اتفاق ملل ودعوت انگلیس و فرانسه را حجت آورده مراجعت اقوام خویش را به فلسطین و خریداری اراضی را ازاعراب حایز تصور میکنند . بدین جهات از روزیکه یهودی ها ازالمان به فلسطین مراجعت نموده اند تصادمات خونینی بین ایشان و اعراب بوقوع پیوسته است که مختصر آنرا ذیلاً متذکر می شویم :

اعراب از تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ که بطوررسمی حمایت یهودیان درفلسطین اعلان شده صورت مخالفت نشان داده اند در ۱۹۲۱ حینیکه فلسطین تحت الحمایهٔ انگلیس شناخته شد منازعهٔ خون آلودی بین یهودیان و اعراب درحیفا بوقوع پیوست چهار سال قبل واقعه بهمین شدت دربیت المقدس و تمام مملکت رخ داد . ازآنوقت بعد اقلیت اولادهٔ اسرئیل تقویت گرفت چنانچه در احصائیه ۱۸ نوامبر ۱۹۳۱ درمیان ساکنین فلسطین که مجموعه آن بیشتر از یك ملیون می باشد (۷۶۰۰۰۰ مسلمان) (۱۷۵۰۰۰ یهود) و (۹۰۰۰۰ غیر این دو فرقه می باشد) .

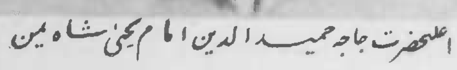
افکار مسلمین را پیشنهاداتی که اخیراً در « پراگ » مورد بحث قرار داده شده بود بشورآورد زیرا قرار پلان داکتر « ارترا پن » تمام یهودیهای فراری المان بایست به فلسطین متمکن شوند . ابتدا چنین امیدی رفت که از ۵۰ هزار تا یك لك نفر یهود را در امریکا و تقریباً همین قدر نفر دیگر را بسائر ممالك جا خواهند داد ولی اکثر اینها بفلسطین مراجعت نمودند بدین اساس بتاریخ ٤ عقرب و چند روز بعد درحیفا ، قایفا ، ناپلوز و بیت المقدس مظاهرات و تصادمات مدهش بین مسلمین و یهود بعمل آمد . طوریکه اخیراً از مجرای جرائد بمشاهده میرسد حکومت شوروی حاضر شده است که ملجائی به یهودیان فراری آلمان داده درمنتهاالیه شرق سایبریا متصل به منچوریا جمهوریت یهودی باسم « بی روبی جان » تشکیل نماید قرار اظهارات موسیو « سمی دوویچ » نایب رئیس اجرائیه شوروی مساحهٔ سطحیهٔ این مملکت اگر تشکیل شود ٤ ملیون هکتار یعنی تقریباً سه برابر فلسطین حاضره خواهد بود و از تاریخی باین مملکت استقلال داخلی داده خواهد شد که عدهٔ یهودیان مهاجر به (۳۰۰۰۰) برسد .





اعلیحضرت ابن سعود شاه عربیهٔ سعودیهٔ
(نجد و حجاز)





اعلیحضرت جاجه حمید الدین امام یحیی شاه یمن



امیر فیصل شهزاده و سرلشکر افواج عربیهٔ سعودیه



سیف الاسلام ولیعهد و فرمانده قشون یمن

شبه جزیرهٔ عرب :

کشمکش بین ابن سعود وامام یحیی:

شبه جزیرهٔ عرب که مدت مدیدی جزو امپراطوری ترك بود دراثر قضایای جنگ عمومی پارچه پارچه شده ودران یکعده ممالك آزاد ـ نیمه مستقل وتحت الحمایه خارجی تشکیل شده است . دومملکت قسمت شمالی که به بحرمدی ترانه متصل است عبارت است ازشام وفلسطین که هنوز تحت الحمایه فرانسه وانگلیس میباشند .

درسال ۱۹۲۳ ازقسمت شرقی خاك فلسطین ۸۶ هزار کیلومتر مربع مجزی ومملکت شرقی اردن امروزی را تشکیل داده است که امیر عبدالله تحت اثر انگلیس درآن سلطنت میکند . بین این مملکت وخاك ایران ، عراق امروزی متین ترین حکومت عربی است که در۱۹۳۲ استقلال خویش را حاصل وبعضویت انجمن اقوام پذیرفته شده است . درقسمت مرکزی جزیرهٔ که حجاز و نجد را در بر می گیرد امروز مملکت واحدی وجود دارد که من حیث وسعت خاك وسیعترین مملکت جزیرة العرب را تشکیل میدهد این مملکت دراثر یك سلسلهٔ جنگ های حجاز ونجد که بالاخره بمفاد شاه نجد خاتمه گرفته است بمیان آمده وامروز عبد العزیز ابن سعود آنرا اداره می نماید .

درمنتها الیه جنوب غربی جزیرة العرب کنار بحر احمر یمن مرکب از حاشیهٔ ساحلی است که یك ملیون جمعیت دارد وآنرا امام یحیی خانوادهٔ زیدی اداره می‌نماید . این مملکت بعد از ۱۹۱۳ استقلال خویش را از ترکها حاصل نموده است در حاشیهٔ جنوبی وجنوب شرقی جزیرهٔ عدن ، حضر موت ، عمان نقاطی است که تحت نگرانی انگلستان میباشند .

چون اصلاً درنقشهٔ تاسیس وتشکیل این ممالك ، متفرق است نفوذ ممالك معظمه مدخلیت‌تام داشت وهرکدام‌آن اصلاً دراثر غلبه مرام سیاسی یك مملکتی بوجود آمده‌است واصلاً ساکنین جزیره هم اغلباً قبایل‌متفرق بادیه نشین میباشند دراثر مخالفتهای قومی ویا تصادم نفوذ غیر از روز تشکیل آنها منازعات واختلافات سرحدی بسیار بین عراق ، ونجد ، نجد ویمن ، یمن وحجاز بوقوع پیوسته است .

کشمکش اخیر ماه (جدی) ابن سعود ملك حجاز ونجد وامام یحیی والی یمن از همین مناقشه های سرحدی است ونقاط متنازع فیه بین آنها قرار آتی است :

(۱) نجران ؛ در شرق یمن واقع وساکنین آن اسماعیلی یعنی نسبتی با طریقهٔ شیعه دارند و چون امام یحیی همکیش آنها می باشد حق حکمرانی نجران را ادعا می‌کند اما اهالی برغم اینکه قسماً سنی و حنبلی هستند میلان زیاد باابن سعود دارند . علاقهٔ نجران از عرصهٔ چند سال تحت الحمایهٔ ابن سعود است چنانچه امام یحیی نیز این تحت الحمایگی را قبول نموده است ولی درعین حال مذاکرات را در موضوع فیصلهٔ قطعی منطقهٔ مذکور باابن سعود شروع نموده وقبل ازینکه مذاکرات به نتیجهٔ واصل شود قوای یمنی باشغال آن مبادرت داده است .

(۲) عسیر : علاقهٔ عسیر بجانب شمال یمن واقع.واز ۱۸۷۱ تا ۱۹۱٤ مربوط ولایت یمن بود . در ۱۹۱٤ تحت نفوذ بریطانیا آمده وقرار معاهدهٔ مکه ۲۱ اکتوبر ۱۹۲۶ تحت حمایهٔ حکومت نجد وحجاز قرار گرفت . حال امام یحیی آنعلاقه را خاك یمن ادعا نموده عشایر را بر علیهٔ حکومت سعودی می انگیزاند از ترغیب اهالی برای تخلف از حکومت سعودی خود داری نمی‌کند .

(۳) مسئلهٔ ادریس : ادریس در ۱۹۱۱ بتشویق ایطالوی ها بر علیه عثمانی ها قیام نموده ودر خاتمه محاربهٔ مشهور « جیزان » اعلان استقلال نمود . این مملکت جدید التاسیس در سواحل بحرخزر

از « حدیده » الی « برکه » امتداد داشت . چون ادریس ملاحظه نمود که مملکت کوچك او درمیان دول نسبتاً بزرگ حجاز ، نجد و یمن استمرار حیات نمی‌تواند بعد ازوفات‌خویش در ۱۹۲۳ پسرش علی را ولیعهد و عبدالعزیز پادشاه نجد را وصی خود اختیار نمود . چون بندرهای ساحلی این مملکت منافذ طبیعی یمن را تشکیل میدهد امام یحیی بدان چشم دوخته واین وصایت را بنظر تنفر نگریست . حین محاربات نجد و حجاز امام یحیی مقام حدیده و شهرهای مهم ساحلی را اشغال نمود . بعد از ختم محاربه شاه نجد که درعین زمان مالك حجاز هم شد بنا بحقوق وصایت باقی خاك ادریس را اشغال نموده حسن برادر ادریس را درآنجا امیر تعیین نمود . در ۱۹۳۲ حسن عصیان‌ورزیده و به امام یحیی پنا برد بناءً علیه طرفین بمذاکره پرداخته پیشنهاد نمود که اراضی مقبوضه طرفین تمام تخلیه شده و بمملکت ادریس کمافی السابق استقلال داده شود ولی امام یحیی در اثر این عذر که طهامه از سواحل طبیعی یمن است پیشنهاد اورا رد نمود .

این بود مبدأ اصلی اختلافات که طبعاً جزئیات دیگری نیز دورآنها جمع وعواقب کشمکش طرفین را تیره نمود . قراریکه جرائد اخیراً می نویسند موافقت نظر تا حدی بین طرفین پیدا شده و امیداست از وقوع محاربه بین این دومملکت اسلامی جلوگیری شود .

صورت نزاع منبور که بقرار تشریحات فوق بشکل مذاکره و مفاهمه دربین حکومتین جاری بود در ۱۳ ثور ۱۳۱۳ به مجادلهٔ حقیقی عساکر طرفین منجر شد در نتیجه پس از زد وخورد مختصر افواج سعودی بخاك یمن پیشرفت کرده سپاه یمن را شکست دادند وبزودی مقام (حدیده) را متصرف شدند (ثور) وپیش قدمی و تعرض خود را بجانب صنعا « مرکز یمن » ادامه دادند چنانچه درعین زمان خبر قتل وفوت شاه یمن نیز درجرائد نشر شده و بلافاصله مذاکرات صلح در بین حکومتین جاری گشت و بالآخره بتاریخ ۲۴ ثور متارکه اعلان گردید اکنون بر مذاکرات صلحیه جریان دارد .

اتحاد جماهیر اجتماعی اشتراکی روسیه :

در ۱۳۱۲ اتحاد جماهیر شوروی درسیاست بین‌المللی سهم بزرگی گرفت مطبوعات روسیه بانشر نطق های لیدران سیاسی کامیابی های جدید جماهیر شوروی را گوشزد کردند معاهدات عدم تعرض با ممالك مختلفه و مجاور سویت از فنلیند تا افغانستان (باستثنای بعضی ممالك) از کامیابی های بزرگ روسیه بحساب میرود قرارداد تعریف تجاوز نیز بین روسیه و بعضی ممالك (وازآنجمله افغانستان) عقدگردید بین روسیه ، فرانسه ، چکسلوواکیه و بعضی ممالك دیگر تصدیق معاهده مبادله شد درین سال اتازونی و هسپانیه روسیه سویت را برسمیت شناختند روابط دوستانه بین سویت و تورکیه مستحکم و مناسبات آن باایران رنگ اصلاح گرفت ، اوضاع جاپان و تغیرات شرق اقصی باعث اضطراب لیدرهای سیاسی سویت گردید . قشون سرخ در سرحدات شرق اقصی تقویت یافت مسکو عواقب وخیم تصادم جاپان و سویت و نتیجه تغیرات منچوریا وآمال جاپان را در توسیع دائره امپراطوریت آن درآسیا مورد غور و مطالعهٔ عمیق قرارداده در ماه ثور حکومت سویت درمورد فروش حقوق خط آهن شرق چین رضایت داد مگر مذاکرات توکیو راجع بموضوع فروش خط آهن به نتیجه خوب رسید اوضاع داخلی روسیه تااندازهٔ

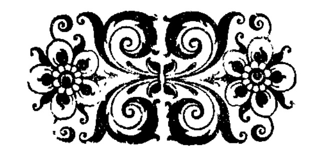


ستالین رئیس طبقهٔ رنجبران دکتاتور روس


ملاقات موسولینی ولیتوینوف در روما

اصلاح یافت بهار سال به خشکی گذشت . در سال ۱۳۱۳ بعضی اشخاص بجرم تخریب پلان های سویت محاکمه و ۳۵ نفر روسی باهتمام شرکت درین امر اعدام شدند . مهندسین انگلیسی و روسی که مستخدمین شرکت « میترو پولیتن ویکرز » بودند بالزام تخریب پلان محاکمه شدند جریان این محاکمه مولد هیجان در خارج گردید . در قسمت علوم و معارف از همه مهمتر پرواز با لونچی‌های سویت است که بارتفاع ۱۲ میل پرواز کرده ریکارد پروفیسر پیکارد را فسخ کردند درین سال پس ازانکه اتازونی روسیه شوروی را برسمیت شناخت باب روابط اقتصادی و سیاسی بین مملکتین مستقیماً مفتوح گردید دراواخر سال پالیسی روسیه درمقابل جاپان عوض شده وزعمای امور روسیه درطی نطق های شدیداللهجی که درمواقع مختلفه ایراد نمودند آمادگی قوای روسیه را راجع بمقابله پیش آمدهای خارجی گوشزد کردند از طرف دیگر پس از نزدیکی وقیام روابط سیاسی بین روسیه اوضاع ظاهراً درجاپان روبخوشی گذاشته و سفیر جدید جاپان دراتازونی درموقع ورود به خاک آن مملکت درمحضر نمایندگان مطبوعات صریحاً اظهار نمود که جاپان بهیچ وجه با اتازونی وبا روسیه شوروی نبرد نخواهد کرد چه جنگ با اتازونی ویا روسیه مستلزم حرب با چندین مملکت دیگر بوده معذالك اگر جاپان با چنین پیش آمدهای مبادرت بحرب کند مثل این است که بدست خویش خودکشی نموده وحالانکه جاپان هرگز باستقبال چنین اوضاع حاضر نخواهد بود .

باتمام این اوضاع افق سیاست در شرق اقصی درطول سال گرد وغبارآلود بوده وهمیشه افکار سیاسیون را بخود مشغول داشته است . در قسمت ساختمانهای مهم صنعتی و اکتشافات علمی درین سال نیز موفقیت های بزرگی نصیب دولت شوروی شده خاتمه یافتن کانال بین بحرا در بالتیك و بحر سفید که ۲۲۷ کیلومتر عرض وطول دارد ودرسال ۱۹۳۱ شروع شده بود ، وصعود کامیابانه بالون شوروی به ارتفاع ۱۹ هزار متر ، از مهمترین آن میباشد .

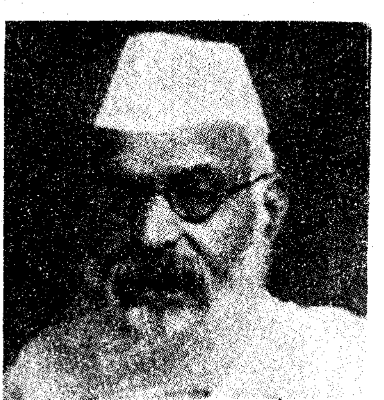


هندوستان :



لارد و لنگدن وایسرای هندوستان

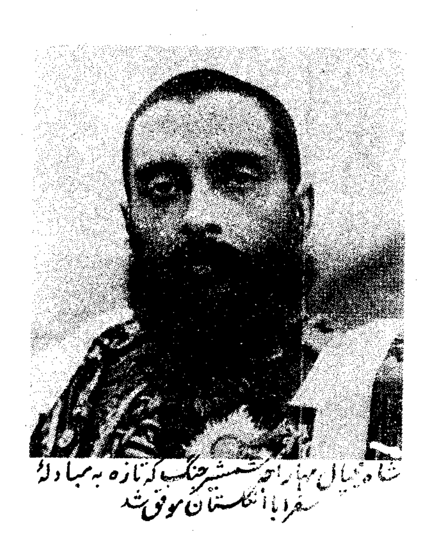
قرطاس ابیض که حاوی تصویبات انگلستان راجع به تشکیلات اساسی جدید هند بود نشر شد کمیته متحدهٔ منتخبه که ارکان آن از هر دو اطاق پارلمان انگلیس انتخاب شده بودند، بر مندرجات قرطاس ابیض بحث کردند از مندوبین هند و سپس از نمایندگان برما یاد داشت ها و مشاورتها آوردند، درین اثنا اوضاع سیاسی هند رو باصلاح آورد خلاف ورزی قوانین ضعیف شد عدهٔ محبوسین تحریك خلاف ورزی قوانین تقلیل یافت تعلیم مستر گاندهی درخلاف قوانین بطور انفرادی پیش نرفت بتاریخ ۱۱ ثور گاندهی درمجلس پونه به غرض رفع تضیق از طبقهٔ ناملموس اعلام داشت که (۲۱) روز روزه می گیرد بواسطهٔ هیجان پیروان، گاندهی بعد ازیك هفته از مرور این واقعه گاندهی از محبس رها شد. مستر گاندهی بعدازرهائی دوباره تصمیم خلاف ورزی قوانین را درپیش گرفت مگر دوباره بزودی حبس شد، چون تسهیلات کامله درمجلس برای اصلاح احوال طبقهٔ ناملموس نیافت بنا برین برعلیه رویهٔ حکومت



پتیل اولین رئیس هندی مجلس مقننهٔ هندوستان
کهسال گذشته دراروپا فوت شد

پروتست نموده دوباره روزه گرفت بتاریخ ۳۲ اسد بنا بر علل صحیحی از محبس تخلیص یافته دراواخر سال برای مطالعهٔ اوضاع ولایت متحدهٔ آگره واوده و مدراس برامد و ضمناً برای رفع خرافات ناملموسیت تبلیغ می نمود. درین سال بعضی اختلافات درحزب کانگرس واقع شد چنانچه دیمو کراتیك سوراج پارتی مولود همین اختلاف بود اختلال ودهشت انگیزی بنگال توجه اولیای دولت را معطوف داشت مستر برگ مجستریت ایالتی درمدناپور مقتول گردید.

گورنرایالت اعلام داشت که تاموقعیکه دهشت انگیزی خاتمه نیابد رویه تشدد آمیز حکومت عوض نخواهد شد درین سال مجلس قوانین مسودهٔ قانون تاسیس « فیدرل ریزربانك » را منظور کرد حکومت هند از ارزان فروشی جاپان درباز ارهای هند بستوه آمد و یاد داشتی درالغای معاهدهٔ



شاه نیپال مهاراجه شمشیر جنگ که تازه به مبادلهٔ
سفرا با انگلستان موفق شد

تجارتی هند و ژاپن اعطا کرد حکومت ژاپن وفد سیاسی در خصوص مذاکرهٔ معاهدهٔ جدید تجارتی بهند اعزام داشت در ماه قوس حکومت هند مسودهٔ قانون جدیدرا که وضع تزئید محصول را بر اموال ارزان ژاپن تصویب میکرد تهیه نمود ارباب صنعت نساجی لنکا شائر در سال ۱۳۱۲ وفدی بهند اعزام و بافابریکه داران بمبئی در خصوص عقد معاهدهٔ تجارتی تعاطی افکار کرد. در اواخر برج جدی زلزلهٔ مدهشی در ایالات بهار واوریسه و نیپال هند واقع و منجر بخسارات فوق العادهٔ مالی وجانی اهالی هند گردید برای تهیهٔ وسایل راحت مصیبت رسیده گان ترتیبات مهمهٔ معاونت و کمک گرفته شد. [1]



سومین کنفرانس میز مدور در لندن



یک منظره از خرابی های زلزلهٔ مدهش ولایت بهار هند (کارخانهٔ تنباکوی منگیر که کاملاً تباه شده است)

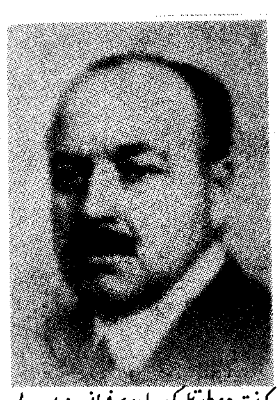
سوریا و فلسطین :

درسوریا ولبنان فرانسوی درطول سال امنیت بود ، پارلمان سوریا چون بر علیه معاهدهٔ فرانسه و سوریا شدیداً مخالفت کرد بنا بران اجلاس بطور غیر معین ملتوی گردید ، درفلسطین بسبب ورود یهودیها اوضاع اعراب دگرگون گردید مسلمانان برعلیه مهاجرت یهود بفلسطین پروتست نموده مبادرت بمظاهره کرادندا رباب حکومت مانع آن گردیدند چون مسلمانان قبلاً اعلان تظاهر کرده بودند از تکلیف حکومت انکار کرده در ٤ عقرب بیست هزار نفر اجتماع نموده شروع بمظاهره کردند ، قوای دولتی ممانعت کرده بالاخره کاربزد وخورد کشید قریب دوصد نفر مسلمان مجروح وشانزده نفر شهید شدند ، این واقعه درتمام شهرهای فلسطین اثرکرد ودرهمه جا مسلمین شروع


میجرجنرال آرثروشاپ کمیسر اعلای انگلیس درفلسطین

بمظاهره کردند . عدهٔ از زعمای مسلمین دست گیر شدند چون مسلمین فلسطین خلع سلاح شدند، بنا بران تضییق یهود وروبهٔ جانب داری حکومت راحت وطمانیت آنها را دست خوش اضطرار وپریشانی ساخته است .

برحسب شمارهٔ جدید اهالی فلسطین یك ملیون است که هشت صد وپنجاه هزار آن مسلمان صاحب خانه وکسب وملك اندو اهل آنجا حساب می شوند مهاجرت ومدعیات یهود در آنجا بکلی خلاف عدالت وانصاف است بندرگاه جدید « حیفا » درفلسطین در سال ۱۳۱۲ افتتاح گردید .


کونت دومارتل کمیسر اعلای فرانسه درسوریا

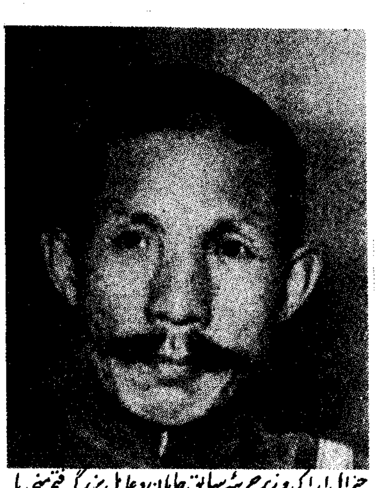


جاپان :

مملکت جاپان درین سال فعالیت سیاسی مهمی را سر دست گرفته وهم دچار مصائب اقتصادی وسیاسی زیادی بود ، پارتی افراطی به سر کرده گی جنرال اراکی وزیر حرب زمینهٔ جنگ را با روسیه وامریکا آماده می ساخت و موفقیت فتوحات جیهول و غیره نقاط چین ، انکار جوانان جاپانی را خیلی شدت بخشیده بود



سایتو رئیس الوزرای جاپان



جنرال اراکی وزیر حربیهٔ سابق جاپان و عامل بزرگ فتح منچوریا

ولی در اخیر سال به اثر استقرار روابط دیپلوماسی بین روسیه و اتازونی ونیز از باعث مشکلات مالی ، پارتی جنرال اراکی اقتدار خود را حفظ نتوانسته نامبرده استعفاداد وسیاست صلح جویانه تر درجاپان روی کار آمد .



جنرال هایاشی وزیر حربیهٔ جدید جاپان

اعلان امپراطوری نائب السلطنهٔ مانچوکو :

پرنس پوئی امپراطور مخلوع چین و نائب السلطنهٔ دولت مانچوکو درماه دلو با تشریفات زیاد درحضور رجال ملی وجاپانی ومنگولیائی اعلان امپراطوری نمود وباب جدیدی را درامور سیاسی شرق اقصی باز کرد .





هانری پوئی امپراطور سابق چین و نائب السلطنهٔ مملکت مانچوکو در اواخر سال ۱۳۱۲ - امپراطور مانچوکو اعلان شد

چین :

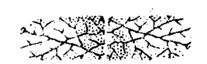
در ۱۳۱۲ سلسلهٔ محاربات چین و جاپان در حدود علاقهٔ واقعهٔ بین دیوار اعظم و ولایت جیهول ادامه یافت و بالاخره جاپان این علاقه (جیهول) را به مانچوکو شامل ساخت و اقعات حرب درین علاقه واقعاً درخور مطالعه است . چین اضافه از (۳۰۰) هزار قشون مسلح را درعلاقهٔ جیهول تمرکز داده بود حکومت جاپان در ۲۳ فروری اعلام داشت که این افواج را از علاقهٔ جیهول اخراج نماید ، چون مطالبهٔ جاپان از طرف دولت نانکین رد گردید قشون متحدهٔ جاپان و مانچوکو حمله آور گردیده و به سهولت افواج چین را مضمحل و جیهول را متصرف شدند



چیانگ کای شک جنرال معروف چین

در ماه عقرب چند نفر از مخالفین حکومت نانکین در فولکین اعلان مطلق العنانی نموده و مملکت چین را بخانه جنگی جدیدی تهدید کردند ولی بزودی سرکوبی شدند حصص مهم ولایت زیچوان بدست کمونست ها افتاد در سنکیانگ « ترکستان چین » مسلمانان نهضت کرده حکام چین را طرد و حکومت مستقلی تشکیل دادند

حکومت چین در اروپا و امریکا مساعی زیادی برای حصول امداد بعمل آورد ولی تاکنون به نتیجهٔ درستی نرسیده ، روی همرفته ، وضعیت عمومی چین دچار اختناق شدیدی میباشد .



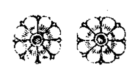
جمهوریت ترکیه :

در ٦ عقرب سالگرهٔ دهمین سال جمهوریت ترکیه با نهایت اجلال وگرمجوشی در ترکیه پذیرائی گردید وعدهٔ از اعاظم رجال نظامی وسیاسی ممالك خارجه درین جشن شمولیت ورزیده بودند ترکیه موفقیت مهم سیاسی را درین سال حاصل کرد ومناسبات دول بالقان که با ثر تاریخ باستانی ترکیه به آندولت خوب نبود دربر تو افکار غازی مصطفی کمال اصلاح شد در ۲۲ سنبله حکومت ترکیه ویونان برمعاهدهٔ عدم تجاوز برسرحدات امضا وحفظ مندرجات معاهده را تضامن کردند .

یک منظره ازجشن سال دهم جمهوریت ترکیه ونطق افتتاحیهٔ غازی مصطفی کمال
(رسم گذشت عسکری گرد بنای یادگار فتح)



عقد این معاهده در بلغاریه بطور عجیبی انعکاس کرده اولیای امور آن دولت تصور کردند که این معاهدهٔ بلغاریه را ازطریق به بحیرهٔ انجنین باز میدارد درهمین سال معاهدات دوستانه وعدم تعرض بین ترکیه وممملکتین رومانیه ویوگوسلاویه صورت گرفت مسافرتهای آقای توفیق رشدی بیگ وزیر امورخارجهٔ ترکیه بروسیه وایران وسائرممالك اثرات خوشکواری در تحکیم مناسبات ممالك همجوار ترکیه افکند مسئلهٔ حدود بین ایران وترکیه حل وفصل گردید ، اوضاع اقتصادی ترکیه حال بهبودی بخود گرفته صادرات خشکبارآن در امریکا واروپا روبزیادت گذشت فابریکهای مختلفه ومتعددی درمملکت تاسیس شدکثرت عرضهٔ اجناس وگوگرد ترکیه درشامات قابل تعریف است در ۱۱ قوس عمارت عدالت معروف اسلامبول آتش گرفت .



انگلستان :



انتانی ایدن سیاستمدار انگلیس موقع مسافرتیکه برای مذاکرهٔ امرو تخفیف اسلحه در پایتخت های اروپائی نموده است (شخص اول از طرف راست است - در وسط بارن فن نورات وزیر خارجهٔ آلمان)

در سال ۱۳۱۲ وضع تجارتی انگلستان صورت اطمینان بخشی بخودگرفته علائم و آثاری در بهبود و ترقی تجارت مشهود گردید ، باعقدمعاهدات تجارتی‌ممالک مختلفه‌زمینهٔ‌توسیع معاملات تجارتی انتظار میرود توسیع گردد در سال (۱۳۱۲) رقابت‌ومسابقت تجارتی ژاپان باانگلستان اثر ناموافقی انداخته موجب اضطراب و نگرانی شد معهذا وضع تجارت داخلی انگلستان اطمینان بخش و صنایع آهن ،فولاد، آلات برق منسوجات‌وپشم خیلی ترقی یافت‌بیکاران انگلستان قدری کم شد و منازعات اجرت کمتر گردید .

بسال (۱۳۱۲) در انگلستان خشك سالی پیش آمد بعضی مقامات آتش گرفت ؛ دوطیاره انگلیسی برای اولین مرتبه قلهٔ ایورست را عبور کرد .



بلندترین نقاط قلهٔ ایورست همالیه که ۸۸۸۲ متر ارتفاع دارد و در بهار سال گذشته بواسطهٔ طیاره های انگلیسی عبور و عکس برداری شده است

فرانسه :

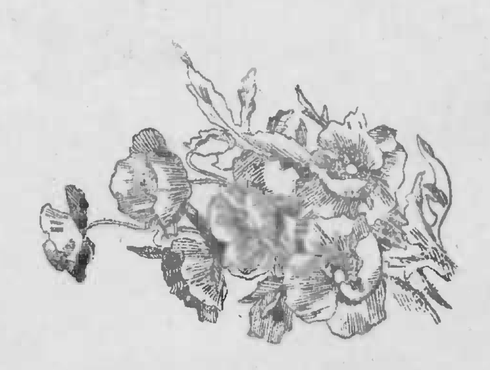


گاستون دومرگ رئیس جمهور سابق و صدراعظم حالیه فرانسه

در ۱۳۱۲ برای فرانسه سال خوشی نبود درین سال کابینه های متعددی تشکیل وسقوط نمود وبواعث آن بحران های سیاسی ومالی بود . حکومت فرانسه در ۱۳ سرطان برعلیه قبایل اعراب بربری درجنوب کوه اطلس (در شمال افریقا) عسکر کشیده بحرب شروع کردند درنتیجه قبایل طاعت فرانسه را قبول کردند .

در ایام کرسمس حادثهٔ ناگواری درفرانسه واقع شد چه قطار آهن « لاکنی » (۱۵ میل دورتر از پاریس) بایك قطار دیگر تصادم نموده (۲۰۰) نفر هلاك و عدهٔ زیاد مجروح شدند .

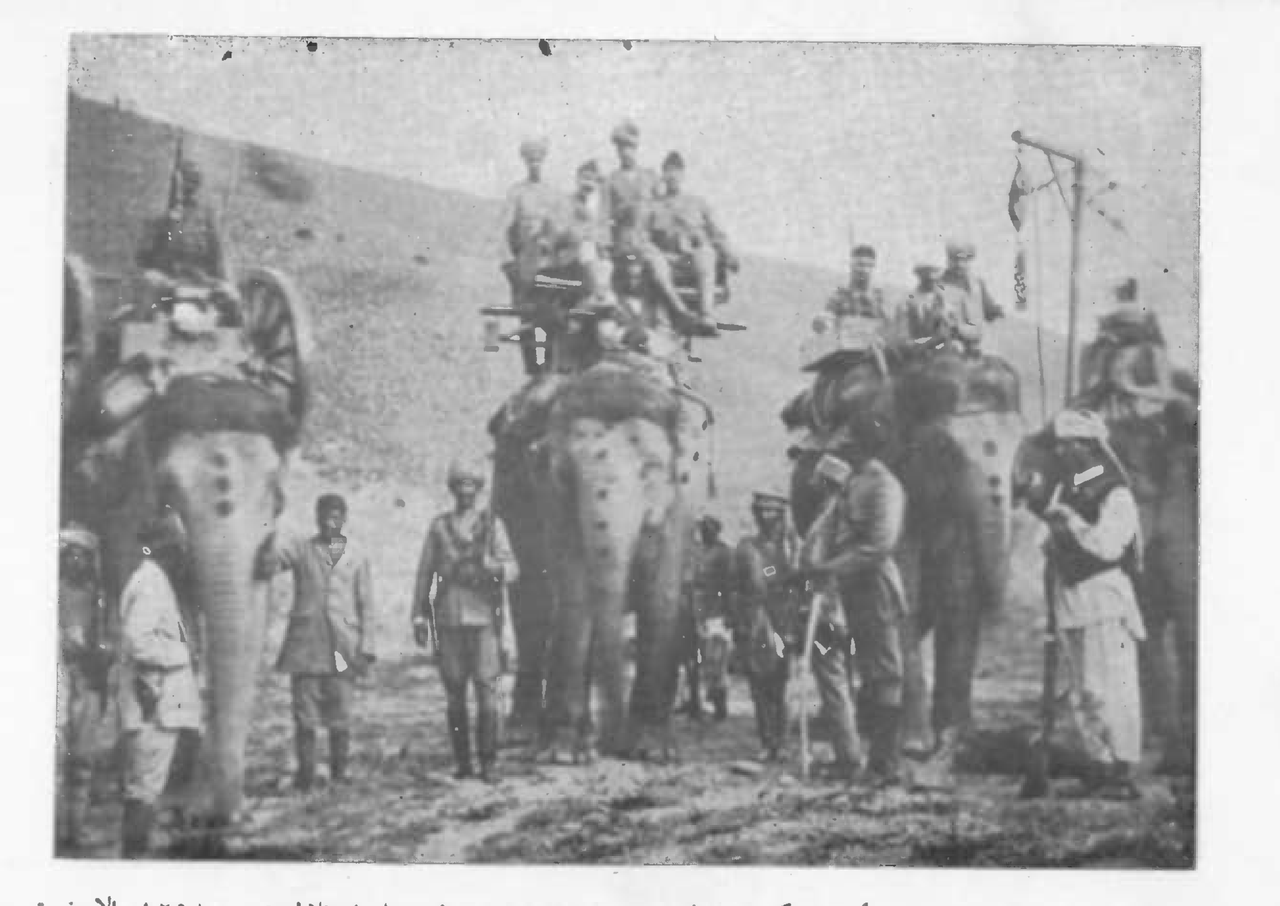
دراوائل سال ۱۹۳٤ بسبب اختلافات حربی کابینه های متعدد ومتواتر سقوط نموده ، وضعیت کسب وخامت کرد چنانچه درزد وخورد های پاریس ۱۸ نفر مقتول ومتجاوز از ۲۲۰۰ نفر مجروح گردیدند کشف غبن بزرگی دربلدیه شهر بایون که عامل آن ستاوسکی روسی الاصل و مبلغ عبارت از ۲۰۰ ملیون فرانك بود وضعیت را سخت ترساخته پس از انتحار مشارالیه موسیودومرگ رئیس جمهور سابق را بهتشکیل کابینه دعوت نموده و نامبرده کابینه را از تمام پارتی‌ها (بهاستثنای کمونیست‌ها) درماه دلو تشکیل داد اما اوضاع داخلی تاکنون اصلاح نشده است .





از مناظر حرب استقلال

والاحضرت سردارشاه محمود خان غازی در استحکام یك توپ ها و بیتسه تاثیرات انداخت را مشاهده می فرمایند



صورت حمل و نقل توپهای هویتزر در یکی از محاذ حربی سمت جنوبی به موقع جهاد استقلال در سنه ۱۲۹۸ والاحضرت
[illegible] سردار شاه‌ولیخان که دران وقت قوماندان و جنرال وزیرستان بودند

اتازونی:

در ۱۳۱۲ تیرگی و بحران مالی واقتصادی در همه اکناف اتازونی مشهود بود انظار تمام مردم بطرف مستر روزولت که تازه ازطرف ملت بریاست انتخاب شده بود متوجهٔ گردید اوضاع بانک داری ناگهان وخیم شده دهشت غریبی مراکز اقتصادی را فرا گرفت.

اتازونی در تجدید اصلاحات داخلی واعادهٔ فلاح و بهبود اوضاع تجارتی واحوال زارعین از تجارب بزرگ کار گرفت در (۱۳۱۲) مستر روزولت بار وسیه سویت معاهدهٔ منعقد داشته اتحاد جماهیر شوروی را برسمیت اعتراف نمود، تغییر پالیسی خارجهٔ اتازونی واعتراف رسمیت شوروی وقیام روابط دیپلوماسی باآن مملکت صفحهٔ جدیدی بروی سیاست عالم کشید رقابت اتازونی باجاپان وکنفرانس بحری سنگهاپور، روی همرفته مطالبی است که درصحنهٔ سیاست عالم افکار سیاسیون وزمامداران را بخود مشغول داشته است.

در اتازونی روزولت درقسمت حصول قروض خارجی اتازونی که بالای ممالك اروپائی است کوشش نمود باوجود آمدن مکدونالد رئیس الوزرای انگلیس وموسیو هریو نمایندهٔ فرانسه هیچ فیصلهٔ را بدست آورده نتوانست.

بلجیم:

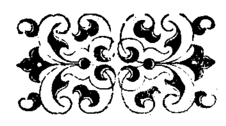
در ۲۹ دلو شاه بلجیم که بقلهٔ کوه (روچردومارش) صعود میکرد از کوه سقوط کرده هلاك شد ولیوپولد دیوك آف برابان پسر شاه متوفی به پاد شاهی بلجیم برداشته شد.



اعلیحضرت البرت اول شاه فقید بلجیم



اعلیحضرت لئوپولد سوم شاه جدید بلجیم



آستریا:


داکتر دلفوس صدر اعظم آستریا

در طول سال، پروپاگند نازی در آستریا شدت یافته، میان حکومتین آستریا والمان کشیدگی زیاد تولید کرده چنانچه در اخیر سال مزبور مملکت اول الذکر شکایت نامهٔ به مجمع ملل تقدیم نموده علاوه برین تمایل زیادی بسوی رژیم فاشیستی وایطالیا نشان داد. و بالاخره در اوائل امسال رسماً فاشیستی اعلان گردید.

رومانیه:


دیوکا صدر اعظم مقتول رومانیه

موسیو دیوکا رئیس الوزرای رومانیه در ماه جدی (۲۹ دسمبر ۱۹۳۳) از دست سه نفر سپاهی (کونستانتانیسکی، کارانیکار - و بیلی ماس) بمقام سینایا بقتل رسیده بعضی اغتشاشات داخلی روی کار آمد.



ملاقات دیپلو ماتها

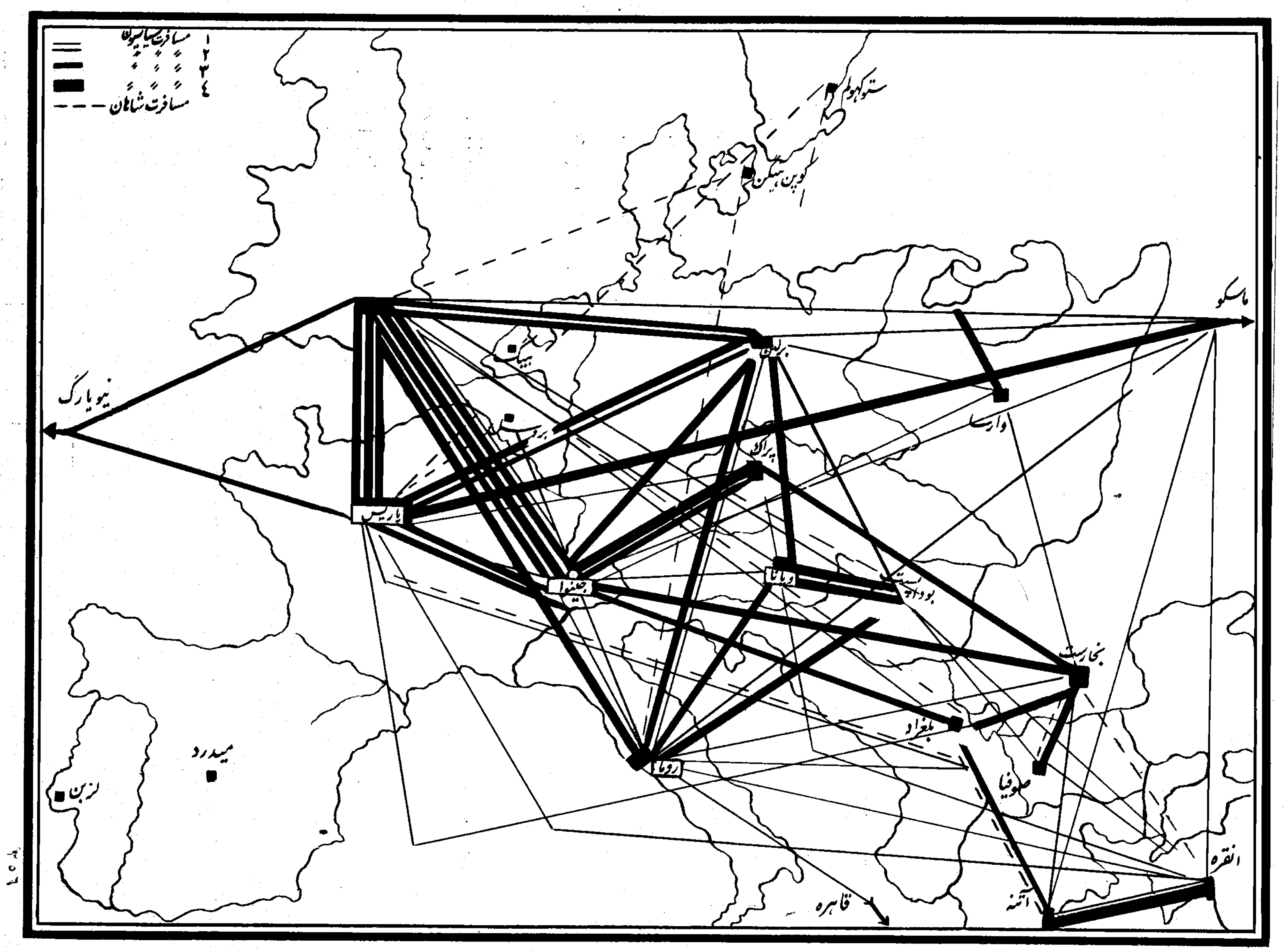
درسال ۱۳۱۲ رجال سیاسی دول . در ممالك ومراکز حکومات ذیعلاقه باندازهٔ سیاحت و ملاقات اجرا نموده اند که خارج تصوراست ، درنقشهٔ طول سیاحت و آنمملکت که بیشتر صحنهٔ دیپلوماسی را اختیار کرده بخوبی ارائه گردیده است ، سیاحت و ملاقات دیپلوماتهای اروپا بیشتر در پاریس ، لندن ، جینوا ، و دیگر چندمرکزاروپا بعمل آمده است نظرباحصائیه،ملاقات‌های متذکره قرارذیل است .

ملاقات بین پادشاهان	:	۱۸	دفعه
« « صدراعظم ها	:	۳۷	»
« « وزرای‌خارجه	:	۹۱	»
« « وزرای مالیه	:	۱۷	»
« « دیگررجال‌مهم	:	٤٤	»
جمله ملاقاتها		۲۰۷	»

در اثنای تمام ملاقاتهائیکه در فوق تشریح یافته باندازهٔ ۱۰۰ ر ۲۳۳ کیلومتر قطع مسافه شده .

خطوطیکه درنقشه بصورت نقطه نشانداده شده خط حرکت پادشاهان میباشد .





خطوط مسافرت سیاسیون قارهٔ اروپا در سال ۱۳۱۲

سیاحینی که در سال ۱۳۱۲

بافغانستان آمده اند

نمره	اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱	موسیو چهرماکین	چکوسلاویا	۱۳ حوت ۱۳۱۱	۱۳ حمل ۱۳۱۲
۲	« ایفولودهانی	ایطالیه	۲۳ حوت ۱۳۱۱	۲۲ حمل ۱۳۱۲
۳	عزتمند امین عالی بیگ	ترك	۱۳ حمل	تاحال خارج نگردیده
٤	مستر کیمپر	المان	۲۵ «	۳۰ ثور
٥	« ارنست بورشرس	«	۳۰ «	۱۹ ثور
٦	« مستبر	«	۱۲ ثور	۱۷ «
۷	« والتر مانیکه	جرمنی	۲۳ «	۳۰ «
۸	موسیو الوارزی	ایطالوی	۲٦ «	
۹	مستر ستیا دیو شوری	هندی	۱٥ جوزا	۲۹ جوزا
۱۰	« جی میك	امریکاء	۱۸ «	۲٦ «
۱۱	« ایس دی شنکر ونکاتا	هندی	۲۰ «	۲۹ «
۱۲	« شنکیچی نومورا	جاپان	۱۱ سرطان	۲۹ سرطان
۱۳	سردار پرتاب سنگهه	هندی	۱۲ «	۲۳ «
۱٤	موسیو ایف گریژر	فرانسه	۱۹ «	۲۰ «
۱٥	« دمینکو چرائی	ایطالوی	۳۱ «	۱۹ اسد
۱٦	مستر بی ایم فترس و یك نفر خانم و دو نفر ملازم بتعهٔ هندی	امریکا	۱۸ اسد	۱۲ «
۱۷	عزتمند ولی الدین فرحان	ترك	۷ «	
۱۸	مستر شنکچی ابی	جاپان	۲٤ «	۳۲ «
۱۹	« جان والمزلی	برطانیه	۲٦ «	۳۱ اسد
۲۰	« عبدالله جان	«	۲٦ «	۳ سنبله
۲۱	« فضل الرحمن	«	« «	«
۲۲	« سردار محمد	«	۳۲ «	۸ «
۲۳	« بیزلی	«	۳ سنبله	۱٦ «
۲٤	« اوربنر و یك نفر ملازم	امریکا	۳ «	۱٦ «
۲٥	مستر پی - ایچ - بنر	امریکا	۷ حمل ۱۳۱۲	۱۰ حمل ۱۳۱۲
۲٦	مستر جان پی اسپرول	«	۷ «	۱۰ «
۲۷	عزتمند محمد ادیب عبدالعزیز	فرانسه شام	۱۲ «	۲٤ «
۲۸	خانصاحب حاجی صورت خان و یکنفر باز محمدخان ملازم میعتی او	برطانیه	۲۱ «	۲۸ «

نمره	اسم	تابعیت	ورود	خروج
۲۹	مستر ثیف سوز و عیدی مستخدم حربی	جاپان	۱۸ «	۲۴ »
۳۰	مستر رابرت فلتن	امریکا	۲۵ «	۲۸ »
۳۱	موسیو البرت هاری	فرانسه	۳۱ «	۶ ثور
۳۲	سردار کاهن سنگهه بمعهٔ ملازم	برطانیه	۵ ثور	۱۶ »
۳۳	عزتمند یونس بحری	عراق	۲۶ «	
۳۴	مستر جنتان کینت	امریکا	۲۶ «	۳۱ جوزا
۳۵	عزتمند محمد تقی الدین الهلالی	مراکش	۳۱ جوزا	۳ سرطان
۳۶	موسیو نسان نامك چلنکر	ترك	۳۱ »	۵ »
۳۷	مستر هرمن سترمر و خانم او و یك نفر ملازم	جرمنی	۲۱ سرطان	
۳۸	موسیو سد لاچك رود لف	چکوسلواکیه	۲۲ »	
۳۹	جناب سردار عبدالرؤف خان و یك نفر ملازم	برطانیه	۱۴ اسد	۱۸ اسد
۴۰	عزتمند دکتور مصطفی علی بیگ	ترك	۱۳ «	۲۲ سنبله
۴۱	» محمود ندیم	ترك	۱۳ »	۲۲ »
۴۲	مستر جیفری چرات	برطانیه	۱۲ »	۱۹ اسد
۴۳	مستر البرت کینا	»	»	»
۴۴	مستر توماس گائس توکر	»	»	»
۴۵	مستر حشمت الله خان	»	۱۵ اسد	۳۰ اسد
۴۶	» کنیش داس هندو	»	۱۶ »	۳۱ »
۴۷	» پرتهمی چند هندو	»	»	»
۴۸	» بشیر احمد هاشمی	»	۱۹ »	۲۵ »
۴۹	» لال چند			
۵۰	» بهندرانات بمعهٔ یك نفر ملازم	»	۱۹ »	۲۹ »
۵۱	جناب مولوی فیروزالدین خان و عبدالواحد خان پسر شان ودو نفر ملازم	»	۲۰ »	اول سنبله
۵۲	مستر محمد حنیف	برطانیه		
۵۳	مستر سیو ر ام	»	۲۱ اسد	۲۸ اسد
۵۴	مستر هری چند	»	»	»
۵۵	آقای کپطان علی دوست خان	کوئتهٔ بلوچستان	۲۱ »	
۵۶	آقای سید محمدشاه خان و دو نفر ملازم	»		
۵۷	مستر رام چند تیکاکر	برطانیه	۲۲ »	۳۰ اسد
۵۸	مستر رام پرکاش	»	۲۴ »	۲۹ »
۵۹	آقای سید مصطفی طباطبائی	ایران	۲۴ »	۶ سنبله
۶۰	کرنیل امیر احمد خان	برطانیه	۱۸ اسد	۷ سنبله
۶۱	مستر خورشید جی ایم جی	»	»	۲۹ اسد
۶۲	» دوسابهائی حرمت جی	»	»	۲۹ »
۶۳	» پی ماستر هاردیشر	»	۱۹ اسد	۳۰ »
۶۴	» ایچ سوراب جی مارکر	»	۲۱ »	۲۹ »

نمره	اسم	تابعیت	دخول	خروج
۶۵	سردار راجا سر گوربخش سنگه با ۲۹ نفر معیتی	«	۲۳ «	۷ سنبله
۶۶	« پالکروزی	جرمنی	۴ «	
۶۷	« میخائیل کیس	«	۱۶ «	۱۸ میزان
۶۸	« کی کوما تسو و ملازم مذکور	جاپانی	۱۵ «	۱۱ «
۶۹	موسیو چرائی	ایطالیا	۱۵ «	۱۱ «
۷۰	« فرسه بمعهٔ خانم او	فرانسه	۱۹ سنبله	۴ «
۷۱	« پریستن	برطانیه	۲۰ «	
۷۲	مستر پکاولی	ایطالیه	۲۳ «	
۷۳	« بریك آف	المانی	۲۰ میزان	۲۶ «
۷۴	« گلبرت دوسل	امریکائی	۲۹ «	
۷۵	مسترفان بساوتس	المانی	۱۴ سنبله	۱۱ میزان
۷۶	والر تیست کبنس	امریکائی	۲۱ «	۴ «
۷۷	مستر عمر حیات ملك	برطانیه	۲۸ «	«
۷۸	مستر ضیاءالدین .	«	۲۸ «	۴ «
۷۹	مستر عبدالحق و یك نفر ملازم	«	« «	« «
۸۰	مستر رستم هندی	برطانیه		
۸۱	« شاشراف	«	۴ میزان	۱۴ میزان
۸۲	« کیخسرو	«		
۸۳	« هرنراین کپور	«	۵ «	۱۱ «
۸۴	موسیو اریدبر نائید	هنگری	۱۸ «	۴ عقرب
۸۵	جناب علی محی الدین الحسینی	فلسطین	۲۲ «	
۸۶	« محمد امین الحسین	«		
۸۷	جناب داکتر سر محمد اقبال	«		
۸۸	مستر هادی حسن	«		
۸۹	« غلام رسول	«		
۹۰	جناب سرراس مسعود حمید	«		
۹۱	مستر عبدالحمید ترجمان قونسلگری دهلی	«		
۹۲	جناب سید سلیمان ندوی	«		
۹۳	موسیو میشل دومازویچ	پولیند	۵ قوس	۹ قوس
۹۴	موسیو مکس ماسوت	فرانسه	۱۰ «	۳ جدی
۹۵	آقای غلام حسن خان	ترکستان شرق	۳ جدی	۶ حوت
۹۶	قربان الله خان و دو نفر ملازم	« «	« «	« «
۹۷	مستر تهرس و خانم او	امریکا	۲۸ دلو	
۹۸	جارج تیگرت و ملازم او	«		
۹۹	مستر مهجر شموناکا	جاپان	۱۳ حوت	
۱۰۰	« کوسترنك	جرمنی	۱۹ «	۲۲ حوت

نمره اسم	تابعیت	ورود	خروج
۱۰۱ امین آف یهودی	ایران	۳۰ »	
۱۰۲ عزتمند خالد رجب بیگ وخانم او	ترک	۱۲ عقرب	۲۵ عقرب
۱۰۳ « احمد رمزلی وخانم او	»		
۱۰۴ « داکتر رفعت	»		
۱۰۵ مستر یوشی جی اوی ها را	جاپان	۱۲ قوس	
۱۰۶ « کیزوتنا کا			
۱۰۷ موسیو انتو نووکس	فرانسه	۲۲ »	
۱۰۸ « ایس موریس وخانم او	المانی	۱۷ جدی	
۱۰۹ « تنا کا			
۱۱۰ « یامانوچی	جاپانی	۲۵ »	۱۱ دلو
۱۱۱ « یاماماتو		۲۵ »	۲۸ »
۱۱۲ « وادیا ایف	برطانیه	۲۱ دلو	۲۹ »
۱۱۳ « کی کاگا وا بمعهٔ ملازم	جاپانی	۲۹ »	
۱۱۴ « آقای عبدالقادر خان	ترکستان‌شرقی	۲۵ حوت	
۱۱۵ مستر عبدالعزیز	هند	۲۷ »	



مستخدمین خارجی در افغانستان



عزتمند ، ظفر حسن بیگ سرمعلم
توپچی مکتب حربیه



عزتمند ، خالدرجب بیگ متخصص موزیك



عزتمند امین‌عالی بیگ عضو دائرهٔ
تعلیم و تربیهٔ وزارت معارف



عزتمند ، حسن رشاد بیگ رئیس فاکولتهٔ طبی



عزتمند ، موسیو بوانی مدیر مکتب عالی استقلال



عزتمند ، داکتر ایون مدیر عالی مکتب نجات



عزتمند ، موسیو فریسی معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند ، موسیو گاریگ معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند ، موسیو کورتاه معلم مکتب عالی استقلال

Les Employés Étrangers en Afghanistan.



عزتمند ، هر فدرس معلم مکتب عالی نجات



عزتمند ، موسیو هنف معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند ، موسیو بودوان معلم مکتب عالی استقلال



عزتمند، داکتر بروکل معلم مکتب عالی نجات



عزتمند ، هر کراوتر معلم مکتب عالی نجات



عزتمند ، هر نوپیاستر معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر گلونیک معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر بورگهارد معلم مکتب عالی نجات



عزتمند، هر کراکر فون شوارتسن فلد
معلم مکتب عالی نجات

Les Employés Étrangers en Afghanistan.



آقای سید قاسم خان « رشتیا »

سرمایه های بزرگ
در برابر بحران عالمگیر

بقلم جناب سید قاسم خان « رشتیا »
عضو انجمن ادبی



جیمی وایت متمول معروف انگلستان

از بحران اقتصادی، که درین چند سال اخیر به همهٔ عالم طاری شده، وقتیکه سخن گفته میشود، وضعیت اختناق معاملات، افلاس بانکها و زیاد شدن بیکاران، مد نظر انسان مجسم میگردد. اما مسئلهٔ دیگری که اختلاف کوچکی باقضیهٔ فوق دارد، بیشتر اذهان کنجکاو را مشغول ساخته میتواند: سرمایه های معروف در میان این تشنجات دنیای مریض بچه حال در آمده است؟ آنانکه متمولترین اشخاص عالم بشمار می رفتند بمقابل طوفان عمومی چه قسم مقاومت ورزیده می توانند؟ آیا ملیون های شان در هوای منقلب تبخیر شده یا اینکه کم و بیش به حفظ آن موفق آمده اند؟



کلرنس هارتی متمول انگلیس

تفتیش این مسئله آنقدریکه گمان میشود آسان نیست. زیرا ممتازان خوش بخت همان طوریکه در موقع نفع آرام و نزاکت شعار بودند، در وقت نقص و خساره مندی نیز خود را بسهولت از دست نمیدهند. بنابران هنوز هم مطمئن ترین منابعیکه در دست است احصائیه های مالیات میباشد. اما اظهارات مامورین بطور اجباری اصل حقیقت را منعکس نمینماید، در اکثر ممالك دفتر مالیات نسبت به اصل سرمایه به عوائد سالانهٔ آن بیشتر

توجه میکند. معهذا ملاحظهٔ این احصائیه های رسمی یك اندازه معلومات مفیدیرا ارائه کرده می تواند.

ملیونر چیست ؟

زبان عادی برای تعیین یك شخص بسیار متمول کلمهٔ (ملیونر) و برای کسی که تمول افسانوی داشته باشد کلمهٔ (میلیاردر) را استعمال میماید. باید دانست که این دو کلمهٔ بذات خود چیز بزرگی را خاطر نشان نمیمایند زیرا یك اندازه یاپیمانهٔ معینی را نمایندگی نمی کنند.



اتوکاهن متمول امریکائی

آیا فرانسوی را که یك ملیون فرانك یعنی سالانه پنجاه هزار فرانك عایددارد، ملیونر میتوان گفت ؟ به این حساب چقدر ملیونر هائی وجود خواهدداشت بدون آنکه خود شان موقعیت خود را بدانند.

ملیونر آلمان که همراه یك ملیون مارك خود ٦ برابر ملیونر فرانسوی متمول است، اهمیتش بیشتر ولی بمقابل ملیونر امریکائی بایك ملیون دالر و مخصوصاً دربرابر ملیونر انگلیسی که یك ملیون پونددارد، چیزی نیست.

بعضی اشخاص دیگر، لقب ملیونر را به کسانی میدهند که عوائد سالانهٔ شان بیك ملیون برسد. بحساب فرانك و مارك لقب مزبور اعجاب ندارد. به حساب دالر ملیونر هاازیك حلقهٔ کوچك ممتاز تجاوز نمینماید وخاصتاً به پوند، اگر حساب شود ٥ فیصد مدنظر گرفته شود سرمایهٔ ملیونر باید ٢٠ ملیون پوند یا ١٧٠٠ ملیون فرانك باشد. بهرحال تعریف اهمیت ندارد بلکه اعداد را ملاحظه باید کرد.

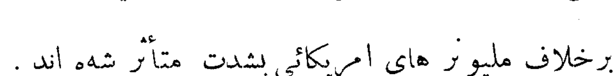
احصائیه ها چه میگویند ؟

ازروی عقیدهٔ عمومی، امریکا خاك کلاسیك ملیونر ها است ودر حقیقت درآنجاست که انسان با بعضی از قارون های معتبر و روشناس مقابل می شود، اما شاید متمول انگلیسی محکم تر و زیاد تر باشد، زیرا در ١٩٢٤ در انگلستان ٦٠١ نفرچنان اشخاصی

حساب شده بود که سالانه ۵۰۰۰۰ پوند عائد داشته گمان می شد سرمایهٔ هرکدام به یك ملیون پوند برسد .


بیرپن مارگن متمول معروف اتازونی

بحران اقتصادی این تعداد را تقلیل داده ، اما هنوز هم درسال ۱۹۳۲ میلادی ۵۴۰ ملیونر وجود داشت . تعداد اشخاصیکه سالانه ۱۰۰٬۰۰۰ پوند عایدات یعنی دو ملیون پوند سرمایه دارند نیز از ۱۴۴ به ۱۷۵ نفر ترقی کرده ازین ، معلوم میشود که متمول انگلیسی بواسطهٔ واقعات عمومی چندان فشار ندیده است .


برخلاف ملیونر های امریکائی بشدت متأثر شده اند .

در ۱۹۲۹ که سال ریکارد رفاهیت شناخته شده ، در اتازونی ۴۳٬۰۰۰ نفر ملیونر دالر که عائد سالانهٔ شان ۵۰٬۰۰۰ دالر است وجود داشت. اما در ۱۹۳۲ عدهٔ اشخاص مزبور از ۱۹٬۰۰۰ تجاوز نمی نمود. این بخت برگشتگی درمیان « سوپر ملیونر ها » یعنی آنهائیکه عواید سالانهٔ شان بالاتر ازیك ملیون دالر است محسوس تر میباشد زیرا سوپر ملیونر های اتازونی بسال ۱۹۲۹ میلادی ۵۱۳ نفر حساب شده ولی در سال بعد فقط ۱۴۹ نفر باقی مانده بود. در ۱۹۳۱ به شهر نیویارك که قریب نصف « مولتی ملیونر های» (۱) امریکائی دران سکنی دارد تنها مولتی ملیونر ۹۰ ساله موسوم به « جان ـ د ـ راکفیلر» باقیمانده بود که عایداتش از یك ملیون تجاوز می کرد (بطور صحیح ۱٬۱۰۰٬۰۰۰ دالر) : پسر مشار الیه « جان ـ د ـ ج ـ راکفیلر » که در ۱۹۲۴ یعنی قبل از نصفهٔ اخیر دورهٔ رفاهیت بحساب ۶٬۲۷۸٬۰۰۰ دالر عایدات ، مالیات می پرداخت در ۱۹۳۱ بدفتر مالیات بیش از نیم ملیون عاید ، قلمداد ننمود . باید دانست که قانون مالیاتی اتازونی در مورد سرمایه های بسیار بزرگ آزادی


راکفیلر امریکائی جو (و پسرش) که متمول ترین افراد عالم شناخته میشود

(۱) کسانیکه چندین ملیون سرمایه دارند .

مخصوصی دارد به اینقسم که هرکس در معاملات خود بیش از اندازهٔ عواید سالیانهٔ خود متحمل نقص گردید، از تادیهٔ مالیات معاف میشود.

بهمین جهة است که مقتدر ترین صرافان عالم « جان‌پیرپن مورگن » درسنوات ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۲، توانست که یك پول مالیات نپردازد و اسمش در فهرست ملیونرها داخل نباشد. این داخل نبودن اسم او در فهرست، افلاسش را نشان نمی دهد.

ایوار کروگر سویدنی شاه گوگرد که چندی قبل مخفیانه انتحار کرد

درآلمان نیز سرمایه های بزرگ خیلی تقلیل یافته است، زیرا متمولین آنجا بیشتر ازبحران اقتصادی، در اثر انفلاسیون (۱) اخیر خیلی صدمه خورده بودند. چنانچه در ۱۹۱۳ به تعداد اشخاصیکه بیش ازیك ملیون مارك سرمایه داشتندبه ۱۵،۵۰۰ نفر می رسید اما ده سال بعد عدهٔ آنها فقط ۴،۰۰۰ نفر حساب می شد. سرمایه های بالاتر از ۱۰ ملیون مارك را قبل از جنگ عمومی ۲۲۹ حساب کرده بودند، ولی پس از جنگ عمومی تنها ۳۳ ازآن باقیمانده بود. بسال ۱۹۲۶ هنوزهم ۴۹ نفری وجود داشت که عایدات سالانهٔ خود را بیش ازیك ملیون مارك ادعا می نمودند. لاکن درحال حاضر این طبقه تقریباً بکلی ازاحصائیه ها مفقود گردیده‌است. آخرین احصائیهٔ مالی‌آلمان که بابت‌سال ۱۹۲۸ انتشار یافته عدهٔ ملیونرهای مارك‌را ۲۹۹۴ نفر ظاهر می‌سازد که ازآنجمله‌فقط ۱۸۰ آن بیش از ۵ ملیون‌سرمایه دارند. یقین‌است که ازآن‌تاریخ به‌بعد‌تقلیل‌مهمی‌درعدهٔ‌مزبور رخ داده‌خواهد بود.

بعضی قربانی های معروف


ساموئیل انسول سرمایه دار بزرگ امریکائی که افلاس نموده ابتدا فرار و در یونان محبوس و بعد تسلیم

وقتی از خساراتیکه بر « مولتی ملیونرها » وارد شده سخن بمیان می آید، لازم است مابین کسانیکه سرمایهٔ شان کاملاً غرق شده و اشخاصیکه فقط ازیك کم‌قیمت شدن عمومی متأثر شده اند، تشخیصی بعمل آید. با وجود این، قربانی های « افلاس های بزرگ » درین سال های اخیر خیلی کم است. مهمترین قربانی های افلاس، « ایوار کروگر » شاه گوگرد

(۱) رواج فوق العادهٔ نوت که پول‌را بکلی از قیمت می اندازد ودر سال های بعد از جنگ درالمان بقسم خطرناکی واقع شده واقتصادیات آن مملکت را بکلی بر باد ساخت.

است که عایدات سالانه اش در ۱۹۲۸ به ۲ ملیون کورون (سکهٔ سویدن) میرسید و ٤ سال بعد موقع انتحار خود ۹۳ ملیون دالر قرض شخصی و ۷۵ ملیون دالر قروض متفرقه‌را باقی گذشت.


غنی متمول معروف فرانسه

نظیر این واقعه، حال بربادی برادران «انسول» امریکائی (از اهل شیکاگو) است که تجارتخانهٔ عمدهٔ شان در سال ۱۹۳۳ ورشکست و معادل ۲۵ ملیون دالر خسارهٔ را متحمل گردید، علاوه برین در جملهٔ افلاس های بزرگ بعد از جنگ ورشکست مؤسسات «سوسوکی» شرق اقصا را نیز حساب میتوان کرد که درسال ۱۹۲۷ قروض آنها به ۲۰۰ ملیون دالر مبالغ شده بحالت واژگونی درآمد، تمول «الفرد لوونستن» صنعت گر معروف بلجیم نیز درزمان «گرمی بازار» بزرگ ابریشم مصنوعی تقریباً مساوی به اندازهٔ فوق‌الذکر بود و هرکس بیاد دارد که نامبرده چگونه دروقت احساس ورشکست ازطیاره خود را به بحر شمال انداخت.

خسارات صنعتی اتازونی

اگرچه سرمایه های بزرگ خصوصی درحالت استواری ومتانت معرض خطر بورسه واقع نمیشوند، واضح است تبدلات بورسه بالای آن‌ها شدیداً نفوذ نموده می‌توانند زیرا که درمعاملات عموماً بکاغذنوت تبدیل میگردند. پس وقتیکه نوت تنزل مینماید یك قسمت تنزل مؤثردرسرمایه های مزبوروارد میشود که بی‌اهمیت تلقی کردن آن غیرممکن است. کوچك ترین دارندگان اوراق (اسهام) درهرلحظه می‌تواند همراه بانك مفاهمه نموده مبلغ صحیح سرمایهٔ خودرا درك کنندا ماسهم داران بزرگ این کاررا اجراء کرده نمی‌توانندچه درموقع تنزل سنجش حسابات برای آنها خسارات مهمی‌رانتیجه میدهد. معهذاسهم داران عمده درمعاملات مجبورندسرمایه خود را بافرضیات سهمی بورسه حساب کنند. لهذابایددرموقع بحران خسارتی راکه برصنعت گران بزرگ وارد شده بامدنظرگرفتن همین نکات اندازه نمود.

بزرگ ترین سرمایه های معلومیکه امروزباقی مانده، مثل سابق در دست خاندان راکفیلرمیباشد، حتی قدرت راکفیلرها درین اوقات‌اخیر ترقی‌مزید یافته است به‌این معنی که

الیدریج، داماد، جان ـ د ـ راکفیلر پیر ـ مدیر عمدهٔ (چیز بنگ) گردیده است که رقابت آن جماعت‌مورگن را خیلی خساره مندساخته است . راکفیلرکه درمنابع تیل‌خاك‌با«هنری ویتردنگ» صنعت گرمعروف انگلیس وهولندی رقابت دارد، همیشه موسسات خود را با نهایت حزم واحتیاط اداره کرده است ازطرف دیگراسهام راکفیلر درین اوقات اخیر دربورسه نسبت بدیگراسهام صنعت امریکائی موقعیت ممتازی دارد . بهرحال اسهام جماعت (ستیند ردآیل) که قسمت‌عمده سرمایهٔ راکفیلررا تشکیل‌میدهدبانداز ؤیك پنجم‌تنزل‌یافته‌است، درزمان سعادت وپیش رفت اقتصادیات‌که‌سال۱۹۲۹ میباشد سرمایهٔ خاندان راکفیلربه استثنای ۵۵۷ ملیون دالرکه‌جهت امورعملی‌وخیریه‌وقف شده به‌یك میلیار دالرتخمین می‌شد ولی درپست ترین نقطهٔ بحران یعنی دراوایل سال ۱۹۳۲ تمول آن‌خاندان از(۲۰۰) الی ۲۵۰ ملیون‌دالرتجاوز نمی‌نمود . امااز‌آن وقت به‌بعدقراریکه مظنهٔ بورسه نشان میدهد، گویاثروت مزبور دوباره مضاعف شده است .


هانری فورد صاحب کارخانجات معروف موتر سازی امریکا

دومین‌متمول‌آتازونی « هنری فورد » وپسرش « ایدزل فورد»میباشند که سرمایهٔشان‌بسال۱۹۲۸ یك میلیار و دوصد ملیون دالر اندازه‌شده بود، فورد همیشه افتخارخویش را درین دیده است‌که ازمسابقهٔ بانك بزکنار واسهامش ازعملیات وال ستریت (بازار صرافی نیو یارك) دور باشد. بهمین سبب ازروی سنجش های بورسه سر مایهٔ او تخمین شده نمی تواند اما محدود شدن حاصلات کار خانجات موتر سازی فورد وتنزل دیگر تجارتخانه های بزرگ اتوموبیل ، انسان را بفکر می‌اندازدکه فورد نیزاز


میلن متمول معروف سفیر و وزیر خزینه سابق ... آتازونی

بحران اقتصادی صدمهٔ زیادی را متحمل‌شده و اکنون سرمایه اش در حقیقت **پیش از یك** دهم زمان سابق نمیباشد.

حالت سومین متول امریکائی یعنی برادران «میلن» را نیز بهمین منوال قیاس **می‌توان نمود.** «اندریو ــ و ــ میلن» سفیر و وزیر سابق خزانهٔ امریکا، و برادرش «ریچرد ــ ب ــ **میلن» که تازه** فوت کرده است ـ موسسین صنعت المونیوم امریکا و مهمترین شرکای (المونیوم کمپنی **آف امریکا)** بشمار می روند.

علاوه برین برادران مذکور در صنعت برقی (وستنگ‌هوز) و صنائع تیل خاك **(گلف آیل)** در بانکها و کمپنی های بحرپیمائی و غیره منافع مهمی را دارا هستند. در **۱۹۲۹** ثروت **ایشان ۲۰۰** ملیون دالر حساب شده بود. از آن پس اسهام (المونیوم کمپنی) **۲۵** فیصد تنزل **نمود** و به **۲۵** فیصد قیمت اصلی خود رسیده بود.

امادرین اوقات دوباراستحکام پیداکرده است. حاضراً ثروت برادران **میلن باید** در حدود **۱۰۰** ملیون دالر باشد.

متمولین معروف صنائع معدنی امریکای جنوبی نیز بچنین قسمت های بدی گرفتار **آمده** اند: ازآنجمله معتبر ترین آنها «شاه مس» موسوم به «گیوجنهیم» و **(شاه قلعی)** «پاستینو» (بولیویائی) میباشند. ولی خسارت بلند تریکه وارد شده در **«صنائع جوان»** است. صنائع جوان عبارت اند ازابریشم مصنوعی، گراموفون، رادیو، هوابازی و غیره در وقت رفاهیت و سعادت اقتصادی بعضی اسماء کسب‌شهرت نموده بود مثل **«داویدسارنوف»** مؤسس «رادیوکارپوریشن».

این اشخاص دوباره بزمین خورده، اکنون در جملهٔ مولتی میلیونر های **امریکائی** محسوب نمی شوند.

در آلمان و اروپای مرکزی

خساراتیکه در ثروتهای عمدهٔ آلمان وارد آمده اگربا اندازهٔ امریکا نباشد در **وخامت** ازآن کمتر هم نخواهد بود. درسالهای اخیر قبل ازبحران، متمولترین **اشخاص آلمان شخص** تازه واردی موسوم به «فریدریش فلیك» صنعت گرمعدنیات بود که ابتداء درسلیشیای

علیا جا گرفته و بعد در مؤسسهٔ بزرگتر صنائع سنگین ریوهر (وبرینیگت ستاهلورك) موقعیت ممتازی احراز نمود. ثروت مشارالیه وقتیکه باوج کمال خود رسیده بود (۵۰۰) میلیون مارك تخمین می شد. از آن وقت به بعد تنزل کرده اما فلیك با تدبیر ماهرانهٔ نفوذ خود را بالای یك موسسهٔ دیگر المان غربی موسوم به (ارینیش برونکوهل) توسیع داده به اینوسیله توانست که سرمایهٔ خود را مجدداً استواری به بخشد. بر خلاف فلیك که بزحمت شخصی خود کسب تمول نموده بود، « فریتز تهیسن » معادن ذغال و ذوب کاری را که ۲۰۰ ملیون قیمت می شد از خانه وادهٔ خود به ارث برده، اما قیمت مزبور از آن وقت به بعد خیلی تنزل نموده است. در جملهٔ سرمایه داران بزرگ آنکه کمتر صدمه دیده « اوتووولف » میباشد که قبل از بحران با (۱۰۰) ملیون مارك خود درجهٔ سوم را دربین متمولین مملکت احراز کرده بود. حالانکه « گروپ » معروف که پیش از جنگ عمومی دربین تمامی سرمایه داران آلمانی درجه اول را داشت، از باعث انحلال فابریکهای اسلحه سازی خود، اسمش از قطار متمولین بسیار بزرگ محو گردید.



اوتوولف متمول آلمانی

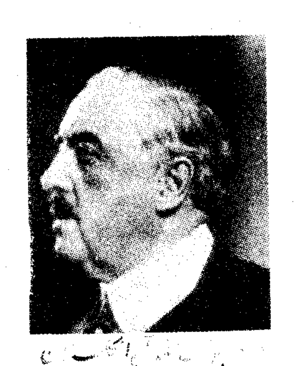
در اروپای مرکزی مملکتی که در آن متمول ترین صنعت گران وجود دارد المان نه بلکه چکوسلواکیه است: این شخص (تیشیك) « شاه ذغال » است که رگهای وسیع ذغال سنگ را مالك میباشد. شاخ خاندان تیشیك که در شهر پراگ (پایتخت) جای دارد، ومنافع بانکی بزرگی را دارا بوده ثروت شان بدو ملیون کورون چکوسلواکیه می رسد، از بحران جز صدمهٔ خفیفی را متحمل نشده است.



تهیسن سرمایه دار آلمانی

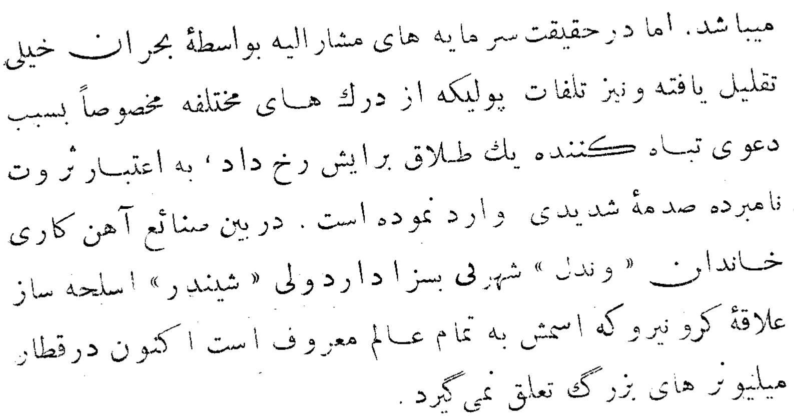
در انگلستان و فرانسه

علاوه برین در جملهٔ سرمایه دارهائیکه بمقابل بحران خوب مقاومت نموده اند، چند نفر فرانسوی و انگلیسی را نیز تذکار میمایند. بر خلاف امریکا و آلمان، انگلستان و فرانسه تنها ممالکی هستند که دران ها سرمایه های شخصی در صنائع مخصوصه توديع شده است. در انگلستان « ایرل آف ویگ » (از خاندان آبجوفروش های گینس)



از پدرش دو ملیون پوند سترلنگ ارث برده . درفرانسه « ژیله » صنعتگر ابریشم کاری و « هنسی » رئیس فابریکهای کونیاك همراه تاجر گندم فروش « اوی لومی دریفیوز » در قطار مولتی ملیونرها ، درجه اول را حائز شد.

تا همین چندسال پیش در خارج گمان میکردند که فرانسوا کوتی مالك کارخانه جات عطرسازی ، متمول ترین صنعت گران فرانسه





میباشد. اما درحقیقت سرمایه های مشارالیه بواسطهٔ بحران خیلی تقلیل یافته ونیز تلفات پولیکه از درك های مختلفه مخصوصاً بسبب دعوی تباه کننده یك طلاق برایش رخ داد ، به اعتبار ثروت نامبرده صدمهٔ شدیدی وارد نموده است . دربین صنائع آهن کاری خاندان « وندل » شهرتی بسزا دارد ولی « شیندر » اسلحه ساز علاقهٔ کرونیرو که اسمش به تمام عالم معروف است اکنون درقطار میلیونرهای بزرگ تعلق نمی گیرد .

ثروتهای محفوظ

امابغیر از ثروتهای صنعتی ، یك نوع سرمایه های دیگری هم وجود دارد که بواسطهٔ نوعیت خود ازعوارض وحادثات محفوظ تر معلوم می شوند .

این ثروتها را می توان « محفوظ » یا « راکد » تسمیه نمود . زیرا اسهام عوائد مشخص واقساط معین واجاره های مطمئن داشته ، بصورت املاك غیر منقوله وغیره نمایش می یابد . در مواقع انقلابات اقتصادی و پولی بهترین وسیلهٔ حفظ سرمایه این است که مالکین دارائی خود را بقسم طلا یانوت های بانکی که به اعتبار طلاباشد ، بیاندوزند .

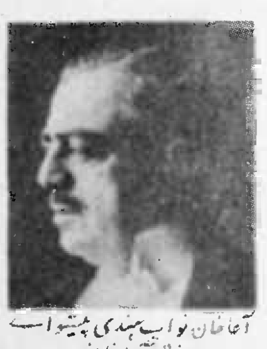
وبسا سرمایه داران بهمین وسیله متشبث گردیده اند . به دلائل زیادی که نام بردن آنها اسباب طولانی شدن مقال می شود ، این طریقهٔ اندوختن پول ، درمورد سرمایه های بسیار بزرگ ، لااقل درممالك اروپائی استعمال شده نمی تواند . ولی در مشرق زمین مخصوصاً

در هندوستان که مهمترین سرمایه ها بواسطه طلا و سنگهای قیمتی تشکیل شده ، طریقهٔ مزبور به بسیار خوبی عملی می‌شود . درحقیقت این گنج ها نیز بکلی از تبدلات اقتصادی خلاص نیستند ؛ چه قیمت های درست ترین وقشنگ ترین برلیان ها تغیرات بازار پنبه هندی را تعقیب میکنند واقعاً بهترین خریداران الماس ها ودیگر احجار قیمتی ، زمین داران بزرگ هند می‌باشند وقتیکه حاصل پنبه کسر می‌کنند اسم هندوستان ازفهرست بازار جواهرات گران بها مفقود میگردد وبنابر آن قیمت آنها کم می‌شود و بمجردیکه وضعیت پنبه اصلاح می‌یابد ــ چنانکه درین چند ماه اخیر مشاهده شده — متمولین هندی سرازنو الماس وجواهر خریداری کرده نرخ آنها دوباره بلند می گردد .


اعلیحضرت مظفر الملک والممالک نظام الملک نظام الدوله نواب میرسر (عثمان علی) خان بهادر فتح جنگ نظام حیدرآباد دکن

نوابهای هند

ازحالا ایقان حاصل شده که سرمایه های هندی نسبت بسرمایه های غربی بحران را خوبتر تحمل کرده است با وجود این‌آیا سرمایه های مزبور که اکثر اوقات به اعداد عجیب وغریبی نمایش داده می‌شود چه اهمیت دارند ؟ تعین اندازهٔ صحیح آنها مشکل است زیرا که وسائل تفتیش وجود ندارد . بزرگ ترین سرمایه های هندوستان را عموماً به نظام حیدرآباد نسبت میدهند که ازقرار معلوم خزینهٔ او به تنهائی بیش از ۱۰۰ ملیون پوند سترلنگ ارزش دارد وازجواهرات مرکب است . عوائد سالانه نظام که مخصوصاً از درك مالیات های ارضی وامور فلاحتی خودش تشکیل می‌یابد قبل ازبحران به چهار ملیون سترلنگ بالغ میگردید . « گای کووار » راجه برودہ که درتمول نسبت به اول الذکر درجهٔ پست تری دارد ۳۰ ملیون پوند را مالك خواهد بود . اما آغا خان که‌در مجامع غربی شهرتش بیش است درعالم سرمایه داری فعالیت زیادی دارد وهمین وضعیت اورا ازتبدلات بین المللی زیادتر متأثر می سازد .


آغاخان نواب هندی پیشوای فرقهٔ آغاخانی

اگر مالکین بزرگ طلا و الماس ، هندیها می باشند بالمقابل معادن طلا و الماس که بهترین

آنها در افریقای جنوبی واقع است به خاندان های انگلیسی متمول تعلق دارد در آن جمله برادران «جوئل» برادرزادهٔ «باراتوی» معروف «شاه الماس» بدرجهٔ اول حساب می شود که اقلاً ۱۵ ملیون سترلنگ را مالك اند.



سال جوئل انگلیسی معروف‌ترین سرمایه داران افریقای جنوبی



سر بازیل زاهاروف متمول مشهور یونانی

ملاکین بزرگ در اروپا

در اوروپا سرمایه های بزرگ «محفوظ» که از عملیات مالی معاملات مسعود اقتصادی یا منافع جنگ بوجود می‌آید، در املاك غیر منقوله و متصرفات ارضی ضمانت متقابله می یابد. یکی از بهترین نمونه های آن بواسطهٔ شعبهٔ فرانسوی «روتشیلد» تهیه شده که بر خلاف روتشیلد لندن و ویانا دارائی خود را بصورت محافظه کاری کامل اداره می کنند. همچنین «سر بازیل زاهاروف» یونانی که سهم دار عمدهٔ کارخانهٔ اسلحه سازی انگلیس موسوم به «ویکرس» وشریك بزرگ کازینوی مونت کارلو بشمار می‌رفت، امروز هم عوائد خوبی دارد و با وجود صدماتی که برایش رسیده هنوز هم از جملهٔ ثروتمندترین مردمان اروپای قدیم محسوب میشود.

دیوک آف ویست منیستر
سرمایه دار بزرگ انگلستان

درانگلستان محسوس ترین ضربتی که به تمول لارد های زمین دار وارد آمده، از باعث بلند شدن مالیاتها بود معهذا «دیوک آف ویست مینستر» اخیراً از روی مالیات های عایداتی، سرمایه خود



را ۴۰ ملیون پوند اعلان نموده‌است . درچکوسلوا کیه ودول‌بالتیك (استونیه ، لیتوانیه ، لیتونیه وفنلاند) زمین داران بزرگ تقریباً بکلی ازبین رفته ولی در هانگری ، وپولیند ملاکین وضعیت خودرا محکم کرده اند . اراضی خاندان مجارستانی « ایستر هنری » بمثل املاك سنیوری (خانی) « کونت پوتوکی » لهستانی یا شهزادگان « راوزیویل » ودرسلیشیای علیا (المان) اراضی « پرنس پلیس » دروسعت بمثل ولایات حقیقی میباشند ، بحران‌فلاحتی اروپای مرکزی وجنوبی آنها را متأثر ساخته اما اندازهٔ خسارات ایشان نسبت به ثروتهای بزرگ صنعتی کمتراست .

ثروتهای شاهی

به همین نظریه لازم است ثروتهای خصوصی شاهان یا شاهان سابق را نیز ذکربکنیم سرمایه های مزبور به مناسبت وسعت دول مربوطهٔ آنها نیست . مثلاً اگرپادشاه ایطالیا یقیناً متمول ترین سلاطین باشد دارائی‌خصوصی شهزادهٔ (لیچتنستین) باوجود کوچکی ولایتش ازجملهٔ ثروتهای مهم بشمارمی رود . « ویلیم»دوم قیصر سابق المان درموقع ازدست دادن تاج وتخت ، خوشبختانه ملیون های متعددی‌را از تمول خود حفظ کرد . تایکروز پیشتر ازجنگ عمومی دارائی‌سلطنتی پروشیا به تنهائی۷۵۳ ملیون مارك تخمین می شد . به اثر دعوی‌چندین سالهٔ این مسئلهٔ که دارائی دولتی‌مزبوربکدام کس تعلق میگیرد ، واصطلاح « املاك سلطنتی » چه قسم‌تعبیر شده می تواند ، ویلیم دوم به این کامیابی موفق آمد که یك حصهٔ کلی اراضی مزبور به‌عنوان مصالحه‌وقرارداد تجارتی برایش حفظ بشود . قیمت این املاك جنساً‌واجب‌الاداء بوده به ۱۵ ملیون مارك بالغ میگردد . ثروت خصوصی او درسالهای اخیرسلطنتش از ۲۰۰ ملیون مارك تجاوزمیکرد . قسمت عمدهٔ دارائی‌مشارالیه به مشکل داخل معامله میشود به قسمیکه‌عوائد به اصل سرمایه هیچ نسبت ندارد . معهذا قیصرسابق برحسب ظاهر متمول ترین آلمانهابشمارمی رود .

معاملات تجارتی وصرافی

دورهٔ های پرآشوب ـ مثل همین اوقاتیکه حاضر اًطی میکنیم ـ ازیك جنبهٔ دیگر برای معاملات خیلی مساعد میباشد. این دوره هاثروتهای فوریهٔ رابوجود می آورد که اکثراً بهمان زردی که تعمیر یافته بنیان شان ویران می شود. تاریخ عصرجدید مثال های زیادی را ازاین « ترقیها » و « انحطاط ها » در بر دارد. ده‌سال قبل وقتی « شاه إنفلاسیون (۱) » المانی موسوم به « هیوگوستینز » وفات کرد سرمایهٔ متروکه او بر ۲۰۰ ملیون مارك طلاکه درآن زمان مبلغ فوق العادهٔ بشمارمی رفت بالغ شده بود. یك سال بعد سرگشته گی‌اسفناکی بر ورثهٔ اوطاری گردید زیرا پسرانش به اصول انفلاسیون کەپدرشان بسیار دوست داشت، وفادارباقی مانده بودند. همین قسم یك پیش آمدی برای انفلاسیونیست های (طرفداران انفلاسیون) اطریش « کاستیگیونی بوزل» نیز رخ داده. معامله دار برلینی موسوم به « جاکوب میکائیل » نسبت به اشخاص اول الذکر بیشتر مقاومت نمود اما در ۱۹۳۲ شرکت او سقوط کرده، خودش هم که شخصاً بیش ازصد ملیون مارك را دارا بود، بجزبقایای ثروت خود را نجات داده نتوانست.

به کرات اتفاق افتاده که معامله داران تجارتی، وقائع خطرناك اختناق اقتصادی خودرا درحضور محاکم عدلیه به ختم رسانیده اند. مثلاً ارسال ومرسول تقلبی درانگلستان، عملیات صرافی « اوستریك » در فرانسه واقدامات پرخطر « گیوالینو » در ایطالیا، همه بشکل افتضاح آمیزی درمحاکم قضائی‌عرضه شده است. ونیز منافع خطیریکه بکلی قانونی وصحیح بوده محکوم برعدم وزوال گردیده، ازآنجمله ورشکستگی بانك « دار مستید تراوند ناسیونال بانك » که ثروت خصوصی مدیر خود، «جاکوب گولدسمیت» راکه پس ازجنگ متمول‌ترین صراف آلمان بشمارمیرفت، فرو برد؛ دراطریش مدیران بانك های « زیگرت » و « ایهر نفسیت » نیز به‌مثل « جاکوب گولدسمیت» دچارفلاکت گردیدند، وارکان شعبهٔ « روتشیلد » ویانانیز باوجود قرض پنج ملیون پوند که ازطرف اقارب لندنی شان برای آنها داده شد، نجات یافته نتوانستند. اما ازهمه سنگینتر خساراتی است که براثر ورشکستی « وال ستریت » درخزان ۱۹۲۹ وجنبش تنزل ما بعد آن، بر معامله داران امریکائی‌وارد آمد.

(۱) انفلاسیون: رواج فوق العادهٔ نوت که بمقابل آن اعتبارا طلا یانقره موجود نباشد.

« طرفداران تنزل » و « طرفداران ترقی »

لازم است تذکر داد که درامریکا ، در سالهای بحران هرقسم معاملهٔ تنزل دهنده را یك عمل نهایت مخالف اخلاق می دانند و اشخاصیکه به اینطرز اجراآت می کنند حسودانه عملیات خود را پنهان نگه دارند . بعضی دعاوی پر ولوله و تفتیشات پارلمانی کم و بیش ظاهر کرده است که صرافان وصنعت گران بسیار معروف ، بواسطهٔ معاملات تنزیل دهنده ، جهته جریان دادن تجدید سرمایهٔ خود ها کوشش دارند ، یکی ازامثال بسیار برجستهٔ این طریقه اقدامات «وارنربرودرز» ارباب صنائع سینما می باشد که همراه یکنیم ملیون دالر برخلاف اسهام شرکت خود عملیات نموده اند .

این وضعیت نه تنها درنیویارك بلکه در اغلب نقاط مهمهٔ اروپا جریان و ترقی دارد . مخصوصاً شهر امستردام (هولیند) یك مرکز بزرگ معاملات بورسه ئی (مربوط به ترقی و تنزل پول) بین المللی شده است . در جملهٔ اشخاصیکه درین طریقه بهتر موفقیت حاصل نموده اند دو نفر ذیل شهرت زیاد دارند : یکی » رودیوس گونیکس » صراف امستردام که ابتدا در صنائع سنگین « رینانوویستفالی ین « المان کار میکرد ، و دیگر « فرتیزمنهیمر » صراف ، که اوهم ازاهل المان بوده دروقت مناسب توانسته بود موقعیت بلند خود را از سر بگیرد واکنون از متمول ترین تجار اروپائی بشمار می رود . یقین است جنبش سریع ترقی پول وال ستریت « بازار صرافی نیویارك » از تابستان ۱۹۳۲ به بعد و مخصوصاً ازاوایل سال ۱۹۳۳ به اینطرف درتشکیل سرمایه های بزرگ جدید کمك زیاد رسانیده خواهد بود . سقوط دالر و تجدید فعالیت بورسهٔ قیمت ها ، که نتیجهٔ آن بود ، موقع مساعدی برای گرفتن منافع بورسه ئی تهیه کرده است و نیز یك معامله باهوشمندی زیاد در مورد نقره ومعادن آن اجرا شده است به این امید که فلز مزبور در آیندهٔ نزدیکی دراعتبار پول باطلا بطور رقابت کارخواهد داد .

ازهمه این معاملات که درآن ها ملیونهای خطیر دالر بصرف رسیده چه نتیجه میتوان گرفت ؟ این مسئله تاهنوز پیش بینی شده نمی‌تواند اما تمامی تجارب گذشته به انسان میفهماند که ازجملهٔ کلیهٔ اشخاصیکه بواسطهٔ معاملات بورسه ئی اتفاقی دفعتاً متمول شده اند فقط عدهٔ مختصری توانسته اند که آن تمول را برای خود حفظ نمایند .

تاریخ های دانستنی

تدوین جناب فاضل قاری عبدالله

قبل از طوفان :

(۱) ترتیب ایام هفته وتعین روز هفتم برای استراحت بامر الهی .

(۲) صنعت خیاطی وپوشیدن لباس .

(۳) زراعت : نخستین شخصیکه بدان قیام ورزیده قابیل است پسر آدم علیه السلام .

(٤) رعایهٔ مواشی ونخستین شخصیکه برعایهٔ مواشی پرداخت (هابیل) پسر آدم است .

(۵) قربانی کردن (براه خدا) نخست هابیل وقابیل قربانی کرده اند .

(٦) قتل عمد : نخست مرتکب این عمل شنیع قابیل مذکور است .

(۷) بنای شهرها : حنوك پسر قابیل نخستین شخصی است که شهر ساخته .

(۸) چادر نشینی : نخست شخصی در چادر نشینی (یابال) است از اولادهٔ حنوك .

(۹) عود ومزمار برای یوبال برادر یابال مذکور ایجاد یافته .

(۱۰) ایجاد آلات مس وآهن برای توبال قائین نام بوده از اولادهٔ حنوك .

(۱۱) نجاری وکشتی سازی : نخستین کشتی نوح علیه السلام است که برای نجات از طوفان ساخت .

حدوث طوفان در : (۲۳٤۸) ق.م

افشردن ونبیذ ساختن انگور. ۲۳٤۱ » »

ایجاد گاوآهن وداس . ۲۳۰٤ » »

ایجاد خشت پخته برای برج بابل. ۲۲۳٤ » »

غرس زیتون وغیره وایجاد آرد ودرهمین اوقات در بین آتش پرستان وسائرین .
ستاره پرستی ظهور نمود . ۲۲۰٤ » »

صنعت نان پختن وپشم ریشتن وبافتن . ۲۱۵٤ » »

ظهور بیلوس معلم فلکی مشار الیه دقیق ترین قسمتی را درعلم فلك برای کلدانیها تألیف نمود ۲۱۵٤ » »

خیاطی ونقش ونگار رخت ورنگ سرخ . ۲۱۰٤ » »

مبداء ظهوربت پرستی درگروه صابی. ۲۰۵۹ » »

گنج کاوی معادن . ۲۰۲٤ » »

صناعت مس ۲۰۱۹ » »

گداز اشیای معادنی . ۲۰۰۴ ق ، م

رنگدادن اشیای معدنی . ۱۹۵۴ « «

دعوت حضرت ابراهیم خلیل صلوات الله علی نبینا وعلیه السلام درسر زمین کنعان . ۱۹۲۱ « «

ایجاد شمشیر و حربه . ۱۹۰۴ « «

شاید بزرگترین هرم درجیزهٔ مصر همدرین سالها بوده در عهد ملك رشوفوو .

برادرش نوشفو از شاهان سلسلهٔ چهارم و برخی بنای اهرام مصر را (۱۱۹٤) قبل از میلاد پنداشته اند .

ایجاد تیر وکمان — ۱۸۸٤ ق م

ایجاد فلاخن و سپر — ۱۸۵٤ « «

آغاز سواری اسپ — ۱۸۲٤ « «

ساختن آئینه های معدنی — ۱۸۰٤ « «

صنعت حجاری — ۱۷۷٤ « «

مسله فرعون راکه عبارتست ازستون دراز مربع سرتیز درعهد توتیس سوم از فراعنه مصر از جایش

با سکندریه نقل دادند . وبروایت بعضی مسله های مصر را در سنه ۱۲۳٤ ق م تعمیر کرده اند

ظهور فن خواندن ونوشتن — ۱۷۲۲ ق م

آغاز بازار بین المللی — ۱۷۰٤ « «

سیر کشتی دراثر ستاره — ۱٦٥٤ « «

ترتیب مصریها سال شمسی را به (۳٦٥) روز — ۱٦۰٤ « «

وجود دارچینی — ۱٥۸٤ « «

رگ زدن یا خون کشیدن از عروق — ۱٥٦٤ « «

رفتن صنعت چینی در اروپا — ۱٥۱۸ « «

استعمال دوای قی آور — ۱٥۰٤ « «

استعمال ضمادها درمصریها — ۱٤۹٤ « «

حمام مروجه که تا حال شایع است — ۱٤۷٤ « «

ساختن مصریها بحیرهٔ میریس را — ۱٤۲٤ « «

گویند رسم خریطه ها در مصر هم درین قرن بوده درعهد بیروتیرس سومین پادشاه از سلسله نزدهم بعضی اختراع

رسم خریطه رادر (٥٦٤) ق م می گویند .

کشف معدن آهن وقتیکه کوه ایدا واقع درجزیرهٔ گریت یاکندیه در مجمع الجزایر بحر سفید آتش فشانی نمود .

ودرین زمان مصریها رنگهای مختلفه ونقش رادرتصویر بکار بردند . ۱٤۰۰ ق م

استعمال حصار وزره . ۱۳۸٤ « «

وجود اره و برمه . ۱۳۷۹ « «

ایجاد رنده و پرکار . ۱۳۰٤ « «

اختراع (مزوله) آله یامقیاس سایه زوال . ۱۲۸٤ « «

اختراع دولاب خزف ودر تاریخ فلاسفه اختراع آن را بانخرسیس فیلسوف اسقوئی نسبت کرده اند . ۱۲٥٤ « «

صناعت استخوان فیل ـ	۱۱۸۴ ق م
ترتیب لشکر منظم در مصریها ـ	۱۰۰۴ « «
ظهور هومر شاعر یونانی ـ	۹۰۰ « «
ترتیب قوانین لیکورگه، در اسپارت از بلاد یونان ـ	۸۸۴ « «
وجود مقناطیس ـ	۸۰۴ « «
آغاز تاریخ اولمپیا در یونانیها ـ	۷۷۶ « «
دخول کتابت در بلاد یونان ـ	۷۵۴ « «
آغاز تاریخ گلدانی ـ	۷۴۷ « «
مشق جنگ در سفائن ـ	۷۳۸ « «
عمل لنگر برای کشتی ـ	۷۲۴ « «
استعمال ریاضیات ـ	۷۱۴ « «
آغاز استعمال کتابت بحروف ابجد در مصر و ترك کتابت قدیم هیر و غلیفی در عصر آبساماتکوس مصر سلسلهٔ دولت بیست و ششم ـ	۶۶۰ « «
دوره نمودن فنیقیها بحراً در گرداگرد افریقا و برخی در (۶۳۶) گفته ـ	۶۵۴ « «
ارسطا تالیس اولین فیلسوف یونان و او نخست شخصی است که بدرس علوم طبیعی اشتغال ورزیده و خاصیت کهربائی را بواسطهٔ حتکاك کشف نموده ـ	۶۴۰ « «
تقویم خسوف ماه ـ	۶۲۴ « «
بودا رئیس آئین بودائی نیز درین سنه تولد یافت .	
اختراع شطرنج و نرد ـ	۶۰۸ « «
مولد فیثا غورث فیلسوف یونانی موجد قسمت فلاسفه ایطالوی و اورا نخستین معلم طبیعی شمرده اندکتابی بنام (موافقتهای طبیعی) تالیف نمود ودران آرای نیکوئی را در سماع و تثاقل یعنی قوه متنوعه جذب و رنگهای ضوء را بیان کرده ـ	۵۶۴ « «
آغاز تلسط و حکمرانی بواسطه کورش شاه آریائی و درینوقت منفخ (آلهٔ دمگری) در بلاد یونان استعمال یافته ـ	۵۵۴ « «
موکنفزه فیلسوف واضع شرایع ادبیه چین که اورا کون فوتش یاکون فوشو نیز گویند ـ	۵۴۹ « «
غرس نهال تاك وزیتون درجنوب فرانسه ـ	۵۲۴ « «
ایجادپنسل ـ	۴۹۴ « «
ظهور زردشت از بلخ سردستهٔ آتش پرستان ـ	۴۸۷ « «
ظهور هرتوس یاهردوت نخستین مورخ دربلادیونان ـ	۴۸۰ « «
آغاز استعمال بلور آتشی که اشعهٔ افتاب را دریك نقطه فراهم آورده درجسم مقابل به بعد مخصوص آتش میزند —	۴۶۴ « «

مولد بقراط. طبرا نخست بقراط تدوین نمود پیش ازو این علم در بین بنی‌ا قلبموس راز پوشیده و میراث بوده که خلف ازسلف میگرفت ودراصل از واضعین اصول طب مانندشیرون کنتوری و اسکولاب که هردودر دستهٔ معبودان باطل یونان جادارندگرفته بودند ـ از ینجهت بقراط را درطب مخترع میدانند

زیرا این فیلسوف اصول طب را نظر به احوال بیماران و تجربه اساس نهاد و شفاخانه اختراع نمود — ۴۶۰ ـ ق ـ م

مولد دیموقریطس فیلسوف یونانی از فرقهٔ الیاتیکی وی از جوهر فرد سخن رانده و پیش از واکسینوفانس معلم اواین شاگرد فرقهٔ الیاتیکی وامبید وقلس شاگرد فیثاغورس نیز از جوهر فرد سخن زده و زیادتی درعلم طبیعی نموده اند . خاصه دیموقریطس که ازقوانین سقوط اجسام در هوا خلو و بحث رانده واز هوا ، ضوء و آتش صحبت کرده — ۴۵۸ » »

شیوع شناخت پنبه بواسطهٔ اخبار هرودت از وجود پنبه دربلاد هند — ۴۵۰ » »

اکتشاف دورهٔ ماه درهر (۱۹) سال این قاعده به قاعدهٔ قمرماتون آتنوی (آتنه مرکز یونان) مشهور است — ۴۳۲ » »

مولد افلاطون فیلسوف یونانی مؤسس اکادمی قدیم مشارالیه درپیشرفت حقیقی علوم خدمتی بسزا نمود . طریق هندسی را اختراع و علوم را بآن توضیح داد ـ تیمیه شاگرد او گفته که کهربائیت ماده ایست لطیف یا نسمه یاشی است روحی که از کهربا برآمده بعض اجسام راجذب میکند — ۴۲۸ » »

عمل کشتیهای پنج مجدافی یا پنج دیرکه — ۴۲۲ » »

مولد منیسوس مشارالیه دارای تصنیفاتی است درفلسفهٔ عقلی درنزد چینیها — ۴۰۰ » »

کشف قلعی را نیز درین قرن می گویند

مولد ارسطالیس فیلسوف یونانی مؤسس جمعیت مشائین از فرقهٔ اشراقین، ارسطالیس در اکثر مسائل فلسفی، فلکی و طبیعی توغل ورزید، ثقل هوا را معین ساخت . قسمت نظری را در تولد اصوات حاصل و بواسطهٔ تموج هوا ایجاد کرد. عناصر را بآب ، هوا ، خاك ، آتش قسمت و منحصر ساخت و علم حیوانات از و آغاز نمود ـ ۳۸۴ » »

در عهد او ارخیناس نام شخصی آله بکره (آله رفع و وضع اثقال) وبرمه را اختراع نمود وازاینجهة او را مؤسس اول درعلم میخانیکی میدانند.

استعمال عرابه های مسلح در فرانس ـ ۳۵۴ » »

استعمال دولاب آرت ـ ۳۳۴ » »

قیام دولت بطلیموسی لاغوسی درمصروتاسیس مدرسه که اولین پادشاه این سلسله علما را از اطراف بلاد دران جمع نموده واز بهرآنها راتبهٔ مقرر فرموده نخست کتابخانهٔ بنام مادر و بعد کتابخانهٔ دیگر بنام دختر تاسیس کرد درکتابخانهٔ اول تا چهل هزار جلد کتاب فراهم آورد این پادشاه در فلکیات مهارتی داشت ازینجهة حرکت ماه را ظاهر ساخت وکتابی درجغرافیا تالیف نمود درحدود سنه ۲۸۰ » »

اکتزیبوس نام شخصی درین مدرسه تلنبه یا آلهٔ تیر اندازی را بواسطهٔ قوهٔ نرمی هوای متکاثف ایجادکرد و هیرون نام شخص دیگری آلهٔ جرثقیل را ایجاد نمود و در تمدد هوا بسبب حرارت سخن راند .آلهٔ مشهور بنافورهٔ هیرون نیز از ایجادات اوست نافورهٔ هیرون آله فشار هواست.

و نیز درین مدرسه هیر وفیلوس وفیلبوس طبیب آغاز بتشریح بدن انسان نمودند تورات شریف در عهد بطلیموس فیلادلف که در (۲۸۳) ق.م بشاهی رسید درین مدرسه ترجمه شد .

ماینتو کاهن مصری تاریخ مصر را بزبان یونانی بامر همین پادشاه نوشت . مأخذ این تاریخ دفاتر رسمی اوراق و آثار و رسوم قدیمهٔ موجودهٔ مصر بود ـ ۳۲۳ » »

قیام تمثال مشهور درجزیرهٔ رودس وآن را کاریزا وشاروس نام شخصی که شاگرد بوسیب مشهور

استبدوازده سال ساخت وپس ازچند قرن بواسطهٔ زلزله افتاد وبعضی مس آنرا ازیهود خریده
بر (۹۰۰) شتر حمل و نقل دادند ـ ۲۸۸ ق م

بنای منارهٔ فاروس دراسکندریه در عهد تسلط بطلیموس فیلادلف که درسابق ذکر یافت ـ ۲۸۲ « »

علم ترکیب آلات ـ ۲۵۰ » »

استعمال تلمبه های بزرگ برای اطفای آتش ـ ۲۳٤ » »

استعمال مقیاس ساعتها ـ ۲۱٤ » »

ایجاد تنور های عام برای نان پختن ـ ۱۷٤ » »

آغاز تسلط رومانیها بر بلاد یونان واین تسلط واسطهٔ دخول تمدن در بلاد روما شد ـ ۱٦٦ « »

بردن ساعتهای آبی را بروما ـ ٥٨ » »

رسم و تصویر بقاع زمین ـ ۷٤ » »

دخول صابون در بلاد فرانس ـ ٥٤ » »

اصلاح و تعدیل یولیوس قیصر رومانی حساب سال شمسی را به (۳٦٥) روز (٦) ساعت ـ ٥۰ « »

کشف نوشادر ـ ٤٤ » »

ترکیب تریاق ـ ۱٤ » »

میلاد مسیح (ع) و بواسطهٔ آن صورت دنیا بشکل تازهٔ تغیر پذیرفت ـ ٤ ب م

آغاز تاریخ میلادی که تاکنون مستعمل است ودرین قرن شاگردان مسیح (ع) کتبی ٥ » »
را که اساس دین مسیحی پندارند وبعقیدهٔ شان عبارت است از اناجیل چهارگانه و کتاب اعمال رسل
و رساله های بولس و یعقوب و پطرس و یوحنا ویهودا را نوشته اند. دراخیراین قرن یوحنا
در جزیرهٔ بطمس منفی شد ودرانجا سفر رؤیا را نوشت .

ظهور جالینوس طبیب و اتساع دائرهٔ طب ـ ۱۵۰ » »

غرس نهال تاك در بلاد آلمان ـ ۲۵۰ » »

ایجاد آسیاب در بلاد استریا و شاید اختراع قطب نما در چین هم درین اوقات بوده ـ ۳۰۰ » »

اولین مجامع دینی که در عالم نصرانیت مسکون گشته ـ ۳۱۸ » »

۳۸٥ » »
استعمال زین اسپ ـ ودرین سنوات قوانین تاودوسیوس دوم قیصرقسطنطنیه بنا بربعض وجوه
در نزد روم او رتدکس همیشه اعتباری داشته وضع یافته .

انتونیوس اصول رهبانیت را در بین نصارا در مصر وضع نمود و ازین جهت
مشارالیه را پدر راهبها میگویند ـ ٤۰۰ » »

وضع ناقوس در کنیسه ها ونخست شخصی که در کنیسه ناقوس گذاشت باولینوس بود اسقف
تولا از شهرهای ایطالیا ـ ٤٥۰ » »

دخول کرم ابریشم در اروپا وآنراد و نفر راهب از بلاد چین درعصا های خود پنهان کرده ٥۰۰ « »
آورده اند ـ و برخی آوردن کرم ابریشم رادرسنه ٥۲۲ پنداشته .

درین قرن فن نوشتن و خواندن در بلاد روس داخل گشته .
ایجاد آسیای مراکب در روما . دربعضی از کتب اختراع آسیای آبی را به‌بلیساویوس‌نام
شخصی رومانی نسبت نموده یعنی مشار الیه اختراع کرده ۵۵۵ ب م
تاسیس مکاتب یومی برای تعلیم ـ ۵۲۹ « «
آغاز استعمال تاریخ میلادی ونخستین شخصی که آغاز باستعمال آن کرد دیونیسیوس اسقوفی بود
بعدها مردم ازو پیروی کردند و تا آن وقت نصاری تاریخ رومانی را استعمال میکردند که آغاز آن ۷۵۳ « «
تنقیح نظام وقوانین ملکی بامر یوستینانوس قیصر قسطنطنیه و اخیر این قوانین اساس
امور مدنیت دراروپا گردید ـ ۵۳٤ « «
استعمال آئینه برای دریچه وروزن ـ ۵۵۰ « «
چاپ حروفی در چین ـ ۵۹۳ « «
وجود قلم ـ ٦۰۰ « «
ابتدای تاریخ هجری وتمدن عرب و قیام مسلمانان باموردین جمع قرآن کریم اولاً درعهد خلیفه اول
رضی‌الله عنه بوده آغاز جمع حدیث درعهد خلیفه دوم رضی الله عنه بوده برای استناد احکام ـ ٦۲۲ « «
استخراج شکر بوره از نیشکر ـ ٦۲۵ « «
آغاز تدوین قوانین که جرمنیها فاتح ایطالیا در کتب جمع نمودند ـ ٦٤۳ « «
وضع پوسته درقلمرو اسلامی درعهد معاویه رضی الله اولین خلیفه از بنی امیه ـ ٦٦۱ « «
آتش که یونانیها درمدافعهٔ لشکر اسلام از محاصرهٔ قسطنطنیه استعمال میکردند وکالینیکوس نام سوری
مخترع آن بوده و دروسط آب می افروخت . وگویند اهالی چین بسیار پیشتر آنرا استعمال میکردند ٦۷۳ « «
بنای شفاخانه ها در اسلام درعهد ولیدابن عبدالملك مشار الیه درهمین سال برکرسی خلافت جلوس کرده ۷۰۵ « «
ساخت کاغذ از پنبه . کاغذ در چین اختراع یافته ۷۱٤ « «
ساخت سجاده شاید دراروپا باشد ۷٤۰ « «
ترجمه منطق و بعضی کتب درهیئت و مناظرات بزبان عرب ووضع فقه حنفی ومالکی درعهد ابوجعفر منصور
دومین خلیفه عباسی بوده ۷۵٤ « «
صنعت ملمع کاری از نقره مصنوعی ۷٦۰ « «
توجه عرب بعلوم قدیمه و اشتغال آنها بتهذیب لغت و ترتیب قواعد عربیت . درینوقت ابوعبیده
لغت راتدوین نمود، خلیل عروض ، هم او مازنی صرف وقطرب مثلث را درلغت وضع نمودند و اینها
همه درعهد هارون رشید پنجم خلیفه عباسی بوده که درهمین سنه بخلافت رسیده ۷۸٦ « «
نموی فلاحت و شیار کشت در المان ۸۰۰ « «

ساعت را در فرانس هم درین سنه برده اند زیرا هارون رشید برای کرلوس پادشاه فرانس ساعتی فرستاد
که بی نهایت اعلی و خوب بود و این ساعت دوازده صورت بشکل سواره و ظرفی از مس باعدهٔ
ازکره ها تعبیه داشت کره ها ازپی هم درظرف مذکور افتاده صدا از آنها بر می خاست هر صورت
دری داشت که چون آواز کره هـا تمام میشد او بسته میگشت رجال فرانس از مشاهدهٔ آن متحیر

گشته پنداشتند که جادو خواهد بود یاجن آنرا بحرکت می‌آرد ، هرگاه شاه فرانسه با آنها موافقت
می نمود ساعت را خراب میکردند تاعلت حرکتش را در یابند .
درین قرن بیدای معلم ، رئیس دیرو یرموت بانکلتره ظهور کرد ومحترم لقب یافت، مشار الیه اسباب جزر و مد
را بحدس و تخمین دریافت نمود ـ بعد ها معلم اسحاق نیوتون اسباب جزر و مدرا بدلیل ثابت ساخت .
وضع فقه امام شافعی رح ۸۱۳ ب ، م

درهمین سنه مامون الرشید بخلافت رسیده به ترجمهٔ کتب فلسفی و علمی پرداخت مؤلفین از تالیفات فیثاغورس
و افلاطون و ارسطالیس وبقراط و جالنیوس و اقلیدس و بطلیموس و غیره ذخیرهٔ بزبان عربی فراهم آوردند .
جای تردید نیست که این خلیفه به بسیاری از علوم میل و رغبت داشته خاصه درفلکیات ، رصد » »
خانه برای نظر دراحوال نجوم و حساب سیر آنها بنا کرد . میل دائرهٔ فلك البروج را بر دائرهٔ
استواوی تحریر نموده از روی امتحان ۲۳ درجه و ۳۵ دقیقه برآمد .
ابوعبدالله محمد و هر دو برادرانش یعنی احمد و حسن را که هرسه پسران موسای ابن شاکر خوارزمی » »
اند برای معرفت مساحت قطر کرهٔ زمین برگماشت و موافق بقول قدما (۸۰۰۰) میل برآمد .
ابو عبدالله را مخترع جبر و مقابله نیز میگویند و بعضی دیوفانتوس یونانی را (در قرن پنجم یاششم
میلادی) واضع این فن میدانند . شاید ابو عبدالله اولین شخصی است در اسلام که سراغ از ین » »
فن یافته بهر تقدیر عرب در علوم فلسفی و طبیعی و فلکی و طبی بمنتهای عروج رسید بلکه علم جیولوژی
را در قرن ده و مابعد عرب، وضع کرد و از عرب اروپا گرفت تابکمال امروز رسید .
وضع فقه امام حنبل رح — ۸۵۰ » »

درین سنه عبدالله ابن معتز عباسی علم بدیع را وضع نمود .

درین سنوات عرب نهال ترنج را ازهند بعمان و بعدها ببصره و عراق برده اند و سنتره را از اروپا » »
بمشرق آورده . سنتره بنا بقول بعضی ازچین به پرتقال نقل یافته ولی چون عرب آنرا از پرتقال باز
بمشرق آوردند نام پرتقال بران گذاشتند ۹۱۰ » »

استیلای عبدالرحمن آخرملقب بناصر بربلاد اندلس ـ مشار الیه قرطبه راکرسی خلافت ساخت وآنرا
مانند بغداد مرکز علوم نمود کارخانه های بزرگ درقلمرو خود تاسیس کرد تا علوم و معارف در
مسلمانهای آن حدود انتشارکامل یافته از ثمر آن چنان برخوردندکه دیگران را نصیب نشد زیرا فن » »
زراعت را بمنتها درجه رسانده زراعت خرما ، خرنوب ، پنبه توت و نیشکررا رواج دادند (بعضی
گویند نیشکر را نصارای فرنگ از طرابلس شام بجزیرهٔ سیسیلیا برده اندازان بعد درممالك جنوبی
اسپین هم رواج یافت) درین اوقات مردم بومی آن بلاد بصنعت بالا کردن آب بواسطه ارت نیز پی بردند ۹۱۲ » »
صنعت کاغذ سازی ازپنبه در (قرن یازدهم م) شائع گشت و از انجا باروپا نقل شد اهالی اندلس
بتجارت و بحرپیمائی وغیره دست یافتند . ترجمه ابن رشد کتاب ارسطالیس را سبب ترقی مدارس
اندلس درجبر و مقابله و حساب گردید بحدیکه عرب مردم اصلی اسپین را درنهال شانی . تیر اندازی » »
و مضمون بندی اشعارقابل ساختند خلاصه ذخیره اندوزی اسپانویها از موائد علوم در مدت اقامت عرب
دران سرزمین یگانه سبب نشر معارف درزمین تاریك اروپا گردید ـ هنوز دو هزار جلد کتب عربی از
عهد خلفا در کتابخانه اسپین میگویند موجود است ۹۱۲ » »
ابدال خط کوفی بخط بغدادی ـ مخترع آن ابن مقله وزیر مقتدر بالله عباسی است ـ ظهور
امام ابوالحسن اشعری امام اهل سنت و جماعت نیز درین سالها بوده . ۹۳۰ » »
کشف معدن نفت و ترمنتینا ۹۶۹ » »

تولد شیخ الرئیس ابوعلیسینای بلخی - ۹۸۰
اولین ساعت رقاصك دار ـ مخترع آن پاپ سیتسرس دوم است و در هنگامی‌که راهب بود، مشار الیه
رقوم هندسه را نیز باروپا برده - ۹۹۰
تسلط حاکم بامرالله در مصر و ظهور دیانت درزیه - ۹۹۶
بنای دار الحکمت درمصرکه حاکم بامرالله تعمیر نمود و در عهد سلطان صلاح الدین ایوبی ویران گشت - ۱۰۰٤
آغاز وضع قوانین و ظهور تمدن و عمران در روس - ۱۰۱٦
وضع قوانین سواره ها - ۱۰۷۰
ایجاد آسیا های بادی - ۱۰۸۰
پیشرفت احوال جمعیت سیاسی در اروپا بسبب اطلاع آن ها در ایطالی بکتابی از کتابهای قانون
بوستینانوس - ۱۱۳۷
آغاز انتباه اروپا و میل آنها بعلوم وفنون وظهور اصلاح در دواوین امرا و تاسیس مکاتب در
فرانسه از آغاز جلوس لوی هفتم - درین اوقات نیشکر را فرنگیها ازطرابلس‌شام بایطالی برده‌اند - ۱۱٤۰
تاسیس اکادی (مجلس علمی) در فیرنینا مرکز بلاد توسکانا از ایطالی مؤسس آن بولد دالدوك
اعظم است . - ۱۱٤٦
مولد امام رازی از مشاهیر فلاسفهٔ اسلام - ۱۱٥۰
نقل رسم رقم هندسی بعربی - ۱۱۹۸
ایجاد شیشه های عدسی برای دوربینها - ۱۲۲۰
نمك سود کردن گوشت و ماهی - ۱۲٥۰
نل برای آب کشی - ۱۲٥۲
تاسیس شفاخانهٔ کورها در پاریس - ۱۲٥٥
اشتراك وکلای رعایادرمشوره های‌عمومی درممالك انگلیس بعدها سائردول از و تقلید نموده اند - ۱۲٦٥
ایجاد دوربین های دراز - ودرین سنه از چربو شمع ساخته نامش شمع کافوری گذاشتند . ۱۲۹۰
عمل ساعتهای دقیقه دار در اروپا - ۱۲۹٥
بردن آسیای بادی را باروپا - ۱۲۹۹
ساختن آئینه های بلوری در بلاد بندقیه از ممالك ایطالیا - ۱۳۰۰
آغاز الغای مقاتله های دینی و امتحانهائی که برای محض‌دعاوی در اروپا مقرر بود - ۱۳۱٥
تاسیس مکتب برای انواع بازیها در شهر طولوزه و ازان فائدهٔ بسیاری باروپا رسید - ۱۳۲۸
اختراع باروت دراروپا مخترع آن شوارنس نام راهبی بود از نمسه بعضی‌گویند باروت درسنه ۱۳٥۸م
استعمال یافته - اگرچه درچین چندین قرن پیشتر باروت معروف بود - ۱۳۳٥
استعمال اسلحهٔ ناریه در فرانس اما انگلیس‌پیش ازو استعمال میکردچه تا این وقت رجال فرانسه
استعمال اسلحهٔ که از مسافهٔ دور آدم را بکشد ننگ و مخل شجاعت میدانستند - ۱۳٤٥
عمل کاغذ از تکه پاره ها - ۱۳٤٦

ایجاد توپ وگله در اروپا ـ ودرچین از سنه ۶۱۷ ق ، م استعمال میشده ـ ۱۳۵۰ ـ ب م
استخراج عرق که نوعیست از مشروبات ـ درین اوقات اترلاب وقطب نما در اروپا
ساخته شده ـ گویند اینریکوس ـ شاه پرتکال در ساخت آنها مداخله داشته ـ ۱۳۸۰ « «
اختراع ورق کنجفه در فرانس بجهة تفریح پاشاه که دیوانه گشته بود ـ بعضی گویند که
در سنه ۱۲۸۵ کنجفه از آسیا باروپا رفته و در سنه ۱۲۹۹ در ایطالیا شیوع یافته ـ ۱۳۹۲ « «
کارخانهٔ تریاق وعقاقیر طبی در شهر لیسبا ـ ۱۴۰۰ « «
عمل کلاه انگریزی (برانیط) در فرانس مخترع آن شخصی بوده از سویسره ـ ۱۴۰۴ « «
تصویر با رنگهای روغنی ۱۴۱۰ « «
خزف سازی شبیه بچینی در اروپا ـ ۱۴۱۶ « «
شفاخانهٔ طاعون در بند قیه ـ ۱۴۳۰ « «
استعمال پوسته در اروپا ـ ۱۴۳۲ « «
اختراع صنعت طبع ـ کونبرك اختراع آن نمود ونخست انجیل را بزبان لاتینی طبع کرد
وچند نسخهٔ آنرا برای فروش همراه شریك خود بپاریس برد ویك جلد را بقیمت (۲۰) لیره
فروختند وبیش ازان بصد لیره فروش شده بود . چون همه نسخه ها را در صفحه و سطر یك « «
رنگ یافتند برعلاوه که یگان سطر با رنگ قرمزهم نوشته شده بود مردم پنداشتندکه بقوهٔ سحر و
جادو نوشته شده و سطر های قرمز هم بخون شیاطین نگارش یافته ـ هرگاه مشارالیهما حقیقت
حال را نمیگفتند و هیئت شورای پاریس آنها را رها نمیکرد نزدیك بود گیر بیایند ـ ۱۴۳۶ « «
آغاز کمیدیها در بلاد ایطالیا ـ ۱۴۴۱ « «
اساس مکتب واتیکان در روما و این از اولین مکاتب معتبرهٔ ایتالیاست ـ ۱۴۴۷ « «
کندن صورت برقالب که عبارتست ازنقش برمس وچوب از اختراعات تومازو فنیجیر زرکراست
۱۴۵۲ مشارالیه ازبلادفلورنسا بوده ـ بعضی ظهوراین اختراع را (درسنه ۱۴۶۰) گفته ـ ۱۴۵۳ « «
مهاجرت بقیهٔ اهل معارف با کتب خود ها از قسطنطنیه باروپا بسبب استیلای دولت ترك برقسطنطنیه
و بواسطهٔ آنها علم فلکیات وعلم طبیعی ازاوهام باطل نقدوسره گردید ـ مجمع علمی درشهر پیزان
تجدید یافت . پولس توسکانلی (میل) یعنی آلهٔ تعین این دو انقلاب را بلند ساخت این میل بزرگترین
آلهٔ فلکی دنیاست ـ « «
درین سنه لورنزودو ، ساعتی بدیع برای پاپ ساخت که علاوه برتعین اوقات حرکات آفتاب و
سیاره ها وکسوف وبروج وسائر تقلبات فلکی رانشان میداد . « «
اختراع هیدوگرافی که عبارتست از فن تخطیط بحور ، بحیره ها ، نهرها وسائر آبها طوریکه رسم
وشکل کنار بحرها وخلیجها ، ثغورها جزیره ها ، راسها ، قنالها ، بوغازها ، مجراها وغیره را نشان
میدهد مخترع آن هنری نام شخصی ازملاحها بوده ـ ۱۴۶۳ « «
ایجاد کارخانهٔ بافت پارچه ابریشمی درلیون از علاقهٔ فرانس ـ ۱۴۶۶ « «
اکتشاف کهربائیت وواسطه آن بحث طبیب انگلیسی گردید که کلیبر نام داشت
واز شهر گول چستر بود ـ ۱۴۸۶ « «
اکتشاف راس امید وآنرابارتالمودیاس کشف نمود ۱۴۸۶ « «
اکتشاف امریکا وآنراکریستوف کولمبس جنوائی کشف کرد ـ ۱۴۹۲ « «

درین اوقات سررشتهٔ پوسته وقانون درممالك روس اجرا یافته

اکتشاف راه هندشرق از جهت راس امید ـ ١٤٩٨ ب م

تاسیس مکتب ملکی ودارالعلوم ومطبعه‌درفرانس ١٥١٥ » »

ساخت چقمق تفنگچه ـ ١٥٢٠ » »

رواج فن‌طبع دربلاد روس ـ ١٥٣٤ » »

ساخت سوزن دوخت درانگلتره ـ ١٥٤٥ » »

استعمال تنباکو وعمل سگار ـ ١٥٦٠ » »

ساخت کاردمروج وبیشتر از سنك یاصدف کاردی ساختند ـ ١٥٦٣ » »

ایجاد تفنگ چندتیره یادومیله ـ ١٥٧٠ » »

اکتشاف سنگ مقناطیس ارضی وآنرا روبرت نورمان نام شخصی کشف نمود ـ ١٥٧٦ » »

ایجاد آلهٔ تقسیم میزانها ـ ١٥٧٩ » »

اکتشاف علاقهٔ سیبریا ١٥٨١ » »

اصلاح حساب سنه شمسی به (٣٦٥) روز و(٥) ساعت و(٤٩) ثانیه وآن را پاپ گریکوریوس سیزدهم اصلاح نمود فرق حساب سنهٔ شمسی دربین اروپا وایشیا ازین رهگذر پیداشده ـ ١٥٨٣ » »

آغاز طبع جرائدونشرآن در بلاد انگلیس وبعضی در (١٦٣٠) میدانند ـ ١٥٨٨ » »

ایجاد چرخه تارتابی هندی واین اولین کارخانه‌بافت پنبه درانگلتره بوده بعدهادرقرن‌هفدهم در فرانسه نیزرواج یافت ـ درین‌اوقات‌آینه دراروپا اصلاح گردیده ورق قلعی‌درپشت‌آن‌زدند ـ ١٥٩٠ » »

ساخت تلسکوب وآن‌دوربینی است که برای دیدن اجسام بسیار دور وضع شده ـ مخترع آن کریکوری المانی یایوحنای لیپرسهی بوده ـ ١٥٩٣ » »

درین اوقات گلیلی ایطالوی دوران کرهٔ ارض را بیان نمود وپیش ازین کبرنیك نام شخصی ازبلاد پروشیادرسنه ١٤٧٣ ازدوران‌زمین بحث‌کرده بودبلکه فیثاغوروپکی از شاگردان او دوهزار سال پیش همین سخن می‌گفتند درین اوقات گلیلی مذکور بندولی رااختراع نمود وموکینس‌معلم آنرا ازبهروقت مقیاس‌مقرر کردوساعتی‌ساخت دارای رفتارمنتظم‌تا ساعت باندك مدت‌باین‌خوبی رسید . » »

نیز گلیلی مذکوردرین اوقات بوزن ثقل هواقائل گردید وشاگردش درسنه ١٦٣٠ باثبات رساند که این ثقل‌معادل است باثقل‌ستونی ازآب بارتفاع (٣٢) قدم وستونی ازقلعی بارتفاع (٢٨) قیراط ومیزان البرودتی اختراع نمود که مدتی آنرا ابنوبهٔ تر ویشیللی می گفتند واخیراً پاسکال فرانسوی‌درسنه ١٦٤٣ آنرا تکمیل‌نمود وهمدرین قرن‌مؤلفات‌ادبی یوحنا دربلاد ایطالی ظهورکرد واونخستین شخصی است که ببطلان اثرات علم نجوم قائل گشت ودر نتیجه از اعتبار منجمین کاست وتاآنوقت بدربار شاهان اروپا قدرومنزلتی داشتند . » »

اکتشاف توابع مشتری — ١٦١٠ » »

اختراع ماشین ضرب سکه — ١٦١٧ » »

ایجاد مگرسکوب (دوربین بزرگ‌نما) وآنرا زخیر ماجانسن هولاندی یادربیل نام شخصی ایجاد نمود — ١٦٢٤ » »

معرفت حرکت دوران خون وآنرا ولیم هاروی فیلسوف انگلیسی دریافت — ١٦٢٨ » »

ایجاد ترمامیتر بصورت‌موجودهٔ (مقیاس‌الحرارة) وآنرا دریل‌هو لاندی که‌سابقاً ازو ذکرشد ایجاد نمود —
۱۶۳۸ ب م

ولادت اسحاق نیوتن فیلسوف انگلیس مشارالیه معلوماتی ازخود بروز داده ودر جمیع اعمال متعلقه‌بعلوم‌طبیعیه‌وفلکیه تأملی‌بخرج رسانده. یکروز سیبی ازدرخت بزمین افتادازآن بقوهٔ جاذبه (یعنی بقانون‌ضابط انتظام تمام عالم) پی برد قوهٔ دافعه را که ضد اوست برای حصول » »
تعادل‌نیز استنباط کرد. اگرچه‌ریکارت نیم قرن پیش ازین ازمسائل دقیق‌سخن رانده‌بود. اما این فیلسوف‌بابیانی روشن تر شرح دادوعلما دنبالهٔ اورا درین باب گرفتند — . ۱۶۴۲ » »

زراعت برنج درامریکا —
۱۶۴۷ » »

اولین‌آلهٔ کهربائیت‌را ادسون‌وکریکه‌هولاندی که اورا اوتو دیکریك نیز گویند ساخته وبواسطهٔ آن دوفای‌فرانسوی عالم طبیعی آنرا بردو نوع‌قسمت کرد یکی زجاجی‌ودیگری روتنجی - وچون الکتریك دربعضی اجسام بسیار ودربعضی اندك می باشد نوع اول را مثبت ودوم را منفی‌نامیدند . » »

درین‌اوقات کردنیال ریشیلو وزیر لوی سیزدهم شاه فرانس در پاریس از برای ارباب علم انجمنی تاسیس کرد و رصدی بنا نمود که تاکنون معروف است ونیز باغی‌ازبرای نباتات‌ساخت .

ریمیر دنمارکی از سرعت رفتار ضوء درین اوقات بحث راند .
» »

ماریوط فرانسوی هم درین سنه فرق سرعت سقوط اجسام راکشف نمودکه یعنی برحسب مقاومة هوا وحجم جسم میباشد —
۱۶۵۰ » »

ایجاد آلهٔ مفرغة الهوا وآنرا اتودیکریك مذکور در (مکدبرك) ازبلاد پروشیا ایجاد کرد وآنرا تلمبه هوا نیز گویند —
۱۶۵۳ » »

علوم طبیعه نیزدرینوقت‌پیشرفت نمود هیئت دانشمندان فیرنیسا معلم‌سماع وخواص‌ضوء وحرارت وغیره مشغول شدند —

عمل شیشهٔ که حدوث باران ازان معلوم می‌شود —
۱۶۵۵ » »

اکتشاف اکسیژن ومکتشف آن داکتر پریستلی انگلیسی است —
۱۶۷٤ » »

ودرین اوقات شارل نام معلمی‌میکاسکوب‌را اختراع نمود وازبرای نظاره وحصول صور اجسام‌که دارای امتداد اندك باشد بکارمیرود — .
۱۶۷٤ » »

اختراع شیشهٔ جاذب ضوء — .
۱۶۷۵ » »

آغاز ترقی‌ملت روس بواسطهٔ ترویج‌علوم وفنون وصنائع مهم در ممالك آنها ازهنگام جلوس پترکبیر درین اوقات‌حرکات‌ستارهای دمدارکشف شده —
۱۶۸۲ » »

ایجاد شیشه های آتشی —
۱۶۸۷ » »

عمل پوش مراکب —
۱۶۹۰ » »

درین‌اوقات ساوری انگلیسی مقناطیس صنعی‌را اختراع نمود آله های بخار نیز ایجاد یافت ونخست‌داکتر پابین فرانسوی آغاز بعمل آن نمود. آلهٔ مفرغة الهوا نیز بیشتر تکمیل کشت » »
چنانکه بعد هادر ترکیب‌واصلاح آن فقط تغیر اندکی پیش آمده .

درین سنه کلوانی معلم کهربائیت حیوانی راکشف نمود وبنام او منسوب گشت چنانکه آنرا » »
(کلوانیه)میگویند مشارالیه‌ازبولونیای‌ایتالیاست‌کهربائیت‌حیوانی‌بلمس حاصل‌می‌شود. بعدها فولته معلم آنراتوضیح‌وستون‌کهربائی‌را وضع‌نمود وکریکس‌ها نکس‌بعمل‌حوضهای‌کهربائی‌آن را بکار برد . » »

آبله‌کوبی چیچك به چیچك —
۱۷۱۳ » »

اختراع نوت نقدی درفرانسه — ۱۷۱۵ ب م

دوربین — ۱۷۲۳ « «

اختراع ماکوی پران بافت ومخترع آن (کی) نام انگلیسی است ۱۷۳۸ « «

وضع شیشه های اکرديتك (عدسیه بی رنگ) برمیکروسکوب وموجد آن سلیك معلم بوده ۱۷٤۰ « «
درین اوقات لیبرکهن معلم برلینی مکرسکوب شمسی را اختراع نمود و نامش مکر سکوب شمسی
ماند زیرا استنارهٔ جسمی که رؤیتش مراد است درین مکر سکوب بواسطهٔ ضیای ذاتی آفتاب
می شود نه بواسطهٔ ضیای ظلی درین سنه کارخانه های ریخته گری آهن در انگلتره بوجودآمد « «

اختراع شیشه لید ومخترع آن موشینبردك وکونیوس اند این شیشه درقریه لید اختراع
وبنام آن منسوب گردید — ۱۷٤۷ « «

تقسیم کردن متخصصین جغرافیا ؛ زمین را بأراضی اولیه وثانیه وثالثیه وغیره — ۱۷۵۰ « «

اختراع آلهٔ برقگیر ومخترعش فرانکلن امریکائی است — ۱۷۵۲ یا ۱۷۵۳ « «

اختراع ماشین خیاطی در بلاد انگلیس — ۱۷۵۵ « «

تاسیس مکتب کوروکر و گنگ در پاریس - بعدها در سائر ممالك اروپا ترویج یافت
درین مکاتب کوروکر را خواندن و نوشتن ور یاضی یاد میدهند — ۱۷٦۰ « «

اختراع ماشین رشتن ومخترع آنها رگربوزنام انگلیسی است ۱۸٦٤ « «

اختراع انجن بخاری روات انگلیسی مخترع آن بوده ۱۷٦۵ « «

اکتشاف آیدروژن وآنرا کاویدلس داکتر انگلیسی کشف نمود. بعد ها ماگیر معلم
ترکیب آب را از اکسیژن وآیدروژن دریافت وازین دو عنصر آب بوجود آورد. « «
ازان بیعد بوزیهٔ فرانسوی دانشمند معروف ظهور کرد ودرتحلیل و ترکیب ثانوی آب
معارف صحیحی بیادگار گذاشت وآن معارف سبب تولد کیمیای غازیه گردید — ۱۷٦٦ « «

آغاز کشتمندی پنبه در بلاد امریك - ۱۷٦۹ « «

بنای شفاخانهٔ ایتام درمسکو — ۱۷۷۰ « «

معرفت نایتروژن مکتشف آن داکتر روسفورد است — ۱۷۷۲ « «

ظهور فن تنویم مسمر نام داکتر المانی بکشف آن پرداخت - وهمدرین سنه بشنل نام
امریکائی تارپیدوی تحت البحری را اختراع نمود ۱۷۷٦ « «

اکتشاف اورانوس وآنرا هرشل انگلیسی کشف نمود بعدها دیگر سیارات جدید هم کشف
گردید هرشل در تلسکوب نیز اصلاحاتی نموده — ۱۷۸۱ « «

اختراع بالون — ۱۷۸۳ « «

اختراع ماشین بخار برای نساجی کارت رایت نام انگلیس آنرا اختراع نمود ۱۷۸۵ « «

ایجاد ماشین میخسازی موجدش پرکنیز امریکائی است ودرین سنه فچ امریکائی کشتی بخاری
ایجاد کرد. و فولتن نام شخصی دیگر ازامریکا در ۱۷۹۳ کشتی بخاری دیگری بمیدان کشید. ۱۷۸۷ « «

ایجاد مطبع میکانیکی که خود بخود طبع میکند و موجدآن نیکولسون انگلیسی است- ۱۷۹۰ و همدرین
سنه مردوك انگیسی غاز را برای تنویرات استعمال کرد. ایجاد ماشین پنبه که پنبه را از پنبه دانه جدا « «

میکند موجد آن ویتنی امریکائی است — ۱۷۹۳ ب م
اختراع بطاریه برق (بتری برق) که درگداز و تلگراف کهربائی استعمال می شود، مخترع آن
ولتای اطالوی است در۱۸۹٤و برخی گویند اختراعش را در — ۱۸۰۰ » »
اختراع ماشین شانه کردن پشم و پنبه ویت مور امریکائی موجد است — ۱۷۹۷ » »
اختراع مطبعه سنگی لویس سنفلدر براعی المانی آنرا اختراع کرده ودرین قرن سوسور که
در علم کائنات جو اولین شخصی ست آلات مقیاس رطوبت را اختراع ودر خصوص شبنم، باران و برف
اظهار افکار صحیحی نموده ودر سنه (۱۸۰۰ ب م) مرد — ۱۷۹۹ » »
آبله کوبی چیچك از گاو مخترع آن وارد گنر نام انگلسی است — ۱۸۰۰ » »
ایجاد ماشین میکانیکی بافت که بدون معاونت دست خود بخود بافت قماش می کند مخترع آن
جاکرنام فرانسوی است — ۱۸۰۱ » »
درین سنه پیاظی نام شخصی سیارۀ دیگری را کشف نمود ونام آنرا (سریس) گذاشت. درین
قرن کولونب نام شخص دیگری که مشغول تجارب مقناطیسی بود واظهار نمود که معادن
دیگری هم قابل آنست که مقناطیس شود ووجود عنصر متحد وخفی حرارت را معین ساخت که
استال نام شخصی یکقرن پیش ازان بحث کرده وآنرا عنصر زبانه نام نهاد. بعدها مشیل نام
شخص سوی تشعشع آنرا بر خط مستقیم وانعکاسش از سطح آئینه معدنی وانحصارش در یك نقطه
وقتیکه آئینه مقعر باشد. ثبوت کرد. درین قرن ناپلیون بوناپارت مجموع قوانین کوتیشی را
وضع واغلب دول اروپا آنرا دستور العمل ساختند خصوصاً درامور تجارتی اکتشاف سیارۀ سوم
(پلاس) که اولبرس نام شخصی کشف آن نمود ودوسال بعد عالم فلکی دیگری که هاروتك نام داشت
سیارۀ چهارمی را کشف کرد ونامش دسته گذاشت ازان ببعد عدۀ ستارگان مکتشفه از (۱۲۰)
تجاوز نمود ودرقدیم یکی از آنها هم معروف نبوده — ۱۸۰۲ » »
ساخت حوضهای کهربائی وچنانکه درسابق ذکریافت کرویکس ها نکس بساختن آن پرداخته — ۱۸۰٤ » »
ظهور نخستین جهاز بحری که ازنیویارك تا فیلادلفیا در بلاد امریکا سفرکرد — ۱۸۰۷ » »
استعمال شکنجه های بخاری — ۱۸۱٤ » »
اختراع سیتنوگراف (مخفف نویسی) را مری نام هولاندی نموده. درین سنه چراغ گازدر لندن
پیدا شد — ۱۸۱٦ » »
ونیز درهمین سنه ۱۸۱٦ لای نیك فرانسوی ستاتلسکوب آله معاینۀ امراض را اختراع نمود.
اختراع ایلیکترو دینامیك که فرعی است از علم طبیعی وحوادث صادره از تفاعل کهربائی ومقناطیسی
ازآن معلوم می شود. مخترع آن ارستیدت معلم طبیعی است که ازقصبۀ کرپنهاکن بوده ازبلاداسوج — ۱۸۲۰ » »
ظهور کهربائیت بواسطۀ حرارت وآنرا سیبیك معلم کشف نمود — ۱۸۲۱ » »
خواندن شمپولیون فرانسوی خط هیر وغلیفی را که خط قدیم مصر است — ۱۸۲۲ » »
فهرست اجسامی که از جو سقوط یافته از قبیل سنگ وآهن وغبار وغیره. اریو فرانسوی متخصص
طبیعی ترتیب این فهرست را از سنه (۱٤۷۸) قبل المیلاد تا (۱۸۲٤) بعدالمیلاد گرفت وعدۀ آن
را زیاده بر (۲۵۰) شمر دولی درصحت آن بعضی انکار نموده بدلیل آنکه در ظرف (۳۰)
سال بعد از (۱۸۲٤) بیش از (۵۰) نوبت سقوط روی داده — ۱۸۲٤ » »
اختراع مقناطیس برق وهنری نام امریکائی آنرا اختراع نموده — ۱۸۲۸ » »

اختراع راه آهن وآنرا جارج وروبرت ستیفانسون انکلتره اختراع نمود واولین سفر آن
از لیورپول تا مانچستر بوده— ۱۸۲۹ ب م
اختراع ماشین خیاطی ومخترعش تمونیای فرانسوی است . ودرین سنه فلتر (آله تقطیر
مائعات) راسمسن انگلیسی اختراع نمود . — ۱۸۳۰ « «
اختراع گوگرد فاسفور متداول امروزه را شاریای فرانسوی اختراع نموده — ۱۸۳۱ « «
وهمدرین سنه سوواژ نام فرانسوی اختراع پروانه را در جهاز بحری نمود . وبی نینگ نام شخص
سوی ازامریکا ماشین کبل پیرائی را برای کورپه نمودن گیاه ایجاد کرد .
اختراع ماشین درو ومخترع آن شنبلی هسی نام امریکائی است — ۱۸۳۳ « «
اختراع تفنگچهٔ چرخدار کولت امریکائی مخترع آن است — ۱۸۳۵ « «
اختراع ماشین ازمور امریکائی است ودرین سنه تلگراف سیمدار برق را (ویت ستون)
انگلیسی اختراع نمود . ۱۸۳۶ « «
و پیش ازان مورس نام امریکائی در ۱۸۳۲ تلگراف سیمدار برق را باصول دیگری اختراع نموده بود .
اختراع سیتر بوسیکوب (دوربین دوچشمهٔ) برای تفرج ومخترع آن واتستون انگلیسی است - ۱۸۳۸ « «
اختراع ساعتهای برق وآنرا ستاینهل نام شخصی از مونیخ مرکز باوریا اختراع نمود و
بعد از یکسال واتسون اصلاحش کرد . ودرین سنه (رابر) پخته را کودیر نام امریکائی - « «
و فن عکاسی را کورنیس فرانسوی اختراع نمود — ۱۸۳۹ « «
و همدرین اوقات یوسف نیسفور نایس فرانسوی فوتوگراف را اختراع نمود و از سنه ۱۸۱۳
ابتدا کرده بعدها باشتراك دیوگر پاریسی در سنه ۱۸۳۹ انجام نمود و درین سنه فوکس « «
سالبوت انگلیسی صورت کشی را بر ورق اختراع کرد ودرسنه ۱۸۴۵ مشهور شد ونیز
انتظامات خیریه واصلاحات ملکی وعسکری وتاسیس مدارس رشدی در ممالك ترك وضع گردید . « «
عمل آلهٔ ذنب برای وابورها وآنرا اریکسون مهندس اسوجی درهنگام اقامت در ممالك متحدهٔ
امریکا اختراع نمود و پیش ازودوکی نام فرانسوی (سنه ۱۷۲۷) فکری درینباب کرده بود - ۱۸۴۴ « «
تلگراف بری درین سنه امتداد یافته .
اختراع سمنت - جانسن انگلیسی مخترع آنست — ۱۸۴۵ « «
و درین سنه تایر رابری برای عراده تامیسن امریکائی اختراع نموده .
اختراع تربین ومخترع آن فرانسس امریکائی است — ۱۸۴۹ « «
امتداد تلگراف بحری — ۱۸۵۰ « «
(لو موکوتیف برق) را وائل امریکائی اختراع نمود — ۱۸۵۱ « «
اختراع کائروس کوب آلهٔ که توازن جهاز های طیاره وغیره را نگه میدارد .
مخترع آن فوکانت فرانسوی است . — ۱۸۵۲ « «
اختراع دوپلکس تلگرافی که دریك آن ازدوطرف مخابره میکند مخترع آن کنتی
آسترلیائی است — ۱۸۵۳ « «
ترکیب فولاد ازچودن وآنرا بسمر انگلیسی ترکیب نمود . همدرین سنه رنگهای مصنوعی « «

اختراع گوید — ۱۸۵۶ ب م
اکتشاف پترول — ۱۸۵۸ « «
اختراع داینامو مخترع آن ماچی نوتی ایتالوی است — ۱۸۶۰ « «
اختراع توپ ماشیندار مخترع آن کیت لینك امریکائی است. ودرین سنه کورهٔ برق اختراع
گردید. ونیز تصویر متحرك را که نوعی از سینما است سلرس امریکائی اختراع نمود — ۱۸۶۱ « «
اختراع ماشین تایپ ومخترع آن سوللز امریکائی است. ودرین سنه داینامیت را نوبل
نام سویدی اختراع نمود — ۱۸۶۷ « «
آغاز سفر در خلیجی که دولت ترك حفر نمود وباهتمام دولیبس فرانسوی انجام یافت. این
خلیج بحرابیض رابا بحر احمر اتصال داده وبواسطه آن آسیا از افریقا جدا گردیده ۱۸۶۹ « «
اختراع سلولائید. مخترع آن هایت امریکائی است ۱۸۷۰ « «
ایجاد تلگراف خودنویس وموجد آن تامسن انگلیسی است. ودرین سنه ادیسن دانشمند امریکائی
تلگراف (گوردروپلکس) را که بایك سیم در یك وقت چهار نفر باهم مخابره میکنند. ایجاد نمود ۱۸۷٤ « «
ایجاد تیلفون (بیل) امریکائی موجد آنست ۱۸۷٦ « «
ایجاد فونوگراف وموجد آن ادیسن امریکائی است. ودرین سنه پیوندکردن فلز را بواسطهٔ برق
تامسن امریکائی بروی کار آورد. وانجن احتراق داخلی را اتوی المانی اختراع کرد ۱۸۷۷ « «
گروپ برق اختراع ادیسن مذکور است. ۱۸۷۸ اختراع قوس برق مخترع آن
برنتس امریکائی است ودرین سنه موتر پترول را شیلان امریکائی اختراع کرد ۱۸۷۹ « «
ماشین قیماغ را دولوال سویدی اختراع نموده ۱۸۸۰ « «
ایجاد ابریشم مصنوعی (سند) مخترع آن شوان انگلیسی است ۱۸۸۳ « «
ایجاد ترماین بخاری. مخترع آن مارشنز انگلیسی است ودرین سنه دباغت چرم را شولیز
امریکائی اختراع نمود ۱۸۸٤ « «
اختراع باروت بی دود. مخترع دی ایل فرانسوی است ۱۸۸٦ « «
اختراع ماشین حروف چینی ومخترع آن لینس تن امریکائی است ۱۸۸۷ « «
اختراع ماشین حساب. مخترع بروز امریکائی. ودرین سنه فلم عکس را گدوایست
ون نام امریکائی ایجاد کرد ۱۸۸۸ « «
ایجاد سینما وموجد آن ادیسن امریکائی است ۱۸۹۳ « «
ایجاد تلگراف بی سیم. موجد آن بریس انگلیسی است. ویکسال بعد مارکونی نام ایطالوی نیز بایجاد
آن باصول دیگر موفق شد. ونیز در سنه ۱۸۹۵ اکسریز (اشعهٔ رونتجن) رونتکن المانی کشف
نمود اختراع انجن دیزل، مخترع آن دیزل المانی است ۱۸۹۵ « «
۱۹۰۰ « «
اختراع رادیو. مخترع ستبل فیل امریکائی است. ودرین سنه کورت المانی در نقل
عکس بواسطهٔ تلگراف سیمدار موفق گردید ۱۹۰۲ « «
ایجاد طیاره. برادران ریت امریکائی اختراع آن نموده اند ۱۹۰۳ « «
اختراع چراغ (گروپ) رادیو ومخترع آن دی فارست امریکائی است ۱۹۰۷ « «
اخذ نایتروجن از هوا ۱۹۱۳ « «
ایجاد طیاره هلیوکاپتر. موجد آن برینن انگلیسی است ۱۹۱٦ « «
اختراع طیارهٔ آتوگیرو (خودگرد) مخترع سیرواي امریکائی است ۱۹۲۰ « «
اختراع تیلی ویزیون. مخترع آن بی ارد امریکائی است ۱۹۲٦ « «

مبدأ ظهور کاغذ

اگر در اواسط قرن پانزده حینیکه (گیوتامبرگ) Gutembergue المانی (تیپوگرافی) یعنی سیستم چهاپ حروف متحرك را ایجاد کرده بود غیر ازکاغذ های خانبالغ پوستی ، کاغذ های پارچه وجود نمیداشت تاحروف‌متحرك روی صفحات آنها گردش کنند ، گاهی چهاپخانه وامور مربوطهٔ آن انبساط وتوسعه حاصل کرده نمیتوانست ایجاد حروف متحرك چهاپ موارد استعمال پیدا کرده رواج و عمومیت کلی بخود گرفت . پس چون رول کاغذ درمدنیت مغرب خواص عمده پیدا کرد لازم دیدیم اوراق تاریخ عمومی مدنیت را ورق گردانی نموده تجسس کنیم درچه عصری کاغذ وارد اروپا شده ، چطور استعمال آن دراکناف یورپ رواج یافته واولین موارد استعمال آن چه ها بوده .

اسم کاغذ که بزبان فرانسه (پاپیه) Papier میباشد ازکلمهٔ لاتینی (پاپی روس) Papyrus استخراج شده ، لیکن اصلاً به موادی اطلاق می شد که غیر از مغزنبات (پاپی روس) که مصریان از آن کاغذ درست میکردند مواد دیگری بود . اصول ساختمان آن عبارت ازین بود که ابتدا ازمواد مذکور ورقه ها درست کرده افقاً روی هم میگذاشتند ، بعد یك‌یك سطوح مذکور رامرطوب کرده بالنگرفشار داده هموارمی نمودند و بالاخره درآفتاب خشك میکردند .

درقرون وسطی بعضی اوقات همین اسم (پاپی روس) را به (پاپیه) یعنی کاغذ های پارچه اطلاق میکردند، بعضی مولفین درآثارخرد (پاپی رو) (Papiro) و (پاپی را) (Papira) نیز ذکر کرده اند . حتی دریك جائی(شار تابومی‌سینا) (Charta Bombicina) که آنرا نه (کاغذ ابریشم) بلکه کاغذکه از شهر بامبیکس (Bambysc) قریب الپ آمده باشدمیتوان ترجمه کرد وهم اسم برده شده‌و (شارتا کوتی نیا) (Charta Cuttunéa) که کاغذ پارچه‌ای میتوان نامیدهم وجودداشت . کاغذ آخیرالذکرکه دراغلب مضامین ازان اسم برده شده غیر مواد (پاپی روس) که عبارت ازالیاف نباتات بوده وبعد ازمدتی خم و شکست پیدا میکرد یکنوع خمیرهٔ بود که آنرا بطریق ذیل تهیه میکردند : ابتدا پارچه های

تکه تکه کهنه را جمع کرده در آب تر میکردند بعد توسط چکش های چوبی یادندانه های چکش نمای چرخی که بشکل پرهٔ آسیاب بود و اصلاً آنرا آسیاب هم می‌نامیدند و بکمك آب حرکت میکرد پارچه های بوسیده را لت مینمودند . درنتیجه تحلیل اجزای پارچه خمیره بدست میآمد که کاغذ هـای پارچه معمولهٔ قرون وسطی‌را ازآن درست میکردند. پارچه های که درساختمان این نوع کاغذ هـا بکار رفته انداصلاً خوب معلوم نیست وحالا تمیز داده نمی‌شود که کدام کاغذ پارچه وکدام پنبئی میباشد ، لیکن ازروی تجزیه میکروسکوپی یکی ازاوراق قدیمه‌اینقدر معلوم میشود که ازپارچهٔ کتانی وشاهدانه ساخته شده اند .

درمیان اقوام قبل ازهمه چینائی‌ها بفکرافتاده اند تااین نوع کاغذ را درست کنند وازروی روایاتی که عموماً طرف قبول افتاده معلوم می‌شود اول کسی که اصول فوق راا ختراع کرده است (تسای لون) (Tsai-Loun) چینائی بوده که درقرن اول بعدازمسیح به ایجاد آن نائل شده است موجدمذکورازساکنین (لی‌یانگ) (Lei-Yang) ایالت « هونك — چه‌او » (Hung Tchéou) ولایت هونان (Hounan) بشمال « کانتن » (Cantan) بوده است . — این کاغذ مدت چند قرنی ازچین خارج نشده بود تااینکه درجنگ شاهزاده گان ساسانی بر چین غلبه یافته کاغذ را برای اولین دفعه در ۷۵۱ مسیحی به ایران آوردند بعد یك فابریك مهم کاغذ سازی در سمرقند تاسیس گردید واین صنعت جدید بقرار شهادت « طالبی » نویسندهٔ قرن یازده شهرت خوبی پیدا کرده . بود ازسمرقند کاغذ به سرعت تمام درتمام عالم اسلام انتشار یافت زیرا بقرار اظهارات رشیدالدین در ۷۹۴ یعنی تقریباً نیم قرن بعدبازارکاغذ فروشی دربغداد تشکیل شده بود چنانچه بعضی نمونه های این کاغذ ها که عبارت ازنوشتجات قلمی‌عربی ویك ورق حل مسائل ریاضی است (فعلاً درموزیم ملی‌پاریس موجود است) که درسنه ۹۷۰ بعد ازمسیح‌در شیراز نوشته شده است . دربریتش موزیم انگلستان نیز همعصر این قبیل اسناد تاریخی وجود دارد .

درطی‌قرن نهم ودهم باوجودیکه (پاپی روس) یعنی قرار تعبیر عبداللطیف عربی داکتر بغداد که درکتاب مسافرت تحریری قرن ۱۲ خویش آنرا (کاغذ گیاه مصری) ترجمه کرده است درمصرموجود بود اعراب دمشق کاغذ پارچه‌ای راوارد قاهره واسکندریه نمودند . کاغذ (پارچه های کهنه) که بر طبق اصول چینائی‌ها ساخته می‌شد توسط اعراب در« تری‌پولی » (Tripoli)وشام و بعد دراسپانیا وجاتی وا (Jativa) منتشر گردید .

طرز ساختمان کاغذ وارد (کوردو) (۱) (Cordou) مرکز خلافت اسلام در اسپانیا گردیده از آنجا به اوروپای مسیحی منشعب گشت یهودیان اسپانیا برای اولین دفعه درقرن ۱۲ اسباب کاغذ سازی مغرب زمین را ایجاد کردند کشیش آنوقت (کلنی) (Cluny) که موسوم به «پیغ موغیس» (Pierre Maurice) بود و معمولا اورا «پیغ» متبرك میگفتند (۱۰۹٤ ـ ۱۱۵۷) در طی زیارتی از اسپانیا بعض حصص مضامین معاهده (Talmud) (تلمود) را بر اوراق پارچه ثبت یافت زیرا در کتبی موسوم به (معاهدات برعلیه یهودیان) مرقوم است که مواد اوراق (تلمود) «پارچه های کهنه و یا کدام شی پست تر دیگری» میباشد . لیکن کشیش مذکور عقیدهٔ خود را نسبت به مواد مذکور تغیر داده بود و آنهم پسانها معلوم شد که از نقطهٔ نظر پروپاگند های مذهبی بوده است .

بعد از اخراج مورها (اعراب) از اسپانیا شاهان « اراگون » (۲) (Aragon) اسباب کاغذ سازی یهودیانرا وسیلهٔ خوبی برای جلب عایدات در مملکت خویش یافته بعضی فرامینی که مخصوصاً درآن قطار فرمان ۸ فوریه ۱۲۷۳ جیم اول (Jaime. I) را میتوان حساب کرد نسبت بمالیات بندی آسیاب های آنها صادر کردند . چنانچه در اسناد قدیمهٔ تاج «اراگون» در « برسلون » دقیقاً نوعیت این مالیاتهای شاهی مذکور است .

این فابریك های کاغذ سازی یهودیان در « اکزاتی وا » Xatuia یا (ژاتی وا) (۳) قریب «والانس» در قرن ۱۲ شهرت بسزا داشته وازطرف مسافرین با تمجید و ستایش زیاد یاد میشد چنانچه ادریسی در کتاب تعریفات اسپانیا اشارهٔ بآنها نموده است بعدها دراثر زجر و تصدیعی که به یهودیان میرسانیدند فابریکهای فوق به شهر های دیگر نیز انتقال یافت چنانچه یهودیان ابتدا بطرف شمال اسپانیا مهاجرت نموده ابتدا صنعت خود را در شهر « ژغن » Jérone و از آنجا بخاك فرانسه انتقال داده در شهر ناربن Nerbune (٤) و « پرپی نان » Perpignan (٥) و Monpellier (من پولیه) (٦) برقرار نمودند . در اواخر قرن ۱۳ آسیابهای کاغذ سازی در ین قسمت ها وحتی قسمت های شمالی و در (شامپانی) نیز تاسیس

(۱) شهری است در اسپانیا که مرکز خلافت خاندان بنی امیه بود ودر آن آثار عمرانات ومساجد بزرگ اسلام معمور بوده .

(۲) حصهٔ شمال شرق اسپانیا میباشد که بسه ولایت تقسیم شده بود و پایتخت آن (دساراگس) بوده است ومدت مدیدی در قرون وسطی مملکت مستقلی بود . (۳) شهری است درایالت (والانس) اسپانیا .

(٤ ـ ٥ ـ ٦) شهر های جنوبی فرانسه که قریب سرحدات اسپانیا واقع اند .

گردید. بعد از اینکه یهودیان دسته های زیاد کاغذ را به فرانسه و آلمان و ایطالیا وارد گردند اسبابهای دیگری در (ترواز) Teoyes (۱) و «نورامبرگ» Nuremberg (۲) و مخصوصاً در «فابریانو» Fabriano (۳) که در آنجا به بعضی مراتب اکمال هم نائل گشت تاسیس گردید. طوریکه کاغذ خانبالغ پوستی درقرن ۸ مقام پاپی روس را گرفته بود کاغذ پارچه نتوانست به آن سرعت جا نشین کاغذ پوستی گردد زیرا کاغذ اخیرالذکر ویا این نوع اوراق چرمی که انراپرگامنا Pergamena نیز میگفتند ودر شهر «پرگام» باپوست بز و گوسفند که بمالش سنگ صیقل میکردند ساخته شده بود بواسطهٔ دوام و صفت کلفتی خود مورد دقت عموم شده بود.

امپراطور آلمان فریدریك دوم (Frederic II) پاشاه سسیل (۱۲۵۰ ـ ۱۱۸٤) استعمال کاغذ پارچهٔ را بجهت عدم دوامش قدغن نمود لکن آلفونس پادشاه بصیر «کاستیل (۱۲۸٤ـ۱۲۵٤) در استعمال هردونوع کاغذ احکامی صادر کردکه کاغذ پوستی مخصوص امورمهمه کاغذ های پارچه‌ای برای سائر چیزها استعمال شود با وجودیکه کاغذ پارچه‌ای ضدیت های سلاطین را نسبت به تعمیم خود متحسس شد معذا لك در اثر صفاتی که در وجود او مضمر است سدا یدوارده را برطرف کرده جانشین کاغذ پوستی گردید ـ درمیان قدیمترین اسناد اروپائی که روی صفحات کاغذ پارچه نوشته شده میتوان نوشتجات قلمی لاتین را که ازدیر «سیلوس» اسپانیا قریب «بورگس» بدست آمده متذکر شد. یکی از آن اسناد عبارت از کتاب Glassairelatiu میباشد که زیاده ازدوصد صفحه دارد بعضی صفحات آن در اوراق پوستی پیچیده شده اند در اثر تجزیه واضح نمودند که کاغذ کتاب مذکوراز الیاف کتان خیلی تحلیل شده ساخته شده و اوراق آن با صمغ سرش گردیده است درهردوطرف صفحات آن بازبان «وزیگوتی» Wisigothique تحریر شده وازروی آن می شود تاریخش را به قرن ۱۲ موکول ساخت.

غیراز کتاب مذکوراسناد دیگری نیز ازیادکارهای آن عصر موجوداست چنانچه درمیان اسناد قدیمهٔ «باسلون» معاهده الفونس شاه بصیر «کاستیل» روی کاغذ پارچه‌ای موسوم به

(۱) شهر شمال شرق فرانسه.
(۲) شهر آلمان (۳) شهر ایطالیا.

شار تا کمیونی Chartacamm unis موجود است وعلاوه بر آن درکتابخانهٔ« اسکوریال »
ترجمهٔ کتاب ارسطو از زبان لاتینی نیز وجود دارد.

درین عصر هنوز هم کاغذ نسبتاً قیمت بلندی داشت تااینکه مود عمومی البسه نخی لباسهای پشمی را ازین برده برای صنعت کاغذ سازی زمینهٔ ترقی راوسیع ساخت بلی پارچه های کهنه البسه جات برای ساختمان کاغذ کمك زیادی کرد و درنتیجه قیمت کاغذ پارچه‌ای نسبت بکاغذ پوستی تنزل نمود.

درآن فرصتی که راهبین صفحات کاغذ پوستی را ناخن زده تراش میکردند وکاپی نوشته جات قلمی نویسندگان قدیم را شسته برای احتیاج خود صفحات سفید آماده میکردند اگر کاغذ پارچه‌ای بنوبهٔ خود ظهور نمیکرد وصفحات سفیدش را برای مضامین محتاجان وشاعات مختلفه تقدیم نمیکرد شاهکاریهای ادبی قدما همه ازبین میرفت. پس رول کاغذ چه ازنقطهٔ نظر تاریخ تجارتی وتخنیکی وچه ازروی انبساط مدنیت فوق العاده قابل ملاحظه است.



اختراعات

گلولهٔ سوراخ کنندهٔ زره پوش

سرا بر تها وفلید صاحب موسسهٔ اسلحه سازی در شهر شفیلد (انگلستان) راجع به اختراع مرمی فوق العادهٔ عجیبی که موتر های زره پوش را سوراخ میکند توضیحاتی داده چنین گفت :
یك مرمی که قطر آن ۳۷ ونیم سانتی بود به یك تختهٔ فولادی که مخصوصاً بغرض حفاظت تانك ثقیل وجهازات زره پوش‌جنگی ساخته شده بود ودر ستبری ۳۷ ونیم سانتی بود فیر شدگلولهٔ مذکور بدون اینکه بشکند صفحهٔ فولادی را سوراخ وتکهٔ را ازان جدا ساخت که وزن‌آن ۳۲۰ کیلوگرام بود .
سرعت سیر آن بقدری بود که پس از عبور از صفحهٔ فولادی ۹۰ میل دورتر افتاد و باندازهٔ کم آسیب بگلوله رسیده بود که ممکن بود مجدداً آن را استعمال نمود .

اختراع آلهٔ عکاسی جدید

یکی از طیاره های امریکا در این اواخر توانست که از ارتفاع (۲۱) هزار قدم ذریعهٔ دستگاه عکاسی شهر هائی را که در امتداد ۲۵۰ میل باشد از هرطرف عکس بردارد چنانچه سن فرانسیسکو ، ومونت شان را که مسافت بین آنها (۲۵۰) میل است عکس برداری نموده قوهٔ این دستگاه عکاسی اشعهٔ نوری است که ماوراء سرخ است وآن دقیق ترین دستگاه عکاسی است که علم توانسته اخیراً آن را اختراع نماید واز وی اینگونه کارهای حیرت آور را استفاده کند .

برای مبارزه بایخهای شمالی

چیشریکف مهندس شوروی اختراعی کرده که برای تسلط طرق بحری شمالی اهمیت زیادی دارد. اختراع مزبور عبارت از دست گاهی است که باسرعت زیادی آب می پراند لولهٔ آب که باسرعت ۶۰ الی ۹۰ متر در ثانیه سیر میکند هرآنچه که برسرراه باشد حتی جسم های سنگی را هم خورد میکند استعمال این دستگاه در کشتی های یخ شکن تسهیلات زیادی برای پیشرفت کار یخ شکن ها فراهم می‌آورد .

مخلوط فلز جدید

یکی از علمای شیمیاوی مخلوط جدیدی تهیه نموده که از فلزات مخصوصه است وصد یك آن مس میباشد این مخلوط دارای خاصیت مخصوصی است که ابداً زنگ نمی زند ، ومانندآینه صاف وصیقلی میگردد ، وممکن است آن را بواسطهٔ حرارت کمی نرم نموده وموقعیکه سرد شد مانند فولاد محکم میگردد .

رادیوی تحت البحری

دو نفر مهندس فرانسوی دستگاه بی سیمی اختراع نموده اند که بواسطهٔ آن ممکن است با تحت البحری‌ها دراعماق دریا مکالمه کنند این اختراع تحت تجربیات زیادی درآمده وموفقیت کامل ازان دیده شده وبنابرین ممکن است بین تحت البحری ها که در دریا مشغول شنا هستند باسایر کشتی های روی دریا وغیره هم صحبت گردد.

جاروب میکانیکی

در خیابانهای پاریس جاروبهای میکانیکی موسوم به عراد های دستی باچهار چرخهٔ اطفال که بدست میبرند بکار انداخته اند که دربین دستگاه چرخی اسطوانه ایست که بقوت تمام از طرف خود گردیده وخیابانها را به کمال خوبی نظیف مینماید.

آدم مصنوعی

تنها احتیاج، محرك ایجاد نیست بلکه یك قوهٔ ابداع وابتکار درانسان موجود است که اورا به ایجاد انگشت های ازفولاد موفق نموده است که پارچهٔلطیفی را چنان محکم بیافد که انگشت بشر قادربهمچو عملی نباشد وهمین قوهٔ ابداع است که اکنون جای گزین تمام اعضای وعضلاة فعالهٔ بشری گردیده وبه استعانت وقوهٔ الکتریکی تمام کارهای که انسان انجام میدهد، بهتر ودقیق تر انجام دهد این ادم مصنوعی باشکال مختلفه ساخته شده بعضی ازآنها صورت شخص باهیکل کامل میباشد که بنام (روبو) نامیده شده وبجای (متر سك) که مادرمزارع وفالیز های خود نصب میکنیم آنها اورا درباغها ومزارع وتاکستانها ونارنجستانهای خود برای ترساندن وحوش وغیره نصب مینمایند وبسیاری از کارهای انسان را « روبو » یا « متر سك » میکانیکی (همین طور باید آنرا نامید) انجام میدهد. درفلوريد شخصی است که دارای چشمهای الکتریکی میباشد وانواع فواکه فرضاً سنگترهٔ رسیده را از نارس، وزردآن را ازسبز چنان بخوبی تشخیص داده وبموقع خود دانه دانه بدقت می چیند که اشخاص دیگر باچشمهای عادی قادربه انجام آن عمل نیستند، دربعضی از کارخانه های بزرگ شخصی است که همیشه درآتشخانه ذغال سنگ کارخانه چشم دوخته که همیشه میزان فروزش آتش را بیك حال نگاه دارد، این ادم مصنوعی هیچ وقت ازین کار خسته نشده آتش را بیك میزان معین مراقبت کرده نگاه میداردو ازرنگ‌لهیب‌فروزان آتش قوه‌وضعف‌انرا تشخیص داده بطوریکه متخصص ترین آتش اندازان، قادربه انجام آن نیستند:

آدم مصنوعی دیگری بشکل دختر ساخته شده (٢٤) ساعت بدون انقطاع با ماشین تحریر کار میکند واحتیاجی بخوردن غذا واستراحت ندارد یکی از کمپانی های تلگراف امریکا این دختر مصنوعی را به ریاست ونظارت (١١٠) نفر مستخدمه درکمپانی مزبور گماشته که مراقبت نمایند تا احدی از آنها درانجام وظائف خود تعلل نورزند واین وظیفه را بهتر ازرئیس اداره انجام میدهد. از همین قسم آدمهای مصنوعی یا انسان میکانیکی برای پاسبانی هم ساخته اند که تمام شب بیدار وهمینکه احساس مینماید دزدی نزدیك شده زنگ اخبار را بصدا درمی آورد یکنوع دیگرآن است که مامور اطفای حریق وآب پاشی است که غالباً درسقف تجارتخانه های بزرگ منصوب وهمینقدر که حس بکند دریك گوشه حریقی حادث گردیده فوراً آن آدم مصنوعی بهمان نقطهٔ مخصوصی که حریق حادث شده شروع به آب پاشی میکند وهمین آدم میکانیکی از باز شدن دهان لولهٔ آب اماکنی را که حریق بآنها سرایت

نکرده است جلوگیری نموده و هم او مامور تلمبه ها بوده موقعیکه آب کم است آنها را باز و وقتیکه زیاد است می‌بندد و در ترکیب و ایجاد این اشخاص میکانیکی طریق تفنن نیز پیموده اند تاجائیکه شخص از شرح و تفصیل آن دچار شگفت و اعجاب میشود، مثلاً جواب تیلفون را داده و آنچه به او میگویند به ارباب خود یا تیلفون اطلاع میدهد، مهمترین امتیازی که انسان آبی یا آدم مصنوعی (میکانیکی) موثر در زندگی و حیات اجتماعی دارد تحمل او در کار کردن است که چه بدون خستگی اتصالاً قادر است کار کند مثلاً یکنفر کارگر در آتش‌خانهٔ کارخانه نمی تواند دائماً چشم به آتش دوخته مراقبت نماید زیرا بالاخر حرارت او را اذیت میکند ولی انسان میکانیکی برعکس، این عمل را علی‌الدوام انجام میدهد علاوه از ان کارگر مزبور هرگاه چشمش دراثر این کار خراب شد صاحب کارخانه مجبور است اورا متقاعد و مستمری برای او تعین کند ولی در استخدام انسان میکانیکی این فکر آتی وجود نخواهد داشت دریکی از کارخانه های نیوجرسی امریکا اعلان الکتریکی بزرگی بامخارج هنگفتی ایجاد گردید موسسهٔ مزبور همیشه از مستخدمی که مامور روشن وخاموش کردن اعلان مزبور بود شکایت داشت زیرا بدقت بموقع خود شامی های الکتریک را فشار نداده اکنون باین کار گماشتن یك آدم میکانیکی چنان بدقت این عمل انجام می شود که هیچ انسان دقیقی قادر بانجام آن نیست واین دقت عمل او هم بواسطهٔ این است که بمحض افتادن سایه بچشم او متأثر گردیده عمل خود را مرتب انجام میدهد، همچنانکه درموسسات بانکی نیز این عمل انجام شده زیرا بمحض اینکه دزد وارد موسسه گردید وسایهٔ او چشم انسان میکانیکی را درآنجا متاثر کرد فوراً زنگ اخبار بصدا در می آید.

ماشین حساب و باطل نمودن تکت پسته

لارد ملچت درحالیکه نمایش اشیای مجرب تجارت دروائیت ستی لندن افتتاح نمود در خطبهٔ افتتاحیهٔ خود متعلق سوال خوش بینان اوضاع تجارت آتی را که میگویند عالم امروزه در امور تجارت مجرب‌تر شده میرود تصریحات داده اظهار نمود: کسانیکه طرفدار عقیدهٔ مذکور میباشند یقیناً درین نمایش اشیای متعددی را مؤید عقیدهٔ خود خواهند یافت چه بعضی لوازم در نمایش جدیده از آن قبیل اشیا فراهم گردیده کاریکه قبلاً در چند روز انجام می شد حالا ذریعهٔ آن در یك ساعت ختم شده میتواند بر علاوهٔ آن آنها خواهند دید که بعضی اشیای نایاب نمایش آن کارها را بدون غلطی با نهایت آسانی تکمیل کرده میتوانند که تا این وقت محتاج دقت دماغهای عالی عالم انسان بوده، مامورین پسته که شب و روز نفری زیادی را برای باطل ساختن تکت ها و مهر و لاك کردن لفافه ها استخدام و دران کارانهاك میورزند، خواهند دید که دماغ انسانی برای آنها چنان آلهٔ جدیدی را اختراع نموده که در هر ساعت تقریباً (۱۲ الی (۱۰) هزار تکت را بمعاونت یکنفر باطل ساخته میتواند، این ماشین جدید خیلی قابل تقدیر است چه پول زیادی را استفاده خواهد نمود، چندی قبل دوعدد این ماشین بطور تجربه بکار انداخته شده بود ملیون ها پاکت و مراسلات را در ظرف ۱۵ روز کشیده و تکت آنهارا باطل نموده است یك ماشین جدید محاسبه نیز در نمایش مذکور نشان داده شده که بدون غلطی اعداد را شمار مینماید، درین اواخر یك ماشین جدیدی اختراع گردیده که از تایپ معمولی بزرگتر نبوده برای محاسبات دکانداراها خیلی مفید ثابت شده، نمایش مذکور قفل جدیدی را برای دفاتر تهیه نموده که بدون معاونت انسان ظاهر خواهد کرد که بعد از ختم شدن وقت دفتر کدام شخص نزد او آمده بود و تا چقدر وقت آنجا ماند، تایپ

جدیدی نیز اختراع گردیده که بدون معاونت انسان می تواند سواد سه هزار مکتوب را در ظرف یکساعت بردارد علیهذا چنان ماشین جدیدی بدست آمده که درهر ساعت ۲۵ هزار ادرس را بر مکاتیب و پاکتها تحریر مینماید .

عکس خودرا خود برداشتن

مستر ولیم نار بری، طریقهٔ راایجاد نموده که مطابق آن هرکس میتواند عکس خود را خودش بردارد - این ایجاد آنقدر سود مند ثابت شده که یکنفر کار راکه در لواحق مسکن موجد کارمیکرد و موجد اشتباه داشت که مرغهایش را دزدی می کند گرفتار ساخته توانسته است .

بناءً علیه ایجاد مذکور برای دزدهای عصر حاضره نیز خطرهٔ بزرگی را تولید مینماید چه میتواند عکس آنها را بدون آنکه خبر شوند بردارد قرار ضرب‌المثل معروف « ضرورت ما در ایجاد است » مستر ولیم نار بری باوجود اشتباه بهیچ طریقه سرب کاررا درحین دزدیش گرفته نمی توانست بناءً علیه تا چندی بعد از دقت زیادی به این فکر رسید که طریقهٔ را ایجاد نماید که مطابق آن هرگاه دزدی برای دزدی کردن مرغ های او در مرغانچه بیاید بدون آنکه بداند عکسش برداشته شود چنانچه کیمرای خصوصی را در مرغانچه به این طریق گذاشت که هرکس در مرغانچه داخل شود شتر آن باز گردد بعد از آن آلهٔ دیگری را ایجاد نمود که هر وقت سارق روی خود را ازدروازهٔ متقابل کیمرا آشکار بسازد کلیك (تك زدن برای گرفتن عکس) را خود بخود به انداختن ممکن ساخته بتواند چنانچه به این ترتیب سرب کار وقتیکه وارد مرغانچه گردید عکسش برداشته شد موجد، عکس را گرفته در محکمهٔ محلی دعوی دایر کرد و عکس را بطور شاهد پیش کرد که در آن مرغ در دست مجرم بود بوقت محکمه قاضی استفسار کرد که عکس مجرم را کدام شخص برداشته است مدعی جواب داد که خود مجرم چنانچه تمام احضار ازین جواب متحیر شدند .

توپ جدید طیاره

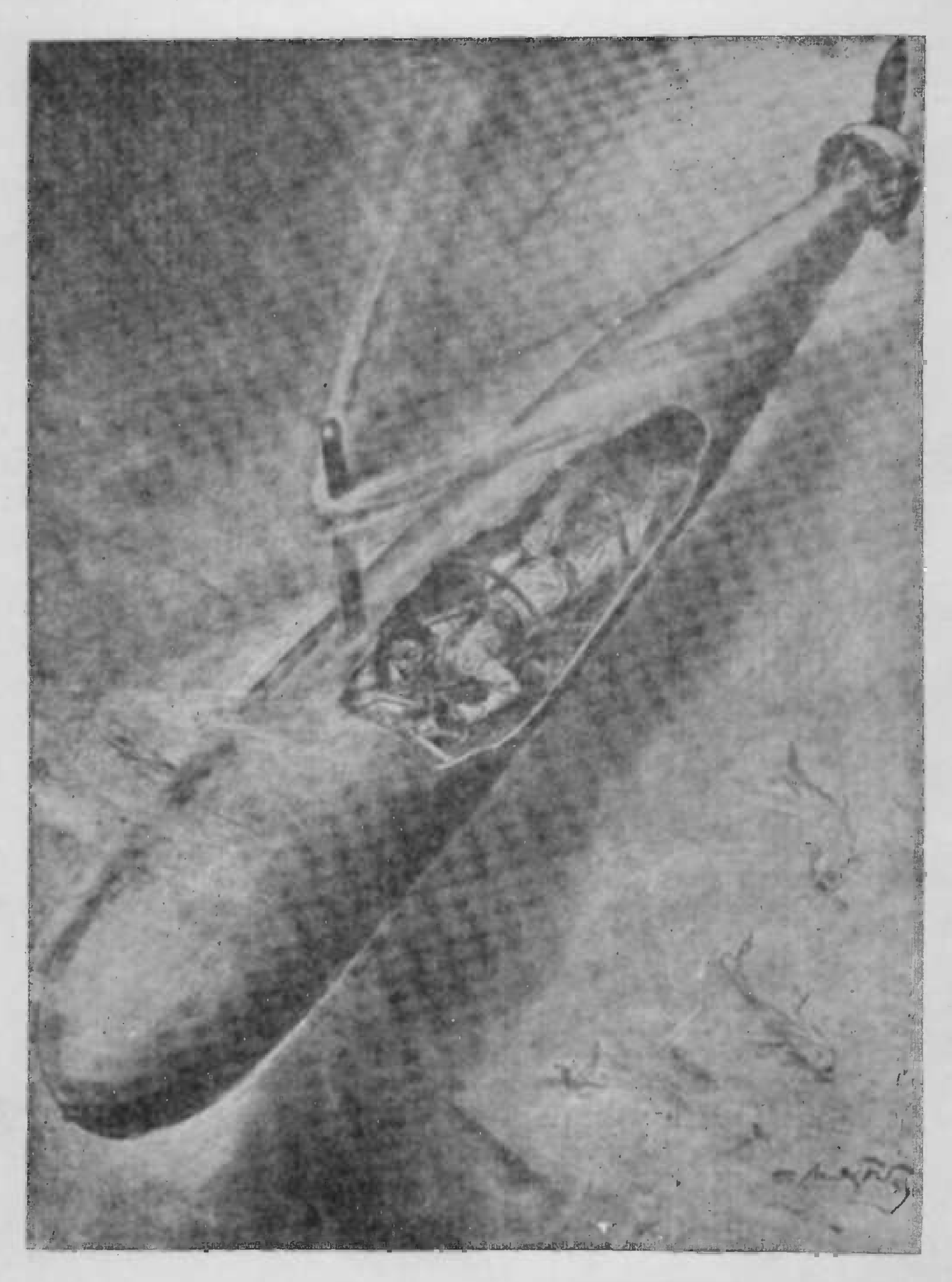
پاریس ۵ عقرب : - قرار اطلاع یکی از جرائد هفته وار پاریس در کارخانهٔ موران سولنر یك رقم توپ جدیدی جهة گذاشتن درطیاره ها ساخته شده که تجربه های ابتدائی آن بعمل آمده نتیجهٔ قناعت بخشی داده است وزارت فضائی فرانسه قبلاً نیز ساختن یکنوع توپ جدیدرا برای طیاره ها به پارلمان فرانسه اطلاع داده بود .

رابر ترکیبی

مؤسسهٔ کیمیاوی لینن گراد راپور موفقیت خود را در بارهٔ حصول رابر ترکیبی از انسی میلین بحکومت سویت تقدیم نموده است ، شعبهٔ تحقیقات امور کیمیاوی لینین گراد نمونه های متعددهٔ این رابر ترکیبی موسسهٔ کیمیاوی لینن گراد را تحت امتحان دقیق خود گذاشته به اثبات رسانید که رابر موسسهٔ مذکوره از مواد مختلفه خام ترکیب یافته دربسا اموراز رابر اصلی اعلی‌تر است ، شعبهٔ تحقیقات امورکیمیاوی ادعا می نماید که مصرف حصول رابر ترکیبی کمتر از رابر اصلی بدست می آید درمستقبل قریبی موسسهٔ مذکوره را این اقدام ، قابل این امر خواهد ساخت که ذخائر عظیم‌الشان رابر ترکیبی را حاصل دارد .

تارپیدوی زنده

از خبریکه ما تازه از توکیو گرفته ایم فابریکات دولتی جاپان بساختن تارپیدوئی قیام نموده اندکه از تارپیدوهای



تارپیدوی زنده

عمومی دنیافرق کلی دارد . وتارپیدوی مذکوراز نیقرار است که شخص در بین آن جای گرفته ومی تواند ذریعهٔ سکان بهر طرف میل نماید ، در ینصورت در صدصد اصابت به جهاز دشمن ممکن است ، یعنی چون زمام اداره وحرکت تارپیدو بدست شخص دراپور آن است می تو اند با اراده وخط حرکت معین خود جهاز دشمن را تعقیب کند .

اگرچه شخصیکه در بین تار پیدوجای دارد حیات خود را فدا منیابد مگر مرگ او البته به نابود کردن چندین نفر دیگر از طرف دشمن وجهاز دشمن مبادله میگردد که به این وسیله خدمت بزرگی بمملکت خود کرده خواهد بود .

در اوائل همین سال وزارت حربیه جاپان برای همچه کاری داوطلب خدمت اعلان نمود و چهار صد نفر را خوش برضاُدعوت کرد تاجهته تجربه حیات ، خودرا فدای این خدمت نمایند ولی بالمقابل دعوت دولت یعنی به عوض چهار صد نفر پنج هزار نفرفخری خود شان را بوزارت حربی معرفی نمودند .

توپ جدید

روح سلحشوری انتشار زیادی در جاپان مخصوصاً پس از فتوحاتیکه در شرق اقصی نصیب عساکر جاپان گردید . پیدا کرده است انظار جاپانی ها متوجه شئون نظامی خود گردیده و اصلاح آن مورد کمال توجه قرار گرفته است از طرف دولت جاپان ادارهٔ تشکیلات خاصی برای مطالعهٔ انواع و اقسام غاز ها و تهیهٔ آن تاسیس گردیده است که متخصصین عالی رتبه شمسی درآن عضویت دارند اخیراً یکی از صنعتگران بزرگ جاپان اختراع جدیدی نموده و تقدیم وزیر جنگ جاپان کرده و اختراع مزبور مورد شگفتی و اعجاب محافل سیاسی و فنی واقع گردیده است این اختراع عبارت از توپ کوچکی است که از حیث وزن (٤٥) کیلوگرام سنگینی آن است و در هر دقیقه ٦٠٠٠ گلوله بدون اینکه صدائی ازان شنیده شود فیر می کند وچیزیکه در اختراع مزبور مهم است آنکه با نفط کار می کند وهیچگونه صدائی ندارد و بدیهی است که استعمال آن درحمله های شبانه مفید و برای پیش قراولی سپاه منتهی درجه مورد استفاده است .

پودر جدید روشنی انداز

برلین یکی از انجنیرهای المان به اختراع چینیك سفوف نیلی رنگی کامیاب شده که اگر یکمقدار از آن در یك آلهٔ مخصوص سوخنانده شود ظلمت شب را به روشنی که عیناً مانند روز باشد مبدل می سازد انجنیر مذکور عقیده دارکه ازین پودر میتوان درمحاربانی که بهنگام شب واقع شود کار گرفت .

صندوق آهنی جدید

یکی ازمهندسین امریکا صندوق آهنی جدیدی را اختراع نموده که وقتی دزد بخواهد آنرا بازکند یابشکند یا از موضعش نقل بدهد غازی ازآن بیرون می آید که چشم را کورکرده وحالت شبیه به بیهوشی برای دزددست میدهد جدیداً چند نفردزد درصدد برآمده خواسته اند یکی ازبانکهای شکاکو دست بزنند بمحض انیکه مشغول بازکردن یکی از صنادیق شده غاز مزبورباعث کورشدن چشمهای ایشان گردیده وپولیس رسیده آنهارا دستگیر نموده است .

وسیلهٔ گرم کردن اطاق

شرکت (وستنهاوس) که بزرگ ترین کمپانی برق دنیاست اخیراً طریقهٔ خاصی‌را برای گرم نمودن منازل واطاق هابدون دستگاه مخصوص اختراع نموده واین طریقه سری ازاسرارصنعت واختراع است انچه تصوری رود عمل گرم نمودن را بوسیلهٔ روغن مخصوص که بدیوارهای اطاق میمالند ومولد حرارت است انجام میدهد وتقلیل وتزئید حرارت حسب ارادهٔ شخص است.

گلولهٔ آدم افگن

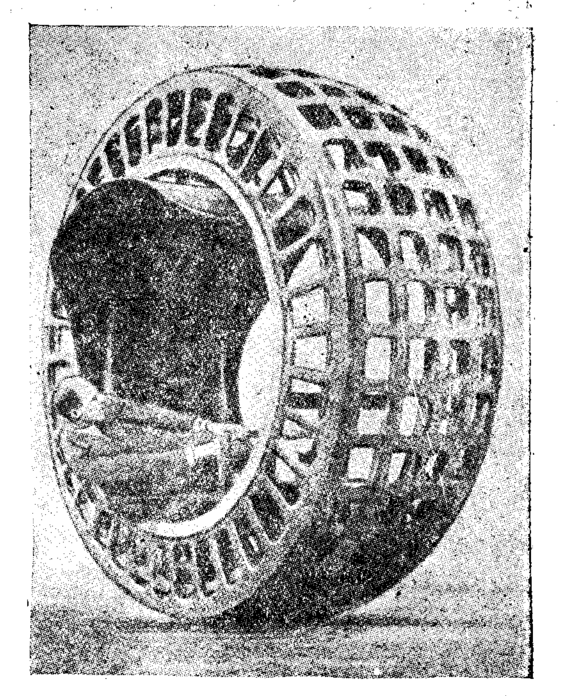
روزنامهٔ (سندی ویفری) ازبرلین اطلاع گرفته که یکنفرانجنیر المانی موسوم به (اوتوفیشر) چنان یك گلولهٔ جدیدی را اختراع کرده است که براءهٔ آن انسان ازیك نقطهٔ به نقطهٔ دوری پرتاب شده وسلامت درآنجامیرسد - این گلوله یا(فوزه) آدم افگن ٦ متربلندی داردودرامتحان اول که درجزیرهٔ اوگن صورت گرفت (بروتوفیشر) برادرانجنیر مزبور بوسیلهٔ آن ۲۰ کیلومتردورافگنده شده. صحیح وسلامت بزمین فرود آمده. نامبرده درموقع پائین آمدن گلوله پاراشوتی راکه دران تعبیه شده بازنمود و به این قسم بدون صدمه بزمین نشست. مدت طیران گلوله (۱۰) دقیقه و ۲٦ ثانیه دوام کرده بود هر دو برادرمزبور بواسطهٔ این اختراع شان که درصورت تکمیل یکروزبهترین وسیله برای رسیدن انسان ها به سیارات خواهدشداز طرف (انجمن اختراعات) المان جوائزبزرگ ونشانهای معتبر حاصل نمودند.

چشم برقی برای کورها

متخصصین علم معالجهٔ انگلستان چنان چشم برق را برای کورها ایجاد نموده اند که اکثریه‌ازشفاخانه های معالجه چشم آنرا درطرز معالجهٔ خود شامل کرده تاحال یك تعداد زیاد کورها را بینا ساخته اند، یکی از متخصصین علم معالجه چندی قبل بیان نمود که کامیابی چشم برق ۷۲ فیصد میباشد چنانچه بسیاری ازکورهارا باین وسیله صحت یاب ساخته است، از سالهای درازی متخصصین معالجه چشم درپی‌معلومات طرز علاجی بودند که مطابق آن وقتیکه شبکیه (ریتینا) چشم منفصل گردد دوباره بحال اولیه اش آورده شود، شبکیه چشم مانند فلم کیمرا میباشد چنانچه ممکن است در بعضی کوائف از چشم بیفتد، معالجین چشم برای اعادهٔ اوضاع سابق شبکیهٔ چشم دائما مریض را برروی می‌خسپانند وتا هفته های زیاد بهمین طریق نگاه میداشتند تا شبکیه بحالت اولیهٔ خود آمده بتواند، بعضی جراحان پشت چشم را نیز بطریق گوناگون داغ میکردند تا شبکیه آن را دوباره بحالت اصل بیاورند. جراحان عصر جدید طریق معالجهٔ قدیمی راگذاشته برق را در معالجهٔ خود شامل‌کرده اند؛ درین طرز علاج جریان زبردست برقی استعمال‌میگردد چنانچه قطب (الیکترود) خصوصی‌را استعمال نموده تهیج پیدا می‌کند که باعث اعاده شبکیه میگردد در نتیجه شبکیه دوباره بحالت اول عودت می‌یابد اگرچه این طرزعلاج تاحال از عهدهٔ امتحانات خیلی وسیع برآمده نتوانسته ولی با این هم تااندازهٔ که استعمال شده کامیاب ثابت گردید.

موتر یك چرخه

در انگلستان بنام « دی ناسفر » موتر یك چرخه اختراع کرده‌اند که یك الی ۲ نفر در آن نشسته و سفر کرده می‌توانند، را کبین مزبور در وسط خود موتر که به شکل یك عرادهٔ بیرونی موتر و خیلی بزرگ است جامیگیرند. ماشین موتر با نشیمن گاه اشخاص در وسط عراده جادارد و هردو در گردش عرادهٔ بزرگ بیك حال باق بوده و روی گوت های کوچکی بالای عرادهٔ بزرگ می‌لغزد، هرگاه جای نشیمن وماشین بالا برده شود بذریعهٔ وزن آنها مرکز ثقلت تغیر می‌یابد و دراثر همین تغیر موتر که بقرار فوق از یك عراده مرکب است متحرك میگردد.



ماشین این موتر فقط دو نیم اسپ قوت دارد. در زمان تجربه، این موتر بایك ماشین کوچك سرعت خوبی نشان داده تا ٤٨ کیلو متر فی ساعت قطع کرده توانست. ادارهٔ این اتو موبیل به اساس بایسکل است که بذریعه وزن جسد راکب اداره میگردد به این قسم که اگر راننده بطرف راست میل کند موتر بطرف چپ دور مینماید و برخلاف.

اکنون عدهٔ زیادی ازعلمامشغول‌مطالعه میباشند، برای ادارهٔ آن لنگر های مخصوص به مثل لنگر های مخصوص شبیه‌به لنگرطیاره وغیره تعبیه می نمایند.

اگرچه قراریکه درتصویر آن دیده می‌شود این موتر از شبکهٔ فلزی تشکیل یافته ومد نظر راکب را شبکهٔ مزبور باید بگیرد ولی باید دانست که از روی اصول فیزیك چون جالی تما به سرعت حرکت کند نظر را نمی‌گیرد و شفاف میشود.

آلهٔ معلوم کردن ساختمان قشر زمین

دو نفر عالم فرانسوی موسوم به هولویك و لوژی پس از تجربه های زیاد چنان آلهٔ را اختراع کرده اند که بواسطهٔ آن می توان ساختمان قشر زمین را بدون تحقیقات مخصوصه معلوم نمود، این آله عبارت است از یك بار ومتر (میزان فشار هوا) و یك ذره بین و چند اسباب مخصوص دیگر، اختراع این آله در عالم طبعیات اهمیت فوق العادهٔ دارد زیرا تاکنون معلوم است که ساختمان اراضی بسیار اشکال داشت.

غاز جدید

موسیو برته و موسیو دوریه منتظمین مؤسسهٔ ادویهٔ فرانسه بعد از تجارب طویله اعلان کرده اند که آنها چنان غاز مهلکی را دریافت نموده اند که هیچ ماسکهٔ موجوده در راه دفاع آن مزاحم شده نمی توانند وعلاوه می نماید که طرز ساخت غاز مذکور آن قدر سهل است که تمام ضروریات دفاع ملی فرانسه در ظرف ۸ روز تهیه شده می تواند آنها از اظهار اسرار غاز بحدی خودداری دارند که حتی بحکومت فرانسه هم ترکیب و اجرای آن را تا آن وقت اظهار نمی کنند که دشمن بر حدود فرانسه حمله نماید.

مقیاس جاذبه

مخترعی از امریکا آلهٔ دقیقی برای قیاس جاذبهٔ قمر اختراع کرده که دقت آن در نهایت ظهور است چه در بین جاذبهٔ واقع برسطح زمین و بر ارتفاع چند قدم بخوبی فرق مینماید. میگویند این آله برای بحث از معادن زیر زمین بکار می‌آید زیرا اثر معادن برین آله آشکار است که تاثیر میکند.

مقناطیس الکتریکی

برای بلند کردن گلوله های تورپیدو از بین بحر

در انگلستان مقناطیس الکتریکی برای کشیدن گلوله های تورپیدو از بین بحر ترتیب شده و این آلهٔ جدید بقوای بحری آن دولت اضافه گردیده است، بقسمیکه درین اواخر در مشقهای حربی بحری هم آنرا استعمال میکنند، این آله یك مقناطیس الکتریکی است و ۱۵۰۰ کیلوگرام وزن دارد، معلومات صحیح درین باره پوره نشر نیافته مگر اینقدر معلوم شده که این آله برای کشیدن پارچه های فلزی وگلولهٔ تورپیدو از قعر بحر و از چنان عمق ها کامیاب گردیده است که تابحال اشخاصیکه در قعر دریا با ادوات سیر مینمایند به آن کامیاب نگردیده اند.

طیارهٔ که درآب غرق نمیگردد

شرکت طیاره سازی معروف انگلستان موسوم به (آرمسترونگ - سیدلی) بساختن طیاراتی شروع نموده که بوسیلهٔ آلات مخصوصه قطعاً درآب غرق نمیشود، موتر این طیاره به هوا سرد میباشد و ذریعهٔ عراده در خشکه و بواسطهٔ سلیپر های مخصوص در آب نشسته میتوانند، بدنه وبالهای آن دارای چنان بالونهای است که بوقت ضرورت بوسیلهٔ بمبه هائیکه درخود طیاره نصب است با هوای زیر فشار آمده پر میگردد و اینقسم طیاره ساعتها در روی آب مانده غرق نمیشود، طیارهٔ جدید مذکور مخصوص کشاف و بمباردمان است.

اتوژیر جدید

شرکت اوتوژیر سازی انگلیسی موسوم به (سیر وا کمپنی) ساختمان پنج عدد اتوژیر سفری را از طرف وزارت حربیهٔ برطانیه فرمایش گرفته است. (اتوژیر، طیارهٔ را میگویند که از یك نقطه عموداً بلند میشود) این طیارات‌درجنس بزرگ‌ترین این رقم‌طیارات‌خواهد بودکه‌تاکنون در انگلستان ساخته شده. ماشین‌این طیار ها(۶۰۰)اسپ قوت دارد. سرعت انتهائی ۲۵۶ کیلو متروسرعت وسطی ۲۰۰ کیلومتر فی ساعت است، سرعت آن در وقت نشستن فقط ۳۲ کیلو متر درساعت میباشد. برای پرواز این نوع اوتوژیر میدانیکه ۶۵ متر طول داشته باشد کفایت میکند.

ماشینکه سیخ‌های آهنی‌را کج کرده‌مثلث ومدورمیسازد

جوانی از اهل مصرموسوم به احمدعثمان اسماعیل که فعلاً مامور دستگاه «جبل الزیتون» میباشد اخیراً باختراع یك ماشین که سیخ های آهنی را کج کرده حلقهٔ مثلث ومدوربسازد موفق گردیده است استماع این اختراع جم غفیر منهدسین را بشك انداخته مخترع رااحضار نموده بااومذاکره ومباحثه‌کرده‌اند ولی مخترع بادلایل واضحه آنهارا قانع نمود بفکر مهندسین مزبور این اختراع در استعمال خطوط آهن قابل اهمیت است.

اختراع ماشین رخت شوئی

اکادمی سائنس بلدیهٔ مسکو با اختراع چنان یك ماشین برق رخت شوئی موفق گردیده که بذریعه آن هم صابون کم بصرف میرسد وهم لباس را پاره نمیکند اکادمی مذکور صد عدد ماشین های مذکور را به اهالی مسکو تقدیم نموده تا از آن استفاده و تجربه بنمایند.

راکت جدید

(یوگنسی نام) مهندس که مخترع راکت جدید از مخاطرات جهاز های بحریه بوده وادعا می نماید که این راکت بذریعه ملاحان آن جهازیکه در شرف غرق شدن باشد فیر گردیده و به اینوسیله جهازات دیگر را از موضع خود اطلاع میدهد درزمان نمایش معلوم شد که ، مقصد کلی این راکت حفاظت جان راکبین آن جهاز یست که دچار مخاطره گردیده باشد در آن وقت این راکت چنان روشنی را بوقت فیر خود تولید میکند که از فاصلهٔ ۲۰ میل بنظر می رسد این راکت که در آب انداخته شود نیز خود بخود روشن گردیده خیز بلندی مینماید ، راکت مذکور در آخرین خط سیر خود نیز چنان روشنی تولید می کند که پارا شوت به آن واسته است قرار معلوم این روشنی آخرین از (۱۰۰ الی ۱۲۰) ثانیه دیده میشود. در نمایشی که یکی ازین راکت ها انداخته شد بعد از ۹۸ ثانیه منفلق گردیده وراساً درفضا بلند شد ولی بسببی که سحاب فضای آسمان را احاطه نموده بود اثر روشنی آن بسیار زیاد محسوس نگردیده محققین اندازه مینمایند که سایر خرابی های موسمی برکار روائی راکت اثر بدی انداخته نمی تواند.

کبریت جدید

یکی از امریکائی ها کبریت جدیدی اختراع کرده که تمام نمیشود به این معنی که یك چوب آنرا ممکن است هزاران دفعه بدون اینکه تمام شود روشن کرد ، این چوب کبریت یکچوب فلزی است که با مواد کیمیائی به عمل آمده عیناً به شکل چوب کبریت است وبعد از استعمال آن خاموشش می کنند ودرقطی میگذارند تا هر چند دفعهٔ دیگر که میخواهند مورد استعمال قرار میگیرد.

ترازوی جدید

دزین اواخر جدیداً تراز وساخته شده ، بعلاه آنکه وزن صحیح پارسل ها را نشان میدهد پول محصول آنرا نیز ظاهر می سازد اندازه میگردد که این شکل وقت اولیای امور پسته را دراجراآت اداره پارسل تقریباً مناصفه می سازد این ترازوی جدید که بذریعهٔ برق عملیات مینماید قطع نظر از یك الهٔ خوردی که وزن صحیح را نشان میدهد دارای یك « لوکل لیور » و « ۸ زون لیور » میباشد وقتیکه پارسل بر اسکیل مانده می شود وزن صحیح آن بدست می آید بعد به « زون لیور » فشار داده می شود فی الفور پول تکت پسته آنرا ظاهر می سازد و به اینطریق استفاده از وقت ممکن گردیده است چه هر دو امور متعلقه پارسل را بیکوقت واضح میگردانند.

ماشین تفریق کردن تخم

در امریکه ماشینی ساخته اند که تخم گنده را از تخم ثابت تفریق میکند ، واین ماشین بدون معاونت انسان ذریعهٔ برق کار میکند.

آلهٔ عکاسی جدید

در انگلستان کمرهٔ عکاسی ایجاد نموده اند که بصورت کاریکاتور عکس می بردارد.

عینك جدید

دکتور (لیور ولدهاین) طبیب مریض خانهٔ کیل درآلمان عینك جدیدی اختراع کرده است که بجای آنکه برروی چشم بگذارند مستقیماً داخل چشم قرار داده میشود یعنی داخل پل کان چشم وروی حدقه و بمثابهٔ دندان مصنوعی برای دهان میباشد .

این عینك ها بقدری خوب صیقلی وصاف شده که پس از انکه روی حدقهٔ چشم داخل پلکان قرارگرفت چشم را خسته نکرده وموجب تهیج غشای داخلی چشم نمیشود وشخصی که آنرا استعمال میکند در وهلهٔ اول اندکی ناراحت است ولی طولی نمیکشد که عینك درجای خود مستقر وتکلیفی ازان احساس نمیشود .

چوب مصنوعی

درمکتب آیوهٔ امریکه ازتنتل جواری وپوست جو چوبی ساخته اند که خیلی محکم است حتی میخ هم بسختی دران داخل شده می‌تواند ، خوبی این چوب اینست که بهر شکل وبهر اندازهٔ که مطلوب باشد ریخته می‌شود.

آلهٔ فلم سینما

درجرمنی آلاتی تازه‌ای ساخته شده که فلم سینما را درده ثانیه شسته وخشك ومکمل مینماید ، حالانکه قبل از وجود این آله اینکار ساعت ها وقت بکار داشت .

بعوض گروب فلزی

کمپانی مشهور مارکونی گروپ الکتریك شیشهٔ رادیو ، گروپ ساخته است که از فلز است .

انتقال تصاویر

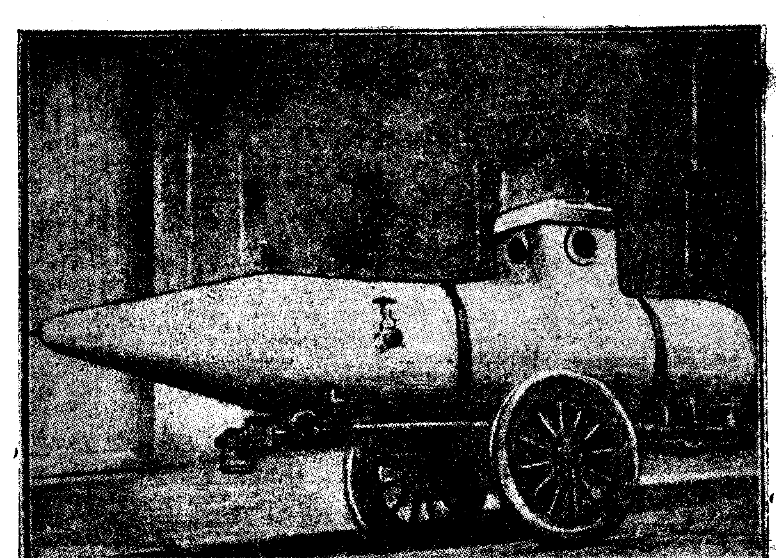
آله ای که بوسیلهٔ داکتر ولادیمیرك روزیکن اختراع شده وآنرا (ایکونسکوب) یعنی تصویربین مینامند تاثیرات مهمی دربرطرف کردن مشکلات تلویزیون بخشیده است امروز باتریهای تلویزیون دوش بدوش رادیو زینت بخش صالون های مجلل گردیده ودراعداد آثارتجمل باشکوه به شمار می‌آید وامروز کار علم واختراع بجائی رسیده درعوض آنکه صورت را ازفواصل بعیده به نقاطی نقل کنند عکس منظره مجلس را باتمام آرایش زینتی که دارد ازمحلی بمحل دیگر نقل می‌کنندو شما می‌توانیدهمان‌گونه که درمنزل‌خودبا کمال راحت آرمیده اید منظرهٔ وقایعی که درهزارمیلی شما بوقوع می‌پیوندد تماشا کنید. آنچه را که علمادرآرزوی آن بودند قبلاً بتحقیق‌حاصل کرده یعنی تصاویر رازنقاط بعید میتوان درست باامواج‌صوت بجای‌دیگر انتقال داد واز جنبهٔ‌علمی قضیه دارای‌هیچ گونه اشکالی‌نیست فقط مطابق‌قول داکتر روزیکن باید بعد ازین راجع بمشکلات‌اقتصادی وتجارتی آن بحث کرد یعنی سعی نمود تااین اختراع مفیددردسترس عموم قراربگیرد چون بوسیله آله‌که داکترمزبور اختراع کرده دیگرهیچگونه اشکال‌عملی درزمینه تلویزیون موجود نمیباشد .

بطوری این‌آسباب جدید کاررا اسان کرده تنها یك نگاه بآن می تواند شما را به اهمیت آن واقف گرداند وقتیکه به اندازهٔ کافی نوراین آله سیر میکند درست مثل یك دستگاه عکاسی میتواند تصاویر را ازنقاط دوردست به نقطهٔ منظور انتقال بدهد به علاوه بواسطهٔ حساسیت زیادی که آلهٔ مزبور نسبت بنور دارد تلویزیون تنها عکس اطاق عمل را منتقل نمی کند بلکه عکس قسمت خارجی را هم درهوا نشان میدهد بالاخره آلهٔ مزبور را میتوان به منزلهٔ چشم تلویزیون دانست بی اینکه دارای جنبهٔ میکانیکی آن باشد چون این اسباب دارای ماشین ها و چرخ های گوناگون ونیز صفحات گردنده . نیست وعملاً هیچگونه مانعی درراه وصول به مقصود را ایجاد نمیکند ومثل یك چشم مصنوعی عمل مهم انتقلال را بانجام می رساند . ولی باهمه مزایائی که برای این آله ذکر کردیم باید بدانیم فضیلت تقدم برای کسی است که تلویزیون رااختراع کرده زیرا آن اختراع مهم بوسیلهٔ داکتر روزیکن را برای پیدا کردن این آله هدایت نموده است واگر

بخواهیم ارزش این آله را بفهمیم بایستی تلویزیون را از نظر اهمیت دور نداریم . یکی از مسائل مهم در تلویزیون اینست که تصویر را درصفحه ناقل بگذارند تا به فوریت به آن مسافت بعیدی که درنظر دارند برسد اختراعاتی که اخیراً درقسمت عکس الکتریکی ومتنوعات آن به عمل آمده ودستگاهای که بروی زمینهٔ آن ساخته اند این عمل را آسان گردانیده است این دستگاهای مخصوص دارای چنان قدرتی است که می تواند نوررا بزودی به امواج الکتریکی تبدیل کند تاآنکه بتوان آن امواج را بوسیلهٔ سیم یا رادیو به نقطهٔ معهود انتقالداد و وقتی این دستگاهارا مواد استفاده قرار میدهیم هرقسمت از تصویر به نسبت روشنی وتاریکی هوا باموا ج قوی یاضعیف الکتریکی تبدیل میابد و بفوریت این امواج به نقطهٔ که بایدآنرا دریافت کند میرسد وآنجا بواسطهٔ وجود اسباب انتقال امواج الکتریکی بهامواج نوری مبدل میشود وتصویر کاملاً درآنجا مرئی ومشهود میگردد ساده ترین طریقی برای انکه چنین عملی را به زودی انجام دهیم اینست : صفحه که محل برای عکس الکتریکی بتواند واقع شود برداریم وآن را وسیله برای انتقال تصاویرقرار بدهیم وبفوریت این عمل انجام خواهد گرفت باهمین وسیله دونفر فرانسوی چندین سال قبل یعنی به سال ۱۹۰۶ موفق شدند عکس نقشه های ساده را بمعاونت ٦٤ صفحه عکس الکتریکی انتقال بدهند . برای آنکه بخواهیم عکس روشن و شفاف بگیریم بایستی شخصاً نقاط تاریك وروشنی ۷۰۰۰۰ نقاط مختلف تصویر اصلی راعکس بگیریم ولی طبعاً اینقدر امواج را نمی توان بفوریت انتقال دادچون اقلاً درحدود ۱٤۰۰۰۰ سیم لازم دارد که فیمابین فرستنده ودریافت دارنده موجود باشد وازین جهت که ناگزیریم تصویر را کوچك کنیم وآنرا هم به قطعات کوچك تقسیم نمائیم تاعمل انتقال آسان گردد به این ترتیب باداشتن یك سیم ویا یك دستگاه رادیو به مقصود خواهیم رسید فعلاً تمام تجارب کنونی مربوط به تلویزیون بروی این اصل متبنی شده است چون باهر وسیله که بکار برندخواه صفحات گردنده یاعدسیهای سوراخ دارباشد درهر صورت قسمت مختلف مجلس که بایدعکس آن انتقال داده شود باید بواسطه اختلاف نقاط تاریك وروشن امواج الکتریکی تولید شود واین امواج مجدداً درهوا برود وتبدیل باموا ج نورگردد در نقطهٔ که امواج را دریافت میدارد همان امواج روشنائی نقاط را تحت مراقبت قرار خواهد داد وبهمین وسیله بسرعت هرچه تمامتر عمل انتقال انجام می پذیرد .

حفاظت جهازات تحت البحری

ژولین انجنیر فرانسوی درتحت البحری هاچنان آلهٔ اختراع کرده که در مواقع شکستن وغرق شدن جهازات مزبور بکمك آن فی الفورخود بخود روی آب آمده راکبین ذریعهٔ زورق وغیره خود را نجات داده میتوانند ونیز توسط بی سیم از مراکز مربوطه استمداد مینمایند .



این آله که در تجارب کامیاب شده است. برای استعمال تحت البحری ها مخصوصاًدر وقت جنگ خیلی مفید ثابت میشود .

پراشوت بزرگ

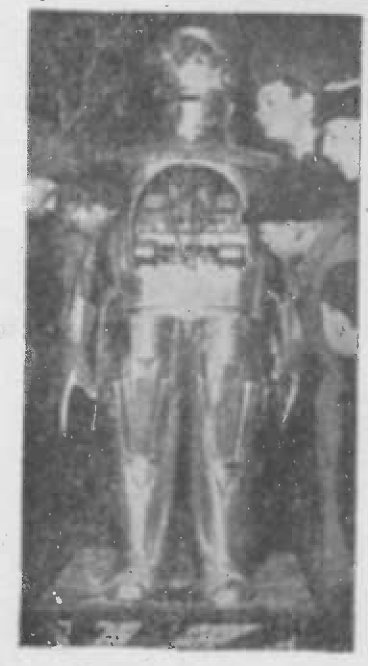
درامریکا پراشوت (چتری نجات) بزرگی اختراع گردیده است که ۲۴ متر قطردارد واین پراشوت برای مقصد فرود آوردن محل نشیمن کامل مسافرین که در طیاره نی‌باشد بکار می‌رود. ودر امتحان این پراشوت ، باوزن (۱۲۰۰) کیلوگرام سرب از خانهٔ طیاره بزمین انداخته شده وسالم وبه آهستگی بزمین فرود آمده است. برای کشیدن پراشوت بزرگ یك پراشوت کوچك اتوماتیك وصل گردیده است این پراشوت کوچك به آهستگی و بذریعهٔ ماشین بواسطهٔ امر پیلوت باز میگردد و نشیمنگای پیلوت و مسافرین را مکمل از جای بلند نموده درحالیکه طیاره خود بخود بزمین می‌افتد ، به آهستگی ، سلامت پائین میآورد.



این پراشوت برای دووازده نفر مسافرجای دارد ، واز ابریشم ساخته شده دکه وچنگک های آن پیش پیلوت وصل می‌باشد واین چنگک ها خانهٔ مسافرین را از دیگراعضای طیاره رها میسازد. این پراشوت بزرگ درمدت سه ثانیه باوزن ۱۲۰۰ کیلوگرام باز میگردد و بسرعت ۳ ، ۵ متر فی ثانیه بزمین فرود می‌آید ، بواسطهٔ این اختراع قیمت دار احتمال خطر پیلوت ومسافرین تقریباً بکلی قطع می‌شود ، وشاید در اندك زمان در طیارات سفری عموماً خانه های نشیمن مسافرین از دیگر اعضای طیاره جدا ساخته شود. این پراشوت نه تنها برای نجات مسافرین استعمال خواهد شد بلکه درزمان حرب خیلی وظائف عمده را اجرا خواهدکرد.

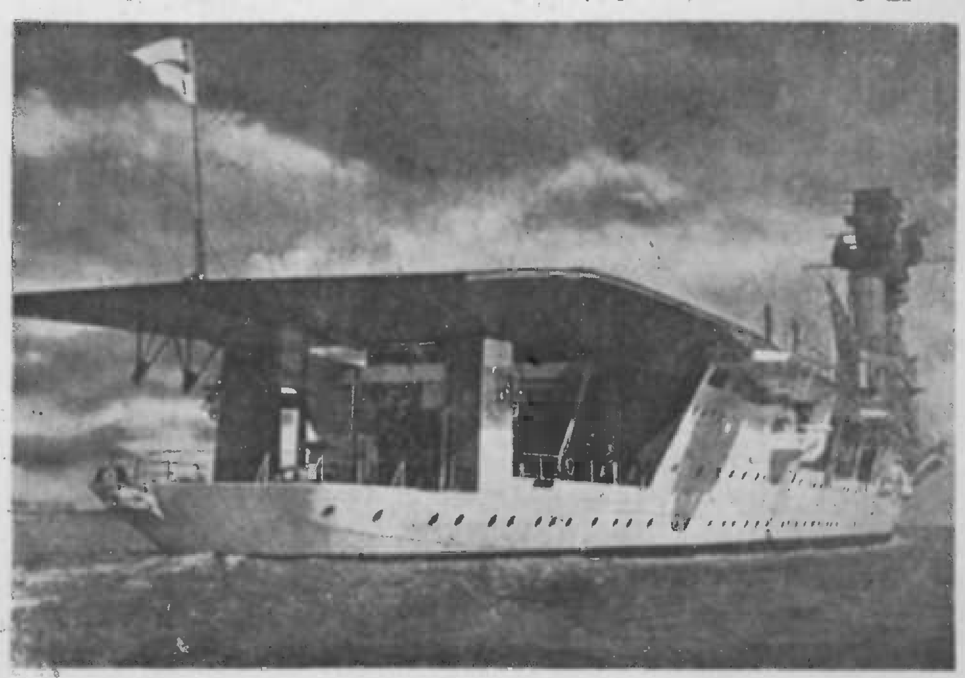
سپاهی مصنوعی

درشهر نیو یارك در یکی از نمایشها آدم مصنوعی یا (سپاهی مصنوعی) نمایش داده شد : این آدم مصنوعی در جنگ آینده تغیرات زیاد را تولید خواهد کرد، این آدم مصنوعی خیلی بزرگ و از فولاد ساخته شده و در پیش روی آن موتری که چهل اسپ قوت دارد نصب بوده و ادارهٔ آدم مصنوعی بذریعهٔ رادیو می شود این آدم بزرگ مصنوعی راه رفته و تفنگ فیر کرده می تواند، حتی میتواند بم های دستی و شمشیر را استعمال کند.



مقناطیس جدید

یکی ازمهندسین کهر با نوعی از آهن را باختراع تهیه نمود که می‌تواند مواد معدنی را تماماً جذب نماید ودیگر فائده اش اینست که بعضی ازمواد معدنی را از خاك جدا میکند وممکن است مخترع بتواند آنرا تکمیل نموده ودر معادن طلا ونقره برای جدا نمودن خاك از فلز مذکور استعمال نماید.



بزرگترین کشتی طیاره بردار عالم که تازه در انگلستان ساخته شده وهرمیس نام دارد وبام آن میدان طیارهٔ وسیعی میباشد

جائزهٔ نوبل

الفریدبرن هاردنوبل Alfred Bernhard Nobel کیمیادان ومهندس معروف سویدن بتاریخ ۲۱ اکتوبر سنه ۱۸۳۳ درشهرستا کهالم متولد گردید اولاً درسویدن وبعد درسینت پترس برگ روسیه تحصیلات عالی خویش را به پایان رسانیده وبوطن خویش عودت نمود در ترکیب و تحلیل .کیمیاوی مواد انفلاقیه تتبعات عمیقی نموده درسنه ۱۸۶۲ دینامت ودرسنه ۱۸۷۶ سریش سرنگ پرانی ودرسنه ۱۸۸۹ باروت بی‌دود را اختراع نمود از جهت شیوع وتعمیم اختراعات خود مالك پول سرشاری گردید تاانکه در ۱۰ دسمبر سنه ۱۸۹۶ درسان ریمو وفات نمود وقرار وصیت او و تصویب حکومت سویدن قسمت بزرگی‌ازدارائی او برای جوائز نوبل وقف گردید تابرای کسانیکه در شعب طبیعیات ، کیمیا ، طب ، ادبیات ، امنیت ، اختراع مفید واثری عام المنفعهٔ بی مانندی ازخود بیادگار گذارند بطورصله وجائزه داده شود چنانچه در وصیت نامهٔ خویش می نویسد : عوائد ومنافع من بقرارآتی قسمت شود :

یکحصه برای شخصیکه مهمترین اختراع واکتشافی درعالم طبیعیات کرده باشد ، یك حصه برای کسیکه خوبترین کشف واصلاحی درعلم کیمیا نموده باشد حصهٔ سوم برای شخصیکه در علم وظائف الاعضا یاطب معلومات جدیدی را کسب کرده باشد ، حصهٔ دیگر برای شخصی داده شود که برجسته ترین اثری مشتمل بر نظریهٔ عالی وبلند درحوزهٔ ادبیات ازخود بیادگار بگذارد وحصهٔ دیگر بر شخصی داده شود که درراه تائید اخوت ملل والغا یاتخفیف عساکر و تاسیس وازدیاد مجامع امنیه خوبترین خدمتی کرده باشد ، جوائز طبیعیات وکیمیا را اکادمی فنون سویدن واقع ستاکهالم و جایزهٔ طب را مؤسسهٔ طبیهٔ کارولین ستاکهالم وجایزهٔ ادبیات را اکادمی ستاکهالم و جایزهٔ صلح وآرامش راهیئت پنج نفری منتخبهٔ شورای ملی سویدن مشخص و اجرا خواهند نمود : من خواهش خودم را تاکیداً اظهار می نمایم که در تشخیص واستحقاق جائزه ، قومیت را هیچ گونه رعایه ننمایند . جائزهٔ مذکور نخستین بار در دهم دسمبر سنه ۱۹۰۱ که سال پنجم وفات نوبل بود اجرا گردید.

شورای ملی سویدن راجع باعطای جوائز قواعدی مقرر کرده و ازقواعد مذکور مواد ذیل است : اگردرعرض سال شخصی مستحق جائزه پیدا نشد وجه جائزه تا سال دیگر امانت گذاشته شود و چون درین سالهم مستحقی پیدا نشد درانوقت پول جائزه در بنای مؤسسهٔ خیریه بیادگار نوبل بمصرف برسد هرگاه دریکسال دونفر مستحق یك جائزه گردند. پول جائزه در بین هر دو بصورت مساوی تقسیم شود و ازسنه ۱۹۰۴ علاوه برافراد مجالس را نیز مستحق جائزه قرارداده اند.

اسامی اشخاصیکه در ظرف ۲۵ سال گذشته جوائزنوبل را حاصل کرده اند قرارآتی است :

طبیعات

سنه	اسم گیرندهٔ جائزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	۱ ـ مارکونی	G. Marconi.	ایطالیا
	۲ ـ براون	F. Braun.	جرمنی
۱۹۱۰	وان دروالس	J. D. van der Waals.	هالیند
۱۹۱۱	واین	W. Wien.	جرمنی
۱۹۱۲	گوستاف دالین	Gustaf Dalén.	سویدن
۱۹۱۳	کامر لینغ اونیس	H. Kamerlingh Onnes.	هالیند
۱۹۱۴	فون‌لایو	M. von Laue.	جرمنی
۱۹۱۵	۱ ـ و، ه، بریگ	W. H. Bragg.	بریطانیا
	۲ ـ و، ل، بریگ	W. L. Bragg.	»
۱۹۱۶	داده نشد		
۱۹۱۷	بارك لا	Prof. Charles G. Barkla.	برطانیا
۱۹۱۸	پلانك	M. Planck.	جرمنی
۱۹۱۹	ستارك	J. Stark.	»
۱۹۲۰	گیولیؤم	C. E. Guillaume.	سویت زرلیند
۱۹۲۱	آین ستاین	Albert Einstein,	جرمنی (یهود)
۱۹۲۲	نایلزبوهر	Niels Bohr.	دنمارك

طبیعات

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۲۳	ملیکن	R.A. Millikan.	امریکا
۱۹۲۴	سیگ باهن	K. M. G. Siegbahn.	سویدن
۱۹۲۵	(۱) فرانك	Jas. Franck.	جرمنی
	(۲) هرتز	Gust. Hertz.	»
۱۹۲۶	پیرن	Jean Perrin.	فرانس
۱۹۲۷	(۱) کامپ تن	Arth. Compton.	امریکا
	(۲) ولسن	C. T. R. Wilson.	برطانیا
۱۹۲۸	رچروسن	O. W. Richardson.	»
۱۰۲۹	دوك دو بروگلی	Duc L. V. de Broglie.	فرانس
۱۹۳۰	رامن	C. V. Raman.	هند
۱۹۳۱	داده نشد		
۱۹۳۲	هایسن برگ	W. Heisenberg.	جرمنی
۱۹۳۳	(۱) ویراك	P. A. M. Dirac.	برطانیا
	(۲) ارون شیرو دنگر	Erwin Schroedinger.	جرمنی

کیمیا

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	اوست والد	W. Ostwald.	جرمنی
۱۹۱۰	والاش	O. Wallach.	»
۱۹۱۱	مادام کوری (خانم)	Marie Curie.	فرانس
۱۹۱۲	(۱) گریك نارد	V. Grignard.	»
	(۲) ساباتیا	P. Sabatier.	»
۱۹۱۳	ورنر	A. Werner.	سویت زرلیند
۱۹۱۴	رچردز	T. W. Richards.	امریکا
۱۹۱۵	ولستارتر	R. Willstatter.	جرمنی
۱۹۱۶	داده نشد		
۱۹۱۷	« «		

کیمیا

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۱۸	هابر	Prof. E. Haber.	جرمنی
۱۹۱۹	داده نشد		
۱۹۲۰	نرنست	Walther Nernst.	»
۱۹۲۱	سادی	Fred. K. Soddy.	برطانیه
۱۹۲۲	ایستن	F. W. Aston.	»
۱۹۲۳	پریگل	Fritz Pregl.	آستریا
۱۹۲۴	داده نشد		
۱۹۲۵	زیگ موندی	Richard Zsigmondy.	جرمنی
۱۹۲۶	سویدبرگ ۱	T. Svedberg.	سویدن
۱۹۳۷	وای لاند	Heinrich Wieland.	جرمنی
۱۹۲۸	وندا س	Adolf Windaus.	»
۱۹۲۹	(۱) هاردن	A. Harden.	برطانیه
	(۲) فون ایولرچلپن	H. von Euler Chelpin.	سویدن
۱۹۳۰	فیشر	Hans Fischer.	جرمنی
۱۹۳۱	(۱) باش	Carl Bosch.	»
	(۲) برجیس	Friedr. Bergius.	»
۱۹۳۲	لانگ میور	Irving Langmuir.	امریکا
۱۹۳۳	داده نشد		

طب

۱۹۰۹	کوشر	T. H. Kocher.	سویت زرلیند
۹۹۱۰	کوسل	A. Kossel.	جرمنی
۱۹۱۱	گلستران	A. Gullstrand.	سویدن
۱۹۱۲	کارل	A. Carrel.	امریکا
۱۹۱۳	ریشی	C. Richet.	فرانس

طب

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۱۴	بارانی	R. Barany.	آستریا
۱۹۱۵	داده نشده		
۱۹۱۶	» »		
۱۹۱۷	» »		
۱۹۱۸	» »		
۱۹۱۹	بوردی	Jules Bordet.	بلجیم
۱۹۲۰	کروغ	A. Krogh.	دنمارك
۱۹۲۱	داده نشد		
۱۹۲۲	(۱) هل	A. V. Hill.	برطانیه
	(۲) میر هوف	O. Meyerhof.	جرمنی
۱۹۲۳	(۱) منتك	E. G. Banting.	کانادا
	(۲) میك لیود	Dr. J. J. R. Mcleod.	»
۱۹۲۴	آین توون	W. Einthoven.	هالیند
۱۹۲۵	ددا نشد		
۱۹۲۶	فیبیگر	Johan Fibiger.	دنمارك
۱۹۲۷	جارگ	Wagner Jauregg.	آستریا
۱۹۲۸	نیکول	Dr. C. H. Nicolle.	فرانس
۱۹۲۹	(۱) هاپکنس	F. G. Hopkins.	برطانیه
	(۲) آیك مان	C. Eijkmann.	هالیند
۱۹۳۰	لاند ستاینر	Dr. Karl Landsteiner.	امریکا
۱۹۳۱	واربرگ	Otto Warburg.	جرمنی
۱۹۳۲	(۱) شرنگ تن	Charles S. Sherrington.	برطانیه
	(۲) آدریان	E. D. Adrian.	»
۱۹۳۳	مورگن	Thos. H. Morgan.	»

ادبیات

سنه	اسم گیرنده جائزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	لاگرلوف	Selma Lagerlof.	سویدن
۱۹۱۰	هایز	P. Heyse.	جرمنی
۱۹۱۱	مایترلنگ	M. Maeterlinck.	بلجیم
۱۹۱۲	هاپتمان	G. Hauptmann.	جرمنی
۱۹۱۳	رابند رانات تیگور	Rabindranath Tagore.	هند
۱۹۱۴	داده نشد		
۱۹۱۵	رومین رولاند	Romain Roland.	فرانس
۱۹۱۶	فون هایدن ستام	Verner von Heidenstam.	سویدن
۱۹۱۷	(۱) گجلی رپ	K. Gjellerup.	دنمارك
	(۲) پون توپیدان	H. Pontoppidan.	»
۱۹۱۸	داده نشده		
۱۹۱۹	کارل سپتلر	Carl Spitteler.	سویت زرلیند
۱۹۲۰	هام سون	Knut Hamsun.	ناروی
۱۹۲۱	اناطول فرانس	Anatole France.	فرانس
۱۹۲۲	بی ناوینتی	J. Benavente.	هسپانیا
۱۹۲۳	ییتس	W. B. Yeats.	آیرلیند
۱۹۲۴	ریمانت	Wladislau Reymont.	پولیند
۱۹۲۵	برنارد شا	G. Bernard Shaw.	برطانیه
۱۹۲۶	دیلیدا (خانم)	Signora G. Deledda.	
۱۹۲۷	برگسن	Henri Bergson.	فرانس
۱۹۲۸	أوندست (خانم)	Mrs. S. Undset.	ناروی
۱۹۲۹	مان	Thomas Mann.	جرمنی
۱۹۳۰	لیوس	Sinclair Lewis.	امریکه

ادبیات

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۳۱	کارل فلد	Erik A. Karlfeldt.	سویدن
۱۹۳۲	کالز وردی	John Galsworthy.	برطانیه
۱۹۳۳	بونین	Ivan Bunin.	روسیه

امنیت

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۰۹	(۱) بیرنات	A. M. F. Beernaert.	بلجیم
	(۲) بارون دراستورنیلی	Baron de C. d'Estournelles.	فرانس
۱۹۱۰	دایرهٔ بین المللی امن	International Peace Bureau.	سویت زرلیند
۱۹۱۱	(۱) آسر	T. M. C. Asser.	هالیند
	(۲) فراید	A. H. Fried.	آستریا
۱۹۱۲	ایلی هورت	Elihu Root.	امریکا
۱۹۱۳	لافونتن	H. La Fontaine.	بلجیم
۱۹۱۴	داده نشده		
۱۹۱۵	» »		
۱۹۱۶	» »		
۱۹۱۷	صلیب احمر جمعیت بین المللی جینوا	International Red Cross Geneva.	سویت زرلیند
۱۹۱۸	داده نشده		
۱۹۱۹	ودروو لسن	Woodrow Wilson.	امریکا
۱۹۲۰	بورگوائیس	L. Bourgeois.	فرانس
۱۹۲۱	(۱) برانیتنگ	K. H. Branting.	سویدن
	(۲) لانگ	C. H. R. Lange.	ناروی
۱۹۲۲	نانسن	F. Nansen.	»
۱۹۲۳	داده نشد		
۱۹۲۴	» »		
۱۹۲۵	(۱) داس	C. G. Dawes.	امریکا

امنیت

سنه	اسم گیرندهٔ جایزه		اسم مملکت
۱۹۲۵	(۲) چمبرلین	A. Chamberlain.	برطانیه
۱۹۲۶	(۱) بریان	Astride Briand.	فرانس
	(۲) ستریسمان	G. Stressmann.	جرمنی
۱۹۲۷	(۱) کوید	Ludwig Quidde.	»
	(۲) بوی سان	Ferd. Boisson.	فرانس
۱۹۲۸	داده نشده		
۱۹۲۹	کیلاگ	F. B. Kellogg.	امریکا
۱۹۳۰	سودربلوم	N. Suderblum.	سویدن
۱۹۳۱	(۱) بتلر	Dr. N. M. Butter.	امریکا
	(۲) ایدمز (خانم)	Mrs. John Adams.	»
۱۹۳۲	داده نشده		
۱۹۳۳	»		



نگارش آقای محمد صدیق خان
رادیومیخانیک قوای هوای کابل

رادیو تیلی میخانیک


آقای محمد صدیق خان

چون اختراعات محیرالعقول هر روز در دنیا پا به عرصهٔ وجود میگذارد و علما درین راه برای عالم بشریت زحمات فوق‌العاده را متحمل شده و مخصوصاً ملل خویش را مستفید می گرداند.

رادیو تیلی میخانیک نیز یکی از آله های دلچسپ فن تخنیک است که علما برای تکمیل آن سعی می‌ورزند تا بدرجهٔ انتهائی آنرا تکمیل نموده و فوایدی را که در نظر دارند از ان اخذ نمایند.

لهذا کتابیکه راجع باین آله تحریر شده بنده آن را ترجمه نموده و امید وادم در دورهٔ ترقی پرور اعلیحضرت جوان بخت موفق بطبع آن شده و خدمتی برای تزئید معلومات ارباب تخنیک وفن نموده باشم.

حاضراً از معلومات تخنیکی این آله صرف نظر نموده و مختصر معلوماتی را در اطراف آن بمطالعهٔ هموطنان عزیزم می گذارم.

رادیو تیلی میخانیک :

یکی از دلچپ ترین و مقبول ترین آله های میخانیکی دنیا آلهٔ رادیو تیلی میخانیک است که نسبت بآن درذیل تشریحات داده می شود :

رادیو تیلی میخانیک عبارت از آن آلهٔ میخانیکی است که بذریعهٔ آن می توان درمسافه ها طیاره ها را بدون پیلوت و موترها را بدون دریور و کشتی های بحری و تحت‌البحری را بدون ملاح و توپها وگلوله های (مبنی) نمبر(۱) را بدون وسیله اداره نموده شهرها و کارخانه ها را بدون تمدید این تنویر کرد. این اختراع (رادیو تیلی میخانیک) یکی از شعبات رادیو تلگراف و تلیفون بوده و اساس آن به سه ماشین منحصر است :

۱ : ماشین مرسله که در استاسیون نصب میباشد و اوامر لازمه بذریعهٔ آن فرستاده میشود.

۲ : ماشین آخذه امواج الکتریکی که در کشتی یا طیاره و یا موتر و یا غیره نصب است اوامر فرستاده شده را اخذ می دارد.

۳ : ماشین مخصوص که امواج الکتریکی اذیت کنندهٔ و دیگر ماشین ها را دفع میدارد، همراه ماشین آخذه نصب می باشد.

چون امواج الکتریکی بذریعهٔ مرسله فرستاده میشود با وجودیکه تمام قوه اش درراه صرف شده و یکحصهٔ کم آن در آخذه اخذ میگردد ولی آنهم برای حرکت دادن حراقهٔ تلیفون کفایت میکند اگر این مشکلات حل گردد وقوهٔ که از ماشین مرسله فرستاده میشود کامل به آخذه سربسر برسد درینصورت تمام مشکلات رادیو تیلی میخانیک وغیره حل خواهد شد لهذا برای حل این مسئله متخصص امریکائی فلیپاس توماس انجنیر «ویستونگ الکتریک کمپانی» کوشش کرده است و تایکدرجه کامیاب هم شده است.

خدمات وفوائد رادیو تیلی میخانیك بدرجهٔ عالی است که نمی توان درین ورق پاره ها تشریحات آنرا گنجانید علی الخصوص خدمات عسکری آن دارای اهمیت فوق العاده بوده درجنگهای آینده خیلی کارهای نمایانی از استعمال آن بعمل خواهد آمد. اما تاحال بدرجهٔ انتهائی بیائیه تکامل نرسیده ومحسوس میگردد که مشکلات وموانع برای تکمیل آن در پیش است معهذا میتوان گفت که ماهرین ومخترعین این فن عنقریب به تکمیل آن موفق وکامیاب گردیده وممکن است درحیات عالم بشریت خدمات مهمی را انجام داده ودراکثر شعبات حیاتیهٔ انسان تطبیق داده شود ، هویدا است که اگر تیلی میخانیك بپایهٔ تکامل برسد بدون گفتگو درامور فزیکی مسائل حربی ، بحری ، بری وهوائی تغیرات کامل پیدا خواهد شد .

معلومات تاریخی

اولاً در سنه ۱۸۹۳ میلادی درانگلستان متخصص معروف از قبیل (ایر نیست) (چارلس دیوانس) یك آلهٔ تیلی میخانیك را ساخت که این آله می توانست بسهولت درطیاره استعمال گردد ولی چون طیاره بصورت موجوده در آنوقت وجود نداشت پس ممکن بود آلهٔ مذکور را برای متحرك ساختن (مقانزمه) توپ وهر نوع آلهٔ میخانیکی بکار برند .

چندی بعد پروفیسر آلمان (هیرگنزال) یك آلهٔ مشابه بآلهٔ فوق الذکر ساخت که نسبت به آن بانتیجه‌تر بود چنانچه بتوسط این آله رادیو ، بالون مخصوص فشار هوا اداره شده می توانست .

درعین اجرای این عمل ادیسن مشهور نیز همین قسم تجربه را تحت تدقیق قرار داده وبذریعهٔ امواج برق را دیو مودل طیاره (یعنی طیارهٔ کوچك) را متحرك واداره نمود .

از شروع سنه ۱۹۰۳ انجنیر اسپانیولی تولس کیوژید عملیات مزبوررا تحت تدقیق قرارداده درسنه ۱۹۰۶ کامیاب گردید که بذریعهٔ امواج را دیو یك کشتی بی ملاح کوچك را اداره نماید . بعد ازین موفقیت وعملیات شاندار وبااهمیت دنبالهٔ تجارب این شعبه بیشتر درموقع آغاز ترقیات قوای هوائی گرفته شده تطبیقات جدید شروع گردید وتیلی میخانیك را جهت ادارهٔ طیاره بکار انداختند .

از سنه ۱۹۰۸ به بعد درین شعبه عملیات وتجارب زیاد بکار برده شد ولی یکی ازین عملیات وتجارب بیك نتیجه مثبت واصل نگردید زیرا درآن زمان رادیو وطیاره بحد ترقی موجوده نرسیده بود .

درسنه ۱۹۰۹ پروفیسر آلمانی (وی هرت) جدیانه داخل عملیات گردیده واظهار نمود که بذریعهٔ هیچ آلهٔ تیلی میخانیك طیاره را درمسافه‌ها اداره نمی توان کرد تایك آلهٔ میخانیکی دربین طیاره نصب نشود تاکه موازنه آن بذریعهٔ این آله اداره گردد زیرا هویدا است که طیاره در زمان پرواز بوضعیت مخالفت هوا مقابله کرده واز موازنه خارج می‌شود واگر پیلوت بذریعهٔ جلو وغیره طیاره را اداره نکند البته مانند سنگ از هوا بزمین خواهد افتاد پس درینصورت لازم است قبل از نصب کردن آلهٔ تیلی میخانیك در طیاره یك آله دیگر وضع ونصب گردد ، تابذریعهٔ آن همان اثرات که طیاره را بی موازنه میسازد دفع کند ، واین آله باید کار شخص زنده را در طیاره انجام دهد .

همچنان از ابتدای سنهٔ مذکور در امریکا راجع باختراع طیاره اتوماتیك سعی بلیغی بکار برده شده و (مارك آن تون) انجنیر معروف ، طیارهٔ کوچکی را درهوا متحرك ساخته واداره کرد وموفق شد که طیارهٔ مذکور را چندد فعه بالای بحر پرواز بدهد وازهمان جائیکه درهوا بلند شده بود درهمان جافرود آورد وبنشاند .

بعد در سنه ۱۹۱۰ (هاموند) متخصص این فن در اطراف آلهٔ رادیو تیلی میخانیك تجاربی بعمل آورده و پس از آن در سنه ۱۹۱۲ روبرت نام داخل عملیات گردید.

حکومت امریکا به تکمیل و کامیابی رادیو تیلی میخانیك خیلی دلچسپی نشان داده وآنرا برای خدمات عسکری خیلی با اهمیت میدانستند و برای متخصصین این فن خیلی معاونت ها نموده است.

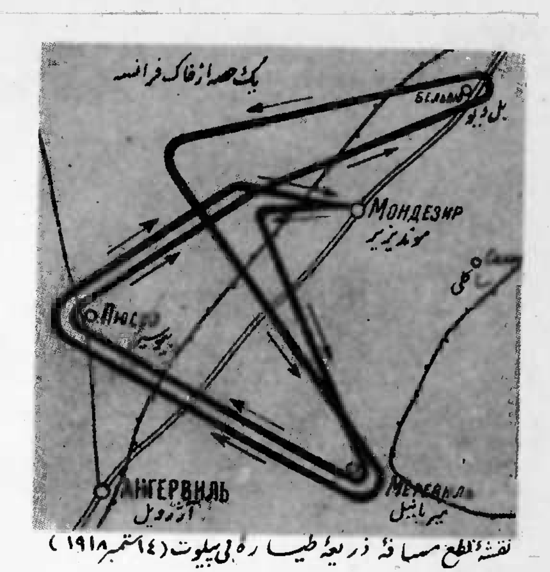
یگانه مملکتی که از آلات میخانیکی تایك اندازه نتیجه حاصل نمود آلمان است زیرا در اول محاربه بین المللی بصورت بسیار مخفیانه (زمنس) انجنیر آلمانی برای تکمیل تارپیدوی هوائی، (فوگر) برای تکمیل طیارهٔ اتوماتیك کار میکردند اگرچه نتایجی که آنها ازین عملیات بدست آورده بودند ناقص بوده و نمی توانستند که بصورت ماهرانه آن را در ساحهٔ عملیات درآرند با وجود آنهم از زحمات این دو متخصص تا یکدرجه نتیجه گرفتند چنانچه بتاریخ ۲ مارچ ۱۹۱۷ در جوش محاربهٔ بین المللی در بندر نیوپورت و حصص آن که عساکر متحدین ضد آلمان موضع گرفته بودند ملاحظه گردید که یك کشتی حربی آلمان بسمت شان سر راست می آید و بذریعهٔ این کشتی حربی انفلاق فوق العاده تولید گردیده (احاطه ۱۲) متری را ازهم پاشید و بعد از آن معلوم گردید که هیچ کسی در کشتی مذکور موجود نبوده و حرکت و عملیات انفلاق در آن کشتی خود بخود انجام میگرفت، این مسئله یك تاثیر فوق العاده در بین متحدین ضد آلمان بخشیده وآنها را سراسیمه ساخت زیرا برای آنها خیلی عجیب بود که کشتی بدون انسان چالان و اداره شده و خود بخود باستقامت صحیح رفتار نموده و مواد انفلاق خود را در ساحل بجائیکه برای متحدین زیاد خساره وارد میکرد پرتاب نموده توانسته است. بعد از چندی این مسئله را حل نموده دانستند که کشتی مذکور بذریعهٔ رادیو اداره گردیده الحاصل و طیارهٔ که در بالای آن به هوا بود وسیلهٔ ادارهٔ آن بود. درینوقت آلمانها وقت را غنیمت شمرده و اولین دفعه از همه بیشتر رادیو را برای اداره کشتی ها وغیره در مسافه ها استعمال کرده وموقع اولین را اخذ کردند.


اولین طیارهٔ فرانسوی که بواسطهٔ رادیو اداره شده است

آلمان ها در ۲ ستمبر ۱۹۱۷ کشتی دوم را که بذریعهٔ رادیو اداره می شد باز در بندر نیوپورت برای پرتاب نمودن مواد انفلاق ارسال نمودند ولی از طرف فرانسوی ها تخریب شد.

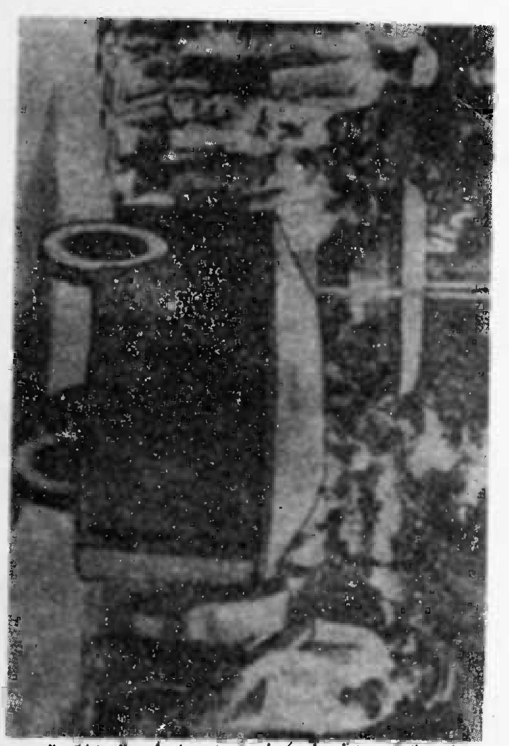
ازین تاریخ بعد فن تیلی میخانیك دربین عموم متحدین ضد المان برای خدمات عسکری موجب جلب توجه گردیده و سعی کردند تا نتیجهٔ قطعی حاصل نمایند برای اجرای این پلان در شروع سال ۱۹۱۸ وزارت حربیه فرانسه درتحت اداره کپتان (بوشیر) یك کمیسیون متخصصین را تشکیل داد تا این مسئله را حل نماید.

دراخر سنه ۱۹۱۸ این کمیسیون نتیجهٔ شانداری حاصل نمود چنانچه در ۱٤ ستمبر درمیدان طیاره شیستی شکل نمبر ۱ پرواز آزادانهٔ بطیارهٔ که دارای سکان میخانیکی بود بذریعهٔ رادیو اداره واجرا شد واین طیاره مدت پنجاه و یکدقیقه بسمت های مختلف بقدر صد کیلو متر مسافه را قطع کرد، پرواز دوم درهجدهم ماه مذکور بعد



نقشهٔ قطع مسافهٔ ذریعهٔ طیاره بی پیلوت (۱٤ ستمبر ۱۹۱۸)

از کمی اصلاحات سکان و حصه های متحرك موازنهٔ طیاره صورت گرفت شکل نمبر ۲ این تجربه در حکومت اتازونی تاثیر فوق العاده نموده و وزارت حربیهٔ حکومت مذکور یك سلسله اقدامات نمود و بایك اندازه نتیجه از پرواز طیاره های که بذریعهٔ رادیو اداره میشد حاصل و بدست آورد خلاصه پس ازین تاریخ این فن جدید قدم در مرحلهٔ ترقی گذاشت و ازسنه ۱۹۲۱ نظر به زحمات انجنیر های ماهر از قبیل پرشیرون و شوژ و غیره این فن به نتیجهٔ اصلی رسیده و طیارهٔ بی پیلوت بذریعهٔ رادیو نه تنها از زمین بلکه از هوا بتوسط طیارهٔ دیگری که در هوا پرواز میکرد اداره میافت . در اثر این نتایج برجسته که از تجارب متعدده بدست آمد ترقیات این فن در دیگر اقوام نیز اثر کرده و هریك از ملل در حل و دریافت آن به سعی شروع نمودند و میخواستند که اولتر از همه در مسائل بحری برای ادارهٔ گلوله های مینی (گلوله های متحرك که از یك کشتی بر دیگر کشتی انداخته میشود) بذریعهٔ طیاره در هوا از رادیو تیلی میخانیك کار گرفته و گلوله را از ساحل بذریعهٔ رادیو تلگراف استعمال نمایند درعین زمان موفقیت به این مسئله برای عالم عسکری خیلی با اهمیت بوده و مجبور بود که نتیجهٔ قطعی حاصل نمایند .


اولین موتریکه در واشنگتن امریکا ذریعهٔ رادیو اداره شده است

نتیجهٔ که بعد از تجربات و کوشش های بادی که در راه تکمیل رادیو تیلی میخانیك ازطرف ماهرین دول نموده شد نتیجهٔ که بدست آمد این بود که در امریکا کشتی زره پوش (ایوا) بذریعهٔ امواج برقی در مسافه های بعیده در حالیکه در کشتی مذکور یکنفر هم موجود نبود بطور دل خواه اداره کرده شد .

بعد ازین شوژگان صاحبمنصب اتازونی یك اصول جدیدی وضع کرد اصول مذکور این بود که موتر ها را بذریعهٔ رادیو تلگراف درمسافه های بعیده اداره میکرد . نامبرده در اکثر تجارب خود مشهور گردید، آلهٔ او مانند سائر آلات رادیو سیم هوائی نداشت بلکه تنها یکظرفی بود که از هوای فشار داده شده پر بود اساس آلهٔ مذکور برسه آلهٔ آخذه ، قوت دهنده ، و رفع کننده مبنی بود و این سه آله تمام خواهشات اورا انجام داده و هر امر لازمه را بذریعهٔ ریلی (۱) نقل میداد ، علاوه برین مشارالیه آلهٔ مذکور را در

۱ــ ریلی الهٔ مخصوصی است که در تخنیك مخابره استعمال میشود .

موتری که دارای هارن وزنگ بود نصب کرده وبدون درایور چالان واداره می نمود وحتی هارن وزنگ را استعمال میکرد این اتوموبیل خیلی بسهولت حرکت میکرد ، ایستاده می شد و در مسافهٔ یك کیلومتر نتیجهٔ شایانی داده بود .

بالاخره امریکائیان راجع به رادیو تیلی میخانیك تجارب عدیده نموده وفرانسوی ها نیز عملیات زیادی کرده و بلکه یك عدد متخصصین رادرتحت ادارهٔ ژنرال فریه مقرر نموده تادرین راه تحقیقات نمایند واین هیئت تا یکدرجه بعملیات خویش موفق گردیده و توانستند که طیاره وکشتی ها را از مسافه ها اندازه نمایند .

اهمیت خدمات رادیو تیلی میخانیك در قشون

درقرن گذشته تخنیك حربی به آهستگی ترقی نمود دول محارب نظر به اساس اسلحهٔ حربی یکی بر دیگری غالبیت نداشت زیرا تمام دول دارای یکنوع اسلحه بوده تنها در تنظیمات و ترتیبات و سوقیات متفاوت بودند و کامیابی آنها منوط به تنظیمات آنها بود اما درقرن موجوده وضعیت قشونی تخنیکی خیلی باعجله تغیر یافته و بسرعت ترقی نموده است درجنگهای آینده علوم تخنیکی رول مهمی را بازی خواهد کرد وآلات موفقیت دول یکی بردیگر اسباب اعدام بشر ، تانك ، طیاره گاز های زهر دار خواهد بود واگر آلهٔ رادیو تیلی میخانیك مکمل گردیده و نواقص آن رفع شود درانجام خدمات و وظائف عسکری تأثیرات فوق العادهٔ خواهد بخشید وطرز محاربه را بکلی تغیر خواهد داد .



استعمال ، ومنفلق کردن بم ها در جهات حرب بذریعهٔ رادیو تیلی میخانیك اجرا خواهد شد و درمواقع محاربه که جهات غبار آلود وپردود میباشد و نمی توانند توپچی ها گلوله را بهدف برسانند رادیوتیلی میخانیك می تواند بسهولت گلوله های توپها را اداره کرده و بهدف برساند . علاوه بران رادیوتیلی میخانیك درحرب گاز ها هم معاونت کرده میتواند ومیتوان بذریعهٔ رادیو، بالونهای گاز را درمحاذ دشمن منفلق ساخت نمبر ٦ ـ ونتیجهٔ درستی حاصل نمود رادیو تیلی میخانیك درمحاربهٔ تانکها وموترهای زره پوش ها نیز مقام مخصوصی دارد وآله های متحرك فیر کننده بدون درایور خیلی بسهولت می تواند در منطقهٔ دشمن ولو موانع زیاد داشته باشد اجراآت خوبی بدارد و این نوع اجراآت ذریعهٔ تیلی میخانیك ازطرف متخصصین عسکری امریکائی تجربه واستعمال گردیده .

خدماتیکه از تیلی میخانیك درقوای هوائی شعبات عسکری گرفته میشود بااهمیت وپر قیمت است تیلی میخانیك و هوا بازی درکرهٔ ارض وسیلهٔ حاکمیت بشر میباشدهوا بازی ورادیو تیلی میخانیك را نمی توان بادیگر اختراعات مقایسه نمود زیرا این فن بود که بشر را به اینقدر موفقیت رسانیده توانست طیارهٔ اتوماتیکی بوجود آورده وبدون پیلوت بذریعه رادیو آن را اداره نماید این ترقی هوا بازی مارا وادار میسازد تاذکر کنیم درآینده رادیو تیلی میخانیك چه نوع کارهای

فوق العاده را انجام خواهدداد یکی از انجنیر های نامدار فرانسه م پرشیرون درسنه ۱۹۲۳ طیارهٔ اوتوماتیك آینده را که خیلی عجیب بود (حاضر ساخته واستعمال کرده است)رسم نموده وگفته بود که این طیاره از عجائبی نیست که خیالی وسرسری تصور گردیده وبرعملی شدن آن تعجب وانکار شود بلکه برای عملی گردیدن آن اسنادودلائل قناعت بخشی موجود است ونیز انجنیر مذکوریکطریقهٔ دیگررا پیشنهادکرده و عقیده داشت که در آیندهٔ قریب می توان از زمین ریل های هوائی‌را بذریعهٔ رادیو تیلی‌میخانیك اداره کرد، واین ریل‌ها حامل پسته وسامان تجارتی بوده ومسافرین درارتفاعات ۱۲ تا ۱۳ کیلو متر که درآنجا هوا از سطح زمین ٤ تا ٥ دفعه خفیف‌تر است پرواز خواهند کرد وبه‌اینصورت سرعت رفتاررا می‌توان فی ساعت از (٤۰۰ تا ٥۰۰) کیلو متر ترقی داد .

هرگاه باین‌گونه طیاره ها وریل ها به این اندازه ارتفاعات مسافرین پروازداده شوددرآن حال حتمی و لازمی است که اطاقهای نشیمن مسافرین مملو از هوای ثقیل وبدرجه کفایت ساکنین آن باشد تاتکلیف مسافرین رفع شود وهکذا بواسطه آله های که درطیاره نصب خواهد شد می توان طیاره را بدون نشستن درهوا گردش داده وبیش از حد معین پرواز داد .

علاوه از آن درین طیارات جادادن مواد سوزنده مثل چوب وغیره هم زیاد بکارنبوده وبلکه مسافرین را می توان درمسافه های دوراز یك طیاره بدیگر طیاره حمل ونقل داد واین نوع تجارب کنون اجرا وعملی شده ویك نتیجه درخشانی از آن حاصل گردیده است .

درین اواخر یکی از ژنرالهای انگلیس موسوم به فولی روم پیش نهاد نموده است که باید درموتورهای زره پوش قوماندانان قلم تیلی میخانیك وجود داشته باشد تاذریعه طیاره کشفیاتیکه بعمل می آید واوامریکه داده می شود ذریعه این قلم تحریر ونقشهٔ منطقه حرب را رسم نماید . کذا درمناطق حرب زمانیکه اوامر تحریری برای مادونان لازم باشد بوسیلهٔ قلم مذکورمی توان هدایات رابسهولت اعلان نمود. ممکن است این نظریه نیز پایه اکمال را طی نماید ، وشاید ازین قبیل اختراعات حربی که تعلق به رادیوتیلی میخانیك دارد بسی تکمیل یافته واز انظار بواسطهٔ اهمیت وحربی بودن آن مخفی مانده باشد .



ممالك عالم

مملکت	قطعه‌بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
افغانستان	آسیا	شاهی	٧٩٦ر٥٢١	١٢ر٠٠٠ر٠٠٠	کابل	مسلمان

الف :

مملکت	قطعه‌بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آذربائیجان	»	جمهوریت شورائیه	٨٥ر٩٦٣	٢ر٥٧٥ر٤٠٠	باکو	اکثر اهالی مسلمان
آرنج فریستیت	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٢٨ر٥٨٠	٦٢٨ر٨٢٧	بلوم فونتین	
آسام	آسیا	»	» ١٣٧ر٣٠٣	٨ر٦٢٢ر٢٥١	شیلانگ	یکی از ولایات هند است
آسترالیا	اوقیانوسیه	»	» ٧٠٣ر٨٥٠	٦ر٦٢٣ر٧٥٧	کین بیره	
آسترالیای شمالی	»	»	» ١ر٣٥٦ر١٢٠	٤ر٦٥٤	پورت دارون	یکی از حصص استرالیا
« جنوبی	»	»	» ٩٨٤ر٣٤١	٥٨٠ر٨٤٩	ایدلید	» » » »
« غربی	»	»	» ٢ر٥٢٧ر٥٣٠	٤٣٨ر١١٣	پرت	» » » »
آستریا	اروپا	جمهوریت	٨٣ر٨٥٧	٦ر٧٣٢ر٦٢٥	ویانه	
آگره	آسیا	امپراطوری برطانیه	٢١٢ر٧٢٧	٣٥ر٦١٣ر٧٨٤	آگره	یکی از حصص هند
آگره واوده	»	»	» ٢٧٥ر٢٩٢	٤٨ر٤٠٨ر٧٦٣	اله آباد	» » » »
آن‌هالت	اروپا	جمهوریت	٢ر٣١٤	٣٥١ر٤٧١	دیساؤ	یکی از اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی
آیرلیند (آیرش‌فری ستیت)	»	دولت آزادداخل امپراطوری برطانیه	٦٨ر٨٩٥	٢ر٩٧٢ر٨٠٢	دبلن	
آیرلند شمالی	»	شاهی برطانیه	٣١ر٥٦٤	١ر٤١٧ر٤١٧	بلفاست	
آیسلاند (جزیره)	»	شاهی مربوط به دنمارك	١٠٢ر٨١٩	١٠٨ر٦٤٦	رایکیاویك	
آیوری‌کوست	افریقه	مستملکهٔ فرانسه	٣٢٣ر٩٢٥	١ر٨٦٦ر٣١٦	بنگرویل	ربع اهالی مسلمان است
ابی سینیا (حبشه)	»	شاهنشاهی	١ر١٢٠ر٤٠٠	١٢ر٠٠٠ر٠٠٠	عدیس ابابا	» »
اتحادافریقای جنوبی	»	امپراطوری برطانیه	١ر٢٢٣ر٣٢٨	٨ر٠٧٢ر٨٠٠	پریتوریه	
اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	اروپا آسیا	جمهوری شورائی	٢٢ر٤٥٩ر٢٩٣	١٦٢ر١٤٣ر١٠٠	ماسکو	
« « « روسیه «	»	»	٢٠ر٥٥٩ر٨١٠	١١١ر٥٩٢ر٨٧٠	»	
اثیر	آسیا	تحت حمایهٔ عرب سعودی	٣٥ر٩٠٠	٧٥٠ر٠٠٠	ابوعریش	مسلمان

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
اجمیرمیرواره	آسیا	امپراطوری برطانیه	۷ر۰۲۱	۵۶۰ر۲۹۲	اجمیر	از ولایات هند برطانوی
ارجن‌تائن	امریکه‌جنوبی	جمهوریت	۲ر۸۰۲ر۴۳۶	۱۱ر۸۴۶ر۶۵۰	بونیس‌آیرس	
ارمنستان	آسیا	جمهوریت‌شورائیه	۲۹ر۶۶۰	۱ر۰۱۳ر۸۰۰	ایروان	
ارى تریا	افریقه	ایطالیا	۱۱۹ر۰۰۰	۶۲۱ر۷۷۶	آسمارا	اهالی‌آن مسلمان میباشند
استونیا	اروپا	جمهوری	۴۵ر۲۲۲	۱ر۱۱۷ر۰۳۸	تالین(ریوال)	
افریقهٔ‌جنوبی غربی	افریقه	تحت‌انتداب برطانیه	۸۳۵ر۹۵۴	۲۵۸ر۹۰۵	وندهویك	
افریقهٔ غربی فرانسوی	«	مستملکه فرانس	۴ر۶۵۹ر۷۰۷	۱۴ر۵۷۵ر۹۷۳	داقار	ربع اهالی‌مسلمان است
« استوائی «	«	مستملکه فرانس	۲ر۲۵۵ر۸۷۰	۳ر۱۹۲ر۲۸۲	برازاویل	
البانیا	اروپا	شاهی	۲۷ر۵۳۸	۱ر۰۰۳ر۰۶۸	دورازو	یگانه سلطنت اسلامی دراروپا است
البرتا	امریکه‌شمالی	امپراطوریت برطانیه	۶۶۱ر۱۶۱	۷۳۱ر۶۰۵	ایدمانتون	درکانادا واقع است
الجزایر	افریقه	مستملکات فرانسه	۲ر۱۹۶ر۲۹۱	۶ر۰۵۳ر۴۵۱	الجزائر	اسم‌عربی آن‌مغرب الوسط میباشد
امارات ابوسابی	آسیا	مشایخ تحت‌حمایه برطانیه	۱۵ر۶۰۰	۸۰ر۰۰۰	ابوسابی	مسلمان
انام	«	امپراطوری‌تحت‌الحمایه‌فرانسه	۱۴۷ر۶۰۰	۵ر۱۲۳ر۰۰۰	هانوی	واقع هندچینی
ان‌تی‌گوا	جزائرغرب‌الهند امریکه	امپراطوری برطانیه				رجوع‌شودبجزا برلیورد
اندورا	اروپا	جمهوریت	۴۵۲	۵ر۲۳۱	اندورا	تحت حمایت مشترکه فرانسه‌و هسپانیه
انگلستان	«	شاهی	۱۳۱ر۷۶۱	۳۷ر۳۵۴ر۹۱۷	لندن	
انگولا (افریقهٔ غربی‌پرتگالی)	افریقه	مستعمرهٔ پرتگال	۱ر۲۵۵ر۷۷۵	۴ر۱۸۱ر۷۳۰	لوآندا	
اوبانگی شاری	«	مستملکه فرانس	۴۹۳ر۰۰۰	۱ر۰۹۰ر۰۸۴	بانگوئی	نصف اهالی آنجا مسلمان میباشند
اوده	آسیا	امپراطوری برطانیه	۶۲ر۰۶۵	۱۲ر۶۹۴ر۹۷۹	لکهنؤ	
اورکنی(جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	۹۷۵	۲۴ر۱۰۹	کرك‌وال	
ازبکستان	آسیا	اتحادجماهیرشورائیه	۱۷۶ر۱۰۰	۴ر۷۵۳ر۸۰۰	تاشکند	
اوکراین	«	جمهوری شورائیه	۴۵۲ر۲۰۰	۳۱ر۶۰۸ر۲۰۰۴	خارکوف	در اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه شامل است

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
اولدن برگ	اروپا	اتحاد جرمنی	٦ر٤٢٤	٥٤٥ر٧٤٩	اولدن برگ	
اونتریو ـ	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	١ر٠٦٨ر٥٤٤	٣ر٤٣١ر٦٨٣	تورونتو	
ایتهی دوبیا						رجوع شود به ابی سینیا
ایران	آسیا	شهنشاهی	١ر٦٤٣ر٥٥٨	١٠ر٠٠٠ر٠٠٠	طهران	اکثراهالی آن مسلمانست
ایطالیا	اروپا	شاهی	٣١٠ر١٤٠	٤١ر٨٠٦ر٠٠٠	روما	
ایطالیا بامستملکاتش	« افریقا	«	٢ر٤٢١ر٦٧٠	٤٣ر٠٠٠ر٥٢١	«	
ایکوادور	امریکه جنوبی	جمهوری	٤٥١ر١٨٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠	کوئی تو	
ب :						
باربادوس (جزیره)	غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه	٤٣٠	١٧٣ر٦٧٤	بریج تاون	
باسوتولیند	افریقه	« «	٣٠ر٣٤٣	٦٥٠ر٠٠٠	ماسیرو	
باشقر	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	١٥١ر٨٢٠	٢ر٩٧٥ر٤٠٠	اوفه	
برار	آسیا	امپراطوری برطانیه	٤٦ر٠١٥	٣ر٤٤٣ر٧٦٥	امراوتی	یکی ازولایات حیدر آباددکن که تحت اداره انگلیس است
برازیل	امریکای جنوبی	جمهوری	٨ر٥١١ر١٨٩	٤١ر٠٧٩ر٠٠٠	رایو دی جینرو	
برالقطر	آسیا	شیخ تحت الحمایهٔ برطانیه	٢٢ر١٠٠	٢٦ر٠٠٠	البیداء	مسلمان
برطانیه	اروپا	امپراطوری	٣٨ر٣٤٢ر٤٥٠	٤٩٢ر٠٨١ر٠٠٠	لندن	امپراطوری برطانیه
برما	آسیا	امپراطوری برطانیه	٦٠٥ر٢٧٧	١٤ر٦٦٥ر٦١٨	رنگون	از ملحقات هند
برموداس (جزیره)	امریکه شمالی	« «	٤٩	٢٧ر٧٨٩	هیملتن	
برووده	آسیا	مهاراجائی تحت الحمایه برطانیه	٢١ر٠٤٨	٢ر٤٣٣ر٠٠٧	برووده درهند	
برونزویك	اروپا	اتحادجماهیرجرمنی	٣ر٦٧٢	٥٠١ر٦٧٥	برونزویك	
برونی	آسیا	سلطان تحت الحمایه برطانیه	٦ر٥٠٠	٣٠ر١٦٢	برونی	درجزایرشرق الهند مسلمان
بریمن	اروپا	اتحادجماهیرجرمنی	٢٥٧	٣٣٨ر٨٤٦	بریمن	یکی از ایالات جرمنی
بلجیم	«	شاهی	٣٠ر٤٤٤	٨ر١٢٩ر٨٢٤	برسلز	
بلغاریا	«	«	١٠٣ر١٤٦	٦ر٠٦٧ر٠٠٠	صوفیا	
بلوچستان برطانوی	آسیا	امپراطوری برطانیه	١٤٠ر٤٤٥	٤٦٣ر٥٠٨	کویته	یکی ازولایات هند برطانوی ـ مسلمان

مملکت	قطعهٔ بزرگ	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
بلوچستان (قلات)	آسیا	خانی تحت الحمایهٔ برطانیه	۲۰۸ر۲۵۳	۴۰۵ر۱۰۹	قلات	مسلمان
بمبئی وسند	«	امپراطوری برطانیه	۳۲۰ر۱۶۵	۲۲ر۲۰۹ر۱۶۸	بمبئی	از ولایات هند
بنگال	«	« «	۱۹۹ر۰۱۵	۵۰ر۱۲۲ر۵۵۰	کلکته	یکی از ولایات هند
بوریات ومنگول	«	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۳۷۶ر۳۷۷	۵۷۴ر۴۰۱	درخنی اودسك	
بورنیوشمالی برطانوی	«	امپراطوری برطانیه	۸۰ر۵۶۱	۲۷۰ر۲۲۳	سنداکان	ازجزایرشرق الهند مسلمان
بورنیوی هالندی	«	مستملکه هالند	۵۵۰ر۰۰۰	۲ر۱۹۴ر۰۳۳	نیجرماسین	« مسلمان «
بوسینیاوهرزك (هرزی گووینیا)	اروپا	شاهی یوگوسلاویه	۵۱ر۲۰۸	۱ر۸۸۹ر۹۲۹	ساراجی و	از ولایات یوگوسلاویه
بولیویا	امریکای جنوبی	جمهوری	۱ر۳۳۲ر۸۰۸	۲ر۹۷۴ر۰۰۰	لاپاز	
بوهیمیا	اروپا	جمهوری چکوسلواکیه	۵۲ر۱۲۵	۶ر۶۷۰ر۵۸۲	پراگ	
بویریا	«	اتحادجماهیرجرمنی	۷۵ر۹۹۶	۷ر۳۷۹ر۵۹۴	میونخ	
بهار واوریسه	آسیا	امپراطوری برطانیه	۲۱۵ر۳۷۸	۳۷ر۵۹۰ر۳۵۶	پتنه	ازولایات هند
بهوتان	«	مهاراجه تحت الحمایه برطانیه	۴۶ر۰۰۰	۲۵۰ر۰۰۰	پوناکه	بشمال هندوقوع دارد
بیچوانالیند	افریقه	تحت حمایه برطانیه	۷۱۲ر۰۰۰	۱۵۴ر۹۸۳	سیرووی	
بیدن	اروپا	اتحاد جماهیر جرمنی	۱۵ر۰۷۰	۲ر۳۱۲ر۴۶۲	کارلس روه	
پ :						
پاپوا (جزائر)	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	۲۳۴ر۷۷۰	۲۷۶ر۱۲۵	پورت مورس بی	
پاراگوی	امریکهٔ جنوبی	جمهوری	۲۸۸ر۰۱۹	۱ر۰۶۵ر۰۰۰	ایسینشن	گرانچاکوکه بین بولیویاو پاراگوی متنازع فیه است مساحهٔ آن ۳۶۶ر۶۶۲ مربع کیلومتر
پاناما	امریکهٔ وسطی	جمهوری	۷۴ر۵۲۲	۴۶۷ر۴۵۹	پاناما	
پرتگال	اروپا	«	۹۸ر۱۱۹	۶ر۶۹۸ر ۳۴۵	لزبن	
« بامستملکات «	آسیا افریقه	«	۲ر۱۹۲ر۹۰۰	۱۴ر۷۹۰ر۰۰۰	لزبن	
پرنسیپی وسنت توماس	افریقه	مستملکهٔ پرتگال	۹۴۴	۶۳ر۸۴۹	ساوی توی	جزائر
پروشیا	اروپا	اتحاد جرمنی	۲۹۲ر۶۹۵	۳۸ر۱۷۵ر۹۸۹	برلین	
پنجاب	آسیا	امپراطوری برطانیه	۲۵۸ر۵۹۱	۲۳ر۵۸۰ر۸۵۱	لاهور	یکی از ولایات هند
پولیند	اروپا	جمهوری	۳۸۸ر۳۹۰	۳۲ر۱۳۲ر۹۳۶	وارسا	
پیرو	امریکهٔ جنوبی	«	۱ر۳۷۸ر۳۶۰	۶ر۲۳۷ر۰۰۰	لیما	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ت :						
تاتارستان	اروپا	اتحادجماهیراشتراکیه‌شورائیه	۶۷ر۰۶۰	۲ر۷۰۵ر۵۰۰	قازان	
تاجکستان	آسیا	« « «	۱۴۵ر۸۶۷	۱ر۱۸۷ر۵۰۰	ستالینگر اد (دوشنبه)	
تانکاینکا	افریقه	امپراطوری برطانیه	۹۴۱ر۵۵۲	۵ر۰۶۴ر۸۱۹	دار السلام	
تانو تووا	آسیا	اتحادجماهیراشتراکیه شورائیه	۱۶۵ر۰۰۰	۶۲ر۰۰۰	خیم بلدار	
تاهیتی‌وغیره (جزایر)	اوقیانوسیه	مستملکهٔ فرانسه	۴ر۰۰۰	۳۹ر۹۲۰	پاپیته	اوقیانوسیای فرانسوی
تبت	آسیا	تحت حمایهٔ چین	۱ر۱۵۰ر۰۰۰	۲ر۰۰۰ر۰۰۰	لاهاسه	
ترانسوال	افریقه	امپراطوری برطانیه	۲۸۶ر۰۵۳	۲ر۰۸۷ر۶۳۶	پریتوریه	یکی از حصص اتحاد جنوب افریقه
ترکستان‌چینی	آسیا	اعلان استقلال نموده	۱ر۴۲۵ر۰۰۰	۲ر۷۰۰ر۰۰۰	اورومچی	
ترکمنستان	«	اتحادجماهیراشتراکیه‌شورائیه	۴۴۳ر۶۴۹	۱ر۱۵۶ر۳۰۰	عشق آباد	
ترکیه	اروپاآسیا	جمهوری	۷۶۲ر۷۳۶	۱۳ر۶۶۰ر۲۷۵	انقره (انگوره)	
ترنیدادوتوباگو	امریکه	امپراطوری برطانیه	۵ر۱۱۷	۴۱۲ر۷۸۳	پوت اوسپین	
تسمانیا	اوقیانوسیه	« «	۶۷ر۸۹۴	۲۲۷ر۴۷۳	هوبارت	
تمور (مجمع الجزائر)	آسیا	مستملکه پرتگال	۱۸ر۹۸۹	۱ر۱۴۶ر۶۶۰	دلی	قسمتی مستملکه پرتگال وقسمتی مستملکه هالیند
توگولیند برطانوی	افریقه	تحت انتداب برطانیه	۳۳ر۷۷۲	۲۹۳ر۷۱۷	هو	مربوط ساحل طلائی
« فرانسوی	«	« « فرانسه	۵۶ر۱۶۹	۷۵۰ر۰۶۵	لوم	
تونس	«	بیگ تحت الحمایه فرانسه	۱۲۵ر۱۳۰	۲ر۴۱۰ر۶۹۲	تونس	
تونکن	آسیا	تحت حمایهٔ فرانسه	۱۱۵ر۷۰۰	۸ر۰۹۷ر۴۲۹	هانوئی	
تونگا (جزایر)	اوقیانوسیه	تحت حمایهٔ برطانیه	۱ر۰۰۱	۲۹ر۴۳۹	نوکوآلوفا	جزائرفرندلی هم می گویند
تورنگیا	اروپا	جزءاتحادجمهوری جرمنی	۱۱ر۷۶۶	۱ر۶۰۹ر۳۰۰	ویمار	
ج :						
جاپان	آسیا	امپراطوری	۳۸۲ر۰۷۱	۶۴ر۴۵۰ر۰۰۵	توکیو	
« بامستعمرات	«	«	۶۸۱ر۴۹۰	۹۱ر۷۹۲ر۶۳۹	«	
جبل الطارق	اوروپا	امپراطوری برطانیه	۵	۲۱ر۳۷۲	جبل الطارق	
جبل دروز	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۶ر۰۰۰	۶۰ر۰۰۰	سویدا	
جرمنی	اوروپا	جمهوری اتحادی	۲۹۵ر۵۶۶	۶۵ر۳۰۰ر۰۰۰	برلین	
جورجیا (گرجستان)	«	« شورائیه	۷۰ر۰۹۴	۲ر۹۲۴ر۶۰۰	تفلیس	
جوهو	آسیا	سلطان تحت حمایهٔ برطانیا	۲۲ر۱۴۸	۲۸۲ر۲۳۴	جوهور بهرو	یک ریاست ملایا

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
چ :						
چکوسلواکیا	اروپا	جمهوری	۱۴۰٫۳۹۴	۱۴٫۷۲۶٫۱۵۸	پراگ	
چلی	امریکای جنوبی	«	۷۴۱٫۷۶۷	۴٫۲۸۷٫۶۶۵	سنت یاگو	
چوزن	آسیا	امپراطوری جاپان	۲۲۰٫۰۰۰	۲۰٫۲۶۲٫۹۵۸	سیول	به کوریا نیز معروفست.
چوواش	«	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائی	۱۷٫۹۲۰	۹۰۹٫۱۰۰	جوق سرای	
چین	«	جمهوری	۱۲٫۴۵۲٫۶۰۰	۴۷۴٫۷۸۷٫۳۸۳	نانکین	
چین خاص	«	«	۵٫۸۳۹٫۵۰۰	۴۴۴٫۴۷۸٫۳۸۶	نانکین	فعلاً از امپراطوری چین همینقدر باقیمانده.
چینل آی لیندز (جزایر)	اروپا	امپراطوری برطانیه	۲۲۲	۹۳٫۰۶۱	سنت هیلیر	در رودبار انگلستان واقع است
ح :						
حجاز	آسیا	شاهی	۴۴٫۳۰۰	۹۰۰٫۰۰۰	مکهٔ معظمه	یك جزء دولت عربیهٔ سعودیه است
حضرموت	«	سلاطین عرب	۱۵۱٫۵۰۰	۱۲۰٫۰۰۰	ماکلا	
حیدرآباد	«	نظام تحت حمایهٔ برطانیه	۲۱۴٫۱۷۹	۱۴٫۳۹۵٫۴۹۳	حیدرآباد دکن	بزرگترین ریاستهای هند است
د :						
دغستان	اروپا	جمهوری شورائی	۵۷٫۳۲۰	۹۰۱٫۵۰۰	مخج قلعه	اکنون در تقسیمات اروپا آمده اکثر اهالی آن مسلمانست.
داقار	افریقه	مستملکه فرانس	۱۵۷	۵۳٫۹۸۲	داقار	
دانزیك	اروپا	شهر مستقل	۱٫۹۵۱	۴۰۷٫۵۱۷	دانزیك	
دلماشیا	«	یوگوسلاویا	۱۲٫۷۴۵	۶۲۱٫۴۲۹	راگوسا	از ایالات یوگوسلاویا
دنمارك	«	شاهی	۴۲٫۹۳۴	۳٫۵۵۰٫۶۵۱	کوپنهاگن	
دومهنیکا	امریکا	جمهوری	۴۸٫۷۱۱	۱٫۲۰۰٫۰۰۰	سانتودومینگو	ازجزائرغرب الهند.
دهلی	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۵۳۶	۶۳۶٫۲۴۶	دهلی	از ولایات هند برطانوی
دهومی	افریقا	مستعمره فرانسه	۱۲۲٫۱۰۰	۱٫۱۱۲٫۰۰۰	پورتونووو	ربع اهالی آن مسلمان میباشند
ر :						
راجپوتانه	آسیا	تحت حمایه امپراطوری برطانیه	۳۳۴٫۶۴۸	۱۳٫۳۰۸٫۷۸۱		مجموعهٔ ریاستهای هندی

مملکت	قطعه	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
راس تری توری	قطب جنوبی	مستملکه برطانیه	۲ر۰۰۰ر۰۰۰			
روآنده اوروندی	افریقه	تحت انتداب بلجیم	۵۴ر۸۰۰	۳ر۴۵۰ر۹۳۷	اوسوم بورا	
رودیشیای جنوبی	افریقه	امپراطوری برطانیه	۳۸۹ر۳۷۴	۱ر۱۰۹ر۰۱۲	سالس بری	
رودیشیای شمالی	افریقه	امپراطوری برطانیه	۷۴۵ر۷۶۰	۱ر۳۸۵ر۳۹۶	لونگستن	
روس سفید	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۱۲۵ر۹۵۰	۵ر۲۹۰ر۳۰۰	منسک	
رومانیه	اروپا	شاهی	۲۹۴ر۹۶۷	۱۸ر۰۲۵ر۲۳۷	بخارست	
ریاستهای متحدهٔ ملایا	آسیا	رؤسای محلی تحت حمایه برطانیه	۷۱ر۶۰۸	۱ر۷۱۳ر۰۹۶	کوالالامپور	اهالی آن مسلمان میباشند
ریاستهای ملایا	آسیا	تحت حمایه برطانیه	۵۸ر۱۸۴	۱ر۵۲۸ر۱۰۰		مندوب برطانوی در جوهور سکونت دارد اهالی آن مسلمان میباشند
ری یونی ین (جزیره)	افریقه	مستملکه فرانسه	۲ر۵۱۲	۱۹۷ر۹۳۳	سن پیر	
زنجبار (زنزیبار)	افریقه	سلطان تحت حمایه برطانیه	۲ر۶۴۲	۲۳۵ر۴۲۸	زنجبار	
س :						
سار	اروپا	تحت ادارهٔ جمعیت اقوام	۱ر۸۸۸	۸۰۵ر۷۲۴	ساربروک	در سنه ۱۹۳۵ از اهالی رای گرفته خواهد شد که بحال موجوده راضی هستند یا بتابعیت آلمان یا فرانسه .
ساراوک	آسیا	راجه تحت حمایه برطانیه	۱۰۸ر۸۰۰	۶۰۰ر۰۰۰	کوچنگ	راجه مملکت یکنفر انگلیس است.
ساردینیا (جزیره)	اروپا	شاهی ایطالیه	۲۴ر۰۹۰	۹۷۳ر۱۲۵	کاگلیاری	
ساس کاتچوان	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	۶۵۱ر۸۷۶	۹۲۱ر۷۸۵	رجینا	یکی از ولایات کانادا
سالویدور	امریکه وسطی	جمهوری	۳۴ر۱۲۶	۱ر۴۵۹ر۵۷۸	سان سالویدور	
ساموآی غربی (جزیره)	اوقیانوسیه	تحت انتداب برطانیه	۲ر۹۳۴	۴۶ر۱۵۰	آپیا	
سان مارینو	اروپا	جمهوری	۶۱	۱۳ر۹۴۸	سان مارینو	
سای رانیکا	افریقه	مستعمرهٔ ایطالیه	۷۳۸ر۰۰۰	۱۶۴ر۶۰۷	بنغازی	اهالی آن مسلمان است
سپتز برجن (جزائر)	اروپا	ناروی	۶۳ر۰۹۵	۱ر۰۶۳	لانگ هیرباین	
ستریت ستلمنتس	آسیا	امپراطوری برطانیه	۳ر۹۶۵	۱ر۱۴۶ر۹۸۴	سنگاپور	اکثر « « «
سخالین جنوبی (کارافوتو)	آسیا	مستملکهٔ جاپان	۳۶ر۰۹۰	۲۹۵ر۱۹۶	تویوهارا	
سسلی (صقلیه)	اروپا	شاهی ایطالیه	۲۵ر۷۳۸	۴ر۲۶۸ر۱۱۶	پلرمو	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
سکاتلیند	اروپا	شاهی برطانیه	٧٧ر١٧١	٤ر٨٤٢ر٥٥٤	ایدن برا	
سکم	آسیا	مهاراجهٔ تحت حمایه برطانیه	٦ر٠٤٧	٨١ر٧٢٢	تم لونگ	یکی از ریاستهای هند است
سکسنی	اروپا	اتحاد جرمنی	١٤ر٩٨٦	٧ر٩٩٦ر١٣٨	درسدن	
سلواکیه	«	چکسلواکیه	٧٠ر٩٧٥	٣ر٠٠٠ر٨٧٠	براتسلاوه	
سلوینیا	«	یوگسلاویه	١٦ر٢٠٨	١ر٥٥٠ر٤٦٤	زاگرب	
ساترا	آسیا	مستملکه هولیند	٤٢٣ر٠٣٥	٨ر٢٣٨ر٥٧٠	بنکولن	ازجزائر شرق الهند
سنت هیلینا (جزیره)	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٢٢	٣ر٩٤٧	جیمز تائون	محبس و محل فوت ناپولیون
سن گیانگ (ترکستان چینی)	آسیا		١ر٤٢٧ر٠٠٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠	ارومچی	در مملکت انقلاب است
سوازی لیند	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٧ر٣٥٩	١١٧ر٨٧٧	مبابانی	
سوتزرلیند	اروپا	جمهوری اتحادی	٤١ر٢٩٥	٤ر٠٦٦ر٤٠٠	برن	
سودان فرانسوی	افریقه	مستملکه فرانسه	١ر٤٠٣ر٧٧٥	٢ر٨٥٥ر٦٥٨	کائس	تمام اهالی آن مسلمان است
سودان مصری برطانوی	افریقه	مستملکه مشترکهٔ مصر و برطانیه	٢ر٦٠٩ر٨٠٠	٥ر٦٠٥ر٨٤٨	خرطوم	« «
سومال ایطالوی	افریقه	مستملکه ایطالیه	٥٠٠ر٠٠٠	١ر٠١٠ر٨١٥	موگادیشو	« «
« برطانوی	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٧٦ر٠٠٠	٣٤٤ر٧٠٠	بربره	« «
« فرانسوی	«	مستملکهٔ فرانسه	٢٣ر٠٠٠	٨٧ر٧٧٨	جبوتی	عموم سکنهٔ آن مسلمان است
سورینام	امریکه جنوبی	« هولیند	١٢٩ر١٠٠	١٥٥ر٨٨٨	پاراماریبو	نام دیگر آن گیانای هولندی است
سوریه	آسیا	تحت انتداب فرانس	١٢٧ر٠٠٠	١ر٦٢٠ر٠٠٠	دمشق	اکثر اهالی مسلمان است
سویدن	اروپا	شاهی	٤٤٨ر٩٨٠	٦ر١٩٠ر٣٦٤	ستاکهالم	
سیام	آسیا	شاهی	٥١٨ر١٦٢	١٢ر٣٥٥ر٠٠٠	بنگکاک	یک خمس « « «
سیریالیون	افریقه	امپراطوری برطانیه	٧٢ر٣٢٤	١ر٦٧٢ر٠٥٧	فری تاؤن	نصف « « «
سیلون (سراندیب) لنکا	آسیا	امپراطوری برطانیه	٦٥ر٦٠٨	٥ر٣٠٦ر٨٧١	کولومبو	جزیره است به جنوب هند
سی لی بیز (جزائر)	آسیا	هولیند	١٢٠ر٠٠٠	٤ر٢٢٦ر٠٨٦	مکاسر	ازجزائر شرق الهند اکثر اهالی مسلمان است
سینیگال	افریقه	مستملکه فرانسه	٢٠١ر٣٧٥	١ر٥٨٤ر٢٧٣	سن لوئی	نصف اهالی مسلمانست
ش :						
شاد	افریقه	مستعمرهٔ فرانسه	١ر٢٤٨ر٠٠٠	١ر٠٥٣ر٠٠٦	فورت لامی	تمام اهالی آن مسلمان است

مملکت	قطعه بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
شرق اردن	آسیا	امارت تحت انتداب برطانیه	۱۶ر۲۲۰	۲۶۰ر۰۰۰	امان	اکثر اهالی آن مسلمانست
شرق الهند	آسیا	امارات تحت حمایه هولند برطانیه فرانسه جاپان ، امریکه	۱ر۹۰۰ر۱۳۴	۶۰ر۷۳۱ر۰۲۵		ازجزائر شرق الهند تقریباً کل اهالی آن مسلمان است
شمبرگ لیپ	اروپا	اتحادجرمنی	۳۴۰	۴۶ر۶۶۰	بوکی بورگ	یکی از ایالات جرمنی
شیتلیند (جزائر)	«	شاهی برطانیه	۱ر۴۲۶	۲۵ر۵۲۰	لرویك	
شیخ سعید	آسیا	تحت حمایهٔ برطانیه	۱۶	۱ر۰۰۰	ساحل عرب	
ص :						
صحرای غربی هسپانوی	افریقه	مستملکه هسپانیا	۲۸۵ر۲۰۰	۳۲ر۰۰۰	ویلاکسنیروس	
صربیا	اروپا	شاهی یوگوسلاویا	۴۸ر۳۵۰	۲ر۹۱۱ر۷۰۱	بلگراد	
صوبه سرحد	آسیا	امپراطوری برطانیه	۳۴ر۷۵۴	۲ر۴۲۵ر۰۷۶	پشاور	یکی از ولایات هند
صوبهٔ متوسط	«	« « «	۲۱۲ر۶۵۴	۱۲ر۰۲۸ر۸۶۳	ناگپور	ازولایات ه‌د
ط :						
طرابلس غرب	افریقه	مستعمرهٔ ایطالیه	۸۷۵ر۳۷۲	۵۷۲ر۷۰۰	طرابلس	تمام اهالی مسلمان می‌باشد
طنجه	«	شهر بین‌المللی	۳۷۳	۷۰ر۰۰۰	طنجه (تنجیر)	اهالی آنجا مسلمان میباشد
ع :						
عدن	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۹۴ر۰۰۰	۵۵ر۰۰۰	عدن	اهالی آن مسلمان میباشند
عراق	«	شاهی	۳۷۰ر۹۷۷	۲ر۸۴۹ر۳۰۰	بغداد	اکثر اهالی مسلمان میباشد
عرب سعودیه	آسیا	شاهی	۲ر۶۰۰ر۰۰۰	۱۰ر۰۰۰ر۰۰۰	مکهٔ معظمه	« « «
عمان	«	تحت اثر برطانیه	۱۵۱ر۶۷۵	۵۰۰ر۰۰۰	مسقط	گوادر در ساحل بلوچستان از مستملکات عمان و اهالی آن مسلمان است
ف :						
فاك لیند	امریکاء جنوبی	امپراطوری برطانیه	۳ر۰۰۰ر۰۰۰	۳ر۱۰۱	ستینلی	
فرانس	اروپا	جمهوری	۵۵۱ر۰۰۰	۴۱ر۸۳۴ر۹۲۳	پاریس	
فرانس بامستملکات آن	تمام قطعات عالم	«	۱۲ر۳۰۷ر۸۲۰	۱۰۴ر۴۷۶ر۸۰۰	«	
فلسطین	آسیا	تحت انتداب برطانیه	۲۶ر۳۰۰	۱ر۰۳۵ر۱۵۴	یوروشلیم بیةالمقدس	بیشتر از دوثلث اهالی آن مسلمانست
فنلیند	اروپا	جمهوری	۳۸۸ر۲۱۷	۳ر۶۶۷ر۰۶۷	هلسنگی هلسنگفورس	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلو متر	نفوس	مرکز	ملاحظات
فورموسا (تائیوان)	آسیا	مستملکهٔ جاپان	۳۵٫۹۷۴	۴٫۵۹۴٫۱۶۱	تای هوگو	جزیره
فیرو (جزایر)	اروپا	« دنمارک	۱٫۴۰۰	۲۱٫۳۵۲	تارنزمان	
ق :						
قبرس	آسیا	امپراطوری برطانیه	۹٫۲۸۲	۳۴۷٫۹۵۹	نکوسیا	ازجزائر مدیترانه
قرغزستان	«	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۱۹۶٫۷۴۰	۱٫۱۵۹٫۹۰۰	فرونسی	
قره قلپاق	«	« « «	۱۱۹٫۵۷۱	۳۴۶٫۰۰۰	نوکوس	
قزاقستان	«	اتحاد جماهیر اشترکیه شورائیه	۲٫۸۱۴٫۶۰۰	۷٫۲۶۰٫۵۰۰	المتا	دو ثلث آن مسلمان است
ك :						
کانادا	امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	۹٫۵۵۶٫۸۱۷	۱۰٫۳۷۶٫۷۸۶	اتاوا	دومینیون
کانگوی بلجیمی	افریقه	مستعمرهٔ بلجیم	۲٫۳۸۵٫۱۰۰	۹٫۵۸۴٫۹۳۶	لی پولدویل	
« فرانسوی	«	« فرانسه	۲۴۰٫۰۰۰	۶۹۸٫۷۵۳	برازاویل	
کریت (قرطش)	اروپا	یونان	۸٫۲۸۶	۳۸۶٫۲۴۷	کاندیا	جزیره
کریمیا (قریم)	«	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۲۵٫۸۸۱	۷۹۳٫۷۰۰	سمفروپول	نصف اهالی مسلمان است
کشمیر	آسیا	مهاراجه تحت الحمایه برطانیه	۲۱۸٫۲۱۹	۳٫۶۹۹٫۰۶۵	سری نگر	درهند
کمبودیا	آسیا	شاهنشاهی تحت الحمایه فرانسه	۱۸۱٫۰۰۰	۲٫۸۰۶٫۰۰۰	فنوم پن	هند چینی
کوان تونگ	«	تحت اجارهٔ جاپان	۳٫۴۶۲	۹۵۵٫۷۴۱	داین	ازملك چین
کوان چووان	«	تحت اجارهٔ فرانسه	۸۵۰	۲۵۰٫۰۰۰	فوت بیارت	
کوچن چینا (چین کوچك)	آسیا	شاهی تحت الحمایه فرانسه	۶۸٫۶۵۰	۴٫۶۷۴٫۳۵۲	سیگون	از هند چین است
کورا کائرو	امریکه	هولیند	۱٫۱۳۰	۷۶٫۲۹۹	ولیم ستاد	ازجزائر غرب الهند
کورسیکا (جزیره)	اروپا	فرانس	۸٫۷۳۰	۲۸۹٫۸۹۰	اجاك سیو	
کورشیا سلاوونیا	«	یوگوسلاویا	۴۳٫۸۷۴	۲٫۷۳۹٫۵۹۳	زاگریب (اگرام)	از ولایات یوگوسلاویا
کورگ	آسیا	امپراطوری برطانیه	۴٫۰۹۷	۱۶۳٫۰۸۹	مرکاره	از ولایات هند برطانوی
کوریا (چوزن)	«	امپراطوری جاپان	۲۲۰٫۷۴۱	۲۱٫۰۵۸٫۳۰۵	سیویل (کائی جو)	جزء جاپان خاص قرار داده شده

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
کوستاریکا	امریکای مرکزی	جمهوری	۵۸ر۰۰۰	۵۲۹ر۶۹۰	سان‌جوزی	
کولمبیای برطانوی	امریکه‌شمالی	امپراطوری برطانیه	۹۲۱ر۶۲۲	۶۹٤ر۲۶۳	ویکتوریا	ازولایات کانادا
«	«جنوبی	جمهوری	۱ر۱۵۰ر۲۲۰	۸ر۲۲۳ر۰۰۰	بوگوتا	
کویت	آسیا	شیخ تحت حمایه برطانیه	۵ر۰۰۰	۵۱ر۰۰۰	کویت	درساحل شرق جزیرة العرب
کوینز لیند	آسترلیا	امپراطوری برطانیه	۱ر۷۳۶ر۵۲٤	۹۶۵ر۹۳٤	برس‌بین	یکی ازولایات آسترلیا
کیمرون برطانوی	افریقه	تحت حمایه برطانیه	۸۸ر۲۹۷	۷۷٤ر۵۸۵	بوئی‌یا	سابقاً از مستعمرات جرمنی بود
کیمرون (فرانسوی)	افریقا	تحت‌ا نتداب فرانسه	٤۱۸ر۲۱۵	۱ر۹۰۰ر۰۰۰	یوانده	سابقاً ازمستعمرات جرمنی بود
کینیا	«	امپراطوری برطانیه	۵۸۲ر۳۷٤	۳ر۰٤۹ر۹۱۱	نیروبی	قسمتی‌مستعمره‌وقسمتی تحت حمایه برطانیه است
کیوبا	امریکا	جمهوری	۱۱٤ر۵۲٤	۳ر۷۶۸ر۱۹۲	یادانا	ازجزائرغرب‌الهند
کیوبك	امریکای شمالی	امپراطوری برطانیه	۱ر۵۳۹ر۵۲۲	۲ر۸۷٤ر۲۵۵	کیوبك	یکی ازولایات کیانه
گابون	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۷٤ر۸۷۰	۳۸۸ر۸۹۹	لیبروین	
گرینلیند(جزیره)	امریکه‌شمالی	مستعمره دنمارك	۲ر۱۷۵ر۶۰۰	۱٤ر۳۵۵	سد پرودن	
گوا	آسیا	مستملکه پرتگال	۳ر۸۲۹	۵۷۰ر٤۲۶	نیوگوا	به ساحل هند واقع است
گواتیمالا	امریکه وسطی	جمهوری	۱۰۹ر۷۲٤	۲ر۰۰٤ر۹۰۰	گواتیمالا	
گوادلوپ (جزایر)	امریکه	مستعمره فرانسه	۱ر۷۸۰	۲۶۷ر٤۰۷	باستر	از جزائر غرب الهند
گولد کوست	افریقه	امپراطوری برطانیه	۲۰۳ر۶۰۰	۳ر۱۶۳ر۵۶۸	آکرا	
گیانای برطانوی	امریکای « جنوبی	امپراطوری برطانیه	۲۳۱ر۷٤٤	۳۱۲ر٤۹۸	جارج تاؤن	
« فرانسوی	« «	مستملکه فرانسه	۸۸ر۲٤۰	۳۲ر۵۹۶	کائن	
« هالیندی	امریکه جنوبی	مستملکه‌هالیند	سوری نام	۱۵۵ر۸۸۸	پاراماری‌بو	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
گیمبیا	افریقه	امپراطوری برطانیه	۱۰ر۷۰۶	۱۹۹ر۵۲۰	باتهرست	
گیورن‌سی (جزیره)	اروپا	مستملکه برطانیه	۶۵	۳۹ر۴۰۶	سان پیر	
گینی پرتگالی	افریقه	« پرتگال	۳۶ر۱۲۵	۳۶۴ر۹۲۹	بولامه	
« فرانسوی	افریقه	مستملکه فرانسه	۲۵۰ر۸۷۵	۲ر۲۳۴ر۶۹۲	کوناکری	ربع اهالی مسلمان است
« هسپانوی	«	« هسپانیه	۲۶ر۶۵۹	۲۰۰ر۰۰۰	سانتا ایزابل	
لاتویا	اروپا	جمهوری	۶۵ر۷۹۰	۱ر۹۰۰ر۰۴۵	ریگا	
لاؤس	آسیا	شاهی تحت حمایهٔ فرانسه	۲۳۱ر۴۰۰	۹۹۴ر۰۰۰	اوئنت‌شان	
لای بیریا	افریقه	جمهوری	۹۵ر۴۰۰	۱ر۵۰۰ر۰۰۰	موترّوویه	
لبرادور (جزیره)	امریکه‌شمالی	امپراطوری برطانیه	۳۰۶ر۸۰۰	۴ر۵۰۰	بیتل هاربر	
لبنان	آسیا	تحت انتدب فرانسه	۱۰ر۵۰۰	۸۰۵ر۰۰۰	بیروت	
لپ	اروپا	اتحاد جمهوری جرمنی	۱ر۲۱۵	۱۶۳ر۵۷۷	دت مولد	
لتاکیه	آسیا	تحت انتداب فرانسه	۶ر۵۰۰	۲۸۳ر۰۰۰	لتاکیه	
لتوانیا	اروپا	جمهوری	۵۳ر۲۴۲	۲ر۳۴۰ر۰۳۸	کاوناس (کوونو)	
لکسمبرك	«	سرداری اعظم	۲ر۵۸۵	۳۰۰ر۷۴۸	لکسمبرك	
لیختن ستاین	اروپا	سرداری	۱۵۷	۱۰ر۲۱۳	وادوز	
لیورد (جزائر)	امریکه	امپراطوی برطانیه	۱ر۸۶۲	۱۲۶ر۴۰۰	انتیگوا	ازجزائرغرب‌الهند
مارتی نیك	امریکه‌شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴ر۶۹۵	فوردوفرانس	از جزائر غرب‌الهند
ماری تاینا	افریقه	« «	۸۳۴ر۸۵۰	۳۲۳ر۴۹۸	سن لوئی	
ماریشس (جزائر)	«	« برطانیه	۱ر۸۶۵	۴۰۵ر۰۴۹	پورت «	
مالتا (جزائر)	اروپا	مستعمره «	۳۱۶	۲۴۴ر۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو (جزائر)	آسیا	سلطان تحت حمایه برطانیه	۲۹۸	۷۰ر۴۱۳	مالی کنگ	
مانچوکو	«	امپراطوریت تحت حمایهٔ جاپان	۱ر۱۹۳ر۷۰۰	۳۴ر۰۸۴ر۹۸۰	هسینتن	
مانیتوبا	امریکه‌شمالی	امپراطوری برطانیه	۶۵۲ر۲۱۸	۷۰۰ر۱۳۹	ونی پگ	یکی از ولایات کانادا
ماورای قفقاز	آسیا	جمهوری شورائیه	۱۸۵ر۷۱۷	۶ر۵۱۶ر۸۰۰	تفلس	
مدراس	«	مستملکهٔ برطانیه	۳۶۸ر۴۳۸	۴۶ر۷۴۸ر۶۴۴	مدراس	یکی از ولایات هند
مدغاسکر	افریقه	« فرانسه	۶۲۷ر۳۲۷	۳ر۷۰۱ر۷۷۰	تانا ناریو	جزیره نصف اهالی مسلمان است
مدیرا (جزائر)	«	« پرتگال	۷۳۹	۲۱۰ر۲۲۶	فون چال	
مراکش فرانسوی	«	امپراطوری تحت حمایهٔ فرانسه	۴۲۰ر۰۰۰	۵ر۶۳۰ر۲۷۱	رباط	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
مراکش هسپانوی	افریقه	شریف تحت حمایهٔ هسپانیه	٢٨٬٠٠٠	٧٧٤٬٠٠٠	طیطوان	
مصر	«	شاهی	٩٩٤٬٣٠٠	١٤٬١٦٨٬٧٥٦	قاهره	
مکاؤ	آسیا	مستملکه پرتگال	١٠	١٥٧٬٨٠٥	ماکاو	بندرگاه چینی
مکسیکو	امریکه شمالی	جمهوری	١٬٩٦٩٬١٥٤	١٦٬٥٢٤٬٦٢٩	مکسیکو	
مکلنبرگ ستیراتیر	اروپا	ازاتحاد جمهوری جرمنی	٢٬٩٣٠	١١٢٬٠٥٢	ستیراتیز جدید	
« ثویرن	«	« « « « «	١٣٬١٢٧	٦٧٤٬٤٠١	ثورین	
ملاکا (جزائر)	آسیا	مستملکه هالیند	٧٥٥٬٤٧٥	٤٢٧٬٢١١	ترنیت	
منگولیا (مغولستان)	«	جمهوری ملی مغلی تحت مراقبت چین	١٬٥٢٥٬٧٠٠	١٬٨٠٠٬٠٠٠	ارگا (اولان بوتورشوتو)	
موراویا	اروپا	یکی از ولایات چکوسلواکیه	٢٢٬٣١١	٢٬٦٦٢٬٨٨٤	برنو	
موریتانیا	افریقه	مستملکه فرانس	٨٩٠٬٠٠٠	٢٨٩٬١٨٤	موراگو	
موزنبیق افریقهٔ شرقی پرتگالی	«	مستعمرهٔ پرتگال	٧٧١٬١٣٣	٣٬٩٩٥٬٨٣١	لورن کومارکس	
موناکو	اروپا	سرداری	یك و نیم	٢٤٬٩٢٧	موناکو	
میسور	آسیا	مهاراجه تحت الحمایهٔ برطانیه	٧٦٬٣٣٧	٦٬٥٥٧٬٨٧١	میسور	
میکولان	امریکه شمالی	مستملکه فرانس	٢١٥	٤٩	سن پیر	
میمل	اروپا	جزء لینوانیا	٢٬٤١٧	١٤٦٬٩١٤	میمل	
مین (مان) (جزیره)	«	شاهی برطانیه	٥٧٢	٦٠٬٢٣٨	دگلس	
ناتال	افریقه	امپراطوری برطانیه	٩١٬٣٨٢	١٬٤٢٩٬٣٩٨	پیترمارتس برگ	یکی از ولایات اتحاد افریقهٔ جنوبی
ناروی	اروپا	شاهی	٢٢٢٬٦٧١	٢٬٨١٧٬١٩٤	اوسلو	سابقاً اوسلو را کریسچیانا می گفتند
نایجر	افریقه	مستملکه فرانسه	١٬١٧٩٬٥٠٠	١٬٥٤٢٬٧١٤	زندر	اکثر اهالی مسلمان است
نایجیریا	«	امپراطوری برطانیه	٩٦٥٬١٨٧	١٩٬٩٢٨٬١٧١	لاگواس	
نجد	آسیا	شاهی	١٬٠٧٢٬٠٠٠	٢٬٠٠٠٬٠٠٠	ریاض	جزء دولت عربیه سعودیه
نجران	آسیا	داعی تحت حمایهٔ عرب سعودیه	٣٥٬٩٠٠	٧٥٠٬٠٠٠	ابوعریش	
نکاراگوا	امریکهٔ وسطی	جمهوری	١١٨٬٤٥٣	٧٥٠٬٠٠٠	ماناگوا	
نوواسکوشیا	امریکه شمالی	امپراطوری برطانیه	٥٥٬٤٩٦	٥١٢٬٨٤٦	هلی فکس	
نیاسالیند	افریقه	تحت الحمایهٔ برطانیه	١٠٣٬٤٨٢	١٬٦٠٣٬٤٥٤	زومبا	

مملکت	قطعه‌بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
نیپال	آسیا	شاهی	١٤٠ر٠٠٠	٥ر٦٣٩ر٠٩٢	کتمندو	بشمال هند
نیدرلاندز (هالند)	اروپا	»	بهالیند مراجعه شود	٨ر٠٦١ر٥٧١	امستردام	
نیوبرونزوك	امریکه‌شمالی	امپراطوری برطانیه	٧٢ر٤٧٨	٤٠٨ر٢١٩	فریدریکتن	یکی از ولایات کانادا
نیوزیلند (جزایر)	اوقیانوسیه	»	»	٢٦٩ر٣٩٦	١ر٥٤١ر٢٧٦	ولینگتن	
نیوساوتهویلز	»	»	»	٨٠١ر٣٩٦	٢ر٦٠٠ر٤٢٨	سدنی	یکی از ولایات آسترالیا
نیوفوندلیند	امریکه‌شمالی	مستعمرهٔ برطانیه	١١٠ر٦٧٧	٢٨١ر٦٢٤	سینت جان	
نیوکلیدونیا	اوقیانوسیه	مستملکه فرانس	١٨ر٤٩٩	٦٢ر٩١٩	نومیا	جزیره
نیو گینی برطانوی	»	تحت انتداب برطانیه	٢٤٠ر٨٦٠	٣٩٦ر٩٥٨	رابایول	
نیوهیبریدیز	جزائر	تحت الحمایهٔ فرانس برطانیه	١٣ر٢٢٤	٥١ر٠٠٠	ویلا	
واتیکان	اروپا	شاهی روحانی	نیم	٧١١	واتیکان	
والفش (خلیج)	افریقه	تحت انتداب برطانیه	١ر١١٣	٢ر٣٠٠		
ورتم برگ	»	جمهوری اتحاد جرمنی	١٩ر٥٠٨	٢ر٥٧٩ر٤٥٣	ستوگرت	
وکتوریه	اوقیانوس	امپراطوری برطانیه	٢٧٢ر٦١٠	١ر٨١٨ر٠٨٠	ملبورن	یکی از حصص آستریلیا
ولایت راس أمیدافریقا		»	» ٧١٧ر٣١٣	٢ر٧٨٢ر٧١٩	کیپ تاؤن	یکی از ولایات اتحاد افریقه جنوبی است
ونیزویلا	امریکه‌جنوبی	جمهوری	٩١٢ر٠٥٠	٣ر٢١٦ر٠٠٠	کاراکاس	
وولگا	اروپا	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	٢٧ر٢٤٦	٦٢٢ر٦٥٥	انجلز	
ویستفالیا	»	جمهوری اتحاد جرمنی	٢٠ر٢٤١	٤ر٨٢٦ر٨٨٥	ایسن	یکی از حصص پروشیا
ویلز	»	سرداری	١٩ر٣٤٣	٢ر٠٩٣ر٠١٤	کاردف	یکی از حصص یونائیتد کنگدم
هالیند (نیدرلاندز)	اروپا	شاهی	٣٤ر٢٠٠	٨ر٠٦١ر٥٧١	امستردام	اکثر این مملکت از سطح بحر پست است
«با مستملکات اروپا آسیا امریکه«			٢ر٠٦٤ر٠٦٠	٦٩ر٠٢٢ر٦٠٠	»	
هاندوراس	امریکه وسطی	جمهوری	١٥٤ر٣٠٨	٨٥٩ر٧٦١	تیگوسیگالپا	
هاندوراس برطانوی	»	امپراطوری برطانیه	٢١ر٠٣٥	٥١ر٣٤٧	بیلائیز	

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
هانکانگ	آسیا	امپراطوری برطانیه	۱۰۱۲ر۱	۸۴۹ر۷۵۱	ویکتوریه	در ساحل چین
هانگری (مجارستان)	اروپا	شاهی	۹۳ر۰۷۲	۸ر۶۸۸ر۳۴۹	بودا پست	
هائیتی	امریکه	جمهوری	۲۷ر۴۴۴	۲ر۵۵۰ر۰۰۰	پورتوپرنس	حکومت بدست حبشیان است
هس	اروپا	اتحاد جمهوری جرمنی	۷ر۶۹۲	۱ر۳۴۷ر۲۹۵	دارم ستات	
هسپانیه	«	جمهوری	۵۰۳ر۰۷۵	۲۳ر۸۱۷ر۱۷۹	مادرید	
همبرگ	«	شهرآزاد داخل اتحاد جمهوری جرمنی	۴۱۵	۱ر۱۵۲ر۴۸۹	همبرگ	
هند	آسیا	امپراطوری برطانیه	۴ر۶۷۵ر۶۱۶	۳۵۲ر۹۸۶ر۸۸۰	دهلی	خمس اهالی مسلمان است
« برطانوی	«	مستملکه برطانیه	۲ر۸۳۳ر۵۱۰	۲۷۰ر۰۶۱ر۳۵۳	دهلی	
« پرتگالی	«	« پرتگال	۳ر۸۰۷	۵۷۹ر۹۶۹	نیوگوا	
« چینی فرانسوی	«	تحت حمایهٔ فرانسه	۷۴۱ر۲۵۰	۲۱ر۵۹۹ر۵۸۲	سیگون	
« ریاستی	«	تحت حمایهٔ برطانیه	۱ر۸۴۲ر۱۰۶	۸۰ر۸۳۸ر۵۲۷		بچندین ریاست های علیحده منقسم است
« فرانسوی	«	مستملکه فرانسه	۵۱۳	۲۹۰ر۴۶۰	پاندیچری	
یاقوتیه	«	اتحاد جماهیر اشتراکیه شورائیه	۲ر۹۰۰ر۰۰۰	۳۱۲ر۵۰۰	یاگوتسك	
یمن	«	امام	۶۲ر۰۰۰	۱ر۰۰۰ر۰۰۰	صنعا	
یوروگوی	امریکه جنوبی	جمهوری	۱۸۶ر۹۲۶	۱ر۹۴۱ر۳۹۸	مانتی ویدیو	
یوکاتان	امریکه شمالی	«	۳۸ر۵۰۸	۳۸۶ر۰۹۶	میریدا	یکی از حصص مکسیکو
یوکون	«	امپراطوری برطانیه	۵۳۶ر۳۰۵	۳۸۴ر۷۹۰	داسن	
یوگندا	افریقه	تحت حمایهٔ برطانیه	۲۴۳ر۹۷۳	۳ر۵۵۳ر۵۳۴	انتبی	
یوگوسلاویه	اروپا	شاهی	۲۴۸ر۶۶۵	۱۳ر۹۳۰ر۹۱۸	بلغراد	
یونان	«	جمهوری	۱۳۰ر۱۹۹	۶ر۴۸۰ر۰۰۰	ایتهنز (آتنه)	
یونائتیدکنگدم	«	شاهی	۲۴۱ر۸۰۰	۴۴ر۷۹۰ر۴۸۵	لندن	



جزائر

مملکت	قطعهٔ.برو بحر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آزور	بحراتلانتیك	مستملکات پرتگال	۲ر۰٦٥	۲٥۳ر۰۹٦	پونتاویل گارا	قریب ساحل افریقه شمالی
آستریلیا	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	۷ر٦۳٥ر۹٦۸	٦ر۳۷٦ر۸۹٦	کان بیرا	
اسینشن	افریقه	مستملکه برطانیه	۸۸	۲۲۰	جورج تائون	
الدرنی	اروپا	«	« ۸	۲ر۷۰۰	سنت این	
ان تی گوا	جزائرغرب الهندامریکه	امپراطوری برطانیه			سینت جوهن	رجوع شود بهجزائرلیورد
اندمان ونیکوبار	آسیا	«	« ۸ر۱٤۰	۲۹ر٤٦۳	پورت بلیئر	مربوط هند برطانوی
اورکنی	اروپا	امپراطوری برطانیه	۹۷٥	۲٤۰ر۱۰۹	کرکوال	
باربه دوس	غرب الهند امریکه	امپراطوری برطانیه	٤۳۰	۱۷۳ر٦۷٤	برج تائون	
بالیارك	اروپا	مستملکه هسپانیه	٥ر۰۱٤	۳۷٥ر۱۰۱	پاما	
بحرین	آسیا	شیخ تحت انتداب برطانیه	٥٥۲	۱۲۰ر۰۰۰	ماناما	در بحر عمان
برطانیه	اروپا	شاهی	۲۲۸ر۲۷٥	٤٤ر۷۹۰ر٤۸٥	لندن	
برموداس	امریکه‌شمالی	امپراطوری برطانیه	٤۹	۲۷ر۷۸۹	هیملتن	
بسمارك	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	٤۰ر٤۰٦	۱۸۸ر۰۰۰	رابال	
بورنیوبرطانوی (بورنیوی‌شمالی)	آسیا	امپراطوری برطانیه	۸۰ر٥٦۱	۲۷۰ر۲۲۳	سنداکان	ازجزائر شرق الهند
بهاما	جزائرغرب الهندامریکه	« «	« ۱۱ر٤۰٦	٦۲ر۰۰۰	ناسو	
پاپوا	اوقیانوسیه	امپراطوری برطانیه	۲۳٤ر۷۷۰	۲۷٦ر۱٥۲	پورت‌مورس‌بی	
پیرم	آسیا	مستملکه برطانیه	۱۳	۱ر۷۰۰	پیرم	مربوط به‌عدن
پرنسیپی و سنت توماس	افریقه	مستملکه پرتگال	۹٤٤	٦۳ر۸٤۹	ساؤ تومی	
پرنس‌ادورد	امریکه‌شمالی	امپراطوریت برطانیه	٥ر٦٥٦	۸۸ر۰۳۸	شارلت تاؤن	
ترستان‌داکنها	بحراتلانتیك	مستملکه برطانیه	۱۳٥	۲۰۹	اون برك	

مملکت	قطعهٔ بر و بحر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
ترك	امریکه‌شمالی	مستملکه برطانیه	٤٢٩	٤ر٨٨٦	گراند ترك	ازجزائر غرب الهند
تاهیتی	اوقیانوس	« فرانسه	٤ر٠٠٠	٣٩ر٩٢٠	پاپیته	اوقیانوسیای فرانسوی
ترینیدادوتوباگو	امریکه	امپراطوری برطانیه	٥ر١١٧	٤١٢ر٧٨٣	پورت آسپین	
تسمانیا	اوقیانوسیه	« « «	٦٧ر٨٩٤	٢٢٧ر٤٧٣	هوبارت	
تمور	آسیا	مستملکه پرتگال	١٨ر٩٨٩	١ر١٤٦ر٦٦٠	دلی	قسمت مستملکهٔ پرتگال و قسمتی مستملکه هولیند.
تونگا	اوقیانوسیه	تحت حمایهٔ برطانیه	١ر٠١١	٢٩ر٤٣٩	نوکوآلوفا	جزائر فرندلی هم میگویند.
جاپان	آسیا	امپراطوری	٣٨٢ر٠٧١	٦٤ر٤٥٠ر٠٠٥	توکیو	
جرمی	اروپا	مستملکه برطانیه	١١٧	٥٠ر٤٥٥	سنت هیلیرز	
جیمکا	امریکه	امپراطوری برطانیه	٢٣ر٧٥٠	١ر٧٢٧ر٠٠١	لنگستن	
چینل آی لیندز	اروپا	« « «	٢٢٢	٩٣ر٠٦١	سنت هیلیرز	دررود بار انگلستان واقع است
دومه نیکا	امریکا	جمهوری	٤٨ر٧١١	١ر٢٠٠ر٠٠٠	سان تودومینکو	ازجزائر غرب الهند
ری یونین	افریقه	مستملکه فرانسه	٢ر٥١٢	١٩٧ر٩٣٣	سن پیر	
زنجبار	«	سلطان تحت حمایهٔ برطانیه	٢ر٦٤٢	٢٣٥ر٤٢٨	زنجبار	
ساردینیا	اروپا	شاهی ایطالیا	٢٤ر٠٩٠	٩٧٣ر١٢٥	کاگلیاری	
سالومون (سلیمان)	اوقیانوسیه	طوایف الملوك تحت حمایهٔ برطانیه	٣٧ر٨٥٨	٩٤ر٠٦٦		مرکز معین ندارد
ساموآ غربی	«	تحت انتداب برطانیه	٢ر٩٣٤	٤٦ر١٥٠	آپیا	
سان پییر	امریکه‌شمالی	مستملکه فرانسه	١٤١	٤ر٠٣٠	سان پیر	
سایبریای جدید	آسیا	« اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	٢٩ر٠٠٠			
سای مان	امریکه‌شمالی	مستملکه برطانیه	٢٧٣	٥ر٩٨٧		مربوط بجزیرهٔ جیمکا
سپتز برجن	اروپا	ناروی	٦٣ر٠٩٥	١ر٠٦٣	لانگ هیرباتن	
سخالین جنوبی (کارافوتو)	آسیا	مستملکه جاپان	٣٦ر٠٩٠	٢٩٥ر١٩٦	توریوهارو	
سسلی	اروپا	شاهی ایطالیائی	٢٥ر٧٣٨	٤ر٢٦٨ر١١٦	پلرمو	
سقوطره	افریقه	مستملکهٔ سلطان قشن تحت حمایهٔ برطانیه	٣ر٥٧٦	١٢ر٠٠٠	تاماریدا	
سماترا	آسیا	مستملکه هالیند	٤٢٣ر٠٣٥	٨ر٢٣٨ر٥٧٠	بنکولن	
سنت هیلینا	افریقه	امپراطوری برطانیه	١٢٢	٣ر٩٤٧	جیمز تائون	محبس و محل فوت ناپولیون
سوسائیتی	اوقیانوسیه	مستملکهٔ فرانسه	٣ر٩٤٠	٣٩ر٩٢٠	پاپیته	
سیشیلیز	افریقه	« برطانیهٔ	٤٠٤	٢٨ر٢١٧	وکتوریا	
سیلون (سرانديب) لنکا	آسیا	امپراطوری برطانیه	٦٥ر٦٠٨	٥ر٣٠٦ر٨٧١	کولومبو	جزیره‌ایست بجنوب هند

مملکت	قطعه بروبحر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
سی لی بیز	آسیا	مستملکه هولیند	۱۲۰ر۰۰۰	۴ر۲۲۶ر۰۸۶	مکاسر	ازجزائرشرق الهند
شیتلینه	اروپا	شاهی برطانیه	۱ر۴۲۶	۲۵ر۵۲۰	لرویك	
غرب بحرالکاهل	بحرالکاهل	تحت حمایهٔ برطانیه	۳۰ر۸۰۵	۱۵۳ر۲۳۱	اوشن آیلند	
فاك لیند	امریکه جنوبی	امپراطوری برطانیه	۳ر۰۰۰ر۰۰۰	۳ر۱۰۱	ستینلی	
فرانز جوزف	اروپا	مستملکهٔ اتحادجماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۲۱ر۰۰۰	۲۰		درمنطقه منجمده شمالی واقع بوده غیرآباد است
فور موسا (تائی وان)	آسیا	« جاپان	۳۵ر۹۷۴	۴ر۵۹۴ر۱۶۱	تای هوکو	
فیرو	اروپا	« دنمارك	۱ر۴۰۰	۳۱ر۳۰۲	تارنزمان	
فیجی	اوقیانوسیه	امپراطوریت برطانیه	۱۸ر۳۴۴	۱۸۵ر۵۷۳	سووا	
قبرس	آسیا	« « «	۹ر۲۸۲	۳۴۷ر۹۵۹	نکوسیا	ازجزایرمدیترانه.
قطب جنوبی		امپراطوریت برطانیه		در منطقهٔ جنوبی واقع بوده غیر مسکون است .		
کریت	اروپا	یونان	۸ر۲۸۶	۳۴۵ر۱۴۹	کاندیا	جزیره
کریلیا	آسیا	اتحادجماهیراشتراکیه شورائیه	۱۴۶ر۹۱۵	۲۹۰ر۸۰۰	تیروزاوودسك	
کوراکائو	امریکه	هولیند	۱ر۱۳۰	۷۶ر۲۹۹	ولیم ستاد	ازجزائرغرب الهند
کورسیکا	اروپا	فرانس	۸ر۷۳۰	۲۸۹ر۸۹۰	اجاك سیو	
کوکوس	آسیا	مستملکه برطانیه	۲ و نیم	۱ر۱۴۲	کیلنگ	درجزائرشرق الهند
کیپ ورد	افریقه	پرتکال	۳ر۸۴۵	۱۵۳ر۷۳۸	پیرایا	
کوریا موریا	آسیا	مستملکهٔ برطانیه	۷۵	۱۰۰	کوریا موریا	
کومور	افریقه	« فرانسه	۲ر۱۶۷	۱۲۶ر۲۰۸	روزی	در بحر هند
کینیری	بحر اتلانتیك	هسپانیا	۷ر۲۷۳	۵۶۴ر۸۷۳	سان تاکروز دوتی تیرف	
کیوبا	امریکه	جمهوری	۱۱۴ر۵۲۴	۳ر۷۶۷ر۱۹۲	یادانا	ازجزائرغرب الهند
لابوآن	آسیا	مستملکه برطانیه	۷۳	۷ر۵۰۶	وکتوریه	جزائرشرق الهند
لکادیو	«	« «	۱ر۹۲۷	۱۶ر۰۴۶	محل	مربوطهٔ مدراس
لیورد	امریکه	امپراطوری برطانیه	۱ر۸۶۲	۱۲۶ر۴۰۰	انتیگوا	ازجزائرغرب الهند
مارتی نیك	امریکه شمالی	مستملکه فرانسه	۹۸۷	۲۳۴ر۶۹۵	فوردوفرانس	« « «
ماریشس	افریقه	« برطانیه	۱ر۸۶۵	۴۰۵ر۰۴۹	پورت لوئی	
مالتا	اروپا	مستعمرهٔ برطانیه	۳۱۶	۲۴۴ر۰۰۲	ویلیتا	
مالدیو	آسیا	امپراطوری تحت حمایهٔ برطانیه	۲۹۸	۷۰ر۴۱۳	مالی	

مملكت	قطعهٔ بر	طرز حكومت	مساحهٔ مربع كيلومتر	نفوس	مركز	ملاحظات
مدغاسكر	افريقه	مستملكهٔ فرانسه	٦٢٧ر٣٢٧	٣ر٧٠١ر٧٧٠	تانا ناريو	جزيره،نصف اهالى آن مسلمان است
مديرا	«	« پرتگال	٧٣٩	٢١٠ر٢٢٦	فون چال	
ملاكا	آسيا	« هولیند	٧٥٥ر٤٧٥	٤٢٧ر٢١١	ترنيت	
ميكولان	امريكه‌شمالى	« فرانسه	٢١٥	٤٩	سن پير	
مين مان	اروپا	شاهى برطانيه	٥٧٢	٦٠ر٢٣٨	دگلس	
نان گوچو		تحت انتداب جاپان	٢١٤٩	٦٩ر٦٢٦	كورول	
ناورو	اوقيانوسيه	تحت انتداب برطانيه	٢١	٢ر٣١٦		
نوازيملا	اروپا	مستملكه شوروى	٩٢٠ر٠٠٠	١٠٠		
نورفورك			٣٦	٩٩٢	كنگستن	
نوواسكوشيا	امريكه‌شمالى	امپراطورى برطانيه	٥٥ر٤٩٦	٥١٢ر٨٤٦	هلى‌فكس	
نيكوبار واندمان	آسيا	« «	٨٠ر١٤٠	٢٩ر٤٦٣	پورت‌بلير	از ولايات هند
نيكولاى‌ثانى	اروپا	مستملكه شوروى	٦٠٠	٤		
نيوزيلند	اوقيانوسيه	امپراطورى برطانيه	٢٦٩ر٣٩٦	١ر٥٤١ر٢٧٦	ويلنگتن	
نيوفوندلند	امريكه‌شمالى	مستعمرهٔ برطانيه	١١٠ر٦٧٧	٢٨١ر٢٦٤	سندجان	
نيولكيندونيا	اوقيانوسيه	مستملكه فرانسه	١٨ر٤٩٩	٦٢ر٩١٩	نوميا	
نيوگى‌برطانوى	«	تحت انتداب برطانيه	٢٤٠ر٨٦٠	٣٩٦ر٩٥٨	راباپول	
نيوهبريدى	اوقيانوسيه	تحت‌الحمايهٔ فرانسه و برطانيه	١٣ر٢٢٤	٥١ر٠٠	ويلا	
ورانگل	آسيا	مستملكه شوروائى	٤ر٦٩٠	٦٠		
وندورد	امريكه	امپراطورى برطانيه	١ر٣٣٥	١٨٨ر٤٣٩	سنت‌جارجز	
هانكانگ	آسيا	امپراطورى برطانيه	١ر٠١٢	٨٤٩ر٧٥١	ويكتوريه	درساحل چين
هاهيتى	امريكه	جمهورى	٢٧ر٤٤٤	٢ر٥٥٠ر٠٠٠	پورتوپرنس	حكومت بدست حبشيان است



ولایات ممالك جماهیر متحده امریکا

مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحهٔ مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
آرکانساس	امریکه	جمهوری	۱۳۸ر۱۳۲	۱ر۸۵۴ر۴۸۲	لتل راك	یکی ازجماهیر متحدهٔ امریکه
آری‌زونا	»	»	۲۹۵ر۱۳۴	۴۳۵ر۵۷۳	فونکس	» » » » »
آیودا	»	»	۱۴۵ر۴۱۵	۲ر۴۷۰ر۹۳۹	دی موینز	» » » » »
اداهو	»	»	۲۱۷ر۲۶۱	۴۴۵ر۰۳۲	بویز	» » » » »
الاباما	»	»	۱۰۵ر۱۴۵	۲ر۶۴۶ر۲۴۸	مونت‌گومری	» » » » »
الاسکا	»	»	۱ر۶۱۸ر۷۱۴	۵۹ر۲۷۸	جونو	ازایالات « » »
الی نوئس	»	»	۱۴۶ر۷۵۶	۷ر۶۳۰ر۶۵۴	اسپرنگ فیلد	یکی از « » »
اندیانا	»	»	۹۴ر۰۵۳	۳ر۲۳۸ر۵۰۳	اندیاناپولس	» » » » »
اوته	»	»	۲۲۰ر۱۱۵	۵۰۷ر۸۴۷	سالت‌لیك‌ستی	» » » » »
ادری گون	»	»	۲۵۰ر۴۴۰	۹۵۲ر۷۸۶	سیلم	» » » » »
اوکلاهوما	»	»	۱۸۱ر۴۴۰	۲ر۳۹۶ر۰۴۰	اوکلاهوما	» » » » »
اوهایو	»	»	۱۰۶ر۲۸۹	۶ر۶۴۶ر۶۹۷	کولمبس	» » » » »
پنسل وانیا	»	»	۱۱۶ر۸۷۲	۹ر۶۳۱ر۳۵۰	هیرس برگ	» » » » »
پورتوریکو	»	»	۸ر۸۹۶	۱ر۵۴۳ر۹۱۳	سان یوان	مستملکه« » »
تك ساس	»	»	۶۸۸ر۶۴۳	۵ر۸۲۴ر۷۱۵	آستن	یکی از « » »
تنی سی	»	»	۱۳۴ر۶۶۹	۲ر۶۱۶ر۵۵۶	نیش ول	» » » » »
جزایر بیرنگ	»	»	۳۷ر۸۴۰	۱ر۱۱۶	اونالاچکا	مستملکه« » »
جورجیا	»	»	۱۵۳ر۴۹۰	۲ر۹۰۸ر۵۰۶	اتلانتا	یکی از « » »
دیلاویر	»	»	۶ر۱۳۸	۲۳۸ر۳۸۰	دوور	» » » » »
رود آیلند	»	»	۳ر۲۳۲	۶۷۸ر۴۹۷	پراویدنس	» » » » »
ساموآ	اوقیانوسیه	»	۱۹۷	۱۰ر۲۵۴	پاگوپاگو	مستملکه« » »
ساؤت داکوتا (داکوتای شمالی)	امریکه	»	۲۰۱ر۰۱۵	۶۹۲ر۸۴۹	بسمارك	یکی از « » »
ساؤت‌کارولینا (کارولینای جنوبی)	»	»	۸۰ر۲۵۸	۱ر۷۳۸ر۷۶۵	کولمبیا	» » » » »
فلوریدا	»	»	۱۵۱ر۹۳۹	۱ر۴۶۸ر۲۱۱	تاملاهاسی	» » » » »
فیلپاین (جزایر)	آسیا	»	۲۹۶ر۲۸۵	۱۲ر۲۰۴ر۱۰۰	مانیلا	مستملکه« » »
کالیفورنیا	امریکه	»	۴۰۹ر۹۷۳	۵ر۶۷۷ر۲۵۱	سکرامنتو	یکی از « » »
کانال پاناما	»	»	۱ر۴۲۲	۳۰ر۷۴۵	بالبوا	مستملکه« » »
کانساس	»	»	۲۱۲ر۷۸۰	۱ر۸۸۰ر۹۹۹	توپیکا	یکی از « » »
کانیك‌تیکت	»	»	۱۲ر۸۵۹	۱ر۶۰۶ر۹۰۳	هارت فورد	» » » » »
کنتکی	»	»	۱۰۸ر۸۳۳	۲ر۶۱۴ر۵۸۹	فرانکفورت	» » » » »
کولمبیا	»	»	۱۸۱	۴۸۶ر۸۶۹	واشنگتن	مستقیماً تحت ادارهٔ رئیس جمهور امریکه میباشد .

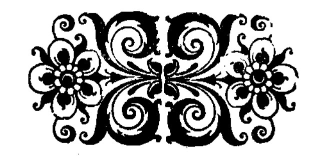
مملکت	قطعهٔ بر	طرز حکومت	مساحه مربع کیلومتر	نفوس	مرکز	ملاحظات
کولوریدو	»	»	۲۶۹ر۲۱۴	۱ر۰۳۵ر۷۹۱	دن ور	یکی از جماهیر متحدهٔ امریکه
گوآم (جزیره)	اوقیانوسیا	»	۵۳۴	۲۰ر۸۵۵	آگانا	مستملکهٔ » » »
لیوزیانا	امریکه	»	۱۲۵ر۶۲۵	۲ر۱۰۱ر۵۹۳	بیتن	یکی از » » »
ماساچوستس	»	»	۲۱ر۴۰۸	۴ر۲۴۹ر۶۱۴	بوستن	» » » » »
مسوری	»	»	۱۷۹ر۷۹۰	۳ر۶۲۹ر۳۶۲	جیفرسن	» » » » »
مشی گن	»	»	۱۵۰ر۱۶۲	۴ر۸۴۲ر۳۲۵	لنسنگ	» » » » »
مونتانا	»	»	۳۸۰ر۷۰۶	۵۳۷ر۶۰۶	هلینا	» » » » »
میری لیند	»	»	۳۱ر۹۲۶	۱ر۶۳۱ر۵۲۶	اناپولس	» » » » »
میسس سپی	»	»	۱۲۱ر۳۷۵	۲ر۰۰۹ر۸۲۱	جیکسن	» » » » »
مین	»	»	۸۵ر۵۷۰	۷۹۷ر۴۲۳	آگستا	» » » » »
مینی سوتا	»	»	۲۱۹ر۳۱۷	۲ر۵۶۳ر۹۵۳	سنت پال	» » » » »
نارت داکوتا (داکوتای شمالی)	»	»	۱۸۳ر۴۶۰	۶۸۰ر۸۴۵	پییر	» » » » »
نارت کارولینیا (کارولینیای شمالی)	»	»	۱۳۵ر۷۸۷	۳ر۱۷۰ر۲۷۶	رلی	» » » » »
نبراسکه	»	»	۲۰۰ر۷۶۹	۱ر۳۷۷ر۹۶۳	لنکن	» » » » »
نیوادا	»	»	۲۸۶ر۶۷۵	۹۱ر۰۵۸	کارسن ستی	» » » » »
نیو جرسی	»	»	۲۱ر۲۹۹	۴ر۰۴۱ر۳۶۴	ترن تن	» » » » »
نیو مکسیکو	»	»	۳۱۷ر۶۰۹	۴۲۳ر۳۱۷	سانتافی	» » » » »
نیو همپ شایر	»	»	۲۴ر۱۹۲	۴۶۵ر۲۹۳	کانکالد	» » » » »
نیویارك	»	»	۱۲۷ر۴۳۳	۱۲ر۵۸۸ر۰۶۶	ایل بنی	» » » » »
واشنگتن	»	»	۱۷۹ر۰۳۲	۱ر۵۶۳ر۳۹۶	اولمپیا	» » » » »
وای منگ	»	»	۲۵۳ر۵۸۷	۲۲۵ر۵۶۵	چی ان	» » » » »
ورجن (جزایر)	»	»	۳۴۴	۲۲ر۰۱۲	سندتامس	مستملکهٔ » »
ورجینیا	»	»	۱۱۰ر۳۹۹	۲ر۴۲۱ر۸۵۱	چاند	یکی از » » »
ورمانت	»	»	۲۴ر۷۷۰	۳۵۹ر۶۱۱	مونت پیلیا	» » » » »
وس کانسن	»	»	۱۴۵ر۲۰۰	۲ر۹۳۹ر۰۰۶	میدیسن	» » » » »
ویست ورجینیا (ورجینیای غربی)	»	»	۶۲ر۵۹۸	۱ر۷۲۹ر۲۰۵	چار لستن	» » » » »
هوائی (جزائر)	»	»	۱۶ر۵۹۳	۳۸۰ر۵۰۷	هونولولو	» » » » »



نفوس شهر های بزرگ عالم

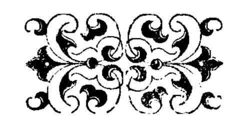
اسم شهر	مملکت	نفوس
لندن	برطانیه	۷٫۷۴۲٫۲۱۲
نیویارك	جماهیر متحدهٔ امریکه	۶٫۹۳۰٫۴۴۶
توکیو	جاپان	۵٫۳۱۱٫۰۰۰
برلین	جرمنی	۴٫۲۸۸٫۳۱۴
پاریس	فرانس	۳٫۷۷۳٫۰۰۰
شیکاگو	امریکه	۳٫۳۷۶٫۴۳۸
ماسکو	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۲٫۷۸۱٫۳۰۰
اوساکا	جاپان	۲٫۴۵۳٫۵۷۳
لینن گراد	اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه	۲٫۲۲۸٫۳۰۰
بونیس آیرس	ارجنتاین	۲٫۲۱۴٫۷۰۰
فیلادلفیا	امریکه	۱٫۹۵۰٫۹۶۱
ویانا	آستریا	۱٫۸۶۸٫۳۲۸
دی ترایت	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱٫۵۶۸٫۶۶۲
شنگهائی	چین	۱٫۵۳۹٫۰۰۰
هانکاو	»	۱٫۵۰۰٫۰۰۰
کلکته	هند	۱٫۴۸۵٫۵۸۲
پیکن	چین	۱٫۲۹۷٫۷۱۹
سدنی	آسترلیا	۱٫۲۶۲٫۴۴۰
لاس انجلس	امریکه	۱٫۲۳۸٫۰۴۸
وارشاو (وارسا)	پولیند	۱٫۱۷۸٫۲۱۱

اسم شهر	مملکت	نفوس
بمبائی (بمبئی)	هند	۱ر۱۶۱ر۳۸۳
رایودی جنیرو	برازیل	۱ر۱۵۷ر۸۷۳
گلاسکو	اسکاتلند	۱ر۰۸۸ر۴۱۷
همبرگ	جرمنی	۱ر۰۷۹ر۰۹۲
هانکانگ	چین	۱ر۰۷۵ر۶۹۰
قاهره	مصر	۱ر۰۶۴ر۵۶۷
ملبورن	آستریلیا	۱ر۰۲۸ر۳۰۰
روما	ایطالیا	۱ر۰۰۸ر۰۸۳
بوداپست	مجارستان (هنگری)	۱ر۰۰۶ر۱۴۰
برمنگهم	برطانیه	۱ر۰۰۲ر۴۱۳
هانچاو	چین	۱ر۰۰۰ر۰۰۰
استانبول	ترکیه	۱ر۰۰۰ر۰۰۰



بندر گاهاي بزرگ بحری عالم

اسم بندرگاه	مملکت	ظرفیت جهازات وارده	
نیویارك	امریکه	۲۶٫۶۴۷٫۰۰۰	تن
لندن	برطانیه	۲۰٫۱۴۳٫۰۰۰	»
همبرگ	جرمنی	۱۸٫۲۵۳٫۰۰۰	»
انت ورپ	بلجیم	۱۶٫۹۱۵٫۰۰۰	»
راتر دام	هالند (نیدرلاندز)	۱۴٫۹۳۸٫۰۰۰	»
مارسیلز	فرانسه	۱۳٫۵۸۳٫۰۰۰	»
لیورپول	برطانیه	۱۳٫۰۳۵٫۰۰۰	»
کوبی	جاپان	۱۱٫۹۸۷٫۰۰۰	»
جینوا	ایطالیا	۹٫۶۷۶٫۰۰۰	»
سوتهمتن	برطانیه	۹٫۲۰۷٫۰۰۰	»
بریمن	جرمنی	۷٫۳۹۹۰۰۰	»



کتابخانه های بزرگ دنیا

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب		تفصیلات
کانگریس (شورای ملی) واشنگتن	امریکا	کتب مطبوعه	٤'٦٣٣'٤٧٨	کتابخانهٔ کانگریس (شورای ملی) امریکا که در واشنگتن واقع است از حیث شکوه و عظمت عمارت بزرگترین کتابخانهٔ عالم است و تنها زمینی که داخل عمارت مذکور است ۷ و نیم جریب بوده و مبلغ ۷۰ ملیون افغانی در آبادی این بنا بمصرف رسیده است.
		نقشه	١'١٠٠'٤٢٨	
		تصاویر	٥٢٤ ' ٣٢١	
		کتب چینی	١٥٣'٤٨٩	
		« جاپانی	١٤ ' ٣٥٣	
		مجموعهٔ کل	٧'٧٠٧'٢٩٦	
ملی پاریس	فرانس	کتب مطبوعه	٤'٠٠٠'٠٠٠	
		کتب چینی	٢٠'٠٠٠	
		کتب قلمی	١٢٥'٠٠٠	
		مسکوکات و نشانها	٢٠٥'٠٠٠	
		تصاویر	٣'٠٠٠'٠٠٠	
		مجموعهٔ کل	٧٫٣٥٠'٩٠٠	
لینن گراد	روسیه	کتب	٤'٨٣٢'٩٤٨	
		رسائل	٣٣١'١٠٠	
		مجموعه	٥'١٦٤'٠٤٨	
یونیورستی نیویارك	امریکا	کتب	٤'٨٦١'٠٥٧	
یونیورستی ماساچوستس	«	کتب	٤'٨٣٢'٦٨١	

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب		تفصیلات
کتابخانهٔ لینن	روسیه	کتب	٣،٩٠٠،٠٠٠	
کتابخانهٔ عمومی	امریکا	کتب	٣،٦٠٨،٤٢٩	کتابخانهٔ عمومی نیویارك که تنها مصارف عمارت آن بمبلغ ٩٠ ملیون افغانی رسیده است ، علاوه بر کتابخانهٔ مرکزی ٦٠ کتابخانهٔ دیگر به‌نقاط مختلفه نیویارك داشته و ازانجمله یك کتابخانهٔ آن وقف نابینایان میباشد که آنها به لمس دست کتب را مطالعه مینمایند.
برتش موزیم لندن	انگلستان	کتب مطبوعه	٣،٢٠٠،٠٠٠	
		« قلمی	٥٣،٦٥٠	
		اسناد خطی	٨٥،٠٠٠	
		مواهیر	١٨،٠٠٠	
		پاپیروس	٢،٨٥٠	
		کتب مطبوعهٔ شرقی	١٢٠،٠٠٠	
		« قلمی شرقی	١٦،٤٠٠	
		مجموعهٔ کل	٣،٤٩٥،٩٠٠	
کتابخانهٔ دولتی پروشیا برلن	جرمنی	کتب مطبوعه	٢،٢٨٧،٨٢١	
		« قلمی	٥٩،١٤٧	
		مراسلات خطی	٤١٦،٤١٥	

اسم کتابخانه	مملکت		تعداد کتب	تفصیلات
		نقشه جات	۳۷۱٬۸۲۱	
		تصاویر	۲۱۰٬۰۰۰	
		مجموعه	۳٬۳۴۵٬۲۰۴	
یونیورستی الیناویس	جماهیرمتحدهٔ امریکا	کتب	۳٫۳۰۰٫۰۵۰	
یونیورستی پنسل وانیا	«	کتب	۲٫۸۱۸٫۲۴۸	
« اوهایو	«	«	۲٫۷۲۰٫۳۴۹	
« کانیکتیکت	«	«	۲٫۳۲۱٫۴۷۴	
« کالیفورنیا	«	«	۲٫۳۰۴٫۰۴۵	
کتابخانهٔ ملی ویانا	آستریا	« مطبوعه	۱٫۲۵۰٫۰۰۰	
		رسائل	۱۰۰٫۰۰۰	
		کتب قلمی	۳۵٫۰۰۰	
		کتب مطبوعهٔ قدیم	۹٫۰۰۰	
		مراسلات خطی	۶۰٫۰۰۰	
		نقشه	۱۱۰٫۰۰۰	
		تصاویر	۲۰۰٫۰۰۰	
		پاپیروس	۹۶٫۰۰۰	
		مجموعه	۱٫۷۰۶٫۰۰۰	
کتابخانهٔ دولتی بویریا میونخ	جرمنی	کتب مطبوعه	۱٫۶۷۰٫۰۰۰	
		کتب خطی	۵۰٫۰۰۰	
		مجموعه	۱٫۷۲۰٫۰۰۰	
یونیورستی کیمبرج	انگلستان	کتب مطبوعه	۱٫۲۵۰٫۰۰۰	
		کتب قلمی	۱۰٫۰۰۰	

اسم کتابخانه	مملکت		تعداد کتب	تفصیلات
		نقشه	۱۷۵٫۰۰۰	
		مجموعه	۱٫۴۳۵٫۰۰۰	
یونیورستی ستراسبورگ	جرمنی	کتب مطبوعه	۱٫۳۰۰٫۰۰۰	
		سائر اشیا	۱۰۰٫۰۰۰	
		مجموعه	۱٫۴۰۰٫۰۰۰	
کتابخانهٔ ملی میدرید	هسپانیا	کتب مطبوعه	۱٫۲۱۰٫۵۲۰	
		« « قدیم	۲٫۴۱۲	
		« قلمی	۳۰٫۱۷۲	
		اسناد خطی	۲۰٫۴۷۰	
		تصاویر قلمی	۳۰٫۰۰۰	
		تصاویر مطبوعه	۱۰۱٫۲۰۰	
		مجموعه	۱٫۳۹۴٫۷۷۴	
یونیورستی میسوری	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٫۳۴۴٫۷۹۵	
یونیورستی آکسفورد	انگلستان	کتب مطبوعه	۱٫۲۵۰٫۰۰۰	
		کتب قلمی	۴۰٫۰۰۰	
		مجموعه	۱٫۲۹۰٫۰۰۰	
« میشیگن	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٫۲۷۶٫۷۰۹	
« امستردام	هالیند	کتب مطبوعه	۸۰۰٫۰۰۰	
		رسائل	۴۰۰٫۰۰۰	
		کتب ومکاتیب قلمی	۶۰٫۰۰۰	
		مطبوعات قدیم	۲۰۰	
		مجموعه	۱٫۲۶۰٫۲۰۰	
« تکساس	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱٫۲۲۰٫۷۸۶	

اسم کتابخانه	مملکت		تعداد کتب	تفصیلات
کتابخانهٔ حربی پاریس	فرانسه	کتب مطبوعه	۱ر۰۷۰ر۰۰۰	
		« قلمی	۱۱ر۷۰۰	
		تصاویر مطبوعه	۱۲۰ر۰۰۰	
		کتب مطبوعه قدیم	۲ر۰۰۰	
		مجموعه	۱ر۲۰۴ر۲۰۰	
یونیورستی ونکانسن	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱ر۲۰۲ر۱۸۸	
کتابخانه شاهی (بروسلز)	بلجیم	کتب مطبوعه	۸۰۰ر۰۰۰	
		« قلمی	۳۱ر۲۰۰	
		نقشه	۳٤ر٦۰۰	
		تصاویر مطبوعه	۲٦۷ر۷۰۰	
		مسکوکات ونشانها	٥٤ر۰۰۰	
		مجموعه	۱ر۱۸۷ر٥۰۰	
یونیورستی مینسوته	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱ر۱۷۰ر۰٤۸	
کتابخانهٔ مملکتی ستوت گرت	جرمنی	کتب مطبوعه	۷۷۷ر۳۲۲	
		رسائل	۲۷۳ر٦٤۳	
		کتب قلمی	۲ر۸٦۲	
		« مطبوعه قدیم	٤ر٦٦۹	
		مجموعه	۱ر۰٦٥ر۸۲٦	
یونیورستی آیووا	جماهیر متحدهٔ امریکا	کتب	۱ر۰٥۸ر۲٥۷	
« ویانا	استریا	«	۱ر۰٥۰ر۰۰۰	
« میونخ	جرمنی	« مطبوعه	۹۰۰ر۰۰۰	

اسم کتابخانه	مملکت	تعداد کتب		تفصیلات
		کتب خطی	۳٫۵۰۰	
		تصاویر قلمی	٤٫۵۰۰	
		مجموعه	۹۰۷٫۵۰۰	
کتابخانهٔ شاهی کوپن هاگن	دنمارك	کتب مطبوعه	۸۵۰٫۰۰۰	
		« قلمی	۳۰٫۰۰۰	
		« مطبوعه قدیم	٤٫۰۰۰	
		مجموعه	۸۸٤٫۰۰۰	
کتابخانهٔ ملی اسکاتلیند	اسکاتلیند	کتب مطبوعه	۸۱۵٫۰۰۰	
		« قلمی	۳٫۲۰۰	
		مجموعه	۸۱۸٫۲۰۰	



احصائیهٔ قوهٔ برق آبشار های دنیا

مملکت	قوهٔ آبشار ها	
	بکار انداخته شده (قوهٔ اسپ)	بکار انداخته نشده (قوهٔ اسپ)
آسیا:		
افغانستان	۲ر۰۰۰	۵۰۰ر۰۰۰
ایران	۰	۲۰۰ر۰۰۰
ترکیه	۵۰۰	۵۰۰ر۰۰۰
جاپان	۳ر۵۰۰ر۰۰۰	۶ر۰۰۰ر۰۰۰
چین	۱ر۶۵۰	۲۰ر۰۰۰ر۰۰۰
عرب	۲۵ر۰۰۰	۴ر۰۰۰ر۰۰۰
سیام	۱۶ر۰۰۰	غیر معلوم
کوریا (چوسن)	۹۰ر۰۰۰	۵۰۰ر۰۰۰
ممالك آسیائی اتحاد جماهیر شورائیه اشتراکیه	۹۱ر۰۰۰	۸ر۰۰۰ر۰۰۰
هند	۳۰۰ر۰۰۰	۲۷ر۰۰۰ر۰۰۰
هند چین فرانسوی	۰	۴ر۰۰۰ر۰۰۰
مجموع	۴ر۰۲۶ر۱۵۰	۷۰ر۷۰۰ر۰۰۰
افریقا:		
ابی سینیا (حبشه)	۰	۴ر۰۰۰ر۰۰۰
اتحاد افریقهٔ جنوبی	۷ر۰۰۰	۱ر۶۰۰ر۰۰۰
افریقهٔ جنوب غربی برطانوی	۰	۱۵۰ر۰۰۰
افریقهٔ شرقی »	۳ر۲۰۰	۴ر۷۰۰ر۰۰۰
افریقهٔ شرقی پرتگیز	۰	۳ر۷۰۰ر۰۰۰
افریقهٔ وسطی برطانوی	۰	۱ر۲۰۰ر۰۰۰
الجزایر	۱۳۰	۲۰۰ر۰۰۰
انگولا	۴ر۰۰۰	۴ر۰۰۰ر۰۰۰
ای ریطریا	۰	ناقابل اعتنا
بی چوانالند	۰	۲۰ر۰۰۰
تانگانیاکا	۸۰۰	۲ر۷۰۰ر۰۰۰

مملکت	قوهٔ آبشارها بکار انداخته شده (قوهٔ اسپ)	بکار انداخته نشده (قوهٔ اسپ)
تونس	٠	٣٠ر٠٠٠
دهوی وآوری کوست (ساحل عاج)	٠	١ر٤٥٠ر٠٠٠
رایودو اورو	٠	ناقابل اعتنا
رودیشیا	٢ر٥٠٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠
سودان فرانسوی	٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
سومال ایطالوی	٠	ناقابل اعتنا
سومال برطانوی	٠	» »
سیریالیون	٠	١ر٧٠٠ر٠٠٠
سینگال	٠	٢٥٠ر٠٠٠
طرابلس	٠	ناقابل اعتنا
طنجه	٠	٥٠ر٠٠٠
کانگوی بلژیکی	١٥ر٢٥٠	٩٠ر٠٠٠ر٠٠٠
کانگوی فرانسوی	٠	٣٥ر٠٠٠ر٠٠٠
کیمرون	٠	١٣ر٠٠٠ر٠٠٠
گمبیا	٠	ناقابل اعتنا
گنی پرتگال	٠	» »
گنی فرانسوی	٠	٢ر٠٠٠ر٠٠٠
گولد کوست (ساحل طلا)	٠	١ر٤٥٠ر٠٠٠
لایبیریا	٠	٤ر٠٠٠ر٠٠٠
مداغاسکر (جزیره)	١٠٠	٥ر٠٠٠ر٠٠٠
مراکش	٠	٢٥٠ر٠٠٠
مصر	٠	٦٠٠ر٠٠٠
نایجیریای برطانوی	٠	٩ر٠٠٠ر٠٠٠
مجموع	٣٢ر٩٨٠	١٨٩ر٥٥٠ر٠٠٠

امریکهٔ جنوبی :

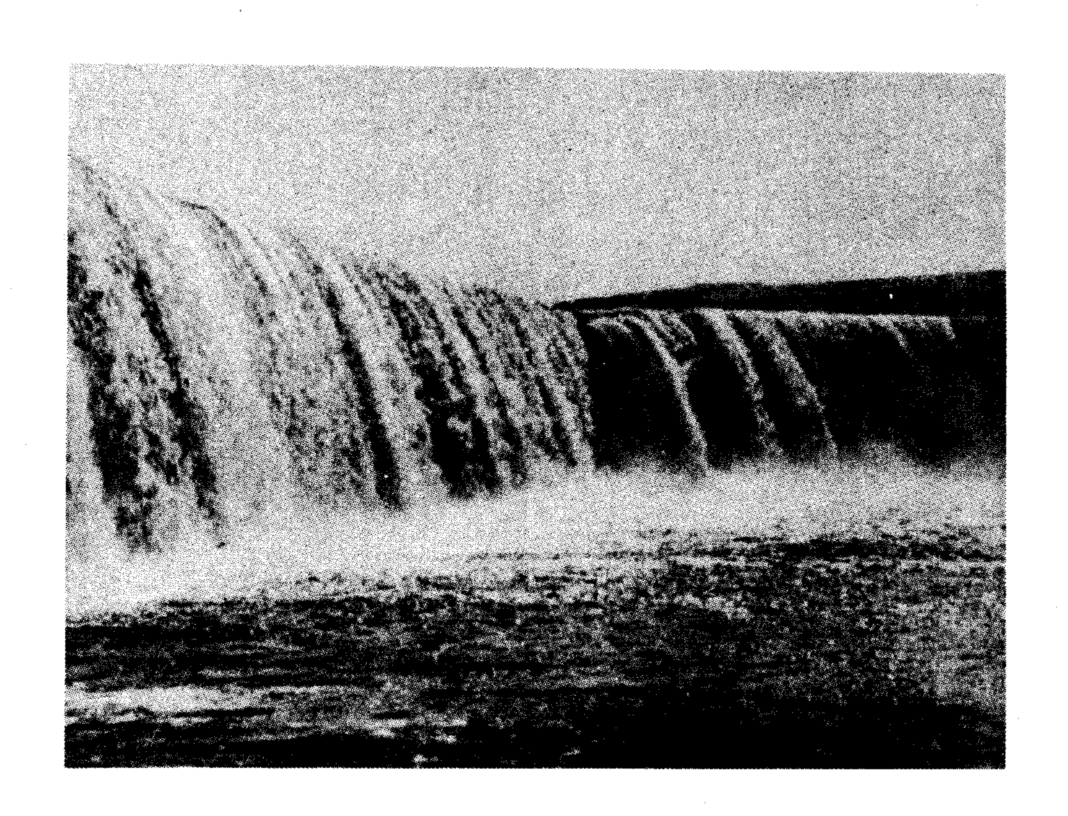
ارجنتاین	٣٥ر٠٠٠	٥ر٠٠٠ر٠٠٠
ایکوادور	٦ر٤٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
برازیل	٦٤٠ر٠٠٠	١٥ر١٠٠ر٠٠٠
بولیویا	١٣ر٥٠٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠
پاراگوی	٢٠٠	٢ر٠٠٠ر٠٠٠
پیرو	٥٥ر٠٠٠	٤ر٥٠٠ر٠٠٠
چلی	١١٤ر٠٠٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠

مملکت	قوهٔ آبشارها	
	بکارانداخته شده (قوهٔ اسپ)	بکارانداخته نشده (قوهٔ اسپ)
کولمبیا	٢٣٥ر٠٠٠	٤ر٠٠٠ر٠٠٠
گیانای برطانوی	٠	٢ر٥٠٠ر٠٠٠
گیانای فرانسوی	٠	٥٠٠ر٠٠٠
گیانای هالندی	٠	٨٠٠ر٠٠٠
ونزویلا	١٣ر٠٠٠	٣ر٠٠٠ر٠٠٠
یوروگوی	٠	٣٠٠ر٠٠٠
	مجموع ٩٠٢ر١٠٠	٤٣ر٧٠٠ر٠٠٠
امریکهٔ شمالی:		
الاسکا	٣٦ر١٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
پاناما	٢٠ر٥٠٠	٥٠٠ر٠٠٠
جزائر غرب الهند	٣٢ر٥٠٠	١٥٠ر٠٠٠
سالوادور	١٥ر١٠٠	٢٠٠ر٠٠٠
کانادا	٦ر١٢٥ر٠٠٠	١٨ر٠٠٠ر٠٠٠
کوستاریکا	٣١ر٤٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
گواتی مالا	٢٣ر٠٠٠	١ر٥٠٠ر٠٠٠
مکسیکو	٤٩٤ر٠٠٠	٦ر٠٠٠ر٠٠٠
ممالك متحدهٔ امریکه	١٤ر٨٨٥ر٠٠٠	٣٨ر٠٠٠ر٠٠٠
نکارا گوا	٤٠٠	٨٠٠ر٠٠٠
نیوفاوند لیند	١٦٠ر٠٠٠	٤٠٠ر٠٠٠
هاندوراس	٢ر٤٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
	مجموع ٢١ر٨٢٥ر٤٠٠	٦٨ر٥٥٠ر٠٠٠
اوقیانوسیه:		
آسترآلیا	٢ر٠٠٠	٦٠٠ر٠٠٠
بورنیو ونیوگینی	٠	٧ر٥٠٠ر٠٠٠
تسمانیه	٧٥ر٠٠٠	٧٠٠ر٠٠٠
جاوا	٦٠ر٠٠٠	٨٠٠ر٠٠٠
جزایر سیلی بیز	٥٠٠	١ر٠٠٠ر٠٠٠
جزایر هوائی	٣٢ر٢٠٠	١٠٠ر٠٠٠
سماترا	٢٠ر٠٠٠	٢٠٠٠ر٠٠٠

ملکت	قوهٔ آبشارها: بکارانداخته شده (قوه اسپ)	قوهٔ آبشارها: بکارانداخته نشده (قوه اسپ)
فیلپاین	۲۱٬۵۰۰	۱٬۵۰۰٬۰۰۰
نوزیلند	۱۵۷٬۰۰۰	۲٬۵۰۰٬۰۰۰
مجموع	۳۶۸٬۲۰۰	۱۶٬۷۰۰٬۰۰۰
اروپا :		
آستریا	۷۰۰٬۰۰۰	۱٬۶۶۰٬۰۰۰
آیسلاند	۴٬۰۰۰	۵۰۰٬۰۰۰
اتحاد جماهیر اشتراکیهٔشورائیهحصهٔاروپائی	۳۵۵٬۰۰۰	۸٬۴۲۵٬۰۰۰
استونیا	۱۸٬۸۰۰	۱۲۵٬۰۰۰
البانیا	۱٬۰۰۰	۵۰۰٬۰۰۰
ایطالیا	۴٬۸۴۰٬۰۰۰	۳٬۸۰۰٬۰۰۰
برطانیا	۴۰۰٬۰۰۰	۸۵۰٬۰۰۰
بلجیم	۷٬۰۰۰	ناقابل اعتنا
بلغاریا	۵۰٬۰۰۰	۱٬۲۰۰٬۰۰۰
پرتگال	۴۸٬۰۰۰	۳۰۰٬۰۰۰
پولیند	۹۰٬۰۰۰	۱٬۴۰۰٬۰۰۰
ترکیهٔ اروپائی		ناقابل اعتنا
جرمنی	۲٬۰۰۰٬۰۰۰	۲٬۰۰۰٬۰۰۰
چیکوسلاواکیا	۱۵۵٬۰۰۰	۱٬۰۰۰٬۰۰۰
دنمارك	۱۱٬۰۰۰	۲۰٬۰۰۰
رومانیا	۱۰۹٬۰۰۰	۱٬۶۰۰٬۰۰۰
سوتزرلیند	۲٬۳۰۰٬۰۰۰	۲٬۵۰۰٬۰۰۰
سویدن	۱٬۶۷۵٬۰۰۰	۵٬۰۰۰٬۰۰۰
فرانس	۲٬۳۰۰٬۰۰۰	۵٬۴۰۰٬۰۰۰
فنلاند	۲۵۰٬۰۰۰	۱٬۸۰۰٬۰۰۰
لاتویا ولتونیا	۵٬۰۰۰	۱۰۰٬۰۰۰
مجارستان	۳٬۰۰۰	۱۷۵٬۰۰۰
ناروی	۱٬۹۰۰٬۰۰۰	۹٬۵۰۰٬۰۰۰
نیدرلاندز	۷۲۵	۱۷٬۰۰۰
هسپانیا	۱٬۰۰۰٬۰۰۰	۴۳٬۰۰۰٬۰۰۰
یوگوسلاویا	۲۱۲٬۰۰۰	۳٬۰۰۰٬۰۰۰
یونان	۸٬۰۰۰	۲۵۰٬۰۰۰
مجموع	۱۸٬۴۴۲٬۵۲۵	۵۵٬۱۲۲٬۰۰۰

خلص احصائیه

قطعهٔ بر	قوهٔ آبشارها: بکار انداخته شده (قوهٔ اسپ)	قوهٔ آبشارها: بکار انداخته‌نشده (قوهٔ اسپ)
آسیا	۴ر۰۲۶ر۱۵۰	۷۰ر۷۰۰ر۰۰۰
افریقا	۳۲ر۹۸۰	۱۸۹ر۵۵۰ر۰۰۰
امریکای جنوبی	۹۰۲ر۱۰۰	۴۳ر۷۰۰ر۰۰۰
« شمالی	۲۱ر۸۲۵ر۴۰۰	۶۸ر۵۵۰ر۰۰۰
اوروپا	۱۸ر۴۴۲ر۵۲۵	۵۵ر۱۲۲ر۰۰۰
اوقیانوسیا	۳۶۸ر۲۰۰	۱۶ر۷۰۰ر۰۰۰
مجموع کل	۴۵ر۵۹۷ر۳۵۵	۴۴۴ر۳۲۲ر۰۰۰



یکی از آبشار های بزرگ مملکت استونیا که کارخانهٔ برق شهر ریول را بکار می اندازد .



تاریخچهٔ مختصر آسیا

برعلاوهٔ دیگر مضامین درین سالنامه خواستیم مختصری از تاریخچهٔ ممالك جهان بحث کنیم ولی برای اینکه قسمت زیادی را در اوراق سالنامه اشغال نکند تنها قسمت ممالك آسیائی اجمالاً درج گردید. امید واریم در سالنامه های مابعد مرتباً تاریخچهٔ مختصر دیگر قطعات عالم را در برابر انظار قارئین محترم سالنامهٔ کابل بگذاریم.

آسیای وسطی

درمقالهٔ اول تاریخی زیرعنوان « نژاد افغانیان » گفته شد که آسیای وسطی ترکستان حالیه، میدان جیحون وسیحون وبلخ الی وادی طارم مهد آریه های قدیم بود و هشت هزار سال قبل از میلاد جمله آریه ها دران یکجا بود وباش داشتند ـ در حدود ۲۵۰۰ ق، م آریه های هندی و ایرانی از گهوارهٔ خود یعنی باختر جدا شده بهندوستان و ایران رفته سلطنت های جداگانه را بنا کردند ـ علاوةً آریه ها اسپ را اهلی ساخته در نواح هند وکوه در عرابه های جنگی استعمال نمودند واسپ سواری را درعراق وغرب رواج دادند دین زردشتی نیز ازهمین سرزمین بروز نموده است.

آریه هائی که به ایران رفتند بدواً سلطنت مادها وبعد هخامنشی ها را تأسیس نمودند ـ درعهد هخامنشی ها ترکستان زمین الی سیحون تحت سلطنت آنها بود ـ (۵۳۹ ـ ۳۲۳ ق، م).

درسنه **۳۲۷** ق، م سکندر مقدونی در افغانستان داخل شده بخارا ونواح آنرا اشغال نمود اما درکستان شرقی چادرنشینان آریائی آزاد بودند ـ بعد ازمرگ سکندر حصهٔ شرقی سلطنت اورا سیلوکس نکاتور گرفت و درعهد سیلوکسی ها بلخ تحت قیادت دیودوتس آزاد گشته ودیودوتس بخارا ونواح آنرا نیز اشغال نمود.

هونها (هیونگنو) : (۱۷۷ ـ ۱۶۵ ق، م) ـ غرب وشرق منگولیا را اشغال نموده یوئیچی ها را از انجا راندند ـ یك حصه یوئیچی ها بطرف جنوب وحصه دیگر آن ساکاها را درکستان شرقی شکست داده بطرف تیان شیان راندند ـ پس درآغاز قرن میلادی مغل ها با آریه ها امتزاج واختلاط شروع نمودند ـ درین زمان چندین

شهرهای مستقل در ترکستان بوده از انجمله ختن مهمترین آنها بشمار میرفت. بعداز آن یك قسمت آریه‌ها درواخان و نواح آن آمده آباد شدند ـ درا ثنای سال ۱۲۰ و ۱۰۱ ق ، م چینی ها سلطه خود را تا کاشغر توسیع دادند ـ دین بودائی ها در قرن دوم قبل‌المیلاد در دیار ترکستان رسید ـ

درین اوقات یوئیچی های علاقه بلخ ومزار افغانستان تدریجاً اقتدار وغلبه حاصل نموده وبالاخره تحت سلطنت کانشکای کبیر درقرن دوم میلادی شاه چین را شگست داده کاشغر ختن ویارکند وغیره را گرفتند بخارا نیز در تحت سلطنت او بوده .

درتهذیب وتمدن این دیارتاثیر زیادی از چینی ها باقی بود ـ تمدن باختری یونانی نیز نفوذ داشت ازآغازقرن سوم الی هفتم میلادی بودائیت اوج وکمال را نایل شده ازانجمله تنها درختن ۱۰۰ خانقاه و ۵۰۰۰ راهب زیست مینمودند ، وادبیات هندی رواج داشت ـ

هیفتالیت ها (ایفتالیت‌هایاهونهای سفید) : از شمال دیوار چین حرکت نموده در ۴۲۰ میلادی درساحهٔ جیحون و سیحون رسیده تا به ۱۳۰ سال سوهان جان ایران بودند ، حتی ترکها درصحنه ترکستان نمودار شده در ۵۵۷ میلادی بامداد نوشیروان قوه ایفتالیت ها را محوکردند ایفتالیت ها دراهالی نواحی منحل شدند ـ بدوران غلبه مرکز آنها بامیان و بلخ بود .

. درقرن هفتم میلادی شاه تبت سرونگ ـ تبستان بامداد ترکان غربی برقسمت غربی و وادی استیلا یافت ترکان از ۵۴۶ الی ۷۰۵ میلادی در تمام ترکستان غلبه داشته اولاً متحد بوده و باز در دوحصه تقسیم شدند ـ از ۵۵۰ الی ۶۵۰ آزاد ومستقل بودند و خلاف ایران همراه دولت روما اتحاد نموده بودند ـ چینی‌ها آهسته آهسته فیمابین آنها منازعات انداخته زنگاریا ، تاشقند ، فرغانه ، بخارا ، خلم وغیره را اشغال نمودند .

سلطنت عربها : بعد ازان اسلام ظهور نموده و در عهد خلافت ولید اول (بنی امیه) قتیبه بن مسلم (در ۷۰۵ ـ ۷۱۴ میلادی) فتوحات حیرت انگیز را نموده ، بیکند بخارا ، سمرقند ، خوارزم ، فرغانه ، تاشقند الی کاشغر را تصرف نمود کاشغر درآن آوان سرحد سلطنت بزرگ چین بود اسلام درین ادوار متدرجاً در ترکستان نفوذ و تاثیر بزرگی نمود ـ خصوصاً درعهد عمر بن عبدالعزیز عدهٔ زیاد از اهالی خراسان و ترکستان داخل اسلام شدند .

ستوك بغرا خان یك حکمران کاشغر و ختن در اواخر قرن دهم بدین اسلام مشرف گشت مرو و نواح آن و خراسان مرکز اشخاص اهل تشیع بوده که بالاخره بطرفداری بنی هاشم خلافت بنی امیه را براندا ختند اما در حقیقت این تحریکی بود برعلیه عرب ها که اقتدار و سلطهٔ آنها را بر اندازند — درین زمان نصر ابن سیار از طرف مروان دوم حاکم مرو بود بعد از تاسیس خلافت بنی عباسه اشخاصی بر خواستند که طرفداری بنی فاطمه را شعار خود گرفتند ـ درعهد مهدی عباسی درسنه ۷۷۱ هجری بغاوت ابن مقنع نقابدار در ترکستان صورت مخوف وخطرناکی را گرفته بود حتی ابن مقنع در قلعهٔ سنام محصور شده خود را بزهر قاتل هلاك ساخت .

طاهریها : بدوران خلافت بنی‌عباسیه خاندان طاهر در مرو سلطنت طاهری را تاسیس کردند تا که یعقوب لیث صفاری آنرا درسنه ۸۷۳ میلادی بر انداخت بعد نصر اول از اولاد سامان سلالهٔ سامانی را تاسیس نموده بخارا را پای تخت خود قرارداد ـ این خاندان سامانی بخارا ، در ۹۹۹ میلادی خاتمه یافت وغزنویها در ترکستان و خراسان تسلط واقتدار پیدا کردند ـ

در دورهٔ سلطنت سامانی در سرحد شمالی آن قبیله اوئی غوریك سلطنت ترکی را بنا نهاده و از کاشغر تا بحیرهٔ ارال تسلط یافت ـ اولین شاه آنها بوقوخان بود که شهر بلاساغون را نزدیك کاشغر تعمیر نمود ـ و

بغرا خان که به دین اسلام مشرف شده بود از همین سلاله میباشد ـ ایلك‌خان کاشغری بخارا را تصرف نموده میخواست بلخ را نیز متصرف گردد مگر سلطان محمود غزنوی آن را شکست فاحش داد ـ ایلك‌خان در ترکستان و محمود غزنوی در افغانستان و هند در نشر و تبلیغ اسلام سعی بلیغ نمودند .

سلطنت کاشغر در حدود ۱۰۵۰ بسلاله دیگر اوئی غور منتقل شد که موسس آن یعنی ابراهیم را الپ ارسلان سلجوقی در جنگ بکشت .

قره خانیها : این خانواده های اوئی‌غور را با نام قره خانی یاقره خطائی موسوم میکنیم در حدود ۱۱۲۳ میلادی قره خطائی ها خروج نموده کاشغر، یارقند، ختن و ترکستان را فتح کردند ـ نام موسس قره خطائی هائی لی، لیو، ناشی بود و نام خود را گورگان نهاد ودر همین سنوات سلطان سنجر سلجوقی درمرو پایتخت خود را قرار داده واز خوارزم الی آکسس سلطنت میکرد وقره خطائی ها به ایمای حاکم خوارزم بطرف مملکت سلطان سنجر حمله آوردند و سلطان (۱۰۰،۰۰۰) عسکر را گرفته وآکسس را عبور کرده در وادی دیرغم با آنها نبردآزما شده هزیمت خورد ـ

بعد از وفات سلطان سنجر سلجوقی درسنهٔ ۱۱۵۷ میلادی سلطنت سلاجقه در ترکستان محو گردیده و خراسان به خوارزم شاه ایل ارسلان تعلق گرفت ـ قره خطائی ها درسنه ۱۱۷۱ میلادی به حدود خوارزم حمله آورده بالای خوارزمی ها فتح حاصل کرده از سلطان خوارزم باج سالیانه ستانیده وایس بوطن خود عودت نمودند ـ علاؤالدین محمد پسر تکیش بر تخت نشسته باج دادن را موقوف نموده به زمین قره خطائی ها حمله آورد مگر شکست فاحش خورد اما در سال دوم دو باره حمله برده تا فاراب را فتح کرده عودت نمود. در اثنای که محاربات مابین خوارزم شاهی ها و گورگان ها جاری بود از شرق یك بلای عظیم به صورت چنگیزخان بوجود آمد .

باید ملاحظه نمود که درین دورهٔ اسلام بخارا، سمرقند و شهرهای دیگر ترکستان مراکز بزرگ علوم دینی ومدنی اسلام بود ـ

سلاله چنگیز خان : درین مختصر نمیتوان تاریخ چنگیزخان را مفصلاً بیان نمود اما درین مورد همین قدر گفته میتوانیم که چنگیزخان از قوم مغل باشندهٔ شمال صحرای گوبی در سنه ۱۱۶۲ میلادی پیدا شده و پس از رسیدن بسن رشد بهمراه شهنشاه چین تسین نام اتحاد نموده قبیلهٔ باغی بوئیرنورها را به شجاعت و شهامت شکست داد، چندی بعد خان قیریت ها یعنی طغرل را شکست داد وآن قبیله را مطیع خود ساخت، در ۱۲۰۶ میلادی مجلس امرای قوم را منعقد نموده لقب چنگیز خان یعنی « پادشاه بسیار قوی » را اختیار نمود نام حقیقی او تموچین بود.

تائی یانگ خان پادشاه قبیلهٔ مسیحی نیمان‌ها خلاف چنگیز خان لشکر کشی کرده و شکست خورده بقتل رسید وپسرش گچلوك فرار نمود و بدربار گورخان قره خطائی درسنه ۱۲۰۸ میلادی رسیده مورد نوازش شاه مذکور شد، چنانچه گورخان دختر خودرا باو داد ـ مگر گچلوك لشکر قوم خود را فراهم آورده بامداد محمد شاه خوارزم وعثمان شهزادهٔ سمرقند خلاف خسر خود تعرض نموده بلاساغون را اشغال نموده قره خطائی را مقهور ساخت چون خودش عیسائی نسطوری بود مسلمانهای آن دیار را بیدریغ کشت، چندی بعد با ثر تبلیغ زوجهٔ خود دختر گورخان بودائیت را اختیار نمود ـ بعد از سقوط قره خطائی ها سلطنت محمد شاه تامرکز ترکستان وسعت یافت وسمرقند پای تخت او قرار داده شد، وگچلوك خان بر کاشغر، ختن و یارکند حکمران بود .

در اثنای این سنوات چنگیز خان در فتح چین مشغول بوده اما فتح مکمل آن بدست اولادهٔ او بوقوع پیوست ـ بهرحال چنگیز خان (۲۰۰۰۰) عسکر به محاربهٔ گچلوك خان سوق داد، گچلوك خان تعرض فوج مذکور را شنیده فرار نمود لیکن فوج چنگیز اورا دستگیر نموده بکشت، وعلاقهٔ ترکستان شرق

تحت تسلط چنگزخان درآمد پس ازان اولاً دربین چنگیز خان وسلطان محمد شاه خوارزم تعلقات دوستانه بوده مگر آخرالذکر بعضی تاجران رعیتی چنگیزخان را کشته باعث تحریك چنگیزخان و تخریب ترکستان، خراسان ایران، وغیره گردید چه همینکه سلطان محمد خوارزم شاه مرتکب قتل تجار مزکور می شود چنگیز خان بغرض انتقام فوراً لشکر کشی نموده بخارا، سمرقند، تاشکند وشهر خوارزم را اشغال نموده خوارزم را از صفحه دنیا محو نمود، وسلطان محمد شاه هم نزدیك استرآباد بمرد وپسر شجیع ودلاور او یعنی جلال الدین فوج خوارزم شاهی را جمع نموده درابتدا بعضی فتوحات خوبی برخلاف چنگیزخان نموده امابالاخره از باعث بی اتفاق امرای خود مغلوب ودرسنه ۱۲۳۱ میلادی ازدست یگنفرکرد بقتل رسید.

چنگیزخان من حیث فتوحات ووسعت سلطنت بزرگترین فاتح وشهنشاه دنیا بشمار می آید اما قتل عام وانسان کشی های او یك لکه بد نمای است که بردامن فتوحات مغولهای چنگیزی باقی ماند چنگیز درسن ٦٤ سالگی مرد وسلطنت او ازبحیره زرد الی پولیند امتداد داشت

بعد از وفاتش سلطنت وسعهٔ او فیمابین پسرانش تقسیم شده وجیحون بایك قسمت کاشغر، بدخشان، بلخ وغزنین تحت تسلط پسردوم اوچغتائی درآمد ـ وخاندان چغتائی تا ۱٤٦ سال (یعنی تا ۱۳۷۰ میلادی) طول کشید حتی تیمور این دودمان چغتائی را برانداخت پای تخت چغتائی آلمالیغ نزدیك کلجه امروزی درروادی ایلی بوده ـ این شاه برعیت خودرحمدل ومنصف بود ـ بدوران سلطنت این دودمان علمای دین اسلام نفوذ واقتدار فوق العاده را پیدا کرده در دینیات خدمات قابل قدر نمودند ـ درسنه ۱۳۲۱ خانی چغتائی بدوحصه تقسیم شده یکی خانهای ماوراء النهر و دیگر ازجته یعنی از مغلستان که درحدود آن زنگاریا وقسمت بزرگ ترکستان شرقی وغربی داخل بود.

آخرین خان چغتائی کازان خان نهایت ظالم وبی رحم بوده چنانچه رؤسای آن دیار تحت قیادت امیر قزغان آنرا شکست داده کشتند ودرعوض بایان قلی را پادشاه خود قبول کردند بعد از قتل قزغان درقندز پسرش عبدالله صدراعظم پادشاه چغتائی گشته پایه تخت را به سمرقند نقل داد چون عبدالله مذکور بایان قلی را قتل نموده بود لهذا بایان سلدوز وحاجی برلاس انتقاماً بر او خروج نموده عبدالله را شکست دادند.

دراثنای این هرج ومرج تغلق تیمور خان رئیس جته بامداد دیگر رؤسا از کاشغر برآمده به سمرقند حمله آورد، حاجی برلاس گریخت ومملکت دردست تیمور خان افتاد.

دودمان تیموری: تیمور لنگ که دربن وقت ۲۷ ساله بوده ملازم حاجی برلاس بود، نزد تغلق تیمور خان آمده در اثر صداقت و مذاکرهٔ مؤثر خود سمرقند را پس گرفت و رؤسای کاشغر فیمابین خود مجادله نموده پس به کاشغر رفتند.

درسال آینده سه ۱۳٦۱ میلادی (۷٦۲ هجری قمری) خان جته مغل باز به سمرقند حمله آورده پسر خود الیاس خواجه اوغلان را حکمران سمرقند مقرر نمود تیمورلنگ اولاً مشیر او بوده بالاخره ازسمرقند گریخت وبعد از زحمات ومشقت های زیاد لشکر مکفی را فراهم آورده سمرقند را از آلیاس خواجه اوغلان تصرف نمود دراواخر سنه ۱۳۷۰ میلادی برکل علاقه های چغتائی های مغربی تصرف نموده وبنیاد خاندان تیموری را نهاد.

تیمور بعداز چنگیز خان دومین فاتح بزرگ دنیا میباشد، ایران وقفقاز وروس جنوبی، دمشق، افغانستان وهندوستان را فتح کرد سلطان بایزید اول راشکست داده اسیر نمود، پایه تخت او سمرقند بود وقتیکه بغرض فتح چین لشکرکشی نمود در راه وفات کرد.

بعد از وفاتش پیر محمد نواسهٔ او در سمرقند پادشاه شد ، اما خلیل سلطان پسر تیمور از قندهار لشکر کشی کرده سمرقند را بگرفت و پیر محمد را ولیعهد خود مقرر نمود شاه رخ پسر دیگر تیمور حکمران هرات دعوی وراثت نمود اما قوت مقابله را ندیده به هرات، سیستان ، خراسان ومازندران وغیره قناعت کرد .

سلطان خلیل اگر چه خصایل پسندیده داشت مگر خیلی مطیع زوجه خود شاد ملك بود ، بنابران امرای او خلاف او بغاوت نموده زیر قیادت خدایداد او را اسیر وسمرقند را اشغال کردند شاه رخ ازین واقع خبر شده فوراً لشکر کشی نموده سمرقند را اشغال نموده پسر خود الغ بیگ را به سمرقند حکمران مقرر نمود الغ بیگ یك پادشاه فاضل وعالم ، هیئت دان و ریاضی دان بود ، بعد از وفات پدر خود شهنشاه سمرقند گردید — دوره سلطنت سی هشت سالهٔ او را میتوانیم دوره طلائی ترکستان بگوئیم ، در سمرقند علما و فضلا وماهرین سائینس بدور الغ بیگ جمع شده بودند .

عبداللطیف پسرش که او را از دست علاءالدین درهرات از مرگ نجات داده بود الغ بیگ را کشته به سمرقند پادشاه شد ، اما دیری نگذشت که ابوسعید بن میرانشاه پسر سوم تیمور تخت سمرقند را گرفته کل مدعیان تاج و تخت را مغلوب نموده صاحب ماوراءالنهر، ایران شمالی و افغانستان گردید . مگر در سنه ۱٤٦۷ درمعاملات آذربائیجان مداخلت بیجا نموده شکست فاحش خورده از دست شهزاده یادگار میرزا بقتل رسید .

بعد از آن مابین اخلاف تیموری خانه جنگی‌ها واقع شده بالاخره محمدخان شیبانی از نسل جوجی پسر اول چنگیز خان سمرقند را اشغال نمود وشهنشاه بابر بعد از محاربات زیاد در ترکستان، ازراه افغانستان گذشته در هندوستان امپراطوری بزرگ مغلیه را تاسیس نمود ، پس سلاله تیموری بعد از سلطنت و خانه جنگی ها تا ۱٤۰ سال سلطنت‌کرده از ترکستان زمین محوشدند میتوانیم بگوئیم‌که عهدشاهان تیموری‌بامنورترین و بهترین ادوار مسلمانان اندلس همسری میکند، ادبیات اسلام بدرجهٔ کمال رسید، تصانیف اکثراً در عربی و بعضی درفارسی بوجود آمد ، اما میر علی شیر نوائی وزیر شهرهرات به ادبیات چغتائی ازهمه بیشتر خدمت نمود .

شیبانی ها : بعد از مرگ چنگیز خان دشت قپچاق که عبارت است از نواح غدیر ارال ، وشمال‌بحیرهٔ‌خزرو هردو کنار دریای‌والگا به تقسیم جوجی بزرگترین پسرچنگیزخان رسید، شیبان پسر پنجمین جوجی بوده نام از بك‌ها را در قرن پنجم معروف‌ساخت، اما مؤسس حقیقی اقتدار از بکها ابوالخیر از نسل شیبان در ۱٤۱۳ میلادی پیدا شده بود، ابوالخیر خوارزم و یك قسمت ترکستان را فتح نمود بعد از مرگ او پسرش محمد شیبانی ملقب به‌شاهی‌بیگ سمرقند وماوراءالنهر را اشغال نموده تاسیس دودمان شیبانی را نهاد .

خان شیبانی در سنه ۱۵۰۰ میلادی مطابق ۹۰٦ هجری ماوراءالنهر را فتح کرد اما ظهیرالدین بابر پادشاه نمودار شده سمرقند ، سغد ، میان قول ، قرشی وغیره را اشغال نمودوتنها بخارا را بدست از بك ها ماند لیکن درسال دوم شیبانی خان باز حمله آورده بابر راهزیمت داده و بابر بطرف کابل گریخت وشیبانی خان فتوحات خودرا توسیع داده رفت حتی درسنه ۱۵۱۰ شاه اسمعیل صفوی کل ایران را فتح نموده به خراسان تعرض نموده شیبانی خان را نزدیك مرو شکست داده بکشت وتمام ماورالنهر از اقتدار از بکها بر آمد . بابر ازقتل شیبانی خان وقوف یافته از کابل حرکت کرده به ماوراءالنهر داخل شده فوج از بکها را که زیر قیادت همزه سلطان بودند شکست فاحش داد . سنه ۱۵۱۱ درهمین اثنا فوج ایرانی هائیکه شاه اسمعیل فرستاده بود به کمك بابر رسیده وبابر به سمرقند داخل شده کل ماوراءالنهر را اشغال کرد ، لیکن باوجود معاونت فوج ایرانی بابر باز شکست خورد وبطرف کابل رخ نمود . وسلاله شیبانی تا ۹۹ سال درماوراءالنهر سلطنت کردند .



منار جامع امیر در بخارا

اخلاف جوجی خان بعد از مرگ تیمور در والگای سفلی سلطنت خود را قائم کردند .

دودمان استراخان : در اواخر قرن شانزدهم میلادی یار محمدخان ازشهزادگان روس شکست‌خورده به ماوراء النهر پناه آورد، شاه عبدالله که بزرگ ترین شاهان شیبانی میباشد خواهر خود را به‌پسرش جانی خان ازدواج نمود . بعد از کشته شدن عبدالمؤمن آخرین پادشاه شیبانی امرای ترکستان تاج وتخت را به جانی خان تقدیم نمودند اما او چون بسیار پیر بود به پسر خود دین محمد تفویض نمود ودین محمد درجنگ با ایرانیها کشته شد و باقی خان برادرش زمام سلطنت دردست گرفت ، درین عهد شاه عباس صفوی حمله آورده مگر در نواح بلخ شکست فاحش خورده به مشکل جان خود را بسلامت برده توانست . چندی بعد امام قلی خان زمام سلطنت بدست گرفته به عدل و انصاف ودیانت حکومت کرده وآسیای وسطی باردوم متنور ومتمول وبا امن شد بعد ازخلع اختیاری ورفتن اوبطرف مدینهٔ منوره مابین خاندان استراخان خانه جنگی‌ها واقع شده و خانهای خیوا هم درین محاربات شرکت ورزیدند .

درعهد سلطنت سبحان قلی‌خان سفرای اورنگ زیب شهنشای هندوستان واحمد دوم سلطان ترکی بدربار او رسیده روابط دوستانه را قایم کردند (۱٦۷۰) میلادی مطابق ۱۱۱۲ هجری .

دورهٔ نادر شاه : در سنه ۱۷۳٦ میلادی نادرشاه افشارخروج نموده پسرخودرضاقلی‌خان‌رابغرض‌فتح بلخ واندخوی‌وغیره‌فرستاد لیکن رحیم بی قوماندان‌عسکری‌بخارا وایلبرس‌حکمران شیردل خیوابا‌هم متحد شده رضا قلی خان را شکست فاحش دادند .مگر نادرشاه‌بعد از فتح وتاراج وقتل عام دهلی فیمابین امرای بخارا تخم نفاق و شقاق کاشته بخارا وبعد خیوا را اشغال نمود .

منگت ها : محمد رحیم بی وزیر بخارا از کشته شدن نادرشاه درسنه ۱۷٤۷ میلادی وقوف یافته وابوالفیض شاه آخری سلاله استراخانی را کشته بخارا را غصب نموده قبیله منگت ازبکها را برسر اقتدار آورد - بعد از وفاتش معصوم‌عمزادمحمد رحیم بخارا را اشغال نمودوچندی‌بعدبا بهرام‌علی خان‌مؤسس‌خاندان‌قاچاری‌آویخته اورا درمروکشته‌مرو‌راتصرف نموده‌برکل‌خراسان اقتدار حاصل کرد ، این پادشاه بسیار ظالم وبیرحم بود - پسرش حیدر طغری باکاکا های خود جنگ وجدال نموده درسنه ۱۸۲٦ بمرد .

بعد از وفات حیدر بچه سومین او امیر نصرالله بعد از خانه جنگی مختصر در بخارا داخل شد - درعهد او شهر سبز فتح شد وخان قوقند بواسطهٔ عهدنامهٔ کهنه بادام خوجند را تفویض و امیر بخارا را سلطان خود تسلیم نمود . لیکن چندی بعدخان قوقند با برادر خود اتفاق نموده علاقه را پس گرفت و امیر بخارا باردگر بطرف قوقند لشکر کشی نموده وبه هوس توسیع سلطنت پرداخت .

درین آوان عسکر روسی تحت قیادت جرنیل پیروفسکی در نواح ترکستان رسیده بودند می بایست که امیربخارا کل اهالی ترکستان‌را جمع ومستعد نموده خلاف دشمن مشترک حرکت کند مگر نامبرده باخیوا آویخت دولت برطانیه پیشرفت روسی‌هارا دیده بدربار امیرنصرالله سفیرها فرستاد لیکن امیرنصرالله آنهارا بقتل رسانید وسفیر روسی بی نیل مرام از دربار بخارا برگشت .

بعد از مرگ او سید مظفرالدین برتخت نشست ، سید مظفرالدین وقتیکه درسنه ۱۸٦۵ درفتح قوقند مصروف بود ، جرنیل روسی چیرنیف نام تاشقند را اشغال کرد ومظفرالدین خلاف او اعلان جهاد نموده بالاخره از دولت مسلح تر ومنظم تر روسی مغلوب گردید .

بعد ازین روزمره نفوذ دولت مشارالیها درتورکستانات پیشرفت کرده وشهرهاباستثنای حکومات نیم‌مستقل خیوا وبخارا وبعضی خان نشین ها یکی بعد دیگری بدست دولت روسیه تزاری مفتوح گردید تااینکه درسال ۱۹۱۷ انقلاب کبیر روسیه شروع شده بخارا وخیوا نیز فاقد استقلال داخلی خود گردیده در سال ۱۹۲۳ تشکیلات علاقه جات مذکور بنام تورکمنستان ، تاجکستان ، از بکستان ، مجدداً ترتیب یافته وعموماً از طرف کمیتهٔ جماهیر شورویه ماسکو اداره می شود .

ایران

ایران مملکت مستقلی است که مساحهٔ آن ۱٫۶۴۳٫۰۰۸ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۰٫۰۰۰٫۰۰۰ نفر میباشد

درزمانه های بسیار قدیم، آریهٔ ها از حوالی پامیر یانواحی شمال افغانستان منتشر شدند بعضی از آنها درهٔ رودسند را مسکن خود قرارادادند و برخی دیگر در منطقهٔ آریائی خود افغانستان وایران موجوده اقامت گزیدند. وهمین اقوام اخیر الذکر را ایرانی هامی نامند. مهم ترین قبائل ایرانی (مدها) و (فارس ها) و(باختریانها) میباشند در سنه ۵۵۹ قبل ازمیلاد امپراطوری مدیا بواسطهٔ کوروش منقلب و اقتدار بدست فارسها افتاد. کوروش بعد ازحصول اتحاد کلد انیها و مصریها حاکمیت اضطراب آور شاه لیدیا را در (۵۵٤) قبل از میلاد مضمحل و اسیای صغیر را فتح کرد. بعد بطرف کلدانیها متوجه شده، بابل را در (۵۳۸ قبل از میلاد) متصرف شد و به این قسم حاکم مطلق تمام آسیای غربی گردید. و در زمان داریوش اول (۵۲۱ - ٤۸۵ قبل ازمیلاد) امپراطوری ایران به اوج کمال خود رسید زیرا از یکطرف ادارهٔ حکومت نظم ونسقی پیدا کرد واز طرف دیگر سرحدات آن وسعت زیادی یافته علاوه برمصر (که در زمان کانیز ضمیمه آن گردید) پنجاب، حوضهٔ سند و یك قسمت ستیپا را شامل بود. اما حرص بی اندازهٔ شاهان ایران بمقابل جسارت یونانیها که رهنمای آن ژنی معروف حربی اسکندر مقدونی بود امپراطوری ایران را در زمان داریوش منقلب ساخت. پس ازمرگ اسکندر (۳۲۳) سال ایران بزیراقتدارودمان سیلوکسی افتادو بعد از آن بدست پارت هارفت (۲٤٦) قبل ازمیلاد.

در سنه ۲۲٦ عهد مسیح (ع) (ارتاکزکزس) پسرساسان بمقابل پارتها قیام نموده در ایران سلسلهٔ ساسانی را که تاسنه ٦۳۵ موقع استیلای عرب دوام داشت. تاسیس کرد، حاکمیت این سلسله اخیر الذکر که تا (۱۲۲۰) پایدار بود بر اثر مخالفت هائی که درعربستان بوجود آمد رسمی گردید، به این قسم حکام آزادی یافته شهزاده گان ترك وایرانی و سرداران خراسانی دولت های علیحده تشکیل دادند به قسمیکه برقابت خلفاء سلسله های متعدد از قبیل طاهریه و صفاریه وال بویه و سامانیان بلخ وبالاخره غزنویه غزنهٔ کابل که یك مدت طولانی برتمام ایران حکومت نمودند، روی کارآمد. سلسله های مزبور بواسطهٔ سلاجقه منقرض شدوبعد در(۱۱٤۹) خوارزمی ها جانشین سلاجقه گردیدند. درقرن (۱۳) دولت ایران بمقابل عساکر چنگیزخان مقاومت نتوانسته به تصرف مغل ها درآمد ومغلها تا (۱٤۰۵) درآنجا برسر اقتدار باقی بودند. دوسال بعد ترکمانها خاندان گوسفندسیاه (قره قیو نلو) (۱٤۰۷) و (۱٤٦۸) را که بعد ها بواسطهٔ خاندان ترکمنی دیگری موسوم به گوسفند سفید (آق قیونلو) (۱٤٦۸ - ۱٤۹۷) منقرض شد تشکیل دادند ودرعهد سلسلهٔ موخر الذکر بود که جنگ های مذهبی بین ایرانیها و ترکمنی ها بوقوع پیوست.

اغتشاشات داخلی درزمان حکومت خاندان صفویه از اهل سادات اردبیل (۱٤۹۹ - ۱۷۳۲) دوام یافته بالاخره یك نفر شخصیت مبرز ودلیر موسوم به نادرشاه افشار سلطنت صفوی هارا خاتمه داده لشکرکشی های زیادی بهند، افغانستان نموده دولت مقتدری بپا کرد ولی پس ازو، در(۱۷۷۹) خاندان قاجار ترك برسر اقتدار آمده درقرن (۱۹) اراضی وسیعی را به روسیه سپرد وآخرین شاه قاجار (احمدشاه) پس از انقلابات طولانی در سال (۱۹۲۵) بطورقطعی خلع شده بتاریخ ۱٤ دسمبر (۱۹۲۵) اعلیحضرت (رضاشاه پهلوی) سپه سالارسابق ورئیس الوزرا از اولاد خود ایرانی به سلطنت انتخاب شد، قانون اساسی بااصول مشروطیت سلطنتی که بتاریخ ۳۰ دسمبر (۱۹۳۰) وضع وآخرین دفعه در ۱۲ دسمبر ۱۹۲۵ تعدیل یافته است.

خاندان شاهی: رضاشاه پهلوی بتاریخ ۱٦ مارس ۱۸۷۸ بمقام رشت تولد و به ۱۷ دسمبر ۱۹۲۵ به شاهی انتخاب شده است:



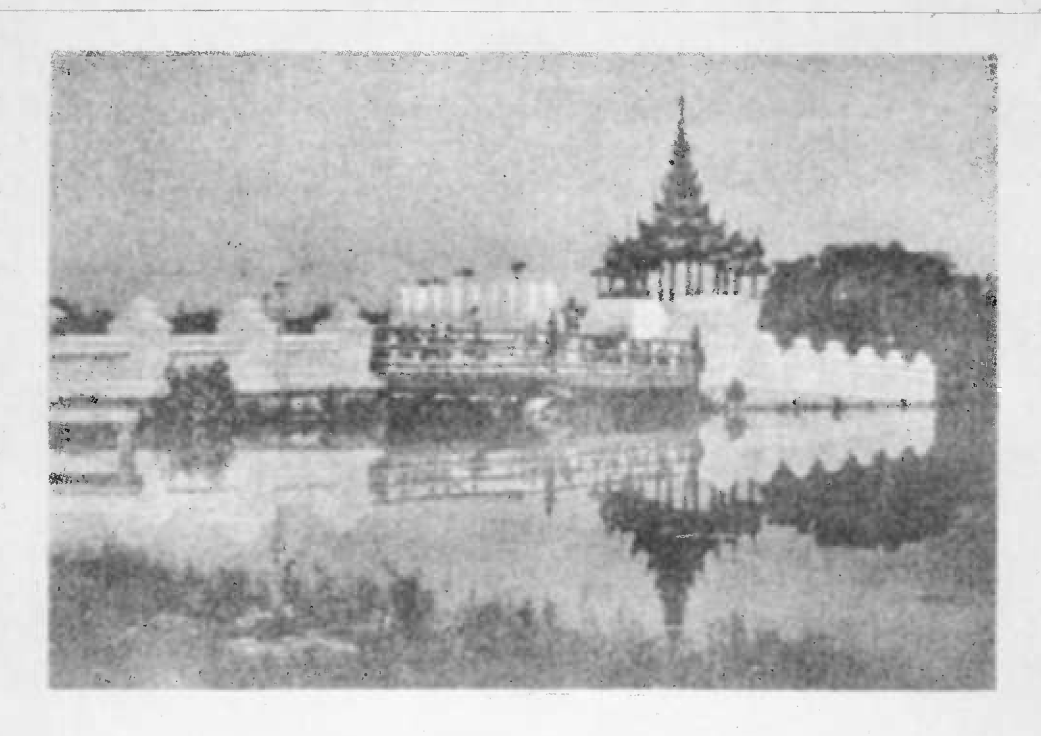
طهران : قصر بهارستان (شورای ملی)

اولاد :

	اسم	لقب	تاریخ تولد	موضع تولد
۱	محمد رضاء پهلوی	شاهپور ولیعهد	۲۶ اکتوبر ۱۹۱۹	طهران
۲	علی رضاء «	شاهپور	اول مارس ۱۹۲۲	«
۳	غلام رضاء پهلوی	«	۱۳ اپریل ۱۹۲۳	طهران
٤	عبدالرضاء «	«	۱۹ اگست ۱۹۲٤	«
۵	احمد رضاء «	«	۱۷ ستمبر ۱۹۲۵	«
٦	محمد رضاء «	«	۳ اکتوبر ۱۹۲٦	«
۷	حمید رضاء «	«	٤ جولائی ۱۹۳۲	«
۸	شمس الملوك شاه دخت		۱۸ اکتوبر ۱۹۱۷	«
۹	اشرف الملوك «		۱٦ اکتوبر ۱۹۱۹	«
۱۰	فاطمه خانم «		۳۰ اکتوبر ۱۹۲۸	«

برما

برما جزو امپراطوری برطانیه است ، مساحهٔ آن عبارت از ۲۷۷ره۶۰۵ مربع کیلومتر و نفوس ۶۱۸ر۶٦۵ر۱٤ نفر میباشد. گمان میرود که بومیان قدیمی برما نژاد سیاه پوست بوده که بقایای آنها در جزایر اندمان که در زمانهٔ قدیم یکی از قطعات برما بوده تا حال میباشند . باشنده گان امروزی برما اخلاف قبایل فعلی هستند که وقتاً



يك منظره از شهر ماندلی (برما)

فوقتاً ازچین غربی و تبت مهاجرت کرده بکنارهای ایرادوی وشالوین حرکت کرده به اراکان توطن گزیده اند ، تهائی ها یا شانها در ایالت های شان وسیام رسیده در برما استیلا نمودند .

دین براهمنی به برما اثر کرده و جانشین دین قدیم گردید بعدها دین بودائی شیوع و نفوذ پیدا کرده دین برهمنی را برانداخت مذهب برمائیها تا حال همان بودائیت میباشد .

قبل از غلبهٔ پادشاه (اناورهتا) ذکر جمله روسای قدیم افسانه بشمار میآید اما تاریخ از اناؤرهتا ذکر میکند ومشارالیه در سنه ۱۰۵٤ میلادی دودمان پاکان را تاسیس نمود ، نامبرده وده نفر جانشین او اولین حکمرانان حقیقی تمام مملکت برما میباشند از جملهٔ آنها بعضی شاهان در دین خود بسیار محکم و راسخ بودند (انندا) بهترین معابد بودائی را شاه کیان زتا تعمیر نموده بود - چون شاه آخرین این خاندان سفرای قوبلی خان را کشته بود لهذا عسکر قوبلی خان انتقاماً حمله آورده این دودمان را برانداخت در سنه ۱۲۸۷ سلالهٔ شان برسر اقتدار آمده لیکن درین دورهٔ ۲۵۰ ساله طوایف الملوك در برما حکمفرما بوده روسای خورد خورد برای حصول برتری باهم قتل وقتال داشتند بالآخره در سنه ۱۵۳۱ خاندان تونگو استیلا نموده سلطنت برمائی را مجدداً منظم ساختند تابین شویهتی (۱۵۳۱ - ۱۵۸۱) بامداد جرنیل مشهور خود هروم مرتبان اراکان و پیگو را اشغال نموده پای تخت قدیم سیام یعنی ایودهیا را نیز فتح کرد لیکن فتوحات او ولیسرش وسایل برما را خراب نمود بالاخره سیامی ها به برما حمله آوردند و اراکانی ها هجوم آورده پیگو را در دادند در اثنای این خرابی ها نواسهٔ شاه مذکور اناوك تیلون غلبه نموده سلطنت را دوباره زنده ساخته پیگو را پایه تخت خود مقرر نمود اخلاف اناؤك تیلون آوا را مرکز حکومت قرار دادند لیکن سلطنت آنها بسیار ضعیف بوده وشاهان چین از ینگ ومانچو برمای علیا حملات آوردند و این خاندان در سنه ۱۷٤۰ خاتمه یافت شویهوی النگپایه عسکر شاهی تونگو را هزیمت داده در عرصهٔ هشت سال کل مملکت برما را تحت تسلط و حکمرانی خود آورده سلطنت او از سنه ۱۷۵۲ الی ۱۷۶۰ میلادی دوام نمود .

پرتگالی ها اولین قوم اروپائی است که به خاك برما فرود آمده تجارتخانهٔ را بپا کرده و بازنان برمائی ازدواج **نمودند** ارمنی ها و اولاد پرتگالی ها در فوج برمائی ملازمت میکردند انگلیس‌ها و دچها نیز در برما تجارتخانه های **جزوی** قایم کردند مگر انگلیس ها در سنه ۱۷۰۹ در سیریام یك فابریکه را بنا نمود و تلنگ ها آنرا **در سنه ۱۷۴۳** درداده برزمین هموار کردند و انگلیس ها در نیگرلین فابریکهٔ دیگری را تعمیر نمودند حتی **درسنه ۱۷۵۹** شاه النگپایه حمله آورده کل نفری قلعه را بقتل رسانید و فتیکه دو پلی (حاکم فرانسوی درهندجنوبی) دو جهاز برای محافظت سیریام روانه نمود النگپایه جمله منصبداران فرانسوی را بکشت.

پسر دوم النگپایه (۱۷۶۳ - ۱۷۷۶) به منی پور حمله برده هزار ها نفر را به اسارت برد و به سیام حمله برده پای تخت ایودهیا را اشتغال نمود فوراً بعد از این واقعه چینی ها به برما هجوم آوردندو برمائی ها بعد از چهار سال چینی هارا اخراج نمودند.

بوداو پایه (۱۷۸۲ - ۱۸۱۹) پسر النگپایه تخت را گرفته اما راپوره را پای تخت خود قرارداد **و اراکان** را در سلطنت خود ملحق نموده (۲۰۰۰۰) اراکانی را به اسارت به آوا پای تخت خود برد سلطنت بوداپایه از جمله سلطنت برمائی سابقه‌وسیع تربوده بعد از مرگ او پسرش پاك پیداؤ (۱۵۱۹ - ۱۸۳۷) برتخت نشست چون بالای اراکانی‌ها ظلم و وحشت زیاد از طرف حکومت اجراء میشد آنها به تعداد زیاد به جیتاکانگ (آسام) پناه آوردند و حکومت برما به آسام و منی پور باردگر حمله آورد و سنه ۱۸۲۴ فوج برمی سرحد مشرق هند را عبور کرده حکومت انگلیسی مندون شاه برما را شکست داد از روی معاهده یندابو علاقه **آراکان** ، تانیسرم ، آسام و منی پور را بانگلیسها تسلیم و ده ملیون روپیه را باقساط بطور تاوان جنگ ادا نمود و نیز یك سفیر انگلیسی بدربار آوا مقرر شد ، درسنه ۱۸۵۲ جنگ دوم برما بوقوع پیوسته وانگلیسها **علاقهٔ** پیگو را در حدود مملکت خود الحاق کردند و معاهدهٔ دوم منعقد شد ، مندون شاه برما ، بروما ، پاریس ، و لندن هیئت ها روان کرده با اطلی وفرانس معاهدات نمود ، شاه مذکور در سنه ۱۸۷۶ بمرد.

آخرین شاه برما تهیبا بود او بر شرکت انگلیس (۲۳۰،۰۰۰) روپیه بالزام اینکه آنها باغیان برما را تحریك **وتحریص** می‌نماید عاید نمود باین سبب انگلیس ها خلاف او اعلان جنگ داده وشاه برما را شکست و برما را در **حدود** سلطنت برطانیه در سنه ۱۸۸۵ داخل نمود ، شاه برما بهمراهی عیال و اطفال خود به هندوستان تبعید و پادشاهیت برما محو و نابودگردید.

برما که اصلاً جزء جزیره نمای هند چینی است تاحال یك ایالت هندوستان شمرده میشود اما کنون این تجویز در نظر است که از هند مجزا گشته طرز حکومت آن بصورت یك مستملکهٔ جداگانه برطانوی تبدیل گردد.

برونی

برونی مملکتی است برساحل‌شمالی بورنیوکه با قیماندهٔ سلطنت‌عظیم الشان‌تاریخی برونی میباشد، مساحهٔ کنونی آن ۶،۵۰۰ کیلومتر مربع و نفوس آن ۳۰،۱۶۲ نفر است ، و از سنه ۱۸۸۸ م این مملکت درتحت حمایهٔ برطانیا قرار یافته.

چنانچه در تاریخ بورنیو مذکورگردیده بانی سلطنت اسلامی‌درین سرزمین سلطان (محمد) نام است‌که در اواسط **قرن ۱۵** مشرف بدین حنیف اسلام گردیده بود ، قبل ازان برونی اسماً تحت حمایهٔ جاوا بود ، و سالیانه یك مرتبان عرق سپاری بطورعلامت تحت الحمایگی به جاوا ارسال می شد.

جهازات ماگلان جهان نورد که در سال ۱۵۲۱ م بدهانهٔ دریای برونی انگر انداز گردیده واین شهر را

ملاحظه نموده اند درباب شان و شوکت دربار سلطان بویقه و عظمت عمارات شهر اطلاعات زایدالوصفی درج کرده اند .

سلطان بویقه مرد شجاع و جنگجوئی بود که برتمام سواحل بورنیو ، جاوا و ملاکا هجومات فاتحانه نموده برای وسعت حکمرانی خود سعی و همت ورزیده است . سلطان مشارالیه در بین اهالی مملکت محبوبیت خاصی یافته تا حال اهالی بر قدش احترام نموده و از روح مشارالیه استعانت میجویند .

در قرون ۱٦ ، ۱۷ ، ۱۸ ، ۱۹ م در اثر جنگهای متوالی ئیکه با پرتگالی ها ، هسپانویها ، انگلیسها و بت پرستانیکه در حصهٔ مرکزی سکونت داشتند بوقوع پیوست ، قوای برونی رو به تحلیل رفته و بالاخره در وسط قرن ۱۹ حصص بزرگ این مملکت مجزی و بمملکت، را جای سارا واك و شرکت برطانوی بورنیوی شمالی تعلق گرفت.

در سال ۱۸۸۸ م باقیماندهٔ این مملکت بکلی تحت الحمایهٔ برطانیا قرارداده شد ، در سنه ۱۹۰٦ سلطان محمد جمال العالم اختیارات اداری مملکت را بمامور انگلیسی تسلیم نمود .

مرکز حکومت برونی شهر دارالسلام ، و سلطان کنونی احمد تاج الدین اخوذالخیر والدین است .

بلوچستان

بلوچستان حاضر اًدارای ۱٤۰ر٤٤۵ کیلو متر مساحه و ٤٦۳ر۵۰۸ نفر نفوس است این مملکت از مربوطات خاك های جغرافیائی قدیم افغانستان و بمرور دهور دست خوش استیلاهـا و حوادث مختلفه گردیده اجمالاً راجع بآن قرار آتی می نگاریم :

اولین سند تاریخی درخصوص بلوچستان تاریخ هرودوتس یونانی است بقرار روایت او این اراضی باسم قبیلهٔ میکینها Mykians شهرت داشت ودرقرن ٦ ق م داراشاه فارس بآن مسلط گشت اسم مکدان ایالت ساحلی بلوچستان شاید از اسم همین قبیله ماخوذ باشد آورده اند که سیروس ایرانی در حین سفر خود از بین این ملك نقصانات شدید را متحمل گردیده وعدهٔ کثیر عسکرش تلف شده اما تاورود اسکندر درهند حالات داخلی این مملکت کمتر معلوم بوده اسکندر بوقت مراجعت خود از هند عسکر خود را در سه حصه تقسیم نمود دستهٔ درسر کردگی خودش ازراه بلوچستان ومکدان بطرف ایران حرکت کرد دسته دیگر درتحت فرمان نارکس Nearchus متصل ساحل بطرف بابل درکشتی ها سفر نموده دستهٔ سوم که مشتمل بربعضی مریضها ویك دسته فیل بوده درزیر اثر کری تیرس Craterus از راه کویته و بلوچستان شمالی داخل ایران گردید . بدینگونه هرسه دستهٔ فوق حالات صحیح این مملکت را تحریر نمودند که الحال از قدیم ترین ماخذ تاریخی این مملکت شمرده می‌شود دردورهٔ ساسانیها بلوچستان باالعموم جز ومستملکات ایران بود ودرعهد خلافت حضرت عمر فاروق رض عسکر اسلام به سر کردگی عبدالله ایالت مکدان را فتح نمود اما عربها ازین مقام تاچند سال دیگر پیش نرفتند ، حضرت عثمان رض برای کشف معلومات داخلی هند شخصی را ازهمین راه به هند فرستاد ، درخلافت حضرت معاویه رض تخمیناً درسنه ٦٦٤ مسلمانان تاسرحدات سنده پیش قدمی نمودند .

محمد بن قاسم درسنه ۷۰۷ برای تسخیر سنده از جانب حجاج بن یوسف فرستاده شد محمد بن قاسم اولاً شهر ارمابیل را بدست آورد ازانجا بردیبل حمله برد ازآن وقت تاقرن (۱۰) بلوچستان جزو امپراطوری عرب بوده بعد از صنف داخلی خلفای عباسی بلوچستان نیز مثل سائر ممالك دیگر ازدست شان بیرون برآمد . از سنوات ٤۵۰ تا ٦۰۰ هجری سلاطین غزنوی وغوریان افغانستان دوباره باسترداد بلوچستان قیام کرده و درتحت ادارهٔ شاهان وطنی خود بسر میبرد ، در سالهای ۱۵۹۰ـ الی ـ ۱٦۳۸ بلوچستان ازمتفرقات امپراطوری مغول هند به شمار میرفت بلوچی ها که نسلاً آریه اند

قسمتی درعهد مهاجرت عمومی آریه ها از شمالی افغانستان درین خاك آمده آباد گردیدند وقسمتی هم درقرن ۱۱-۱۲ از ایران بواسطهٔ سلاجقه اخراج گردیده درین ناحیه متوطن شدند، آنها بزودی مکدان غربی را فتح نموده وبلندی های قلات را متصرف شده نتوانستند ویك عدهٔ شان از بلوچستان عبور کرده دروادی سند آباد گردیدند .

براهوی ها Brahuis که از نژاد دریویدن اند درفلات قلات زنده گی میکنند درقرن ۱۷ درسرکردگی کمبار Kambar یکی از سرداران قبیله مذکور مقتدر گشته را جای هندو را برطرف وحکومت اسلامی را درانجا تاسیس کردند بعد از او عبدالله برسر اقتدار آمد و مشارالیه وادی زرخیز کچ گنداوار Kaehgandavar را فتح نمود درهمین وقت بود که نادرشاه افشار بر قندهار تسلط یافت و عبدالله نیز باو بیعت فرستاد کمی بعد عبدالله در جنگ نوابان سند بواسطهٔ ناصرخان مقتول گشت که یکی از شاهان بزرگ بلوچستان بشمار میرود بعد ازقتل نادر شاه افشار احمد شاه ابدالی شهنشاه بزرگ افغانستان دوباره بلوچستان را استرداد نموده بخاك وطن ملحق وناصرخان حاکم سابقه آنجارا به حکومت بلوچستان کمافی السابق برقرار نمود ولی ناصرخان در ۱۷۵۸ شورشی برپا نمود ، بلوچها بعد از زد و خورد مختصر مغلوب گردیده میثاق نامهٔ به پای تخت تقدیم و وعده داد که اعلیحضرت احمد شاه و اولاد شانرا همیشه درمحاربات با عساکر خود کمك نماید وهیچ گاه از مرکز مملکت واحکام شاه افغان سرکشی نداشته باشد ، درسنه ۱۷۹۵ ناصرخان در گذشت در ابتدای قرن ۱۸ سیاح معروف انگلیسی پوتن جر Potinger نام در بلوچستان سیاحت نمود واز آن به بعد انگلیس ها در معاملات داخلی بلوچستان توجه خصوصی معطوف نمودند در جنگ اول افغان و انگلیس دستهٔ قشون انگلیس بر قلات حمله آور گردیده و محراب خان با (۴۰۰ نفر) درآن جنگ کشته شد ناصرخان پسرش را انگلیس بجای او تعین کرده ودرسنه (۱۸۴۱) بلوچستان را تخلیه نمودند درسنه ۱۸۵۴ جنرال جیکب gacab انگلیس موفق بامضای معاهده باخان قلات گردید و بلوچستان درتحت حمایه انگلیس در آمد .

ناصرخان درسنه ۱۸۵۶ فوتید و درعهد امارت خدادادخان جانشینش شورشهای متعددی بظهور پیوست درسنه ۱۸۷۵ انگلیس کپطان سندی من Sandeman را برای اطفای آتش بغاوت فرستاد ازین تاریخ به بعد نفوذ انگلیس درانیجا پیشرفت و ترقی انتهائی نمود و درسنه ۱۸۷۹ کوئته و اضلاع متصل آن بتصرف انگلیس در آمد .

بورنیو

بورنیو یکی از جزائر مجمع الجزائر شرق الهند است که بجنوب شرق آسیا مابین بحیره چین وبحیره جاوا وآبنای مکاسر واقع گردیده ، مساحهٔ آن قریباً ۷۲۵٫۰۰۰ کیلو متر مربع ونفوس آن ۳٫۰۰۰٫۰۰۰ میباشد این جزیرهٔ کوهستانی دارای معادن مهم قیمت دار وجنگلات وسیع است .

اهالی این جزیره از نژاد های چینی وملایائی ونیگریتو (سیاهان پست قد) واختلاط این اقوام با یکدیگر و عرق سفید میباشد ، اهالی ساحل نشین بورنیو اکثراً مسلمان و اهالی که درمرکز زنده گانی دارند بت و روح پرست اند در حصهٔ جنوب شرق بورنیو آثار قدیمه معابد براهمنی موجود است ، ازین آثار چنان مکشوف میگردد که درقرن ۶ مسیحی تمدن هندی درین مملکت نفوذ یافته است ، اما چگونگی آن از نظر تاریخ پوشیده مانده وچیزی بنظر نمی آید .

کتب تواریخ چینائی بیان میکند که درقرن هفتم مسیحی یکی از شاهان قطعات شمال شرق بورنیو تحایف و هدایا بامپراطور (فغفور) چین فرستاد و در قرن ۱۵ مسیحی در یك حصهٔ جزیرهٔ مذکور چینی ها توطن



یکی از مناظر سراواک «بورنیو»

گزیدند از آن زمان تا حال مهاجرت چینی‌ها در بورنیو دوام داشته کنون باندازهٔ ۲۵۰۰۰۰ نفر نژاد چینی در آنجا سکونت اختیار نموده اند .

در تاریخ جاوا مذکور است که شمال جزیرهٔ بورنیو را انگکا وجیا امپراطور ماجاپاهت (جاوا) فتح نموده بود و در کتاب سلسلهٔ شاهان برونی که در کتاب خانهٔ شاهی برونی ظبط است چنین معلوم می شود که در قرن ۱۵ الك برتا تا نام حکمران بورنیوی شمالی که تحت حمایهٔ امپراطوران ماجاپاهت بود بجزیره تمای ملایا بغرض سیاحت رفته مشرف بدین اسلام گردید و از سلطان جوهور اسم محمد ولقب سلطان ونقارهٔ نوابی یافت ، سپس از جوهور به مملکت خود عودت نموده وخود مختارشد ، بعد زان به مدد الشریف سلطان برکت که اصلاً از طائف حجار بود وباخاندان شاه مذکور وصلت نموده بود دیانت اسلام را دران سرزمین تبلیغ نمود و در مابین دوجزیرهٔ کایاو رنگ وچومین سدسنگی بنا نمود که تاحال باقیمانده وسلا سلهٔ همین سلطان محمد است که تاکنون در برونی سلطنت و حکمرانی دارند .

در اواخر قرن پانزده مسلمانان جاوا وجزائر گرد ونواح که بغرب وجنوب بورنیو واقع اند نیز در آن جارفته تاسیس سلطنت نموده اند .

واسطه اطلاع یافتن یورت ازوجود این جزیره این شد که درسنه ۱۵۱۱ البوك رك پرتگالی سه جهاز به مولا کا فرستاد ، راکبین این جهازات اتفاقاً به بندرامبو یانه رسیدند بعدازان باسلاطین بورنوی ، پرتگالی ها باب مراودات تجارتی را کشودند و درسنه ۱۵۷۳ م هسپانویها نیز سعی ورزیدند که مفاد تجارتی دربورنیو حاصل نمایند امانا کام گردیدند درسنه ۱۵۸۰ م هسپانویها به جنگ آغاز نمودند وسلسلهٔ این محاربات از سنه ۱۵۷۳ تا سنه ۱۶۴۵ م دوام یافت اگرچه سلطان برونی نگذاشتند هسپانویها در مملکت شان تسلط بیابد اما بواسطهٔ دوام این جنگ ازقوای شان کاسته گردید .

قبل ازین درسنه ۱۶۰۴ هالیندیها و درسنه ۱۶۰۹ انگلیسها بساحل بورنیو رسیدند وتجارتخانه هائیکه بصورت قلعهٔ جنگی ودارای اسلحه ناریه بود در آنجا بنانهادند درسنه ۱۷۳۳ سلطان بنتم (جاوا) حقوق تجارتی ومقبوضات خود راکه دربورنیو داشت به هالیندیها بخشید ودرهمان زمان سلطان سولو که ادعای سلطنت حصص شمالی جزیره را داشت حقوق خودرا بانگلیسها گذاشت وآنها بربعضی حصص مملکت قابض گردیدند امارؤسأی محلی درسنه ۱۷۷۴ قلعه برطانوی را مسمار نمودند ودرسنه ۱۸۰۹ هالیندیهارا مجبورکردند که تمام قلعه جات خود را تخلیه نمایند بعد ازان اروپائیها را دربحر نیز تعاقب نموده وجهازات تجارتی آنهارا تباه می نمودند .

درسنه ۱۸۱۱چون جاوا موقتاً به برطانیه تعلق گرفته بود سلطان بنجرماسین از برطانیه معاونت‌خواسته وتحت الحمایه‌گی اورا قبول نمود ودرسنه ۱۸۱۶ چون جاوا دوباره قرارمعاهده ، ازطرف انگلیس هابهالندیها واگذارگردید بنجرماسین نیز تعلق بهالیند گرفت و ایشان نصف مملکت را برای خود گرفتند ونصف دیگر برای سلطان باقیماند .

بعد ازان بمرور ایام آهسته آهسته هالیندی ها تمام حصص جنوبی بورنیورا متصرف شدند بالاخره درسنه ۱۸۹۱ حصهٔ تحت اثر برطانوی وحصهٔ تحت اثرهالیندی تعین یافت ودرآن باب معاهدهٔ بین دولتین عقد وامضا گردید .

درحصص شمالی اگرچه اثر برطانوی در اواخر قرن ۱۸ بکلی زائل گردیده بود امادرسنه ۱۸۳۹ شخص انگلیسی جیمس بروك نام بایك جهاز مسلح به سارا واك رفت ومقابل مرکز حکومت (کوچنگ) لنگر انداخته ودرحالیکه اهالی برعلیه سلطان طغیان نموده بودند ازجهاز بالای شان گلوله باری آغاز نمود

این مسئله به نفع سلطان تمام و اهالی به سلطان اطاعت ورزیده از طغیان ایستادند، چون سلطان برونی بعد ها دریافت که مرد انگلیسی شخص رسمی نیست نسبت به ممنونیت که از او داشت بحاکمی خطهٔ وسیع ساراواك اورا برگماشت.

در سنه ۱۸۴۵ قوهٔ بحری برطانوی قوهٔ بحری اهالی بورنیورا درجنگ خلیج (مرادو) محو نمود و دو سال بعد ازین واقعه لنگرگاه جزیره (لابوان) را از سلطان برونی گرفت درسنه ۱۸۷۲ درساندکان یکی از شرکتهای انگلیسی تجارتخانهٔ باز نمود ودرسنه ۱۸۷۸ سلطان (سولو) تمام ادعائیرا که نسبت به حقوق خود به شمال بورنیو داشت باین شرکت تجارتی انگلیس فروخت و در سنه ۱۸۸۲ شرکت مذکور باجازهٔ حکومت برطانیه باوجود اعتراضات حکومت هالیند وهسپانیا ومخالفتهای شدید اهالی حصهٔ مذکوررا متصرف شدند. این شرکت به همین حصه اکتفا نکرده سال بسال حصص گرد ونواح را نیز بپول یابزور متصرف گردیده بروسعت خود افزود وجنگهای خونینی نیز برای انجام این مقصود دریندمدت جاری بود بالاخره بعد از وفات محمد صالح قائد ملی درسنه ۱۹۰۰ قوهٔ اهالی مضمحل گردیده وبعد از چند سال بکلی سقوط اختیارکرد.

از طرف دیگر درسنه ۱۸۸۸ سر چارلس جانس از طرف سلطان برونی بعد ازوفات عمویش جانشین ورا جای ساراواك گردیده بود وحکومت خود را تحت الحمایهٔ برطانیه اعلان کرد ودر همان سال برطانیه سلطنت برونی را درتحت حمایهٔ خویش درآورد.

بورنیوی شمالی (برطانوی)

بورنیوی شمالی مملکتی است مستعمرهٔ برطانوی که در شمال جزیرهٔ بورنیو واقع وتحت ادارهٔ شرکت برطانوی است، مساحهٔ آن عبارت از ۸۰٫۵۶۱ کیلو متر مربع و نفوس آن ۲۷۰٫۲۲۳ نفر است که جملهٔ مسلمان میباشند عایدات سالیانهٔ این مملکت به ۴۰۰٫۰۰۰ پوند بالغ میگردد.

تاریخ این مملکت با تاریخ مملکت بورنیو توأم ودرآنجا ذکر شده است مرکز آن سنداکان است.

بورنیوی (هالندی)

بورنیوی هالندی مملکتی است درجنوب وغرب بورنیو که مساحهٔ آن عبارت از ۵۵۰٫۰۰۰ کیلومترمربع و نفوس آن ۲٫۱۹۴٫۵۳۳ نفر است مرکز آن بنجرماسین است، راجع بتاریخ این مملکت بتاریخ بورنیو رجوع شود.

بهوتان

بهوتان مملکت مستقلی است که مابین تبت وهند و صفحات شمالی همالیه واقع میباشد.

مساحهٔ آن مساوی ۴۶٫۰۰۰ کیلومتر مربع بوده و اهالی آن عبارت از ۲۵۰٫۰۰۰ نفوس است که تبتی الاصل و به (بهوتیا) موسوم اند.

تاریخ قدیم این مملکت درپرده های تاریك از نظرها پنهان مانده. دراواخرقرن نهم افواج تبتی به مملکت بهوتان هجوم آورده شاهان محلی هندی و اهالی هندی الاصل را از آنجا خارج و مملکت را متصرف گردیدند.

تشکیل سابقهٔ بهوتان چنین بود: مملکت بهوتان علاوه بر جایداد روحانیون به ۹ ولایت منقسم بوده

و هر ولایت را یك رئیس اداره می نمود حکومت مرکزی مشترکاً از طرف یکنفر شاه روحانی (دهرم راجا) و یکنفر شاه اداری (دیب راجا) بواسطهٔ مجلس وزرای دایمی خاندانی‌که وزارت ارثاً بایشان تعلق میگرفت انتظام و اداره می شد .

بهوتانیان یك حصهٔ آسام را اشغال و در سنه ۱۷۷۲ بکوچ بهار هجوم و راجای آنجا را محبوساً باخود بردند ، اهالی کوچ بهار از انگلیس ها طلب امداد نموده و به معاونت انگلیس ها را جای خود را از چنگال بهوتانیان نجات و رهائی بخشیدند .

بعد از آن در سنه ۱۷۷٤ م به میانجی گری تاشی لامهٔ تبت نزاع انگلیس و بهوتان فیصله و معاهده بعمل آمد در سنه ۱۷۷٤ و سنه ۱۷۸۳ سفرای انگلیس باین مملکت بغرض تشویق تجارت اعزام شد اما هیچ نتیجهٔ حاصل نگردید .

در سنه ۱۸۲٦ انگلستان آسام را متصرف و هم سرحد بهوتان گردیدند ، در سنه ۱۸٤۱ علاقهٔ دوارکه از مستملکهٔ بهوتان بود بحکومت برطانوی آسام ضم‌شده و بعوض آن سالانه یکهزار کلدار قرار شد به حکومت بهوتان تادیه شود .

بواسطهٔ اینکه واقعات سرحدی تکرار می‌شد و اختطاف واقع می گردید از طرف برطانیه سفیری به حکومت بهوتان در سنه ۱۸٦۳جهت تصفیهٔ امور اعزام گردید ، بهوتانیان نمایندهٔ انگلیس را حبس و بزوربالایش راجع باراضی متنازع فیه معاهده را به مفاد خود امضا نمودند چون سفیر مشار الیه خود را نجات بخشیده عودت نمود وایسرای عدم موافقت و قبولیت معاهدهٔ مذکور را رسماً اعلان نمود و در سنه ۱۸٦٥ م به بهوتان تجاوز نمودند در ابتدا اهالی بهوتان قلعهٔ دیوان گری را فتح نمودند اما بالاخره هزیمت یافته تمام علاقهٔ (دوار) را ازدست دادند . و درمقابل راضی شدند یکمقدار پول بعوض آن بگیرند .

درسنه ۱۸۸٥ رئیس ولایت تونگ سا ، بررؤسای ولایت دیگر غالب آمده و چون (دهرم رجا) فوت شد (دیب راجا) بعوضش دهرم راجا گردیده از امور ملکی دست کشید . در سنه ۱۹۰۷ رئیس تونگ سا ، به اتفاق آرای رؤسای روحانی‌و اداری و وزرا و اهالی مهاراجای بهوتان انتخاب شد .

درسنه ۱۹۱۰ بهوتانیان مراودات خارجهٔ خود را بانگلیسها سپردند ودرعوض یکصد هزار کلدار سالیانه حکومت برطانیه به بهوتان میپردازد .

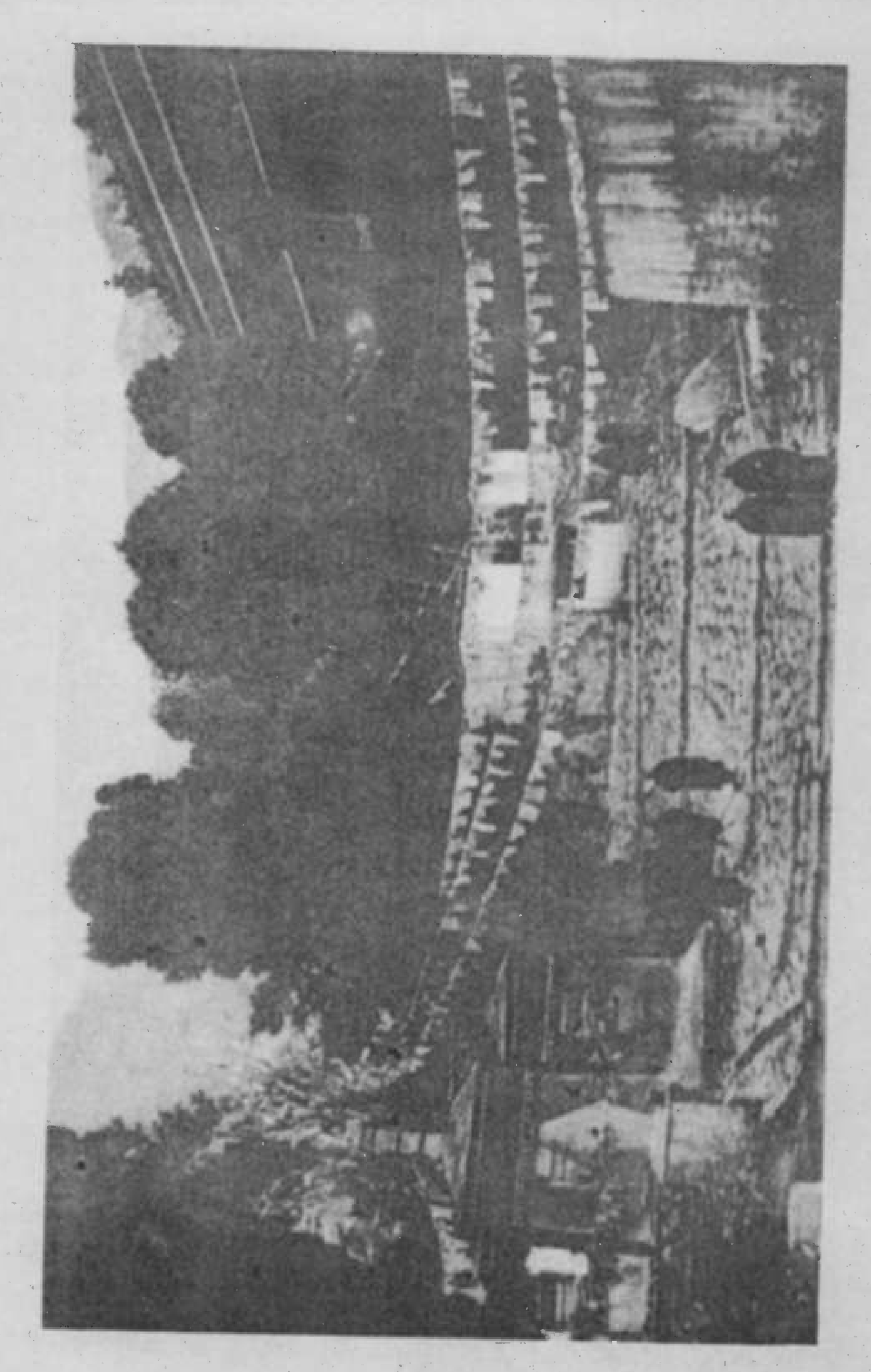
درهمین سال حکومت چین اعلان قیمومیت خود را ببهوتان نمود اما مقبول و مستند نیفتاده از طرف انگلیس ها رد شد .

مهاراجائیکه در سنه ۱۹۰۷ انتخاب شده بود (اوگ ین وانگ چوك) در سنه ۱۹۲۷ فوت وعوض او پسرش مهاراجا (جك می وانگ چوك) برقرار شده است .

تبت

تبت ازمستعمرات چینی است، مساحه آن عبارت از ۱٥۰٬۰۰۰ را مربع‌کیلو مترواهالی‌آن ۲٬۰۰۰٬۰۰۰ نفوس میباشد

باید دانست که تاریخ تبت بسیار قدیم است اگرچه قسمت بزرگ آن محض افسانه میباشد مؤرخین چینی درقرن یازده (ق ، م) ذکر چادرنشینان ایالات (کوکونور) را میکنند (نور ـ در زمان فعلی غدیر را میگویند) وتحریرات تاریخی تبتی از قرن پنجم ودوم (ق،م) الی سال (۹۱٤) میلادی یك فهرست شاهان نشان داده شده .



بك منظرهٔ شهر لاسا

میگویند که درعهد شاه (لها - توتوری - نیان تسین) تعلیمات اولین بودا از راه نیپال به تبت رسیده- شاه چهارم این سلاله (نام - ری - سونک - تسین) بود که درسنه ۶۳۰ میلادی بمرد - در عهد این پادشاه تبتی ها حساب وعلم طب را از چین یاد گرفتند و درین ادوار آنها امنیت و آرامی زیادرا صاحب شدند . پسر با شکوه اویعنی (سونک تسین - گام - پو) در سن سیزده سالگی به تخت نشسته تا سالهای دراز سلطنت کرد درعهد او بودائیت شیوع زیاد یافت و این پادشاه الف بارا در تبت رواج داد که اساس آن بر ابجد هندی که درکشمیر مستعمل بود میباشد والحاصل اینپادشاه فتوحات خود را درشمال تا قبایل گیانک در مغرب تا لداخ و در جنوب تا خلیج بنگال توسیع داد - اما در سنه ۷۰۳ میلادی برهمن ها خلاف اجانب بر انگیخته آزاد شدند .

پسرش بعد از وفات پدر خود تا غدیر کوکو فتوحات خود را رسانیده ودرسنه ۶۶۳ بر چین هجوم برد اما چینی‌ها خلاف او وپیشرفت فاتحانه نموده تا به لهاسه رسیدند . (تسوك - تسین) نواسهٔ (مانگ - سونک - مانک تسین) در اشاعت بودائی کوشید ودختر خاقان چین را درحبالهٔ نکاح خود آورد - از بطن او (ق سونک وی‌تسین) تولد شد واین پادشاهیکی از بزرگترین وبا شکوه ترین شاهان تبت میباشد که فتوحات تبت را زیاد و در تبلیغ واشاعه بودائیت مساعی بلیغه را بکار برد - پسرش جانشین اوگشته درمملکت خود قانون مساوات را نافذ نمود .

در عهد (زال - پا - چین) احکام بودائیت مکمل و بصحت تحریر شده و در عهد او بهمرای چین محاربهٔ شدیدی واقع گردیده در سنه ۸۲۱ میلادی بین شان مصالحت گردید تا به (رال پا چین) سلسلهٔ شاهانرا (شاهان متدین) می نامیدند زیرا که درراه بودائیت خدمات شانداری نمودند .

آخرین شاه مذکور را برادرش لنگدرمه نام کشت والی سه سال سلطنت کرد بعداز قتل او سلطنت تبت مابین دو پسرش تقسیم گشت و بودائیت رو به زوال گذاشت اما در سنه ۱۰۱۳ میلادی بعضی مبلغین بودائی از هند وارد شده‌بودائیت رادوباره زنده نمودند .

درقرنهای دوازدهم وسیزدهم قوه پیشوایان دینی بودائی بسیار ترقی کرد حتی قبلای خان یك اسقف بودائی را نزد خود طلبیده (وقتیکه برشرق تبت قبضه کرده بود) بعداز دوازده سال اورا اختیارات شاهی داده به تبت روان کرد - ازین زمانه یعنی ۱۲۷۰ الی ۱۳۴۰ میلادی ۲۱ اسقف یکی‌بعدیگری حکمران تبت بودند . بعدازذوال حکومت اسقفی (پاك مودو) خروج نمود وسلالهٔ را تاسیس کرد که دوازده‌نفر تا ۱۶۳۵ حکمرانی نمودند .

درقرن چهارده ، پانزده ، شانزدهم دردین بودا انقلاب روی داده ، راهب های کلاه زرد بروی کار آمدند (بیشتر راهب های کلاه سرخ بودند) مابین این دوفرقهٔ مذهبی یعنی راهب های کلاه سرخ و زرد مناقشه ومناظره‌ها به وقوع پیوست ، اسقف کلاه زرد موسوم به (سورنام - گیا - تسو) مذهب خود را تابه منگولیا تبلیغ نموده ویك رئیس منگولیا اورا به (دلائی لاما) ملقب ساخت - پس لقب دلائی لامااینطور بوجود آمده وتاامروز مروج است .

دلائی لامای پنجم بدربار شهنشاه چین به پیکن رفته بطوریك پادشاه مستقل پذیرائی کرده شد بعد از مرگ این دلائی لامای پنجم کبیر (بالعموم این دلائی لاما به همین لقب موسوم میباشد) مابین تبتی ها نفاق وشقاق رو نماگردیده وچین بنابر نفوذ لامادرمانچوریا ومنکولیا وتبت درمملکت تبت تسلط پیداکرد - ودراوائل قرن هجدهم حکومت چین یك نماینده خود را ملقب به (امبان) درلاسا قایم نمود .

بعدازان دو (امبان) تعیین شدیکی برای امورخارجه ودیگری برای شعبهٔ حرب این امبانهادرانتظامات تبت

مداخلت نموده ودر سنه ۱۷۵۰ حکمران تبتی را کشتند تبتی ها به انتقام برخواسته کل چینی های مقیم تبت را بقتل رسانیدند شهنشاه چین (چیان لنگ) عساکر فرستاده سلطهٔ چین را مکرراً قایم وقوهٔ امبانها را مستحکم نمود.

در سنه ۱۷۸۸ گورکه ها (که در نیپال عروج وتفوق حاصل کرده بودند) به تبت حمله برده یك حصهٔ آنرا فتح نمودند. مگر چینی ها ازین واقعه خبر شده فوراً لشکری را ترتیب داده در سنه ۱۷۹۲ گورکه ها را شکست کامل داده وتا به پای تخت نیپال یعنی کهتمندو رسیده صلح را منعقد کردند وچون خیال کردند که درین تعرض غالباً دست انگلیس است لهذا تبت را برای اجانب کاملاً مسدود وممنوع قرار دادند، در سنهٔ ۱۸٤۱ (۵۰۰۰)دوگره از راه کشمیر بهجنوب تبت حمله بردند اما تبتی ها آنهارا کاملاً مستاصل نمودند در سنه ۱۸۵۵ گورکه ها حملهٔ دیگری نموده کامیاب شدند از تبت ده هزار روپیه سالانه وحق تجارت آزاد را حاصل کرده سفیر خود را به لهاسه مقرر نمودند.

ازقرن سیزدهم اروپائیها وقتاًفوقتاً به تبت رفته معلومات مفیده را حاصل کرده اند حکومت انگلیسیهٔ هندوستان از سنه ۱۸۷۲ کوششها نمود که بهمراه ای حکومت مرکزی تبت روابط قائم کند مگر تبتی ها همیشه از نفوذ ورسوخ انگلیس ترسیده از قیام روابط استنکاف نمودند. امادر سنه ۱۹۰۳ حکومت انگلیس از پیشرفت روسیه بیدار شده یك هیئت را بهمراه کندك مسلح بطرف تبت روان کردند وتبتی ها از راه جنگ پیش آمدند وانگلیس تبتی هارا شکست داد زیرا که تبتی ها غیر منظم واسلحهٔ خوبی نداشتند دلائی لاما از لهاسه بطرف منگولیا گریخت درسنه ۱۹۰٦ انگلیس بهمراه چین شرایط صلح را چنین طی نمود که علاقهٔ تبت به هیچ دولت اجنبی تعلق نخواهد داشت وتبت (۱٦٦۰۰۰) پوند بطور تاوان جنگ خواهد داد.

درسنه ۱۹۰۷ انگلیس وروس معاهده نموده سلطه چین رادرتبت تسلیم کردند وما بین خود عهد بستند که در معاملات وانتظامات داخلی تبت مداخلت نخواهند کرد.

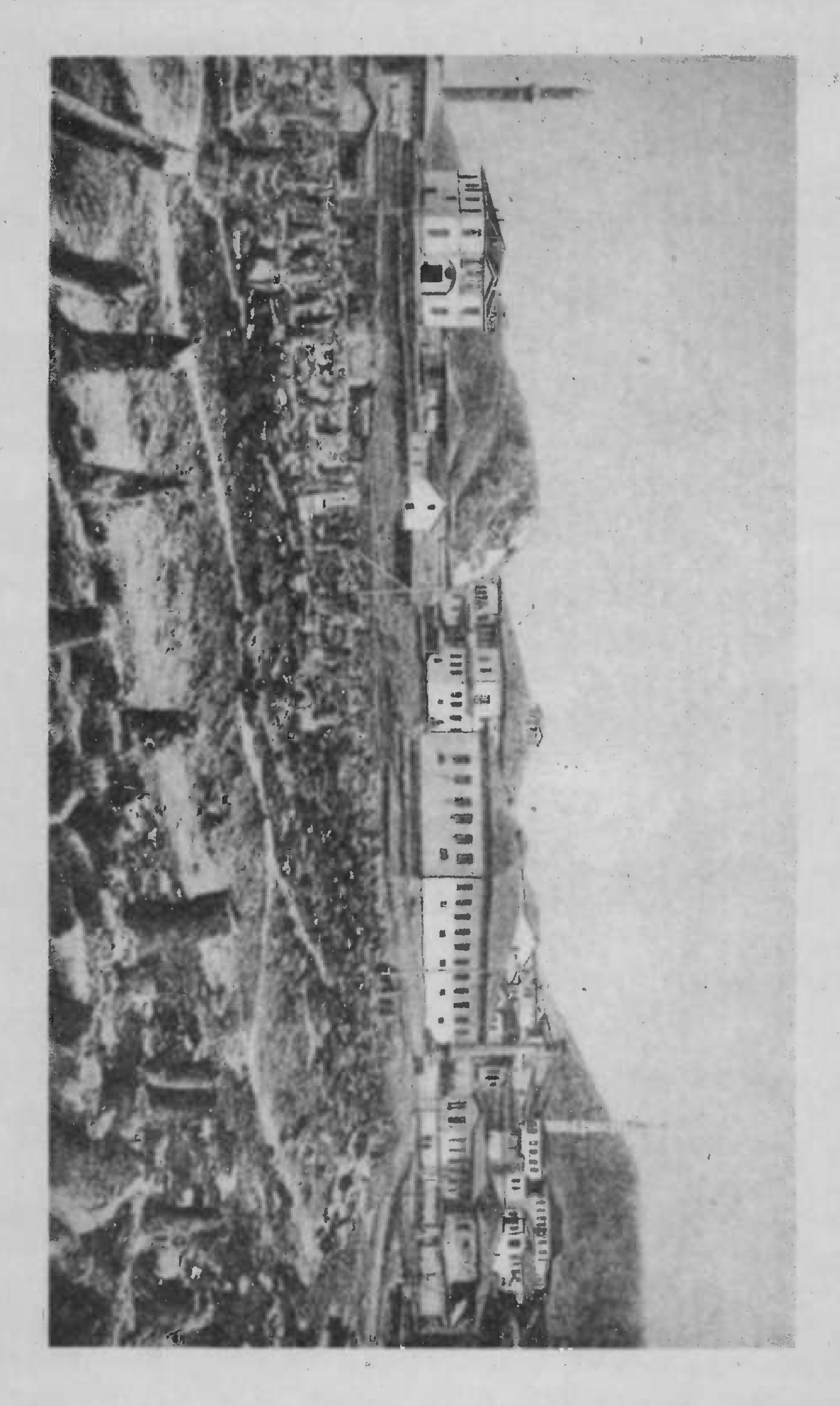
چین از حمله سنه ۱۹۰٤ انگلیس خوف نموده برای پیش بندی حمله دیگری یك عسکر تهیه کرده وفوج چین درسنه ۱۹۱۰ به لهاسه رسید ـ لاما واتباع او بطرف هندوستان گریختند وچینی ها در تبت قوه وسلطهٔ خود را استحکام دادند. درسنه ۱۹۱۱ انقلاب چین پیاشد وتبتی ها عسکر چینی را از تبت رانده قسمت بزرگ مملکت را مجدداً گرفتند ـ دلائی لاما واتباع او واپس به (لاسا) عودت نمودند ـ درسنه ۱۹۱۷ چینی ها باز حمله کردند. مگر شکست خوردند سپس تبتی ها همرای انگلیس دوست وباچین دشمن گردیدند.

درسنه ۱۹۱٤ محاربه عمومی پیاشده وتبتی ها یکهزار نفر بطور کمك به برطانیه دادند درسنه ۱۹۲۰ نمایندهٔ انگلیس درشهر ممنوع لهاسه زیراکه تبتی ها ولاماها ادخال خارجیها را درحدود تبت ممنوع قرار داده بودند لهذا شهر لهاسه خصوصاً بنام شهر ممنوع هم موسوم میشود) بطور سفیر رفت ودرسنه ۱۹۲۲ قرار درخواست حکومت تبت شهر ممنوع لهاسه بواسطهٔ تلگراف باهندستان الحاق یافت تبتی ها خیلی خوش مزاج، شجاع، دلاور بوده وبسیار شوق بموسیقی، رقص وسرود دارند.

ترکیه

ترکیه درحال حاضر دارای ۲۷۵ر٦٦۰ر۱۳ نفوس ومساحهٔ آن عبارت است از ۷۳٦ر۷٦۲ مربع کیلومتر.

قرن سیزدهم زمان انقلابات بزرگی بوده است، امپراطوریت روم روبه تنزل نهاده وسلطنت پروس شروع به ترقی نمود، ترویج علوم وتاسیس مکاتب دائرهٔ خیالات ومعلومات اروپائی را وسعت بخشید. در انگلستان وحدت ملی از اختلاف نارمن ها وساکسون ها به تکمیل رسید. چارتر کبیر امضایافت واولین پارلمان ملی تشکیل شد (۱۲۱۵ درزمان جون John) درشرق جنگ های صلیبی بنقصان مسیحیون خاتمه پذیرفت. دراقصای شرق چنگیز باعساکر وحشی خود چین وآسیای وسطی را غارت کرده اولادهٔ او درعرصهٔ پنجاه سال بزرگترین سلطنتی را تشکیل داد که از بحیرهٔ چین تاپولیند شرقاً وغرباً واز دشت قپچاق تاخلیج فارس شمالاً وجنوباً



شهر جدید انقره درمیان خرابه های قدیم

وسعت داشت در همین وقت ترکان عثمانی نیز بهتحریکات خودمشغول گشته بالاخره موفق به تاسیس حکومتی گشتند که تاامروز دامنهٔ آن امتداد دارد. اما اینهم مسایل تاریخی است که باید دانست این ترکان غیور از کجا وچگونه موفق بتاسیس این سلطنت وفتوحات بزرگ گردیدند.

در میدانهای سنگ آریاوگوبیا بعضی اقوام خانه بدوش از ایام قدیم زندگانی میکردند واکثر بهدسته جات خورد خورد تقسیم وبجانب جنوب وغرب حمله آور میگردیدند. مشهورترین این قبایل ایغوربوده که بنام یوچی سلطنت باختر ازشاهان یونانی افغانستان را غارت نموده امپراطوری بزرگی راکه مرکز آن شهربلخ امروزه بود در آسیای وسطی تشکیل دادند.

عدهٔ از این قبایل درکنار رود ولگا، اورال وکسپین متوطن گردیدند. درقرن ششم این ترکها اقتدار زیادی یافتند وچون سلطنت عرب روبتنزل نهاد خلفای عباسی بآنها محتاج گردیده ار دوی بزرگی ازآنها تشکیل دادند. از ین بعد ترکهامتواتر برعلیه خلفاء شوریده حکومت های مستقلی را دربعضی از نقاط ایشیا مانند نیشاپور وفارس وغیره تاسیس نمودند وبالاخره حکومت اسلامی را درا ناطولیه نقل دادند.

حکومت های سلاجقهٔ ایران وخراسان بواسطهٔ خوارزم شاهیان منقرض گشت وبه این شاهان از بعضی قبائل ترکی بحیرهٔ خزر کمك میرسید همین قبائل را مؤرخین اروپاء جد ترکان حالیه میدانند وقتیکه حملات چنگیزی روی کار آمد ترکها نیز مجبوراً بجانب غرب حرکت نمودند ودرآسیای صغیر ومصر حکومتهای مستقلی را تشکیل دادند. اجداد عثمانی ها نیز باگله گوسفند خود بجانب آسیای صغیر آمده باجازهٔ سلاطین سلجوق روم در اناطول متوطن گردیدند بعدها سلطان سلاجقهٔ روم (علاءالدین) برآنها بدگمان شد واین دستهٔ ترکان در ۱۲۲۷ عیسوی بسر کرده گی سلیمان شاه ازاناطول خارج گردیدند. درینوقت عدهٔ شان بیش از چهار هزار نبود ودرعبور از رود فرات سردار شان غرق شد. ترکان این حادثه را بد شگونی گرفته عدهٔ که هنوز از رود نگذشته بودند بسر کرده گی لطغرل پسرسردارمذکور بجانب اناطول بازگشتندو در آنجا ازعلاءالدین اقطاعیدر خواست کردند چون عدهٔشان کاسته بودعلاءالدین آنها رادرقراجاداغ متصل انقرهٔ امروزه زمین بخشیدو چون حکومت سلاجقه راهمواره کمك می نمودند سلطان درحق شان بیش ازپیش مراعات می نمود. الطغرل در ۱۲۸۸ بعمر ۹۰ سالگی درگذشت وپسرش عثمان اول جانشین اومقررگشت باوجودیکه سلطان در ینوقت دچار مشکلات بوده وایالات اویکی بعد دیگری ازمرکز مجزا واعلان استقلال می نمودند درین همه مشکلات عثمان باکمال جوانمردی به ولینعم خود کمك می نمود وچند بارعسکر یونانی ها را شکست داد. در ۱۳۰۰ علاءالدین درگذشت وامپراطوری سلاجقه تجزیه یافت، عثمان نیز از موقع استفاده کرده اعلان استقلال نمود ازین جهت مؤرخین عثمانی اورا پادشاه نخستینخود میشمارند. پسرش اورخانغازی که یکی از فاتحین بزرگعثمانیاست تا بروسهفتح نمود واز ۱۳۲٦ تا ۱۳۵٤ حکومت کرده است.

در آخر قرن چهاردهم بایزید یلدرم داخل اروپا شده کمی بعد قسطنطنیه را محاصره نمود در ۱۳۹۵ مسیحیون اتحاد بزرگی برعلیهٔ او تشکیل داده عسکر متحده از رود دنیوب عبور نموده بمقام تکوپولس (بلغارامروزه) باعثمانیها مقابله کردند اما تاب حملهٔ یلدرم را نیاورده شکست فاحش خوردند و یکی از برادران شاه فرانسه نیز بقتل رسید وقتیکه عسکر غیور ترك مشغول فتوحات بودند بلای ناگهانی بر ایالات شرقی آن نازل گردید یعنی در همین موقع تیمور کورگانی مانند برق از سمرقند برخواسته درظرف اندکی از بغداد تاماسکو فتح نمود ودر ۱٤۰۱ اجارجیه را بدست آورده داخل ترکیهگردید وشهرسیواس Siwas را تسخیر وغارت نمود واز آنجا به جانب شام وبغداد وبعداً بطرف شمال حرکت کرد ودر انگوره بالشکر ترکان درآویخت. عثمانیها بسبب خیانت بعضی ازمامورین شکست خوردند وبایزید باسرداران بزرگ اسیر گشته وبعد ازهشت ماه اسارت درگذشته ودولت عثمانی را بحالت ابتر وپریشانی گذاشت.

در ۱٤۱۳ محمد اول بسلطنت رسیده شورشهای داخلی را تا اندازهٔ فرو نشانده وخرابیهای تیمور را اصلاح کرد وسفیری بدربار وینس فرستاد وباراول دستهٔ جهازات عثمانی را مرتب نمود.

در قرن پانزدهم محمد ثانی که در تاریخ بمحمدفاتح مشهور است شورشهای داخلی را رفع وعسکر را ترتیب نمود ودرمدت پنجاه وسه روزقسطنطنیه را فتح وبآن داخل گردید۱٤۵۳ وبعد ازکمی بجانب شمال رفته حصهٔ جنوبی سرویه را هم فتح نمود ودر ۱٤۵٦ ایالات بوسنه هرزی گوینا ، والاچیا ، البانیا ، ومانتی نیگر وضیمهٔ دولت عثمانی گردید . اهالی وینس نیز بعضی مقامات ساحلی را بحق عثمانی ها گذاشتند ، کمی بعد ۱٤۷۸ کریمیا نیز فتح گردید . درقرن شانزدهم اقتدار ترکها (درعهد سلیمان باشکوه) بانتهای ترقی رسید بلگراد وجزیرهٔ رودس فتح گردید عسکر عثمانیها از رود دنیوب گذشته بمقام مهاکس لوئی دوم سلطان هنگری را شکست داده شهر بودا پست را بدست آوردند ۱۵۲۸ وچون از آنجا برگشتند فردیناند برادر شارلکن (چارلس پنجم) داخل جرمنی شده اما درینوقت تعرض ایرانیها (درزمان شاه طهماسب) در آذربایجان بکوشش سلطان رسیده واورا مجبور ساخت که ترك فتوحات گفته بجانب شرق آید . درینوقت تبریز را فتح نموده وتمام ارمینیارا بدست آورد .

خیرالدین پاشا امیرالبحر ترکی درینوقت کشتی های وینس را تباه نمود ، الجزائر وبسیاری جاپهای افریقهٔ شمالی را بدست آورد ، در ۱۵٤۸ ارض روم ، جارجیا فتح گردید وایران معاهدهٔ صلح را امضاء نمود ۱۵۵۵ ، حدود سلطنت عثمانی درینوقت از بغداد تا مراکش شرقاً وغرباً واز سرحدات جرمنی تا خلیج فارس وعربستان شمالاً وجنوباً وسعت یافت وبحراسود کاملاً بحر عثمانی گشت .

درقرن هفدهم که دسته از شاهانی بحکومت رسیده بنای عیاشی گذاشتند در امور مملکت وعسکر ترکها روز بروز ضعف راه یافته مملکت در خطرافتاد و نیچریها شورشهای متواتر کردند مسیحیون ازخانه جنگی ها استفاده کلی نمودند معاهدهٔ مشهور سلواتروك Silwatrok سیلاب فتوحات عثمانی را دراروپا خاتمه داد .

در قرن هجدهم شاه سویدن (چارلس ۱۲) بمقام پولتاوا Pultawa از پطر کبیر شکست خورده به شاه عثمانی پناه آورد وروسیه اورا در اراضی ترکیه تعاقب نمود . عساکر اسلامی متصل رود پرت پطر کبیر را باعسکرش محاصره نمودند وقریب بود که همه تسلیم شوند اما سرعسکر ترکیه (بالتجی محمد پادشا) خیانت نموده درخواست ملکه کاترین را قبول ومعاهدهٔ صلح را باشرایط بسیار نرم امضاء نمود ۲۱ جولائی ۱۷۱۱ ، کمی بعد استریا حمله آورده بلگیرید را متصرف گردیدند وروسها بار دیگر بر ممالك عثمانی تعرض نمودند ودر ۱۷۲۷ ترکها بمقابل شاه اشرف افغان شکست خورده سلطنت اورادرایران برسمیت شناختند معاهدهٔ اتحاد بین دولتین عقد وسفرای طرفین مقرر شدند درقرن نزدهم مسایل شرقیه بروی کار آمد وهمینکه در ۱۸۱٤ کانفرانس وی یانامنعقد شد ودول اروپائی ازناپلیون نجات یافتند دولت عثمانی محل متنازع دولت های اروپائی گشت ، استریا ازهیئت کانفرانس بقای دولت عثمانی وشمول او ر به موافقت اروپائی خواهش داشت اما روسیه اباء نموده عثمانی را ازدایرهٔ حقوق بین الملل خارج گذاشته میخواست که آن را در بین خود تجزیه نماید وسیاسیون اروپائی هرحادثه را بدقت ملاحظه مینمودند ومقصد هر دولت (بدون روسیه) این بود که هر ملتی که در املاك سلطنت عثمانی چشم بدوزد فوراً ازو جلوگیری نموده بحد خودش باز دارند ازینجهت در ۱۸۱۵ مشغلهٔ شبانروز سیاسیون اروپا مسئله شرق بود ومراد از مسئله شرق سلطنت عثمانی بودکه باقیماند : یاتجزیه گردد : واگر تجزیه گردد چگونه؟ واگر برحال ماند از ملل کوچك مسیحی که تابع سلطان هستند چگونه طرفداری وحمایت کنند . ظهور مسئله شرق باراول از ۱۸۲۵ - ۱۸۲۹ آغاز شد دروقتیکه یونانی ها بغاوت کرده ممالك مسیحی را بامداد خوددعوت نمودند تیرنش وزیر استریا سعی نمود که دول اروپائی گوش بآواز آنها ندهند اگرچه قتل عام ساگاز وبدارآویختن روحانیون بزرگ مسیحی درقسطنطنیه به تیرنش موثر نیفتاد ولی ملل اروپائی را افسرده خاطر ساخته جماعه جماعه

برای اعانه ومدد هم کیشان خود بجانب یونان رفتند وپول زیادی به یونان فرستادند نیکولس زار روسیه، پادشاه انگلستان اتفاق کرد تاآز سلطان استقلال یونانی راطلب نماید این مخابره سه سال طول کشید ولی اثری نه بخشید . سلطان از محمد علی پاشا والی مصر معاونت خواست ومشار الیه یك دسته جهازات ترکی مصری را بمعاونت فرستاد انگلستان ، روسیه وفرانسه متحداً جهازات خود را بآب های یونان فرستاده جهازات مصری را تباه نمودند وکمی بعد روسیه‌ازدنیوب عبور نموده بجانب قسطنطنیه پیشقدمی نمود سلطان مجبوراً معاهدهٔ ۱۸۲۹ ادریانوپل را امضاء و استقلال یونانی هارا اعتراف کرد وحرکت جهازات را در دنیوب ودردانیال آزادی داد علاوتاً خسارهٔ جنگ را نیز قبول نموده وکمی بعد فرانسه الجزیره را گرفت .

مسئله دوم شرق: از حمله محمد علی والی مصر برسوریه وتسخیر آن بوقوع آمد زیرا شکست عثمانی باعث بغاوت وشورش اناطول گشته سلطان مجبوراً از زار روسی امداد خواست زارفوراً قشون خود را بقسطنطنیه فرستاد این مداخلت روسیه باعث پریشانی انگلیس وفرانسه گشته سلطان را مصلحت دادندکه سوریه را به محمد علی واگذارد.

سوم مسئله شرق : از ۱۸۳۹ شروع ودر ۱۸۶۱ خاتمه پذیرفت .

افواج ترکیه در تحت سرکردگی خسرو پاشا از در پای دجله برمیگشت دربین راه باعساکر شامی محمد علی برخوردند . محمد علی بیدار بود لشکر ترك راعقب نشاندند واز ین کامیابی چنان جسورگشت که فتح اناطول در دماغش جاء گرفت واعلان نمود که بشخص سلطان سوء قصدی ندارد محض می خواهد ماموریکه در وظیفه خود کوتاهی کرده اندبسز ا رساند انگلیس ودرروسیه این عزم بزرگ اورا خلاف سیاست‌خوددیدند زیرا انگلیس میترسید اگرمحمد علی‌قوی‌گردد بسهولت راه هند را مسدود خواهد نمود وهمچنین روسیه خیال داشت ترکها را اصلاح و تقویت نموده مقابل‌خود یك سد بزرگی تشکیل دهد ازین رو هردو محمد علی پادشاه را مجبور نمودند که سوریه‌را تخلیه نماید ومحمد علی مجبورگردیده که مطالبات این دودولت قوی را به پذیرد . بعد ازین انگلیس مناسب‌دانست که ترك هارا ازتحت حمایه روسیه نجات دهد ومعاهده بنام آبناها در ۱۸٤۱ بادول بزرگ اروپا امضاء نمود تاهیچ کدام جهازات جنگی خود را درآبنا های دانیال و باسفورس شناور نسازد در نزد سلطان عهده برارشد که ممالکش را ازتجزیه مصئون دارد باین واسطه سلطنت عثمانی درزمرهٔ حقوق دول اروپا داخل شد .

چهارمین مسئله‌شرق از ۱۸۵۲ شروع ودر ۱۸۵۶ خاتمه پذیرفت . روسیه‌ازجاه طلبی خوددست نکشیده دولت عثمانی را آدم مریض ناامیده میخواست انرا تجزیه نماید چنانچه در ۱۸٤٤ که زار بطرف انگلستان سفرکرد فکر خودرا درمسئله شرقی چنین اظهار نمود(در خصوص دولت عثمانی بین‌من‌ووزرا من دوفکرموجود است یکی دولت عثمانی را بحالت نزع ودیگری مرده میدانند اما بهرحال هیچ‌چیزمانع‌مرگ فوری نمیگردد) ودر۱۸۵۲ زارروسیه بسفیر انگلیس نوشت: وقت آنست که این جسدمرده(دفن شود.) وعزم نمودکه قسطنطنیه را متصرف گردد این مسئله باعث ظهور چارمین مسئله شرق گردید انگلیس خواست که‌روسیه را ازین عزم بازدارد ازینجهت بادول اروپائی مشوره نمود وامپراطوراستریا بتائید انگلستان محض پروتست بروسیه داد اما ناپلیون‌سوم فرانسه ومملکت ساردینا وانگلیس هرسه متحد گشته جهازات وعساکر خودرا بمعاونت عثمانیها فرستاده خواستند که بحریه روسیه را دربحرا سودتباه کنند . برای تصفیه این جنگ کانفرانس پاریس در ۱۸۵۶ انعقاد یافت و درآن تضمین گذاشتند که دربحر سیاه ، ورود دنیوب جهازات جنگی روسیه شناوری نکنند وسلطان درعوض حقوق مساوات به نصارا داده جزیهٔ آنان را بخشید .

پنجمین مسئله شرق بواسطهٔ مداخلت روسی بظهورآمد ، روسیه نصارای سلاوی ، سربیه ومانتی نگرورا طرفداری نموده ترك هاشورشیان را شکست داده عدهٔ زیادی ازآنها را کشت ، درچنین وقت نازك سلطان عبدالحمید بسلطنت رسید واصول مشروطه در مملکت جاری ومجلس پارلمان آن بطرز اروپا تشکیل یافت ولی اروپائیان خصوصاً روسیه قانون اساسی را اعتبار نداده درخواست کردند که ممالکی را

۱

که در آن قتل عام شده استقلال ادارهٔ داده شود دولت عثمانی این مطالبات ناجائز را رد نمود بنابرین دول اروپائی وزرای . خودرا از پایتخت عثمانی کشیدند زار خود داری کرده در ۱۸۷۸ باقشون سیلاب مانند خود بر ممالك عثمانی حمله آورگردید عساکر ترکیه بمقام پلونا (بلغار) بسرکردگی عثمان پاشا فداکاری و استقامت زیادی کردند، اما بعد از خونریزی و محاربات بسیاری قشون دشمن به ادریا نوپل رسیده معاهدهٔ دلخواهی را که باسم سانس ستیفنو مشهوراست امضاء نمودند دولت عثمانی استقلال رومانیا، صربویا ، و مانتی نگرو را برسمیت شناخت ، بلغاریه و حکومت رومیلی تشکیل یافت اما دول اروپائی این قرار داد را بیشتر بمفاد روسیه دیده زار را مجبور نمودند که در مجلس برلین شمولیت ورزد . کانفرانس برلین نیز استقلال رومانیا و صربویا ومانتی نگرو را قبول نمودند ولی از وسعت اراضی که بمانتی نگرو داده بودند کاسته شد ، همچنین از علاقه های آسیائی که روسیه برای خود گرفته بود کاستند وباتون را شهر آزاد گذاشته بلغار را استقلال داخلی دادند ، آستریا و یونان نیز اراضی وسیعی را مالك گشتند وانگلستان جزیرهٔ قبرس را بدست آورد مختصر به سلطان عثمانی از مقبوضات اروپائی محض البانیه ؛ سالونیکا ، بلاد مقدونیه و اطراف پایتخت ـ باقیماند .

سلطان چون ازین جنگها فراغت یافت مستشارهای مالی وعسکری را از جرمنی برای اصلاحات داخلی جلب نمود اما در ۱۸۸۱ شورشهای داخلی باردیگر مانع ترقی گشت انگلیس ها نیز از موقع استفاده نموده بجانب مصر تعرض کردند وبالاخره فرانسه را فریب داده مصررا تنها بدست آوردند . دریتوقت نفوذ جرمنی در ترکیه بیش از بیش ترقی کرد چنانچه اجازهٔ امتیازات راه آهن به کمپنی های جرمنی داده شد .

قرن بیست

جنگ عمومی و ترکها:

جنگ عمومی در ۲۸جون بواسطهٔ قتل ارچ دیوك فرانسس فردینان آغاز شد و در ۲۹نوامبر۱۹۱٤ عثمانی نیز بطرفداری اطریش والمان داخل جنگ گردید و محاربات تاآسیای غربی وحدود ایران وسعت یافت . اتحادیون در ۱۹۱۵ درباز نمودن ـ آبنای دردانیال وبا سفورس برای کمك وسامان به روسیه در تری بولی وسواحل در دانیال قشون فرستادند اما بمقابل ترکها عاجزآمده به تخلیه آن مجبور گردیدند . در پنجم اکتوبر ۱۹۱۵ بلغارستان نیز بکمك جرمنی وآستریا داخل جنگ گردید . میکن سن سردار بزرگ پروس بکمك بلغاریها صربویه رابکلی فتح نموده راه برلین واسلامبول راباز نمود سپس از آنجا بطرف رومانیه رفته کاملاً تسخیر کرد نگلیس وفرانسه بجلوگیری آنها در سالونیکه پیاده شدند . روسها درآسیا قسمت ارمنستان ترکی وقلعهٔ ارض روم را تسخیرنمودند ولی درجنوب آن عثمانی ها جنرال مشهور انگلیس‌تاونشن Taunshend را بمقام کوت العماره بمعیت ۱۳ هزارنفر مجبور به تسلیم ساختند ۱۹۱٦ . درسال ۱۹۱۷ انگلیس بفتح بغداد و بیت المقدس موفق گردید ودر نتیجه بین النهرین وفلسطین را عثمانی ها تخلیه کردند . در۲۹ ستمبر ۱۹۱۸ بلغاریها تقاضای صلح جداگانه نمودند عثمانی ها بواسطهٔ که شام ازدست رفته بود همین طریق رااختیار کردند وبالاخره در جرمنی نیز انقلاب برپا گردیده در۸ نوامبر ۱۹۱۸ حکومت جمهوری اعلان گردید وویلهم دوم بمعیت ولیعهد به هالیند پناه برد ودر ۱۱ نوامبر المان متارکه جنگ را قبول نمود اتحادیون بعد ازین با پنج دولت معاهدهٔ علیحده بستند وعثمانی‌ها تمام مقبوضات سابقهٔ خودرا از دست داده شام‌را، فرانسه ، فلسطین ومیسی پوتمیا وعربستان را انگلیس درتحت حمایهٔ خودگرفت تریس وسمرنا را یونان تصرف نمود اسلامبول شهرآزاد قراریافت ولی غیرت وشجاعت عثمانی‌ها این معاهدهٔ بیشرفانه را قبول ننموده برای استقلال خود دست وپا زدند وانگوره را مرکز تحریکات خود قرارداده شروع بکار نمودند ودرظرف اندکی به سرداری مصطفی کمال غازی یونانیها را درهرجا شکست داده ازسمرنا وآسیای صغیر وتریس واسلامبول بیرون‌راندەوتریس‌واسلام‌بول‌را باردیگر

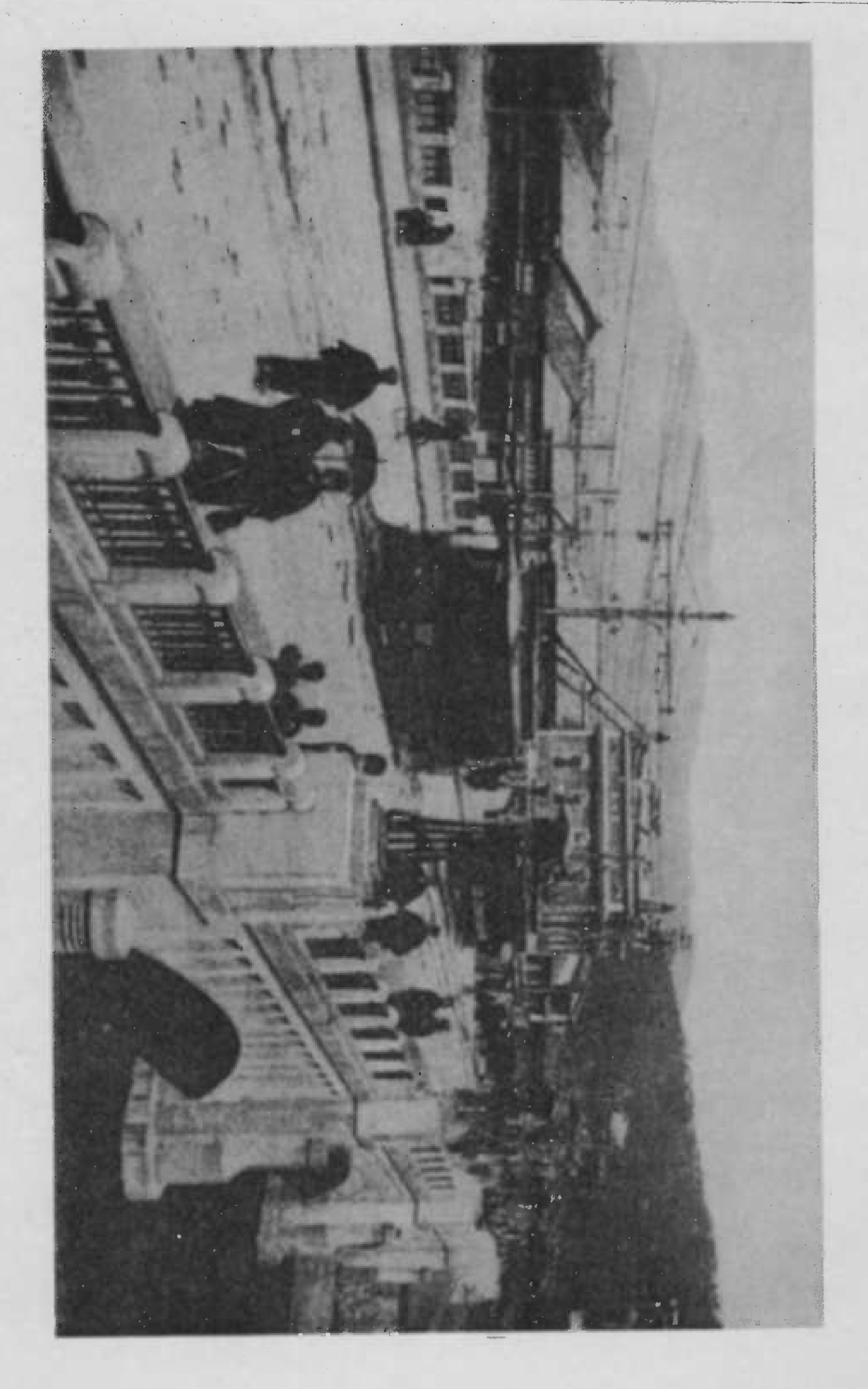
ضمیمهٔ مملکت خود نموده استقلال عثمانی ها راکه در خطر عظیم افتاده بود تحفظ نمود. مصطفی کمال بعد از بدست آوردن این مقامات و قیام امنیت داخلی اعلان جمهوری کرد و خودش رئیس جمهور منتخب شد و درین مدت کم دولت ترکیه را چنان ترقی داده که مؤرخین اروپائی که چندی پیشتر آن را مرد مریض یا جسد مرده می نامیدند الحال مجبورند که در توصیف آن مقالات بدهند، و بزرگی و فعالیت مصطفی کمال را اعتراف نمایند.

جاپان

جاپان مثل برطانیهٔ کبیر مملکت بحری است و مشتمل بجزائر متعدد است که رقبهٔ آن ۳۸۲٫۰۷۱ مربع کیلومتر و نفوس آن ۶۴٫۴۵۰٫۰۰۵ نفر است ـ جاپانی ها مملکت خود را نیپون Nippon یعنی مطلع شمس می نامند، اهالی آن که بالغ بر (۶۴) ملیون است کاملاً از نژاد زرد میباشند.

قبل از قرن نهم میلادی واقعات جاپان مبنی به روایات و افسانه ها بوده است که ما آنرا وقایع تاریخی گفته نمی توانیم ـ قدیم ترین امپراطور جاپان از روی فهرست روایات کوچکی ـ جیمو Jimu نام دارد که تخمیناً (۶۶۰) ق، م زندگانی کرده است و اکثر مؤرخین برین اتفاق دارند که جمیع امپراطورات جاپان تا امروز از نسل همین شخص بوده اند و خانه وادهٔ موجودهٔ امپراطوری از مدت تقریباً دو و نیم هزار سال برسر اقتدار است.

در اوائل، جاپانی ها نیز مثل چینی ها از مردمان خارجه متنفر بودند اما در نیمهٔ قرن (۱۶) نفوذ ممالك خارجه درین مملکت شروع به ترقی نمود ـ در سال (۱۵۴۳) یك سیاح پرتگالی موسوم به پنتو Pinto باراول در خاك جاپان قدم گذاشت اهالی جاپان به او سلوك نیك کردند ـ چنانچه چندی بعد عدهٔ زیادی از مبلغین مسیحیون داخل جاپان شدند و یکی ازین نووار دان فرانسس کزیویر Francis Xavier نام داشت که از فرقهٔ جیزویت Jesuits بوده ـ این شخص به مدت کم در مقصد خود کامیابی زیادی حاصل کرد و عدهٔ کثیر جاپانی ها دین مسیح را قبول نمودند ولی دیری نگذشت که سوء رفتار این مبلغین جاپانی ها را از خود متنفر ساخت و رفته رفته این نفرت شان بدرجهٔ رسید که در (۱۸۳۰) جاپانی ها اعلان نمودند که اگر شخص اجنبی داخل جاپان شود فوراً باید بقتل برسد، و نیز هیچ یك از اهالی جاپان از خاك وطن خود قدم بیرون نگذارند. اما این سیاست بی غرضی انتهائی ایشان را باراول ضربتی شدیدی از جانب اضلاع متحدهٔ امریکه رسید. حکومت امریکه در (۱۸۵۳) یکدسته جهازات را بسرکردگی کمودور پیری بجاپان فرستاد تا درباب تجارت و حفاظت ملاحان امریکائی که در سواحل جاپان مشغول صید ماهی میباشند با حکومت جاپان مذاکره نماید ـ کمودور پیری بجاپان رسیده نزد شوگن وزیراعظم جاپان عرضداشت خود را پیش نمود شوگن معاهدهٔ تجارتی را باو امضاء نمود ـ اهالی جاپان این را خلاف سیاست خود تصور کرده برعلیه شوگن اقدامات نمود، در نتیجه اقتدار شوگن را ضربتی شدیدی رسید و برعکس آن امپراطور مقتدر گشت، اما در نتیجهٔ شورش های داخلی یکی از تبعه انگلیسی رچردسن نام Richard Son به قتل رسید، حکومت انگلیس فوراً جهازات خود را فرستاده کاگوشیما را بمبارد نمودند، جاپانی ها درین جنگ خود را عاجز یافتند و از قوهٔ دول اجانب واقف گردیده سیاست خود را فوراً تغیر دادند، ودرین کوشش افتادند که بهرطریقیکه ممکن باشد خود را مثل دشمن آراسته نمایند ـ در سال (۱۸۶۷) امپراطور متسوهیتو Mutsohito بسر اقتدار آمد درین وقت عمرش بیش از (۱۵) سال نبود، درعهد این امپراطور که تا (۱۹۱۲) طول کشید جاپان از هر حیث ترقیات نمود، دربدو سلطنت شوگن نیز برطرف گردید و تمام اختیارات بشخص امپراطور تعلق گرفت پای تخت نیز از مقام کیوتو بشهر یدو نقل داده شد و نام آن را توکیو گذاشتند (۱۱۶۸).



یك منظره از شهر کیوتو

خلع شوگن واقتدار میکادو دورهٔ جدیدی را در جاپان نمایان ساخت که مؤرخین جاپانی آنرا دورهٔ میجی یعنی روشن نامیده اند۔ ترقی جاپان از همین سال شروع می‌شود.

ادارهٔ مملکت را به مودل اروپائی تشکیل دادند، و مملکت برای قبول مدنیت صحیح و ترقیات عصری مفتوح گردید وچون جاپانیها ذکی و زحمت کش و استعداد خوبی دارند بزودی علوم وفنون و تمدن غربی رادر ملك خود مروج ساختند مخصوصاً عسکر و بحریهٔ خود را بقسمی تشکیل دادند که با مهمترین دول اروپا و امریکا همسری کرده بتوانند در نتیجه همین ترقیات بوده که درسال (۱۸۹٤) مملکت چین را باآن بزرگی وعظمت‌آن مغلوب نمود، و بموجب معاهده شیمونسکی Shimonski که در ۱۷ اپریل (۱۸۹۵) امضا یافت پورت آرتر، جزیره نمائی لیتونگ وجزیرهٔ فارموسا بمعهٔ جزائر پیکادورا بجاپانیها سپردند ونیز مملکت چین (۲۰۰) مليون تیل را که معادل (۱۷۵) مليون پوند میشود تاوان جنگ بجاپانیها دادند.

کمی بعد یعنی در سال (۱۹۰٤) جنگ بین روس و جاپان درگرفت اما بعد از محاربات زیادی روسها به امضای معاهده پورتس ماؤث مجبورگردیدند این جنگ که تامدت (۲۰) ماه طول کشید کاملاً بفائدهٔ جاپانیها بود و روسی ها دربحر و بر شکست های متواتری را متحمل گشتند در (۱۹۱٤) در جنگ عمومی جاپانیها برعلیهٔ جرمنی اعلان حرب داده جمیع مقبوضات آنرا که درچین و بحرالکاهل و در شمال خط استوا بوده فتح نمودند.

جاپان امروزه: مملکت‌جاپان کم وسعت و دارای نفوس زیاد است ومانند دول معظم دیگر دارای مستعمره نمیباشد، از این حیث چشم را بمقبوضات چین‌دوخته است چنانچه اولاً کوریا رابدست آورده، وبعد ازان متوجه منچوریاگردیدند تابالاخره آنرا نیز فتح نموده ضمیمهٔ مملکت خود گردانیدند.

واقعات مانچوکوو استقلال آنمملکت درین سالهای موجوده همه بنیروی جاپان ونمونهٔ از عظمت وترقیات کشور مذکور محسوب می شود.

صنعت و حرفت امروزهٔ جاپان بدرجهٔ ترقی کرده که در رقابت تجارتی از اکثر دول معظم دنیا پیش رفته و اکثر بازارهای تجارتی را بدست آورده‌اند.

حکمران موجودهٔ جاپان هیروهیتو Hirohito است که به ۲۵ دسمبر ۱۹۲٦ بسلطنت رسیده.

جاوا

جزیرهٔ جاوا که یکی ازمجمع الجزایر شرق الهند است به جنوب مشرق آسیا واقع است. اهالی هند و چین وعرب از زمانه های قدیم باین دیار رفت و آمد داشته از طرق وشوارع تجارتی آن کاملاً باخبر بودند اما اهالی اروپا تا قبل از مسافرت مارکوپولو (درقرن ۱۳ مسیحی) از وجود این جزیره بکلی بی اطلاع بوده اند.

باشندگان این جزیره ازنژاد ملایا ودین آنها دین حنیف اسلام و مذهب شان حنفی و شافعی است.

در قرن اول عیسوی ساکنین دیارهند باین جزیره وارد شده رفته رفته دین خود را در آنجا رواج دادند و بعد تامدت یکهزار سال تاریخ این جزیره مبهم و تاریک مانده ولی از آثار مخروبه و معابد وعمارات آن وقت معلوم می شود که کیش بودائی وسلطنت سیلند را که مرکز آن درسماترا بود، درین سر زمین قائم بوده است ازتواریخ اسلامی مکشوف میشود که در قرن ۱۲ عیسوی کیش ساکنین آنجا شیوائی بوده وچهار سلطنت مستقل جداگانه که حکمران یك از هندوان محلی بود در آنجا

وجودداشته است. تجار اسلامی نیز درین جزیره رفت و آمد تبلیغ داشته و اشاعهٔ دین آسلام را می نمودند.

درسنه ۱۳۷۸ این چهار سلطنت جداگانه تحت سلطنت یك پادشاه باهم متحد و یك جاشده امپرا طوری ماجاپاهد را تشکیل دادند. و تامدت صد سال این امپرا طوری بامنتهای شکوه وجلال خود دوام نمود.

بعد ازین مسلمانان جاوا قوت یافته امپرا طوری ماجا پاهد را برطرف وطوائف الملوکی را دوباره بروی کار آوردند، درسنه ۱۵۷۸ حاکم ماتارام تمام جزیره را درقبضهٔ خود آورده و یك امپراطوری اسلامی را تشکیل دادند.

درسنه ۱۵۹۵ تجارهالندی به جاوا رفته وبالاخره درسنه ۱۶۱۰ اجازهٔ تعمیر یك تجارت خانهٔ مستحکم را درانجا گرفته و تجارتخانهٔ مذکوررا درقلعه بتاویا بنانهادند ورفته رفته هالندی‌ها درانجا نفوذ پیدا کردند، تااینکه درسنه ۱۶۷۷ سلطنت کوچك (جاکرتا) را متصرف شدند وبعد ازان آهسته آهسته حصص مختلف جزیرهٔ جاوا را قبض نمودند - بالاخره چون درسنه ۱۷۵۵ دولت ماتارام بدوحصهٔ سوراکرتا و جوکجاکرتا منقسم گردید شاهان هردو حصه سیادت هالندی ها را تسلیم نمودند.

درسنه ۱۸۰۸ سلطنت بنتم مستقل گردیده و تمام جزیره تحت حکومت هالند درآمد درعهد ناپولیون اعظم جاوا از قبضهٔ هالند برامده بدست فرانسه آمد بعدازان حکومت برطانوی هند برجاوا حمله‌آور گردیده ودرسنه ۱۸۱۱ آنرا متصرف شدند، بعدازمرور پنج سال این جزیره درتحت اثرشرایط صلح‌دوباره به‌هالندی ها عودت کرد ولی درسنه ۱۸۲۵ اهالی جاوا تحت قیادت « دیپانگارا » برای حصول استقلال درظرف پنج سال جدوجهد بلیغی نمودند ولی کامیاب نگردیده بلکه ده سال تمام به مصیبت و فلاکت سیری نمودند چنانچه هالندی ها ازپنج ملیون نفوس آن دیاربیشتر ازده ملیارد افغانی بزور وستم اخذ نمودند درنتیجه اهالی جاوا چندین مرتبه برعلیه حکومت مستعمراتی هالند اعتصاب نموده تادرسنه ۱۸۵۴ قوانین جدید تصویب شد که ازروی آن، صلح و آرامش مملکت قایم گشته واهالی هم درامورحکومت تایك حدی دخالت یافتند - بعد ازان قانون اساسی چندین مرتبه درسنه ۱۸۷۲ ۱۹۰۳، ۱۹۱۶، ۱۹۱۸، ۱۹۲۲ وبالاخره درسنه ۱۹۲۵ اصلاح و تعدیل یافت.

جبل دروز

جبل دروز جمهوریتی است دروسط سوریا که بعد ازجنگ عمومی از سلطنت عثمانی مجزی و ازطرف مجلس اقوام تحت انتداب فرانسه داده شد.

مساحهٔ آن عبارت از ۶٫۰۰۰ کیلومتر مربع ونفوس آن مساوی ۶۰٫۰۰۰ نفر است که اکثراً فرقه دروزی می باشند.

تاریخ قدیم جبل دروز ضمناً درتاریخ سوریا ذکرگردیده است، دروزیها پیروان حمزه ابن علی ابن احمد وزیر حاکمی بامرالله فاطمی که خلیفه ششمین این سلاله بود می‌باشند وعقیده دارند که حاکم بامرالله مظهرالهی وازنظر مردم پنهان گردیده است وقریب قیامت دوباره ظهور مینماید. چونکه داعی آنها اسمعیل الدرزی بود بنابران قوم بنام دروزی ومملکت بنام جبل دروز نامزدگردیده است این قوم خودرا از نژاد ترکمن وکرد میدانند.

درکتب عربیه مذکوراست که درقرن ۱۲ مرکزدروزحلوت الیاض بود وتحت قیادت امرای خود حیات بسر می‌آوردند، درابتدای قرن ۱۴ ملك الاشرف که ازممالیك مصر بود دروزرا فتح نموده است

چون سلطان سلیم عثمانی درسنه ۱۵۱۶ م بسوریا هجوم آورد امرای دروزی با اومتفق گردیده برعلیه ممالیك داخل جنگ گردیدند وبعد ازفتح مصر سلطان سلیم سلطنت دروزرا تحت ادارهٔ خویش درآورده وامیر معان را بمکافات معاونت او بامیری دروز برگماشت، اولادهٔ امیر معان خطهٔ حکمرانی خود را وسعت بخشیده اکثر نقاط سوریای جنوبی را تصرف نمودند.

درسنه ۱۶۱۴ برعلیه سلطنت عثمانی علم بغاوت برافراشتند ولی پاشای دمشق ایشانرا هزیمت داد وامیر دروز به ایطالیا پناه گزین گردیده بعد ازمرور پنج سال بمملکت خود عودت نمود وتا سنه ۱۶۳۳ بطور حکمران مستقل دوباره سلطنت نمود بالاخره بمقابلهٔ عساکر عثمانی شکست خورده وبدست ایشان اسیر واعدام گردید.

بعد ازین واقعه خانه جنگی‌ها درآنجا دوام پیدا کرده مملکت صورت طوائف الملوکی اختیار نمود دراخیر امرای خانوادهٔ شهاب حیثیت ریاست کل را مالك گردیدند وتا سنه ۱۸۶٤ دایماً برعلیه حکومت عثمانی بغاوت ازطرف دروزیها دوام داشته ودرمقابل عساکرعثمانی شکست نصیب ایشان می‌گردید درسنه مذکورلبنان تا اندازهٔ باستقلال داخلی موفق گردید اما درحدود سویده شورشها خاتمه پذیر نشده صورتدایمی بخود اختیار نمود وقبیله اطرش قوت پیدا کرد.

درایام حرب عمومی تا اواخر سنه ۱۹۱۸ با حکومت عثمانی از درمخالفت پیش نیامدند بعد ازآن بامیر فیصل بن شریف حسین متفق گردیدند وچون سلطنت شریفی دمشق را فرانسویها درسنه ۱۹۲۰ برانداختند با فرانسوی ها داخل مذاکره گردیده درسنه ۱۹۲۱ حکومت جداگانه جبل دروز را تحت انتداب حکومت فرانسه تشکیل داده وسلیم پاشا الاطرش را بریاست انتخاب ومقرر نمودند.

درسنه ۱۹۲۵ فرانسوی ها از موافقهٔ که درسنه ۱۹۲۱ با دروز نموده بودند ابا آوردند ودروزیها به مخالفت قیام نموده با مسلمین اهل سنت اتفاق ودسته های قشونی فرانسوی را شکست دادند اما درسنه ۱۹۲۷ درمقابل فرانسه شکست یافتند.

درسنه ۱۹۳۰م فرانسوی‌ها تشکیلات جدیدی در دروز نموده وازطرف فرانسه حاکم درآنجا تعین نمودند. مرکز دروز السویدا نام دارد.

جزائر شرق الهند

جزائر شرق‌الهند که بزرگترین مجمع‌الجزائر عالم است بجنوب مشرق آسیا وشمال مغرب استرالیا وبین بحرالکاهل وبحرهند بدو طرف خط استوا واقع گردیده است تعداد جزائر کوچك وبزرگ اینجا بر هزار بالغ میگردد.

جزیرهٔ نیوگنی، بورنیو، سماترا، جاوا ومجمع‌الجزائر ملاکا، مجمع‌الجزائر فلپائن وجزائر تیمور وغیره از جزائر بزرگ جزائر شرق‌الهند بشمار می‌آیند.

جزیرهٔ نیوگنی جزء اوقیانوسیه بشمار می‌رود بنا بران تاریخ آن در تاریخ اوقیانوسیا ذکر خواهد شد فلپائن که تحت‌الحمایهٔ امریکاست وبورنیو، سماترا، جاوا تاریخ هریك جداگانه نگاشته آمد ـ بلحاظ آنکه تاریخ این جزائر بعد ازرسیدن اروپائی ها باهم ارتباط دارد دراینجا نیز ضمناً ذکر می‌گردد.

از مطالعات طبقات‌الارضی معلوم میگردد که درازمنهٔ قدیم جزائر مذکور ازیکطرف به قطعهٔ آسیا ازجانب دیگر به قطعهٔ آسترالیا وصل است.

قدیم ترین اهالی بومی از نژادسیاهان پست قد (نیگریتو) بودند بعد ازان اقوام عرق سفید و متعاقب آن منگولیائیها درآنجا متوطن شده و ازین اختلاط نسل ملائی بعمل آمد. درازمنهٔ تاریخی هندی وچینی وعرب نیز درین سر زمین وارد شده وبا اهالی بومی از دواج وتا حدی آمیخته گردیده اند و اکثر اهالی جزائر شرق الهند مسلمان میباشند.

زبان ملائی عموماً باوجودیکه هر حصه جداگانه زبان دارند فهمیده می شود و رسم الخط آنها عربی است از اروپائیها اول پرتگالیها در سنه ۱۵۰۹ وارد این جزائر گردیدند درسنه ۱۵۱۱ البوکرك قائد پرتگالی شهرملاکا راکه درجزیره نمای ملایا واقع است تصرف نموده بود جهازات خود را بجزائر ملاکا فرستاد، این جهازات درراه بجزائر جاوا ومدورا وسوم باوا وغیره تصادف نمودند، سه سال بعد جهازات دیگر پرتگالی بجزیرهٔ ترنیت رسیده وآنرا مرکز تجارتی وحربی این جزائر قرارداد.

درسنه ۱۵۱۹ هسپانوی ها تحت ریاست فرد ینا ند میگلن جهازات خود را برای اکتشافات جدید و استملاك به راه جنوب امریکه اعزام نمود وآنها در سنه ۱۵۲۰ به فلپائن و بورنیو و بالاخره بمولا کار رسیدند، یکی ازین جهازات از راه جنوب افریقه به هسپانیه عودت نمود و این گردش گردش اول دوردنیا محسوب می شود.

درسنه ۱۵۲۵ وسنه ۱۵۲۸ هسپانوی ها برای نفری خود در جزائر مذکور قوت وکمك فرستادند ولی در سنه ۱۵۲۹ در معاوضه (۲۵۰،۰۰۰) طلا هسپانوی‌ها دائرهٔ نفوس خود را در شرق جزائر مولاکا محدودساخته و بغیر ازجزائر فلپائن باقی جزائر شرق الهند را برای پرتگالی‌ها واگذارگردیدند، چون درآن زمان سلاطین اسلامی جوهور وجاوا و آچین و بین تانك و برونی قوی بودند پرتگالیها بجز تجارت نتوانستند موفق باستیلای آنجاها گردند بلکه مخاصمت این سلاطین قوهٔ پرتگالیها را مضمحل نمود.

درسنه ۱۵۷۹ و بعد ازان تجار برطانوی باین جزائر برای جلب منافع تجارت مرچ سیاه، دارچینی، هیل، میخك (چهارمصالح) وارد شدند درسنه ۱۵۹۶ جهازات مسلح تجار هالندی برای رفع انحصار تجارت پرتگالیها راجع به چهارمصالح اراده نموده و وارد این دیارشدند مدتی نگذشته بود که پرتگالیها شکست یافته نفوذ خود را یواش یواش از دست دادند ودرسنه ۱۶۰۲ شرکت شرق الهند هالندی تاسیس یافت و در همان سال هالیندی ها با سلطان آچین روابط دوستانه برقرار نمودند ودرسنه ۱۶۰۶ با سلطان جوهور عقد اتحاد بسته ودرسنه ۱۶۰۸ پرتگالیها را به ۱۲ سال متارکه مجبورگردانیدند، درسنه ۱۶۰۹ از طرف هالند اولین والی درین دیار تعیین یافت، درسنه ۱۶۱۱ شهرجاکاترا واقع جاوا را مرکزخود قرار دادند درسنه ۱۶۱۹ نام آنرا به (بتاویا) تبدیل‌گردانیدند چنانچه تاحال بتاویا مرکز است ودرهمین سنه انگلیسها معاهده نمودند که هردوشرکت باهم متفق بوده و برای اخراج پرتگالیها کار نمایند، برای این مقصود هالندی ها بارها داخل مجادله با پرتگالیها گردیده وجهازات حلیف دران مواقع بکمك ایشان نرسید.

در سنه ۱۶۳۷ که میعاد معاهدهٔ مذکور باختتام رسید هالندی ها بقوهٔ خود متکی شده بشدت تمام با پرتگالیها درآویختند و نبادر ایشان را که درهندوسیلون وملایاداشتند تصرف کرده و به نفوذ آنها خاتمه دادند.

در سنه ۱۶۷۲ بین هالند و انگلیس جنگ بوقوع پیوست اما در سنه ۱۶۷۴ معاهده بین دولتین امضاء یافت و انگلیسها از جزائرشرق الهند صرف نظر نمودند.

درسنه ۱۶۷۴ تاسنه ۱۷۴۹ اقتدارهالندیها درجزائر شرق الهند بدرجهٔ منتهائی بود و با اهالی بومی بشدت رفتار نموده وایشان را مانند عبد استعمال می نمودند، اهالی ازین رویه بستوه آمده بار ها برای

نجات خود قیام نمودند اما چون قوای بری و بحری هالندیها قوی بود ایشان موفق شده نتوانستند و از پیش بیش مظالم بالای شان اجرا کرده مردها را قتل می نمودند و زنان را برای تمتع گرفته ما یملك ایشانرا نیز ضبط می کردند .

شرکت هالندی ازمنافع غیر صحیح که بذرائع تشدد حاصل میکرد به سهم داران شرکت پول زیاد میدادند بعد از سنه ۱۷٤۹ هالندی ها در جزائر شرق الهند از باعث سوء اداره و تشدد بیجا و نقص تجارتی و تقلبات مامورین رو به انحطاط گذاشت ، و افواج بقدر کفایت نتوانستند نگهدارند و نادریکه اموال تجارتی از آنجا ها صادر می گردید نیز به سبب عدم محافظین قاچاقیان بکثرت اموال را می گذشتاندند و باین واسطه در انحصار تجارتی ضرر کلی متوجه شرکت گردید ، از دیگر طرف دزدان بحری و بری نیز جسارت یافته محل امنیت گردیدند . در آخر شرکت مجبور گردیده رجوع بحکومت نمود و حکومت هالند در سال ۱۷۹۸ شرکت را برطرف کرد و درسنه ۱۸۰۳ حکومت هالند اصلاحات جزائر شرق الهند را تجویز نمودند ، اما بواسطهٔ جنگ ناپولیؤن و مفتوح شدن بدست او جزائر شرق الهند به فرانسه تعلق گرفته و از طرف دولت مشارالیها مامور فرانسوی در آنجا اغرام و اصلاحات را بروی کار آورد .

در سنه ۱۸۱۰ انگلیسها که با فرانس مشغول زد و خورد بودند جهازات جنگی خود را از هند بجزایر شرق‌الهند فرستاده جاوا و بعضی جزائر دیگر را متصرف شدند درسنه ۱۸۱٤ بموجب معاهده (ویانا) جزائر مفتوحه دوباره به هالند داده شد هالندیها از سنه ۱۸۳۰ باصلاحات شروع نموده و از دیگر جانب بارؤسای جزائر یکی بعد دیگر داخل جنگ شده حصص باقیمانده را نیز بتصرف خود در آوردند .

درسنه ۱۸۷۳ هالندیها جنگ سی‌ساله را با چین شروع نمودند و درنتیجه سماترا را تصرف شده بعد در سنه ۱۸۷٤ لمبوك را نیز گرفتند . درسنه ۱۹۰۸ با پرتگال جزیره تیمور را تقسیم نمودند .

اکنون از جملهٔ جزائر شرق‌الهند جزائر فلپائن بامریکه و حصه مشرق جزیرهٔ تیمور به پرتگال و حصهٔ شمالی بورنیو به برطانیه و باقی تمام جزائر به هالند تعلق دارد .

چین

مملکت چین که یکی از بزرگترین ممالك عالم میباشد درقسمت شرق اشیا واقع شده ساحهٔ آن باستثنای روس ایشیائی از براعظم اروپامتجاوز است و ساکنین آن قطعه ربع نفوس دنیارا تشکیل میدهد درازمنهٔ قدیم این مملکت رقبهٔ بزرگی را حاوی بودولی بمرورایام بواسطهٔ اختلافات و کشمکش های داخلی وخارجی بعضی ایالات آن ازان مجزا شد وعظمت آن کاسته گردید ، اقوام وطوائفیکه درین سرزمین آبادند بطوریقین گفته نمیتوانیم که مسکن اصلی آن‌ها کجاو از کدام نسلند ـ لیکن نظر به شکل و صورت و تدقیقات علمی که بعمل آمده منسوب به نژاد زردمی‌شوند . بهر صورت یکی ازقدیم ترین ملل دنیابوده درتهذیب و تمدن جداگانهٔ خود ازسائر ممالك عالم مخصوصاً اروپائیها سبقت کاملی جسته بودند .

اختراعات وایجادات که بیادگارگذاشته اندعبارت ازکاغذ وباروت سازی ، پارچه‌های نخی وابریشمی نقاشی ، معماری ، حجاری ، قطب نما وغیره میباشد که برقدامت تهذیب آن‌ها دلالت میکند ـ اول پادشاه تاریخیکه درمملکت مذکور بوده فوهی است وزمان زندگی اورادرسنه ۳٤٦۸ قبل المیلادضبط نموده اند و بعضی مورخین چینی اورا ازدرجهٔ انسانی‌بلندترتصور کرده اند ـ لکن‌مورخ مشهور چینی سی‌ماتسین Seima Tsien هوانگ‌تی رادر۲٦۹۸ ق ، م امپراطورمشهور تاریخی دانسته وابتدای‌تاریخ چین را ازاو میگیرد ، این شخص حدود



دیوار چین در درهٔ نانکو

مملکت را توسیع بخشید زیرا که قبل از وی حدود مملکت محدود باراضی رود زرد بود و باراول با اقوام وحشی ها که درشمال حکومت داشتند مبارزه نموده آن را مضمحل ساخت .

هوانگ تی را معمار اول مملکت چین نیز میدانند و میگویند بعضی خانها و شهرها را ساخته معبدی را تعمیر نمود و تقویم چینی را بروی کار آورد و تجارت را ترقی داد وعیال اوسی لنگ پارچه بافی را اختراع نموده بعد کمی تهاجمات مهن ها وانقلابات داخلی تاریخ این مملکت را تیره ساخته و اهالی آنرا بطرف سیه روزی و تیره بختی می کشاند چه مهن ها که بطرف شمال این قطعه بزرگ زندگی میکردند یك قوم شجیع و جنگجوئی بوده وهر طرف را مورد تاخت وتاز خویش قرار میدادند خصوصاً سکنهٔ جنوبی که مردمان حلیم و برده باری بودند حملات شدید آن ها را همواره متحمل می شدند ولی مجبوراً برای مدافعه از تهاجمات آنها درصدد افتادند که یك سد بزرگی را بمقابل ایشان بنا نمایند لهذا دیوار عظیمی را که دارای دو هزار میل طول است تعمیر نمودند و امروز یکی از عجائب عجائبات هفت گانهٔ عالم بشمار میرود .

اختلاف طوائف و شورشهای داخلی خاندانهای زیادی را درچین بوجود آورد لکن هرکدام بنوبهٔ خود بعد ازعرصهٔ منقرض گردیدند واز آنجمله بعضی که شهرتی داشتند بنام مینگاریم :

خاندان هسیا (Hsia) ۲۲۰۵ــ۱۷۶۶ ق م . خاندان شنگ (Shung) خاندان چو (Chau) خاندان تسین (Tsin) ۲۴۹ــ۲۱۰ ق م خاندان هان (Han) خاندان وی (Wei) خاندان سوی (Suy) خاندان تانگ (Tang) نسبتاً از بین آنها شهرتی که حاصل نموده همان خاندان هان است ۳۲ امپراطور داشتند زیرا که یکی از شاهان آن موسوم به هوئی تی (Huiti) از ۱۹۴ تا ۱۷۹ ق م است این شاه علوم ودابیات را ترقی داد وکتبی را که درایام شورشها از دست رفته بوددوباره جمع نموده بعد از مدت مدیدی امنیت را سر تا سر در مملکت قائم کرد. تهاجمات هن ها را رد نموده خیال تسخیر اهند رادردماغ داشت حتی چند نفر رامخص برای کشف راها فرستاد وتاحدی معلومات حاصل نمود ولی بکام خویش نرسیده پدرود حیات گفت بعد از آن ووتی (Wuti) ۱۶۵ــ۸۶ ق م زمام حکومت را بدست گرفته هن ها را که همیشه باعث خرابی مملکت و امنیت حکومت آنها بوده ضرب شدیدی رسانید ـ ترکستان شرق را فتح کرده با ایران وروم تجارت را شروع نموده اصول تیولیت را از بین برداشته مملکت را در سیزده نائب الحکومکی تقسیم کرد پس از مرگ ووتی لیو سیو Wuti Liu Siu که یکی از شهزادگان خاندان هان بود امپراطور منتخب گردیده لقب کوانگ ووتی را اختیار کرد این شخص را بانی خاندان هان شرقی میدانند . خاندان هان خصوصاً هان شرقی را اول خاندان ملی چین نامیده اند و یکی از خاندان های بزرگ و قوی آن قطعه می باشد ملت چین این خاندان را بنظر عزت میدیدند والحال چینی ها مخصوصاً چینی های شمالی تا امروزه روز خود را از اولاد این خاندان می شمارند و بران فخر میکنند .

درینوقت چین از هرگونه ترقیات حاصل نموده تجارت آن در تمام مملکت بسط یافت و مردمان مهذب بروی کاربودند مناصب اعلی را بقرار لیاقت باشخاص میسپردند اتحاد کاملی سر تا سر چین را فرا گرفت و وحدت ملی به تکمیل رسید .

بعد از سقوط خاندان هان (در ۲۲۰ میلادی) در چین نفاق و شقاق وخانه جنگی و بدامنی تا ۳۵۰ سال دوام نموده چین جنوبی باچین شمالی محاربات داشت حتی خاندان سوئی (۵۸۹ ـ ۶۱۸ میلادی) کل چین را متحد ساخت ـ درعهد سلطنت دودمان تانگ (۶۱۸ ـ ۹۰۷ میلادی) سلطنت چین وسعت زیاد را صاحب شده ترکستان، کوریا ، هند شمال غربی وتبت در حدود آن درآمد ـ ایرانیها درعهد همین شهنشاهان تانگ خلاف مسلمانهای عرب امداد ومعاونت خواسته بودند ـ

از ۹۰۷ ـ الی ۹۶۰ میلادی پنج خاندان دیگر حکمرانی کردند ـ و سلالهٔ سونگ از ۹۶۰ الی ۱۲۸۰ دوام نمود ، درین عصر مصوری و معارف چین ترقی زیاد نموده بود .

قدیمترین مذهب چینی ها تا حدیکه تاریخ معلومات میدهد پرستش خدای واحد بود اما بطریق بسیار ساده و از باعث کم عقلی و نادانی خود چیز های عجیب و غریب را بآن مخلوط می ساختند و رفته رفته این مذهب مبدل به پرستش قوای طبیعیه گردیده علاوه از پرستش آفتاب و مهتاب و ستارگان تماماً وهم پرستی لکن بعد ازچندی که کونفوسش فیلسوف چینی پیدا شد مذهب او را قبول نمودند و بعد در ٦٥ میلادی مذهب بدها ازهند داخل چین شد والحال یك عده کثیر چینی ها پیرو این مذهب میباشند برعلاوه از مذاهب فوق یك عده قابل ذکر چینی ها مسلمان میباشند دراواخر قرن دوازدهم وابتدای قرن سیزده میلادی از نژاد مغول اشخاص درچین بوجود آمد که شرق وغرب را متزلزل ساخته سیلاب فتوحات آنها سر تا سر مشرق زمین را فرا گرفت. وهریك از آنها درایام ترك تازی وکشورکشائی خویش مدنیت های صد ساله را خراب نموده بلاد قشنگ را طعمه آتش نمودند واکثر سلاطین وامرا را از پا درانداختند وبعلاوه آن صدها هزار نفوس بیچاره رامقتول، علوم وفنون برباد، وثروت عمومی تاراج گردید. یکی ازین اشخاص سردار طائفه مغول چنگیز خان بود که درابتدای قرن سیزدهم گوشه شمال غربی چین را میدان تاخت و تاز ساخته در عرصهٔ کمی فتوحات وسیعه نمود و شاه چین هرقدر جلوگیری کرد ممکن نشد و قریب بود که خودش ناکام شود فوراً معاهدهٔ صلح را امضاء نموده سالانه یك رقم گزاف را بطور خراج قبول کرد نمود - چنگیز خان دریکی از جنگهای خویش بمقام چین خاص (۱۲۱۳) درایالت شان تنگ (۹۰۰۰۰) نفر را بقتل رسانید شخص دیگر ازین خاندان قوبلائی خان است که در ۱۲۵۹ بسلطنت رسیده مملکت مغول را ترقیات زیادی داده وسعت آنرا بدرجهٔ انتها رسانید چنانچه از بحر منجمد شمالی تا ابنای ملاکا شمالاً جنوباً وباستثنای هند وعرب وحصهٔ غربی آسیا تاجدارکل شرق گردید مدت بیست سال با سنگ ها زد و خورد نموده خاندان آنها راکه ۳۲۰ سال دوام نموده بود بخاتمه رسانید و در ۱۲۸۰ قوبلائی خان اعلان امپراطوری نموده لقب شت سور اختیار کرد وخاندان او موسوم به یوین Yuen گشت این شخص شهر پیکن را بنا کرد پای تخت را آنجا نقل داد این شوکت و عظمت مغول ها تا عرصهٔ تخمیناً پنجاه سال دوام نمود سپس بار دیگر انقلابات داخلی و بی اتفاق ها درمملکت چین بروز نموده خاندان مغول منقرض میگردد، بعد از سقوط سلالهٔ مغلی خاندان مینگ که خالصاً چینی بودند شهنشاهان چین شدند - در عهد این دودمان تا به جاوا وسیلون لشکرکشی شد، انام در حدود سلطنت چینی داخل گردید، جهازرانان چینی تا به خلیج فارس رسیده بودند. خاندان مینگ از ۱۳٦۸ - ۱٦٤٤ میلادی دوام نمود.

مانچو ها از شمال مشرق چین حمله آورده پیکن را اشغال کردند درسنه ۱٦٤٤ تا ۱۵۰ سال حکمرانان لایق سلطنت کردند اما بعدازان دورهٔ جهالت ولاعلمی شروع شده حکومت صدمات شدیدی را متحمل میشود.

درین دوره اشخاص مدبر و عالم درچین یافت نمیشد و یا اگر پیدا می شد بمقابل ملیون ها نفوس بی علم کاری کرده نمیتوانستند علاوه بران بعضی دسته های مردم از کثرت پریشانی مجبوراً دامی برای صید روزی باز نموده هزارها نفوس ساده وبیچاره را محض برای دستیاب نمودن لوازمات حیات خویش مبتلای اوهام پرستی واعتقادات سخیفه نموده ازجادهای تهذیب و تمدن بجادهٔ کهالت و نادانی سوق میدادند برعلاوه آن کثرت استعمال افیون کاملاً آنها را ضعیف النفس ساخته و سبب آن مداخلت انگلیسها بود زیرا که از موقع استفاده نموده یك مقدار زیاد تریاك را برای فروش داخل مملکت آنها می نمودند هر قدر حکومت عاجز چین انکار میکرد تشدد انگلیسها بمقابل زیاد شده میرفت درنتیجه دو جنگ در بین آنها بمسئلهٔ تریاك بوقوع پیوست که کاملاً بفتح انگلیسا انجامید محاربه ۱۸۹٤ با جاپان وازدست دادن کوریا و شورش باکسر ۱۹۰۰ - ۱۹۰۱ وحقوق حاصل نمودن اروپائیان در بنادر تجارتی دلالت بر ضعف آنها میکند.

بواسطهٔ این غفلت و نادانی حکمداران و تجاوزات اجانب در هر گوشهٔ ملك دسته های خفیه تشکیل گردیده و برای حکومت جمهوری اقدام نمودند زیرا که وطن پرستان ترسیدند که اجانب امروز وفردا چین

را غصب نمود اهالی را محکوم ومغلوب خواهند ساخت اما بدبختانه ازین جد و جهد وطن پرستان برای چین فائده نرسید . در ۱۹۱۲ میلادی سلطنت به جمهوریت تبدیل شد ـ و اولین رئیس جمهور چین «یوآن شی کائی» منتخب گردید .

دراثنای جنگ عمومی اتحادیون یعنی برطانیه، فرانس، جاپان وغیره چین را مجبور کردند که برعلیه جرمنی اعلان حرب نماید ـ یك حزب برخلاف اعلان حرب ودیگری موافقت نمود درنتیجهٔ مخالفت رای خانه جنگیها بپا شد. بعد از اختتام حرب عمومی درچین وطن پرستان وکمونست ها واعتدال پسندها وغیره حزبها بوجود آمده شدیداً چین مبتلای خانه جنگی و بدامنی گردید بالاخره در سنه ۱۹۲۸ وطن پرستان از نانکن خروج نموده کل چین را تصرف نمودند . لیکن مقبوضات چین یعنی منگولیا، مانچوریا، ترکستان چینی و تبت عملاً از حدود چین خارج گردید، جاپان درسنه ۱۹۳۳ با چین جنگ و مانچوریا را مجزا نموده دران «پوئی» (آخرین شهنشاه مانچوری چین) را شهنشاه مانچوریا مقرر نموده اند .

چترال

ریاست چترال به انجام شرق هندوکش به سرحد شرق فغانستان بین اسمار وبدخشان وکشمیر و سوات وباجور واقع بوده مساحهٔ آن ۱۰،۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۸۰،۰۰۰ نفر است که عموماً مسلمان میباشند، اهالی بومی قدیم آن بنام (خو) یاد میشوند وزبان ایشان (خووار) است، اکثر اهالی موجوده ازهمان نژاد (خو) میباشند، ولی قوم دیگری (روناس) نام از صفحات شمالی هندوکش دراینجا آمده متوطن وحاکم گردیده اند.

دوهزار سال قبل چترال یکی از مراکز مهم دین بودائی بود، چینی ها نیز بر چترال استیلا یافته وتا اواسط قرن ۱۸ مسیحی درآنجا اقتدار داشتند اما حکومت محلی بمیرهای چترال تعلق داشت .

درابتدای قرن ۱۸ «بابا ایوب» نام که یکی از سلالهٔ تیموری بود ازشمال پنجاب وارداین دیار شد بعد ازآنکه نسل میرهای اصلی چترال منقطع گردید، «محترم شاه» که ازاولادهٔ «ایوب» بود مملکت را ازتسلط واستیلای چین نجات بخشیده زمام امور را مالك وخود را مهتر اعلان نمود، امروز مهتری چترال بخانوادهٔ مشارالیه نسلاً بعد نسل باقیمانده است .

درسنه ۱۸۷۶ مسیحی «مهتر امان الملك» تحت الحمایگی مهاراجای کشمیر را قبول نمود، بعد ازوفات او درسنه ۱۸۹۲ م ـ ۳ سال درخانوادهٔ مذکور نفاق دوام داشت «عمراخان» خان جندول ازین نفاق استفاده برده بسیاری حصص چترال را تصاحب نمود. بالاخره «شجاع الملك» بمعاونت افواج انگلیسی در سال ۱۸۹۵ میلادی برحکومت قابض گردیده تاکنون به مهتری چترال برقرار است . مرکز چترال نیز چترال نام دارد .

حجاز

سرزمین مقدسیست برای اسلام که در شمال آن ماورای اردن، درمشرق آن نجد ودر جنوب آن علاقهٔ عسیر و تهامه ودرغرب آن بحیرهٔ قلزم واقع است مساحهٔ آن ۲،۶۰۰،۰۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن بالغ بر ۱،۰۰۰،۰۰۰ نفری باشد ـ باشندگان حجاز، عرب اما در شهر مکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره وجده مسلمانهای خارج ازقطعات مختلفه دنیا نیز آمده توطن گزیده اند .

حضرت ابراهیم علیه السلام درسنه ۱۹۲۱ ق، م درشهر «اور» نزدیك (بابل) تبلیغ توحید باری تعالی را



بیت‌الله شریف‌منظرهٔ دور نمای شهر مکهٔ معظمه و حرم مبارک

آغاز فرموده اند - بعد بحکم خدای تعالی حرم محترم خود یعنی حضرت هاجره علیها السلام وطفل صغیر خود یعنی حضرت اسمعیل علیه السلام را به وادی مکه معظمه آوردند بعده، حضرت ابراهیم علیه السلام و پسر شان بحکم خدای تعالی بنای خانه کعبه را گذاشتند - بعد اولاد اسمعیل زیاده شده قبیله قریش مکه بوجود آمد اولاد اسمعیل علیه السلام را عرب عاربه میگویند .

« قصی » از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلام شهر مکه معظمه را توسیع داد، اهالی مکه معظمه به تجارت مصروفیت داشتند چنانچه در تابستان بطرف شامات ودر زمستان بطرف یمن اموال تجارتی خود را می بردند چون کعبه را حضرت ابراهیم وحضرت اسمعیل علیهما السلام بنا نهاده بودند لهذا آنجا برای کل اهالی عرب مقام مقدس ومتبرك بود وعربها از هر نقطه عربستان برای طواف می آمدند نزدیك مکه معظمه مسابقه بازار عکاظ سال بسال قایم میشد و عربها در آن پهلوانی شمشیر، زنی، اسپ دوانی ادبیات و بلاغت را میگذاشتند ابتدا خانه کعبه از آلایش بت پرستی پاك و منزه بوده وخدای واحد لاشریك در آن پرستش میشد بعد ها افکار شرك وبت پرستی در کلهها جا گرفته و بیت الله را صنمخانه ساختند چنانکه در حین بعثت حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم شمارهٔ بتان که در خانه کعبه بود به ۳۶۰ میرسید .

در ایام طفولیت رسول الله صلی الله علیه وسلم (ابرهه) یکی از رؤسای پادشاه حبشه به مکه معظمه حمله آورد تا آنرا مسمار نماید اما تمام لشکر وفیل های او باراده حضرت باری محو ونابود گردید محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم درسنه ۵۶۹ میلادی یاچهل سال پیش از سنه هجری درمکه معظمه تولد شدند این زمانی بود که عرب در ظلمت وجهالت و رسومات قبیحه گرفتار بود پیغمبر ما ص مشعل نور هدایت را افروخته نه فقط عرب بلکه تمام دنیارا از نور وحدانیت واخلاق حسنه منور وروشن ساخت .

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم را پیش از علان نبوت به لقب « امین » یاد می کردند رسول الله صلی الله علیه وسلم امین، عفیف، صادق، راست گو ونهایت شفیق وکریم وصاحب خلق عظیم بوده در عالم بشریت اخلاق صحیح انسانی را تعمیم میدادند . این پیغمبر اقدس ورحمت للعالمین چنان درس وحدانیت خدای تعالی وروح ایثار وقربانی را به اصحاب (رض) خود دمیده بود که آنها تا ۱۳ سال جور وجفای فوق العادهٔ مخالفین را در مکهٔ معظمه برداشت کردند حتی رسول الله صلی الله علیه وسلم آنهارا اجازهٔ هجرت از مکه معظمه دادند ودر آخر خود خاتم النبیین بهمراه صدیق راسخ خود یعنی حضرت ابوبکر رض بطرف مدینهٔ منوره هجرت فرمودند و در مدینه اولا طرح مواخات را فیمابین انصار و مهاجرین ماندند وانصار (رض) از خلق عظیم نبی آخر الزمان ص متاثر گردیده ازهیچگونه ایثار ولطف به برادران مهاجر خود خود داری نکردند . مشرکین مکه قرار نه نشسته خواستند که نور خداوندی را گل کنند چنانچه به مدینهٔ منوره حمله آوردند لیکن درسنهٔ هجری « درغزوهٔ بدر » هزیمت فوق العاده یافتند درسال دوم در « احد » محاربه به وقوع پیوست اگرچه مسلمانها شکست خوردند لکن لشکر ابوسفیان از خوف مسلمانها پیشرفت نکرده پس به مکه عودت کردند بعد ازین غزوات وسریه ها بوقوع پیوست بالاخره درسنه ۸ هجری مکه معظمه فتح شد لیکن مرکز نبوت بدستور سابق مدینه منوره ماند وتقریباً کل عرب مفتوح وداخل دائرهٔ اسلام گردید .

بعد از رحلت حضرت (رسول اکرم) صلی الله علیه وسلم در بعضی نقاط عرب ما سوای مدینهٔ منوره و مکهٔ معظمه اغتشاش بواسطهٔ خروج مسیلمه کذاب پیدا شده لیکن استقلال مزاج وثابت قدمی حضرت ابوبکر صدیق (رض) و محاربات خالد (رض) همه را رفع نمود، پس درعهد خلافت راشده چهاریار کبار (رض) مدینه منوره مرکز خلافت اسلامیه بود. ودرعهد عمر فاروق رض شامات را خالدبن ولید (رض) وایران را سعد بن وقاص (رض) ومصر را (عمر) و بن العاص (رض) فتح کرد .

بعد از شهادت حضرت عثمان (رض) خلافت اسلامیه بدو مرکز قرار گرفت که حضرت علی کرم الله وجهه درمدینهٔ منوره بامر خلافت می پرداختند وحضرت معاویه دمشق را محل ادارهٔ خود قرار داده بودند .

بعد از استعفای حضرت امام حسن رض سرزمین حجاز مرکزیت خویش را باخته یکی از ایالات قلمرو خلافت بنی‌امیه گردید، در سنه ۶۸۰ ع حضرت معاویه رض رحلت نمودند ویزید اول متمکن تخت خلافت گردیده ئی حضرت امام حسین رض و اکثراهالی حجاز از خلافت یزید انکار نموده بمقابل او قیام نمودند ، بعد از شهادت حضرت امام حسین رض عبدالله ابن زبیر رض درسنه ۶۸۱ ع در مکه معظمه اعلان خلافت نمودند دو سال بعد ازین واقعه افواج بنی امیه بر مدینهٔ منوره استیلا نموده شهر مدینه را تماماً مورد یغما و تطاول افواج خود قرار دادند ، بنابر این مسئله اهالی حجاز از سلطنت بنی امیه به تنگ آمده به خلافت عبدالله ابن زبیر تمایل خود را نشان دادند وحصص جنوبی حجاز و جزیرة‌العرب از خطهٔ خلافت بنی امیه منفك شده ضمیمهٔ قلمرو خلافت عبدالله ابن زبیرکه مکهٔ مکرمه مرکزآن بودگردیده ولی درسنه ۶۹۲ ع عبدالله ابن زبیر وفات‌کرده‌ئی خطهٔ متصرفه او دوباره بخلافت بنی‌امیه تعلق گرفت در سنه ۷۵۰ ع سلطنت بنی‌امیه منقرض شد وامور خلافت به‌خاندان عباسیه تعلق گرفته مرکز خلافت ازدمشق به بغداد انتقال نمود .

درسنه ۱۲۵۸ م دستگاه خلافت بغداد بدست هلاکوخان چیده‌شده و حجاز درحدود خلافت فاطمی مصردرآمد. ترکان عثمانی درسنه ۱۵۱۷ مصر را فتح کردند وحجاز تحت تسلط خلافت سلطان ترکی قرارگرفت ترکها حکام عربی را بنام شریف حجاز مقرر کردند درآغاز قرن نوزدهم میلادی نجدیها حرمین الشرفین‌را اشغال نمودند سلطان ترکی والی مصر یعنی محمدعلی را برای فرونشاندن نجدیها مقرر کرد چنانچه درسنه ۱۸۱۷ ابراهیم پاشا قائد مصر آنهارا شکست داده پای تخت آنهارا گرفت — والی مصر تاسنه ۱۸۴۵ به حجاز حکمرانی می‌کرد بعد از آن سلطان والی خود را راساً از استنبول فرستاد .

چون عرب طوریکه باید وشاید تحت نفوذ ورسوخ ترکان نبودلهذا درسنه ۱۹۰۰ سلطان عبدالحمیدخان فیصله نمود که تاحجاز خط آهن تمدید شود چنانچه درسنه ۱۹۰۸ خط آهن تامدینه رسید وعرب‌ها بدرستی تحت اداره خلافت ترکیه درآمد . درهمین سال حسین بن علی امیر مکه مقرر شد .

درایام جنگ عمومی جهازات انگلیس برجده گلوله باری نموده وآنرا اشغال کردندوحسین بن علی برعلیه ترکها اقدام نموده مکه معظمه وطائف را از ترکها گرفت اما فخری پاشا تاسنه ۱۹۱۹ مدینه را مدافعه نموده و وقتیکه از استنبول برای او حکم تسلیمی رسید به شریف حسین تسلیم نمود — شریف حسین درسنه ۱۹۱۶ خودرا شاهٔ حجاز اعلان کرد وپسرش امیرفیصل درمجلس صلح (ورسای) درسنه ۱۹۱۹ از طرف شریف حسین نماینده گی می کرد .

در اوائل سنه ۱۹۱۹ روابط شریف حسین با ابن‌السعود شاه نجد خراب شد ولشکر ابن سعود فوج شریف حسین را درتربه شکست داده خیبر وسمیه را اشغال کردند .

شاه حسین درسنه ۱۹۲۴ خود را خلیفه خواند تاعالم اسلام باومعاونت نماید بنابرآن عبدالعزیز ابن سعود برعلیه حجاز اعلان جنگ داده فوراً طائف‌را اشغال‌نمود . شاه حسین‌خودرا از خلافت خلع‌نموده وخلافت را به پسر خود علی واگذار نمود علی‌مکه معظمه‌را تخلیه نموده بطرف جده فرار کرده بجمع آوری فوج کوشش کرد ابن سعود درماه دسمبر سنه ۱۹۲۴ مکه معظمه را اشغال کرده بطرف جده پیشرفت نموده آنرا محاصره نمود لیکن درفتح آن کامیاب نشد اما فوج مذکور همه بنا در راگرفت وعلی جده را تخلیه نمود بدین وسیله کل حجاز تحت تسلط ابن سعود آمد عبدالعزیز ابن سعود درماه جنوری سنه ۱۹۲۶ پادشاهی خود را اعلان کرد.

برطانیه درسنه ۱۹۲۵ قطعهٔ عقبه ومعان را اشغال نمود که‌بدوران جنگ عمومی بحجاز شامل شده بود درماه مئی سنه ۱۹۲۷ فیمابین برطانیه‌وابن سعود معاهده بامضا رسیده دولت برطانیه استقلال‌ابن سعودرا تسلیم نمود ومرکز سلطنت ابن سعود ریاض میباشد و حجازیك ایالت آن است .

حضرموت

علاقهٔ ایست درساحل جنوبی عرب که یمن درمغرب آن وعمان درمشرق و صحرای جنوبی در شمال آن واقع است ،مساحه آن ۱۵۱٫۵۰۰ مربع کیلومتر و نفوس آن ۱۲۰٫۰۰۰ نفر می باشد ودرعلاقه حضرموت قبور حضرت هود علیه السلام و حضرت صالح علیه السلام موجود است در حضرموت ما سوای آب باران دیگر آب جاری نیست اما چاهاوچشمه ها بسیار زیاد است .

نام حضرموت بسیار قدیمی است و مورخین یونانی نام آنرا بتحریف جزوی ذکر کرده اند از خرابه های وادیهای دووان و عدیم منکشف میشود که حضرموت دراز منه قدیم تهذیب عالی و ترق زیادی را صاحب بود ـ اکثر اهالی اخلاف قحطان می باشند عدهٔ زیادی از سادات و بعضی مهاجرین که از شمال آمده اند و بعضی مخلوط النسل (کنیز های حبشی و عربها) نیز می باشند .

سادات ، روسای مذهبی شمرده می شوند وقبایل دیگر که یك جزءآنها چادرنشین وجزءدیگر ده نشین می باشد بدو فرقه تقسیم می شود ، یکی را (قایتی) ودیگری را (کثیری) می نامند ، قایتی هـا را از جنوب مغرب عرب سادات خواسته بودند که آنها را از عادات بادیه نشین ها حفاظت نمایند اما حالا حکمران حقیقی مملکت شده اند وپای تخت آنها بندر (مکله) می باشد ، برای رؤسای این قبیله از طرف نظام حیدرآباد دکن لقب سپه سالاری داده شده است که بآنها موروث شده است چرا که یکعدهٔ عربها در عسکر نظام داخل می باشند وکثیریها بعدهٔ زیادی بطرف جاوا و سماترا هجرت کرده اند وآنها هم سلطانی در حضرموت دارند اما حالا حکومت هالندی بر توطن گزینی آنها در جزائر مذکور قیود نهاده است زیرا که این عربهای درین جزیره ها رفته خلاف حکومت نصاری هالندی سازش ها می کنند .

سلطان قایتی بهلب ابن عواض ابن عمر درسنه ۱۹۲٤ وفات کرد . اگر در حضرموت سیاحت مزید و حفریات شود معلومات خیلی مفید تاریخی بدست خواهد آمد .

حیدرآباد دکن

حیدرآباددکن بزرگترین وتوانگرترین ریاست هنداست مساحه‌آن ۲۱٤٫۱۷۹ مربع‌کیلومتر و نفوس‌آن ۱٤٫۳۹۵٫٤۹۳ نفر وعواید سالیانهٔ آن (۸۳٫۷۷۵٫۰۰۰)سکه عثمانی حیدرآبادی می باشد. تاریخ این خطه پیش از قرن ۱۸جزو تاریخ‌کشور هند بوده است، بانی‌و موسس ریاست‌کنونی حیدرآباد میر قمرالدین خان پسر بزرگ غازی الدین خان فیروزجنگ است، فیروزجنگ ازسپه سالارهای افواج اورنگ زیب عالمگیر بوده نسبش به شیخ شهاب الدین سهروردی‌و از اوبه خلیفه‌اول‌رض‌منتهی می‌شود ، میر قمرالدین خان دارای القاب‌متعددی ازقبیل‌چین قلیچ‌خان فتح جنگ نظام‌الملك ، آصف جاه بوده است، نظام‌الملك نخستین‌مرتبه در سنه ۱۷۱۲ ازطرف شاه عالم‌اول صوبه داریعنی والی دکن مقررگردید وقتیکه نادرشاه افشار بر هند حمله آورد و سلطنت مرکزی مغولیه را تحت فشارگرفت نواب آصف جاه‌ازوقت استفاده‌کرده حکومت دکن را عملا مستقل نموده فرمان روائی این خطه را برای اولاد واحفاد خود بارث گذاشت . چون آصف جاه درسنه ۱۷٤۸ ترك حیات گفت در بین پسران او اختلاف و منازعهٔ برخاست و ضمناً تجار انگلیس ، فرانس‌هم بکمك کردن بامنازعین دامن زن نائره نزاع دربین آنها گردیدند بالاخره پسر سومین مشارالیه ملقب به صلابت جنگ به پشت‌گرمی امداد فرانسه بر دیگر برادران غالب آمده جانشین پدرگردید ولی درعهد حکومت او علاقه های وسیع قلمرو او را طائفه مهراته تصرف کردند در سنه ۱۷٦۱ برادرکوچك او نظام‌علی‌خان بر علیه صلابت جنگ برخاست

واورا از سلطنت خلع نموده خود وارث تخت و تاج پدر گردیده و بمدافعهٔ طائفه مهراته نیز قیام نموده علاقه های از دست رفته خود را از غنیم استرداد نمود در سنه ۱۷۶۸ کمپنی ایست اندیای انگلیس علاقه سرکار شمالی را در عوض (۹۰۰،۰۰۰) کلدار سالانه بطور پیشکش وفراهم آوردن عده از عسکر هنگام ضرورت باهم مقاوله نموده و درین خصوص فرمانی نیز از نظام علی خان بدست آوردند.

در سنه ۱۷۹۵ هنگام محاربه نظام باطائفه مهراته فوج انگلیس از ایفای خدمت انکار نمودند بنابرین تخلف، نظام بانفری خود شکست یافته و علاقه دولت آباد که سالیانه سی و پنج لك كلدار عایدات و مالیه آو بود ازقلمرو نظام جدا شده به تصرف مردم مهراته درآمد بعد ازین واقعه مقاوله نامهٔ قبل را با انگلیسها فسخ نموده و فرانسویها را برای تعلیم و تربیه افواج خود استخدام نمود و بعدها در بین انگلیس و فرانسه نایرهٔ جنگ مشتعل شده وبالاخره فرانسویها شکست خورده انگلیسها دوباره نفوذ و رسوخ خودرا درین خطه قائم و مستحکم نمودند در سنه ۱۸۰۳ نظام علی خان ترك زندگی نموده وپسر بزرگ او، سکندر جانشین پدرگردید و علاقهٔ برار را که قبلاً مردم مهراته تصرف کرده بودند دوباره بدست آورد در سنه ۱۸۲۴ خراج و مالیه علاقهٔ سرکار شمالی را به انگلیسها گذاشت و درسنه ۱۸۲۹ ازدنیا رحلت نموده وناصرالدوله پسر بزرگ او نظام دکن مقرر گردیده اداره وانتظام علاقه برار ورایچوررا به انگلیسها واگذار نمود بشرطیکه از عایدات سالیانهٔ آن تنخواه سپاه وقشون را تادیه کرده ومابقی را واپس به نظام بسپارد درسنه ۱۸۵۷ ناصرالدوله ازدنیا انتقال نموده وافضل الدوله پسر بزرگ اوبجای پدر نشست درسنه ۱۸۶۰ غیر از علاقه برار تمام علاقه ها وحصص دیگررا دوباره استرداد نموده ازسایر عواید و باقیات ملك صرف نظر نمود درسنه ۱۸۶۹ افضل الدین پدرود زندگی نموده محبوب علی خان پسرخورد سال او وارث پدرگردید و به نیابت اوحسب وصیت پدرش سالارجنگ وشمس الامرا تعین یافت درسنه ۱۸۸٤ دورهٔ نیابت و وکالت او به اختتام رسیده خود محبوب علی خان مستقیماً فرمان روائی می نمود ودرسنه ۱۸۹٤ قانون مشروطه را اعلام نمود درسنه ۱۹۰۰ قانون مذکور تعدیل پذیرفت ودرسنه ۱۹۰۲ محبوب علیخان علاقه بزاررا درعوض سالانه (۲۵،۰۰۰،۰۰۰) کلدار بطور مستمری برای انگلیسها گذاشت و ازعدهٔ سپاه خود نیز کاسته به دوازده هزارفوج شخصی قانع گردید درسنه ۱۹۱۱ طومارحیات را پیچیده وپسر بزرگ او میرعثمان علیخان جانشین و وارث پدر گردید وپسر بزرگ خود حمایت علیخان اعظم جاه را از طرف خود ولی عهد و وارث تخت تعین نمود درسنه ۱۹۳۱ درمقام نیس دختر سلطان عبدالمجید سلطان سابق ترکیه موسوم به (درشهوار) را برای پسر بزرگ خود اعظم جاه عقد وتزویج نمود.

ساراواك

مملکتی است تحت حمایهٔ بریطانیای کبیر که در حصهٔ شمال شرقی جزیرهٔ بورنیو واقع است مساحهٔ آن مساوی ۱۰۸،۸۰۰ کیلومتر مربع بوده اهالی آن عبارت است از ۶۰۰،۰۰۰ نفر که اکثریهٔ آن مسلمان میباشند ومحاصیل سالیانهٔ آن ۴،۲۴۲،۹۰۹ دالر است.

اصلاً مملکت ساراواك بسلطان برونیك تعلق داشته درسنه ۱۸۴۲ م جیمس بروك (انگلیسی) به‌عوض خدمات جنگی خویش باداره‌ٔ قسمتی از ملك مذکورتعیین یافت درسنه ۱۸۶۱ م جیمس مذکورقسمتی ازمملکت سلطان برونی را بحکومت خود الحاق وضم نمود درسنه ۱۸۶۳ حکومت برطانیا استقلال آنرا شناخت ودرسنه ۱۸۶۸ بروك فوت شده بعوض او برادر زاده اش سرچارلس ابروك مقام اورا اشغال نمود ودر سنه ۱۸۸۸ م حکومت برطانیا حسب درخواست (راجاه) سارا واك را تحت حمایهٔ خود قرارداد.

در سنه ۱۹۰٤ م قسمتی از بورنیوی شمالی را بقرار معاهده به مملکت خود ملحق ساخت درسنه ۱۹۱۷ چارلس جانس نیز فوت شده پسرش به مقام او نائل آمد. راجای کنونی سرچارلس وایز بروك ومرکز حکومت شهر کوجنگ است.

سای بیریا

بدواً درزبان روسی علاقهٔ تاتار خان قوچوم را که برکنار دریای ایرتش (یك معاون دریای اوب) بود وکاسکها آنرا در سنه ۱۵۸۱ میلادی فتح کرده بودند سی بیر میگفتند، سپس این اصطلاح به تمام علاقه جات آسیای شمالی که روس متصرف شده بود معمول گردید، نفوس سای بیریا ۸ر۲۳۸ر۰۰۰ ومساحه آن ۴ر۵۰۰ر۰۰۰ کیلومتر مربع میباشد.

قدیم ترین باشندگان این دیار (یبلنیسی ها) بودند، بعد از آنها (اوگروسموییدها) مجبور به فرار شده در قرن سوم قبل از میلاد کوهای الطائی وسلسله سیان را عبور کرده به سای بیریا داخل شدند.

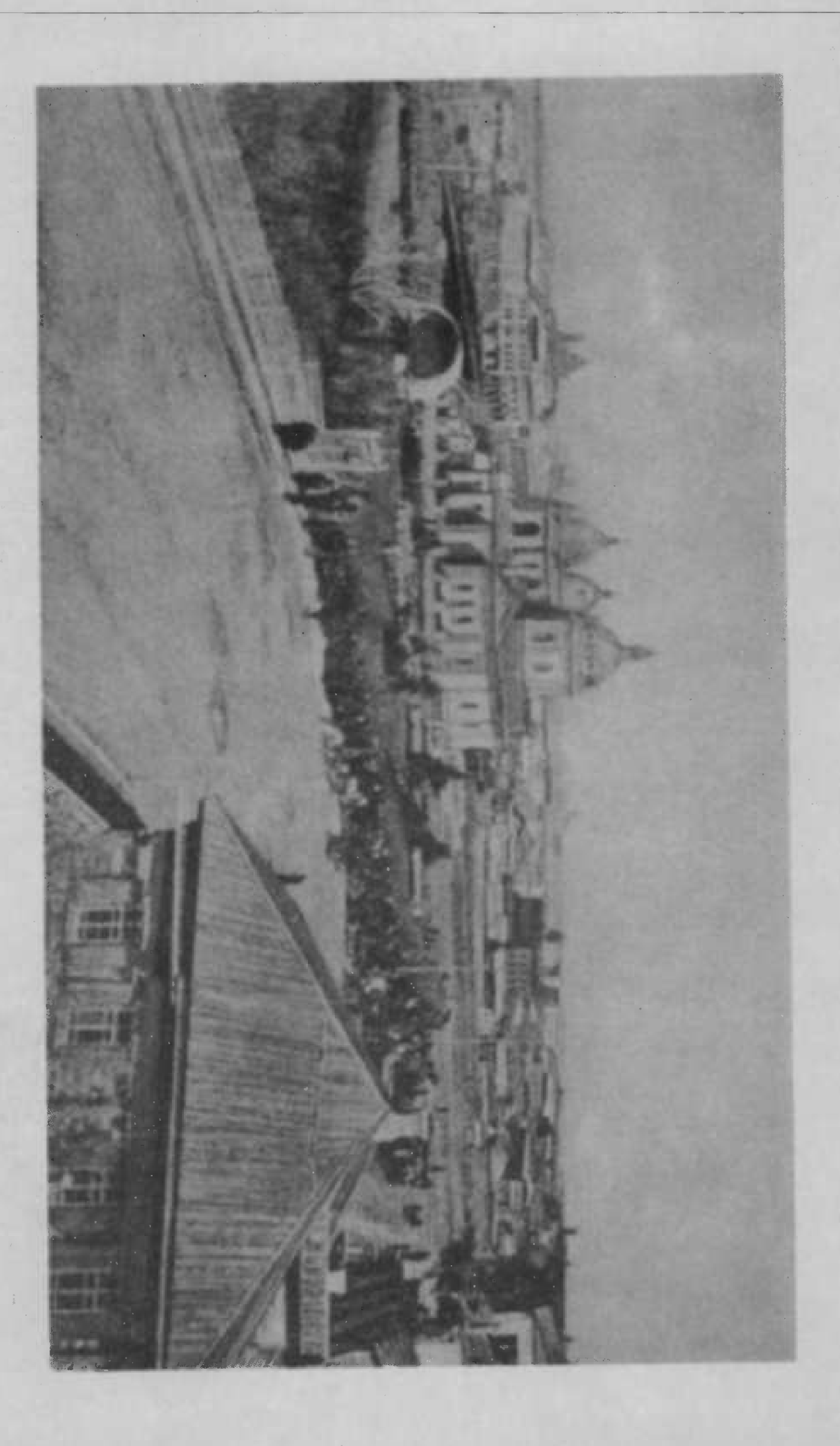
اوگروسموییدها از استعمال مضرع صنعت وزراعت باخبر بوده درصنعت آلات وزیورات، نقره وطلامهارت بلندی داشتند نیز رقبه وسیع سای بیریا را زیر کاشت آورده بودند، میتوانیم که بگوئیم که تمدن آنها نسبت به مهاجرین بعد تر بسیار بلند بود.

هشت قرن بعد قبیله های ترکی خاگاسها داوئی غورها از اوطان خود رانده شده وباین سرزمین رسیده اوگروسموییدها را مغلوب نمودند، ترکها از استعمال آهن واقف بودند وصنعت آن را هنوز ترقی داده آنرا محض برای تزئین بت استعمال میکردند سلطنت ترکها تاقرن سیزدهم میلادی دوام نمود حتی مغلهای چنگیز خانی را برانداختند.

دراوائل قرن شانزدهم فراریهای تاتاری از ترکستان وارد شده قبایل پراگنده سای بیریا را مغلوب ومفتوح نمودند، زارعین، چرمگرها، سوداگرها وملاها از ترکستان درین سرزمین وارد شدند، بعد طوائف الملوکی برکنار دریای ایرتش ودریای اوب برپا شدحتی خان ایدیگار را تحت سلطه خودآورده وباخود متحد نمودند، درین زمان روسی ها در یورال استحکامات وقشله ها را بنا کرده پیشرفت نمودند خان مذکور باآنها نبرد آزما ومغلوب شد وسفرای او در سنه ۱۵۵۵ به ماسکورفته تادیه باج سالیانه را بدر بار ماسکو قبول نمودند یرمق رئیس قبیله کاسك درسنه ۱۵۸۰ با ۱۶۳۶ نفری خود از یورال گذشته به سای بیریا داخل شده درسال ۱۵۸۱ (الیسکا) پایتخت خان قوچوم را محاصره کرد.

یرمق درسنه ۱۵۸۴ بدریای ایرتش غرق گردید وکاسکها پس بوطن خود عودت نمودند لیکن بعدازان شکاریها ومخاطره جوها هرسال داخل سای بیریا شده رفتند وحکومت ماسکو آنهارا معاونت وتحریك می نمود، این نفری بطرف جنوب یعنی ترکستان جرئت نکرده پیشرفت خود را بطرف مشرق ادامه دادند ودرهمین اثنا حکومت ماسکو قلعه ها را میساخت ومزدورها را روان میکرد بهتاقشله های عسکری آذوقه وغیره بهم برسانند.

درعرصهٔ ۸۰ سال روسی ها بدریای امور وساحل بحرالکاهل رسیدند، البته این پیشرفت سریع از باعثی بوجود آمد که تاتارها وترکها متحد نبوده قوه مدافعه نداشتند تونگوسها در (۱۰ – ۱۶۰۷) برای حصول استقلال خود محاربات نمودند بالاخره درسنه ۱۶۲۳ مغلوب گردیدند، روسیها درسنه ۱۶۳۷ بهکنار دریای لنا رسیده قلعه یاکتسك را درسنه ۱۶۳۷ تعمیر نمودند ودو سال بعد آنها به بحیرهٔ اوکاتسك رسیدند — بوریاتها تا ۱۶۴۳ باروسی ها قتل وقتال را شروع کردند بالاخره درسنه ۱۶۵۰ جرنیل روسی خابروفکا رهای دریای اموررا در تصرف آورد تاسنه ۱۸۵۷ میلادی کاسکهای روسی ودهقانها در اطراف تمام گذرگاه دریا آباد ومتوطن شدند — وحکومت چین در سنه ۱۸۵۷ وبواسطه معاهده سنه ۱۸۶۰ تسلط واستیلای روس را درین دیار تسلیم نمود.



شهر اوسلو

حکومت تزاری مجرمین خود را در سای بیریا تبعید میکرد .

بعد از انقلاب بالشویکها درسای بیریا تحریکات خلاف بالشویکها پیدا شده وآنهارا (فوج سفید) نام نهادند وافواج جاپان ، فرانس ، برطانیه و امریکه بآنها معاونت نمودند قائد فوج سفید جرنیل کولچاك بوده تمام سای‌بیریا را فتح‌کرد اما بالاخره شکست خورده در سنه ۱۹۲۰ بدست (فوج سرخ) اسیرگردیده اعدام‌شد .

حال سای بیریا به چندین جمهوریتهای ساویتی منقسم است یعنی بوریات ، مغل ، جمهوریه شرق اقصا ، قرغزستان وغیره .

سوماترا

جزیرهٔ بزرگیست بجنوب جزیره نمای ملایا مساحهٔ آن ۴۲۳٫۰۳۵ کیلومترمربع و نفوس آن عبارت از ۸٫۲۳۸٫۵۷۰ نفراست اهالی آن از نژاد ملایائی وباخون هندی وعرب امتزاج یافته وتقریباً تمام آنها مسلمان و بشجاعت و استقلال‌خواهی ممتاز و معروف اند .

باوجودیکه اهالی حصص جنوبی سوماترا مسلمانند بازهم درزیر نفوذ وتاثیر مراسم وعادات تاریخی ملی خود واقع گشته ، پابند نسب مادری اند یعنی نسب خویش را از طرف مادراهمیت داده وارث ، اناث را می شناسند نه ذکور را ، به تعبیر دیگرارث تعلق باناث گرفته اولاد ذکور ازان محروم شناخته میشوند .

درقرن اول مسیحی اهالی هند به سوماترا رفته ودرآنجا توطن گزیده و سلطنت تاسیس نمودند این سلطنت درقرن ۷ بر تمام جزیره حاوی گردید چنانچه در قرن نهم مورخ مشهور عبدالله بن احمد بن خردادبه ندیم معتمد خلیفه متوفی عباسی (۲۸۰) ه درکتاب المسالك والممالك و دیگر مصنفین عربی از سلطنت عظیم‌الشان بودائی سوی وجیا که مرکزآن پالم (بانگ) است درکتب خویش ذکر نموده اند .

اگرچه سلطنت مذکور بچند حصه تقسیم شده بود اما ششصد سال بعد ازان نیز باکمال شوکت قائم بود ، آثار معابد برهمنی و بودائی آن تا این زمان موجود است . در قرن ۱۳ عربها بر آچین استیلا یافته و اکثر اهالی آن به مذهب اسلام مشرف شدند بعد ازان درمرور چند سال شاهان حصص دیگر نیز بدین اسلام در آمده وقریباً تمام اهالی سوماترا، آئین اسلام را برگزیدند و تاقرن ۱۷ سلطنت های اسلامی آچین، اندرپوره دیلی ، پادانگ ، پالم بانگ ، جامبی مینانگ کاباوآن کمال شوکت وعظمت را دارا بودند وازان جمله سلطنت آچین در عهد سلطنت سکندر مودا جزیره نمای ملایا را نیز فتح نموده پرتگالیها را بمراتب شکست وهزیمت داد بعد ازان اروپائیها قدم درآنجا نهادند درسنه ۱۵۰۹ پرتگالی ها تجارتخانهٔ تاسیس نمودند، دراواخر قرن ۱۶ هالندیها ، پرتگالی هارا رانده خودشان بجای آنها نشستند، درابتدای قرن ۱۷ (۱۶۰۲) انگلیسها نیز به سوماترا وارد گردیدند .

بعد ازان تا سه صدسال تاریخ این مملکت را یك سلسله جنگهای مهیب و خونریزی که باهالیندیها نموده اند اشغال کرده است .

درسنه ۱۶۶٤م (اندرپوره) درسنه ۱۶۶۶ (پاوانگ) تحت نفوذ هالندیها قرار گرفت سلاطین (پالم بانگ) درسنه ۱۶۵٤ وسنه ۱۸۱۹ م هالیندیهای که درآنجا نفوذ ودست پیدا کرده بودند بکلی از مملکت خویش راندند اما بالاخره در سنه ۱۸۵۱ م هالندیها قوای سلاطین را نابود ساخته بر مملکت متصرف شدند ودردیلی وجامبی ومینانگ کاباواز سبب خانه جنگیها استفاده و پیشرفت نمودند ولی رؤسای محلی ممالك مذکور تاآخر قون ۱۹ از عزم استقلال خواهی خویش نکاسته بر علیه هالندیها قیام می نمودند .

درآچین که شاهان آن از نسل عرب بودند تاسنه ۱۹۰۳ هالندیها نتوانستند به تسخیر کلی آن موفق شوند تاآنکه در سنه ۱۸۷۳ باتمام قوای خود برای استیصال آچین حمله آورگشته بعد از جنگ مسلسل سی سال به صرف بیشتر از پنجاه ملیون پوند وقتل دوصدوپنجاه هزارنفوس باطفای نائره جدال کامیاب گردیدند وهرچندیکه سواحل آن کاملاً امروزمغلوب گردیده در تصرف هالندیهادرآمده باشد باز هم در حصص کوهستانی مرکزی جزیره اهالی آن آزاد و درمجادله دوام داشته برای جلوگیری از پیشرفت هالندیها بوسائل مختلفه تشبث مینمایند .

سوماترا اکنون بحصص ذیل منقسم است :

سوماترای غربی ، تاپانوئیلی ، سوماترای شرقی بنکویلن ، لام پونگ ، پالام بونگ، جامبی ، آته جه،

سیام

مملکت مستقل سیام در وسط جزیره نمای هند چینی واقع است ، مساحهٔ آن عبارت از ۵۱۸ر۱۶۲ مربع کیلومتر و نفوس آن ۰۰۰ر۳۵۵ر۱۲ نفر میباشد . اهالی آن از اقوام شان ولاؤ وسیامی مرکب اند و بطور مجموعی ملت خود را بنام تهائی (احرار) ومملکت را بنام موآنگ تهائی یعنی احرارستان یاد میکنند .

تاریخ قدیم این مملکت از روایات وافسانه هائی مملوست که اکثر آن از درجهٔ اعتبار ساقط است مثلاً ملت خود را از اولاد رفقای بودا میگویند وهزاران خوارق آنها را در کتب خود ذکر نموده اند ـ اولین تاریخیکه به صحت تعین میتوان کرد تاسیس شهر لام پون در سنه ۵۷۵ م می باشد بعدازان تاسنه ۱۲۵۰ که قبائل لاؤتائی راقبلائی خان امپراطور چین از ولایات جنوبی چین کاملاً خارج نمود جنگهای داخلی و خارجی جاری بود که دراثر آن تا سنه ۱۲۸۰ تمام هند چینی از دریای میکانگ در شرق تا پیچابوری ، در غرب تا ساحل بحر وانجام جزیره نمای ملایا بطرف جنوب در تصرف اقوام تهائی درآمد وآنها باهم اختلاط و امتزاج کلی یافتند ـ زبان سیامی ورسم الخطمخصوص آن درهمین ادوار تشکیل یافت ـ چنانچه درمقام سوختائی که درآن زمان پای تخت راماکام هنگ شاه سیام بود به کتیهٔ مورخه سنه ۱۲۴٤ در این زمان موجود است وحدود مملکت را نشان میدهد .

چون مملکت وسعت یافت مرکز حکومت از سوختائی به (ناخون سوان) و از آنجا به (کام نیك پیت) و باز به (سوارنابوری) منتقل شد وبالاخره درسنه ۱۳۵۰ (فواماتبودی) بعد از فتح شهر (سانو) شهر جدیدی بنام (ایودهیا) درآن مقام بنا نمود وجزوی از ولایت برمای حالیه وکمبودیا را به تصرف خود آورد ـ حکومت خانوادهٔ این شاه تا چهارصد سال دیگر دوام کرد ودرین زمان تمام کمبودیا ضمیمهٔ دولت سیام گردید .

درقرنهای پانزدهم وشانزدهم مسیحی اهالی برما بر سیام هجوم آوردند و در حدود سنه ۱۵۵۵ پای تخت ایودهیا را فتح نموده سیام را به حکومت خود الحاق نمودند ولی چند سال بعد فرانارت اهالی برما را از ملك خود خارج و سلطنت خانوادهٔ خود را دو باره قائم کرد بلکه اکثر حصص مملکت برما را هم متصرف گردید .

بالاخره درسنه ۱۷۶۷ شهر (ایودهیا) بعد از محاصرهٔ دوساله بدست اهالی برما مفتوح ومسمار گردید .

بعد از آن جرنیل سیامی (فایا تاخ سین) نام مملکت خود را از فاتحین خارجی نجات داده شهر بنگاک را پای تخت خود قرار داد ـ چند سال بعد دیوانه شد ودعوی الوهیت نمود وبعوض او (فایا چکری) بانی خاندان شاهانهٔ حالیه در (۱۸۷۲) برتخت نشست درعهد شاهان این سلاله بنا بر مسائل سرحدی بارها بافرانس

که حصص شرق هند چینی را تحت حمایهٔ خود گرفته بود جنگ شد و یکمرتبه جهازات جنگی فرانسوی به بنگاک رسیدند .

بالاخره در سنه ۱۸۹٦ معاهدات راجع باستقلال سیام و حدود آن سلطنت دولتین برطانیه و فرانسه باهم منعقد نمودند ولی بعد ازآن بواسطهٔ الغای کاپیتولیسیونها چهار ریاست ملایا برای انگلیس و بعضی قطعات غرب به فرانسه واگذار گردید .

(فرا پراجادهی پوك هفتم) پادشاه سلالهٔ (چکری) در سنه ۱۹۲٦ برتخت نشست و بتاریخ ۲٤ جون۱۹۳۲ مشروطیت را قبول واعلان نمود .

مراودات خارجه : این دولت ازابتدا با چین و هند ودول همسایهٔ خود روابط داشت - در ابتدای قرن (۱٦) اهالی پرتگال با شاهان این مملکت روابط سیاسی واتحادی پیدا کردند ودر اواخر همین‌قرن جاپانیها نیز داخل مراودات شدند درقرن هفده اهالی هالیند وفرانسه وبرطانیه نیز باب مراوده را مفتوح نمودند .

درسنه ۱۸۲٦ با برطانیه ، درسنه ۱۸۳۳ با امریکه ، درسنه ۱۸۹۸ با جاپان ،درسنه ۱۸۹۹ با روس درسنه ۱۹۲۰ با جماهیر متحدهٔ امریکه در ۱۹۲٤ با جاپان درسنه ۱۹۲٦ با دنمارك فرانس ، هالیند و پرتگال وهسپانیه و سویدن ودرسنه ۱۹۲۷ با ناروی وایطالیه و بلجیم ولکسمبورگ ودرسنه ۱۹۲۸ با جرمنی و در سنه ۱۹۳۱ با سویزرلیند معاهدات نمود .

سیلون

جزیرهٔ بزرگیست که درمنتهای جنوبی هندوستان واقع بوده وازمستملکه برطانیه میباشد مساحهٔ آن۲۰۸ر۲۵ مربع میل ونفوس آن تخمیناً ۸۷۱ر۳۰۲ر۵ نفر است اهالی آن کما بیش از هفتاد قوم مخلوط بوده وازانجمله به تعداد ۰۰۰ر۳۱۰ نفر مسلمان هستند وعده(سین هالی)ها ازهمه بیشتراست بودائیها به تعداد ۸۰۵ر۷۲۹ر۲ وهندوها ۰۷۳ر۹۸۲ و نصاری ٤۰۰ر٤٤۳ نفر میباشد .

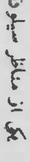
بودائیت درقرن سوم قبل از میلاد در سیلون داخل شده بود .

در ادبیات برهمنی ها جزیرهٔ سیلون (لنکا) بود ویونانیها وروميها آنرا (تاپروبین) میخواندند وملاحین وسوداگران مسلمان آنرا سراندیپ گفتند پورتگیزیها آنرا زیلون نامیدند که نام امروز سیلون از همین اسم مشتق است .

بومیان قدیم جزیرهٔ سیلون به (وداهیها) موسوم وحال عدهٔ ودهیها فقط تخمیناً چهار هزار است .

درکتاب رزمی هندوها موسوم به راماین مذکور است که راون پادشاه لنکازوجهٔ رام چندر یعنی سیتارا به جبر برده بود ، لهذا رام چندر بافوج خود پل آدم را عبور کرده لنکا را مفتوح وراون را به قتل رسانید .

جزیرهٔ سیلون تاریخ قدیمی دارد که نام آن مهاونسه یعنی (شجرهٔ نسب بزرگها) میباشد این تاریخ حاکیست که درسنه ٥۰٤ ق م (وجایه) اولین شاه سینهالی بهمراه تابعین آریائی خود از خلیج بنگال سفر کرده به جزیره فرود آمد و پادشاه کل جزیره شد و بایك خانم بومی ازدواج نمود سینهالی ها در شمال



یکی از مناظر سیلون

(دمبوله) که یك ساحهٔ وسیع و همواریست آباد شده و بواسطهٔ بهترین وسیله های آبرسانی عالم بشر اراضی آنجا را قابل زراعت و کاشت ساختند - نام قدیمی این خطه پی هیتی و قدیمترین پایتخت شاهان سینهالی (را جارته) بود ، بعد (انورد پوره) را پایتخت خود قرارداده و تا زمانهٔ طویلی سلطنت کردند ، در سنه ۳۰۷ ق ، م (ماهنده) قشیش بودائی بهمراه یك پسر راجه اشوك به جزیره وارد شده به تبلیغ بودائیت پرداخت و سپس بودائیت در تمام جزیره تدریجاً نشر شد .

وقتاً فوقتاً حمله آوران از هند جنوبی به سیلون حمله آورده حصهٔ شمالی و مرکزی آنرا فتح میکردند حتی از قوم تامل شخصی (ایلاله) نام تخت آنوردپوره را تصرف نمود لیکن یك پهلوان سینهالی (دوتیگیمونو) نام (۱۹۰ ق م) آنرا کشته حکومت سنیهالی را مجدداً زنده ساخت .

در سنه ۲۷۵ میلادی یك مبلغ مسیحی به جزیره رسیده تبلیغ دین مسیح را آغاز نمود بهرحال تاریخ سیلون درعهد شاهان سینهالی یك تاریخ خانه جنگی ها و زمانهٔ امن و آرامی و حملات پادشاهان و عساکر هند جنوبی است - شاهان پی هیتی یعنی (لنکای شمالی) و رؤسای (روهونه) و (مایارته) « قطعات جنوب لنکا » مابین خود محاربات داشتند بالاخره (پروگرام باهو) در سنه ۱۱۵۳ میلادی تاج پی‌هیتی را بر سر نهاده روهونه و غیره را فتح کرده درسنه ۱۱۵۵ میلادی پادشاه کل لنکا شده اقتدار و وقار سینهالیها را زنده ساخت ، این پادشاه به پیگو (در برما) و هند جنوبی حمله برده بود اگرچه عهد او را (زمانه طلائی لنکا) می نامند لیکن لشکر کشی و عاید نمودن محصول گزاف او باقتصادیات مملکت صدمهٔ بزرگ رسانیده و اهالی را به خوردن سبزی جات مجبور و قتل حیوانات را خیانت بزرگی قرارداده بود .

درسنه۱۴۰۸ شاه (وجایه باهوی چهارم) سفیرچینی را اهانت نموده بود بنابران عسکرچینی برای انتقام به سیلون حمله آورده پادشاه‌را اسیر و به چین بردند و تا سی سال جزیرهٔ سیلون باجگذار چین بود (بتاریخ چین رجوع شود .

وقتیکه پرتگالیها تحت سرکردگی (فرانسکو دوالمیده) در سنه ۱۵۰۵ به جزیره رسیدند هفت پادشاه مستقلاً سلطنت میکردند و با یکدیگر دشمنی و محاربات داشتند در سنه ۱۵۱۷ پرتگیزی ها در کولمبو باجازهٔ پادشاه کوته قلعهٔ را تعمیر نمودند وآنها به تبلیغ دین مسیحی سعی بلیغ میکردند و ماهیگیران سینهالی مسیحیت را اختیار کردند چنانچه درین روزها عدهٔ مسیحیون لنکا بالغ به (۴۵۰) هزار و منجملهٔ آنها ۹۵ فیصد رومن کاتولیك میباشند ، لیکن وحشت و بربریت پرتگالیها در راه تبلیغ مسیحیت مسلمانها و بودائیهارا به دشمنی و نفرت آماده ساخت ، چنانچه وقتیکه (دچها) و انگلیسها باین سر زمین رسیدند آنها را ناجی شمردند .

امیرالبحر هالندی (سپیل برگ) در سنه ۱۶۰۲ به ساحل مشرق سیلون فرودآمد و پادشاه (کاندی) پذیرائی او را نموده استمداد خواست تا پرتگالیهای منفور را اخراج نمایند دچها بعد از تیاری در سنه ۱۶۳۸ فوج کشی کرده جمله قلعه های مشرق را از پرتگیزیها گرفتند در سنه ۱۶۴۴ نیگومبو را اشغال کرده و در سنه ۱۶۵۶ کولمبو و در سنه ۱۶۵۸ جفنه را فتح کردند پس باستثنای علاقهٔ کاندی جمله مقامات ساحلی بدست دچها افتاد و پادشاه کاندی آزاد ماند - پرتگیزیها تا عرصهٔ ۱۴۰ سال و دچها هم همین قدر مدت در سیلون حکمرانی کردند ، پرتگیزیها وحشت و بربریت را بکار برده مملکت را خراب کردند . دچها اگرچه محصول زیاد بالای رعایا مقرر کرده بودند با وجود آن هم حکومت آنها نسبتاً خوبتر بوده و اهالی در هر شعبه ترقی نمودند .

انگلیسها در سنه ۱۷۶۳ از مدراس بدربار پادشاه کاندی سفیر فرستادند اما نتیجهٔ نه بخشید درسنه ۱۷۹۵ یك قطعه عسکر انگلیس به سیلون حمله برده در مدت کمتر از یك سال جزیره را به تصرف خود درآوردند - بدواً ادارهٔ آن ازمرکز مدراس میشد لیکن مردم ازین طریق حکومت ناراض گشته و

(دمبوله) که یك ساحهٔ وسیع و هموار یست آباد شده و بواسطهٔ بهترین وسیله های آبرسانی عالم بشر اراضی آنجا را قابل زراعت و کاشت ساختند - نام قدیمی این خطه پی هیتی و قدیمترین پایتخت شاهان سینهالی (راجارته) بود، بعد (انورد پوره) را پایتخت خود قرارداده و تا زمانهٔ طویلی سلطنت کردند، در سنه ۳۰۷ ق، م (ماهنده) قشیش بودائی بهمراه یك پسرراجه اشوك به جزیره وارد شده به تبلیغ بودائیت پرداخت و سپس بودائیت در تمام جزیره تدریجاً نشر شد.

وقتاً فوقتاً حمله آوران از هند جنوبی به سیلون حمله آورده حصهٔ شمالی و مرکزی آنرا فتح میکردند حتی از قوم تامل شخصی (ایلاله) نام تخت آنوردپوره را تصرف نمود لیکن یك پهلوان سینهالی (دوتی گیمونو) نام (۱۹۰ ق م) آنرا کشته حکومت سنیهالی را مجدداً زنده ساخت.

در سنه ۲۷۵ میلادی یك مبلغ مسیحی به جزیره رسیده تبلیغ دین مسیح را آغاز نمود بهرحال تاریخ سیلون درعهد شاهان سینهالی یك تاریخ خانه جنگی ها و زمانهٔ امن و آرامی و حملات پادشاهان و عساکر هند جنوبی است - شاهان پی هیتی یعنی (لنکای شمالی) و رؤسای (روهونه) و (مایارته) «قطعات جنوب لنکا» مابین خود محاربات داشتند بالاخره (پروگرام باهو) در سنه ۱۱۵۳ میلادی تاج پی هیتی را بر سر نهاده روهونه و غیره را فتح کرده در سنه ۱۱۵۵ میلادی پادشاه کل لنکا شده اقتدار و وقار سینهالیها را زنده ساخت، این پادشاه به پیگو (در برما) و هند جنوبی حمله برده بود اگرچه عهد او را (زمانه طلائی لنکا) می نامند لیکن لشکر کشی و عاید نمودن محصول گزاف او باقتصادیات مملکت صدمهٔ بزرگ رسانیده و اهالی را به خوردن سبزی جات مجبور و قتل حیوانات را خیانت بزرگی قرارداده بود.

در سنه ۱٤۰۸ شاه (وجایه باهوی چهارم) سفیرچینی را اهانت نموده بود بنابران عسکرچینی برای انتقام به سیلون حمله آورده پادشاه را اسیر و به چین بردند و تا سی سال جزیرهٔ سیلون باجگذار چین بود (بتاریخ چین رجوع شود).

وقتیکه پرتگالیها تحت سرکردگی (فرانسکو دوالمیده) در سنه ۱۵۰۵ به جزیره رسیدند هفت پادشاه مستقلاً سلطنت میکردند و با یکدیگر دشمنی و محاربات داشتند در سنه ۱۵۱۷ پرتگیزی ها در کولمبو باجازهٔ پادشاه کوته قلعهٔ را تعمیر نمودند و آنها به تبلیغ دین مسیحی سعی بلیغ میکردند و ماهیگیران سینهالی مسیحیت را اختیار کردند چنانچه درین روزها عدهٔ مسیحیون لنکا بالغ به (٤۵۰) هزار و منجملهٔ آنها ۹۵ فیصد رومن کاتولیك میباشند، لیکن وحشت و بربریت پرتگالیها در راه تبلیغ مسیحیت مسلمانها و بودائیهارا به دشمنی و نفرت آماده ساخت، چنانچه وقتیکه (دچها) و انگلیسها باین سرزمین رسیدند آنها را ناجی شمردند.

امیرالبحر هالندی (سپیل برگ) در سنه ۱۶۰۲ به ساحل مشرق سیلون فرود آمد و پادشاه (کاندی) پذیرائی او را نموده استمداد خواست تا پرتگالیهای منفور را اخراج نمایند دچها بعد از تیاری در سنه ۱۶۳۸ فوج کشی کرده جمله قلعه های مشرق را از پرتگیزیها گرفتند در سنه ۱۶٤٤ نیگومبو را اشغال کرده و در سنه ۱۶۵۶ کولمبو و در سنه ۱۶۵۸ جفنه را فتح کردند پس باستثنای علاقهٔ کاندی جمله مقامات ساحلی بدست دچها افتاد و پادشاه کاندی آزاد ماند - پرتگیزیها تا عرصهٔ ۱٤۰ سال و دچها هم همین قدر مدت در سیلون حکمرانی کردند، پرتگیزیها وحشت و بربریت را بکار برده مملکت را خراب کردند. دچها اگرچه محصول زیاد بالای رعایا مقرر کرده بودند با وجود آن هم حکومت آنها نسبتاً خوبتر بوده و اهالی در هر شعبه ترقی نمودند.

انگلیسها در سنه ۱۷۶۳ از مدراس بدربار پادشاه کاندی سفیر فرستادند اما نتیجهٔ نه بخشید در سنه ۱۷۹۵ یك قطعه عسکر انگلیس به سیلون حمله برده در مدت کمتر از یك سال جزیره را به تصرف خود درآوردند - بدواً ادارهٔ آن ازمرکز مدراس میشد لیکن مردم ازین طریق حکومت ناراض گشته و



یك بازار شهر بیروت

اسرائیلیها مراودات دوستانه داشتند درسنه ۷۳۳ قبل المیلاد تگلدت پائیلیسر دوم دمشق را فتح کرد و شام فیمابین دولت آثوریها و سلطنت مصر مملکت متنازع فیه بود.

درهمین قرون فینیقیها که یك قومی ازاقوام شام هستند ودران اوان بهترین ملاحین و تجار بودند اولا بر ساحل شام و بعد ازان درقبرس سسلی، کورسیکا و افریقه شمالی رفته ودرآنجا متوطن گردیدند، کارتاج (درنواح تیونس امروزی) مهمترین شهر نوآباد و مستعمرهٔ بود که بالاخره با سلطنت روما جنگ نموده از تعدی و بی انصافی روما (در سنه ۱٤٦ ق،م تباه و برباد گردید - هینی بال یکی از بزرگترین قوماندانهای عسکری دنیا ازهمین قوم بوده- فینیقیهای شام در زرگری، حساب، مس گری و صنائع دیگرمهارت فوق العاده داشتند و تحریر را در مغرب آنها رواج داده اند.

بعد از زوال آثوریها مصریها تا چندی شام رااشغال نمودند مگر بخت النصر دوم بابلی سلطنت خود را استحکام داده باردوم شام را تحت تسلط سلطنت کلده درآورد.

بعد از سقوط سلطنت کلده از طرف کوروش هخامنشی در سنه ٥٣٨ شام زیر اثر سلطنت ایرانی درآمده سترابی پنجم را تشکیل داد - فینیقیها در بحریه ایران سهم بزرگی داشتند.

اسکندرمقدونی بعد ازجنگ اسوس (۳۳۳ ق م) در شام داخل شده لیکن شهرساحلی (تائیر) اجازهٔ دخول درشهر رانداد سکندر بمحاصره پرداخته بعد از جنگ هفت ماهه (تائیر) را فتح کرده هشت‌هزارنفر اهالی آنجا را قتل و سی هزار نفر را بطورغلام فروختند.

بعد از فتح اسکندر شام فیمابین سیلوکس (شاه شام و ایران) و پتولمی (شاه مصر)متنازع فیه بود حتی بالاخره سیلوکس آنرا گرفت - دودمان سیلوکس بعد از وفات انتیاکس چهارم (١٦٤ ق م) رو به زوال نهاد چنانچه شهرهای ساحلی شام آزاد گشتند (و درسنه ۸۳ وسنه ٦۹ ق م) پادشاه ارمینیه شام را اشغال نمود.

در (٦٤ ق م) قوماندان عسکر روما یعنی پومپی شام را فتح کرد و شام یك ایالت رومی شناخته شد و بعد از تقسیم سلطنت وسیعهٔ روما در دو شاهنشاهی (شاهنشاهی مغربی و شاهنشاهی مشرق) شام در سهم شاهنشاهی‌مشرق روما داخل شد).

ساسانیها در عهد پرویز (یعنی خسرودوم (٥۹۰ - ٦۲۸ میلادی) باسلطنت رومه جنگ نموده و تا به قسطنطنیه رسیده و شام را اشغال ودر سنه ٦۱۱ میلادی انطاکیه ودرسنه ٦۱۳ میلادی دمشق، در سنه ٦۱٤ فلسطین و در سنه ٦۱۹ مصر را فتح کرد. اما این فتوحات کم دوام بوده و شاهنشاه هرقل درسنه ٦۱۰ میلادی بر تخت نشسته محاربات را خلاف ساسانیهای ایران شروع نموده شامات راپس گرفت - درقرن هفتم میلادی اسلام ظهورنموده ودرعهدخلافت حضرت‌عمر رضی‌الله تعالی‌عنه دمشق درسنه ٦۳٥ میلادی بدست مسلمین فتح شد و درجنگ فیصله کن و بزرگ یرموك (ماه اگست سنه ٦۳٦ میلادی، فوج هرقل شکست فاحش یافته و شام به تصرف مسلمین آمد).

بعد از خلفای راشدین رض دمشق دارالخلافهٔ امیر معاویه رض قرار داده شد گویا شام مرکزخلافت بنی امیه تا سقوط آنها بود - دراثنای خلافت امیر معاویه درسال ٦۷۰ میلادی پیشرفت مشهور عقبهٔ بن‌نافع و تاسیس شهر قیروان بوقوع پیوست - وکابل، سجستان، مکدان وقندهاردر خلافت اسلامیه داخل شد - در زمان خلافت بنی امیه در دمشق غازیان اسلام فتوحات زیاد نمودند بعد ازخاتمهٔ وسقوط خلافت بنی امیه در (۷٥۰ میلادی) مرکز خلافت از شام به عراق عرب منتقل و شام یکی از ایالتهای بنی عباسیه بود، خلافت بنی عباسیه از سنه ۷٥۰ الی سنه ۱۲٥۸ میلادی دوام نمود. درین زمان در شامات تبدلات زیاد بظهور

رسید ـ زنگی شاه موصل قریب سنه ۱۱۴۰ میلادی شام شمالی را فتح کرد و فرزند نجیب و دیندار او نورالدین زنگی، شام وغیره را مفتوح و خلاف نصاری و محاربات صلیبی جهد نموده مصر را نیز فتح کرد ، نورالدین زنگی در سنه ۱۱۷٤ فوت شد و سلطان صلاح الدین کبیر شام و فلسطین و مصر را قبض کرد.

در سنه ۱۲۶۰ عسکر هلاکو خان بعد از فتح و تخریب بغداد سلطنت الناصر را مغلوب نموده شامات را تباه کرد اما شاهان مملوك بحری مصر مغلها را شکست داده شامات را در تصرف خود آوردند .

تیمور در سنه ۱٤۰۰ رؤسای شامرا نزدیك حلب شکست داده شام را گرفت اما بعد از وفاتش شام بار دیگر در حیطهٔ اقتدار مصریها درآمد .

در سنه ۱۵۱۶ میلادی ترکان عثمانی نه فقط شام را از ممالك مصر قبض نمودبلکه خود مصر را هم بگرفتند.

از آن زمان تا سنه ۱۹۱۸ میلادی شام تحت تصرف ترکان بود که جنگ عمومی برپا شده شام زیر اثر اتحادیون فاتح یعنی (فرانسه ، و برطانیه وغیره) درآمده بعد از مباحثه وکشمکش زیاد قطعهٔ شام بفرانسه تعلق گرفت یعنی ساحل آن راساً زیر حمایهٔ فرانسه و داخل شام به امیر فیصل مرحوم (شاه عراق عرب) زیر حمایهٔ فرانسه داده شد ، لیکن عربهای وطن پرست این اقدامات را بنظر استحسان ندیده آزادی مکمل خود را خواهش نمودند ودر نتیجه فرانس لشکرکشی نموده دمشق را گرفت و امیر فیصل فرار نمود وکل شام راساً تحت کنترول فرانسه درآمد .

فرانسه در شامات ایالتهای خورد خورد ساخته اتحاد ویکرنگی ملت را پراگنده نمود و اهالی آن دیار خلاف این رفتار فرانسه احتجاج و مظاهرات نموده میروند حال سیریا و لبنان (درین ناحیه عدهٔ نصاری زیاد است) دو ایالت جداگانه و مستقل است اما تحت انتداب فرانسه میباشد .

شرق اردن

شرق اردن مملکت کوچکی است که بشمال آن سوریه ، بشرق عراق و نجد ، بجنوب حجاز و بغرب آن فلسطین است .

مساحهٔ آن عبارت از ۱۶ر۲۲۰ مربع کیلومتر ونفوس آن ۲۶۰ر۰۰۰ نفر می باشد که نود فیصد آن مسلم و باقی عرب متنصره ونصف بدوی می باشند .

درقرن اول مسیحی دراین مملکت مراکز مهم تمدن یونانی و رومی بودند و آثار بت خانه های آنها تاحال درعمان و جراش وام القیس موجود است ، بعده جزو دولت بنوغسان گردید در سنه ۶۳۷ قوای اسلامی تحت قیادت ابوعبیده(رض) آنرا فتح نمود ازآن تاریخ تاآخر جنگ عمومی تاریخ این دیارجزو تاریخ ولایت شام میباشد درسنه ۱۹۱۸ از دولت عثمانیه مجزا گردیده چند روزه جز و سلطنت شریفیه گردید که تحت اثر فیصل بن حسین دردمشق شناخته می شد .

چون درسنه ۱۹۲۰ قشون فرانسه بر سوریه قابض گردید فیصل را برطرف نمودند بعد ازان این دیار چندی تحت ادارهٔ انگلیسها ماند ، در اوائل سنه ۱۹۲۱ شریف عبدالله پسر دوم شریف حسین با یك عدهٔ قوا بغرض تعرض بر سوریه وارد معان گردید انگلیسها او را امیر مستقل ماورای اردن قرارداده ازین اراده باز داشتند ولی چون قبیلهٔ عدوان درسنه ۱۹۲۳ از حکومت امیر عبدالله سرکشی نمود در ابتدای سنه ۱۹۲٤ انگلیسها رسماً امیر مذکور را برقرارداشتند ولی اصلاً بقسم مستعمرات خود شان اداره مینمودند

درسنه ۱۹۲۷ با امیر عبدالله چنان معاهده نمودند که در حقیقت اثری از استقلال داخلی باقی نمانده ویك مجلس ملی تشکیل یافت که قرار اصول اساسی حکومت امیر عبدالله را تحت تنقید گرفته می توانست ولی این اساس بمقابل حکومت برطانوی قطعاً بی اثر بود ـ اهالی ازین معاهده تا حال ناراض میباشند . مرکز حکومت شهر عمان است .

عدن

عدن نام یك بندرگاه و علاقهٔ است که به منتهای جنوب مغربی عرب واقع است ، مساحهٔ آن عبارت از ۰۰۰ر۱۹٤ مربع کیلومتر واهالی ۰۰۰ر۵۵۱ نفوس میباشد از زمانه های قدیم این بندرگاه مابین یورپ وآسیا اهمیت تجارتی داشت، یونانیها آنرا میشناختند ورومیها آنرا قریب سنه ۲٤ قبل ازمیلاد اشغال نموده بودند .

البوکرك پرتگیزی در سنه ۱۵۱۳ بران حمله نموده بود اما هزیمت یافته بطرف هندوستان رفت .

ترکان عثمانی درسنه ۱۵۳۸ آنرا بتصرف خودآوردند در قرن مابعد آن بواسطهٔ ضعف حکومت ترکیه سلطان صنعا بر عدن استیلا یافته تا ۱۷۳۵ حکمرانی کرد حتی شیخ الاحج یوغ اطاعت صنعا را انداخته عدن را مستقل نمود و از نسل او سلطانهای مستقل درآن حکمرانی می کردند .

درسنه ۱۸۳۹ دولت برطانیه آنرا اشغال نموده و تجارت فیمابین یورپ وآسیا باز رونق وفروغ پیدا کرد درسنه ۱۸۵۷ دولت مذکور جزیرهٔ پاریم رانیز به عدن الحاق نمود .

درسنوات ۱۹۰۲ ، ۱۹۰٤ ، ۱۹۰۵ ، ۱۹۱٤ فیمابین سلطنت عثمانی و برطانیه بقرار معاهده حد بخشی آن معین کرده شد ، بدوران حرب عمومی عسکر ترکی برآن حمله آورده (لاحج) (و شیخ عثمان) را اشغال کردند ، لیکن بعد از اختتام جنگ ترکها آنرا واگذار شدند .

بدواً عدن تحت اداره ونظم حکومت بمبئی بوده ودر حدود حکومت برطانیه شمرده میشد ، بدوران جنگ عمومی تحت ادارهٔ هائی کمشنر مصر درآمد ، در سنه ۱۹۲۰ راساً تحت انتظام وزارة خارجهٔ برطانیه داخل گردید در سنه ۱۹۲۱ به دفتر مستملکات تعلق گرفت حالا یك مستملکهٔ برطانوی شناخته شده راساً بحکومت برطانیه مربوط میباشد وبا هندوستان هیچ رابطه ندارد البته از سنهٔ ۱۹۲۷ حکومت هند مصارف جنگی وسیاسی عدن را کاملاً پرداخته بود وبعد ازآن یك ثلث مصارف را پرداخته خواهد رفت .

عراق

مملکت شاهی عراق دارای ۹۷۷ر۳۷۰ مربع کیلومتر مساحه و ۳۰۰ر۸٤۹ر۲ نفر نفوس است .

درازمنهٔ قبل از تاریخ در جنوب عراق نزدیك اریفوقوی بوده که بعض حیوانات امروزی را اهلی کرده وزراعت را یادگرفته بودند وبواسطهٔ داسهای کلی فصلها را درو میکردند .

از حفریات منظم معلوم شده که قدیمترین اهالی مملکت عراق در ازمنهٔ تاریخی سومیریهای باشند و منکشف شده که سومیریها درحدود (٤۰۰۰) ق ، م تهذیب خوبی را نایل شده بودند ، اولین شاه سومیری که حکومت خود را تابحیرهٔ روم وسعت داده بود لوگل رکیزی Logel Rekizi نام پادشاه ارج بود در (۲۷۷۵ ـ ۲۷۵۰ ق ، م) ـ سومریها یك رقم تحریر داشتند که حالا بخواندن آن موفق شده اند



شهر بغداد

سومیریها سرهای خود را می تراشیدند ، لباس پشم را در بر می کردند ، مزرعهٔ خود را بواسطهٔ جویها آب میدادند ، آنها مواشی ، گوسفند و بز داشتند اما از اسپ واقف نبودند ـ آنها فیمابین خود محاربات میکردند ، تهذیب و تمدن ، خط و جهاز رانی وغیره را درعرضهٔ چهار هزار سال ترقی و نمو دادند آثار تجارت و توطن گزینی آنها در هند شمال مغربی از حفریات منکشف شده است احتمال میرود که آنها از راه بحر به هندوستان رسیده باشند .

طرف مغرب این مسکن سومیریها ، قبایل چادرنشین سامی بوده تاقرنهای دراز بهمراه سومیریها تجارت و محاربات میکردند بالاخره یك قاید بزرگ آنها را متحد ساخته و سومیریها را فتح کرده سلطنت سامی را از خلیج فارس الی بحیرهٔ روم توسیع داد (۷۵۰ ق ، م) این سامی ها را ما بنام اکدیها یاد و سلطنت سارگون اول را سومیری اکدی موسوم میکنیم ـ اکدیها تا ۲۰۰سال بهسلطنت دوام کردند ـ از عهد اکدیها الی قرن چهارم و سوم ق ، م سامی ها خط میخی سوماریها را اختیار و زبان سومیری را زبان علمی خود قرار داده بودند .

بعد عیلامی ها از طرف مشرق و عموریه ها از مغرب به سلطنت اکدی هجوم آورده آنرا زیر فشار آوردند ، مرکز عیلامی ها شهر شوش بوده آنها نه آریه و نه سامی نژادی باشند ، عموریه ها همقوم حضرت ابراهیم علیه‌السلام بودند ، بالاخره بعد از محاربات صد ساله عیلامی ها بر کل عراق عرب استیلا وغلبه نمودند وشاه بزرگ آنها حمورابی (۲۱۰۰ ق ، م) سلطنت اولی بابل را تاسیس نمود .

بعد از صد سال چادرنشینان تازه دیگر موسوم به کاسی ها Casies از مشرق به بابل حملات برده و پادشاه خود را به بابل نشانداده عرادهٔ جنگی و اسپ را ترویج دادند .

هنوز سامی های عرب بالای سومیریها غلبه نکرده بودند که بردجلهٔ علیا یك قبیلهٔ سامی دیگر یعنی آثوریها شهر ها را بنا کردند و مهمترین شهر های آسور و نینوا بوده ـ آنها با شراکت هتیت ها بطرف مغرب تجارت می بردند ـ سارگون اول آنها را فتح کرده بود اما چندی بعد مستقل شدند ـ شاه میتانی پای تخت آنرا یعنی نینوا را تا یك عرصه اشغال نموده بود ـ آنها خلاف بابل بهمراه مصریها سازوباز داشته از آنها مبلغ میگرفتند ـ ودرین آوان آهسته آهسته فن حرب را ترقی زیاد داده استعمال عراده جنگی و اسپ را یاد گرفته اولاً هتیت را مغلوب نمودند وثانیاً زیر قیادت تکلاث هائی اسیر اول Tiglas Hai بابل را فتح کردند (۱۱۰۰ ق ، م) چون درعراق جنوبی سنگ نبود ونیست ، بابل را شهر خشتی سامی ها و نینوا را که درکوه ها واقع است شهرسنگی شامی ها مینامیم ـ پس تا قرنهای دراز فیمابین نینوا و بابل حکومت و سلطه بنوبت رد و بدل می شد .

وچون یك قوم دیگر سامی یعنی آرامی ها که شهر مهم آنها دمشق بوده و شامی های امروزی احفاد آنها می باشند . اقتدار وقوت پیدا کرده بودند لهذا آثوری ها تا چهارقرن طرف مصر و غرب پیشرفت نموده نتوانستند ـ بالاخره درسنه ۷۴۵ ق ، م تکلاث هائی اسیر سوم بابل را فتح کرده سلطنت جدید آثوری را تاسیس نموده فلسطین و شامات را فتح کرد ، بعد از وفاتش سارگون دوم از پسر تکلاث سلطنت را غصب نموده پادشاه شد ویهودیهای فلسطین را در سنه ۷۲۱ ق ، م درمیدیا اخراج و تبعید نمود ، اروپائیها همین یهودیهاها را « قتیلهٔ ده گانه گمشده » می نامند ـ پسر او سینا شرب به مصر حمله برد اما عسکر او از وبا کاملاً مستاصل گردید و این واقعه درتوریت هم مذکور است ـ بهرحال نواسهٔ او یعنی اسوربانی پال مصر سفلی را فتح کرد .

سلطنت آثوری بعد از سارگون دوم (۱۵۰) سال دوام نمود حتی یك قوم سامی دیگر موسوم به کلدانیها بامداد دوقوم آریائی یعنی میدیها و فارسی ها درسال۶۰۶ ق ، م نینوا را اشغال و بابل را پای‌تخت

خود قرارداده سلطنت دومین بابل را تاسیس نمود اما نینوا در سلطنت میدیها شامل شد. پادشاه آنها کاتی آکساریز بود - این سلطنت کلده تا سنه ۵۳۸ ق،م دوام کرد - بخت نصر دوم (کبیر) در سنه ۵۸۶ ق،م فلسطین را فتح و خراب نموده عدهٔ کثیر یهودیها را به بابل آورد.

کوروش کبیر در سنه ۵۳۹ ق،م بابل را از نابونیداس فتح کرده سلطنت بزرگ هخامنشی را تاسیس نموده بر سامی ها تعرض واستیلا جسته حکومت آریائی را بر پا کرد - در سنه ۵۵۰ ق،م نینوا را فتح کرد، باید دانست که تحریر وطریق حکومت واسلحهٔ آهنی مرهون اختراع اهالی عراق عرب می باشد.

سلطنت هخامنشی تا ۳۳۱ ق،م دوام کرد، حتی اسکندر مقدونی در ۳۳۱ ق،م نزدیك نینوا افواج یرانی ها را شکست داده بعد ها بابل را اشغال نمود بعد بطرف شوسه که پای تخت عیلامی ها وبعد مرکز حکومت هخامنشی ها بود پیشرفت آنجارا نموده فتح کرد.

سکندر در ۳۲۳ ق،م در شوسه بمرد، بعد از مرگش سلطنت وسیعهٔ او فیمابین جرنیلهای او منقسم گردیده عراق به سهم سیلوکس نکاتور رسیده اما سیلوکس شوسه وبابل را گذاشته انطاکیه را پای تخت خود قرار داد وتا ظهور سلطنت روما وسلطنت پارته ها در تصرف سلاله سیلوکسی ماند، محض یك دفعه شاه مصر پتولمی سوم در ۲۴۵ آنرا تاعرصهٔ قلیلی اشغال نموده بود.

درعهد مهرداد دوم Mehr dad II پادشاه پارته ها عراق عرب ویا بین النهرین یك ایالت معین پارته ها بود، بعد ازان رومیها تعرض نموده عراق گاهی ایالت پارته ها وگاهی ایالت رومی ها شمرده میشد گویا عراق عرب بدوران این دو سلطنت صحنهٔ محاربات بود.

بعد ازسقوط پارته ها درایران ساسانی ها خروج نموده بر سلطنت پارته متصرف شده عراق عرب را اشغال نمودند وعراق بدستور سابق فیمابین ساسانی ها ورومی ها مملکت متنازع فیه بود، افواج رومی وایرانی بکرات ازین مملکت عبورومرور میکردند حتی ویلاریان شهنشاه روما از دست شاه پور دوم ساسانی هزیمت خورده ساسانی ها فتوحات خودرا تابه سیر یاادامه دادند (۲۶۰ میلادی) بالاخره عربهای تدمور (پامیریه دریك نخلستان دربین نینوا وشام شهرقدیم بوده که ازیك معبر تجارتی ترقی کرده تا به شهر بزرگ رسید) از ضعف رومی ها استفاده نموده شاه پور اول را شکست داده عراق را گرفتند وتا ده سال بران حکمرانی کردند - اوریلیان شهنشاه روما تدموریهارا برانداخته وعراق عرب رامکرراً تصرف نمود - بهرحال ساسانی ها ورومی ها ازضعف یکدیگر استفاده نموده بنوبت عراق را اشغال میکردند، بالاخره دراثنائیکه خسرو دوم وهرقل پادشاه روم باهم نبردآزما بودند (اولاً ایرانیها غالب شده بودند لیکن بعدها هرقل فاتح شده بود) عربها درعهد مقدس اسلام از جزیرهٔ عرب خروج نموده سلطنت هرقل وسلطنت یزدجرد ساسانی را برانداختند.

عراق عرب در سنه ۶۳۹ میلادی درعهد خلافت حضرت عمر رضی الله عنه بدست سعد بن ابی وقاص (رض) مفتوح گردید وعلاقهٔ سامی که آریه ها غصب نموده بودند باردیگر به سامی ها تعلق گرفت - وسامی های عراق عرب بسرعت دین مقدس اسلام را قبول کردند ودین مسیحی وزردشتی رو به زوال نهاد.

بصره وکوفه درعهد خلافت حضرت فاروق اعظم فتح رض وبعد دوقشلهٔ عسکری بنا نهاده شد بعد، خلافت بنی امیه ازسنه ۶۶۱ میلادی درانجا شروع گردید. عبدالله بن زبیر (رض) بعد ازوفات حضرت معاویه (رض) در مکهٔ معظمه اعلان خلافت نمود، مختار در اول مرحله بهمراهٔ ابن زبیر اتحاد نموده بود اما بعد جدا شده بطرف کوفه رفت بامداد فارسی ها کوفه را اشغال نموده مستقل شد وابن زیاد حاکم آن دیار مجبور به فرار

شد . ابن زبیر این وضعیت را مشاهده نموده برادر خود مصعب را حاکم بصره نامیده او را برعلیه مختار اعزام نمود، درنتیجه مختار در جنگ کشته شد و عراق در حدود خلافت ابن زبیر شامل گشت .

عبدالملك بن مروان درسنه ۶۹۱ میلادی عراق را فتح کرد و مصعب بن زبیر از دست اهل تشیع بقتل رسید عبدالملك حکومت ایالت عراق را به حجاج بن یوسف تفویض نمود ، حجاج بغاوت خارجی ها و ابن اشعث را فرو نشاند ، درعهد خلافت بنی امیه عراق مرکز سازش طرفداران بنی هاشم بوده و ایرانی ها سعی داشتند که بوسایل ممکنه اقتدار عربها را براندازند - بالاخره ابو مسلم خراسانی بطرفداری بنی هاشم خروج نموده نزدیك زاب معاون دریای دجله آخرین خلیفهٔ بنی امیه یعنی مروان دوم را شکست داد (۷۵۰ میلادی) و از بنی هاشم ابوالعباس از اولاد حضرت عباس اولین خلیفهٔ بنی عباسیه در کوفه جلوس نمود .

بعد ازوخلیفهٔ منصور، ابو مسلم را بحیلهٔ به کوفه خواسته بکشت و بغداد را بر کنار دجله پای تخت خود مقرر نمود - بعضی اشخاص اولاً طرفداری بنی هاشم را شعار خود ساخته بنی امیه را برانداخته بودند بعد آنها طرفداری بنی فاطمه رض را بهانه تراشیده برعلیه بنی عباسیه شور شها بپا کردند - منصور به فرونشاندن این چنین بغاوت ها موفق شد اما در تمام عهد خلافت بنی عباسیه طرفداران بنی فاطمه سازش ها و شورش ها برپا نموده رفتند - وفیمابین اهل سنت والجماعت و اهل تشیع سخت اختلافات بود که بالاخره باعث تباهی خلافت گردید .

از خاندان بنی عباسیه ۳۷ خلیفه یکی بعدی دیگری خلافت کردند ، اما اقتدار وقوت حقیقی خلفای عباسیه تازمان ابواسحاق معتصم بالله پسر هارون الرشید بود - درین زمان یعنی تا ۱۲۵۸ میلادی ترکهائیکه معتصم بالله آنها را درفوج خود ملازم گرفته بود برضای خود خلیفه را منتخب یا خلع میکردند یا بقتل میرسانیدند - من حیث علوم وفنون دورهٔ عباسیه متنورترین دورهٔ اسلام است و عراق عرب مرکز علم و فضل بود ، اما دراواخراقتدار بنی عباسیه فقطدر عراق محدود به دجله وفرات ماند .

شهزادهٔ آل بویه در ۹۴۵ درعهد خلافت المستکفی بالله به بغداد داخل شده وخلیفه او را به لقب پادشاه ملقب ساخت - بعد ازین اقتدار حقیقی سلطنت بدست آل بویه بوده وآنها خلیفه را محض یك هیولا ساخته بودند.

سلاجقه درآسیای وسطی برسر اقتدار آمده ایران و خراسان را فتح کرده زیر قیادت طغرل در عهد خلیفه قائم بامرالله در سنه ۱۰۵۵ داخل بغداد شده دودمان بویه را محو و اقتدار خلیفه را برحال کردند - وخلیفه قائم بامرالله طغرل را لقب « سلطان المشرق والمغرب » عطا نمود - سلاجقه سلطنت خلیفه را بسیار وسعت دادند چنانچه آسیای صغیر ، شام ، یمن ، مکه و مدینه را در حدود خلافت درآوردند - اما بعد از وفات ملکشاه سلجوقی سلطنت آنها رو بزوال نهاد و از اقتدار خلفا بکاست .

خلیفهٔ متسکفی توانست که وقار خلافت را بقوت بازوی خود در عراق زنده سازد ، درعهد خلافت اوزنگی شاه موصل اکثر عراق عرب را اشغال نمود و پسرش نورالدین زنگی برخلاف نصاری در محاربات صلیبی فاتح برآمد - دروقت صلاح الدین کبیر قسمتی از عراق عرب جزو سلطنت مصری ایوبی بود .

درسنه ۱۲۵۸ هلاکوخان بایما وسازش محمد بن علقمی فارسی، بغداد را فتح کرده و ندرآتش نموده تمام اهالی را قتل عام وکتابخانه‌های بزرگ و قیمتدار بغدادرا تباه کرد ، گویا خلافت عباسیه تا ۵۲۴ سال دوام نموده از دست هلاکوخان محو و نابود شد.

بعد ازین ویرانی وتباهی درعراق تا ۸۰ سال بد نظمی و بدامنی بوده و عراق در حدود سلطنت

ایلخانیها (سلالهٔ هلاکوخان) شامل بود ـ بعد از سقوط ایلخانیها یکی ازؤسای مغلی حسن جلائر بر عراق عرب تصرف نموده بغداد را پایتخت خود قرارداد، تیمور کورگانی در ۱۳۹۳ بغداد را اشغال نمود لیکن جلائر حاکم تیموری را شکست داده اخراج نمود ـ تیمور دوباره در ۱۴۰۱ باز بغداد را گرفته درآن خرابی وارد نمود ـ بعد از وفات تیمور ترکمانیهای قره قیوتلی وآق قیوتلی، علی الترتیب بر عراق مسلط شدند مرکز آق قیوتلی دردیاربکر بوده رئیس آنها اوزون حسین عراق و جزیره را فتح کرد لیکن درین ادوار ترکان عثمانی از طرف غرب وصفویهای ایرانی درشرق بطرف عراق عرب متوجه شدندحتی لالا حسین جرنیل شاه اسمعیل صفوی در سنه ۱۵۰۸ بغداد وموصل را اشغال نموده در حدود سلطنت ایرانی شامل نمود.

بعد ازین عراق مثل سابق فیابین ایران و ترکان مملکتی بود متنازع فیه حتی سلطان سلیم خلاف صفوی ها اعلان حرب نموده شاه اسمعیل را شکست داده موصل، عمادیه، رقه و ترک اردلان را در سنه ۱۵۲۲ میلادی گرفت ـ در ۱۵۳۴ سلیمان با شکوه بغداد را اشغال کرد و بصره دوازده سال بعد بتصرف ترکها افتاد ـ اما ترکها از باعث حملات و تعرضات ایرانیها در عراق تنظیمات و ترتیبات لازمهٔ حکومت نتونستند ـ ایرانیها بواسطهٔ سازش بغدادیها درسنه ۱۶۳۲ میلادی بغداد را گرفتند مگر ۱۵ سال بعد مراد چهارم بغداد را مکرراً در حدود سلطنت عثمانیه شامل نمود ـ وتا ۱۷۲۴ فیابین ایران و روم صلح بود حتی نادرقلی خروج نموده با ترکان آویخت لیکن طوپال عثمان پاشا محاربهٔ شدیدی با او نموده وجنگ بی فیصله ماند ـ همچنان جنگهای ۱۸۲۰ ـ ۱۸۲۳ بی فیصله بودند.

قبائل عرب هم از ۱۶۳۸ الی وسط قرن نوزدهم وقتاً فوقتاً خلاف ترکها جنگ میکردند و در وقت ضعف ترکان پاشاهای غلام بطور حکام آزاد حکمرانی میکردند لیکن گاهی یوغ اطاعت خلیفهٔ عثمانی را از دوش خود نیانداختند.

بالاخره از سنه ۱۸۳۱ تسلط ترکان عثمانی محکم تر شده و بغاوتهای کردها را فرونشاندند و عربها را به خرید زمین ها ترغیب دادند تا آنها به زراعت مصروف بوده دیگر سرکشی و شورش نکنند، مدحت پاشا کارهای اصلاح و تنظیم را شروع کرد (۱۸۶۹ـ۱۸۷۲) شرکت جهازرانی ترکی در دریاهای عراق تاسیس شد، جرمنی ها در سنه ۱۸۹۹ برای تعمیر و تمدید خط آهن در عراق مراعات حاصل کردند و تا به آغاز جنگ عمومی از بغداد الی سامره خط آهن تمدید شده بود.

در اثنای حرب عمومی انگلیسها به علاقهٔ بین النهرین حمله برده بصره را اشغال کرده پیشرفت نمود لیکن در قط العمارهٔ ترکها تحت قیادت نورالدین پاشا فوج انگلیس را محصور وباوجود مساعی وقربانیهای زیاد از طرف انگلیسها برای استخلاص آن،قشون مذکور رااسیر نمودند، گویا انگلیسها برای استخلاص فرقهٔ مذکور ۲۴ هزارعسکر را قربان نموده بودند اما نتوانستند کاری بکنند ـ لیکن چندی بعد عربها از باعث تحریکات خارجه خلاف ترکها شده وعسکر انگلیس تحت قیادت جرنیل ماد کل عراق عرب را تا به موصل اشغال نمود.

چون فرانس و انگلیس متحداً به این اعلان که عربها بعد از خاتمهٔ جنگ مستقل و آزاد خواهند شد آنها را خلاف ترکها آماده کرده بودند لهذا عربها بعداز اتمام جنگ و معاهدهٔ صلح استقلال خود را خواستند ـ انگلیس ها امیر فیصل را پادشاه عراق عرب ساخته این علاقهٔ بین النهرین را تحت انتداب خود گرفت ـ عربها برای اخراج انگلیس چندین بار شورشها کردند اما مغلوب شدند مگر نتیجهٔ این شد که برطانیه با امیر فیصل شاه عراق عرب معاهده نموده رضامند گردید که فوج انگلیس از بغداد خواهد برآمد و عراق عرب به مجلس بین الملل داخل خواهد شد.

بدوران غلبه برطانیه راجع بحد بندی عراق در نزدیك موصل بهمراه ترکیه (بعد ازینکه مصطفی کمال پاشا یونانیها را هزیمت فاحش داده بود) وطرف جنوب مغرب بهمراه ابن سعود چیزی مناقشه ومنازعه بود اما معاهده ها انعقاد یافته هر سه دولت مابین خود موافقت نموده اند .

امیر فیصل شاه متوفای عراق در دوران حکومت خود برای تنظیم و ترقی کشور وحصول استقلال کاملهٔ آن خیلی مساعی بکار میبرد و برای این مملکت یك پادشاه جدی و صادق شمرده میشد اخیراً در سال ۱۳۱۲ شمسی در سویزرلند وفات گردیده ملت ، امیر غازی پسر شاه موصوف را بسلطنت انتخاب نمودند .

خاندان شاهی عراق مسلمان (سنی) مذهب وامیر غازی شاه موجوده بتاریخ ۲۱ مارس ۱۹۱۲ تولد یافته بتاریخ ۱۶ سنبله ۱۹۳۲ میلادی پس از وفات پدرش امیر فیصل بعمر ۲۱ سالگی بسلطنت رسید بعد از جلوس با دختر عمش ازدواج نمود .

عرب

جزیره نمای عرب که درقسمت جنوب غربی آسیا وقوع دارد شرقاً به خلیج فارس و بحر عمان جنوباً به بحیرهٔ عرب غرباً به بحر قلزم ونهر سویز شمالاً به شام وعراق محاط گردیده است رقبهٔ آن ۱۳ صد هزار مربع میل وازآنجمله بالغ بر پنجصد هزار مربع میل ریگستان غیر مسکون را تشکیل داده است مشهورترین صحرای آن الربع الخالی یا الدنیا است که رقبهٔ آن از دوصد و پنجاه هزار مربع میل متجاوز و درمرکز عرب قسمت جنوبی آن وقوع دارد درشمال این صحرای بزرگ بکنار خلیج فارس صوبهٔ بحرین افتاده است ودرحصهٔ شمال مشرق آن ایالت عمان واقع و مرکز آن شهر مسقطاست درجنوب مشرق آن ایالت حضرموت و مهره وقوع دارد به طرف غرب آن صوبهٔ مشهور یمن است که شهر مشهور آن صنعا است از بنادر مهمهٔ آن عدن و حدیده میباشند درمغرب ربع خالی وبطرف شمال یمن صوبهٔ نجران وقوع دارد .

درآغاز دین مقدس اسلام این ایالات مسکن عرب متنصره، یهود واکثریه مشرکین عرب بوده درشمال نجران ایالت عمر ا است که تا بحر قلزم وسعت دارد در شمال عسیر علاقهٔ مختصری باسم عقامه واقع و حصهٔ جنوبی حجاز را تشکیل میدهد درشمال ربع خالی ایالت نجد وقوع دارد که از طرف مغرب بایالت حجاز و در شرق با صوبهٔ بحرین و در شمال بصحرای شام محاط گردیده گوشهٔ جنوب مشرق نجد را یمامه می نامند شهرهای مشهور حجاز مکهٔ معظمه ، مدینهٔ منوره و بندرگاه جده است در شمال مشرق نجد ایالت کوچکی باسم خیبر وقوع دارد ، درداخل ربع خالی مابین حضرموت ویمامه الاحقاف علاقهٔ غیر آباد که در سابق مسکن قوم عاد را تشکیل میداده است وقوعدارد . درین ملك وسیع هیچ یك دریائی که قابل ذکر باشد وجودندارد قریباً بیشتر حصص آنرا اراضی خشك وریگستان فراگرفته اراضی متصل بحر تادرجه قابل سکونت است . قلت آب درمرکز آن سکونت انسانرا دشوار بلکه تاحدی ناممکن ساخته است دراکثر حصص آن . کوهای کم ارتفاع که هیچ یك سرسبز نیست وقوع دارد ایالت های یمن و حجاز از حیث زرخیزی درجه اول را احراز کرده است حرارت این دوجای نهایت شدید وبادگرم آن (سموم) برای حیوانات نهایت مضر است ، قسمت مهم کارهای حمل ونقل درین مملکت بواسطه شتر انجام داده می شود ، پیداوارمهم آن خرما است وگذاره بیشتر اهالی بر شیر شتر و خرما می باشد .

این قسمت بوجود دشتهای وسیع وقلت آب درحیات اعراب وحرص وآز حمله آورین اثر مهمی داشته است چه از یك طرف حریت پسندی جبلی ملت واز طرف دیگر وضعیت طبیعی آن برای حمله آورین اشکالات مهمی را پیش میکرده واحیاناً اگر عرب در تحت تصرف یکی از حمله آورین می آمد این صورت دیری دوام

نکرده اداره عرب برای آنان اشکالات خاصی راوارد می‌نمود و همین‌تنها دلیلی است که عرب مورد تاخت و تاز خارجیها کمتر واقع گشته است.

اقوام قدیم : عربها اولادهٔ سام ابن نوح (ع) میباشند مورخین عرب آنها را درسه دسته تقسیم کرده اند.

۱ـ عرب بایده ۲ـ عرب عاربه ۳ـ عرب مستعربه و بعضی دستهٔ دوم وسوم را مخلوط نموده در عرب بایده و عرب باقیه تقسیم نموده اند. مراد از عرب بایده اقوامی است که از آنها حاضراً جز نام چیزی باقی نمانده ومراد از عرب باقیه اقوامی است که عرب موجوده را تشکیل داده‌اند.دستهٔ دیگر از مورخین عربها را در چهارطبقه تقسیم کرده اند :

۱ ـ عرب بایده یا عرب عاربه ۲ ـ عرب مستعربه ۳ـ عرب تابعه ٤ ـ عرب مستعجمه .

عرب بایده شامل قبائل مختلفه چون عاد ، ثمود ، عبیل ، عمالقه ، جدس ، الیم ، جریم حضر موت ، حضور ، عبد ضخم ، وغیره بود که تمام آن‌ها اولاد لاذابن سام ابن حضرت نوح (ع) بودند .

درزمان سابق این اقوام جزیره نمای عرب را درتحت تصرف داشتند ـ احوال مفصل این اقوام درتاریخ‌موجود نیست ولی ازآثار وتعمیرات شان که تا امروزدر نجد و احقاف وحضرموت ویمن موجود است میتوان تا یك حدی بحالات تاریخی شان پی برد . مشهورترین این قبایل قبیلهٔ عاد است که درارض احقاف سکونت داشتند . عاد ابن عوص ابن ارم ابن سام که این قبیله بنام او شهرت گرفته اولین شاه تاریخی عرب است ، این شاه سه پسر داشت ۱ ـ شداد ۲ ـ شدید ۳ ـ ارم وهریك بعد ازدیگری برسر اقتدار آمده‌است،شداد درصحرای عدن مدینهٔ ارم را بنا نمود ولی امروز هیچ اثری ازآن مشاهده نمیگردد .

حضرت‌هود(ع) کهاز قوم عاد بود برای‌هدایت‌این‌قوم‌مبعوث‌شداما این‌قوم‌ازسبب‌نشنیدن‌نصایح‌واقوال این پیغمبر اخیراً تباه وبرباد گردید . خدای تعالی برای هدایت قوم ثمود حضرت صالح علیه السلام را مبعوث گردانید .

عرب عاربه : این‌طبقه‌ازاولاد قحطان است ، لسان شان درابتداعربی نبوده اما رفته رفته‌لسان عربی را از عرب بایده آموختند . قبایل قحطانی بدوحصه قسمت می شود : ۱ ـ یمنیه ۲ ـ سبائیه درنسب شان علما اختلاف زیاد دارند بزعم بعضی این قوم ازنسل قحطان ابن عابر ابن شالخ ابن ارفخشد ابن‌سام ابن حضرت نوح (ع) بوده فالغ ویغطن که ذکر شان درتورات آمده برادرهای او بودند بعض دیگر درین فکراند که معرب یقطن قحطان است . حزب دیگر اورا پسر یمن ابن قبیدار ابن حضرت اسماعیل علیه السلام میگویند وقبائل مشهور شان ازدی وحمیری است ـ قبائل ازدی شهر سبا را بنا نمودند وملکه‌بلقیس‌که‌معاصر حضرت سلیمان(ع) بود (اخیراً خانمش نیزگردید) ازهمین قبیله بود .

قبایل دیگر این طایفه بهرکنج وکنارعرب منتشر شد (غسان) که بسرحد شام سکونت دارند ازین قبیله است ، حکومت قحطانی ها دریمن تاقرن ۷ میلادی دوام نمود درظهور اسلام این قوم اقتدار زیادی داشته واکثر حصص عرب را استیلا نموده بودند .

عرب مستعربه : مراد ازآن بنوعدنان یا اولادهٔ حضرت اسمعیل (ع) می باشند — این قبائل ازخارج آمده بودند وبدین سبب آنها را عرب مستعربه یا عرب مخلوط خطاب می نمودند لسان مادری حضرت ابراهیم (ع) عربی نبوده دروقتیکه حضرت ابراهیم (ع) حضرت اسمعیل(ع) ووالده محترمه شان (بی بی هاجره) را درشهر مکه معظمه گذاشتند آنها لسان عربی را ازقبیله جرهم که یکی

از قبائل قحطانی بوده آموختند وبعد از آن عربی لسان آل اسمعیل گشت . عمر حضرت اسمعیل علیه السلام محض پانزده سال بود که والده شان فوت گردید ، حضرت اسمعیل (ع) اراده نمودند که بطرف شام مسافرت نمایند اما قبیلهٔ جرهم مانع گردیده ودختری از خانوادهٔ عمالقه را باوعقد نمودند چندی بعد حضرت ابراهیم (ع) بدانجا تشریف بردند وحسب الفرمایش شان حضرت اسمعیل (ع) حضرت سیده بنت مفاض ابن عمر که از قبیلهٔ جرهم بود تزویج نمود بعد ازان بقرار ارشاد الهی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسمعیل (ع) خانهٔ کعبه را تعمیر نمودند سپس حضرت ابراهیم (ع) بطرف شام رفتند وهر سال برای زیارت خانهٔ کعبه تشریف می آوردند یکی از اولادهٔ حضرت اسمعیل (ع) عدنان نام داشت اولادهٔ این شخص از مشهورترین قبایل مستعرب بشمار میرفت از همین جهت است که این قبیله را بنوعدنان یا اسماعیلیه میگویند .

قبایل عدنانی: مشهورترین این قبایل ایاد ، ربیعه و مفر بودند در قبیلهٔ کنانه ـ (شعبهٔ قبیلهٔ مفر) شخصی بوده که به فهر ابن مالك یا قریش موسوم است .

از اولادهٔ این شخص چند قبیلهٔ دیگر بوجود آمده که ازآنجمله بنی سهم ، بنی مجزوم ، بنی تیم ، بنی عدی بنی عبدالدار ، بنی زهره و بنی عبدمناف بسیار مشهورند .

عبدمناف چهار پسر داشت ، عبدشمس ، نوفل ، مطلب ، وهاشم حضرت سالار انبیا صلی الله علیه وسلم از اولادهٔ هاشم بودند (حضرت محمد (ص) ابن عبدالله ، ابن عبدالمطلب ابن هاشم ، که پیغمبر اخیرالزمان و پیشوای ما مسلمانان میباشند) پسر عبدشمس امیه بوده که اولادهٔ آن در تاریخ باسم بنی امیه یاد میشوند .

قبل از رسول اکرم (ص) مملکت عرب از نقطهٔ نظر تاریخی اهمیتی را حائز نبوده در جملهٔ ممالك غیرمتمدنه بشمار میرفت در بین اقوام این مملکت وحدت ملی یکقلم نیست و نابود بود وخانه جنگیها کشت و خون دخترکشی ، شراب خوری قمار وغیره افعال ناشایسته همیشه عربها را بوادی عدم و مذلت سوق میداد این وضعیت داخلی عرب موقع را برای همسایگان مساعد ساخته بهرطور و ذریعه که می‌توانستند یك قبیله را بر علیهٔ دیگر قبیله می جنگانیدند .

درهمین موقع خطرناك دورهٔ جدید تاریخ عرب آغاز می شود یعنی حضرت رسول اکرم (ص) شروع به تبلیغ نموده دیری نمیگذرد که عربها برخلاف آنچه بودند جامعهٔ متمدن و مهذبی را تشکیل دادند معارف عربی زبان زد عام وخاص گردید قوهٔ حربی شان به اندازهٔ رسید که تنها به نجات ملت و مملکت خود ازدست برد خارجیان اکتفا نکرده امپراطوری شرقی روم و ایران را نیز در حیطهٔ تصرف خود درآوردند ملت مغلوب را در نتیجهٔ این فتوحات دستگیری کرده آنها را ازگودال جهالت و بدبختی کشیدند در دورهٔ خلافت راشده که از ۶۳۲ تا ۶۶۱ ع یعنی تقریباً در عرصهٔ ۳۰ سال تمام ایران تا سرحدات افغانستان ، شام ، مصر ، فلسطین و برقه فتح و ضمیمهٔ دولت اسلامی گردید .

در دورهٔ امویان که تقریباً (۹۰) سال طول کشید فتوحات اسلامی درشرق تا سرحدات کاشغر و ملتان و از جانب غرب تا رود لوا یعنی شمال غرب فرانسه وسعت یافت ، بطرف شمال سرحدات اسلامی تا کوهای قفقاز و بحیرهٔ اسود امتداد یافته بدینگونه درعرصهٔ تخمیناً یکصد سال عربها یك امپراطوری بزرگی را تاسیس نمودند . وقتیکه خلافت بنی امیه بروی کار آمد عرب مرکزیت را از دست داده دمشق دارالخلافه قرار یافت. درعهدخلافت عباسیه بغداد دارالخلافه بود گویاعرب محض یك ایالت ماند.

دورهٔ عباسیان را که از (۷۵۰ الی ۱۲۵۸ ع) طول کشید میتوان دورهٔ ادبیات وعلوم وفنون اسلامی نامید (یونیورستیها) ودارالفنون های بزرگ اسلامی درهر گوشهٔ ملك بر پا گردید ولی بعد از صد سال ضعف داخلی در هر جانب آن ودرنتیجه ازاقتدار خلیفه کاست . به عوض عرب ایرانیها اقتدار اداری وترکها اقتدار نظامی را تحصیل کردند ، حتی مملکت عرب هم اکثراوقات ازادارهٔ خلفای عباسی خارج بوده .

در قرن (۱٦) ترکان عثمانی عربستان را ضمیمهٔ مملکت خویش نمودند چندی بعد یعنی در قرن (۱۷) یمنی ها شورش نموده مستقل گردیدند ولی در (۱۸۷۱) ترکان بار دیگر یمن را تسخیر نمودند.

درآخر قرن (۱۸) نجدی‌ها اقتدار زیادی در عربستان حاصل نمودند. (اما محمد علی پاشا والی مصر (درابتدی قرن نزدهم) بواسطهٔ پسرش اسمعیل قوهٔ آنها را مضمحل نمود وتاچندی عربستان در تحت ادارهٔ همین شخص بوده امادر (۱۸٤۰) بواسطهٔ واقعات شام محمد علی مجبوراً ازعرب دست کشیدو بدینگونه تا (۱۹۱٤) عرب در تحت ادارهٔ سلطان ترکیه بود.

در جنگ عمومی انگلیس برعلیه ترکان عثمانی عربها را طرفدار خودساخت. اولاً باابن سعود قراردادی را امضانمودند(دسمبر ۱۹۱۵)بین سرپرسی کاکس Sir Percy Cox نمایندهٔ انگلیس‌وابن سعود ـ درجون (۱۹۱٦) شریف حسین ابن علی، امیر حجاز نیز برعلیه ترکان عثمانی داخل جنگ گردید و خود را شاه عرب اعلان کرد. این اعلان باعث تولید حسد ابن سعود گشت ودرنتیجه آن یك جنگ طولانی دربین هردو درگرفت. انگلیس ابتداءً طرفدار شریف حسین بوده اقدامات شدید برعلیه ابن سعود نمود امادرماه می ۱۹۱۹ قشون شریف حسین درتحت سرکردگی عبدالله شکست خورد ودر (۱۹۲۱) سعودی‌ها خیبر و بعضی مقامات دیگر را بدست آوردند در (۱۹۲۲)سرحدات وتصرفات شان تاعمان یمن وسعت یافت. بالاخره درماه اکتوبر ۱۹۲۵ شهرمکه بدست شان افتاد ودردسمبر (۱۹۲۵) ابن سعود داخل شهر مقدس گردیده در سال دیگرجده ومدینه را نیز تسخیر نمود ودر ۸ جنوری (۱۹۲٦) ابن سعود اعلان شاهی نمود.

دول اروپائی میخواستند که عرب مابین شیخ های خورد خورد عرب تقسیم بوده همیشه باشان وپراگنده باشند مگرسلطان عبدالعزیز بن عبدالرحمن آل سعودتقریباً کل عرب رافتح و شیخهای متعدد را مغلوب کرده عرب رایك وحدت ملی بخشیده است.

ازچندی فیمابین ابن سعود وامام یحیی یمن مناقشه بوده حتی هردو پادشاه در اثر تحریکات خارجه به جنگ داخل شده بودند لیکن در اوایل ماه جون سنه ۱۹۳٤ فیمابین آنها صلح منعقد شده است.

عربیهٔ سعودیه

مؤسس مملکت که از اقوام عربی مسلمان تشکیل شده، سعود اول است که نوادهٔ اوسعود دوم ابن عبدالعزیز وفات (۱۷٦۵) مذهب محمد ابن عبدالوهاب راکه (در ۱۷۲۹ : ۱۷۸۷ زیست می نمود) قبول کرد و به این قسم ذریعهٔ نامبرده امام حامی مذهب وهابی که در اواسط قرن (۱۸) توسط او تاسیس شده بود گردید.

پسراو موسوم به عبدالعزیز دوم ابن سعودواخلاف او یك امپراطوری مرکزی عربی را تاسیس نمودند ومکهٔ معظمه‌را درسنه ۱۸۰۳ ومدینه منوره را درسنه ۱۸۰٦ فتح‌کردند تاآنکه عبدالله‌ابن مسعود بواسطهٔ عسکر محمد علی، والی مصر مغلوب وبتاریخ ۱۷ دسمبر ۱۸۱۸ در استامبول محبوس گردید. حکومت نجد سر از نو بواسطهٔ پسر عبدالله ابن مسعود موسوم به ترکی ابن مسعود وخلف او فیصل ابن مسعود تاسیس یافت.

به اثر اختلافاتیکه فیمابین پسران فیصل یعنی عبدالله سوم وسعود روی داد نجد سر از نو استقلال خود را یافته طعمهٔ امیر ابن الرشید جبل الشمر گردید.

عبدالعزیز سوم درسنه (۱۹۰۱) الریاض رافتح‌کرده، حکومت وهابیون را درنجد دوباره برقرار نمود. ولی پنج مقامات ذیل را نیز فتح‌کرد: ـ (القصا) ۱۹۱۳ (عصیر علیا) ۱۹۱۰ (امیری جبل شمر) ۱۹۲۱ (جبه)

۱۹۲۴(مکهٔ معظمه ومدینه منوره) ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵ ، عصیر ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ عبدالعزیز سوم بتاریخ۸ جنوری ۱۹۲۶ شاه حجاز گردید و بعداز ماه جنوری سال ۱۹۲۷ شاه نجد و ملحقات آن شناخته شد. وبالاخره بتاریخ ۱۸ ستمبر ۱۹۳۲ لقب سلطان عربیهٔ سعودیه را نیز حاصل نمود .

خاندان شاهی: شاه حاضر عبدالعزیز سوم درسنه ۱۸۸۲ تولد و در (۱۹۰۰) به سلطنت رسیده .

اولاد :

۱ : ولیعهد : سعود ابن عبدالعزیز ابن سعود در سنه ۱۹۰۵ تولد شده حال نائب الحکومه نجد است .

۲ : فیصل ابن عبدالعزیز ابن سعود درسنه ۱۹۰۷ به شهر مکهٔ معظمه تولد گردیده است حال نائب الحکومه مکه است .

۳ : محمد ابن عبدالعزیز ابن سعود در ۱۹۰۸ تولد شده .

۴ : خالد ابن « « در ۱۹۱۱ «

عمان

عمان در اواخر قرن ۱۰ مسیحی از خلافت عباسیه مجزا گردیده است ، و تاریخ زمانه های ما قبل آن جزو تاریخ ممالک عرب و درآن مذکور است .

درقرن یازده حکومت عمان به امامان خارجی که از قبیلهٔ بنوعضد بودند تعلق داشت چنفر ازین قبیله یکی بعد دیگری به امامت انتخاب گردیده اند ، در سنه ۱۱۵۴ بنو نبهان بر بنو عضد غالب آمده طرز حکومت (امامت) را به سلطنت تبدیل نمودند ، و ملوك این قبیله مدت دونیم صدسال حکمرانی نموده ، ودرین مدت ملوك ایران دودفعه به عمان تاختند اما شکست خوردند ، ولی شاه جزیرهٔ هرمز ازین واقعات استفاده کرده یکحصهٔ ساحلی اینمملکت را متصرف گردید . درسنه ۱۴۳۵ دراثر انقلاب، امامت خوارج بنی عضد دوباره برقرار گردید .

درسنه ۱۵۰۸ اهالی پرتگال تحت قیادت البوکرك جزیرهٔ هرمز را گرفته وساحل شرق عمان را نیز متصرف شدند ، در سنه ۱۶۲۴ ناصر ابن مرشد که اصلاً ازنی (یعروب) بود امام انتخاب گردید ومرکز حکومت را از (نزده) به (رستاك) نقل داد ، امام مذکور اول طوایف الملوکی داخلی را خاتمه داده بعد ازان به اخراج اهالی پرتگال پرداخت ودرسنه ۱۶۵۱ آنهارا بکلی از مملکت خود براند ، وبواسطهٔ جهازات جنگی راه بحر عمان را برآنها مسدود ساخت درسنه ۱۶۹۸ جزایر ساحل شرق افریقه را از تصرف آنها کشید . در سنه ۱۷۵۹ احمد ابن سعید سلطنت سلاله غفاری را تاسیس نمود . در ابتدای قرن نزده سلطان نجد بر عمان قابض گردید ولی در سنه ۱۸۱۸ سعید که نواسهٔ احمد بن سعید است مملکت خودرا مستقل نموده، درافریقه سقوطره وزنجبار ، ودر آسیا ساحل ایران از هرمز تاگوادر را ضمیمهٔ سلطنت خودنمود ،بعداز وفات او در سال ۱۸۵۶ پسراو مجید بن سعید درافریقه سلطان زنجبار وپسر دیگرش سلطان عمان اعلان شدند . در سال ۱۸۶۶ فرانس وبرطانیا اگرچه استقلال کامل عمان را تسلیم نمودند . ولی عملاً عمان تحت اثر برطانیا میباشد .

سلطان سید سعید بن تیمور ، بن فیصل که چهاردهمین امام سلالهٔ غفاری است بتاریخ ۱۳ اگست ۱۹۱۰

برتخت جلوس نمود . مسقط مرکز عمان است . وخارج از عرب در بلوچستان بندر گوادر وحوالی آن به امامت عمان تعلقدارد .

فلسطین

فلسطین در ساحل مشرق بحر روم و بدروازه های عرب ومصر و به منتهای قطعاتی واقع است که از آسیای صغیر امتداد یافته به جنوب منتهی می شود ، بطوریکه اقوام یهودی تاریخ فلسطین را می سازد مستند واقعات تاریخی این مملکت شمرده نمی شود ، بلکه یهودیها یك جزء درتاریخ آن شامل میباشند .

از آثاریکه معلوم میشود فلسطین هم ادوار سنگی وفلزی را طی نموده است ولی نمی توانیم صحیحاً تعینی نمائیم که سامی ها درکدام زمان فلسطین را تصرف نمودند ، علی ای حال درآخر قرون سه هزارم سال قبل از میلاد فلسطین با تمدن مصر ، بابل ، کریت وغیره شرکت دارد .

و تا زمانهای درازی در فلسطین طوایف الملوکی بوده حتی شاهان مصر درسنه ۱۷۰۰ ق ، م تعرضات خود را درآنجا شروع میکنند و شاهان فلسطین با حمله آوران خارج با سیاست مخصوصی پیش آمده یعنی گاهی بهمراه یکی وگاهی بادیگری اتحاد مینمایند ، بالاخره ستی اول (۱۳۲۱ ق م) شاه مصر ازخاندان نزدهم به فلسطین حمله آورد ، و مملکت مصر راجع به قبض فلسطین با هیتت ها قتل وقتال می نمود ، درآخر رامسس دوم (شاه مصر از ۱۲۰۰ - ۱۱۶۹ ق ، م) چون درفلسطین انقلاب برپا می شود مشارالیه فلسطین و یکقسمت سیریا را فتح می کند .

درین زمان یکدشمن قوی ازطرف جنوب مشرق برای فلسطین نمودار می شود ، وفلسطین مابین حمله آوران متخاصم (مصر) و آثوریها ، هیتت ها و متانی ها وغیره ، سخت زیر فشار گرفتار شده تا قرنها مورد ظلم و جورآنها می شود .

بعد ازین ما در زمانهٔ یهود داخل می شویم ، درزمانیکه هیچ سلطنت خارجی قوی نبود اسرائیل ها بروز نموده فیمابین همجواران خود تفوق و برتری جستند، باید دانستکه ابراهیم علیه السلام جد امجد بنی اسمعیل، وبنی اسرائیل قریب سنه ۱۹۲۱ ق، م در شهر (عراق عرب) نزدیك بابل تبلیغ توحید را شروع نمودند ، یعقوب علیه السلام نواسهٔ ابراهیم خلیل(ع) درفلسطین سکونت پذیرفتند ، واسرائیلی‌ها اولاد یعقوب علیه السلام (که نام دیگر شان حضرت اسرائیل است) در اوایل قرن دوازدهم قبل‌المیلاد با حضرت موسی (ع) ، و قوم شان در فلسطین رسیدند - قریب (۱۰۰۰) سال‌قبل ازمیلاد و حضرت سلیمان علیه السلام بالاخره درآنجا بسلطنت رسیدند ، وبعد از آن فلسطین در دوحصه منقسم گشت یعنی جودح و اسرائیل ، جودح درجنوب ، اسرائیل درشمال واین هردو قتل وقتال داشته بنوبت بالای یکدیگر غلبه حاصل می کردند .

وقتیکه دول همجوار دوباره قوت حاصل کردند آنها در صحنهٔ فلسطین می درآیند ، چنانچه شیشك شاه مصردرسنه ۹۳۰ ق،م به فلسطین هجوم آورد، ودرین اوان سلطنت آثوری بطرف مغرب تعرضات را شروع کرده رقیب های مصر ، اسیای صغیر وفنیقی ها وعمان وغیره گردید .

تحت‌جیر و بوآم دوم هادرشاه، یهود ،قوهٔ اسرائیل ها بعد ازتغیر و تبدیل زیاد با قرود و سلطنت اسرائیلی تا به دمشق وسعت پذیرفت . بعد از وفاتش نفاق و شقاق تولید و قوت اسرائیلی مضمحل گردید . اما قسمت دیگر یعنی در جودح یك پاشاهیت قوی بوجود آمد . ولی فلسطین مابین دو سلطنت قوی یعنی مصر وآثور واقع شده همیشه زیر فشار بود ، چنانچه سارگون دوم از سازشهای بنی اسرائیل بهمراه مصر

به تنگ آمده در سنه ۷۲۱ ق ، م یهودیها را به میدیا فرار نمود ، و وقتیکه سلطنت آثوری خراب و سلطنت بابل برپا گردید بخت نصر دوم از بغاوت یهودها بقهرآمده فلسطین را خراب و عدهٔ زیاد یهود را قتل نمود و عدهٔ زیاد را به بابل آورد (۵۸۵) ق،م زیرا که جودح مصر را بحال سابق صاحب قوت و اقتدار دیده خلاف بابل بغاوت برپا کرده بود .

بعد، سلطنت هخامنشی تاسیس ، و موسس آن کوروش کبیر بابل را در سنه ۵۵۹ ق ، م مفتوح و یهودیهای بابل را پس به فلسطین فرستاد .

در دوران سلطنت هخامنشی های فارسی فلسطین بغاوتی نموده بود مگر بزودی فرونشانده شد . در سنه ۳۳۲ ق ، م سکندر یونانی از فلسطین گذشته مصر را فتح کرد سکندر با یهودیها هیچ غرضی نگرفت و آنها را بحال خود شان باقی گذاشت ، سکندر ۱۳ جون سنه ۳۲۳ ق،م بمرد وسلطنت او فیمابین جرنیلهای او منقسم گردید ، یکی از جنرال های هشیار او موسوم به بتولمی مصر و فلسطین را گرفت ، بتولمی باکمك سیلوکس نکاتور جرنیل دیگر سکندر یعنی آنتی گونومی را در مقام (غازه) (۳۱۲) ق ، م هزیمت داد .

سیلوکس نکاتور پایتخت خود رادرانطاکیه قرار داد .

انتیاکس (سوم) کبیر از سلالهٔ سیلوکس فلسطین را از خاندان بتولمی در سنه ۱۹۸ ق ، م بستانید ، و اهالی شهر غازه خلاف حمله آوران مدافعهٔ شدیدی نموده ولی بالاخره مفتوح گردید .

درعهد خاندان سیلوکس چون یکی از شاهان برعلیه یهود فلسطین مداخلت بیجای دینی نموده بود ، یهودها تحت لوای جودا از بغاوت نموده عسکر سیلوکسی‌ها را شکست دادند حتی پادشاه سیلوکس آنها را آزادی مذهبی داد .

نزدیك (۷۰) ن ، م فلسطین تحت نفوذ روما درآمد ـ اما چون یهودها قرار نمی نشستند ، رومیها آنها را سخت سزا دادند و فرارشان نمودند ، بعد ازان درهمین سر زمین حضرت عیسی علیه السلام پیدا می شوند بغاوت آخری یهود درسنه ۱۳۵ بوقوع پیوست ورومیها یهودرا بطوری سزای سخت داد که بار دیگر یهود سر خود را بالا کرده نتوانستند و فلسطین زیرادارهٔ حکومت روم دوام نمود .

سلطنت روم د سنهٔ ۳۹۵ میلادی بدوحصه تقسیم شده ، فلسطین شهنشاهیت مشرق مربوطشد درین اوان گاه گاهی یهودیها زیر فشار آمده بقتل می‌رسیدند ، باز هم درفلسطین یك امنیت حکمفرما بوده که دفعتاً در سنه ۶۱۱ میلادی خسرو دوم شاه ایران ، فلسطین را از شهنشاهی رومای مشرق تصرف نموده ، فلسطین را خراب کرد .

اما درسنه ۶۲۸ هرقل بار دیگر فلسطین را از شاه ایران بگرفت لیکن اقتدار او دوام نکرد چراکه مسلمانان عرب در صحنهٔ تاریخ فلسطین نمودار شدند . یروشلیم در وقت حضرت عمر (رض) مفتوح گردید ، و لشکر عمر بن عاص(رض) بطرف مصر ازهمین مملکت گذشت ، در عهد خلفای راشدین ما تحت اسلام بود در سنه ۶۶۱ حضرت معاویه (رض) دارالخلافه را بدمشق نقل داد .

در سنه ۶۸۴ میلادی خلیفه عبدالملك قبه الصخره را دریروشلیم تعمیر نمود واین عمارت یکی ازمقبول ترین عمارات دنیا می‌باشد درسنه ۷۵۰ خلافت بنی امیه محو و بنی عباسیه دارلخلافه را ببغداد نقل دادند ، قرامطه قریب سنه ۹۲۹ بفلسطین خسارهٔ زیاد رسانیدند . درسنه ۹۳۶ میلادی مصر بغاوت نموده آزاد گشت وفیمابین



مسجد قبة الصخره در بیت المقدس

عباسی ها و فاطمی ها (خلفای مصر) تا سنه ۱۰۷۲ میلادی مخاصمت وقتل وقتال دوام نمود - درین سنه ترکمانهای سلجوق ازخراسان خروج نموده بفلسطین حمله آورده یروشلیم ودمشق را اشغال نموده بطرف مصر پیشرفت نمودند، اما مصریها آنها را شکست داده شهرهای شام را گرفتند .

باید دانست که یروشلیم پایتخت فلسطین برای مسلمانان . یهود و نصاری مقامی است مقدس و هرسه ملت قبض آنرا حق خود میدانند اما در فلسطین نفوس مسلمان زیاد وآنها درحفاظت آن خون زیاد را ریختانده اند، چون نصاری هم آنرا مولد حضرت (ع) دانسته مقدس می شمارند لهذا از سنه ۱۰۹۶ میلادی جنگهای صلیبی شروع شد نصاری یورپ از مواعظ جوش آوریادریهای خود خیلی متأثر و مهیج شده دفعهٔ اول (۰۰۰ر۶۰۰) نفراز یورپ بغرض گرفتن فلسطین روانه شدند لیکن صرف (۴۰۰۰۰) نفر بر یروشلیم رسیده آنرا از جهتی قبض نموده توانستند که مسلمانرا نفاق وشقاق و خانه جنگی‌ها کم زور ساخته بود - این واقعه درماه جولائی سنه ۱۰۹۹ بروز نمود - وظلمهای نصاری در فلسطین دردل مسلمانان ویهود آن دیار نفوذ نموده عداوت شدید نصارا را ایجاد کرد . این تصرف تا ۸۸ سال دوام نمود .

جنگ دوم صلیبی را شاهان فرانس و جرمنی در سنه ۱۱۴۷ بپا نموده ظلم و وحشت‌های زیاد را نشان دادند، اما خلاف نورالدین زنگی سلطان شام شمالی کامیاب شده نتوانستند ، بعد از وفاتش صلاح الدین کبیر ایوبی بطور محافظ و مربی اسلام درصحنهٔ تاریخ جلوه افروزمی شود - درزمان نورالدین زنگی مصر را صلاح الدین بمعیت شیرکوه قوماندان عسکری سلطان مذکور فتح کرده بود ، صلاح الدین کبیر فوراً باخراج فرنگی ها از فلسطین پرداخته شاه مسیحی یروشلیم را شکست داده اورا مجبور بصلح کرده لیکن نصاری معاهده صلح را شکستاندند ، وصلاح الدین ایوبی فوراً لشکر کشی نموده شاه نصاری را شکست دوباره داده در سنه ۱۱۸۷ یروشلیم را گرفت .

جنگ صلیبی سوم درسنه ۱۱۸۹ که (یروشلیم را پس قبض کنند) زیر قیادت فریدرك اول شاه جرمنی و شاه انگلستان رچرد بوقوع پیوست .

نصاری قرار معمول وعادت شان درین جنگ هم بربریت خود را نشان داده مسلمانان غیرداخل‌مصاف را به قتل رسانیدند - عسکه را بعد از محاصره سهٔ سال گرفته باوجودیکه مسلمانان عسکه را پناه داده بودند همه را به قتل رسانیدند ، صلاح الدین غازی چنان مقاتله شدیدی نمود که لشکر مور وملخ نصارا خائب وخاسر ماندند .

صلاح الدین کبیر درسنه ۱۱۹۳ وفات نمود وجنگ صلیبی چهارم وپنجم سنه ۱۱۹۸ وسنه ۱۲۰۴ واقع شد درسنه ۱۲۱۲ پنجاه هزاردختر وبچه یورپی زیر تاثیر متخیلین مضر بطرف یوروشلیم روان شدند تا چیزی را بدست بیارند که آباواجداد آنها به تحصیل آن مؤفق نشده بود این گروه هم کامیاب نشد چنانچه اکثریت آنها پس باوطان خود معاودت کرده نتوانستند ، وغالباً دربحیرهٔ روم غرق گردیدند .

چهار جنگ صلیبی دیگرکه تا به سنه ۱۲۷۲ بظهور رسید اهمیت خصوصی را دارا نبود ؛ تنها در جنگ ۶ درسنه ۱۲۲۹ از طرف مسلمانان به فریدریك دوم جرمنی اجازه داده شد که دریوروشلیم تا ده سال حکومت نماید .

درین آوان مغلهای آسیای مرکزی نمودارمی‌شوند وآنها درسنه ۱۲۱۸ ایران را فتح کردند شاه دمشق درسنه ۱۲۲۸ ازآنها امداد طلبید مگر آنها درسنه ۱۲۴۰ با سلطان مصرمتحد گردیده شام شمالی را تاراج کردند بالاخره از شمال شکست خورده یوروشلیم را قبض و اهالی را قتل عام و فلسطین را خراب کردند . مصریها همراه آنها شریك شده نصاری ومسلمانان شام را نزدیك غازه شکست دادند بنا بر

مخاصمت مصر بها این مغلها مجبور به عقب نشینی شدند وفلسطین در تسلط سلاطین مملوك مصر درآمد چندی بعد هجوم دیگر مردم وحشی تاتار بوقوع پیوست ، واین مغلهای چنگیزخانی زیر قیادت هلاکوخان بغداد را درسنه ۱۲۵۸ فتح کرده ، آن را کاملاً تباه نمود ، ودرسنه ۱۲۶۰ بدمشق حمله آورده وآنرا اشغال نموده ، شام را تاراج وغارت کرد ، باز بطرف مصر تعرض نمودند مگر بیبرس جنرال سلطان مملوك مصر آنها را چنان هزیمت فاحش داد که مغلها فلسطین وشامات را گذاشته فرار نمودند بالاخره سلاطین مملوك در سنه ۱۲۹۱ اثر باقیماندهٔ حکومت فرنگی ها را ازفلسطین محو ونابود کردند — درسنه ۱۴۰۰ تیمور لنگ به فلسطین حمله برده نصارای فلسطین را مضمحل نمود .

درسنه ۱۵۱۶ فیمابین سلطان سلیم وحکمرانان مملوك مصر جنگ شده مملوکها هزیمت خوردند ، و فلسطین در دایرهٔ حکمرانی سلاطین عثمانیه ترکی درآمد سلیمان کبیر در سنه ۱۵۳۷ دیوارهای یوروشلیم را مکرراً تعمیر نمود . تاقرن نوزدهم چیزی قابل ملاحظه درآن واقع نشده ، البته شیخ های محلی مزارعین را بسیار ایذا میرساندند — از ۱۵۹۵ الی ۱۶۳۴ یك شهزاده ادری فخرالدین بمخالفت ترکها سلطنت لبنانی را تاسیس نموده فلسطین شمالی را تاعسکه بگرفت — بعد ازین اروپائی ها بطرف فلسطین متوجه شدند ، وچیزی را که بجنگ گرفته نتوانستند بطریقی دیگر پرداختند چنانچه سوداگران فرانسوی درسنه ۱۷۹۱ فابریکه ها ودفتر ها راقائم کردند — نیپولین درسنه ۱۷۹۵ بعد ازفتح مصر به فلسطین رسید تا پروگرام حاکمیت شام وشرق قریب را بواسطهٔ تحریص فلسطینی ها خلاف ترکها مکمل نماید — دراول مرحله فوج بی قاعدهٔ عرب وترکها را شکست داده ویازده هزاربندی مسلمانان را بقتل رسانید وقتیکه فوج منظم ترکان به عسکه رسیدند نیولین شکست خورده بطرف مصر عودت نمود . بعد ازسنه ۱۸۴۰ ترکان عثمانی استیلای خودرا بالای فلسطین قوی تر نمودند . درسنه ۱۸۴۷ دربین نصاری وفلسطین خصومت روی داد کلیسای یونانی وروی کاتولیك مجادله داشتند که جای پیدایش حضرت عیسی (ع) به ستاره نشان کنند وکدام یکی ازمذهبین حق نشان کردن را دارد . چنانچه یکی ازعلل بزرگ جنگ کریمیا (جنگ مابین ترکیه وروس) همین مسئله بود .

درچهل سال آخری قرن نزدهم فرانسوی ها ، روسی ها ، جرمنی ها ، امریکائی ها وغیره درفلسطین آمده آباد شده بانکها وهیئت های تبلیغیه بنا کرده رفتند . درسنه ۱۸۹۶ یورپ تجویز نموده که یهودیها را درفلسطین جای بدهند . بالاخره ترکان ازین اقدامات اروپائی خوف نمودند ودرسنه ۱۹۰۶ به حدبندی علاقه سیستائی مصرمابین ترکان وبرطانیه مناقشه پدید آمد . قبل ازحرب عمومی درفلسطین اروپائی ها بنام بانکداران ، خدام بشر ، مبلغین وسوداگران ومدرسین وغیره درآمده بودند ، ویهودیهاهم به تعداد زیاد آمده توطن گزیدند . گویا اجانب خیلی زیاد شد ، ترکها وعرب های فلسطین وکل عالم اسلام حس کردند که فلسطین هم مثل مصر تحت تسلط انگلیس ویاکدام دولت اروپائی دیگر خواهد درآمد .

جنگ عمومی درسنه ۱۹۱۴ شروع شد ، وترکان نیز باجرمنی اتحاد نموده خلاف انگلیس اعلان جنگ دادند ، اما بعد ازشکست جرمنی وترکیه اتحادیون یعنی انگلیس وفرانسه وغیره ، شام وفلسطین وعراق عرب را بین خود تقسیم کردند ، وفلسطین درسهم انگلیس درآمد .

فلسطین به ۱۱ دسمبر سنه ۱۹۱۷ بهانگلیس ها تعلق گرفت ، ازآن روز تااین زمان قراردعوت برطانیه یهودیها ازهرقطعه مهاجرت نموده به فلسطین میروند .

فیلپائن

مجمع الجزائر فیلپائن درجنوب بحیرهٔ چین وجنوب مغرب آسیا واقع است و از ۷۰۸۳ جزائر بزرگ وکوچك قطعهٔ تشکیل وبنام فلیپ شاه هسپانیا موسوم گردیده است ، میگیلن اولین ملاحیست که بدورکرهٔ ارض مسافرت نموده ودرین جزائر رسیده بنام پادشاه خود فلیپ دوم آنها را فیلپائن نامیده است .

پیش ازقرن دهم مسیحی اطلاعات تاریخی راجع باین جزائر در دست نیست ولی از قرائن چنان معلوم میشود که اهالی هند ازراه جاوا بههند چینی و ازآنجا وارد این جزائرگردیده اند چنانچه رسم الخط قدیم وعدهٔ الفاظ لسان بومی که ازبان سنسگرت ماخوذ است درکتب چینی شاهد این مدعاست و شرحی از مسافرتهای تجار بحری چین درقرن دهم ومابعدآن بدین جزائر ، ذکریافته واحتمال میرود که روابط تجارتی چین مدتی پیش ازان نیز وجود داشته است ، دین مبین اسلام نیز بواسطه تجار جاوا وسوماترا وبورنیو ودیگر جزائر ملایا بجنوب این جزائر رواج وتعمیم یافته ، چنانچه تاکنون باوجود مزاحم شدید حکومت هسپانوی اکثر اهالی جزائرجنوبی فلپائن مسلمان می باشند .

بتاریخ ۱۶ مارچ ۱۵۲۱ اولین مرتبه فردیناند میگلین هسپانوی بدین جزائر وارد شد و بعدازین تاریخ اهالی هسپانیه چهاربار دیگر بدین جزائرهجوم آوردند وبالاخره درسنه ۱۵۶۵ درین جزائر یك شهر را بنا نهاده ودرسنه۱۵۷۲ مانیلا رامرکزحکومت خود قراردادند .

درسنه ۱۵۷٤ چینی ها تحت قیادت لیماهونگ برمانیلا هجوم آورده ولی بمراجعت مجبور شدند خلاصه تا سنه ۱۶۰۰ اهالی هسپانیه تمام جزائرفلیپائن ماسوای (جزائر جنوبی یعنی : منداناؤوسولا وپاواوان) را درتحت تصرف خود آوردند .

چون اهالی هسپانیه مسلمانانرا دروطن خود بنام موروپاوی نامیدند بنابران مسلمین فلیپائن راهم به همین نام موسوم نمودند جنگهای ایشان بامسلمین تاسنه ۱۸۵۰ دوام داشت که درآن سال آخرین قلعه های جولو را تسخیر نمودند ولی آنها بردیانت خود برقرار ماندند ، حکومت داخلی جزائر جنوبی اسلامی تاحال بروسای محلی تعلق دارد ودر دیگر جزائر کیش مسیحی رومن کاتولیك ترویج یافت .

درسنه ۱۷۶۲ جهازات جنگی برطانوی برمانیلا هجوم آورده اهل هسپانیه را شکست دادند ولی یك سال بعدازان تحت اثرشرایط صلح نامه پاریس دوباره شهرمذکور رابههسپانوی ها تسلیم نمودند .

ازسنه ۱۸۷۲ اهالی فلیپائن برای استقلال خودکوشان بودهاند درابتدای سنه ۱۸۹۸ درحالیکه درجزائرمذکوراختلال داخلی جاری بود حکومت هسپانیه یك جهاز امریکائی رادربندرمانیلا آتش زد وجماهیر متحدهامریکه برعلیه هسپانیه اعلان حرب نمودهدرنتیجه قوای هسپانوی رامغلوب وجزائر فلیپائن را متصرف شد .

دریناواخر حکومت اتازونی معاهدهٔ راامضا نمود است که بعد ازیازده سال برای فلیپائن آزادی تامه داده خواهد شد .

قلات (بلوچستان)

خانی قلات بجنوب افغانستان واقع و مساحهٔ آن ۳۶۰ر۱٤۹ مربع کیلومتراست ، نفوس آن ۲۸۱ر۳۲۸ نفر و عموماً مسلمان سنی واز اقوام بلوچ و بروهی میباشند .

قبلاً خانی قلات نیم مستقل و تحت حمایهٔ افغانستان بود . تاریخ ماقبل آن درتاریخ بلوچستان ذکر شده .

در سنه ۱۸۷۹ قرار مقررات معاهدهٔ گندمك امیر محمد یعقوبخان آنرا به تحت‌الحمایگی انگلیس گذاشت .

بعد ازان اراضی اقوام مری و بوگتی از خانی قلات مجزا گشت ، کویته و بولان ، توشکی و نصیر آباد نیز بطور اجاره درعوض ۰۰۰ر۲۸۱ کلدار سالیانه بانگلیس داده شده ومستقیماً از طرف حکومت هند برطانوی اداره می شود .

بقیه علاقه‌جات اراضی خانی قلات برچهار حصه منقسم است : یکحصه تعلق به اهالی بوی داشته که مستقلاً ازان استفاده نموده هیچگونه مالیاتی به خان نمیپردازند . حصهٔ دیگری تعلق به خان دارد اهالی مطابق مقررات موضوعه مالیاتی بخان میپردازند . حصهٔ سوم نوابی خاران که بسرحد ایران واقع و از خانوادهٔ نوشیروانی بوده تحت حمایهٔ خان قلات است . حصهٔ چهارم ریاست (لس بیلا) است که سلطان محمود غزنوی آنرا فتح و عمارات عظیم و قشنگی دران بنا نموده بود ، رئیس (لس‌بیلا) تحت حمایهٔ خان قلات‌است . وعایدات سالیانه‌لس‌بیلا ۰۰۰ر۳۵٦ کلدار است و تعلق به رئیس لس بیلا دارد ، رئیس مذکور از دودمان عبد مناف و قریشی است . رئیس (جام) لقب ، و میر غلام محمد اسم دارد .

خان قلات میر محمد اکرم خان ازقوم بروهی است و ملقب به نواب بیگلر بیگی می باشد .

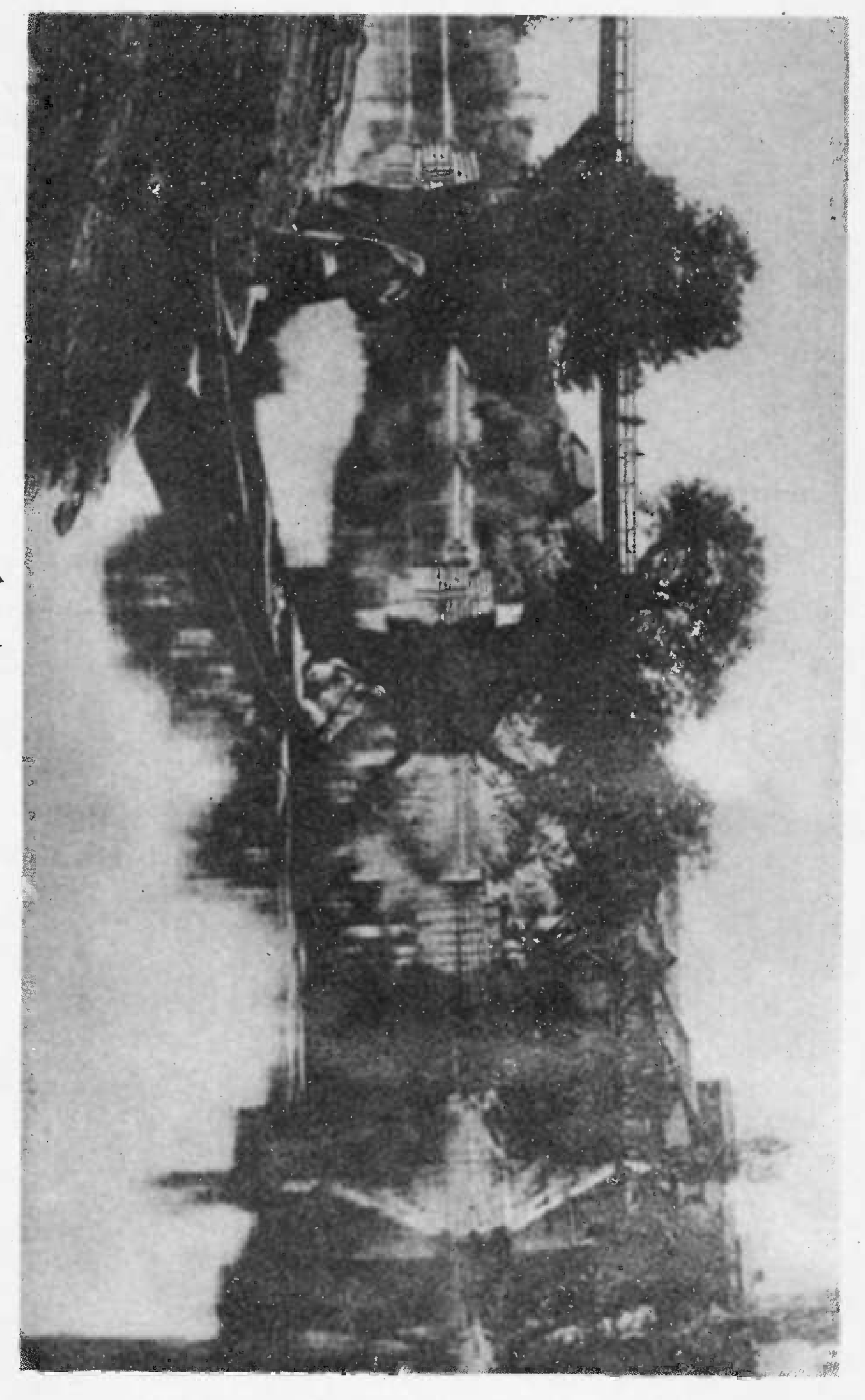
کشمیر

یك ریاست بوی هندوستان و درشمال مغرب هندواقع بوده مساحهٔ آن ۲۱۹ر۲۱۸ مربع کیلومتر ونفوس آن تخمیناً ۰٦۵ر٦٦۹ر۳ نفر است که منجملهٔ آنها ۹٦ فصید مسلمان میباشند .

درزمانهٔ قدیم آریه‌های افغانستان از بلخ حرکت کرده و بعلاقه کشمیر رسیده بومیان را مغلوب نموده بودند نام سنسکرتی مملکت کاسمیر بود ، در مهابهارت دوقوم کشمیر یعنی کسمیره ودراوائی رانژاد کشتری هند شمال شمار کرده اند دروقت سکندر مقدونی درکشمیر راجای قوی بوده که بهسکندر راظها ر اطاعت نکرده بود بالاخره چیزی تحایف به سکندر فرستاد . بعدا زرفتن سکندر درهندوستان چندرگیتای موریا تاسیس خاندن موریا را نهاده کشمیر رافتح کرد تخمیناً از ۳۱٦ تا ۱۸٤ ق ، م کشمیر تحت حکرانی خاندان موریا بوده - راجه اشوك نواسهٔ چندرگیتادین بودائیت رادرین دیار رواج داداما بعد از وفاتش بودائیت رو به زوال نهادو برهمنیت باردیگر تفوق حاصل نمود کوشانشاهان افغانستان (یعنی هوویشکا ، جوشکا و کانشکا) کشمیر را فتح کردند ودر عهد کانشکای کبیر بحکم شاه مذکور پنجصد عالم دین بودائیت در کشمیر مجلسی منعقد کرده راجع بمذهب بودائی ۳ کتاب در زبان سنسکرت تدوین نمودند که بنام « ارابه بزرگتر قاتون » موسوم شد بعد ازسقوط کوشانشاهی برهمنیت باز زنده شده و بدوران قرن پنجم میلادی‌چندین معابد هنود در کشمیر تعمیر یافت و چندین زایرین چینی در حدود قرنهای ششم و هفتم ازکشمیر گذشتند ، هیون‌تسانگ دو سال درکشمیر (٦۳۱-٦۳۳) اقامت کرد ، درین زمان در کشمیر طوائف‌الملوکی بوده درقرن هشتم راجگان کشمیر به شهنشاه چین باج می پرداختند .

در حدود سنه ۱۰۰٦ میلادی سنگرام راجهٔ کشمیر بود و تا سنه ۱۲۹٤ راجگان هندو درکشمیر سلطنت می کردند حتی امیر شاه ملقب به شمس‌الدین تخت را از هندوها غصب نمود در سنه ۱٤۱۲ زین‌العابدین پادشاه کشمیر بود .

در اواخر قرن چهاردهم سکندر پادشاه کشمیر بوده به تبلیغ دین اسلام مساعی بلیغه نموده بود تیمور کورگانی درد همین پادشاه به هندوستان حمله آورده سکندر باو اطاعت نموده و باج داد .



پل چوبی بردریای سرینگر

از شاهان مغولیه اکبر پادشاه، کشمیر را درسنه ۱۵۸۸ میلادی فتح کرد و علاقهٔ موزون و خوشنمای کشمیر تفرجگاه شاهان مغولیهٔ گردید و آنها عمارات و باغات جمیل درکشمیر ساختند .

درعهد عالمگیر ثانی شاه‌مغلیه هندوستان پادشاه افغانستان یعنی احمد شاه ابدالی حملهٔ سومین به هند آورده کشمیر را اشغال کرد وکشمیر یك ایالت افغانستان گردید، حتی رنجیت سنگهه درسنه ۱۶۱۹ آنرا تصرف نمود در وقت جنگ اول سکها و انگلیسها، از طرف سکها شیخ امام الدین حاکم کشمیر بود رنجیت سنگ ایالت جمون را به گلاب سنگهه را جبوت دوگره تفویض نموده بود وهمین گلاب سنگهه بعد از شکست سکها در جنگ سبراؤن (۱۸٤٦) میلادی شرائط صلح را فیمابین انگلیسها وسکها منعقد نمود انگلیسها یکنیم ملیون پوند استرلنگ بطور تاوان جنگ خواستند، چون دلیپ سنگهه راجه پنجاب اینقدر رقم گزاف را ادا کرده نمیتوانست، علاقه کشمیر وهزاره‌را به انگلیسها تسلیم نمود اما گلاب سنگهه رقم مذکوررا پرداخت وانگلیسها اورا حکمران کشمیر شناختند، گلاب سنگهه حصص باقی ماندهٔ کشمیر را فتح کرده درحدود سلطنت خود الحاق نمود- بعد ازمرگ او (۱۸۵۷) میلادی پسرش زبیر سنگ جانشین او شد - حکمرات دیگر مهاراجه پرتاب سنگهه بود، مهاراجه امروزی سرهری سنگهه درسنه ۱۹۲۵ به تخت کشمیر متمکن گردیده است .

کوریا

کوریا عبارت است از یك جزیره نما و ۲۰۰ جزیره های خورد بطرف مشرق مانچوریا - مساحهٔ کل مملکت ۷٤۱ر۲۲۰ مربع کیلومتر ونفوس آن ۳۰۵ر۰۵۸ر۲۱ نفر میباشد - اکثریت مردم درپیشهٔ زراعت شغل دارند، مرکز حکومت شیول است .

بصحت هنوز معلوم نشده که کوریائی ها بکدام نژاد تعلق دارند اما از روی سیما غالباً از نژاد مغلی زرد پوست می باشد ، از تحریرات چینی ها وکوریائی منکشف می شود که اولین پادشا کوریا (دانکون) درحدود ۲۳۳۳ ق ، م سلطنت میکرد ، پای تخت او (جی ریونك) نام داشت ودرجزائر کانگ وهه معابد تعمیر نمود خاندان این پادشاه تا ۱۰٤۸ دوام وسلطنت کرد .

روایات چینی ، وکوریائی مظهر است که : کی - تزی مصاحب ومشیر آخرین پاشاه سلاله سوم چینی بمعیت چندین هزار مهاجرین چینی درسنه ۱۱۲۲ ق ، م بکوریا رسیده وکوریائی ها اورا پادشاه خود قبول کردند ، این پادشاه مصلح معاشرت کوریائی را اصلاح وسرحد کوریا را با امن وفوج منظم درآن مقرر کرد وقانون درست را رواج داد ، وکوریا را بنام چاوهسئین موسوم نمود ، اخلاف این پادشاه تاقرن چهار ق ، م سلطنت کردند ، وبعد ازآن خانه جنکی بر پا شده ولی هجومات اجانب آنهارابطرف اتحاد واتفاق متوجه ساخت . با وجود خانه جنکی ها کوریا درعلم وعرفان ترق کرده ، ودرقرن چهارم میلادی کوریا مرکز تربیهٔ علمی بوده بودائیت وادبیات وعلم اخلاق چینی را بهمراه رسم الخط چینی بطرف جاپان نشئت واشاعت داد . درسنه ۹۱۳ میلادی وانك مؤسس خانه جنکی ها را رفع کوریا را متحد ودریك حکومت منسلك نموده آنرا بنام کوری موسوم کرد وسونك دو - را پای تخت قرارداده ، بودائیت رادین حکومت تجویز کرد .

درقرن یازدهم قوم تنکوسی علاقه مغربی دریای یامورا منقرض نمودند . دروقت استیلای چنگیز خان ، وقوبلی خان کوریا هم مورد حملات آنها شده خسارات بزرگی را متحمل شده بود نی تیجو و یا لیتان سلاله وانگ را درسنه ۱۳۹۲ برانداخته برتخت‌کوریا متمکن گردید . لیتان به اولین شهنشاه مینگ

چین اظهار اطاعت وانقیاد نموده وشهنشاه مذکور به اولقب « شاه » داده جنتری و تاریخ چین را نیز به او فرستاده وارسال این چیز ها در حقیقت علامه ایست که مرسل الیه مطیع و تابع او است ، نی تیجو کوریا را چاوهئین نامیده سیول را پاتخت خود قرار داده ، ودستورالعمل اداری راانفاذ داد وآن تابه سنه ۱۸۹۵ باچیزی تعدیلات رواج داشت اصلاحات جدی را اجرا وبودائیت را الغا نمود ، وچنان قرار داد که اشخاص بشرطی مامور حکومت شده می‌توانند که در ادبیات چین کامیاب شوند ، نیز کانفیو شیست رادین دولت قرار داد قربانیهای آدم وزنده بگور کردن آدم پیررا موقوف نمود .

شهنشاهان متاخر کوریا در اداره وانتظام وامنیت مملکت تساهل ورزید . لهذا قزاقان بحری جاپان رشك برده برسواحل کوریا تاخت می آوردند ، بعد ازآن درسنه ۱۵۹۲ هائیدی یوشی (نائب السلطنه بزرگ جاپان) (۳۰۰) هزار عسکر جاپانی را به فتح کوریا مامور ساخت ، چینی ها عسکر بامداد کوریا فرستادند چنانچه تاشش سال متواتر محاربات بزرگ وخون ریزی بین آنها دوام داشته ، جاپانیها سیول و شهرهای مهم دیگر را اشغال نمودند ، طبعاً این جنگها باعث خسارات کلی کوریا گردید .

چون هائیدی یوشی فوت کرده بود لهذا عسکر جاپانی پس خواسته شد مگر جاپانیها باج گزاف از کوریا ستانیدند ، وشاه کوریا تا سنه ۱۷۹۰ میلادی مطیع وما تحت جاپان بود ، بعد ازان کوریا جدا افتاده ودول اروپائی دران تبلیغات عیسویت را شروع کردند ، لیکن کوریائیها مبلغین فرانسوی وامریکائی را بقتل رسانیدند چنانچه عسکر اروپائیها درسنوات ۱۸٦٦ الی ۱۸۷۱ میلادی به بعضی حصص کوریا حمله برده خسارات زیاد جانی بکوریائیها رسانیدند ، اما چیزی منفعت دپلوماتیکی را بدست آورده نتوانستند . روسیها در سنه ۱۸٦۰ با جازهٔ چین تا بدریای تومین بعضی علاقه‌جات را بتصرف خود آوردند . چون درکوریا قحط شدید واقع شده بود لهذا عدهٔ زیادی ازکوریائیها وبعضی مسیحیون کوریا به مملکت روس هجرت نمودند ، حکومت روس باآنها سلوك خوبی را مرعی‌داشت درسنه ۱۸۷٦ جاپان برضای چین‌همراه کوریا معاهده نمود که فوسان برای تجارت وتوطن نفری جاپانی آزاد باشد ، بهمین منوال ریچیون وودن سان برای جاپان باز شد ، بعد بنا بر نفاذ « قواعد تجارت وسرحد » ازطرف چین ممالك غیر مثل امریکه ، جرمنی ، برطانیه ، رملی ، روس معاهدات تجارتی را منعقد نمودند ، در سنه ۱۸۸٤ سیول برای‌اقامت اجانب باز شد واجنبی ها در ایالت های کوریا سفر کرده می توانستند ، اگرچه تاآن زمان فوقیت وامپراطوری چین تسلیم می شد ولی کوریا خواهش استقلال وآزادی را داشت ـ درمیان ۱۸۹۷ و ۱۸۹۹تحت فشار دپلوماتیکی یك عده بندرگاها برای تجارت واقامت خارجه باز شد .

تی ودن ـ کول در حدود سنه ۱۸۸۲ ـ سنه ۱۸۹٤ ساز شی نموده تا به پادشاهی کوریا فایز شود در نتیجه سفارت جاپان مورد حمله شد اما سفیر چینی با مداد عسکر چینی ـ تی ودن ـ کول را بطرف تلننت شین تبعید نمود ـ درسنهٔ ۱۸۹٤ سازش دیگری بر پا شده وپادشاه کوریا ازچین امدادفوجی‌خواست چین‌قرار معاهده به جاپان اطلاعیه روان کرده (۲۰۰۰) نفر سپاهی بکوریا فرستاد جاپان چندی بعد (۱۲۰۰۰) سپاهی بکوریا وارد کرده بعض اصلاحات را پیشنهاد کرد چین جواب داد که باید کوریا گوائف داخلی را خودش فیصله نماید ، وجاپان باید پیش از مقاوله افواج خودرا خارج کند ـ جاپان این تجویز را رد وحمله کرده ارگ شاهی را اشغال نمود سپس فیمابین جاپان وچین محاربه مشتعل شده کوریا میدان حرب طرفین گردید ـ بالاخره شاه کوریا امپراطوری چین را رد واطاعت جاپان را قبول نمود ـ حکومت جاپان اصلاحات مفیده را درهر شعبه حکومت داخل ودائر نموده تا ۱۸ ماه حکومت بصورت درست دوام می نمود که تی ودن ـ کول بامداد فوج جاپانی به شیول حمله برده ملکه را کشت وپادشاه کوریا بسفارت روسیه پناه جست بعد ازآن نفوذ ورسوخ جاپان رو به تنزل نهاد وجمله اصلاحات لغوشد ، وحکومت روسی ترتیب واداره‌ٔ مالیه کوریا را خراب ساخت وپادشاه کوریا لقب شهنشاه را اختیارکرده . تمام شعبات حکومت بی ربط و

متزلزل ودر تمام مملکت بدامنی و بدنظمی بیاگشت . وروسی ها به تزئید آن سعی می نمودند . جاپان این وضعیت را دیده، اندیشه نمود که کوریا را روس ، ویا یکی از دول اروپا اشغال میکند پس از راه جنگ درآمده درسنه ۱۹۰٤ روس را شکست داد ، و بواسطهٔ معاهدهٔ صلح معاملات خارجه کوریا تحت ادارهٔ جاپان درآورده شد ـ در سنه ۱۹۰۷ پادشاه کوریا به ایمای کابینه کوریائی درحق پسرخود خلع نمود .

جاپان در همین سال قراردادی را به زور عسکر بالای کابینهٔ کوریائی قبولاند ، یکی از مواد مذکور این بود که، فوج مقیم کوریا منتشر کرده شود ، بنابران شورشی بپاشده وجاپان آن را بقوهٔ فوجی خود فرونشاند شهنشاه وکوریابه ۲۹ اگست ۱۹۱۰ تخت وتاج کوریا را برای جاپان واگذار شد . بعد ازین تاریخ کوریا راساً تحت ادارهٔ وتسلط جاپان درامده، وتاحال یك مستملکه مهمهٔ جاپان میباشد اما روح آزادی واستقلال کوریائی ها گم نشده ، چنانچه در سنه ۱۹۱۹ اهالی کوریا قریباً به تعداد (۲۰۰،۰۰۰) نفر بغاوت غیر مسلح نموده اعلان آزادی خود را کردند ولی حکومت جاپان فوراً سرکردهٔ آنها را محبوس نمود ، واین بغاوت فرونشت .

ناگفته نماند که بودائیت از قرن دهم الی قرن چهاردهم فوقیت داشت امابعدازان دین کاتقلیوسی رواج یافت وحال هم همین دین ، دین عمومی کوریائی ها میباشد ، آنها پرستش آبا واجداد را نیز ملحوظ دارند ، علاوتاً به شیاطین موهومی نذرونیاز میدهند تا آنها بهقهر وغضب نشوند ـ نصارای یورپ سعی بلیغ در تبلیغ دین مسیحی دارند چنانچه درین ایام ۲۵۰ هیئت مبلغین پروتستانی و ٦۰ هیئت از رومن کاتولیك درکوریا شفاخانه ها ویتیم خانه‌ها ومکاتب ابتدائی وعالی را تاسیس وانجیل را در زبان کوریائی ترجمه نموده مصروف تبلیغ واشاعت دین مسیحی میباشند .

مانچوریا

مانچوریا مملکتی است واقع به شمال مشرق چین خاص و دارای ۳۸۲،۰۰۰ مربع کیلومتر مساحت و نفوس آن عبارت از . . . . نفر است .

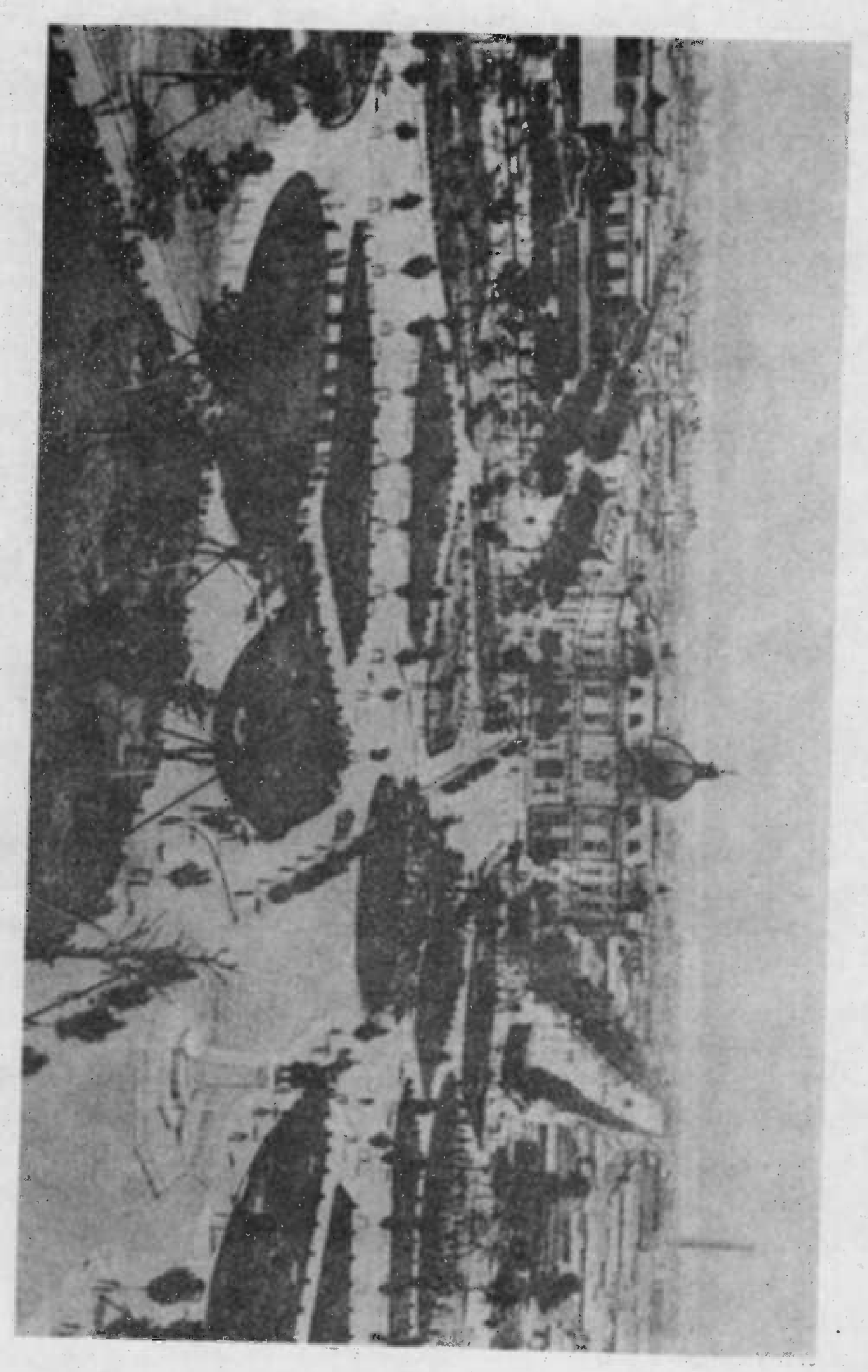
خاك مانچوریا در تاریخ چین از زمانه های بسیار قدیم نمایان و حصهٔ مهمی را دارست در ازمنهٔ سابقه ریاستهای متعدد هتولی از خاندان چو ، بریك قسمت مانچوریای جنوبی قابض و حکمران بودند ووقتاً فوقتاً خاندانهای قوی ترچینی بر حصص مذکوره دست تعدی دراز میکردند . در قرن دهم میلادی ازین قوم خاندانی موسوم به لیاؤ زمام ریاست را دردست‌گرفت وآنها نه فقط برقسمت مانچوریا حکومت میکردند بلکه قطعات منگولیا وچهلی‌را نیز در تصرف خود آورده بودند .

درقرن دوازده قوم نوچن ختیانها را برانداخته دودمان کین را بر سر حکومت آورده بودند کین ها که شاخی ازقوم نوچن بودند چین شمالی راگرفتندازان به بعد مغولیها استیلا نموده نوچن‌ها رابرانداختند .

درقرن شانزدهم میلادی مانچوها (که پادشاه فعلی مملکت از همین خاندان است) تحت قیادت (نورهاچو) اقتدار و برتری حاصل کرده بقدری قوی گردیدند که بالاخره در قرن هفدهم میلادی تمام چین را فتح نمودند .

بعد از کشف امریکه دول مغربی بطرف شرق تمایل نمودند و دراکثر حصص مشرق زمین بسرعت پیش میرفتند ولی تهاجمات آنها را (کیانگ هسی) پادشاه آنوقتهٔ مانچوریا در چین معطل کرد .

در قرن نوزدهم (۱۸۵۸) بواسطهٔ سؤ ادارهٔ داخلی چین روسیهٔ تزاری بر کل علاقه جات شمالی دریای آمو رقابض گشت ودرسنه ۱۸٦۰ علاقهٔ مشرق آسوری راگرفت و مقارن همین اوقات بعضی دیگر



شهر موکن

دول مغربی بسواحل چین دست یافته تجارتخانه ها بنا نمودند ولی هم امتیازات تجارتی وغیره از حکومت چین حاصل می برداشتند در سنه ۱۸۹۰ جاپان جزیره نمای (لیاؤ تنگ) را قبضه نمود ولی دوباره جزیرهٔ مذکور بامداد روسیها به چین مسترد شد متعاقباً خود روسیها بندرآرتوررا بیست و پنج ساله اجاره کردند و یکخط آهن از هاربن الی مکدن تمدید نمودند در سنه ۱۹۰۰ روسها قشونی در مانچوریا گسیل نمود تا بغاوت (بکسرها) را فرو نشاند و بعد ها با وجود اجتماع ها درکشیدن قشون خود مسامحه ورزیده بلکه در حدود مقبوضهٔ خویش به تعمیر استحکامات نیز پرداخت.

آخراً این پیشرفت روس درمانچوریا و چین حوصلهٔ جاپان را بسرآورده به دولت روس اعلان جنگ داد و محاربهٔ مشهور روس وجاپان بعمل آمد وروسها درآن محاربه مغلوب گردیدند وجاپان بواسطهٔ معاهده پورتسمت مقبوضات روسیه را متصرف گردیده ودرعلاقهٔ مانچوریا نفوذ زیادی پیدا کرد.

در سنه ۱۷۷۶ شاهان مانچو برای اهالی چین اجازه داده بودند که بعلاقهٔ فنگتین ایالت جنوبی مانچوریا هجرت‌کرده آباد شوند ودرآخر قرن نوزدهم مجبوراً اجازهٔ اقامت علاقه (کی این) را نیز باهالی چین دادند و عدهٔ زیادی از دهاقین چین شمالی درزمین های لامزروع مانچوریا رفته آباد شدند ودر اختتام همین قرن قرار احصائیه تعداد نفوس مانچوریا به چهارده ملیون نفر می رسید که فی صد هشتاد آن چینی بودند لهذا ازمهاجرین چینی و مانچوریهای قدیم اختلاط مهم نسلی شده صرف نفوس خالص مانچو ها در علاقهٔ ایگون حصهٔ شمالی مانچوریا باقیمانده.

در سال ۱۹۳۳ نظر به تشویق جاپانیها که به مرور چند سال به تعداد مهاجرین چینی افزوده بود احصائیه نفوس مانچوریا به ۲۷ ملیون میرسید که از آن جمله نود فیصد چینی بودند وبالغ به (۲۵۰۰۰۰) نفر نفوس جاپانی نیزدرآنجا اقامت گزین گردیدند ازین به بعد بواسطه کثرت نفوس خارجی رخنه دراستقلال سیاسی مانچوریا پیدا شده وضعیت یك علاقه سرحدی رابین حکومت چین وجاپان پیدا کرد، دول خارجه مخصوصاً روس و جاپان بانظر حرص بطرف آن ملاحظه میکردند.

دراواخر همین‌قرن یعنی قرن ۱۹ دولت چین خیلی کمزور شد وخانه جنگیها درآن سرزمین قائم گردید جاپان موقع را غنیمت شمرده بنام حفظ امنیت مانچوریا وخط آهن خود که بقدرهفتصد میل درآنجادارد یکمقدارقشون زیادرا وارد مانچوریا نمود و به تسلط او خیلی افزوده ازمعادن وزراعت آنجا کارمیگرفت مخصوصاً بقرارمعاهده پورتسمت جاپان امتیازات زیادی درمانچوریا حاصل کرد.

ملت چین آخراً بواسطه فشارهای دول اجنبی درسال های ۱۹۰۵و۱۹۲۷ برعلیه دول خارجه مثل امریکائیهای شمالی، برطانیه اعتصاب هاکردند ودرسال ۱۹۳۱ اعتصاب شدیدی برعلیه جاپان کرده پادشاه موجودهٔ مانچوریا که درآن وقت شاه چین بود وی را خلع نمودند.

بعد ازخلع این پادشاه ملت چین می خواستند امتیازات ممالك خارجه را از ساحت چین لغو مخصوصاً نفوذ جاپانرا از مانچوریا قطع کنند بالاخره بواسطهٔ خراب شدن یك‌حصه خط آهن جاپان درمانچوریا الزام جاپانی‌ها برعلیه چینی ها و اعزام یك هئیت تحقیق جاپانی درآنجا وقتل یکنفر صاحب منصب جاپانی بدست چینیها ها آتش حرب بین چین وجاپان مشتعل گردیده درآخردولت جاپان استقلال مانچوریا را اعلان نموده‌شاه موجوده که (هان تنگ) نام دارد ودرسال ۱۹۰۶ تولد شده وبسن دوسالگی به‌سلطنت چین رسیده بود وبادختر یکنفر رئیس مانچوریا ازدواج کرده است آنرا دوباره درمانچوریا بسلطنت برقرار نمودند.

گویا مانچوریا عجالةً دولت مستقل ومتحدجاپان به شمار می رود.

مکاؤ و تمور

از مقبوضات وسیع سابق پورتگال در شرق اقصی وجزائر شرق الهند مکاؤ و تمور باقی مانده است .

مکاؤ بندریست بساحل چین پیش دهانهٔ دریای کانتن که مساحهٔ آن عبارت از ۱۰ کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۸۰۵ر۱۵۷ نفری باشد .

و تمور پورتگالی که عبارت از نصف شرق جزیرهٔ تمور است در جزائر شرق الهند واقع است ، مساحهٔ آن ۹۸۹ر۱۸ کیلومتر مربع و دارای ۶۰۴ر۴۵۱ نفرنفوس است .

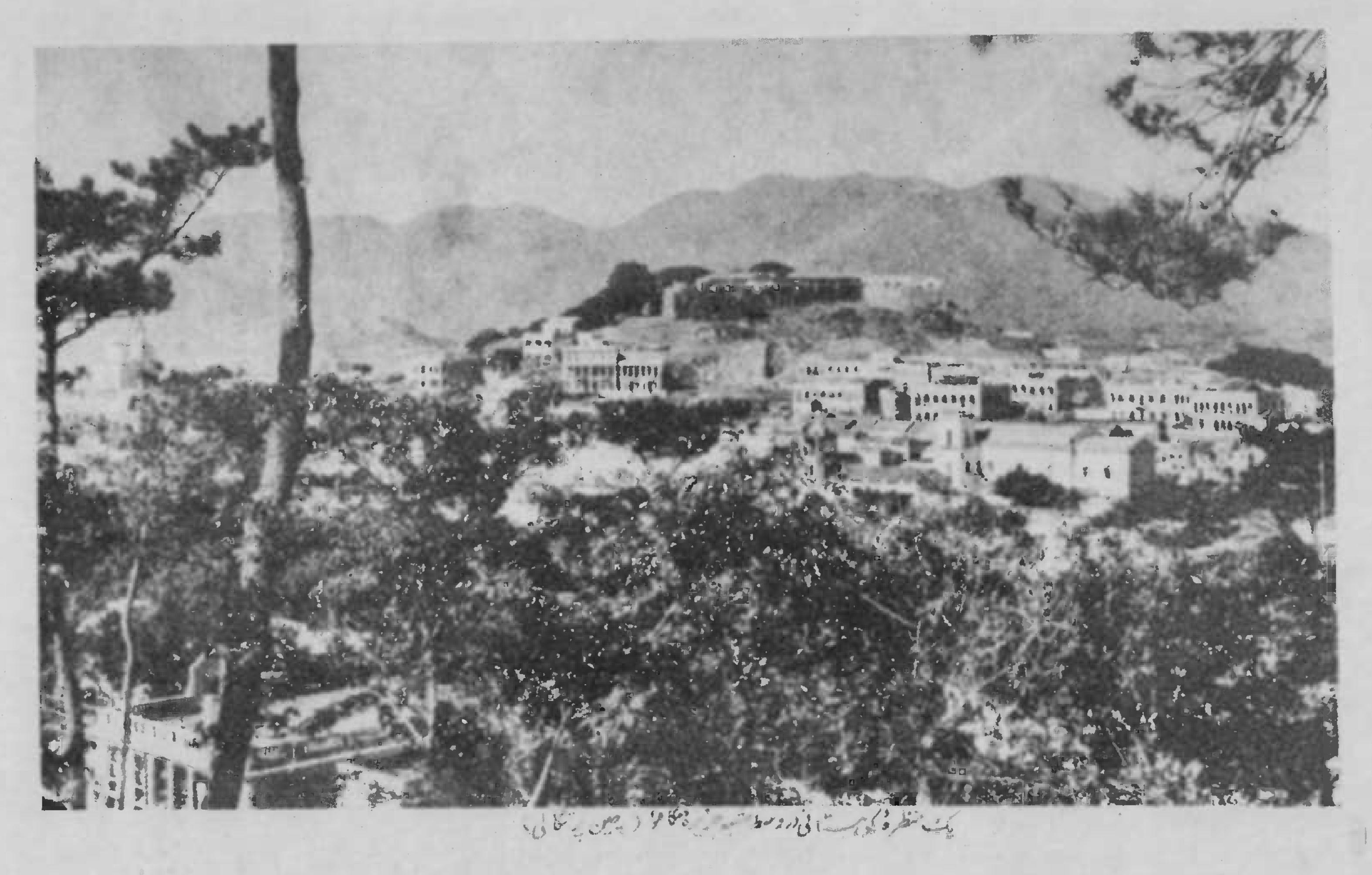
در ابتدای قرن ۱۶ بحر پیمایان پرتگالی درقطعات بحر مصروف کشف ، تجارت و فتوحات گردیده در سنه ۱۵۰۱ م دد هند بمقات کوچین و کالی کت تجارتخانه ها تاسیس نمودند ، درسنه ۱۵۰۶ پورتگالیها به جزیرهٔ سیلون وارد گردیدند ، در سنه ۱۵۱۵ م البوکرك در خلیج فارس جزیرهٔ هرمز ، در سنه ۱۵۱۷ مقام گوا در ساحل مالابار ، درسنوات ۱۵۱۲ و ۱۵۱۴ بعضی حصص جزائر مولوکا را در شرق الهند بتصرف خویش درآوردند ، درسنه ۱۵۱۷ به چین ودرسنه ۱۵۴۷ به جاپان وارد شدند .

بعد ازین تاریخ دامنهٔ تصرفات ایشان توسعه یافته ، بنادر متعددی را بر سواحل ایران ومالابار و سیلون و هند چینی و جزائر شرق الهند متصرف گردیدند .

قدیمترین مستعمرات اروپائیها در شرق اقصی بندرگاه مکاؤ است که پورتگالیها درسنه ۱۵۵۷ از دولت چین آنرا باجاره گرفته و تا سنه ۱۸۴۹ پول اجاره را به حکومت چین تادیه می نمودند ، از سنه مذکور به بعد مکاؤ را جزو مستعمرهٔ پورتگال محسوب نموده و از تادیهٔ پول اجاره دست گرفتند . چین اینمسئله را باین شرط قبول نمود که مکاؤ را بدون رضای چین پورتگال بدولت دیگری ندهد و در اخذ گمرك تجارت تریاك با حکومت چین متحد باشد . اما موضوع تحدید سرحد تاکنون فیصله نشده مناقشات باقی است .

مقبوضات پورتگال درجزائر شرق الهند در اثر محاربات با مسلمین و هالندیها و غیره ، یکی بعد دیگری از تصرف پورتگال خارج شد و در سنه ۱۸۵۹ بموجب معاهده نصف جزیرهٔ تمور به پورتگال و نصف غربی جزیره بهالندیها تعلق گرفت و مسائل سرحدی درسنه ۱۹۰۸ فیصله شد .

مکاؤ و تمور درسابق از یك مرکز اداره میگردید در سنه ۱۸۹۶ م این دو مقام از هم جدا شده ، مرکز تمور دیلی ، و ازمکاؤ خود مکاؤ است .



یک منظرهٔ کوهستانی در وسط جزیرهٔ ماکائو (چین پرتغالی)

ملایا

جزیره نمای ملایا بانجام جنوب مشرق آسیا واقع و بجزیره نمای هند چینی مربوط است مساحهٔ آن مساوی .... کیلومتر مربع ونفوس آن عبارت از .... نفراست این مملکت تماماً کوهستانی و دارای جنگلات وسیع کوهی می باشد، بومیان قدیم اینجا سیاهان پست قد بوده ودیگر اهالی عبارت ازملائیها هندیها، چینیها و سیامیها می باشند. از باعث موقعیت جغرافیائی جزیره نمای ملایا مال التجارهٔ بحری بین چین و جزائر شرق الهند با ممالك جنوب و غرب آسیا از ساحل عبوری میکند، و نیز مرکز تقسیم (چهارمصالح) که از مال التجارهٔ قدیم دنیا است، میباشد بنابران سواحل و بنادرآن از ازمنهٔ قدیمه آباد وگمان میرود دارای مدنیتی بوده است، اما چون تاریخ قبل الاسلام آن روشن نیست نمیتوان ازچگونگی مدنیت قدیم آن بحث راند.

از قرائن چنان استنباط میگردد که در زمانهای بسیار قدیم تجارت ملایا بطور انحصار بدست تجار سواحل هند بود، چنانچه میگستنیز یونانی که از طرف سیلوکس بدربار (چندرگپتا) درقرن ۳ قبل المیلاد سفیر بود در کتاب خودازان نام میبرد به تحقیق پیوسته است که سواحل ملایا درقرن اولیه مسیحی بهند تعلق داشت چنانچه آثار بودائی وکتیبه هادر السنهٔ دکنی از قرن ٤ مسیحی وآثار معابد براهمنی وکتیبهها دررسم الخط ناگری که درشمال هند از قرن ۷ تا ۱۰ رایج بود درآنجا یافت شده اثبات مدعا مینماید درقرن ۹ میلادی قرار تحریرات جغرافیادان شهیر اسلامی (ابن خرداذبه) این جزیره نما هم بامپراطوری عظیم (پالم بانگ) تعلق داشت ودر باب بنادر سنگاپور وکیده هم اشاراتی درکتاب المسالك والممالك علامهٔ مذکور بدانجا شده. درابتدای قرن ۱۳ م راهب بودائی (چاوجوکوا) در بیان مسافرتهای خود ذکر میکند که (کیده کیلان تان، یا هانگ، ترنگانو) مطیع سلطنت بودائی سوماتر که مرکز آن در (پالم بانگ) بود، بوده اند.

کتب تاریخی جاوا نشان میدهد که درقرن ۱۳ و ۱٤ نفوذ امپراطوری براهمنی ماجاپاهت (جاوا) تا جزیره نمای ملایا وسعت یافته بود وراجگان آن دیار تحت تسلط و باج گذار او بودند.

درهمین قرون تجار اسلامی از ساحل مالابار و سواحل عرب جهة تجارت به جزیره نمای ملایا وجزائر شرق الهند آمد ورفت نموده وضمناً به تبلیغ دین نیز میپرداختند چنانچه در سنه ۱۲۹۱ م که مارکوپولو سیاح ایطالوی وارد این دیار گردید مسلمانان ومسلمانی را درآن دیار دید.

درقرن (مابعد)میلادی اهالیچین دین منیف اسلام را قبول کرده امپراطوری سری وجیا (پالم بانگ) را در سوماترا برانداختند و بتصرف مستملکات ملایا و تبلیغ دین اسلام درین دیار پرداخته ودرقرن ۱٤ و ۱٥ دیانت خویش را درآنجا تعمیم واستحکام بخشیدند. کتیبهٔ اسلامی از عصر ۱٤ بلسان ملائی ورسم الخط عربی از زمان (سری یا دوگاتوان) شاه اسلامی آنولا که دران شاه مذکور حکام خودرا باستحکام و نشر مذهب اسلام حکم وتاکید مینماید، کشف گردیده است.

ابن بطوطه که درقرن( ) میلادی وارد سوماترا گردید شرحی در باب این ممالك نگاشته است.

تاقرن ۱٥ میلادی تمام تجارت و سلطنت بدست مسلمانان جزیره بود، بعد ازآن درابتدای قرن ۱٦ پرتگالیها جهازات جنگی خویش را به ملایا فرستادند اما از قشون سلاطین ملایا شکست فاحش یافتند ولی درسنه ۱٥۱۱ م البوکرك بربندر ملاکا استیلاجست، سلاطین ملاکا قبل از آمدن پرتگالیها اکثررؤسای محلی حصص جزایر راتحت سلطه واقتدارخویش آورد. وبادختران ایشان ازدواج نموده بودند، وقتیکه پرتگالیها بندرملاکا را استیلا نمودند سلطان مرکزخود رابه (جوهور) قرارداده وتاسه صدسال نفوذ واقتدار سلاطین جوهور برجزیره نمای ملایا وجزائر شرق الهند برقرار بود ودرشکستن

قوهٔ پرتگال بسی جد وجهد ورزیدند درنتیجه هالندیها ازین کشمکشها مستفید شدند و بعضی ریاستها که در حصهٔ شمالی جزیره نمای ملایا واقع بودند تحت حمایه شاهان سیام درآمدند.

درسنه ۱۵۲۸ فرانسوی ها، در ۱۵۹۱ انگلیسها، در ۱۵۹۵ هالندیها به نواحی ملایا در انحصار تجارتی اهالی پرتگال مداخله نمودند درسنه ۱۶۴۱ اهالی آچین (سوماترا) پرتگالیها را از ملاکا راندند وهالندیها که با آچین درراندن پرتگالیها درآن وقت اتحاد داشتند جانشین پرتگالیها گردیدند پرتگالیها وهالندیها به سبب قوت ومخالفت رؤسای محلی نتوانستند نفوذ پیدا کنند وغیر از بندر ملاکا درآنجا وسعت یابند تنها به انحصار تجارت اکتفا ورزیدند.

درسنه ۱۶۱۳ انگلیسها تجارتخانه مسلحی در حکومت پینی تاسیس نمودند ولی در سنه ۱۶۳۰ م رئیس آن بمقابلهٔ هالندیها مقتول وتجارتخانهٔ مذکور مسدود شد.

درسنه ۱۷۸۶ م انگلیسها بندر (پنیانگ) را از سلطان (کیده) ودرسنه ۱۸۱۹ م بندر شنگاپور را ازسلطان جوهور خریدند.

درسنه ۱۸۲۴ ملاکا را که قبلاً درایام جنگهای ناپولیون بتصرف انگلیس آمده بود تبادلةً ازهالندیها گرفتند هرسه این نقاط دراول ازطرف حکومت برطانوی هند اداره میشدند درسنه ۱۸۶۷ م بصورت مستعمره جداگانه تشکیل یافت در سنه ۱۸۷۴ م حکومت پراک تحت حمایه برطانیه قرارگرفت و ریاسات باقیمانده بعد ازان یکی بعد دیگری تحت الحمایگی برطانیا را پذیرفتند.

در سنه ۱۹۰۹ م چهار ریاست (کیلانتان ماترانگانو، کیده، پرلس) که هفت سال قبل از قرار معاهده ۱۹۰۲ م تحت حمایهٔ سیام تسلیم شده بود، سیام حقوق خود به برطانیا واگذار نمود.

کنون ماسوای ریاست (پالاوان، ساتوم، پاتانی وغیره) که تحت الحمایه سیام میباشند و مستعمرهٔ موسوم به ستریت ستلمنتس تحت الحمایه برطانیایی باشند. ملایا بریاسات ذیل منقسم است:

پیراك سیلانگور، سونگائی اوجونگ، جیلی بو، جوهول، ریمباء اواوانو وار، جیم پول، تیراجی، گونونگ پاسیرای ناس، پاهانگ جوهور، کیلاتان، ترنگانو. کیده، پرلس.

منگولیا

کشور منگولیا (مغلستان) سطح مرتفع وسیعیست که در شمال شرق چین واقعشده و مسافهٔ آن تخمیناً ۳ ملیون کیلومتر مربع و اکثر حصص اراضی آن بی آب وغیر مزروع است.

از آغاز تاریخ این سرزمین، مهد آرامش اقوام سلحشور وخانه بردوشی بوده کهدرمواقع حوادث خانه برانداز و شهر آشوب ازکشورخود مهاجرت نموده اساس بزرگترین دول متمدنهٔ آسیا واروپا را از بیخ و بن برانداخته ومقدرات آیندهٔ ملل را بطرح دیگری ریختند.

در تحت قیادت وفرمانفرمائی چنگیز خان وسلاله او (۱۱۶۲ و ۱۲۲۷ میلادی) مغلستان مرکز امپراطوری نصف جهان آنوقته بوده ازبحیرهٔ بالتك وبحر سیاه تا بحرالکاهل واز بحر منجمد شمالی تا بحر هند تماماً درتحت تصرف وتسخیر آنها بوده است.

درسنه ۱۲۶۰ قبلای خان نوادهٔ چنگیز خان تمام ممالك چین را تحت تصرف واقتدار خود درآورده وسلالهٔ شاهی یوان را تاسیس وروی کارآورد وتا مدت ۱۰۸ سال مغلستان جز وممالك شاهنشاهان مغولی چینی شناخته میشد. بعداز انقراض سلالهٔ یوان بدست منگها مغلستان از چین مجزا گردیده و شکل ملوك الطوایفی اختیار نمود ودرینفرصت شاهان چین باتمام موجودیت خود سعی میکردند که دوباره ممالك چین را

بتصرف خود بیاورند تا اینکه در سنه ۱۶۸۹ در مجلس دولونور تمام امرای مغلستان اجتماع نموده سلطنت شاهنشاهان مانچوی چین را قبول کردند ، بعد ازینواقعه تاریخ مغلستان جز و تاریخ چین بشمار می رود ؛ در اواخر قرن ۱۹ شاهنشاهان چین از ترس استملاك جاپان و روس اهالی چین را تشویق نمودند تا اراضی وسیعهٔ لامزروع مغلستان را آباد نمایند .

اهالی مغلستان حیات قبیله وی دارند وهر قبیله بنام (چی) که معنی آن توغ است یاد میشود ، علاوه برین هر توغ مالك یك خان بوده و هر خان هم بنام جك نامیده می شود و چند قبیله که از یك صلب و نسل باشند بنام ایماق یاد می شوند .

طرز حکومت :

منگولیا در ششناحیه منقسم است وهر ناحیه در تصرف یك رئیس قوی است وهر رئیس برای اجرای امور اداری یك معاون چینی دارد که بتصویب حکومت چین معین می شود ، و این ششناحیه یا بعبارت دیگر شش ایماق بچندین هوشن های دیگر منقسم است وهر هوشن راجك آن باماموری چینی که ازطرف حکومت معین شده اداره می نمایند .

حکومت منگولیا خراج سالیانه را بحکومت چین تادیه نمینماید ، ولی برای اجرای امور امنیه ، پوسته ، و حرب نفری ئیکه دران موقع بکار باشد آماده و مهیا می نماید .

بعد از انقلاب چین حصهٔ که ملحق به روس آسیائی است در اثر تحریك روس جدا شده یك جمهوریت شورائیه تشکیل داده است . و حصهٔ شرقی آن ضمیمهٔ امپراطوری جدید مانچوکو گردیده است .

نجد

نجد در مرکز عرب واقع بوده تخمیناً سه ملیون نفوس دارد ـ قبایل چادرنشین از ازمنهٔ خیلی قدیم در دشت ونخلستان نجد بهمرای گله ها و رمه های خود گشت وگذار می کنند مهمترین قبیله های بدویها قبایل شمر ، حرب ، عتیبه ، مؤثر میباشد در نجد نخلستانهای زیاد وجود دارد لهذا بعضی اهالی پیشه زراعت هم دارند .

درسنه ۱۸۷۱ وقتیکه مدحت پاشا درالحصا قشله خورد عسکری را بنا نهاد نجد رسماً درحدود سلطنت ترکیه درآمد اما در استقلال داخلی این خطه چیزی تاثیر نینداخته بود چنانچه محمد ابن رشید درحائل وعبدالله ابن سعود در ریاض حکمرانی می کردند درسنه ۱۸۹۲ ابن رشید خلاف ابن سعود لشکر کشی نموده به مقام عنیزه فتح حاصل کرده حکمفرمای کل نجدگردید ـ اما جانشین اوعبدالعزیز ابن رشید حکمرانی رادوام داده نتوانست واگرچه ترکها برای او امداد رسانیده بودند لیکن ابن سعود درسنه ۱۹۰۵ اورا شکست داده در نجد غلبه حاصل کرد ـ ابن سعود درسنه ۱۹۱۴ الحصارا از ترکان گرفته حدود سلطنت خودرا تابه خلیج فارس توسیع داد اما بدوران حرب عمومی خلاف ترکان برادرآن دینی خود جنگ نکرد وبعد از اختتام جنگ عمومی درسنه ۱۹۲۰ بعضی حصص عشیررا فتح کرد. درسنه ۱۹۲۱ حائل ودیگرعلاقه امیر جبل شمر را به تصرف خودآورد ودراواخر ۱۹۲۵ شاه حجاز را برانداخته حجاز رااشغال نمود.

درحدود سلطنت سلطان نجد شیخ های متعدد برعلاقه ها حکمرانی می کنند وقانون حکومت خالصاً شریعت بیضای اسلامی است ، بعضی وقائع مهمه زیر عنوان عرب وحجاز بیان شده .

نیپال

اولین خانواد های تاریخی نیپال گپتا بوده موسس آن نی مونی Ne Muni نامدارد بعد ازان خانوادهای متعددی به سر اقتدار آمد که مشهورترین شان اهیر Ahir کراتی Kirati سوماوانشی Somavanshi سوریا وانشی Suryavanshi تکوری Thakuri ویشه تکوری Vaishya Thakury وکرناتاکی Karnataki بودند - تاسال ۱۳۲٤ وقائع این مملکت به تحقیق معلوم نیست ولی درسال مذکور راجای سیمرون Simraun که از محمد تغلق شکست خورده بود به نیپال حمله ورگردیده آنرا فتح نموده ازین خانواده چهار نفر پی هم بر سر اقتدار آمدند ولی بعد ازان شهزاده راجیوت جیابدر Gayabhadra malla بران سلطه یافت حکمدار هفتم این خانواده جیاس تی تی Gayastithi malla از سنه ۱۳۸٦ تا سنه ۱٤۲۹ بعضی قوانین ومراسم طبقات ملی را درملک خود ترویج داد این خانواده درسنه ۱۷٦۸ بواسطه گورکها منقرض گردید، گورکها از مقابل مسلمانان گریخته اول برکوهای کوماؤن Kumaon حمله آوردند سپس درتحت سرکردگی راجا پرتوی نرائن بطرف نیپال پیش قدمی نموده وآنرا متصرف گردیدند درسنه ۱۷٦٥ انگلیس ها برای کمك راجای کتمند وعسکری درتحت کپتن کن لوچ Kni loch فرستادند ولی بناکامی مراجعت نمود پرتوی نرائن درسنه ۱۷۷٤ درگذشت پسر بزرگش پرتاپا سینا Pratapasinha بعد از سه سال حکومت درگذشت رانا بهادرشاه پسر پرتاپا سینا بچهٔ خورد سال بوده ازین جهت امور اداری را عموماً او بدست گرفت درسنه ۱۷۹۰ گورکها برتبت حمله بردند ولی بعد از سه سال جنگ به معاهدهٔ نواکوت Noakote مجبور گردیدند در ۱۷۹۱ ، ۱۷۹۲ معاهدات تجارتی بین انگلیس وگورکها امضا گردید .

درسنه ۱۷۹٥ رانا بهادر ادارهٔ حکومت را بدست گرفت ودرسنه ۱۸۰٥ بواسطه ظلم خود بقتل رسید درسنه ۱۸۱٤ آتش جنگ دربین انگلیس ونیپال درگرفت درنتیجه نیپالیها نمایندهٔ انگلیس را درکتمندو وبعضی اراضی را درحق انگلیس قبول نمودند درسنه ۱۸٥۰ جنگ بهادر حکمران نیپال به انگلستان سفر نمود وچون بوطن خود بازگشت متوجه اصلاحات بوده وخدمات بزرگی برای نیپال بعمل آورد درسنه ۱۸٥٤ نیپالیها برعلیه تبت داخل جنگ گردید واین جنگ کاملاً بفائدهٔ شان انجامید درشورش هند جنگ بهادر باوجود مخالفت شدید ملت طرفدار انگلیس بوده کمکی برای شان فرستاد وحتی بالاخره خودش بسر کردگی هشت هزار عسکر و ۲٤ توپ برای معاونت انگلیس داخل هند گردید ، درعوض این خدمات انگلیس اورا القاب واسلحه وعسکرش را انعام داد. جنگ بهادر درسنه ۱۸۷۷ درگذشت وبرادرش رانادپ سنگ بهادر برسر اقتدار آمد ولی درسنه ۱۸۸٥ درنتیجهٔ شورش بزرگ به قتل رسیده و شمشیر جنگ به سلطنت رسید که بعد از ٦ سال حکومت درگذشت وبرادرش دیب شمشیر جنگ به سلطنت رسید اما بعد ازچندماه به ترك وطن مجبور گشت وسلطنت را درحق برادرش چندر شمشیر جنگ گذاشت مشارالیه درجنگ تبت وانگلیس بطرفداری موخرالذکر بوده کمك عسکری نمود ودرجنگ عمومی نیز بطرفداری انگلیس بوده تمام عسکر خودرا برای کمك شان پیش نمود وتقریباً ده هزار نفرشان درایام جنگ درداخل هند وسرحدات آن برای انگلیسها خدمت نمودند ودرجنگ استقلال افغانستان سنه ۱۹۱۹ دوهزار نیپالی به کمك انگلیس آمد .

انگلیس بدوران جنگ عمومی به مهاراجه نیپال وعده داده بود که نیپال استقلال خارجه خواهد داشت چنانچه درین ایام جرنیل بهادرشمشیر سنگه اولین سفیر مهاراجه نیپال است که درلندن مقررشده .

هند چین فرانسوی

هند چینی فرانسوی بطارف شرق جزیرهٔ نمای هند چینی واقع است، بشمال آن چین و بمشرق وجنوب آن بحرچین و بمغرب آن مملکت سیام واقع است، مساحهٔ آن مساوی ۷۴۱ر۲۵۰ کیلومتر مربع ونفوس آن عبارت‌از ۲۱ر۵۹۹ر۵۸۲ نفر است. ادارهٔ مملکت بشش حصه تقسیم یافته: ۱ کوچن چینایاحصهٔ جنوبی مستقیماً بطور مستعمرهٔ فرانسه اداره میشود ۲ کوانگ‌چاو وان از مملکت چین بطور اجاره گرفته شده باقی چهار مملکت: انام، کمبودیا، تانکینك، لاؤس تحت‌الحمایهٔ فرانسه میباشند.

مناطقیکه تاریخ انام درانها صورت گرفته، از احاطهٔ جغرافیائی امروزهٔ آن مملکت تجاوز میکند. بقرار معلومات موثوقهٔ اولیه انامی ها مردمانی بودند وحشی و زراعت پیشه که بواسطهٔ آلات سنگی بسیار ابتدائی زمین را شیاری نمودند و به رؤسای محلی ملوك‌الطوائفی اطاعت داشته در جلگهٔ پست (رود سرخ) یا (میکونگ) زیست داشتند. بعد کم کم از مملکت چین مدنیت کسب کردند به این قسم که چینی ها قبل از عهد مسیح بهٔ شمال مشرق شبه جزیرهٔ هند چین داخل شده، ابتدأ آن قسمت را فقط تحت‌الحمایهٔ خود ساخته برسوم و عادات بومی ها هیچ تعلق نگرفتند اما از قرن قبل از میلاد ومخصوصاً پس از آنکه تونکن بواسطهٔ جنرال چینی موسوم به (مالی وان) درسنه ۴۳ بعد از میلاد فتح شد، حکام مملکت را کاملاً جزو چین ساخته بیك ولایت چینی تبدیل کردند. و مردم زیادی از چین درانجا وارد شده عادات، اخلاق، ورسوم مدنیت، زبان، ادبیات، عقائد و مذهب چین را با خود آوردند. این حاکمیت شدید انقلاباتی را بوجود آورد ولی معهذا درحدود یك قرن دوام کرد. و درعین حال ملوك‌الطوائفی از بین رفته، مردم انام به اداره و حکومت منظم و با مرکز عادی شده، به این قسم علاوه بر اخذ مدنیت، قوت ملی پیدا کردند چنانچه درقرن دهم وقتیکه دراثر انقلابی، یك رئیس ملی جای حاکم چینی را گرفت، دولت انام چنان اتفاق و قوتی را مالك بود که بواسطهٔ آن بعد ها توانست رول درجهٔ اول را درتاریخ تمام شبه جزیره بازی کند.

پس ازسه سلسلهٔ کم دوام و سلالهٔ (لی‌ها) از ۱۰۱۰ تا ۱۲۲۵ و (تران ها) تا ۱۴۱۳ حکومت کردند ودرخلال این اوقات دولت انام باهمسایگان خود یعنی بعضی اوقات باچینی ها در شمال وبیشتر باسلطنت(چامپا) درجنوب می‌جنگید. معهذا در ۱۴۱۴ تا ۱۴۱۸ خاندان (منگ‌ها) موفق شد که باردیگر حاکمیت چین را درانام برقرار کند. اما یك نفر انامی موسوم به (لی لوا) سرکردگی هموطنانش رابدست گرفته مدت ده سال بمقابل چین جنگید و در ۱۴۲۸ فتح کرده اعلان امپراطوری نمود. خاندان(لی)که بواسطهٔ او تاسیس شد تا ۱۷۸۹ حکومت داشت.

درین دورهٔ طویل سلطنت چامپا فتح شده حکومت انام به آخرشبه جزیره رسید وازقرن ۱۷ بداخل دولت کامبودجیه (کوشنشین حالیه) نفوذ کردند. بعد جنگ های داخلی روی کارآمده، قدرت‌شاهان (لی) کاسته شد. حکمرانان حقیقی انام درقرن ۱۷ و ۱۸ دوخاندان رقیب است که یکی موسوم به (نگوی‌ین) درجنوب(کوشنشین‌حالیه) ودیگر (ترینه) درشمال (سلطنت تونکن) حکومت میکردند. جنگ های خونین مابین هر دو دولت مزبور رخ داده درهمین وقت است که اروپائی ها شروع به رفت وآمد کردند چنانچه هیئت های کاتولیك باراول در ۱۶۱۵ به کوشنشین ودر ۱۶۲۶ درتونکن پیاده شدندو تجارشرکت هالندی هند در ۱۶۳۶ درتونکن جا گرفته، بعد تجار انگلیسی در ۱۶۷۲ و بالاخره تجار فرانسوی در ۱۶۸۴ درانجا اخذ موقعیت نمودند.

اخیر قرن ۱۸ برای انام یك دورهٔ انقلاب داخلی شدیدی بود زیرا بدامنی بمنتها درجه رسیده، اشرارکوشنشین وبعد تونکن راگرفته رئیس آنها اعلان شاهی نمود (۱۷۸۵) اما یکی از اولادهٔ خان های کوشنشین به تحریك اسقف (اردان) به فرانسه متوسل شده، لوی ۱۶ بواسطهٔ معاهدهٔ ورسای (۲۸ نومبر ۱۷۸۷) کمك خود را وعده نمود. با آنکه معاهده اجرا نشد شهزادهٔ مزبور به کمك چند نفر صاحب منصب فرانسوی موفق به دفع انقلاب شده، مملکت را متحد ساخت و سلسلهٔ جدید (نگوین) را تشکیل داده بنام

(ژیالونك) بسلطنت برآمد (۱۸۰۲ - ۱۸۲۰) .

اخلاف ژیالونك سیاست دیگری را تعقیب نمودند . به این معنی که دست فرانسوی هارا از کار کشیده وبا آنها رفتار زشت را شروع کردند چنانچه در وقت (تیودیوك) کشتی های جنگی فرانسه بهٔ مداخله و بعضی مظاهرات ازقبیل بمباردمان توران (۱۸٤۷) وغیره مجبور گردیدند. و بعد ها دراثر فشار های مزیدی که بر فرانسویها وارد آمد، ناپلیون سوم وادار بهٔ مداخله گردیده در نتیجه عملیاتیکه به آهستگی اداره میشد، ابتدا جزیرهٔ (پولوکوندور) و سه ولایت جنوبی (۱۸٦۲) و بعد تمام کوشنشین سفلی به فرانسه تعلق گرفت (۱۸٦٤) .

اما (یتودیوك) باوجود از دست دادن قسمت کلی اراضی خویش هنوز هم خود را در نواحی شمالی محکم کرده وبالاخره دراثر واقعات متعددیکه از ۱۸۷۳ تا ۱۸۸۹ دوام کرد و بیشتر آن درحصهٔ تونکن واقع گردید ، تمام انام وتونکن وکوشنشین تحت الحمایهٔ فرانسه شد.

پس از دو سلطان کم دوام یك برادر زادهٔ (تیو دیوك) به شاهی انام رسیده، (۱۸۸۵-۱۸۸۹)واز انوقت به بعد چندین نفر دیگر بنام امپراطورتحت الحمایهٔ فرانسه درانام سلطنت نموده اند که آخرآنها(و نه تهوی) است (۱۹۲۵) .

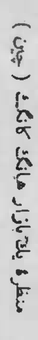
امپراطور موجودهٔ انام (باؤدائی) و شاه کمودیا (می سوات مونی وونگ) نام دارند .

هانگ کانگ

هانگ کانگ مجموع جزیره و جزیرهٔ نمائی است که بردهانهٔ دریای کانتون بساحل چین واقع است ، مساحه آن عبارت از ۰۱۲ را کیلومتر مربع و نفوس آن مساوی ۸٤۹٫۷۵۱ نفر است که ۹٦ فیصد آن چینی می باشد باوجودیکه اهالی اروپا در قرن ۱٦ به سواحل چین وارد گردیده مشغول تجارت شدند ولی تا ابتدای قرن ۱۹ حکومت امپراطوری چین سفرای آنها را بدرجهٔ مساوات قبول نه نموده بلکه بحقارت بایشان نگریسته مانند نمایندگان رؤسای ما تحت بانها رفتار میکرد . وتجار اروپائی را جز به یك بندرگاه معین هرگز اجازهٔ پائین کردن اموال نداده وبجز تاجر مخصوص بدیگر تجار اجازهٔ تجارت نیز نمیداد ، اگر فرضاً یکی از اتباع یکی از ممالك اروپا بمصدر جنحه و جنایت میگردید تمام بتعهٔ همان ملت تحت محاکمه قرارمیگرفت ، چون تجارت وورود تریاك در مملکت ممنوع بود وتجار برطانوی بیشتر به تجارت قاچاق تریاك مشغول بودند باینواسطه ما بین تجار برطانوی وحاکم کانتون مناقشات تولید گردیده و اینمسئله باعث شد تا حکومت برطانوی بغرض پیشرفت تجارت تریاك با چین جنگ نماید و پس از محاربهٔ سه ساله دولت چین برای انگلیسها جزیرهٔ هانگ کانگ را واگذار شد .

از سنه ۱۸٤۲ تا ۱۸٤۹ م اساس ثروت هانگ کانگ تجارت تریاك بود ، بعد ازان از هانگ کانگ نفری زیادی بغرض کار کردن در کانهای طلای استرالیا وامریکا رهسپار شده واین مسئله نیز بر ثروت هانگ کانگ افزود .

بعد ها چین در ترق تجارت تریاك تسهیلاتی پیش نمیکرد دولت برطانیه باردوم در ۱۸۵۷ با چین داخل محاربه گردیده در سنه ۱۸٦۰ جزیره نمای کولون را تصاحب نمود .



منظرهٔ یک بازار هانگ کانگ (چین)

وقتیکه کانال سویز در سنه ۱۸۶۹ افتتاح گردید اهمیت هانگ کانگ دوبالا شد ، در سنه ۱۸۹۸ برای استحکام مزید آن مضافات آنجا را ۹۹ ساله باجاره از حکومت چین گرفتند ، و بابنواسطه یك نقطهٔ مستحکم حربی و مرکز قوای بحری و بندرگاه تجارتی در شرق اقصی گردید ، ازینجهت این نقطه بیشتر جالب توجه حکومات امریکا وجاپان و بلکه تمام دول دنیا واقع شد .

در اثر کانفرانس واشنگتن که در سنه ۱۹۲۱ و ۱۹۲۲ انعقاد یافت برطانیا متعهد گردید که آنجا را تابدرجه اول استحکامات بحریه مستحکم نسازد .

هند

هند(قدیم) تاریخ‌قدیم‌هندوستان در پردهٔ تاریکی واقع شده است، چراکه هنود توجه خود را گاهی بطرف تاریخ مبذول نکرده اند ، وآنهامهابارت را یك ماخذ بزرگ تاریخ می شمارند علی ای حال حفریات بعضی حصص هندوستان بر تاریخ آن خطه‌روشنی انداخته می تواند ، چنانچه ماخذ تاریخ ما بالعموم غارها ، صخره ها وستونهای حفریات میباشد ، خصوصاً حفریات تکسیلا ، موهنجودیرو وهرپا ، قابل ملاحظه وکشفیات خوبی را مهیانموده است . پس می توانیم بگوئیم که پیش از دراویدها هم مردم درهندوستان بود وباش داشتند آنهاقبل دراویدی می نامیم ، بعد از آن مردمیکه آنهارا عموماًدرزویدهامیگویند اغلباً از راه بلوچستان بهندوستان داخل شده درا ثنای زمانهٔ خیلی دراز تمدن وتهذیب خود را نشونما داده اند ، کشفیات وادی اندس ظاهر میکند که درآن زمان شهرهای بزرگ وجود داشت که درآنها آثار رفاهیت وتمدن نمایان که باسومارینها تشابه بلکه تمدن قدیم تر را نشان میدهد ظاهر می سازد . جاهن مارشل خیال می کند که معیارحیات دراویدها به نسبت عراق عرب و مصر که معاصرآنها بود بلندتر بود . رنك این مردم سیاه بود .

در سنه ۲۵۰۰ ق ، م آریه هااز بلخ مهاجرت را شروع نموده یك قسمت این آریه های مهاجر از کوه های افغانستان‌عبور نموده به پنجاب رسیدند .

زمان ورود آنها را درپنجاب سال ۱۴۰۰ ق م تخمین می نمایند قسمتی از بومیان قدیمی هند را این مردم آریه مغلوب نمودندوقسمتی را درخود منحل وقسمتی‌را فرارکردند ، آریه های زمان ویدها با بعض فلزات آشنا بودند ، مثلاً آهنگرها ، مسگرها ، زرگرها درآنها بودند آنها بواسطهٔ عراده ها جنگ میکردند دراسپ سواری مهارت خوبی داشتند البته فیل را تاآن زمان اهلی ودرجنگ استعمال نمی‌کردند ، این آریه‌ها از تمدن هندیان قدیم بهرهٔ زیادی گرفته وبعضی عادات ورسومات آنها را اختیار وتمام هند شمالی را اشغال کردند ، وقسمتی ازدراویدها بجنوب کوه بند هیاچل کوچ کرده سلطنت های بزرگ را تشکیل دادند .

باید دانست که تمدن آریه‌های بلخ نسبت به بومیان قدیم افغانستان هم پست تر بوده ، وآریه ها ازبومیان قدیم افغانستان سهم بزرگ تمدن‌را یاد گرفتند ، وهمچنان آنها بهندوستان رسیده ، تمدن بومیان قدیم هندوستان را درخود شامل کردند — البته بعدازآن تمدن وتهذیب بلندی را مالك شدند ، کتب دینی آریه ها عبارت

از چهار وید است . ودوکتاب رزمی آنها مها بهارت وراماین می‌باشد ، این آریه ها نسبت به اقوام دراویدی خوش چهرهٔ سفید پوست ، بلند قامت وقوی الجثه بودند ، درپنجاب وکشمیر سکونت پذیرفته آن را برهماورته نامیدند ، میدان های حاصل خیز گنگا وجمنا را الی بنگال اشغال وحکومت های مستقل ومتعددرا تاسیس نمودند پیش از زمان بودا ما ازین سلطنت ها واقفیت کاملی نداریم اما دراداوار بودائی قطعه زمینیکه مابین دریای نربدا وکوهای همالیه واقع است مشتمل بر (١٦) ریاست مستقله بودکه بعضی شاهیت ها وبعضی جمهوریه های ملی بودند مشهور ترین آنها چهارسلطنت کوساله ، مگده ، مساس ، وآوانتی نام دارد در شمال مغرب این قطعه سلطنت مشهور گندها را به‌کنار دریای اندس ودرنواح پشاور بود .

واقعهٔ مشهور هند که تاریخ صحیح آن معلوم است تولد وحیات بودا است که نام اصلی اش ساکی منی گوتم ودرسنه ٥٩٨ ق ، م پیداشده بود دین بودا امروز در چین ، تبت ، جاپان ، مانچوریا ، منگولیا ، سیام مروج است ، درسال ٣٢٧ ق ، م سکندر مقدونی اول بکنار رود جهلم باپورس شاه پنجاب جنگ صعب نموده او را شکست داد اسکندر تابدریای بیاسی رسیده میخواست تعرض فاتحانهٔ خود را ادامه بدهد اما فوج از عبور دریا انکار قطعی واولاچار از آنجا بطرف بابل مراجعت نمود وکمی بعد درشوشی درگذشت ، وسلطنت وسیعهٔ او فیمابین قوماندانهای عسکری پتولمی ، سیلوکس نکاتور وآنتی گونوس منقسم گشت سیلوکس نکاتور بر علاقه های مشرق از شام الی باختر تصرف نمود .

بعد از مردن سکندر افغانستان و هندوستان کاملاً استقلال خود را حاصل کردند ، درین ادوار چندرگپتا یکی از وزرای خانوادهٔ نندا در مگده یعنی بهار سلطنت قایم کرده کل هندوستان شمالی را درحیطهٔ سلطنت خود درآورده بنیاد سلاله موریا را نهاد - یونانیها او را سندراکوتس می نامند - چندرگپتا از ٣٢٢ الی ٢٩٨ ق ، م سلطنت کرد .

سیلوکس نکاتور بعد از استحکام سلطنت خود در شامات و عراق عرب و ایران بطرف هندوستان متوجه گشت که آنرا مثل سکندر مکرراً مفتوح نماید - لیکن دید که حریف مقابل او (٦٠٠,٠٠٠) پیاده (٣٠٠٠٠) سوار و (٣٦٠٠٠) نفر بهمراه فیل های جنگی و (٢٤٠٠٠) نفر بهمراه عرادهٔ جنگی دارد باآنهم سیلوکس با چندرگپتا بجنگ داخل شده شکست فاحشی یافته و مجبور به صلح شده دختر خود را به چندرگپتا به نکاح داد وکل علاقهٔ پنجاب و وادی کابل را واگذار کرده از چندرگپتا (٥٠٠) فیل عطیه یافت ، باز بدربار چندرگپتا سفیر خود میگاستینز را در(٣٠٢ ق ، م) مقرر نمود ، چندرگپتا یکی از بزرگترین شاهان هندوستان است که قسمت اعظم هندوستان را بسلطنت واحد درآورد .

درسنه ٢٧٢ ق،م راجه آشوك نواسهٔ چندرگپتا جانشین گشته حامی و مربی بزرگ مذهب بوده ، دین بودائی را رسمی قرار داده برای آن خدمات زیادی کرده و مبلغین این دین را به تبت ، چین ، برما و سیام ، جاوا ، سیلون فرستاد ، بعد از مرگ اودرسنه ٢٢٦ ق ، م اقتدار خانوادهٔ موریا رو به تنزل گذاشت و دو مدت ٣١ سال هفت شهزاده یکی بعد دیگری سلطنت کردند ، بالاخره شاه آخرین بریهد را تنها نام را در سنه ١٨٤ ق ، م سپه سالار پوش‌یامتر اسنگا کشته سلالهٔ سنگا را تاسیس نمود .

درحدود سلطنت وسیعهٔ آشوك قسمت بزرگ تر افغانستان ، حصهٔ بزرگ بلوچستان ، سنده ، کشمیر ، نیپال بنگال الی مدراس شامل بود

بعد ازموریا سه سلالهٔ مشهوردر هندوستان سلطنت کردند ١ - سنگا ٢ - کانوه ٣ - اندهرا - بانی دودمان سنگا پیروان بودا را بیدریغ قتل نموده برهمنیت را مکرراً در هندوستان زنده ساخت - خاندان های مذکورقریب سال ٤٦٠ میلادی خاتمه می یابند.

در اثنای قرن دوم قبل‌المیلاد شاهان یونانی افغانستان بهند حملات بردند، مشهورترین آنها دیمتریوس، یوکراتائیدس و منیاندیر می باشند خصوصاً میناند یرتابنکال فتوحات خود را وسعت داد حتی پوشیامترا او را از وادی گنگا اخراج نمود.

قریب سنه ۱۰۰ میلادی شاهان (سکائی های چادرنشین آسیای مرکزی) و پهلوا ها از راه بلوچستان حمله آورده گجرات وکاهیاوار را اشغال نمودند و به مرورزمان یوئیچی های بلخ افغانستان متحد و منتظم شده به توسیع سلطنت خود پرداختند بانی آنها کدفاسس اول (۴۰-۷۸ میلادی) بنای سلالهٔ کوشانی را نهاد- و وادی کابل را فتح کرده اثرات باقیماندهٔ استیلای یونانیان را برانداخت- جانشینان او هند شمال جنوبی را فتح نموده فتوحات خود را تا بنارس توسیع دادند- اما مشهورترین کوشانهای افغانستان کانشکا می باشد، که پایتخت خود را پروش پوره (پشاور امروزی) قرار داده بود- کشمیر و بهار را فتح و خلاف پارتها تعرضات فاتحانه نمود و بالای خاقان چین ظفر و کامیابی حاصل نموده کاشغر، یارکند، وختن را در حدود سلطنت مقتدر و وسیع خود درآورد- سلطنت کوشانی در هندوستان قریب ۲۳۶ میلادی خاتمه یافت.

بعد ازین، تاریخ هندوستان تاریك است، حتی چندرگپتای اول در سنه ۳۲۰ میلادی سلاله و سلطنت گپتا را تاسیس می‌نماید، این خاندان از ۳۲۰ الی ۴۸۰ میلادی دوام نموده واین زمان را اکثراً زمان طلائی هندوستان مینامند، چرادرین عهد امنیت تامه حکمفرما بوده ومملکت خیلی زیاد ترقی وتمول را مالك شد، حکومت نهایت متنور و وسیع گردید وصنعت هندی بکمال علوم وفنون، موسیقی، سنگ تراشی، مصوری بدرجهٔ بلندی رسید، پنج شاه بزرگ ازخاندان گپتا سلطنت کردند، حتی ایفتالیت ها یاهونهای سفید شاه اخرین دودمان مذکور یعنی سکندا گپتا نام را برانداخته سلالهٔ مذکور را مستاصل نمودند.

هونهای سفید در سنه ۴۷۰ میلادی شاهان ایران وافغانستان را پامال کرده به تعداد خیلی زیاد به هندوستان هجوم بردند، ظالم ترین وقوی ترین شاه ایفتالیت ها بنام مهیراگله مشهور بود، بالاخره هندیها از ظلم وتشدد فوق العادهٔ او بتنگ آمده اتحاد نموده مهیراگله راشکست دادند، ودر اسیای وسطی نیز ترکها بشراکت ایرانی ها قوت ایفتالیت ها را برانداختند، هونهای سفیدیکه به هندوستان داخل شده بودند بسرعت هند وشده ودر نفوس آنجا مدغم ومنحل شدند.

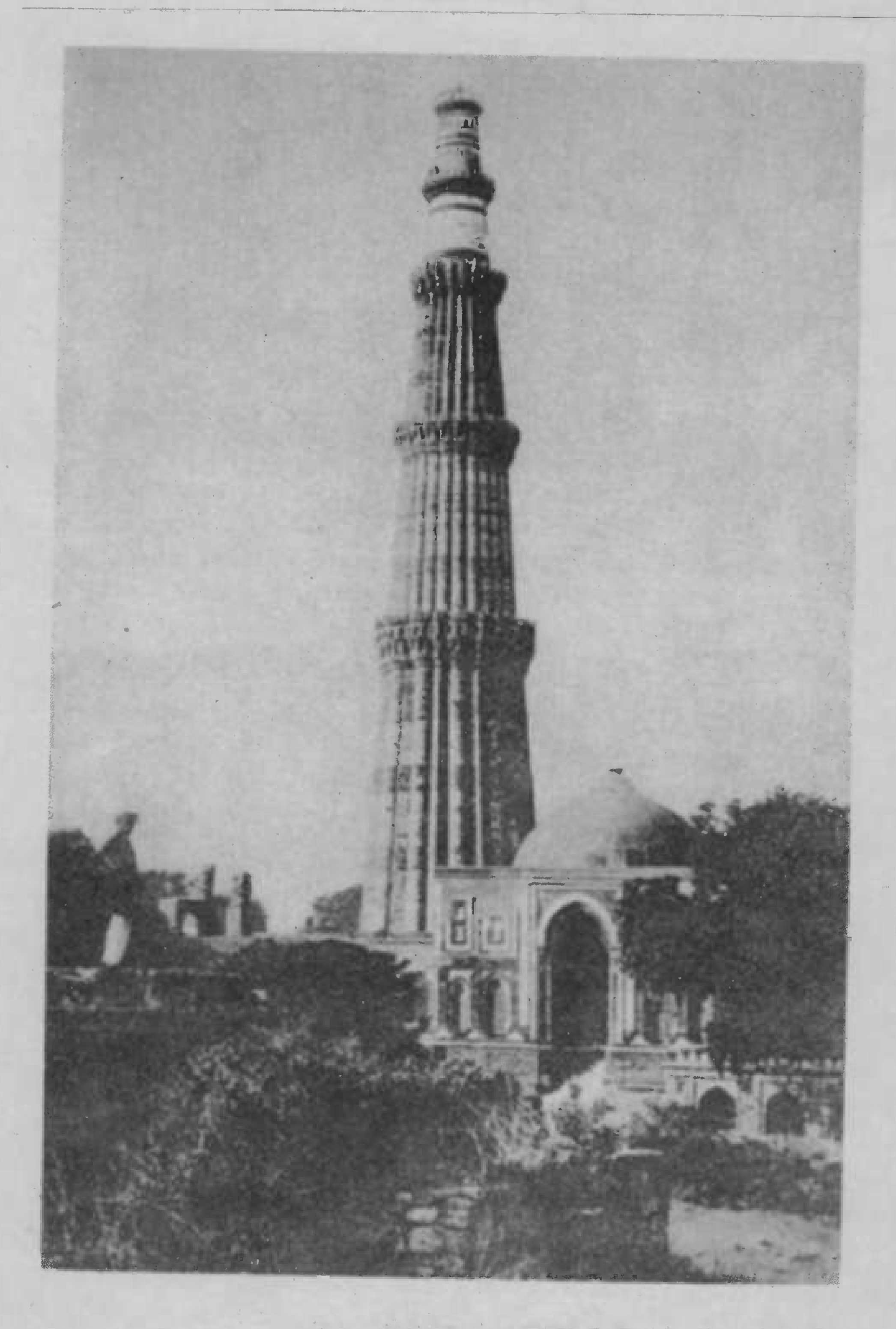
آخرین شاه مشهورمقتدر در هند شمالی تاحمله مسلمانها (هرشه) نام بود که از سنه ۶۰۶ الی ۶۴۸ میلادی سلطنت کرد، حکومت اوبسیارخوب وو سیع بود.

بعدازین زمان تاریخ هندوستان واضح بوده واسلام ظهوری نماید

قرار روایات قدیمه در هند جنوبی سه خاندان مشهور حکمران گذشته اند ۱- پاندیا ۲- چولا ۳- چیرا خاندان چولای، هند جنوبی را بالاخره ملك کافور جرنیل سلطان علاء الدین خلجی درسنه ۱۱۲۰ میلادی خاتمه میدهد.

دورهٔ اسلام: اولین حمله وورود موثر مسلمانان درهندوستان به عهدخلیفه اموی ولیداول بن عبدالملك (عهدخلافت ولیداول من حیث فتوحات مسلمانها مهمترین زمانه میباشد از اندلس تاوادی طارم فتوحات مسلمانها وسعت پذیرفته بود) تحت قیادت محمد بن قاسم ازراه بلوچستان درسنده بوقوع پیوست، ومحمد بن قاسم راجه داهر والی سنده را شکست داده تاملتان پیشرفت فاتحانه نمود.

بعدازوفات حجاج بن یوسف وسقوط خلافت بنی امیه این ناحیهٔ هندوستان مکرراً آزادگردید، ودرهند شمالی راجگان هندوستان انتظام وعسکر درست داشتند، راجه جیپال که پای تخت او بتهندا بود تالغمان ونواح آن



قطب منار دهلی (یادگار سلاطین افغان درهند)

سلطنت میکرد و ازقوهٔ روز افزون امیر سبکتگین اندیشه نموده بحدود مملکت او تجاوز نمود سبکتگین فوراً عسکر خودرا ترتیب داده به کمك ملك حمید لودی فوج متحده هند وها را شکست داده لغمان وجلال‌آباد ، کرم ، پشاور را گرفت (۹۹۱ میلادی) پسرش سلطان محمودغزنوی که برای اشاعت دین اسلام شغف بکمال داشت بهندوستان تخمیناً هفده حمله نمود . هندوهای هندوستان قریباً در موقع هر حمله متحد و متفق شده بکمال شجاعت و تهورجنگ می نمودند اما محمود به مهارت فوق العادهٔ حربی خود در هر محاربه هندها را هزیمت می داد . محمود غازی تا وادی دریای گنگا و گجرات کامیابانه حملات خودرا برده به راجگان شکست خورده تاج وتخت می بخشید ـ وزر وجواهرات بی حساب که در دیرها و مندرها بیکار جمع شده کل عالم آن زمان را در بحران اقتصادی مبتلا ساخته بود حاصل کرده در نشر علوم و فنون و توسیع تجارت بمصرف رساند ـ در عهد غزنویان پنجاب تحت تسلط مسلمانهای ما تحت محمود بود ، محمود یکی از بزرگترین شاهان و قوماندان های عسکری و فاتحین عالم بشمار می رود .

بعد از سقوط غزنویان فاتح بزرگ دیگر شهاب الدین محمد غوری است که بهندوستان حملات برده ملتان ، اچ ، لاهوررا فتح کرد ولی در بار اول پیشرفت خوبی نکرد ـ مگر بعد از دو سال مجدداً حمله برده لشکر زیاد و منظم هندوها را در میدان تراهن برهم زده به دهلی جرنیل عزیز خود یعنی قطب الدین ایبك را حاکم مقرر نمود محمد غوری سند وبنارس را نیز فتح کرده بود بعد از وفات سلطان غزنوی قطب الدین ایبك اولین شهنشاه مسلمان درهندوستان گردید و محمد بن بختیار خلجی بنگال را در سنه ۱۱۹۹ فتح کرد ـ قطب الدین تعمیر قطب مینار دهلی را شروع ، اما التمش آن را تکمیل نمود .

خاندان غلامان در سنه ۱۲۹۰ خاتمه یافت ودرعهد این سلاطین مغلهای چنگیزخانی حملات را شروع کردند ، اما سلطان علاوالدین خلجی افغان مغلهای چنگیزخانی را نزدیك دهلی شکست فاحش داد از شاهان مسلمان افغان ، علاوالدین اولین کسی است که قریباً کل هندوستان را تحت لوای یك سلطنت واحده در آورد ـ بعد از سقوط خاندان غلجی دودمان تغلقی سلاطین هندوستان شدند لیکن درین ادوار سلطنت واحده هندوستان پراگنده شده در تمام هندوستان روسائی قوی مسلمانها حکومتهای جداگانه را تشکیل دادند ، و نیز دربعضی قطعات هندوها مستقل و آزاد شده سلطنت ها را تشکیل نمودند ـ در بنگال ، مالوه ، گجرات وکشمیر پادشاهان مسلمان بودند ـ ودردکن (هند جنوبی) علاءالدین اول بنای سلطنت بهمنی را نهاد .

در سنه ۱۳۹۸ تیمورگورگانی بهندوستان حمله آورده دهلی را خراب نمود ، بعد ازمراجعتش محمد تغلق به پای تخت خود رسید ، بعد از تغلق ها خاندان سادات دردهلی پادشاه شدند بالاخره بهلول افغان از قبیلهٔ لودی دردهلی خاندان لودی را تاسیس نمود .

بابر در سنه ۱۵۲٦ از کابل بر آمده درمیدان پانی پت ابراهیم لودی را شکست داده سلالهٔ مغلی را تاسیس نمود ، شاهان مغلیه ، هندوستان تاسنه ۱۸۵۷ میلادی دوام نمودند .

دردکن هند جنوبی سلطنت بزرگ هندو یعنی وجایانگر از قرن ۱٤ الی ۱٦ میلادی اقتدار داشت ، بعد از سقوط سلطنت اسلامی بهمنی پنج خاندان اسلامی دردکن مستقلاً حکمران شدند ، درسنه ۱۵٦۵ آنها باهم متحد شده سلطنت هندوئی وجایانگر را بر انداختند سلطنت بابر از دریای اکسس الی حدود بنگال واز همالیه تاگوالیار وسعت داشت ، درزمان اوبنگال تحت حکومت افغانها بوده ، چنانچه شیر شاه سوری افغان از حکومت بنگال خروج نموده همایون پسربابررا ازهندوستان کشیده تا پنج سال بهتدبرودانشمندی حکومت نمود این شهریار خیلی متمدن وشجاع بود همایون بعد از ۱٦ سال دهلی را مکرراً اشغال نمود مگر سلطنت مغلیه درین عهد بسیار محدود بوده درهرقطعه حکمرانان مستقل حکمرانی میکردند .

پسرش اکبر پادشاه در سن ۱۴ سالگی برتخت دهلی نشسته بامداد بیرم خان بلخی (قوماندان عسکر مغلی) درهندوستان فتوحات زیاد نموده سلطنت مغلی را نهایت محکم نمود ، سلطنت اکبر از کابل وقندهار الی بنگال واز همالیه تابرار وسعت داشت میتوانیم شهنشاه اکبر را موسس حقیقی خاندان مغل بنامیم .

شاه جهان نورسهٔ اکبر عمارات زیاد خصوصاً عمارت بی نظیر تاج محل را تعمیر نمود وتخت طاؤس بحکم او ساخته شد ، در عهد اورنگ زیب شاهان علاقه های مسلمان دکن مفتوح و سلطنت مغلی به بزرگترین وسعت نایل شد ، پس اورنگ زیب عالمگیر بعد ازچندرگپتای موریا وراجه اشوك ، وسلطان علاء الدین افغان و شهنشاه اکبر چنان سلطانی درهند بود که قریباً کل هندوستان را تحت حکمرانی یك سلطنت واحد در آورد .

بعد از وفات اورنگ زیب مرهته ها در دکن وسکها درپنجاب قوت پیدا کردند وسلطنت مغلی بسرعت رو بزوال نهادو تاخت و حمله نادرشاه افشار در سنه ۱۷۳۹ وقتل عام وتخریب و تاراج دهلی از دست او قوهٔ باقیماندهٔ مغلی را صدمهٔ رسانید . که بعد قوت پیدا کرده نتوانست چین قولیج خان ترك یا اصف جاه که سنی المذهب بوددردکن وسعادت علیخان ایرانی که از اهل تشیع بود در اودهه برای نام اطاعت شهنشاه مغل را تسلیم میکردند ولی درحقیقت آزاد بودند ـ اما بنگال قاعدتاً مالیه بدهلی میپرداخت .

مرهته های دکن تدریجا قوت پیدا کرده درگرد ونواح دهلی رسیدند حتی اعلیحضرت احمد شا ابدالی شهنشاه افغان از پای تخت خود حرکت نموده اولاً سند وپنجاب را فتح کرده وبعد به میدان پانی پت در ۱۷۶۱ مرهته ها را هزیمت کمرشکن داد ـ شاهان مغلیه قوت خود را باخته دست نگر دیگران بودند حتی انگلیس ها در ۱۸۵۷ بهادر شاه آخرین شهنشاه بی اقتدار مغل را به برما تبعید نمودند .

تاثیرات اسلام درهندوستان ، پیش از اسلام جمیع حمله آوران که از خارج داخل هندوستان شدند بسرعت درهندوها منحل شده کاملاً هندو گشتند لیکن مسلمانان دین مقدس اسلامی را داخل نموده خداپرستی وعدل ومساوات را رواج دادند ، رسومات قبیحه مثل (ستی سوختاندن زن زنده درآتش همراه نعش شوهراو) قریباً کم کردند ، امتیازات قومی هندوها را کاستند .

عمارات بزرگ ، پایدار ونهایت جمیل را در سرزمین هندوستان تعمیر نمودند ، زبان اردو از اختلاط مسلمانها باهندوها بوجود آمد .

مفکورهٔ وحدانیت خدای تعالی درذهن هندوها از آن موقع پیدا شده معارف را ترقی ووسعت زیاد دادند ورود اروپائی ها : پرتگیزیها اولین قوم اروپائی بوده که در هندوستان ۱۴۹۸ میلادی آمده ، راه تجارت را باز کردند ، بعدد چها یعنی هالندیها تفوق جستند ، باز انگلیسها و فرانسویها داخل سرزمین هند شده باهم مقاتله کردند حتی انگلیس برهمه اروپائیها تفوق حاصل نمود .

ملکهٔ الیزابت اولاً درسنه ۱۶۰۰ ایست اندیا کمپنی را تاسیس نمود ـ کپطان هاکنز در

دورهٔ انگلیسها : ۱۶۰۸ ازشهنشاه جهانگیر برای تعمیر یك تجارتخانه دربندر سوت اجازه گرفت ، انگلیس در بحر قوت پرتگالیها ودچها را شکست داده آهسته آهسته تا ۱۶۷۹ تجارتخانهای خود را درسورت ، بمبئی مدارس ، کلکته ، بنگال ، قایم کردند اما شهنشاه اورنگزیب از قوت روز افزون و تجاوزات آنها ملتفت شده از حدود سلطنت خود همه تجارتخانهای انگلیسی را اخراج نمود .

بعد از وفات شاه عالم اول پسر اورنگزیب سلطنت مغلی رو بزوال نهاد . و انگلیسها مواضع تجارت خودرا مکرراً اشغال نمودند .

در سنه ۱۷۵۷ سراج الدوله صوبه دار بنگاله به کلکته هجوم آورده قلعهٔ انگلیسی آنجا را مفتوح نموده انگلیسها را محبوس و مقتول نمود؛ مستر کلدیو با یکعده عسکر و جهازات جنگی به غرض انتقام از مدراس آمد، میر جعفر سپه سالار سراج الدوله ازین موقع استفاده نموده با انگلیسها خفیةً متحد گردیده سراج الدوله در جنگ اوگلی شکست خورده مقتول شد، و میر جعفر سپه سالار جای اورا اشغال نمود.

شهزاده علی گوهر مغلی که بعد ازان بلقب شاه عالم ثانی معروف گردید بعزم سرکوبی میر قاسم والی جدید بنگال از دهلی روانه وعازم مقابله شد، ولی در عین زمان از فوت پدر خود شنیده بدون مقابله بدهلی برگشته سریر آرای سلطنت شد و با مستر کلدیو هنگام عزیمت از در موافقت پیش آمده به ایست اندیا کمپنی درعوض ادای تادیه سالیانه (۲٤) هزار کلدار سرپرستی مالیه ودیوان بنگاله را تقویض کرد، درین آوان در دکن ۳ حکومت قوی بومی اقتدار داشت:

۱ - حیدرعلی میسور - ۲ - نظام حیدرآباد - ۳ - مرهته ها.

را گهو ناتهه یکی از راجگان مرهته برای حصول تخت پونا از انگلیسها امداد خواست چنانچه انگلیسها مداخلت نموده وحزب مخالف را شکست دادند.

تجاوزات حکومت انگلیسی مدراس، حیدرعلی سلطان میسور، ونظام حیدرآباد را به خصومت و قتال تحریك داد، هر دوشاه مذکور امداد واتحاد مرهته ها را خلاف دشمن اجنبی مشترك خواستند لیکن بواسطهٔ سیاست وران هستنگز نظام حیدرآباد و مرهته غیر جانبدار شدند، با اینهمه حیدرعلی سلطان میسور بر فوج انگلیسی فتح حاصل کرد. مدراس را محصور نمود حیدرعلی در سنه ۱۷۸۲ وفات کرد و انگلیسها با پسرش تیپو سلطان درسنه ۱۷۸٤ معاهده نمودند.

انگلیسها، نظام حیدرآباد، و مرهته قوت روزافزون سلطان (تیپو) رادیده باهم متحد شده و بوی اعلان جنگ دادند، سلطان تیپو شکست خورد ونصف مملکت خودرا با ۳ ملیون سترلنگ به اتحادیون تسلیم نمود.

درسنه ۱۷۹۸ لارد ولزلی بهندوستان وارد شده این پالیسی را اختیار کرد که در تمام هند جنوبی باید برطانیه فایق ورؤسای بومی هندوستان زیر حمایهٔ اوباشند، درنتیجه انگلیسها بالای اولشکرکشی کردند، وسلطان تیپو بکمال شجاعت مقاتله نموده شهید گشت، لهذا درتعقیب این نظریه به بعضی راجنگال و نواب های آنجا متحد شده طرف مقابل را مغلوب ومجدداً بادیگری موافق شده یکی ازین متحدین سابقه را برمی انداخت تاآخر به تمام حصص هند جنوبی کامیاب گردید، وپس ازین تاریخ دیگر جنرال گورنرها که بروی کار آمدند همین سیاست وطرز عمل را درهند شمالی نیز تعقیب کرد وبلافاصله بتصرف آن کامیاب گردیدند، مخصوصاً دل هوزی که جنرال گورنر تعین شد این رویه را بانهایت دلچسپی وبجدیت هرچه تمام تر اجرا می نمود. ویکی ازخصوصی ترین طرز تصرف این دل هوزی این بود که هرگاه ازحکمرانان هند شمالی مستقیماً وارث حقیقی نمیماند علاقه اورا متصرف می شد کذا باثر سوء اداره وعدم کفایت حکمران محلی نیز حکمران مذکوررا خلع کرده منطقه اورا بتصرف می آورد.

درسنه ۱۸٤۳ چون امیر های سند تحت الحمایه گی را قبول نمی کردند لهذا علاقه سندهه هم درعهد لارد آلن بورد فتح گردیده به سلطنت برطانیه ضم شد.

پنجاب درین آوان تحت تسلط سکها بود، در سنه ۱۸٤۵ سکها دریای ستلج را عبور کرده به علاقه برطانوی حمله بردند، چهار محاربهٔ خونریز بکنار دریای ستلج واقع شده، انگلیسها تلفات زیاد داده بالاخره فتح کردند درسنه ۱۸٤۹ محاربه دومین سکها بوقوع پیوسته وبالاخره سکها شکست خوردند، وپنجاب درسلطنت برطانیه الحاق گردید.

درسنه ۱۸۳۹ انگلیسها ازراه سند وآرد افغانستان شده قندهار وکابل وجلال آباد را اشغال نمودند ولی اقوام این سرزمین باتفاق سرداران خود خیلی بسختی دفاع کرده تمام قشون برطانی مقیم کابل را قتل ومملکت را از سلطهٔ شان نجات دادند . درسنه ۱۸۵۷ درهند قیام بزرگی مشهور بغزا برضد حکومت برطانی قایم وخسارات هنگفتی بآنحکومت تولید گردید ، ودرهمین سنه ۱۸۵۷ سپاه هندی انگلیسها بهادرشاه آخرین شاه سلاله تیموری را شاهنشاه هند اعلان کرده برای استقلال خودها خلاف انگلیس اقدام نمودند ، ولی بعد ازجنگ یکنیم ساله مغلوب گردیده وشهزادگان مغلیه مقتول وخود بهادرشاه به برما محبوس گردید .

حکومت هندوستان از ایست اندیا کمپنی سلب شده راساً بحکومت برطانیه تعلق گرفت ، وملکهٔ برطانیه قیصرهٔ هند اعلان شد . بعد ازوفات ملکه وکتوریا ایدرد هفتم شهنشاه هندوستان گردید ، درین روزها شاه جارج پنجم شهنشاه هندوستان می باشد .

هند پرتگالی

هند پرتگالی از جزیره وعلاقهٔ گوا وجزیرهٔ دیو ودمن که بساحل شرقی هند واقع است تشکیل یافته است ومساحه مجموعی آن ۳۸۰۷ کیلومتر مربع ونفوس ۵۷۹،۹۶۹ میباشد .

چنانکه در بیان تاریخ مکاؤ وتمور ذکر یافته است در آخر قرن پانزده پرتگالیها بار اول بساحل هند رسیدند ودر ابتدای قرن شانزدهم باجازت بهادر شاه گجرات ورؤسای محلی برساحل گجرات کاتهیاوار در جزیرهٔ دیو ودمن در بمبئی تجارتخانه ها متحصن تاسیس نمودند ازان جمله بمبئی بطور جهیز ملکه کتهراین به برطانیه رسید ـ باقی تاحال درتصرف پورتگال ها میباشد .

نوواگوا مرکز حکومت در علاقهٔ گوا برساحل مالابار واقع واز ازمنهٔ قدیم درتاریخ مشهور است چنانچه درپورال که کتب مذهبی هندوان میباشد بنام گووایوری مذکور است ـ اعراب آنرا بنام سندابور درکتب خود یاد کردند از ابتدای قرن دوم مسیحی تامدت دوازده صد سال روساء خانوادهٔ کدمبادرین سرزمین حکمرانی نمودند ـ ودرسنه ۱۳۱۲ به تصرف مسلمانان آمد که تاشصت سال دران حکومت نمودند بعد ازان جزو امپراطوری هندوجهانگیر گردید که احوال تجمل وشوکت آنرا عبدالرزاق سمرقندی درکتاب مطلع السعدین درج نموده است بعد ازان ضمیمه سلطنت اسلامی دکن معروف به بهمنی گردید وچون درسنه ۱۴۸۲ تجزیه شد گوادر تصرف یوسف عادل شاه بیجاپور درآمد درسنه ۱۵۱۰ در عهد همین پادشاه پرتگالی ها براین بندر معمور رسیدند که مرکز تجارت هند جنوبی وایران وعربستان وچین بود وجهازات حجاج از همین بندرگاه به حجاز روانه می‌شدند تجار پرتگالی بدون مقابله داخل شهر شدند لیکن آنرا مملکت مفتوحه قرار دادند ـ یوسف عادل شاه آنهارا شکست داد واز شهربدر کرد ولی چند ماه بعدواپس آمدند وتمام اهالی مسلم آنجارا اززن ومرد وصغیرو کبیرتهٔ تیغ نمودند در اواخر قرن ۱۶ وابتدای قرن ۱۷ این شهر بکمال شوکت وثروت وعظمت رسید تبلیغ مسیحیت درشرق اغاز گردید اماچون هالندی ها درین کار وارد گردیدند تجارت کم شد (بعد ازین دفعه ها لندی ها ازطرف بحر ومهراته ها ازطرف خشکه بران حمله آورگردیدند لیکن موضع مذکور را گرفته نتوانستند بالاخره درسنه ۱۷۳۹ بامهراته ها عقد صلح بستند ـ وبعد ازان عروج انگلیسها که حلیف پرتگال اند این خطر را برطرف نموده و تاکنون از طرف حکومت پرتگال بتوسط یك گورنر جنرال اداره می شود .

هند فرانسوی

هند فرانسوی عبارت از چند بنادر متفرقه ایست که در حصص مختلفهٔ هند واقع است. مساحهٔ مجموع آن مساوی ۵۰۸ کیلومتر مربع و نفوس آن عبارت از ۲۸٤٬٤۱۰ نفر بوده و به پنج ناحیه تقسیم یافته است ۱ ـ ماهی بساحل مالابار ۲ ـ کاریکل ۳ ـ پاندیچری بساحل کارومندل ٤ ـ یاناؤن (یانام) بساحل گول کنده ۵ ـ چندرنگر در مملکت بنگال بشمال کلکته درکنار دریای اوگلی واقع ومرکز آنها پاندیچری است.

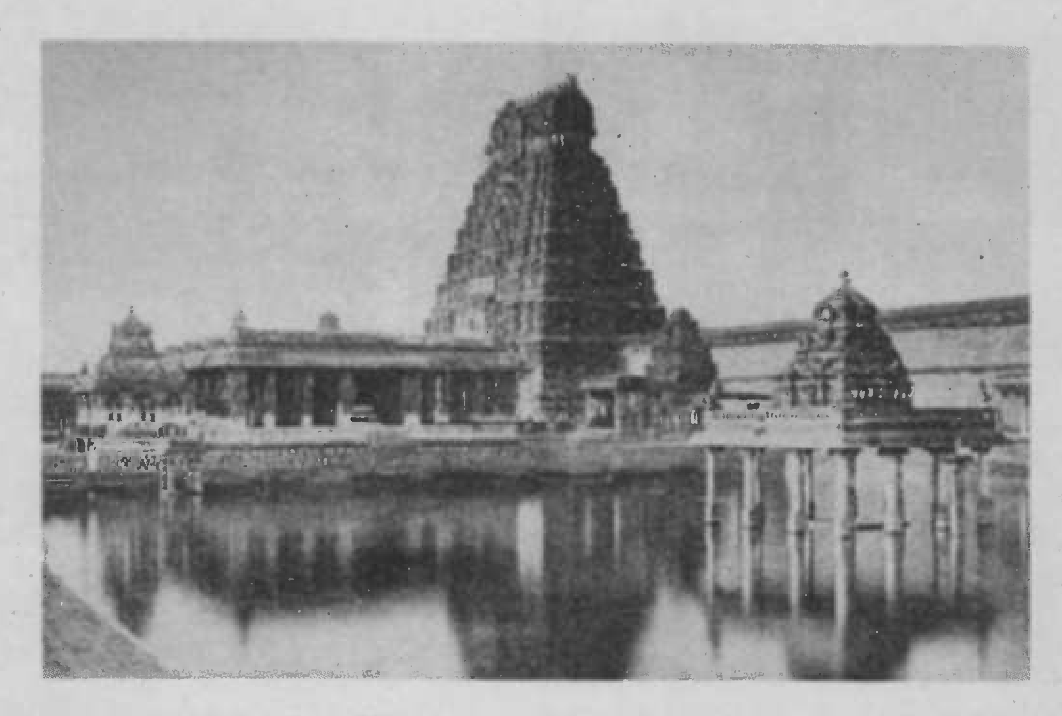
از مقبوضات وسیعهٔ فرانس درهند که (دوپلی) آنرا بتصرف خویش دراورده بود تنها همین بنادریکه ذکر شد باقیمانده و باقی بتصرف انگلیس درامده است.

در سنه ۱٦٦٤ میلادی فرانسویها شرکتی برای تجارت شرق تشکیل نمودند، شرکت مذکور در سنه ۱٦۷۳ م قریهٔ پاندیچری را خرید اما هالندی ها بروز آنرا تصرف نموده، ودرسنه ۱٦۹۹ واپس آنرا بفرانسه مستردکردندودرسنه ۱٦۸۸ در چندر نگر تجارتخانهٔ تاسیس نمودند، در سنه ۱۷۱۹ م دیگر شرکتهای تجارت خارجیهٔ فرانسه باین شرکت ملحق شده بنام شرکت فرانسوی در هند موسوم وعلاوه از امور تجارت مسایل استعمار نیز باین شرکت محول گردید.

دراثرسیاست متخذه، مامورین فرانسوی درهند با رؤسای محلی راجگان ونوابان متفق شده درحالیکه ریاسات یکی با دیگری در نزاع وکشمکش بودند مصالح سیاسیهٔ خود را سنجیده‌گاهی طرفداری از یکی و گاهی از دیگری طرافداری می نمودند. وچون انگلیس وفرانسه باهم رقابت تجارتی داشتند بهرکدام ازین رؤسا که انگلیس طرفداری می نمود، طرفداری جانب مقابل را فرانسه می گرفت، و دربدل طرفداری‌خود پول یا زمین از آنها حاصل می کرد. زمانیکه انگلیس و فرانسه در اروپا مشغول جنگ می شدند، شرکتهای طرفین نیز در هند یکی با دیگر می آویختند وطرفداران محلی شان نیز بایشان معاونت می نمود، ورؤسا در محاربات داخلی خود از فوج شرکتها کار گرفته و دربدل پول ها زمین می دادند، چنانچه در اثر اینطور محاربات در سنه ۱۷۲٦ م ماهی بتصرف فرانسه درآمد و درسنه ۱۷۳۹ رئیس (تنجور) بندر کاریکل و مضافات آنرا بفرانسه ها بخشید.

زمان اوج فرانسه درهند عهد (دوپلی) است که در سنه ۱۷٤۲ گورنر جنرال مقبوضات شرکت فرانسوی مقرر گردید و از مناقشات ورثهٔ راجهٔ تنجور نواب کراناتك و نظام الملك اول وجنگلهای دول میسور حیدرآباد و مهرته استفاده کرده ویکی ازپسران نظام‌الملك را که فرانسه ازوحمایت می نمود به تخت حیدرآباد دکن بنشاند وعلاقه های وسیعهٔ موسوم به (سرکار) و (کرناتك) را در بدل خدمات برای شرکت گرفت، درسنه ۱۷٤٦ بر انگلیس غالب آمده مدراس را تصرف نمود ودرسنه ۱۷۵۰ شهر یاناؤن‌را تاسیس کرد، وباین ذریعه درتمام جنوب هند نفوذ فرانسه حاوی گردید.

(لبوردونی) از باعث رقابتیکه با دوپلی داشت او را تنها گذاشته جهازات جنگی را با خود ببرد. و سهمداران شرکت نیز بواسطهٔ مصارف زیادی که دوپلی مینمود، ناراض گردیده و به خدمات قیمتدار او اهمیت نداده مشارالیه را محبوساً درفرانسه احضار نمودند، این قدرناشناسی وتنگ نظری فرانسویها نتیجهٔ وخیمی برای حکومت وملت‌فرانسه بخشیده منافع مادی ومعنوی‌ئیکه درهند دراثر تدابیر عاقلانهٔ دوپلی بدست آمده بود ضایع کردند و مقامات جزئیه کهاکنون بتصرف فرانسه است آنهم بارها از دست فرانس برامده وباز باو سپرده شده است. چنانچه پاندیچری را از سنه ۱۷٦۳ وباز از سنه ۱۷۷۸ تا ۱۷۸۲ و



نمونهٔ معماری هند جنوبی «یك عمارت بزرگ در بنارس»



مدرسهٔ فرانسوی درپاندیچری «هند فرانسوی»

بار سوم از سنه ۱۷۹۳ تا ۱۸۱۷ ، و کاریکل را در سنه ۱۸۰۳ و بار دوم در سنه ۱۸۱٤ و ماهی را در سنه ۱۷٦۱ و بار دوم در سنه ۱۷۷۹ و بار سوم در سنه ۱۷۹۳ م انگلیسها متصرف شده و بالاخره بموجب معاهدهٔ سنه ۱۸۱٦ بعد از انهدام تمام استحکامات و بشرط اینکه در آینده استحکامات در آنجا ها بنا کرده نشود بفرانسه گذاشته شده .

یمن

قدیم ترین معلوماتیکه مورخین وجغرافیون یونانی راجع به یمن پیدا کرده اند از قرن سوم قبل از میلاد تجاوز نمیکند ، فقط از روی انجیل همینقدر معلوم میشود که اهالی یمن درقدیم الایام بنام (سبا) یا (سهبا) یاد میشوند . رومیها ئیست های متعددی را بسواحل این مملکت اعزام کردند ، مردمان حبشه کوشش زیاد نمودند واین خاك را به تصرف خود در آوردند اما در ابتدا موفق نشده فقط در حدود سنه ۵۲۹ میلادی توانستند که آن مملکت را اشغال نمایند . در سنه ٦۰۱ یمنیها خلاف‌تشدد و مظالم ابی‌سینائیها ازایران امداد خواستند چنانچه فارسیها یمن را بتصرف خود درآوردند، به حاکمیت حبشه که عیسویت را در آنجا وارد کرده بودند خاتمه دادند.

در سال دهم هجری حضرت محمد صلعم اولاً حضرت علی کرم الله وجهه و ثانیاً معاذ بن جبل را (رض) برای تبلیغ اسلام باهالی یمن اعزام فرمودند ، پس باین قسم یمنی ها اسلام را قبول کرده بزیر اداره خلفای اموی وعباسی درآمده تاآنکه درعهد سلسله زیدیه که مدت دوقرن از ۲۰٤ تا ٤۰۹ هجری (۸۱۹-۱۰۱۸) عیسوی حکمرانی داشتند استقلال یافته اما وجود این مملکت به قطعات زیاد تقسیم گردیده ادارهٔ هر کدام بدست یك رئیس محلی افتاد ، صنعا مرکز سلطنت شعیه (صلاحیه) قرارگرفت وسلطنت مزبور بواسطه سلاله (همدانیه) ازبین رفته شاهان موخرالذکر از ۱۰۹۸ تا۱۱۷۳ دوام کردند ودران‌تاریخ تمام‌مملکت یمن‌به سلسله‌ایوبیه مصر منتقل گردید این سلسله بواسطه خاندان رسدلیه که اولاده یکی از امرای خلیفه عباسی بود منقرض شد .

درسنه ۱۵۱۷ اتراك عثمانلی که مصر را فتح کرده بودند به تصرف یمن پرداختند ، قبضهٔ این مملکت که بواسطهٔ سلیم اول شروع شده بود بیش از یك قرن دوام نکرد درسنه ۱٦۳۳ امام های ملی برسر اقتدار آمد وترکها مجبور به دست کشندن گردیدند ، بقسمیکه فقط یك رابطه اسمی تاوقت جنگ عمومی یمن را بترکیه الحاق میداد وپس ازانقراض سلطنت عثمانی آزاد شد .

خاندان شاهی : شاه حاضره جاجه حمیدالدین المتوکل امام یحیی نام دارد که در سنه تولد شده و پسر امامحمد است (مسلمان سعیدی)

اولاد :

۱ : الهادی محمد سیف الاسلام ولیعهد سلطنت است.	۲ : شهزاده حسن .
۳ : شهزاده حسین .	٤ : « علی .
۵ : « کاظم .	٦ : « مطهر .
۷ : « عبدالله .	۸ : « ابراهیم .
۹ : « اسمعیل .	۱۰: « جاجه .

نگارش جناب فاضل جمال الدین احمدخان

نظری به آسیا

جناب فاضل جمال‌الدین احمدخان عضو فخری انجمن ادبی که در سالنامهٔ کابل کمك شایانی نموده‌اند

آسیا بزرگترین قطعه عالم بوده وبواسطهٔ که در شرق شمالی دنیای قدیم وقوع یافته بنام شرق نیز معروف است .

این براعظم شمالاً وجنوباً از ۷۵ درجه عرض بلد شمالی الی ۱۰ درجه عرض بلد جنوبی واقع گشته ، غرباً ، شرقاً از ۲۶ الی ۱۹۰ درجه طول بلد مشرقی امتداد یافته است . مساحهٔ آن مساوی (٤١ر٦٠٠ر٠٠٠) کیلومتر مربع (که تقریباً ثلثی ازعالم مسکون را تشکیل می نماید) بوده ، دارای (١ر٠٦٧ر٠٠٠ر٠٠٠) نفوس است که بیشتر ازنصف نفوس رویعالم باشد .

براعظم ایشیا خیلی وسیع واز آن رو آب وهوای آن اختلافاتی بهم رسانیده ، باعث تکون وپیدایش نباتات وحیوانات متنوعه گردیده است . آسیا از حیث جبال وقلل شامخه ، سطوح مرتفع ، میدان های وسیع حاصلخیز ودشتهای غیر مزروع ، بیابان وریگزار های سوزان ، جزائر سر سبز وشاداب ، بحیره های وسیع وپهناور وبالاخیر بواسطهٔ تندرا وبرفستان های شمالی خود درعالم بی‌نظیر بوده وبرسائر براعظم های دنیای قدیم وجدید برتری ومحاسنی را حائز ودارا است .

چنانکه همالیه در بین جبال ، قلهٔ ایورست دربین قلل شامخه ، سطح مرتفع تبت دروسط سطوح مرتفعه ، بحیره خزر درردیف ابحار داخلی ، میدان سایبیریا از حیث وسعت ، بحیره مردار ونواحی آن از رهگذر شوری آب وپستی زمین ، میدان گنگا وهوانگ هو ازباعث زرخیزی ، جزیره نمای عرب درقطارجزیره‌نماها از سبب بزرگی ، یاکتسك از حیث سردی در صنف نقاط مسکونه ، نواحی شرق اردن بواسطهٔ گرمی خود وچراپونچی ازکثرت باران هریك تشخص وامتیازی دارند که بهیچ صورت از آن نمی توان انکار کرد.

برعلاوهٔ آنهمه ، مهبط ابوالبشر سیدنا آدم علیه السلام بوده ، وسفینهٔ آدم ثانی نوح علیه لسلام نیز درخاك آسیا برروی زمین قراریافت ونخستین منبع وسرچشمه تهذیب وتمدن شمرده میشود که بعد ها سائر قسمت های دنیا از آن سرمشق های عبرت گرفته ، مستفیض ومنور گردید .

خطوط واعداد مروجهٔ کنونی عالم والسنهٔ مهمه نیز ازین سرزمین آغاز ظهور نموده ، مهد وپرورشگاه انبیای جلیل القدر ورهنمایان معروف بشریت تسلیم گشته است .

بزرگترین نژاد های عالم ، سفید پوستها وزرد پوستها ازینجا ظهور نموده ، قدیمترین وبزرگترین کتب سماوی وآبدات تاریخی در همین خاك نزول وتاسیس یافته اند ، حیوانات اهلی بدون استثنا کاملاً درین قطعه انس گرفته‌وپرورش یافته وبعدها بسائر نقاط عالم پراگنده ومروج گشت . همچنین مزرع اصلی نباتات ، اثمار وحبوبات ماکوله متداول درعالم نیز آسیا بوده ، کشت وکار وطرز استعمال هریك‌را سائرین از اهالی‌این سرزمین‌بیاموختند ، وچنانکه گفتیم آسیا نه تنها درازمنهٔ قبل از تاریخ بلکه درادوار بعد از تاریخ نیز همیشه ومتمادی مبدأ دیانت ، اخلاق ، زراعت ، فلاحت ، صنعت ، حرفت ، تجارت وبحر پیمائی وفنون حرب وکشورکشائی علم وهنر ، تهذیب وبالاخره سرچشمهٔ تمدن بوده وبرسائرنقاط عالم سمت استادی وپیشوائی‌را احراز نموده‌است .

وطن عزیز ما افغانستان در قلب این قطعهٔ بزرگ واقع گشته از حیث تاریخ سابقه درخشان ، تذکار وخاطرات مشعشع وقیمت داری را حائز است . چنانکه از شش هزار سال پیش بلکه افزونتر

ازان اهالی این دیار که عبارت از اسلاف بزرگوار افغان باشد ، مهاجرت اختیار کرده ، تمدن سومیریها را درعراق وتمدن (موهین جودیرو) را در وادی سند تاسیس نمودند که تقریباً ازلحاظ طرز واسلوب تمدن واحدی بوده ، ومیتوان گفت که در عصر واحدی هم تشکیل یافته است .

آریه ها ازین سرزمین برخاسته ایران ، هندوستان واوریارا معموروآبادان ساختند .
• فاتحین وکشورکشایان بزرگ عالم اکثر ازین مملکت بوده ، ویا بطور مسافرت وتاخت وتازازین سرزمین عبورکرده اند .

خلاصه اگربگوئیم که تاریخ آسیا عبارت ازتاریخ مجمل عالم بوده وتاریخ افغانستان مجمل ازتاریخ آسیا است بجا گفته خواهیم بود .

مدنیت آسیا بسی قدیم بوده ، علایم وشواهد بسیاری ازین مدنیت پرشکوه موجود است آثارنفیسهٔ که مدنیت قدیمترین وصنایع (٦ هزار سال قبل) آسیا را نشان میدهد دراثرکاوشها وحفریات ازبلاد قدیمهٔ سند ودجله بدست آمده است، اگرچه دربین بلاد سند ودجله بعد ومسافهٔ زیادی است . اماآثارعتقیه ئیکه ازین ممالك کشف گردیده باهم شباهت تامی دارند ، اگرچه بناهای این دو مملکت در حصص میدانی تعمیر گردیده و در اطراف آن تاچندین کیلو متر بجزمیدانهای وسیعهٔ خاکی دیگر چیزی بنظر نمیآید مگر چون درتزئینات سنگ لاجورد بکاربرده اند . چنان مینماید که اهالی آنجاها اصلاً ازمملکت کوهستانی مشجری باینديار رخت اقامت کشیده باشند ونیز ازابنیه ومعابد وقبور آنها این مطلب بخوبی واضع میشود اهالی این ممالك فلز طلاومس را گداز میکردند . خشت پزی، حجاری ، کلالی، زرگری مس گری داشتند ازهمه گذشته دارای فنون حربی هم بودند ،

یگانه مملکت کوهستانی ئیکه بین این دومملکت واقع ودارای معدن مهم لاجورد است مملکت افغانستان بوده وعقیدهٔ اکثر علما اینست که اهالی کوهستانی افغانستان باندیار رفته وتاسیس مدنیتی نموده اند . واین آثارمدنیت ششهزرسال قبل ظاهر میسازد که افغانستان قبل ازان دارای تمدن وشوکت بوده واهالی آن دردیارمجاورنیز مدنیت خویش رانقل داده ورمغان برده اند .

سامی ها از سومیریهائیکه از مملکت کوهستانی رفته ودرغرب آسیا دارای مدنیت بودند کسب تمدن نموده اند سومیریها هزارسال باکمال مدنیت وشوکت حیات بسر برده بعد ازان رو بانحطاط گذاشته ،وسامی ها که ازسومیریها اخذ مدنیت نموده بودند چهار هزار وپنجصد سال قبل ازین جای ایشان را گرفته وبابل را مرکز قراردادند.

پنجصد سال بعد ازان اهل عیلام بابل را فتح کرده مدنیت وزبان ملت مفتوحه را اخذ نمودند ، سپس ازان سه هزارسال قبل ازین دورهٔ آشوریها شروع شد و٦٠٦ ق م درفارس سلطنتی عظیم بنایافته شوکت بابل ونی نوارادرهم شکست.

از وسط آسیا چهارهزارسال قبل اصناف آرین ها از مملکت باختر (بلخ) وسغد که ازوادیهای سرسبز وخرم وآباد دنیا بود بطرف جنوب مشرق بهند وبطرف مغرب بایران وبطرف شمال مغرب باوروپا مهاجرت نموده اند واین مهاجرت صد ها سال دوام ورزیده است .

آبا واجداد چینی های امروزه از وسط آسیاتقریباً پنجهزارسال قبل ازین درچین (شرق آسیا) رفته ودر (هاوانکو) رحل اقامت افگندند وبتاسیس قدیمترین دولتی که (چین) تا حال وجود دارد پرداختند ومدنیت ایشان تاکوریا وجاپان رسید .

درجنوب آسیا درهند قدیمترین تمدنیکه بما معلوم شده در سند بوده ، وآثاری ازآنجا کشف گردیده که تمدن آنرا بما نشان داده است چنانچه قبلاً به ذکر آن پرداختیم. درزمانیکه سند دارای تمدن بود در حصص وسطی هند اقوام وحشی (منده) زندگانی داشتند که نسل آنان تاحال بنام بهیل وسنتال وغیره موجود است .

(دراودیها) غالباً از طرف شمال غرب وارد هند گردیده ودر تمام مملکت پراگنده شده سکونت ورزیده اند سه و نیم هزار سال قبل آریانها دراویدیها را از صفحات شمالی هندوستان به حصص مرکزی و جنوبی راندند.

در زیراثر آریانها آئین برهمنی درهند نشوو نما یافته وکسب اهمیت نمود، مذهب بودائی دو نیم هزار سال قبل ازین دروادی گنگا تولد یافته آهسته آهسته بر تمام قطعات مرکزی و حصص شرقی وجنوبی آسیا از ساحل مالابار تاجزایر جاپان هم قبول و پذیرائی شد، اگرچه آئین بودا، امروزه روز درمهد نشو ونمای خود ابداً پیروی ندارد. اما اکثراهالی سیلون، برما، تبت، چین، جاپان، منگولیا هند چینی وغیره از پیروان این مذهب میباشند.

از دو نیم هزارسال تاقرن ۱۷ مدنیت های: ۱- چینی ۲- هندی ۳- اسلامی ٤- باختری (آسیای مرکزی) در آسیا حکفرما بوده است، سه مدنیت اول الذکر از یکدیگر اختلاف داشته، ولی مدنیت چهارم که درازمنهٔ سابق خودش منبع مدنیت های دیگر بود درین زمان از اتحاد و ارتباط مدنیت های دیگر متشکل بود. ولی در تقسیم ملل و تاسیس دول وآبادی وخرابی ممالك و مبادلات تجارتی حصهٔ مهمی داشته است.

مدنیت چینی در صفحات شرق آسیا حکفرما بود. کوریا، مانچوریا، جاپان، انام ازو مدنیت آموختند و تاثیر این مدنیت بمملکت منگولیا، تبت، سیام کمبودیا، برما، کاشغر کشمیر نیز رسید، ومدنیت هندی نیز درین ممالك اجرای نفوذ نموده بلکه دربعضیجا برمدنیت چین تفوق یافت. در کاشغر وکشمیر مدنیت اسلامی وباختری هم داخل گردید. بهرجائیکه نفوذ مدنیت چین بیشتر بود دیانت کنفسیوس ورسم الخط چینی (که از بالا بطرف پائین بسطرهای عمودی بقلم موئی تحریر میگردد) وهم سبك مخصوص چین درصنایع رواج یافت.

تاثیر مهمهٔ مدنیت هند عبارت بود ازمذهب بودائی که درازمنهٔ قدیمه دروسط آسیا وتبت ومنغلستان، جاوا، کمبودیا، سیام، وجزایر شرق الهند رسید، وباکثر ممالك رسم الخط هندی وسبك هندی در صنایع و ادبیات داخل گردید، چنانچه رسم الخط جاوا، تبت کمبودیا وآثار تاریخی ومذهبی ورسوم وعادات اهالی هند چینی وجزایر شرق الهند برین گواه است.

از یکطرف بواسطهٔ باختر دیانت بودائی بچین و جاپان و از طرف دیگر بواسطهٔ باختر واسلام علوم و فنون تااوروپا رسید.

تانزدیکها میگفتند که معلم علم وفن تمامدنیا یونان بوده. اما حال شواهد ودلایلی بدست آمده که یونان از باختر علوم و فنون شرق را اخذ کرده است.

اسلام که دین حقانی مقدس و پاك و بزرگترین ادیان است ازهمه قوائیکه تاریخ نوع بشر ازان حکایت مینماید مؤثر واقع گشته است. چنانچه ازگوشه غرب آسیا برخاسته وچنان عالمگیر شد که درانداك مدت نه تنهاازساحل بحراتلانتیك تاجزایر بعیدهٔ شرق الهند رسید، بلکه هر شعبه حیات بشر ازاسلام مستفید گردید، زیرا تاثیر مدنیت چین بیشتر بامورمادی، و تاثیر مدنیت هند بیشتر بامورمعنوی، رسم الخط، صنایع دیانت و بعضی رشته های علوم، و تاثیر باختر چنانچه ذکر شد بیشتر به امورسیاسی بوده.

اما هیچ شعبهٔ حیات بشر (دینی ودنیائی، مادی ومعنوی، سیاسی وحربی، تجارتی واقتصادی، اجتماعی و انفرادی) نیست که اسلام درآن تاثیر نکرده باشد، حتی مللیکه از قبول این دین منیف محروم مانده اند باز هم از تاثیرآن بی بهره نمانده اند، از جمله ظهور پروتستان را دردین مسیحی ازجملهٔ تاثیرات اسلام واصلاح آن میتوان گفت.

فکر اخوت بشر مساوات وحریت که دردنیا تولید یافته از برکت همین دین برگزیده وحقانی است. دین اسلام یگانه دینی است که اموردین ودنیا را چنان بهم ارتباط بخشید که انفکاك یك از دیگر امکان ندارد.

دین اسلام به هر مملکت و هر قطعهٔ دنیا که رسیده است، رسم الخط، زبان عرب و سبک مخصوص را در صنایع با خود برده است.

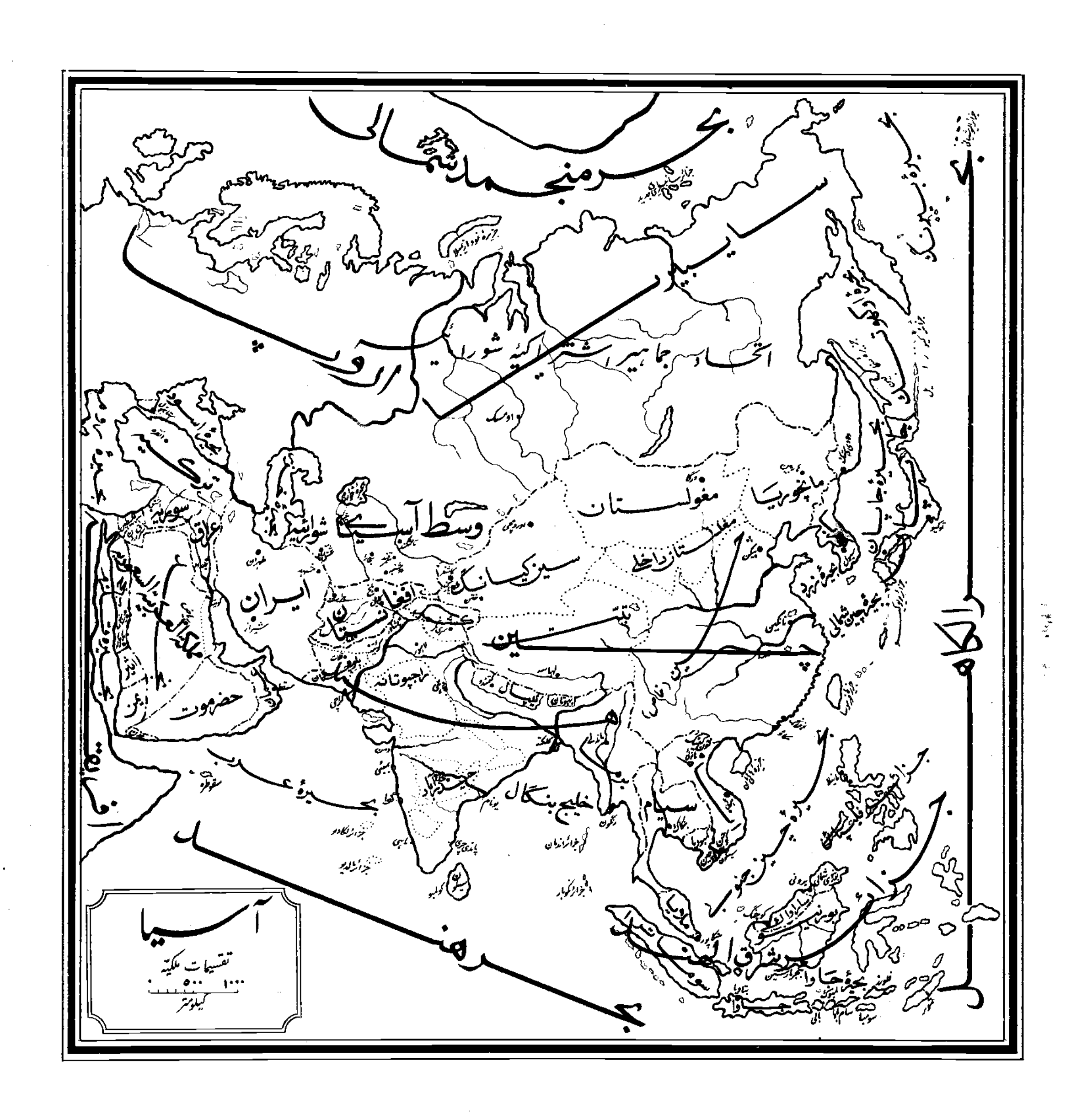
حصهٔ را که ملل باختری در تاریخ آسیای وسطی گرفته اند بیشتر آن به امور حربی و مهاجرت تعلق دارد زیرا در ملل باختر عادتی بود که در هر حصهٔ آن که اثری از جنگ و جدال پیدا می‌شد، اقوام دور و نزدیک بآنجا اجتماع نموده متفقاً بحمله و حرب می پرداختند، مثلاً در ظرف این دو هزار سال چندین دفعه اقوام باختری و آسیای وسطی بر ممالك بعیده تاخت و تاز آورده و بواسطهٔ شجاعت خود بر ممالك متصرف و دولت وسیع تشکیل میدادند، اما از باعث قلت افراد نمیتوانستند آنرا مدتی حفظ نمایند. اگر بعد از زمانی باز اقوام خودشان در ممالك مفتوحه هجوم میآوردند از مدافعهٔ آنها عاجز می‌آمدند.

اگرچه سلطنت ملل باختر دوام دار نمی‌بود ولی چون سلطنت وسیع تشکیل می‌یافت، علما، تجار، صنعت گر، سیاح بسهولت ازیك سر مملکت تا دیگر سر آن رفت و آمد پیدا میکرده و باین واسطه زمینهٔ مساعدی برای تبادل افکار و نقل تمدن تهیه میگردید.

در ازمنه قبل التاریخ اهالی آسیا در افریقا و اروپا حتی در امریکا بارها نفوذ یافته اند، اروپا و افریقا اگرچه در آسیا نفوذ یافته اند، ولی نفوذ آنها موقتی بوده، چنانچه هکسوس و آثوری ها، عربها و عثمانیها، برمصر، فنیقی ها بر کارتج و آریانها و اوارها و مجارها و هونها و بلغارها و عربها و مغلها و اتراك وغیره به اروپا هجوم برده و ممالك افریقا و اروپا را تصاحب و در آنجا سکونت اختیار نموده‌اند چنانچه تاحال نسل ایشان در آنجاها باقیست. بالمقابل مصریها بسوریه، و اهل حبشه بریمن، یونان ها و سکندر کبیر و رومی ها به آسیای کوچك و درایام جنگهای صلیبی قوای تمام دول مسیحی اروپائی برفلسطین هجوم آوردند، تاهنگامیکه طریق ایاب و ذهاب خشکه بود آسیا برقطعات دیگر غالب، اگر قطعات دیگر به آسیا قدم می‌نهادند فتوحات شان موقتی می‌بود.

در سنه ۱۴۹۸ م واسکو دیگاما دریا نورد پرتگالی از راهٔ بحر بساحل هند قدم نهاد و بعدازان اتباع سایر دول بحری اروپا ازقبیل پرتگال، هسپانیا، هالند، فرانس، برطانیا ازپی یکدیگر بلباس تجارت وارد ممالك آسیای جنوبی وشرقی گردیدند و در امور تجارت از آسیائیان طالب مراعات شدند سپس از منازعات و مناقشات داخلی استفاده برده نفوذ خود را توسعه دادند و ممالك را در تحت سلطه و تصرف خویش در آوردند. بعد ازان بین ممالك اروپائی رقابتهای در مسایل آسیا پیدا شده پرتگال اکثری مقبوضات خودرا ازدست داد مقبوضات هسپانیا در قرن ۲۰ بتصرف جماهیر متحدهٔ امریکا درامد هالندیها مقبوضات هندی و سیلون و هندچینی خود را به انگلیسها باختند ولی در جزایر شرق الهند توسیع یافتند. فرانسویها ازهند منصرف گردیده هند چینی را قبضه نمودند. و بعد از جنگ عمومی جزو اعظم سلطنت عثمانی ازو مجزا شده تحت انتداب فرانس و انگلیس قرار گرفت. بطرف شمال روس از راهٔ خشکه سای بیریا و حصص شمالی آسیای وسطی را آهسته آهسته متصرف شده، و از باعث قلت اهالی و ضعف آنها بدون مشکلات برآنجاها مالك گردید، ولی چون درشرق اقصی بادولت جاپان مقابل شد، شکست فاحش یافت.

درقرن ۱۹ دول مهمهٔ اروپا آسیارا لقمهٔ چرب و شیرین و لایق بلع پنداشته خیالاتی درباب فرو بردن آن درسر داشته و آنرا بین خود تقسیم می نمودند، اما درین وقت آثار نهضت در آسیا پیدا شد خلاصه دراواخر قرن ۱۹ جاپان روبترقی محیرالعقول نهاده در مدت قلیلی هم سر و همقطار دول بزرگ و مقتدر عالم گردید. و چنانکه گفتیم در سائر ممالك آسیا حس نهضت علم بر افراخته و پیش ازهمه در سال ۱۹۱۹ افغانستان استقلال کامل خویش را حاصل نمود بعد ازان ایران و سیام ازحلقه های اثر خارج و امتیازات و مداخلات روپائیها یك یك خودرا نجات و رهائی بخشیدند و درین اواخر عراق نیز مستقل شناخته شد، درسال حاضر سفیر نیپال بدربار لندن پذیرا شد و رویهمرفته هنده جاوا جزائرشرق الهند، سوریه، فلسطین نیز خواهان آزادی گشته و ازاجانب برخی ازحقوق خودرا گرفته ودر عقب اخذباقی افتاده اند. حتی ولایات امپراطوری سابق چین نیز برای استقلال خویش مجاهدت ورزیده حکومات علیحده تشکیل داده اند.


آسیا
تقسیمات ملکیه
۰ ۵۰۰ ۱۰۰۰
کیلومتر
بحر منجمد شمالی
اروپا
مغولستان
ایران
افغانستان
تبت
چین
خلیج بنگال
بحیرهٔ عرب
حضرموت
سیام

اسم مملکت	اسم سکه	میعار	قیمت بافغانی پول	قیمت بافغانی افغانی	ملاحظات
سالوادور	کولون	«	۰	۵	
سیام	باهت	«	۴۲	٤	
سگاپور	دالر	«	٦٨	۵	
سویدن	کرون	«	٦٨	۲	
سوتزرلیند	فرانك	«	۹۳	۱	
فنلاند	مارکا	«	۲۵	۰	
فرانسه	فرانك	«	۰	۵۸	
فلپائن	پیسو	«	۰	۱۵	
کانادا	دالر	«	۰	۱۰	
کولمبیا	پیسو	«	۷۳	۹	
کوستاریکا	کولون	«	٦۵	٤	پول کاغذی رواج داردکولون کاغذی مساوی است به۵۰ر۲ افغانی
کیوبا	پیسو	«	۰	۱۰	
گواتمالا	کوتزل	«	۰	۱۰	
لاتویه	لات	«	۹۳	۱	
لایبیریا					سکهٔ برطانوی مروج است .
لیتوانیه	لیتاس	«	۰	۱	
مصر	جنی	«	۰	۷۰	
مکسیکو	پیسو	«	۹۹	٤	
نیدرلاندز	کلدار(فلورین)	«	۲	٤	
نیکاراگوا	کاردوبا	«	۰	۱۰	
ناروی	کرون	«	٦٨	۲	
وینزویلا	بولیوار	«	۹۳	۱	
هائیتی	گورد	«	۰	۲	
هاندوارس	لمپرا	«	۰	۵	
هانگری	پنگو	«	۷۵	۱	
هند	روپیهٔ کلدار	«	٦۰	۳	
هند چینی	پیاستر	«	۹۲	۳	
هسپانیه	پسیتا	«	۹۳	۱	
یوروگوی	پیسو (طلائی)	«	۳٤	۱۰	پیسوی کاغذی مروج است که قیمت نازل دارد .
یوگوسلاویا	دینار	«	۱۷ر۵		
یونان	دراکمه	«	۱۳		

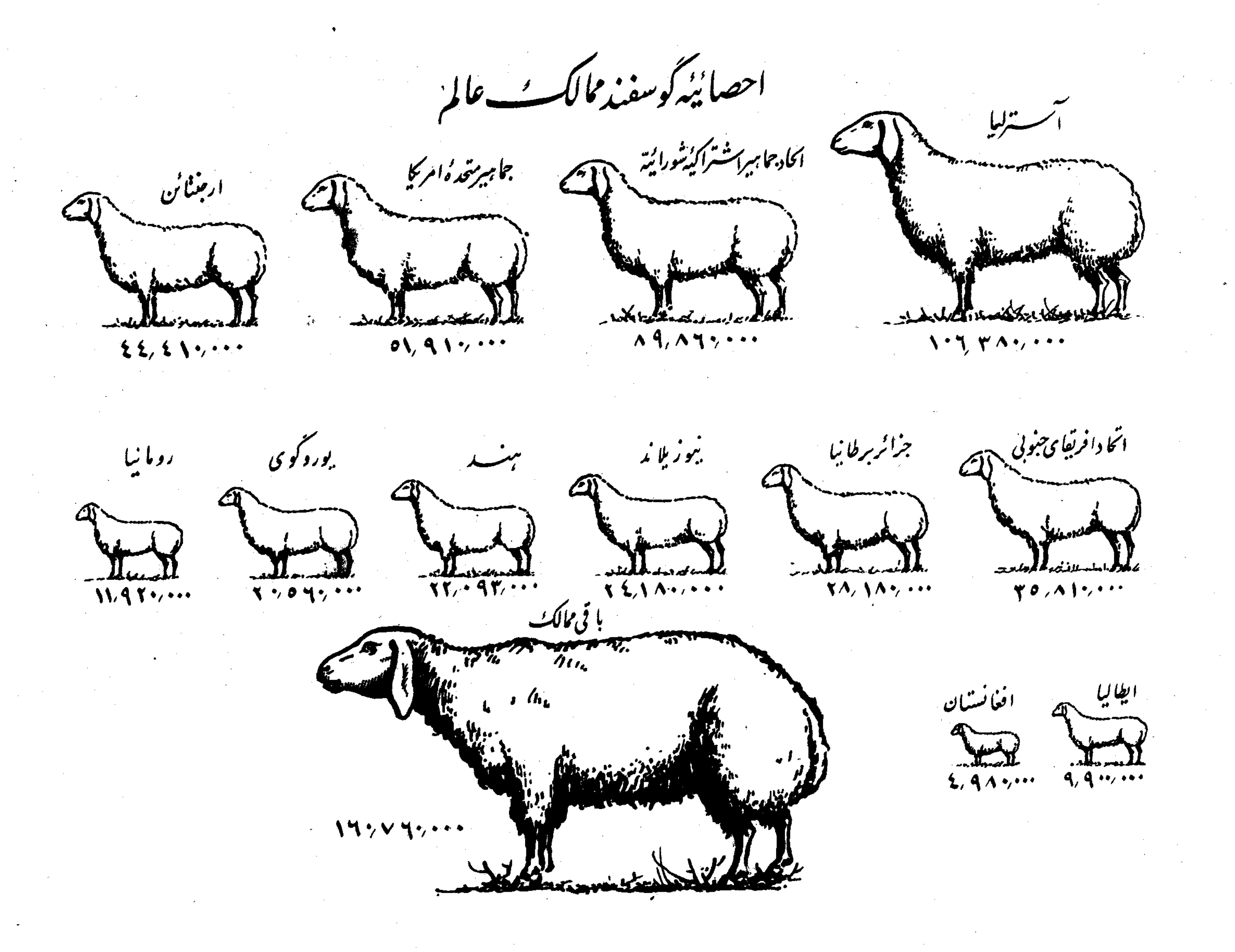
و مقیاسات ، اوزان ، مقادیر و مسکوکات جاپان

مقیاسات اوزان و مقادیر و مسکوکات جاپان و تطبیق آن با مقیاسات و اوزان و مقادیر و مسکوکات افغانی :

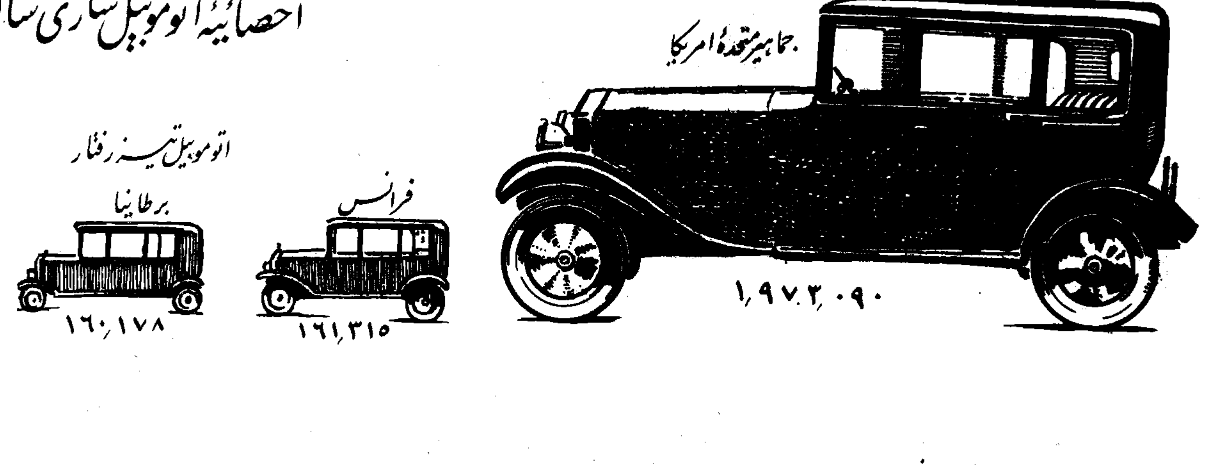
نوع مقیاس	اسم جاپانی	تطبیق آن به مقیاسات افغانی	
طول	ری	۳،۹۲۷۲۷	کیلومتر
	ری (بحری)	۱،۸۵۳۱۸	»
	ری (مربع)	۱۵،۴۲۳۴۷	مربع کیلومتر
مساحت	سوبو	۳،۳۰۵۷۹	مربع متر
	تان (مساوی ۳۰۰ سوبو)	۹،۹۱۷۶۳	آر
	چو (مسای ۱۰ تان	۰،۹۹۱۷۳۵	هکتار
حجم	شو	۱،۸۰۳۹۱	لیتر
	تو (مساوی ۱۰ شو)	۱۸،۰۲۹۱	»
	کوکو (مساوی ۱۰ تو)	۱۸،۰۲۹۱	هکتو لیتر
وزن	مومه	۳،۷۵	گرام
	کین (مساوی ۱۶۰ مومه	۶۰۰	»
	کوان (مساوی ۱۰۰۰ مومه)	۳،۷۵	کیلوگرام
حجم جهازات	کوکو	۰،۱	تن
مسکوکات	سن	۸	پول
	ین (۱۰۰ سن)	٤،۹۸۲	افغانی

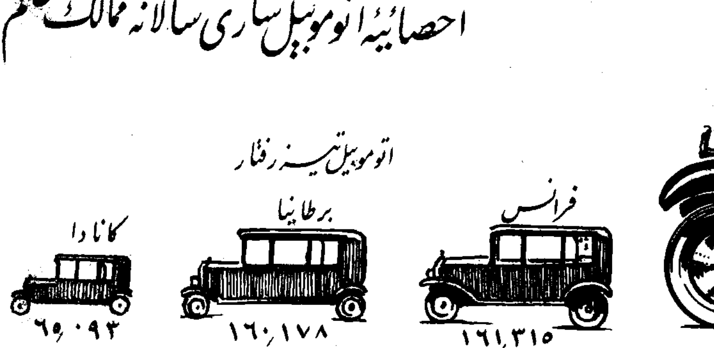
علاوه برین مقیاسات متری در جاپان رواج دارد که در تجارت خارجه عموماً استعمال می شود .

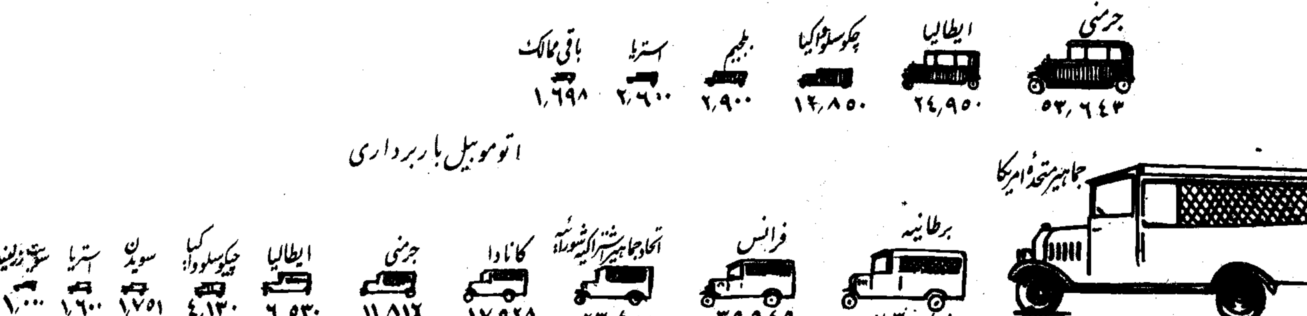



احصائیهٔ گوسفند ممالک عالم
آسترلیا
۱۰۶,۳۸۰,۰۰۰
اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه
۸۹,۸۶۰,۰۰۰
جماهیر متحدهٔ امریکا
۵۱,۹۱۰,۰۰۰
ارجنتائن
۴۴,۴۱۰,۰۰۰
اتحاد افریقای جنوبی
۳۵,۸۱۰,۰۰۰
جزائر برطانیا
۲۸,۱۸۰,۰۰۰
نیوزیلاند
۲۴,۱۸۰,۰۰۰
هند
۲۲,۰۹۳,۰۰۰
یوروگوی
۲۰,۵۶۰,۰۰۰
رومانیا
۱۱,۹۲۰,۰۰۰
باقی ممالک
۱۶۰,۷۶۰,۰۰۰
ایطالیا
۹,۹۰۰,۰۰۰
افغانستان
۴,۹۸۰,۰۰۰

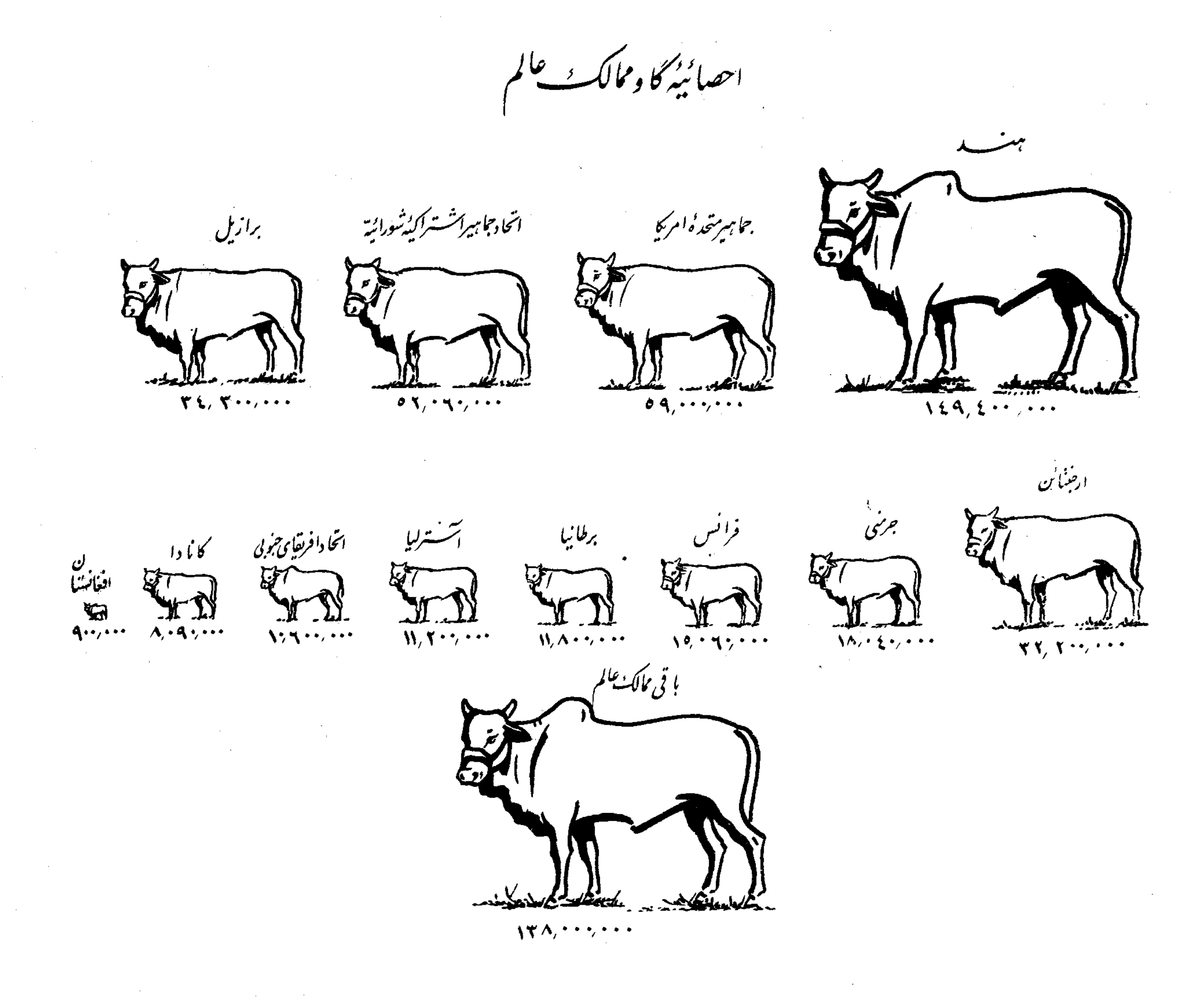
احصائیهٔ اتوموبیل سازی سالانهٔ ممالک عالم







احصائیهٔ گاو ممالک عالم

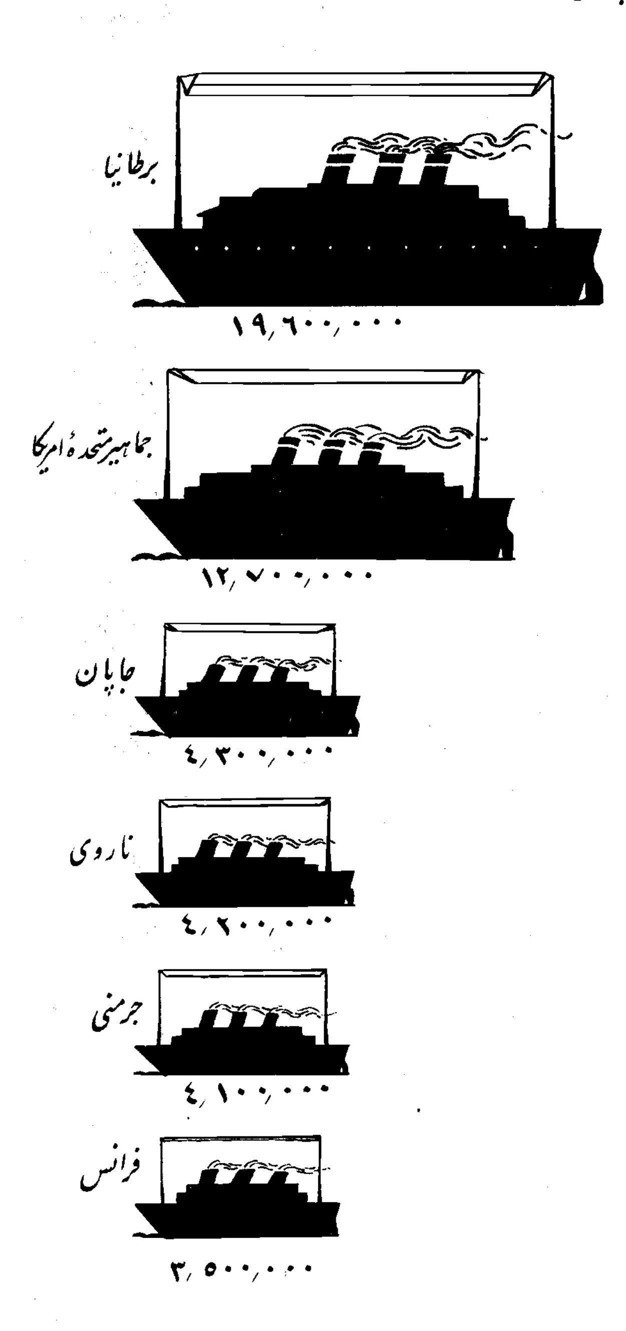


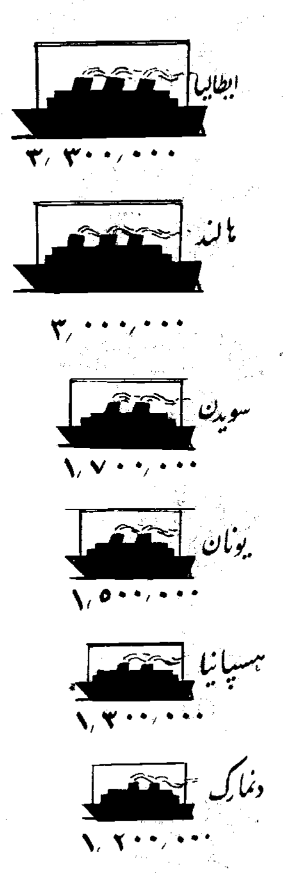
فابریک های نختابی ممالک عالم

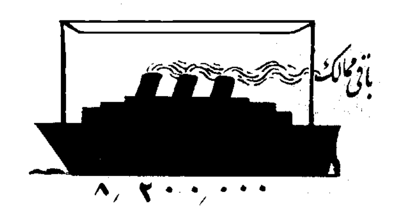
بحساب مشله

برطانیا	٥١,٩٠٨٠,٠٠٠	مشله
جماهیر متحده امریکا	٣١,٧٠٩,٠٠٠	〃
جرمنی	١٠,٢٣٣,٠٠٠	〃
فرانس	١٠,١٤٤,٠٠٠	〃
جاپان	٧,٧٩٨,٠٠٠	〃
هند	٢,٣١٢,٠٠٠	〃
افغانستان در شرف تأسیس است		
باقی ممالک عالم	٣٩,٩١٢,٠٠٠	〃

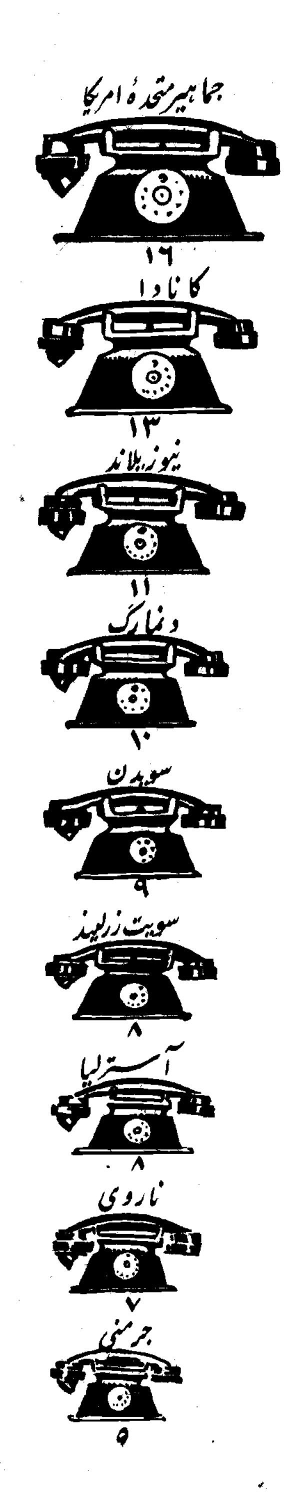
جهازات تجارتی ممالک عالم
بحساب تن







دستگاه تیلفون ممالک عالم
بحساب فی صد نفر





زهریات و جلوگیری از تأثیر آنها

برای جلوگیری از تاثیرات جانسوز سمیات وعواقب و خیمهٔ آن ، از همه بهتر اول آنست که مراجعت به داکتر کرده شود ، درصورت عدم دسترس بداکتر لازم است که مطابق هدایات ذیل در پرستاری مسموم کوشش بعمل بیاید .

اطلاعات راجع به مسمومین : عموماً اوضاع مسمومین از دوحال خالی نبوده دیده شود که آیا بشخص مسموم اغما و بیهوشی طاری شده ، یا اینکه بحالت اصلی خود کماکان بهوش است . درصورت دومی مراعات وتعمیل هدایات ذیل ضروری است :

۱ - از همه پیشتر برای مسموم اشیائی خورانده شود که زهر بواسطهٔ تحلیل بر آن با قلیت مانده در تاثیرات آن تخفیفی بعمل آید .

۲ - مسموم را باستفراق و بهق آوردن .

۳ - درصورت ممکن اشیائی به مسموم خورانده شود که در معده از تحلیل سم در آن چنان کیمیاوی یك ترکیبی بوجود آید ، که از قطعی حل شدن سم در معده جلوگیری نماید .

ولی خوشبختانه بیکصورت هر دومقصد اول را چنین حاصل میتوان کرد که اول مسموم را بمقدار زیادی آب شیرگرم اگر ممکن باشد با صابون یا نمك آمیخته خورانده شود ، و در صورت عدم دسترس باشیاء مذکور تنها آب شیر گرم نیز کافی است ، چه از اثردر کامیابی بطور کافی خوردن آب شیر گرم بوده ، وطریق استعمال آن چنین است : اولاً باید ۳و٤ گیلاس (متوسط) از آب شیر گرم بمسموم خورانده ، به انتظار استفراق آن بود تا قی نماید . و اگر در ۳،٤ گیلاس استفراق وقی نیاید ، ضرور است که تا قی نمودن مسموم به خوراندن آب شیرگرم دوام داد چه آب شیرگرم خود نیز مقی بوده ، هر قدریکه خورانده شود بهمان انداز.ه در قی کردن تسهیلات پیش میکند . وبرعلاوه بواسطهٔ فروبردن (پر) درگلو نیز میتوان تولید استفراق (قی) نمود

معلومات خصوصی راجع بسمیات معروف

۱: آرسنیك :

(سن کیا یا سم الفار) بطور خالص وبدون ترکیب چیزی می باشد، یا اینکه بصورت غیر مستقیم درزهر موش (عبارت از ادویه‌ای است که برای کشتن موش بکار میبرند) در زهر ملخ (ادویهٔ که برای کشتن ملخ استعمال میشود) و در رنگ های سبز وجود دارد .

علامات : علاماتیکه از خوردن آرسنیك درمسموم ظاهر میشود عبارت است از درد معده به طور شدید ، استفراق ، اسهال ، شکم دردی ، تشنج در پاها ، خشکی گلو ، عرق سرد و بالاخره اضطراب فوق العاده .

صورت علاج : نخستین معالجهٔ آن بکثرت و بمقدار زیاد قی دادن است ، تا معده کامل شسته و پاك شود ، و بعد از آن کسترایل (روغن بید انجیر) بمقدار کافی برای مسموم داده شود تابواسطهٔ آن مقداریکه از سم مذکور در معده تحلیل یافته است دفع شود .

و بعلاوه عندالزوم مسموم را گرم نگاهداشته برایش قهوه بدهند .

۲: کار بالك ایسد:

علامات عبارت اززهرسوزندهایست که اکثر به درلب، روی ، دهن ، گلوکه بواسطهٔ آن مسموم شده باشد (آبله‌ها ظاهر شده) استفراق مینماید . ولی اگر مسموم قسمت زیادی ازآن را خورده باشد بدیهی است که بیهوش ودر حالت اغما نیزمی افتد

معالجه : فوراً باید معدهٔ مسموم را شسته و پاك نموده برای آن مایعات مسکن از قبیل شیر و تخم خام باشیر بتکرار داده شود، و بعلاوه خوراندن اشیای دافع ضعف نیز برای مسموم و بصورت فوری ضروری است .

۳ ـ بخار ذغال :

(هوائی شدن از غبار و عفونت ذغال) که اکثریه از غازمو تر و وجود منقل ، و بخاری ناقص برای اشخاص پیدا می‌شود علامات آن بصورت مختلف بوده ، متعلق بشدت تاثیر آن است که نمی توان آن را محدود کرد . و فقط در آخرین مرحلهٔ حیات ، رنگ گوش ، ناخن ، لب سرخ گردیده ، نفس منقطع میشود .

صورت معالجه : اول : باید مسموم را از اطاقیکه در آنجا مسموم شده است خارج کرده در موضعیکه دارای هوای پاك و صاف است برده شود .

دوم : در صورت انقطاع و بندشدن نفس دادن تنفس مصنوعی از واجبات است .

سوم : باید مسموم را بوضعیت افقی (بمثل مرده) روی تخت خواب یا زمین هموار خواب داده (کرم) و بحالت سکون باستراحت نگهداشته حتی الوسع از حرکت آن جلوگیری نمایند . و ازشور و قال مقال کردن در اطاق مریض نیز اجتناب کرده و بعد از بهوش آمدن مریض را چندروز استراحت داده شود .

٤ ـ ایودین :

(یود) از آنجائیکه درین ایام استعمال تنکچرایودین بکثرت تداول دارد از اتفاقات گاگاهی چنین نیز میشود که بعضی اشخاص آن را سهواً خورده مسموم میشوند .

معالجه : اولاً باید مسموم را به استفراق آورده ، بعد از قی باید که قدری نشایسته ، یا آرد ترمیده و یا آرد خالص را با آب آمیخته به او بخورانند .

سرب :

سفیدهٔ قاشقاری ، و روغن هایکه از سفیدهٔ قاشقاری ترکیب یافته باشد و محلول سرب درسکه همه زهر هستند .

علامات : خشکی گلوه ، تشنه گی زیاد و تولید ذائقهٔ فلزی در دهان، قولنج ، تشنج در پا ، آوردن عرق سرد و گاه گاهی فالج پا بمسموم آن عارض می شود .

معالجه : اولاً معده را خالی کرده بقدر ۲ مثقال سودیم سلفید (ملح ایسم) در آب حل کرده داده شود . و اگر ضرورت افتد اشیای مقوی خورانیده شود .

سیماب :

رسکه پور (نسکه پور) دارچکنه ، کلومل ، وغیره مرکبات سیماب همه زهر اند .

علامات : دهان و لب وزبان سفید می‌گردد ، ذائقهٔ فلزی در دهن پیدا می‌شود ، گاهی دهان متورم میگردد ، درد شدید در شکم ، قی خون بلغم آلود ، و پیچ خونی مستولی می شود ، ضعف شدید و تشنج در تمام جسم رخ میدهد و علاوتاً جسم چسپوك و سرد می شود .

معالجه : اولاً ۳ ، ٤ ، ٥ مرتبه قی آورده شود ، و بعد از آن سفیدی تخم خام و یا تخم خام و یا مخلوط تخم و شیر خام ، برایش خورانده شود .

سلورنای ترت (نقره) :

علامات : درد دهان و معده مستولی و لب و دهن اولاً سفید و بعد ها سیاه میگردد ، همچنان قی سفید می آید ، لاکن باندك زمان رنگش سیاه میشود . بهترین علاجش قی آوردن بواسطهٔ آب نمك است ، بعد ازان شیر و یا مخلوط شیر و تخم باید خورانده شود و اگر ضرورت حس شود اشیای مقوی نیزداده شود .

تریاك افیون :

غیر از خود تریاك لادنم مارفیه کودائن ، هی روئین ، پاری گورك و بعضی ادویهٔ سرفه وامساك ، از محصولات ومرکبات همین زهر (تریاك) میباشد .

علامات : غنودگی که بالاخره به بی هوشی مبدل می شود اول پرش نبض قوی بوده وبعد از آن آهسته آهسته خفیف میشود تنفس درابتدا قوی ولی دیرترمیباشد لحظه به لحظه سست شده میرود . مردمك چشم خورد میشود، چهره اولا سرخ وبعدها ارغوانی و بالاخره برنگ جگری مبدل می شود .

معالجــه : چونکه اشیای قی آور به مشکل تاثیر میکند بنابران مقدار زیاد نمك آب شیرگرم متواتر خورانده شود تاکه قی بیاید بهترین علاج خورانیدن قهوهٔ شیرگرم تیره ونمکین میباشد .

اگر قهوه محیا نشود چای معمولی تیره و نمکی داده شود وعلاوتاً شخص خورنده را باواز بلند صدازده و نگذارندکه بخواب رود ولی اگر بخواهیدکه اورا بیدار نموده و بذریعهٔ راه رفتن وگردش وغیره ازخواب برهانید مفید نبوده وبلکه مرضش بدتر شده می رود .

فاسفورس :

یك جزوی گولیهای موش کش و ادویهٔ دفع کیك مصالح گوگرد است .

عـلامـات : درد شدید در معده، خون بینی ، پیچ خونی ، تشنج تمام اعضا

معـالجـه : بعدازقی دادن ۳ مثقال سودیم سلفید (ملح اپسم) ویامگنیشن ادویهٔ مقوی وشیر خورانده شود ، ولی از روغن واشیای چرب پرهیزداده شود .

غذاهائیکه ازباعث دیر ماندن مسموم شده باشد :

اکثراغذیه خصوصاً ماهی وگوشت مرغ وکچالوبعدازمرورزمان غیرقابل خوردن ومسموم میگردد .

عـلامـات : قی ، شکم روی اسهال آب مانند که گاهی به خون هم اغشته میباشد ، نبض اولاً قوی بوده وبعد از آن کاملاً ضعیف میشود . لعاب دهن وعرق بدن خود بخود جاری میشود .

معـالجـه : بعد از دادن قی کسترائل ویا (ملح اپسم) بطورجلاب داده شود اگر ضعف مستولی شود قهوه گرم بغرض تقویت خورانده شود .

سمارق :

بعضی انواع سمارق سمیت دارد، علامات ومعالجهٔ آن عیناً مثل سمیت ماکولا تیکه خراب شده است میباشد .

کچله و جوهر آن :

کچله ومرکبات وجوهر آن . (سترك نین) برای معالجه ضعف اعصاب بطورادویه استعمال میشود . ونیز برای کشتن سگها وحیوانات مضره بکاربرده میشودگاه گاه اطفال خورد سال آن را به غلط میخورد .

علامات : اولاً دردست ویا رعشه وبعداز آن تشنج واقع میشود وبالاخره به تمام عضلات جسم تاثیر مینماید ، کمرخم میشود ، دهن بسته میگردد ، وتنفس به سختی میشود ، وچهره جگری بلکه سیاه میشود .

معالجه : اولاً قی زیاد مکرر آورده شود ، ذغال سفوف و میده برایش خورانده شود واز اشیای مقوی پرهیز داده شود .

وی رونال لومی نال وغیره :

این ادویه برای زیادت خواب استعمال میشود ، واگر از اندازه بیشتر خورده شود خواب نهایت سنگین گردیده بلکه شخص را می کشد .

معالجه : آن مثل معالجهٔ تریاك خورنده است .

تیزاب ها :

جوهر سرکه ، تیزاب شوره ، تیزاب نمك ، تیزاب گوگرد ، تیزاب الگ زلك وغیره تیزاب هازهرهستند .

علامات : درد سوزنده ، درد وسوزش شدید در دهن وگلو ومعده . تیزاب درجاهائیکه برسد آن را می سوزاند ، حلق متورم شده باعث ضیق نفس میگردد ، قی واسهال نیز واقع وضعف نیز بدرجه شدید عارض میشود . درچنین حال محلول صابون برای قی آوردن بهتر است ، اگر صابون میسر نشود محلول پلی واگر آنهم دستگیری نکند آب صاف کفایت میکند . بعد از قی کردن شیر ، تخم ، روغن زرد ، روغن بادام ، ویا مخلوط اینهارا به غرض تسکین باید خورانید .

برای تقویت قلب (ارومیتك آمونیا) چند قطره که دریك پیاله انداخته ونوشانده شود مفید است .

اشیای سوزش آور :

ازقبیل آب آمونیا (جوهر نوشادر) چونه ، سودا کاستك ، کاستك پتاس .

علامات : علامات مزبور مثل علامات تیز آب ها میباشد .

علاج : قی ولی برای محلول ، پلی استعمال نباید کرد ، بعد ازاینکه معده پاك شود شیر ، سفیدی تخم ، وشیر مخلوط باروغن زرد ، ویاروغن بادام بغرض تسکین درد وتقویت گرم گرم خورانده شود .

بهترین معلومات صحی

ملاریا یا تب لرزه :

از مهمترین امراضی که قریباً درصدی هشتاد در افراد این مملکت شیوع دارد ملاریا یاتب لرزه میباشد وهر چندی این مرض آنقدر مهلك وکشنده نیست ولی خون انسان که عموماً ازهر مرضی مدافعه میکند بقدری ضعیف میسازد که جسم را برای قبول وابتلای امراض مهلکی مثل سینه وبغل ، محرقه ، وبا ، پیچش ، سل وغیره مستعد وآماده ساخته ودرنتیجه بهلاك ومرگ میرساند ، وی توانیم بگوئیم که اکثر اشخاصیکه بامراض فوق می میرند علت اصلی وشروع آن ازمرض ملاریا بوده است ، چه وقتیکه میکروب ملاریا بخون داخل شد قوای مدافعهٔ که در خون بمقابل بروز امراض موجود است ضعیف وکمزور شده وجسم از مقابله ومدافعهٔ این امراض عاجز میآید .

ملاریا ازچه پیدامی شود : چون درگذشته علت بروز این امراض را هوای خراب دانسته و گمان میکردند خرابی هوا موجد این مرض می شود ازین رو مرض را نیز بهمین نام ملیریا موسوم ساختند (ملی یعنی خراب وریا هوای خراب)

ولی درآخرها پس از کشف و تدقیق اطباء معلوم شد که علت بروز این مرض نیز مانند اغلب امراض دیگر، جراثیم مخصوصی است که سرایت آن ازیك مریض بمریض دیگر بواسطهٔ پشه ها حاصل شده و رأساً از یك شخص بدیگری نقل نمی شود. یعنی وقتیکه پشه مریض ملاریائی را گزیده و خون مریض را مکید، جراثیم ملاریا که درخون مریض امتزاج داشته میباشد همراه خون در جسم پشه داخل می شود و هنگامی که پشه آدم تندرست دیگری را گزید جراثیم مرض بواسطهٔ نیش پشه داخل جسم و خون آنشخص شده وملیریا پیدا می کند، وبهمین ترتیب مرض بوسیلهٔ پشه ازیکی بدیگری سرایت کرده و انتشار حاصل میکند و از همین باعث است که درموقع بهار که پشه ها زیاد می باشندمرض ملیریا شدت و کثرت پیدا کرده و در موسم زمستان که پشه موجود نیست مرض مذکور بندرت مشاهده میشود

میکروب ملاریا وقتیکه داخل جسم انسان شد، درذرات سرخ خون که بوسیلهٔ آن جسم نشو و نما و قوت حاصل میکند امتزاج حاصل کرده و بمجرد دخول از میکروب درکرات سرخ خون لرزه وتب پیدا میشود وازهمین باعث عوام این مرض راتب لرزه مینامند، میکروب های ملاریا وقتیکه داخل خون شد همان ذرات سرخ خون را که باسطلاح طبی (گلبول) مینامند خورده وبدادن چوچه شروع کرده وباین وسیله میکروبها، خیلی کثرت پیدا میکنند کرات سرخ خون وقتیکه خورده شدند جراثیم ملاریا هرکدام جدا جدا تجزیه شده بکرات دیگر خون حمله بردهو بخوردن آن شروع میکنند ودرموقع داخل شدن این جراثیم درذرات سرخ خون دوباره لرزه وتب پیداشده وبهمین ترتیب مرض دور کرده میرود ودرهر دوری ذرات سرخ خون خورده شده ومیکروبهای ملاریا بوسیلهٔ چوچه دادن زیاد شده میروند. میکروبهای ملاریا بسه قسم تقسیم میشوند، یك قسمی در (۲٤) ساعت چوچه پیدا کرده ودور لرزه وتب هم هرروز حاصل میشود، قسم دوم در چهل وهشت ساعت چوچه پیدا کرده و دراین قسمت لرزه وتب یك روز درمیان حاصل میشود قسم سوم درهفتادو دوساعت چوچه پیدا کرده ودورهٔ تب دراین قسمت دوروز بعد بروز میکند که هرسه رقم تب را هرشخصی مشاهده کرده خواهد بود.

بواسطهٔ خورده شدن ذرات سرخ خون، مریض رنگ زرد وضعیف شده وچون وظیفهٔ ذرات سرخ خون رساندن غذا بتمام حصهٔ جسم است، قلت این ذرات درهر حصهٔ بدن کمزوری وضعف تولید نموده وقوهٔ مقابله جسم درمقابل هرمرضی کم میشود، وقتیکه درحصص مختلف جسم ضعف وکمزوری حاصل شد البته استعداد قبول امراض درآن خیلی زیاد شده وفرض کنیم نشوونمای شش کم باشد ودرین موقع میکروب سل بات برسد معلوم است که مرض سل باسانی تولید میشود، همچنان اگرمعده وروده بکندی نشوونماید، در صورت رسیدن میکروبهای پیچش ومحرقه، وبا، باسانی جسم درمعرض حملهٔ این امراض واقع میشود وعکس آن هرگاه نشوونمای این اعضا بوسیلهٔ ذرات سرخ خون بصورت صحیح ومنظم باشد، امراض مذکوره درمقابل مدافعهٔ این اعضا مغلوب شده والبداً مرض پیدا نمیشود واگر مرض تولید هم شد باسانی رفع آن ممکن است پس معلوم شد که کم شدن ذرات سرخ خون جسم را برای قبول هرمرض مستعد ساخته ودرنتیجه بواسطهٔ این امراض دچار هلاکت میشود.

حالامیتوانیم اهمیت وخطرناکی این مرض را از روی تشریحاتیکه دادیم بفهمیم که اجتناب ازین مرض چقدر لازم وضروریست

حفظ ماتقدم مرض ملاریا : برای نجات ومبتلا نشدن افراد یك مملکت از مرض خطرناك ملاریا اجتناب از چهار چیز لازم است :

۱ ـ پیدائش پشه راکم کردن : تااینها میکروبهای ملیریارا باشخاص تندرست رسانیده نتوانسته وملیریا انتشار پیدا نکند :

۲ ـ خود را از گزیدن پشه محافظت نمودن، تاهیچ احتمال داخل شدن میکروبهای ملاریا درخون پیدا نشود

۳ ـ هرگاه ازگزیدن پشه هاناگزیر باشد دربهار استعمال کردن کنین تا اگرجراثیم ملاریا بواسطهٔ پشه درخون داخل هم شوند بذریعهٔ کنین بسهولت هلاك ونابود گردند.

٤ ـ درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بواسطهٔ کنین یلاز موکین ، ارسنگ ، فولاد وغیره ، تااولاً این مریضها صحتمند شده از امراض مختلفهٔ که در نتیجهٔ کمزوری جسم وملاریا پیدا میشوندنجات یافته و ثانیاً میکروب ملاریا در خون باقی نمانده از یك موسم بدیگری بواسطه پیدا شدن پشه موجب انتشار مرض ملیریا نگردند .

برای اینکه چار اصل فوق راخوب تر ذهن نشین قارئین نمائیم هرماده را ذیلاً مشروح تر بیان میدهیم .

۱ ـ پیدائش پشه راکم کردن چون ظهور و پیدائش پشه در آب های دند و مرداب ها می شود لازم است که بلدیه هرقدر خندقها وچقوریها یکه در گرد و نواح شهر باشد پر ومسدود نماید : تا آب باران یا برف درخندقهای مذکور جمع نشده وموجب تولید پشه نگردد وهم در کوچه سرشتهٔ آب روها بدرستی کرده شود تا آبیکه بعد از استعمال از هرخانه بیرون می شود داخل آبرو گردیده وبخارج شهر برود وهرگاه داخل آبادیها وگرد ونواح شهر کدام آب ایستاده یا خندق باشد وچارهٔ بیرون کردن آب یا پرکردن خندق ممکن نباشد ، باید بلدیه درموسم بهار هر هفته تیل خاك یا کرود آیل (تیل سیاه) که از ذغال ساخته می شود بالای این طور آبهای دند بیندازد ، تا چوچه های پشه که درینگونه آبها پرورش میبابند بواسطهٔ نرسیدن هوای تازه هلاك شوند . وهمچنانکه بلدیه وظیفهٔ مراقبت ورسیدگی بتمام اوضاع بلدی دارد همچنان کم کردن و نابود ساختن پشه ودیگر چیزها یکه عامل بروز امراض ساریه میگردد از وظائف مهم بلدیه است و برای این کارها فقط یك دکتور متخصص بلدیه لازم است که نقائص صحی را در شهر فهمیده واز روی اصول وفن داکتری برفع ودفع آن به پردازد .

۲ ـ در صورت وجود پشه که انسان به هیچ وسیلهٔ دفع آنرا نتواند اجتناب ومحافظت از شرگزندگان لازم وضروریست وچون غالباً پشه های ملاریا در موقع شب انسانرا می گزد بدواً لازم است که در خانه ها مائع (فلت) پاش داده شود تا باین وسیله پشه ها بمیرند وهرکس درزیر پشه خانه بخوابد (در پشه خانه باید پشه ها قطعاً داخل شده نتوانند) یك صورت دیگر هم ممکن است که خود را از شرگزند پشه محافظت نموده وآن اینست که درموقع خوابیدن روی ودستها وپایها بروغن یوکلیپتوس یا روغن نعناع چرب کرده شود ودرین حالت پشه گزیده نمیتواند .

ولی درزیر پشه خانه خوابیدن در موسم بهار برای محافظت از شر پشه بهترین چارهٔ میباشد .

۳ ـ اگر ازگزیدن پشه قطعاً اجتناب نمودن ممکن نباشد باید در بهار هر شخص استعمال کنین را که بهترین کشندهٔ میکروب های ملاریا است عادت داشته باشد و برای حفظ ماتقدم از ملاریا بواسطهٔ کنین ، خوردن یا نزده یا نزده ، گرین کنین دو روز در هر هفته کفایت میکند (برای اطفال بتقاضای سن شان داده می شود) یعنی اگر بواسطهٔ پشه جراثیم ملاریا درخونهم داخل شوند این مقدار کنین برای کشتن آن ومحافظت جسم از ملاریا کفایت میکند .

٤ ـ درست معالجه کردن مریضهای ملاریائی بذریعهٔ کنین ، آرسنگ وفولاد نهایت ضروریست . چه درین معالجه دوفایدهٔ مهم مضمر است . اولاً تا موقعیکه مریضهای ملاریا صحت کامل نشوند خون شان کمزور شده وشکار هرگونه امراض مهلکهٔ میگردند . وهم کار خود را بدرستی ایفا کرده نتوانسته ونسل نیز کمزور می شود . دوم اینکه پشه از خود جراثیم ملاریا ندارد ، فقط همین مریضهای ملاریائی است که جراثیم ملاریا درخون شان جاداشته وبدرستی معالجه شده نمی باشند بعد از هر زمستان وقتیکه پشه پیدا شد اینها را گزیده وصاحب میکروبهای ملاریائی میگردند وآنگاه پشه های مذکور اشخاص تندرست دیگر را گزیده باین وسیله مرض ملاریا سرایت و شدت وانتشار پیدا می کند . بنابران مریضا یکه به تب ملاریا مبتلا می باشند باید بدکتور مراجعه کرده وکم ازکم تا سه ماه معالجه را دوام بدهند که میکروبهای ملاریا بکلی ازخون او شان زائل شوند . خوردن کنین تاسه روز یا یك هفته ممکن است که برای قطع کردن تب ملاریا کفایت کند . ولی

برای بکلی صحت یافتن یك مریض ملاریائی اقلاً سه ماه معالجه لازم است و اکثراً دیده شده است که مریضهای ملاریائی بمعالجهٔ یك هفته، وقتیکه تب را قطع دیده اند ازمعالجه دست کشیده اند در حالیکه میکروبهای ملاریا درخون شان موجود بوده مرتباً خون شانرا کمزور ساخته میرود تا اینکه بواسطهٔ کمزوری بمرض مهلك دیگری مبتلا شده دو اسپه بطرف فنا میشتابند در خاتمه البته خوانندگان ازین شرح مبسوط اهمیت وخطرناکی این مرض را دانسته و آنرا سهل نخواهند شمرد.

ریزش

علل و وسائل محافظه از آن

شاید مرضیکه نسبتاً شیوع بسیار داشته و انسان بسیار تر بآن دچار میگردد ریزش و خنك زدگی باشد که متعاقب آن زکام وسردردی و سرفه پیش میشود شما بهرکه دچار شوید ازین مرض شکایت دارد، اما هیچکدام برای مقابله و مدافعهٔ آن مصدر عملی نمی شوند، و شاید اینهم بسببی باشد که خطر آنرا خوب سنجش نتوانسته و آنرا یك چیز بسیطی تصور مینماید، حال آنکه مرض بد عاقبت وشدیدی است.

اطباء و علما نسبت بمردم درین مورد بیشتر اهتمام بخرج داده بحث وکنج وکاوی زیادی در علل و انتشار وعواقب و وسائل علاج و محافظه از آن نموده ودر راه همین بحث و تجربیات خویش جراثیم بسیار امراضی را که از عوامل ریزش گمان میکردند تفحص نمودند که ازان جمله جراثیم آتی الذکر میباشد :-

میکروب نزلهٔ شعبی و باسیلوس انفلوانزا وباسیلوس (فریدلاندر) و جرثومهٔ دیفتری و غیره. ولی بصورت قاطع یکی ازین میکروبهائیکه زیر بحث قرارداده بودند عاملی در اصابت به ریزش ثابت نشد. علیهذا یك برهان علمی قناعت بخش درطریقه انتشار این مرض که سرایت آن چطور واقع میشود تا هنوز اقامه کرده نتوانستند، چنانچه در نتیجهٔ فحص تحلیل خانه های کیمیوی هنوز هم واضح نشده است که انتشار آن بواسطهٔ اشخاص، یا اینکه در حال معروض شدن به رطوبت و خنکی حاصل ویا خطر آن در پایان خستگی و اعمال مشقت آور زیاد میشود. چنانچه اطباء تجاربی درینباب اجرا و مادهٔ را ازشخص مبتلا بریزش درجهاز استنشاق شخص سالم نقل کرده و این تجربه را چندین دفعه اعاده نموده اند با آن به نتیجهٔ مثبتی واصل نشده ودر اکثر احوال سرایت حاصل نگردیده و شخص سالم مبتلا به ریزش نشده است. هم چنان احوال طلبهٔ یکی از مدارس را تحت تدقیق و تفحص قرار داده و فرق قابل ذکری در تکوین جسمانی وعادت طلبهٔ که طبیعتاً معروض به ریزش بوده با طلبهٔیکه ازین مرض مبرا بوده اند نیافته اند. جز اینکه اولی ها در عمرگذشته شان به ضیق تنفس و انواع تب ها معروض بوده و شاید همین علل باشد که اصابت ریزش را بایشان سهل ساخته است.

یکی از شرکتهای بزرگ بیمهٔ امریکا در یك سال کامل حالت ریزش را بین مستخدمین خویش بحث و تدقیق کرده ودر نتیجه برایش ظاهر شده است که این مستخدمین که بالغ بر (٦٧٠٠) نفر میشدند از مجموع شان (٦٢٣٣) روز از روزهای کار ضائع شده است که این روزها ماسوای روزهای است که بباعث مضاعفات این مرض وامراض دیگری که از اثر آن تولید شده است ضائع شده میباشند.

همچنان ظاهر شد که حد وسطی عدهٔ اشخاصیکه از مستخدمین شان در هزار ٤٢٫٧ بوده وحد وسطی مدت اشخاصیکه باین مرض گرفتار گردیده بودند ٢٫٢ روز و حد وسطی زمان ضائع شدهگی بالنسبهٔ مجموع مستخدمین ۹ فیصد روز از هر فردی بوده است. دربیانیهٔ که این شرکت راجع بمرض مذکور نشر کرده است ذکر یافته که :

« اصابت ریزش بین اشخاصیکه داخل خانه ها کار میکنند نسبت به شوفر های موتر های کرائی ۹ فیصد برابر و بین افراد امریکائی ٤ برابر بیشتر می باشد . » اما از نقطه نظر مالی ظاهر شده که ابتلاآت ریزش طبقهٔ کارگران امریکا را در سال اقلاً به مصرف نیم ملیون دولار مجبور و خساره مند ساخته است . ازروی این رقم ، دهشت خسارهٔ مادی که در نتیجهٔ این مرض ، گریبان گیر اشخاص می شود ظاهر میگردد ، گذشته از اینکه چه خطره های حیاتی دیگری از آن تولید می شود .

به هر حال علما با اینکه در جرثومهٔ که سبب خود زنده گی میشود اختلاف دارند اما به حقایق عدیدهٔ درین باره اتفاق دارند که اول آن انتشار عمومی آنست وشکی درآن نمی باشد . یعنی در مرها های بینی ظهور مینماید وشخصی که یك مراتبه بآن دچار شد استعداد مقابلهٔ آنرا برای یك مدت کمی که بین ٤ و ۸ هفته میباشد درخود پیدا میکند .

بهمه حال اگرچه علت مبتلا شدن به ریزش تاهنوز صحیح ، معلوم وکشف نشده است اما درین شکی نیست که جسم را برای مقاومت بسیاری از امراض مختلفه ضعیف میگردانند . واین هم ثابت گردیده است که قریباً درصدی پنجاه ، این مرض ، مبادی امراض خطرناکیست که انسانرا عاجز ودرمانده میسازد . وهمچنان درصدی بیشتر از هفتاد التهابات رئوی وبسیاری امراض نزله های شعبی ومرض (آسما) ازین مرض تولید میبابد . تب روما تیزم (وجع مفاصل) والتهاب اغشیهٔ مفاصل وقلب ودماغ وغیره نیز از باعث همین مرض بانسان دچار میشود که شاید عواطف این امراض تلف گرده ها یامرض قلب باشد .

از عوامل مهم این مرض وراثت وهوا ووسائل تهویه است چنانچه ملاحظه شده اقطار شمالی که خنك زیاد دارد اهالی آن عادتاً باین مرض مبتلا نمیشوند اما اگر با اهالی شهرهای جنوبی امیزش پیدا کنند خیلی قابل قبول این مرض میباشند .

علاج این مرض طوریکه اطباء تجربه کرده اند انواع مختلفهٔ داشته وموفقیت های متفاوتی از آنها حاصل شده است ، اما دوای شافی که نفع آن تماماً تجزیه شده باشد تاحال بدست نیامده .

ادویهٔ که تا امروز برای معالجهٔ ریزش به کار برده می شود (ارجیرول ، ایودین ، مرکرم ، وکروم ، اورنالین ، افورین ، واتروپین وکافور) وغیره است که این دواها درقوت وتاثیر خود ها بالای مریض اختلافات وتاثیرات متباینی داشته وهیچکس نمیتواندان ها را بدون فرمودهٔ دکتور استعمال نماید .

هم چنان استنشاق غاز کلورین نیز تجربه شده وفقط برای وقایه ازین مرض قریب پنجاه در صد تطعیم آن فایده می بخشد .

یکی از اطباء امریکا درمجلهٔ طبیهٔ آنجا نوشته ومیگوید که پاش دادن محلول (بیکلورید زئبق) دربینی وحلق تجربه کرده شود در صورتی که این علاج فایده این محلول را باید در لایه های استخوان روی تزریق نمود . دکتور مذکور موفقیت این عقیده را اطمینان داده وتاکید کرده میگوید که ممکن است این طریقه را بالای خورد ها وکلانها تجربه کرد .

چیز هایکه انسانرا به تعویض ریزش بیشتر معروض مینماید : اضطرابات محلی که دربینی وحلق پیدامیشود وهمچنان التهاب لوز تین وغدود وزیادت نموی انساج ست پش در جمیع احوال باید از طبیب استشاره نمود چراکه اگر التهاب لوزتین زائل هم شود باآن هم انسان معروض به ریزش میباشد زیرا این مرضی است که در تمام مساکن وکارخانجات ودفاتر عمومیت داشته ومیکروب آن به نسبت همه چیز بانسان نزدیك تر است .

یك شخصی اگر مبتلای ریزش وخنك زده گی شد ضروراست که خود را از مردمان کناره کرده خود ودیگرانرا از سرایت آن باین وسیله محفوظ بدارد والا درغیر اینصورت یعنی مثلیکه در عصر حاضر است وبای عام خواهد شد .

بهترین وسیلهٔ محافظه ازخنك زده‌گی اینست که انسان دارای جسم قوی و توانا باشد ، چنانچه درین باره از روی بحث و تجربه معلوم شده است که صاحب یك جسم قوی بقدریکه یك جسم ضعیف معروض سرما خورده‌گی میباشد نیست . اما چیزیکه دراینجا موجب تاسف میشود اینست ، معیشتی که امروزه مردمان دارند به منع این تعرض کمك نمی نماید .

زیرا افراط در گرم‌کردن اطاق های ارباب‌جاه وغنا ، کثرت اغذیهٔ چربی دار ، سعی و مجاهدت زیاد اعصاب و جسم در کار ، و باتمام این ها قلت خواب ، عموماً از قوت مقاومت جسم در مقابل امراض و مخصوصاً مرض ریزش که جراثیم آن در هر جائی انتشار دارد می کاهد .

وقتیکه انسان به مقولهٔ « وقایه بهتر از علاج است » قایل شد البته بوسایل وقایه از سرما خوردگی که ذیلاً بیان میگردد متشبث خواهد گردید : نظافت ، اغذیهٔ صحی ، آب نظیف و ستره هوای آزاد ،

این چیز ها خیلی بهتر است ازاستعمال ادویه جات و انواع تداوی ها که بعد از مبتلا شدن خنك زده‌گی به عمل می آید .

انسان درموقعیکه ظواهر ریزش دروی بروز نمود باید فوراً احتیاجات لازمه را گرفته وبدواً به بینی که مبدأ مرض شمرده می‌شود اعتنا وآنرا همیشه نظیف و پاك نگهدارد مخصوصاً مرهای بینی‌که تاثیر بزرگی درصحت اشخاص دارد ، ومعروف استکه این مر ها برای تنظیم حرارت جسم جلد ، حرارت‌افراز میکند . وهمچنان بینی نیز رطوبت را برای دورکردن مخلفات واینکه سطح جسم از شدت خشکی محفوظ باشد فراز نمی نماید .

اماکمتر اشخاص باین علم دارند که در صدی بیست . این حرارت ، وقسمت اعظم این رطوبتی‌که ازجسم خارج می شود ، (قبل ازاین که این هوا را ریه های رقیق و لطیف استنشاق نمایند) از راه اغشیهٔ بینی برای گرم ساختن و رطوبت دادن هوای که تنفس می نمائیم خارج میشود . دراینجا است که دیده می شود وظیفهٔ اساسی بینی طوریکه عادتاً مردم گمان دارند تنها استشمام نیست بلکه بینی و دهان و هنجره پرده های خوبی است که بین جسم و امراض کثیره حایل واقع میشوند .

علی‌العموم کثرت نوشیدن آب درهر وقتیکه ضرورتی بدان حس کند ، مفید است .

اما برای کثرت صرف غذا توصیه نمی‌شود زیرا مردمان عادتاً بیشتر از اندازهٔ که احتیاج دارند غذا می خورند . مگر اهمیت دراینجاست که انسان چنان غذای صحیٌ را استعمال نماید تا اورا بالای امراض مخصوصاً مرض ریزش غالب وقوی بسازد . علیهذا برای جسم اسپورت وورزش‌که نشاط عضلات جسم رابیشتر کرده وبه قوت آن میافزاید ضروری میباشد ، وبهتر استکه این تمرینات بدنی درهوای آزاد اجرا شود .

مهمتر ازتمام اینها اینستکه جسم بهمان اندازه راحتی‌که احتیاج دارد برخوردار گردد . وبایست هرشخصی ثلث روز خویش رادرمقابل ثلث دیگری که مصروف سعی وعمل می شود بخوابد ، اما ثلث سوم لازم استکه براحت گذشتانده شود درحالیکه غذا و ریاضت بدنی هم شامل آن میباشد .

هرگاه تمام این قواعدیکه فوقاً ذکریافت متابعت شده و ضمناً انسان از رطوبت پایها حذر نماید و در مقابل جریان هوا نیز ایستاده نشده از سرایت مرض خود راکناره نگهدارد هیچ جای شك نیست که ازمرض ریزش وسرماخوردگی‌درامان باقی‌ماند وباین وسیله روزی برسد که ابداً وباء این مرض‌وخیم که صحت مردم راافساد کرده ازکار وبازشان بازمی دارد باقی نماند .

تعجب در اینجا است که باتمام چیز های که ذکر شد مردم خطر ریزش را اندازهٔ وتخمین نتوانسته وبآن اهمیت لازمه را نمی‌گذارند درحالیکه لازم است درراه مجادله با این مرض یك عادت وسیع ودامنه دارمثلیکه برضد سل نشر شده و فائده هم بخشید باید نشر شود .

سوء هضم و علاج آن

مرض بدهضمی در اکثر اشخاص دیده می شود مختصراً علل آن قرار ذیل است :

۱ : - جویدن بی قاعده : اکثر یه غذا را بی اینکه خوب در داخل دهان جویده و میده نمایند می بلعند ، گوئی مزه را در قرت کردن غدا می یابند نه در جویدن ، در حالیکه معلوم است ، غذا اولاً در دهن تحلیل شده و با لعاب دهن مخلوط می شود و باین وسیله غذا ملایم می شود . هکذا لعاب دهن (کاربوهائیدرت) که در غذا موجود است مثل آرد و گندم و غیره هضم مینماید پس اگر غذا خوب جویده نشود ، رطوبت دهن داخل لقمه اثر نمیکند و درینصورت به معده که رسید باعث بدهضمی می شود و از روی اینها معلوم شد که بدهضمی اصلاً مرض نمیباشد ، بلکه (مثل تب) علت آن در خود ما موجوداست . زیرا اگر دقت نمائیم خداوند بما (۳۲) دندان عطا فرموده است و باید اقلاً ۳۲ دفعه هر لقمه را بجویم تا لقمه خوب میده شده و لعاب دهن بهرذره اش داخل گردد و غذا به هضم برسد ، این بی پروائی در جویدن غذا غالباً در اشخاصیکه بخرابی دندان مبتلا می باشندو به نقص خود واقف بوده و با هستهگی غذا میخورند و خوب می جوند ، اشخاصیکه باین نوع بدهضمی دچار باشند از زبان شان فهمیده می شود زیرا زبان آنها خیلی بارداشته می باشد و بین پردهٔ سفیدی که در روی زبان است دانه های سرخ Papilla بنظر میرسد . اینگونه مریضها نزد خیلی داکتر ها علاج کرده و ادویهٔ بسیار استعمال کرده اند . اما مورث نتیجه نشده . زیرا علاج اساسی آن جویدن مطابق قانون قدرت است .

۲ : - خرابی دندان مثل کرم خوردن دندان چه درسوراخهای کرم خوردگی هزاران قسم جراثیم جمع شده و همراه لقمه یکجا داخل معده میگردد و موجب بدهضمی میشود . زیرا رطوبتی که در معده موجود است سم این جراثیم برهم و مغشوش میسازد ، درین گونه بدهضمی جویدن خراب دخالت نداشته و بلکه جراثیم که داخل دندانها می باشند در آن موثر است و علاج آن رفتن نزد دندان سازی می باشد ، چه وقتی که دندانها اصلاح شد درظرف چند روز دیده می شود که اشتها زیاد شده و وزن بدن هم بیش میگردد .

۳ : - پرخوردن : - پرخوردن باعث ورم جگر ، بدهضمی نقرس میگردد و اکثراً دیده میشود که شخصی زیاد غذا میخورد اما فربه نشده و رنگش همیشه زرد میباشد . هر چند این اشخاص بظاهر خود را مریض نمی نگرند ولی در حقیقت همیشه مریض می باشند و در نتیجهٔ بدهضمی دچار امراض شدید دیگری شده و طاقت روحانی شان کم و بالاخره در عمر شان نیز نقصان واقع می گردد .

٤ : - غذای بی وقت خوردن ، یعنی روز چار یا پنج یا شش بار خوردن یا اینکه در ۲٤ ساعت تنها یك مراتبه غذا صرف کردن ازعلل بدهضمی ست.زیرا شخصی که چندمراتبه دریکروزغذا میخورد ، یك غذا هنوز درمعده اش به تحلیل رسیده نمی باشد که غذای دیگری رسیده و عمل هضم را فاسد میسازد و مثلیکه بالای غذای پختهٔ که آب انداخته شود مزه اش بکلی از بین میرود همانطور عمل هضم نیز که تمام نشده وغذای دیگری بمعده برسد موجب سوء هضم میگردد همچنان در ۲٤ ساعت یکمراتبه غذا خوردن نیز مضر صحت است ، زیرا قدرت طبیعی که درمعده می باشد معطل مانده و رطوبت معده کم خارج می شود و چون معده خیلی به کندی کاری نماید یك غذای معمولی نیز موجب سوء هضم می گردد .

٥_کمی بعض اجزای غذا ، مثل ویتامین که موجب سوء هضم می گردد .

٦ - نوع غذا مثل سبزی بوسیده ، گوشت های نیم گندیده ، میوهای خام و غیره ، وقتیکه داخل معده تندرست شد هضم را خراب میسازد .

۷ - غذا یا آب بسیار گرم یا بسیار سرد خوردن باعث خراش یابی حسی غلاف معده شده و باین ذریعه رطوبتی که درمعده موجود است خارج نمیشود و موجب بدهضمی میگردد .

۸ :- استعمال آب بسیار ، شاید بعضی ها بگویند که آب معمولی چگونه تولید سوء هضم مینماید در صورتیکه آب در عمل سوء هضم دخالت تامه داشته آب بسیار درحرارت معده نقصان وارد مینماید .
وسپس همراه لعاب معده مخلوط شده اثراتش را زائل میسازد و معده را کلان میکند ، وبالاخره موجب بدهضمی میشود اما قبل ازصرف غذا هرگاه شوربا Protines خورده شود رطوبت معده خیلی زیاد خارج شده غذارا به هضم میرساند .

۹ - بعضی امراض مثل ملاریا ، فقرالدم (انیمیا) مرض دق ، سل ، امراض گرده ، رماتیزم ، امراض جگر ودل باعث بدهضمی میشود .

۱۰ - بدهضمی زنهای حامله ، که درنتیجه یك عقدهٔ که بمغز شان پیدا میشود ازغذای خوب نفرت پیدا کرده ودر عوض گل سرشوی ، نان باسی وغیره را می خورند .

۱۱ - بعض اغذیه ثقیل مثل نخود ، باقلاء ، تخم مرغ ، که خیلی زیاد جوش داده شده باشد ، کرم ، پیاز ، کچالو ، هرگاه بسیار خورده شود بدهضمی تولید میکند .

۱۲ - اشخاص معتاد به عملهای بد ، مثل تمباکو ، چرس ، بنگ ، تریاك شراب به بدهضمی دچار می شوند .

خوانندگان محترم البته از روی تشریحات فوق علل پیش شدن سوءٔ هضم را دریافته واز دچار شدن بآن اجتناب خواهند ورزید وهر چند علل پیش شدن سوء هضم بسیار است ولی فقط مهم ترین آنهاکه دربین عموم دیده میشود درین مقاله ذکر شده است .

خواب پس ازغذا

معمولاً پس از غذا احساس سستی وخستگی درخود می کنیم وبنظر مان می رسد که بخواب احتیاج داریم ولی باید بدانیم که این احساس حقیقتی ندارد وما خسته نیستیم بلکه فقط علامت اینست که جهاز هضم بکار افتاده وعمل خود را شروع کرده است وخستگی ما مولود خون زیادی است که از تمام اطراف بدن متوجه جهاز هضم شده است اگر درین وقت خود را تسلیم خواب کردیم جهازهضم نیز درکارخود کند خواهد شد ونمی تواند بخوبی عمل خود را انجام دهد زیرا که درموقع بیداری عمل هضم بهتر ازموقع خواب انجام می گیرد وازین جهت است که درموقع بیداری احساس می کنیم که غذای ماخوبی هضم نشده است اگرغذا خیلی سنگین باشد درموقع خواب اعضای داخلی را صدمه زده ومارا دچار کابوس می کند وخوابهای وحشتناك می بینیم بنابراین بایستی پس ازصرف غذا بقدر دوساعت بیدار ماند وورزش های مختصر از قبیل راه رفتن وحرکات سادهٔ دیگر را انجام داد وپس از آن خوابیدن مانعی ندارد - این را نیز باید درنظر داشت که ورزشهای سخت وحرکات زیاد بعد ازغذا ممکن است انسانرا دچار مخاطره سازد .

کاروتین

کاروتین - رنگ زرد زردك ومسکه وشیر وبعضی میوها وبقولات زرد ونارنجی بهترین موانع امراض جهاز تنفس میباشند ونیز درمرض پردهٔ چشم که در پیری عارض میشود مفید است وتولید خون صالح یکی ازخواص آنها وباعث زود التیام یافتن زخم ها ودانه ها می باشند .

غسل وتاثیر آن دربدن وقلب

اگرچه انسان درجولانگاه زندگانی به بسا چیزها محتاج است ولی بیشتر از همه بسلامت مزاج وبرقراری صحت خویش اشد احتیاج دارد زیرا یك انسان تادارای صحت کامل نباشد از عهدهٔ هیچکاری بدر آمده

توانسته و هیچیك از احتیاجات لازمهٔ حیاتیه را نمیتواند تکمیل نماید. پس برای هر انسان صحت فرض وبرای وقایه صحت عملی داشتن آن قوانین، یعنی همان چاره های بر اصلی که ارباب علوم وفنون با کاوش و زحمت زیاد وتجربه بدست آورده اند نهایت الزم است.

اولین شرط صحت مندی و تندرستی و جلوگیری از امراض، نظافت و طهارت است که علمای صحی نیز در اولین صحائف مولفات خود آنرا جا داده و مطالعین را بآن توصیه می نمایند. دین متین اسلام هم پیروان شریعت مطهرهٔ نبویه صلی الله وعلیه وآله وسلم را باین امر تاکید می فرماید.

چنانچه شستن دست وپا و روی، و تمیز نمودن دندانها ودهن وبینی وگوشها ودیگر منافذ وجود را که در وضوهای نمازهای پنجگانه امر ولازم دانسته است عین همین نظافت وطهارت وجلوگیری ازامراض است.

علمای حفظ الصحه هم بالعموم همین قواعد طهارت اسلامی را بحسن صورت تلقی کرده و بتامی آن تمام کتلهٔ بشریت را دعوت وتوصیه می نمایند ولی در وصایای خود نظر به تجارب و اکتشافاتی که حاصل نموده اند پارهٔ احتیاط های لازمه را علاوه می نمایند که فی الواقع اگر آن احتیاطها بمرض عمل نماید، بی شبهه مضار زیادی را در خود دارد.

اینك پارهٔ ازان وصایا را اگرچه از روی یك قسمت معلومات خیلی جزئی و محدود است ولی بی لزوم و هدر نمی باشد تحریر نموده ودر معرض افادهٔ مطالعین گذاشته میشود.

۱ ـ نظافت وطهارت: تعریف سادهٔ نظافت تمیز نمودن تمام اقسام وجود است بذریعهٔ غسل، استحمام، دلك (۱) و مراد از غسل واستحمام و دلك اولاً پاکی وصفائی بدن است تا چرك و لوثیکه در اثر عرق ازگرد وخاك هوا وملبوسات بروی جلد پیدا میشود ازوجود زائل بشود ـ دوم کشودن مسامات روی جلد که هوای صاف ازآن منافذ کوچك ازاداته داخل وجود شده بتواند.

۲ ـ دقت در آب غسل: اولین شرط در استحمام و یا غسل اینست که آب غسل بتمام معانی پاك یعنی عاری ازگرد وخاك و جراثیم باشد. اگرچه نظر به تجارب (پاستور) آبها بالعموم دارای مکروب میباشند ودر موقع غسل آن آب حتماً دردهان وبینی وگوش ودیگر روایای بدن داخل می شود لذا ضرورت است که آب تعقیم یعنی به واسطهٔ جوش دادن جراثیم آن کشته و بعدها باندازهٔ لازمه سرد ساخته وبآن غسل شود، مگر به علتیکه این امر خالی ازاشکال نیست، یعنی بهمه کس میسر شده نمیتواند، بناءً چارهٔ آسانترین راباید سراغ کرد. طوریکه کتب صحیه اطلاعات میدهد: آب چاهها و چشمه سارها به نسبتیکه از زمین بر می آیند و عبور از طبقات مختلفهٔ زمین آنرا فلتر کرده میباشد، نسبتاً احتمال کثافت وآلایش درآن کمتر است.

ازین هم سهلتر آبهای که صابون بآن زود کف میکند وسبزیجات ذریعهٔ آن در اندك جوش ملائم می شود چنانکه برای اطعمه ودیگر استعمالات بیتیه صالح میباشد هکذا برای غسل نیز عاری از شوائب است.

غسل نظر به موضوعیکه ما درآن بحث داریم ومی خواهیم مطالع را به مفاد ومضار آن آگاهی داده متوجه سازیم دوصورت دارد: غسل آب سرد وغسل آب گرم:

غسل آب سرد یك غسل بسیار ساده وسهل است امابشرطیکه آب نباید آنقدر سرد باشدکه انسان در اثنای غسل سردی زیاد حس کند و وجود رابجزاند زیرا مقصد ازغسل زدودن تلوثات بدنیه وبازنمودن مسامات جلدیه است این مطلب البته ذریعهٔ آبیکه بسیارسرد باشد عملی شده نمی تواند، چه آب بسیار سرد از یك طرف

«۱» دلك یعنی زدودن چرك بواسطهٔ کیسه یا دستمال درشت نمناك از بدن.

چرك را درمسامات قائم وموملك میسازد واز طرف دیگر تعادل حرارت بدن را برهم زده خون را بسیار تحریك و مخصوصاً بطرف غشای مخاطی بینی سوق نموده وغشای مخاطی را متورم و رویهمرفته باعث تولید سرفه و سینه دردو سر دردی و کوفتگی اعضاء یعنی موجب مرض انفلوآنزا میشود. وهم نظر به تجارب دکتور (رود ولف) ودکتور (بهك) این غسل دردل نیز اجرای تاثیر منیماید. دکتوران مذکور مینو یسندکه غسل آب سردحجم دل راخیلی بزرگ وحرکت نبض راخیلی بطی و رنگ جلدرانیز تغیر داده چهره را نهایت زرد و زار میسازد.

معالاسف بسیاری از اهالی را می‌بینیم که درمواسم تیر ماه و زمستان خواه از مجبوریت یا از عدم اطلاع ومعلوم حفظ الصحه درکناردریا وجوی وکاریز وغیره بآب نهایت سرد وآنهم درهوای آزاد وخنك غسل میکنند، حتی بسیار دیده شده که در وسط زمستان یخ راشکستانده و بین آن غسل کرده اند. حال آنکه این عمل طوریکه درفوق تذکارگردید چقدر مضرات را عامل میشود. با خصوص برای کسانیکه مرض عصبی و روماتیزم دارند، قوانین صحیه دستور میدهد که آب غسل میبایستی دارای ۱۵ الی ۳۰ درجه حرارت باشد ومدت غسل نیز از ده دقیقه بیشتر طول نکشد، چه جای انیکه دارای چندین درجه برودت بوده وبان دریك مدت درازغسل شود، اما اگربفورمول که حفظ الصحه میفرماید عمل بشود گذشته ازانیکه تمام آن مضار سلف الذکر را جلوگیری مینماید یك قسمت منافع را نیز بوجود عائد میکند، مثلاً دوران خون را شدت و افعال عصبیه را انتظام واوعیهٔ جلد را تقلص وخون را دراعضای داخلیه دفع و سوق نموده بوجود یکنوع حرارت پیش مینماید، چنانچه درین اثنا چون یکمقدارزیاد خون به اوعیهٔ جلد رجوع میکند ضربان دل وحرکات تنفس را هم کمی سرعت میدهد. واین غسل برای اشخاص کم قوه وهم کسانیکه اسپورت می نمایند نهایت مفید میباشد.

غسل آب گرم: غسل آب گرم بهترین غسلها ویگانه واسطهٔ پاکی وصفائی بدن است، اما مشروط براینکه از اندازهٔ زیاده دارای حرارت نباشد یعنی طوریکه کتب حفظ الصحه تعیین نموده، از۳۵ تا۴۰ درجه بیشتر حرارت نداشته باشد، زیرا اگر حرارت آن از۴۰ درجه اضافه باشد احتقان دماغ (خون بینی) برای انسان پیش میشود و ازطرف دیگر برعکس غسل آب سرد که گفتیم حجم دل را بزرگ وسرعت تنفس را بطی می سازد درین جاغسل آب گرم حجم دل را خورد وحرکت تنفس را تسریع وخون را به نهایت شدت بطرف دل بهجوم می آورد.

بنابران توصیه میشود که بآب بسیار گرم غسل نشود ودرجات آن که در فوق تعیین گردیده حتماً مرعی و مدت استحمام هم از (۱۵) دفیقه اضافه تر طول نکشد.

ظاهر استکه معلوم نمودن درجهٔ حرارت و برودت آب؛ مقیاس الحراره بکار دارد واین آله در دست عامه نمی باشد بجز اشخاص معدودیکه فی الجمله مستعد ومتمول اند والبته برای متمولین لزوم گفتن این چیزها آنقدر مهم نیست زیرا خود شان این قدر میدانند وفهمیده میتوانند مراد ما درین جاآگاهی طبقهٔ پایانتر است و میتوانیم بایشان بگوئیم که اگر مقیاس الحراره میسر نمی شد اقلاً اینقدر هوش نمائید که آب غسل آنقدرها سرد نباشد که وجود را بجزاند وهم نه بآن اندازه جوشان باشد که بسوزاند یعنی آب را گرم و سرد کرده و بکمال اعتدال بآن غسل نماید.

یقین است کسانیکه صحت وجود خود را دوست میدارند از مطالعهٔ این سطور مستفید گردیده اوقات و درجاتی راکه علم حفظ الصحه راجع بآب غسل تعین وما آنرا درفوق تا یك اندازه متذکر شدیم به هر صورت مرعی وعملی خواهند داشت.

شیر ناجوش داده

بسیاری مردم معتقدند که شیرجوشانده خواص وغذائیت خود را از دست میدهد، یکی ازمجامع علمی امریکا در این موضوع تحقیقات طولانی وعمیقی کرده وچنین نتیجه گرفته است:

۱ ـ وزن اطفالی که بشیر جوشانیده تغذیه کرده اند سنگین تر از وزن اطفالی ست که شیر ناجوشیده خورده اند.
۲ ـ طول قامت دستهٔ اول بیش از دستهٔ دوم است.
۳ ـ اطفالیکه پدرا نشان بخوردن شیر ناجوش داده معتاد بوده اند زود تر به امراض دیفتری و مرض معده مبتلا میشوند، تاآنها که پدرا نشان شیر جوشانده میخورده اند.
بنابرین لازم است مادران شیر را جوشانده باطفال بدهند و از پیروی عقیدهٔ غلط زنانه وعامه پرهیز نمایند.

آب میوه برای اطفال شیرخوار

مطابق آخرین تجربیاتی که در باب ویتامین بعمل آمده ملاحظه شده است که رشد و نموی اطفال بواسطهٔ این ماده فوق العاده خوب می شود ویتامین مخصوصاً در میوه جات تازه زیاد یافت می شود باین لحاظ اگردرآخر ماه اول عمر اطفال بآنها آب انگور، آب پرتقال، آب سیب، آب سنتره وغیره بخورانند برشد و نموی آنها کمک کرده اند وارجح اینست که آب میوه را بادو یا سه برابر حجم آن با آب جوشیده مخلوط نموده ودر بین دو شیر خوردن یك قاشق غذا خوری بخورانند.

جلوگیری از اسهال اطفال شیرخوار

دکتوریکه دریمورد تجربیات زیادی کرده است اظهار عقیده نموده میگوید: اسهال شدید اطفال شیرخوار ازکم وزن گردیدن جسم شان معلوم می شود چه در زمان اسهال از بدن اطفال آب زیاد ضایع شده وکم وزن گردیدن اطفال نیز مربوط به ضیاع آب از وجود شان است، اگر خواسته شود که ضایع شدن آب نقصان یافته ویا بکلی قطع شود لازم می شود برای اطفال موادیکه کرات سفید بیشتر داشته باشد داده شود و برای اینمقصود اولتر ازهمه قند در خوراك شان افزودن فایده مند است، چه هر قدر قند زیاد داده شود از ضیاع گلی کوژین Glycogen (مادهٔ آبی که حال نشایسته را دارد) جلوگیری بعمل میآید، و خلاصه اینکه مواد قندی برای اعضای طفل خیلی بااهمیت بوده وتاثیر زیاد می بخشد.

درموقع قند زیاد دادن به طفل باید از خوراك معتاد او تنها چای کم کرده شود (در زمان اسهال بعضاً چای تیرهٔ سیاه میدهند) (فورمول) استعمال این طریقه در علاج یك اهمیت فوق العادهٔ دارد و علاوتاً دکتور تجربه کننده محلول ذیل را نیز استعمال کرده است:

سول رنجریك ثلث، شیرهٔ برنج، فی صد شش الی هشت قند انگور.

دکتوریکه در طی شش سال تجربیات در زمان اسهال اطفال قند در خوراك شان ضم کرده است بهیچ وجه ناراض نبوده وبلکه برعکس آن ازین تجربهٔ خویش اظهار مسرت مینماید و سایر اشخاص هم در نتیجهٔ استعمال این فورمول (طرز) نتیجهٔ درستی حاصل کرده اند.

دکتور فوق میگوید درزمان وقوع مرض اسهال اطفال باید از خوراك شیر احتیاط لازمه کرده شود وهرقدر که وضعیت اسهال مخوف باشد بهمان اندازه از خوراك شیر باید اجتناب ورزیده شود، وعوض خوراکهای با شیر آمیخته، نان دبل بریان شده وآردکچالوداده شود، بعد ازگذشتن یك مدت نسبتاً زیادی میتوان بااحتیاط تمام شیر را در خوراك علاوه کرد.

علاوه بر خوراك قند در موقع اسهال اطفال (آدری نالین) استعمال کرده و اگر استفراغ شدید تولید نمود (سول رنجر) به داخل جسم طفل رزق کرده شود.

این تداوی بعضاً برای مریضان یك حیات تازه بخشیده ودر نتیجه وزن درکمترین مدتی زیاد می گردد وبالاخره تا بحال ازین علاج یك نتیجهٔ بدی بمشاهده نرسیده است.

سرما خوردگی اطفال

بسیاری ازمادران بخیال پرورش و عادات دادن اطفال خود بزندگانی طبیعی و متاثر نشدن ازسرما و گرما ، آنانرا درسرما وهوای آزاد سرد در جریان باد های خنك میگذارند ، این فکر خطا و اساساً غلط است ، اکثر اوقات این عمل غلط که مخالف با اصول صحی است موجب ابتلاء بامراض سخت ومهلك می شود مخصوصاً امراض ریه وسینه ،

همان طورعادت دادن طفل به لباس های زیاد و پیچیدن او درقنداق و نظایر آن غلط و برای آتیهٔ طفل بسیار مضر است .

حمایهٔ اطفال ازسل

اطفالیکهازمادرهای مسلول متولد میشوند بهترین طریق محافظه وحمایهٔ ایشان آن است که از والده های شان جدا کرده آنها رادر صحرا ودر قصبات ودهات پرورش نمایند .

ازچهل سال باینطرف درفرانسه مؤسسهٔ ازطرف پروفسوردکتور گرانشیر تاسیس یافته : اطفالی را که از مادرهای مسلول بوجود می‌آیند از والده هایشان جدا کرده وآنها را دریك دهی که جامع شرایط صحی است داخل آن مؤسسه مینمایند . این مؤسسه درظرف این چهل سال خیلی خدمات بزرگی ازین جهت برای جامعه نموده است واطفال مذکور خیلی کم بمرض سل دچارشده اند مگر مسئلهٔ جدا کردن اطفال تاکنون از والده های شان حسب اختیار والده ها بوده است . باین هم خیلی ازوالده ها بمفارقت اولاد های خود راضی نمیشوند .

چون تاکنون قابل ترشح بودن سل به جنین وسرایت آن ثابت وقطعی کشف نشده است ، ازآن جهته بعضی پروفسورهای مخالف ومحتاط بنام محافظه وحمایه قطعی حیات اولاد جدا کردن طفل را از والدهٔ مسلول آن مجبوری گرفته وبرای آن قانونی وضع کرده اند . دکتوررو کسن که رئیس مؤسسهٔ گرانشیر است شدیداً باین اقدام اعتراض کرده ودعوی نموده است که انژکسیون BCG درین خصوص قیمت خود را بدرجهٔ کافی اثبات کرده واگر بعد از ولادت درهفتهٔ اول به نوزاداین دوا از راه دهن داده شود ، طفل بخواهش ابوین مسلول خویش بلاتهلکه نزد ایشان مانده می تواند . دکتورمذکوراین قانون مجبوری جدا کردن اولاد را از ابوین اصلاً طرفدار نیست .

خال چیچك

قریباً یکنیم صد سال پیشتر یکی از دوستداران عالم انسانیت باوجود مخالفت های هم عصرانش خال چیچك را ایجاد کرده بر مخلوق خدا یك احسان عظیمی نمود ، چه مرض چیچك ازان امراض موزیه ایست که در موقع بروزوبای آن تخمیناً درصدی پنجاه نفراز مرضای چیچك را بورطهٔ هلاك میراند، اما درحالت عکس آن یعنی اشخاصیکه خال چیچك زده وبرای مدافعهٔ چیچك وجود را مستعد ساخته باشند درصد دو یا شش نفر ضائع می شوند وازروی این تناسب فایدهٔ خال چیچك را می توان فهمید که تا چه اندازه موجد آن بعالم بشریت خدمت کرده است .

در ممالك راقیه برای زدن خال چیچك محتاج به تشویق وتبلیغ ملت نبوده وچون خود مردم بفوائد آن باخبر می باشند برای خال زدن چیچك اولاد های خود بشفاخانه رجوع کرده حکومت هم از روی احصائیه نومولودها والدین را بخال زدن اولاد شان مجبور ساخته وباین وسیله غالبیت از مرض چیچك محفوظ میمانند

اما در افغانستان تا حال اکثریه اشخاص بفوائد خال چیچك معتقد نبوده وآنرا چیزی بی فائده تصور میکنند، ازین رو اولاد های خودرا خال چیچك نزده وروی اطفال معصوم را بدنمای وچیچکی ساخته و برعلاوه بامراض دیگری که دردیگر اعضای جسم درنتیجهٔ چیچك پیدا می شود اطفال را مبتلا ساخته واگر ملتفت شده باشید آغوش اغلبهٔ مادرها را این مرض شوم بواسطه فنای اولاد شان خالی ساخته وشدت مرض شوم مذکور اطفال معصوم را بهلاکت ومرگ می کشاند. درآوائل خال چیچك را ازآبله های خود مریض چیچك یا (ارچك) های خشك شدهٔ مریض مذکور بدست آورده وپس ازآنکه آنرا خوب سائیدند به شخص سالم خال میزدند، اما پس ازتجربهای زیاد این اصول غیر مفید ثابت شده و امروز دوای خال چیچك را ازگوساله میگیرند.

دردورهٔ حیات انسان بسه مرتبه خال چیچکزدن احتیاج دارد که اول آن دردورهٔ طفولیت ودوم بسن ده الی دوازده سالگی وسوم درموقع جوانی میباشد - واشخاصیکه خال چیچك نزده باشند از مرض چیچك قطعاًمحفوظ شمرده نشده وحتی در بعضی اوقات اشخاص معمری که پنجاه سال داشته بمرض چیچك مبتلا شده اند.

بهترین سنی برای زدن خال چیچك در دو یا سه ماهه گی اطفال می باشد (بشرطیکه طفل تندرست وتوانا باشد) اما اگر وبای چیچك موجود باشد لحاظ عمر را نکرده باید بلا معطل بخال زدن مبادرت نماید. ولی طفل اگر به امراض تب، اسهال، پیچش، امراض جلدیه یا مرضهای ولادتی مبتلا باشد درین حالت تا شفا یافتن طفل عمل خال زدن باید معطل گرده شود، بعد از زدن خال چیچك زیر هدایت آبله کوب چند دقیقه مراقبت لازم است که دوای آب چیچك در جای خال خوب خشك شده وطفل آنرا پاك نکند. وتا ده روز بعد از زدن خال در جائیکه خال زده شده می باشد بعضی میکروبهای دیگر جمع شده ودر آنجا دانه های کوچك کوچکی نمودار شده که اغلب گمان می کنند خال چیچك تاثیر خود را اجرا نموده است. درحالیکه این آبله های خال چیچك نمی باشد ودرین احوال دقت وتعمق زیاد لزوم داشته وباندك تردید باید به طبیب مراجعه شود چهار پنجروز که از عمل آبله کوبی گذشت درجائیکه خال زده می باشد دانه های خوردخوردی نمودار شده وآبله ها ظهوری کند، درین آبله ها رطوبت وچرك پیدا شده وبعد از مرور (۱۲) تا (۱۵) روز آبله های مذکور خشك شده وبجای آن ارچك تولید می کند وقتیکه ارچکهای مذکور ریخت نشانهٔ خال چیچك برای تمام عمر باقی می ماند. فعلاً در شفاخانهٔ ملکی وشفاخانهٔ مستورات خال چیچك برای عموم بصورت مجانی زده شده ومردم باید عاقبت این مرض وخیم را دانسته برای زدن خال چیچك اطفال خود را در شفاخانه ها بفرستند.

بهترین معلومات زراعتی

سبزی کاری درماهای بهار

شهور اوائل بهار (حمل وثور) نسبت به تمامی ماهای سال برای سبزیکاری زحمت دار تر است زیرا این موسم، مناسب ومخصوص است برای زرع انواع مختلفهٔ نباتات وامور متعلقهٔ آن ازقبیل: قلبه، پارودادن، آب دادنهای ابتدائی وغیره، پس باید باغبان درین ماه یك روز راهم عبث نگذراند ومخصوصاً از روزهائیکه هوا صاف بوده وآفتاب میتابد بخوبی استفاده نموده وهر نوع تخمرا درموقع مناسب درزمین بیفشاند - اینك درینجا طریق زرع انواع مختلفهٔ سبزیجات شرح داده می شود:

اول سبزیجاتیکه یکجا کاشته میشوند: در سبزیجاتیکه یکجا زرع می شوند بهتر است در اول بکاشتن پیاز سفید وپیازهای متنوعهٔ دیگر اقدام شود (اگرقبلا تیرماهی زرع نشده باشد) اما باید دانست که پیاز در زمین سالم واندکی سخت که فقط سال گذشته بآن پارو داده شده باشد زرع میشود، دریك آر

(۲۵۰ زرع مربع) تقریباً ۲۵۰ گرام (مساوی نیم پاو) تخم پاش داده شود و اگر میل باشد قدری تخم اسفناج (پالك) وکاهوی بهاری هم بآن علاوه شود این دو سبزی قبل ازبزرگ شدن پیاز حاصل میدهند . یعنی از بیخ کنده میشوند ونیز اگر درچهار اطراف کرد تخم باقلای کلان (لوبیا و غیره) که یك سبزی گوارا وزود رس است هم پاش داده شود این نبات در ظرف چند روز بسر حاصل آمده ودانه های کلان باقلا پیدا میشود ودرهمان وقت حاصل آن بدست می آید ودانه های باقلای مذکوره را جوش داده تازه میخورند ونیز مقداری از آنرا برای زمستان خشك میکنند . درروی خیابانها (پلوانها) لبلبوی سفید وکلم گلدار وکلم دوبه میکارند و فاصله های بین آنها را همرای تخم تراتیزك زمینی وگشنیز وغیره نباتات زود رس که همراه طعامهای بهاری صرف میشود پر میکنند ، نباتات اخیره باستثنای کلم و لبلبو که وقت رسیدن آن تیرما است در ظرف یك ماه بزرگ شده و بمصرف میرسند .

اگر تمام این سبزیجات تازه خوری به اصول باغبانی دریك مربع زمین متوسط (دارای ده متر عرض وده متر طول) کاشته شود ، ضروریات و احتیاجات یك خانوادهٔ متوسط راکه دارای ۱۰ نفر باشند بخوبی تکافو خواهد نمود . ولی همهٔ این نباتات باستثنای بعضی از اقسام آن برای صرفیات بهاری است ، لهذا یك باغچهٔ سبزی کاری خانوادگی باید دارای سبزی یجات دیگری هم باشد :

۲ ـ زردك : یك مربع زمین دیگری باید برای زردك بهاری زودرس وزردك تیرماهی (که برای زمستان حفظ میشود) تخصیص داده شود ولی زمین آن باید نرم و پس از زرع تخمها کود (پارو) حیوانی به مقدار کافی داده شود ، تخمها بهتر است بعوض اینکه متفرقاً پاش داده شود دریك خط مستقیم کاشته شود اینطورکه ابتدای کرد به خطوط ۲۵ سانتیمتری (هر ۲۵ سانتیمتر تقریباً ربع یك گز است) تقسیم شود وبعد درهر خط مذکور زمین باندازهٔ سه سانتیمتر حفر نموده شود و آنگاه تخم درجویهٔ کوچك مذکور پاش داده شود ، یك گرام (پنج یك مثقال) برای یك متر مربع زمین کفایت میکند ، به این طریق علاوه بر نمایش عمومی نباتات ، غیشاوه ومراقبتهای باغبانی دیگر آسان میشود چون زردکها سبز شوند در نوبت اول برگهای آنرا سر میزنند وسبزی مذکور را به حیوانات میدهند وهم ازان یك قسم غذا درست میکنند ، وپس ازین سرزدن قوت نبات زیاد شده وبیخ آن (اصل زردك) بزرگ میشود ، علاوه برین وقتیکه نبات رو به نموگذاشت یکی دوبار زمین آنرا غیشاوه (وجین) و نرم می کنند .

زردك بهاری که رنگ زرد دارد درظرف ۶۰ روز حاصل میدهد ولی بسیار کوچك کوچك میباشد . اما زردکهای تیرماهی دارای رنگ سرخ و بزرگ میباشد و درماهای اول خزان چیده شده ودرچاهای خاکی برای مصارف زمستانی حفظ میشود .

۳ ـ ترب : برای زراعت ترب زمین بسیار نرم و پر قوت بکار نیست و مراقبتهای زیادی هم لازم ندارد واگر دریك مربع کوچك (٤ متر مربع) تخم آن افشانده شود برای مصارف بهاری و زمستانی یك عائلهٔ ده نفری کفایت خواهد کرد زیرا حاصل زیاد میدهد وکمتر فاسد میشود وهر تخم آن بطور قطع حاصل میدهد لهذا دریك مربع کوچك باید ازدو رقم تخم ترب که یکی دارای شکل مدور ورنگ سرخ است ودرظرف سه هفته سبز میکند ودریکماه حاصل میدهد ، ودیگرکه سفید و دراز شکل بوده درظرف دوماه بزرگ شده هم درشروع تابستان وهم برای زمستان حفظ و صرف شده میتواند کاشته شود ، غیشاوه و نرم کردن زمین برای قسم اول لازم نیست ولی ترب زمستانی را باید چند مراتبه تحت مراقبت گرفت ودر ماهای خزان آنها را چیده درچاه حفظ نمود .

٤ ـ شلغم : شلغم ازاول الی ۱۵ ثور کاشته میشود ودر اواخر بهار و شروع تابستان حاصل میدهد تخم شلغم برای هر متر مربع نیم گرام (ده مثقال) کفایت میکند و بهتر است که ابتدا بدون ترتیب درزمین نرم وزیر وروشده پاشیده شود و بعد تخمها بواسطهٔ شاخی یاخاکروب لب چیه زیر خاك گردد آب باران روئیدن نباتات را سرعت خواهد بخشید ، چون سبز شدند آنها را یکه بایدکرد

ودرفاصلهٔ ده سانتیمتر (دهم حصهٔ گز) بجزیك بته نباید گذاشت شلغم بهاری رنگ سفید وشکل دراز دارد و در تابستان حاصل می دهد، شلغم تیرمائی مدور و سرخ رنگ و بزرگ است و برای زمستان درچاهای خاکی حفظ می شود.

صفات ممیزه شیر ومستخرجات آن

غالباً اشخاصیکه شیر استعمال میکنند خوبی وخرابی آنرا از روی رنگ آن حدس میزنند مثلاً شیری را که برنگ قیماق باشد (یعنی رنگ زرد مائل بسفیدی) ویادارای یك ورقهٔ ضخیم قیماق باشد آنرا می پسندند وبرعکس شیری راکه رنگ آن مائل به نیلی ودارای ورقهٔ نازك قیماق باشد خوش نکرده آنرا مفید نمیدانند.

اگرچه علایم مذکوره تایك اندازه صحیح شمرده می شود ولی علی العموم رنگ و ضخامت و رقهٔ قیماق علامهٔ خوبی شیر نبوده و مقدار روغنی که در شیر وجود دارد از ان معلوم نمیگردد.

اگر ذرات چربی در شیر، بزرگ وبرنگ قیماق باشند ورقهٔ قیماق آن ضخیم وبرعکس درصورت وجود ذرات کوچك و قلت مادهٔ رنگی در شیر با انکه بالسبه شیری که ورقهٔ قیماق آن ضخیم ورنگ خوبی دارد حاوی روغن زیادی هم باشد، قیماق آن نازك وکم رنگ میباشد.

از تجارب عدیدهٔ که درین باره در ظرف سالها گذشته حاصل گردیده چنین مفهوم میگردد که زردی رنگ مسکه وقیماق بواسطهٔ مادهٔ رنگی که موسوم به کیروتین Carotin است میباشد ـ وجه تسمیهٔ این ماده به اسم کیروتین ازجهت آنست که زردی رنگ کاروت Carrot (زردك) بواسطهٔ مادهٔ مذکوره است واگر احیاناً این ماده درزردك وجود نمیداشت رنگ آن زرد نمی بود ـ اگرچه کیروتین عموماً درنباتات سبز هم دیده میشود اما سبب سبزی نباتات مادهٔ دیگری مسمی به کلوروفائل Chlorophyll است که مادهٔ مذکوره نباتات را به نظرها سبز جلوه میدهد.

وقتیکه گاوها، نباتاتی راکه دارای کیروتین میباشند تغذیه مینمایند مادهٔ رنگی نباتاتیکه کیروتین دارند کیروتین به خون آنهاداخل شده وذرات روغن شیر آنرا بخود جذب مینماید وشیریکه دارای مقدار زیاد ذرات چربی باشد رنگ زردتیرهٔ راازخودظاهرمیکند.

در نباتات سبز ازقبیل: گیاهای تازهٔ چراگاها فاریج کراپز Forage Crbos زردکها ـ کیل Kale (یك نوع کلم است) کلم ها وسایلیج Silage کیروتین به مقدار زیادی وجود دارد ـ اما درکاه سبز وریشه های زرد نباتات، مادهٔ مذکوره باندازهٔ بسیار قلیلی بنظر می رسد، پس اگر درعلوفهٔ گاوها مقدار زیاد کیروتین وجود داشته باشد رنگ شیر ومستخرجات آن (ازقبیل: قیماق، ماست وغیره) باندازهٔ ذرات چربی آن دارای رنگ زرد میباشند یعنی اگر ذرات چربی در شیر کمتر وجود داشته باشد زردی رنگ شیر کمتر واگر بیشتر باشد یقیناً زردی رنگ آن بیشتر خواهد بود وهمچنین قیماق شیری که مقدار کیروتین آن بیش است رنگ آن زرد تیره (بالنسبهٔ شیرش) بوده ومسکهٔ آن هم دارای رنگ تیزتری میباشد ـ علاوه بران یکمقدار کیروتینی که در شیر جذب میشود درنتیجهٔ تزریق علوفهٔ کیروتین دار مقدار دیگری از آن درجسم حیوان نیز جمع شده بصورت ذخیره میباشد.

ولی گاوها عموماً به یك اندازه کیروتین را به شیر باجسم خود تحویل داده نمی توانند و بهترین آنها که قوهٔ تحویل کیروتین را دارند آنرا به شیر یاجسم خود جذب مینمایند نسل جرسی Jersey وگورنسی Guernsey است، ازین جهت است که جسم وپوست بعضی اقسام گاوها بیشتر واز بعضی کمتر زرد بنظرمیرسند ـ از طرف دیگر اگر تغذیهٔ گاوها دارای کیروتین نباشد یا بمقدار کمی در آن وجود داشته باشد کیروتینی که درجسم گاو ذخیره شده آهسته آهسته بشیر آن جذب میشود ومتدرجاً رنگ شیر هم مائل بسفیدی گشته قیماق آن نازك ونامرئی میگردد هرگاه گاو مذکور تامدت مدیدی علفهای کیروتین دار تغذیه نکند البته بعد ازچندی شیر آن کاملاً سفید گشته وقیماق ومسکهٔ که از آن بدست آورده شود نیز برنگ سفیدخواهندبود.

بازیهای اولمپیا

اولمپیا یك وادی است در یونان که در آنجا عبادتگاه معروف مشتری که رب الارباب اهالی یونان قدیم بود واقع و از ابتدای سنه ۷۷۶ قبل از مسیح تا ۳۹۴ بعد از میلاد یعنی تا مدت ۱۱۶۰ سال بحال خود باقیمانده و بعد از مرور هر چهارسال جشن بزرگی درآنجا انعقاد می‌یافت، وبازیهای از قبیل مسابقه های دویدن، جهیدن، خیز زدن، مشت زدن، کشتی گرفتن، نیزه زدن: حلقه انداختن، عرابهٔ جنگی دواندن، و غیره معمول بوده واهالی یونان قدیم درین مسابقه ها شرکت داشتند، و علاوه بران از طرف حکومتهای بلاد یونانی نمایندگانی دران میدان های مسابقه اشتراك می‌ورزیدند و برای کسانیکه فاتح این میدانها می‌بودند تاجی از برگ... بطورجائزه اعطا می گردید. باوجودیکه ازحیث قیمت و ارزش چیزی نبود، ولی در آنوقت از گرانبها ترین ومعظم ترین جوائز عالم بشمار می‌آمد.

درآغاز سنه ۱۸۹٤ بارون پیردوکبرتن .....Baron Pierre de فرانسوی محرك و باعث گردیدکه بازیهای اولمپی که متروك وموقوف گردیده بود بعد از شانزده قرن دوباره درمعرض اجرا گذاشته شود. این بود که از سنه ۱۸۹٦ دوباره بازیهای اولمپیك رواج یافته و از هر مملکت بهترین افواد آن بغرض مسابقه درآن بازیها اشتراك می‌ورزد، بازیهای کنونی اولمپیا قرارذیل است:

دویدن، جهیدن، خیز زدن، سنگ (یکسیره) و، چکش (یکسیره) انداختن، نیزه انداختن، حلقه انداختن، مشت زدن، شنا کردن، شمشیر بازی، کشتی گیری، بایسکل دوانی، نشان زدن با تفنگ و تفنگچه (پنت ایتلان) وورزش پنجگانه (یعنی اشتراك یکنفر درپنج بازی از بازی های مذکور). (دیك ایتلان) ورزش ده گانه، یعنی اشتراك یکنفر در ده بازی مذکور فروسیت چوگان، بازی تینس، فت بال، هاکی، مکراس، جمناستیك، بازیهای زمستانی از قبیل مسابقهٔ یخمالك باندازهٔ ۱۵۰۰ متر ۵۰۰۰ متر، ۱۰۰۰۰ متر در روی یخ مسطح. و بذریعهٔ سکای (آلهٔ که بواسطهٔ آن روی برف راه میروند) روی برف مسافه های ۱۸، ۵۰ کیلومتر راپیمودن، وخیزدن بواسطهٔ سکای، و سورجه خوردن.

اینست که بعد ازان سال بازیهای المپیك بتاریخ های ذیل بمقامات مختلفه اجرا یافته است.

شهر	مملکت	سنه	
آتنه،	یونان	۱۸۹٦	میلادی
پاریس،	فرانسه	۱۹۰۰	»
سنت لوئی:	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱۹۰٤	»
لندن،	برطانیه	۱۹۰۸	»
ستاکهلم،	سویدن	۱۹۱۲	»
درسنه ۱٦ بواسطهٔ حرب عمومی اجرا نیافت.			
انتورب،	بلجیم	۱۹۲۰	»
پاریس،	فرانسه	۱۹۲٤	»
امستردام،	هالیند	۱۸۲۸	»
لاس انجلس،	جماهیر متحدهٔ امریکا	۱۹۳۲	»
برلین	جرمنی	۹۹۳٦	» اجرا خوهد یافت.

درآخرین مسابقه اولمپیك که درسنه ۱۹۳۲ بمعرض اجرا گذاشته شده ایطالیا بدرجهٔ اول جماهیر متحدهٔ امریکا بدرجهٔ دوم، فنلند سوم، مجارستان چهارم، جاپان پنجم بوده اندو درسایر بازیها اشخاصیکه حایز نمرهٔ اول درأن سال بوده اند. اسامی شان قرارذیل است.

نتائج دهمین مسابقهٔ بین‌المللی اولمپیا

دویدن

مسافه	اسم شخص نمرهٔ اول	تابعیت	ریکارد ثانیه	دقیقه	ملاحظات
۱۰۰ متر	ای تولان	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱۰٫۳		ریکارد عالم بشمار میرود .
۲۰۰ »	» »	» »	۲۱٫۳		» »
۴۰۰ »	دبلیو کار	» »	۴۶٫۲		» »
۸۰۰ »	تی ـ همپس	» »	۴۹٫۸	۱	» »
۱۵۰۰ »	ایل ـ بیچالی	ایطالیا	۵۱٫۲	۳	ریکاردعالم ۵۱ ثانیه ـ ۵ دقیقه میباشد
۵۰۰۰ »	ایل ـ لهتینن	فنلیند	۳۰	۱۴	» ۲۸٫۲ ـ ۱۴ »
۱۰٫۰۰۰ »	جی ـ کوسوکنسکی	پولیند	۱۱٫۴	۳۰	» ۶٫۲ ـ ۳۰ »
۳۰۰۰ «(برزمین ناهموار)	وی ـ ایسو هولو	فنلیند	۳۳	۱۰	» بشمار میرود
۱۱۰ «(باموانع)	هی ـ سا لنگ	جماهیر متحدهٔ امریکه	۱۴٫۶		» ۱۴٫۴ ثانیه »
۴۰۰ «(» »)	آر ـ تستل	آیرلیند	۵۱٫۸		ریکارد عالم است .
۴۰۰ «(چاپارچارنفری)		جماهیر متحدهٔ امریکه	۴۰		» بشمار می‌رود .
۱۶۰۰ «(» »)		» »	۸٫۲	۳	» » »

پیاده رفتن

مسافه	اسم شخص نمرهٔ اول	تابعیت	ریکارد ثانیه	دقیقه	ساعت	ملاحظات
۵۰٫۰۰۰	تی گرین	برطانیه	۱۰	۵۰	۴	
۲۶۳ متر ـ ۴۲ کیلومتر	ماراتون جی زابالا	ارجنتائن	۳۵	۳۱	۲	

خیز زدن

اقسام	اسم شخص نمرهٔ اول	تابعیت	مسافه	ملاحظات
بلند	وی مگناتن	کانادا	۱٫۹۷ متر	۲ سوت ۸۰ انج ریکارد عالم.
دراز	ای ـ ایل ـ گوردون	جماهیر متحدهٔ امریکه	۷٫۶۴ »	۱ سوت ۲۶ فت » »
سه رقم (هاب ستیب جمپ)	سی نمبو	جاپان	۱۵٫۷۲ »	ریکارد عالم بشمار میرود .
به معاونت نیزه	دبلیو ملر	جماهیر متحدهٔ امریکه	۴٫۳۱۵ »	» » »

انداختن (پرتاب کردن)

	اسم شخص نمرهٔ اول	تابعیت	مسافه	ملاحظات
قرص	جی اندراس	جماهیر متحدهٔ امریکا	۴۹٫۴۹ متر	۶ سوت ـ ۸ ـ انج ۱۶۳ فت ریکارد عالم
جرید	ایم ـ جاروی نن	فنلیند	۷۲٫۷۱ »	۵ سوت ۱۱ ـ انج ۲۳۲ فت » »
گلوله	ایل ـ شکستن	جماهیر متحدهٔ امریکا	۱۶٫۰۰۶ »	۴ سوت ۷ ـ انج ۵۲ فت » »
چکش	پی ـ روکالاگان	آیرلیند	۵۲٫۲۷ »	۲ سوت ۸ ـ انج ۱۷۹ فت » »

متفرقه

	اسم شخص نمبر اول	تابعیت	نمره
دیله تولان (یکنفرده‌بازی)	جی باش	جماهیر متحدهٔ امریکه	۸۴۶۲٫۲۳
پیتاتالان (یکنفر پنج‌بازی)	جی آکسن ستیرنا	سویدن	۳۲

سالخوردگان

بعضی اوقات در جراید از اشخاص سالخورده بحثی وخبری انتشار میابد مردم دراطراف این چنین اشخاص سالخورده بتردد دچار گردیده وحیرت میکنند، مثلاً وقتی جراید خبر فوت یکنفر چینی را (لی چنگ یون) که بعمر ۲۵۶ سالگی در ۱۹۳۳ فوت شده نشر کرد کمتر کسی باور نمود.

وجود چنین اشخاص سالخورده موجب حیرت نیست، تورات بسیار پیغمبران را یاد میدهد که از صد سال بیشتر زندگانی کرده اند. یکی از سالخوردگان بعد از طوفان حضرت ابراهیم است صلوة الله علی نبینا وعلیه السلام. وحضرت اسحق ویعقوب وموسی علیهم السلام. حضرت ابراهیم ۲۷۵ سال وحضرت اسحق ۱۸۰ سال وحضرت یعقوب ۱۴۷ سال وحضرت موسی ۱۲۰ سال عمر نموده اند.

دروقت حاضر نیز بسی اشخاص موجودند که عمر زیادی دارند، زاروآغای ترك ۱۶۰ سال عمر دارد وتاحال ۹ زن گرفته ودرصدد زوجهٔ دهمین که از خودش ۷۵ سال خورد تر است افتاده شاید این زن او نیز کهنه نماید. هکذا در افغانستان اشخاص موجود اند که در حدود ۲۰۰ و ۱۸۰ سال عمر نموده واکنون در قید حیات میباشند. واشخاص دیگر یکه از ۱۸۰ سال کمتر ومتجاوز از یکصد سال عمر دارند درنقاط افغانستان بکثرت وجود دارند که درذیل اسای چندی از ایشان ذکر میشود:

۲۰۰ ساله؟

مرهگی قوم کاکری ساکن ملاجانا تااکنون نکاح نکرده است سنش در حدود ۲۰۰ سال واز وقت اعلیحضرت احمدشاه وتیمور شاه وغیره حکایه می‌کند. هر شخص ریش سفید که عمرش صد ساله شده باشد نامبرده رابریش سیاه ندیده است ـ دندانهای او بعضی که افتیده بود نو پیدا شده.

۱۸۰ ساله

درسمت جنوبی درعلاقهٔ ارگون موضع میدانك حاجی گل ولد احمد شاه ولد سکندر قوم دولت زائی بعمر ۱۸۰ سالگی درقید حیات است، این شخص هنوز بکلی از کار نمانده، حرکت کرده میتواند دید چشمش ضعیف گردیده، درعمر خود یك زن گرفته واز آن ۹ اولاد تولد شده که ٤ نفر آن حیات دارند وصاحب نواسه میباشد. از قراریکه بیان میکند دربطن مادر از موعد معینه قدری بیشتر مانده وهنگامیکه تولد یافته است موهای سرش آنقدر طویل بوده است که تاپاهایش میرسید. این شخص حیات منزویانه وکناره گیری را دوست دارد.

۱۷۰ ساله

بهادر نام، در نازیان شنواری سمت مشرق که سنش بالغ بریکصد وهفتاد سال گردیده حیات دارد، این شخص واقعات گذشته را بوضاحت حکایت می‌کند.

❀❀❀

رمضان نام ساکن کتوت هزاره که سنین عمرش به یکصد وهفتاد سال رسیده، ولی کنون نسبت به ضعف بدن ازجا حرکت کرده نمی‌تواند.

۱۶۰ ساله

درقریهٔ ده نایی که بفاصله ۳ میلی کوهات است باز گلخان نام که رئیس آن قریه میباشد بعمر ۱۶۰ سالگی رسیده است، این شخص افغان واز قوم ختك است شغل او زمینداری است دوپسر یکی بعمر ۹۹

ودیگری بعمر صد ساله دارد.
قوای باز گل خان ودید چشم او هنوز خوب است.

۱۵۰ ساله

درسمت مشرق افغانستان در (کنر خاص) شخصیکه سنین عمرش به ۱۵۰ سال رسیده است درقید حیات میباشد، اسم این شخص یار محمد خان است. مشاهدات خود را خوب یاد دارد.

❀❀❀

ملا مجید خان در شنواری سمت مشرق که یکی از علمای جید ودرعلوم حدیث وتفسیر عالم است بسن ۱۵۰ سال رسیده است:

۱۴۵ ساله

میر جان نام پسر فیروز قوم سنگو خیل ساکن نازیان شنواری علاقهٔ سمت مشرق که گنگ ولال است بسن ۱۴۵ سال رسیده است واشخاص مسن نیز کبر سن اورا تصدیق نموده اند.

۱۲۰ ساله

در موضع پشد سمت مشرق امر سنگ هندو که عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است وجود دارد، دندانهایش محکم وریشش هنوز بکلی سفید نشده، وقوه اش زایل نگردیده از یك قریه بدیگر قریه ترددی نماید.

❀❀❀

محمدعباس نام افغان ساکن مرده اشتر شهرغور بند سنین عمرش به ۱۲۰ سال بالغ گردیده است.
محمدعباس درینمدت عمرخود چهاربار تاهل نموده که سه ازان فوت گردیده وعیال آخرین او حیات دارد.
این افغان مسن صاحب ۳۰ اولاد بوده ده نفرآن فوت شده و ۲۰ نفر حیات داردکه ۱۴ نفر ذکور و ۶ نفر اناث اند.
اولاد مذکور نیز صاحب اولاد میباشد که فعلاً تعداد شان خیلی زیاد است. محمدعباس تاپنج کیلو متر مسافه را حاضراً نیز پیاده طی نموده میتواند، پیشه اش دهقانی بوده است.

❀ ❀ ❀

حاجی شاه ولی مقارن به اوائل ماه ذی حجة الحرام سنه ۱۳۵۲ هجری قمری، مرحلهٔ سال یکصدو بیستمین حیات را طی میکند، حواسش مانند اشخاص جوان سالم، وهیچگونه آثار ضعف قلبی ودماغی در وجودش سراغ نمیشود کلمات را بترتیب مناسب اداکرده سوالات را به بهترین صورت ادراك وبطور معقول جواب میدهد.
مشار الیه تاسن پانزده سالگی عمر خود را تحت تربیهٔ والدین خود گذرانده وبعد ازان الی زمانیکه سنین عمرش به سی میرسد پانزده سال بیك استقامت مصروف شبانی بوده ودرطی زحمات بدنی یك سرمایه اندوخته درسال سیم حیات ازدواج کرده وبهمین ترتیب با پنجنفر عیال شرعی وصلت کرده است. ازآنجمله چهار نفر عیالش فوت شده ویك زوجه اش تاکنون حیات وهردو بکمال مسرت عمر بسر میبرند.
این شخص والد (۲۹) نفر اولاد است که ازآنجمله بیست ودو نفر ذکور وهفت نفر اناث میباشند تعداد نواسه ونبیره اش به پنجاه وچهار نفر میرسد که سی وهشت نفرآن ها متعلق به اولادهای ذکور و ۱۶ نفر مربوط دختران او هستند، دو سال قبل یعنی در ۱۳۱۰ هجری شمسی یکنفر پسر ویکنفر دختر او بسن طفولیت بمرض چیچك وفات کرده اند. مع ذالك فعلاً خانمش حامله وعنقریب وضع حمل مینماید.
ازهمه بیشتر چیزیکه انسانرا بدانستن سوانح این شخص معمر مائل میسازد این است که این شخص درطول مدت یکصدو بیست سال حیات خود یك ساعت هم مریض نشده وباکمال مسعودیت در سایهٔ صحت جسم و ثروت و استعدادیکه دارد امرارحیات مینماید قوای جسمی را به اندازهٔ خوب مالك است، مانند اشخاص جوان و خوش هاضمه هرقسم غذا تناول کرده وبقدر کافی ازلذایذ خواب تمتع جسته هر روز بدون اضاعه یکهزار قدم

بعضی از معمرین افغانستان

Quelques Cas Rares de Longevité en Afghanistan.



حاجی شاه ولی پنجشیری ۱۲۰ ساله
120 ans



حاجی گل قوم دولت‌زائی ۱۸۰ ساله
180 ans



مره کی قوم کاکری در حدود ۲۰۰ ساله
Environ 200 ans



محمد غلام خان پنجشیری ۱۱۱ ساله
111 ans



محمد علم خان پنجشیری ۱۱۹ ساله
119 ans

راه می‌رود در فصول زراعت بآبیاری اراضی خود رغبتاً پرداخته هکذا بسواری اسپ از علی‌آباد الی خان آباد آمده و این فاصله را که تقریباً ده کروه میشود پیموده باز واپس بخانهٔ خود میرود ، خلاصه این شخص بکمال تندرستی وقوای ذهنی و بدنی درقریهٔ علی آباد مسکون و بمعیت فامیل و منسو بین خود که یك قریه مختصری از وجود شان تشکیل شده بکمال بی غمی اوقات خود را میگذرانند .

❀ ❀ ❀

مراد بای ولد سنگی ساکن بازار خوست اندراب مربوط ولایت قطغن عمرش (۱۲۰) سال است قوای اوسالم و به خوشی امرار حیات مینماید .

۱۱۵ ساله

بابه نام ساکن (خانقاه) چال مربوط حکومت اشکمش قطغن ، سنین عمرش در حدود ۱۱۵ اولاد ذکور واناث او بالغ بر ۱۲ نفر و نواسه و نبیره اش تا ۶۰ نفر میباشد ، وفعلاً هم تندرست است .

❀ ❀ ❀

مسمات ریزه‌ماه بنت قربان بیگ قوم هزارهٔ قاضی خیل ساکن چهارباغ خوست مربوط حکومت اندراب عمرش به ۱۱۵ سال می‌رسد این زن سال خورده از ۱۲ پسر و یك دختر خود که زنده‌اند (۵۰) نفر ذکور واناث و نواسه ونبیره حیات دارد و ۳۰ نفر مزید بران مرده اند که مشار الیه والدهٔ ۹۳ نفر انسانها شده وفعلاً حیات می باشد .

❀ ❀ ❀

بای مراد ولد خال‌مراد قومش هزارهٔ قاضی خیل سکونتش در چهارباغ خوست سنش در حدود (۱۱۵) وفعلاً دارای ۷ نفر اولاد ذکور واناث و ۴۰ نفر نواسه ذکور و اناث میباشد .

۱۱۳ ساله

ارباب حسن ولد حیات خان قومش هزاره فاطول مربوط ولایت قطغن سنش در حدود ۱۱۳ میباشد اولادهٔ مذکور واناث این شخص معمر بالغ بر ۳۱ نفر می شود که فعلاً همهٔ شان درقید حیات زیست مینمایند .

۱۱۲ ساله

ملاخدا بخش پنجشیری‌سکونت‌گزین خوست‌اندراب عمرش ۱۱۲ ساله مشارالیه ۳ نفر دختر و ۴ نفر پسر ۱۵ نفر نواسه و نبیره دارد . که عموماً درعرصهٔ حیات وجود داشته وقت بسر می برند .

۱۱۱ ساله

احمدخان بای ولد محمد رضا قوم تاجك سکونت پذیر علاقه داری خوست قطغن سنش بالغ (۱۱۱) ۶ نفر پسر و ۵ نفردختر و ۲۲ نفر نواسه ذکور و اناث دارد .

❀ ❀ ❀

محمد غلام ولد محمد جعفر ساکن قریهٔ کورابهٔ پنجشیر که سنین عمرش به یکصدویازده سال رسیده است ، و قوای جسمی او نهایت درست و کارزراعتی خودرا بخوبی اجرا میتواند ، درفکر او چیزی نقص عاید نشده ، و درهنگام تابستان بوقت وفورآب از دریای پنجشیر بآسانی عبور می نماید . صحتش خیلی خوب است .

۱۱۰ ساله

سید غلام نبی‌ساکن چهاردرهٔ غوربندکه حاضراً یکصد وده سال عمردارد . صاحب ۲۱ اولاد بوده وازانجمله پسرآخرین او در سال ۱۳۱۲ تولدیافته است . چهارده نفر ازجمله اولادش مرحوم شده باقی درقید حیات اند .

ریش سیدغلام هنوز بکلی سفید نشده . تا ۷ کیلومتر راه را پیاده پیموده میتواند چشمهایش قدری کمبین شده اما بواسطهٔ عینك میتواند کتب را مطالعه نماید . شغلش دهقانی بود .

❀ ❀ ❀

زبیده ماه بنت نفس محمد قوم هزاره شادی خال سکونتش در بهارك خوست سنین عمرش در حدود ۱۱۰ سال از ٦ پسر و ۲ دختر نواسه و نبیره پسری و دختری ذکور واناث (٤٠) نفر نواسه و ۳۰ نفر نبیرهٔ زنده دارد .

۱۰۷ ساله

محمد صاحبزاده ولد جناب مراد علی صاحبزادهٔ مرحوم که سنین عمرش به (۱۰۷) سال رسیده پنج پسر دارد که پسر بزرگ او ریش ماش و برنج گردیده .

صاحبزادهٔ مذکور شخص عالم و فاضل بوده چندین کتاب در علم تصوف تالیف کرده و حالا هم کتاب و حاشیه های باریك کتاب ها را بدون عینك مطالعه و مکاتبه کرده میتواند، و اززمان سلطنت امیردوست محمدخان مرحوم ووزیر محمد اکبر خان حکایات مینمایند .

۱۰۵ ساله

حاجی میرجان قوم صافی ساکن الاصل لغمان حال باشندهٔ خان آباد سکونت گزین قریهٔ کشم قندوز که سن آن درحدود (۱۰۵) سال است فی الحال وجودش سالم وقوهٔ روحی و بدنی آن خوب است اولاد این شخص تا ۱۲۰ نفر تخمین شده که فی الحال اکثری از اولادهای او شامل خدمات رسمی بوده اما خود حاجی موصوف به شناختن اکثر اولادهای ذکور و اناث خود موفق نمی شود . وعلاوتاً درهمین روزها بخانه اش یك دختر تولد شده .

❀ ❀ ❀

قربان علی ولدمحمد رضا قوم تاجك ساکن ایچانی خوست مربوط اندراب سنین عمرش درحدود (۱۰۵) دارای ۵ نفر پسر و ٦ نفر دختر و از پسران ودختران مذکور خود ۳۰ نفر نواسه و نبیرهٔ ذکور واناث زنده و حیات دارد .

۱۰۳ ساله

تاش محمد ولد دولت ساکن اندراب عمرش درمرحلهٔ ۱۰۳ و از ۸ نفر پسر ودختر تا ٦۱ نفر نواسه و نبیره دارد .

۱۰۰ ساله

سید قدم بای ولد نیاز محمد قوم تاجك سکونتش درقریهٔ خوست اندراب عمرش ۱۰۰ سال و از ۱۰ نفر پسر و ٦ دختر (۵۸) نفر نواسهٔ ذکور واناث و ۵ نفر نبیره دارد که جمع اولاد او (۷۹) نفر می شود فعلاً تمام آنها حیاتند . شخصاً توانا وهنوز ۳ نفر عیال زنده و حیات تحت نکاح دارد .

❀ ❀ ❀

جلال الدین ولد هارون ساکن کلی خیل وردك که سنین عمرش بصد سال رسیده ، و هنوز بقوت بوده با یك جوان متوسط مقابله و زور آزمائی کرده می تواند ، کاملاً صحت و تندرست می باشد .

❀ ❀ ❀

عبدالقدوس ساکن برکی راجان لوگر که سن مذکور بصد سال رسیده ، فعلاً صحتش کاملاً خوب و حیات دارد .



ع، امین الله خان «زمرلای»، عضو انجمن ادبی

پښتو

پښتو نوم د ژبې : له تکي څخه د نظر دغه ملت چه پدې ژبه ویونکي دي پښتو ژبه د پښتنو ده او دا ملت خان پښتون یا په صورت د جمع پښتانه او خپله ژبه پشتو یا په لهجه د مشرق او شمال مشرق د خلقو پختو بولي او په لهجه د اهالي د مشرق او شمال مشرق پښتانه چه نوم د دې قوم دی پختانه تلفظ کیږي او دا کلمه د پختانه دغه ملت ښئي چه دوه نیم زره کاله پخواه هرودوتس په نامه د پاکتویس[1] یاد کړي دي او په رګویدا[2] کښې په نامه د پکته راغلي دي ، یعنې پشتانه یا پختانه او پشتو یا پختو په دغه پخواني زمانه کښې مرادف له نامه څخه د پاکتیا او پکتانه او پکته دي ، بیلو او بارتولد او نورو محققین عیناً په دا عقیده تصدیق او ملګرتیا کوي .

نو پدې مفهوم سره دا غیور قوم له پخواني زمانې نه د آریان ، او سید و نکي د دې مځکې دي نه په اسرائیلي مهاجرینو او نه په نورو مختلفو تکرانو او ره او ارتباط لري او دا ژبه ئې خپله اصلي او پخواني ژبه ده .

مبدأ د ژبې : له ډیرې مدې څخه پدې اعتراف سوی دی چه دا مذکوره سوې ژبه د آریان د ژبو څخه یوه ژبه ده اما څه مده کیږي چه پدې باب کښې چه آیا دا ژبه د « ایراني آریه » توك ده یا د « هندي آریه » ښاخ ده بحث او جګړه ده نو نظریات د خینو محققینو پدې باب

(1) Πάκτυες

(۲) زوړ او قدیم کتاب د هندیانو.

محترمینیکه درسال سوم مجلهٔ کابل کمك قلمی فرموده اند


جناب جلال‌الدین خان طرزی


جناب نجیب‌الله خان متعلم مکتب‌عالی استقلال


جناب میرمحمد صدیق خان‌متعلم مکتب عالی استقلال

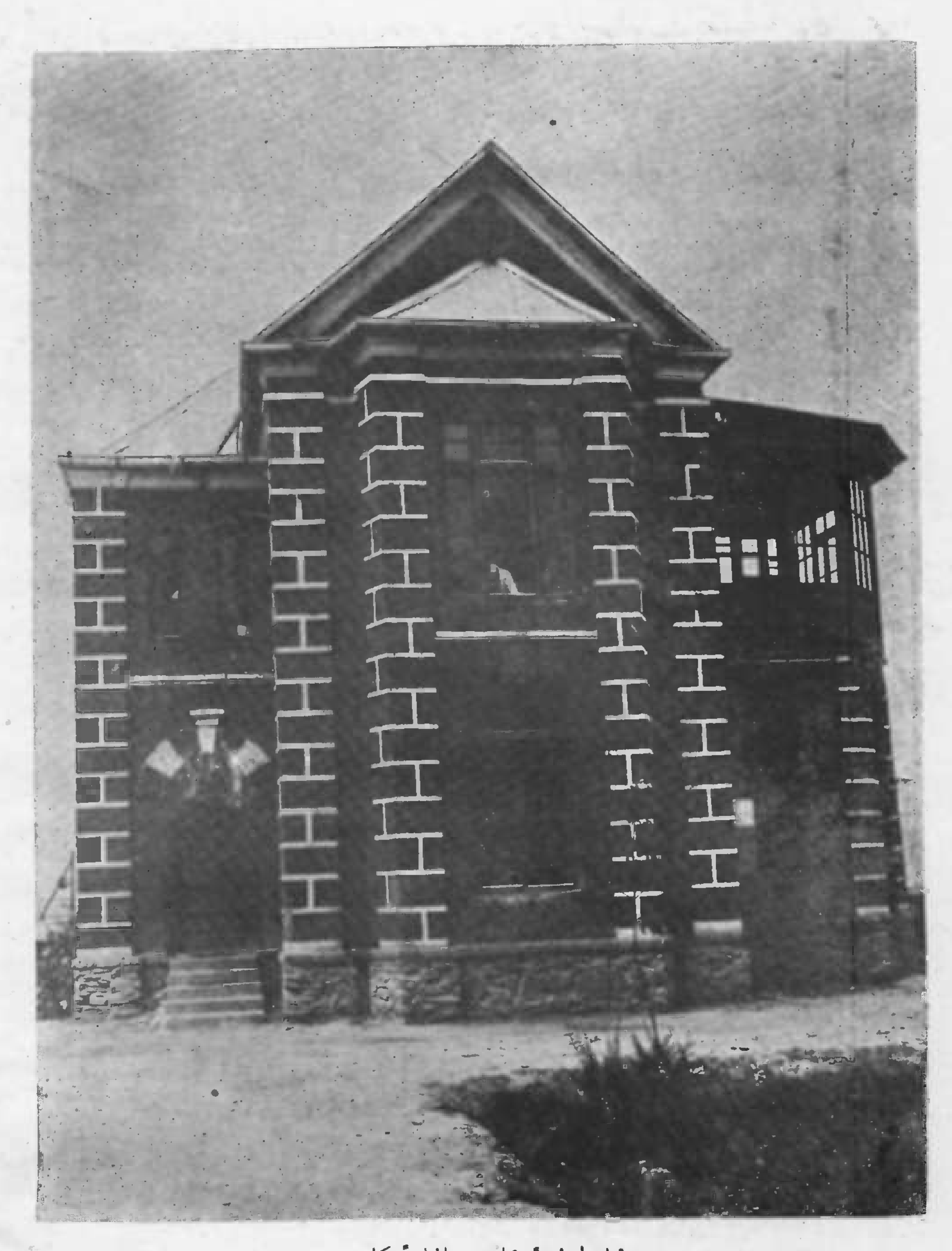

جناب صفرعلی خان (امنی)


جناب عبدالعظیم خان « عظیمی »

غ، خیر محمد خان تولی مشر پیلوت


جناب عبد الغفورخان عضومطبعه عمومی

Les Collaborateurs de la « Revue de Kaboul » (3ème année de Publication).



محل ادارهٔ مجله و سالنامهٔ کابل

Siége du Bureau de la "Revue de Kaboul" et de l'" Almanach de la Revue de Kaboul"

کښې په لاندې صورت سره ليکل کيږي : محققين او علما ، ايراني يا آرياني ژبې په دوو لويو برخو ويشلې او توضيح کوي ئې : غربي او شرقي لوئي او عمده نمونې د مغربي د ژبو ، نوې پارسي بولي چه بالواسطه د زړې پارسي څخه هخا منشيانو اخستله شوې ده ، زړه نمونه د مشرقي توك ، هغه معروف ژبه د ژند[1] کښې او وائي چه لدې توك څخه له بين د نورو ژبو ، د غلجه ژبې چه او س په پاميرات کښې خبرې باندې کيږي پيدا شوې دي او د بلوڅو ژبه هم پدې دسته اړه لري او پښتو هم له هغه توك څخه راوتلې ده .

نظريات د محققينو :- پروفيسر "مولر" په خپل اثر کښې (راجع و ژبې ته د پښتو)[2] اول وار خپله نظريه ظاهره کړې ده چه پښتو په دسته د مشرقي اړه لري ۱۸۶۲ع ، داکتر "ترومپ" په خپل پښتو گرامر کښې چه په ۱۸۷۳ع کښې ليکلي شوې دي په قوي دليلو سره ئې د اخپله علمي نظريه ښکاره کړې ده چه د پښتو ژبه هيڅکله له رويه د صحت په ايراني اړه نلري بلکه د هند و آرين د کورنۍ يو توك ده او زيات نيږدې والى د سندي د ژبې سره لري او مذکور داکتر علاوه پر پورته بيان وائي چه دا ژبه د هند و آرين د کورنۍ يو صحيح توك نه بلکه يوه قديمي او مستقله ژبه ده چه اولين ذريعه د نقل او انتقال ئې د هند و آرين د کورنۍ نه د ايرانيين و کورنۍ ته تشکيل کړې ، او لدې جهته خصائص او نښانې د دواړو ژبو لري او غوره مميزات د پراکرت[3] يعنې د هندي د کورنۍ نښانې زياتې پکښې کې دي ، دا علمي نظريه د پروفيسر فون سپيکل له خوا څخه په اثر کښې ئې موسوم په (مدنيت د ايران)[4] هم قبوله شوې او د داکتر "هارنل" له خوا هم په گرامر کښې ئې موسوم په (گودين لينگوج)[5] دا نظريه منلې شوې ده او هر څو (مسيو دارمستتر) هم په خپل اثر کښې موسوم په (راپورت د هيئت فيلولوژي په هندوستان کښې)[6] چه په ۱۸۸۷ع کښې چاپ شوې دي دا نظريه ئې منلې وه اما پس له درو کلونه په خپل بل اثر کښې چه موسوم په (راجع و ملي نشيد و ته د افغان)[7] دي له خپلې اولې نظريې نه گرځيدلى او په دا نوي کتاب کښې ئې دا نظريه ظاهره کړې ده چه پښتو حتماً په دسته د مشرقي ، د ايرانين په کورنۍ اړه لري او له "ژند" څخه يا له يوې محلي ژبې څخه چه ژند ته نيږدې دي يا متحد وي مشتق شوې ده په واقع کښې دا ژبه يعنې پښتو د ژند د ژبې سره د اسې نسبت لري

(۱) (Zend) (۲) Über die Sprache der Afghanen (۳) بناخوند سانسکرت د ژبې (۴) Eränische Alterthumskunde

(۵) Gandian Languages (۶) Rapport sur une Mission philologique dans L'Hindoustan.

(۷) Chants populaires des Afghans.

لکه چه نوی فارسي د قدیم دفارسي سره (چه په کتیبو کښې په میخي خطوط د هخامنشیانو ضبط سوي) اړه لري. پس د امذکوره سوي ژبه په واضح صورت سره د هند د شمال مغرب څخه راوتلې او نشأت ئې کړی دی هر څو چه پخپل ذات کښې یوه ژبه د ایرانین ده .

داوه لنډ نظریات د بعضې محققینو چه په باب د اشتقاق د پښتو د ژبې ویلکل سول مګر زه لیکونکی د دې مقالې تر هغه اندازې چه په لغات او ادبیات د پښتو کښې می تحقیق کړی او هم دا ژبه ځما مورنۍ ژبه ده په هغه آخر نظریه د داکټر «ترومپ» چه وائی (دا ژبه د هندوآرین د کورنۍ یو صحیح توك نه بلکه یوه قدیمي او مستقله ژبه ده چه اولین منبعه د نقل او انتقال ئې د هندوآرین د کورنۍ نه د ایرانین و کورنۍ ته تشکیل کړی) ملګرتیا او تصدیق کوم او ځما په مدعا قدامت د دې خاورې او هغه هجرتونه چه د دې خاورې څخه سوي دی شاهد او ګواه دی، سره له دې چه تر هوسه پدې ولایت کښې چه مهد د آسایش او مدنیت د آریا دی دونه حفریات نه دی سوي چه د خرابو ننۍ هغه آثار او شواهد چه قدامت د دې خاورې پوره وښئی را و وزي مګر بیا هم تر هغه ځایه چه د حفریات علماؤ مخصوصاً علمي هیئتونه د فرانسې په هغه اندازه چه د «بلخ» په خرابو کښې (چه زانګو د آریان باید و ته و ویل سي)، تدقیقات کړی او خپله نظریه ئې ظاهره کړې ده معلومېږي چه دا ځکه له ډېر قدیم وخته مهد د ژوندون د انسانانو وه چه کلده او د آثور تمدن پر انګو د عالم کې لا بیده وه او یقین دی که اصولي حفریات په دې خاوره کښې اجرا سي ډېر مهمه آثار او شواهد به نور هم لاسته راسي چه تمدن د آریائی قوم (اصلي اوسیدونکي د دې خاورې) په نسبت د کلده او آثور ډېر پخواه ثابت کي .

نو په پیروی سره د تاریخ د علماؤ ویلی سو چه مرکز د ژوندون او اول مهد د پرورش د آریائی قوم جبوره د عزیز مملکت شمالي خواه وه او په مختلفو زمانو کښې لوی لوی تکران له دې خاورې څخه په نسبت د زیات والي د نفوس او یا نور حوادث چه په مرور سره د انسان په ژوندون کښې طبعاً حادث کیږي و هجرت ته مجبور سول او په پراخو ځلګو او د ښتو د هند او فارس او غربي ممالك کښې ئې ځای ونیوه او یو قسمت هم په دې خپلو خاورو او تاریخي ځایو کښې استوګنه اختیار کړه .

نو په دې صورت چه اصلي ځای د غه ځکه او مهاجرت هم له دې ځایه و هند ته سوی وي او هم د وه نیم زره کاله پخواه د دې ژبې ذکر سوی وي څه رنګه کېږي چه پښتو له ښاخه د غربي (فارسي) یا له ښاخه د شرقي (ژبند)

مشتق او آخستلی سوی وی؟ بلکه دیر ښاخونه لدې ژبې څخه پاید وتلی وبولو.

افغان:- په وجه د تسمیئې کښې د افغان د کلمې رنګا رنګ روایات موجود دی، بعضې سم له ضرب المثلو او متلو له روایتو سره د اکلمه له «افغانا» څخه مشتق بولي لکه چه وائي افغانا نمسی د (طالوت) پادشاه د اسرائیلو او افغانان هم نسل د هغه پادشاه دی او بعضې وائي چه معنی د دې کلمې شور و غوغا ده هغه وخت چه د دوی په دین د اسلام مشرف سول شیطانان په ژړا او چیغو نسکور سول، او بعضې بل تعبیر و ته تراشي چه هغه اضطراب او اغتشاش چه دائمي او لاینقطع په مینځ د دوی کښې په علت د جنګو او بدیو موجود دی او مجکه ئي په شور او غوغا بنولې ده د دوی نوم «افغان» سو. او قس علیٰ هذا لدې رنګه روایات او علل زیات له پاره د وجه د تسمیئې د دې کلمې موجود دی او خلقو و ته جوړ کړي دي معهذا یو صحیح هیئت او مصدر و دې کلمې ته نسی پیدا کیدای، اګرچه اسم د افغان دیر پخواه استعمال سوی دی مګر ګمان چه یقین ته نیږدې دی دادی چه دا نوم په تولو پښتنو ندی اطلاق سوی، نوم د افغان لکه سوړي، غوري، لوی، خلجي او نور په اول کښې یوازې قبیله وی نوم وه، پس ته ادبي نوم وګرزیده لکه چه په آغاز د فتوحات د عرب کښې په جمله د نورو نومو د افغانستان د طوائفو، په غور کښې لکه سوړي او غوري کاهي هم د بعضو قبیلو نوم په بني افغان یا د سوی او د اسلام په تاریخو کښې ئي ذکر سوی او «وراها میهیرا» هندی منجم هم په شپږم قرن د میلادي کښې ئي په نامه د اوکانه یا آواکانه نوم وړی دی او په شپږم قرن د هجري نوم د افغان په هغو طوائفو د پښتانه اطلاق سوی چه د سلیمان په غرو کښې ئي استوګنه درلوده او البروني اول وار د بعضو قبیلو چه د سند و وادي ته نیږدې وه په نامه د افغان یادکړي او د بریتانیا اسلامي انسکلوپیدي لیکي چه ریورتي ساکنین د جنوب د «کرمي» او شرق د غزني په نامه د افغان یادکړي، او فردوسي په (۱۱) قرن کښې د افغان د طائفې نوم وړی او ابن بطوطه هم په (۱۲) قرن کښې د افغان د نامه ذکر کړی.

د پنجم قرن څخه د هجري و دې خواه ته و رو و رو نوم د افغان د پښتانه د لویو طائفو په ردیف کښې داخل او پس له څه مدې په خارج کښې نوم د افغان، نه دا چه ادبي نوم وګرزیده بلکه نوی راتلونکي او مهاجرین

د پښتانه د طوائفو هم له هر قبیلې او عشیرې چه وه بلا استثنا په نامه د افغان یاد سول او لوئی طائفې د پښتانو چه پخواه د کورنی (فامیلی) او د قبیلې په نامه مشهوره وه او په هندوستان او نورو ځایو کښې ئی استوګنه کوله لدې نوې نامه څخه خلاص سول. نو اکثره مورخین او لرې خلقو ته په معرفت او پېژند والی د لویو طائفو شبهه پیښه سوه او د دې نوې نامه د افغان تر عنوان لاندې ئی تول پښتانه قول نکړل. لکه چه سلاطین د غلامانو (خاندانې کښېنستونکی د قطب الدین) التمشیه، بلبنیه، خضرخانیه، خلجیه (غلجی) او تغلقشاهیه په هندوستان کښې د پښتنو څخه بېل او سوا بولی. یوازې لږ او محدود له مورخینو او محققینو د اروپا او آسیا پلې حقیقت رسیدلی دی لکه مستر ملسن، مستر براون، مستر ولیم بیل، مستر مارسډن، خاوندان د سیر المتأخرین او حیات افغانی او خورشید جهان او نور لکه چه بروان مورخ د تاریخ د ایران د سلسلې، سلاطین د غور، دیغره کوه له پښتنو څخه بولی او ملسن قطب الدین اول فاتح د دهلی یو نامدار پښتون کښې او مستر مارسډن په خپل کلاسیکی تاریخ کښې سلسله د غلامانو، التمشیه، بلبنیه، خضرخانیه، غلجه (غلجی) تغلقشاهیه په هندوستان کښې واضحاً له سلسلې څخه د پښتون ئی شماری، او تامس ولیم بیل (صاحب د مفتاح) د تغلقشاهیه د پادشاهانو نسب هم د غور د پښتنو څخه بولی.

علی ای حال پس له (۱۶) قرن څخه د مسیحی نوم د افغان عمومیت پیدا کی او پس له هغو چه (درانیو) لوی او جسیم سلطنت د افغانستان تشکیل کی، کلمهٔ د افغان د تول اهالی د افغانستان ملی نوم سه او نوم د مملکت هم افغانستان کښېښود سه.

وجه د تسمیئی د افغان او ماهیت د دې کلمې په نزد د محققینو لا تر هو سه مجهول او نا معلوم دی او دا چه له روایا تو څخه هغه په «افغانا» او بنی اسرائیل نسبت کوی او یا دا ملت له فراریو څخه د «بخت نصر» وغیره شماری محض غلط او غلط محض دی ځکه چه د آثوری او کلدانی سامی سلطنتو حدود چه په (۵۳۸ ق. م کښې د کوروش له لاسه خاتمه پیدا کړه) په عین د ترقی او کمال کښې د زاګروس وغرو

رسیدلی وه ، له جهته دا دے چه په مشرق کښ قوی کوچی (چادرنشین) د آریائی واقع وه او آثوری او کلدانی په مغرب کښ مدام د مصر سره چه یو لوی قوی دولت وه جنګیدل، د مشرق وخواه ته متوجه کیدای نسوی او نفی دیهودیانو چه په عهد کښ د دوم سارګون ۷۲۱ ق.م وه او په عصر د بخت نصر کبیر پادشاه د کلدانی کښ ۵۸۲ ق.م واقع سوه علی الترتیب په علاقه د میدیا او د بابل په شهر کښ وه د میدیا دیهودیانو فرار یان په نیږدے او همسایه ملتو کښ تولمنحل سول او د بابل یهودیان پس له دوو نسلو په زمانه کښ د کورش کبیر موسس د هخامنشی سلطنت ، بیرته خپل وطن ته (فلسطین) ولاړل او خپل خراب سوی مساکن او معابد ئی جوړ کړل او بعضے له قبائلو څخه دیهودیانو په مصر او مدینه منوره کښ ځای د استوګنی اختیار کی .

پټان یا پټهان یا پهټان :-

د پټان وجه تسمیه هم نامعلومه ده او ډیری اساسه روایات او موضوعی قصے پدے باب کښ کیږی بعضے فرضی اشتقاق او موهومی اخراج ددے کلمے پدے موضوعی قصه باندے برابروی چه حضرت سرور کائنات صلی الله علیه وآله وسلم قیس نامی په نامه د پټان یاد کړی او نور ئی عبدالرشید ایښی دی او معنی د پټان په بادبان د کښتی کوی او بعضے ئی لاندنی برخه د جهاز وائی او بعضے دا روایت کوی چه پښتون په اول وار کښ چه داخل د هندوستان سه په پټنه کښ ئی ځای ونیوی پدے سبب په نامه د پټان مسمی سه و علیهذا .

اول الذکر روایت تماماً جعلی او بی اساس لیده کیږی[1] ځکه چه هغه زمانه د عرب وه او په عربی کښ (پ) نسته او که هغه (ب) فرض کو هم یقین دی چه دا معنی مفهوم ددے کلمے کیدای نسی بلکه بتان یا بتهان به د عرب په لغاتو کښ موجود نوی ، او هم دا خبره نه په حدیث شریف او نه په نور دینی او مذهبی روایاتو کښ چا ته په نظر ورغلی .

(۱) پدے بحث نه دی چه قیس په حضور د حضرت رسول الله مبارک ته تللی یا تللی نه دی بلکه یقین کیږی چه تللی دی وی، ځکه چه په موږ پښتنو دین د اسلام خوښ ګران دی او د اسلام د مخه کښ د ولو پیشرو قوم د غه پښتونولوه مقصد د شبهی په نامه د پټان کښ دی .

دوم روایت کړ څه هم تر یوې اندازې د اعتبار وړ کونکي دي مګر تحقیقات او تدقیقات چه پکښې سوي دي دا نوم محرف د پښتانه یا پشتانه څخه دي ځکه چه هندیانو د پشتانه یا د پښتانه کلمهٔ محرف کړې او په خپل تلفظ او لهجه ئي موزون او برابره کړې ده او په خپل ملکت کښې ئې رواج ورکړي دي او دا نوم د پټهان یا پټان هم له (۱۶) قرن څخه په دې خوا د هند محررینو او مورخینو استعمال کړي دي چه تر هوسه پښتون ته پټان وائی .

تلفظ او لهجه :-

هغه تول ملت چه د پښتو په ژبه خبرې کوي من حیث العموم هغه یوه د پښتو ژبه ده ، مګر په لهجه او تلفظ کښې د بعضو ډیرلږ اختلاف دی چه موږ هغه په دو برخو ویشو او په پشتو ژبان او پختو ژبان تعبیر ورته کوو ، مغرب او شمال مغرب پشتو ژبان او مشرق او شمال مشرق پختو ژبان ویل کیږي ، پشتو ژبان په تلفظ کښې حرف د « ښ » ش او حرف د « ږ » ژ وائی او پختو ژبان حرف د « ښ » په خ او حرف د « ږ » په ګ تلفظ کوي ، او ځای د استوګنې د تولو پښتنو فرشته په (روه) یادوي او هغه د روه علاقه عبارت ده چه شمالاً جنوباً له صوات او باجوړ څخه تر سوي او بکر او شرقاً او غرباً له حسن ابدال څخه تر کابل چه قندهار هم پکښې دی شامل دی .

لیکونکی امین الله « زمریالی »

ز ه د جناب فاضل مولوی جمال الدین خان او د جناب عبدالباقی خان سرکاتب د انجمن څخه ډیر تشکر کوم چه جناب مولوی صاحب بعضې مآخذ راښودلی دی او سرکاتب صاحب په ترجمه د بعضې مآخذو کمک راسره کړې دی .

سالنمای ۱۳۱۲ هجری شمسی

تعداد ایام بروج	اسمای بروج	ایام هفته که از روز اول هر برج شروع شده						
۳۱ روز	حمل	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه
۳۱ روز	ثور	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۳۱ روز	جوزا	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۳۲ روز	سرطان	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
۳۱ روز	اسد	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه
۳۱ روز	سنبله	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه
۳۱ روز	میزان	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
۳۰ روز	عقرب	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه
۲۹ روز	قوس	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه
۲۹ روز	جدی	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه
۳۰ روز	دلو	دوشنبه	سه‌شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه
۳۰ روز	حوت	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲			محمد داود الحسینی

بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز
بسبب دهم محرم الحرام رخصتی یکروز
بسبب مولود سعادت آمود ۱۲ ربیع الاول رخصتی یکروز
بسبب جشن استقلال رخصتی هشت روز در برج اسد
بسبب افتتاح شورای ملی ۸ سنبله رخصتی یکروز
ولادت باسعادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ۲۲ میزان ۱۲۹۳
بسبب جشن نجات در ۲۳ میزان رخصتی یکروز
جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت محمد ظاهر شاه ۱۶ عقرب ۱۳۱۲
بسبب اول رمضان المبارک رخصتی یکروز.
بسبب عید فطر رخصتی سه روز.
بسبب عید اضحی رخصتی چهار روز.

هیئت انجمن ادبی کابل

Le Directeur et les Membres Actifs du Cercle Littéraire de Kaboul



عالیقدر صداقتمآب شهزاده احمد علی خان درانی
« مدیر انجمن ادبی »



عالیقدر حفیظ الله خان «مهتمم سالنامه »



عالیقدر غلام جیلانی خان اعظمی
« معاون انجمن ادبی »



عالیقدر سرور خان گویا « عضو انجمن ادبی »



عالیقدر فاضل قاری عبدالله خان، شاعر شهیر
« عضو انجمن ادبی »



عالیقدر محمد کریم خان نزیهی
«عضو انجمن ادبی»



عالیقدر امین‌الله خان زمریالی
«عضو انجمن ادبی»



عالیقدر سید قاسم خان رشتیا
«عضو انجمن ادبی»



عالیقدر غلام جیلانی خان جلالی
«عضو انجمن ادبی»



عالیقدر محمد سرور خان صبا
«عضو انجمن ادبی»

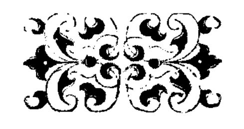
هیئت تحریر دفتر انجمن ادبی کابل

Le Bureau du Cercle Littéraire de Kaboul.



فهرست مضامین سالنامهٔ کابل

سال ۱۳۱۲



فهرست تصاویر سالنامهٔ کابل

سال ۱۳۱۲

فهرست تصاویر

و

غلطنامه

از قارئین محترم خواهش میرود که نخست اغلاط ذیل را تصحیح نموده، سپس بمطالعه آغاز بفرمایند:

صفحه	سطر	غلط	صحیح
١	٢	دار لسطنه	دار السلطنه
١٨	٣	دو کاوش ها	وکاوش ها
٢٠	١٩	صفحامنشی های یاورق	هخامنشی ها
٢٢	٨	ممندی - ایک	انگلیسی - ایک
٢٥	١٥	یگویم	بگویم
٢٥	١٨	٨٠٠٠	٨٠٠
٣٢	١٣	٤٦٠ متر	٩٤٠ متر
٣٣	٣٣	ردمتر	دو متر
٤٤	١٧	باجود	باوجود
٣٥	٥	مفتاوت الاضلاع	متفاوت الاضلاع
٣٦	٢٤	اورالوپرمی شن	ارالوپرمی ئن
٣٦	٢٦	«	« « «
٣٦	١٧	«	« « «
٣٧	٣١	دره کلیم	دره کلم
٣٨	٣	خاواك بسندان	خاواك بسمندان
«	٣٤	وتل خاواك	کوتل خاواك
٣٩	٣١	کوتل یارون ٤ هزار متر	کوتل پارون ٤٦٠٠ متر
٤٠	٧	خارنیت	خاصیت
٤٨	٩	نبدر ٥٢ ونیم	بقدر ٥٢ ونیم
٤٨	٣١	سوشه	شوسه
٥٦	٢٢	اشجار این حصص	در اشجار این حصص
٥٨	٣٦	طیورنکه	طیوریکه
٥٩	٩	تعییر خان آباد	تعمیر خان آباد
٥٩	١١	شورتیپه	پشه تیپه
٦٧	٢٣	که درخشند گی	که بدرخشند گی
٦٧	٢٣	معلوم باشد	معلوم شد
٦٨	١٨	پطرول دار است	پطرول را دار است
٧١	١١	فستقی	پسته ئی
نقشه مقابل	٤٠	اشکال ومخصوص	رنگهارا اشکال مخصوص
٧٩	١٩	سمت مشرق مغربی	از طرف غرب بشرق
٨٠	٢٥	مشرقاً غرباً	غرباً بافغانستان امتداد یافته
٩٥	٥	مدیت	مدیریت
٩٧	٩	لسی	بسی
١٢٢	١٢	رگمرك	گمرك
١٢٨	٧	٢٨	١٢٨
١٢٨	٧	جمعیت العما	جمعیت العلما
١٧٢	٢٢	خش گواری	خوش گواری
١٣٢	١٠	ارغستان	ارغسان (اراکوسیا)
١٣٣	٢٤	میرفضلی احمد خان	میر فضل احمد خان
١٣٤	٢١	مرکز و علاقه داریها بیرون سونه	مرکز و علاقه داری های بیرون سونه
١٤٥	٢	افرادوخوردضابطان	افراد وخورد ضابطان و ضابطان
١٤٦	٢٦	تیبدل فورم البسه	فورم البسه
١٤٦	٢٦	ساخته شده	تبدیل شده
١٤٨	١	نعلیم	تعلیم
١٥٢	٢٦	علی نگار	النگاره
١٥٤	٧	اسکان	سکونت

ت